

شاهنام

طبع انتقادی شاهنامه فردوسی

\*\*\*

بتصحیح: جلال خالقی مطلق  
حروف چینی: اورینت اسکرپت (لندن)

ناشر: Bibliotheca Persica

پخش کننده: The State of New York University Press

محل نشر: نیویورک

بکوشش: احسان یارشاطر

\*\*\*

همه حقوق محفوظ

ابوالقاسم فردوسی  
شاهنامه

بگوشش :  
جلال خالقی مطلق

بامقدمه  
احسان یارشاطر

دفترتکم



## فهرست مطالب دفتر یکم

یازده	مقدمه : احسان یارشاطر
نوزده	پیشگفتار : جلال خالقی مطلق
سی و سه	دستنویس های اساس تصحیح این دفتر

## دیباچه

۴	گفتار اندر ستایش خرد
۵	گفتار اندر وصف آفرینش عالم
۷	گفتار اندر آفرینش مردم
۸	گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه
۹	گفتار اندر ستایش پیغمبر
۱۱	گفتار اندر فراهم آوردن شاهنامه
۱۲	گفتار اندر داستان ابو منصور دقیقی
۱۳	گفتار اندر داستان دوست مهر بان
۱۴	گفتار اندر ستایش امیرك منصور
۱۵	گفتار اندر ستایش سلطان محمود

## گیومرت

۲۱ پادشاهی گیومرت سی سال بود

## هوشنگ

۲۹ پادشاهی هوشنگ چهل سال بود  
۳۰ [گفتار اندر نهادن جشن سده]

## طهمورت

۳۵ پادشاهی طهمورت سی سال بود

## جمشید

۴۱ پادشاهی جمشید هفتصد سال بود  
۴۵ گفتار اندر داستان مرداس

## ضحاک

۵۵ پادشاهی ضحاک تازی هزار سال بود  
۵۷ گفتار اندر خواب دیدن ضحاک  
۶۲ گفتار اندر زادن آفریدون از مادر

- ۶۶ گفتار اندر داستان کاوه‌ی آهنگر با ضحاک تازی  
۷۱ گفتار اندر رفتن آفریدون به جنگ ضحاک

## فریدون

- ۸۹ پادشاهی فریدون پانصدسال بود  
۱۰۳ گفتار اندر آزمون کردن شاه آفریدون پسران را به ناشناس  
۱۰۶ گفتار اندر بخش کردن آفریدون جهان را بر پسران  
۱۱۶ گفتار اندر نامه فرستادن شاه فریدون به سلم و تور  
۱۲۵ گفتار اندر زادن منوچهر از مادر  
۱۳۶ گفتار اندر آمدن سلم و تور به جنگ آفریدون  
۱۴۳ گفتار اندر نامه فرستادن منوچهر بنزدیک شاه آفریدون  
۱۵۳ گفتار اندر نامه نوشتن منوچهر بنزدیک شاه آفریدون

## منوچهر

- ۱۶۱ پادشاهی منوچهر صد و بیست سال بود  
۱۶۴ گفتار اندر داستان سام نریمان و زادن زال  
۱۶۸ گفتار اندر خواب دیدن سام نریمان  
۲۰۵ گفتار اندر نامه نبشتن زال بنزدیک سام  
۲۲۱ گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از پیوند گرفتن زال با دختر مهرباب  
۲۲۶ گفتار اندر آگاهی یافتن سام نریمان از آمدن پسرش زال  
۲۳۱ گفتار اندر نامه فرستادن سام نریمان بنزدیک شاه منوچهر  
۲۴۴ گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از آمدن زال  
۲۴۷ گفتار اندر سخن پرسیدن موبدان از زال

- ۲۶۵ گفتار اندر زادن رستم از مادر به فیروز  
 ۲۷۰ گفتار اندر آمدن سام نریمان از گرگساران بنزدیک رستم  
 ۲۷۵ گفتار اندر اندر ز کردن منوچهر نوذرا  
 ۲۷۵ [گشتن رستم زال پیل سپیدرا]  
 ۲۷۷ [رفتن رستم به کوه سپند به خون خواستن نریمان]

## نوذر

- ۲۸۵ پادشاهی نوذر هفت سال بود  
 ۲۸۹ گفتار اندر آگاهی یافتن پشنگ از مرگ منوچهر  
 ۲۹۳ گفتار اندر آمدن افراسیاب به ایران زمین به جنگ نوذر  
 ۳۰۹ گفتار اندر داستان شماساس  
 ۳۱۶ گفتار اندر پادشاهی افراسیاب اندر ایران زمین

## زوطهماسپ

- ۳۲۷ پادشاهی زوطهماسپ پنج سال بود  
 ۳۲۹ گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از مرگ زوطهماسپ  
 ۳۲۹ [پادشاهی کرشاسپ زونه سال بود]  
 ۳۳۹ [رفتن رستم به البرز کوه بطلب کیقباد آوردن او را]

## کیقباد

- ۳۴۵ پادشاهی کیقباد صد سال بود



# فهرست ها

۳۶۳

فهرست نام کسان

۳۷۱

فهرست نام جای ها

پیشگفتار به انگلیسی : احسان یارشاطر



## مقدمه

چاپ کنونی شاهنامه فردوسی که نتیجه همت بلند و پژوهش ممتد دوست دانشمند دکتر جلال خالقی مطلق است چاپی است علمی و تحقیقی. غرض از آن این است که متنی استوار از این اثر بلند پایه، هرچه درست‌تر و نزدیک‌تر به سخن اصلی فردوسی، در دسترس خواستاران قرار گیرد.

با وجود مقام والای شاهنامه در فرهنگ و ادب ایران و با وجود کوششهایی که از نخستین سالهای قرن نوزدهم مسیحی از طرف دانشمندان برای بدست دادن متن درستی از آن صورت گرفته این مقصود تا کنون برآورده نشده است. چه، متن شاهنامه در طی قرن‌ها در اثر عوامل گوناگون تغییر بسیار یافته است: کاتبان کم مایه یا بی دقت ابیات آنرا درست نخوانده و به غلط نسخه برداری کرده‌اند؛ ناسخانی که طبع شعری داشته‌اند هر جا دچار مشکلی شده یا در فهم بیتی درمانده‌اند از طبع خود یاری خواسته و در تألیف شرکت جسته‌اند؛ صاحبان و خوانندگان شاهنامه غالباً بر حسب ذوق زمان و یا سلیقه فردی به «اصلاح» سخن فردوسی پرداخته و در نسخه‌ها دست برده‌اند؛ گویندگان یا کاتبانی که اندیشه‌ای خلاف اعتقادات خود در متن یافته‌اند و یا سخن فردوسی را در تایید مطلوب خود کوتاه پنداشته‌اند به افزودن و کاستن ابیات پرداخته‌اند، چنانکه در دیباچه شاهنامه، جایی که فردوسی چند بیتی در ستایش مذهب خود گفته است، بنا بر تشخیص مصحح دانشمند «سراسر قطعه میدان ستیز قلمهای سنی و شیعی شده»<sup>۱</sup>؛ شاعرانی که فریفته سخن فردوسی بوده‌اند ابیات یا قطعاتی و حتی داستان‌هایی تمام به تقلید وی برای طبع آزمائی سروده سپس به پیروی از هوس خام این ابیات یا قطعات را در شاهنامه داخل کرده‌اند، هم چنین تحوّل تدریجی زبان فارسی در کتابت شاهنامه مؤثر شده و کلمات و عبارات آشنا را جانشین عبارات و کلمات مهجور کرده است. از طرفی رواج شاهنامه در میان مردم فارسی زبان و سرزمین‌هایی که فرهنگ ایران در آنها نفوذ یافته، و هم چنین رسم از بر کردن ابیات شاهنامه به عنوان تمرینی در شعر و ادب نیز راه را برای تصرف در شاهنامه هموار نموده است. از اینرو تفاوت میان

۱- جلال خالقی مطلق- «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، ایران نامه، سوم، ۱، ۱۳۶۳، ص ۲۸.

دستنویس‌های شاهنامه و اضافه و نقصان در ابیات آنها بیش از آن است که در سایر آثار زبان فارسی دیده میشود، بطوری که در برخی از چاپهای شاهنامه شاید نتوان بیش از دوسوم ابیات را دقیقاً متعلق به فردوسی دانست.

بدبختانه از زمان خود فردوسی، و پس از آن هم تا بیش از دو یست سال، نسخه‌ای از شاهنامه در دست نیست و نسخه‌های کهن در آشوب ایام از میان رفته است. در نتیجه حتی قدیم‌ترین دستنویس‌های موجود شاهنامه نیز مشمول دگرگونی و افزایش و کاهش است. از اینرو کسی که به تصحیح و پاکسازی متن شاهنامه می‌پردازد کاری بس دشوار در پیش دارد. یک مشکل کار، چنانکه گذشت، وجود نداشتن نسخه‌ای نزدیک به زمان فردوسی و دگرگونی بسیار در نسخه‌های موجود است. مشکل دیگر، حجم کتاب است. اگر شاهنامه اثری کوتاه بود بصیرت در آن آسان‌تر دست میداد. مشکل دیگر فراوانی دستنویس‌های شاهنامه است که کار احاطه بر آنها را دشوار میکند.<sup>۲</sup> دشواری دیگر کهن بودن زبان شاهنامه و فقدان نسخه‌های اصیل از آثار قرن چهارم است تا ما را در حل مشکلات زبان یاری کند. همین دشواریها باعث شده که آراستن متن درستی از شاهنامه و پیراستن آن از افزوده‌ها و دگرگونیها تا کنون به تعویق افتاده، و این با وجود چند طبع انتقادی است که از شاهنامه انتشار یافته است.

اهتمام در چاپ شاهنامه نخست در سده نوزدهم در هندوستان آغاز شد که زبان و ادب فارسی هنوز در آن رواجی تمام داشت. در سالهای نخستین این قرن مَثیو لامسدن<sup>۳</sup> از استادان زبان فارسی و عربی در هندوستان با کمک چند تن از ادبای هند به تهیه متنی از شاهنامه بر اساس مقابله چندین نسخه که کهن‌ترین آنها مورخ به سالهای ۸۲۱ و ۸۸۲ بود<sup>۴</sup> دست زد و در ۱۸۱۱ مسیحی (۱۱۹۰ خورشیدی) جلد اول از متن را با حروف سربی به خط نستعلیق منتشر کرد، ولی به سبب کوتاه شدن کمک مالی دولت هند به اتمام کار که در هشت جلد پیش بینی شده بود توفیق نیافت. پس از وی یکی از افسران دانشمند انگلیسی، به نام ترنر مَگن<sup>۵</sup> دنباله کار لامسدن را گرفت و چاپ کامل شاهنامه را در چهار جلد، با مقدمه‌ای در آغاز و ابیات الحاقی و فهرستی از کلمات دشوار در پایان، با حروف سربی به خط نسخ در ۱۸۲۹ (۱۲۰۸ خورشیدی) منتشر ساخت. از آغاز شاهنامه تا آخر داستان رستم و سهراب در چاپ مَگن اساساً همان است که لامسدن فراهم کرده بود و مَگن آنرا

۲- بر حسب تخمین دکتر خالقی تنها از قرن هفتم تا آخر قرن دهم نزدیک به ۲۵۰ نسخه خطی در نقاط مختلف دنیا پراکنده است.

۳- Mathew Lumsden استاد Fort William College

۴- مقدمه، ص ۷، برای وصف نسخه‌های لامسدن ص ۳۷ «خاتمه‌الکتاب» طبع او و بعد دیده شود.

۵- Turner Macan مترجم فرمانده نیروی نظامی و عضو انجمن آسیائی بنگال.

با برخی اصلاحات جزئی در چاپ خود جای داد. بقیه این چاپ بر اساس هفده نسخه کامل و چهار نسخه ناقص قرار داشت که کهن‌ترین آنها همان دو نسخه مذکور لامسدن بود.<sup>۶</sup> مخارج مقابله نسخ را دولت هند و هزینه طبع را نصیرالدین حیدر، پادشاه آوده در هندوستان پرداخت نمود.<sup>۷</sup> چاپ مکن بزودی رواج یافت و مبنای چاپهای متعدد در هندوستان و ایران شد.

نه سال بعد، ژول مل<sup>۸</sup>، دانشمند فرانسوی چاپ تازه‌ای از شاهنامه را با ترجمه آن به زبان فرانسه بر اساس سی و پنج نسخه که هشت نسخه از آنها به کتابخانه پادشاهی (بعدها: ملی) پاریس متعلق بود<sup>۹</sup> آغاز کرد و آن را در ۱۸۷۸ در هفت مجلد به قطع سلطانی در دو چاپ عمومی و مجلل با مقدمه‌ای مبسوط در پاریس به پایان آورد. چاپ مجلل این طبع بسیار زیبا و از شاهکارهای فن طبع است. چاپهای مکن و مل هیچیک شامل ضبط نسخه بدلها نیست و از اینرو خواننده کلاً متکی به تشخیص مصحح است و راهی برای استنباط شخصی بر او گشوده نیست. از این گذشته نسخه‌های کهن‌تر و استوارتر شاهنامه، مثل نسخه ۶۱۴ ه.ق. / ۱۲۱۷ م. فلورانس و نسخه ۱۲۷۶/۶۷۵ لندن و نسخه ۱۳۳۰/۷۳۱ استانبول و نسخه ۱۳۳۳/۷۳۳ لنین‌گراد و نسخه‌های ۱۳۴۱/۷۴۱ و ۱۳۹۴/۷۹۶ قاهره که بعداً مکشوف شد، در اختیار مکن و مل قرار نداشت و بدین سبب کوشش مشکور آنها نمی‌توانست به نتیجه مطلوب راهبر شود.

اندکی پیش از پایان چاپ مل، یوهان فولرس<sup>۱۰</sup> دانشمند آلمانی دست به تهیه طبع جدیدی از شاهنامه بر اساس مقایسه متن مکن و مل زد و اختلاف آن‌ها را در حواشی ضبط نمود. سه جلد از این متن یعنی تا آخر شاهنشاهی دارا میان سالهای ۱۸۷۷-۸۴ منتشر گردید<sup>۱۱</sup>. این چاپ اساس چاپی است که کتابخانه بروخیم تهران به ترتیب با کمک مجتبی مینوی (جلد ۱) عباس اقبال (جلد ۲-۵)، سلیمان حثیم (جلد ۶) و سعید نفیسی (جلد ۷-۱۰) در سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ با تصاویری از «درویش پرورده ایرانی» از نقاشان مبتکر ارمنی در تهران انتشار داد. قسمتی از شاهنامه که فولرس به طبع آن توفیق نیافته بود به اهتمام سعید نفیسی بر پایه چاپهای مکن و مل و با پیروی از روش فولرس فراهم شد (همان جلد‌های ۷-۱۰). طبعاً چاپهای فولرس و

۶- برای شرح نسخ صفحات ۵-۳ مقدمه فارسی و صفحات xii-xviii مقدمه انگلیسی دیده شود.

۷- مقدمه فارسی، ص ۷.

۸- Jules Mohl

۹- ص Lxxxiv مقدمه و بعد.

۱۰- Joannes A. Vullers

۱۱- جلد سوم پس از مرگ وی با اهتمام شاگرد و همکارش ساموئل لنداور Samuel Landauer منتشر گردید.

بروخیم چیزی بر آنچه از چاپهای مکن و مل بدست میامد نمی افزود<sup>۱۲</sup>.

در دهه ۱۹۵۰ مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی عده‌ای از دانشمندان را به سرپرستی ی. ا. برتلس<sup>۱۳</sup>، و پس از وفات وی در ۱۹۵۷، به سرپرستی عبدالحسین نوشین، به تهیه متنی علمی از شاهنامه گماشت که طی یازده سال میان سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۱ در نه جلد در مسکو انتشار یافت. این چاپ برخلاف چاپهای گذشته بر اساس چند نسخه مشخص قرار دارد و از چند جهت از چاپهای گذشته برتر است. یکی از آن جهت که در آن نخستین بار نسخه ۶۷۵ لندن که یکی از بهترین نسخه‌های موجود شاهنامه است و تا سال ۱۹۷۷ که نسخه فلورانس توسط دانشمند ایتالیائی آنجلوپیه مونتره<sup>۱۴</sup> کشف شد کهن‌ترین نسخه شاهنامه بشمار میرفت مورد استفاده قرار گرفته. دیگر از آن رو که نسخه بدلها در پاورقی ضبط شده. سوم آنکه ترجمه کهن شاهنامه به عربی که توسط بنداری اصفهانی میان سالهای ۶۱۵ و ۶۲۴ انجام یافته مورد توجه قرار گرفته است. اما از طرفی عده نسخه‌ای که مصححان این چاپ اختیار نموده بودند بسیار محدود و در آغاز بجز نسخه لندن منحصر به سه نسخه بود که هر سه در اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت<sup>۱۵</sup>، و گرچه از جلد چهارم بعد دستنویس ۷۹۶ قاهره نیز به کار گرفته شد<sup>۱۶</sup>، باز عده نسخ هم‌چنان محدود ماند. از این گذشته از مقدمه جلد اول پیداست که مصححان از برخی معایب کارهای گروهی برکنار نمانده‌اند و نیز در آغاز در اختیار میان دوروش «انتخاب اقدام» و «ترجیح اصح» دچار تردید شده، و هرچند از جلد سوم مصححان عموماً به انتخاب اقدام گرائیده و در یک دست کردن روش خود کوشیده‌اند، باز برخی عوارض کارهای گروهی بجا مانده است. در اینگونه کارها با آنکه مصححان از مزایای مشورت و تبادل نظر برخوردارند غالباً به علت تفاوت سلیقه افراد بکار بستن روش واحد و مداومی در تصحیح دشوار میشود. هم‌چنین در تصحیحاتی که بنای آن بر تقسیم کار میان دانشمندان متعدد است احاطه و تبخری که در نتیجه ممارست در اثری برای یک تن طی سالیان دراز حاصل میشود کمتر مشهود است. نواقص چاپ مسکو، با وجود مزایای آشکارش، از نظر مصححان منصف آن دور نماند، و در نتیجه پیش از پایان چاپ مجلدات آن آقایان رستم علی یف و محمد نوری عثمانوف که در تصحیح چاپ مسکو شرکت داشتند به منظور رفع نواقص این چاپ و بدست دادن متن درست‌تری، طبع تازه‌ای از شاهنامه را با کمک

۱۲- گذشته از آنچه ذکر شد چاپهای متعددی از شاهنامه عموماً بر اساس چاپهای مکن و مل و فولرس، بخصوص مکن، در ایران و هندوستان به طبع رسیده. از جمله چاپهای رایج سربی میتوان از چاپ محمد رضانی (۱۳۱۲) و چاپ امیر کبیر به اهتمام دکتر محمد جعفر محجوب (۱۳۵۰) و چاپ دکتر محمد دبیرسیاقی (۱۳۳۵)، با کشف الایات در دو جلد ۵۰-۱۳۴۸ نام برد.

۱۳- É.E. Bertels

۱۴- Angelo M. Piemontese

۱۵- جلد اول، ص ۱۲ مقدمه و بعد.

۱۶- مقدمه جلد چهارم دیده شود.

کتابخانه پهلوی آغاز کردند. جلد اول در سال ۱۹۷۱ و جلد دوم به اهتمام رستم علی یف و احمد طباطبائی دو سال بعد منتشر شد و پس از آن متروک ماند. در طبع این دو جلد مصححان عدّه نسخ را به هشت رساندند که البته شامل همه دستنویسهای سودمند شاهنامه نیست و بخصوص جای نسخه فلورانس در میان آنها خالی است.

در سال ۱۳۵۱ وزارت فرهنگ و هنر ایران مؤسسه‌ای به نام «بنیاد شاهنامه فردوسی» به مدیریت زنده یاد مجتبی مینوی و با همکاری چند تن از پژوهشگران<sup>۱۷</sup> برای گردآوری نسخه‌های عکسی شاهنامه و مقابله آنها و تنظیم متن انتقادی شاهنامه بنا نهاد. از آنچه این بنیاد فراهم کرد داستان رستم و سهراب با مقدمه مجتبی مینوی و ذکر نسخه بدلها در آخر کتاب و برخی توضیحات در حاشیه در ۱۳۵۲ و داستان فرود بدون نسخه بدل در ۱۳۵۴ و داستان سیاوش به شیوه داستان رستم و سهراب و با مقدمه مبسوطی از مهدی قریب در سال ۱۳۶۳، پس از درگذشت مینوی، بی نظم معینی منتشر گردید. اساس طبع این داستانها همان نسخه ۶۷۵ لندن است، ولی از هفت تا نه نسخه دیگر و هم‌چنین از ترجمه عربی بنداری نیز در تصحیح متن استفاده شده<sup>۱۸</sup>. اگرچه مزیت طبع این داستانها بر چاپهای گذشته آنها پوشیده نیست و بخصوص در کار تصحیح آنها بصیرت بیشتری در سخن فردوسی مشهود است، مقصودی که بنیاد شاهنامه پیشنهاد خود ساخته بود بدرستی برآورده نشد، بخصوص که در طبع این داستانها از نسخه فلورانس بهره‌مندی حاصل نگردیده و نظم روشنی در انتشار آنها بکار نرفته و برخی از عوارضی که در مورد طبع مسکو یاد گردید گاه در اینها نیز مشهود است.

از اینهمه پیدا است که طبع متنی از شاهنامه که بتوان در حدّ منابع موجود اعتماد کلی بر آن کرد هنوز جامعه عمل به خود نپوشیده و کار پاکسازی شاهنامه هنوز در پیش است.

برای آنکه بتوان از میان انبوه نسخه‌های گوناگون شاهنامه به متن درست آن دست یافت نخست باید عکس همه نسخه‌های معتبر، و حتی نسخه‌هایی را که احتمال اندک سودی در آنها می‌رود گرد آورد، و چون به آنچه در فهرست‌ها در توصیف دستنویس‌ها آمده و حتی به رقم خود نسخ همیشه اعتماد نمیتوان کرد<sup>۱۹</sup> ناچار باید نسخه‌های معتبر را در حدّ امکان دید و به دقت آزمود و از نوع کاغذ و مرکب و سبک خط و تاریخ آنها اطمینان

۱۷- احمد تفضلی، علی رواقی، عباس زریاب، سید جعفر شهیدی؛ و نیز محمد روشن و مهدی قریب که به ترتیب تهیه و متن داستان فرود و داستان سیاوش را به عهده داشتند.

۱۸- داستان رستم و سهراب صفحات ۲۱ و ۲۲ و داستان سیاوش صفحات د تا یا.

۱۹- چنانکه یکی از نسخ قاهره که مصححان مسکو مورخ ۷۱۰ شماره‌اند (جلد اول، طبع دوم، ص ۷) بگمان مینوی در تاریخ آن دست برده‌اند و تاریخ آن محتملاً ۱۱۰۵ بوده است (۱. افشار کتابشناسی فردوسی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۱۱، حاشیه، به نقل از مینوی).

قطعی حاصل نمود. سپس باید نسخه هائی را که از آزمایش مقدماتی سرفراز بیرون آمده اند دقیقاً مطالعه کرد و مقام و اعتبار هر یک را باز شناخت و پیوند و خویشی آنها را با یکدیگر سنجید و نسب هر یک را بجا آورد، و این خود کار سالها است. آنگاه چون کار آگاهی که در جستجوی هویت پوشیده کسی است باید در پی کشف آنچه فردوسی سروده است و حال ممکن است به علت دستبردهای گوناگون روی پنهان کرده باشد برآمد. معمولاً نسخه کهن تر را باید درست تر شمرد ولی این قاعده عام نیست، زیرا کهن ترین نسخه های شاهنامه هم بیش از دو قرن پس از فردوسی کتابت شده و مصون از تصرف نمانده اند. از این گذشته، ممکن است نسخه ای جدید اگر از روی نسخه ای درست و کهن نوشته شده باشد با وجود تازگیش از نسخه ای قدیمتر برتر باشد. پس اعتماد مطلق بر قدیمترین نسخه مشکل را آسان نمی کند، بلکه مصحح متن باید در هر مورد پس از بررسی نسخه بدلها و سنجیدن سن و اعتبار هر یک به داوری بنشیند و قرائت درست را بر اساس مقایسه نسخه های معتبر و ملاحظات دیگر اختیار کند. اما این داوری وقتی ارزش دارد که از روی علم و آگاهی انجام بگیرد و هم چنین توأم با ارائه منابع و محفوظ داشتن حق داوری برای خوانندگان باشد، و این غیر از حاکم قرار دادن ذوق و سلیقه فردی در تصحیح متون بطور مطلق است که سابقاً روشی بسیار مرسوم بود. روش دیگری که به موجب آن کهن ترین نسخه را متن قرار دهند و تا ممکن است از تصرف در آن پرهیزند و تفاوت دستنویس های دیگر را بصورت نسخه بدل در حاشیه بیاورند طبعاً علمی تر از روش پیشین است و موجب رواج اشتباه نمیشود، ولی کار خواننده را نیز چندان آسان نمی کند. روشی است تا حدی «ماشینی» که در اعمال آن مصحح خود مسئولیتی نمی پذیرد و بینش خود را، خواه به سبب احتیاط و خواه به علت پرهیز از کوشش فکری و خواه برای احتراز از قبول مسئولیت، به کار نمی بندد. روش مُل و مکن اصولاً روش «ترجیحی» و روش چاپ مسکودر اساس روش «اختیار اقدم» است و در نتیجه هیچیک نیز وافی به مقصود نیست.

کمال مطلوب این است که مصحح امانت علمی را با تشخیصی که مبتنی بر آگاهی درست باشد بیامیزد. غرض از آگاهی درست این است که مصحح در سبک کلام گوینده و خصوصیات لغوی و دستوری اثر او و آثار معاصران او بصیر باشد و تحولات زبان و ادبیات و جامعه را در چند قرن پس و پیش از اثر بشناسد. چنین آگاهی و احاطه ای به دست نمی آید مگر از راه ممارست در پژوهش. مثلاً در مورد اثر فردوسی از راه خواندن و بازخواندن و مکرر خواندن شاهنامه و آثار معاصران فردوسی از دیوانهای شعر و کتابهای ادب و تاریخ و فلسفه و جز آنها، و موشکافی در تاریخ جامعه ایرانی در نخستین سده های اسلامی، و بررسی لغات و دستور زبان فارسی در قرنهای چهارم و پنجم و ششم، و توجه به اصول و شیوه حماسه های مشابه، و آشنائی با آن دسته از آثار فارسی میانه (پهلوی) که میتواند روشنگر بعضی از چگونگیها و منابع شاهنامه باشد. مثل «یادگار زریران» و «کارنامه اردشیر پاپکان» و اندرزنامه های متعدد پهلوی. و نیز مطالعه ترجمه هائی که در قرنهای نخستین اسلامی از فارسی میانه به عربی صورت گرفته، و تأمل در آئین و مذهب و آداب ایران پیش از اسلام که شاهنامه پهلوی،



یعنی «خداینامه»، در آب و هوای آن سروده شده و اثر عمیق آن در زیرپوشش نیمه اسلامی شاهنامه همه جا نهفته است، و باز تحقیق در جنبشهای فکری و مذهبی و سیاسی و ادبی سده‌های نخستین اسلامی که طبعاً در نحوه اندیشه و ذوق فردوسی مؤثر بوده‌اند، و هم‌چنین پژوهش در تحولات سده‌های بعد که در پسند و اندیشه کاتبان و صاحبان شاهنامه و متصرفان در آن اثر داشته است.

کسی که در این طریق پایداری کند سرانجام آشنائی خاصی با سخن فردوسی و جهان بینی و آراء و عواطف او و همچنین شیوه تصرف نسخه برداران و داستانگویان و شاهنامه خوانان پیدا میکند که اگر با طبعی پذیرا و منصف و ذهنی دور از تعصب‌ها و افراطهای تژادی و مذهبی و ادبی جمع شود میتواند در تمیز درست از نادرست و در پاکسازی متن شاهنامه کارگشا شود. البته سلامت طبع و انصاف و پرهیز از تعصب از شرایط عینی نیست و هر پژوهشگر کج طبع و کج اندیشه‌ای هم میتواند مدعی آن شود و در خود به رعنائی نظر کند و فکر سقیم خود را عین صواب بشمارد. اما خوشبختانه چنان نیست که اهل ادب در این میدان بی دفاع باشند. برای تشخیص شایستگی هرکسی که دست به نقد و اصلاح متنی میزند ملاک و معیاری هست، و آن قبول اهل اندیشه و تحقیق و اجماع اهل فن است.

جای کمال خشنودی است که دکتر خالقی مطلق این شرایط را همه در خود فراهم دارد. بیش از بیست سال است که پژوهش در شاهنامه و تدوین متن در خور اعتمادی از آن را پیشنهاد همت خود ساخته، بلکه هدف زندگی علمی خود قرار داده است. همه نسخه‌های معتبر و نیز بسیاری از نسخه‌های کم‌سود شاهنامه را از نظر گذرانده و نسخه عکسی چهل و پنج دستنویس را که تا آخر قرن دهم تحریر شده به تدریج و به کوشش شخصی و بدون کمک فرد یا مؤسسه‌ای فراهم نموده و متن شاهنامه را مکرر به قصد تحقیق از نظر گذرانده و هر بیت آن را، چنانکه از مقالات متعدد وی<sup>۲۰</sup> آشکار است، موضوع دقت و موشکافی قرار داده است. در حقیقت مقالات تحقیقی دکتر خالقی در طی سالهای اخیر شاهنامه شناسی را پیشرفتی شایان بخشیده و پژوهندگان

۲۰- بدین قرآن «قواعد و ضوابط تصحیح متن شاهنامه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، یازدهم / ۴، ۱۳۵۴، صفحات ۶۳-۷۱۶؛  
 Der Plan einer neuen Schahname Edition, *Studia Iranica*, X/1, 1981, pp. 85-92؛ سی نکته در ایسات شاهنامه»، آینده، هشتم / ۹،  
 آذر ۱۳۶۱، صفحات ۸۴-۵۷۵ و ۱۱، بهمن ۱۳۶۱، صفحات ۹۸-۷۹۱؛ «نکته‌هایی درباره سی نکته شاهنامه»، آینده، دهم / ۳-۲، اردیبهشت و  
 خرداد ۱۳۶۳، صفحات ۲۵-۱۱۳ و ۵-۴، تیر و مرداد ۱۳۶۳، صفحات ۴۱-۳۳۱؛ «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، ایران نامه، سوم / ۱، پائیز ۱۳۶۳،  
 صفحات ۵۳-۲۶ و ۲، زمستان ۱۳۶۳، صفحات ۶۱-۲۴۶؛ «معرفی و ارزیابی برخی از دست‌نویس‌های شاهنامه»، ایران نامه، سوم / ۳، بهار ۱۳۶۴،  
 صفحات ۴۰۶-۳۷۸ و چهارم / ۱، پائیز ۱۳۶۴، صفحات ۴۷-۱۶ و ۲، زمستان ۱۳۶۴، صفحات ۵۵-۲۲۵؛ «یادداشت‌هایی در تصحیح انتقادی بر  
 مثال شاهنامه»، ایران نامه، چهارم / ۳، بهار ۱۳۶۵، صفحات ۹۰-۳۶۲ و پنجم / ۱، پائیز ۱۳۶۵، صفحات ۷۵-۴۷ و ۲، زمستان ۱۳۶۵، صفحات  
 ۸۵-۲۵۰.

ادب و فرهنگ ایران را سپاسگزار وی ساخته است. نتیجه همه آن تحقیقات متنی است که اکنون انتشار می‌یابد.

این طبع از نوع چاپهایی که در آن نسخه قدیمتر را متن قرار بدهند و به ثبت نسخه بدلها در حاشیه بسنده کنند و فقط احياناً اشتباه فاحشی را در متن اصلاح نمایند نیست. متن کنونی متن سنجیده و پیراسته‌ای است بر پایه دوازده دستنویس اصلی و سه دستنویس فرعی و هم چنین ترجمه عربی بنداری که دکتر خالقی آنها را پس از پژوهش کافی از میان چهل و پنج نسخه بهتر شاهنامه برگزیده است<sup>۲۱</sup>، از جمله نسخه فلورانس که بار اول است که در تصحیح متن کامل شاهنامه بکار میرود. هر بیت آن پس از مقایسه این نسخه‌ها و نقد عالمانه آنها در متن قرار گرفته و به تشخیص مصحح فاضل نزدیکترین صورت به گفته اصلی فردوسی است، پیراسته از زوائد و تصرفات، در حدودی که نسخه‌ها و منابع موجود و علم کنونی ما به شاهنامه امکان پذیر می‌سازد. در این چاپ، همه نسخه بدلها که کمترین فایده‌ای داشته است در حاشیه قید شده، و از نگریستن به آنها میتوان دانست که مبنای داوری مصحح در گزیدن یا فرو گذاشتن واژه یا بیتی چه بوده است. دلایلی که در هر مورد راهنمای مصحح دانشمند برای گزیدن واژه یا بیتی و یا فروهشتن بیت یا قطعه‌ای بوده است برای استفاده اهل فن بعداً در دو جلد جداگانه که ویژه توضیحات خواهد بود انتشار خواهد یافت.

نگارنده به سهم خود سپاسگزار کوشش مداوم و خستگی ناپذیر مصحح گرانمایه است و تردید ندارد که همه دوستداران زبان فارسی و فرهنگ ایران در این سپاس با وی سهیم اند.

آقای دکتر خالقی مطلق و اینجانب وظیفه خود میدانیم که امتنان قلبی خود را از حسن توجه مخصوص آقای دکتر خطیب شهیدی، مدیر شریف و ادب دوست مؤسسه «اورینت اسکرپت» ابراز بداریم. هم چنین باید از اهتمام و مراقبت صمیمانه دانشمند گرامی آقای دکتر احمد میرزاده در طبع کتاب صمیمانه تشکر کنیم و نیز سپاس خود را از خانم هما لهراسب و آقای علی بیرنگ که کار سنگین حروفچینی و صفحه بندی کتاب را انجام داده‌اند و آقای جمشید بهادری که در پیشرفت امور فنی مساعدت نموده‌اند اظهار نمائیم.

احسان بارشاطر

۲۱- برای شرح مختصر دستنویس‌ها به صفحات نوزده و بعد، و برای فهرست آنها به صفحه سی و سه رجوع شود. برای شرح تفصیلی نسخ، مقاله دکتر خالقی مطلق، «معرفی و ارزیابی برخی از دستنویس‌های شاهنامه»، که در حاشیه ۲۰ یاد شده، دیده شود.

## پیشگفتار

سپاس بی کران خداوند یکتا و توانا را که درخت کوششی که سالیان دراز به خون دل و رنج روان پرورانیدم، سرانجام به بار نشست و توانستم نخستین دفتر از تصحیح شاهنامه را به پیشگاه خواستاران شاهنامه و ادب فارسی و دوستداران تاریخ و فرهنگ ایران پیشکش نمایم.

بر هیچ کس پوشیده نیست که از میان همه نوشته های نیاکان ما ایرانیان که از دستبرد زمانه جان بدر برده و به دست ما رسیده اند، هیچ نوشته ای اهمیت شاهنامه فردوسی را در شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و هنر و بینش ها و آیین های باستان ایران و زبان و ادب فارسی و هویت ملی ما ندارد. و درست از همین روست که این کتاب در درازای هزار سال که از تاریخ سرودن آن میگذرد، فراوان دستخوش دستبردهای این و آن و بی امانتی های کاتبان گشته است.

سزاوار این اهمیت و در پاسخ به این دستبردها، بایستگی دانشی به نام شاهنامه شناسی آشکار گشته است که هر چند بیش از صد سال پیشینه دارد، ولی هنوز از خان نخستین دشواری ها گامی فراتر نرفته است و ما هنوز نتوانسته ایم زمینه این دانش را که فراهم آوردن متنی پالوده و پیراسته است برای پژوهش های دیگر آماده سازیم. چه با آنکه از زمان نخستین تصحیح کامل شاهنامه بدست ترنر مکن که در سال ۱۸۲۹ میلادی در کلکته انتشار یافت، بیش از صد و پنجاه سال میگذرد و در این میان تصحیح های چندی در ایران و بیرون از ایران بدست مصححان خودی و بیگانه انجام گرفته است، ولی هیچیک از آنان پاسخگوی نیاز و خواسته شاهنامه شناسان نبوده است. علت این ناکامیابی ها بسیار است که اهم آنها را استاد ارجمند آقای احسان یارشاطر در گفتار خود باز نموده اند و در اینجا دیگر نیازی به بازگویی آنها نیست.

از شاهنامه تا دو یست و اندی سال پس از پایان سرایش آن دستنویسی در دست نیست و از سده هفتم نیز تنها دو دستنویس مانده است که کهن تر آنها، یعنی دستنویس فلورانس مورخ ۶۱۴، نیز ناقص است و تنها نیمه نخستین شاهنامه را در بر دارد. ولی از سده هشتم تعداد دستنویس های آن بیشتر میگردد و هر چه جلوتر میاییم بر شمار آنها می افزاید، تا آنجا که شاید امروزه رقم دستنویس های کامل و ناقص این کتاب که در

کتابخانه‌های عمومی و مجموعه‌های شخصی در سراسر جهان پراکنده‌اند از هزار بیرون باشد. پیداست که دسترسی به همه این دستنویس‌ها کاری است نه شدنی و نه سودمند. بلکه اگر مصحح شمار بزرگی از دستنویس‌های سده‌های هفتم تا دهم را فراهم آورد، وظیفه تصحیح انتقادی را در این یک مورد بجای آورده است. همچنین تنظیم یک جامع نسخ از همین دستنویس‌ها نیز اگر هم شدنی باشد کاری بهبوده است، بلکه بسنده است که مصحح از میان آنها معتبرترینشان را برگزیند و اساس تصحیح قرار دهد، ولی البته در برخی موارد - چنانکه نگارنده کرده است - به دستنویس‌های دیگر نیز نگاهی بیافکند.

نگارنده برای تصحیح این کتاب از میان چهل و پنج دستنویس که فیلم و عکس آنها را فراهم آورده بود، پس از چندین سال بررسی، پانزده دستنویس را که از بقیه معتبرتر بودند برگزید و آنها را در دو گروه اساس تصحیح قرار داد. گروه نخستین دوازده دستنویس اصلی‌اند که ما اختلاف آنها را در زیر صفحه‌ها دقیقاً ثبت کرده‌ایم. گروه دوم سه دستنویس‌اند که با ترجمه عربی بنداری گروه دستنویس‌های غیر اصلی را میسازند و مصحح تنها در مواردی که بایسته دانسته است به آنها رجوع کرده است. علت‌گزینش این روش این است که این دستنویس‌ها از یکسو در دو سه پشت خود به دستنویس معتبری برمیگردند و از اینرو در موارد بسیاری ضبط‌های کهن را نگهداشته‌اند. ولی از سوی دیگر بدست دو سه کاتب آخرین به درجه بزرگی دستخوش دستبرد گشته‌اند.

برای نمونه از دستنویس لندن مورخ ۸۴۱ هجری نام ببریم که در ثبت بیت‌های اصلی در آن کمتر دستبرد رفته است و از اینرو برخی از ضبط‌های کهن که در بسیاری از دستنویس‌های دیگر دچار گشتگی شده‌اند در این دستنویس تندرست مانده‌اند، ولی از سوی دیگر در پس هر چند بیتی، بیت‌های الحاقی فراوانی درون متن کرده‌اند که اگر مصحح میخواست همه آنها را در زیر صفحه‌ها بیاورد، شاید در هیچ صفحه‌ای متن اصلی از یکی دو بیت افزون نمیشد، ولی به این بهانه در گذشتن از ضبط‌های کهن آن نیز درست نبود و نیز اگر زیرنویس‌ها را به علت حجم بزرگ آنها به پایان کتاب می‌بردیم از روش تصحیح انتقادی بیرون رفته بودیم. یکی دیگر از دستنویس‌های این گروه، یعنی دستنویس استانبول مورخ ۹۰۳ از این عیوب برکتار است و حتی جزو دستنویس‌های معتبر شاهنامه بشمار میرود و گذاشتن آن در این گروه تنها به علت نقص فنی میکروفیلم آن بود. همچنین گذاشتن ترجمه عربی بنداری در این گروه به این علت است که این ترجمه در بیشتر جاها ترجمه آزاد است و تنها در برخی موارد میتوان از آن بهره گرفت. به این دلایل ما بهتر دانستیم که در تصحیح از این گروه غیر اصلی کمتر بهره گیریم، ولی هر گاه که گرفته‌ایم ضبط آنها را (جز ترجمه بنداری) در میان کمانه گذاشته‌ایم تا حساب آنها از حساب دستنویس‌های اصلی جدا باشد.

نخستین وظیفه هر مصحح معرفی دستنویس‌های اساس کار است. حد اقل این کار بدست دادن نام و نشان و جای و تاریخ دستنویس‌های اساس تصحیح است که باید حتماً همراه تصحیح باشد و گرنه برای خواننده

بررسی کار مصحح اصلاً شدنی نیست. ما این مشخصات را در کوتاه‌ترین صورت آن همراه با نشانه‌های دیگری که در این تصحیح بکار رفته‌اند، در دو صفحه گرد آورده‌ایم که پس از این پیشگفتار خواهد آمد. ولی البته وظیفه تصحیح انتقادی بیش از این است و بر مصحح است که دستنویس‌های خود را به دقت و تفصیل و پیش از انتشار تصحیح یا هم‌زمان با آن معرفی و ارزیابی کند. چیزی که هست هیچ لزومی نیست که چنین کاری حتماً همراه با خود تصحیح باشد. نگارنده که میخواست این بررسی را در مورد دستنویس‌های شاهنامه با شرح و بسط بیشتری انجام دهد، بهتر دانست که آنرا جداگانه انتشار دهد (نگاه کنید به شماره‌های سال سوم و چهارم مجله ایران نامه).

یک وظیفه مهم دیگر تصحیح انتقادی شرح اصول کلی شیوه تصحیح و برشمردن دلایل برتری دادن ضبطی بر ضبط دیگر و همچنین شرح و توضیح برخی از مطالب کتاب است. نگارنده همگام با کار تصحیح یادداشت‌های فراوانی در این زمینه‌ها گرد آورده است. برخی از این یادداشت‌ها پیش از این در برخی از نشریات منتشر شده‌اند (بیش از همه در شماره‌های سال سوم و چهارم و پنجم ایران نامه) و بقیه آنها سپس در دو دفتر جداگانه منتشر خواهد شد. اگر میخواستیم همه این مطالب را در زیر صفحه‌ها یا پایان دفترهای تصحیح بیاوریم، برخی از خوانندگان بر ما میگرفتند که با درازگویی‌های خود بر حجم کتاب افزوده و از متن اصلی آن کاسته‌ایم. گذشته از این با گذشت زمان بخشی از این توضیح‌های ما کهنه یا نادرست میشد و از اعتبار تصحیح ما میکاست. با اینهمه بایسته است که در اینجا سطری چند در شیوه تصحیح خود بیاوریم تا خوانندگان را راهنمای کوتاهی باشد:

نخست درباره خویشاوندی دستنویس‌های شاهنامه این نکته گفته شود که دستنویس‌های این کتاب را میتوان به چند شاخه کلی بخش کرد، ولی ترسیم نمودار یا درخت خویشاوندی آنها شدنی نیست، چون تنها میان چندتایی از آنها خویشاوندی ثابت و نزدیک هست. یکی خویشاوندی میان دستنویس‌های استانبول ۷۳۱، قاهره ۷۹۶ و برلین ۸۹۴. و دیگر خویشاوندی میان دستنویس‌های لنینگراد ۷۳۳ و پاریس ۸۴۴. خویشاوندی میان دیگر دستنویس‌ها یا دور است یا گردنده. برای نمونه دو دستنویس لندن ۶۷۵ و قاهره ۷۴۱ پس از آنکه در بخش بزرگی از آغاز کتاب با یکدیگر نزدیک‌اند، سپس دستنویس قاهره ۷۴۱ از لندن ۶۷۵ کمی دور میگردد و به دستنویس فلورانس ۶۱۴ نزدیک میشود، ولی هر سه دستنویس در یک شاخه باقی می‌مانند. همچنین دو دستنویس واتیکان ۸۴۸ و لنینگراد ۸۴۹ که در آغاز خویشاوندی بسیار نزدیک دارند، در داستان سیاوخش از یکدیگر دور میگردند، دستنویس نخستین به دستنویس لندن ۶۷۵ نزدیک میشود و دستنویس دومین به دستنویس‌های لنینگراد ۷۳۳ و پاریس ۸۴۴ میپیوندد. و یا دو دستنویس لیدن ۸۴۱ و اکسفورد ۸۵۲ که در آغاز کتاب از اعتبار بیشتری برخوردارند، از آغاز داستان سیاوخش ناگهان دچار فساد

میگردند و در عین حال با یکدیگر خوشاوندی بسیار نزدیک پیدا میکنند، تا آنجا که جای گمانی نمی ماند که این دو دستنویس در این داستان در یک یا دو پشت خود از یک دستنویس واحد و فاسد جدا گشته اند. علت این خوشاوندی های گردنده این است که دستنویس اساس کتابت، همه دفترها یا همه داستان های شاهنامه را نداشته است و یا در برخی جاها صفحه هایی چند از آن افتادگی داشته و کاتب ناچار در این جاها دستنویس دیگر را اساس کتابت قرار داده است. گذشته از این برخی از دستنویس های شاهنامه دارای خوشاوندی آمیخته هستند. یعنی وابستگی آنها را حتی در یک داستان واحد هم نمیتوان شناخت. این آمیختگی از اینجا پیدا شده است که کسی دستنویسی را با دستنویس دیگر از شاخه ای دیگر مقابله کرده و برخی اختلافات را در بالا و پایین بیت ها و کنار صفحه ها و میان ستون ها نوشته است. سپس چون این دستنویس اساس کتابت دیگر قرار گرفته، کاتب این اصلاحات را درون متن نموده است و از اینجا دستنویسی با خوشاوندی آمیخته پیدا گشته است.

این خوشاوندی گردنده در میان دستنویس ها سبب شده است که اعتبار دستنویس ها، نه تنها در سنجش با یکدیگر، بلکه در مورد هر یک از آنها نیز اعتباری ناستوار گردد. و بر این مشکل یک دشواری دیگر نیز افزوده میگردد و آن اینکه اعتبار دستنویس ها در سه موضوع اصالت واژه ها، اصالت بیت ها و اصالت روایات نیز متفاوت است. بدین معنی که در برخی از دستنویس ها واژه ها بیشتر دچار گشتگی شده اند و برخی دیگر بیشتر تک بیت های الحاقی دارند و در برخی دیگر بیشتر آن روایاتی را که فردوسی نگفته بود سروده و یا از جایی دیگر گرفته و به متن افزوده اند. برای نمونه دستنویس های فلورانس ۶۱۴، لندن ۶۷۵ و استانبول ۷۳۱ از نگاه اصالت واژه ها از همه معتبرترند و پس از آنها دستنویس های قاهره ۷۴۱ و لندن ۸۴۱ و واتیکان ۸۴۸ و لندن ۸۹۱ و استانبول ۹۰۳. از نظر کمتر داشتن تک بیت های الحاقی دستنویس های استانبول ۷۳۱، قاهره ۷۴۱، لندن ۸۹۱ و استانبول ۹۰۳ از همه معتبرترند و دستنویس های فلورانس ۶۱۴ و لندن ۶۷۵ با وجود کهنگی خود تک بیت الحاقی کم ندارند. و از نظر کمتر داشتن روایات الحاقی دستنویس های فلورانس ۶۱۴، استانبول ۷۳۱، لندن ۸۹۱، استانبول ۹۰۳ و ترجمه بنداری و پس از آنها دستنویس واتیکان ۸۴۸ از همه معتبرترند و دستنویس لندن ۶۷۵ با وجود کهنگی خود برخی از روایات الحاقی را دارد. با اینهمه میتوان گفت که رویهمرفته دستنویس فلورانس ۶۱۴ که فعلاً کهن ترین دستنویس شناخته شده شاهنامه است، معتبرترین آنها هم هست. همچنین دو دستنویس لندن ۶۷۵ و استانبول ۷۳۱ که دو مین و سومین دستنویس تاریخ دار ما می باشند، از نظر اعتبار نیز رویهمرفته همین ترتیب را دارا هستند، ولی پس از آن اعتبار دستنویس ها دیگر با تاریخ آنها نسبتی ندارد و دستنویس های قاهره ۷۴۱، واتیکان ۸۴۸، لندن ۸۹۱ و استانبول ۹۰۳ رویهمرفته از بقیه معتبرترند.

این خوشاوندی گردنده و اعتبار ناستوار دستنویس های شاهنامه از اینجا برخاسته است که شاهنامه از

سده پنجم به این سونه تنها فراوان اساس کتابت قرار گرفته است و در هر بار بدست کاتبان ناامین و کم سواد دچار دست خوردگی های سهوی و عمدی شده است، بلکه گروهی نیز عمداً به قصد «تصحیح و تکمیل» شاهنامه در آن دست برده اند.

این وضعیت که از آن در بالا یاد شد در تصحیح شاهنامه وظیفه ای سنگین ایجاد می کند. چون مصححی که این وضعیت دستنویس های شاهنامه را شناخته باشد و در عین حال در اثر ممارست در شاهنامه و مقابله و مقایسه دستنویس های آن دست کم تا اندازه ای به چگونگی گشت سخن کهن به نو و ویژگی های سخن اصیل و سخن الحاقی پی برده باشد، خواه ناخواه دیگر نمیتواند از ضبط دستنویس اقدم نسخ پیروی چشم بسته کند. ولی از سوی دیگر چنین مصححی در این خطر هم هست که از دانش خویش در گمان افتد و به دست آویز دستبردهایی که در این کتاب زده اند همان اعتبار نسبی و مشروط را هم که برای دستنویس های کهن برشمردیم نادیده انگارد و در تصحیح ذوق شخصی خود را ملاک قرار دهد و بی دلیل ضبط دستنویس اساس را رها کند.

بدین ملاحظات ما در تصحیح شاهنامه از یکسو دستنویس فلورانس ۶۱۴ را که فعلاً کهن ترین و معتبرترین دستنویس ماست، در نیمه نخستین کتاب اساس تصحیح قرار دادیم، ولی از سوی دیگر از آن پیروی چشم بسته هم نکردیم و ضبط دستنویس های معتبر دیگر را بی اعتنا نگذاشتیم. منتها هر کجا ضبط دستنویس اساس را رها کرده ایم، این کار در چارچوب ضوابط و دستورهای معینی انجام گرفته است. نگارنده این روش را روش انتقادی مینامد، ولی شاید این اصطلاح در مورد تصحیح ما نارسا باشد، بویژه اینکه در ایران این اصطلاح را در باره تصحیح هایی بکار برده اند که مصحح همه جا از ضبط اقدم یا اصح نسخ پیروی کرده است، یعنی یک روش ماشینی و غیر انتقادی را به نادرست انتقادی نامیده اند. از همین رو استاد یارشاطر در گفتار خود بجای آن اصطلاح روش تحقیقی را بکار برده اند که درباره روشی که ما برگزیده ایم درست تر است و خواست ما را بهتر می رساند.

در زیر اهتم مواردی را که ما به دلایل فنی ضبط دستنویس اساس را رها کرده ایم بطور کوتاه بر می شماریم و شرح بیشتر آنرا به مقالات یاد شده و دفترهای جداگانه می افکنیم:

۱- هر کجا ضبط دیگر هماهنگ با دگرگونی زبان و ادب فارسی و سازوار با کهنگی و اعتبار دستنویس ها، کهن تر و دشوارتر، و ضبط دستنویس اساس نوتر و ساده تر شناخته گردد، ما به پیروی از مهمترین اصل تصحیح انتقادی که میگوید ضبط دشوارتر برتر است (*lectio difficilior*)، ضبط دستنویس اساس را به زیر خط و ضبط دیگر را به متن میاوریم. برای نمونه ما در دستنویس های کهن و معتبر بیشتر به ضبط های

گیومرت، طهمورت، اغربرت، سوداوه، فریگیس، سیاوخش، زاول، کاول، دشخوار، اومید، فرودین، میزه، گر، بد، بویزه، نخم، نوشه، رای، مُستی، جوانه، روشن، سَخُن، شارسنان، گفت، کاجکی، گوسپند، سپید، نبل، زفان و زوان، -وار، نبشتن، گاه، برزیدن و دیگر و دیگر برمیخوریم. ولی هرچه دستنویس‌ها جوان‌تر یا کم‌اعتبارتر میگردند این واژه‌ها به ریخت‌های گیومرت، طهمورت، اغربرت، سودابه، فرنگیس، سیاوش، زابل، کابل، دشوار، اکید، فرودین، مژه، یا، به، بخاصه و خصوصاً، نسل، قوت، حکم، سنی و سختی، جوان، روشن، شهر، قول کاشکی، گوسفند، سفید، حیل، زبان، -بار، نوشتن، وقت، ورزیدن تبدیل میشوند. ما از این دگرگونی‌ها این نتیجه را نمیگیریم که فردوسی گاهی صورت نخستین و گاهی صورت دوم را بکار میبرد، بلکه چنین نتیجه میگیریم که او همیشه صورت نخستین، یعنی شکل کهن‌تر و دشوارتر و دورتر به زبان امروز ما را گفته بود. از سوی دیگر چنان نیست که دستنویس‌ها همیشه ریخت کهن‌تر و دستنویس‌های دیگر همیشه ریخت نوتر را داشته باشند، چرا که دستبرد در دستنویس‌ها بمنظور ساده کردن و نوساختن متن‌های کهن کاری نیست که از یک زمان معین و یا در یک دستنویس واحد آغاز گردد، بلکه این کار رفته رفته انجام گرفته و به نسبت در همه دستنویس‌ها هست. از اینرو اگر در موارد بسیاری دستنویس‌ها اساس ضبط کهن‌تر و دشوارتر، و دستنویس‌های دیگر ضبط نوتر و ساده‌تر را دارند، در موارد کمتری نیز عکس آن درست است و در اینگونه موارد نباید از دستنویس‌ها اساس پیروی کرد، بلکه باید ضبط آنها به زیر خط و ضبط دیگر را به متن برد. یعنی مثلاً اگر دستنویس‌ها اساس از ده مورد هفت مورد گوسپند و سه مورد گوسفند نوشته است و دستنویس‌های دیگر هر چه جوان‌تر یا کم‌اعتبارتر میگردند بیشتر گوسفند و کمتر گوسپند دارند، باید در مسیر خط تحول زبان فارسی نتیجه گرفت که فردوسی صورت گوسپند را بکار میبرد و آن سه مورد را هم به پیروی از دستنویس‌های دیگر گوسپند نوشته و حتی اگر موردی پیش آید که همه دستنویس‌ها گوسفند داشته باشند، آنها هم باید به گوسپند تصحیح قیاسی کرد.

۲- هر گاه ضبط دستنویس‌ها اساس یک ضبط ساده باشد و همه دستنویس‌های دیگر در یک ضبط ساده دیگر همخوان باشند. برای نمونه در جایی که دستنویس‌ها اساس دارد: هزار و صد و بیست گرد دلیر، و همه دستنویس‌های دیگر دارند: هزار و صد و شست گرد دلیر، ما ضبط ساده و منفرد نخستین را که هیچگونه برتری دستوری و لغوی و سبکی و موضوعی بر ضبط دیگر ندارد به زیر خط میبریم و چنین استدلال میکنیم که در چنین مواردی نمیتوان همخوانی چهارده دستنویس را با خوشاوندی‌ها و شاخه‌بندی‌های گوناگون ندیده گرفت، بلکه گمان گشتگی و دست خوردگی را باید به ضبط منفرد دستنویس‌ها اساس داد. در اینجا دو نکته دیگر هست که این استدلال ما را نیرو می‌دهد. یکی اینکه بنا بر آزمایش ما در اینگونه موارد هر جا بنداری متن اساس خود را باریک ترجمه کرده است - و متن اساس ترجمه او از دستنویس‌ها اساس ما کهن‌تر بوده است -، ترجمه او نیز با دستنویس‌های دیگر میخواند و نه با دستنویس‌ها اساس ما. برای نمونه در همین مثال، که او نیز دارد: ألف و هاته



و ستون. دیگر اینکه در شاهنامه چاپ مسکو و چاپ بنیاد شاهنامه که در اینگونه موارد ضبط ساده و منفرد اقدم نسخ خود را که دستنویس لندن ۶۷۵ است به متن برده‌اند و همخوانی دیگر دستنویس‌ها را در ضبط ساده دیگر ندیده گرفته‌اند، اکنون دستنویس فلورانس ۶۱۴ نشان می‌دهد که ضبط نسخه‌های دیگر برتر است. چون با آنکه دستنویس فلورانس با دستنویس لندن ۶۷۵ از یک گروه و درصد همخوانی میان آنها بالاست، ولی باز بر طبق بررسی ما در اینگونه موارد دستنویس فلورانس با دستنویس‌های دیگر می‌خواند و نه با دستنویس لندن. بی‌گمان بسیاری از مواردی که یک ضبط ساده در دستنویس اساس بوسیله یکی دو دستنویس دیگر تأیید می‌گردد نیز الحاقی و ضبط ساده دیگری که بقیه دستنویس‌ها در آن همخوانی دارند اصلی است. ولی ما در اینگونه موارد فعلاً چاره‌ای جز پیروی از دستنویس اساس نداریم، مگر آنکه ضبط ساده دیگری به وسیله ترجمه بنداری یا بیت‌های پراکنده شاهنامه در نوشته‌های سده‌های پنجم و ششم تأیید گردد (نگاه کنید زیر شماره ۸).

۳- هرگاه در دستنویس اساس بیتی بیاید که در هیچیک از دستنویس‌های دیگر نباشد و در متن نیز هیچگونه نیازی به آن نباشد و یا حتی عناصر الحاقی نیز در آن دیده شود. برای نمونه در داستان رستم و سهراب در دستنویس اساس آمده است:

که داند چنین داستان را یقین بجز دادفرمای دادآفرین  
این بیت تنها در دستنویس اساس آمده است و در آن واژه یقین نیز که واژه فردوسی نیست دلیل دیگری بر الحاقی بودن آن است و از اینرو ما آنرا جزو بیت‌های الحاقی دستنویس اساس دانسته و به زیر خط می‌بریم.

۴- هرگاه در دستنویس اساس بیتی نباشد که در همه دستنویس‌های دیگر و گاه حتی در ترجمه عربی بنداری نیز آمده باشد و دلیل دیگری نیز بر الحاقی بودن آن بیت دیده نشود. برای نمونه در داستان رستم و سهراب آمده است:

پشیمان بشد زان کجا گفته بود به بیهودگی مغزش آشفته بود  
این بیت جز در دستنویس اساس در همه دستنویس‌های دیگر هست و بنداری نیز آنرا دارد (فندم کیکاوس علی بدره‌مانه...) و هیچگونه عنصر الحاقی نیز در آن نیست. بنا بر این ما این بیت و چنین بیت‌هایی را جزو افتادگی‌های دستنویس اساس بشمار می‌آوریم و آنها را به متن می‌بریم.

۵- آنچه در زیر شماره‌های ۳ و ۴ گفته شد در مورد پس و پیشی مصرع‌ها و بیت‌ها نیز درست است. برای نمونه نگاه شود به ترتیب بیت‌های ۷۷۶ و ۷۷۷ در پادشاهی منوچهر.

۶- هرگاه ضبط دستنویس اساس غلط فاحش باشد که آشکارترین نمونه آن فساد در وزن و قافیه است.

۷- هرگاه ترجمه بنداری با برخی از دستنویس‌های ما در داشتن (و کمتر در نداشتن) ضبط یا بیت یا روایتی بخواند، ما نتیجه می‌گیریم که بنداری در این موارد متن خود را آزاد ترجمه نکرده است، بلکه بهمان صورت در دستنویس اساس ترجمه خود داشته است و چون دستنویس اساس ترجمه بنداری از دستنویس فلورانس ۶۱۴ کهن‌تر بوده است، پس اقدم نسخ ما در چنین مواردی ترجمه بنداری است، ولی با آن در زیر همان شرایطی که در بالا بر شمردیم رفتار خواهیم کرد. برای نمونه از مواردی که ما به پیروی از ضبط بنداری متن را تصحیح کرده‌ایم یکی تصحیح فرنگیس به فرنگیس و دیگر تصحیح سیاوش به سیاوخش است و دلیل آنرا در مقالات نامبرده آورده‌ایم (و نیز نگاه کنید زیر شماره‌های ۲، ۴، ۸).

۸- بیت‌های پراکنده شاهنامه در نوشته‌های سده‌های پنجم و ششم و هفتم و مطالب کتاب‌هایی که با شاهنامه هم‌مأخذ و یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند، مانند غررالسیر ثعالبی و زین الاخبار گردیزی و مجمل التواریخ والقصص و برخی مواد در زبان پهلوی، هرگاه که با برخی از دستنویس‌ها یا با ترجمه بنداری بر ضد دستنویس اساس همخوانی داشته باشند، میتواند دلیلی بر رها کردن ضبط دستنویس اساس بشمار رود. برای نمونه در داستان رستم و سهراب آمده است:

بیامد خروشان بدان دشت جنگ به چنگ اندرون گرزّه گاورنگ

در مصرع دوم همه دستنویس‌های ما گرزّه گاورنگ دارند، مگر دستنویس اساس و دستنویس قاهره ۷۴۱ که بجای آن چرخ و تیر خدنگ دارند. ولی چون همین بیت در لغت فرس به همین صورت در گواه گرزّه گاورنگ آمده است، ما در اینجا ضبط دستنویس اساس را رها میکنیم. و یا برای نمونه نام گاوی که فریدون را شیر داد در دستنویس‌های شاهنامه به ریخت‌های بره‌ایه و پره‌ایه آمده است و در دستنویس اساس بصورت بُره‌ایه است که میتوان آنرا پره‌ایه هم گرفت. صورت این نام در پهلوی بره‌ایون است و به همین صورت در شعر فرالاوی و دقیقی نیز آمده است. در خط پهلوی خلاف خط فارسی میان حرف ب و پ فرق است. پس مؤلفان شاهنامه ابومنصوری صورت درست آنرا در پهلوی می‌شناخته‌اند. از اینرو اگر فردوسی خود هم پهلوی نمیدانست، چون در همان زمان و در همان شهری که خداینامه را به فارسی ترجمه کرده‌اند می‌زیست، پس محتمل است که او صورت درست این نام را می‌شناخته و اگر آنرا به ضرورت وزن به بره‌ایه کوتاه کرده است، دلیلی نیست که حرف ب را هم به پ برگردانیده باشد. همچنین مطالب نوشته‌های هم‌مأخذ با شاهنامه اگر با برخی از دستنویس‌های ما بخوانند میتوانند در شرایطی دلیلی بر رهایی ضبط دستنویس اساس گردند. برای نمونه بر طبق دستنویس اساس و بیشتر دستنویس‌های ما سیاوخش در توران جریره دختر پیران را به زنی می‌گیرد و پس از زمانی از این زن پسری میزاید که نام او را فرود مینهند. در غررالسیر ثعالبی با آنکه مطالب کتاب در این بخش از داستان مو به مو با شاهنامه میخواند، اشاره‌ای به این دو روایت نیست. در اینجا دو گمان پیش میاید که هیچیک به خودی خود نیز چندان محتمل نیستند. یکی اینکه ثعالبی با وجود اتفاق او با فردوسی در جزئیات

مطالب، این دو روایت را زده است. و دیگر اینکه فردوسی آنها را سپس تر از جایی دیگر گرفته و افزوده است. و اما چون این دو روایت در ترجمه بنداری و دو دستنویس دیگر هم نیست و بیت‌های روایت نخستین در دستنویس‌هایی که آنها دارند بکلی متفاوت است و در آن عناصر الحاقی چون واژه‌های حشمت، زحل، انس، اعتماد نیز دیده میشود (و برخی دلایل دیگر)، پس هیچیک از آن دو گمان، دیگر محتمل نیست، بلکه محتمل این است که این دو روایت الحاقی اند. در اینجا ما با کمک غررالسیر ثعالبی توانستیم با اطمینان بیشتری بر الحاقی بودن روایتی حکم کنیم (و نیز نگاه کنید به شماره‌های اول و دوم سال سوم ایران نامه).

۹- گذشته از موارد یاد شده پیش می‌آید که ما ضبطی را تصحیح قیاسی می‌کنیم و یا بیت یا روایتی را که نه تنها در دستنویس اساس، بلکه در همه دستنویس‌های ما آمده است به دلایلی الحاقی دانسته و به زیر خط می‌بریم. اینگونه موارد کمتر پیش می‌آید و همه آنها جداگانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در مورد تصحیح قیاسی این نکته هم گفته شود که ما از این اصطلاح آنچه را که در ایران از آن دانسته میشود، یعنی اصلاح متن بی ضرورت و بی دلیل و بی توجه به ریخت ضبط‌های تباه شده و بیرون از ضوابط معین، و تنها بر پایه دلایل ذوقی و احساسی نمی‌فهمیم، بلکه اصلاح متن در زیر شرایط و بزه‌ای که از آن‌ها در مقالات یاد شده به تفصیل سخن رفته است. یک چنین تصحیح‌های قیاسی یکی از توانش‌های تصحیح انتقادی است که آنرا *emendation* مینامند. صورت لاتینی این واژه *emendatio* است به معنی «اصلاح، تصحیح، درست سازی، بهبودی» و در تصحیح انتقادی یعنی: هرگاه ضبطی که به گمان مصحح از نظر سبک، دستور، واژگان، موضوع، وزن، قافیه یا خط تباه شده باشد، اصلاح آن بر اساس دلایل فنی در روش انتقادی نه تنها روا، بلکه وظیفه مصحح است. برای نمونه در پادشاهی هوشنگ آمده است:

بدیشان (به گاو و خر و گوسپند) بورزید و زیشان خورید      همه تاج را خویشتن پرورید

در مصرع یکم همه دستنویس‌های اساس تصحیح ما یا خورید دارند یا خرید و یا خرید. ولی ما خوردن بجای خوردن نداریم و ضبط‌های دوم و سوم هم بی معنی است. ما این ضبط را به خرید تصحیح قیاسی کرده‌ایم. فعل خریدن در شاهنامه به معنی «خوردن آدمی» چند بار بکار رفته است، از آن میان در داستان جنگ مازندران:

نشاید کنزین پس چمیم و چریم      و گر خویشتن تاج را پروریم

همچنین پیش می‌آید که از یک واژه که صورت کهن تر آن در دستنویس اساس و دستنویس‌های دیگر بسیار بکار رفته است، در برخی جاها تنها صورت نوتر آن آمده است. برای نمونه هم در دستنویس اساس و هم در دستنویس‌های کهن و معتبر دیگر صورت‌های کاول و زاول بسیار بکار رفته است. با اینحال مواردی هم هست که همه دستنویس‌ها صورت‌های نوتر کابل و زابل را دارند. ما در اینگونه موارد همه جا صورت نوتر را به صورت

کهن‌تر تصحیح قیاسی می‌کنیم. با این حال این روش را در مورد همه ضبط‌های همانند بکار نبرده‌ایم. برای نمونه چن و بد را در جلوی مصوت‌ها بجای چو و به تنها در مواردی به متن برده‌ایم که در دستنویس اساس یا یکی از دستنویس‌های دیگر بوده است. ولی مطمئن هستیم در این جا و موارد دیگری مانند آن باید در سراسر شاهنامه متن را بر اساس صورت کهن‌تر تصحیح کرد. در نخستین تصحیح انتقادی شاهنامه دشوار بود که بتوان همه این دشواری‌ها را یکجا گشود. ناچار میبایست برخی از آنها را به تصحیح نهائی شاهنامه واگذار کرد. ولی ما همه این مسائل متن را در مقالات خود مطرح کرده‌ایم تا از پیش مورد آشنایی و نقد دیگران قرار گیرد.

۱۰- در وزن شعر ما همیشه صورت سنگین‌تر را بر صورت سبک‌تر برتری داده‌ایم. برای نمونه: به پرده اندرون بجای به پرده درون، به آزه‌ش بجای به آزه، شارستان بجای شارسان، بیفشارد بجای بیفشرد، شده‌ست بجای شده، پای بجای پا، اوی بجای او، داشت و بجای داشت، از اسپ بجای زاسپ، جادوی آورد بجای جادو آورد، مگر کازدها را سرآید زمان، بجای مگر ازدها... و دیگر و دیگر. ولی در اینجا نیز متن همیشه یکدست نیست و این وظیفه را نیز باید به تصحیح نهائی شاهنامه واگذار نمود.

۱۱- چنانکه میدانیم در بیشتر دستنویس‌های کهن فارسی غالباً حرف‌های پ، چ، ژ، گ را بصورت ب، ج، ز، ک نوشته‌اند. ناچار مواردی پیش میاید که یک واژه واحد را به هر دو حرف میتوان خواند. ما در این گونه موارد ریخت کهن‌تر را که گاه میتوان آنرا از راه صورت آن در زبان پهلوی باز شناخت، برگزیده‌ایم. برای نمونه ب خوانده‌ایم بجای پ در واژه‌های: بزشک، بسیج. و یا پ خوانده‌ایم بجای ب در واژه‌های: اسپ، کرشاسپ، ژوپین، پدرود، پادافره. و چ خوانده‌ایم بجای ج در واژه‌های: نخچیر، چیره، بسیج. و ز خوانده‌ایم بجای ژ در واژه‌های: آزدن، زنده، دز، بزشک. و ژ خوانده‌ایم بجای ز در واژه‌های: ژوپین، بزه، قزه. و ک خوانده‌ایم بجای گ در واژه‌های: کرشاسپ، کرسوز. و گ خوانده‌ایم بجای ک در واژه‌های: افگندن، گیومرت، کرگس، کامگار، نیاگان، نگاور، گیهان، پیگار و دیگر و دیگر. ولی قاعده ذال معجم را نگه نداشته‌ایم و آنرا همه جا بصورت دال نوشته‌ایم. همچنین حرف ی را که برای نرمی و روانی و آسانی تلفظ میان دو مصوت میاید، همیشه بصورت یای دو نقطه نوشته‌ایم و نه بصورت همزه: گویی بجای گوئی. و اگر پیش از کسره اضافه آمده است نیز آنرا بصورت ی نوشته‌ایم: جامه‌ی زرنگار بجای جامه زرنگار. در مقابل الف‌هایی را که در تقطیع می‌افتند، در نوشتن هم انداخته‌ایم: ازیشان بجای ازایشان، خواسته‌ست بجای خواسته است و خواستست. مگر جایی که افگندن الف دریافت مطلب را دشوار سازد: از ایران بجای ازیران.

۱۲- در مورد املای واژه‌ها نیز همیشه از املای درست‌تر که بیشتر در دستنویس‌های کهن‌تر یا معتبرتر آمده است و بی هیچ گمانی املای زمان فردوسی بوده است، پیروی کرده‌ایم، ولی همیشه املای دیگر را هم در جزو

نسخه بدل‌ها ثبت کرده‌ایم. برای نمونه: شست بجای شصت، تشت بجای طشت. در زمان فردوسی در واژه‌های فارسی هنوز حرف‌های ص و ط چندان راه نیافته بود و محتمل است که واژه‌هایی چون صد، اصطخر، طهمورت، طهماسپ، طوس و مانند آنها هنوز به صورت درست‌تری یعنی به س و ت نوشته می‌شد. ولی ما در اینگونه موارد بدون پشتیبانی دستنویس‌ها در املاهای واژه‌ها دستی نبریم.

چه در مواردی که ما ضبط دستنویس‌ها را نگهداشته‌ایم و چه در مواردی که از آن بیرون رفته‌ایم، همیشه نسخه بدل‌ها را با دقت در زیر صفحه‌ها ثبت کرده‌ایم و حتی در موارد مهم املا و رسم الخط دستنویس‌ها را نیز نگهداشته‌ایم تا راه داوری برای خوانندگان باز باشد. همچنین برای آسان کردن کار منتقدان، در ثبت نسخه بدل‌ها از شیوه مثبت پیروی کرده‌ایم. یعنی نه تنها ناهمخوانی دستنویس‌ها، بلکه همخوانی آنها را نیز بدست داده‌ایم. مگر در مواردی که یکی دو سه دستنویس جوان ضبطی صد در صد تباه داشته‌اند. در این گونه موارد برای آنکه بیهوده بر حجم نسخه بدل‌ها افزوده نگردد، تنها به ثبت ناهمخوانی‌ها بسنده کرده‌ایم. شیوه ثبت منفی نسخه بدل‌ها که تنها ناهمخوانی‌های دستنویس‌ها را بدست می‌دهد، نه تنها کار خواننده را بسیار دشوار می‌کند، بلکه شیوه استواری هم نیست. زیرا در بسیار جاها، مثلاً به دلیل افتادگی در دستنویس‌ها، واقعیت ضبط دستنویس‌ها جز آن است که خواننده پیش خود گمان کرده است. ولی با شیوه مثبت هم مصحح درستی ثبت خود را بازرسی کرده است و هم خواننده به چگونگی ضبط دستنویس‌ها آسان‌تر و مطمئن‌تر دست یافته است.

ثبت نسخه بدل‌ها نخست به ترتیب درجه ناهمخوانی با متن از کمتر به بیشتر است و سپس در ثبت ناهمخوانی‌های هم اندازه که در وزن واحدهای برابر دارند، ترتیب تاریخ دستنویس‌ها نگهداشته شده است. در ثبت نسخه بدل‌های شاهنامه نگهداشت ترتیب بر حسب اعتبار یا بر حسب خویشاوندی دستنویس‌ها به این علت که این هر دو امری نسبی و گردنده‌اند، کاری بیهوده است که سبب دشواری کار خواننده خواهد شد. از اینرو ما نگهداشت ترتیب تاریخ دستنویس‌ها را بهتر دانستیم، و هر گاه شمار بزرگی از دستنویس‌هایی که از نگاه تاریخ کتابت پشت یکدیگر افتاده‌اند، در ضبطی واحد انباز باشند، دیگر نشانه همه آنها نیامده است، بلکه به ثبت نشانه نخستین و انجامین آنها با افزودن خط جدا ساز در میان آنها (-) بسنده کرده‌ایم و یا از آنها به عدد نام برده‌ایم. در دستنویس‌ها، و بیش از همه در دستنویس لندن ۶۷۵ و استانبول ۷۳۱، در بسیار جاها نقطه حروف افتاده است. ثبت همه آن موارد جز افزودن بر حجم نسخه بدل‌ها سود دیگری نخواهد داشت. از اینرو ما حرفی را که نقطه آن افتاده است تنها در موردی به همان صورت ثبت کرده‌ایم که اختلاف آن حرف در دیگر دستنویس‌ها دست کم امکان دو قرائت محتمل را از آن واژه بدهد، ولی همیشه در میان کمانه نیز به بی نقطه گی آن اشاره کرده‌ایم تا به حساب نادرستی‌های چاپی گذاشته نشود. افتادگی‌های بزرگ در

دستنویس‌ها گذشته از جای خود، یکبار هم در پایان نخستین پی‌نوشت هر داستان یاد شده‌اند. سرعنوان‌ها را ما درجایی که مناسب دانسته‌ایم آورده‌ایم و نه به پیروی از دستنویس‌ها که در اینگونه موارد هیچگاه با یکدیگر نمیخوانند، و به قید این مطلب هم که فلان عنوان در فلان دستنویس چند بیت بالاتر یا پایین‌تر است همیشه اهمیت نداده‌ایم.

هر کس که در نسخه بدل‌های این تصحیح پژوهش کند، در خواهد یافت که بار متن تصحیح شده را بیش از نود درصد، دستنویس اساس و سه چهارم دستنویس دیگر میکشند. از اینرو پژوهنده جا دارد که از خود پرسد که آیا ثبت تباه‌کاری‌های دیگران در زیر صفحه‌ها جز پر کردن نیمی از حجم کتاب چه سودی دارد؟ و آیا بهتر نبود مصحح شاهنامه را بر پایه همان چهارپنج دستنویسی که بار اصلی متن را میکشند تصحیح مینمود و یا تنها به ثبت برگزیده‌ای از نسخه بدل‌های مهم بس مینمود؟

پاسخ مصحح این است که اگر کار تصحیح را تنها بر اساس چهارپنج دستنویس کهن‌تر و معتبرتر بگذاریم، هر کجا که میان این دستنویس‌ها ناهمخوانی باشد - و این موارد رو به‌مرفته بسیاراند -، شناخت صورت درست همیشه بر مصحح و خواننده آسان نیست و بخش مهمی از شناخت درستی یا نادرستی ضبط دستنویس اساس از این راه آشکار میگردد که آن ضبط تا چه اندازه بوسیله دستنویس‌های دیگر تأیید یا رد شوند. به سخن دیگر هر اندازه ضبطی بوسیله شمار بزرگتری از دستنویس‌ها، از شاخه‌ها و خویشاوندی‌های گوناگون، تأیید گردد، به همان اندازه بر اعتبار نسبی آن ضبط (نه اعتبار مطلق آن) میافزاید و بر عکس. دیگر اینکه سخن فردوسی همیشه با خواندن بار نخستین بر مصحح روشن نیست، بلکه بسیار پیش می‌آید که معنی مورد نظر سراینده پس از خواندن مکرر آن و دیدن صورت‌های گردیده و تباه شده آن در دستنویس‌های گوناگون دانسته میشود. سوم اینکه تباهی بخش بزرگی از این نسخه بدل‌ها را خوانندگان هنگامی خواهند پذیرفت که مصحح همه آنها را بی‌کم و کاست به داوری آنان گذاشته باشد. و گرنه در هر کجا که آنها متن را دریابند، آن را نه به علت از دست رفتن ضبط اصلی و نه به حساب کم آگاهی خود، بلکه تنها و تنها به حساب نقص تصحیح و بی‌اعتباری کار مصحح خواهند گذاشت که چرا او در تصحیح خود از دستنویس‌های بیشتر و بهتری بهره نگرفته است و یا نسخه بدل‌ها را بی‌کم و کاست ثبت نکرده است. نتیجه یک چنین تصحیحی این خواهد بود که هر چند سال یکبار کس دیگری به این هوس خواهد افتاد که تصحیح دیگر و بهتری جایگزین تصحیح‌های موجود کند و بدین ترتیب عمر چندین نسل در تصحیح کتابی به دوباره کاری خواهد گذشت. از اینرو در تصحیح کتابی به ارج شاهنامه نباید از این هراسید که نیمی از صفحه‌های کتاب به ثبت دستبردها و تباه‌کاری‌های کاتبان گرفته شود. بلکه برای جلوگیری از دوباره کاری و درجا زدن هیچ راهی جز این نیست که پس از ارزیابی بخش مهمی از دستنویس‌ها و گزینش شمار بزرگی از معتبرترین

آنها، همه ناهمخوانی های دستنویس های اساس تصحیح را با دقت و به نظمی علمی در پایین صفحه ها ثبت کنیم تا بدین ترتیب تصحیحی از این کتاب فراهم آید که نه جامع نسخ، ولی دربردارنده همه ضبط های کهن و معتبر باشد، اگرچه از این راه بسیاری از افزوده های دیگران نیز درون کتاب گردد. تنها یک چنین تصحیحی است که میتواند به عنوان یک مادر تصحیح همیشه اعتبار نسبی خود را نگهدارد و اساس پژوهش شاهنامه و تصحیح های سپین گردد.

گذشته از این ها در این ضبط های فاسد و افزوده های دیگران که در پایین صفحه ها آمده اند، بسیار چیزها میتوان آموخت که هم در پژوهش متن تصحیح و هم در پژوهش زبان و ادب فارسی سودمنداند. همچون شناخت خویشاوندی و شاخه بندی دستنویس ها، چگونگی تباه شدن ضبط ها، پژوهش در دگرگونی زبان و خط فارسی، پژوهش در علل دستبردها، بررسی شیوه کار کاتبان، بررسی میزان توجه مردم به شاهنامه، پژوهش در تصور داستان های شاهنامه در میان مردم، پژوهش در گشت آیین ها و بینش و باورهای کهن به نو، بررسی اندازه سواد و آگاهی مردم از زبان فارسی و آیین های کهن ملی، پژوهش در ذوق ادبی و روانشناسی مردم ایران و چه بسا چیزهای دیگر که ما امروز نمی شناسیم، ولی راه پژوهش را برای آیندگان باز میگذاریم.

به گمان مصحح، او با این تصحیح که دفتر نخستین آن در برابر خواننده است، توانسته است زمینه استواری برای پژوهش متن شاهنامه آماده سازد. امید مصحح این است که منقدان بیت بیت این تصحیح را با سختگیری و باریک بینی و موشکافی و کارشناسی، بی غرضانه بررسی کنند و نظریات خود را منتشر سازند. ما پس از بیان این تصحیح که درشش دفتر متن و دو دفتر یادداشت ها در نظر گرفته شده است، با توجه به نظریات دیگران و آنچه خود بدان رسیده ایم، تصحیح دیگری از این کتاب بدون ثبت نسخه بدل ها و با خطی درشت تر و زیر و زبر گذاری بیشتر و املائی یکدست تر در چهار دفتر متن و یک دفتر یادداشت ها منتشر خواهیم کرد و آن تصحیح را تا پیدایش یک دستنویس کهن تر به عنوان تصحیح فعلاً نهائی این کتاب خواهیم دانست.

در پایان وظیفه خود میدانم که از استاد ارجمند آقای احسان یار شاطر که به پامردی ایشان وسیله چاپ این کتاب فراهم گشت و در میانه کاردمی از تشویق و پشتیبانی و راهنمایی فروگذار نکردند صمیمانه سپاسگزاری کنم.

جلال خالقی مطلق





## دستنویس های اساس تصحیح این دفتر

### الف - دستنویس های اصلی

- ۱ - ف دستنویس کتابخانه ملی فلورانس، به نشان Ms. Cl. III. 24 (G.F.3)، مورخ ۶۱۴ / ۱۲۱۷
- ۲ - ل دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add, 21. 103، مورخ ۶۷۵ / ۱۲۷۶
- ۳ - س دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1479، مورخ ۷۳۱ / ۱۳۳۰
- ۴ - لن دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد، به نشان کاتالک دُرُن، شماره ۳۱۶ - ۳۱۷، مورخ ۷۳۳ / ۱۳۳۳
- ۵ - ق دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۶۰۰۶س، مورخ ۷۴۱ / ۱۳۴۱
- ۶ - ق<sup>۲</sup> دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۷۳ تاریخ فارسی، مورخ ۷۹۶ / ۱۳۹۴
- ۷ - لی دستنویس کتابخانه دانشگاه لیدن، به نشان Or. 494، مورخ ۸۴۰ / ۱۴۳۷
- ۸ - پ دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 493، مورخ ۸۴۴ / ۱۴۴۱
- ۹ - و دستنویس کتابخانه پاپ در واتیکان، به نشان Ms. Pers. 118، مورخ ۸۴۸ / ۱۴۴۴
- ۱۰ - آ دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Pers. C. 4، مورخ ۸۵۲ / ۱۴۴۸
- ۱۱ - ل<sup>۲</sup> دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add. 18 188، مورخ ۸۹۱ / ۱۴۸۶
- ۱۲ - ب دستنویس کتابخانه دولتی برلین، به نشان Or. 2<sup>o</sup> 4255، مورخ ۸۹۴ / ۱۴۸۹

### ب - دستنویس های غیر اصلی

- ۱ - ل<sup>۲</sup> دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Or. 1403، مورخ ۸۴۱ / ۱۸۳۸

- ۲ - لن<sup>۲</sup> دستویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی درلنینگراد، به‌نشان S. 1654 ، مورخ ۸۴۹ / ۱۴۴۵
- ۳ - س<sup>۲</sup> دستویس کتابخانه طویقاپوسرای، در استانبول، به‌نشان H. 1510 ، مورخ ۹۰۳ / ۱۴۹۸
- ۴ - بنداری ترجمه شاهنامه به‌عربی از فتح بن علی بنداری اصفهانی، میان ۶۲۰ - ۶۲۱ / ۱۲۲۳ - ۱۲۲۴ ،  
به‌کوشش عبدالوهاب عزام، چاپ دوم، تهران ۱۹۷۰

### برخی از نشانه‌های دیگر

- (!) درجلوی هر واژه یا بی‌تی که آید، نشان آن است که آن واژه یا بیت مشکوک یا نامفهوم یا فاسد است
- (?) گویا ضبط درست نیست، ولی شاید هم درست و یا راهبر به‌صورت درست باشد
- [ ] در متن هر بی‌تی که به گمان مصحح بر آن ظن الحاقی بودن میرود و یا در جای خود نیست، در چنگک دو گوشه نشانده شده است
- < > هر حرف یا واژه‌ای که در پی نویسی‌ها در جلوی نشانه دستویسی در چنگک يك گوشه آید، نشان آن است که آن حرف یا واژه در آن دستویس نیست و یا افتاده است
- = برابر است با
- آ لت یکم بیت
- ب لت دوم بیت
- پ بی نویسی (اگر شماره پیش از این حرف آید شماره بیت است و اگر پس از آن آید شماره بی نویسی است.
- مثال: ۱۲پ، یعنی بی نویسی بیت ۱۲، ولی: ۱۲ب، یعنی بی نویسی شماره ۱۲)
- متن ← نگاه کنید به: متن در شماره سپسین
- ← نگاه کنید به، نشانه برگشت
- نشانه گشتگی ضبطی از ضبط دیگر

دیاچہ



به نام خداوند جان و خرد  
 خداوند نام<sup>۲</sup> و خداوند جای<sup>۳</sup>  
 خداوند کیوان<sup>۵</sup> و گردان سپهر  
 ز نام و نشان و گمان برترست  
 به<sup>۷</sup> بینندگان آفریننده را  
 نه اندیشه یابد بدو نیز<sup>۱۱</sup> راه  
 سخن هر چه زین<sup>۱۲</sup> گوهران بگذرد  
 خرد گر سخن برگزیند همی  
 ستودن نداند کس او را چو هست  
 خرد را و جان<sup>۱۷</sup> را همی سنجد او<sup>۱۸</sup>  
 بدین آلت<sup>۲۰</sup> رای و جان<sup>۲۱</sup> و زبان<sup>۲۲</sup>  
 به هستیش باید که خستو<sup>۲۴</sup> شوی

کزین برتر اندیشه برنگذرد<sup>۱</sup>  
 خداوند روزی ده و<sup>۴</sup> رهنمای  
 فروزنده‌ی ماه و ناهید و مهر  
 نگارنده‌ی بر شده گوهرست<sup>۶</sup>  
 نبینی<sup>۸</sup>، مرنجان دو<sup>۹</sup> بیننده را  
 که او برتر از نام و از<sup>۱۱</sup> جایگاه  
 نیابد بدو<sup>۱۳</sup> راه جان و خرد<sup>۱۴</sup>  
 همان را ستاید<sup>۱۵</sup> که بیندهمی  
 میان بندگی را بیایدت بست<sup>۱۶</sup>  
 در اندیشه‌ی سخنه<sup>۱۹</sup> کی گنجد او<sup>۱۸</sup>  
 ستود آفریننده را کی<sup>۲۳</sup> توان  
 ز گفتار بیکار<sup>۲۵</sup> یکسو شوی

۱- لن پیش از این بیت سر نویس دارد: بنام ایزد بخشاینده؛ درل از آغاز تا بیت ۳۹ داستان جمشید به خطی نوتر از متن اصلی است؛ درس از بیت ۱۵۸ دیباچه تا بیت ۱۰۹ داستان جمشید افتاده است؛ بنداری ترجمه دیباچه را ندارد ۲- لی، و: جان ۳- ل، س: رای ۴- لن، ق، ق، آ، لی، و، آ، ن، ب: > و؛ متن= ف، ل، س، پ ۵- لن، ق، آ، لی، ب: کیهان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۶- ل: پیکرت؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۷- ل، س، لن، ق، آ، لی: ز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- ل: چوینی؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۹- لن، پ: تو ۱۰- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: نیابد بدو (لن، ق، آ: از) نیز اندیشه؛ متن= ف، ق، ل، آ ۱۱- لن، ق، پ: وز؛ ل پس از این بیت افزوده است:

یقبین دان که هرگز نیابد پدید به وهم اندر آنکس که وهم آفرید

۱۲- و: زان؛ ب: از ۱۳- ق، آ: برو ۱۴- لی: مرورا بیک چون سجد خرد ۱۵- ف، ق: همان راست آبد (ق: بابد)؛ ل، س، لن، ق، آ: و: همان بگیرند؛ آ: همانا ستاید؛ ل: همانرا ستاند؛ ب: همورا ستاید ۱۶- درل این بیت در کناره آمده است ۱۷- لی: خرد و جان را (وزن نادرست است) ۱۸- ل: اوی؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۱۹- ل: سخت ۲۰- ف، س، لی، ب: آلت و؛ متن= ل، لن، ق، آ، ق، ق: جایگاه؛ ق، آ: زای و هوش ۲۲- ف، پ، و، ب: روان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- س، ق، آ، لی، پ، ب: چون؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۴- ل: خشنو ۲۵- لن، لی، آ، ل، ب: زگفتار و بیکار؛ ق: زگفتار و کردار؛ متن= ف، ل، س، ق، آ، پ، و؛ ف پس از این بیت افزوده است:

کنون ای خردمند مرد خرد بدین جایگه گفتن اندر خورد

پرستنده باشی<sup>۱</sup> و جوینده راه  
توانا بود هر که دانا بود  
ازین پرده برتر سخن گاه<sup>۵</sup> نیست ۱۵  
به ژرفی به فرمانش<sup>۲</sup> کردن نگاه  
ز<sup>۳</sup> دانش دل<sup>۴</sup> پیر برنا بود  
زهستی مر<sup>۶</sup> اندیشه را راه<sup>۷</sup> نیست

### گفتار اندر ستایش خرد<sup>۸</sup>

کنون ای خردمند ارج<sup>۹</sup> خرد  
خرد بهتر<sup>۱۱</sup> از هر چه ایزد<sup>۱۲</sup> داد  
خرد رهنمای و خرد دلگشای<sup>۱۴</sup>  
ازو شادمانی و زویت غمیست<sup>۱۵</sup>  
خرد تیره و مرد روشن روان ۲۰  
چه گفت آن سخنگوی مرد از خرد<sup>۱۹</sup>  
کسی کو خرد را ندارد به<sup>۲۳</sup> پیش  
هشیوار دیوانه خواند ورا  
ازویی<sup>۲۶</sup> بهر دو سرای ارجمند  
بدین<sup>۱</sup> جایگه گفتن اندر خورد  
ستایش خرد را به از<sup>۳</sup> راه داد  
خرد دست گیرد بهر دو سرای  
و زویت<sup>۱۴</sup> فزونی و هم زو کمیست<sup>۱۷</sup>  
نباشد همی شادمان یکزمان<sup>۱۸</sup>  
که دانا ز گفتار<sup>۲</sup> او<sup>۱۱</sup> برخوردار<sup>۱۱</sup>  
دلش گردد از کردهی خویش ریش  
همان خویش بیگانه داند<sup>۲۴</sup> ورا<sup>۲۵</sup>  
گسسته خرد<sup>۲۷</sup> پای دارد به بند

۱- لی: جوینده باشی ۲- س، لن، ق، لی، پ، و: به فرمان هازرف، متن= ف، ل، ق، آ، ل، ب ۳- ل: به ۴- ق: تن ۵- ف: ترا کار؛ ق، پ، ب: سخن راه؛ و: ترا راه؛ متن= هفت دستویس دیگر ۶- ل: بر ۷- ف: زهستی بر اندیشه دیدار؛ ق: زهستی مر اندیشه آگاه؛ پ: ز هتیش اندیشه را راه؛ و: ولی دست اندیشه کوتاه؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ ل، پس از این بیت افزوده اند:

چو معلوم شد هستی کردگار دگر خاطر خویش رنجبه مدار

پای بیت های ۱-۱۵ در دستویس ها- ف: ۱۲-۱، ۱۲، ۱۳-۱۵؛ ل: ۱-۴، ۱۰، ۶، ۶، ۷، ۵، ۸، ۱۱-۱۵، ۱۵ پ (بیت ۹ را در کناره آورده است)؛ لن، ق: ۱-۱۲، ۱۴، ۱۳، ۱۵؛ ق: ۱-۷، ۹، ۸، ۱۰-۱۵؛ آ: ۱-۱۳، ۱۵، ۱۴؛ ل: ۱-۴، ۵، ۶، ۷-۱۵؛ ب: ۱-۱۵، ۱۵ پ؛ پای بیت های متن= س، لی، پ، و (که برابر است با پای بیت های ف پس از بیرون گذاشتن بیت ۱۲ پ، و برابر است با پای بیت های ب پس از بیرون گذاشتن بیت ۱۵ پ) ۸- ف: گفتار اندر شناختن خرد و صفت خردمندان و ستایش ایشان؛ ق: در ستایش خرد؛ پ: اندر ستایش خرد؛ متن= هشت دستویس دیگر ۹- ف: مرد؛ ل، س، لن، ق، لی، پ، و، ب: وصف؛ ل: فضل و؛ متن= ق، آ (و نیز س) ۱۰- س، پ: بدان؛ ق: برین؛ متن= نه دستویس دیگر؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۲ آمده است؛ س- پ، آ، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

کنون (پ: بیین) تا چه داری بیار از خرد که گوش ستاینده (ق: سراینده؛ ل: شتابنده) زوبرخورد

در این بیت پیش از بیت ۱۶ و چنین آمده است:

بیا تا چه داری کنون از خرد که گوش از سرانیدنش برخوردار

ف، ل، و این بیت را ندارند، ولی در ل آنرا در کناره افزوده اند ۱۱- آ: برتر ۱۲- ل، لن: ایزد بداد؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۳- ل: خرد بهتر از؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۱۴- ل: دین گشای ۱۵- ف، ق، لی، آ: زو مردمیت؛ پ، و، ل: زویت غم است؛ متن= ل، س، لن، ق، آ، ب ۱۶- لی، و، ل: ازویت ۱۷- ل، لن، ق، لی: زویت کمیست؛ پ، و: زویت کم است؛ آ: ازو هم فزونی و هم کمیست (وزن نادرست است)؛ ب: زو هم فزونی و زو هم کمیست؛ متن= ف، س، ق، ل ۱۸- آ: این بیت را ندارد؛ در ق، و این بیت با بیت سیمین پس ویش شده است ۱۹- ل، س، پ- ب: خردمند مرد خرد؛ لن، ق، لی: هنرمند مرد خرد؛ متن= ف، ق ۲۰- ق: کردار ۲۱- آ: خرد ۲۲- لی: که گوش ستاینده زوبرخورد؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۵ آمده است؛ در ق، و این بیت با بیت پیشین پس ویش شده است ۲۳- س، لن، ق، آ، ب: ز؛ متن= ل، لی، و؛ ف، ق، آ، ل، ب این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۲۴- ل: خواند؛ متن= یازده دستویس دیگر ۲۵- ق: ترا ۲۶- ل: شد ازوی؛ آ: چو گشتی؛ ل: که ازوی؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۷- ل: شکسته خرد؛ ق: خرد بته راه؛ متن= ده دستویس دیگر

که<sup>۲</sup> بی چشم<sup>۳</sup> شادان جهان نسپری  
نگهبان جان ست و آن<sup>۵</sup> سه پاس<sup>۶</sup>  
کزین سه بود<sup>۱</sup> نیک و بد<sup>۱۱</sup> بی گمان<sup>۱۳</sup>  
و گر من ستایم که یارد شنود<sup>۱۳</sup>  
ازین پس بگو کافرینش چه بود<sup>۱۵</sup>  
ندانی همی<sup>۱۷</sup> آشکار و نهان  
به گیتی پیوی<sup>۱۹</sup> و بهرکس بگوی<sup>۲۰</sup>  
ز<sup>۲۲</sup> آموختن یکزمان نغنیوی  
بدانی که دانش نیاید به بن<sup>۲۳</sup>

۲۵ خرد چشم جان ست چون<sup>۱</sup> بنگری  
نُخت آفرینش<sup>۴</sup> خرد را شناس  
سه پاس<sup>۷</sup> تو چشم<sup>۸</sup> ست و گوش<sup>۹</sup> و زبان  
خرد را و جان را که داند<sup>۱۲</sup> سُتود  
حکیم<sup>۱۴</sup> چو<sup>۱۴</sup> کس نیست گفتن چه سود  
۳۰ تویی<sup>۱۶</sup> کرده‌ی کردگار جهان  
به دانش ز<sup>۱۸</sup> دانندگان راه جوی  
ز هر دانشی<sup>۲۱</sup> چون سَخُن بشنوی  
چو دیدار یابی به شاخ سَخُن

### گفتار اندر وصف آفرینش عالم<sup>۲۴</sup>

سر مایه‌ی گوهران از<sup>۲۶</sup> نُخت  
بدان تا توانایی آمد<sup>۲۷</sup> پدید

از<sup>۲۵</sup> آغاز باید که دانی درست  
۳۵ که یزدان ز ناچیز چیز آفرید

۱- لن: گر؛ ق: آ؛ اگر؛ متن = ده دستویس دیگر ۲- ل، س، لن، ق: آ، ب: تو؛ متن = ف، ق، ل ۳- ل: آ؛ چشم ۴- آ: سپاس آفرینش ۵- پ: آن را ۶- ل، س، لن، ق: ب: سپاس؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۷- ل، و، ل: آ؛ سپاس؛ آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف ۸- ل: جان؛ س، ق- و، ل: گوش؛ متن = ف، لن ۹- ل، س، ق، ق: آ، پ، و، ل: چشم؛ لی: جان؛ متن = ف، لن ۱۰- ل- و، ل: رسد؛ متن = ف ۱۱- لن، ق: آ: بیش و کم؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۲- ل، س، لن، ق: و، آ، ب: یارد؛ متن = ف، ق، ل ۱۳- ف: زین پس بگو کافرینش چه بود (۲۹)؛ در ب این بیت پس از بیت ۲۱ آمده است ۱۴- آ: خرد را چو؛ ل: حکیمان ۱۵- ف: لیت یکم این بیت را ندارد (۲۸) ب و (۲۹) آ را انداخته و از ۲۸ و ۲۹ ب يك بیت ساخته است)؛ در س پس از این بیت بیت ۳۳ آمده است؛ ق پس از این بیت و پ، و پس از بیت سپین افزوده‌اند:

همیشه خرد را تو دستور دار بدو جانت از ناسزا دور باد

بن بیت در نه دستویس دیگر نیت، ولی در ل آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۶- آ: توگر ۱۷- ل، س، لن، ق: آ، لی، ل: آ، ب: نیینی همی؛ پ، و: شناسنده؛ متن = ف، ق، آ؛ پ، و پس از این بیت بیت ۲۹ را افزوده‌اند ۱۸- ل، ق، پ، و، ب: به گفتار؛ آ: ز دانا و؛ ل: آ: به دیدار؛ س، لن، ق: آ، لی این بیت را ندارند، ولی در س آنرا در میان ستون‌ها افزوده‌اند؛ متن = ف ۱۹- ل: آ: بجوی ۲۰- ل: مگوی؛ ق: بجوی؛ متن = ف، پ- ب ۲۱- لی: نشی ۲۲- ق: آ، لی: از؛ س این بیت را ندارد؛ در ق این بیت و بیت سپین پس از بیت ۶۹ آمده‌اند و در اینجا نیز آنها را در کناره افزوده‌اند ۲۳- در س این بیت پس از بیت ۲۹ آمده است؛ در ق این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۶۹ آمده‌اند و در اینجا نیز آنها را در کناره افزوده‌اند؛ پای بیت های ۱۶- ۳۳ در دستویس ها- ف: ۲۱، ۱۷، ۲۰، ۲۳- ۲۷، ۲۸، ۲۹ در يك بیت (← ۱۲) پ، ۳۰، ۳۱- ۳۳ (بیت های ۲۲ و ۳۰ را ندارد و بیت های ۱۶- ۳۱ و ۳۰ را ندارد و بیت ۳۱ در میان ستون‌ها آمده است)؛ لن: ۱۶، ۱۶، پ، ۱۷- ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۲۹، ۳۳، ۳۰ (بیت های ۳۰ و ۳۱ را ندارد)؛ ق: ۱۶، ۱۶، پ، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۰، ۲۳- ۲۷، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۲ و ۳۳ در کناره آمده‌اند)؛ ق: آ، لی: ۱۶، پ، ۱۷- ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۲۹، ۳۳، ۳۰ (بیت های ۳۰ و ۳۱ را ندارند)؛ پ: ۱۶، ۱۶، پ، ۱۷- ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۲۹، ۳۳، ۳۰ (بیت های ۳۰ و ۳۱ را ندارند)؛ ب: ۱۶، ۱۶، پ، ۱۷- ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۲۹، ۳۳، ۳۰ (بیت های ۳۰ و ۳۱ را ندارد)؛ ل: آ: ۳۱، ۳۰، ۳۳، ۲۹، ۲۸، ۳۲، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۰، ۳۳، ۲۸، ۳۲، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۰ (بیت های ۲۲ و ۲۷ و ۳۰ را ندارد)؛ ب: ۱۶، ۱۶، پ، ۱۱- ۲۱، ۲۸، ۲۳- ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱- ۳۳ (بیت های ۲۲ و ۲۷ و ۳۰ را ندارد) ۲۴- ف: گفتار اندر وصف آفرینش عالم و ستایش آفریدگار؛ ل: پ: گفتار (پ: <گفتار>) اندر ستایش آفرینش؛ س، لن، لی: اندر (لن: گفتار اندر) آفریدن عالم و نهاد آن؛ ق: در آفریدن عالم؛ و، آ، ب: گفتار ۲۵- <گفتار> اندر آفرینش عالم؛ ق: آ، ل: ناخواناست؛ متن = آغاز ف ۲۵- آ: ز ۲۶- لن: را ۲۷- ل، لی، و، ب: آید؛ متن = هشت دستویس

دیگر

برآورده<sup>۲</sup> بی رنج و بی روزگار  
 میان باد و آب<sup>۱</sup> از بر<sup>۷</sup> تیره خاك  
 ز گرمیش پس خشکی آمد پدید  
 ز سردی همان باز تری<sup>۱۲</sup> فزود<sup>۱۳</sup>  
 ز بهر سپنجی سرای<sup>۱۴</sup> آمدند  
 دگر<sup>۱۷</sup> گونه گردن برافراختند<sup>۱۸</sup>  
 شگفتی نماینده<sup>۲۲</sup> نو به نو  
 بیخشید داننده چونان<sup>۲۴</sup> سزید<sup>۲۵</sup>  
 گرفتند هر يك<sup>۲۷</sup> سزاوار جای  
 بجنبید<sup>۲۸</sup> چون کار پیوسته شد  
 زمین<sup>۳۰</sup> شد بگردار روشن چراغ  
 سر رُستنی سوی بالا کشید<sup>۳۳</sup>  
 یکی مرکزی تیره بود و سیاه<sup>۳۳</sup>  
 به خاك اندرون<sup>۳۴</sup> روشنایی فزود<sup>۳۵</sup>  
 همی گشت گرد زمین<sup>۳۷</sup> آفتاب  
 به زیر<sup>۳۹</sup> اندر آمد سرانشان<sup>۴۰</sup> ز بخت<sup>۴۱</sup>  
 نپوید<sup>۴۲</sup> چو پویندگان<sup>۴۴</sup> هر سوی

و زو<sup>۱</sup> مابهی گوهر آمد<sup>۲</sup> چهار  
 یکی آتش<sup>۴</sup> برشده<sup>۵</sup> تابناك  
 نَخستین که آتش ز<sup>۸</sup> جنبش دمید  
 و زان<sup>۹</sup> پس از<sup>۱۱</sup> آرام سردی نمود<sup>۱۱</sup>  
 ۴۰ چو این چار گوهر بجای آمدند  
 گهزها يك اندردگر<sup>۱۵</sup> ساختند<sup>۱۶</sup>  
 پدید آمد<sup>۱۹</sup> این<sup>۲۰</sup> گنبد<sup>۲۱</sup> تیزرو  
 درو دودو برج<sup>۲۳</sup> آمد پدید  
 ابر<sup>۲۶</sup> دودو، هفت شد کدخدای  
 ۴۵ فلك ها يك اندر دگر بسته شد  
 چو دریا و چون دشت و چون کوه و راغ<sup>۲۹</sup>  
 بیالید کوه آب ها بردمید  
 زمین را بلندی بُد<sup>۳۲</sup> جایگاه  
 ستاره به سر بر شگفتی نمود  
 ۵۰ همی برشد ابرو<sup>۳۶</sup> فرود آمد آب  
 گیا رُست<sup>۳۸</sup> با چند گونه درخت  
 بیالد، ندارد جزین نیروی<sup>۴۲</sup>

۱- آ: فزون ۲- ق: گوهران هر؛ ل: سرمایه گوهران این ۳- ل: برآورد؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۴- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، آ: ب: آتشی؛ متن= ف، ق، ۵- و: یکی برشده گوهر ۶- ل، س، ق، آ، آ: ب: آب و باد؛ متن= ف، لن، لی، پ، و، ل، ۷- ل، ۸- به؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۹- ل: ازان ۱۰- ل، لن، و: ز؛ متن= ف، س، آ، ل، ب ۱۱- لن: فزود ۱۲- ف: باد تری؛ ق: باد تری؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۳- لن: نمود ۱۴- ل: سرا ۱۵- لی: < دگر > (وزن نادرست است) ۱۶- ل- ب: ساخته؛ متن= ف ۱۷- ل- ب: زهر؛ متن= ف ۱۸- ل، لن، ق، و، ل، ب: برافراخته؛ س، ق، لی، پ: گونه ای گردن افراخته؛ آ: گونه گوهر برافراخته؛ متن= ف، ل، ق پس از این بیت سرنویس دارند: گفتار اندر آفرینش افلاك ۱۹- لن: پدیدار ۲۰- لی: آن ۲۱- لن: گوهر ۲۲- لن: نماینده را ۲۳- ل: درو داد و هم بخش؛ س- ب: درو (ق: در) بخشش و دادن؛ متن= ف ۲۴- ل: جریان؛ س، لی، و: داننده را چون؛ ق: دانا چنان چون؛ پ: داننده تان چون ۲۵- لن، ق: بدان تا توانی آید پدید (= ۳۵ ب)؛ متن= ف، آ، ل، ب؛ در ل- ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۶- لی: چو بر ۲۷- ل: هر دو؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ در ل- ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های متن= ف ۲۸- س: ببخشید؛ آ: بیوست؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۹- ل: چو دشت و چو دریا و چون کوه و راغ؛ س، ق، لی- ب: چو دریا و چون کوه و چون دشت (ل: باغ) و راغ؛ لن، ق: چو دریای خون شد همه دشت و راغ؛ متن= ف ۳۰- ق، ل: جهان ۳۱- لی این بیت را ندارد ۳۲- ل: ز سبزه بلندی بهر؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۳۳- ل، لن، ق، ق، آ، پ: یکی مرکزی بود تیره سیاه؛ و، ب: یکی مرکزی تیره بود سیاه (وزن نادرست است)؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، آ، ل ۳۴- آ: بدین تیرگی ۳۵- س، لن، ق، آ، لی: ز سردی همان باز تری فزود (لی: نمود)؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر ستایش اشجار و نبات و صفت افلاك و آفتاب و ماه ۳۶- س، لن، ق، و، آ، ب (و نیز ل، لن، آ): همی برشد آتش؛ متن= ف، ل، ق، ل ۳۷- ل: جهان؛ آ: زمی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۸- ل، ق: که یارست (→ گیارست) ۳۹- لی، ب: به ابر ۴۰- ل: سرایشان ۴۱- ل: به زیر اندر آید سرانراز سخت؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز کان بعد از آن گوهر آمد پدید ازان سان که داد آفرین پرورید

۴۲- آ: نیکویی؛ ل: بیابند جنبنده از هر سوی؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۴۳- ف، س، لن، ل، آ: پوید ۴۴- ق: چو نویندگان؛ ل: بیویند جویندگان



همه<sup>۱</sup> رُستنی زیر<sup>۲</sup> خویش آورید<sup>۳</sup>  
نگه کرد باید بدین<sup>۴</sup> کار، سخت  
وُزان زندگی کام جوید همی<sup>۵</sup>  
ز خاشاک<sup>۶</sup>ها خویشتن<sup>۷</sup> پرورد  
نخواهد ازو<sup>۸</sup> بندگی کردگار  
ازیرا نکرد ایچ پنهان<sup>۹</sup> هنر<sup>۱۰</sup>  
نداند کسی<sup>۱۱</sup> آشکار و نهان<sup>۱۲</sup>

ازآن<sup>۱</sup> پس چو جنبنده آمد پدید  
سرش زیر نامده<sup>۲</sup> بسان درخت  
خور و خواب و آرام جوید همی ۵۵  
نه گویا زبان و نه جویا خرد<sup>۳</sup>  
نداند بد و نیک فرجام<sup>۴</sup> کار  
چو دانا توانا بُد و دادگر  
چنین ست، فرجام<sup>۵</sup> کار<sup>۶</sup> جهان

### گفتار اندر آفرینش مردم<sup>۱۷</sup>

شد این بندها را سراسر کلید  
به گفتار<sup>۱۱</sup> خوب و<sup>۱۲</sup> خرد کاربند  
مرو را دد و دام فرمان<sup>۱۵</sup> برد  
که معنی مردم<sup>۱۷</sup> چه باشد یکی  
جزین را نشانی ندانی<sup>۲۲</sup> همی  
به چندین میانجی پیورده اند  
تو مر<sup>۲۶</sup> خویشتن را به بازی مدار  
چه دانیم راز<sup>۲۹</sup> جهان آفرین

۶۰ کزین بگذری<sup>۱۸</sup> مردم آمد پدید  
سرش راست<sup>۱۹</sup> برشد چو سرو<sup>۲۰</sup> بلند  
پذیرندهی هوش و رای<sup>۲۳</sup> و<sup>۲۴</sup> خرد  
ز راه خرد بنگری<sup>۲۶</sup> اندکی  
مگر<sup>۲۸</sup> مردمی<sup>۲۹</sup> خیره خوانی<sup>۳۰</sup> همی<sup>۳۱</sup>  
۶۵ ترا از دو گیتی برآورده اند  
نُخستین<sup>۳۳</sup>: فکرت<sup>۳۴</sup>، پسینت<sup>۳۵</sup>: شمار،  
شنیدم ز دانا<sup>۳۷</sup> دگرگون ازین<sup>۳۸</sup>

- ۱- ل، ق، لی: وزان؛ س، لن، ق، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، پ، و، ل<sup>۲</sup> - ل<sup>۲</sup>: همی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳- ل: سوی ۴-  
لی: آفرید؛ پ: سر به بالا کشید ۵- ل: همی سر برآورد؛ و: سرش زیر باشد؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، ق، و ۶-  
ل<sup>۲</sup>: برین ۷- س، لن، ق، آ، پ، و، آ، ب این بیت را ندارند ۸- ل: زکام ز ناکام خوردن خورد؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن =  
ده دستنویس دیگر ۹- ل، س، لن، ق، آ، ب: ز خاک (و، آ: زخار) و زخاشاک تن؛ ل<sup>۲</sup>: زهر پرورش خویشتن؛ متن = ف ۱۰- ق: بدو نیک و  
فرجام؛ ل<sup>۲</sup>: بد از نیک فرجام؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- ق<sup>۲</sup>: بخواهد ازو؛ ل<sup>۲</sup>: بفرمایدش ۱۲- و: پیدا ۱۳- ل: گهر ۱۴- ل: فرجام  
رکار ۱۵- آ: نداند همی ۱۶- و: آشکارا نهان ۱۷- ف: گفتار اندر سبب آفرینش مردم و ستایش آدمی که فضیلت دارد بر دیگر حیوانات بفضل  
آفریدگار جل جلاله؛ ل: گفتار اندر آفرینش مردم و حیوان؛ س، لن، لی: گفتار اندر آفریدن آدمیان؛ پ: اندر آفرینش مردم؛ آ: گفتار اندر آفرینش آدم و  
غیر آن؛ ل<sup>۲</sup>: گفتار اندر آفرینش مردم و فضیلت آن؛ متن = ب ۱۸- ل: چو فرجام شد؛ ق: جوزین بگذری؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- ل: بیلا  
چو ۲۰- آ: کرشد به ابر ۲۱- ف، و، ل<sup>۲</sup>: بدیدار؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- ل: < و > ۲۳- لن: رای و هوش؛ آ: رای هوش ۲۴- ل:  
< و > ۲۵- ب: رامش ۲۶- ق<sup>۲</sup>: بگذرد؛ آ: بگذری ۲۷- ل: که مردم به معنی ۲۸- آ: یکی ۲۹- ف، و: مردمش؛ ل، ق، آ، پ: مردم؛ ق،  
ل<sup>۲</sup>: مردم؛ متن = س، لن، لی، آ، ب ۳۰- ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب: دانی؛ ل، و: خواند؛ متن = ق ۳۱- آ: چه کرد؛ س، لن، ق، آ، لی،  
پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب: پسوند ندارند ۳۲- آ: نخوانی؛ ف، و: پسین شمارش نخوانی (و: نداند)؛ ل: جزایش نشانی نداند؛ ق: زمین باز پرس از ندانی؛ ل<sup>۲</sup>،  
ب: جزایم شماری (ب: نشانی) ندانی؛ متن = س، لن، ق، آ، لی، پ ۳۳- ل- ب: نخسین؛ متن = ف ۳۴- ل: جنبش؛ لن- آ: فطرت؛ متن = ف،  
ل<sup>۲</sup>: ب ۳۵- ل، س، ق- ب: پسین؛ لن: پسین در؛ متن = ف ۳۶- ل- ب: نویی؛ متن = ف ۳۷- ف، ق: گویا؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۸-  
و، ب: دگرگونه این ۳۹- ف: چه داند جهان از؛ لی: ندانیم راز؛ متن = ده دستنویس دیگر

۷۰ [نگه کن سرانجام خود را بین  
[به رنج اندر آری نت را<sup>۲</sup> رواست  
نگه کن بدین گنبد تیزگرد<sup>۲</sup>  
نه گشت<sup>۵</sup> زمانه بفرسایدش<sup>۶</sup>  
نه از جنبش آرام گیرد همی<sup>۸</sup>  
ازو دان فزونی<sup>۹</sup> و زوهم<sup>۱۱</sup> نهار<sup>۱۱</sup>  
زیاقوت سرخ ست چرخ کبود<sup>۱۳</sup>  
به چندین فروغ و به چندین<sup>۱۵</sup> چراغ

۷۵ که کاری نیابی بروبر گزین<sup>۱</sup>  
که خود رنج بردن به<sup>۲</sup> دانش سزاست  
که درمان ازویست و زویست درد  
نه آن<sup>۷</sup> رنج و تیمار بگزایدش  
نه چون ما تباهی پذیرد همی  
بد و نیک نزدیک او آشکار<sup>۱۲</sup>  
نه از آب و باد و نه از گرد و دود<sup>۱۲</sup>  
بیاراسته چون به نوروز<sup>۱۶</sup> باغ

### گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه<sup>۱۷</sup>

۸۰ روان اندران<sup>۱۸</sup> گوهر دلفروز<sup>۱۹</sup>  
که هر بامدادی چو زرین سپر  
زمین پوشد از نور پیراهنا  
چو از مشرق او سوی خاور<sup>۲۳</sup> کشد<sup>۲۴</sup>  
نگیرند<sup>۲۸</sup> مر<sup>۲۹</sup> یکدگر را گذر<sup>۳۰</sup>

کزو<sup>۲۰</sup> روشنایی گرفتست روز  
ز مشرق برآرد فروزنده سر<sup>۲۱</sup>  
شود تیره گیتی بدو<sup>۲۲</sup> روشنا  
ز مشرق<sup>۲۵</sup> شب تیره سر<sup>۲۶</sup> برگشند<sup>۲۷</sup>  
نباشد ازین یک روش<sup>۳۱</sup> راستر<sup>۳۲</sup>

۱- س- پ، آ: چو کاری بیایی (ق، ل: لی: نیابی) برین (ق: ازو) برگزین؛ ل، آ، ب: که کاری نیابی بدین (ب: جز او) برگزین؛ و این بیت را ندارد؛ متن =  
ف، ل، ۲- آ: تو شب را ۳- ل: ز؛ ف از بیت ۷۰-۸۹ را ندارد؛ در ل پس از بیت ۶۹ به ترتیب بیت های ۹۲، ۹۴، ۹۰ و ۹۳ آمده اند؛ در س، لن،  
لی میان بیت ۶۹ و ۷۰ بیت ۹۲ آمده است؛ در ق پس از بیت ۶۹ به ترتیب بیت های ۳۲، ۳۳، ۶۷، ۹۳ و ۷۰ آمده اند؛ در ق پس از بیت ۶۹ بیت ۹۲  
آمده و بیت های ۷۰، ۷۱ و ۷۲ را انداخته است؛ در و، آ، ل میان بیت ۶۹ و ۷۰ بیت های ۹۲ و ۹۳ بجای خود برابر است؛ جای درست بیت های ۶۸ و ۶۹ در جلوی  
لی پس از بردن بیت ۹۲ بجای خود، و با با و، آ، ل پس از بردن بیت های ۹۲ و ۹۳ بجای خود برابر است؛ جای درست بیت های ۶۸ و ۶۹ در جلوی  
بیت ۹۰ است ۴- ل: به گرد در دانشش بازگردد؛ ق این بیت را ندارد ۵- لن: بگشت ۶- آ: بیفزایدش ۷- ل، ق، ل: نه از؛ لن: بدان؛ ق این  
این بیت را ندارد؛ متن = س، لی، پ، و، آ، ب ۸- ل: نه از مهر او دل بکاهد همی؛ لی: از آن گردش آرام گیرد همی؛ ق این بیت را ندارد ۹- ق: آ:  
ازو دان نهانی؛ لی: ازو هم فزونی؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنها در کناره افزوده اند؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ف ۱۰- س، پ، و، ل، آ: و هم  
زو؛ متن = ل، لن، ق، ل، لی، آ، ب ۱۱- ل، س، آ: شمار؛ ق: بهار؛ متن = لن، لی، پ، و، ل، آ، ب ۱۲- لن: اویست کار ۱۳- ل: چنین چرخ گردنده  
پیدا نمود؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز ف ۱۴- س، لن، ق، آ، پ، آ: نه از آب و گرد و نه از باد و دود؛ متن = ل، ق، لی، و، ل، آ، ب ۱۵- لن، ق، آ: به  
چندان؛ لی: که با آن فروغی بچندین ۱۶- ق: آ: همچون نادیده ۱۷- س، لی: اندر آفریدن آفتاب و ماه و غیره؛ لن، آ، ب: گفتار (ب: <گفتار>  
اندر آفرینش آفتاب و ماه (لن: و غیره؛ آ: و غیر آن)؛ پ: اندر گردش فلک و آفتاب و ماه؛ ل، ق: سرنویس ندارند؛ ق، آ، ل ناخواناست؛ متن = و ۱۸-  
ق، ق، آ، و: اندرو؛ لی: آمد آن؛ ل: اندرین ۱۹- ق، و: شب فروز؛ ل: ازویست رخشنده گیتی فروز؛ متن = س، لن، پ، آ، ب ۲۰- ل، ق، ل، آ،  
ب: ازو؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ف ۲۱- ل این بیت و دو بیت سپسین را ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده اند ۲۲- ق، و: ازو؛ ل: برو  
۲۳- س- لی، آ، ل، آ، ب: مغرب؛ متن = پ، و ۲۴- س: کشید؛ ق: رسد؛ ق: دمید؛ آ: رسید؛ متن = لن، لی، پ، و، ل، آ، ب ۲۵- لی، آ: زمغرب  
۲۶- لی: <سر> (وزن نادرست است) ۲۷- س، ق، آ، ب: برکشید؛ متن = لن، ق، لی، پ، و، ل، آ، ب ۲۸- ق، آ، ل، لی، آ، ل، آ، ب: بگیرند؛ متن = س،  
لن، ق، پ، و ۲۹- ق، ل، آ، ب: بر ۳۰- ق، ل، آ، ب: رهگذر؛ ل: ز خاور برآید سوی باختر ۳۱- لی، و: ازین روشن و ۳۲- ل- ب: راستر؛ متن  
تصحیح قیاسی است

ایا آنکه<sup>۱</sup> تو آفتابی همی  
 چه بودت که بر من<sup>۲</sup> نتابی<sup>۳</sup> همی  
 چراغ ست مر تیره شب را بسیج  
 چو سی روز گردش<sup>۵</sup> پیمایدا  
 پدید آید آنگاه باریک و زرد<sup>۶</sup>  
 چو بیننده دیدارش از دور دید  
 ۸۵ دگر شب نمایش کند بیشتر  
 به دو هفته گردد تمام و<sup>۱</sup> درست  
 بود<sup>۱۱</sup> هرشب آنگاه باریکتر  
 بدینسان<sup>۱۲</sup> نهادش خداوند داد  
 به بد<sup>۴</sup> تا توانی تو هرگز مپیچ  
 دو روز و دو شب روی ننمایدا  
 چو پشت کسی کو غم عشق خورد<sup>۸</sup>  
 هم اندر زمان او<sup>۹</sup> شود ناپدید  
 ترا روشنایی دهد بیشتر  
 بدان<sup>۱۱</sup> بازگردد که بود از نخست  
 به خورشید تابنده نزدیکتر<sup>۱۳</sup>  
 بود تا بود هم<sup>۱۵</sup> برین<sup>۱۶</sup> یک نهاد

### گفتار اندر ستایش پیغمبر<sup>۱۷</sup>

۹۰ ترا دانش دین<sup>۱۸</sup> رهاند درست<sup>۱۹</sup>  
 دلت گر<sup>۲۱</sup> نخواهی<sup>۲۲</sup> که باشد نژند  
 چو خواهی که یابی ز هر بد<sup>۲۴</sup> رها  
 بوی<sup>۲۶</sup> در دو گیتی ز بد<sup>۲۷</sup> رستگار  
 در<sup>۲۰</sup> رستگاری بیایدت جست  
 همان تا نگردی تن مستمند<sup>۲۳</sup>  
 سر اندر نیاری<sup>۲۵</sup> به دام بلا  
 نکوکار گردی<sup>۲۸</sup> بر کردگار

۱- س: آنک ۲- پ: از من؛ و: بر ما ۳- پ: بتابی؛ ق: این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده اند ۴- و: از ۵- ل: گردو <ن> ۶- ل: س، لن، آ، ب: شود تیره گیتی بلوروشنا؛ لی: در روز و شب روی بنمایدا؛ متن= ق، ق، ق، پ، و، ل ۷- ل: باریکتر؛ متن= س- ب ۸- ل: کو بود عشق خور؛ ق: کو غم خویش خورد؛ متن= س، لن، ق، لی- ب ۹- ق، لی، و، آ: زو؛ در س، لن، ق، لی، پ، آپس از این بیت ۸۹ آمده است ۱۰- ل: او ۱۱- آ: بدین ۱۲- و: شود ۱۳- آ: تاریکتر؛ ل، لی، پ: این بیت را ندارند ۱۴- س، لن، ق، آ: برینسان؛ ب: بر انسان؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ل، لی، پ، و، ل ۱۵- ل: بود تا که باشد ۱۶- لی: بدین؛ در س، لن، ق، لی، پ، آ: این بیت پس از بیت ۸۵ آمده است ۱۷- ف: گفتار اندر ستایش پیغمبر ما محمد صلوات الله وسلام علیه و ستایش چهار بار اورضوان الله علیهم؛ س: گفتار اندر نعت پیغمبر صلی الله علیه وسلم؛ ق: گفتار اندر ستایش رسول صلی الله علیه؛ ق: در نعت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله؛ لی: گفتار اندر نعت محمد مصطفی صلی الله علیه؛ پ: اندر ستایش پیغمبر صلی الله علیه؛ و: فی نعت النبی لأمی صلی الله علیه وسلم؛ آ: گفتار اندر نعت سید المرسلین صلعم؛ ل: گفتار در نعت پیغامبر و ثنای اهل بیت؛ ب: نعت سید المرسلین؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن= آغاز ف ۱۸- ل: ق، پ- ب: دانش و دین؛ لی: این بیت را ندارد؛ متن= ف ۱۹- ف: نخت؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۰- پ: ره؛ متن= ده دستویس دیگر؛ جای درست بیت های ۶۸ و ۶۹ در جلوی این بیت است ۲۱- ل، پ، و، ب: وگر دل؛ س، لن، لی، آ، ل: اگر دل؛ ق، ق، این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف ۲۲- لی: نخواهد ۲۳- ل، س، لن، لی- ب: نخواهی که دایم بوی (آ: بود) مستمند؛ متن= ف ۲۴- ل: زبدها؛ لی: چو خواهی ز هر بد که یابی ۲۵- ق: نیابی؛ در ف این بیت پیش از بیت ۹۱ آمده است؛ در ل این بیت بکبار هم پس از بیت ۶۹ آمده است؛ در س، لن، ق، ل: این بیت پس از بیت ۶۹ آمده است؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۲۶- ق، آ: تویی ۲۷- ل: تن ۲۸- آ، ل، ب: نکونام باشی؛ متن= ل، ق، پ، و؛ ف، س، لن، ق، لی: این بیت را ندارند؛ در ل این بیت پس از بیت ۹۰، در ق پس از بیت ۶۷ و در پ، و، آ، ل: پیش از بیت ۷۰ آمده است

به گفتار پیغمبرت راهجوی<sup>۱</sup>  
 ۹۵ چه گفت آن خداوند<sup>۲</sup> تنزیل و<sup>۳</sup> وحی  
 که من شارستانم<sup>۴</sup> علیم در است  
 گواهی دهم کین<sup>۵</sup> سخن راز<sup>۶</sup> اوست  
 حکیم این جهان را چو دریا نهاد  
 چو<sup>۱۲</sup> هفتاد کشتی برو<sup>۱۳</sup> ساخته  
 یکی پهن کشتی بسان عروس  
 ۱۰۰ محمد بدو اندرون<sup>۱۵</sup> با علی

دل از تیرگی ها بدین آب شوی  
 خداوند امر و خداوند نهی  
 درست این سخن<sup>۵</sup> گفت<sup>۶</sup> پیغمبرست  
 تو گویی دو گوشم<sup>۹</sup> بر<sup>۱۱</sup> آواز اوست  
 برانگیخته موج ازو تندباد<sup>۱۱</sup>  
 همه بادبان ها برافراخته  
 بیاراسته همچو چشم خروس<sup>۱۴</sup>  
 همان<sup>۱۶</sup> اهل بیت<sup>۱۷</sup> نبی و وصی<sup>۱۸</sup>

۱- ل: بگفتار پیغمبر راه جوی جوی (!)؛ در ف پس از این بیت بیت ۹۰ آمده است؛ پیایی بیت های ۷۰-۹۴ در دستویس ها- ف: ۹۲، ۹۱، ۹۴ (بیت های ۷۰-۹۰ و ۹۳ را ندارد)؛ ل: ۹۲، ۹۴، ۹۰، ۹۳، ۷۰-۷۶، ۸۰-۸۷، ۸۹-۹۲، ۹۴ (بیت های ۷۷-۷۹ و ۸۸ را ندارد، ولی بیت های ۷۷-۷۹ را در کناره افزوده است)؛ س، لن: ۹۲، ۷۰-۸۵، ۸۹، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۴ (بیت ۹۳ را ندارد)؛ ق: ۳۲، ۳۳، ۶۷، ۹۳، ۷۰-۷۲، ۷۴-۸۰، ۸۲-۸۸، ۹۰، ۹۲ (بیت های ۷۳ و ۸۱ و ۸۹ و ۹۱ را ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده اند)؛ ق: ۲: ۹۲، ۷۳-۸۵، ۸۹، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰ (بیت های ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۹۱ و ۹۳ را ندارد)؛ پ، آ: ۹۳، ۷۰-۸۵، ۸۹، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۴؛ و، ل: ۲: ۹۲، ۹۳، ۷۰-۹۱، ۹۴؛ پیایی بیت های متن = ب ۲- لن: خردمند ۳- پ، آ: < و >؛ ف- لن، ق: ۲- آ، ب پس از این بیت افزوده اند (در لن لت دوم بیت یکم ناخواناست):

که خورشید بعد از رسولان مه  
 عمر کرد (لن: چو او کرد) اسلام را آشکار  
 پس از هر دو ان بود عثمان گزین (لن: اهل یقین)  
 چهارم علی (لن: چو اکنون علی) بود جفت بتول  
 این بیت ها در ق، ل<sup>۲</sup> (ونیز در س<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند

۴- ل- آ، ب: شهر علمم؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> (شارسانم)؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت دوبار آمده است. یکبار با ضبط شهر علمم در اینجا، و بار دیگر با ضبط شارسانم پس از بیت ۹۷ ۵- ل: درست و این ۶- ل- ل: قول؛ متن = ف، ب ۷- ل: این؛ متن = یازده دستویس دیگر ۸- لی، پ: را از؛ لن، ق: ۲: سخن ها از ۹- آ: دو گوشم تو گویی ۱۰- لن: به؛ پ، ب: پر؛ س، لن، ق: ۲- آ، ب پس از این بیت افزوده اند (در لن لت دوم بیت دوم را پاک کرده اند): علی را چنین گفت و دیگر همین

کزیشان قوی شد به (ب: بدبه؛ ق: ۲: گشت) هرگونه دین  
 و: کزیشان بود زور و بازوی دین  
 بهم پشتمی (ق: ۲: بهم نبستی) یکدگر راست راه  
 ب: بمانند بایکدگر سال و ماه

نهی آفتاب و صحابان (لن، لی، و، آ: صحابه) چومه

این دوبیت در ف، ل، ق، ل<sup>۲</sup> نیست، ولی در ق آنها را میان دو ستون افزوده اند؛ ل پس از بیت ۹۷ و س، لن، ق: ۲، لی، پ، آ، ل، آ، ب پس از دوبیت بالا و ق پس از بیت ۱۰۴ بیت زیر را افزوده اند:

ستم بنده اهل بیت نبی  
 ستاینده خاک پای (ل، ق: ۲: جان پاک) وصی  
 این بیت در ف، و نیست؛ پ پس از بیت بالا یک بیت دیگر نیز افزوده است:

ابا دیگران مرا کار نیست  
 بدین در مرا راه گفتار نیست

۱۱- ل: موج اوشد چوباد؛ ق: ۲: موج ازو شد چوباد؛ در لن لت دوم این بیت را پاک کرده اند؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۲- ل: دو ۱۳- ل: برآن؛ لی: بدو؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۴- در لن لت دوم این بیت را پاک کرده اند ۱۵- ل: اندرو ۱۶- س، لن، ق: ۲- آ: همه؛ متن = ف، ل، ق، ل: ۲، ب ۱۷- آ: اهل و بیت ۱۸- ل، لن، ق، لی، و، آ: ولی؛ س: همه بنده اهل بیت نبی؛ متن = ف، ق: ۲، پ، ل، آ، ب؛ ف- ب (ونیز ل، لن، ق، س) پس از این بیت افزوده اند (در لن لت دوم بیت یکم و لت یکم بیت دوم را پاک کرده اند):

خردمند کز دور دریا بدید  
 بدانست کور (کان) موج خواهد زد  
 کرانه نه پیدا و بن ناپدید  
 کس از غرق (ف، ل: ۲: اوج) بیرون نخواهد شدن  
 ب: از او موج بر اوج خواهد شدن  
 شوم غرقه (ل: ۲: غرق) دارم دوبار (ق روانرا) وفی  
 خداوند تاج و لوا و سریر  
 همان چشمه شیر و ماء معین  
 به دل گفت اگر با نبی و وصی  
 همانا که باشد مرا دستگیر  
 خداوند جوی و می و انگبین

اگر چشم داری به دیگر سرای  
گرت زین بد آید<sup>۲</sup> گناه من ست  
برین<sup>۳</sup> زادم و هم برین<sup>۴</sup> بگذرم  
نگر تا به بازی نداری<sup>۵</sup> جهان  
همه نیکیت باید<sup>۶</sup> آغاز کرد<sup>۷</sup>  
ازین<sup>۸</sup> در سخن چند رانم همی

بنزد نبی و وصی<sup>۱</sup> گیر جای  
چنین ست و این دین و<sup>۲</sup> راه من ست  
چنان دان که خاک پی<sup>۳</sup> حیدرم  
نه برگردی از نیک پی<sup>۴</sup> همرهان  
چو با نیکنامان بوی هم<sup>۵</sup> نبرد<sup>۶</sup>  
همانش کرانه<sup>۷</sup> ندانم همی

### گفتار اندر فراهم آوردن شاهنامه<sup>۱۵</sup>

سخن هرچه گویم<sup>۱۶</sup> همه گفته اند  
اگر<sup>۱۷</sup> بر درخت برومند جای  
توانم مگر پایگه<sup>۱۸</sup> ساختن  
کسی کو شود زیر نخل بلند  
ازین<sup>۱۹</sup> نامور نامه<sup>۲۰</sup> شهریار

بر باغ<sup>۲۱</sup> دانش همه رفته اند  
نیام<sup>۲۲</sup> که از<sup>۲۳</sup> برشدن نیست پای<sup>۲۴</sup>  
بر شاخ<sup>۲۵</sup> آن سرو سایه فگن  
همان سایه زو بازدارد<sup>۲۶</sup> گزند  
بمانم به گیتی<sup>۲۷</sup> یکی<sup>۲۸</sup> یادگار

۱- ل، و، ق: ۱- وصی و نبی ۲- ل: ۱- نداند ۳- ف: و آیین: ل: وین دین: لی: و این رسم و: آ: و این دین: متن = هشت دستنویس دیگر  
۴- لی: بدین ۵- لن، لی: بدین ۶- ق: ۲- کف، ف، س- ل: (و نیز ل: ۲، لن: ۲، س: ۲) پس از این بیت، و، ل، ب پس از بیت ۱۰۳ افزوده اند:  
دلت گریه راه خطا میل است ترا دشمن اندر جهان خود دل است  
ل، س، لن، ق: ۲، پ، و، آ، ل: ۲، ب پس از بیت بالا دو بیت زیر را و، ق، تنها بیت دوم را افزوده اند (در ق بیت یکم را در کناره افزوده اند):  
نباشد جزابی پدر دشمنش (آ: نباشد جزاهرمن بدکش) که بزدان به آتش بسوزد تنش  
هرآنکس که در دلش (ل: کسی را که در دل ز) بغض علی است ازوزارنر در جهان زار (ف: کار، و: مرد؛ آ: خوار) کین  
لی این دو بیت را ندارد ۷- ل: نه گریه‌های داری به بازی؛ س، لن، ق: ۲- ب: نگر تا نداری بیازی؛ متن = ف، ق ۸- لن: راه بی؛ ل، آ، ب پس از این  
بیت افزوده اند:

کرانه بگیری (آ، ب: نگیری) ز بغض صحاب  
توبر خارجی لعنتی کن مدام (ب: دوام)  
ابوبکر و جلدر چو برکوشند (ل: کوشست؛ آ: برگ و برند)  
تومنی بزی (ل: سقی تری) تا بود (ل: بوی) هر دو دوست  
که هستند همچون نجوم و سحاب (ل: نجوم شهاب)  
و بر (ل: ابن) رافضی همچنین کن دوام (ب: مدام)  
کجا خارجی (آ: خارج و) رافضی درخورند (ل: درخورست)  
ره‌رستگاری ازینست و اوست (ل: ازین و ازوست)

این بیت ها در هشت دستنویس دیگر نیست ۹- ل: همه نیک باید به؛ ل: ۲: همه نیکیت باد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- لن: کار ۱۱- ف:  
بجوی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- لن: درگذارد؛ آ: هم نورد ۱۳- آ: بدین ۱۴- س، لن، ق: ۲، لی، پ، آ: همانا کرانش؛ و: همانا گزارش؛  
متن = ف، ل، ق: ۲، ل، آ، ب ۱۵- ف: گفتار اندران که فردوسی این حکایت با نظم میکند اگر سخنی نامعقول باشد بروی عیب نکنند که حکایت برین گونه  
بود؛ ل، س، ق، ب: اندر (ق: در) فراهم آوردن شاهنامه؛ پ، آ: اندر سبب نظم کتاب (آ: نظم شاهنامه)؛ و: گفتار در آغازنامه؛ ل: ۲: در جمع آوردن  
شاهنامه از جهان؛ ق: ناخواناست؛ متن = لن، لی (که به ل، س، ق، ب نزدیک است) ۱۶- ف، لی: گفتم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷- ل، آ: برو  
بوم؛ لی: بروم و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۸- ل: کسی؛ و: از آن ۱۹- ل: نیابد؛ س، لن، ق: ۲، پ، ب: نیابی؛ لی، ل: ۲: بیام؛ متن = ف، و،  
آ ۲۰- ق: کجا ۲۱- ف، ل، لن، لی، ب: رای؛ ل: ۲: جای؛ متن = س، ق، ق: ۲، پ، و، آ ۲۲- س، لن، ق: ۲، آ: سایه‌ای؛ پ، و: چاره‌ای؛ ل:  
بنوی دگر پایه‌ای؛ لی: بدانم مگر پایگه؛ متن = ف، ق، ل، آ، ب ۲۳- ق: نزدیک؛ در ل- ق: ۲، پ- ب این بیت با بیت سپین پس ویش شده است؛  
پایه بیت های ۱۱۰ و ۱۱۱ در متن = ف ۲۴- ق: ۲: گردد؛ لی این بیت را ندارد؛ در ل- ق: ۲، پ- ب این بیت با بیت پیشین پس ویش شده است ۲۵-  
ل، س، لن، ق: ۲، آ، ب: کزین؛ متن = ف، ق، ل ۲۶- ف، ل، آ: نامه نامور؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- ل، س، لن، ق: ۲، ل: ۲: به گیتی بمانم؛  
متن = ف، ق، ب ۲۸- ل: ۲: بسی؛ ف پس از این بیت افزوده است:

که هر کس که اندر سخن داد داد ز من جز به نیکی نگیرند یاد

به یکسان روشن<sup>۲</sup> زمانه مدان  
دگر بر ره رمز<sup>۴</sup> معنی برد

فراوان بدو<sup>۵</sup> اندرون<sup>۶</sup> داستان  
ازو<sup>۷</sup> بهره‌ی<sup>۹</sup> نزد<sup>۱</sup> هر بخردی  
دلیر و بزرگ و خردمند و<sup>۱۲</sup> راد  
گذشته سخن<sup>۱۳</sup> ها همه<sup>۱۴</sup> باز جست  
بیاورد کین نامه را گرد<sup>۱۵</sup> کرد  
وزان<sup>۱۸</sup> نامداران و<sup>۱۹</sup> فرخ<sup>۱۶</sup> مهان<sup>۱۷</sup>  
که ایدون به ما خوار بگذاشتند  
بریشان بر آن<sup>۲۳</sup> روز<sup>۲۲</sup> کُنداوری  
سخن<sup>۲۴</sup> های شاهان و گشت جهان<sup>۲۵</sup>  
یکی نامور نامه افگند بن<sup>۲۷</sup>  
برو آفرین از کهان و مهان<sup>۲۸</sup>

تو این را دروغ و فسانه مدان  
ازو<sup>۲</sup> هرچه اندر خورد با خرد

۱۱۵ یکی نامه بود از گه باستان  
پراگنده در<sup>۷</sup> دست هر موبدی  
یکی پهلوان<sup>۱۱</sup> بود دهقان نژاد  
پژوهندهی روزگار نُخست  
ز هر کشوری موبدی<sup>۱۴</sup> سالخورد  
پرسیدشان از<sup>۱۶</sup> کیان جهان<sup>۱۷</sup>  
۱۲۰ که گیتی به<sup>۲۱</sup> آغاز چون داشتند  
چگونه سرآمد به<sup>۲۲</sup> نیک اختری  
بگفتند پیش<sup>۲۵</sup> یکایک مهان  
چوبشید ازیشان سپهد سخن  
۱۲۵ چُنین یادگاری شد اندر جهان

### گفتار اندر داستان ابومنصور دقیقی<sup>۲۹</sup>

- ۱- ل: رمز ۲- ق: بی‌یکسان روش را؛ و: بجز راز روشن؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ف: پس از این بیت افزوده است؛ دگر بُرد که ناچار بایست گفت همان به که دارم سخن در نهفت
- ۳- ق: که از ۴- ل، ن، ل، ر، م، زو؛ ق: این بیت را ندارد، ف: پس از این بیت افزوده است؛ تو این نامور نامه از نیک و بد سخن هست بعضی که معقول نیست اگر از بی خاص رفتی سخن وگر سربسر بودی از بهر عام از آن طبع را نفرتی خاستی 5 در آن جهد کردم که تانیک و بد بیابند ازین نامه دلپذیر بنزدیک دانشوران روشن است
- ۵- ف: بدوی ۶- ل: اندرو ۷- ق: بر ۸- ل: ازان ۹- ل: بهره‌تر؛ ل: بهره‌بد؛ ق: که از بهره؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۰- ق: نزدیک؛ ل: پ: برد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- ل: پهلوی ۱۲- ل: <و> ۱۳- ق: ل، آ، ب: همی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۴- ف: موبد ۱۵- ل: ق، آ، پ: یاد؛ متن = ف: لی ۱۶- ق: کز ۱۷- س، ل، ن، ق، ل، پ، آ: نژادکیان؛ متن = ف: ل، ق، و، ل، آ، ب: ۱۸- ف، ق، و، ل، آ، ب: ازان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۹- ل، ل: <و>؛ ف: نامبردار؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- ل: گوان ۲۱- ل: ز؛ ق، ل: آ: از؛ ف: پاک شده است؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۲- ل: ز ۲۳- ل، س، پ، و، آ: همه؛ ل، ن، ق، ل، ل، آ: همان؛ متن = ف، ق، ب ۲۴- ل: زور ۲۵- ل، پ، ل: آ: پیش ۲۶- ل: زمان؛ ف: زگشته نهان داستان شهان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- ق: آ: این بیت را ندارد ۲۸- آ: میان کهان و میان مهان؛ ق: آ: این بیت را ندارد ۲۹- ف: گفتار اندر داستان ابومنصور دقیقی که اول شهنامه او گفته است؛ س، ل، ن، ق، آ، ل، ب: داستان دقیقی شاعر؛ ق: ل: آ: داستان ابومنصور دقیقی؛ پ: اندر داستان دقیقی شاعر؛ و: گفتار اندر داستان ابومنصور دقیقی؛ آ: آغاز داستان؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف

همی خواند خواننده<sup>۲</sup> بر<sup>۳</sup> هر کسی  
همان<sup>۴</sup> بخردان نیز و هم<sup>۵</sup> راستان]  
سخن گفتنی<sup>۶</sup> خوب و طبعی<sup>۷</sup> روان  
ازو شادمان شد دل انجمن  
همه ساله با بد<sup>۸</sup> به پیگار بود  
نبود از جهان دلش یکروز بود<sup>۹</sup>  
نهادش به سر<sup>۱۰</sup> بر یکی تیره ترگ<sup>۱۱</sup>  
بدست یکی بنده بر کشته شد<sup>۱۲</sup>  
چنان<sup>۱۳</sup> بخت<sup>۱۴</sup> بیدار<sup>۱۵</sup> او خفته ماند

چُن<sup>۱</sup> از دفتر این داستان ها بسی  
[جهان<sup>۲</sup> دل نهاده برین<sup>۳</sup> داستان  
جوانی بیامد گشاده زبان  
به شعر<sup>۴</sup> آرم این نامه را گفت من  
جوانیش را خوی بد یار بود  
بدان<sup>۵</sup> خوی بد جان شیرین بداد  
برو<sup>۶</sup> تاختن کرد ناگاه مرگ  
یکایک ازو بخت برگشته شد  
برفت او واین نامه ناگفته ماند

۱۳۰

### گفتار اندر داستان دوست مهربان<sup>۱</sup>

سوی تخت شاه جهان کرد روی<sup>۲</sup>  
به پیوند گفتار<sup>۳</sup> خویش آورم  
بترسیدم<sup>۴</sup> از گردش روزگار  
بیاید سپردن<sup>۵</sup> به دیگر کسی

دل روشن من چو بگذشت<sup>۶</sup> ازوی<sup>۷</sup> ۱۳۵  
که این نامه را<sup>۸</sup> دست پیش آورم  
پرسیدم از هر کسی بشمار  
مگر خود درنگم نباشد بسی

۱- ل- ب: چو؛ متن = ف ۲- و: گورنده ۳- ق: با ۴- ل، ل، ل، ل: ب: چنان؛ ف، ق این بیت را ندارند ۵- س، لن، ق، ل، لی: بدین، متن = ل، پ، و، آ، ل، ب ۶- ل: هم از؛ پ، و: همه؛ متن = هفت دستویس دیگر ۷- ل: وهم از؛ ق: نیز و آن؛ و، ل: و همه؛ متن = س، لن، لی، پ، آ، ب؛ درل این بیت پس از بیت ۱۲۸ آمده است ۸- ف: گفتش؛ لن، ق، ق: گفتن؛ متن = س، لی، پ، و، آ، ل، ب ۹- ف: طبعش؛ لن، ق، ل، آ: طبع؛ متن = س، ق، لی، پ، و، آ، ب ۱۰- ل: بگفتا بگویم من این داستان؛ ل پس از این بیت افزوده است:

سخن گفتنی خوب و طبعی روان جوان سبک روح و روشن روان  
چنان دل نهاده برین داستان هم از بخردان و هم از راستان

۱۱- پ، آ: به نظم؛ درف آغاز این بیت پاک شده است؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۲- س، لن، ق، ل، لی، پ: ابا بد همیشه؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ درو این بیت پس از بیت ۱۳۳ آمده است ۱۳- ل: بران ۱۴- آ: نبود از جوانیش یکروز شاد؛ ل: نبود از جهان یکزمان دلش شاد؛ ل، س، لن، ق، آ، لی این بیت را ندارند؛ متن = ف، ق، پ، و، ب؛ درپ، و، آ این بیت پس از بیت ۱۳۲ آمده است ۱۵- ف، ق: بدو؛ س، لن، ق، ل، لی این بیت را ندارند؛ متن = ل، پ، و، آ، ل، ب ۱۶- ق، پ: بربر نهادش ۱۷- ف: کرد (پساوند ندارد)؛ درپ، و، آ این بیت پس از بیت ۱۳۰ آمده است ۱۸- ل این بیت را ندارد؛ درو پس از این بیت بیت ۱۳۳ آمده است ۱۹- لن، ق: جهان؛ آ، ل، ب: جوان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۰- ق، پ، ل، آ، ب: بیدار و؛ متن = هشت دستویس دیگر: ل- ب پس از این بیت افزوده اند:

الهی عفو کن (پ: خدایا بیخشا) گناه ورا بیفزای درحشر(ل: جشن؛ ب: خلد) جاه(ل، لی، ل: جای) ورا

این بیت درف نیست ۲۱- ف: گفتار اندر سبب آنکه گفتن شهنماه راجه موجب بود در داستان آن؛ س، لن، ق، ل، لی، ب: داستان دوست مهربان؛ ق: داستان ابوالقاسم فردوسی رحمة الله (و چند بیت پایین تر افزوده است: داستان دوست مهربان)؛ پ: اندر نامه نوشتن آ: گفتار اندر داستان بار مهربان؛ ل: در داستان مهربانی دوست؛ ل، و سرنویس ندارند ۲۲- ل، س، لن، ق، ل: برگشت؛ متن = ف، ق، ب ۲۳- آ: ازو ۲۴- آ: رو ۲۵- ق: من ۲۶- ف، ق: به پیوند و گفتار؛ س، لن، ق، آ: ز دفتر بگفتار؛ متن = ل، ل، آ، ب؛ در آ پس از این بیت، بیت چهارم ۱۳۹ پ آمده است ۲۷- ل: نرسیدم؛ آ این بیت را ندارد ۲۸- ل، ق: سپرد این؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر

۱۴۰ و دیگر<sup>۱</sup> که گنج<sup>۱</sup> وفادار نیست  
 به شهرم یکی مهربان دوست بود  
 مرا گفت: خوب<sup>۸</sup> آمد این رای<sup>۹</sup> تو  
 نبشته<sup>۱۲</sup> من این<sup>۱۳</sup> دفتر<sup>۱۴</sup> پهلوی  
 گشاده زبان و جوانیت هست  
 شو این نامه<sup>۱۸</sup> خسروان بازگوی<sup>۱۹</sup>  
 ۱۴۵ [چو آورد این نامه نزدیک من  
 همین<sup>۲</sup> رنج را کس<sup>۱</sup> خریدار نیست<sup>۵</sup>  
 که با من تو گفتی<sup>۶</sup> زهم پوست<sup>۷</sup> بود  
 به نیکی خرامد<sup>۱۱</sup> همی پای<sup>۱۱</sup> تو  
 به پیش تو آرم نگر<sup>۱۵</sup> نغنیوی<sup>۱۶</sup>  
 سخن گفتن<sup>۱۷</sup> پهلوانیت هست  
 بدین جوی نزد مهان آروی  
 برافروخت این جان تارک من<sup>۲۰</sup>

### گفتار اندر ستایش امیرک منصور<sup>۲۱</sup>

بدین نامه چون<sup>۲۲</sup> دست بردم فراز<sup>۲۳</sup> یکی مهتری<sup>۲۴</sup> بود گردن فراز<sup>۲۵</sup>  
 جوان بود و از<sup>۲۶</sup> گوهر پهلوان خردمند و بیدار و روشن روان<sup>۲۷</sup>  
 خداوند رای و خداوند شرم سخن گفتنش<sup>۲۸</sup> خوب<sup>۲۹</sup> و آوای<sup>۳۰</sup> نرم

۱- ف: دودیکر؛ متن = س- ب ۲- ق: انجم؛ ب: بختم؛ ل: وزودیکر انجم؛ آ این بیت را ندارد ۳- لی: همه ۴- ق: کس را ۵- ق، پ، و پس از این بیت سه بیت و ف تنها بیت یکم را افزوده اند (در و بیت یکم و دوم پس و پیش شده اند):

زمانه سراسر پر از جنگ (ق: زنگ) بود به جویندگان بر جهان تنگ بود  
 برین گونه یکچند بگذاشتم سخن را نهفته همی داشتم  
 ندیدم کسی کس سزاوار بود بگفتار این مرمرار یار بود

ل، س، لن، ق، ل، ل، ل، ب پس از بیت ۱۳۹ و پ، و پس از سه بیت بالا دوبیت زیر را افزوده اند؛ در آیت پس از بیت ۱۳۶ و بیت دوم پس از بیت ۱۴۰ آمده است:

زنیکو سخن به چه (ل: این به) اندر جهان برو آفرین از کهان و مهان  
 ل، و، ل: بتزد سخن سنج فرخ (ل: فر) مهان

اگر نبود (ل: نامدی این؛ س، لی: به بدی از؛ لن: بدیدی این؛ ق، آ: نه بدی این؛ ل: نه بدی به؛ ب: بدیدی بی) سخن ازخدای  
 نبی کی بدی نزد ما رهنمای

این دوبیت در ف، ق نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۶- ل- ب: تو گفتی که با من؛ متن = ف ۷- ل: بیک پوست؛ س- ب: زیك پوست؛  
 متن = ف ۸- ق، پ، و؛ چون ۹- و؛ جای ۱۰- ل، پ، و، ل: ب: گراید؛ متن = ف، ق ۱۱- پ: جای؛ و؛ همه رای؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، ب؛  
 س، لن، ق، ل، آ این بیت را ندارند؛ در لن، ق، ل، بجای این بیت، و در ق زیر آن، و در و پس از آن بیت زیر آمده است که جایش چند بیت پایین تر  
 است (← بیت ۱۴۹):

مرا گفت کز (و: بفرمای از) من چه باید (لی: آید) همی که جانست سخن بر (لی: را) گراید همی

۱۲- و: نوشته ۱۳- ق: از؛ لی: بی ۱۴- ل، س، لن، ق: ب: نامه؛ متن = ف، ق ۱۵- ل، س، لن، و- ب: مگر (ل، و را میتوان نگر هم خواند)؛ متن = ف، ق، آ، پ ۱۶- س، لن، لی، ب: بغنی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۷- س، لن، لی: گفتن و ۱۸- ف: هنرنامه؛ پ: تو این نامه؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۹- ق، و: خسروانی بگوی؛ آ: خسروی بازگوی؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۰- ف، ق (و نیز س) این بیت را ندارند ۲۱- ف: گفتار اندر ستایش خواجه عمید ابومنصور بن محمد بن امیرک و داستان او در سبب گفتن شهنامه؛ س: داستان امیر ابومنصور؛ لن: داستان امیر... (پاك شده است)؛ لی، ب: داستان ابومنصور؛ آ: گفتار اندر داستان امیرک ابونصر؛ ل: اندر داستان امیرک منصور؛ ل، ق، ق، آ، پ، و سرنویس ندارند ۲۲- س- لی، آ: من؛ متن = ف، ل، پ، و، ل، ب ۲۳- ل: دراز ۲۴- ف: مهترم؛ متن = ل- ق، آ، پ- ب ۲۵- لی: بفرمان آن مهتر سرفراز ۲۶- پ: ز ۲۷- در لن پساوند پاك شده است؛ در ف پس از این بیت افزوده است:

خداوند تاج و خداوند تخت دلفروز و بیدار و پیروز بخت (← بیت ۱۶۲)

۲۸- ل، ق، و، ل، آ: گفتن؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۹- س، لن: چرب؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۰- س، لی، پ، آ: آواز؛ متن = هشت دستویس دیگر



۱۵۰ مرا گفت کز<sup>۱</sup> من چه باید همی  
 به چیزی که باشد مرا دسترس  
 همی داشتیم<sup>۵</sup> چون یکی تازه سبب<sup>۵</sup>  
 به کیوان رسیدم ز خاك نژند  
 به چشمش همان خاك و هم<sup>۱۱</sup> سیم وزر  
 سراسر جهان پیش او خوار بود  
 ۱۵۵ چو آن<sup>۱۳</sup> نامور<sup>۱۴</sup> کم شد از انجمن  
 دریغ آن کمر بند و آن گردگاه<sup>۱۸</sup>  
 نه زو زنده بینم نه مرده<sup>۲۰</sup> نشان  
 گرفتارو، زو دل شده<sup>۲۳</sup> ناامید  
 یکی پند آن شاه<sup>۲۶</sup> یاد آوریم<sup>۲۷</sup>  
 ۱۶۰ مرا گفت کین<sup>۲۹</sup> نامه<sup>۳۰</sup>ی شهریار

که جانت<sup>۱</sup> سخن برگراید همی  
 به گیتی<sup>۲</sup> نیازت نیارم<sup>۴</sup> به کس  
 که از باد نامد<sup>۵</sup> به من<sup>۶</sup> بر نهیب<sup>۶</sup>  
 از آن نیک دل نامدار ارجمند  
 کریمی<sup>۱۱</sup> بدو یافته زیب<sup>۱۲</sup> و فر  
 جوانمرد بود و وفادار بود  
 چن<sup>۱۵</sup> از<sup>۱۶</sup> باغ سرو سهی از<sup>۱۷</sup> چمن  
 دریغ آن کمی برز<sup>۱۹</sup> بالای شاه  
 بدست<sup>۲۱</sup> نهنگان<sup>۲۲</sup> مردم کُشان  
 نوان<sup>۲۳</sup> لرززان<sup>۲۵</sup> بکردار بید  
 ز کژی روان<sup>۲۸</sup> سوی داد آوریم<sup>۲۷</sup>  
 گرت<sup>۳۱</sup> گفته آید به شاهان<sup>۳۲</sup> سپار

### گفتار اندر ستایش سلطان محمود<sup>۳۳</sup>

بدین نامه من<sup>۳۴</sup> دست بردم فراز<sup>۳۵</sup> به نام شهنشاه گردن فراز

۱- و: از؛ در لن این لت پاك شده است ۲- ق: که جانرا؛ در لن، ق: ل، لی این بیت بجای بیت ۱۴۱، و در ق در زیر آن، و در و پس از آن نیز آمده است  
 (بیت ۱۴۱) ۳- ل، ق، و، ل: ز گیتی؛ س، ق: ل، لی، پ، آ، ب: بکوشم؛ متن = ف ۴- ل: نیارد نیارم(!)؛ ق: نیازت نباید؛ ل، ل: نیارم  
 نیازت؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۵- ل: به پیش بندی؛ در لن لت یکم این بیت پاك شده است؛ متن = ده  
 دستنویس دیگر ۶- ل: ناریب ۷- پ: ناید ۸- لن: بقین ۹- ل: که نامد بمن بر چیزی نهیب؛ ق: که از باد بر من نیامد نهیب؛ آ: که نامد  
 ز چیزی بمن بر نهیب؛ متن = ف، س، ق: ل، لی، و، ل: آ، ب ۱۰- ق: آن ۱۱- ف: ز گیتی؛ لی: بزرگی؛ و: جوانی؛ متن = نه دستنویس دیگر  
 ۱۲- ف، ق: نام؛ ب: سیم؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۳- س، لن، ق: آ، و، ب: چنان؛ ق: جوان؛ متن = ف، ل، آ، ل ۱۴- ق: نام او؛ لی:  
 تاجور ۱۵- ل، لی، و- ب: چو؛ پ: که؛ متن = ف ۱۶- ل- ب: در؛ متن = ف ۱۷- ل: بر ۱۸- لن، ق: آ، و، ل: آ، ب: گرده گاه؛ متن = ف، ق،  
 آ ۱۹- پ، آ، ل: آ: برزو؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ در ل، س، لن، ق: آ، ب این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۲۰- ل: نه مرده به بینم  
 نه زنده؛ آ: نه زنده بینم نه مرده؛ ب: نه زو زنده نه مرده یابم؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۱- ق: زدست ۲۲- س، و، ب: نهنگان و؛ در ل، س، لن،  
 ق: ب این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های ۱۵۶ و ۱۵۷ = ف، ق؛ در س پس از این بیت نایت ۱۰۹ داستان جمشید را انداخته  
 است ۲۳- ل: همه راز این دل شده؛ لن، آ: گرفتار زو دل شده؛ ق: گرفتار دل زو شده؛ ق: ل، لی، ل، آ، ب: گرفتار وز (ل، آ، ب: واز) دل شده؛ متن = ف،  
 پ، و ۲۴- و: روان؛ متن = ده دستنویس دیگر (ف در بالای نوان افزوده است روان) ۲۵- ل: لرزه لرزان؛ ب پس از این بیت افزوده است:

سَم باد بر جان آن ماه و سال کجا برتن شاه شد بدسگال

در ف این بیت پس از بیت ۱۶۲ آمده است ۲۶- ق: یکی پند شاهانه ۲۷- لی: آورم ۲۸- ل: آن ۲۹- پ، و: این؛ ل: بکوشم که این  
 ۳۰- لن: گفته ۳۱- آ: اگر ۳۲- ب: بکیهان؛ ق، ب پس از این بیت بیت ۲۰۹ را افزوده اند ۳۳- ف: گفتار اندر ستایش سلطان عادل پادشاه  
 غازی محمود بن سبکتکین قدس الله روحه العزیز؛ ل، ق: آ، پ، و، ل: آ: در (پ، و: اندر) ستایش سلطان محمود (ق، ل، آ: محمود سبکتکین؛ و: محمود  
 سبکتکین رحمة الله)، لن، ق: ستایش سلطان محمود سبکتکین (لن: نورالله قبره)؛ لی: داستان سلطان محمود؛ آ: گفتار اندر داستان سلطان محمود؛ ب:  
 ستایش سلطان محمود ۳۴- ق: بر؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۵- لی: دراز

- ۱۶۵ خداوند تاج و خداوند تخت  
جهان آفرین تا جهان آفرید<sup>۲</sup>  
چو خورشید بر گاه بنمود<sup>۳</sup> تاج<sup>۴</sup>  
ابوالقاسم آن شاه پیروزبخت<sup>۵</sup>
- ز خاور بیاراست تا باختر  
مرا اختر خفته بیدار گشت  
بدانست کامد زمان سخن
- ۱۷۰ بر اندیشه‌ی شهریار زمین<sup>۱۱</sup>  
چنان دید روشن روانم به خواب  
همه<sup>۱۲</sup> روی گیتی شب لاژورد<sup>۱۵</sup>  
در و دشت برسان دیبا<sup>۱۷</sup> شدی  
نشسته برو شهریاری چو ماه  
رده برکشیده سپاهش دو<sup>۱۸</sup> میل
- ۱۷۵ یکی پاک دستور پیشش پیای  
مرا خیره گشتی سر از فر شاه  
چو آن چهره‌ی خسروی دیدمی  
که این<sup>۱۳</sup> چرخ و<sup>۱۴</sup> ماهست یا<sup>۱۵</sup> تاج و گاه<sup>۱۶</sup>؟
- جهاندارو<sup>۱</sup> بیدارو<sup>۲</sup> پیروزبخت  
چنو<sup>۳</sup> شهریاری<sup>۴</sup> نیامد پدید  
زمین شد بکردار تابنده عاج  
نهاد از بر تاج خورشید تخت  
پدید آمد از فر او کان زر  
به مغز<sup>۵</sup> اندر اندیشه بسیار گشت  
کنون نو شود<sup>۶</sup> روزگار کهن
- بخفتم<sup>۱۱</sup> شبی، لب<sup>۱۲</sup> پر از آفرین  
که رخشنده شمعی برآمد ز آب  
از آن شمع گشتی<sup>۱۳</sup> چو یاقوت زرد  
یکی تخت پیروزه پیدا شدی  
یکی تاج بر سر بجای کلاه  
بدست چپش هفتصد زنده پیل  
به داد و به دین<sup>۱۴</sup> شاه را رهنمای  
وزان<sup>۱۵</sup> زنده پیلان و چندان<sup>۱۶</sup> سپاه  
از آن نامداران<sup>۱۷</sup> پرسیدمی  
ستاره‌ست پیش اندرش<sup>۱۸</sup> یا<sup>۱۹</sup> سپاه؟

۱- و: <و> ۲- ق، و: <و>؛ ل، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب این بیت را ندارند؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۴۷ آمده است؛ در و این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت و بیت سپین پس از بیت ۲۰۰ آمده اند ۳- ف: که تا پاک یزدان جهان آفرید ۴- لی: چو او؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۵- ل، لن، ق، و، ل، آ، ب: مرزبانی؛ متن= ف، آ؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۲۰۰ آمده اند؛ ف پس از این بیت بی‌تی افزوده است که در ب پس از بیت ۱۵۸ آمده است:

ستم باد بر جان آن ماه و سال که شد بر تن و جان او بدسگال

۶- لن، ق، آ، لی، پ، آ: بنمود برگاه؛ متن= ف، ق، و، ل، آ، ب ۷- ل: زنامش همه بر فرزند تاج؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت پیش از بیت ۱۶۹ آمده است؛ ل، لن، ق، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

چه گویی که خورشید تابان که (ل: چه) بود کزو در جهان روشنایی فزود

این بیت در ف، ق، ل<sup>۲</sup> نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۸- ق<sup>۲</sup>: فیروزبخت، ل: برافراشت کاخ و برافراشت تخت ۹- ق<sup>۲</sup>: بمهر؛ در و این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۰- ل، ل، آ: شد آن؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۱- ل: چو باز آمدم نزد شاه زمین ۱۲- ل: نخفتم ۱۳- ف: دل؛ لن، ق، آ، لی این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ ق، آ، ب پیش از این بیت، لن، ق، آ، لی بجای این بیت، و، و، ل<sup>۲</sup> پس از این بیت زیر را افزوده اند؛ پ پس از بیت یکم ۱۳۹ پ و سپس بیت زیر را افزوده است:

دل من چو نور اندران تیره شب نخفته (ق، ل، ب: بخفته؛ و: نهفته) گشاده دل و بسته لب

این بیت در ف، ل نیست ۱۴- ل: همی ۱۵- ف، لن، ب، ل، آ، ب: لاجورد؛ متن= ل، و، آ ۱۶- ل، لی: گیتی ۱۷- ق: دریا ۱۸- ب: سه؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ در لن، لی این بیت پس از بیت ۱۷۸ آمده است ۱۹- و: به داد و دهش، ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۲۰- ل: از آن؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۲۱- ل: چندین ۲۲- ف: نامداری؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۳- لن: که آن ۲۴- ل، لن، ق، آ، ل، آ، ب: <و>؛ متن= ف، ق، آ، لی، پ، و ۲۵- ل، ل، آ: با ۲۶- ب: تاج شاه ۲۷- ل: گرد آمده؛ ق، ل: ستاره به پیش اندرش؛ پ: ستاره به پیش اندرون؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۸- ل: با

ز قَنُوج تا پیش دریای<sup>۱</sup> سِند  
 به رای و به فرمان او زنده‌اند  
 پِردخت<sup>۵</sup> از آن، تاج<sup>۶</sup> بر سر نهاد  
 به آبِشخور آرد همی میش و گرگ  
 برو شهریاران کنند آفرین  
 ز گهواره<sup>۸</sup> محمود گوید نُخُست<sup>۹</sup>  
 بدو نام جاوید جوینده‌یی  
 نیارد گذشتن ز پیمان اوی<sup>۱۱</sup>

چه مایه شب تیره بودم پِیای  
 نبودم دِرم، جان برافشاندم<sup>۱۲</sup>  
 که آواز او بر<sup>۱۳</sup> جهان فرخ ست  
 بران<sup>۱۵</sup> بخت بیدار و تاج و نگین<sup>۱۶</sup>  
 هوا پر ز ابر و زمین پرنگار<sup>۱۷</sup>  
 جهان شد بکردار باغ اِرم  
 کجا هست مردم، همه یاد<sup>۱۹</sup> اوست  
 به رزم اندرون تیز چنگ ازدهاست  
 به دست<sup>۲۳</sup> ابر بهمن، به دل<sup>۲۴</sup> رود نیل  
 چو دینار شد خوار<sup>۲۷</sup> بر<sup>۲۸</sup> چشم اوی<sup>۲۶</sup>  
 نه دل تیره دارد<sup>۳۱</sup> ز رزم و ز رنج<sup>۳۲</sup>  
 از<sup>۳۳</sup> آزاد و از نیکدل<sup>۳۴</sup> بردگان<sup>۳۵</sup>  
 به فرمانش بسته<sup>۳۸</sup> کمر استوار

مرا<sup>۱</sup> گفت کین شاه روم ست و هند  
 ۱۸۰ که<sup>۲</sup> ایران و توران وُرا بنده‌اند  
 بیاراست روی زمین<sup>۳</sup> را به داد  
 جهاندار<sup>۷</sup> محمود شاه بزرگ  
 ز کَمشیر تا پیش دریای چین  
 چو کُودک لب از شیر مادر بشست  
 تو نیز آفرین کن که گوینده‌یی<sup>۱۱</sup>  
 ۱۸۵ نیچند کسی سر ز فرمان اوی

جویدار گشتم بجستم زجای  
 بران شهریار آفرین خواندم  
 به دل گفتم این خواب را پاسخ ست  
 ۱۹۰ بران<sup>۱۲</sup> آفرین کو کند آفرین  
 ز فرس جهان شد چو باغ بهار  
 ز ابر اندرآمد به هَنگام نم<sup>۱۸</sup>  
 به ایران همه خوبی از داد اوست  
 به بزم اندرون آسمان<sup>۲۲</sup> و فاست<sup>۲۱</sup>  
 ۱۹۵ به تن زنده پیل و به<sup>۲۲</sup> جان جبرئیل  
 سربخت<sup>۲۵</sup> بدخواه با خشم اوی<sup>۲۶</sup>  
 نه کُندآوری<sup>۲۹</sup> گیرد از تاج و گنج<sup>۳۰</sup>  
 هر آنکس که دارد ز پروردگان  
 شهنشاه<sup>۳۶</sup> را سربسر دوستدار<sup>۳۷</sup>

۱- ل، لن، ق، ا- ب: بکی؛ متن=ف، ق ۲- پ: ز دریای قنوج تا پیش؛ در لن این بیت پس از بیت ۱۷۶ آمده است ۳- ل: از (یا: ز)؛ لن- پ، آ، ل، ا، ب: به؛ متن=ف، و ۴- ل: بیاراسته روی من ۵- ل: پِرداخت ۶- ل: تاج و ۷- ل: جهانبان ۸- ق، ا، ل: گهواره ۹- ق: درست، در لن، ق، ا، لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۰- ف: اگر بنده؛ ق: که هم بنده؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در ل این بیت با بیت سپین و در لن، ق، ا، لی با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۱- در ل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ لن، ق، ا- آ این بیت را ندارند ۱۲- ق: و را شهریار زمین خواندم ۱۳- ا: در ۱۴- لن: برین ۱۵- ب: بدان ۱۶- لن، ق، ا، لی، پ، آ: فرخ زمین؛ و، ب: فرخ نگین؛ ل این بیت را ندارد، متن=ف، ق، ل ۱۷- و: چون نگار؛ لی: مشک بار ۱۸- ل: بگیتی براید بهر کام نم (!) ۱۹- ف، ق: جهان شادمان از دل شاد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- لن، و: آفتاب ۲۱- ل، ق: سخاست؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۲- لی: <به> (وزن نادرست است) ۲۳- ل، لن، ق، ا- آ، ب: بکف؛ متن=ف، ق، ل ۲۴- لی: بتن؛ در ق، ل: آلت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۵- پ، و، ب: تخت؛ آ: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۶- ق، لی: او ۲۷- ل، لن- پ، آ، ب: خوارست؛ متن=ف، ق، و، ل ۲۸- ل: با ۲۹- ل: نه کین آوری؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۰- لن: از باج و گنج؛ ق: از تاج و تخت؛ آ: از باج و رنج؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۱- آ: دارم ۳۲- ل: ز رنج و ز گنج؛ ق: زازرم و رنج؛ ق: زازرم و بخت؛ آ: ز رزم و ز گنج؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۳- ل: وز؛ پ، و: ز ۳۴- ف: وز پاک دل؛ ق، ب: وز (ب: واز) نامور؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۵- ق، لی: بندگان؛ آ (۱۲۰۷+۲۰۸)؛

هر آنکس که دارد ز پروردگار بفرمان بسته کمر استوار  
 ۳۶- ب: همه شاه ۳۷- ل: همه بندگان پیش او خوانار ۳۸- ل، لن، ق، ا، لی، پ، آ، ل: بفرمان بسته؛ متن=ق، و، ب؛ ف این بیت را ندارد؛ آ تنها ل دوم این بیت را دارد (پ ۳۵)؛ در ق، پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است و در ق در میان این دو بیت دیگری هم افزوده است (پ ۲۰۰)؛ در ل پس از این بیت های ۱۶۱ و ۱۶۲ آمده‌اند

۲۰۱ شده هر یکی شاه بر کِشوری  
 نُخستین برادرش کهتر<sup>۱</sup> بسال  
 به<sup>۲</sup> گیتی پرستندهی فرِ نصر<sup>۳</sup>  
 کسی کهش پدر ناصر<sup>۴</sup> دین<sup>۵</sup> بود  
 و دیگر<sup>۶</sup> دلاور سپهدار طوس  
 بیخشد درم هرچه یابد<sup>۷</sup> ز دهر<sup>۸</sup>  
 به یزدان بود خلق را رهنمای  
 جهان بی سر و تاج خسرو مباد  
 همیشه تن آباد<sup>۹</sup> با تاج و تخت  
 کنون بازگردم به<sup>۱۰</sup> آغاز کار<sup>۱۱</sup>

روان نامشان بر همه منبری<sup>۱</sup>  
 که در مردمی کس ندارد همال  
 زید شاد<sup>۲</sup> در سایه‌ی پر<sup>۳</sup> عصر  
 بی<sup>۴</sup> تخت او تاج پروین<sup>۵</sup> بود  
 که در جنگ بر<sup>۶</sup> شیر دارد فسوس  
 همه<sup>۷</sup> آفرین جوید<sup>۸</sup> از دهر بهر  
 سر شاه<sup>۹</sup> خواهد که باشد<sup>۱۰</sup> بجای  
 چنین هم<sup>۱۱</sup> بماناد جاوید و<sup>۱۲</sup> شاد  
 ز درد و غم آزاد و پیروزبخت  
 سوی نامور نامی<sup>۱۳</sup> شهریار

۱- ق، پ: دفتری؛ ل، لن، ق: آ: لی، آل، ب این بیت را ندارند؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در ف پس از این بیت بیت ۱۶۳ آمده است؛ در ق، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و در ق در میان این دو بیت زیر را افزوده است:

بمردی و جلدی و زور مهان ندیدم چو ایشان کس اندر جهان

ق پس از این بیت سر نویس دارد: گفتار اندر ستایش امیر نصر ناصرالدین ۲- ق: آ: کهن (وزن نادرست است) ۳- لن، ق: آ- ب: ز؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق ۴- لن، ق، لی، پ، و، ب: فر و نصر؛ آ: میر نصر؛ متن= ف، ق، ل ۵- ق: آ: شاه ۶- لن، ق: آ: شاه؛ ب: فر با متن= ف، ق، ل ۷- ل، لن، ق، پ، ل: ناصرالدین؛ و این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق، لی، آ، ب ۸- ل، لن، ق، ق، آ، پ، آ: سر؛ لی: سرو؛ متن= ف، ل، آ، ب ۹- ق: سرتاج و تختش به پروین؛ ق، پ، و پس از این بیت ول پیش از این بیت افزوده‌اند:

خداوند مردی و رای و هنر بدو شادمان مهتران سربس

۱۰- ف، ل، ق: بویژه؛ لی، ب این بیت را ندارند؛ متن= لن، ق، آ، پ، و، آل ۱۱- ق: آ: با؛ در ق این بیت پس از بیت ۲۰۲ آمده است ۱۲- لن، ق: آ: دارد؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، و، ل، آ، ب ۱۳- لن: شهر ۱۴- ل، لن، ق، ق، آ، پ، و، آ، ب: همی؛ متن= ف، ل ۱۵- ل: جواید؛ لن، ق، آ، پ: یابد؛ و، آ، ب: خواهد؛ متن= ف، ق، ل ۱۶- ل: خویش ۱۷- لن، ق: آ: اند؛ متن= ف، ل، آ، ب ۱۸- ل، لن، ق: آ- ب: همیشه؛ متن= ف، ق ۱۹- پ، و: < >؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- ل: ترا باد ۲۱- ق: بر ۲۲- ل: همی باز جویم من از کردگار ۲۳- ف، ل، ق، لی، و، ب: نامه نامور؛ متن= لن، ق، آ، لی، آل

گيومرت



## پادشاهی گیومرت سی سال بود<sup>۱</sup>

سُخُن گوی<sup>۲</sup> دهقان چه گوید نُخست  
 که بود آنکه دیهیم بر سر نهاد  
 مگر کز پدر یاد دارد پسر  
 که نام بزرگی که آورد پیش  
 ۵ چُنین گفت کابین تخت و<sup>۱۱</sup> کلاه  
 که خود چون شد او بر جهان کدخدای<sup>۱۲</sup>  
 سر تخت و بختش<sup>۱۷</sup> برآمد<sup>۱۸</sup> ز<sup>۱۹</sup> کوه  
 که تاج<sup>۳</sup> بزرگی<sup>۴</sup> به گیتی که جُست  
 ندارد<sup>۵</sup> کس آن روزگاران بیاد  
 بگوید ترا<sup>۶</sup> يك به يك، در به در<sup>۸</sup>  
 که را بود از آن مهتران<sup>۹</sup> مایه<sup>۱۰</sup> بیش  
 گیومرت<sup>۱۱</sup> آورد و<sup>۱۳</sup> او بود شاه  
 نُخستین<sup>۱۵</sup> به کوه اندرون ساخت<sup>۱۶</sup> جای  
 پلنگینه پوشید خود با گروه<sup>۲۰</sup>

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی گیومرت سی سال بود و داستان سیامک پرش با دیو و کشته شدن سیامک بر دست دیو؛ ل: پادشاهی گیومرت اول ملوک عجم سی سال بود؛ لی: برنخت نشستن گیومرت؛ ل<sup>۲</sup>: آغاز داستان شاهنامه؛ ب: آغاز داستان؛ متن= لن، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، و؛ در س این داستان افتاده است؛ در ب از بیت ۴۹ داستان گیومرت تا بیت ۱۳ جمشید را انداخته است ۲- ل: سخن دان ۳- ق: نام ۴- ل<sup>۴</sup>: کی را ۵- ف: که دارد؛ متن= ده دستویس دیگر ۶- ل- آ: ب: از؛ متن= ف، ل<sup>۲</sup> ۷- و: همه ۸- لن، لی، ب: از پدر؛ پ: بگوید ترا يك يك او را پدر(!)، متن= هفت دستویس دیگر ۹- ل- لی، و، ل<sup>۲</sup>، ب: برتران؛ پ: پایگه؛ متن= ف، آ ۱۰- لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب: پایه؛ متن= ف، ل، و، آ، ل<sup>۲</sup> ۱۱- لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ: کابین تخت و (پ: < و >) مهر؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۲- ل- ب: گیومرت؛ متن= ف (=بندآوری: گیومرت) ۱۳- ل: < و >؛ و: کوه؛ متن= نه دستویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

نخستین زشاهان گیومرت پای  
 ل، لن، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup>، ب پس از بیت ۵ دوبت افزوده اند:

چو آمد به برج حمل آفتاب  
 جهان گشت بافر و آیس و آب (پ، و، پ: تاب)  
 بنیاد از آستان (ل، لن، پ، ب: ازینسان) زریج (ل: برج؛ پ: زبشت) بره  
 که گیتی جوان گشت (و: شد) ازو (ل: ازان) یکسره  
 این دوبت در ف، ق، ق<sup>۲</sup>، آ، نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۱۴- ل: که چون او شد اندر جهان پادشای؛ لن، ق، ق<sup>۲</sup>: که چون نوشد او بر  
 جهان کدخدای؛ لی، پ، و: گیومرت شد بر جهان کدخدای؛ آ: چو او شد کنون بر جهان کدخدای؛ ل<sup>۲</sup>، ب: کی نوچوشد بر جهان کدخدای؛ متن= ف  
 ۱۵- پ: نخست او ۱۶- و: داشت؛ لن؛ کرد ۱۷- ل، ب: سربخت و تختش؛ پ، و، ل<sup>۲</sup>: سر تاج و تختش؛ متن= ف، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، آ ۱۸-  
 لی: درآمد ۱۹- ل، لن، ق<sup>۲</sup>: به ۲۰- ل: با هم گروه؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ: پرستنده آذر آمد گروه؛ متن= ف، ق، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ پس از  
 این بیت افزوده اند:

پلنگینه پوشید خورد با گروه  
 نبود (لی: نبودش) نشستن بجز برز کوه

ازو اندر آمد همی پرورش  
 به گیتی بر او<sup>۲</sup> سال سی شاه بود  
 ۱۰ همی تافت زو<sup>۱</sup> فر<sup>۵</sup> شاهنشهی  
 دد و دام و هر جانور کهش بدید  
 دو تا میشدندی<sup>۸</sup> بر تخت او<sup>۹</sup>  
 به رسم نماز آمدندیش پیش<sup>۱۱</sup>  
 پسر بُد مر<sup>۱۳</sup> او را یکی خوبروی<sup>۱۴</sup>  
 ۱۵ سیامک بُدش نام و فرخنده بود  
 ز<sup>۱۹</sup> گیتی به دیدار او شاد بود  
 به جانش بر<sup>۲۴</sup> از<sup>۲۵</sup> مهر گریان<sup>۲۶</sup> بُدی  
 برآمد برین<sup>۳۰</sup> کار یک روزگار  
 به گیتی نبودش کسی دشمنان  
 ۲۰ به رشک<sup>۳۴</sup> اندر آهرمن<sup>۳۵</sup> بدسگال  
 یکی بچه بودش چو گرگ<sup>۳۸</sup> سترگ  
 جهان شد بران<sup>۳۹</sup> دیوبچه سپاه  
 سپه کرد و<sup>۴۳</sup> نزدیک او راه جست<sup>۴۴</sup>  
 همی گفت با هر کسی راز<sup>۴۷</sup> خویش  
 ۲۵ گیومرت<sup>۴۹</sup> ازین خود<sup>۵۰</sup> کی<sup>۵۱</sup> آگاه بود

که پوشیدنی نو بُد و نو<sup>۱</sup> خورش  
 به خوبی چو خورشید برگاه بود  
 چو ماه دو هفته ز<sup>۶</sup> سرو سهی  
 ز<sup>۷</sup> گیتی بنزدیک او آرمید  
 از آن بر شده فر<sup>۸</sup> و بخت<sup>۹</sup> او<sup>۹</sup>  
 از آنجایگه<sup>۱۱</sup> برگرفتند کیش  
 خردمند<sup>۱۵</sup> و<sup>۱۶</sup> همچون پدر نامجوی<sup>۱۷</sup>  
 گیومرت<sup>۱۸</sup> را دل بدو زنده بود  
 که پُس<sup>۲۱</sup> بارور<sup>۲۱</sup> شاخ<sup>۲۲</sup> بنیاد<sup>۲۳</sup> بود  
 ز بیم<sup>۲۷</sup> جدایش<sup>۲۸</sup> بریان<sup>۲۹</sup> بُدی  
 فروزنده شد دولت شهریار  
 مگر در نهان<sup>۳۱</sup> ریمن<sup>۳۲</sup> آهرمن<sup>۳۳</sup>  
 همی رای زد تا بیگند<sup>۳۶</sup> یال<sup>۳۷</sup>  
 دلاور شده با سپاهی بزرگ  
 ز بخت<sup>۴۱</sup> سیامک، چه از بخت شاه<sup>۴۲</sup>  
 همی<sup>۴۵</sup> تخت و دیهیم کی شاه<sup>۴۶</sup> جست<sup>۴۴</sup>  
 جهان کرد یکسر پر آواز<sup>۴۸</sup> خویش  
 که تخت مهی را جزو شاه بود<sup>۵۲</sup>

۱- آ: از اندرز! ۲- ب: که پوشیدنی زوبند وزو ۳- ق: به گیتی در او؛ ق، لی، و، آ: به گیتی درون؛ ف، لن، پ، ل، آ، ب: به گیتی برو (خواننده شد: به گیتی بران)؛ ل این بیت و چهار بیت پس از آنرا ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده است ۴- ف، لن، ق، لی، پ: از؛ ق: بر؛ ل: زان؛ متن= و، آ، ب ۵- ف، لن، ق، لی، پ، و، ل: تخت؛ متن= ق، آ، ب ۶- و: چو! ۷- ل: به ۸- ل: دونهایی شدند ۹- ق، لی، آ، ل: او؛ متن= ف، لن، ق، آ، ب، و، ب ۱۰- لی، ب: از آن فرّه بر شده بخت؛ ق: از آن فرّه بر شده بخت؛ آ: از آن فر و آن بر شده بخت؛ متن= ف، لن، پ، و، ل ۱۱- ل: آمدندی به پیش ۱۲- ل: روزان جایگه ۱۳- لن، ق، آ، پ: پسر بود ۱۴- ق، و، ل، آ، ب: نامجوی؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۵- لن- ب: هنرمند؛ متن= ف، ل ۱۶- ل، ق، لی، و، آ: < و > ۱۷- ق، و، ل، آ، ب: خوب روی؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۸- ل- ب: کیومرث؛ متن= ف ۱۹- آ: به ۲۰- ف- ل: بس؛ متن= ب ۲۱- ل، لن، ق، آ، پ: نامور؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۲- ف- ق، آ، پ- ب: شاخ و؛ متن= لی (ونیز ل) ۲۳- ق: دلشاد؛ ل این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده است ۲۴- آ: بجایش بر ۲۵- ل: > و ۲۶- آ، ل: بریان ۲۷- ل: بروز ۲۸- لن: خدایش ۲۹- آ، ل: گریان ۳۰- لی: بدین ۳۱- ل: مگر بدکنش؛ لی، و: جز اندر جهان؛ ل، آ، ب: جز اندر نهان؛ متن= لن، ق، آ، پ، آ ۳۲- لن: زمین (!) ۳۳- لن، ق، لی، آ، ل، آ، ب: اهرمان؛ و: اهریمن؛ متن= ل، ق، پ؛ در ف بجای این بیت زیر آمده است:

نبودش کسی دشمن اندر جهان بجز نیره اهرمن بدنهان

۳۴- آ: بشک (!) ۳۵- و: اهریمن ۳۶- ق: بر آورد؛ پ: بیالید؛ ب: پراکند؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۷- ق، و: مال (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ: بال؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۸- ف: دیوی؛ لن: گرگی؛ لی: شیری؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۹- لن: ازان؛ ق: بدین؛ لی: بدان؛ متن= هفت دستویس دیگر ۴۰- ل- ب: سیاه؛ متن= ف ۴۱- ل، ق، آ، پ: ز تخت؛ متن= نه دستویس دیگر ۴۲- ل: وزان پایگاه؛ ق، آ، پ: وزان بارگاه؛ آ: چه از تخت شاه؛ ل، آ، ب: هم از بخت شاه؛ متن= ف، لن، لی، و؛ در لن، ق، آ، لی، پ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۴۳- ل، آ: < و >؛ ل: سه کرد و؛ متن= هفت دستویس دیگر ۴۴- ف: کرد؛ متن= ده دستویس دیگر ۴۵- پ، و: همان؛ متن= نه دستویس دیگر ۴۶- ل، پ، آ: که شاه (در ل: حرف یکم به پیش است)؛ متن= نه دستویس دیگر؛ در لن، ق، لی، پ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۴۷- ل: رای ۴۸- ل: آوای ۴۹- ل- لی، و- ب: کیومرث؛ متن= ف، پ ۵۰- ق: زین خود؛ آ: ازو خود ۵۱- ب: نه ۵۲- لن، ق، لی، پ: که او را بدرگاه بدخواه بود؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ در آ پس از این بیت

بیت ۲۷ آمده است



سان پریسی<sup>۲</sup> پلنگینه پوش  
 که دشمن چه سازد همی با پدر<sup>۷</sup>  
 ز کردار بدخواه<sup>۸</sup> دیو پلید  
 سپاه انجمن کرد و بگشاد گوش  
 که جوشن بُد خود<sup>۱</sup>، نه<sup>۱۱</sup> آیین جنگ  
 سپه<sup>۱۴</sup> را چو روی اندر آمد بروی<sup>۱۵</sup>  
 برآویخت<sup>۱۶</sup> با دیو<sup>۱۷</sup> آهرمنا  
 دو تا اندر آورد بالای شاه<sup>۱۸</sup>  
 به چنگال کردش<sup>۱۹</sup> کمرگاه چاک  
 تبه گشت و ماند انجمن بی خدیو  
 ز تیمار گیتی برو شد سیاه  
 زنان بر سر و گوشت شاهان کنان<sup>۲۰</sup>  
 دژم کرده بر خوشتن روزگار<sup>۲۱</sup>  
 کشیدند صف بر در شهریار  
 دو چشم ابرخونین<sup>۲۵</sup>، دورخ بادرنگ<sup>۲۴</sup>  
 برفتند ویله کنان سوی کوه  
 ز درگاه کی شاه برخاست<sup>۳۰</sup> گرد

یکایک<sup>۱</sup> بیامد خجسته سروش  
 بگفتش به راز<sup>۲</sup> این<sup>۴</sup> سَخُن<sup>۵</sup> دربه در<sup>۶</sup>  
 سَخُن چون به گوش سیامک رسید  
 دل شاه بچه<sup>۹</sup> برآمد به جوش  
 ۳۰ بپوشید تن را به چرم پلنگ  
 پذیره شدش<sup>۱۲</sup> دیورا<sup>۱۳</sup> جنگ جوی  
 سیامک بیامد برهنه تن  
 بزد چنگ وارونه دیو سیاه  
 فگند آن تن شاهزاده به خاک  
 ۳۵ سیامک بدست خزوران<sup>۲۰</sup> دیو  
 چو آگه شد از مرگ فرزند، شاه  
 فرود آمد از تخت ویله کنان  
 دو رخساره<sup>۲۲</sup> پر خون و دل سوگوار  
 خروشی برآمد ز لشکر بزار<sup>۲۴</sup>  
 ۴۰ همه جامه‌ها کرده پیروزه رنگ  
 دد و<sup>۲۷</sup> مرغ و نخچیر کرده<sup>۲۸</sup> گروه  
 برفتند<sup>۲۹</sup> با سوگواری و درد

۱- ل: سیامک ۲- لی: پرنیدی؛ پ: رهی؛ و: پری؛ آ: بریدی؛ ل: بریسی؛ متن= ف، ل، لن، ق، ب؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۳- ل، لن، ق، لی، پ، ل، ب: ورا؛ و: همه؛ آ: پراز؛ متن= ف ۴- ل، ل، ب: زین ۵- ق: خبر شد سیامک همی ۶- ق: با پدر؛ ل: در پدر ۷- پ: با پسر؛ ق: برگذر؛ در لن پس از این بیت بیت ۳۰ آمده است؛ برخی از دستویس‌ها پس از این بیت یا چند بیت پایین‌تر سرنویس دارند، لن: جنگ سیامک با دیو؛ ق: رفتن سیامک بجنگ دیو؛ پ: جنگ سیامک با دیو و کشته شدن؛ ل: اندر کشته شدن سیامک بر دست دیو ۸- ق: ز گفتار بدخواه؛ لی: ز کردار و گفتار؛ در آ این بیت پس از بیت ۲۵ آمده است ۹- ق، پ، و، ل: شاهزاده؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۰- ل، آ: نبودنه ۱۱- ق: به؛ لی: در ۱۲- ب: بشد ۱۳- ق: دیورن ۱۴- ق: به ۱۵- ل: آورد روی ۱۶- بیاویخت؛ ق: آ: برآمیخت؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۷- لن، ق، ب، و، ل، ب: پور؛ آ: دیو؛ متن= ف، ل، ق، لی ۱۸- ل: این بیت را ندارد ۱۹- ف: کرده؛ لن، ق، لی، پ، ل: کرد آن؛ متن= ل، ق، و، آ، ب: درل این بیت با بیت سبین پس و پیش شده است ۲۰- ل: بدست خزوان؛ لن، ق، ب، پ: برای خود و دست؛ ق: آ: بدست چنان زشت؛ و: بدست حروران؛ ل: برای خود از دست؛ متن= ف (و نیز ل)؛ درل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ل، ق، آ: زنان بر سر و موی ورخ را کنان؛ لن: زنان بر سر و گوش شاهان کنان؛ ق، پ، و، ل، ب: زنان بر سر و گوشت بازوکنان؛ لی: بناخن زن گوشت بازوکنان؛ بندگان؛ ب: بضر ب صدره و بشف شعره؛ متن= ف ۲۲- و: دورخسار ۲۳- ل، ق، آ، ب: دو دیده بر از نم چو ابر بهار؛ لن: کشیدند صف بر در شهریار (= ۳۹)؛ ق: پیام آمد از داور کردگار (= ۴۳)؛ متن= ف، لی، پ، و، ل، ق، آ، ب: پس از این بیت افزوده‌اند:

غمی گشت (ل، ب: چو آگه شد) از مرگ شاه انجمن  
 ق، آ: که پژمرده شد زاد سرو چمن  
 ل، ب: که گم گشت سرو سهی از چمن

و پس از بیت ۳۸ افزوده است:

۲۴- ف، لی، پ: بیامد برش لشکری نامدار؛ آ: خروشی ز لشکر برآمد بزار؛ متن= ل، ق، و، ل، ب؛ ق این بیت را ندارند؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ لن ۳۸ و ب ۳۹ را انداخته و از ۳۸ و ۳۹ ب یک بیت ساخته است؛ ل پس از بیت ۳۹ افزوده است:  
 ز بیس ناله زار آن شهریار  
 درآمد برش لشکر سوگوار  
 ۲۵- لن: خونین ۲۶- ل: و < رخ > بادرنگ (وزن نادرست است)؛ ق، آ: برخ بادرنگ؛ لی: و دل بادرنگ؛ پ: دورخساره رنگ؛ و، ل، ب: ورخ بادرنگ؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، لن ۲۷- ل: < و > ۲۸- ل، لن، ق، لی، پ، آ، ب: گشته؛ متن= ف، و، ل؛ ق این بیت را ندارد ۲۹- ل: رسیدند ۳۰- لن: برخواست؛ ق این بیت را ندارد

- نشستند سالی چُنین سوگوار<sup>۱</sup>  
 درود آورندش<sup>۲</sup> خجسته سروش  
 ۴۵ سپه ساز و برکش<sup>۵</sup> به فرمان من  
 از آن بدگنش دیو، روی زمین
- کمی<sup>۹</sup> نامور سر سویی آسمان  
 بدان<sup>۱۱</sup> برترین<sup>۱۲</sup> نام یزدانش را  
 و زان پس به کین سیامک شتافت
- سیامک خجسته<sup>۱۵</sup> یکی پور داشت  
 گرانمایه را نام هوشنگ بود  
 بنزد<sup>۱۸</sup> نیا یادگار پدر  
 نیایش<sup>۲۰</sup> بجای پسر<sup>۲۱</sup> داشتی  
 چو بنهاد دل کینه و جنگ را  
 ۵۵ همه گفتنی ها بدو باز گفت  
 که من<sup>۲۲</sup> لشکری کرد خواهم همی  
 ترا بود باید همی<sup>۲۳</sup> پیشرو  
 پری و پلنگ انجمن کرد و شیر  
 سپاهی دد و دام و مرغ و پری  
 ۶۰ پس پشت لشکر گیومرت<sup>۲۴</sup> شاه  
 بیامد<sup>۲۷</sup> سیه دیو بی<sup>۲۸</sup> ترس و باک
- پیام آمد<sup>۱</sup> از داور کردگار  
 کزین بیش مخروش و<sup>۴</sup> بازار هوش  
 برآور<sup>۶</sup> یکی گرد از آن انجمن  
 پرداز و پردخته<sup>۷</sup> کن دل<sup>۸</sup> ز کین
- برآورد و بدخواست بر بدگمان<sup>۱۰</sup>  
 بخواند و پیالود<sup>۱۳</sup> مژگانش را  
 شب آرامش و روز<sup>۱۴</sup> خوردن نیافت
- که نزد نیا جای<sup>۱۶</sup> دستور داشت  
 توگفتی<sup>۱۷</sup> همه هوش و فرهنگ بود  
 نیا پروریده مرو را<sup>۱۹</sup> به بر  
 جزو بر کسی چشم نگماشتی  
 بخواند آن گرانمایه هوشنگ را  
 همه رازها برگشاد از نهفت  
 خروشی برآورد خواهم همی  
 که من رفتنی ام، تو سالار نو  
 ز دزدگان گرگ و بیر<sup>۲۲</sup> دلیر  
 سپهدار با گیر و<sup>۲۵</sup> کُنداوری  
 نبیره به پیش اندرون با سپاه  
 همی باسماں برپراگند خاک

۱- لن: روزگار؛ ق: یکسال بس سوگوار؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲- لی: پیام آور ۳- ل، ق، ق<sup>۲</sup>- ب: آوریدش؛ متن= فن، لن ۴- ل، لن: <و> ۵- لی: تو بر ساز لشکر ۶- و: برآورد (وزن نادرست است) ۷- ف، لی، پ: پردخت؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- ب: گردان ۹- ل: یکی ۱۰- و: بدگمان<ن>؛ ب پس از این بیت افزوده است:

بیامد بر لشکر او زار زار همیگفت با داور کردگار

۱۱- ل، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، ل<sup>۲</sup>: بران؛ متن= ق، پ، و، آ، ب؛ ف این بیت را ندارد ۱۲- و- ب: برتری؛ متن= ل- پ ۱۳- ل، پ، و، ل<sup>۲</sup>: پیالود؛ لن: بمالید؛ متن= ق، لی، و، آ، ب ۱۴- ل- پ: شب و روز آرام و (پ: <و>)؛ متن= ف، و، آ، ل<sup>۲</sup>؛ در ب از این بیت تا بیت ۱۳ داستان جمشید افتاده است؛ ف پس از بیت ۴۹ افزوده است:

بیامد برش لشکری سوگوار تبه کرده بر خویشتن روزگار

برخی از دستنویس ها پس از بیت ۴۹ یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: گفتار اندر لشکر ساختن گیومرت و بردن هوشنگ پسر سیامک را بجنگ دیو و کشته شدن دیو بر دست هوشنگ؛ لن، پ: جنگ هوشنگ با دیو سیاه؛ ق<sup>۲</sup>: رفتن گیومرت و هوشنگ بکین سیامک؛ و: کین خواستن هوشنگ از دیو بفریزی ۱۵- ل، ق: خجسته سیامک ۱۶- ل، لن: جاه؛ ق<sup>۲</sup>، پ: جاه؛ آ: که اور <ا> نیا همچو؛ متن= ف، ق، لی، و، ل<sup>۲</sup> ۱۷- آ: گویی ۱۸- و، آ، ل<sup>۲</sup>: نیاز؛ متن= ف- پ ۱۹- ق<sup>۲</sup>: نیارا مرو پروریده(!)؛ لی: مرو را نیا پروریده؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۰- ل<sup>۲</sup>: ناکش ۲۱- ل، پ، و، ل<sup>۲</sup>: پدر ۲۲- ف: یکی؛ ل: گران؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- پ: همان ۲۴- لن: شیر گردد؛ و، آ، ل<sup>۲</sup>: بیروگرگ؛ متن= ف، ل، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ ۲۵- ف: بر کبرو؛ ل، پ، ق<sup>۲</sup>: با کبرو (ق<sup>۲</sup>: <و>)؛ لن: با گیر؛ ق<sup>۲</sup>: پر کین و؛ و، ل<sup>۲</sup>: با کین و (ل<sup>۲</sup>: <و>)؛ متن= لی (که به لن نیز نزدیک است) ۲۶- ل- ل<sup>۲</sup>: گیومرت؛ متن= ف ۲۷- و: برآمد ۲۸- ل، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و: با؛ متن= ف، ق، آ، ل<sup>۲</sup>

شده<sup>۲</sup> سست و ز خشم<sup>۳</sup> گیهان خدیو  
شدند از دد و دام دیوان<sup>۵</sup> ستوه  
جهان کرد<sup>۴</sup> بر دیو نستوه تنگ  
سپهبد برید آن<sup>۹</sup> سر ناهمال  
دریدش<sup>۱۴</sup> برو چرم<sup>۱۵</sup> و برگشت<sup>۱۶</sup> کار

سرآمد گیومرت<sup>۲۰</sup> را روزگار  
نگر<sup>۲۲</sup> تا که را نزد او<sup>۲۳</sup> آبروی<sup>۲۴</sup>  
ره سود بنمود<sup>۲۷</sup> و خود مایه خورد<sup>۲۸</sup>  
نماند بد و نیک بر هیچ کس<sup>۲۹</sup>

ز هُرای<sup>۱</sup> دژندگان چنگ دیو  
بهم بر فتادند<sup>۴</sup> هر دو گروه  
بیازید<sup>۶</sup> چون شیر هوشنگ<sup>۷</sup> چنگ  
۶۵ کشیدش سراپای یکسر دوال  
به پای<sup>۱۱</sup> اندرافگند<sup>۱۲</sup> و بسپرد خوار

چُن<sup>۱۷</sup> آمد مرآن کینه<sup>۱۸</sup> را خواستار<sup>۱۹</sup>  
برفت و جهان مُردری ماند ازوی<sup>۲۱</sup>  
جهان فریبنده<sup>۲۵</sup> و گردگرد<sup>۲۶</sup>  
۷۰ جان سر بسر چون فسانه‌ست و بس

۱- آ: آوای ۲- ل: بشد ۳- ف، ق، آ، لی، پ، آ، ل: ست بر چشم؛ ل: ست با جنگ؛ ق: ست از حکم؛ و: ست و از خشم؛ متن = (ل، آ)؛  
لن لت دوم این بیت را انداخته و بجای آن همان لت نخستین را دوباره نوشته است ۴- ل، ق، آ: بر شکستند؛ لن، ق، آ، پ، ل: در فتادند؛ متن = ف، ق،  
لی، و ۵- ق، آ: مردم ۶- ف: بتازید؛ ل: بیازید؛ ق، آ: بیارید؛ متن = هفت دستویس دیگر ۷- ل، لی، و، آ: هوشنگ چون شیر؛ ق: هوشنگ چون  
دیو؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، ل، آ- ۸- ف: کرده؛ متن = نه دستویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

گرفت و ببستش به بند اسنوار به کوه اندر آوردش آن نامدار  
ل پس از بیت ۶۴ افزوده است:

گرفتش سر و یال و زد بسر زمین دل و جان ز درد پندر پر زکین  
۹- ل: سپهبد بتزد ۱۰- ل، لی: بی همال؛ ق: بی خصال؛ و: بدسگال؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، آ، ل- ۱۱- ل: پای؛ ق: ز پای؛ متن = هشت  
دستویس دیگر ۱۲- ق، و: آورد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۳- آ: خار ۱۴- ل- ل، آ: دریده؛ متن = ف ۱۵- ق، آ: چشم؛ لی: چنگ  
۱۶- ل- ل: برگشته؛ متن = ف؛ ف پس از این بیت افزوده است:

به سنگ گرانش فرو کوفت سر به کین سیامک که بودش پندر  
ل پس از بیت ۶۶ افزوده است:

وزان جا برون آمدند انجمن همه شاه لشکر همه تن بستن  
۱۷- ف- آ: چو؛ متن = ل ۱۸- ق، آ: کشته ۱۹- لن: خواست دار ۲۰- ل- لی، و، آ، ل: کیومرث؛ متن = ف، پ ۲۱- ف: زوی؛ ل، ق، آ:  
ازو؛ متن = لن، ق، آ، لی، پ، و، ل ۲۲- آ: بین ۲۳- لی: <او> (وزن نادرست است) ۲۴- ل، ق: آب رو؛ لی: آب و روی؛ آ: آب و رو؛  
متن = ف، لن، ق، آ، پ، و، ل ۲۵- ل: فریبنده؛ لن، ق، آ- و: فریبنده را؛ ق: فریبنده و (وزن نادرست است)؛ آ: فریبنده او؛ متن = ف، ل ۲۶- ف-  
آ: کرد کرد؛ ل: کرد کرد (= گرد کرد) ۲۷- پ: بيمود ۲۸- لی: و مایه بخورد؛ در لن، ق، آ، لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۹-  
پ این بیت را ندارد؛ در لن، ق، آ، لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است



هوشنگ



## پادشاهی هوشنگ چهل سال بود<sup>۱</sup>

جهاندار هوشنگ<sup>۲</sup> با رای<sup>۳</sup> و داد  
 بگشت از برش چرخ سالی چهل  
 چو بنشست بر جایگاه مهی  
 که بر هفت کشور منم پادشا  
 ۵ به فرمان یزدان پیروزگر  
 و زان<sup>۴</sup> پس جهان یکسر آباد کرد  
 نخستین یکی گوهر آمد به چنگ  
 سر مایه کرد آهن آبگون  
 چو بشناخت، آهنگری پیشه کرد

بجای نیا تاج بر سر نهاد  
 پر از هوش مغز و پر از داد<sup>۵</sup> دل  
 چنین گفت بر تخت شاهنشاهی  
 بهر جا سرافراز<sup>۶</sup> و فرمانروا  
 به داد و دهش تنگ بستش<sup>۷</sup> کمر  
 همه روی گیتی پر از داد کرد<sup>۸</sup>  
 به آتش ز آهن جدا کرد<sup>۹</sup> سنگ  
 کزان<sup>۱۰</sup> سنگ خارا<sup>۱۱</sup> کشیدش برون  
 گراز و تبر<sup>۱۲</sup>، اره<sup>۱۳</sup> و تیشه کرد

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی هوشنگ پسر سیامک چهل سال و هفت ماه و شانزده روز بود اندر تاریخ؛ ل، پ: پادشاهی هوشنگ چهل سال؛ ق<sup>۲</sup> سرنویس ندارد؛ متن= لن، ق، لی، و، آ، ل؛ درس، ب همه این داستان و درلی نیمه دوم آن افشاده است (← ۱۲ پ) ۲- پ: هوشنگ و ۳- ل: آ: باد (!) ۴- ل، لن، ق، آ، پ: رای؛ آ: پرآواز؛ متن= ف، ق، لی، و، ل ۵- و: از ۶- ل، ق، پ، آ، ل: جهاندار و (آ: < و >) پیروز؛ لن، ق، آ، لی: بهر جای پیروز (ق: آ: فیروز)؛ پ: بهر کار فیروز؛ متن= ف ۷- ل، ل، آ: بستم؛ لن، ق، آ: بسته؛ ق: بندم؛ متن= ف ۸- پ: ازان ۹- آ: بداد و دهش گیتی آباد کرد (پساوند ندارد) ۱۰- ق، آ: باتش جدا کرد آهن ز؛ ق، آ، و: بدانش ز آهن (ق: آ: ز آتش) جدا کرد؛ لی: ز آهن باتش جدا کرد؛ پ: که آتش ز آهن جدا کرد؛ متن= ف، ل، لن، ل ۱۱- ق: که از؛ لی، آ: چو از؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۲- ف: تیره؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۳- ل: از آهنگری؛ ق: وز آهنگری؛ آ: ... زو خنجر و (واژه نخستین خوانده نشد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۴- ل: آ: وره؛ در ق پس از این بیت بیت ۱۲ آمده است

۱۰ چو این کرده شد<sup>۱</sup>، چاره‌ی آب<sup>۲</sup> ساخت  
 به جوی و به کشت آب را<sup>۳</sup> راه کرد  
 چراگاه مردم بدین<sup>۴</sup> برفزود  
 بورزید پس<sup>۵</sup> هر کسی نان<sup>۶</sup> خویش  
 ز دریا به هامونش اندر بتاخت<sup>۷</sup>  
 به فر کئی<sup>۸</sup> رنج کوتاه کرد  
 پراگندن تخم و کشت و<sup>۹</sup> درود  
 برنجید<sup>۱۰</sup> و<sup>۱۱</sup> بشناخت<sup>۱۲</sup> سامان خویش

۱- ل: چو کرده شدش؛ لن، ق، آ، لی: چو این کرده بد؛ متن=ف، ق، پ، و، آ، ل ۲- ل: واب ۳- و: فراخت؛ ل، ق، آ: زدریایها رودها برفراخت؛ لن، ق، آ، لی، پ: زدریایها رودها را بتاخت (لی: نواخت؛ پ: ساخت)؛ ل ۴: زدریا به هامون ها راه ساخت؛ متن=ف؛ در ل پس از این بیت ۱۲ آمده است ۴- ل- پ، آ، ل: بجوی و برود آب ها (ق، آ، ل: آب را)؛ و: برود و بجوی آب را؛ متن=ف ۵- ل: بفرخندگی؛ آ پس از این بیت بیت هایی افزوده است که در برخی از دستوس های دیگر پس از بیت ۱۳ آمده است (← ۱۳ پ) ۶- ل: بدان؛ لن، ق، آ، پ، و، ل: برین؛ لی، آ: برو؛ متن=ف، ق ۷- ل، لن، پ: پراگند پس تخم و (ل، پ: < و >) کشت و؛ ق: پراگند تخم و بکشت و؛ ق ۸: پراگند پس کشت و تخم و؛ ل ۹: پراگندن تخم کشت و؛ متن=ف، لی، و، آ؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۰ و در ق پس از بیت ۹ آمده است؛ در آ این بیت و بیت سپین پس از بیت ۱۵ آمده اند ۸- ل، ق، آ، لی، آ، ل: برنجید پس؛ لن: بسنجیدش؛ پ: بسنجیدس؛ و: بسنجیدس (حرف هفتم نقطه ندارد)؛ متن=ف ۹- لن، ق، آ، پ، و: نام؛ متن=ف، ل، ق، لی، آ، ل ۱۰- ل- ل- آ: بورزید؛ متن=ف ۱۱- ل: < و > ۱۲- ق: بر ساخت؛ در آ این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۱۵ آمده اند؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، ل (و نیز ل، لن) پس از این بیت و آ پس از بیت ۱۱ روایت زیر را افزوده اند؛ این روایت در ف، ل، ق (و نیز در س) نیست، ولی در ل، ق آنرا در کناره افزوده اند؛ بنداری ترجمه پنج بیت نخستین را ندارد، ولی پس از آن روایت سده را آورده است؛ لی از بیت ۱۸ این روایت تا بیت ۳۳ داستان جمشید را انداخته است؛ تصحیح این روایت تنها براساس لن، ق، آ، و انجام گرفت و از ثبت نسخه بدل های دستوس های دیگر چشم پوشی شد (در لن لت های بیت های دوم و چهارم پس و پیش شده اند):

از آن پس که ایسن کارها شد بسیج  
 همه کار مردم نبودی ببرگ  
 پرستیدن ایزیدی بود کیش  
 چومر تازیان راست (لن، ق: را به) محراب سنگ  
 به سنگ اندر آتش بدو (و: ازو) شد پدید 5

#### گفتار اندر نهادن جشن سده

یکی روز شاه جهان سوی (لن: پیش) کوه  
 پدید آمد از دور چیزی دراز  
 دو چشم از بر سر چو دو چشمه خون  
 نگه کرد هوشنگ با هوش (ق: بافر) و سنگ  
 به زور کیانی رهانید (ق: رها شد ز) دست 10  
 برآمد به سنگ گران سنگ خرد  
 فروغی پدید آمد از هر دو سنگ  
 نشد مار کشته ولیکن ز راز  
 هر آنکس که بر سنگ آهن زدی  
 جهاندار پیش جهان آفرین 15  
 که او را فروغی چنین هدیه داد  
 بگفتا فروغیست این ایزیدی  
 شب آمد برافروخت آتش چو کوه  
 یکی جشن کرد آن شب و باده خورد  
 ز هوشنگ ماند این سده (لن، ق، آ، ل: شده) یادگار 20  
 کز آباد کردن جهان شاد (ق: ساز) کرد

گذر کرد با چند کس (و: تن) همگروه (لن، ق: زان گروه)  
 سیه رنگ و تیره تن و نیز ناز  
 ز دود دهانش جهان تیره گون  
 گرفتش یکی سنگ و شد تیز چنگ  
 جهان سوزمار از جهاتجوی رست (لن، ق: جت)  
 همان و همین سنگ بشکست خرد  
 دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ  
 لن، ق: دل سنگ گشت از فروغ دورنگ (ق: از فروغ آبرنگ)  
 ازان (ق: از این) طبع سنگ آتش آمد فراز  
 ازو روشنایی پدید آمدی  
 نبایش همی کرد و خواند آفرین (و: رخ بر زمین)  
 همین آتش آنگاه قبله (لن: قبله؛ ق: قبله) نهاد  
 پرستید (لن، ق: پرستنده) باید اگر بخردی  
 همان شاه در گرد او با (و: هم) گروه  
 سده (لن، ق، آ، ل: شده) نام آن جشن فرخنده کرد  
 بسی باد چون او دگر شهریار  
 جهانی به نیکی ازو باد کرد



ز نخچیر و گور و گوزن ژبان  
 به ورز آورید<sup>۲</sup> آنچ بُد سودمند  
 همی تاج را خویشتن پرورید<sup>۶</sup>  
 بکشت<sup>۹</sup> و به سرشان<sup>۱</sup> برآهیخت<sup>۱۱</sup> پوست  
 چهارم سمورست، کش موی<sup>۱۳</sup> گرم  
 پوشید بالای گونندگان<sup>۱۵</sup>  
 برفت و جز از نام نیکو<sup>۱۷</sup> بُرد  
 به افسون و اندیشه‌ی بی شمار<sup>۱۹</sup>  
 ازو مُردری<sup>۲۱</sup> ماند گاه مهی<sup>۲۳</sup>  
 شد آن رنج<sup>۲۴</sup> هوشنگ باهوش و<sup>۲۷</sup> سنگ  
 نه نیز آشکارا نمایند<sup>۲۸</sup> چهر

بدان ایزدی جاه<sup>۱</sup> و فر<sup>۲</sup> کیان  
 ۱۵ جدا کرد گاو و خر و گوسفند  
 بدیشان<sup>۴</sup> بورزید<sup>۵</sup> و زیشان<sup>۶</sup> چرید<sup>۷</sup>  
 ز پویندگان هرچه مویس نکوست<sup>۸</sup>  
 چورویاه و قاقم، چوسنجا<sup>۱۲</sup> نرم  
 برین<sup>۱۴</sup> گونه از چرم پویندگان<sup>۱۵</sup>  
 ۲۰ برنجید<sup>۱۷</sup> و گسترد و خورد<sup>۱۸</sup> و سپرد<sup>۱۹</sup>  
 بسی رنج برد اندران<sup>۲۱</sup> روزگار  
 چو پیش آمدش روزگار بهی  
 زمانه زمانی ندادش<sup>۲۵</sup> درنگ  
 نیوست خواهد جهان با تو مهر

۱- و: جای؛ آ: هم از ایزدی جاه؛ متن = ف، ل، لن، ق، ق، آ، پ، ل، ۲ - لن، ق، آ، پ، و، آ: < و > ۳- ق، آ، و، آ: برون آورید؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، ل، ۲؛ در آپس از این بیت بیت های ۱۲ و ۱۳ آمده اند ۴- ف: ازیشان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۵- ف: بورزید(!) ۶- ف: خرید(!)؛ ل، لن، ق، ق، آ: خرید؛ پ: خوردید؛ و: حرد (نقطه ندارد)؛ آ: خرید (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل: ایشان درید(!)؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- ف: پرورید(!)؛ و: رورید (نقطه ندارد)؛ آ: پرورید (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ ل: هم از هر دو را خویشتن پرورید(!)؛ متن = ل، لن، ق، ق، آ، پ؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز پویندگان اشتر و اسب دید سزای نشت از میان برگزید  
 به خفتن خر و اسب با هم فتاد ز ترکیب آن هر دو استر بزاد

۸- ف: ز پویندگان هر کرا داشت دوست؛ و: ز پویندگان هر چه بگزید دوست؛ متن = هفت دستویس دیگر ۹- ل: بکفت؛ پ: بکند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۰- ق، و: ز سرشان؛ آ: زایشان؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ، ل، ۱۱- ل، لن، ق، ق، آ: برآهخت؛ پ: درآویخت؛ آ: بیاهیخت؛ متن = ف، و، ل، ۱۲- لن، پ: چوسنجا و قاقم چورویاه؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۳- و: موست؛ ف، آ: سمورکش (آ: کش و) موی ۱۴- لن: بران؛ و: بدین ۱۵- لن، ق، آ، پ: بالای گونندگان ۱۶- لن، ق، آ، پ: از چرم پویندگان ۱۷- ل: بزیدید(!) ۱۸- لن: خورد(!) ۱۹- ق، آ، ل: سترد؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، و ۲۰- ل: بجز نام نیکی؛ لن، و، آ، ل: جز از نام نیکی؛ ق، ق، آ، پ: جز از نیک نامی؛ متن = ف ۲۱- لن، ق، آ: خورد اندران؛ پ: خوردند زان؛ آ: بسی رنج برداشت از؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۲۲- ل: روزگار؛ لن: هوشیار؛ ق: از هر شمار؛ ق، آ، پ: نابکار؛ متن = ف، و، آ، ل ۲۳- ل: مردمی(!)؛ ل: مردزی(!) ۲۴- ل: تاج شهی؛ لن، ق، آ، پ، و: نخت مهی؛ متن = ف، ق، آ، ل ۲۵- ل: ندارد؛ ل، ق، ق، آ، پ، آ: زمانه ندادش زمانی؛ متن = ف، لن، و ۲۶- ق، آ: شاه؛ و: شد از هوش؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ، ل ۲۷- ل، ق: < و >؛ و: با فرو ۲۸- در لن لت دوم این بیت پاک شده است؛ آ این بیت را ندارد



طہمورت



## پادشاهی طهمورت سی سال بود<sup>۱</sup>

۵ جهان از بدی‌ها بشویم به رای<sup>۵</sup>  
 ز هر جای کوتاه کنم دست دیو  
 هر آن چیز کاندرا جهان سودمند<sup>۱۲</sup>  
 پس از پشت میش و<sup>۱۳</sup> بره پشم و<sup>۱۴</sup> موی  
 به کوشش ازو کرد پوشش بجای<sup>۱۶</sup>  
 ۱۰ ز پیوندگان هر که<sup>۱۸</sup> بُد نیک‌رو<sup>۱۹</sup>  
 رمنده<sup>۲۱</sup> ددان را همه<sup>۲۲</sup> بنگرید  
 گرانمایه طهمورت<sup>۲</sup> دیوبند  
 کمر بر میان رسم او را بیست<sup>۴</sup>  
 به چربی<sup>۶</sup> چه مایه سخن‌ها براند  
 مرا زبید و، تاج و گنج و سپاه<sup>۸</sup>  
 پس آنگه کنم در کمی گرد پای<sup>۱۰</sup>  
 که من بود خواهم جهان<sup>۱۱</sup> را خدیو  
 کنم آشکارا، گشایم ز بند  
 برید و به رشتن<sup>۱۵</sup> نهادند روی  
 به گسترده‌ی بُد هم او<sup>۱۷</sup> رهنمای  
 خورش کردشان<sup>۲۰</sup> سبزه و کاه و جو  
 سیه گوش و یوز از میان برگزید<sup>۲۳</sup>

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی طهمورت پر هوشنگ چهل سال یازده ماه بود و پنج روز بود داذا را (شاید: و او را) طهمورت دیوبند خوانند؛ ل: پادشاهی طهمورت سی سال؛ ق، ق، ل: پادشاهی طهمورت دیوبند سی سال بود؛ پ: پادشاهی طهمورت چهل سال بود؛ و: پادشاهی طهمورت صد و سی بود؛ متن= لن؛ در س، لی، ب این داستان افتاده است ۲- در لن این لت پاك شده است ۳- ل، ق، ق، آ، پ، و، ا، ل: طهمورت؛ متن= فن، لن ۴- ل، ق، آ، پ: شاهي كمر بر میان بر (پ: را) بیست؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= فن، ق، و، ا، ل ۵- در لن این لت پاك شده است ۶- ل، لن، ق، و، ا: بخوبی؛ متن= فن، ق، آ، پ، ل ۷- و: کامروز این تخت و گاه؛ آ: کامروز این پایگاه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- ف: مرا زبید و تاج و گردستگاه؛ ل: مرا زبید این تاج و گنج و سپاه؛ ق: مرا زبید این تاج و گرز و سپاه؛ ق، آ، پ: مرا زبید و تاج و این و راه (پ: این گاه)؛ و: مرا زبید و خیر وانی کلاه؛ آ: مرا زبید این تاج و تخت و کلاه؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= ل ۹- در لن این لت پاك شده است ۱۰- ف: پس آنگه درنگی کنم گردپای؛ ل: پس آنگه کنم در کمی (درمکی؟ در کمی؟) گردپای؛ آ: پس آنگه بگیتی کنم گردپای؛ ل: پس آنگه کنم در جهان گردپای؛ متن= لن، ق، ق، آ، پ، و ۱۱- ف: زمین؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۲- در لن این لت پاك شده است ۱۳- آ: < و > ۱۴- لن: < و >؛ ل: نیم و؛ ق: پس از پشت بره کشم پشم و؛ متن= فن، ل، ق، پ، و، ا ۱۵- پ: برستن؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ در آ این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۱۶- ل، ق، و، ا: برای؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= فن، ق، آ، پ، ل ۱۷- ل: هم بد او؛ و: بد همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در آ این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۱۸- ل، ق، پ، و، ا، ل: هرچه؛ متن= فن، لن، ق، آ ۱۹- ل، پ، و: تیزرو؛ ق، ق: پیش رو؛ متن= فن، لن، ا، ل ۲۰- ل: کردش او؛ و: دادشان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۱- ل: رمنده؛ ل: رونده؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۲- و: همی ۲۳- ل: سیه گوش و یوز را برگزید

به بند آمدند آنک دور از گروه<sup>۲</sup>  
چو باز و چو شاهین گردن فراز  
جهانی بدو مانده اندر شگفت  
کجا برخروشد گه زخم کوس  
نهفته همه<sup>۱</sup> سودمندی<sup>۱۱</sup> گزید<sup>۱۲</sup>  
نخوانندشان جز به آوای<sup>۱۳</sup> نرم  
جهان آفرین را ستایش<sup>۱۴</sup> کنید  
ستایش<sup>۱۵</sup> مرو را که بنمود راه

که رایش ز کردار<sup>۲۰</sup> بد دور بود  
نزد جز به نیکی بهر جای گام<sup>۲۱</sup>  
به پیش جهاندار بر پای شب<sup>۲۵</sup>  
نماز شب و روزه آیین اوست  
در بند بد<sup>۲۹</sup> جان<sup>۳۰</sup> بدخواه را  
همه راستی خواستی پایگاه<sup>۳۲</sup>  
بتابید<sup>۳۴</sup> ازو فره ایزدی  
چو بر تیزرو بارگی برنشست  
همی<sup>۳۷</sup> گرد گیتیش برتاختی<sup>۳۸</sup>  
کشیدند گردن ز گفتار او<sup>۳۹</sup>  
که پردخت<sup>۴۰</sup> مانند<sup>۴۱</sup> ازو تاج و فر

به چاره بیاوردش<sup>۱</sup> از دشت و کوه  
ز مرغان همان<sup>۲</sup> را که بد<sup>۳</sup> نیک ساز<sup>۴</sup>  
بیاورد و آموختن شان گرفت  
چُن<sup>۶</sup> این کرده شد ماکیان و خروس  
بیاورد و یکسر به مردم<sup>۸</sup> کشید<sup>۹</sup>  
بفرمود تا شان<sup>۱۳</sup> نوازند گرم  
چنین گفت کین را نمایش<sup>۱۵</sup> کنید  
که او<sup>۱۷</sup> دادمان بر دده<sup>۱۸</sup> دستگاه

۲۰ مرو را یکی پاك دستور بود  
خَنیده<sup>۲۱</sup> بهرجای<sup>۲۲</sup> و شهرسپ<sup>۲۳</sup> نام  
همه روز بسته ز خوردن دو لب  
چو جان<sup>۲۶</sup> بر دل هرکسی<sup>۲۷</sup> بود دوست  
سر مایه بود<sup>۲۸</sup> اختر شاه را  
۲۵ همه راه نیکی<sup>۳۱</sup> نمودی به شاه  
چُن آن<sup>۳۳</sup> شاه پالوده گشت از بدی  
برفت اهرمَن را به افسون بیست  
زمان<sup>۳۵</sup> تا زمان زینش<sup>۳۶</sup> برساختی  
چو دیوان بدیدند کردار او<sup>۳۹</sup>  
۳۰ شدند انجمن دیو بسیار مر

۱- ل: بیاورد ۲- ل: بند آمدند آنکه بد هم گروه؛ لن، ق، پ: بتنگ آمدند آنک (پ: آنکه) بد زان گروه (پ در زیر بتنگ افزوده است: بند)؛ ق:  
ببند آمد آنچه بد از گروه (وزن نادرست است)؛ و، ل: بند آمدند آنچه (ل: آنک) بود از گروه؛ آ: بند آمدند این دود از گروه؛ متن= ف ۳- ل: آ: مران  
۴- لن، ق: آنک بد؛ ق، و، ل: آنچه بد؛ پ: آنکه بد؛ متن= ف، ل، آ ۵- لن، ق: نیک تاز؛ ق: تندساز؛ متن= ف، ل، پ، و، آ، ل ۶- و، آ: ازو؛  
متن= هفت دستویس دیگر؛ در لن، ق، پ: پس از این بیت بیت ۱۷ آمده است ۷- ل- ل: چو؛ متن= ف ۸- لن، ق: بردی؛ متن= هفت دستویس  
دیگر ۹- ف: سپرد؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۰- ق، و: همی؛ متن= ل، لن، ق، پ، آ، ل ۱۱- لن: سودمندش ۱۲- آ: بدید؛ ف: به  
آواشان انده از دل ببرد؛ ف پس از این بیت افزوده است:

به مردم چنین گفت فرزانه شاه بدارید این بی زبان را نگاه

۱۳- ل- ل: بفرمودشان تا؛ متن= ف ۱۴- ل، ق، ق، آ: باوازا؛ متن= ف، لن، پ، و، ل: در لن، ق، پ این بیت پس از بیت ۱۴ آمده است  
۱۵- ف، ل: نیایش؛ لن، ق، پ، و، آ: ستایش؛ متن= ل، ق ۱۶- لن، ق، پ، و، آ: نیایش؛ متن= ف، ل، ق، ل ۱۷- آ: آن ۱۸-  
لن، ق، پ، آ: دندان؛ متن= ف، ل، ق، و، ل ۱۹- و: نیایش ۲۰- آ: بکردار ۲۱- لن، ق، پ، و، ل: گزیده؛ متن= ف، ل، ق، آ  
۲۲- ل، ق، ق، آ: < >؛ متن= ف، لن، پ، و، ل ۲۳- لن: بهرست؛ ق، پ، ل: شهرت؛ متن= ف، ل، ق، و، آ ۲۴- و: بند جز بنیکش  
هرجای گام؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۵- ق: همه شب ستاده پای تعب (!) ۲۶- ف، ل، و، ل: چنان؛ لن، ق، ق: جوان؛ آ: وزان؛ متن=  
پ ۲۷- ف: یکی؛ متن= هشت دستویس دیگر؛ در آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۸- ل، لن، ق، ق، پ، ل: بد؛ متن= ف، و، آ ۲۹-  
ل، ق، آ: در بسته بد؛ و: دریده بد او؛ متن= ف، لن، ق، پ، ل ۳۰- لن، ق، پ: جای؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ل ۳۱- لن، ق: راه نیکو؛ پ:  
رای نیکو ۳۲- لن: بارگاه ۳۳- ل، ق، و، آ: جوان؛ لن، ق، پ، ل: چنان؛ متن= ف ۳۴- لن، ق، پ، ل: که نباید؛ متن= ف، ل، ق، و، آ ۳۵-  
ف: زمن (!) متن= هشت دستویس دیگر ۳۶- لن: بش (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق، پ، آ: پیش؛ متن= ف، ل، ق، و، ل ۳۷- ف، ل، پ، آ: همه؛  
متن= لن، ق، ق، و، ل ۳۸- ق: همی کردیش بر او ناختی (!) (گویا بوده است: همی گرد گیتی بر او ناختی)؛ متن= هشت دستویس دیگر ۳۹-  
ل، لن، ق، آ، ل: او؛ متن= ف، ق، پ، و ۴۰- ل، ق: پردخته؛ ق: پرداخت؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ف، لن، پ، و، ل ۴۱- ل: ماند

برآسفت و بشکست بازارشان  
 به گردن برآورد گرز گران<sup>۱</sup>  
 برفتند، جادو سپاهی<sup>۲</sup> گران  
 همه<sup>۳</sup> باسماں برکشیدند عو<sup>۴</sup>  
 بیامد کمر بستهی رزم<sup>۵</sup> و کین  
 بُد جنگشان را فراوان درنگ  
 دگرشان به گرز گران کرد پست  
 به جان خواستند آن زمان زینهار  
 بیاموزنیمت که<sup>۶</sup> آید به بر  
 بدان تا نهائی کنند آشکار  
 بجستند ناچار<sup>۷</sup> پیوند اوی<sup>۸</sup>  
 دلش را چو خورشید بفروختند<sup>۹</sup>  
 چه رومی و چه تازی و پارسی<sup>۱۰</sup>  
 نگاریدن آن، کجا بشنوی<sup>۱۱</sup>  
 چه گونه<sup>۱۲</sup> برون<sup>۱۳</sup> آوریدی هنر  
 همه<sup>۱۴</sup> رنج او ماند زو<sup>۱۵</sup> یادگار  
 چو می بدروی<sup>۱۶</sup> پروریدن چه سود

چو طهمورت<sup>۱</sup> آگه شد از کارشان  
 به فر جهاندار بستش میان  
 همه نره دیوان<sup>۲</sup> افسون گران  
 دمنده<sup>۳</sup> سیه دیوشان پیشرو<sup>۴</sup>  
 ۳۵ جهاندار طهمورت<sup>۵</sup> بافرین  
 یکایک برآراست<sup>۶</sup> با دیو جنگ  
 ازیشان دو بهره به افسون بیست  
 کشیدندشان خسته و بسته<sup>۷</sup> خوار<sup>۸</sup>  
 که ما را مکش تا یکی نوهنر  
 ۴۰ کی نامور دادشان زینهار  
 چو آزادشان شد سر<sup>۹</sup> از بند اوی<sup>۱۰</sup>  
 نبشتن<sup>۱۱</sup> به خسرو بیاموختند  
 نبشته<sup>۱۲</sup> یکی نه، چه<sup>۱۳</sup> نزدیک سی  
 چه سغدی<sup>۱۴</sup> و چینی و چه پهلوی<sup>۱۵</sup>  
 ۴۵ جهاندار سی سال ازین<sup>۱۶</sup> بیشتر  
 برفت و سرآمد<sup>۱۷</sup> برو روزگار  
 جهانان<sup>۱۸</sup> مپرور چو خواهی درود

۱- ل، ق، و، ل: طهمورت؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ن، پ ۲- و: کیان؛ آ این بیت را ندارد ۳- ل، ن، ق، ق، پ، و، ل: دیوان و؛ متن = ف، ل، و، ۴- آ: سپاه ۵- ف: دمیله (!)؛ متن = هشت دستویس دیگر ۶- آ، ل: همی ۷- ق، ل: غو؛ متن = هفت دستویس دیگر ۸- ل، ق، و، آ، ل: طهمورت؛ متن = ف، ل، ن، پ ۹- ل، آ: جنگ؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۰- ل، ل، ن، ق، پ: بیاراست؛ ق: برانگیخت؛ متن = ف، و، آ، ل؛ برخی از دستویس هاپس از این بیت سرنویس دارند، ل، ن، ق: بند کردن طهمورت (ق: طهمورت) دیوان را؛ پ: پادشاهی طهمورت و بند کردن دیر؛ ف، ل، ق، و پس از این بیت دوبیت و آنها بیت دوم را افزوده اند:

هواتیره (و: فیر) فام (ق: بام) وزمین تیره گشت (ل: شد)  
 زیکسو (ا: زیکس) عو (ف: دم؛ ق: غو) آتش و دود دیو  
 بخشم (و: بگرد) اندرون خیره گشت (ل: شد)  
 زیکسو (ا: زیکس) دلیران کیهان خدیو

ل، ق، پ، ل: این دوبیت را و آ بیت نخستین را ندارند ۱۱- ل، و، آ: بسته وخته؛ ق: کشته وخته؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل ۱۲- ل، ق، ل: زار؛ ق: وار؛ متن = ف، ل، ن، پ، و، آ ۱۳- ل: بیاموزم ابلر که؛ ل، و: بیاموزی از ماکت؛ ق: بیاموزانیمت که؛ ق، آ: بیاموزمت تا کی؛ پ: بیاموزیمت کت؛ متن = ف، ل؛ ف پس از این بیت افزوده است:

کنسون سرفرازی کند آدمی  
 چو بستان شود زان سراسر زمی

۱۴- ل: چو آزاد گشتند؛ و: چو آزاد شدشان سر؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۵- ل، ن، ق، پ، آ، ل: او؛ متن = ف، ل، ق، و ۱۶- ل: ناچاره؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۷- ل، و، آ: نوشتن؛ ق: نبشته؛ متن = ف، ل، ن، ق، پ، ل ۱۸- ل، ن، ق، پ، و: دلش را بدانش برافروختند؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل: نوشته؛ ل، ن، ق، پ: نبشندن؛ و: نوشتن؛ متن = ف، ق، ل ۱۹- ل، ل، ن، ق، پ، و: ک؛ آ: یکی نیز؛ متن = ف، ل، ق، و، آ: چه رومی (آ: رومی و (وزن نادرست است)) چه تازی و چه پارسی؛ ل: چه رومی و تازی و چه پارسی؛ متن = ف، ل، ن، ق، پ ۲۰- ل، ق، و، آ: هندی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۱- ل، ن، ق، پ، آ: و چه چینی و پهلوی؛ و: چه چینی و چه پهلوی؛ ل: و چینی و چون پهلوی؛ متن = ف، ل، ق ۲۲- ل: ز هرگونه می کان همی بشنوی؛ ق: نوشتن بدان چیز کان بشنوی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۳- ل، ن، ق، پ، و، آ: چگونه؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۴- ل، ن، ق، پ، و، آ: پدید؛ متن = ف، ل، ن، ق، و؛ و پس از این بیت افزوده است:

چو دستور باشد چنین کاردان  
 ترشه را هنر نیز بیار دان

۲۸- ل: برآمد ۲۹- ق: چنان؛ آ: همان ۳۰- ل، ل، آ: ازو؛ متن = ف؛ ف پس از این بیت افزوده است:  
 ننش گشت پژمرده زاسیب مرگ  
 چو گاه خزان از دم باد، برگ  
 ۳۱- ق: جهانرا ۳۲- ف، و: اگر بدروی؛ متن = ل، ل، ن، ق، ق، پ، آ، ل، ن، ق، آ، پ، ل: پس از این بیت افزوده اند:  
 براری یکی را به چرخ بلند  
 سپاریش ناگه به خاک نزنند  
 ف، ل، ق، و، آ این بیت را ندارند، ولی در ل، ق آنرا در کناره افزوده اند





جمشيد



## پادشاهی جمشید هفتصد سال بود<sup>۱</sup>

چو گیتی سرآمد<sup>۲</sup> بران<sup>۳</sup> دیوبند،  
 به سوگ اندرون شد دل هر کسی،  
 گرانمایه جمشید فرزند اوی<sup>۴</sup>  
 برآمد بران تخت فرخ پدر  
 ۵ کمر بسته<sup>۵</sup> با فر شاهنشاهی  
 زمانه برآسوده<sup>۶</sup> از داوری  
 جهان را فزوده بدو<sup>۷</sup> آبروی  
 منم گفت با فره ایزدی<sup>۸</sup>  
 بدان<sup>۹</sup> را ز بد دست کوتاه کنم

۱۰ نُخست آلت جنگ را دست برد  
 به فر کی نرم کرد آهنا

جهان را همه پند او سودمند<sup>۱۰</sup>  
 نیامد بران<sup>۱۱</sup>، روزگاران بسی،  
 کمر بست يك دل<sup>۱۲</sup> پر از پند اوی<sup>۱۳</sup>  
 به رسم کیان بر سرش تاج زر  
 جهان گشته سرتاسر<sup>۱۴</sup> او را رهی  
 به فرمان او دیو و مرغ<sup>۱۵</sup> و پری  
 فروزان شده تخت شاهی بدوی<sup>۱۶</sup>  
 همم شهریاری و هم<sup>۱۷</sup> موبدی<sup>۱۸</sup>  
 روان را سوی روشنی ره کنم

در نام جُستن به گردان<sup>۱۹</sup> سپرد  
 چو خود و زره کرد و<sup>۲۰</sup> چون<sup>۲۱</sup> جوشنا

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی جمشید هفتصد سال بود و نهادن آیین نیکو و نهادن نرورز و سده و نیکویی ها در جهان؛ ل، پ: پادشاهی جمشید هفتصد سال؛ متن = لن، ق، ق، و، ا، ل؛ لی تائیت ۳۳ و ب تائیت ۱۳ را انداخته اند ۲- ل: سرآمد برآمد (واژه دوم بر جاست) ۳- آ: بدان؛ لن، ق، پ، و، ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ متن = فن، ل، ل، لن، آ، ل؛ او؛ متن = فن، ق، ق، آ، پ، و، ۷- پ: کمرسته و دل؛ و: کمرسته يك دل؛ ل: کمرست و بکدل؛ متن = فن، لن، ق، ق، آ، ۸- فن، لن، ق، ق، آ، پ، آ: کمرست؛ متن = لن، و، ل<sup>۲</sup> ۹- لن، ق: جهان گشت سرتاسر؛ ق، پ، و: جهان سربسگشت (و: گشته)؛ متن = فن، ل، آ، ل<sup>۲</sup> ۱۰- فن، ل، ق، ق، آ، ل؛ برآسود؛ متن = لن، پ، و، ل<sup>۲</sup> ۱۱- ل، ق، آ، ل: مرغ و دیو؛ متن = فن، لن، ق، آ، پ، و؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- ق: برو؛ آ: فروزنده بدو (وزن نادرست است) ۱۳- ل: ازو؛ ق، آ: ازوی؛ لی: بروی؛ متن = لن، ق، آ، و، ل<sup>۲</sup> ۱۴- لن، ق: با فر شاهنشاهی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۵- ل: همم شهریار و همم؛ ل: همم شهریاری همم ۱۶- پ: بخردی؛ ق: جهان تاج و تخت مرا شد رهی ۱۷- ف: جهان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۸- ق: بمردان؛ ف پس از این بیت افزوده است: ز آتش دم و کوره را گرم کرد وزو آهن سخت را نرم کرد ۱۹- لن، ق، ق، آ: < و > ۲۰- ق: هم

همه کرد پیدا به روشن روان  
 ببرد و<sup>۱</sup> ازین<sup>۲</sup> چند بنهاد گنج  
 که پوشند هَنگام<sup>۳</sup> ننگ و نبرد  
 قَصَب کرد و<sup>۴</sup> پرمایه دیبا و خز<sup>۵</sup>  
 به تار اندرون پود را بافتن<sup>۶</sup>  
 گرفتند<sup>۷</sup> ازو یکسر آموختن<sup>۸</sup>  
 زمانه بدو<sup>۹</sup> شاد و او نیز شاد  
 بدین اندرون پنجهمی نیز خورد<sup>۱۰</sup>  
 به رسم پرستندگان دانیش<sup>۱۱</sup>  
 پرستنده را جایگه کرد کوه<sup>۱۲</sup>  
 همی نام نیساریان<sup>۱۳</sup> خواندند  
 فروزندهی لَشکر و کِشورند<sup>۱۴</sup>  
 وُزیشان بود نام مردی بجای<sup>۱۵</sup>  
 کجا نیست از کس بریشان<sup>۱۶</sup> سپاس  
 به گاه خورش سرزنش نشنوند  
 از آوای<sup>۱۷</sup> پیغاره آسوده گوش  
 برآسوده از داور و<sup>۱۸</sup> گفت وگویی  
 که آزاد<sup>۱۹</sup> را کاهلی بنده کرد

چو خفتان و چون تیغ و ابرگستوان  
 بدین اندرون سال پنجاه رنج  
 دگر پنجه اندیشهی جامه کرد  
 ۱۵ ز کتان و ابریشم و موی قر<sup>۱</sup>  
 بیاموختشان<sup>۲</sup> رشتن و تافتن  
 چو شد بافته<sup>۳</sup>، شستن<sup>۴</sup> و دوختن  
 چو این کرده شد ساز دیگر نهاد  
 ز هر پیشه‌یی انجمن کرد مرد<sup>۵</sup>  
 ۲۰ گروهی که آثوربان<sup>۶</sup> خوانیش  
 جدا کردشان از میان گروه<sup>۷</sup>  
 صفی برکشیدند و بنشانند<sup>۸</sup>  
 کجا شیرمردان<sup>۹</sup> جنگاورند  
 کزیشان بود تخت شاهی پبای<sup>۱۰</sup>  
 ۲۵ بسودی سه دیگر گره را شناس<sup>۱۱</sup>  
 بکارند و ورزند و خود بدروند  
 ز فرمان تن<sup>۱۲</sup> آزاده و خورده نوش<sup>۱۳</sup>  
 تن آزاد<sup>۱۴</sup> و آباد گیتی بدوی<sup>۱۵</sup>  
 چه گفت آن سخنگوی آزاد<sup>۱۶</sup> مرد

۱- ل، ق، آ: چو خفتان و تیغ و چو؛ ل، ق، آ، ب، و: چو خفتان و چون درخ و (پ: < و >)؛ متن = ف، ل، ق؛ ف پس از این بیت افزوده است: هران چبزرگان جنگ را درخورست و گسر الت و زینت لشکرست  
 ۲- ل، پ: بپمود و؛ ل: ببرد (وزن نادرست است) ۳- ف: بدین؛ ل، پ: زین؛ متن = ل، ق، ق، و، آ، ل (و نیز ل، ل، ل)؛ ب پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۴- ف، پ، ل، آ، ب: که پوشد بهنگام؛ ل، ق، آ: که پوشد همی گاه؛ آ: که پوشد هنگام؛ متن = ل، ق، و، ۵- ل، ق، ق، آ، پ- ب: موی و قر؛ متن = ف، ل، ل، ل، ل، ل، ق، آ، پ، آ: < و >؛ متن = ف، ق، و، ل، آ، ب ۷- ف: دیبای خز (نخست دیبا و خز داشته، حرف و رای گردانیده است)؛ ل: دبا و پرمایه خز؛ متن = هفت دستویس دیگر ۸- ل، ق، آ، ب، پ: بیاموختشان؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، آ ۹- در ل، ت دوم این بیت پاك شده است؛ آ این بیت را ندارد ۱۰- ل: نافه؛ ق: جز از بافتن؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۱- آ: رشتن؛ در ل، ت این بیت پاك شده است ۱۲- ق: گرفتن؛ آ: گرفته؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۳- ق: گرفتند یکسر ازو بر بیاموختن (وزن نادرست است)؛ در آ این بیت پس از بیت ۱۹ آمده است ۱۴- ق: ازو؛ در ل، ت دوم این بیت پاك شده است ۱۵- ل، ق، آ: زهر انجمن پشور گرد کرد؛ ق، آ، پ، و، ب: زهر پشور انجمن گرد کرد (ب: کرد مرد)؛ در ل، ت این بیت پاك شده است؛ متن = ف، ل، آ ۱۶- ل: بدین اندرون سالی پنجاه... (؟)؛ ق، آ، پ: بدین اندرین نیز پنجاه خورد؛ و، ب: بدو (ب: بدین) اندرون سال پنجاه خورد؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل؛ در آ این بیت پس از بیت ۱۷ آمده است ۱۷- ف، ل، ل، آ: تورانیان؛ ل: خابون زنان (حرف سوم واژه یکم نقطه ندارد)؛ ق: حاتون زنان (حرف یکم واژه یکم و حرف دوم واژه دوم نقطه ندارند)؛ و: آثاریان؛ آ: ارزانیان؛ ب: کاتوریان؛ متن = ق (آثوریان؛ یا: اتوریان) ۱۸- در ل، ت دوم این بیت پاك شده است؛ ب این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده است ۱۹- در ل، ت این بیت پاك شده است ۲۰- و: ساخت کوه؛ ب این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده است ۲۱- ق، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب است ۲۲- ل: بیاریان؛ ق: میشاریان؛ (و نیز ل، ل، ل)؛ صفی بردگر دست بنشانند؛ در ل، ت این بیت پاك شده است؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، آ، ۲۲- ل: بیاریان؛ ق: میشاریان؛ ل: نیساران (وزن نادرست است)؛ ب: که شان نام بکاربان؛ متن = ف، ق، آ، پ، و، آ (و نیز ل، ل، ل) ۲۳- پ: کجا بیشتر مرد ۲۴- ل: کشور و لشکرند؛ در ل، ت دوم این بیت پاك شده است ۲۵- ق، آ، پ، و: بجای؛ در ل، ت این بیت پاك شده است ۲۶- ل، ق، آ، پ، و: پای ۲۷- ف: گروه سوم بزرگرا شناس؛ ل: بسی زی سه دیگر گروهی شناس؛ ل: بسودی نهاد یک گره را شناس؛ ق- ب: (ق، آ: بس وی (→ پس وی)؛ ق: تسوری؛ پ، ل، آ: بسوری؛ و: تسوری؛ ب: نسوهی) سه دیگر گره را شناس؛ متن = ل (واژه نخستین) + ق- ب ۲۸- ل، ق، آ، پ، و: بر کس ازیشان؛ ل: از بس برایشان؛ ب: از کس بدیشان؛ متن = ف، ل، ق، آ، ۲۹- ق، آ، پ، ب: سر ۳۰- ل: ازادوز خورد و نوش؛ ل: آزاد چون ژنده پوش؛ ق: ازاد و حورنده (ق: حورنده) نوش؛ پ: ازاد و خوارنده نوش؛ و: ازاد و خود ژنده پوش؛ ل: ازاده و خورد و نوش؛ متن = ف، آ، ب ۳۱- ل: از او از و (آ: < و >)؛ ل، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب: وز او از؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده اند ۳۲- ل: آباد؛ آ این بیت را ندارد ۳۳- پ: بروی ۳۴- ل: < و >؛ ق: از داروز (!)؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۵- ل: این ۳۶- ق: ازاده ۳۷- ل، ل، ق، آ، پ- ل: ازاده؛ متن = ف، ق، ب

۳۰ چهارم که خوانند اهتوخشی<sup>۱</sup> کجا کارشان همگنان<sup>۲</sup> پیشه بود بدین<sup>۳</sup> اندرون سال پنجاه نیز ازین<sup>۴</sup> هر یکی را یکی پایگاه که تا هرکس اندازهی<sup>۵</sup> خویش را بفرمود پس دیو<sup>۶</sup> ناپاک<sup>۷</sup> را ۳۵ هرآنچ<sup>۸</sup> از گل آمد<sup>۹</sup> چو بشناختند به سنگ و به گج<sup>۱۰</sup> دیو دیوار کرد چو گرمابه و کاخ های بلند ز خارا گهر<sup>۱۱</sup> جست يك روزگار بدست<sup>۱۲</sup> آمدش چند گونه گهر ۴۰ ز خارا به افسون برون<sup>۱۳</sup> آورید چویان<sup>۱۴</sup> و چو کافور و چون مشک ناب بزشکی و درمان هر دردمند همین<sup>۱۵</sup> رازها<sup>۱۶</sup> کرد نیز<sup>۱۷</sup> آشکار ۴۵ گذر کرد از آن پس به<sup>۱۸</sup> کشتی بر<sup>۱۹</sup> آب چنين سال پنجه برنجید<sup>۲۰</sup> نیز هم از دست ورزان با سرکشی<sup>۲۱</sup> روانشان<sup>۲۲</sup> همیشه پر<sup>۲۳</sup> اندیشه بود بخورد و بورزید و بخشید چیز<sup>۲۴</sup> سزاوار بگزید و بنمود راه<sup>۲۵</sup> بینند و دانند کم<sup>۲۶</sup> بیش را به آب اندرآمیختن خاك را سُبك خشت را کالبد ساختند به خشت<sup>۲۷</sup> از برش هندسی کار کرد چو ایوان که باشد پناه از گزند همی کرد ازو روشنی خواستار چو<sup>۲۸</sup> یاقوت و<sup>۲۹</sup> بیجاده و<sup>۳۰</sup> سیم وزر شد آراسته بندها را کلید<sup>۳۱</sup> چو عود و چو عنبر، چو روشن گلاب<sup>۳۲</sup> در تندرستی و راه گزند جهان را نیامد چنو<sup>۳۳</sup> خواستار ز کشور به کشور<sup>۳۴</sup> چو آمد<sup>۳۵</sup> شتاب ندید<sup>۳۶</sup> از هنر بر خرد بسته چیز<sup>۳۷</sup>

۱- ل، ق، ب: اهتوخشی؛ لن: اموحوسی (هیچیک از حرفها نقطه ندارد)؛ ق: اموخوشی (حرف سوم نقطه ندارد)؛ پ: اهتوخشی؛ و: اموحشی (حرف سوم نقطه ندارد)؛ آ: اهتوخشی؛ ل: خوانندش اهتوخشی؛ (ل: اموخوشی؛ لن: اوراخشی)؛ متن= ف ۲- ل- ل: همان؛ ب: همه؛ متن= ف ۳- ل، ق، آ، ب: دست ورزان با سرکشی (آ: باتش کشی)؛ و: همان دستکاران با سرکشی؛ متن= ف، لن، ق، پ، ل: (لن: آبا) ۴- ل: هم کبان؛ پ، و: کجا همگان کارشان ۵- و: روانرا ۶- ل: بی؛ متن= نه دستویس دیگر ۷- ل: برین ۸- لن، ق، آ، پ، ب: بخورد و ببخشد بسیار چیز؛ ق: بخورد و بورزید هرگونه چیز؛ متن= ف، ل، و، آ، ل: ۹- لن، ل: وزین ۱۰- ب: جایگاه ۱۱- ب: سزاوارشان نیک بنمود راه؛ لی پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۱۲- و، ب: اندیشه ۱۳- ق، آ، ل: کم؛ ف، ل: داند کم؛ لن، ق، آ، پ، و، ب: بیند بدان کم؛ متن= لی ۱۴- ق، آ، لی، پ، و، ب: بفرمود دیوان؛ متن= ف، ل، لن، ق، آ، ل: ۱۵- ل، لن، آ، ب: (و نیز ل، لن) حرف سوم را با سه نقطه نوشته اند ۱۶- لن، ق: زهرج؛ لی، پ: زهرچه (وزن نادرست است)؛ آ: هرآنچه (وزن نادرست است)؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، ب: ۱۷- آ، ل: آید ۱۸- ق: زگج؛ و: بگل؛ ل، آ، ب: زسنگ وزگج؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۹- ف- پ، آ- ب: نخست؛ و (و نیز ل، لن) بگج (ل) در بالا افزوده است: بخت) ۲۰- ق، آ، پ، ل، آ، ب: هنر؛ لی: بدین راهبر؛ متن= ف، ل، لن، ق، و، آ؛ با این بیت در ل بخشی که به خط نوتر نوشته اند به پایان میرسد و از بیت سپین دستویس اصلی آغاز میگردد ۲۱- ل- آ، ب: بچنگ؛ متن= ف، ل: ۲۲- لن، ق، آ، پ: ز؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۳- لی: > و< ۲۴- ف: چو بیجاده و لعل و چون؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۵- و: پدید ۲۶- پ: شد آن بندها را سراسر کلید؛ متن= ده دستویس دیگر؛ لی پس از این بیت و پ در بالای بیت سپین افزوده اند:

دگر بوی ها خوش آورد باز که دارند مردم (پ: که باشد همه کس) بیوش نیاز ۲۷- ل: زبان؛ لن: چویان؛ ق، آ، ل: چویان (حرف سوم نقطه ندارد)؛ لی: چوسیم؛ متن= ف، ق، پ، و، آ، ب: ۲۸- ق، و، آ: چو مشک و گلاب؛ لی: بیوش گلاب؛ ل: چه عود و چه عنبر چه روشن گلاب؛ متن= ف، ل، لن، ق، پ، ب: ۲۹- ل، لن، ق، آ، پ: همان؛ لی، آ: همه؛ و: هم این؛ متن= ف، ل، ب: ۳۰- ل: رازرا ۳۱- لن، ق، آ، و: نیز کرد؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۲- لن: چین؛ متن= ده دستویس دیگر (ف: چن او) ۳۳- لی، ب: چو؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۴- لی، پ: در؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۵- ل: چو کشور بکشور؛ ق: بکشور زکشور ۳۶- ل: گرفتی؛ پ: برآمد؛ آ: زکشور برآمد بکشور ۳۷- لن، ق، آ، لی، پ، و: بورزید؛ ل: پنجاه برکرد؛ متن= ف، ل، ق، آ، ب: ۳۸- آ: بدید ۳۹- لی: بدیدار مر برهنر ته چیز؛ متن= نه دستویس دیگر؛ لن، ق، آ، پ، ب: پس از این بیت افزوده اند (← بیت ۶۱): همه (ق: همان) کردنی ها چو آمد پدید بگیتی جز از خویشتر را (پ: کس) ندید

همه کردنی‌ها چو آمد بجای  
 به فر کیانی یکی تخت ساخت  
 که چون خواستی دیو برداشتی  
 ۵۰ چو خورشید تابان میان هوا  
 جهان انجمن شد بران تخت اوی<sup>۷</sup>  
 به جمشید بر گوهر افشانند  
 سر سال نو هرمز فرودین<sup>۱۰</sup>  
 بزرگان بشادی<sup>۱۳</sup> بیاراستند  
 ۵۵ چنین جشن<sup>۱۵</sup> فرخ از آن<sup>۱۶</sup> روزگار  
 چنین<sup>۱۹</sup> سال سیصد<sup>۲۰</sup> همی رفت<sup>۲۱</sup> کار  
 ز رنج و زبدهشان نبود<sup>۲۲</sup> آگهی  
 به فرمان<sup>۲۴</sup> مردم نهاده دو گوش  
 چنین تا برآمد برین<sup>۲۶</sup> سالیان  
 ۶۰ جهان سر بسر گشته<sup>۲۸</sup> او را رهی  
 یکایک به تخت مهی بنگرید  
 ز گیتی سر شاه<sup>۳۱</sup> یزدان شناس  
 گرانمایگان را ز لشکر بخواند

۱- لن، ق، آ، ل، پ، ب: چو آن (لی، ب: این) کارهای وی؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ل، ۲- لی: ز تخت مهی؛ پ: ز جای مهین؛ متن= نه دستویس دیگر ۳- لن: ساح (نقطه ندارد)؛ ل: ساخت؛ متن= نه دستویس دیگر ۴- در لی پس از این بیت بیت ۵۲ آمده است ۵- لی: بدو ۶- لی، پ، آ، ب: بر؛ متن= هفت دستویس دیگر ۷- ل، لن، ق، ق، آ، لی، آ: او؛ متن= ف، پ، و، ل، آ، ب ۸- ل: ماند از؛ لی: ازان بر شده فره؛ متن= نه دستویس دیگر ۹- در لی این بیت پس از بیت ۴۹ آمده است ۱۰- ل: هرمز و فرودین؛ لی: هرمز فرودین؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۱- ل، ق: برآسود؛ و: برآسودش؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۲- ل، ق: از رنج و زدود و کین (ق: و هم دل زکین)؛ آ: از رنج دل جان زکین؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۳- ق: زشادی؛ ل: شادی ۱۴- و: رود ۱۵- پ: روز ۱۶- ق: آ: کزان ۱۷- لن: بماندست؛ لی: بمانده ۱۸- ق: از خسروان؛ ل: زان خسروان؛ ف: پس از این بیت افزوده است:

کشیدند پیشش بزرگان رده  
 که بنهاد جمشید جشن سده  
 در آیت های میان بیت ۵۴ تا ۵۸ در هم ریخته اند: ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۹- لی: چنان ۲۰- ق (و نیز ل): ششصد؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز بنداری: ثلثانه) ۲۱- ف: راند؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۲- ل: بند ۲۳- و: کمر بست؛ ق: پس از این بیت بیت ۵۹ پ را افزوده است؛ لی پس از این بیت چهار بیت افزوده است:

یکی تخت پر مایه کرده بیای  
 نشسته بران تخت جمشید کی  
 مران تخت را دیو برداشته  
 سرافراز تخت سپهد زده  
 ۲۴- ف، آ: بفرمانش؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۵- لن، ق، آ، پ: ز رامش جهان را برآواز (ق: آوای) نوش (پ: گوش)؛ لی، ب: ز رامش جهان پر  
 ز آواز نوش؛ متن= ف، ل، و، آ، ل، ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۲۶- ق، آ، ب: بران؛ لی: بدین؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن= ف، لن، پ، و، آ، ل ۲۷- لن- ب: از شاه فر کیان؛ متن= ف؛ ق: این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ ل: بجای این بیت و لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: پس از این بیت و ق پس از بیت ۵۷ بیت زیر را افزوده اند:

چو چندی (لن: که چندی؛ ق: چنین تا) برآمد برین (لی: بدین) روزگار  
 ندیدند جز (ل: ندیده بجز) خوبی از کردگار (لن، ق، آ، لی: شهریار؛ پ: خوبی شهریار؛ ب: از روزگار)  
 این بیت در ف، و، آ نیت ۲۸- ل، پ، آ، ل: گشت؛ ق: جهان گشت سرتاسر؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۹- ق، لی: بگیتی بجز ۳۰- ق، آ، لی: کس ۳۱- ل: ازان پس عجب شاه؛ لن، ق، آ، و، ب: منی کرد آن (ب: ازان) شاه؛ ق: ازان عجب بر شاه (ل: مانند ق: عجب داشته، ولی سپس  
 بر او خط زده و پس نوشته و در نتیجه عجب به عجب برگردیده است)؛ آ: دل نامور شاه؛ متن= ف، ل، آ ۳۲- ب: وزان برتری جست و

چنین گفت با سالخورده مهان  
 ۶۵ هنر در جهان از من آمد پدید  
 جهان را به خوبی من آراستم  
 خور و خواب و آرامتان<sup>۴</sup> از من ست  
 بزرگی و دیهیم و<sup>۵</sup> شاهی مراست  
 همه موبدان سرفگنده نگون  
 ۷۰ چُن<sup>۱</sup> این گفته شد فرّ یزدان ازوی  
 هنر چون پیوست<sup>۱۴</sup> با کردگار  
 چه گفت آن سَخنگوی پا ترس<sup>۱۶</sup> و هوش  
 به یزدان هرآنکس که شد<sup>۱۹</sup> ناسپاس  
 به جمشید بر تیره‌گون گشت روز

که جز خویشتن را ندانم جهان  
 چو من نامور<sup>۲</sup> تخت شاهی ندید  
 چنان ست گیتی کجا خواستم<sup>۳</sup>  
 همان<sup>۵</sup> پوشش<sup>۶</sup> و<sup>۷</sup> کامتان<sup>۸</sup> از من ست  
 که گوید که جز من کسی پادشاست  
 چرا کس نیارست گفتن، نه چون  
 بگشت<sup>۱۲</sup> و جهان شد پر از گفت و گوی<sup>۱۳</sup>  
 شکست اندر آورد و برگشت کار<sup>۱۵</sup>  
 که<sup>۱۷</sup> خسرو شدی<sup>۱۸</sup> بندگی را بکوش  
 به دلش اندر آید<sup>۲۰</sup> ز هر سو هراس  
 همی کاست آن<sup>۲۱</sup> فرّ گیتی فروز

### گفتار اندر داستان مرداس<sup>۲۲</sup>

۷۵ یکی مرد بود اندران روزگار  
 گرانمایه هم شاه<sup>۲۴</sup> و هم نیکمرد  
 که مرداس<sup>۲۵</sup> نام<sup>۲۶</sup> گرانمایه بود  
 مرو را ز دوشیدنی<sup>۲۷</sup> چارپای  
 ز دشت سواران نیزه‌گزار<sup>۲۳</sup>  
 ز ترس جهاندار با باد سرد  
 به داد و دهش برترین پایه بود  
 ز هر يك هزار آمدندی بجای

۱- ل: نهان ۲- لی: تاجور ۳- ف: بروی زمین گشت من خواستم؛ لن- پ، ل، آ، ب: چنان گشت (ق: است) گیتی که من خواستم؛ و، آ: زروی زمین جور (آ: کینه) من کاستم؛ متن= ل ۴- لن: آرام ونان؛ و، ل، آ: آرامشان؛ متن= هشت دستویس دیگر ۵- لن، ق، آ، پ: همه؛ متن= هشت دستویس دیگر ۶- ل، ق، و: کوشش؛ متن= هشت دستویس دیگر ۷- آ: < و > ۸- و، ل، آ: کامشان؛ متن= نه دستویس دیگر ۹- ل، ق، آ، و: < و >؛ لی پس از این بیت چهار بیت افزوده است:

بدارو و درمان جهان گشت راست  
 جز از من که برداشت مرگ از کسی  
 شما را ز من هوش و جان در تن است  
 گر ایدونك دانید من کردم این  
 که بیماری و مرگ از ما بکاست  
 وگر بر زمین شاه باشد بسی  
 به من بگرود آنك اهرمن است  
 مرا خواند باید جهان آفرین

۱۰- ل- ب: چو؛ متن= ف ۱۱- لی، ل، آ: ازو ۱۲- لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: گت؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۱۳- لی: گفت وگو؛ ل، آ: جهان گشت پر گفت وگو؛ متن= نه دستویس دیگر؛ در ل، ق، آ این بیت پس از بیت ۷۲ آمده است ۱۴- ل، ق: پیوست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ، و، ل، آ، ب: نیوست؛ متن= ف، لن، ق، آ، لی، آ (و نیز ل، لن، آ) ۱۵- لن، ق، آ: دربت کار؛ پ: بربت کار؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۶- ل- و، آ، ب: بافر؛ متن= ف، ل، آ ۱۷- لن- و، ل، آ، ب: چو؛ متن= ف، ل، آ ۱۸- ل، لن، ق، لی، پ، و، ل، آ: شوی؛ متن= ف، ق، آ، ب؛ در ل، ق، آ پس از این بیت بیت ۷۰ آمده است؛ لی پس از این بیت افزوده است:

به‌بیت و سه سال از در بازگاه  
 همی راند خورشید خون برکنار  
 پراکنده گشتند یکسر سپاه  
 همی کرد پوزش بر کردگار

۱۹- ف: بُد؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۰- ل، ق، آ: آمد؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۱- لی، و، زو؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۲- ف: گفتار اندر داستان مرداس پدر ضحاک با ضحاک و ابلیس و کشتن ابلیس او را اندر چاه در باغ خویش؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب: داستان ضحاک با پدرش (لن، ق، آ، لی: ... مرداس)؛ ق: گفتار در حال ضحاک تازی و بند ابلیس؛ و: داستان مرداس تازی با پدرش ضحاک؛ آ: پدید آمدن ضحاک تازی؛ ل، آ: گفتار اندر گشتن تخت جمشید و گریختن او؛ ل سرنویس ندارد؛ متن= آغاز ف ۲۳- ف، ل، پ: گذار؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۴- ل، ق: گرانمایه بود؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۵- لی، آ: مرداس؛ و: مرداس؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، آ، بنداری) ۲۶- ق، آ، لی: نام و ۲۷- ل، آ: روشندلی؛ (ل، آ: دوشندگی)؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز لن، آ)

همان تازی اسپان همه گوهری<sup>۲</sup>  
 به دوشندگان<sup>۵</sup> داده بُد پاك دین  
 بدان<sup>۷</sup> خواسته دست بردی فراز<sup>۸</sup>  
 که از مهر بهره<sup>۱۱</sup> نبود اندکی  
 دلیر و سبکسار و ناپاك<sup>۱۲</sup> بود  
 چُنین نام بر پهلوی راندند  
 بود بر زبان دری ده هزار<sup>۱۵</sup>  
 ورا بود بیور که<sup>۱۷</sup> بردند<sup>۱۸</sup> نام  
 ز راه<sup>۲۱</sup> بزرگی، نه از راه<sup>۲۲</sup> کین

بیامد بسان یکی نیکخواه  
 جوان گوش گفتار او را سپرد  
 پس آنکه سخن برگشایم درست<sup>۲۵</sup>  
 چنان چون<sup>۲۹</sup> بفرمود<sup>۳۰</sup> سوگند خورد<sup>۳۱</sup>

همان<sup>۱</sup> گاو دوشا به فرمان بری<sup>۲</sup>  
 بز و شیرور میش بُد<sup>۴</sup> همچُنین<sup>۸۰</sup>  
 به شیر<sup>۹</sup> آنکسی را که بودی نیاز  
 پسر بُد مرین<sup>۱۰</sup> پاکدین<sup>۱۱</sup> را یکی  
 جهانجوی را نام ضحاک بود  
 کجا<sup>۱۳</sup> بیوراسپش<sup>۱۴</sup> همی خواندند  
 کجا بیور از پهلوانی شمار<sup>۸۵</sup>  
 ز<sup>۱۶</sup> اسپان تازی به زین ستام  
 شب و روز بودی دو بهره<sup>۱۹</sup> به زین

چنان بُد که ابلیس<sup>۲۳</sup> روزی پگاه  
 دل مهتر<sup>۲۴</sup> از راه نیکی ببرد  
 بدو گفت پیمانان خواهم نُخست<sup>۹۰</sup>  
 جوان نیک<sup>۲۶</sup> دل گشت و<sup>۲۷</sup> فرمانش<sup>۲۸</sup> کرد

۱- آ: هم از؛ ق این بیت را ندارد ۲- (و/وینزل، ل، ن، آ): گاو دوشای فرمان بری؛ ل ۲: گاو دوشان و هم مادبان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳- ف: تازی اسبو هیون مری؛ ل: تازی اسب گزیده مری؛ ل: تازه اسپان تار هیری؛ ق ۲: تازی اسپان ره بپری؛ ل: تازی اسب رمنده مری؛ پ: تازی اسپان همچون مری؛ و (وینزل، ل، ن، آ): تازی اسب زهی و مری؛ آ (وینزل، ل، ن، آ): تازی اسب و هیون فری؛ ل ۲: فزون داشت آن مهتر تازیان؛ متن = ب؛ در ل، ن، ق، آ، ل، پ، و این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۴- ف: بز شیرور میش بد (و یا: بز شیرور میش بد)؛ ل: بز شیرور میش را؛ ق ۲: هم از گاو میش و شتر؛ ل، پ: بز و شتر و میش را (لی: هم)؛ و: بز و میش باشیرا؛ آ: بز و شیرور میش را؛ ب: ؟ و از میش بُد؛ (ل، ن، آ): بز و شیرور میش بُد؛ ل، ن، آ: بز و میش تاشیرا)؛ در ل، ن این لک پاك شده است؛ ق، ل این بیت را ندارند؛ متن = تصحیح قیاسی است ۵- ل: بدوشیزگان؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در ل، ن، ق، آ، ل، پ، و این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۶- ل: سری (!)؛ (ل: به شهر)؛ متن = ده دستنویس دیگر (وینزل، ل، ن، آ): ۷- ل، ق: بران؛ در ل، ن لک دوم این بیت پاك شده است؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۸- ف، ق، آ، پ، ل، آ: دراز؛ متن = ل، ق، ل، و، آ، ب ۹- ق، آ، ل، پ، و، ل، آ: مران؛ در ل، ن این لک پاك شده است؛ متن = ف، ل، آ، ب ۱۰- ل، ق، آ، پ، ب: پاکدل؛ و: پاکتن؛ متن = ف، ل، آ، ب ۱۱- ل، ن، و، آ، ب: کش از مهر بهره؛ ل ۲: که از مهر پیدا؛ متن = ف ۱۲- و: بی پاك؛ در ل، ن لک دوم این بیت پاك شده است؛ متن = ده دستنویس دیگر (در آ، ل، آ، ب حرف سوم سه نقطه دارد) ۱۳- ف: همه؛ ل، آ، ب: همی؛ ل ۲: همان؛ در ل، ن این لک پاك شده است؛ متن = ل، ق، پ، و ۱۴- ق ۲: بیور ز ریش ۱۵- ق ۲: بود برزبانی ده و دوهزار؛ در ل، ن لک دوم این بیت پاك شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- ق ۲، ل، پ، آ، ب: از؛ در ل، ن این لک پاك شده است؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۱۷- ل، ن، ق، آ، پ: چو؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۸- ل: بردیم ۱۹- ب: گزیده ۲۰- ل، ل، آ: برین ۲۱- ل: زروی ۲۲- ق، ل، آ: بهره؛ آ: روی؛ متن = هشت دستنویس دیگر (ل نخست روی داشته، آنرا به راه برگردانیده است) ۲۳- ل ۲: بود کابلیس ۲۴- ل، ن، ق، آ، پ، ب: پرورش؛ ل ۲: بیور؛ متن = ف، ل، ق، ل، پ، و، آ، ل، ن، ق، آ، ل، پ، و، ل، آ؛ پس از این بیت شش بیت افزوده اند، ق ۲ بیت یکم را ندارد:

همانا خوش آمدش گفتار اوی (لی، ل، آ: او)  
 بدو داد هوش و (ل، ن، ل، پ: < و >) دل و جان پاك  
 و ل ۲: بدو داد جان و دل و هوش پاك

چو ابلیس دید آنک او را (پ: آنکه او دل) بیساد  
 لی، و، ل، آ، ب: چو ابلیس دانست کورا (و: کودل) بیاد (ل، آ: بداد) ق ۲: برافشانند از نهان برگشادلی، پ: برافکنند از آن گشت پیروزو (پ: بسیار شاد ل): برافشانند وزو گشت ابلیس و شاد

فراوان سخن گفت زیبا و نغز  
 جوان را نهی بود از عقل مغز  
 ل ۲: بران سان که بر بودش از عقل مغز

همی (ل ۲: چو آن) گفت دارم سخن ها بسی  
 جوان گفت بر گوی و چندین مپای  
 که آنرا نداند جز از من (ق ۲، ل، پ، و: جز از من نداند) کسی  
 بیاموز ما را نو ای نیک رای

این بیت هادرف، ل، ق، آیت، ولی در ق انرا در کناره افزوده اند ۲۵- برخی از دستنویس هادرا اینجاسر نویس دارند، ق ۲: فریفتن ابلیس ضحاک را تا پذیرا بشد؛ و: گفتار اندر فریفتن ابلیس ضحاک را ۲۶- ق، و، ل، آ: ساده؛ ل، آ، ب: تنگ؛ متن = ف، ل، ن، ق، آ، پ ۲۷- ل، ن، ق، آ، ل، پ، و، ب: بود؛ ل ۲: بود؛ متن = ف، ل، آ ۲۸- پ: پیماناش ۲۹- ل: چنانک کو؛ ق، آ، ل، پ: چنان کو؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل ۳۰- ل ۲: که او گفت ۳۱- ب: دل و جان و تن هر سه قریب باش کرد



ز تو بشنوم هرچه گویی سخن  
 چه باید همی با تو اندر سرای<sup>۲</sup>  
 یکی پندت از من بیاید شنود  
 همی دیر ماند<sup>۷</sup>، تو اندر نورد  
 ترا زیبد اندر جهان جاه<sup>۱۰</sup> اوی<sup>۹</sup>  
 جهان را تو باشی<sup>۱۲</sup> یکی کدخدای<sup>۱۳</sup>  
 ز خون<sup>۱۶</sup> پدر شد دلش پر ز درد  
 دگرگوی کین ازدر کار نیست<sup>۱۷</sup>  
 بتابی ز سوگند و پیمان ز بن<sup>۱۹</sup>  
 شوی خوار و ماند<sup>۲۰</sup> پدرت<sup>۲۱</sup> ارجمند<sup>۲۲</sup>  
 چنان شد که فرمان او برگزید  
 چه روست راه و<sup>۲۴</sup> بهانه مجوی  
 به خورشید سر بفرزام ترا

یکی بوستان بد گرانمایه جای<sup>۲۸</sup>  
 ز بهر نیایش<sup>۳۰</sup> برآراستی<sup>۳۱</sup>  
 پرستنده با او<sup>۳۲</sup> نبردی<sup>۳۳</sup> چراغ  
 یکی ژرف چاهش<sup>۳۸</sup> بهره بر بکند<sup>۳۹</sup>

که راز تو با کس نگویم ز بن  
 بدو گفت جز تو کسی<sup>۱</sup> کدخدای<sup>۲</sup>  
 چه باید<sup>۴</sup> پدر که ش<sup>۵</sup> پسر چون تو بود  
 ۹۵ زمانه برین<sup>۶</sup> خواجهی سالخورده  
 بگير این سر مایه ور گاه<sup>۸</sup> اوی<sup>۹</sup>  
 گرین گفتهی من تو آری بجای<sup>۱۱</sup>  
 چو ضحاک بشنید<sup>۱۴</sup> و<sup>۱۵</sup> اندیشه کرد  
 به ابلیس گفت: این سزاوار نیست  
 ۱۰۰ بدو گفت اگر<sup>۱۸</sup> بگذری زین سخن  
 بماند به گردنت سوگند و بند  
 سر مرد تازی به دام آورید  
 پیرسید کین چاره<sup>۲۳</sup> با من بگوی  
 بدو گفت من<sup>۲۵</sup> چاره سازم ترا

۱۰۵ مران<sup>۲۶</sup> پادشا<sup>۲۷</sup> را در اندر سرای  
 گرانمایه شبگیر برخاستی<sup>۲۹</sup>  
 سر و تن بشستی نهفته به باغ  
 برآورد<sup>۳۴</sup> وارونه<sup>۳۵</sup> ابلیس بند<sup>۳۶</sup>

۱- ل، ق، آ؛ یکی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲- لن، ق، آ، لی، پ؛ در سرای؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳- ل: نمی بینم...؟ با تو اندر سرای؛ لن، ق، آ، لی، پ؛ چرا باید ای نامور کدخدای؛ متن = ف، ق، و، آ، ل، آ، ب ۴- ق: نباید ۵- لن، ق، آ، لی، پ، و، ب؛ چون؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل ۶- ق، آ، لی؛ بدین؛ ب؛ بران؛ متن = هفت دستویس دیگر ۷- ق: دیر باید؛ لی؛ دیر ماند و ۸- ل، ق: سرمایه و رجاه؛ پ؛ سرمایه درگاه؛ و؛ سرمایه و گاه؛ ل؛ آ؛ سرمایه و گاه؛ متن = ف، لن، ق، آ، لی، آ، ب ۹- ل، لن، ق، لی، ل، آ، ب؛ او؛ آ؛ را؛ متن = ف، ق، آ، پ، و ۱۰- ل، ق: گاه؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۱- ل- ب؛ برین (لی؛ بدین) گفته من چو داری (پ؛ خود آری) وفا؛ متن = ف ۱۲- ل، ل، آ؛ جهاندار باشی؛ ق: جهاندار گردی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۳- ل- ب؛ پادشا؛ متن = ف ۱۴- لی، ل، آ؛ چو بشنید ضحاک ۱۵- لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ؛ < و >؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب ۱۶- ل- آ؛ زجان ۱۷- ف پس از این بیت افزوده است:

بخون پدر چون کنم دست پیش جدا چون شوم خیره از دین و کیش  
 چو از من پیرسد بروز شمار چه گویم بیزدان پروردگار

۱۸- ل، ق، لی، و؛ گر؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۹- ل، لن، و، ل، آ؛ پیمان من؛ ق، ق، آ، لی، پ، آ، ب؛ بتابی زمینان و سوگند من (ق: بن)؛ متن = ف ۲۰- و، ل، آ؛ ب؛ شوی خوارمایه؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۱- ل، لی، و، ل، آ؛ پدر؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، آ، ب ۲۲- ق، آ؛ انجمن (بیاوند ندارد)؛ ق: شوی خوار و یابی همی نوگزند ۲۳- ل- آ؛ ساز ۲۴- آ، ب؛ < و >؛ ل- و؛ چه روست این را؛ ل، آ؛ چه روست رایو (= رای و)؛ متن = ف ۲۵- و؛ بگفتش که من؛ ل، آ؛ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، ب پس از این بیت افزوده اند:

تو در کار خاموش می باش و بس نباید مرا یاری از هیچ کس  
 چنان چون بیاید بسازم تمام تو تیغ سخن برمکش از نیام

این بیت هادر ف، ل، ق، آ، ل نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۲۶- ق: کی ۲۷- لی؛ پارسا ۲۸- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب؛ بود بس دلگشای؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۲۹- ل- آ؛ برخواستی ۳۰- ل- ل- آ؛ پرستش؛ متن = ف، ب ۳۱- ل- ل- آ؛ بیاراستی؛ متن = ف، ب (و نیز ل) ۳۲- ق: باوی ۳۳- ف، ل، لن، ق، آ، پ، و؛ بریدی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، لن، آ)؛ بریدی؛ متن = لی ۳۴- ل: بیاورد؛ لن، ق، آ، پ، و؛ بر آن راه؛ لی؛ بدان راه؛ آ؛ فرمان؛ ل، آ؛ مران راه؛ متن = ف، ب ۳۵- لی، آ، ب؛ ابلیس؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۶- لن- و، ل، آ؛ دیو نژند؛ آ، ب؛ وارونه پند؛ متن = ف، ل ۳۷- ب؛ که تا ۳۸- ل- ب؛ چاهی؛ متن = ف ۳۹- لن؛ فکند؛ در لن، ق، آ، پ، و، ب پس از این بیت ۱۱۲ آمده است

شب آمد سوی باغ بنهاد روی  
یکایک<sup>۱</sup> نگون شد سر بخت<sup>۲</sup> شاه<sup>۳</sup>  
شد آن نیک دل مرد یزدان پرست  
به خاک اندراگند و<sup>۴</sup> بسپرد<sup>۵</sup> راه

به فرزندبر نازده<sup>۱</sup> باد سرد  
بدو بود شاد و بدو داد<sup>۱۱</sup> گنج  
نجست از ره شرم<sup>۱۲</sup> پیوند اوی<sup>۱۳</sup>  
ز دانا شنیدستم<sup>۱۴</sup> این داستان<sup>۱۵</sup>  
به خون پدر هم نباشد دلیر<sup>۱۶</sup>  
پژوهنده را راز با مادرست

بدین چاره بگرفت گاه<sup>۲۴</sup> پدر  
بریشان<sup>۲۵</sup> بیخشید<sup>۲۶</sup> سود و زیان

یکی پند<sup>۲۹</sup> بد<sup>۳۰</sup> را نو<sup>۳۱</sup> افگند بُن  
ز گیتی همه کام دل یافتی  
نیچی ز گفتار<sup>۳۲</sup> و پیمان<sup>۳۵</sup> کنی  
دد و مردم و<sup>۳۷</sup> مرغ و ماهی تراست

یکی چاره کرد از شگفتان شگفت<sup>۳۹</sup>

سر تازیان مهتر<sup>۱</sup> نامجوی  
۱۱۰ چو آمد بنزدیک آن ژرف چاه  
به چاه اندرافتاد و بشکست پست<sup>۵</sup>  
پس ابلیس وارونه آن<sup>۶</sup> ژرف چاه

بهر نیک و بد شاه آزادمرد  
همی پروریدش به ناز و به رنج  
۱۱۵ چنان بدگهر<sup>۱۲</sup> شوخ فرزند اوی<sup>۱۳</sup>  
به خون پدر گشت همداستان<sup>۱۵</sup>  
که فرزند بد<sup>۱۸</sup> گر شود<sup>۱۹</sup> نزه شیر  
مگر در<sup>۲۱</sup> نهانش<sup>۲۲</sup> سخن دیگرست

سُبک مایه<sup>۲۳</sup> ضحاک بیدادگر  
۱۲۰ به سر برنهاد افسر تازیان

چو ابلیس پیوسته دید<sup>۲۷</sup> آن<sup>۲۸</sup> سخن  
بدو گفت گر<sup>۳۲</sup> سوی من تافتی  
اگر همچنین نیز فرمان<sup>۳۳</sup> کنی  
جهان سر بر پادشاهی تراست<sup>۳۴</sup>

۱۲۵ چو این کرده<sup>۳۸</sup> شد ساز دیگر گرفت

۱- ف، لن، ق، ل، ی، ب: نامور؛ متن = ل، ق، و، آ، ل؛ پ این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در میان ستون ها افزوده است؛ س پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۲- و، ل؛ بچه در؛ متن = ف- ل، ی، ب ۳- ف: همه بخت؛ ل، ی: سر و بخت؛ لن، و، ل؛ سر تخت؛ متن = س، ق، ق، ل، ب ۴- آ: بخاک اندر افکند و بستد راه (آ ۱۱۰ و ۱۱۲ و آرا انداخته و از ۱۱۰ و ۱۱۲ یک بیت ساخته است)؛ پ این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در میان ستون ها افزوده است ۵- ل: گردن شکست؛ و: بشکست پست (پس او را ندارد)؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر ۶- ق: تنگ؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۷- ب: وارون سر ۸- لن، ق، و، ب: به خاشاک پوشید و؛ ق، آ: بخاک اندر افکند و؛ ل: بخاکش پوشید و؛ پ: بخاشاک برگرفت و؛ متن = ف، ل ۹- ف: نبرد؛ ل، و: سپرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن، ق، آ: بیشتر؛ پ: آمد به؛ متن = ق، ل، ی، ب؛ پ ل ت دوم این بیت را در میان ستون ها افزوده است؛ س، ل این بیت را ندارد؛ ۹۲۱ و ۹۲۳ را انداخته و از ۹۲ و ۹۳ یک بیت ساخته است؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در لن، ق، ل، ی، ب: خواست؛ س: بدو داد تیغ و بدو داد؛ ل: ازو بود شادان بهره گنج؛ متن = ف، ل، ی، و، آ، ب ۱۲- س، لن، ق، ل، ی، ب، و: چنان بدکنش؛ ق، ب: چنان بد (ب: شد) که آن؛ ل: چنان برد کان؛ متن = ف، ل، آ ۱۳- ل، س، آ، ل، ب: او؛ متن = ف، لن، ق، ل، ی، ب، و ۱۴- ل: بگشت از ره داد و؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۵- ق: هم باستان (!) ۱۶- ل، ق، آ: شنیدم من؛ ب: شنیدیم؛ متن = ف، س، لن، ق، ل، ی، ب، و (و نیز ل، لن) ۱۷- ل: شنیدستم از زمره راستان ۱۸- لن: ما؛ ق: را؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۹- س، لن، ق، ل، ی، ب، و؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۰- ل: نباشید سیر (!) ۲۱- آ: و گرد؛ ل: که اندر ۲۲- س، لن، ق، ل، ی، ب، و؛ متن = نهانی؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل ۲۳- ل، آ: ستمکاره؛ س، لن، ق، ل، ی، ب: فرومایه؛ متن = ف، ق، ل، ی، و، ل ۲۴- ل، ق، و، آ، ب: جای؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ و پس از این بیت سرنویس دارد، ولی جای آن در اینجا نیست: پادشاهی ضحاک تازی هزار سال بود ۲۵- ل: بهر کس ۲۶- س، لن، ق، ل، ی، ب، و؛ ب: بیخود؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل ۲۷- آ: گفت ۲۸- ق، ل، ی، ب، و، ل؛ این؛ متن = ف- ق، آ، ب ۲۹- پ، آ، ب: بند (حرف یکم سه نقطه دارد) ۳۰- س، لن، ق، آ، ل؛ نو؛ ل، ی، ب، و؛ دیگر؛ متن = ف، ل، ق، ل، ی، ب، و، ل؛ آ: بد ۳۱- آ: بد ۳۲- س، لن، ق، ل، ی، ب، و؛ ل؛ ب: چون؛ آ: اگر؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب، و؛ پیمان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۳- ل، ق، ل، ی، ب، و؛ فرمان؛ ق: پیمان؛ متن = ف، ل، ی، ب، و، آ، ل ۳۴- ل، ق، ل، ی، ب، و؛ فرمان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۵- ل، ق، ل، ی، ب، و؛ فرمان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۶- س: جهانی سراسر بشاهی تراست؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۷- ق، آ، ب: دد و دام ابا (پ: با) ۳۸- س- پ، ب: گفته؛ متن = ف، ل، و، آ، ل ۳۹- ل، ق، و، آ: شگفتی شگفت؛ س، لن، ق، ل، ی، ب، و؛ دگرگونه چاره گزید ای (پ: از؛ ب: او) شگفت؛ ق: دگرگونه بر چاره برگرفت؛ متن = ف

سُخْنُ گوی<sup>۱</sup> و بینادل و پاك تن<sup>۲</sup>  
 نبودش جز از<sup>۳</sup> آفرین گفت و گوی  
 یکی نامور پاك<sup>۴</sup> خوالیگرم<sup>۵</sup>  
 ز بهر خورش جایگه<sup>۶</sup> ساختنش  
 بدو داد<sup>۷</sup> دستور فرمانروا  
 که کمتر بُد از کُشتنی ها<sup>۸</sup> خورش  
 خورشگر بیاورد<sup>۹</sup> يك يك بجای  
 بدان تا کند پادشا<sup>۱۰</sup> را دلیر  
 به فرمان او دل<sup>۱۱</sup> گروگان کند  
 بدان داشتش يك زمان<sup>۱۲</sup> تندرست  
 مژده<sup>۱۳</sup> یافت و خواندش ورا<sup>۱۴</sup> نیکبخت  
 که جاوید زی شاد و<sup>۱۵</sup> گردن فراز  
 کزو آیدت سربسر<sup>۱۶</sup> پرورش  
 که فردا ز خوردن چه سازم<sup>۱۷</sup> شگفت

برآورد<sup>۱۸</sup> و بنمود یاقوت زرد  
 بسازید و آمد دلی پر امید  
 سر کم خرد مهر<sup>۱۹</sup> او را سپرد  
 بیاراست خوان از خورش یکسره<sup>۲۰</sup>  
 خورش کرد<sup>۲۱</sup> از پشت گاو جوان

جوانی برآراست از خوشتن  
 همیدون به ضحاک بنهاد<sup>۲۲</sup> روی  
 بدو گفت اگر شاه را درخورم  
 چو بشنید ضحاک بنواختش  
 ۱۳۰ کلید خورش خانه<sup>۲۳</sup> پادشا  
 فراوان نبود آن زمان پرورش  
 ز هر گوشت از<sup>۲۴</sup> مرغ و از<sup>۲۵</sup> چارپای  
 به خورش<sup>۲۶</sup> پرورد برسان<sup>۲۷</sup> شیر  
 سُخْن هرچه گویدش<sup>۲۸</sup> فرمان کند  
 ۱۳۵ خورش زردهی خایه<sup>۲۹</sup> دادش نُخست  
 بخورد و برو<sup>۳۰</sup> آفرین کرد<sup>۳۱</sup> سخت  
 چُنین<sup>۳۲</sup> گفت ابلیس نیرنگ ساز  
 که فردات زان گونه<sup>۳۳</sup> سازم<sup>۳۴</sup> خورش  
 برفت و همه شب سگالش گرفت

۱۴۰ دگر روز چون گنبد لاژورد<sup>۳۵</sup>  
 خورش های كك<sup>۳۶</sup> و تدر و سپید<sup>۳۷</sup>  
 شه<sup>۳۸</sup> تازیان چون به خوان<sup>۳۹</sup> دست برد  
 سدیگر به مرغ و کباب<sup>۴۰</sup> بره  
 به روز چهارم چو<sup>۴۱</sup> بنهاد<sup>۴۲</sup> خوان

۱- پ: سخن گو ۲- ل، ق: رای زن؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر داستان ضحاک با ابلیس و رفتن ابلیس بخوانگری او و پدید آوردن خوردنی ها نیکو اندر جهان ۳- و، ل: بنمود ۴- ل، ق: بجز؛ متن= ده دستنویس دیگر ۵- ق: نغز؛ لی، و، ل: مرد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۶- لن: خالیگرم؛ ا، ل: خالی گرم ۷- ل، ق: پایگه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۸- س، لن، ق: در خانه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- ق، و: بیاورد؛ ل: بیاورد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- ل، و، ل: ب: خوردنی ها؛ متن= ف، ا، ۱۱- ل، ا: وز؛ س: واز؛ ق: مهر؛ لی، پ: زهرگیزه از؛ متن= ف، لن، ق، و، ب ۱۲- ف، ل، ا: وز؛ ل: زمرغان بکشت و بس از؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۳- س، لن، ق: خورش کرد و آورد؛ متن= ف، ل، ق، ل، ا، ب ۱۴- س، لن، ق، ا، پ: بشیرش؛ ل: بخانش (!)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- ق: بسان (وزن نادرست است) ۱۶- ق: پادشه ۱۷- ق: گویند ۱۸- و: بفرمان دل او را ۱۹- لی: زرده خاک؛ ا: خورده خایه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- س، لن، ق، ا، پ، آ، ب: چنگه؛ و: تازه؛ لی: بدان تا شرد چنگه؛ متن= ف، ل، ق، ل، ا: ۲۱- لی: خواندش ورا؛ س، ق: یافت از او (ق: زور) خواندش؛ لن: یافتی خواندشی؛ پ، آ: یافت زان خوردنش؛ و، ب: یافت زان خواندش؛ ل: یافت زومهر؛ متن= ف، ق ۲۲- لی: بدو؛ ل: چونین ۲۳- ل: که شادان زی ای شاه؛ س، لن، ق، ا، لی، پ، آ، ب: که جاوید بادی و؛ متن= ف ۲۴- ل، لن، ق، ا، لی، آ، ب: ازان گونه؛ ل: زانسان؛ متن= ف، ق، پ، و ۲۵- ل: بیازم ۲۶- ل، ق، لی، ب: باشدش (لن: باشدش) سربسر؛ ق: سربسراشدت؛ متن= ف ۲۷- ل، ق، و، ب: سازد؛ لن، ق، ا، لی، پ، ل: که فردا چه سازد (پ: سازم) ز خوردن (ق: ز خورد؛ لی: بخوردن؛ ل: ز خوردی)؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= ف، ا ۲۸- ف، س، ق، ا، لی، پ، ل، ا، ب: لاجورد؛ متن= و؛ ل، ق، آ این بیت را ندانند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ در لن این لت پاك شده است ۲۹- پ: برآورد ۳۰- ل، ب: خورش ها ز كك؛ متن= ف (و نیز ل، لن) ۳۱- و: سفید؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است ۳۲- و: سر؛ در لن این لت پاك شده است ۳۳- ل، ق: بنان؛ س، ق: بخان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۴- ل، س، ق، ا، ل: مهتر؛ متن= ف، لن، لی، پ، و، ب ۳۵- ل، ق، آ، ب: کباب و؛ س، لی، و، پ: سیوم (س، پ: سوم) روز خوان را (لی: خانرا) بمرغ (س: زمرغ و)؛ لن: سیوم روز چون بود مرغ و؛ ق: سوم روز خوردن زمرغ و؛ ل: سه دیگر زمرغ و کباب و؛ متن= ف ۳۶- س، ق، ا، لی، پ، و: بیاراستش گونه گون یکسره؛ ق: بیاراست خوان خورش یکسره؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= ف، ل، ا، ل، ا، ب ۳۷- و، ل، ا: که؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۸- ق، ا، ل: بنمود ۳۹- ل، س، ق، لی، پ، ب: ساخت؛ لن، و، ل: دادش؛ ق: خواست؛ ا: کردش؛ متن= ف

- ۱۴۵ بدوی<sup>۱</sup> اندرون زعفران و<sup>۲</sup> گلاب  
 چو ضحاک دست اندرآورد و خورد  
 بدو گفت بنگر که تا<sup>۵</sup> آرزوی  
 خورشگر بدو گفت کای<sup>۷</sup> پادشا  
 مرا دل سراسر پر از مهر تُست<sup>۸</sup>  
 یکی حاجتستم به پیروز<sup>۱۱</sup> شاه  
 که فرمان دهد تا سر<sup>۱۳</sup> کتف اوی<sup>۱۴</sup>  
 چو ضحاک بشنید گفتار اوی<sup>۱۷</sup>  
 بدو گفت دادم من<sup>۱۸</sup> این کام تو  
 بفرمود تا دیو چون جفت<sup>۲۰</sup> اوی<sup>۲۱</sup>  
 بیوسید و<sup>۲۳</sup> شد در زمین<sup>۲۴</sup> ناپدید  
 دو مار سیاه<sup>۲۷</sup> از دو کتفش برُست  
 سرانجام بیرید هر دو ز کتف<sup>۲۹</sup>  
 چو شاخ درخت آن دو مار سیاه  
 بزشکان<sup>۳۲</sup> فرزانه گرد آمدند  
 ز هر گونه نیرنگ ها ساختند  
 بسان بزشکی پس ابلیس تفت<sup>۳۴</sup>  
 بدو گفت کین<sup>۳۷</sup> بودنی کار بود  
 خورش ساز و آرامشان ده به خورد<sup>۴۰</sup>  
 بجز مغز مردم مدهشان خورش
- همان سالخورده می و<sup>۲</sup> مشک ناب  
 شگفت آمدش زان<sup>۴</sup> هشیوار مرد  
 چه خواهی، بخواه از من<sup>۶</sup> ای نیکخوی  
 همیشه بزی شاد و فرمانروا  
 همه توشه‌ی جانم از چهر تُست<sup>۸</sup>  
 وگر<sup>۱۱</sup> چه مرا نیست این<sup>۱۲</sup> پایگاه  
 بیوسم، بمالم برو<sup>۱۵</sup> چشم و روی<sup>۱۶</sup>  
 نهانی ندانست بازار اوی<sup>۱۷</sup>  
 بلندی گرد زین مگر<sup>۱۹</sup> نام تو  
 همی بوسه داد از بر سُفت<sup>۲۲</sup> اوی<sup>۲۱</sup>  
 کس اندر<sup>۲۵</sup> جهان این<sup>۲۶</sup> شگفتی ندید  
 غمی<sup>۲۸</sup> گشت و از هر سوی چاره جست  
 سزد گر بمانی بدین<sup>۳۰</sup> در شگفت  
 برآمد دگرباره از کتف<sup>۳۱</sup> شاه  
 همه يك بيك<sup>۳۳</sup> داستان ها زدند  
 مران درد را چاره نشناختند  
 به فرزانیگی نزد<sup>۳۵</sup> ضحاک رفت<sup>۳۴</sup>  
 بمان تا چه گردد<sup>۳۸</sup>، نباید درود<sup>۳۹</sup>  
 نباید<sup>۴۱</sup> جزین چاره‌ی نیز کرد<sup>۴۲</sup>  
 مگر خود بمیرند ازین<sup>۴۳</sup> پرورش

۱- ل- ب: بدو؛ متن= ف ۲- لی: زعفرانی ۳- پ: < و ۴- ق: از ۵- ل، ق، ق، پ، آ: از؛ متن= هفت دستویس دیگر ۶- ل، ق: چه خواهی بگو با من؛ س، لن، پ، آ: چه خواهی بگویی از من؛ ق: چه خواهی زمین بنگر؛ ل: چه باید بخواه از من؛ ب: چه می‌خواهی از من تو؛ متن= ف، لی، و (و نیز ل، لن) ۷- پ: ای ۸- ق: سراسر دلمن (= دل من) پر از مهر تست؛ ب: مرا چشم روشن ازین چهرتست؛ متن= ده دستویس دیگر ۹- ب: همان توشه‌ی جانم از مهرت ۱۰- ل- پ، آ: نزدیک؛ ل: زیروز؛ ب: بفرخنده؛ متن= ف، و (و نیز ل، لن) ۱۱- لی: اگر ۱۲- ق، پ: آن ۱۳- پ: شاه تا ۱۴- لی، ل: او ۱۵- ل، ق، و، ل: بیوسم بدو (و، ل: برو) برنهم؛ لی: بیوسم بمالم بدو؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۶- ل: چشم روی؛ لی، ل: چشم و رو ۱۷- ل، س، لی: او؛ ف، ق: این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ در ل پس از این بیت بیت ۱۴۹ دوباره آمده است ۱۸- ل: من دادم ۱۹- ل، ق، و، آ: بلندی بگیرد (ل: نگیرد؛ و: بگیرد) ازین (و: مگر)؛ لی: بلندی کند زین مگر؛ ل: بلندی فزاید بدین؛ ب: بلندی پذیرد ازین؛ متن= ف، س، لن، ق، پ ۲۰- ف: برکت؛ و: برسفت؛ آ، ب: شد جفت؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۱- ل، س، ق، ق، لی، آ، ل، ب: او؛ متن= ف، لن، پ، و ۲۲- ق: کتف (پساوند درست نیست)؛ و: کتف؛ لی: بیوسید هر دو سرکت؛ متن= نه دستویس دیگر؛ آ پس از این بیت افزوده است:

چنان کارزو کرد دادش بدوی بیوسید و مالید رخ را بدوی  
 ۲۳- س، ق، لی، پ، و، ب: چو بوسید؛ لن: چو بوسید و؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل ۲۴- ف: از جهان؛ ل: بر زمین؛ ق: در جهان؛ و، ل، ب: در زمان؛ متن= س، لن، ق، لی، پ، آ (و نیز ل، س) ۲۵- ل: کسی در ۲۶- ل، ق، آ: آن ۲۷- ل، لن، ق، ق، پ، و، آ، ل: ب؛ متن= ف، س، لی، ب ۲۸- لی، پ، آ: همی؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۹- ق، پ، آ: کتف (در ق پساوند درست نیست)؛ ب این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۰- س، آ، ل: ازین؛ لی: بدو؛ پ: ازو؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۱- و: کتف؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن= ده دستویس دیگر ۳۲- لن: بزرگانه (= بزرگان) ۳۳- لن: همه هر کسی؛ ق: همی هر کسی؛ پ: همی هر زمان؛ ب این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۴- ل، لن، ق: کتف؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۵- و، ل: پیش ۳۶- لن: زفت؛ لی: تفت (پساوند ندارد)؛ متن= ده دستویس دیگر ۳۷- ل: این ۳۸- لن: نگر تا چه گردد؛ ل: بمان تا که باشد؛ ب: بمان تا چه گشتی؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۹- س: چه باید درود؛ ق: نیاید ستود (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن= ده دستویس دیگر ۴۰- ل: درخورد ۴۱- س، لن، ق، لی، پ، ل: شاید؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۴۲- لن: نیز خود چاره کرد؛ و، ل: چاره کارکرد؛ متن= نه دستویس دیگر ۴۳- لی، ل: ازان

- ۱۶۵ سر نره دیوان ازین جست وجوی<sup>۱</sup>  
مگر<sup>۲</sup> تا یکی چاره سازد<sup>۳</sup> نهان<sup>۴</sup>
- چه جست و چه دید اندرین گفت و گوی<sup>۲</sup>  
که پردخت<sup>۵</sup> ماند<sup>۶</sup> ز مردم جهان
- از آن پس برآمد از ایران<sup>۸</sup> خروش  
سپه گشت رخشنده روز سپید  
برو<sup>۱۱</sup> تیره شد فره ایزدی  
پدید آمد از هر سوی خسروی<sup>۱۷۰</sup>
- سپه کرده و جنگ را ساخته  
یکایک بیامد از ایران سپاه<sup>۱۵</sup>  
شنیدند<sup>۱۶</sup> کانجا یکی مهترست  
سواران ایران همه شاه<sup>۱۹</sup> جوی
- به شاهی برو<sup>۲۰</sup> آفرین خواندند<sup>۲۱</sup>  
مران<sup>۲۳</sup> ازدهافش بیامد چو باد  
ز<sup>۲۴</sup> ایران و از<sup>۲۵</sup> تازیان لشکری  
سوی تخت جمشید بنهاد روی
- چو جمشید را بخت شد<sup>۲۸</sup> کندرو  
برفت و بدو داد تخت و کلاه<sup>۱۸۰</sup>  
نهان گشت و گیتی بر او شد<sup>۳۲</sup> سیاه  
چو صد<sup>۳۴</sup> سالش اندر جهان کس ندید
- پدید آمد از هر سوی جنگ و جوش  
گستند پیوند با جمشید<sup>۱</sup>  
به کژی گرایید و نابخردی<sup>۱۲</sup>  
یکی نامجوی<sup>۱۳</sup> به هر<sup>۱۴</sup> پهلوی
- دل از مهر جمشید پرداخته  
سوی تازیان برگرفتند راه  
پر از<sup>۱۷</sup> هول شاه<sup>۱۸</sup> ازدها پیکرست  
نهادند یکسر به ضحاک روی
- ورا شاه ایران زمین<sup>۲۲</sup> خواندند  
به ایران زمین تاج بر سر نهاد  
گزین کرد گردان هر<sup>۲۶</sup> کشوری  
چو انگشتی کرد گیتی بر او<sup>۲۷</sup>
- به تنگ<sup>۲۹</sup> اندر آمد سپهدار<sup>۳۰</sup> نو  
بزرگی و دیهیم و گنج و سپاه<sup>۳۱</sup>  
سپردش به ضحاک تخت و کلاه<sup>۳۳</sup>  
برو نام شاهی و او ناپدید<sup>۳۵</sup>

۱- ل: نگرنا که ابلیس ازین گفت و گوی؛ س، ق، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب: نگر نره دیوان اندرین (ل: اندران) جست و جوی (ق: گفتگوی)؛ لن: نگر نامران دیوان ازین جست و جوی؛ متن = ف، لی، آ ۲- ل: چه کرد و چه خواست اندرین جستجوی؛ ق: چگفت و چه جست اندرین جستجوی؛ و: چه کرد و چه دید اندرین گفت و گوی؛ ل: چه جست و چه دید اندران گفت و گوی؛ آ: چه جست و چه آمد ازین گفت و گوی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: بدان؛ ق: نگر؛ متن = ف، ل، و، آ، ل ۴- س: سازم ۵- ل: آ: ازان ۶- ل، ق: پردخته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- ل، ق، ب: گردد؛ ل: آ: یابد؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، س، لن، ق، آ، پ: تبه (لن: تیره) شدن روزگار (س: کار) جمشید؛ ق: ناسپاس شدن جمشید و تباهی احوال او؛ و: کشته شدن جمشید بر دست ضحاک؛ آ: گفتار اندر کشتن ضحاک پدر را؛ بیداری؛ ذکر هلاک جمشید و انتهای امره ۸- ل، س، لن، ق، ق، آ: زایران؛ لی: زایوان؛ و، ل: از انیس از (ل: وزان پس ز) ایران برآمد؛ ب: وزان پس برآمد زایران؛ متن = ف، پ، آ ۹- ل: < و > ۱۰- ل، ق، و، آ، ل: از جمشید؛ لی: گستند پیوند اهل امید؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ، ب ۱۱- لی: بدو ۱۲- ل: بکرد اندان کار نابخردی ۱۳- پ: نامداری ۱۴- ل، س، لن، لی، پ، و، ب: زهر؛ ق: آ: < هر > (وزن نادرست است)؛ ل: شده نام جویان زهر؛ متن = ف، ق، آ ۱۵- ل، س، لن، ق، آ، و، ل، آ، ب: یکایک از (ل، ل: ز) ایران بیامد (لن، ق، آ، پ، و، ب: برآمد) سپاه؛ ق، آ: یکایک برآمد (آ: بیامد) زایران سپاه؛ متن = ف ۱۶- ل، ق، ق، آ، لی، پ: شنوند؛ س، ل: ستوند؛ متن = ف، لن، و، آ، پ ۱۷- ل: بران؛ لی: بدان ۱۸- ق: هول شه؛ لی: هول او؛ ل: هول و شاه؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۹- ل، ق: راه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- لی: بدو ۲۱- آ: راندند ۲۲- ق، ب: شهریار زمین؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: پادشاهی ضحاک تازی هزار و یکسال ۲۳- س، لن، لی، ل: کی (پ نخست داشته است: که يك)؛ ق: آ: یکی؛ ب: شه؛ متن = ف، ل، ق ۲۴- ل، ق، ق، آ، لی، و، آ، ب: از؛ متن = ف، س، لن، پ، ل، ل، ق: ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- ل، ق: گرد از همه؛ ل: آ: گردان بهر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۷- لی: بدوی؛ ل، ق: این بیت را ندارند، ولی در ق: انرا در کناره افزوده اند ۲۸- ل: آ: چو جمشید شد تخت را ۲۹- پ: بتخت ۳۰- ل، پ، ب: جهاندار؛ متن = ف، و، آ، ل (و نیز ل) ۳۱- در این بیت چنین آمده است:

سپرده بضحاک دیهیم و گاه بزرگی و شاهی و تخت و کلاه

۳۲- ل: فروشد؛ لی: بدوشد؛ ب: شد برو (وزن نادرست است)؛ ف: این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۳- و: بضحاک تازی کلاه ۳۴- ل: شد (→ سد = صد) ۳۵- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: زچشم همه مردمان ناپدید؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل (و نیز ل)؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر گرفتار شدن شاه جمشید در دست ضحاک تازی و یار بریدن او را بولایت چین

۱۸۵ صدم<sup>۱</sup> سال روزی به دریای چین  
 نهان بود چند از بد<sup>۲</sup> آژدها  
 چو ضحاکش آورد ناگه به چنگ  
 به آژده<sup>۳</sup> سراسر<sup>۴</sup> به دو نیم کرد  
 شد آن تخت شاهی<sup>۵</sup> و آن دستگاه  
 ازو<sup>۶</sup> بیش بر تخت شاهی که بود<sup>۷</sup>  
 گذشته برو<sup>۸</sup> سالیان هفتصد  
 ۱۹۰ چه باید<sup>۹</sup> همی زندگانی دراز  
 همی پروراندت با<sup>۱۰</sup> شهد و نوش<sup>۱۱</sup>  
 یکایک چو گویی که گسترد مهر  
 بدو شاد باشی<sup>۱۲</sup> و نازی<sup>۱۳</sup> بدوی<sup>۱۴</sup>  
 یکی نغز بازی برون آورد

پدید آمد آن شاه ناپاک دین<sup>۱</sup>  
 نیامد به فرجام هم زو رها<sup>۲</sup>  
 یکایک ندادش سخن را<sup>۳</sup> درنگ  
 جهان را از او پاک پر بیم کرد<sup>۴</sup>  
 زمانه ربودش چو<sup>۵</sup> بیجاده گاه<sup>۶</sup>  
 بدان<sup>۷</sup> رنج بردن<sup>۸</sup> چه آمدش سود<sup>۹</sup>  
 پدید آوریده همه<sup>۱۰</sup> نیک و بد<sup>۱۱</sup>  
 چو<sup>۱۲</sup> گیتی نخواهد<sup>۱۳</sup> گشادنت راز  
 جز آوای<sup>۱۴</sup> نرمت نیارد<sup>۱۵</sup> به گوش  
 نخواهد<sup>۱۶</sup> نمودن به بد نیز<sup>۱۷</sup> چهر  
 همه<sup>۱۸</sup> راز دل را گشایی<sup>۱۹</sup> بدوی<sup>۲۰</sup> (!)  
 بهدلت اندر از درد<sup>۲۱</sup> خون آورد

۱- ل (و نیز ل)؛ سیم؛ متن = یازده دستتویس دیگر (و نیز لن) ۲- ف؛ پادشاه زمین؛ لی؛ شاه با آفرین؛ متن = ده دستتویس دیگر ۳- ل؛ نهان گشته بود از بد؛ ق؛ نهان گشته از بیم آن؛ لی، ل؛ نهان بود چند از دم؛ متن = هشت دستتویس دیگر ۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب؛ بفرجام هم زو (ق)؛ زوهم) نیامد رها؛ و، آ؛ نیامد (آ) نبودش) بفرجام ازوهم؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ؛ در لن، ق، آ؛ پ، ب؛ این بیت پس از بیت ۱۸۶ آمده است ۵- ل- پ، آ، ل، آ؛ ب؛ زمانی؛ متن = ف، و (و نیز ل، لن، س) ۶- ل، آ، ل؛ بارش؛ س- پ، ب؛ باره؛ متن = ف، و (و نیز لن) ۷- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب؛ مراورا؛ متن = ف، ل، ق، و ۸- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل؛ پاک بی بیم کرد؛ ق، ب؛ پاک و بی بیم کرد؛ متن = ف، و (و نیز لن)؛ در لن، ق، آ، پ پس از این بیت بیت ۱۸۴ آمده است ۹- ف؛ شاهان؛ متن = یازده دستتویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۰- لی؛ ز ۱۱- و؛ ربودش زمانه هم از تخت و گاه ۱۲- و؛ ازان ۱۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل؛ نبود؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۱۴- ل، ق، و؛ بران؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ؛ ب؛ از آن؛ متن = ف (و نیز لن) ۱۵- ف؛ برده؛ متن = یازده دستتویس دیگر ۱۶- ف؛ نیامدش سود؛ لی؛ چه آمد بسود؛ متن = ده دستتویس دیگر؛ و پس از این بیت سرتویس دارد؛ گفتار اندر انجامش روزگار جمشید ۱۷- پ، آ، ل؛ بدو؛ و؛ < برو > (وزن نادرست است)؛ متن = هشت دستتویس دیگر ۱۸- لن، ق، آ؛ بی؛ پ؛ پدید آوریدش بی؛ ب؛ پدید آورنده همه؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل ۱۹- لی؛ که یک روز نهاد بنیاد بد ۲۰- آ؛ ماه ۲۱- س، لن، ق، و، ل، آ؛ ب؛ که؛ متن = ف، ل، ق، آ ۲۲- لی؛ بخواهد ۲۳- لن؛ آبا ۲۴- و؛ پروراند بشهد و بنوش ۲۵- ل- پ، آ، ل، آ؛ ب؛ آواز؛ متن = ف، و ۲۶- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ؛ نیاید؛ آ؛ نیامد؛ متن = ف، ق، و، ل، آ، ب ۲۷- لی؛ بخواهد؛ لن، ق، آ؛ بخواهد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = نه دستتویس دیگر ۲۸- لن، ق، آ، لی، ل؛ بتدبیر؛ متن = هشت دستتویس دیگر ۲۹- ف؛ بدو شادمان شی (!)؛ س، ق، آ؛ بدان شاد باشی؛ لی؛ برو شاد باشی؛ متن = هشت دستتویس دیگر ۳۰- س، لن، ق، آ؛ شادان؛ لی، ب؛ شادی؛ متن = هفت دستتویس دیگر ۳۱- لی؛ بدو ۳۲- ل، ق؛ همان؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ؛ ب ۳۳- س، لن، ق، آ، ل؛ دل برگشایی؛ لی، ب؛ دل برگشادی؛ پ؛ دل بر بسازی؛ متن = ف، ل، ق (پساوند ندارند) ۳۴- ف، س، ق، آ؛ بروی؛ و (و نیز ل، لن)؛ بیفزایدت سرفرازی بدوی؛ در ف ل ت های این بیت پس ویش شده اند ۳۵- ل، ل، آ؛ بدلت اندرون درد و (ل)؛ < و >؛ متن = ده دستتویس دیگر؛ س، لن، ق، آ، لی، و، ل، آ؛ ب پس از این بیت افزوده اند:

دلم سیر (لی؛ شی) شد زمین سرای سپنج  
 خدایا مرا زود برهان ز رنج  
 ق، و؛ کز آغاز گنجت و فرجام رنج

این بیت در ف، ل، پ، آ نیست

ضخاک





## پادشاهی ضحاک تازی هزار سال بود<sup>۱</sup>

چو ضحاک بر تخت شد<sup>۲</sup> شهریار  
 سراسر زمانه بدو گشت باز  
 نهان گشت کردار<sup>۳</sup> فرزندگان  
 هنر خوار<sup>۴</sup> شد، جادویی ارجمند  
 ۵ شده بر بدی دست دیوان دراز  
 دو پاکیزه از خانه‌ی جمشید<sup>۱۲</sup>  
 که جمشید را هر دو خواهر<sup>۱۳</sup> بُدند  
 ز پوشیده‌رویان یکی شهرناز<sup>۱۴</sup>  
 به ایوان ضحاک بردندشان<sup>۱۷</sup>  
 ۱۰ پیروردشان از ره جادویی<sup>۱۹</sup>  
 ندانست خود جز بد آموختن<sup>۲۲</sup>

چنان بد<sup>۲۴</sup> که هر شب دو مرد جوان  
 چه کهنتر، چه از تخم‌های پهلوان

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی ضحاک تازی يك هزار سال و یازده ماه و هفت ماه (!) بود و آیین‌ها بدو آورد؛ ل: پادشاهی ضحاک تازی هزار و يك سال؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ا: پادشاهی ضحاک هزار سال بود؛ ل<sup>۲</sup>: پادشاهی ضحاک هزار سال کم (ل: کمتر) يك روز بود؛ ب: پادشاهی ضحاک هزار سال؛ متن = ق، و؛ لی از بیت ۳۶۷ تا ۴۶۰ و ل<sup>۲</sup> از بیت ۴۶۵ تا ۴۹۹ را انداخته‌اند ۲- ل، ق، ا: چو ضحاک شد بر جهان؛ متن = نه دستویس دیگر ۳- آ: برو انجمن سالیان ۴- لی: بدین ۵- ل، لن: روزگار ۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: آیین؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و، ل<sup>۲</sup> ۷- لن، ق، آ: کار؛ و: نام؛ متن = هفت دستویس دیگر ۸- لن: چنین خار (!) ۹- و (و نیز ل، آ، لن): دانش و ۱۰- س، لن، ق، آ، لی، پ: ز؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، آ، ب ۱۱- ل، ق: نرفتی؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۱۲- لی: جام شید؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است ۱۳- ل، س، ق، آ، پ، و، ب (و نیز ل، آ، لن): دختر؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن = ف، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup> ۱۴- ف: ارنواز؛ ل: شهنواز؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۱۵- س، ق، آ، لی، پ: دگر ماه رخ را؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۶- ف: نکو شهنواز؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۱۷- در لن این لت پاك شده است ۱۸- ل: بران ۱۹- س، ق، آ، لی، پ: بدخویی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۰- ف، س، ق، آ، لی، پ، ب: بیامختشان؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = ل، ق، و، آ، ل<sup>۲</sup> ۲۱- س، ق، آ، لی، پ: جادویی؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ لی پس از این بیت افزوده است:

بدین بود بنیاد ضحاک شوم جهان شد مرورا چو يك مهره موم  
 ۲۲- و: ندانست جز کژی آموختن؛ در ل واژه دوم این لت ناخواناست؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۳- و: جز از غارت و کشتن و ۲۴- ف، لی، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل): شد؛ متن = هشت دستویس دیگر

همی<sup>۲</sup> ساختی راه<sup>۳</sup> درمان اوی<sup>۱</sup>  
مران آژدها را<sup>۵</sup> خورش ساختی

دو مرد گرانمایه<sup>۷</sup> پارسا  
دگر<sup>۱</sup> نام گرمایل<sup>۱۱</sup> پیش بین  
سخن رفت هرگونه از بیش و کم<sup>۱۲</sup>  
وزان رسم های بد اندر خورش  
بباید بر شاه رفت، آوری<sup>۱۵</sup>  
ز هر گونه اندیشه انداختن<sup>۱۷</sup>  
یکی را توان آوردن<sup>۱۹</sup> برون

خورش خود بی اندازه بشناختند<sup>۲۱</sup>  
گرفت این<sup>۲۲</sup> دو بیدار خرم<sup>۲۳</sup> نهان<sup>۲۴</sup>  
ز<sup>۲۷</sup> شیرین روان اندر آویختن<sup>۲۸</sup>  
گرفته دو مرد جوان را کشان  
ز بالا بروی<sup>۲۴</sup> اندر انداختند  
پر از خون دو دیده، پر از کینه سر<sup>۲۵</sup>  
ز کردار<sup>۲۷</sup> بیداد شاه زمین  
جزین<sup>۲۸</sup> چاره‌یی نیز نشناختند  
بیامیخت<sup>۲۹</sup> با مغز آن ارجمند  
نگر تا بداری<sup>۳۰</sup> سر اندر نهفت

خورشگر بپردی به ایوان اوی<sup>۱</sup>  
بگشتی و مغزش پرداختی<sup>۲</sup>

۱۵ دو پاکیزه از کشور<sup>۶</sup> پادشا  
یکی نامش<sup>۸</sup> ارمایل<sup>۹</sup> پاکدین  
چنان بُد که بودند روزی بهم  
ز بیدادگر<sup>۱۳</sup> شاه و از<sup>۱۴</sup> لشکرش  
یکی گفت ما را به خوالیگری  
۲۰ وزان پس یکی چاره‌یی ساختن<sup>۱۴</sup>  
مگر زین دو تن را که ریزند<sup>۱۸</sup> خون

برفتند و<sup>۲۰</sup> خوالیگری ساختند  
خورش خانه‌ی پادشاه جهان  
چو آمد<sup>۲۵</sup> بنزدیک<sup>۲۶</sup> خون ریختن  
۲۵ از آن<sup>۲۹</sup> روزبانان<sup>۳۰</sup> مردم کشان<sup>۳۱</sup>  
زنان<sup>۳۲</sup> پیش خوالیگران<sup>۳۳</sup> تاختند  
پر از درد خوالیگران را جگر  
همی بنگرید این بدان، آن بدین<sup>۳۴</sup>  
از آن دو یکی را پرداختند  
۳۰ برون کرد مغز سر گوسفند  
یکی را بجان داد زنهار و گفت

۱- ل، س، لن، ق، لی، پ، آل، ب: شاه؛ متن = ف، ق، و ۲- س، و: ازان؛ لن: وزان؛ ق، پ: وزو؛ ل، ب: ازو؛ متن = ف، ل، ق، لی، آ ۳- س: نیک؛ درل، ق، آ: این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۴- س، لن، ق، لی، ل، آ: برون آختی؛ متن = هشت دستنویس دیگر (پ نخست برون آختی داشته است) ۵- آ: مارها؛ درل، ق، آ: این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۶- س، لن، ق، لی، ب: گوهر؛ آ: تخمه؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ل ۷- ل: گرانمایه و ۸- ل، س، لن، ق، لی، و: نام؛ متن = ف، ق، پ، آل، ب ۹- ل: ارمانک؛ لی: اربابیل؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- لی: دوم ۱۱- ل: کرمانک؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- در آ این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۱۳- لن: ز بیداد آن؛ ق، لی: ز بیدادی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۴- ل، س، ق، لی، پ، و، آ: ز؛ در آ این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- لی: بادآوری (!)؛ و: رفت ازری (!)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- لی: ساختند ۱۷- لی: پرداختند ۱۸- آ: را بریزند ۱۹- ف: توان آوردن یکی را؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۲۰- و: <و>؛ آ: گرفتند و ۲۱- لن: بر ساختند؛ لی: پرداختند؛ ل، س، ق، و: خورش ها (س، و: خورش را) بی اندازه بشناختند (ل: بشناختند)؛ آ: خورش دادن بار نشناختند؛ ل: خورش های اندازه بشناختند؛ ب: خورش خوردن اندازه بشناختند؛ متن = ف، ق، پ ۲۲- س، لن، ق، لی، پ، و، ب: ان؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲۳- ل، ق: بیدار دل در؛ س: بیداد خرم؛ لن، و: بیدار فرخ؛ متن = ف، ق، لی، پ، ل، ب ۲۴- لی: روان؛ آ: گرفتند بیدار دل هر دو ان ۲۵- لی، آ: آمدش ۲۶- ل- ق، آ، پ، و، ل، ب: بهنگام؛ لی، آ: هنگام؛ متن = ف ۲۷- ل: <ز> (وزن نادرست است)؛ و: به ۲۸- آ: اندر آویختند (بیاوند ندارد) ۲۹- آ: <ان> (وزن نادرست است) ۳۰- ف: روزبانان (!)؛ س، لن، پ، و: روزبانان؛ و: متن = هفت دستنویس دیگر ۳۱- س: لشکرکشان ۳۲- ق: دنان؛ لی (و نیز ل، لن، آ): دمان؛ ب ناخواناست؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۳- و: خوالیگرش ۳۴- و: برو ۳۵- ق، آ این بیت را ندارد ۳۶- لن: این بران ان برین ۳۷- ف، ب: ز کردارو؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۸- ف، ل، آ، ب: جز ان؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ آ پس از این بیت افزوده اند:

همی خورده‌رکس دریغی (آ: دریغ و) دراز ز بهر جوانان گردنفرار  
۳۹- س، لن، ق، لی، پ، و، ب: برامیخت؛ متن = ف، ل، ق، آل، ۴۰- ف- لن، ق، لی، پ، آل، آ: نیازی؛ ب: نیازی؛ متن = ق، و

ترا از جهان کوه و دشتست<sup>۳</sup> بهر  
خورش ساختند<sup>۵</sup> از پی آژدها<sup>۴</sup>  
ازیشان همی یافتندی<sup>۹</sup> روان  
بران سان<sup>۱۱</sup> که نشناختندی که کیست  
سپردی<sup>۱۴</sup> و صحرا نهادیش<sup>۱۵</sup> پیش  
کز آباد<sup>۱۶</sup> ناید به دل برش یاد<sup>۱۷</sup>

چنان بُد که چون می بدیش<sup>۲۰</sup> آرزوی<sup>۲۱</sup>  
بکشتی که<sup>۲۲</sup> با دیو<sup>۲۳</sup> برخاستی<sup>۲۴</sup>  
به پرده نَدرون پاک<sup>۲۷</sup> بی گفت و گوی  
نه رسم کی بُد<sup>۲۹</sup> نه آیین کیش<sup>۳۰</sup>

نگر تا نباشی<sup>۱</sup> به آباد شهر  
بجای سرش زان سر بی بها  
ازین گونه<sup>۷</sup> هر ماهیان<sup>۸</sup> سی جوان  
چو گرد آمدی مرد<sup>۱۰</sup> ازیشان دوست<sup>۱۱</sup>  
خورشگر بدیشان<sup>۱۲</sup> بزنی چند و میش  
کنون کُرد از آن تخمه دارد نژاد

پس آیین ضحاک<sup>۱۸</sup> وارونه<sup>۱۹</sup> خوی  
ز مردان جنگی یکی خواستی  
کجا<sup>۲۵</sup> نامور دختری خوبروی<sup>۲۶</sup>  
پرستنده کردیش در پیش<sup>۲۸</sup> خویش

### گفتار اندر خواب دیدن ضحاک<sup>۳۱</sup>

چُن<sup>۳۲</sup> از روزگارش چهل سال ماند      نگر تا به سربرش<sup>۳۳</sup> یزدان چه راند<sup>۳۴</sup>

۱- ف: بگفتی مباشید؛ متن = یازده دستنویس دیگر (وینیز ل، لن<sup>۲</sup>) ۲- ف: شما از؛ لی، پ: ترا در؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳- ل، ق: دشت و کوهست؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در ف این بیت پس از بیت ۳۶ آمده است و پس از آن بیت زیر را که جز ف تنها در آ (پس از بیت ۳۶) آمده است، افزوده است:

۴- ق: <ز> ۵- ل: ساخته ۶- و: پادشا؛ در آ این بیت چنین آمده است:

بجای سر و مغز این ازجمند خورش ساختند از سر گوسفند  
۷- لن: ازین گوته؛ و: بدین گونه؛ آ، ل، ب: برین گونه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- آ: هر ماه چون ۹- ق: همی یافتندی ازیشان؛ ق: ازین هر دو تن یافتندی ۱۰- س، لن، ق، لی، پ، ب: گرد آمدندی؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل ۱۱- ل، آ: چویست؛ و: ازیشان چو گرد آمدی مرد بیت ۱۲- لی، و: بدانان ۱۳- س: بدی سان (→ بدیشان)؛ ق: ندی شان (→ بدیشان)؛ ل: بدانان؛ در پ این لت پاک شده است ۱۴- لن: بریدی؛ لی، پ: بدادی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۵- ل: نهادند؛ و، آ: نهادی به؛ ق ناخواناست؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ در ف پس از این بیت بیت ۳۲ و پس از آن بیت ۳۲ پ، و در آ پس از این بیت بیت ۳۲ پ آمده است ۱۶- ف، س، و، ل، ب: که آباد؛ ل: که آباد؛ آ: آباد؛ لن: کرایاد (→ کرایاد)؛ ق: کرایاد (→ کرایاد)؛ متن = ق، لی، پ ۱۷- لن: ماند بدل نوش باد؛ ق: باید بدن نوش باد؛ و: ماند بدل برش یاد؛ ل: ناید برابرش یاد؛ ب: ناید بدان درش یاد؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ لی، ب پس از این بیت افزوده اند:

ببود خانهاشان سراسر پلاس ندارند در دل ز یزدان هراس

۱۸- ل: واژونه ۱۹- ق: خو ۲۰- ل، س، لی، پ، و، آ: می بدش؛ ق ناخواناست (شاید: میدش)؛ متن = ف، لن، ق، آ، ل، ب ۲۱- ق: آرزو ۲۲- ل، لی، و: چو؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۳- لن: باد تو! ۲۴- پ: بر ساختی ۲۵- س، لن، ق، آ، لی، ب: یکی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- س، پ، آ، ب: دختر خوب روی؛ لن، لی، ق: دختر (ق: دختری) ماه روی؛ ل: دختری نامور خوب روی؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۷- ل، ق: درون بود؛ س، ق، آ، پ، و، ل، ب: درون پاک؛ لن: درون کرده؛ لی: درون پاک؛ و؛ متن = ف: پرده اندرون (← فریدون، بیت ۲۴۳، ۷۱۶؛ منوچهر، بیت ۵۶، ۱۲۴۲) ۲۸- ل، س، لن، ق، آ، ل: کردیش بریش؛ ق: کردی بر تخت؛ متن = ف، ب ۲۹- ل: نه بر رسم دین بُد؛ ق، لی، و، آ، ب: نه رسم کیان (و: کسی) بُد؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ، ل ۳۰- ل: نه بر رسم کیش؛ لن: نه آیین و کیش؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱- ف: گفتار اندر خواب دیدن ضحاک و خواندن معبران و منجمان و پرسیدن خواب را از ایشان؛ س: خواب دیدن ضحاک و ترسیدنش؛ لن، ق، آ، لی، و، ب: خواب دیدن ضحاک (ق، آ، لی، و: ... و ترسیدن)؛ ق: گفتار در خواب دیدن ضحاک و خوف او؛ پ: اندر خواب دیدن ضحاک تازی؛ آ: خواب دیدن ضحاک و سگالش او با دیران؛ ل: خواب دیدن ضحاک و پرسیدن از موبدان؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۳۲- ل- ب: چو؛ متن = ف ۳۳- لن، ق: نگر تا که بر سرش ۳۴- و: خواند؛ آ: نگر بر سرش دور گردون چه راند

در ایوان شاهی شبی دیرباز  
چنان دید کز کاخ<sup>۱</sup> شاهنشهان<sup>۲</sup>  
۴۵ دو مهتر یکی کهتر اندر میان  
کمر بستن و رفتن<sup>۳</sup> شاهوار<sup>۴</sup>  
دمان پیش ضحاك رفتی به جنگ  
یکایک همین گرد کهتر<sup>۱</sup> بسال  
بدان زه دو دستش بیستی چو سنگ<sup>۱</sup>  
۵۰ همی تاختی تا دماوند کوه  
پیچید<sup>۱۶</sup> ضحاك بیدادگر  
یکی بانگ برزد<sup>۱۹</sup> به خواب اندرون  
بجستند خورشید رویان ز جای  
چنین گفت ضحاك را ارنواز  
۵۵ که خفته بارام در خان<sup>۲۳</sup> خویش  
زمین<sup>۲۷</sup> هفت کشور به فرمان<sup>۲۸</sup> تست<sup>۲۹</sup>  
به خواب اندرون بود با ارنواز  
سه جنگی پدید آمدی ناگهان<sup>۱</sup>  
به بالای سرو و به فر<sup>۵</sup> کیان  
به چنگ اندرون گزهی گاوسار  
زدی بر سرش گزهی گاورنگ<sup>۹</sup>  
ز سرتا به پایش کشیدی دوال<sup>۱۱</sup>  
نهادی<sup>۱۳</sup> به گردن برش<sup>۱۴</sup> پالهننگ  
کشان و دوان از پس اندر<sup>۱۵</sup> گروه  
بدریدش از هول<sup>۱۷</sup> گفتی جگر<sup>۱۸</sup>  
که لرزان شد آن خانهی بیستون<sup>۲۰</sup>  
از آن غلغل نامور کدخدای<sup>۲۱</sup>  
که شاهانگویی چه بودت براز<sup>۲۲</sup>؟  
بدینسان<sup>۲۴</sup> بترسیدی<sup>۲۵</sup> از جان خویش<sup>۲۶</sup>  
دد و دیو و<sup>۳۰</sup> مردم نگهبان<sup>۳۱</sup> تست

۱- ف: دیوباز؛ متن= یازده دستویس دیگر (حرف یکم واژه دوم در برخی از دستویس ها نقطه ندارد و یا يك نقطه دارد) ۲- پ: شاخ؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س) ۳- ق: شاهی یشان(!)؛ آ: شاهشهی؛ متن= ده دستویس دیگر ۴- آ: ناگهی ۵- ف، لن، پ، ق، ل: بالای سروان و چهر (ق: بچهره؛ ل: و فن)؛ آ: بیالا چو سرو <و> به چهر؛ س این بیت را ندارد؛ متن= ل، ق، لی، و، ب ۶- پ: <و> ۷- و: رفتی ۸- ف: شهریار؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س)؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

هویدا بدو فره ایزدی سرشته جهانباش از بخسردی

۹- ل: نهادی بگردن برش پالهننگ (= ۴۹ب) ۱۰- س، لن، ق: یکایک همین کس که کهتر؛ ق، و: یکایک همان کرد کهتر؛ لی: یکایک همین کرد و کهتر؛ آ: پس آنگه همی کرد مهتر؛ متن= ف، پ، ل، ب: ل این بیت را انداخته و بجای آن بیت ۴۹ پ را آورده است ۱۱- س، لن، ق، ل: کشیدش سر (س، لی: کشیدی زس) تا به پایش دوال؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۲- س: مر اورا همی تاختی تیزچنگ؛ لن، ق: همی ناخش دست بسته چو سنگ؛ و: بدان زه بیستی دو دستش چو سنگ؛ آ: به بند کمندش بیستی چو سنگ؛ متن= ف، ق، لی، پ، ل، ب ۱۳- لن، ق: نهاده ۱۴- لی: بگردن درش؛ ل، ب: بگردنش بر؛ ل ۴۷ ب و ۱۴۹ را انداخته و از ۱۴۷ و ۴۹ ب يك بیت ساخته است؛ ق، پ پس از این بیت و ل بجای بیت ۴۸ بیت زیر را افزوده اند:

بدین خواری و زاری و گرم و درد پراکنده بر تارکش خاك و گرد (ق: خاك گرد)

۱۵- و، ب: او؛ ل: کشان و روان و پس اندر؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۶- ق: بلرزید ۱۷- لی: بیم ۱۸- س: بیژمرد و برگشت آسیمه سر؛ لن، ق، ل: پ: بلرزید و (ق: بلرزند) ناگه برآورد سر؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ل، ب ۱۹- س: زدار ۲۰- س، ق: نه ستون؛ ل، لن، ق، ل (و نیز ل، ن، س): صد ستون؛ ب: وزان گشت لرزان و دل پر زخون؛ متن= ف (که آنرا نیستون هم میتوان خواند) ۲۱- ل پس از این بیت و ق پس از بیت ۵۴ افزوده اند:

چه بودت کایدون بترسیدهی (ق: بلرزیدهی) که بر جای چون بید لرزیدهی

ق: ابرجای ایمن بیکبار ترسیدهی (وزن نادرست است) ۲۲- ل، پ، آ، ل، ب: که شاها چه بودت نگویی براز (لن: توراز؛ ق: نوباز؛ ل: چگویی برز)؛ و: که شاها بگو تا چه دیدی براز؛ متن= ف (در ف و ل حرف یکم در نگویی هم در زیر نقطه دارد و هم در بالا)؛ ق پس از این بیت ۵۳ پ را افزوده است ۲۳- س، لی، و، ل، ب: تو خفته بارام در (س: بر) خان (و: جای)؛ لن، ق، ق، ل، پ: بارام خفته تو در خان؛ آ: چنین کرده آرام در خوان؛ متن= ف، ل ۲۴- ل: برین سان ۲۵- ل: نترسیدی ۲۶- و: رای خویش؛ س: بررسی ازین گونه برجای خویش؛ لن، ق، ق، ل، پ: چه گویی چه دیدی (ق، ل، پ: چه دیدی نگویی) چه آمدت پیش؛ متن= ف، لی، آ، ب؛ لن، ق، ل، پ پس از این بیت و ق در کناره افزوده اند:

زمین هفت کشور بشاهی تراست دد و مردم و مرغ و ماهی تراست

۲۷- لن، ق، ق، ل، پ: همان؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۸- و: به پیمان ۲۹- س: تراست ۳۰- لی: <و> ۳۱- س: تراست؛ آ: بفرمان نست (پساوند ندارد)؛ ل، و: دد و دام و مردم به پیمان (و: به فرمان) تست؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ ب پس از این بیت افزوده است: جهانرا سراسر بشاهی تراست زمین جمله تا پشت ماهی تراست

که چونین شگفتی نماند<sup>۱</sup> نهفت  
 شودتان دل از جان من<sup>۲</sup> نامید  
 که بر ما بیاید گشادنت راز<sup>۳</sup>  
 که بی چاره‌یی نیست پتیاره‌یی<sup>۴</sup>  
 همه خواب يك يك بدیشان<sup>۵</sup> بگفت  
 که مگذار تن را ره<sup>۶</sup> چاره‌جوی  
 جهان روشن از نامور<sup>۷</sup> بخت تست  
 دد و مردم و دیو و مرغ و<sup>۸</sup> پری  
 ز<sup>۹</sup> اخترشناسان و افسونگران<sup>۱۰</sup>  
 پژوهش کن و راستی<sup>۱۱</sup> بازجوی  
 ز مردم شمار<sup>۱۲</sup>، از ز<sup>۱۳</sup> دیو و پریست  
 به خیره مترس از بد بدگمان  
 که آن سرو پروین رخ<sup>۱۴</sup> افگندبن

همانگه<sup>۱۵</sup> سر از کوه برزد چراغ  
 بگسترد خورشید یاقوت زرد  
 سخن دان و بیداردل بخردی

به خورشید رویان سپهدار گفت<sup>۱</sup>  
 که این داستان گر ز من بشنوید<sup>۲</sup>  
 به شاه جهان گفت پس<sup>۳</sup> ارنواز  
 ۶۰ تو انیم کردن مگر چاره‌یی  
 سپهد گشاد آن نهران از نهفت<sup>۴</sup>  
 چنین گفت با نامور<sup>۵</sup> ماهروی<sup>۶</sup>  
 نگین زمانه سر<sup>۷</sup> تخت تست  
 تو داری جهان زیر انگشتی  
 ۶۵ زهر کشوری گرد کن مهتران<sup>۸</sup>  
 سخن سربسر مهتران<sup>۹</sup> را بگوی  
 نگه کن که هوش تو بر دست کیست  
 چو دانسته شد چاره‌ساز آن زمان<sup>۱۰</sup>  
 شه<sup>۱۱</sup> برمنش<sup>۱۲</sup> را خوش آمد سخن

۷۰ جهان از<sup>۱۳</sup> شب تیره چون پر<sup>۱۴</sup> زاغ  
 تو گفتی که بر کشور<sup>۱۵</sup> لاژورد<sup>۱۶</sup>  
 سپهد هرآنجا<sup>۱۷</sup> که بد موبدی<sup>۱۸</sup>

- ۱- ل، ق، آ: جهاندار گفت؛ ل: سپهد بگفت؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲- ل، ق، لی، و، ل، آ، ب: نشاید؛ س: که این راز باید که ماند؛ لن، ق، آ، پ: که این خواب را بازباید؛ آ: که چون این شگفتی نشاید؛ متن= ف ۳- ل، ق، و، آ، ل، آ: اگر (ل: که گر) از من این (ل: گر از من چنین) داستان بشنوید؛ س، لی: زمن گر شما (لی: شما گر زمن) داستان بشنوید؛ لن، ق، آ، پ: گر ایدونک این داستان بشنوید؛ ب: که این داستان گر شما بشنوید؛ متن= ف ۴- لن: جان و تن؛ ۵- ل، س، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ، ب: بشاه گرانمایه گفت؛ آ: بشاه جهاندار گفت؛ متن= ف، لن، ق ۶- آ: که شاها چه بودت نگویی براز (= ۵۴ب)؛ آ پس از این بیت، بیت ۵۵ را دوباره آورده است ۷- س: که بیچاره نیست ایچ پتیاره؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند: همه کارهای جهان را در است مگر مرگ کان را (ق: مرگ را کان) دری دیگر است
- ۸- لن، ق، آ، پ: برآورد پس او نهران از نهفت؛ متن= نه دستویس دیگر ۹- آ: همه خواب باخو پرویان ۱۰- ب: تاجور ۱۱- ف: مهرجوی (پساوند ندارد)؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: خوب روی؛ و: چاره‌جوی (پساوند ندارد)؛ متن= ل، ق ۱۲- ل، س، لن، ق، آ، پ، و، ب: که مگذار (لن، ق، آ، پ، و: بگذار) این راه (لن: یکی)؛ ق: که بگذار بازی ره؛ لی: که بگذار تن راه؛ ل: که مگذار ازین راه؛ متن= ف، آ ۱۳- ق، آ: سوی ۱۴- ف، ق، ب: جهان نامور روشن از؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۵- ل، ق، آ، پ، و، ل، آ: دد و مردم و مرغ و دیو؛ ب: دد و دام و ماهی و مرغ؛ متن= ف، لی، آ ۱۶- لی: موبدان ۱۷- ل، لن: از ۱۸- س، لن، ق، آ، پ: و کنداوران؛ لی: و هم بخردان؛ آ: و وز موبدان؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، آ، ب ۱۹- ل، ق، آ، پ، آ، ل، ب: موبدان؛ لی: بخردان؛ متن= ف، و ۲۰- لن، ق، آ، پ: رازها؛ متن= نه دستویس دیگر؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند: مهان کز توماند نهران (ل: جهان) هیچ چیز بدان و بپرس از همه کس بنیز (ق: تو نیز)
- ۲۱- لی، ب: ز مردم نژاد؛ آ: ز مردم شناس؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۲- آ: ارنه؛ ب: وز؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۳- لن، ق، آ، پ: چو دانستی این (ق، آ، پ: چو دانستیش) چاره کن آن زمان؛ لی: چو دانسته شد چاره سازمان؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۴- ل، آ: چوشه ۲۵- ف، پ، و، آ، ب: برمنش (حرف یکم سه نقطه دارد)؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۶- ل، پ: سر و سیمین بر؛ ق: سرو پروین بر؛ و (و نیز ل، لن، آ): سروین پاسخ؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۷- س: چون ۲۸- ف: پشت؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۹- لن: همانا؛ ق: همان دم ۳۰- ل، ق، لی: گنبد؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۱- ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: لاژورد؛ متن= ل، ق، و ۳۲- ل: بهرجا ۳۳- پ: که موبد بدی؛ در لن این لت پاك شده است

بگفت آن جگر خسته، خوابی که دید<sup>۱</sup>  
 ز نیک و بد و<sup>۲</sup> گردش روزگار  
 کرا باشد این تاج و تخت و کمر<sup>۳</sup>  
 وگر سر<sup>۴</sup> به خواری بیاید نهاد  
 زبان پر ز گفتار یک با دگر<sup>۵</sup>  
 به جان است پیگار و جان بی بهاست<sup>۶</sup>  
 بیاید همیدون<sup>۷</sup> ز جان دست شست<sup>۸</sup>  
 سخن کس نیارست کرد آشکار  
 بران<sup>۹</sup> موبدان نماینده راه  
 وگر بودنسی ها بیاید نمود<sup>۱۰</sup>  
 پر از هول دل، دیدگان پر ز خون<sup>۱۱</sup>  
 یکی بود بینادل و<sup>۱۲</sup> تیزکوش<sup>۱۳</sup>  
 کزان<sup>۱۴</sup> موبدان او زدی پیش گام<sup>۱۵</sup>  
 گشاده زبان پیش<sup>۱۶</sup> ضحاک شد  
 که جز مرگ را کس<sup>۱۷</sup> ز مادر نژاد

ز کشور بنزدیک خویش آورید  
 نهانی سخن کردشان خواستار<sup>۱</sup>  
 ۷۵ که بر من زمانه کی آید بسر  
 گر این راز<sup>۲</sup> با من<sup>۳</sup> بیاید گشاد  
 لب موبدان خشک و رخساره تر<sup>۴</sup>  
 که گر<sup>۵</sup> بودنسی بازگویم<sup>۶</sup> راست  
 وگر<sup>۷</sup> نشنود<sup>۸</sup> بودنسی ها<sup>۹</sup> درست  
 ۸۰ سه روز اندر آن<sup>۱۰</sup> کار شد روزگار  
 به روز چهارم برآشفست شاه  
 که گر زنده تان دار باید بسود  
 همه موبدان سر فگنده نگون  
 از آن نامداران بسیار هوش  
 ۸۵ خردمند و بیدار<sup>۱۱</sup> و زیرک<sup>۱۲</sup> به نام<sup>۱۳</sup>  
 دلش تنگ تر گشت<sup>۱۴</sup> و ناباک<sup>۱۵</sup> شد  
 بدو گفت پردخته<sup>۱۶</sup> کن سر ز باد

۱- ف پس از این بیت افزوده است:

که این را بگویند یکسر جواب  
 مگر نو کند چاره مرد کهن

بخواند و بپرسید تاویل خواب  
 ل، ق پس از بیت ۷۳ افزوده اند:  
 نپوشید بر مرد دانا سخن  
 س، لن، ق، ۲- ب (و نیز ل، لن، ۲) پس از بیت ۷۳ افزوده اند:  
 بخواند (و: یکایک) یک جای شان گرد کرد (در لن این لت پاک  
 شده است)

وزیشان همی جست درمان درد  
 روان راسوی (آ: وزان راستی) روشنی ره کنید

بگفتا (س، ل، ۲، ب: بگفتش؛ لن: روان) مرزود آگه کنید  
 این دو بیت در ف، ل، ق نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۲- ل، س، ق: آشکار؛ متن= نه دستویس دیگر ۳- لن، ق، پ، و، ل، ۲: < و >؛  
 ق: بدو نیک از؛ متن= ف، ل، س، لی، آ، ب ۴- ل، ۲: تاج و تخت کمر؛ ب: تخت و تاج و کمر؛ س، لن، ق، ۲، پ این بیت را ندارند؛ در لی این بیت با  
 بیت سپین پس و پیش شده است ۵- ف: ازین راز؛ س، ق، ۲، لی، پ: که این راز؛ ق: کنون راز؛ آ: همین راز؛ ل، ۲: کراراز؛ متن= ل، لن، و، ب ۶-  
 س، لن، ق، ۲، لی، پ: برما؛ ق، و، آ، ل، ۲، ب: برمن؛ متن= ف، ل ۷- ق: ویاتن؛ لی: دگر سر؛ آ، ل، ۲، ب: ویاسر؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ در  
 لی این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۸- ل، لی، ل، ۲، ب: رخساره زرد؛ متن= هشت دستویس دیگر ۹- ل، لی، و، ب: با  
 یکدگر؛ پ: گفتار و دل پر زرد؛ متن= ف ۱۰- لن: اگر ۱۱- آ: بودنسی ها بگویم ۱۲- س، لن، ق، ۲، لی، ل: شود جان یکبار (س: یک راه و؛  
 لی، ل، ۲: یکبار و) جان بی بهاست؛ لی: شود جان یکبار در کم و کاست؛ و: شود تن سبکوار و جان بی بهاست؛ متن= ف، ل، ق، آ، ب ۱۳- س، و:  
 اگر ۱۴- ف، س، ق، پ، آ، ب: بشنود؛ ل، و: شنود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= لن ۱۵- لی، ل، ۲: گفتی ها؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۶-  
 ل- ب: هم اکنون؛ متن= ف ۱۷- و: ره چاره جست؛ درس لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۸- ل، ل، ق، لی، آ: اندرین؛ متن= هشت دستویس  
 دیگر ۱۹- ق، ق، ۲، لی، ل، ۲، ب: بدان؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۰- لی: و یا بودنسی باز باید نمود؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره  
 افزوده اند ۲۱- لن، ق، ۲، پ: چرا کس نیارست گفتن نه چون؛ ل، ۲: پر از ترس جان دیدگان پر ز خون؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۲- لن، پ: >  
 < ۲۳- ق، ۲: تیره کوش؛ لی: باک کوش ۲۴- ف: دانا؛ متن= یازده دستویس دیگر ۲۵- ب: و دل نیکام ۲۶- لن، ق، ۲، لی، پ: ازان؛ متن=  
 هشت دستویس دیگر ۲۷- و: اوردی تیزگام؛ ب: اوزدی تیزگام ۲۸- س: برگشت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی: دلش تر گشت (وزن نادرست  
 است)؛ پ، ب: دلش تنگ برگشت؛ و: دلش تیره تر گشت؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، ق، آ، ل، ۲ ۲۹- ق، آ: بی باک ۳۰- ق، و: نزد  
 ۳۱- پ، و: پردخت ۳۲- لن، ق، ۲، پ: که با تاج شاهی؛ متن= نه دستویس دیگر

که تخت مہی را سزاوار بود  
 برفت و جهان دیگری را سپرد<sup>۲</sup>  
 سپهرت بساید نمائی بجای<sup>۵</sup>  
 به خاک<sup>۷</sup> اندرآرد<sup>۸</sup> سر<sup>۹</sup> بخت تو  
 زمین<sup>۱۰</sup> را سپهر همایون<sup>۱۱</sup> بود  
 نیامد گه پرشش و سردباد<sup>۱۲</sup>  
 بسان درختی شود<sup>۱۳</sup> بارور  
 کمر جوید و تاج و تخت<sup>۱۴</sup> و کلاه  
 به گردن برآرد ز پولاد گرز<sup>۱۸</sup>  
 بیندندت و آرد از ایوان به کوی<sup>۲۰</sup>  
 چرا بنددم چیست از منش کین<sup>۲۱</sup>  
 کسی بی بهانه نسازد<sup>۲۳</sup> بدی  
 از آن<sup>۲۵</sup> درد گردد پر از کینه سرش<sup>۲۶</sup>  
 جهانجوی را دایه خواهد بدن  
 بدین<sup>۲۹</sup> کین کشد گزهی گاوسر  
 ز تخت اندرافتاد<sup>۳۱</sup> و زورفت هوش  
 بنابید روی از نهیب<sup>۳۲</sup> گزند  
 به تخت کیان<sup>۳۳</sup> اندرآورد پای  
 همی بازجست آشکار و نهان

جهاندار پیش از تو بسیار بود  
 فراوان غم و شادمانی شُمرد<sup>۱</sup>  
 ۹۰ اگر باره<sup>۲</sup> آهنینی پهای<sup>۴</sup>  
 کسی<sup>۶</sup> را بود زین سپس تخت تو  
 کجا نام او آفریدون بود  
 هنوز آن سپهبد ز مادر نژاد  
 چنو<sup>۱۳</sup> زاید از مادر پره‌نر  
 ۹۵ به مردی رسد برکشد سر به ماه<sup>۱۵</sup>  
 به بالا شود چون یکی سرو برز<sup>۱۷</sup>  
 زند بر سرت گزهی گاوری<sup>۱۹</sup>  
 بدو گفت ضحاک ناپاک دین  
 دلاور بدو گفت: اگر<sup>۲۲</sup> بخردی  
 ۱۰۰ برآید<sup>۲۴</sup> بدست تو هوش پدرش  
 یکی گاو برمایه<sup>۲۷</sup> خواهد بدن  
 تبه گردد آن هم بدست تو بر<sup>۲۸</sup>  
 چو بشنید ضحاک<sup>۳۰</sup> بگشاد گوش  
 گرانمایه از پیش تخت بلند  
 ۱۰۵ چو آمد دل تاجور<sup>۳۳</sup> باز جای  
 نشان فریدون به گرد جهان<sup>۳۵</sup>

- ۱- لن، ق: آ: سپرد؛ ق: ببرد؛ متن = نه دستویس دیگر ۲- لن، ق: آ: لی، پ: چو روز درازش سرآمد ببرد؛ ل: برفت و جهان دیگران را سپرد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳- ل: آ: پاره ۴- س، لن، ق: آ: لی، پ: آ: بجای (لی، آ: پساوند ندارند)؛ متن = ف، ل، ق، و، ل: آ: ب ۵- س، لن، ق: آ: پ: بمعانی پهای (در س حرف یکم و از ه یکم نقطه ندارد)؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ ق: پس از این بیت افزوده است (وزن لت دوم نادرست است):  
 بساید یکی گرد خسرو نژاد که چون وی ندارد همی پیر دهقان بیاد  
 ۶- ل، ق: آ: کئی؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = نه دستویس دیگر ۷- لن، ق: آ: پ: پهای؛ متن = هشت دستویس دیگر ۸- ف، س: آید؛ متن = نه دستویس دیگر ۹- ل: سرو ۱۰- لن، پ: جهان ۱۱- س- ق: آ: پ: سپهری همایون؛ و: سپهری زهامون؛ متن = ف، ل، لی، آ: ل: ۱۲- ق: بزاید گه جشن سرباد؛ ق: آ: ل: نیامد گه ترشش و سردباد؛ ب: جهانش هنوز آن بزرگی نداد؛ پ: این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، لن، لی، و: ۱۳- ل، لی، پ: آ: چو او؛ ق: این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۴- س، لن، ق: آ: لی، پ: آ: بود؛ متن = ف، ل، و، ل: آ: ب ۱۵- س، لن، ق: آ: لی، پ: ل: آ: گرده‌گاه؛ آ: گردگاه؛ ق: بمری کشد سر برآرد بماه؛ متن = ف، ل، و، ب ۱۶- ق: کمر جوید و نام و تاج ۱۷- لن: بیلا شود بر یکی سرو برز؛ لی: بیلا بود چون یکی زاد سرو ۱۸- لی: بگردن برآورده پولاد غرور ۱۹- ل، ق: گاوسار؛ لن: گاورنگ؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۰- ل، ق: بگیردت زار و بیندندت خوار؛ لن: بیندندت و آرد برون همچو سنگ؛ ق: آ: لی، و: بیندندت درآرد (ق: آ: ز) (از ایوان بکوی؛ آ: بیندندت و زیوانت آرد بکوی؛ متن = ف، س، پ، ل: آ: ب (س، پ، ل: آ: ب) ز) ۲۱- ل، ق: لی: از (لی: با) منش چیست کین؛ س، لن، ق: آ: پ، و، آ: ب: چیست بامتش کین؛ متن = ف، ل: آ: ل: گر ۲۲- ل: گر ۲۳- لن، پ: نجوید ۲۴- لن، ق: بیابد؛ ق: آ: بیابد؛ آ: بیابد؛ ل: آ: بیابد (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۵- س، لن، ق: آ: لی، پ: آ: ل: رزان؛ و: ازین؛ متن = ف، ل، ق، ب ۲۶- س، لی: درد گردد سراسیمه سرش؛ آ: دود گردد بدان کینه سرش؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۷- ف: برمایه (= برمایه)؛ ل: برمایه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، لن، ق: آ: لی: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ پ، و، آ: ل: آ: ب: برمایه (حرف یکم سه نقطه ندارد) ۲۸- و: در ۲۹- لن، ق: آ: پ، آ: ب: برین؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۰- س، لن، ق: آ: ب: چو ضحاک بشنید؛ متن = ف، ل، ق: آ: ز تخت اندر آمد ۳۲- ف، آ: نهیب و؛ س، لن، ق: آ: لی، پ: ب: بنابید روی ز بیم؛ و: بیامد دلی پر ز بیم؛ متن = ل، ق: آ: ل: نامور؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۴- ق: آ: ب: کئی؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۵- آ: نشان فریدون یل در جهان

نه آرام بودش نه خواب و نه خورد شده روز روشن برو لاژورد

## گفتار اندر زادن آفریدون از مادر<sup>۲</sup>

برآمد برین<sup>۴</sup> روزگاری<sup>۵</sup> دراز  
 خجسته فریدون ز مادر بزاد  
 بیالید برسان سرو سهی ۱۱۰  
 جهانجوی با فر جمشید بود  
 جهان را چو باران به بایستگی  
 به سربهر همی گشت گردان سپهر  
 همان گاو کهش نام برمایه<sup>۱۳</sup> بود  
 ۱۱۵ ز مادر جدا شد چو طاوس نر  
 شده<sup>۱۶</sup> انجمن بر سرش بخردان  
 که کس در جهان گاو چونان ندید  
 زمین کرده<sup>۱۸</sup> ضحاک پر گفت وگویی<sup>۱۹</sup>  
 فریدون که بودش پدر آبتین  
 ۱۲۰ گریزان و ز<sup>۲۳</sup> خویشتن گشته سیر  
 از آن روزبانان ناپاک<sup>۲۵</sup> مرد

کشید آژدها را به<sup>۶</sup> تنگی فراز  
 جهان را یکی دیگر آمد نهاد<sup>۷</sup>  
 همی تافت<sup>۸</sup> زو فر شاهنشاهی  
 بکردار تابنده<sup>۹</sup> خورشید بود  
 روان را چو<sup>۱۰</sup> دانش به<sup>۱۱</sup> شایستگی  
 شده رام با آفریدون<sup>۱۲</sup> به مهر  
 ز گاو<sup>۱۴</sup> ورا<sup>۱۵</sup> برترین پایه بود  
 به هر موی بر<sup>۱۵</sup> تازه رنگی دگر  
 ستاره شناسان و هم موبدان  
 نه از پیرسر کاردانان<sup>۱۷</sup> شنید  
 به گرد جهان بر همین<sup>۲۰</sup> جست وجوی<sup>۲۱</sup>  
 شده تنگ بر آبتین بر زمین<sup>۲۲</sup>  
 برآویخت ناگاه در دام<sup>۲۴</sup> شیر  
 تنی چند، روزی بدو بازخورد

۱- ق، لی، پ: بدو؛ متن= نه دستویس دیگر ۲- ف، س- پ، آ، ب: لاجورد؛ متن= ل، و، ل<sup>۲</sup> ۳- ف: گفتار اندر زادن آفریدون از مادر و کشته شدن پدرش بر دست ضحاک و پروردن گاو آفریدون بشیر؛ ل: اندر مولود شاه فریدون؛ س: زادن فریدون از مادر و داستان گاو که او را دایه بود؛ لن: زادن فریدون از مادر و گاو بر مایه که دایه بود؛ ق: اندر مولود فریدون و نهان داشتن وی از ضحاک؛ ق<sup>۲</sup>: زادن فریدون به پیروزی؛ لی: گفتار اندر زادن منوچهر(!)؛ پ: زادن فریدون از مادر گاو بر مایه که او را دایه بود؛ و، ل<sup>۲</sup>: گفتار اندر زادن فریدون از مادر (و... بپیروزی)؛ آ: اندر زادن فریدون فرخ پسر آبتین؛ ب: اندر ولادت فریدون؛ متن= آغاز ف (که به ل<sup>۲</sup> نزدیک است) ۴- لی: بدین ۵- ل: روزگار ۶- ل- ب: کشید (لن، ب: رسید) از دهافش به (س: ز)؛ متن= ف ۷- لی: بداد ۸- ل<sup>۲</sup>: یافت ۹- و: جهان را چو تابنده؛ ل<sup>۲</sup>: برخارمانند؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۰- لی: به ۱۱- ق: ز ۱۲- لی: با او فریدون ۱۳- ف- ق<sup>۲</sup>: و: بر مایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب: بر مایه (حرف یکم سه نقطه دارد)؛ لی: همان گاو بر مایه کش دایه ۱۴- ل، ق، لی، و: تنش؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۵- س، لن، ق<sup>۲</sup>: آ: سوش بر؛ لی: موش بر؛ ب: موش بد؛ متن= ف، ل، ق، پ، ل<sup>۲</sup>: ب ۱۶- ب: شدند ۱۷- ق: نه از کاردانان پیشین ۱۸- س، لن، ق<sup>۲</sup>: پ- ب: کرد؛ متن= ف، ل، ق، لی ۱۹- ل: گفت گوی ۲۰- ل، ق: هم بدین؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>: پ: در همین؛ و، ل<sup>۲</sup>: هم برین؛ آ: درهمی؛ ب: برهمان؛ متن= ف، لی ۲۱- ل: جست جوی؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز گاو فریدون گیتی گشای  
 بجان بردنش کرد چنگال تیز  
 همی خواست کارد سرش زیر پای  
 وزو خاسته در جهان رستخیز

۲۲- در ف این بیت چنین آمده است:

وز آسیب او پر هنر آبتین  
 چو شصاب (→ سیماب) لرزان شده بر زمین  
 متن= یازده دستویس دیگر ۲۳- س، لن، ق<sup>۲</sup>: لی، و- ب: از؛ متن= ف، ل، ق، پ ۲۴- ل، آ: برکام؛ ق: بردام؛ ب: در کام؛ متن= هشت دستویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

نهان کرد گیتی فراوان بگشت  
 چه بر کوه خارها چه بر ساده دشت  
 ۲۵- ل- پ: ناپاک (حرف سوم يك نقطه دارد)؛ و: ناپاک (حرف سوم نقطه ندارد)؛ آ، ل<sup>۲</sup>: ب: ناپاک (حرف سوم سه نقطه دارد)؛ و این بیت را دوبار نوشته است؛ در ف این بیت چنین آمده است و پس از آن بیت دیگری هم افزوده است:

چو آمد بر روز آن بی گزند  
 بدو باز خوردند و بردند خوار  
 ازان روزبانان بدجای چند  
 چنان بی گنه را بر شهریار



گرفتند و بردند بسته چو یوز<sup>۱</sup>  
 خردمند مام فریدون چو دید  
 فرانک بدش نام و<sup>۲</sup> فرخنده بود  
 ۱۲۵ دوان داغ<sup>۳</sup> دل خسته<sup>۴</sup> روزگار  
 کجا نامور گاو برمایه<sup>۵</sup> بود  
 به پیش نگهبان آن مرغزار  
 بدو گفت کین<sup>۶</sup> کودک شیرخوار  
 پدروارش از مادر اندرپذیر  
 ۱۳۰ وگر<sup>۷</sup> پاره<sup>۸</sup> خواهی<sup>۹</sup> روانم تراست  
 پرستنده<sup>۱۰</sup> بیشه و گاو<sup>۱۱</sup> نغز  
 که چون بنده بر<sup>۱۲</sup> پیش فرزند تو  
 فرانک بدو داد فرزند را  
 سه سالش پدروار از آن<sup>۱۳</sup> گاو شیر  
 ۱۳۵ نشد<sup>۱۴</sup> سیر<sup>۱۵</sup> ضحاک از آن جست وجوی<sup>۱۶</sup>  
 دوان مادر آمد سوی مرغزار<sup>۱۷</sup>  
 که اندیشه<sup>۱۸</sup>ی در دلم ایزدی  
 همی کرد باید کزان<sup>۱۹</sup> چاره نیست

بروبر سرآورد ضحاک روز  
 که بر جفت او بر چنان<sup>۲۰</sup> بد رسید  
 به مهر فریدون دل آگنده بود  
 همی رفت پویان<sup>۲۱</sup> بدان<sup>۲۲</sup> مرغزار  
 که نابسته بر تنش پیرایه<sup>۲۳</sup> بود  
 خروشید و بارید<sup>۲۴</sup> خون بر کنار  
 ز من روزگاری به زنهار دار  
 و زین گاو نغزش پیور به شیر  
 گروهگان کنم جان<sup>۲۵</sup> بدانکت<sup>۲۶</sup> هواست  
 چنین داد پاسخ بدان پاک مغز  
 بیاشم پذیرنده<sup>۲۷</sup> پند<sup>۲۸</sup> تو  
 بگفتش بدو<sup>۲۹</sup> گفتنی پند را  
 همی داد<sup>۳۰</sup> هشیار<sup>۳۱</sup> زنهارگیر<sup>۳۲</sup>  
 شد از گاو گیتی پر از گفت وگویی<sup>۳۳</sup>  
 چنین گفت با مرد زنهاردار  
 فراز<sup>۳۴</sup> آمدهست از ره بخردی  
 که فرزند و شیرین روانم یکیست

۱- ق: گرفتند و بستند مانند یوز ۲- لی: او آنچنان؛ لی پس از این بیت افزوده است:

زنی بود آرامش روزگار  
 چو آگاهی شوی بشنید زن  
 برون رفت پویان سوی مرغزار  
 چنان داغ دل گشته روزگار

۳- ق: < >؛ بنداری؛ وکانت تمی مانک ۴- ل، ق: پر از داغ؛ س، ق، آ، لی، ب: دوان گشت (ق، آ، لی: گشته)؛ پ، آ، ل، آ: روان گشت (پ: گشت و؛ ل، آ: گشته)؛ متن= ف، ل، ن، و ۵- س، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: دل خسته از؛ متن= ف، ل، ن، ق، و ۶- س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: گریان؛ متن= ف، ل، ق، و ۷- ق، آ: دران؛ پ: بران ۸- ف: برمایه (=برمایه)؛ ل، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ و، آ، ل، آ، ب: برمایه (حرف یکم سه نقطه دارد) ۹- س، ق، آ، پ، آ، که نابسته بر سرش پیرایه؛ ل، ن، و، ب: که بایسته بر تنش (لن: بر سرش) پیرایه؛ لی: زگوان ورا برترین پایه (=۱۱۴)؛ ل، آ: کیا (→ که نا) بسته بر سرش پیرایه؛ متن= ف، ل، ق (ونیز ل، آ) ۱۰- ل، ن، لی: نالید؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۱- پ: خون برگ نار؛ ف پس از این بیت افزوده است:

که ای نامور مرد با مهر و داد  
 ز کردار این شاه بیدادگسر  
 یکی عاجزم مانده بی پای و پر

۱۲- ف: بمزدمن این؛ متن= یازده دستویس دیگر (ونیز ل، آ، ل، ن، آ) ۱۳- پ: اگر؛ آ: دگر ۱۴- ف، ل، ق، آ، پ، و، آ، ب: باره (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ س، ل، ن، ل، آ: باره؛ ق: مایه ۱۵- آ: خوانی ۱۶- و: دل ۱۷- س، ق، و، ب: بدانجت؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۸- ق: پرستنده بیشه گاو؛ آ: پرستنده بیشه وان گاو؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۹- ل، ل، ن، ق، در؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۰- ف: پذیرفته؛ ل: پرستنده؛ متن= ده دستویس دیگر (ونیز ل، آ، ل، ن، آ) ۲۱- ل: بند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ل، ن، ق، آ، پ: بند؛ متن= ف، ل، و، آ، ل، آ، ب ۲۲- س: بی؛ ل، ق، این بیت را ندارند، ولی در ق، اترادر کناره افزوده اند ۲۳- ل: سه سالش همی دادزان؛ متن= یازده دستویس دیگر ۲۴- آ: دار ۲۵- پ، و، آ: هشیار ۲۶- ل: هشیار بیدار زنهارگیر؛ ب: همی داد تا گشت فرمان پذیر؛ متن= ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، ل، آ ۲۷- لن: بشد؛ و: بشد (حرف یکم نقطه ندارد) ۲۸- آ: شیر ۲۹- ف، ل، س، ق، آ، پ، آ: گفت وگویی؛ متن= ل، ن، و، آ، ل، آ، ب (ونیز ل، آ، ل، ن، آ) ۳۰- ف، ل: جست وجوی؛ س، ق، آ، پ، آ: شد از گاو (ق، آ: < > آن بیشه (پ: زبیشه) برجست وجوی (آ: جست وجو) پساوند نادرست است))؛ ق: شد از کار گیتی برجست وجوی؛ در ل، ن، این ل، ت، پاک شده است؛ متن= لی، و، ل، آ، ب (ونیز ل، آ، ل، ن، آ) ۳۱- در ل، ن، این ل، ت، پاک شده است ۳۲- ق: بر از؛ در ل، ن، ل، ت، یکم این بیت پاک شده است و ل، ت، دوم در جای ل، ت، یکم آمده است ۳۳- ف: وزان؛ ل، لی: کزین؛ در ل، ن، این ل، ت، پاک شده است؛ متن= هشت دستویس دیگر (ونیز ل، آ، ل، ن، آ)

- بیرم بی از خاک جادوستان  
شوم با پسر سوی هندوستان  
۱۴۰ شوم ناپدید از میان گروه
- بیاورد فرزند را چون نوند  
یکی مرد دینی بران<sup>۵</sup> کوه بود  
فرانک بدو گفت کای<sup>۶</sup> پاکدین  
بدان کین<sup>۹</sup> گرانمایه فرزند من  
۱۴۵ بیرد سر و تاج<sup>۱۱</sup> ضحاک را  
ترا بود باید نگهبان اوی<sup>۱۴</sup>  
پذیرفت<sup>۱۵</sup> فرزند او نیکمرد  
خبر شد<sup>۱۷</sup> به ضحاک یک<sup>۱۸</sup> روزگار  
بیامد از آن<sup>۲۱</sup> کینه چون پیل مست  
۱۵۰ جز آن هرچه<sup>۲۴</sup> دید اندرو<sup>۲۵</sup> چارپای  
سبک سوی خان فریدون<sup>۲۸</sup> شتافت  
به ایوان او آتش اندرفگند
- چو بگذشت بر آفریدون<sup>۳۲</sup> دوهشت  
بر مادر آمد پژوهید<sup>۳۴</sup> و گفت  
۱۵۵ بگویی مرا تا<sup>۳۵</sup> که بودم پدر؟  
چه گویم کیم، بر سر انجمن؟
- ز<sup>۳۳</sup> البرزکوه اندرآمد به دشت  
که بگشای بر من نهان از نهفت  
کیم من؟ به تخم از کدامین<sup>۳۶</sup> گهر؟  
یکی دانشی داستانی<sup>۳۷</sup> بزن

۱- لن: بدانم که از؛ لی: روم من ازین؛ ل: ل: بیرم ازین؛ متن = نه دستویس دیگر ۲- ف: شوم با پسر من؛ ل: شوم تا سر مرز؛ متن = ده دستویس دیگر (ونیز ل، لن) ۳- س، لن، ق، لی، پ، آل: مرین را بریم سوی (لن، ق، پ: تابه)؛ متن = ف، ل، ق، و، ب (ونیز ل، لن)؛ ف، ل، ق، لی (ونیز ل) پس از این بیت افزوده اند:

چو گفت این سخن خوبرخ را ببرد (لی: خوبرخ با پدر) زبس داغ (ل: درد) او (لی: از) خون دل می سترد (ق: بدل می فسرد)  
این بیت درهشت دستویس دیگر (ونیز در لن) نیست ۴- ل، ق: چو مرغان بران تیغ کوه بلند؛ متن = ده دستویس دیگر (ونیز ل، لن) ۵- ق، لی، پ: بدان؛ متن = نه دستویس دیگر ۶- س، آ: پر ۷- و: ای؛ آ: که ۸- ل، لی، و: ز؛ متن = نه دستویس دیگر ۹- لن: کان ۱۰- ق: نه ۱۱- ل: سر تاج؛ ب: سر ازبال؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۲- ق: سازد ۱۳- ب: کمرگاه ۱۴- ل، س، لی، آل: او؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۵- ل- پ، ل، آل: ب: پذیرفت؛ متن = ف، و، آ ۱۶- ق، و: برو ۱۷- لی: خبر برد ۱۸- ل، ق: بد؛ متن = ده دستویس دیگر (ونیز ل، لن) ۱۹- ف: برمایه (=برمایه)؛ ل، س، ق، لی: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ و، آل: ب: برمایه (حرف یکم سه نقطه دارد) ۲۰- لن، ق، آ، پ: ازان پیشه و گاو و آن مرغزار ۲۱- س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب: بیامد بر از؛ ل: بیامد بران؛ متن = ف، ل، ق ۲۲- ف: برمایه (=برمایه)؛ ل، س، لن، ق، آ، لی: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ و، آل: ب: برمایه (حرف یکم سه نقطه دارد) ۲۳- لی: ست (بسانند ندارد) ۲۴- ل- پ، آل: همه هرچه (ل، ق: هرچ)؛ و: جز او هرچه؛ ب: همان هرچه؛ متن = ف (ونیز لن) ۲۵- و: بود اندران ۲۶- پ: > و< ۲۷- ل: پردخت؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۸- و: سوی خانه آفریدون؛ آ: بیک سوی خان فریدون؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۹- لی: > و< ۳۰- ل، ق: زیبا؛ س، لن، ق، لی، پ، آل: ب: زیبا؛ متن = ف، و ۳۱- ق: اندر افکند ۳۲- ل: چو بگذشت ازان بر فریدون؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۳- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: از؛ متن = ف، ل، ق، و، ل: برخی از دستویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، س، لن، لی، پ، و: پرسیدن فریدون (س، و: شاه فریدون) نژاد خود را از مادر؛ ق: پرسیدن فریدون از مادر نژاد خود را؛ ق: سؤال فریدون نژاد خود از مادر؛ ل: پرسیدن فریدون از مادر خبر پدر؛ ب: بازجستن فریدون نژاد خود را ۳۴- و: پرسید ۳۵- ل- پ، آل: ب: بگو مرا تا؛ و (ونیز لن): نگویی مرا تا؛ آ: بگو تا مرا خود؛ متن = ف (ونیز ل) ۳۶- ل، ق، لی، و، ل: ز تخم کدامین؛ آ: ز تخم از کدامین؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ، ب (ونیز ل) ۳۷- ل، ق: داستانم؛ متن = ده دستویس دیگر

بگویم ترا هرچه گفتمی<sup>۱</sup> بگوی  
 یکی مرد بُد نام او آبتین  
 خردمند و<sup>۲</sup> گرد و<sup>۳</sup> بی آزار<sup>۴</sup> بود  
 پدر بر پدر بر همی داشت یاد  
 بُد روز روشن مرا جز بدوی  
 ز<sup>۵</sup> ایران به جان تو یازید دست  
 چه مایه به بد<sup>۶</sup> روز بگذاشتم  
 فدا کرد<sup>۷</sup> پیش تو روشن روان  
 که کس را نه زان بیشه<sup>۸</sup> اندیشه‌یی  
 سراپای نیرنگ و رنگ و نگار<sup>۹</sup>  
 نشسته به پیش اندرون<sup>۱۰</sup> شاه‌فش  
 همی پروریدت به‌بربر به ناز<sup>۱۱</sup>  
 برافراختی<sup>۱۲</sup> چون دلاور پلنگ<sup>۱۳</sup>  
 یکایک<sup>۱۴</sup> خبر شد بر<sup>۱۵</sup> شهریار  
 چنان بی‌زبان مهربان<sup>۱۶</sup> دایه را  
 برآورد و<sup>۱۷</sup> کرد آن<sup>۱۸</sup> بلندی مَفاک

فرانك بدو گفت کای<sup>۱</sup> نامجوی  
 تو بشناس کز مرز ایران زمین  
 ز تخم کیان بود و بیدار بود  
 ز<sup>۲</sup> طهمورت<sup>۳</sup> گرد بودش نژاد  
 پدر بُد ترا، مرمرا<sup>۴</sup> نیک شوی  
 چنان بُد که ضحاک جادوپرست  
 ازو من نهانت<sup>۵</sup> همی داشتم  
 پدرت آن گرانمایه مرد جوان  
 سرانجام رفتم سوی<sup>۶</sup> بیشه‌یی  
 یکی گاو دیدم چو باغ<sup>۷</sup> بهار  
 نگهبان او پای<sup>۸</sup> کرده به کش  
 بدو<sup>۹</sup> دادمت روزگاری دراز<sup>۱۰</sup>  
 ز پستان آن گاو طاوس رنگ  
 سرانجام از آن<sup>۱۱</sup> گاو و آن<sup>۱۲</sup> مرغزار  
 پیامد بکشت آن گرانمایه را  
 و<sup>۱۳</sup> ز<sup>۱۴</sup> ایوان ما تا به خورشید خاک

۱- پ، و: ای ۲- ل: دانی ۳- آ: <و> ۴- ق: گردی ۵- لی: جهاندار ۶- ل، ق، ق، آ، لی، و- ب: طهمورث (باسه نقطه)؛ س: طهمورث (نقطه ندارد)؛ متن= ف، لن، پ؛ در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۷- ل، س، پ، و: ترا و مرا؛ متن= هشت دستویس دیگر؛ در ف این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۸- ل- ب: از؛ متن= ف؛ لی پس از این بیت افزوده است:  
 به ضحاک گفتش ستاره شمر  
 که روز تو آرد فریدون بسر  
 ۹- ق: ازویت نهانی ۱۰- لی: بدو؛ ل این بیت را دوباره نوشته است ۱۱- ل، لن، ب: فدای کرد (ل: کرده)؛ س، لن، ق: ب (ونیز ل، لن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

ایرکتف (و: دوش) ضحاک جادو (و: تازی) دومار  
 برُست و برآمد ز مردم دمار  
 لن، ق، آ، پ، و: برست و برآورد از (و: ز) ایران دمار  
 همان (پ، و: مران) ازدهارا خورش ساختند  
 سر بابت از مغز پرداختند  
 این دو بیت در ف، ل، ق نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده‌اند؛ بنداری نیز این دو بیت و یاد دست کم بیت دوم را دارد: وَأَنَّ الضحاک فذقله، وَأطعم  
 دماغه الحیتین النابتین علی کاهلیه؛ ب پس از این دو بیت افزوده است:

بکشت آن گرانمایه را خوار خوار  
 تبه کرد بر ما چنین روزگار  
 ۱۲- ق: بر ۱۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: که کس را نبه هیچ؛ متن= ف، ل، ق، و ۱۴- ل: خورم؛ س- پ، آ، ل: خرم؛ متن= ف، و، ب  
 ۱۵- ل: رنگ بهار (پسانند ندارد)؛ پ: سراپای او پر ز رنگ و نگار؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۶- ل: دست؛ متن= یازده دستویس دیگر (ونیز ل، لن، آ)  
 ۱۷- ل، و، ل (ونیز ل، لن، آ): نشسته به بیشه درون؛ ق: پیش اندرون<ن>؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۸- لن: برو ۱۹- آ: دادم  
 از روزگار دراز ۲۰- لی: بعز و بناز؛ ل: ببر بر نیاز؛ و: ببر بر همی پروریدت بناز؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۱- س: برآوختی؛ آ: برافراخته ۲۲-  
 س- پ، ب: نهنگ؛ متن= ف، ل، و، آ، ل ۲۳- ق، ق، آ، ل: زان؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۴- ل، لی: گاو آن؛ ق، آ، ل: گاو و زان؛ متن= هشت  
 دستویس دیگر ۲۵- ق: که يك بك ۲۶- ل- پ، آ، ب: سوی؛ متن= ف، و، ل (ونیز ل، لن، آ)؛ ل- ب (ونیز ل، لن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:  
 زیبیشه ببردم ترا ناگهان  
 گریزان از (لن، پ، و: ز) ایوان وز (س، و: ب: از) خان رمان  
 ل، ق: گریزنده ز ایوان وز (ق: از) خان رمان لی، ل، آ: بریدم (ل: گرختم) زایران (ل: ایوان) و از خان و مان؛ این بیت در ف نیست ۲۷- ق: چنان  
 مهربان بی زبان؛ و: چنان با وفا مهربان؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۸- لی، و: از ۲۹- پ: <و> ۳۰- س، ق، آ، لی، و، آ: از؛ متن= هفت  
 دستویس دیگر

ز گفتار مادر برآمد بجوش  
به ابرو<sup>۳</sup> ز خشم اندرآورد چین  
نگردد مگر بازمایش<sup>۴</sup> دلیر  
مرا برد باید به شمشیر دست  
برآرم از<sup>۵</sup> ایوان ضحاک خاک

ترا با جهان سربسره پای نیست  
میان بسته فرمان<sup>۶</sup> او را سپاه  
کمر بسته او را کند کارزار  
جهان را به چشم جوانی مبین  
به گیتی جز از خویشتن را<sup>۱۱</sup> ندید  
ترا روز جز شاد و خرم<sup>۱۲</sup> مباد

فریدون برآشفست و<sup>۱</sup> بگشاد گوش  
دلش گشت پردرد و سر<sup>۲</sup> پر ز کین  
چنین داد پاسخ به مادر که شیر  
کنون کردنی کرد جادوپرست  
پیوم به فرمان یزدان پاک

بدو گفت مادر که این رای نیست  
جهاندار ضحاک با تاج<sup>۷</sup> و گاه  
چو خواهد، ز هر<sup>۹</sup> کشوری صد هزار  
جزاینست آیین و پیوند کین<sup>۱۰</sup>  
که هر کو<sup>۱۱</sup> نبید جوانی چشید  
بدان مستی اندر دهد سر بیاد

### گفتار اندر داستان کاوهی آهنگر باضحاک تازی<sup>۱۴</sup>

به نام<sup>۱۴</sup> فریدون گشادی دو لب  
شد از آفریدون دلش<sup>۱۸</sup> پر نهیب

نهاده سربسر<sup>۱۹</sup> ز پیروزه تاج  
که در پادشاهی کند پشت راست  
که ای پرهنر نامور<sup>۲۲</sup> بخردان<sup>۲۱</sup>  
که بر بخردان<sup>۲۴</sup> این سخن روشن ست

چنان بُد که ضحاک را<sup>۱۵</sup> روز و شب  
بران<sup>۱۷</sup> بُرزبالا ز بیم نشیب

چنان بُد که يك روز بر تخت عاج  
ز هر کشوری مهتران<sup>۲۰</sup> را بخواست  
از آن<sup>۲۱</sup> پس چنین گفت با موبدان  
مرا در نهانی یکی دشمن ست

۱- ل: فریدون چو بشنید؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲- لن، پ: دلش پر زرد و سرش ۳- ق، ۲، پ: برابر؛ آ این بیت و دو بیت پیش از آنرا دوبار نوشته است ۴- ل، و: زازمایش؛ لن، ق، ۲، پ: بازمودن؛ متن = هفت دستویس دیگر ۵- ل، لن، ق، لی، پ، و، ب: ز؛ متن = ف، س، ق، ۱، ل، ۲، ۶- ق: جهان را سراسر ترا ۷- پ: تخت ۸- لن، ق، ۲، پ، و: کمر بسته فرمان؛ ق: فرمان میان بیه؛ متن = هفت دستویس دیگر ۹- ل: چو خواند زهر؛ ب: چو او خواهد از؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۰- ل، لی، ل، ۲: پیوند و کین؛ و: چنین است آیین و پیمان دین؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۱- ا: که ۱۲- ف (ونیز ل ۲): کس؛ متن = یازده دستویس دیگر (ونیز لن ۲) ۱۳- ل: خورم ۱۴- ف: گفتار اندر داستان کاوه آهنگر باضحاک تازی و محضر نشستن ضحاک و دریدن کاوه آن محضر را و رفتن بطلب آفریدون؛ ل، ق، ق، ۲، لی، ب: داستان کاوه آهنگر باضحاک (ق: ضحاک تازی)؛ س: داستان کاوه آهنگر باضحاک از پهر پیران؛ لن: داستان کاوه باضحاک تازی؛ پ، و: داستان ضحاک با کاوه آهنگر؛ ل ۲: محضر کردن ضحاک از خوف آفریدون؛ آسرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۱۵- س- پ، آ، ل ۲: خود؛ و: در؛ متن = ف، ل، ق، ب ۱۶- س، لن، ق، ۲- ا: یاد؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۲، ب ۱۷- س، لن، لی- ل ۲: بدان؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، ق، ۲، ب ۱۸- ل، س، لی، آ، ب: شده ز آفریدون (لی: از فریدون) دلش؛ لن، ق، ۲، لی: دلش ز آفریدون (ق ۲: از فریدون) شده؛ متن = ف، و، ل ۱۹- ف: سر بر نهاده؛ متن = یازده دستویس دیگر (ونیز ل ۲، لن ۲) ۲۰- ب: موبدی؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بزرگان فرزانه را گرد کرد  
۲۱- ب: وزان ۲۲- ل، س، لن، ق، ۲، لی، آ، ل ۲، ب: پرهنر باگهر؛ ق: باگهر پرهنر؛ متن = ف، پ، و ۲۳- لن: مهتران ۲۴- ل ۲: مهتران؛ ف، ل، لی (ونیز ل ۲) پس از این بیت سه بیت؛ و ق نهایت یکم را افزوده اند:

گوی بدنزادی (ق: کی نژادی؛ لی: برنژاد) دلیر و سترگ  
درین کار موبد ز دشمنان داستان  
لی: چنین گفت موبد به پیش گوان  
نیایدت (= بیایدت) او را به پی بر سپرد  
لی: مرورا بنادان نباید شمرد

به سال اندکی و (ق: اندک آمد) به دانش بزرگ  
اگرچه بسال اندکی (ل: اندک ای؛ لی: اندکست) راستان (لی: این جوان)

که دشمن اگرچه بود خوار و خرد

۱۹۰ ندارم همی دشمن خرد خوار  
همی زین فزون بایدم لشکری  
یکی لشکری خواهم انگیختن  
بباید بدین<sup>۵</sup> بود همداستان  
یکی محضر اکنون بباید نبشت<sup>۸</sup>  
۱۹۵ نگوید<sup>۱۱</sup> سخن جز همه راستی

ز بیم سپهبد همه راستان  
بدان<sup>۱۲</sup> محضر ازدها ناگزیر<sup>۱۳</sup>  
همانگه یکایک<sup>۱۵</sup> ز درگاه شاه  
ستم دیده را پیش او<sup>۱۶</sup> خواندند  
۲۰۰ بدو گفت مهتر به روی دژم  
خروشید و زد دست بر سر ز شاه  
یکی بی زیان<sup>۱۹</sup> مرد آهنگرم

۱- ق این بیت را ندارد، ولی انرا در کناره افزوده اند؛ ل پس از این بیت و ق پس از بیت ۱۸۹ پ افزوده اند:  
بترسم که گیرد بمن بر جهان کند مرمر را ناپدید او نهان  
ق: کند مرمر از سفر خروان؛

در لن پس از بیت ۱۹۰ بیت ۱۹۴ آمده است ۲- لن: هم از مرد مردم (وزن نادرست است) ۳- لن، ل، ۲: دیو و ۴- س، لن: برآویختن؛ ق: برانگیختن؛ متن= نه دستوس دیگر ۵- لن، ق، ۲- ل: برین؛ متن= ف، ل، س، ق، ب ۶- ف: که من دل بیتم؛ ل، ق: که فردا نشیم؛ لن: که من ناشنوم؛ لی: که بس ناشکیم؛ پ: که من ناشکیم؛ و: که من دانشی ام؛ ل: که ناید شکیم؛ متن= س، ق، ۲، آ، ب ۷- لن: درین؛ س، ق، ۲: ازین؛ پ، و: برین؛ متن= هفت دستوس دیگر ۸- ل، ل، س، ق، ۲، پ، و، آ، ب: نوشت؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، لن، ل ۹- و: که ضحاک جز تخم نیکی نکشت؛ در لن، پ این بیت پس از بیت ۱۹۰ آمده است ۱۰- لن: نگویم؛ لی این بیت را ندارد؛ در لن لت دوم این بیت پاک شده است ۱۱- ل: بران؛ در لن لت یکم این بیت پاک شده است؛ لی این بیت را ندارد ۱۲- ل، ل، ۲: بران؛ س، لن، ق، ۲، لی، پ، و: دران؛ متن= ف، ق، آ، ب ۱۳- آ: ازدهای گزیر ۱۴- ل، ق، پ، و، آ: نوشتند؛ در لن این لت پاک شده است؛ متن= ف، س، ق، ۲، لی، ل، ۲، ب ۱۵- و: یکایک همانگه؛ در لن این لت پاک شده است ۱۶- ق: خود؛ س، لی، آ، ل، ۲: وی؛ متن= هفت دستوس دیگر ۱۷- ق: داری؛ آ: که بر گوی که تا از که دیدی (وزن نادرست است) ۱۸- پس از این بیت ف، س، لن، ق، ۲، لی، پ بیت هایی افزوده اند؛ این بیت ها در ل، ق، و، آ، ل، ۲، ب (و نیز در ل، ۲، لن<sup>۲</sup> و ترجمه بنداری) نیست، ولی در ق (و نیز در ل<sup>۲</sup>) آنها را در کناره افزوده اند؛ یایی بیت ها به پیروی از ف است؛ یایی آنها در س، لن، ق، ۲، لی، پ چنین است: 1, 2, 3, 4, 6, 10- (بیت 5 را ندارند):

همی نالم از تو به رنج روان  
ببفرزاید ای شاه مقدر تو  
به فرزند من دست بردن (لی: بردی) چرا  
که سوزان شود هر زمانم جگر (لن: 13 ب)  
شد از روز پندوحه اموخته  
بفرزند باشد بی آزار و درد (لی: ورا دستگیر)  
ف: به فرزند نازد نه از دار و برد

دلسی پرامید و سری پر زبرد (ف: گرد)  
به گیتی چو فرزند پیوند نیست  
ف: یک قول با من تو شاها بیست

همیدون ستم را بهانه بود (لی: نبود)  
که بر من سگالی بد روزگار  
زند بر دلم (لی: زنی بر سرم) هر زمان بیشتر  
وگر بی گناهم بهانه مجوی  
مبفرزای بر خوبستن دردمر

۱۹- ل، ق، ۲، لی، آ، ل، ۲: بی زبان؛ س: بی زبان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ و: بر زیان؛ متن= ف، لن، ق، پ، ب

بنده داد من کامد ستم (ق: آمد ستم) دوان  
اگر داد دادن بود کار تو  
ستم گردناری تو بر من روا (ف، س: بر ماروا؛ لی: تو فرمان روا)  
ببخشای بر من (ف: ببخشایش دل) یکی درنگر  
۵ پدر چون به فرزند شد سوخته  
زگشت جهان (ف: جوان) چون شود پیر مرد (لی: مرد پیر)

مرازو زگاری این (لن: روزگارم؛ پ: روزگاری) چنین کوز (س، لی: کور) کرد  
جوانی نمائندست و (لن، لی: < >) فرزند نیست

ستم رامیان و کرانه (ف: کران و میانه) بود (لی: نبود)  
۱۰ بهانه چه داری تو بر من بیار  
ز تو بر من آمد (لن، پ: آید) ستم بیشتر  
شها من چه کردم یکی بازگویی  
به حال من ای تاجور درنگر

بیاید زدن داستان<sup>۲</sup>، آوری<sup>۲</sup>  
چرا<sup>۵</sup> رنج و سختی همه بهر ماست  
بدان تا جهان ماند اندر شگفت  
که نوبت ز گیتی به من<sup>۱۰</sup> چون رسید  
همی داد باید ز هر<sup>۱۱</sup> انجمن

شگفت آمدش کان<sup>۱۲</sup> سخن ها شنید<sup>۱۳</sup>  
به خوبی بجستند<sup>۱۵</sup> پیوند اوی<sup>۱۴</sup>  
که باشد بدان<sup>۱۷</sup> محضر اندر گوا  
سبک سوی<sup>۱۸</sup> پیران آن کشورش  
بریده دل از ترس گیهان خدیو  
سپردید دل ها<sup>۲۲</sup> به گفتار اوی  
نه هرگز براندیشم<sup>۲۳</sup> از پادشا<sup>۲۴</sup>  
بدریدو بسپرد<sup>۲۶</sup> محضر به<sup>۲۷</sup> پای  
ز<sup>۲۹</sup> ایوان برون شد خروشان به کوی<sup>۳۰</sup>

که ای نامور<sup>۳۲</sup> شهریار زمین  
نیارد گذشتن به روز نبرد  
بسان همالان کند سرخ روی  
بدرد، پیچد ز فرمان تو

تو شاهی وگرا<sup>۱</sup> ازدها پیکری؟  
اگر<sup>۲</sup> هفت کشور به شاهی تراست  
شماریت<sup>۶</sup> با من<sup>۷</sup> بیاید<sup>۸</sup> گرفت  
مگر<sup>۹</sup> کز شمار تو آید پدید  
که مارانت را مغز فرزند من

سپهبد به گفتار او بنگرید  
بدو باز دادند فرزند اوی<sup>۱۴</sup>  
بفرمود پس<sup>۱۶</sup> کاوه را پادشا

چو برخواند کاوه همه محضرش  
خروشید<sup>۱۹</sup> کای پایمردان دیو  
همه سوی دوزخ نهادید<sup>۲۱</sup> روی  
نباشم بدین محضر اندر گوا  
خروشید<sup>۲۵</sup> و برجست لرزان ز جای  
گرانمایه فرزند او پیش اوی<sup>۲۸</sup>

مهان<sup>۳۱</sup> شاه را خواندند آفرین  
ز چرخ فلک<sup>۳۳</sup> بر سرت باد سرد  
چرا پیش تو کاوهی خام گوی  
همی<sup>۳۴</sup> محضر ما به پیمان<sup>۳۵</sup> تو

- ۱- س، لن، ل، ۲: تو شاهی اگر؛ ب: تو شاها اگر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- ل، پ، ل، ۲: ب: بیاید زد این داستان؛ س، و، آ: بیاید بدین (و: برین) داستان؛ متن = ف ۳- لن، ق، ۲: ب: داورى؛ متن = ف، ل، س، ق ۴- ل: که گر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵- ق: ز تو ۶- ل: شمارید ۷- س: بر من ۸- لی: نیاید ۹- لی: نگر ۱۰- ق، ل، ۲: ب: بگیتی بمن؛ لی: بفرزند من؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۱- لن، ق، ۲: و: بهر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۲- و: کین ۱۳- س، لن، لی، پ، آ: شگفتی بدید؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، ۲: ب ۱۴- ل، س، آل: او؛ لی: را؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = ف، لن، ق، پ، و، ب ۱۵- لن: بختد پرمایه؛ ف پس از این بیت دو بیت افزوده است: پس او را بفرمود شاه جهان چو خطها بدادند پیران همه برانان که فرمود شاه رمه ۱۶- ل، ق، و: مر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۷- ل: بران؛ ف پس از این بیت افزوده است: که کوتاه شد دست شاه از بدی نپوید بکزی و نابخردی ۱۸- ف: همی (→ غمی) شد؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است: چو آگه شد از گفته شهریار برافست از آن کاوه نامدار ۱۹- ف: چنین گفت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- لی: نیو؛ و: کای پاک مزدور دیو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱- ق: نهادند؛ آل، ل، ۲: ب: نهادیت؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۲- ل، ق: دل را؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- ق: نیندیشم هرگز من؛ لی: نه هرگز بیندیشم ۲۴- و: از خشم شاه ۲۵- ل: چو خورشید (!) ۲۶- لی، آ: بترد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- آ: ز ۲۸- ل، آ، ب: او؛ لی: فرزند پیش او اوی (وزن نادرست است) ۲۹- س: از ۳۰- ف: خروشان برون شد زخانه بکوی؛ و: خروشان زایوان برون شد بکو؛ آ: از ایوان بدر شد خروشان بکو؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۱- ل: همان ۳۲- ق: نامبردار ۳۳- و: برین ۳۴- ل- آ: همه؛ ل: همین؛ متن = ف، ب ۳۵- ل، و: ما و پیمان؛ آ: ما بدیوان؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده اند: سر (ق: بر) و دل پر از کینه کرد و برفت نزدیم از این کارما (ق: با) صعب (ب: سخت) تر بماندیم خیره بدین (پ: برین) کار در این بیت ها در ف، ل، ق، و، ل (و نیز در ل، لن، آ) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند

که از من<sup>۱</sup> شِگفتی بیاید شُود  
 دو گوش من آواز<sup>۲</sup> او را شنید  
 یکی کوه گفتی ز آهن<sup>۳</sup> برُست  
 شِگفتی مرا در دل آمد شکست<sup>۴</sup>  
 که راز<sup>۵</sup> سپهری ندانست کس

برو<sup>۱۱</sup> انجمن گشت بازارگاه  
 جهان را سراسر<sup>۱۳</sup> سوی داد خواند<sup>۱۲</sup>  
 پوشند هنگام زخم درای  
 همانگه ز بازار برخاست گرد  
 که ای نامداران یزدان پرست<sup>۱۷</sup>  
 سر<sup>۱۸</sup> از بند ضحاک بیرون کند  
 جهان آفرین را به دل دشمن ست  
 سپاهی<sup>۱۱</sup> برو<sup>۱۲</sup> انجمن شد نه خرد  
 سر اندر کشید و<sup>۱۴</sup> همی رفت راست  
 بدیدندش از دور و<sup>۱۵</sup> برخاست عو<sup>۱۶</sup>  
 به نیکی یکی اختر افگند بی

کی<sup>۱</sup> نامور پاسخ آورد زود  
 که چون کاوه آمد ز درگه<sup>۲</sup> پدید  
 میان من و او ز<sup>۵</sup> ایوان درست  
 همیدون چنوزد به سربر<sup>۷</sup> دو دست  
 ۲۲۵ ندانم چه شاید بدن زین سپس

چو کاوه برون شد ز درگاه شاه  
 همی برخروشید و فریاد خواند<sup>۱۲</sup>  
 از آن چرم کاهنگران<sup>۱۴</sup> پشت پای<sup>۱۵</sup>  
 همان کاوه<sup>۱۶</sup> آن بر سر نیزه کرد  
 ۲۳۰ خروشان همی رفت نیزه بدست  
 کسی کو هوای فریدون کند  
 پیوید، کین<sup>۱۹</sup> مهتر آهرمن ست  
 همی رفت پیش<sup>۲۰</sup> اندرون مرد گرد  
 بدانست خود<sup>۲۳</sup> کافریدون که جاست  
 ۲۳۵ بیامد به درگاه سالار نو  
 چُن<sup>۲۷</sup> آن پوست<sup>۲۸</sup> برنیزه بر دیدگی

۱- آ: شه ۲- ل: که این را: در س، لی، و، آ، ل، ب، پس از این بیت بیت ۲۲۳ آمده است: در لن، ق، آ، پ پس از این بیت، بیت های ۲۲۴ و ۲۲۵ و سپس بیت ۲۲۲ آمده است ۳- ل: کاوه از درگه آمد: ف این بیت را ندارد: متن= ده دستویس دیگر ۴- و، ب: آوای: متن= نه دستویس دیگر ۵- س: از ۶- ل: توگفتی یکی کوه آهن: ق، و: توگویی (و: گفتی) یکی کوه آتش: س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: یکی آهنین کوه از ایوان (س، لی: کوه گفتی: آ، ل، ب: کوه گویی): پ: یکی کوه آهن توگفتی: متن= ف: ف پس از این بیت بیت زیر را افزوده است که در س، لی، و، آ، ل (و نیز در ل، ل، ل) پس از بیت ۲۲۱ آمده است:

به پیران کشور چنین گفت شاه  
 که ترسم که شد (ب: شود) روز بر من (و، آ، ب: روز روشن) سیاه  
 لی، ل: که بر من شد این روز روشن سیاه

این بیت در ل، ق، لن، ق، آ، پ نیست، ولی گوید بنداری یز آنرا داشته است: ولعل شمس دولتی قد آذنت بالغروب ۷- س، لن، لی، ب، آ، ل، ب: چو او زد بر بر (لن، لی: برهن): ق، و: چو آورد بر سر: ل این بیت را ندارد: متن= ف ۸- ل: دو دست (پاوند ندارد) ۹- آ: رازی: در لن، ق، آ، پ پس از این بیت بیت های ۲۲۲ و ۲۲۳ و سپس بیت ۲۲۶ آمده است ۱۰- لن، ق، آ، پ: برون آمد از پیش شاه: متن= نه دستویس دیگر ۱۱- لی: بدو ۱۲- ق: کرد ۱۳- لی: سراسر جهان را ۱۴- ل: بدان چرم آهنگران ۱۵- و: دست و پای ۱۶- ق: همی کاوه: و: همانگاه: متن= ده دستویس دیگر ۱۷- ق: نیزه پرست (!) ۱۸- ل: دل ۱۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل: بگوید که این: متن= ف، ل، ق، و، آ، ب: در ق، ل: های این بیت پس و پیش شده اند: س پس از این بیت افزوده است:

بر آن بی بها ناسزاوار پوست  
 بدید آمد آواز دشمن ز دوست  
 لی پس از بیت ۲۳۲ افزوده است:

یکایک بنزد فریدون شویم  
 بدان سایه و فر او بغنوبیم

۲۰- ف: همی شد پیش: متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ل) ۲۱- ل، ق: جهانی: متن= ده دستویس دیگر ۲۲- س: بوی ۲۳- ل، ق، آ، لی، پ، ل: ندانست خود: و: بدانسته: متن= ف، س، لن، ق، آ، ب ۲۴- ل: کشیده ۲۵- لی، آ، ب: < و: بدیدنش آنجاو: ق: بدیدند از دور و: ل: بدید آمد از دور و: متن= ف، ل، س، لن، پ، و ۲۶- ق، آ، ل، ب: غو: متن= نه دستویس دیگر ۲۷- ل- ب: چو: متن= ف ۲۸- ق: پو: متن=

ز گوهر برو پیکر و زرد بوم<sup>۲</sup>  
 یکی فال فرخ، بی افگند شاه  
 همی خواندش کاویانی درفش  
 به شاهی به سر برنهادی<sup>۷</sup> کلاه  
 برآویختی نوبنو<sup>۹</sup> گوهران  
 بران<sup>۱۰</sup> گونه گشت<sup>۱۱</sup> اختر کاویان  
 جهان را ازو دل پر<sup>۱۳</sup> اومید<sup>۱۴</sup> بود

همی بودنی داشت اندر نهان<sup>۱۵</sup>  
 جهان پیش ضحاك وارونه<sup>۱۹</sup> دید  
 به سر برنهاد<sup>۲۰</sup> کلاه کیان  
 ترا جز نیایش مباد ایچ کار  
 بدو زن<sup>۲۳</sup> بهر<sup>۲۴</sup> نیک و بد پاک دست<sup>۲۵</sup>  
 همی آفرین خواند بر داورش<sup>۲۷</sup>  
 سپردم ترا<sup>۲۸</sup> ای جهاندار من  
 پرداز گیتی ز نابخردان

سخن را ز هر کس نهفتن<sup>۳۱</sup> گرفت  
 ازو هر دو آزاده مهتر بسال<sup>۳۲</sup>  
 دگر نام برمایه<sup>۳۵</sup> شادکام

بیاراست آنرا به دیبای روم  
 بزد بر سر خویش چون گرد ماه  
 فرو هشت ازو<sup>۴</sup> سرخ و زرد و بنفش  
 ۲۴۰ از آن پس<sup>۵</sup> هر آنکس که بگرفت گاه  
 بران<sup>۸</sup> بی بها چرم آهنگران  
 ز دیبای پرمایه و پرنیان  
 که اندر شب تیره چون شید<sup>۱۲</sup> بود

بگشت اندرین نیز چندی جهان<sup>۱۵</sup>  
 ۲۴۵ فریدون چو<sup>۱۷</sup> گیتی بران<sup>۱۸</sup> گونه دید  
 سوی مادر آمد کمر بر میان  
 که من رفتنی ام سوی کارزار  
 ز گیتی<sup>۲۱</sup> جهان آفرین را پرست<sup>۲۲</sup>  
 فرو ریخت آب<sup>۲۶</sup> از مژه مادرش  
 ۲۵۰ به یزدان همی گفت: زنهار من  
 بگردان ز جانش نهیب بدان<sup>۲۹</sup>

فریدون سبک ساز رفتن<sup>۳۰</sup> گرفت  
 برادر دو بودش، دو فرخ همال  
 یکی بود ازیشان<sup>۳۳</sup> کتابونش نام<sup>۳۴</sup>

۱- لن، پ: پیکر از؛ آ: همه پیکرش گوهر و؛ متن = نه دستویس دیگر ۲- ل، ق، آ: زرد بوم؛ متن = نه دستویس دیگر ۳- درلی پس از این بیت بیت ۲۴۱ آمده است ۴- و: فرو هشته زو؛ ب: فرو هشت از آن؛ متن = ده دستویس دیگر ۵- ق، ق، آ: لی: زرد و سرخ و؛ متن = نه دستویس دیگر ۶- س، لی، آ، ل، ب: وزانپس؛ لن، ق: این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۷- ف، و: بر نهاد او؛ آ: به شاهی نهاد از بر سر؛ ل: بشاهی نهادی بر سر؛ متن = ل، س، ق، لی، پ، ب ۸- لی: بدان ۹- ق: بر آمیخت نونوبدو؛ و: همی ریختی نونو؛ متن = ده دستویس دیگر؛ درلی این بیت پس از بیت ۲۳۸ آمده است ۱۰- س، لی: بدان؛ آ: این بیت را ندارد ۱۱- ل، ق: شد؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۲- ل-ب(و نیز ل، لن، آ): خورشید؛ متن = ف ۱۳- لن، ق، آ، پ: ازو بیم و؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۴- ل-ب: امید؛ متن = ف ۱۵- آ: سپهر ۱۶- آ: بهر بودنی بر بکین و بمهر ۱۷- و: که ۱۸- س، لی: بدان ۱۹- ل: وازونه؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۰- آ: نهاد آن ۲۱- ق: بگیتی ۲۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل: جهان آفرین بر ترست؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۲۳- ل: ازو دان؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل: دروزن؛ متن = ف، ق، و، آ، ب ۲۴- آ: زهر ۲۵- ل: نیکی زورد دست؛ س، لن، ق، آ، لی، پ: نیک و بد هر دو دست؛ متن = ف، ق، و، آ، ل، ب ۲۶- ل، و: خون؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۷- ل-ب(و نیز ل، لن، آ): همی خواند با خون(آ: بادرده) دل داورش؛ متن = ف ۲۸- و: بتو ۲۹- ف، ل، ق، لی، و: بد جاودان؛ آ: بدی بدان؛ متن = س، لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب ۳۰- ل: سر برفتن؛ ق: فریدون ز هر کس نهفتن؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۱- ق: سبک رزم را ساز رفتن؛ ق: سخن را نهفتن ز هر کس(پساوند ندارد)؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۲- و: کهرت بسال؛ لی: ازو هر دو مهتر بمه و بسال؛ آ: از آن هر دو یک شاه کهرت بسال؛ ل: زوی هر دو مهتر بمه و بسال؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۳- ق، و، آ: از آن دو؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۴- ل، س، لن، ق، لی، پ، ب: کیانوش نام؛ ق: کیانوش(حرف های چهارم و ششم نقطه ندارند)؛ و: کابوش نام(حرف های دوم و چهارم نقطه ندارند)؛ آ: کابون بنام؛ متن = ف(کابونش نام(حرف دوم نقطه ندارد)) ۳۵- ف: برمایه و(برمایه و)؛ ل، س، ق، ق، آ، لی، ل: برمایه(حرف یکم يك نقطه دارد)؛ لن، و: برمایه(حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ، آ، ب: برمایه(حرف یکم سه نقطه دارد)



<p>۲۵۵ فریدون بدیشان<sup>۱</sup> سَخُن<sup>۲</sup> برگشاد که گردون نگرده بجز بر بهی<sup>۵</sup> بیارید<sup>۶</sup> داننده آهنگران چو بگشاد لب هر دو بشناختند<sup>۷</sup> هر آن کس کزان پیشه<sup>۸</sup> بد نامجوی جهانجوی پرگار بگرفت زود نگاری نگارید بر خاك<sup>۹</sup> پیش بدان<sup>۱۰</sup> دست بردند آهنگران به پیش جهانجوی<sup>۱۱</sup> بردند گرز پسند آمدش کار پولادگر<sup>۱۲</sup> بسی<sup>۱۳</sup> کردشان نیز<sup>۱۴</sup> فرخ امید<sup>۱۵</sup> که گر آژدها را کنم زیر خاك<sup>۱۶</sup> جهان را همه سوی داد آوریم<sup>۱۷</sup></p>	<p>که خرم<sup>۱</sup> زید ای دلیران و شاد<sup>۲</sup> به ما باز گردد کلاه مهی<sup>۳</sup> یکی گرز فرمای ما را<sup>۴</sup> گران به بازار آهنگران تاختند<sup>۵</sup> بسوی<sup>۶</sup> فریدون نهادند روی وزان گرز، پیکر بدیشان<sup>۷</sup> نمود همیدون بسان سر گاومیش چو شد ساخته کار گرز گران فروزان بکردار خورشید برز بیخشیدشان جامه و سیم و<sup>۸</sup> زر بسی دادشان<sup>۹</sup> مهتری را نوید<sup>۱۰</sup> بشویم شما را سر از گرد پاك<sup>۱۱</sup> چُن از<sup>۱۲</sup> نام<sup>۱۳</sup> دادار یاد آوریم<sup>۱۴</sup></p>
--	--

### گفتار اندر رفتن آفریدون به جنگ ضحاک<sup>۲۵</sup>

<p>فریدون<sup>۲۶</sup> به خورشیدبر برد<sup>۲۷</sup> سر برون رفت شادان<sup>۲۸</sup> به خرداد<sup>۲۹</sup> روز سپاه انجمن شد به درگاه اوی<sup>۳۰</sup> به پیلان گردون کش و گاومیش<sup>۳۱</sup></p>	<p>کمر تنگ بستش<sup>۳۲</sup> به کین پدر به نیک اختر و فال<sup>۳۳</sup> گیتی فروز به ابر اندرآمد سر گاه<sup>۳۴</sup> اوی<sup>۳۵</sup> سپه را همی توشه بردند پیش</p>
--	--

۱- ل، س، لن، ق، پ، و، ل، آ، ب: بریشان؛ متن= ف، ق، لی، آ ۲- ل: زبان؛ متن= یازده دستویس دیگر ۳- ل: خورم ۴- آ: که زید ای دلیران  
پرواز و شاد (وزن نادرست) ۵- آ: چو گردون همی بگذرد بر بهی؛ ل<sup>۱</sup> پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار در راست کردن آفریدون سلاح را ۶- ل: آ:  
بیازند ۷- ل، ق، و، ل: فرمود باید؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: سازید ما را؛ متن= ف ۸- لن، ق، آ: ل: بشتافتند؛ متن= ف، ل، س، ق، ب (در ف،  
ل، س حرف یکم نقطه ندارد) ۹- لن، ق، آ- و: آ: نافتند؛ متن= ف، ل، س، ق، ل، آ، ب ۱۰- لن، ق، آ، پ: از آن پیشه هر کس که؛ متن= نه دستویس  
دیگر ۱۱- ل: آ: بزد ۱۲- پ: بریشان؛ س: وزان پیکر بد (!) ۱۳- ل: بران؛ متن= یازده دستویس دیگر ۱۴- ل، ق: جهاندار؛ متن= ده  
دستویس دیگر ۱۵- لن، ق، آ، پ: فولادگر ۱۶- ب: < و >; در لن لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۷- پ: همی ۱۸- ق: دادشان نیز؛  
و، آ، ل: نیزشان کرد (و: داد)؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۹- ق: نوید ۲۰- ق: کردشان ۲۱- ق: امید ۲۲- لن، لی: آورم؛ ل، ق این بیت  
را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۳- س- و، ب: چوازه؛ ل: آ: چوان؛ متن= ف ۲۴- آ: داد ۲۵- گفتار  
اندر رفتن آفریدون بجنگ ضحاک و آمدن فریشته بدو و بگذشتن بر دجله بغداد به کشتی؛ س، لن، ق، لی، پ، ب: رفتن فریدون (س: شاه فریدون) بجنگ  
ضحاک (س، لن: ضحاک تازی)؛ ق: گفتار اندر رفتن فریدون برزم ضحاک؛ و: لشکر کشیدن شاه فریدون بجنگ ضحاک تازی؛ ل، آ، ل: سرنویس ندارند؛  
در ف، س سرنویس پس از بیت ۲۷۳ و در ب پس از بیت ۲۴۶ آمده است؛ متن= آغاز ف ۲۶- پ، آ: وزان پس ۲۷- ف: برده؛ متن= یازده دستویس  
دیگر ۲۸- ف، پ، آ، ب: بسته؛ متن= ل- لی، ل: در پ این بیت پس از بیت ۲۷۲ آمده است ۲۹- ل، ق: خرم؛ لن، پ: برون شد بشادی؛ متن=  
هشت دستویس دیگر ۳۰- ف: مرداد؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۱- ل: آ: سال ۳۲- ل، س، لی، آ، ل، آ، ب: او؛ لن، ق، آ، پ:  
بر؛ متن= ف، ق، و ۳۳- ف، و: سروگاه؛ متن= ده دستویس دیگر ۳۴- س، لن، ق، آ، پ: به پیلان گردون و گاوان میش؛ آ، ب: به پیلان گردنکش و  
(ب: < و >) گاومیش؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ل، آ (ل: < و >)

چو<sup>۴</sup> کهتر برادر<sup>۵</sup> ورا<sup>۶</sup> نیکخواه  
سری پر ز کینه، دلی پر ز داد<sup>۷</sup>

به جایی که یزدان پرستان بوند<sup>۹</sup>  
فرستاد نزدیک ایشان درود  
خرامان بیامد یکی نیکخواه  
بکردار حور بهشتیش روی<sup>۱۲</sup>  
نهانی بیامختش<sup>۱۳</sup> افسونگری  
گشاده به افسون کند ناپدید  
نه از راه بیکار و دست بدی ست<sup>۱۵</sup>  
که تن<sup>۱۶</sup> را جوان دید<sup>۱۷</sup> و دولت جوان  
یکی پاک خوان از در<sup>۲۰</sup> مهترش<sup>۲۱</sup>  
گران شد سرش، رای<sup>۲۳</sup> خواب آمدش

بدیدند و آن بخت<sup>۲۶</sup> بیدار اوی<sup>۲۵</sup>  
تبه کردندش را بیاراستند<sup>۲۸</sup>  
شده یک زمان از شب دیر یاز<sup>۳۰</sup>  
برادرش هر دو نهان از گروه

کتابون<sup>۱</sup> و برمایه<sup>۲</sup> بر دست شاه  
همی رفت منزل<sup>۳</sup> به منزل چو باد

رسیدند - بر تازیان نوند<sup>۸</sup>

۲۷۵ پس آمد بدان جای نیکان<sup>۱۱</sup> فرود  
چو شب تیره تر گشت<sup>۱۱</sup> از آن جایگاه  
فرو هشته از مُشک تا پای موی  
سوی مهتر آمد بان پری  
کجا<sup>۱۴</sup> بندها را بداند کلید  
۲۸۰ فریدون بدانست کان ایزدی ست  
شد از شادمانی رخس ارغوان  
خورش ها بیاراست<sup>۱۸</sup> خوالیگرش<sup>۱۹</sup>  
چو شد نوش خورده<sup>۲۱</sup>، شتاب آمدش

چو آن رفتن ایزدی کار<sup>۲۴</sup> اوی<sup>۲۵</sup>  
۲۸۵ برادرش هر دو برو خاستند<sup>۲۷</sup>  
به پایان که<sup>۲۹</sup> شاه خفته به ناز  
یکی سنگ<sup>۳۱</sup> بود از بر<sup>۳۲</sup> بُرز کوه<sup>۳۳</sup>

۱- ف: کتابوشن؛ ل- و، ل، آ، ب: کیانوش؛ متن= آ ۲- ف- ب: <و>؛ متن تصحیح قیاسی است ۳- ف: برمایه (=برمایه)؛ ل- لی: برمایه (حرف) یکم یک نقطه دارد)؛ ب، ا، ل، آ، ب: برمایه (حرف یکم سه نقطه ندارد)؛ و: برمایه (حرف یکم نقطه ندارد) ۴- ف: چه؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۵- ف، ل، و، ا، ل، آ: همان؛ ق: همه (و یا: بهم)؛ متن= س، ل، ق، آ، لی، پ، ب ۶- ل: ن: مهر ۷- ل: ن: باد (پساوند ندارد) ۸- س، ل، ق، آ، پ، ب: تازیانی نوند؛ ق: تازیان چون نوند؛ متن= ف، ل، لی، و، ا، ل، آ ۹- ل- و، ب: بدند؛ متن= ف، ا، ل، آ ۱۰- پ: نیکی ۱۱- ل: آ: چو شب گشت تیره ۱۲- س- و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، ل، ن) پس از این بیت افزوده اند:

سروشی بدان (لی، پ، ب: بدو؛ و: بدو؛ ل: آ: بران) آمده از بهشت که تا باز گوید بدو (ل: آ: بدان) خوب و زشت این بیت در ف، ل، ق، آنست، ولی در ق انزاد رکازه افزوده اند ۱۳- ل، ق، پ: نهانی بیاموختش؛ لی، و، ا: نهانش (لی: نهانی) بیاموخت؛ متن= ف، س، ل، ق، آ، ل، آ، ب ۱۴- ل- و، ل، آ، ب: که تا؛ متن= ف، آ ۱۵- س، ل، ق، آ، پ، ب: نه اهرمنی و نه کار بدیست؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۶- ق: خود ۱۷- ق: آ: بود ۱۸- و: خورش نغز اراست ۱۹- س، پ: خوالیگران ۲۰- و: از بر ۲۱- س، پ: مهتران ۲۲- ق: چو شد خورده را بر؛ پ: چو شد نوش کرده؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۳- س، ل، ق، آ، س: سوی؛ ق: زود؛ آ: را؛ و: متن= هفت دستنویس دیگر؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: قصه (→ فته) کار؛ ل: آ: جوان با فره گشت پیکار؛ متن= ف ۲۴- ل، س، ل، ق، آ، لی، پ، آ، ب: چو آن ایزدی رفتن و (س، ق، آ، ب: <و>) کار؛ ق، و: چو آن رفتن و ایزدی کار؛ ل: آ: جوان با فره گشت پیکار؛ متن= ف ۲۵- ف- ل، س، ا، ل، آ: او؛ متن= ق، آ، پ، و، ب ۲۶- آ: بدید آمد و بخت ۲۷- ل، ق، آ، ل، آ: برادرش هر دو برون خاستند (ق: بیخاستند؛ آ: بکین خاستند؛ ل: چو بر خاستند)؛ س، ل، ق، آ، پ، ب: برادرش را هر دو بر خاستند؛ لی، و: برادرش پس هر دو بر خاستند؛ متن= ف ۲۸- آ: تبه کردندش <را> برون ناخند ۲۹- س، ل، ق، آ، لی: بیابین که؛ پ: بیابین کفش؛ و، ب: بیابین که؛ ل: آ: بیابین آن؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق ۳۰- ق: شب تیره باز؛ در س، ل، ق، آ، لی، پ، ل: آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳۱- ف: جای؛ ل، س، ل، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: کوه؛ متن= ق، ق، آ، و ۳۲- ف، ل، س، ل، ق، آ، لی، پ، ل، آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ل، ق پس از این بیت و س، ل، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب پس از بیت ۲۸۶ و و پس از بیت ۲۸۸ افزوده اند:

به که بر شدند آن دو بیدادگر  
وزیشان نبد هیچ (ل: آ: ایچ) کسر را خبر

این بیت در ف، آ نیست؛ ل پس از این بیت یک دیگر هم افزوده است:

سرفتنند هر دو نهان از گروه  
بران برز بالای آن تیغ کوه

س، ل، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ، ب بجای این بیت زیر را افزوده اند که در ل، ق پس از بیت ۲۸۸ آمده است:

ز خارا بکنند سنگی (ل، ق: لختی) گران

ندیده مران (س، ل، ق، آ، پ، ب: ندیدند مر؛ و: ندیدند آن) کار بد را کران

این بیت در ف، آ نیست

دویدند بر کوه و کردند سنگ<sup>۱</sup> و زان<sup>۲</sup> کوه غلتان فرو گاشتند<sup>۳</sup>  
 ۲۹۰ به فرمان یزدان سر خفته مرد به افسون همان<sup>۴</sup> سنگ بر جای خویش همانگه<sup>۵</sup> کمر بست و<sup>۶</sup> اندر کشید به ارونند رود اندرآورد روی اگر پهلوانی ندانی<sup>۷</sup> زبان دگر<sup>۸</sup> منزل آن شاه آزاد مرد ۲۹۵  
 چو آمد بنزدیک ارونند رود که کشتی و زورق هم اندر شتاب<sup>۹</sup> نیاورد کشتی نگهبان رود بدان تا بگوید سرش<sup>۱۰</sup> بی درنگ مران خفته را کشته<sup>۱۱</sup> پنداشتند<sup>۱۲</sup> خروشیدن سنگ بیدار کرد بیست و نجنبید آن سنگ بیش<sup>۱۳</sup> نکرد آن سخن را<sup>۱۴</sup> بریشان<sup>۱۵</sup> پدید چنان چون بود شاه<sup>۱۶</sup> دیهم جوی به تازی تو ارونند را دجله خوان لب دجله و<sup>۱۷</sup> شهر<sup>۱۸</sup> بغداد کرد فرستاد زی رودبانان درود<sup>۱۹</sup> گذارید یکسر بدین<sup>۲۰</sup> روی آب نیامد به گفت<sup>۲۱</sup> فریدون فرود

۱- ل، ق: از آن کوه بالا بکندند سنگ؛ س، لن، ق، ل، پ، ل، ب: چو ایشان از آن کوه کردند سنگ؛ و: دویدند و از کوه کردند سنگ؛ آ: برفتند و زان کوه کردند سنگ، متن = ف ۳- ف: بدان تا بگویند سرش (وزن نادرست است)؛ ل: بدان تا بگوید سرش؛ آ: که کوبند از آن سرش را؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ آپس از این بیت افزوده است:

بکنند سنگی چو بکپاره کوه که شد گاو ماهی ز بارش ستوه

۳- ل، ق، آ: ازان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴- ف، و: فروگاشتند؛ ق، آ: همی داشتند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۵- ل، ق: مرده؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶- آ: انگاشتند ۷- ل: مران؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- س، لن، ق، ل، پ، و، ب: (وق در کناره) پس از این بیت افزوده اند:

برادر بدانست کان ایزدیت نه از راه بیکار و دست بدیست (= ۲۸۰)

آ بجای این بیت زیر را افزوده است:

بدید تن را ز سنگ گران گزید از گزارش (= گزارش) بزودی کران

۹- س، لن، ق، ل، پ، ب: فریدون؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل ۱۰- ل: <و> ۱۱- و: سخن ها ۱۲- س- پ، آ، ل، ب: بدیشان؛ متن = ف، ل، و؛ س، لن، ق، آ، و، ب (وق در کناره) پس از این بیت افزوده اند:

براند و بدش کاوه پیش سپاه برافراز راند او از آن جایگاه

لی: دلش پرز کینه ز ضحاک شاه

برافراشته کویانی درفش همایون همان خسروانی درفش

و پس از این بیت سرنویس دارد: گذشتن شاه فریدون از ارونند رود بی کشتی ۱۳- ل- پ: مرد؛ متن = ف، و- ب ۱۴- ل، آ، ب: بدانی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵- ف، ق، ل، آ: سوم؛ لی، و (و نیز لن): سیوم؛ آ (و نیز ل): دوم؛ متن = ل، س، لن، ق، آ، پ، ب ۱۶- آ: لب دجله را ۱۷- ب: شط ۱۸- در ق، آلت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ل، ق پس از این بیت و س، لن، ق، آ، ل، پ، ب پس از بیت ۲۹۷ دو بیت افزوده اند که در ف تنها بیت دوم آن پس از بیت ۲۹۷ آمده است و در و و آهیچک از آن دو بیت نیست:

بدان (ق: بدین) تازیان گفت پیروز (لی: فیروز) شاه که کشتی برافکن هم اکنون براه

ل: بدان رودبان گفت پیروز شاه

ق: بدان رودبانان چنین گفت شاه

از اینها (س: از آنها؛ لن: وزینها) کسی را بدین سو (پ: یکی را بدان سو) ممان مرا با سپاهم (ق: سپاهی) بدان سو رسان

۱۹- ق: که کشتی و آن زورق اندر شتاب؛ متن = ف، س، لن، لی- ب ۲۰- س، و: برین؛ لن: بدان؛ پ: بران؛ متن = ف، ق، آ، ل، آ، ل، ب؛ در ل، ق این بیت چنین آمده است:

بدان تا گذر بایم از (ق: که تا بگذرم من بدان) روی آب بکشتی و زورق هم اندر شتاب

پس از بیت ۲۹۷ در س، لن، ق، آ، ل، پ، ل، ب، دو بیت ۲۹۶ پ، و در ف تنها بیت دوم آن آمده اند

جزین<sup>۱</sup> گفت با من سَخُن<sup>۲</sup> در نِهان  
 جوازی نیابی به مُهری<sup>۵</sup> درست  
 از آن زُرف دریا نیامدش باک  
 بران<sup>۷</sup> باره<sup>۸</sup> شیردل<sup>۹</sup> برنشست  
 به آب اندرافگند گلرنگ<sup>۱۰</sup> را  
 همیدون به دریا نهادند سر  
 به آب اندرون غرقه کردند زین<sup>۱۲</sup>  
 ز تاسیدن<sup>۱۴</sup> بادپایان<sup>۱۵</sup> بر آب  
 به بیت المقدس نهادند روی  
 همی «کَنگ دِر هُوخت» ش<sup>۱۱</sup> خواندند  
 برآورده ایوان ضَحَاک دان<sup>۲۴</sup>  
 کزان<sup>۲۶</sup> شهر جوینده بهر آمدند  
 یکی کاخ دید اندر آن شهر، شاه<sup>۲۸</sup>  
 تو<sup>۲۹</sup> گفستی ستاره بخواهد<sup>۳۰</sup> پَسود<sup>۳۱</sup>

چنین داد پاسخ که شاه جهان  
 ۳۰۰ که مگذار يك پشه را، تا نُخست<sup>۱</sup>  
 فریدون چو بشنید شد خشمناک  
 به تندی میان کیانی بیست  
 سرش تیز شد کینه و جنگ را  
 بیستند یارانش یکسر کمر  
 بران<sup>۱۱</sup> بادپایان باآفرین  
 [سر سرکشان اندرآمد به خواب<sup>۱۲</sup>  
 به خشکی رسیدند<sup>۱۷</sup> سر<sup>۱۸</sup> کینه جوی<sup>۱۹</sup>  
 که<sup>۲۰</sup> بر پهلوانی زبان راندند  
 به تازی کنون<sup>۲۲</sup> «خانه‌ی پاک» خوان<sup>۲۳</sup>  
 ۳۱۰ چو از<sup>۲۵</sup> دشت نزدیک شهر آمدند  
 ز يك ميل کرد آفریدون نگاه<sup>۲۷</sup>  
 که ایوانش برتر ز کیوان نمود

۱- ق: ۲ به ۲- ل، س، لن، ق، پ، آل، ب: چنین؛ متن = ف، ق، و ۳- لی: سخن گفت با من بی؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: کشتی  
 خواستن فریدون از رودبانان و ابا کردن ۴- لن، ق، و، ل، ب: مرا (لی: بمن) گفت کشتی مران تا نخست؛ ق: که مگذار يك تن تو تا از نخست؛ آ:  
 که کشتی بدجله مرا > < تا نخست؛ متن = ف، ل ۵- ل: جوازی نیابی و مهری؛ س، لن، ق، لی: ب: جوازی نیابی به مهرم؛ ق: جوازی به مهرم  
 نیابی؛ متن = ف ۶- لی: وزان ۷- س، لن، ق، لی، پ: بدان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- س، لن، ق، پ، ل: تازی؛ متن = هفت دستنویس  
 دیگر ۹- ل، ق: تیزنگ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- آ: شیرنگ ۱۱- س، ق، ق، پ، ل، آ: بدان؛ لی: مران؛ ب: چنین؛ متن = ف، ل، لن، و،  
 آ ۱۲- ب: تر نکردند زین ۱۳- و: ز خواب؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۴- ف، ق، پ، آ، ب: تازیدن؛ ل: بازیدن؛ س:  
 نالیدن؛ لن: ناهیدن (!)؛ لی، ل، آ: نادیدن؛ و: ناییدن (حرف سوم نقطه ندارد، شاید: ناهیدن)؛ (ل: تازیدن؛ لن: ناسیدن، و یا: ناهیدن)؛ متن  
 تصحیح قیاسی است ۱۵- س، لن، ق، لی، و: چارپایان؛ متن = ف، ل، پ، آل، ب ۱۶- ل، س، لی، و: در آب؛ پ: باب؛ متن = ف، لن، ق، آ،  
 آل، ب؛ ف- پ، آل، ل، ب: پس از این بیت افزوده‌اند:

ف، ل، ق:

به آب اندرون تن بر آورد و (ل: > و) بال چو (ف: جن) اندر شب تیره بازی خیال  
 س، لن، ق، پ، آ، ل، ب:

به آب (س: بداب؛ پ: آ: ز آب) اندرون تن بر آورد و (س: بر آورده) بال

چنان چون شب تیره بازی (ق: اندر؛ پ: تار؛ ل: باری) خیال

لی: به آب اندرون تن بر آورده پاک چنان چون شب تیره بازی بخاک

۱۷- ل، ق: کشیدند؛ ل: رسیدند و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۸- ل، آ، ب: پس؛ لی: بر (و یا: هر)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۹- لی:  
 جنگجوی ۲۰- س، ق، ق، لی، پ: چو؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ در لن از این بیت تا بیت ۳۶۰ آغاز برخی از بیت ها به اندازه یکی دو واژه پاک  
 شده است، ولی هم از روند سخن و هم از راه سنجش با ق<sup>۱</sup> میتوان دید که متن پاک شده با متن ما برابر بوده است. پس از آن نیز چند بیتی پاک شده‌اند که  
 در جای خود یاد آوری خواهد شد. ۲۱- ف: هوحش؛ ل، ق: هودجش؛ س، لی: هوحش؛ لن، و، آ: هوحش (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ق:  
 هوحش (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل: هوحش؛ متن = پ، ب ۲۲- و: بتازی تراش؛ ب: به تازی همی؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس  
 دیگر ۲۳- ل، ق، و: پاک دان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۴- ف، س، ق: خوان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۵- س، ق، پ، ب: ازان؛ آ  
 این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- س، لن، ق، لی، پ، ل، آ: ازان؛ ب: وزان؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۷- ق: کردش فریدون نگاه؛  
 ل: کرد آفریدون بره؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- لن، ق، پ: یکی کاخ دید آفریدون ز راه (ق: پ: بره)؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۹- ل:  
 که؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰- ف، ل، آ: نخواهد؛ س، و، ل، آ: نخواهد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = لن- پ، ب ۳۱- ف، ل، لن، ق، آ، ب:  
 بود (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ س، ق، لی، پ، و، ل: ربود؛ در ف، ل، ق، و این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پیاپی این دو بیت به  
 پیروی از هشت دستنویس دیگر است

همه<sup>۲</sup> جای شادی و آرام<sup>۳</sup> و مهر  
 که جای بزرگی و جای<sup>۴</sup> بهاست<sup>۵</sup>  
 برآرد چنین بُرز جای از مَغاک<sup>۶</sup>  
 یکی راز دارد مگر<sup>۷</sup> در<sup>۸</sup> نهان  
 شتابیدن آید بجای<sup>۹</sup> درنگ  
 عنان باره<sup>۱۰</sup> تیزنگ را سپرد  
 که پیش نگهبان ایوان برُست  
 تو گفستی همی<sup>۱۱</sup> برنوردد زمین  
 فریدون جهان آفرین را بخواند  
 جهان ناسپرده جوان<sup>۱۲</sup> سترگ  
 سرش باسماں برفرازیده<sup>۱۳</sup> بود  
 که آن جز به نام جهاندار دید<sup>۱۴</sup>  
 همه نامور نره<sup>۱۵</sup> دیوان بُدند  
 نشست از بر گاه جادوپرست<sup>۱۶</sup>  
 به پیروزی و رای<sup>۱۷</sup> بگرفت جای<sup>۱۸</sup>  
 بتان سیه موی<sup>۱۹</sup> خورشید روی<sup>۲۰</sup>

فروزنده<sup>۱</sup> چون مشتری بر سپهر  
 بدانست کان خانه‌ی اژدهاست  
 ۳۱۵ به یارانش گفت آنک بر<sup>۲</sup> تیره خاك  
 بترسم<sup>۳</sup> همی زانک<sup>۴</sup> با او جهان  
 همان به<sup>۵</sup> که ما را بدین<sup>۶</sup> جای جنگ<sup>۷</sup>  
 بگفت و به گرز گران دست برد  
 تو گفستی یکی آتشتی<sup>۸</sup> درست  
 ۳۲۰ گران گرز برداشت از پیش<sup>۹</sup> زین  
 کس از روزبانان<sup>۱۰</sup> به دربر<sup>۱۱</sup> نماند  
 به اسپ<sup>۱۲</sup> اندرآمد به کاخ بزرگ  
 طلیسمی که ضحاک سازیده بود  
 فریدون ز بالا فرود آورد  
 ۳۲۵ و زان جادوان کاندرا ایوان بُدند  
 سرانشان به گرز گران کرد پست  
 نهاد از بر تختِ ضحاک پای  
 برون آورد از شبستان او<sup>۲۱</sup>

۱- ق: فریدون ۲- لی: همان ۳- و: جای آرام و شادی؛ در ف، ل، ق، و این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است؛ ف در اینجا سرنویس دارد؛  
 گفتار اندر رسیدن فریدون بکوشک ضحاک و گرفتن ضحاک را و در بند کردن او را در کوه دماوند ۴- آ: فَرُو ۵- س، ق، آ، لی: بلاست؛ متن= نه دستویس  
 دیگر ۶- س: آن کزین؛ لن، ق، ب: آنک از؛ ق: آنک ازین؛ لی: آنک زین؛ پ، ل، آ: آنکه زین؛ و، آ: آنکه بر؛ متن= ف، ل ۷- ل، ق، آ، ب: جای  
 مگاک؛ س، لن، لی، پ: چنین جا بلند از مگاک؛ ق: چنین از بلندی مگاک؛ متن= ف، و، ل ۸- ل: ترسم (وزن نادرست است) ۹- لی، پ: همی  
 آنکه ۱۰- ق: زانک وی در جهان ۱۱- ق: همی؛ ل، ق: مگر (ق: همی) راز دارد یکی؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۲- ب: بر ۱۳- ف، ق، و،  
 آ: نیاید؛ ل: بیاید؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۴- پ: برین ۱۵- ل، و: تنگ؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۶- ف، ل، ق، و، آ: بروز؛ متن= هفت  
 دستویس دیگر ۱۷- ل: تازه ۱۸- لن، ق، آ، پ: یکی آتشی شد؛ لی: یکی آتشی است ای؛ و: مگر آتشتی؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۹-  
 و: پشت ۲۰- ب: همه؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن فریدون بخانه ضحاک و گریختن وی ۲۱- ف، ق، آ: رودبانان؛ متن= ده دستویس  
 دیگر ۲۲- ق، آ، پ: بدر در؛ در پ این بیت بابت سپین پس و پیش شده است؛ ق پس از این بیت سرنویس دارد: نشستن فریدون بر تخت ضحاک و  
 تفحص او از ضحاک ۲۳- لی: ز اسب؛ پ: باب؛ آ، ل، آ: بر اسب؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۴- ل: جوانی؛ در پ این بیت بابت پیشین  
 پس و پیش شده است ۲۵- س، لن، ق، آ، لی، پ: سرش را بدان برفرازیده؛ ل، آ: سرش را بران سر فرازیده؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۲۶- س، لن،  
 ق، آ، لی، پ (وق در کناره) پس از این بیت افزوده اند:

یکی گرز گاو بیکر سرش زدی هر که آمد همی همبرش (ق: در برش؛ لی: روان در برش)  
 س: زدی هر که آمدی همی بر برش (وزن نا درست است)  
 لن: زدی هم هر آنکس که آمد برش

۲۷- ف: نر ۲۸- و: کاخ جادو پرست؛ ق: از آن پس بگاہ کبان بر نشست؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۹- ل، پ، آ، ل: کلاه کی جت و؛ متن=  
 ف، و، ب ۳۰- پ: بنهاد پای (پساوند ندارد)؛ و پس از این بیت سرنویس دارد: سخن گفتن دختران جمشید با شاه فریدون ۳۱- ل: او (پساوند نا  
 درست است) ۳۲- ل: سیه موی و؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، و: سیه چشم؛ متن= ف، ق، آ، ل، آ، ب ۳۳- لی: زنجیر موی

روانشان پس از <sup>۲</sup> تیرگی ها <sup>۳</sup> بشست	بفرمود شستن سرانشان <sup>۱</sup> نخست
از <sup>۴</sup> آلودگی سر <sup>۵</sup> بیالودشان <sup>۶</sup>	۳۳۰ ره داور پاك بنمودشان
چُن آسیمه <sup>۷</sup> برسان مستان بُدند	که پرورده‌ی بت‌پرستان بُدند
به <sup>۹</sup> نرگس گل <sup>۸</sup> سرخ را داد <sup>۱۱</sup> نم	پس آن خواهران <sup>۸</sup> جهاندار جم
که نو <sup>۱۳</sup> باش تا هست گیتی کهن	گشادند بر آفریدون <sup>۱۲</sup> سخن
چه باری؟ ز شاخ کدامین درخت؟	چه <sup>۱۴</sup> اختر بُد این از تو ای نیکبخت؟
ستمگاره مردی <sup>۱۵</sup> دلیر آمدی	۳۳۵ که آیدون به بالین شیر آمدی
ز کردار این جادوی کم <sup>۱۶</sup> خرد	چه مایه جهان گشت بر ما به بد
ازین <sup>۱۷</sup> اهرمن کیش نراژدها <sup>۱۸</sup>	چه مایه کشیدیم رنج و بلا
نه زین پایگاه از هنر <sup>۱۹</sup> بهره داشت	ندیدیم کس کین چنین <sup>۱۹</sup> زهره داشت
و گرش <sup>۲۱</sup> آرزو <sup>۲۰</sup> جاه او آمدی	کش اندیشه‌ی گاه او آمدی
نماند به کس جاودانه، نه بخت <sup>۲۴</sup>	۳۴۰ چنین داد پاسخ فریدون که تخت <sup>۲۳</sup>
که ضحاك بگرفت از <sup>۲۶</sup> ایران زمین	منم پور آن نیکبخت <sup>۲۵</sup> آبتین
نهادم سوی تخت ضحاك روی	بکشتش بزاری و من کینه‌جوی
ز پیکر تنش همچو پیرایه بود	همان گاو برمایه <sup>۲۷</sup> کم <sup>۲۸</sup> دایه بود
چه آید <sup>۲۹</sup> بران <sup>۳۰</sup> مرد ناپاك رای	ز خون چنان بی زبان چارپای
از <sup>۳۱</sup> ایران به کین اندرآورده <sup>۳۲</sup> روی	۳۴۵ کمر بسته ام لاجرم جنگ جوی
بکوبم، نه بخشایش آرم نه مهر	سرش را بدین <sup>۳۳</sup> گره‌ی گاوچهر
گشاده شدش بر دل پاك راز	سخن را <sup>۳۴</sup> چو بشنید ازو ارنواز <sup>۳۵</sup>

۱- ل: سرایشان ۲- ل، ق: روانشان از آن؛ ق: روانشان بر از؛ ا: روانشان ز بس؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳- ل: تیره کینه ۴- ل، ل، ل، ل، ق- ب: ز؛ متن = ف، س ۵- ل، ق: آلودگی پس؛ ل، ق: لی، پ، آ، ل، ب: آلودگی ها؛ متن = ف، و (و نیز ل، ل، ل، ل) ۶- ب: بیالبدشان ۷- ل، س، ل، ق: آ؛ ب (و نیز ل، ل، ل): سراسیمه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کتبه افزوده اند؛ متن = ف ۸- س، ل، ق: آ، و، ب: دختران؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل ۹- س، ل، ق: لی، پ، ل، ب: ز؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۱۰- ل، ل: < گل > (وزن نادرست است) ۱۱- ل، ق: لی، پ، آ، ل، ب: سرخ دادند؛ و: سرخ را داده؛ متن = ف، ل، س، ق: آ ۱۲- ق: گشاده برو آفرینها؛ ب: گشادند با آفریدون؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۳- ل: آ، تو ۱۴- ق: آ؛ چو ۱۵- ل، ق: آ، ب: ستمگاره مرد؛ و: نکو کار مردی؛ ل: آ؛ نبرد ستمگر؛ متن = ف، س، ل، ق: لی، پ؛ در پ پس از این بیت ۳۳۷ آمده است ۱۶- ق: لی: بی؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۷- آ: از آن ۱۸- س، ق: لی، پ، ل، ب: دوش ازدها؛ ل، ق: آ؛ متن = ف، ل، ق، و، آ؛ در پ این بیت پس از بیت ۳۳۵ آمده است ۱۹- آ: کس را که این ۲۰- ل: بدتن (→ بدین) پایگه از هنر؛ س، ل، ق: آ، ل، پ، ل، ب: بدین (پ: بدان) جایگه وز (س: پ: در؛ ق: لی: از) هنر؛ ق، و: نه زین پایگه از هنر؛ آ: نه این پایگه و نه این؛ ب: بدین پایگه از هنر؛ متن = ف ۲۱- ل، ق: آ، ب: و گر؛ و: گرش؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۲- ل: آ؛ آرزوی (وزن نادرست است) ۲۳- ل، س، ق، و: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، ل، ق: آ؛ بخت؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب: آ، ب ۲۴- ل، س، ل، ق: آ، ب: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: تخت؛ ل: جاودانی بخت؛ ل: جاودانه بخت؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب: آ، ب ۲۵- ق: نیک دل؛ و: نیک مرد؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۶- ل، ل، و: ب: که بگرفت ضحاك از (ل، ل): ز؛ متن = ف، پ ۲۷- ف: برمایه (= برمایه)؛ ل، س، ق: آ، ل، ب: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ ل: برمایه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ب، و، آ، ب: برمایه (حرف یکم سه نقطه دارد)؛ ل: این بیت را ندارد ۲۸- ق: کان ۲۹- ل، س، ل، ق: آ، ب: آ؛ آمد؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، ب ۳۰- ب: بدان ۳۱- ل، ق: آ، ز؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۲- آ: آورد ۳۳- پ: بدان ۳۴- س، ل، ق: آ، ل، پ، و، ل: سخن ها؛ متن = ف، آ، ب ۳۵- ق: آ؛ از ارنواز؛ ل، ق: چو بشنید ازو این سخن ارنواز؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: شناختن ارنواز ز ضحاك فریدون را؛ ب پس از این بیت بیی افزوده است که آغاز آن ناخواناست:

۰۰۰ ؟ بگشاد راز که اکنون که کردم بدین کار ساز

بدو گفت: شاه آفریدون<sup>۱</sup> تویی؟  
 کجا هوش<sup>۲</sup> ضحاک بر دست<sup>۳</sup> تست  
 ۳۵۰ ز تخم کیان ما دو پوشیده پاک  
 همی<sup>۴</sup> جفت مان خواند و جفت مار  
 فریدون چنین پاسخ آورد باز<sup>۵</sup>  
 بپریم بی ازدها را ز خاک  
 بیاید شما را کنون گفت راست  
 ۳۵۵ برو<sup>۶</sup> خوبرویان گشادند راز  
 بگفتند کو سوی<sup>۷</sup> هندوستان  
 ببرد سر بی گناهان هزار  
 کجا گفته بودش یکی پیش بین  
 که آید که گیرد<sup>۸</sup> سر تخت تو  
 ۳۶۰ دلش زان زده فال<sup>۹</sup> پر<sup>۱۰</sup> آتش ست  
 همی خون دام و دد و<sup>۱۱</sup> مرد و زن  
 مگر کو سر و تن بشوید به خون<sup>۱۲</sup>  
 همان<sup>۱۳</sup> نیز زان<sup>۱۴</sup> مارها بر دو کفت<sup>۱۵</sup>  
 ازین<sup>۱۶</sup> کشور آید<sup>۱۷</sup> به دیگر شود  
 ۳۶۵ بیامد<sup>۱۸</sup> کنون گاه باز آمدنش<sup>۱۹</sup>

که ویران کنی تنبل و جادویی؟  
 گشایش جهان را<sup>۲۰</sup> کمر بست<sup>۲۱</sup> تست  
 شده رام با او<sup>۲۲</sup> ز بیم هلاک  
 چگونه توان بودن ای شهریار  
 که گر با بلا چرخ را نیست راز<sup>۲۳</sup>  
 بشویم جهان را ز ناپاک پاک<sup>۲۴</sup>  
 که آن بی بها ازدهافش کجاست  
 مگر کارزدها<sup>۲۵</sup> را سر آید<sup>۲۶</sup> به گاز  
 بشد<sup>۲۷</sup> تا کند هند<sup>۲۸</sup> جادوستان  
 هراسان شده ست از بد روزگار<sup>۲۹</sup>  
 که پردخته کی<sup>۳۰</sup> گردد از تو زمین  
 چگونه<sup>۳۱</sup> فرو پژمرد بخت تو  
 همه<sup>۳۲</sup> زندگانی برو<sup>۳۳</sup> ناخوش ست  
 بریزد<sup>۳۴</sup> ، کند در یکی آب زن<sup>۳۵</sup>  
 شود فال<sup>۳۶</sup> اخترشناسان نگون<sup>۳۷</sup>  
 به رنج درازست مانده شگفت<sup>۳۸</sup>  
 ز رنج دو مار سیه نغشود<sup>۳۹</sup>  
 که جای نباشد<sup>۴۰</sup> فراوان بدنش<sup>۴۱</sup>

۱- ل: شاه فریدون؛ س، ق، لی، پ، ل: شاه فریدون؛ متن = ف، لن، ق، و، آ، ب ۲- ق: دوش (!) ۳- ل- ل: گشاد (ق: گشاده؛ ق: لی: گشادن) جهان بر (س، ق، لی: از؛ لن: را)؛ متن = ف، پ- ب (و نیز ل، لن) ۴- ق: باوی ۵- آ: همان ۶- ل: خواند او؛ ق: خواند با؛ س، لن، ق، پ، ل: همی خفتن و خاست با؛ لی: همی خوردن و خفت با؛ متن = ف، و، آ ۷- لی: پاک (پساوند ندارد) ۸- ل- ل- پ، ل، آ، ب: که گر چرخ دادم دهد از فراز؛ متن = ف، و، آ ۹- و: بشویم شما را سر از گرد پاک؛ ب: بشویم جهان را ز تیمار پاک؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۰- لی: بدو ۱۱- س- و، ب: مگر ازدها؛ ل: نگر ازدها؛ متن = ف، ل، آ (ف: کزدها) ۱۲- لی، ل: سر آری؛ متن = ده دستویس دیگر؛ در لی پس از این بیت ۳۵۸ آمده است ۱۳- ل: برفتند گفت او به؛ لی، و، ل، آ، ب: بگفتند کز سوی؛ آ: بدو گفت کز سوی؛ متن = ف، س، لن، ق، ق، آ، پ ۱۴- ل: بدان ۱۵- ف: بند؛ ل- پ، آ، ل، آ، ب: بند؛ متن = و (و نیز ل، لن) ۱۶- ق پس از این بیت افزوده است:  
 ز بیمت یکی چاره آرد بدست مگر زان نتواند ز بند تو رست  
 ز هول تو روز و شب اندر هراس همی باشد و شب نخسبد دو پاس  
 ۱۷- آ، ل: پردخت کی؛ ب: پردختگی (= پردختگی، و یا: پردخت کی)؛ متن = نه دستویس دیگر؛ در لی این بیت را پس از بیت ۳۵۵ آمده است ۱۸- لی: فریدون بگیرد؛ و: کس آید که گیرد؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۹- لی: همیدون ۲۰- ف: دلش راز بد پاک؛ متن = بازده دستویس دیگر ۲۱- ل- ل، لی، ل: بر (با یک نقطه)؛ و: بر (نقطه ندارد)؛ متن = ف، پ، آ، ب ۲۲- ب: همان ۲۳- ف، لی: بدو؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۴- ف: که خون دد و دام با؛ ل: همی خون دد و دام و (وزن نادرست است)؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۵- لن، ق، آ، پ: بگیرد؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۶- ل، ق: باب زن؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۷- در لن این لت پاک شده است ۲۸- لن، ق، آ، پ: گفت؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۹- ل: زیون ۳۰- ق: همی؛ و: همه؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۱- ل، س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب: نیز ازان؛ پ: نیز بر؛ و: تنش ازان؛ متن = ف، ق ۳۲- لن، ب: کف ۳۳- ق: ازان بر شگفت؛ ل: و مانده شگفت ۳۴- ل، ق: ازان؛ پ: وزان؛ در لن این لت پاک شده است؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۵- س: سو بر آید ۳۶- ف: بغرود؛ ل: بغرود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۷- ف، و: بیاید؛ ق این بیت را ندارد، ولی اثر در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۸- پ: باز آمدش؛ ل: که آید گاه آمدش؛ و: کنون جای باز آمدش؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۹- ل: نیاید؛ در لن لت دوم این بیت پاک شده است؛ متن = نه دستویس دیگر ۴۰- س، ق، آ، و، ل: فراز آمدش؛ پ: فراز آمدش؛ متن = ف، ل، لی، آ، ب

گشاد آن نگار جگر خسته راز<sup>۱</sup>      نهاده<sup>۲</sup> بدو گوش گردن فراز

۳۷۰      چو کشور ز ضحاک بودی تهی  
که او داشتی تخت و گنج و سرای<sup>۳</sup>  
و را کُندرو<sup>۴</sup> خواندندی بنام  
به کاخ اندرآمد دوان<sup>۵</sup> کُندرو  
نشسته بارام در پیشگاه  
ز يك دست سرو سهی شهرناز<sup>۶</sup>  
نه آسیمه<sup>۷</sup> گشت و نه پرسید راز  
برو آفرین کرد کای شهریار<sup>۸</sup>

۳۷۵      خجسته<sup>۹</sup> نشست تو<sup>۱۰</sup> با فرهی  
جهان هفت کشور ترا بنده باد  
فریدونش فرمود<sup>۱۱</sup> تا رفت پیش  
بفرمود شاه دلاور بدوی<sup>۱۲</sup>  
نبید آر و<sup>۱۳</sup> رامشگران را بخوان  
کسی کو به رامش سزای من ست<sup>۱۴</sup>

۳۸۰      بیار انجمن کن بر تخت من  
سُخن را چو بشنید آزو کدخدای<sup>۱۵</sup>

یکی مایه‌ور بُد بسان رهی<sup>۱۶</sup>  
شِگفتی به دل سوزگی<sup>۱۷</sup> کدخدای  
به کُندی<sup>۱۸</sup> زدی پیش بیداد گام  
در<sup>۱۹</sup> ایوان یکی تاجور دید نو  
چو سرو<sup>۲۰</sup> بلند از برش گرد ماه  
بدست<sup>۲۱</sup> دگر ماهروی<sup>۲۲</sup> ارنواز  
نیایش کنان رفت و بردش نماز  
همیشه بزى<sup>۲۳</sup> تا بود روزگار<sup>۲۴</sup>  
که هستی سزاوار شاهنشهی  
سرت برتر از ابر بارنده<sup>۲۵</sup> باد  
بگفت<sup>۲۶</sup> آشکارا همه راز خویش  
که رو آلت<sup>۲۷</sup> تخت شاهی بشوی<sup>۲۸</sup>  
پیمای جام و بیارای خوان  
به دانش<sup>۲۹</sup> همان<sup>۳۰</sup> دل زدای من ست  
چنان چون سزد<sup>۳۱</sup> درخور بخت من  
بکرد آنچه<sup>۳۲</sup> گفتش بدو رهنمای<sup>۳۳</sup>

۱- و: نگار گرانمایه راز؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ده دستویس دیگر ۲- س: نهاده برو؛ و: سپرده بدو؛ متن= ده دستویس دیگر؛ پس از این بیت برخی از دستویسها سرنویس دارند، س: داستان شاه فریدون با کندرو و کیل ضحاک؛ لن: داستان کندرو با ضحاک تازی؛ ق: داستان فریدون با کندرو و ضحاک؛ پ: داستان فریدون با وکیل ضحاک؛ و: داستان کندرو با فریدون و ضحاک؛ ل: آمدن کندرو نزد فریدون و خدمت کردن؛ ب: داستان ضحاک با فریدون ۳- ف: یکی مایه‌ور مردشان بدرهی؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= ل، ق، ق، پ- ب (و نیز ل، ل، ل، ق: شگفتی ۳۶۷ تا ۴۶۰ را انداخته است ۴- ل، س، ق، و، آ: گنج و تخت و سرای؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ف، ق، پ، ل، آ، ب ۵- ل، ق: شگفتی بدل سوزه با؛ آ: بدل سوزگی روز و شب؛ متن= س، ق، پ، و، ل، ب (و نیز ل، ل، ل، آ) ۶- ف: کندرو (به پیش یکم وزیر چهارم) ۷- ق، آ، ب: بلندی؛ پ: بتندی؛ ل: بکیدی؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ل، س، ق، و، آ ۸- آ، ب: روان ۹- ق، ل، آ: به ۱۰- س، لن، پ، ل، آ، ب: سروی؛ متن= ف، ل، ق، ق، آ، و، آ ۱۱- ل: شهناز ۱۲- لن، پ، ب: زدستی؛ آ: بدستی؛ متن= هشت دستویس دیگر بجز لی ۱۳- س، و، ل، آ، ب: ماه رخ؛ آ: ماه چهر؛ متن= ف، ل، ق، ق، آ، پ؛ ل- ق، آ، پ، و، ل، ب (و نیز ل، ل، ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

همه شهر یکسر (ل: شهر ایران) پر از لشکرش      کمر بستگان صف زده بردش

این بیت در ف، آ، نیت ۱۴- آ، ب (و نیز ل، آ): سراسیمه؛ متن= نه دستویس دیگر بجز لی (و نیز لن) ۱۵- و: کرد و بردش نماز ۱۶- ف: بوی؛ متن= ل- ق، آ، پ، و- ب (و نیز ل، ل، ل، آ) ۱۷- و: چنین گفت کای شاه گردن فراز ۱۸- و، آ (و نیز ل، ل، ل، آ): همیشه؛ متن= نه دستویس دیگر بجز لی ۱۹- ل: نشست ۲۰- آ: ماه تابنده ۲۱- پ: فریدون بفرمود ۲۲- ل، ق: بکرد؛ متن= نه دستویس دیگر بجز لی ۲۳- و، آ: بفرمود شاه آفریدون بدوی ۲۴- پ، ل، آ: آلت و ۲۵- ل، ق، و (و نیز ل، ل، ل، آ): بجوی؛ س: مجوی؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز لی ۲۶- ف: می آرای و؛ لن: نید ازو (→ نید آرو)؛ متن= نه دستویس دیگر بجز لی (و نیز ل، ل، ل، آ)؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: نواختن فریدون کندرو را و عیش نمودن ۲۷- ل، ق: برامش؛ و: که دانش؛ آ: بیزم؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز لی ۲۸- ل، ق: نهان؛ آ: اندرون؛ متن= هشت دستویس دیگر بجز لی؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۹- س، لن، ق، آ، پ، و، آ، ل: بود؛ متن= ف، ل، ق، ب ۳۰- و: بشنید او کدخدای؛ ل، ق: چو بشنید ازو این سخن کدخدای؛ س، لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: سخنها چو بشنید ازو کندرو (س: کدخدای)؛ متن= ف، آ ۳۱- ق، ق، آ، پ، آ، ل: آنچه؛ متن= ف، ل، س، و ۳۲- ق، آ، پ: گفتش جهاندار نو؛ و: فرمود مهتر برای؛ آ: گفتش سبک رهنمای؛ ل: گفتش بدو شاه نو؛ لن، ب: برون آمد از پیش سالارنو (= ۳۸۵ ب)؛ متن= ف، ل، س، ق



همان درخورش<sup>۱</sup> با گهر مهتران<sup>۲</sup>  
 شبی کرد و<sup>۳</sup> جثنی چنان چون سزید  
 برون آمد از پیش سالار نو  
 سوی شاه ضحاک<sup>۴</sup> بنهاد روی  
 سراسر<sup>۵</sup> بگفت آنج<sup>۶</sup> دید و شنید  
 به<sup>۷</sup> برگشتن کارت آمد نشان  
 بیامد دوان از در کشوری<sup>۸</sup>  
 به بالای سرو و به چهر<sup>۹</sup> کیان  
 از آن<sup>۱۰</sup> مهتران او نهد پای پیش  
 همی تابد<sup>۱۱</sup> اندر میان گروه  
 دو پرمایه با او<sup>۱۲</sup> همیدون به راه  
 همه بند و نیرنگ تو کرد پست<sup>۱۳</sup>  
 ز مردان مرد و ز دیوان تو<sup>۱۴</sup>  
 همه مغز با خون برآمیختشان<sup>۱۵</sup>  
 که<sup>۱۶</sup> مهمان بود، شاد باید بدن<sup>۱۷</sup>  
 که مهمان که با<sup>۱۸</sup> گرهی گاوسار،

می روشن آورد و رامشگران  
 فریدون چو می دید<sup>۱</sup> رامش گزید  
 چو شد بام گیتی<sup>۲</sup> دوان<sup>۳</sup> کندرو  
 نشست از بر باره<sup>۴</sup> راهجوی  
 بیامد چو پیش سپهد رسید  
 بدو گفت کای<sup>۵</sup> شاه گردن کشان  
 سه مرد سرافراز با لشکری  
 ازین<sup>۶</sup> سه یکی کهتر اندر میان  
 به سالست کهتر<sup>۷</sup>، فزونیش بیش  
 یکی گرز دارد چو یک لخت کوه  
 به اسپ اندرآمد<sup>۸</sup> به ایوان شاه  
 بیامد به تخت کئی برنشست  
 هر آنکس که بود اندر ایوان تو  
 سر از بار یکسر<sup>۹</sup> فروریختشان<sup>۱۰</sup>  
 بدو گفت ضحاک شاید بدن  
 چنین داد پاسخ ورا<sup>۱۱</sup> پیشکار

۱- س، پ: هم اندر خورش؛ ق: همان بر خرد؛ لن، ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ متن=ف، ل، و، آ، ل، ب ۲- آ: پاک سر مهتران؛ ب پس از این بیت افزوده است:

چو پیش فریدون بگرد آمدند ز بيمش تو گفتمی که کرد آمدند(!)  
 برو افرین خواندند چون سزید که هرگز به گیتی چنان کس ندید

۳- ل، ق، ل: فریدون غم افکند؛ س، پ: فریدون چومی خورد؛ آ: فریدون می آورد؛ ب: فریدون فرخنده؛ لن، ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ متن=ف، و (و نیز ل، لن)<sup>۱</sup> ۴- ل، پ- ب (و نیز ل، لن)<sup>۲</sup>: < و > متن=ف، س، ق؛ و پس از این بیت افزوده است:

می ناب و اوای چنگ و سرود همی داد مر عاشقان را درود  
 فریدون بدستی می دلنواز بدست دگر ماه رخ ارنواز  
 نشسته بر آن تخت ضحاک بر دلش پر ز کینه پر از باد سر

۵- ف، ل، ق، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل، لن)<sup>۱</sup>: چو شد رام گیتی؛ س، ق، آ، پ، ب: چو شد بامدادان؛ آ: چو شد تیره گیتی؛ لن این لت را انداخته است؛ متن تصحیح قیاسی است ۶- پ: روان؛ ل<sup>۲</sup>: ورا؛ لن ۳۸۲، ب، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵ را انداخته و از ۳۸۲ و ۳۸۵ ب یک بیت ساخته است ۷- آ: تازی؛ ل<sup>۲</sup>: باره یی؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

چو روز از دل شب برآمد برآز چو آتش کز انگشت گیرد فراز (ق: بُراز)

۸- لن، پ: مر اورا ۹- ق، آ، پ، و، ل، ب: آنچه؛ آ: بگفت آن شگفتی که؛ متن=ف، ل، س، لن، ق ۱۰- ل: آیا ۱۱- س، ق، ق، آ، پ- ب (و نیز ل، لن)<sup>۱</sup>: ز؛ متن=ف، ل ۱۲- ل: دوان آمدند ای شه از کشوری؛ س، لن، ق، آ، پ، و، ل، ب: فراز آمدند از دگر (ل<sup>۲</sup>: از در) کشوری؛ ق (و نیز ل<sup>۲</sup>): بیامد دوان از دگر کشوری؛ متن=ف، آ (و نیز لن)<sup>۲</sup> ۱۳- ل، ق: از آن؛ آ: کزان؛ متن=هشت دستویس دیگر بجزلی ۱۴- لن: بیالای سروست و چهر؛ ق، آ، پ، آ: بیالای سروان (و آ: < و >) چهر؛ متن=ف، ل، س، ق، و، ل، ب (ل: < و >) ۱۵- ل، پ، آ: کمتر ۱۶- س، و، ل، آ: ازین؛ متن=هشت دستویس دیگر بجزلی ۱۷- ق<sup>۲</sup>: راند ۱۸- ل: بر آراست و آمد؛ ب: براسب اندر آمد ۱۹- ق: وی ۲۰- ب: تو بر شکست ۲۱- و: ز گردان و از نره دیوان تو ۲۲- ل، ب: سر از پای یکسر؛ ق: سراسر یکسر؛ پ: سر از باره یکسر؛ متن=هفت دستویس دیگر بجزلی ۲۳- پ: فرورختشان ۲۴- پ: برآمختشان ۲۵- ل: چو؛ متن=ده دستویس دیگر بجزلی ۲۶- ل: شدن ۲۷- س، لن، ق، آ، ل، ب: بدو؛ پ: برو؛ متن=ف، ل، ق، و، ب ۲۸- س، لن، ق، آ، پ، و، ل، ب: که مهمان آبا؛ ق: که مهمان < که > با (وزن نادرست است)؛ آ: که مهمان چو با؛ متن=ف، ل؛ ف، ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

به مهمانی آید تو زو کن حذر گذشتی ز مهمان نگه دار سر

این بیت در هیچک از دستویسهای دیگر (و نیز در ل، لن)<sup>۱</sup> نیست

به مردی نشیند به<sup>۱</sup> آرام تو،  
 ۴۰۰ به آیین خویش آورد ناسپاس<sup>۲</sup>  
 بدو گفت ضحاک چندین منال<sup>۳</sup>  
 چنین داد پاسخ بدو کُندرو  
 گرین<sup>۴</sup> نامور هست مهمان تو  
 که با خواهران<sup>۵</sup> جهاندار جم  
 ۴۰۵ به يك دست گیرد رخ شهرناز  
 شب تیره‌گون خود<sup>۶</sup> بتر زین کند  
 چو<sup>۷</sup> مشک آن دو گیسوی دو ماه تو  
 برآشفت ضحاک بر سان کرگ  
 به دشنام زشت و به آوای<sup>۸</sup> سخت  
 ۴۱۰ بدو گفت: هرگز تو در خان من<sup>۹</sup>  
 چنین داد پاسخ ورا پیشکار  
 کزان تخت هرگز نبینی تو بهر<sup>۱۰</sup>  
 چو بی بهره<sup>۱۱</sup> باشی ز گاه<sup>۱۲</sup> مهی  
 چرا برنسازی<sup>۱۳</sup> همی<sup>۱۴</sup> کار خویش

ز تاج و کمر<sup>۱۵</sup> بسترد نام تو،  
 چنین - گر تو مهمان شناسی - شناس!  
 که مهمان<sup>۱۶</sup> گستاخ بهتر به فال  
 که آری شنیدم، تو پاسخ شنو  
 چه کارستش اندر شبستان تو  
 نشیند زند رای بر بیش و کم  
 به دیگر عقیقین<sup>۱۷</sup> لب ارنواز  
 به زیر سر از مُشک بالین کند  
 که بودند همواره دلخواه تو  
 شنید آن<sup>۱۸</sup> سخن کارزو<sup>۱۹</sup> کرد مرگ  
 شگفتی<sup>۲۰</sup> بشورید با شوربخت<sup>۲۱</sup>  
 ازین پس نباشی نگهبان من  
 که ایدون گمانم من ای شهریار  
 مرا<sup>۲۲</sup> چون دهی کدخدایی<sup>۲۳</sup> شهر  
 مرا کارسازندگی چون دهی  
 که هرگزت نامد چنین کار پیش<sup>۲۴</sup>

۱- ق، پ، و، ل، آ، ب: در؛ ل، ن، آ: بر؛ س: بشد اندر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل ۲- ب: ز تاج کی ۳- پ: با سپاس؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۴- ب: کمال ۵- ل: که مهمان جو ۶- و، آ: ورا ۷- ق: گر آن ۸- س، ل، ن، ق، آ، پ، ب (و نیز ل، ن، آ): دختران؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل ۹- آ، ب: ارنواز؛ ل: شهناز؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز لی ۱۰- ل، ن، ق، ق، آ، پ، ل: عقیق؛ آ: عقیقی؛ متن = ف، ل، س، و، ب ۱۱- آ، ب: شهرناز؛ متن = نه دستویس دیگر بجز لی ۱۲- ل: هم؛ و: شب تیره دانم؛ متن = ف، س- ق، آ، پ، آ، ل، ب ۱۳- و: چه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ده دستویس دیگر بجز لی (و نیز ل، ن، آ): ل، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: بگیرد بیرشان چو شد نیم مست بدین گونه مهمان نباید بدست  
 ب: گرفتست آرام بر تخت تو ز تاج و کمر بفکند بخت تو

ل پس از بیت ۴۰۷ سرنویس دارد: خبر فریدون نزد ضحاک و آگاهی یافتن از وی ۱۴- ل، ن، ق، آ: شنید این؛ آ: وزین يك؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز لی ۱۵- آ: آرزو ۱۶- س، ل، ن، ق، آ، پ، ل، ب: باواز؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، و، آ ۱۷- پ: بتدی ۱۸- ق: بانیکبخت؛ و: آن شور بخت؛ ل: با شیر بخت؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، آ، پ، آ، ب ۱۹- ق: نور خوان من ۲۰- ق: که ای پره‌نر با خرد شهریار ۲۱- ل، س، و، ل، آ، ب: کزان (ل، ل): که زان تخت هرگز نیایی تو (ل: نباشدت) بهر؛ ل، ن، ق، آ، پ: کزین پس نیایی تو از تخت (ل، ن، پ: بخت) بهر؛ ق، آ: چو (آ: که) از تخت هرگز نیایی تو بهر؛ متن = ف ۲۲- ل- ق، آ، پ- ب: بمن؛ متن = ف ۲۳- ل: کدخدایی و ۲۴- ف، ق، پ: بهر؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز لی ۲۵- ف: بکار؛ ق، پ، آ، ل: ز کار؛ ق: ز تخت؛ ب: بگاه؛ متن = ل، س، و؛ در ل پس از بیت ۴۱۲ و در س، ق، آ، پ، ب پس از بیت ۴۱۳ بیت ۴۱۵ آمده است ۲۶- ل، ق: چرا تو نسازی؛ متن = نه دستویس دیگر بجز لی ۲۷- ل، ن، پ: نواز ۲۸- ل، ل، ن، ق: که هرگز نیامد ازین (ل، ن، ق: این) کاریش؛ ق، ل، آ: که هرگزت نباید (ل، آ: هرگز نیامد) چنین کار پیش؛ آ: که هرگز چنین کار نامد به پیش؛ متن = ف، س، پ، و، ب؛ ف، پ پس از این بیت و ل، ق پس از بیت ۴۱۵ افزوده‌اند:

نرا دشمن آمد به گه بر نشست یکی گرزّه گاوچهره (ق، پ: پیکر) بدست

ل، ق، پ پس از این بیت يك دیگر هم افزوده‌اند:

همه بند و نیرنگت از رنگ برد دلارام بگرفت و گاهت سپرد

برون آمدی مهترا چاره گیر

به جوش<sup>۵</sup> آمد و زود<sup>۶</sup> بنهاد روی  
 بران<sup>۷</sup> بادپایان باریک<sup>۸</sup> بین<sup>۹</sup>  
 همه<sup>۱۰</sup> نره دیوان<sup>۱۱</sup> جنگاوران  
 گرفت و به کین اندرآورد سر  
 همه سوی آن راه بیره شدند  
 بدان<sup>۱۵</sup> جای تنگی برآویختند  
 کسی کهش ز جنگاوری بهر بود  
 که از درد<sup>۱۷</sup> ضحاک<sup>۱۸</sup> پر خون<sup>۱۹</sup> بُدند  
 به کوی اندرون تیغ و تیر خدنگ  
 پی<sup>۲۰</sup> را بُد بر زمین جایگاه<sup>۲۱</sup>  
 چه<sup>۲۲</sup> پیران که در جنگ دانا<sup>۲۳</sup> بُدند  
 ز نزدیک<sup>۲۴</sup> ضحاک<sup>۲۵</sup> بیرون شدند  
 که بر تخت اگر شاه باشد دده<sup>۲۸</sup>  
 یکایک<sup>۲۹</sup> ز گفتار او<sup>۳۰</sup> نگذریم  
 مران ازدها<sup>۳۱</sup> خیم<sup>۳۲</sup> ناپاک<sup>۳۳</sup> را

۴۱۵ ز تاج<sup>۱</sup> بزرگی چو موی<sup>۲</sup> از خمیر

جهاندار ضحاک<sup>۳</sup> از آن<sup>۴</sup> گفت او<sup>۵</sup>  
 بفرمود تا برنهادند زین  
 بیامد دمان<sup>۹</sup> با سپاهی<sup>۱۰</sup> گران  
 ز بیراه مر<sup>۱۳</sup> کاخ را بام و در  
 سپاه فریدون چو آگه شدند  
 از<sup>۱۴</sup> اسپان جنگی فروریختند  
 همه بام و در مردم شهر بود  
 همه در هوای فریدون بُدند<sup>۱۶</sup>  
 ز دیوارها خشت و از<sup>۱۹</sup> بام سنگ  
 بیارید ژاله ز ابر سیاه  
 به شهر اندرون هر که برنا<sup>۲۲</sup> بُدند  
 سوی لشکر آفریدون<sup>۲۵</sup> شدند  
 خروشی برآمد از<sup>۲۷</sup> آتشکده  
 همه پیر و برناش فرمان بریم  
 نخواهیم بر گاه<sup>۳۱</sup> ضحاک<sup>۳۲</sup> را

۱- س، لن، ق، آ، پ، ب: زگاه؛ آ: زکار؛ متن= ف، ل، ق، و، ل<sup>۲</sup> ۲- و: مو؛ در لن این بیت پس از بیت ۴۱۲ و در س، ق، آ، پ، ب پس از بیت ۴۱۳ آمده است  
 ۳- لن، ق، آ: ازین؛ ق: زان؛ متن= هشت دستویس دیگر بجز لی ۴- ل، ق، پ، و- ب: گفتگوی؛ س، لن، ق، آ: گفت وگویی؛ متن= ف ۵- س، لن، ق، آ، پ، ل: به هوش؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ، ب ۶- ق، آ: تیز؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

چو شب گردش روز پرگار زد (ق: روز را سار کرد) فروزنده را مهره در قار زد (ق: کرد)

۷- س، لن، ل، آ، و: بدان؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز لی ۸- لن: راه پویان نوردان زمین؛ ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب: راه پویان (آ: جویان) باریک بین؛ متن= ف، ل، س، ق، و؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، س، پ: رزم فریدون با ضحاک و گرفتار شدن ضحاک؛ لن، و: گرفتار شدن ضحاک بر دست فریدون (و: شاه فریدون)؛ ب: گرفتار شدن ضحاک ۹- ل: دوان ۱۰- آ: سپاه ۱۱- ق: همی ۱۲- س- ق، آ، پ- ب: دیوان و؛ متن= ف، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۳- س: را ۱۴- ل، ق: ز ۱۵- ف، س، لن، ل، آ، ب: بر آن؛ ل، ق، پ: در آن؛ متن= ق، آ، و، آ: ق، آ پس از این بیت سرنویس دارد: پادشاهی فریدون پانصد سال بود ۱۶- و: شدند؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- س، لن، پ، آ، ل، آ، ب: جور؛ متن= ف، ل، ق، و ۱۸- ب: دل خون ۱۹- ل، لن، پ: وز ۲۰- س، لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: کسی؛ ق: که پی؛ و، آ، (و نیز ل<sup>۲</sup>): تنی؛ متن= ف، ل (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۱- و: نیز راه؛ در لن پایان این لیت پاک شده است ۲۲- ل: دانا (پس او ندارد) ۲۳- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): چو؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۴- ل: کانا؛ متن= ده دستویس دیگر بجز لی؛ در ق این بیت یکبار هم پس از بیت ۴۲۲ آمده است ۲۵- س: چو لشکر پی آفریدون؛ ق: همه یکسر با فریدون؛ آ: همه در هوای فریدون (= ۴۲۳)؛ متن= هشت دستویس دیگر بجز لی ۲۶- ل، س، ق، آ، و- ب: ز تیرنگ؛ متن= ف، لن، پ، ق، پ پس از این بیت افزوده اند:

ز آواز گردان بتوفید کوه زمین شد ز نعل ستوران ستوه  
 بر بر ز گرد سیاه (پ: سیه) ابر بست تیره دل سنگ خارا بخت

۲۷- ل، لن، ق، آ، پ- ب: ز؛ متن= ف، س ۲۸- آ: رده؛ ل: که کز بخت گر شاه باشد دده  
 ۲۹- ق: وی؛ در لن پایان این لیت پاک شده است ۳۰- ل: بگذریم ۳۱- ق: خاک ۳۲- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: ازدها دوش؛ و: ازدها حشم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: ازدها روی؛ متن= ف، ل، ق

سراسر به جنگ اندرون همگروه  
برآمد که خورشید شد لاژورد  
ز لشکر سوی کاخ<sup>۵</sup> بنهاد روی  
بدان تا نداند کس زانجمن<sup>۶</sup>  
به چنگ<sup>۷</sup> اندرون شست بازی<sup>۸</sup> کمند  
پر از جادویی<sup>۹</sup> با فریدون به راز<sup>۱۰</sup>  
گشاده به نفرین ضحاک لب  
رهایی نیابد ز دست بدی  
به ایوان کمند اندرافگند راست<sup>۱۱</sup>  
فرود آمد از بام کاخ بلند  
به خون پریچه‌رگان تشنه بود  
نه بگشاد راز<sup>۱۲</sup> و نه برگفت نام  
بیامد فریدون<sup>۱۳</sup> بکردار باد  
بزد بر سرش، ترگ بشکست خرد<sup>۱۴</sup>  
مزن - گفت -، کو را نیامد زمان  
بسر تا دو کوه آیدت<sup>۱۵</sup> پیش، تنگ  
نیاید<sup>۱۶</sup> برش خویش و پیوند او<sup>۱۷</sup>  
کمندی بیاراست از چرم شیر<sup>۱۸</sup>

سپاهی و شهری بکردار کوه  
از آن شهر روشن یکی تیره گرد  
پس از رشک<sup>۱۹</sup> ضحاک شد چاره جوی  
بدآهن<sup>۲۰</sup> سراسر پیوشید تن  
برآمد بران بام کاخ<sup>۲۱</sup> بلند  
۴۳۵ بدید آن سیه نرگس شهرناز  
دورخساره روز<sup>۲۲</sup> و دوزلفیش<sup>۲۳</sup> شب  
بدانست کان کار هست<sup>۲۴</sup> ایزدی  
به مغز اندرش آتش رشک خاست  
نه از تخت یاد<sup>۲۵</sup> و نه<sup>۲۶</sup> جان ارجمند  
به چنگ<sup>۲۷</sup> اندرش<sup>۲۸</sup> آبگون دشنه بود  
همان تیز<sup>۲۹</sup> خنجر کشید از نیام  
ز بالا چو پی بر زمین برنهاد  
بدان گره‌ی گاوسر دست برد<sup>۳۰</sup>  
۴۴۵ بیامد سروش خجسته دمان<sup>۳۱</sup>  
همیدون شکسته بیندش چو سنگ  
به کوه اندرون به بود<sup>۳۲</sup> بند او<sup>۳۳</sup>  
فریدون چو بشنید ناسود دیر

۱- آ: < و > ۲- ل: اندر آمد گروه؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = نه دستویس دیگر بجز لی ۳- ف، س، لن، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب: لاجورد؛ متن = ل، و ۴- ل: پس آنگاه؛ س، لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: هم از رشک؛ ق: پس از گاه؛ متن = ف، و، آ ۵- ل، ق: خانه؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز لی ۶- ف- ق، آ، پ- ب: به آهن؛ متن = ل ۷- س، لن، ق، آ، پ، ل، آ: کس از انجمن؛ و: کسی ز انجمن؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب ۸- ل: بر آمد بر بام کاخ؛ س، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب: بر آمد یکایک بکاخ؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن = ف، و؛ در ل، ق لت های این بیت پس و پیش شده اند ۹- س: بنست؛ ق، آ، پ: بدست ۱۰- ل (و نیز ل): تایی؛ س، آ: بازی؛ ق، آ، ل، آ: بازی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ: تار؛ و: تاری؛ متن = ف، ق، ب (و نیز لن) ۱۱- ل: شهنواز ۱۲- و، ل: بدان جادویی ۱۳- پ: بناز ۱۴- آ: زرد ۱۵- ف، و: زلفین؛ ل، س، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب: زلفش؛ متن تصحیح قیاسی است؛ در لن این بیت پاك شده است؛ ق پس از این بیت سرنویس دارد: گرفتار شدن ضحاک بر دست فریدون ۱۶- ف: کار بود؛ ق: هست کار؛ متن = نه دستویس دیگر بجز لی (و نیز ل، لن)؛ در لن از این بیت تا بیت ۴۷۷ آغاز برخی از بیت ها به اندازه یکی دو واژه پاك شده است که برخی از آنها را به خطی نو باز نویس کرده اند. پس از آن نیز چند بیتی پاك شده است که در جای خود یاد آوری خواهد شد ۱۷- ل: خواست ۱۸- ف: بخت یار؛ ل، س، لن، ق: بخت یاد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، پ، و، آ، ل، ب ۱۹- ل: به ۲۰- ل، لن: بدست؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، و- ب ۲۱- س، ق: اندرون؛ در لن این بیت با بیت پسین پس و پیش شده است ۲۲- ل: نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ق، ق، آ: نیز؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز لی ۲۳- ل: روی؛ متن = ده دستویس دیگر بجز لی؛ در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: گرفتاری ضحاک بر دست فریدون ۲۴- ب: فریدون بیامد ۲۵- س، آ، ل، ب: برد دست؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز لی ۲۶- س، آ، ل، ب: ترک را کرد پست؛ لن، ق، آ، پ: ترک او (پ) را کرد خرد؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۷- آ: دوان؛ ل: بیامد خجسته سروش دمان؛ ق: بیامد خجسته سروش آن زمان؛ ل: بیامد خروش خجسته زمان؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ، و، ب ۲۸- ل، آ، ب: آیدش؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز لی ۲۹- ف: به دز هوخ کنگ اندرون؛ ل: بکوه اندرون باشدش؛ متن = نه دستویس دیگر بجز لی (و نیز ل، لن) ۳۰- ف- ق، آ، ل، ب (و نیز لن): او؛ متن = پ، و (و نیز ل) ۳۱- پ: نیامد ۳۲- ق: این بیت را ندارد

که نگشاد<sup>۲</sup> آن زنده<sup>۳</sup> پیل<sup>۴</sup> ژبان  
 بیفگند<sup>۵</sup> ناخوب آیین او<sup>۶</sup>  
 که ای نامداران بسیار هوش<sup>۷</sup>  
 نه زین باره<sup>۸</sup> جویند کس<sup>۹</sup> نام و ننگ<sup>۱۰</sup>  
 به يك روی جویند هر دو هنر  
 سزاوار هر کس<sup>۱۱</sup> پدیدست کار  
 سراسر پر آشوب گردد<sup>۱۲</sup> زمین  
 جهان را ز کردار او باك بود  
 به رامش سوی ورزش<sup>۱۳</sup> خود شوید<sup>۱۴</sup>  
 کسی کس بُد از نام و ز گنج بهر<sup>۱۵</sup>  
 همه دل به فرمانش آراسته  
 ز راه سزا پایگه<sup>۱۶</sup> ساختشان  
 همی کرد یاد<sup>۱۷</sup> از جهان آفرین  
 ز فال اختر بومتان<sup>۱۸</sup> روشن ست<sup>۱۹</sup>  
 برانگیخت<sup>۲۰</sup> ما را ز البرز کوه  
 به فرمان گرز من آید ره<sup>۲۱</sup>  
 به نیکی بیاید سپردن<sup>۲۲</sup> رهش  
 نشاید<sup>۲۳</sup> نشستن<sup>۲۴</sup> به یکجای بر<sup>۲۵</sup>

بیستش به بندی<sup>۱</sup> دو دست و میان  
 نشست<sup>۲</sup> از بر تخت زرین او<sup>۳</sup>  
 بفرمود کردن به دربر خروش  
 نباید که باشید با ساز جنگ  
 سپاهی نباید که با پیشه ور  
 یکی کارورز<sup>۴</sup> و یکی<sup>۵</sup> گرزدار  
 چو این کار آن<sup>۶</sup> جوید آن<sup>۷</sup> کار این  
 به بند اندرست آنک<sup>۸</sup> ناپاک بود  
 شما دیر مانید و خرم بوید<sup>۹</sup>  
 و زان<sup>۱۰</sup> پس همه نامداران شهر  
 برفتند یا رامش و خواسته  
 فریدون فرزانه بنواختشان  
 همی<sup>۱۱</sup> پندشان داد و کرد آفرین<sup>۱۲</sup>  
 همی<sup>۱۳</sup> گفت کین جایگاه من ست  
 که یزدان پاک از میان گروه  
 بدان تا جهان از بد آژدها  
 چو بخشایش آورد نیکی دهش  
 منم کدخدای جهان سربسر

۱- ل، ل، ل، ب: بتندی بیشتر؛ س، پ، ا: به بندی بیشتر؛ لن: همیدون بیشتر؛ ق: بندی بیشتر (حرف دوم واژه یکم نقطه ندارد)؛ و: بیشتر بندی (حرف دوم واژه دوم نقطه ندارد)؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن= ف (و نیز لن) ۲- ل، س، لن، ق، پ-ب: که نگشاید؛ متن= ف ۳- س، لن، پ-ب: بند؛ متن= ف، ل، ق ۴- ا: شیر ۵- لن: برفت؛ ق: این بیت را ندارد ۶- ل، س، ق، ا، ل، ل، ا: او؛ متن= ف، لن، پ، و، ب ۷- و: برفاکنند ۸- ل، س، ق، ا، ب: که هر کس که دارید بیدار هوش؛ لن، پ: که ای نامداران با فر و هوش؛ ل: که هر کس که بیدار دارند هوش؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن= ف، و (و نیز ل، لن) ۹- ل: نه زین گونه؛ س، لن، ق، ا، پ، ا، ل، ا، ب: وزین باره؛ متن= ف، ق، و ۱۰- ل، س، و-ب: جوید کسی؛ لن، ق، ا، پ: جوید یکی؛ متن= ف ۱۱- ق: جوید کس آیین جنگ (بساوند ندارد) ۱۲- ل، و، ل، ا، ب: گاوورز؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز لی (و نیز ل، لن) ۱۳- س، ق، ا، پ، ا: دگر؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز لی ۱۴- س، ق، ا، ب: هر یک؛ و: هر دو؛ متن= ف، ل، لن، ق، ا، پ، ل: درل این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۱۵- س- ق، ا، پ-ب: او؛ متن= ف، ل، ل، ا، ب: او؛ متن= ف- ق، ا، و، ب: او؛ متن= ف- ق، ا، ل، ا، ب- س، لن، ق، ا، پ-ب: ا: بر آشوب گردد سراسر؛ متن= ف، ل، ق، ل، ا، ب: درل این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۱۸- پ-ل: آنکه؛ متن= ف- ق، ا، ب ۱۹- ق: زبید ۲۰- ل: برزش؛ متن= ده دستویس دیگر بجز لی (و نیز ل، لن) ۲۱- ل (و نیز ل): روید؛ متن= نه دستویس دیگر بجز لی (و نیز لن)؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده اند:

شنیدند یکسر (ق، پ: مردم) سخن های شاه از آن مرد پرهیز (ق، پ: از آن پرهیز مرد) بادستگاه

۲۲- ل: از آن ۲۳- ف: کسی کس بد از نامور گنج بهر؛ ل، ق: کسی کس بد از ناج وز (ق: از ناز وز) گنج بهر؛ س، لن، ق، ا، پ، ا، ل، ا، ب: کسی را که بود (ل: بد) از زر و (لن: آرزو) گنج بهر؛ و (و نیز لن): کسی کس بد از گنج و از نام بهر؛ (متن= ل) ۲۴- ل، ق: بر اندازه بر پایگه؛ س، لن، ق، ا، پ، ا، ل، ا، ب: ز راه (ق: ز راه) خرد پایها (ق: پایگه)؛ متن= ف، و (و نیز ل، لن): لی پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۲۵- لی: همه ۲۶- ل: داد و بی آفرین؛ ق: داد با آفرین؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۷- ل- پ، ا-ب: همی (ق: بی) یاد کرد؛ متن= ف، و (و نیز لن) ۲۸- ل: همین ۲۹- ل، ق: بیک اختر این بومتان؛ س، لن، لی، پ، ا، ل، ا، ب: به فال اختر بومتان؛ ق: به فال اختر بومتان؛ و: زبید اختر بومتان؛ متن= ف (و نیز ل) ۳۰- و: ایمنت ۳۱- ف: بینگیخت؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۲- س، لن، ق، ا، لی، پ، ل، ا، ب: بفرمن آید (لن، ق: آمد) شمارا رها؛ ق: بفرمان و گرزمن آیدرها؛ و (و نیز ل، لن): بفر و (ا: بفر) به گرزمن آیدرها؛ متن= ف، ل ۳۳- ف: پکی بیاید سپردن؛ و: بیاید پکی سپردن؛ متن= ل- پ، ا، ب (و نیز ل)؛ ل: از این بیت تا بیت ۴۰ از داستان فریدون را انداخته است ۳۴- لن، پ: نباید ۳۵- پ: نشست من (وزن نادرست است) ۳۶- لی: در

بسی با شما سال<sup>۱</sup> پیمودمی  
 ز درگاه برخاست آوای<sup>۲</sup> کوس  
 خروشان بران<sup>۵</sup> روز<sup>۴</sup> کوتاه بر  
 به بند کمندی<sup>۸</sup> چنان چون سزید<sup>۹</sup>  
 وزان شاه نایافته شهر بهر<sup>۱۰</sup>  
 به پشت هیونی بر افکنده خوار<sup>۱۱</sup>  
 جهان را چن<sup>۱۴</sup> این بشنوی پیر خوان  
 گذشته‌ست و بسیار خواهد<sup>۱۵</sup> گذشت  
 سوی شیرخوان برد بیدار بخت<sup>۱۸</sup>  
 همی خواست کردن<sup>۱۹</sup> سرش را نگون  
 به چربی<sup>۲۱</sup> یکی راز<sup>۲۲</sup> گفتش به گوش  
 بپر همچن<sup>۲۴</sup> تازنان<sup>۲۵</sup> بی گروه<sup>۲۶</sup>  
 به کوه دماوند<sup>۲۸</sup> کردش به بند  
 نبود<sup>۳۰</sup> از بد بخت مانند<sup>۳۱</sup> چیز  
 نگه کرد غاری بُنش ناپدید

و گرنه من ایلر همی بودمی  
 مهان پیش او<sup>۱</sup> خاك دادند بوس  
 همه شهر دیده<sup>۴</sup> به درگاه بر  
 ۴۷۰ که تا اژدها را برون آورید<sup>۵</sup>  
 دُمادم برون رفت لشکر ز شهر  
 ببردند ضحاك را بسته زار<sup>۱۱</sup>  
 همی راند زین گونه<sup>۱۳</sup> تا شیرخوان  
 بسا روزگارا که بر کوه و دشت  
 ۴۷۵ بران<sup>۱۶</sup> گونه ضحاك را بسته سخت<sup>۱۷</sup>  
 همی راند او را به کوه اندرون  
 همانگه بیامد<sup>۲۰</sup> خجسته سروش  
 که این بسته را تا<sup>۲۳</sup> دماوند کوه  
 بیاورد ضحاك را چون<sup>۲۷</sup> نوند  
 ۴۸۰ چو بندی بران<sup>۲۹</sup> بند بفزود نیز  
 به کوه اندرون جای تنگش گزید<sup>۳۲</sup>

۱- ل، لن، ق، آ، لی، پ: روز؛ متن = ف، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل، آ، لن) ۲- ق، آ: < و > (وزن نادرست است) ۳- س، ق، پ: آواز؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل ۴- ل: همه شب دو دیده؛ متن = ده دستویس دیگر بجز ل (و نیز ل، آ، لن) ۵- س، لن، لی، پ: بدان؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل ۶- س: کوه (!) ۷- ق، آ: آورند ۸- و: کمندش؛ آ: کمند (وزن نادرست است) ۹- ق، آ: برند ۱۰- ل، س، ق، آ، ب: وزان (ب: ازان) شهر نا یافته شاه بهر؛ لن، ق، آ، لی، پ: وزان شاه نا یافته هیچ بهر؛ متن = ف، و (و نیز ل، آ، لن) ۱۱- ل، پ، آ، ب: زار؛ س: گسته مهار؛ متن = ف، و ۱۲- ل، س، ق، آ، لی، آ: همی راند از این گونه؛ پ: همی برد ازین گونه؛ ب: همی راند از ان جای؛ لن: ...؟ گونه؛ متن = ف، و ۱۴- ل، آ، ب: چو؛ متن = ف ۱۵- ل، ق، آ، ب: گذشتست و دیگر (ل: چندی) بخواهد؛ لن: گذشتست بسیار و خواهد؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، پ، و ۱۶- س، لی، و، آ، ب: بدان؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ ۱۷- ق، و: دست (ق پساوند ندارد) ۱۸- ف: خورشید بخت؛ و: چون پیل مست؛ متن = ل، پ، آ، ب ۱۹- ل، پ، آ، ب: کارد؛ متن = ف، و (و نیز ل، آ، لن) ۲۰- ل، س، ق، پ، آ، ب: بیامد هم آنکه؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن = ف، و ۲۱- ل، و، آ، ب: بخوبی؛ متن = ف (و نیز لن) ۲۲- آ: رای ۲۳- لی: با ۲۴- ل، ق، آ: همچنان؛ ق: تازنان؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل ۲۵- ل، س: تازنان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ق: همچین؛ پ: تازیان؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل ۲۶- س- پ: با گروه؛ متن = ف، ل، و، آ، ب؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بدین گونه راز از خجسته سروش  
 چو با او فرشته هم آواز گشت

چو بشنید شاه آفریدون به هوش  
 پر اندیشه از شیرخوان باز گشت

ل، س، لن، ق، آ- ب بجای این دو بیت بیت زیر را افزوده‌اند:

بهنگام سختی ببر گیردت

میر جز کسی را (و: مگر زان کس خود) که نگزیردت

این بیت در ف، ق، نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۷- ق، آ: بر ۲۸- لی: دماوندش؛ ل، ق پس از این بیت و و پس از بیت ۴۸۰ افزوده‌اند:

سراسر یکی چرم ازو در کشید (ل: بر کشید)

ز سر تا به پایش زهی بر کشید

همه بند و (ق، و: < و >) گردنش بر هم شکت

بدان زه سرو پای و دستش (ق: سرو دست و پایش) بیت

۲۹- ق، آ، لی: بدان؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل ۳۰- لن، ق، آ، لی: نماند؛ آ: بیود؛ در ب لت دوم این

بیت پاك شده است؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، و ۳۱- ف، س، لن، ق، آ، پ: مانند (یکی از دو حرف سوم یا چهارم ن است و دیگری نقطه ندارد)؛ لی،

آ (و نیز ل، آ): مانند؛ ل، ق، و (و نیز لن، آ): از بد بخت او مانده؛ در و پس از این بیت دو بیت ۴۸۰ آمده است؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از

این بیت دو بیت ۴۸۴ پ آمده است ۳۲- ل، ق: تنگ جایش گزید؛ متن = نه دستویس دیگر بجز ل

بیاورد مَمارهای گران  
 فرو برد و بستش بدان<sup>۲</sup> کوه باز<sup>۳</sup>  
 بیستش بران گونه آویخته<sup>۴</sup>

به جایی که مغزش نبود، اندر آن  
 بدان تا بماند بسختی دراز<sup>۵</sup>  
 و زو<sup>۶</sup> خون دل بر زمین ریخته

۴۸۵ یا تا جهان را به بد نسپریم  
 نباشد همی نیک و بد پایدار  
 همان گنج<sup>۸</sup> دینار و کاخ<sup>۹</sup> بلند  
 سخن ماند از تو<sup>۱۰</sup> همی یادگار  
 فریدون فرخ فرشته نبود  
 به<sup>۱۲</sup> داد و دهش یافت آن<sup>۱۳</sup> نیکویی  
 ۴۹۰ فریدون ز<sup>۱۴</sup> کاری که کرد ایزدی  
 یکی پیشتر بند ضحاک بود  
 و دیگر<sup>۱۷</sup> که گیتی ز نابخردان  
 سدیگر<sup>۲۰</sup> که کین پدر باز خواست

به کوشش همه دست نیکی بریم  
 همان به که نیکی بود یادگار  
 نخواهد بدن مر ترا سودمند  
 سخن را چنین خوارمایه مدار  
 ز مشک و ز عنبر سرشته نبود  
 تو داد و دهش کن فریدون تویی  
 نخستین<sup>۱۵</sup> جهان را بستت از بدی  
 که بیدادگر بود و ناپاک<sup>۱۶</sup> بود  
 پردخت<sup>۱۸</sup> و بستد ز<sup>۱۹</sup> دست بدان  
 جهان ویژه بر خویشان کرد راست

۴۹۵ جهانی چه بد مهر و بد گوهری  
 نگه کن کجا آفریدون گرد

که خود پرورانی و خود بشگری  
 که از تخم<sup>۲۲</sup> ضحاک شاهی<sup>۲۳</sup> ببرد

۱- در لن این لت پاك شده است ۲- ل- ق، پ، آ، ب: فرو بست دستش بدان (ل، ق: بران)؛ متن= ف، لی، و ۳- لن، ق، ق: کوهسار؛ متن= هشت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۴- لن: فکار؛ ق: زکار؛ و: بدان تا بسختی بماند دراز؛ متن= هشت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۵- س، ق، ق: آ، لی، پ، آ، ب: بماند او (آ: بماند) برین (ق: آ، ب: بران؛ لی: بدین) گونه آویخته؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ف، ل، و ۶- ل، ل: ازو؛ متن= نه دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup>؛ ل پس از این بیت و س، لن، ق، لی، پ، آ، ب پس از بیت ۴۸۰ افزوده اند (در لن لت یکم بیت دوم پاك شده است):

ازو (آ، ب: از ان) نام ضحاک چون خاک شد جهان از بد او همه پاك شد  
 گسته شد از (س، ق، لی، پ، آ: آن) خویش و یونسداو (پ: اوی) ل، لن، ق: بمانده (ق: نمانده) بدان گونه در بند او  
 س، پ، آ، ب: بمانده بکوه اندرون بند او (پ: اوی)  
 لی: بکوه اندرون مانده از بند او

این دو بیت در ف، ق، و (و نیز ل، لن<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۷- در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ ق ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ را انداخته و از ۴۸۶ و ۴۸۸ ب يك بیت ساخته است ۸- لی، و، آ، ب: گنج و؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، س، لن، ق، آ، پ؛ لی این بیت را دو بار نوشته است ۹- ل: تاج ۱۰- و: ما؛ در لن این بیت پاك شده است؛ ق ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ را انداخته و از ۴۸۶ و ۴۸۸ ب يك بیت ساخته است؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

سخن را سخن دان ز گوهر گزید ز گوهر و را پایه برتر سزید  
 تویی آنک گیتی بجویی همی چنان کن که بر داد بویی همی

۱۱- در لن لت دوم این بیت پاك شده است ۱۲- ق، و، آ: از ۱۳- س: این ۱۴- لی: که ۱۵- ق، آ، لی: نخست این ۱۶- س: بی پاك؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۱۷- ل: دودیدگر؛ س، لن، پ، ب: سدیگر؛ ق، آ، لی: آ: سه دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، و ۱۸- ل: پرداخت؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: پالود؛ و (و نیز ل، لن<sup>۲</sup>): نهی کرد؛ متن= ف ۱۹- ب: و بر بست؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ یایی این دو بیت در متن به پیروی از ف، ل، و است ۲۰- ل: سه دیگر؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: و دیگر؛ متن= ف، ق، و؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ف: بپری؛ س، و، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): که پرورده خویش را بشگری؛ متن= ل- پ، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۲- ل، ق: شاه؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: پیر؛ متن= و، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۳- س، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): ملکت؛ ف این بیت و سه بیت پس از آن را ندارد، ولی این بیت ها در دستویس های دیگر (و نیز در ل، لن<sup>۲</sup>) آمده اند

بُئِدْ دَرَا جِهَانَ پَنجَصَدًّا سَالِ شَاهِ  
 جِهَانِ جِهَانَ دِیْغَرِی رَا سِیْرِدْ  
 چُنِیْنِیْمِ یَکْسَرًا کِه وَ مِهْ هَمِهْ  
 بِه آخِرِ بَشْدًا ، مَانْدِ اَزُو جَایْگَاهْ  
 بَجَزِ دَرْدِ وَ اَنْدَوِهْ چِیْزِی نَبْرِدْ  
 تُو خَوَاهِی شَبَانَ بَاشْ ، خَوَاهِی رَمِهْ

۱- و: بد اندر؛ ف این بیت را ندارد ۲- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب: پانصد؛ (لن: پنج و صد)؛ متن= ق<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۳- ل: سال و ماه ۴- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب: باخر شد و؛ متن= ل، ق ۵- و: به فرجام رفت و بجا ماندگاه ۶- پ: جهانی ۷- س، لن، لی، پ، آ (ونیز ل<sup>۲</sup>): بجز حسرت از دهر (س، آ: ملک) چیزی نبرد؛ و (ونیز لن<sup>۲</sup>): بجز نیکنامی ز گیتی نبرد؛ ب. بجز حسرت و درد چیزی نبرد؛ ف، ق این بیت را ندارند؛ متن= ل، ق؛ آ پس از این بیت افزوده است (← فریدون، بیت ۱۲):

جِهَانَ چُونِ بَرُو بَر نَمَانْدِ اِی پَسَرِ تُو نِیْزِ اَزِ مِیْپَاژِ وَ اَنْدِهْ مَخْوَرِ

۸- ل، ق: چنیم اینجا؛ ب: چو خواهیم مردن؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= س، لن، ق<sup>۱</sup>- آ ۹- ق، ق<sup>۲</sup>، پ، آ: باش و؛ متن= ل، س، لن، لی، و، ب



فریدون



## پادشاهی فریدون پانصدسال بود<sup>۱</sup>

فریدون چو<sup>۱</sup> شد بر جهان کامگار  
 به رسم کیان گاه<sup>۲</sup> و تخت مهی  
 به روز خجسته سر مهرماه<sup>۳</sup>  
 زمانه بی اندوه گشت از بدی  
 ۵ دل از داوری‌ها پرداختند  
 نشستند فرزندگان شادکام  
 می روشن و چهره‌ی شاه نو  
 بفرمود تا آتش افروختند  
 پرستیدن مهرگان دین اوست  
 ۱۰ اگر یادگارست ازو<sup>۴</sup> ماه و مهر

ندانست جز خوشتن شهریار  
 بیاراست با تاج<sup>۴</sup> شاهنشهی  
 به سر برنهاد آن کیانی کلاه  
 گرفتند هر کس<sup>۶</sup> ره بخردی<sup>۵</sup>  
 به<sup>۸</sup> آیین یکی جشن نو<sup>۷</sup> ساختند  
 گرفتند هر يك<sup>۱۱</sup> ز یاقوت جام  
 جهان نو ز داد و<sup>۱۱</sup> سر ماه نو  
 همه عنبر و<sup>۱۲</sup> زعفران سوختند  
 تن آسانی و خوردن آیین اوست  
 بکوش و به رنج ایچ<sup>۱۴</sup> منمای چهر

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی شاه فریدون پانصد سال و هفت ماه و بیست و چهار روز بود و نهادن جشن و سده؛ ل: آغاز داستان؛ س: پادشاهی فریدون فرخ پانصد سال بود؛ ق<sup>۲</sup>: بر تخت نشستن فریدون؛ آ: محضر نوشتن ضحاک تازی (!)؛ ب: پادشاهی فریدون پانصد سال؛ متن= لن، ق، لی، پ، و؛ ل<sup>۳</sup> از آغاز تا بیت ۴۰ را اندخته است ۲- س، و، آ، ب: که؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۳</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۳- ل- آ، ب: تاج؛ متن= ف ۴- س- آ، ب: کاخ؛ متن= ف، ل ۵- ل: مهر و ماه؛ در ف، ل، و این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ف پس از بیت ۳ افزوده است:

بزرگان و شاهان ایران زمین به شاهی برو خواندند آفرین

۶- ق<sup>۲</sup>، لی: مردم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۷- س- آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): ایزدی؛ متن= ف، ل، و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۸- لن، ق<sup>۲</sup>، پ: بر؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۹- پ: که؛ درو لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۰- س، لن، ق<sup>۲</sup>، پ، و: هر کس؛ متن= ف، ل، ق، لی، آ، ب: در پ این بیت پس از بیت ۸ آمده است ۱۱- ق: < و >؛ ف: جهان نور داد از؛ س، لن، لی، پ، آ، ب: جهان پر ز داد و؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): جهان گشت روشن؛ در ق<sup>۲</sup> این لت ناخواناست؛ متن= ل ۱۲- آ: همه عود با؛ در پ پس از این بیت بیت ۶ آمده است؛ ف پس از این بیت افزوده است (← جمشید، بیت ۵۵):

چنین جشن فرخ کزان روزگار بماند از فریدون به ما یادگار

۱۳- و: زو ۱۴- آ: بنوش و به خور هیچ

نیفگند يك روز<sup>۲</sup> بنیادِ بد  
تو نیز آز مپرست و انده مخور<sup>۴</sup>

که فرزند او شاه شد بر جهان  
سر آمد برو روزگار بهی<sup>۹</sup>  
به مادر که فرزند شد تاجور<sup>۹</sup>  
به پیش جهان داور<sup>۱۱</sup> آمد نخست  
همی خواند<sup>۱۴</sup> نفرین به ضحاک بر  
بر آن شادمان<sup>۱۷</sup> گردش روزگار  
همی داشت روز بد خویش راز<sup>۲</sup>  
همی<sup>۲۳</sup> راز او<sup>۲۴</sup> داشت اندر نهفت  
چنان شد که درویش شناخت<sup>۲۷</sup> نیز<sup>۲۸</sup>  
سر بدره های درم باز کرد<sup>۲۹</sup>  
مهان را همه<sup>۳۲</sup> کرد مهمان خویش  
فراز آوردش نِهان خواسته<sup>۳۵</sup>

وَرَا بُد جهان سالیان<sup>۱</sup> پنجصد<sup>۲</sup>  
جهان چون بروبر نماند ای پسر

فرانك نه آگاه بده<sup>۵</sup> زین نِهان  
ز ضحاک شد تخت شاهی تهی<sup>۷</sup>  
۱۵ پس آگاهی آمد ز فرخ پسر  
نیایش کنان شد سر و تن بشست  
نهاد آن<sup>۱۲</sup> سرش پست بر<sup>۱۱</sup> خاك بر  
همی<sup>۱۵</sup> آفرین خواند<sup>۱۶</sup> بر کردگار  
از آن پس<sup>۱۸</sup> هر آنکس<sup>۱۹</sup> که بودش نیاز  
۲۰ نِهانش نوا کرد و<sup>۲۱</sup> کس را نگفت<sup>۲۲</sup>  
یکی<sup>۲۵</sup> هفته زین گونه بخشید چیز<sup>۲۶</sup>  
دگر هفته مر بزم را ساز کرد<sup>۲۹</sup>  
بیاراست چون بوستان خان<sup>۳۱</sup> خویش  
از آن<sup>۳۳</sup> پس همه<sup>۳۴</sup> گنج آراسته

۱- ق: آ: براند این جهان سالیان ۲- ف- ق، لی، پ، آ، ب: پانصد؛ (لن: پنج و صد)؛ متن = ق: و (و نیز ل: آ) ۳- س، آ، ب: که يك روز نكند؛ لن، ق، پ: که نكند يکروز؛ لی: که نهد يکروز؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز لن: آ)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

جهان را به نيکی و رادی گشاد به مردی سَد و ز مروّت بداد

۴- ق: تو نیز آن مپرس و تو انده مخور؛ در آ این بیت پس از بیت ۴۹۸ در داستان ضحاک آمده است؛ در لن، ق، آ، لی پس از این بیت ۱۵ آمده است؛ ل، ق، پ، و پس از بیت ۱۲ افزوده اند:

نِهاند (ل: نپاید) چين دان جهان (و: نِهاند جهان جهان) بر کسی درو شادکامی (و: وزو شادمانی) نیني (پ: نیابد) بی

۵- لن: فرانك چو آگاه شد ۶- س: در ۷- ف: تخت شاهشهی؛ لن، ق: این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل: آ (و نیز ل: آ، لن: آ) ۸- لی: بر آمدش ۹- س، ق، ب (و نیز ل: آ، لن: آ): مهی؛ متن = ف، ل، لی، پ، و، آ ۱۰- ق: که فرزند شد بر جهان تاجور؛ در لن، ق: بجای بیت ۱۵ و در لی پس از بیت ۱۵ بیت زیر آمده است:

نیایش کنان پیش دادار شد پر از آفرین جهاندار شد

۱۱- ق، لی، پ، و: جهاندار؛ متن = ف، ل، س، لن، ق، آ، ب؛ در لن، ق، آ، لی این بیت پس از بیت ۱۲ آمده است ۱۲- ف، و: نهاده؛ متن = نه دستویس دیگر بجز ل: آ (و نیز ل: آ، لن: آ) ۱۳- س: سرش بسته بر؛ لی: سر خود ابر؛ ب: سرش زود بر؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل: آ ۱۴- ل: همی کرد؛ متن = ده دستویس دیگر بجز ل: آ (و نیز ل: آ، لن: آ) ۱۵- لن: پی؛ آ: یکی ۱۶- ل، ق: کرد؛ متن = نه دستویس دیگر بجز ل: آ ۱۷- ق، آ، لی: بدان شادمان؛ و (و نیز ل: آ، لن: آ): بدل شاد از؛ متن = ف- ق، پ، آ، ب ۱۸- س- پ، آ، ب: وزان پس؛ متن = ف، ل، و ۱۹- ل: کسی را؛ متن = ده دستویس دیگر بجز ل: آ ۲۰- لی: باز؛ س، ق: مهانی که بودند گردن (ق: گردش) فراز؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل: آ ۲۱- ف: نهانش روان کرد؛ ل، ق: نهانش بر افزود؛ س: نهانش بدان کرد؛ لی: لبانش نوان بود؛ پ: نهانش روا کرد؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = لن، و، آ، ب (و نیز لن: آ) ۲۲- لی: با کس نگفت ۲۳- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: همان؛ متن = ف، و (و نیز ل: آ، لن: آ) ۲۴- آ: را ۲۵- و، ب (و نیز لن: آ): بيك؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل: آ ۲۶- ق: نیز ۲۷- و (و نیز ل: آ، لن: آ): نشيد ۲۸- ق: چیز ۲۹- ل، س، لن، ق، لی، و، ب (و نیز ل: آ، لن: آ): کرد ساز؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = ف ۳۰- ل، لن، ق، لی، و، ب (و نیز ل: آ، لن: آ): مهانی (ب: مهان را) که بودند گردن فراز؛ س: همی داشت روز بد خویش راز (= ۱۹ ب)؛ متن = ف؛ در آ بجای این بیت بیت زیر آمده است:

چو آن خواسته دید شاه زمين بپذرفت و بر مام کرد آفرین

۳۱- ق، ق، آ، ب: خوان؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل: آ ۳۲- و: همی ۳۳- ل، لن، ق، لی، پ: وزان؛ متن = ف، س، ق، آ، و، آ، ب ۳۴- پ: همی ۳۵- ل- پ: فراز آوریده (ل، لن: آورنده) نِهان خواسته؛ و: فراز آوریدند پر خواسته؛ آ، ب: فراز آورید از نِهان خواسته؛ متن = ف

نهاده همه رای دادن گرفت  
 درم خوار شد چون پسر شاه دید  
 همان اسپ تازی به زین فسار<sup>۵</sup>  
 کلاه و کمر هم نبودش دریغ  
 دل پاک سوی جهاندار کرد  
 زبانی پر از آفرین داشت<sup>۸</sup> نیز  
 پذیرفت<sup>۹</sup> و بر مام کرد آفرین  
 بر شهریار جهان تاختند  
 ستایش<sup>۱۱</sup> مرو را و زویت سپاس  
 بداندیشگان را نگون باد بخت<sup>۱۵</sup>  
 به تخت<sup>۱۷</sup> سبهد<sup>۱۸</sup> فروریختند<sup>۱۹</sup>  
 بدان<sup>۲۱</sup> فرخی<sup>۲۲</sup> صف زده بر درش  
 بران<sup>۲۴</sup> تخت و تاج و کلاه و نگین<sup>۲۵</sup>  
 همی خواندندش به نیکی گمان<sup>۲۷</sup>  
 برومند باد این چنین<sup>۲۹</sup> روزگار

بگردید و دید آشکار و نهان  
 هر آن<sup>۳۳</sup> بوم و بر کان نه<sup>۳۴</sup> آباد بود<sup>۳۵</sup>

۲۵ همان<sup>۱</sup> گنج ها را گشادن گرفت  
 گشادن<sup>۲</sup> در گنج را گاه<sup>۳</sup> دید  
 همان جامه و گوهر<sup>۴</sup> شاهوار  
 همان جوشن و خود و ژوپین<sup>۶</sup> و تیغ  
 همه خواسته بر شتر<sup>۷</sup> بار کرد  
 ۳۰ فرستاد نزدیک فرزند چیز  
 چو آن خواسته دید شاه زمین  
 بزرگان لشکر چو بشناختند  
 که ای شاه پیروز<sup>۱۱</sup> یزدان شناس  
 چنین<sup>۱۲</sup> روز روزت فزون باد<sup>۱۳</sup> بخت<sup>۱۴</sup>  
 ۳۵ همه<sup>۱۶</sup> زر و گوهر برآمیختند  
 همان مهتران از همه<sup>۲۰</sup> کثورش  
 ز یزدان همی خواستند<sup>۲۳</sup> آفرین  
 همه<sup>۲۶</sup> دست برداشته باسما  
 که جاوید باد این چنین<sup>۲۸</sup> شهریار

۴۰ وزان<sup>۳۰</sup> پس فریدون به گرد جهان  
 هر آن چیز کز راه بیداد<sup>۳۲</sup> بود

۱- ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: همه؛ و (و نیز ل، آ، لن، آ): سر؛ متن = ل، ق، ۲- آ: گشودن؛ لن این بیت را ندارد ۳- لی: راه ۴- ل: جامه؛ گوهر ۵- ف- پ، آ: عذار؛ متن = و، ب (و نیز ل، آ، لن، آ) ۶- ق، آ، لی، و: خود زین؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل (ف- ق، پ، آ: زوین؛ ب: زوین) ۷- ف: سر بر سر؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = ل، س، ق- و، آ، ب (و نیز ل، آ) ۸- و: داد ۹- ب: پذیرفت؛ آ این بیت را ندارد ۱۰- لی: فرورز ۱۱- و (و نیز لن، آ): نیایش ۱۲- ق، آ، لی: همی ۱۳- س: روز نیرت فزون باد؛ ق: روز و روزت فزون باد؛ آ: روزگارت فزون باد؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل ۱۴- ق: تخت ۱۵- پ، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ): تخت؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده اند:

ترا باد پیروزی از آسمان مبادی بجز راد و نیکی گمان  
 وزان پس جهانبدگان سوی (پ: پیش) شاه ز هر گوشه‌ای بر گرفتند راه

۱۶- ق: همان ۱۷- ل، ق، و: به تاج؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، ب ۱۸- لی: فریدون ۱۹- آ: بر آن تخت و تاج شهری ریختند ۲۰- ف: مهتر و کهنتر از؛ ب: مهتران همه؛ متن = ل- آ (و نیز ل، آ، لن، آ) ۲۱- ل: بران؛ متن = ده دستویس دیگر بجز ل ۲۲- ل- پ، آ، ب: خرمی؛ و (و نیز لن، آ): فرهی؛ متن = ف (و نیز ل، آ) ۲۳- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: خواندند؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، و (و نیز ل، آ، لن، آ) ۲۴- ق، لی: بدان؛ متن = ف، ل، س، لن، پ، و، آ، ب ۲۵- ق: بخت بیدار و تاج و نگین؛ پ، و: تاج و تخت و کلاه و نگین؛ متن = ف، ل، س، لن، لی، آ، ب ۲۶- ق: آ: همی؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۲۷- س: همی خواندندش نیکی گمان؛ لی: بیکی همی خواندندش گمان؛ و: گشاده بدو بر بیکی گمان؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، آ، ب؛ در ق<sup>۲</sup> لتهای این بیت پس و پیش شده اند ۲۸- ل، ق، و (و نیز ل، آ): بادا چنین؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل ۲۹- ل، ق، ق، آ، لی، پ، و (و نیز ل، آ) بادا چنین؛ متن = ف، س، لن، آ، ب ۳۰- و: ازان؛ در لن، ق، آ، لی پس از این بیت، بیت های ۴۴ و ۴۵ آمده اند؛ ل پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۳۱- ق: همان چیز کان رانه از داد؛ ل: هر آن چیز کان نرزه داد ۳۲- ل- پ، آ، ل، ب: دید؛ متن = ف، و (و نیز ل، آ، لن، آ) ۳۳- ق، ب، ل، آ: همان؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ) ۳۴- ل: آ: به ۳۵- ل، س، ق- پ، ل، آ، ب: دید؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ متن = ف، و، آ (و نیز ل، آ، لن، آ)

چنان کز ره پادشاهان سزد<sup>۲</sup>  
 بجای گیا سرو و<sup>۳</sup> گلبن بکشت  
 نشست اندر آن نامور بیشه کرد  
 جزین نیز نامش<sup>۴</sup> ندانی همی

سه فرزندش آمد گرامی پدید<sup>۵</sup>  
 سه فرخ<sup>۱۱</sup> نژاد ازدر<sup>۱۲</sup> تاج زر<sup>۱۳</sup>  
 به هر چیز مانندهی شهریار  
 یکی کهتر از خوبچهر<sup>۱۸</sup> ارنواز  
 همی<sup>۲۱</sup> پیش پیلان نهادند گام  
 که گشتند زیبای تخت<sup>۲۲</sup> و کلاه  
 یکی را گرانمایه تر<sup>۲۳</sup> خواند پیش  
 به هر کار دلسوزه<sup>۲۵</sup> بر شاه بر  
 سه دختر گزین از نژاد مهان  
 پریچهره و پاک و خسروگهر

به نیکی فروبست ازو دست بد<sup>۱</sup>  
 بیاراست گیتی بسان بهشت  
 ز<sup>۴</sup> آمل گذر سوی<sup>۵</sup> تمیشه<sup>۶</sup> کرد  
 کجا<sup>۷</sup> «کر جهان گوش» خوانی همی

ز سالش چو يك پنجه اندر کشید  
 به بخت<sup>۱۱</sup> جهاندار هر سه پسر  
 به بالا چو سرو و<sup>۱۴</sup> به رخ چون بهار<sup>۱۵</sup>  
 ازین<sup>۱۶</sup> سه دو پاکیزه از شهرناز<sup>۱۷</sup>  
 ۵۰ پدر نوز<sup>۱۹</sup> نا کرده از ناز<sup>۲۰</sup> نام  
 از آن پس بدیشان نگه کرد شاه  
 فریدون از آن نامداران خویش  
 کجا<sup>۲۴</sup> نام او جندل راهبر<sup>۲۳</sup>  
 بدو گفت برگرد گرد جهان  
 ۵۵ سه خواهر<sup>۲۶</sup> ز يك مادر و يك پدر

۱- ل، ق، پ: بنیکی بیست از همه دست بد؛ س، لن، ق، ل، ب، ل: بنیکی بیست او در دست بد (ق: دودست بدی؛ ل: درودست بد؛ ب: از آن دست بد)؛ و: بنیکی فروبست آن راه بد؛ آ: بنیکی بشت از جهان دست بد؛ متن= ف ۲- ف: پادشاهی (ویا: پادشاهی) سزد؛ ل، س، لن، ق، ل، پ، آ، ل: چنان کز (ل: چنانک از) ره هوشیاران (ق: هوشیاری؛ ب: شهریاران) سزد؛ ق: پدید آورید او ره ایزدی؛ متن= و (و نیز ل، لن) ۳- ل، ل، ل، آ، ب: < >؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ متن= هفت دستویس دیگر ۴- ل- پ، آ، ل: از؛ متن= ف، و، ب ۵- ل: < سوی> (وزن نادرست است) ۶- ل: همیشه؛ در لن، ق، ل: این بیت و بیت پس از آن پس از بیت ۴۰ آمده اند ۷- ف: کر (یا: کز) جهان گوشه؛ ل- ب: کز (س، ل: کر؛ ق، و: از) جهان گوش (س، ق، و، ل، ب: کوس) ۸- پ: نام نیزش ندانی؛ در لن، ق، ل: این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۴۰ آمده اند ۹- ب: گرامی سه فرزندش آمد پدید ۱۰- ل: به تخت (!) ۱۱- ل، ل، ل، آ، ل، ب: خسرو؛ متن= ف، پ، و (و نیز ل، لن) ۱۲- ل: از بر؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است ۱۳- آ: تاجور ۱۴- ل، ل: < > (وزن نادرست است) ۱۵- ب: نگار ۱۶- آ: از آن ۱۷- ل: شهنواز؛ ب: دو بودند از شهرناز ۱۸- ق- ب (و نیز ل، لن): خوب رخ؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ متن= ف، ل، ق: ل پس از این بیت افزوده است:

کهین بود با فر و برز کیان دو مهتر ز کینه سری پر زیان  
 ۱۹- ق، ل، ل، پ: پدر بود؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۰- ل: کرده از ناز (وزن نادرست است) ۲۱- ل: همش ۲۲- ل: زیابخت؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ ل، س، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ ف، آ پس از این بیت افزوده اند:  
 چو دید آن سه شه را سزاوار جفت همی جفتشان جست اندر نهفت  
 این بیت در ده دستویس دیگر (و نیز در ل، لن) نیست ۲۳- ل: بر؛ آ: یکی مرد داننده را؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:  
 پزوهنده دانش و راه و روز بهر کار پیروز و گیتی فرور  
 برخی از دستویس ها در اینجا یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: فرستادن فریدون جندل را بطلب زن خواستن پسران سلم و تور و ایرج بولایت بمن؛ پ: فرستادن فریدون جندل را بطلب سه خواهران از بهر پسران؛ و: فرستادن شاه فریدون جندل را با طرف جهان؛ ل: فرستادن جندل بطلب زن و فرزندان؛ ب: خواستن فریدون دختر شاه بمن؛ ل- ل، آ سرنویس ندارند ۲۴- ل، ق: جندل پر هنر؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۵- س، پ، و، آ، ل، ب: دلسوز؛ ل، ق: شب و روز دل سوز؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ متن= ف، ق، ل: دختر؛ در لن این بیت پاک شده است؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن)؛ در س، لن، ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب این بیت پس از بیت ۵۷ آمده است؛ پیلای بیت های متن به پیروی از ف، ل، ق، و (و نیز ل، لن) است

چنان چون بشایند پیوند من<sup>۱</sup>  
 بدان تا نخوانند باوازشان<sup>۲</sup>  
 یکی رای پاکیزه افگند بن  
 زبان چرب و شایسته‌ی کار نغز  
 پژوهید و<sup>۷</sup> هر گونه گفت و شنید  
 به پرده درون داشتی دختری  
 شنیدی<sup>۸</sup> همه<sup>۹</sup> نام و آوازشان  
 که پیوسته‌ی آفریدون<sup>۱۱</sup> سزید  
 بیامد بر سرو، شاه یمن<sup>۱۱</sup>  
 سه دختر چنان کافریدون<sup>۱۳</sup> بجست  
 ز<sup>۱۴</sup> شادی چو پیش<sup>۱۵</sup> گل اندر<sup>۱۶</sup> تذرو  
 بران<sup>۱۸</sup> کهتری<sup>۱۹</sup> آفرین برفزود  
 که بی آفرینت مبادا دهن  
 فرستاده‌ی گر<sup>۲۱</sup> گرامی مهی<sup>۲۲</sup> ؟  
 همیشه ز تو دور دست بدی  
 پیام آوریده<sup>۲۶</sup> به شاه یمن  
 سخن هر چه پرسی تو<sup>۲۸</sup> پاسخ دهم

به خوی سزای سه فرزند من  
 پدر نام ناکرده از نازشان  
 چو بشنید جندل ز خسرو سخن  
 که بیدار دل بود و بسیار مغز  
 ۶۰ یکایک ز<sup>۵</sup> ایران سر اندر کشید  
 به هر کشوری کز جهان مهتری  
 نهفته بجستی همه رازشان  
 ز دهقان پرمایه کس را ندید  
 خردمند و روشن دل و پاک تن  
 ۶۵ نشان یافت جندل مر او را درست<sup>۱۲</sup>  
 خرامان بیامد بنزدیک سرو  
 زمین را ببوسید و چربی<sup>۱۷</sup> نمود  
 به جندل چنین گفت شاه یمن  
 چه پیغام داری چه فرمان<sup>۲۰</sup> دهی؟  
 ۷۰ بدو گفت جندل که خرم بدی<sup>۲۳</sup>  
 از<sup>۲۴</sup> ایران یکی کهترم چون شمن<sup>۲۵</sup>  
 درود<sup>۲۷</sup> فریدون فرخ دهم

۱- ل، س، ق، و، آ (ونیز ل، ن، آ)؛ بشاید پیوند من؛ در لن این بیت پاک شده است؛ متن = ف، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب؛ ل پس از این بیت، ق پس از بیت ۵۷ و پ پس از بیت ۵۵ افزوده‌اند:

ببالا و دیدار هر سه یکی که این را ندانند از آن اندکی

۲- س، ق، و، ب؛ نخواند؛ ل این بیت را ندارد؛ در لن این بیت پاک شده است؛ متن = ف، آ، ل، آ (ونیز ل، ن، آ) ۳- ل: آوازشان؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب پس از این بیت بیت ۵۵ آمده است ۴- ل- پ، آ، ل، آ، ب؛ پاکیزه؛ و (ونیز ل، ن، آ)؛ بیدار؛ متن = ف؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ببخت تو ای شاه گفنا بدهر بگردم بهر بوم و هر مرز و شهر

ل، ق، پ بجای بیت بالا افزوده‌اند:

ز پیش سپهبد برون شد براه ایسا چند تن مرورا نیکخواه

۵- س، لن، ق، آ، ل، آ؛ از؛ ب؛ که؛ متن = ف، ل، لی، پ، و، آ ۶- س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب؛ همه برسید؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، آ ۷- س، ق، آ، لی، آ؛ < و >؛ در س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب این بیت پس از بیت ۶۲ آمده است ۸- ف؛ شنیده؛ متن = بازده دستویس دیگر (ونیز ل، ن، آ) ۹-

ق: همی؛ در س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب پس از این بیت بیت ۶۰ آمده است؛ برخی از دستویس ها در اینجا یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، لن، لی: آمدن (لی: رفتن) جندل بنزدیک شاه (لی: سرو شاه) یمن؛ ق، ق، آ: رسیدن (ق: رفتن) جندل بنزد سرو شاه یمن بدختر خواستن (ق: خواهش دختران) ۱۰- و؛ که پیوستگی با فریدون ۱۱- لی: بیامد بر شاه سرو یمن ۱۲- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب؛ بر او (س، آ: بدو) بردست؛ متن =

ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل، ن، آ) ۱۳- ل- ق، آ، پ، و، آ، ل، آ، ب (ونیز ل، ن، آ)؛ چنان چون فریدون؛ متن = ف، لی ۱۴- س، لن، ق، آ، لی- ب؛ به؛ متن = ف (ونیز ل، ن، آ) ۱۵- ل، ق: چنان چون پیش ۱۶- ق، آ، لی: آید ۱۷- ل: خوبی؛ متن = بازده دستویس دیگر (ونیز ل، ن، آ) ۱۸- ق: بدان ۱۹-

پ: کهتران؛ آ: مهتری؛ ب: سان رهی؛ متن = نه دستویس دیگر؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

که جاوید بادا سرافراز شاه همیشه فرورزنده تاج و گاه

این بیت در نه دستویس دیگر (ونیز در ل، ن، آ) نیست ۲۰- و؛ پاسخ ۲۱- ف- و، آ، ل، آ، ب (ونیز ل، ن، آ)؛ یا؛ متن = ل ۲۲- س، لن، لی، و؛ رهی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۳- لی (ونیز ل، ن، آ)؛ بزی؛ آ: بوی؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۴- آ؛ به ۲۵- لی، پ (ونیز ل، ن، آ)؛ سمن

۲۶- ل، لن، ب؛ آورنده؛ س: آورنده (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل (ونیز ل، ن، آ)؛ آوریدم؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۷- و؛ درود از ۲۸- ل: هر چه پرسند؛ س، لن، پ، آ، ل، آ، ب؛ هر چه پرسیم؛ متن = ف، ق، آ، لی، و (ونیز ل، ن، آ)

ترا آفرین از فریدون گرد  
 مرا<sup>۲</sup> گفت شاه<sup>۴</sup> یمن را بگوی  
 ۷۵ همیشه تن آزاد بادت ز رنج<sup>۷</sup>  
 بدان ای سر مایه‌ی تازیان  
 که شیرین تر از جان<sup>۱۱</sup> و<sup>۱۲</sup> فرزند و<sup>۱۳</sup> چیز  
 [پسندیده تر کس ز فرزند نیست  
 به سه دیده<sup>۱۶</sup> اندر جهان گر کس ست<sup>۱۷</sup>  
 ۸۰ گرامی تر از<sup>۱۹</sup> دیده آنرا شناس  
 چه گفت آن خردمند پاکیزه مغز  
 که پیوند کس را نیاراستم<sup>۲۳</sup>  
 خرد یافته مرد نیکی سیگال  
 که<sup>۲۶</sup> خرم<sup>۲۷</sup> به مردم بود روزگار  
 ۸۵ مرا<sup>۲۸</sup> پادشاهی آباد هست  
 سه فرزند شایسته‌ی تاج و گاه<sup>۳۱</sup>  
 بزرگ آن کسی کو<sup>۱</sup> نداردش<sup>۲</sup> خرد  
 که بر گاه تا مشک بوید بیوی<sup>۵</sup>  
 پراکنده رنج و بی‌اکنده گنج<sup>۷</sup>  
 کز اختر<sup>۹</sup> بدی<sup>۹</sup> جاودان بی زیان<sup>۱۰</sup>  
 همانا که چیزی نباشد بنیز<sup>۱۴</sup>  
 چو پیوند فرزند پیوند نیست<sup>۱۵</sup> ]  
 سه فرزند، ما را سه دیده بس ست<sup>۱۸</sup>  
 که دیده به<sup>۲۰</sup> دیدنش دارد سپاس  
 کجا داستان زد به<sup>۲۱</sup> پیوند<sup>۲۲</sup> نغز  
 مگر کهش به از خوشتن خواستم<sup>۲۴</sup>  
 همی دوستی را نجوید<sup>۲۵</sup> همال  
 نه نیکو بود بی سپه شهریار  
 همان<sup>۲۸</sup> گنج و مردان<sup>۲۹</sup> و بنیاد هست<sup>۳۰</sup>  
 اگر<sup>۳۲</sup> - داستان را - بود گاه و گاه<sup>۳۳</sup> (!)

۱- ل: کش؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲- و: نداندش ۳- و: بمن ۴- و: سرو ۵- پ: بیوی ۶- ف، ل، ن، ق، لی، پ، ل: همیشه تن آباد  
 بادت ز رنج (ق: گنج)؛ ل، س: همیشه تن آزاد بادت بگنج؛ ق، و: (و نیز ل<sup>۲</sup>): حخته بزی شادی درد و رنج؛ متن = آ، ب ۷- ل: پراکنده گنج و  
 پراکنده رنج؛ س، لی، پ، آ، ل: پراکنده رنج و پراکنده گنج؛ ق: بی‌اکنده گنج و پراکنده رنج؛ متن = ف، ل، ن، ق، و: (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۸- پ: که اختر؛  
 ل: که زخر (!) ۹- ف: نوی؛ ق، لی: بزی؛ و: (و نیز ل<sup>۲</sup>): بوی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۰- ل: بی زیان (!) ۱۱- و: < و > ۱۲-  
 ف، س- ب: < و >؛ متن = ل ۱۳- و: چیت ۱۴- لی: عزیز؛ ل: نباشند نیز؛ و: بهین جوهری در جهان آدمیت؛ متن = نه دستویس دیگر  
 ۱۵- س: چو پیوند فرزند فرزند نیست؛ آ: چو فرزند شیرین به پیوند نیست؛ ف، و: (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>): این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۶-  
 ل، س، ب: پسندیده؛ آ: بسی دیده؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۷- ل، و، ل: کیست؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۸- ف، و، ل: دو دیده بود مر  
 مرا دیده ست (و: دیده ایست؛ ل: دیده ایست)؛ ل: سخن دانشی را از این در بیت؛ س: سه فرزند او را سه دیده بس است؛ متن = ل، ن، ق، لی،  
 پ، آ، ب: ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ل پس از این بیت افزوده است:

که گر نه بر امید فرزندی بزن هیچ گونه نپیوندمی  
 دگر گونه گوید همی رهنمای ازین در بسی دانش آرد بجای

۱۹- ل: گر انما تر از ۲۰- س، و، آ، ب: ز؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ل- و: ز؛ متن =  
 ف، آ، ل، ب ۲۲- ل، ن، ق، آ، پ: فرزند؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۳- ل: نیاراستند ۲۴- لی: داشتم؛ ل: خواستند ۲۵- ف، س، ق، آ، پ:  
 بجوید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ، ب: (و نیز ل<sup>۲</sup>): بجوید؛ و: (و نیز ل<sup>۲</sup>): بخواهد؛ متن = ق، ل، ن، لی، ل<sup>۲</sup> ۲۶- ل- پ، آ، ب: چو؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را  
 ندارد؛ متن = ف، و: (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>) ۲۷- ل: خورم ۲۸- ل، ق: هم؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۹- ل، ن، پ، و، ب: مردی؛ متن = هشت  
 دستویس دیگر ۳۰- ل- پ، آ، ب: نیروی دست؛ متن = ف، و، آ: (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>)؛ در ل- پ، آ، ل، ب: (و نیز ل<sup>۲</sup>) این بیت با بیت سپین پس و پیش  
 شده است و در ل، ق در میان آنها سه بیت زیر را افزوده‌اند:

مرا داد دادار فریناد بخش بدیشان شب و روز من هست کش  
 ق: بدیشان مرا شب چو روزست خوش  
 سپاسم ز یزدان که او داد دست مرا بر چنین دستگاه و نشست  
 ز هر گونه چون بنگرم روزگار مرا هست خود بخت آموزگار

۳۱- ق: سه شایسته تاج و زیبای گاه؛ و: گرامی سه فرزند دارم جو ماه؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۲- ل: دگر ۳۳- ل، س، ق، آ، لی، پ، آ: کاه ماه؛  
 ل: کاه شاه؛ ق: شاه ماه؛ ل: کاه و ماه؛ و: سزاوار دهبیم و نخت و کلاه؛ ب: اگر آن نشان را بود کاه و ماه؛ (ل: اگر داستانها بود شاه یار؛ ل: کاه  
 و تده)؛ متن = ف؛ در ل- پ، آ، ل، ب: (و نیز ل<sup>۲</sup>) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و در ل، ق در میان آنها سه بیت افزوده‌اند (← ۸۵ پ)



به هر آرزو دست ایشان<sup>۱</sup> دراز  
بباید همی<sup>۴</sup> شاهزاده سه، جفت  
بدان<sup>۵</sup> آگهی تیز<sup>۶</sup> بشتافتم  
سه پاکیزه داری تو ای نامجوی  
چو بشنیدم<sup>۹</sup> این شد دلم<sup>۱۰</sup> شادکام  
چُن<sup>۱۱</sup> اندرخور آید<sup>۱۲</sup> نکرديم ياد  
بباید برآمیخت<sup>۱۵</sup> يك بادگر<sup>۱۶</sup>  
سزا را سزا کار<sup>۱۸</sup> بی گفت و گوی<sup>۱۹</sup>  
تو پاسخ گزار<sup>۲۱</sup> آنچ<sup>۲۲</sup> آیدت یاد<sup>۲۳</sup>

بپژمرد چون زآب گنده سمن<sup>۲۵</sup>  
نبینم<sup>۲۸</sup> سه ماه<sup>۲۹</sup> جهان بین من  
نباید<sup>۳۲</sup> گشادن به پاسخ<sup>۳۳</sup> دو لب  
مرا چند رازست با رهنمون  
به هر کار هستند<sup>۳۷</sup> انباز من

پس آنگه به کار اندرون بنگرید

ز هر کام و هر خواسته بی نیاز  
مرین<sup>۲</sup> سه گرانمایه را در نهفت  
ز کارآگهان آگهی یافتم  
کجا از پس پرده پوشیده روی  
مران<sup>۷</sup> هر سه را نوز<sup>۸</sup> ناکرده نام  
که ما نیز نام سه فرخ نژاد  
کنون این<sup>۱۳</sup> گرمی دو<sup>۱۴</sup> گونه گهر  
سه پوشیده رخ را سه دیهیم جوی<sup>۱۷</sup>  
فریدون پیام برین<sup>۲۰</sup> گونه داد<sup>۲۱</sup>

پیامش چو بشنید شاه<sup>۲۴</sup> یمن  
همی گفت<sup>۲۶</sup> اگر<sup>۲۷</sup> پیش بالین من  
مرا روز روشن بود<sup>۳۰</sup> تاره<sup>۳۱</sup> شب  
شتابش<sup>۳۴</sup> نباید به پاسخ کنون<sup>۳۵</sup>  
بریشان گشاده کنم<sup>۳۶</sup> راز من<sup>۳۷</sup>

فرستاده را زود جایی<sup>۳۸</sup> گزید

۱- ل، ق: دست گشته؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن) ۲- ق: در آرز؛ لی پس از این بیت افزوده است:

سه پور گرانمایه دارم چو ماه سزاوار دیهیم و تخت و کلاه (= ۸۶)

۳- ل: > این < (وزن نادرست است) ۴- ل: کنون؛ متن = بازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن) ۵- ل- پ، آل، ب: بدین؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن) ۶- ل: سز (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ق: نیز؛ آ: تیر؛ متن = نه دستویس دیگر ۷- ق: بدان ۸- لی: بور؛ ق: از ناز ۹- س، لن (و نیز ل): چو بشنید ۱۰- ل: دل شدم ۱۱- ل- ب: چو؛ متن = ف ۱۲- ق: آمد ۱۳- ب: ای ۱۴- آ: سه ۱۵- لن، ق، لی، پ: بر آمیخت باید؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ن) ۱۶- ف، س، ق، و- ب (و نیز ل، ن): بایکدیگر؛ لن، ق، لی، پ: ابا یکدیگر؛ متن = ل ۱۷- ق: جو؛ و (و نیز ل، ن): سه پوشیده را با سه دیهیم جوی؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۸- ل، و (و نیز لن): سزارا سزاوار؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: سزادر سزا کار؛ ل: سزادر سزایند؛ متن = ف، ق ۱۹- ل: بی گفت گوی؛ ق: بی گفت و گو ۲۰- ل- لی، ل: بدین؛ و: ازین؛ متن = ف، پ، آ، ب ۲۱- ف: گذار؛ متن = بازده دستویس دیگر (و نیز ل) ۲۲- ق- ب: آنچه؛ متن = ف، ل، س، لن ۲۳- و: بایدت داد ۲۴- ق: سرو ۲۵- س، لن، ق، لی، آ: چون آب گنده سمن؛ ق: چون زآب گنده دهن؛ ل: چون شاخ کبک سمن؛ ب: چون شاخ گنده سمن؛ متن = ف، ل، پ، و ۲۶- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: بدل گفت؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۲۷- ل: گر؛ ق: کز؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۸- ل- ق، آ، پ، آل، ب: نبیند؛ لی: به بیند؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن) ۲۹- ل، س، لن، ق، لی، پ، ل: سه ماه این؛ متن = ف، ق، و، آ، ب (و نیز ل، ن) ۳۰- س، لن، ق، آ، ب: شود؛ متن = ف، ل، ق ۳۱- ف، لن، پ، و، آ، ب: تاره؛ ق، لی: تیره؛ ل: باز؛ متن = ل، س، ق (و نیز ل، ن) ۳۲- س، لن، ق، آ (و نیز ل): باید؛ ل، ق: باید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، لی، پ، و، ل، آ، ب (و نیز لن) ۳۳- ف، ب: به پاسخ گشادن؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن) ۳۴- ف- ق، آ، پ، ل، آ، ب: شتاب؛ و (و نیز لن): شتاب؛ آ: شتابم؛ متن = (ل) ۳۵- لی: پاسخ شتاب نیاید کنون؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ در ف، س، لن، ق، لی، پ، آل، ب این بیت بابت سپین و درل بابت ۱۰۰ پس و پیش شده است، پایی بیت های متن = و (و نیز ل، ن) ۳۶- ف، س، لن، ق، لی، پ، آل، ب: گشاده برایشان (لی: بدیشان) بود؛ و: برایشان گشاده کند؛ متن = (ل، ن) ۳۷- ف، س، لن، ق، لی، پ، آل، ب: به هر نیک و بد باشد (ف، ق: بوده)؛ متن = و (و نیز ل، ن)؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ در ف، س، لن، ق، لی، پ، آل، ب این بیت بابت پیشین و درل بابت ۱۰۰ پس و پیش شده است؛ پایی بیت های متن = و (و نیز ل، ن)؛ ل، ق بجای بیت ۱۰۰ بیت زیر را آورده اند:

سراینده را گفت کای نامجوی زمان باید اندر چنین گفت گوی (ق: جست و جوی)

۳۸- س، لن، ق، لی، پ: فرستاده را جایگاهی؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ در ل، لن، ق، لی، پ، ل، آ، ب این بیت بابت سپین پس و پیش شده است؛ در آرز بیت ۹۹ تا ۱۰۵ در هم ریخته اند: ۱۰۰، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۰۵

به انبوه اندیشگان درنشست  
 بر خوش خواند آزموده سران  
 همه راز يك يك بدیشان<sup>۳</sup> بگفت  
 سه<sup>۴</sup> شمع ست روشن ز<sup>۵</sup> دیدار بیش<sup>۶</sup>  
 بگسترده پیشم یکی خوب<sup>۱۱</sup> دام  
 یکی راز<sup>۱۳</sup> خواهم<sup>۱۴</sup> زدن با شما  
 که ما را سه<sup>۱۵</sup> شاهست<sup>۱۶</sup> با تاج و گاه<sup>۱۷</sup>  
 به سه روی پوشیده فرزند من<sup>۱۸</sup>  
 دروغ ایچ کی درخورد<sup>۲۱</sup> با مهی  
 شود دل پر<sup>۲۵</sup> آتش، پر از آب روی<sup>۲۶</sup>  
 هراسان شود دل از آزار<sup>۲۹</sup> اوی<sup>۳۰</sup>  
 نه بازیست با او<sup>۳۱</sup> سگالید کین  
 که ضحاک را زو چه آمد بروی<sup>۳۴</sup>  
 سراسر به من بر بیاید<sup>۳۷</sup> گشاد

گشادند يك يك به پاسخ زبان  
 که هر باد را تو بجنبی ز جای  
 نه ما<sup>۴۰</sup> بندگانیم با گوشوار

بیامد<sup>۱</sup> در<sup>۲</sup> بار دادن بیست  
 فراوان کس از دشت نیزه‌وران  
 نهفته برون آوريد از نهفت  
 ۱۰۵ که ما را به<sup>۴</sup> گیتی ز فرزند خویش<sup>۵</sup>  
 فریدون فرستاد<sup>۱۱</sup> زی ما<sup>۱۲</sup> پیام  
 همی کرد خواهد ز چشم<sup>۱۳</sup> جدا  
 فرستاده گوید: چنین گفت شاه  
 گرابنده<sup>۱۸</sup> هر سه به پیوند من<sup>۱۹</sup>  
 ۱۱۰ اگر گویم آری و دل زان تهی  
 وگر آرزو را<sup>۲۲</sup> رسانم<sup>۲۳</sup> بدوی<sup>۲۴</sup>  
 وگر سر پیچم ز گفتار<sup>۲۷</sup> اوی<sup>۲۸</sup>  
 کسی کو بود شهریار زمین  
 شنید این سخن<sup>۳۲</sup> مردم راهجوی<sup>۳۳</sup>  
 ۱۱۵ ازین<sup>۳۵</sup> در سخن هرچنان هست یاد<sup>۳۶</sup>

جهان آزموده دلاور سران  
 که ما همگنان این<sup>۳۸</sup> بنینیم رای  
 اگر شد فریدون جهان<sup>۳۹</sup> شهریار

۱- ل: بیاید ۲- ف: بر؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ)؛ در ل، س، ن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ یایی بیتهای متن = ف، ق، و (و نیز ل، ن، آ) ۳- ل- ب (و نیز ل، ن، آ): همه رازها پیش ایشان؛ متن = ف ۴- س- ل (و نیز ل، ن، آ): ز؛ متن = ف، ل، ب ۵- ل، س، ن، ق، آ، لی، ب: زیوند خویش؛ ق: سه شمع است بیش؛ پ، آ، ل، آ: و پیوند خویش؛ و (و نیز ل، ن، آ): سه فرزند خویش؛ متن = ف، ل، ب ۶- ف: ز؛ متن = ل، س، ن، ق، آ، لی، ب ۷- ل، ن، ق، آ، لی، پ: به؛ س: چو؛ متن = ف، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ) ۸- س: فرزند خویش؛ آ: پیوند بیش؛ ق: بیدار روشن زیوند خویش ۹- لی: فرستاده ۱۰- ل، س، ن، ق، آ، لی، پ، آ (و نیز ل، ن، آ): زی من؛ ق: نزد؛ ل، آ، ب: زین من؛ متن = ف، و ۱۱- لی: چرب ۱۲- و: پیشم ۱۳- ل- ب (و نیز ل، ن، آ): رای؛ متن = ف ۱۴- ل: باید ۱۵- آ: شه ۱۶- ف، س: ماهت؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۷- ل، ن، ل، پ: زیبای گاه؛ متن = نه دستویس دیگر؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر مشورت کردن سرویمن با مهتران و بزرگان عرب و پیوندی کردن او با فریدون ۱۸- ل، ن، ق، آ، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): گرابند؛ آ (و نیز ل، ن، آ): گر آید؛ متن = ف، ل، س، ق، پ ۱۹- پ: گرابنده مهر و پیوند تو ۲۰- پ: تو ۲۱- ل، ق: دروغم نه اندر خورد؛ س، و، آ، ب: دروغ ایچ نه اندر خورد (و: نه در خورد)؛ ل، ن، لی، پ: دروغ آن نه اندر خورد؛ ق (و نیز ل، ن، آ): دروغ ایچ اندر خورد؛ ل: دروغ آنچه نه در خورد؛ متن = ف ۲۲- ل- ق، آ، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ): آرزوها؛ متن = ف، لی (و نیز ل، ن، آ) ۲۳- ل- ب (و نیز ل، ن، آ): سپارم؛ متن = ف ۲۴- آ: بدو ۲۵- ف: ز ۲۶- آ: رو؛ لی: پر از گفت و گوی؛ س: هراسان شود دل ز نینار اوی (= ۱۱۲)؛ ق: شود دلش پر آتش از آب روی؛ و (و نیز ل، ن، آ): شود دلش پر آتش و گفت و گوی؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ س ۱۱۱ و ۱۱۲ آرا انداخته و از ۱۱۱ و ۱۱۲ آبا بیت ساخته است ۲۷- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: فرمان؛ ق: پیمان؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن، آ) ۲۸- ل، آ: او ۲۹- ل، ن، لی، پ، آ، ل، آ، ب: پیمان؛ ل، ق: بیک سو گرایم ز پیمان (ق: فرمان)؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن، آ) ۳۰- ل، آ: او؛ ق: که ضحاک را زو چه آمد بروی (= ۱۱۴) ۳۱- و (و نیز ل، ن، آ): بر نجات باوی ۳۲- ل، ق: شنید ستم از؛ پ: شنید آن سخن؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۳- ق: راه جو ۳۴- ق: برو؛ ق: هراسان شدند و پر از گفت و گوی (= ۱۱۲) ۳۵- ق: کزین ۳۶- ل: هرچ دارید یاد ۳۷- ل: نباید؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ آوردن موبدان مر شاه بمن را ۳۸- ل، پ: آن ۳۹- ف، س- پ، آ، ل، آ، ب: چنین؛ متن = ل، و (و نیز ل، ن، آ) ۴۰- س: که ما؛ لی: ترا





زبان راستی را برآراسته<sup>۱</sup> ۱۵۵ [شما هرج<sup>۲</sup> گویم ز من بشنوید  
یکی ژرف بین ست شاه یمن  
نباید که گیرد<sup>۳</sup> شما را زیون  
به روز نختین یکی بزمگاه<sup>۴</sup>  
سه خورشیدرخ را چو باغ بهار<sup>۵</sup>  
نشانند بران<sup>۶</sup> تخت شاهنشهی ۱۶۰  
به بالا و دیدار هر سه یکی  
از آن<sup>۷</sup> هر سه کهتر بود پیشرو  
نشیند کهین نزد مهتر پسر  
میانین<sup>۸</sup> نشیند هم اندر میان  
پرسد شما را کزین سه همال ۱۶۵  
میانین<sup>۹</sup> کدامست<sup>۱۰</sup> و کهتر<sup>۱۱</sup> کدام  
بگوید کان برترین کهترست  
میانین<sup>۱۲</sup> خود اندر میانست راست

خرد ساخته کرده بر خواسته<sup>۱</sup>  
اگر کار بندید خرم<sup>۲</sup> بوید<sup>۳</sup> [   
که چون او نباشد به هر انجمن<sup>۴</sup>  
بکار آورد مرد بینا<sup>۵</sup> فسون  
ببازد، شما را دهد پیشگاه  
بیارد پر از بوی و رنگ<sup>۶</sup> و نگار  
سه خورشیدرخ را چو سرو سهی<sup>۷</sup>  
که از مه<sup>۸</sup> ندانند باز اندکی<sup>۹</sup>  
مهین باز پس در<sup>۱۰</sup> میان ماه نو  
مهین<sup>۱۱</sup> ماه<sup>۱۲</sup> نزد کهین<sup>۱۳</sup> تاجور  
بدان! کهت ز دانش نیاید زیان<sup>۱۴</sup>  
کدامین<sup>۱۵</sup> شناسید مهتر به سال  
بباید برین<sup>۱۶</sup> گونه‌تان برد نام<sup>۱۷</sup>  
مهین را نشستن نه اندر خورست  
برآمد<sup>۱۸</sup> ترا<sup>۱۹</sup> کار<sup>۲۰</sup> و بیکار کاست<sup>۲۱</sup>

۱- ل- ب (و نیز ل، ل، ن، آ): بیازاست؛ متن = ف ۲- ل، ق: خرد خیره (→ چیره) کرده ابر خواسته؛ س، ل، ن، ق، ل، ی، پ، ل، آ، ب: خرد داشته گنج بر (ب: پ) خواسته؛ و: خرد خواسته کرده بر خواسته؛ آ: خرد ساخته کرد بر خاست؛ متن = ف ۳- س، ق، و، ل، آ، ب: هر چه؛ ف، آ این بیت را ندارند؛ متن = ل، ل، ن، ۴- ل: خورم ۵- س، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): شوید؛ متن = ل ۶- درل، پ پس از این بیت، بیت ۱۵۳ آمده است؛ س، ل، ن، ق، ل، ی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): پس از این بیت و ل، پ پس از آوردن بیت ۱۵۳ بیت زیر را افزوده‌اند:

همش گنج بسیار و هم لشکر است (لی: لشکرند) (باوند نادر است)

همش دانش و رای و هم انسرست  
این بیت در ف، ق، آ، نیت ۷- ل- ب (و نیز ل، ل، ن، آ): باید؛ متن = ف ۸- ل- ق، ل، آ، ب، ل، آ، ب: دانا؛ لی: ناگهان يك؛ متن = ف، و (و نیز ل، ل، ن، آ) ۹- و: رزم گاه ۱۰- و: بدان بهار؛ ق: سه خورشید را همچو باغ بهار؛ ل: سه خورشید رخ چون سه باغ بهار؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۱- ل: بوی رنگ؛ س، ق، ل، و، آ (و نیز ل، ل، ن، آ): رنگ و بوی؛ ق: بو و رنگ؛ متن = ف، ل، ن، ل، ی، پ، ل، آ، ب ۱۲- ل: <ان>؛ لی: بدان ۱۳- و: بدان رمی؛ آ: سه مه چهره را همچو سرو سهی ۱۴- ف، س، ق: کی از مه؛ ب: مه از که؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۵- ل: ندانند که را یکی؛ آ: ندانید باز اندکی ۱۶- س، ق، ل، آ، ب: ازین؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۱۷- مهین از پس اندر؛ ل: مهین باز پس تر؛ ب: مهین باز در پس؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۱۸- ق، و: کهین ۱۹- ل، س، ل، ن، ق، ل، ی، پ، ل، آ، ب: باز؛ متن = ف، ق، و، آ ۲۰- ق، و: مهین ۲۱- ل- ق، ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): میانه؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ف ۲۲- ف، ل، ن، ق، آ: نیاید زمان (حرف چهارم واژه یکم و حرف دوم واژه دوم نقطه ندارند)؛ س: نماند زمان (حرفهای دوم و چهارم واژه یکم و حرف دوم واژه دوم نقطه ندارند)؛ ب: نیاید زمان (حرف دوم واژه دوم نقطه ندارند)؛ و (و نیز ل، ل، ن، آ): بیاید نشان؛ ل: بیاید زمان (حرف دوم واژه دوم نقطه ندارد)؛ ب (و نیز ل، ل، ن، آ): نیاید زیان؛ ل، ق: پس آنگه پدر برگشاید زیان؛ آ: شمار از دانش نیاید زیان ۲۳- س: کدامی؛ لی این بیت را ندارد ۲۴- ل- ب (و نیز ل، ل، ن، آ): میانه؛ متن = ف ۲۵- ق، آ: <و> ۲۶- س، ق، ل، و، آ: مهتر؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۷- ق، ل، ی، پ، ل، آ (و نیز ل، ل، ن، آ): بدین؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۸- ق: گونه بردست نام ۲۹- ل- ب (و نیز ل، ل، ن، آ): میانه؛ متن = ف ۳۰- لی: برآید ۳۱- و: همه ۳۲- ل، ق: کام؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۳- و: خاست؛ ل: راست؛ ف، ل پس از این بیت افزوده‌اند:

برین گونه راندند کار یمن (ل: بدین گونه رانید یکسر سخن)  
ل پس از بیت بالا دوبیت دیگر هم افزوده است:

بباشید يك بادگر هم سرای  
بدین گفت های من از بگروید  
نباید که باشید از هم جدای  
بکار اندرون شاد و خورم بوید (= ۱۵۵)

نهاده همه دل<sup>۲</sup> به گفت پدر  
 پر از دانش و پر فسون آمدند  
 پسر را که چونان<sup>۳</sup> پدر پرورد  
 ابا خویشتن موبدان خواستند<sup>۴</sup>  
 همه نامداران خورشیدچهر

بیاراست لشکر چو پر<sup>۵</sup> تذرو  
 چه بیگانه فرزندگان و چه خویش<sup>۶</sup>  
 برون آمدند<sup>۷</sup> از یمن مرد و زن  
 همه<sup>۸</sup> مشک با می برآمیختند  
 پراگنده دینار در<sup>۹</sup> زیر پی  
 همه سیم و زر اندرافکنده خشت<sup>۱۰</sup>  
 چه مایه بدو اندرون خواسته<sup>۱۱</sup>  
 چو شب روز شد کرد<sup>۱۲</sup> گستاخشان  
 سپهد برون آورید از نهفت  
 نشایست کردن بدیشان<sup>۱۳</sup> نگاه  
 که گفتش فریدون به گردنکشان<sup>۱۴</sup>  
 کزین سه ستاره<sup>۱۵</sup> کدامست که<sup>۱۶</sup>  
 بیاید برین<sup>۱۷</sup> گونه‌تان برد نام<sup>۱۸</sup>

گرانمایه و پاک<sup>۱</sup> هر سه پسر  
 ز پیش فریدون برون آمدند  
 بجز رای و دانش چه اندرخورد  
 برفتند و هر سه برآراستند<sup>۲</sup>  
 کشیدند<sup>۳</sup> با لشکری چون سپهر

چُن<sup>۴</sup> از آمدنشان شد آگاه سرو  
 فرستادشان لشکری گشن پیش<sup>۵</sup>  
 شدند این<sup>۶</sup> سه پرمایه اندر یمن<sup>۷</sup>  
 همه<sup>۸</sup> گوهر و زعفران ریختند  
 همه یال اسپان پر از مشک و می  
 یکی کاخ آراسته چون بهشت  
 به دیبای رومی<sup>۹</sup> بیاراسته  
 فرود آورد اندر آن<sup>۱۰</sup> کاخشان  
 سه دختر چنان چون فریدون بگفت  
 به دیدار هر سه<sup>۱۱</sup> چو تابنده ماه  
 نشستند هر سه بدان<sup>۱۲</sup> هم نشان  
 ازین<sup>۱۳</sup> سه گرانمایه پرسید مه<sup>۱۴</sup>  
 میانه کدامست و مهتر<sup>۱۵</sup> کدام

۱۷۰  
 ۱۷۵  
 ۱۸۰  
 ۱۸۵

۱- ل: گرانمایه آن پاک ۲- آ: نهاده دل و جان؛ متن = ف، و (و نیز ل ن)؛ در ق پس از این بیت چند بیت در هم ریخته‌اند: ۱۶۹، (أ)، ۱۷۱، ۱۷۰، (أ)، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴  
 ۳- و: که چون او؛ ق: این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت دو بیت افزوده است که تها در ق آمده است:  
 (أ) سوی خانه رفتند هر سه چو باد  
 (أ) چو خورشید زد عکس بر آسمان  
 پراکند بر لآزورد ارغوان (ق: زعفران)  
 در ق بیت (أ) پس از بیت ۱۶۹ و بیت (أ) پس از بیت ۱۷۰ آمده است؛ برخی از دستنویس‌ها پس از بیت ۱۷۱ سرنویس دارند، ل ن، ق، آ، لی، پ، ب؛ رفتن پسران فریدون بنزدیک سرو (ق، آ، پ، ب: بنزد شاه یمن)؛ لی: رفتن پسران فریدون یمن زن خواستن؛ و: فرستادن شاه فریدون پسران را بنزد سرو شاه یمن بدامادی؛ ل آمدن پسران فریدون نزد شاه یمن ۴- ل، س، ل ن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: بیاراستند؛ متن = ف، ق، و، آ، (و نیز ل، ن، آ) ۵- آ: بسی موبدان و ردان خواستند؛ ل: ابا موبدان خویشتن خواستند؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در ق پس از این بیت، بیت ۱۵۳ آمده است ۶- ف: برفتند؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۷- ف- آ، ب (و نیز ل، ن، آ)؛ چو؛ متن = ل ۸- ل ن: بان؛ پ: چو بر گل؛ آ: چو چشم؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ف، ق پس از این بیت سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آگاهی سرو یمن از آمدن فرزندان شاه فریدون و پذیره فرستادن لشکر را؛ ق: رسیدن پسران فریدون یمن بطلب زنان خود ۹- آ: فرستاد لشکر کشتار از پیش ۱۰- ق: چه بیگانگان و چه فرزانه خویش ۱۱- ل ن، لی، پ، و، ب: آن؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ل ۱۲- ب: گرانمایگان در یمن ۱۳- آ: آمده ۱۴- ل، و: همی، ق: این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۵- و (و نیز ل، ن، آ)؛ همی؛ آ: همان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- آ: فشانده بسی سیم و زر ۱۷- ف، و: زسیم و زر زرش (و: اندر) افکنده خشت؛ ق: هم از زر و سیم اندر افکنده خشت؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۸- ل: بدینار و دیبا؛ ل این بیت را ندارد ۱۹- ف: نهاده بدوی اندرون خواسته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- آ: اندرین؛ ل: فرود آوردند بر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱- ق: شب و روز می کرد ۲۲- ل: بد > ید < از هر سه (وزن نادرست است) ۲۳- ق، آ: در ایشان؛ ق: بریشان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۴- پ، و، آ، ب: بران؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۵- در ل ن این لت پاک شده است ۲۶- و، ب: از آن؛ در ل ن این لت پاک شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۷- و: چه؛ (ل ن: شه)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۲۸- ق: کزین سان ستاره ۲۹- ق، و: مه؛ (ل ن: مه)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۳۰- ف، ل، ل ن، ق، پ، آ، ل (و نیز ل، ن، آ)؛ کهر؛ متن = س، ق، آ، لی، و، ب (و نیز ل، ن، آ) ۳۱- لی: بدین ۳۲- ل، آ، ب: گونه‌تان (ل: گونتا > ن) (گفت نام؛ ل، ق: مابشید از این گفته در کار خام؛ متن = ف، س، ل ن، ق، آ، پ، و، آ (و نیز ل، ن، آ)؛ در ق لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در آ این بیت بایست سپین پس و پیش شده است

سبک<sup>۲</sup> چشم نیرنگ بردوختند  
 کز آمیختن رنگ نایدش<sup>۳</sup> سود  
 مهین را به مه داد و که را به که  
 بهم درکشیدند<sup>۷</sup> بازارشان  
 رخانیشان پر از خوی ز شرم<sup>۹</sup> پدر  
 پر از رنگ رخ<sup>۱۱</sup>، لب پر آوای<sup>۱۲</sup> نرم  
 کجا خواب و آسایش<sup>۱۶</sup> اندر خورد  
 بفرمودشان ساختن<sup>۱۸</sup> جای خواب  
 بخت این<sup>۲۱</sup> سه آزاده<sup>۲۲</sup> نیکبخت  
 یکی چاره اندیشه کرد اندر آن<sup>۲۴</sup>  
 بیاراست آرایش جادوی<sup>۲۶</sup>  
 بدان<sup>۲۸</sup> تا سرآید<sup>۲۹</sup> بریشان<sup>۳۰</sup> زمان  
 بسر بر<sup>۳۲</sup> نیارست پرید زاع<sup>۳۳</sup>  
 بجستند<sup>۳۴</sup> از آن<sup>۳۷</sup> سخت سرما ز جای  
 به افسون شاهان<sup>۴۰</sup> و مردانگی<sup>۴۱</sup>  
 نکرد ایچ سرما بدیشان نگاه

بگفتند از آن گونه<sup>۱</sup> کاموختند  
 بدانست شاه گرانمایه زود  
 چنین گفت کاری<sup>۴</sup> همینست<sup>۵</sup>، زه!  
 شد آنگه<sup>۶</sup> که پیوسته شد کارشان  
 ۱۹۰ سه افسرور از<sup>۸</sup> پیش سه تاجور  
 سوی خانه رفتند با ناز و شرم<sup>۱۱</sup>  
 بدانگه<sup>۱۳</sup> که می چیره<sup>۱۴</sup> شد بر<sup>۱۵</sup> خرد  
 سبک بر سر آبگیر<sup>۱۷</sup> گلاب  
 به پالیز<sup>۱۹</sup> پیش<sup>۲۰</sup> گل افشان درخت  
 ۱۹۵ سر<sup>۲۳</sup> تازیان، شاه افسون گران  
 برون آمد از گلشن خسروی<sup>۲۵</sup>  
 برآورد سرما و باد<sup>۲۷</sup> دمان  
 چنان شد که بفسرد<sup>۳۱</sup> هامون و راغ  
 ۲۰۰ سه فرزند آن شاه<sup>۳۴</sup> افسون گشای<sup>۳۵</sup>  
 بدان<sup>۳۸</sup> ایزدی فرو فرزانیگی<sup>۳۹</sup>  
 بران<sup>۴۲</sup> بند جادو<sup>۴۳</sup> بیستند راه

۱- ل، ل، ل: زان گونه؛ س: از آن کار؛ متن = نه دستویس دیگر؛ در آ این بیت بایست پیشین پس و پیش شده است ۲- پ: بیک ۳- ل (و نیز لن): بایست؛ ق این بیت را ندارد ۴- س، ق، ق، آ، لی، پ، ل، آری؛ متن = ف، ل، لن، و، آ، ب ۵- س: چنین است ۶- ل-ب (و نیز ل، لن): بدانگه؛ متن = ف ۷- و: بهم بر شکستند؛ آ: بهم در شکستند؛ ل: بهم در کشیدند؛ متن = نه دستویس دیگر ۸- ف (و نیز لن): سه افسروران؛ ل: سه افسر بُد از؛ لن، پ: سه افسرورا < ز >؛ ق: سه افسر دراز؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل) ۹- س، ق، آ، ب: پر از شرم و رنگ؛ لن، آ، ل: پر از رنگ و شرم؛ پ: پر از رنگ شرم؛ و: پر از شرم پیش؛ متن = ف، ل، ق، لی ۱۰- ف: پر آب گرم (ناخواناست)؛ س، ق، لی: پر ناز و شرم؛ لن: بر کرم (!) و شرم؛ ق، ل، ل، ب: بر طرم (!) و شرم؛ پ: بر شرم و طرم (!)؛ متن = ل، و، آ (و نیز ل، لن) ۱۱- ق، آ، پ: پر از رنگ رخ ۱۲- س، لن، پ، ل، ل: آواز؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ س پس از این بیت افزوده است:

سر تازیان سرو شاه بمن می آورد و میخواره کرد انجمن  
 برامش بیاراست و بگشاد لب همی خورد تا تیره تر گشت شب  
 سه پور فریدون سه داماد اوی نخوردند می جز همه یاد اوی

۱۳- ق: بر آنگه ۱۴- لی، پ، ل، خیره؛ آ: چهره؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۵- آ: پر؛ ل: < بر > (وزن نادرست است) ۱۶- لن: آرایش ۱۷- ل: آبگیری؛ لن، پ: آبگیری؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۸- ق: بفرمود بر ساختن ۱۹- ق: بیالین؛ ل: بیالید ۲۰- ل-ل، لی، و، ل، آ، ب: زیر؛ متن = ف، پ، آ (و نیز ل، لن) ۲۱- ق: بخفتن؛ و، ل، ب (و نیز ل، لن): بخفت آن؛ آ: بخفتند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۲- آ: سه خسرو ۲۳- ق (و نیز ل): شه ۲۴- ب: یکی چاره کرد اندر نهان؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر جادوی ساختن شاه بمن بفرزند ان فریدون و آگه شدن ایشان و دفع کردن آن ۲۵- و: خسروی ۲۶- لی، پ، و، ل (و نیز ل، لن): جادویی (جز در و پساوند نادرست است): متن = هفت دستویس دیگر ۲۷- پ: بادی؛ س: ابری و بادی ۲۸- و: همی؛ ل: بران ۲۹- س، لن، ق، ل (و نیز ل، ل، لن): سر آرد؛ ب: بریشان؛ متن = ف، ل، ق، آ، و، آ، ل (و نیز لن) ۳۱- ل: بفشرد ۳۲- لن: < بر > (وزن نادرست است) ۳۳- ل: بسر بر نیرید بارند زاع (!) ۳۴- ل، ق: سه فرزند شاه آن سه؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۵- ق: افسون گرای ۳۶- ف: نجستند؛ ل: بختند (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س-لی، و (و نیز لن): بختند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = پ، آ، ل، ب (و نیز ل) ۳۷- ل: زان ۳۸- ل (و نیز ل): بران؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز لن) ۳۹- ب: مردانگی ۴۰- ق: شاهی ۴۱- ب: فرزانیگی ۴۲- ف: بان؛ س، ق، ق، آ، لی، آ (و نیز ل، لن): بدان؛ در لن این لت پاک شده است؛ متن = ل، پ، و، ل، آ، ب ۴۳- س: جادوان بر؛ ل: تند جادو





بدان تا چو دیده بدارند نشان  
 خروشید و بار<sup>۲</sup> عروسان<sup>۳</sup> بیست  
 ز گوهر یمن گشت<sup>۴</sup> افروخته  
 [ چو فرزند را باشد آیین و فر<sup>۵</sup>  
 بسوی فریدون<sup>۱۱</sup> نهادند روی  
 چو جان پیش دل برگمارندشان  
 ابر<sup>۵</sup> پشت شرزه<sup>۶</sup> هیونان مست<sup>۷</sup>  
 عمارت یك اندر دگر دوخته  
 گرامی به دل بر چه ماده چه نر ]  
 جوانان بینادل<sup>۱۱</sup> راهجوی<sup>۱۲</sup>

### گفتار اندر آزمون کردن شاه آفریدون پسران رابه‌ناشناس<sup>۱۳</sup>

چُن<sup>۱۴</sup> از باز گردیدن این<sup>۱۵</sup> سه شاه  
 دلشان همی خواست کاگه شود  
 بیامد<sup>۱۸</sup> بسان<sup>۱۹</sup> یکی آژدها  
 خروشان و جوشان به جوش<sup>۲۱</sup> اندرون  
 چو هر سه پسر را بنزدیک<sup>۲۳</sup> دید  
 برانگیخت گرد و برآورد جوش<sup>۲۶</sup>  
 شد آگه فریدون<sup>۱۶</sup> بیامد به راه  
 ز<sup>۱۷</sup> بدها گمانیش کوتاه شود  
 کزو شیر گفتی<sup>۲۰</sup> نیابد رها  
 همی از دهانش<sup>۲۲</sup> آتش آمد برون  
 به گرد اندرون کوه<sup>۲۴</sup> تاریک دید<sup>۲۵</sup>  
 جهان شد<sup>۲۷</sup> از<sup>۲۸</sup> آواز<sup>۲۹</sup> او با خروش

۱- ل- ب: بر نگارندشان؛ متن=ف؛ در ل ن این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۲- ف (و نزل ۲): چو خورشید؛ متن=یازده دستنویس دیگر ۳- ل- ۳: بارش ۴- ل- ل- لی، و- ب (و نزل ۲، ل ن): غریبان؛ متن=ف، پ ۵- ل- ل: بر (وزن نادرست است)؛ آ: پزان (→ بران) ۶- ق- ۶: رهرو؛ ل: زرزه ۷- س، ق- ۷: پ: بیست؛ متن=نه دستنویس دیگر؛ در ل ن این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۸- ل- ۸: گشته؛ ل: زهرگونه گوهر شد؛ متن=ده دستنویس دیگر ۹- ل ن، ق- ۱، لی، پ: چو فرزند باشد بآیین و فر؛ ل: چو فرزند را شد بآیین و فر؛ متن=هفت دستنویس دیگر؛ ف، س، ل ن، ق- ۲: ب (و نزل ۲، ل ن)؛ پس از این بیت افزوده‌اند: عمارت و اشتر (س، آ، ب: استن) هیونان مست چنان چون بود سازو آیین بیست (ل ن، پ: ساز آیین پرست) ل ن، لی، پ: عمارت به پشت هیونان بیست (لی: مت)

ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ ف، س، ل ن، ق- ۲، پ، و، ل- ۲، ب (و نزل ۲، ل ن)؛ پس از بیت بالا يك بیت دیگر هم افزوده‌اند: ابامال (ق- ۲، پ: چن) و با خواست شاهوار (ف: سازوار؛ ق- ۲، و، ب: شهریار) همیشه به کار اندرون نیک یار (→ بی کیار) پ: گسی کردشان و بر آراست کار

این بیت در ل، ق، لی، آنیت، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۰- آ: سوی آفریدون ۱۱- ل، ل- ۱۱: بینادل و؛ متن=ده دستنویس دیگر ۱۲- ل، ق: چاره جوی؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نزل ۲، ل ن) ۱۳- س: پذیره شدن شاه فریدون پسران را و آزمودن ایشان؛ ل ن، ق- ۲، پ، ب: آزمودن فریدون پسران را (پ: پسران خود را)؛ ق: رفتن فریدون پذیره پسران و آزمودن ایشان را؛ لی: گفتار اندر آزمودن فریدون پسران را؛ و: آزمودن شاه فریدون پسران را و نام نهادن؛ آ: رفتن کاه پیش فریدون؛ ل- ۲: رفتن فریدون براه پسران؛ ل سرنویس ندارد؛ متن=ف ۱۴- ل، ل- ۱۴: س، ق- ب (و نزل ۲، ل ن)؛ چو؛ در ل ن آغاز این لت پاك شده است؛ متن=ف ۱۵- ل، ل- ۱۵: لی، پ، و، ب: آن؛ متن=ف، س، ل ن، ق، ق- ۲، ل- ۱۶: ب: فریدون شد آگه ۱۷- ل- ۱۷: که؛ ف، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

به افسون تن خود دگرگونه ساخت بنزدیک آن (آ: این) هر سه آزاده ناخت

۱۸- ف، آ، ل- ۲: خروشان؛ در ل ن آغاز این لت پاك شده است؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نزل ۲، ل ن) ۱۹- ل- ۱۹: و جوشان ۲۰- آ: شرزه ۲۱- ق: براه؛ پ: بخشم؛ آ: ز تندی بجوش و خروش؛ متن=نه دستنویس دیگر ۲۲- ل: همی از منش؛ و: همی از دهان؛ آ: ز کامش همی؛ ل- ۲: همی ازدهاش؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۲۳- آ: چو با هر سه شهزاده نزدیک کرد ۲۴- ل، ق: روز؛ آ: بریشان جهان تنگ و؛ متن=نه دستنویس دیگر (و نزل ۲، ل ن) ۲۵- آ: کرد ۲۶- و: برآمد بجوش ۲۷- س، پ، ل- ۲، ب: گشت؛ متن=ف- لی، و ۲۸- ل، ل- ۲۸: لی، و؛ ز ۲۹- ب: آوای؛ آ: از آواز او شد جهان ۳۰- س- ب (و نزل ۲): پر خروش؛ متن=ف، ل (و نزل ۲)؛ ف، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

زمین را همی زد بدنبال چاک بگردون همی (آ: ایں) برپراکنند خاک

بیامد دمان<sup>۱</sup> سوی<sup>۲</sup> مهتر پسر  
 مهین<sup>۴</sup> گفت با اژدها روی<sup>۵</sup> جنگ  
 سبک پشت بنمود و بگریخت زوی<sup>۸</sup>  
 ۲۳۰ میانین<sup>۹</sup> برادر چُن<sup>۱۰</sup> او را<sup>۱۱</sup> بدید  
 مرا<sup>۱۲</sup> - گفت - اگر کارزارست کار  
 چو کهتر پسر نزد ایشان رسید  
 بدو گفت کز پیش ما باز شو<sup>۱۵</sup>  
 گرت نام شاه آفریدون به گوش  
 ۲۳۵ که فرزند اویم هر سه پسر  
 گر از راه بی راه یکسو شوی<sup>۲۱</sup>  
 فریدون فرخ چو بشنید و دید<sup>۲۴</sup>  
 برفت و بیامد به دروازه<sup>۲۵</sup> پیش  
 ابا کوس و با زنده<sup>۲۹</sup> پیلان مست  
 ۲۴۰ بزرگان لشکر پس پشت اوی<sup>۳۱</sup>  
 چو دیدند پرمایگان<sup>۳۳</sup> روی شاه  
 برفتند و<sup>۳۵</sup> بر خاک دادند بوس

که او بود پرمایه‌تر<sup>۲</sup> تاجور  
 نبیند<sup>۴</sup> خرد یافته<sup>۷</sup> مرد سنگ  
 پدر زی برادرش بنهاد روی  
 کمان را به زه کرد و اندرکشید  
 چه شیر دمنده چه جنگی سوار<sup>۱۲</sup>  
 خروشید کان اژدها را بدید<sup>۱۴</sup>  
 نهنگی تو بر راه شیران<sup>۱۶</sup> مرو<sup>۱۷</sup>  
 رسیده‌ست، هرگز بدینسان<sup>۱۸</sup> مکوش<sup>۱۹</sup>  
 همه گرزداران پرخاشخو<sup>۲۰</sup>  
 وگر برنهمت<sup>۲۲</sup> افسر بدخوی<sup>۲۳</sup>  
 هنرها بدانست و شد ناپدید  
 چنان چون سزا بُد<sup>۲۶</sup> بدآیین<sup>۲۷</sup> خویش<sup>۲۸</sup>  
 همان<sup>۳۰</sup> گرزهی گاوپیکر بدست  
 جهان آمده پاک<sup>۳۲</sup> در مشت اوی<sup>۳۱</sup>  
 پیاده دوان<sup>۳۳</sup> برگرفتند راه  
 فرو مانده<sup>۳۴</sup> بر جای پیلان<sup>۳۷</sup> کوس

۱- ف: دوان؛ در لن آغاز این لت پاك شده است؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲- ل: نزد؛ ق (و نیز ل، آ): پیش؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، آ) ۳- ل، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، ن، آ): پرمایه و؛ متن = ف، آ ۴- ل، ب (و نیز ل، آ، ن، آ): پسر؛ متن = ف ۵- ف (و نیز ل، آ): روز؛ ل: روز (!)؛ ق: زور و؛ و: رور (نقطه ندارد)؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، آ) ۶- ل، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، ن، آ): نازد؛ متن = ف، لی، آ ۷- ق: خرد ساخته؛ ل، آ: خیر یافته ۸- ل، س، ل، ن، ق، ب: ازوی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۹- ل، ب (و نیز ل، آ، ن، آ): میانه؛ متن = ف ۱۰- ل، آ، ب (و نیز ل، آ، ن، آ): چو؛ متن = ف، ل، آ ۱۱- لی: آنرا؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر مردی کردن پسران آفریدون و مناظره کردن با پدر که او را اژدها پنداشتند ۱۲- س، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: چنین؛ و: بدل؛ در لن آغاز این لت پاك شده است؛ متن = ف، ل، ق، آ (و نیز ل، آ) ۱۳- آ: بر من چه پیل و چه شیر و چه مار؛ ف، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو دید آفریدون (آ: آن فریدون) که گاه سبیز  
 نهان کرد از روی و شد ناپدید  
 بدو (آ: برو) اژدها گشت باز آشکار  
 شد آن مرد برنا چنان تند و تیز  
 چو کهتر برادرش پیش (آ: برادر به پیش) رسید  
 چو دید اژدها را نبرده سوار

در دستویس های دیگر بجای این بیت هابیت ۲۳۲ آمده است که در ف، آ نیست ۱۴- ف، آ این بیت را ندارند (پ ۳۱) ۱۵- ل، ق، آ، لی (و نیز ل، آ): دور شو؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، آ) ۱۶- ل، ن، لی، پ: نهنگی نو در پیش (لی: راه) شیران؛ ق: نهنگی بر شاه ایران؛ آ: نهنگی بدینال شیران؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل، آ، ب ۱۷- ق: مشو (پاوند ندارد) ۱۸- س، ق، آ، لی: با ما بدین سان؛ ب: با ما ازینسان؛ آ: هرگز بدینان (!)؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۹- ق، آ، لی، و: بکوش؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۰- ل: پرخاش خور ۲۱- آ: تودانی گر از راه يك سوشوی؛ ل، آ: گر از <راه> بی راه یکسوشوی (وزن نادرست است) ۲۲- ل، ق (و نیز ل، آ): وگر نه نهمت؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، آ) ۲۳- س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ): خسروی؛ متن = ف، ل، ق، آ (و نیز ل، آ) ۲۴- آ: چو دید و شنید ۲۵- س، و: بدر واره (حرف ششم نقطه ندارد)؛ ل، ن، ق، آ، ب (و نیز ل، آ): پدروار؛ آ: زردوازه؛ ل، آ: بدوازه؛ متن = ف، ل، ق، لی، ب (و نیز ل، آ) ۲۶- و: چنان چون بیاید ۲۷- ل، ب (و نیز ل، آ، ن، آ): بآیین؛ متن = ف ۲۸- آ (و نیز ل، آ): وکیش ۲۹- ل، ق، بانای و؛ آ: پس پشت او کوس و؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، آ، ن، آ) ۳۰- ق، آ: همه ۳۱- ل، ق، آ: او؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۲- ق، آ: یکی کابلی تیغ ۳۳- ق، آ: پرمایگاه (وزن نادرست است) ۳۴- و: دمان ۳۵- لی: <و> ۳۶- س، ل، ن، ق، آ، پ، آ، ل، آ (و نیز ل، آ): فرو ماند؛ متن = ف، ل، لی، و، ب (و نیز ل، آ) ۳۷- ف، س، ق، ب (و نیز ل، آ، ن، آ): پیلان و؛ متن = ل، ل، ن

بر<sup>۲</sup> اندازه‌بر پایها<sup>۳</sup> ساختشان  
 به پیش جهان داور آمد<sup>۴</sup> براز<sup>۵</sup>  
 کز او دید نیک و بد روزگار  
 به تخت گرانمایگی<sup>۱۱</sup> برنشاند  
 کجا خواست گیتی بسوزد<sup>۱۴</sup> به دم<sup>۱۵</sup>  
 چو بشناخت برگشت با خرمنی<sup>۱۶</sup>  
 چنان چون بیاید<sup>۱۷</sup> سزاوار<sup>۱۸</sup> مغز  
 به گیتی پراگنده کام تو باد  
 به گاه گریزش<sup>۲۱</sup> نکردی درنگ  
 تو<sup>۲۴</sup> دیوانه خوانش مخوانش دلیر  
 از آتش مرو را<sup>۲۶</sup> دلیری<sup>۲۷</sup> فزود<sup>۲۸</sup>  
 کجا زنده پیش نیارد بزیر  
 که بددل نباشد سزاوار<sup>۳۱</sup> گاه  
 که هم با شتابست و هم با درنگ  
 چنان کز ره<sup>۳۵</sup> هوشیاری<sup>۳۶</sup> سزید

پدر دست بگرفت و بنواختشان  
 چن<sup>۴</sup> آمد به کاخ<sup>۵</sup> گرانمایه باز  
 همی<sup>۸</sup> آفرین کرد بر کردگار  
 چوزان پس جهاندیدگان را بخواند<sup>۱۱</sup>  
 چنین<sup>۱۲</sup> گفت کان<sup>۱۳</sup> ازدهای دژم  
 پدر بد که جست از شما مردمی  
 کنون نامتان ساختستیم نغز  
 تویی مهترین<sup>۱۹</sup> سلم نام تو باد  
 که جستی سلامت زچنگ<sup>۲۰</sup> نهنگ  
 دلاور که نندیشد<sup>۲۲</sup> از پیل<sup>۲۳</sup> و شیر  
 میانه کز آغاز تیزی<sup>۲۵</sup> نمود  
 ورا تور خوانیم<sup>۲۹</sup> شیر دلیر  
 هنر خود دلیرست<sup>۳۰</sup> بر جایگاه  
 دگر کهترین<sup>۳۲</sup>، مرد با سنگ و چنگ<sup>۳۳</sup>  
 ز خاک و ز آتش<sup>۳۴</sup> میانه گزید

۱- ف (و نیز ل): بزد دست و بگرفت و بنواختشان (وزن نادرست است)؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز لن) ۲- ل، لن، لی، آل، ب (و نیز ل): به؛ متن = ف، ق، آ، پ، و (و نیز لن) ۳- ف، ل، آل، ا: نامها؛ ق، و: جایگه؛ لی، ب (و نیز ل، لن، ا): پایگه؛ متن = لن، ق، پ ۴- ل- ب (و نیز ل، لن، ا): چو؛ متن = ف ۵- ف: بگاه؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، ا) ۶- ق، ل، ا: جهاندار آمد؛ و: جهان آفرین شد؛ متن = نه دستویس دیگر ۷- ف، آ: فراز؛ متن = ده دستویس دیگر ۸- س، لن، پ، ل، ب: بسی؛ ق، لی: این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل، لن، ا) ۹- ف، آ: وزو؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، ا)؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: نام نهادن فریدون پسران را و بر تخت نشاندن ۱۰- س، لن، ق، لی، پ، ل، ب: وزان پس سه فرزند خود را بخواند؛ متن = ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل، لن، ا) ۱۱- ل، و، ل، آل (و نیز ل، لن، ا): گرانمایگان؛ متن = نه دستویس دیگر؛ ف، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

وزیشان بهرسید فرزانه شاه  
 که ایسر شما را چه آمد براه  
 آ: که از بد چه آمد شما را براه

از آن ازدها یاد کردند زود  
 که ما را براه اندرون رخ نمود

۱۲- ف، آ: پدر؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، ا) ۱۳- ل، ا: که ۱۴- ف: نمود؛ ل، س، لن، ق، و: سوزد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی: بدوزد؛ متن = ق، آ، پ، ل، ب (و نیز ل، لن، ا) ۱۵- آ: که گیتی همی سوخت از دود دم ۱۶- لن، پ: چو بگذشت برخاست با مردمی (پ: باخرمی)؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، ا)؛ ل: خورمی ۱۷- لن: ستاید؛ لی: بیاید؛ پ: شاید؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز لن، ا) ۱۸- ل، ق، و، آ: پاکیزه؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، ا) ۱۹- ف، س، لن، ق، آ، پ- ب: مهتر؛ لی: این بیت را ندارد؛ متن = ل، ق ۲۰- ل، لن: حنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، پ، ل: جنگ (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ س، ق، آ، لی، و، ب (و نیز لن، ا): کام؛ متن = ف، آ (حرف یکم سه نقطه دارد) ۲۱- ق: بجای گزندش ۲۲- ف، ق، آ، پ: نندیشد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن: نندیشد؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، ا) ۲۳- لن، ق، ق، آ، و، ب: بیر؛ پ (و نیز لن، ا): تیر؛ متن = ف، ل، س، لی، آل (و نیز ل، لن، ا) ۲۴- لن، ق، آ، ب: به ۲۵- ل، ق، و (و نیز ل، لن، ا): تندی؛ ق، آ، لی: شیری؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۶- ل، و (و نیز لن، ا): از آن پس مرورا؛ ق: بگاه دلیری؛ ق، آ، لی: بگاه درشتی؛ آ: بر آتش مرورا؛ متن = ف، س، لن، پ، ل، ب ۲۷- ق: درشتی ۲۸- ق، آ، لی: نمود ۲۹- لن، آل، ا: خوانیم؛ و؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۰- ف، ل (و نیز ل، لن، ا): دلیرست؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز لن، ا) ۳۱- لن، پ، ل، ا: خداوند؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۲- ف، لن، ب: کهتر آن؛ متن = ل ۳۳- و: با فرو سنگ؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۴- س: زآب و زآتش ۳۵- ل: چنانک از ره؛ ق: چنان کرزه (→ کرزه)؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۶- س، لی، پ، آل، ب: هوشیاران؛ و (و نیز ل، لن، ا): هوشمندان؛ متن = ف، ل، لن، ق؛ در ق لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

به گیتی جز او را نباید ستود<sup>۵</sup>  
 در مهتری<sup>۹</sup> باد فرجام اوی<sup>۷</sup>  
 به گاه درشتی دلیری فرود<sup>۱۲</sup>  
 کنون برگشایم به شادی<sup>۱۴</sup> دو لب  
 زن تور را ماه<sup>۱۷</sup> آزاده خوی<sup>۱۸</sup>  
 کجا بُد به خوبی سَهیلش<sup>۲۰</sup> رهی  
 که<sup>۲۲</sup> اخترشناسان نمودند چهر<sup>۲۳</sup>  
 بدید<sup>۲۵</sup> اختر نامداران خویش  
 ستاره: زحل دید و، طالع: کمان<sup>۲۱</sup>  
 خداوند: بهرام بر خون دلیر<sup>۲۹</sup>  
 حمل دید: طالع<sup>۳۰</sup>، خداوند: ماه  
 که آشوب و جنگ بایست بود<sup>۳۴</sup>

دلیر و جوان چون هشیوار<sup>۲</sup> بود  
 کنون ایرج اندر خورد<sup>۶</sup> نام اوی<sup>۷</sup>  
 ۲۶۰ بدان کو به<sup>۱۰</sup> آغاز شیری<sup>۱۱</sup> نمود  
 به نام پری چهرگان<sup>۱۳</sup> عرب  
 زن سلم را کرد نام<sup>۱۵</sup> آرزوی<sup>۱۶</sup>  
 زن ایرج نیک پی<sup>۱۹</sup> را سَهی  
 پس از اختر گردگردان<sup>۲۱</sup> سپهر  
 ۲۶۵ نبشته<sup>۲۴</sup> بیاورد و بنهاد پیش  
 به سلم اندرون جست<sup>۲۶</sup> از<sup>۲۷</sup> اختر نشان  
 دگر طالع تور فرخنده: شیر،  
 چو کرد اختر فرخ ایرج نگاه  
 از<sup>۳۱</sup> اختر بدیشان<sup>۳۲</sup> نشانی نمود<sup>۳۳</sup>

## گفتار اندر بخش کردن آفریدون جهان را بر پسران<sup>۳۵</sup>

۱- ل، ل، ق، آ، لی، پ، آل، آ: جوان و؛ متن = ف، و، ب (و نیز ل ن) ۲- ب: هشیوار (وزن نادرست است) ۳- ل ن، پ، و، ل، آ، ب: ز؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، لی، آ ۴- ل ن: مرور بیاید؛ ق، آ، لی، و، آ: جز او را نشاید؛ متن = ف، ل، س، پ، ل، آ، ب ۵- لی: ستوه (پس او نندارد)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ در لی این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۶- پ: اندر خور ۷- ل: تو؛ س، ق، آل، آ، ب: او؛ متن = ف، ل، ن، ق، آ، لی، پ، و ۸- ق، ق، آ، لی: همه؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل ن) ۹- ل، آ، ب: بهتری؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۰- ل: ز؛ پ: نه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۱۱- ف: تیزی؛ ل: تند؛ ل ن: سیری؛ متن = س، ق، آ، ب (و نیز ل ن) ۱۲- س، ل، و، آل، آ، ب: نمود؛ ق: وزان پس مرا و دلیری فرود؛ متن = ف، ل، ن، پ ۱۳- ل، ل، ن، ق، پ، ل، آ، ب: پری چهرگان روز و شب؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، آ (و نیز ل ن) ۱۴- ق: برگشایم زاید؛ لی: برگشایم زید ۱۵- ل، س، ق، لی، آ: نام کرد؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل ن) ۱۶- ق: آرزو ۱۷- ل، ق، آ، نام: متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل ن) ۱۸- ق: آزاده خو؛ لی: آزاده خوی ۱۹- س، ق، آ، لی: پاک خو؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۰- س، ل، ن، آل، آ، ب: کجا بد سَهیلش بخوبی؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل ن) ۲۱- آ: کردگار ۲۲- آ: کش ۲۳- ق: همی باز جشتره کین و مهر ۲۴- ل، ل، ن، و، نوشت؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل ن) ۲۵- ق: چنین ۲۶- س، ل، ن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: بود؛ لی: برد؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۲۷- ل، ل، ن، پ: ز؛ ق، آ: <ز>; متن = هفت دستویس دیگر ۲۸- ل، و، (و نیز ل ن) آ: سبب (ل: شب) مشتری بودو طالع کمان؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: نبودش مگر مشتری و (ق، آ، لی: در) کمان؛ ق: زن مشتری دید و طالع کمان؛ متن = ف، آ ۲۹- ل- ب: خداوند خورشید (آ: خورشید و سعد) لی: شین دلیر؛ (ل: آ: چو آید به خورشید سعد دلیر؛ ل ن: آ: خداوند شمیر و سعد دلیر)؛ متن = ف ۳۰- ل، ق، پ: کشف طالع آمد؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، و، آل، آ، ب (و نیز ل ن) آ: کشف دید طالع؛ متن = ف ۳۱- ل، ق، لی، و، ز؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۲- ل، ل، ن، ق، لی، و، ل، آ: بریشان؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، آ، ب ۳۳- ل: نبود؛ ق: که دید؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۴- ل: که آشوب بیکار بایست بود؛ ق: بدانت کاشوبش و جنگ دید؛ و، آل، آ: که آشوبش جنگ بایست (و، آ: خواست) بود؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، ب: و (و نیز ل ن) آ و ق در کناره) سه بیت (سه دستویس دیگر چهار بیت) افزوده اند:

شد اندوهگین شاه چون آن بدید  
 یکی باد سرد از جگر برکشید  
 بر ایرج بر آشفته دید او سپهر  
 نبد ساز گماریش با او به مهر  
 به اندیشه و رای روشن روان  
 نگردد دگرگونه گفت این گمان

۳۵- ف: گفتار اندر بخش کردن آفریدون جهان را بر پسران و دادن سلم را روم و نور ترکستان و ایرج ایران را؛ س، ق، آ، لی: بخش کردن شاه (لی: قسمت کردن) فریدون زمین را بر پسران، ل، ن، پ، ب: بخش کردن فریدون جهان را (ل، ن، پ: را بر پسران)؛ آ: عجایب دیدن فریدون فرخ؛ ل: بخش کردن فریدون زمین بهره پسران؛ ل، ق، و: سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف

۲۷۰ نهفته چو بیرون کشید<sup>۱</sup> از نهان  
 یکی روم و خاور، دگر<sup>۲</sup> ترك<sup>۳</sup> و<sup>۴</sup> چین  
 نخستین به سلم اندرون بنگرید  
 بفرمود تا لشکری برگزید<sup>۱</sup>  
 به تخت کیان اندرآورد پای  
 ۲۷۵ دگر تور را داد توران زمین<sup>۱۳</sup>  
 یکی لشکری نامزد کرد شاه  
 بیامد به تخت کی<sup>۱۵</sup> برنشست  
 بزرگان برو<sup>۱۷</sup> گوهر افشانند  
 ازین دو<sup>۱۹</sup> نیابت<sup>۲۰</sup> به ایرج رسید  
 ۲۸۰ هم ایران و هم دشت<sup>۲۲</sup> نیزه‌وران  
 بدو<sup>۲۵</sup> داد کو<sup>۲۶</sup> را سزا بود تاج<sup>۲۷</sup>  
 نشستند هر سه به آرام<sup>۲۹</sup>، شاد  
 هرآن را<sup>۳۱</sup> که بد هوش و فرهنگ و رای  
 برآمد برین<sup>۳۳</sup> روزگاری دراز  
 ۲۸۵ فریدون فرزانه شد سالخورد

به سه بخش<sup>۲</sup> کرد آفریدون جهان  
 سیم<sup>۶</sup> دشت گردان و<sup>۷</sup> ایران زمین  
 همی<sup>۸</sup> روم و خاور مرو را سزید<sup>۹</sup>  
 گرازان سوی خاور اندرکشید<sup>۱۱</sup>  
 همی خواندندیش<sup>۱۲</sup> خاورخدای  
 ورا کرد سالار ترکان و چین<sup>۱۴</sup>  
 کشید آنگهی تور لشکر براه  
 کمر بر میان بست و بگشاد دست<sup>۱۶</sup>  
 مِهان<sup>۱۸</sup> پاک توران شهنش خواندند  
 مرو را پدر شهر<sup>۲۱</sup> ایران گزید  
 همان<sup>۲۳</sup> تخت شاهی و تاج سران<sup>۲۴</sup>  
 همان تیغ و مهر و همان تخت عاج<sup>۲۸</sup>  
 چنان مرزبانان خسرو<sup>۳۰</sup> نژاد  
 مرو را همی خواند<sup>۳۲</sup> ایران خدای  
 زمانه به دل در<sup>۳۴</sup> همی داشت راز  
 به باغ بهار اندرآورد گرد

۱- ف (و نیز ل<sup>۲</sup>): نهفته برون آورد؛ س: نهفته چون بیرون کشید (وزن نادرست است)؛ آ: چو بیرون کشید این نهفت؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲- س، ق، آ، لی: بهره؛ متن = نه دستویس دیگر ۳- لن، پ، ل، آ: یکی؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۴- ل: تور ۵- ل: > و < ۶- ف، س، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): سوم؛ لن، لی، و: سیم؛ متن = ل، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۷- لن-ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>): > و <؛ متن = ف، ل، س، ق، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۸- ل-ل، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): همه؛ متن = ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۹- س، ق، آ، لی، پ، ب: گزید؛ ل: بلید؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ متن = ف، ل، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۰- ل: جنگجوی؛ ق، آ، پ، آ، ل: برکشید؛ متن = ف، س، لن، ق، لی، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۱- ل: سوی مرزخوارزم بهادروی؛ آ: کزان سوی خاور سراندر کشید؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۲- ل: خواندندیش؛ آ: خواندندیش ۱۳- ل: ترکان و چین ۱۴- ل: توران زمین؛ ق: ترکان چین؛ آ: توران و چین؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۵- ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): شهی؛ س، لن، ق، آ، پ، ل: مهی؛ لی: کیان؛ متن = ل، ق، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۶- لی: لب (پساونندارد) ۱۷- لی: بدو ۱۸- ل، ق، و، ب: همه؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): جهان؛ متن = ف ۱۹- س، لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: پس آنگه؛ لی: وزان پس؛ و: ازیشان؛ متن = ف، ل، ق، آ ۲۰- ق: میان؛ لی، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چونوت؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۱- ل، و: شاه؛ ق: تخت؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۲- و: شهر ۲۳- ل: هم از ۲۴- س: باج سران؛ لی: همان تیغ مهر و همان تخت عاج (لی) ۲۸۵ ب و ۲۸۶ آ را انداخته و از ۲۸۵ آ و ۲۸۶ ب يك بيت ساخته است که پساوند هم ندارد)؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: پادشاهی ایرج به ایران زمین ۲۵- پ: برو ۲۶- ق: او را ۲۷- ف: سزوار تاج؛ س، ق: سزابد تاج؛ لن، پ، ل، آ، ب: سزابد گاه؛ لی این لت را انداخته است (← پ ۲۴)؛ متن = ل، ق، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۸- ل: همان کرسی و مهر و آن تخت عاج؛ لن، پ، ل: همان تیغ و مهر و نگین و کلاه؛ آ: همان تیغ و گرز و همان تخت عاج؛ متن = ف، س، ق، آ، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۹- ف، س، لن، لی، پ، آ، ب: به آرام و؛ متن = ل، ق، آ، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۳۰- ل، ق، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): فرخ؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ در س، ق، آ، لی، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳۱- س، ق، آ، لی، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): مرآرا؛ لن، و، ل: مرورا؛ پ: کسی را؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۳۲- س: مرورا چه خواندندی (وزن نادرست است)؛ لن، ق، آ، لی، و، ل: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): مرو را چه خواندند (و، ل: خوانند)؛ متن = ف، پ، آ؛ در س، ق، آ، لی، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۳- لی: بدین ۳۴- س: بر

برین<sup>۱</sup> گونه گردد سراسر سخن  
 چو آمد<sup>۴</sup> به کار اندرون تیرگی<sup>۵</sup>  
 بجنبید مر<sup>۶</sup> سلم را دل ز جای  
 دلش گشت غرقه به آزا<sup>۸</sup> اندرون  
 ۲۹۰ نبودش پسندیده بخش پدر  
 به دل پر زکین شد<sup>۱۱</sup>، به رخ پر زچین  
 فرستاد نزد برادر پیام  
 بگفت آنچه<sup>۱۴</sup> اندر دل<sup>۱۵</sup> اندیشه بود  
 بدان ای<sup>۱۸</sup> شهنشاه ترکان و چین<sup>۱۹</sup>  
 ۲۹۵ ز پیلای ژیان<sup>۲۱</sup> کرده گوشی پسند<sup>۲۲</sup>  
 به بیداردل بنگر این داستان<sup>۲۵</sup>  
 سه<sup>۲۷</sup> فرزند بودیم زیبای تخت<sup>۲۸</sup>  
 اگر مهترم من به سال و خرد  
 گذشته ز من، تاج و تخت و کلاه  
 ۳۰۰ چو ایران و دشت یلان و یمن  
 سپارد ترا دشت<sup>۳۳</sup> ترکان و<sup>۳۴</sup> چین

شود سست<sup>۲</sup> نیرو چو گردد کهن<sup>۳</sup>  
 گرفتند پرمایگان چیرگی<sup>۴</sup>  
 دگرگونه تر شد به آیین و رای  
 پُر اندیشه<sup>۹</sup> بنشست بارهنمُون  
 که دادش<sup>۱۱</sup> به کهتر پسر تخت زر  
 فرسته فرستاد زی شاه چین<sup>۱۲</sup>  
 که جاوید زی، خرم<sup>۱۳</sup> و شادکام  
 فرستاده بی را برافگند زود<sup>۱۷</sup>  
 گسسته دل روشن از به گزین<sup>۲۰</sup>  
 منش<sup>۲۳</sup> پست و<sup>۲۴</sup> بالا چو سرو بلند  
 کزین گونه نشنیدی از باستان<sup>۲۵</sup>  
 یکی کهتر از ما به آمد به بخت<sup>۲۹</sup>  
 زمانه به مهر من اندر خورد<sup>۳۰</sup>  
 تزید مگر بر تو ای پادشاه<sup>۳۱</sup>  
 به ایرج<sup>۳۲</sup> دهد، روم و خاور به من  
 که از ما<sup>۳۵</sup> سپهدار ایران زمین<sup>۳۶</sup>

۱- لی: بدین ۲- آ: پست ۳- لن: شود سست چون مرد گردد کهن (نیمه دوم این لت در لن ناخواناست و پایان آن پاک شده است)؛ در ل، ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- و: درآمد ۵- و، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>): خیرگی؛ متن = ده دستویس دیگر ۶- ل، س، و: حیرگی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن، ق، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>): خیرگی؛ متن = ف، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ در ل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۷- ل<sup>۲</sup>: می ۸- لن: دلش غرقه بد از اندرون (ناخوانا و وزن نادرست است)؛ ل<sup>۲</sup>: دلش غرقه بد آب اندرون (وزن نادرست است)؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۹- ل، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): باندیشه؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۰- ل، ق<sup>۲</sup>: داد او؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۱- ق: بد؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۲- لی: فرستاده شد زی سوی شاه چین؛ ل<sup>۲</sup>: فرستاد نامه زی شاه چین؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۳- ل: خورم؛ در لن، پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ برخی از دستویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، ف: پیغام فرستادن سلم به تور و خواندن او را تا بمشورت نامه به افریدون نویسند؛ لن (چند بیت پایین تر): پیغام سلم بنزد تور برادرش؛ ق: گفتار در سب عداوتی که میان ایران و توران افتاد؛ پ: پیغام سلم بنزد تور؛ و: پیغام سلم نزد تور و پاسخ دادن تور او را؛ ل<sup>۲</sup>: نامه نوشتن شاه به توران ۱۴- ل، س، لن: آنچه؛ ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup>، ب: آنچه؛ متن = ف، آ ۱۵- ق: و برادر(!)؛ ق<sup>۲</sup>، و، ل<sup>۲</sup>: در دلش؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۶- لن: کرد ۱۷- ق<sup>۲</sup>، لی: هیونی بر آن (لی: بدان) سو برافکنند زود؛ و: فرستاده مردی برافکنند زود؛ ل<sup>۲</sup>: فرستاده راره برافکنند زود؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ در لن، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ س، ق<sup>۲</sup>، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

بنزد برادر جهانگیر تور که بود از دلش رای و اندیشه دور

۱۸- لی: بدانید ای (وزن نادرست است)؛ آ: که دان که ۱۹- ل: که ای شاه ترکان و سالار چین ۲۰- آ: از ترس و کین؛ لی، پ: هترمند و روشن دل و پاک دین (پ: و برگزین)؛ در لن این لت پاک شده است؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۱- ل، ق: زییل دمان؛ لی، و، ل<sup>۲</sup>، ب: زییل ژیان ۲۲- ل، ق، و: گوشش پسند؛ لن، پ: زنیکی زبان کرده گویی پسند؛ آ: زگیٹی بیک گوشه کرده پسند؛ متن = ف، س، ق<sup>۲</sup> ۲۳- لن، ل<sup>۲</sup>: تنش ۲۴- پ: > و < ۲۵- ل: کنون بشنواز من یکی داستان؛ و: برانداز دل بنگر این داستان؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۶- ق<sup>۲</sup>: این باستان؛ و: از راستان؛ در لن این لت پاک شده است ۲۷- س: ز ۲۸- لی: با تاج و تخت ۲۹- ل، و (و نیز ل<sup>۲</sup>): از ما برآمد بخت (پسوند ندارند)؛ س، آ: از ما مه آمد به بخت؛ لی: از ما سرآمد به بخت؛ ب: از مایه آمد به بخت (حرف یکم واژه پسین نقطه ندارد)؛ متن = ف، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، ل<sup>۲</sup> ۳۰- در لن لت دوم این بیت پاک شده است ۳۱- لی: نیکخواه؛ در س- ب پس از این بیت بیت ۳۰۳ آمده است؛ پیاپی بیت های متن = ف، ل ۳۲- لی: بایران ۳۳- ل: مرز؛ متن = بازده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۳۴- ل، لن: > و < ۳۵- ل، س، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ل<sup>۲</sup>، ب: که از تو؛ ق: که ایرج؛ در لن لت دوم این بیت پاک شده است؛ متن = ف، آ ۳۶- ف: ایران و چین؛ و: کناری فرستد ز روی زمین

به مغز پدرت<sup>۱</sup> اندرون رای نیست  
 کزین سان پدر کرد بر ما ستم<sup>۲</sup>  
 بیامد بنزدیک<sup>۶</sup> توران خدای<sup>۷</sup>  
 سر تور بی مغز پُر باد کرد  
 برآشفست برگاه<sup>۱۱</sup> چون تند شیر<sup>۱۲</sup>  
 بگوی<sup>۱۴</sup>: این سخن همچنین یاد دار  
 برین گونه<sup>۱۵</sup> بفریفت<sup>۱۶</sup> ای دادگر  
 کجا آب<sup>۱۷</sup> او<sup>۱۸</sup> خون و بارش<sup>۱۹</sup> کبست  
 بیاید بروی اندرآورد روی  
 هیون برفگندن بنزدیک<sup>۲۲</sup> شاه  
 فرستاد نزدیک<sup>۲۵</sup> شاه جهان<sup>۲۴</sup>  
 نباید که یابد<sup>۲۹</sup> دلاور شکیب<sup>۳۰</sup>  
 که خام<sup>۳۳</sup> آید آسایش<sup>۳۴</sup> اندر بسیج

بدین بخشش اندر مرا پای نیست  
 سزد گر بمانیم هر دو دژم  
 هیون فرستاده<sup>۲</sup> بگذارد<sup>۴</sup> پای<sup>۵</sup>  
 ۳۰۵ به چربی<sup>۸</sup> شنیده<sup>۹</sup> همه یاد کرد  
 چو این راز بشنید<sup>۱۱</sup> تور دلیر  
 چنین داد پاسخ که با<sup>۱۳</sup> شهریار  
 که ما را به گاه جوانی پدر  
 درختیست این خود نشانده به دست  
 ۳۱۰ ترا با من اکنون بدین<sup>۲۰</sup> گفت و گوی<sup>۲۱</sup>  
 زدن رای هُشیار و کردن نگاه  
 زبان آوری چرب گوی<sup>۲۳</sup> از میان<sup>۲۴</sup>  
 بجای زیبونی<sup>۲۷</sup> و جای فریب<sup>۲۸</sup>  
 نشاید<sup>۳۱</sup> درنگ اندرین<sup>۳۲</sup> کار هیچ

۱- ل، ق: پدر؛ متن = دستویس دیگر (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ و (ونیز ل، ل، ن، آ و ق درکناره) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی پرخررد مرد را برگزیدد که هرکار را نغز و شایسته دید

۲- در س- ب این بیت پس از بیت ۲۹۹ آمده است؛ پایی بیت های متن = ف، ل ۳- س- پ، آ، ل، ب (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ هیونی فرستاد و؛ و: هیونی  
 برافکند و؛ متن = ف، ل ۴- ف، س- ب (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ بگزارد؛ متن = ل (ونیز ل، ل، ن، آ) ۵- لی: آب (پساوند ندارد) ۶- ل، ق: ززدیک؛ و: بیامد بر تور؛  
 متن = نه دستویس دیگر ۷- ف، ل، ق، آ (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ خاور خدای؛ متن = هشت دستویس دیگر (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ ف، ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

بیامد (پ: چو آمد) بزودی به توران زمین بنزد سپهدار ترکان (ل: < و >) چین

ل: چو آمد بر مرز توران زمین

این بیت در هشت دستویس دیگر (ونیز در ل، ل، ن، آ) نیست ۸- ل، ل، ن (به خطی نو)، ق، ق، آ، پ: بخوبی؛ و: شنیده؛ متن = ف، س، لی، آ، ل، ب (س)  
 نخست بخوبی داشته است) ۹- ق: شونده؛ لی: شود (وزن نادرست است)؛ و: بخوبی؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۰- ق: بشود؛ ف، آ این  
 بیت را ندارند؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۱- ل، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، و، ب (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ ناگاه؛ ل: باگاه؛ متن = ق ۱۲- ل: برسان شیر؛ ق،  
 ل (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ چون نره شیر؛ متن = س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، و، ب ۱۳- ف، ق، آ، ب: ای؛ س: ما (نقطه ندارد)؛ (ل، ل، ن، آ)؛ یا؛ متن = هشت  
 دستویس دیگر ۱۴- ل، س، ق، آ، لی، و، آ، بگو؛ متن = ف، ل، ن، ق، پ، ل، آ، ب ۱۵- ل، و، آ: بدین گونه؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: ازین گونه؛  
 متن = ف، ق ۱۶- لی: بفرستی ۱۷- ق، آ، لی: بار ۱۸- ق: وی ۱۹- س، ق، آ، ل، ن، لی، پ، و: برگش؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل، ب؛ ل، آ پس از  
 این بیت سرنویس دارد: پاسخ آوردن سلم مر تور را و بهم رسیدن ۲۰- ق: ازین؛ پ: برین ۲۱- ل، ق، ب: گفت گوی؛ آ: گفت و گو؛ متن =  
 هشت دستویس دیگر ۲۲- ل: هیونی فکندن بنزدیک؛ س- ب: هیونی برافکند نزدیک؛ متن = ف؛ در ل ت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۳-  
 ل: چرب گو؛ ق: خوب گوی؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۴- س، ق، آ، پ، آ، ب: از مهان؛ متن = هفت دستویس دیگر (ونیز ل، ل، ن، آ) ۲۵- ل، ق:  
 فرستاد باید به؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۶- و (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ کیان؛ ل- ب (ونیز ل، ل، ن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدو گفت کز (ل: از) من (و: ما) بگو (پ، ل، آ: بگوی) این پیام که ای شاه بنیادل نیکنام (ق، آ، لی: آ: شادکام)

این بیت در ف، ل، ق، نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۷- س، ل، ن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: فزونی؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل، ل، ن، آ) ۲۸-  
 س، ق، آ، ب: نهیب؛ متن = نه دستویس دیگر (ونیز ل، ل، ن، آ) ۲۹- ف، ق: گردد؛ ل: بند؛ و (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ باشد؛ متن = هشت دستویس دیگر (ونیز  
 ل، ل، ن، آ) ۳۰- ف: نشیب؛ متن = یازده دستویس دیگر (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ در س، ل، ن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: ل ت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳۱- لی، پ،  
 ل، آ، ب: نازد؛ و (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ نباید؛ متن = ف، ل، س، ل، ن، ق، آ، آ ۳۲- ق: اندران ۳۳- ل، ق، و (ونیز ل، ل، ن، آ)؛ کجا؛ ل، ن، لی، پ، ل، آ:  
 که خوار؛ متن = ف، س، ق، آ، ب ۳۴- و: آسانی

۳۱۵ فرستاده چون پاسخ آورد باز  
 برفت این<sup>۱</sup> برادر ز روم، آن<sup>۲</sup> ز چین  
 رسیدند پس يك<sup>۳</sup> بديگر فراز<sup>۴</sup>  
 گزیدند پس موبدی تیزویر  
 ز بیگانه پردخت<sup>۵</sup> کردند جای  
 ۳۲۰ سَخْن سلم پیوند کرد ازنُخست  
 فرستاده را گفت: ره برنورد<sup>۶</sup>  
 چو آبی به کاخ فریدون فرود  
 پس آنگه<sup>۷</sup> بگوش که ترس خدای  
 جوان را بود روز پیری امید  
 ۳۲۵ چه<sup>۸</sup> سازی<sup>۹</sup> درنگ اندرین جای<sup>۱۰</sup> تنگ  
 جهان مر ترا داد یزدان پاك  
 همی<sup>۱۱</sup> بآرزو خواستی<sup>۱۲</sup> رسم و راه  
 نجستی<sup>۱۳</sup> جز از<sup>۱۴</sup> کژی و کاستی  
 سه فرزند بودت خردمند و گرد  
 ۳۳۰ ندیدی هنر با<sup>۱۵</sup> یکی بیشتر  
 یکی را دم<sup>۱۶</sup> آژدها ساختی

بَرَهْنه شد از روی، پوشیده راز<sup>۱</sup>  
 به زهر اندر آمیختند<sup>۲</sup> انگبین  
 سَخْن راندند آشکارا و راز  
 سَخْن گوی<sup>۳</sup> و بینادل<sup>۴</sup> و یادگیر  
 سِگالش گرفتند<sup>۵</sup> هر گونه رای  
 ز شرم پدر دیدگان را بشت  
 نباید که یابد ترا باد و گرد<sup>۶</sup>  
 نُخستین ز هر دو پسر ده درود  
 بیاید که<sup>۷</sup> باشد به هر دو سرای  
 نگرده سیه، موی گشته سپید<sup>۸</sup>  
 شود تنگ<sup>۹</sup> بر تو سرای درنگ  
 ز تابنده خورشید تا تیره خاک<sup>۱۰</sup>  
 نکردی به فرمان یزدان نگاه  
 نکردی<sup>۱۱</sup> به بخش اندرون<sup>۱۲</sup> راستی  
 بزرگ آمده<sup>۱۳</sup> نیز<sup>۱۴</sup> پیدا<sup>۱۵</sup> ز<sup>۱۶</sup> خرد  
 کجا دیگری زو فرو برد<sup>۱۷</sup> سر  
 یکی را به ابراندر افراختی<sup>۱۸</sup>

۱- س، و، آ، ب (و نیز ل ن آ): برهنه (س: گشاده) شد آن (س: از) روی پوشیده راز؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۲- پ: آن؛ ل ن، ق، آ این بیت را ندارند ۳- س، ب، او؛ پ: این ۴- ل، ق، پ- ب (و نیز ل، ل ن آ): آمیخته؛ متن = ف، س، ل ی؛ در ل آت های این بیت پس و پیش شده اند ۵- ل ی: رسیدند نزدیکی هم فراز؛ ل آ: رسیدند دیگر بهر يك فراز؛ ل ن، ق، آ این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در ل آت های این بیت پس و پیش شده اند ۶- ل ل: سخن گو ۷- ق، آ، ل ی: روشن دل؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن آ)؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: گفتار اندر پیغام فرستادن سلم و تور بنزدیک شاه افریدون اندر حق ایرج و ملک ایران؛ س: تدبیر سلم و تور در کشتن ایرج و پیغام ایشان بنزد فریدون؛ ل ن، ل ی، پ، و، ل آ: پیغام سلم و تور بنزد (پ: بنزدیک؛ و: نزد؛ ل آ: نزد پدر) فریدون (ل آ: افریدون)؛ ق: رسول فرستادن سلم و تور بنزد فریدون؛ آ: پادشاهی فریدون فرخ پانصد سال؛ ب: پیغام دادن سلم و تور فریدون را ۸- ل، ل ن، ق (و نیز ل آ): پردخته؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل ن آ) ۹- ف، ق، آ: گرفتند و؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن آ) ۱۰- ق: رو در نورد؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱- آ: آب و گرد؛ ق: نباید ترازین سخن یاد کرد؛ ف، س، ل ن، ق، آ، ل ی، پ، آ، ل آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

برو زود نزد فریدون چو باد بجز راه رفتنت کاری مباد

این بیت در ل، ق، و (و نیز ل، ل ن آ): نیست ۱۲- س، ل ی- ب (و نیز ل، ل ن آ): و دیگر؛ متن = ف، ل، ل ن، ق ۱۳- ف، ق، آ، و: نباید که؛ آ: پسندیده ۱۴- پ: سفید؛ ل ی این بیت را ندارد ۱۵- ق، آ، آ، ب: چو؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن آ) ۱۶- و: سازد ۱۷- ل ن: کار ۱۸- ل، ل، ق: که شد تنگ؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن آ) ۱۹- در آت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۰- س- پ، آ، ل آ، ب: همه؛ متن = ف، ل، و (و نیز ل، ل ن آ) ۲۱- ل، آ: ساختی؛ ق: خواسته؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن آ) ۲۲- ل ن، پ، آ، ل آ: نکردی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۳- ل، ق، ق، آ، ل ی، و، آ، ب (و نیز ل ن آ): بجز؛ متن = ف، س، ل ن، پ، ل آ (و نیز ل آ) ۲۴- پ، آ: نجستی ۲۵- ف، ل، ق، ق، آ، ل ی، ل آ (و نیز ل آ): به بخشش درون؛ متن = س، ل ن، پ، و، آ، ب (و نیز ل ن آ) ۲۶- ل، ق، ب: بزرگ آمدت؛ و: بزرگت نبود؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۷- ل ن، ل ی، پ، ب: نیست؛ و: ایچ؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، آ، ل آ (در ل هر سه حرف واژه، در س حرف دوم و در ل حرف سوم آن نقطه ندارند) ۲۸- ل، س، ق، آ، پ، آ، ل آ، ب: بیدار (در ل حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل ن، ل ی، و (و نیز ل آ) ۲۹- پ: یا؛ ل آ: تا؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۰- ف، آ: فرو برده؛ ل آ: فزون برد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن آ) ۳۱- ق: یکی را بدام؛ ق، آ پس از این بیت سرنویس دارد: تدبیر سلم و تور در کشتن ایرج و پیغام ایشان به پدر ۳۲- س: انداختی



بدو<sup>۲</sup> شاد گشته<sup>۲</sup> جهان بین تو  
 که<sup>۵</sup> بر تخت شاهی نه اندر خوریم  
 برین<sup>۶</sup> داد هرگز مباد آفرین  
 شود دور<sup>۸</sup>. یابد جهان زو رها  
 نشیند چو ما گشته از تو نهان<sup>۱۱</sup>  
 هم از روم گردان<sup>۱۴</sup> جوینده کین  
 از<sup>۱۵</sup> ایران و ایرج برآرم دمار

زمین را بیوسید و بنمود پشت  
 که از باد آتش بجنبد ز جای  
 برآوردهی دید سر ناپدید<sup>۱۸</sup>  
 زمین کوه تا کوه پهنای اوی<sup>۲۰</sup>  
 به پرده ندر<sup>۲۳</sup> جای پرمایگان<sup>۲۴</sup>  
 به دست دگر زنده پیلان جنگ  
 خروشی برآمد چو آوای شیر  
 پری<sup>۲۵</sup> لشکری گردش اندر پیای<sup>۲۶</sup>  
 بگفتند با شهریار جهان<sup>۲۷</sup>  
 یکی برمنش<sup>۲۸</sup> مرد بادستگاه  
 بر اسپش ز درگاه بگذاشتند<sup>۲۹</sup>  
 همه دیده و دل پر از شاه دید<sup>۳۱</sup>

یکی تاج بر سر به بالین<sup>۱</sup> تو  
 نه ما زو<sup>۴</sup> به مام و پدر کمتریم  
 ای<sup>۶</sup> دادگر شهریار زمین  
 اگر تاج از آن تازک بی بها  
 ۳۳۵ سپاری<sup>۱۱</sup> بدو گوشه‌یی<sup>۱۱</sup> از جهان  
 وگرنه سواران<sup>۱۲</sup> ترکان<sup>۱۳</sup> و چین  
 فرازآورم لشکری گرزدار

چو بشنید موبد پیام<sup>۱۴</sup> درشت  
 ۳۴۰ بدانسان<sup>۱۷</sup> به زین اندر آورد پای  
 به درگاه شاه آفریدون رسید  
 به ابر اندر آورده<sup>۱۹</sup> بالای اوی<sup>۲۰</sup>  
 نشسته به دربر<sup>۲۱</sup> گران سایگان<sup>۲۲</sup>  
 به يك دست بر بسته شیر و پلنگ  
 ۳۴۵ ز چندان گرانمایه گرد دلیر  
 سپهریست پنداشت ایوان بجای  
 برفتند بیدار کاراگهان  
 که آمد فرستاده‌یی نزد شاه  
 بفرمود تا پرده برداشتند  
 ۳۵۰ چو چشمش به روی فریدون رسید<sup>۳۰</sup>

۱- و: باین ۲- ل، ق: برو؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۳- و: گشته روشن ۴- س، ل، ی، ب: نه زوما؛ متن = نه دستنویس دیگر ۵- ل- ب (و نیز ل، ن، ۲): نه؛ متن = ف (و نیز ل، ۲) ۶- ف: اما (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق، پ: ابا؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۷- ل، ن، پ، ل: بدین؛ ق، ل، ی: بران؛ متن = ف، ل، س، ق، و، آ، ب ۸- ل، س، ل، ن، ل، ی، پ: دور؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۹- ق، ل: بازی ۱۰- ل، ق: کشوری؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۱۱- ل، ق، و (و نیز ل، ن، ۲): نشید چوما از تو خسته نهان؛ ل، ن، ل، ی، پ، ب: نشید چوما از تو گشته نهان؛ آ (و نیز ل، ۲): نشید چوما خسته اندر نهان؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، ۱۲- ل: سواران و ۱۳- ف، ل، ل، ل، ۲: < و >; متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۱۴- ل: مردان؛ ل (و نیز ل، ۲): ترکان؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۱۵- ل، ق، ل، ل، ۲: ز؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۱۶- ل: بنام ۱۷- ل، س، ل، ن، ق، ل، پ، ل، ۲: بران سان؛ متن = ف، ق، ل، ی، پ، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۱۸- ل، ن، ل، ی، پ: برآورده از دور ایوان بدید؛ ل: برآورده ایوان سر < ش > ناپدید (وزن نادرست است)؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۱۹- ل، ن، و، ب: اندر آورد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۲۰- ل، س، ق، ل، پ، ب: او؛ متن = ف، ل، ن، ل، ی (و نیز ل، ل، ن، ۲)؛ ل، ۲ پس از این بیت افزوده است (وزن لت دوم نادرست است):

نشد نامش از ابر بر رفته تر که بد نامش از ابر رفته تر  
 ۲۱- ل، ی: نشستند بر در ۲۲- ل، و، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، ۲): گرانمایگان؛ متن = ف، س، آ، ۲۳- ل، ب: به پرده درون؛ متن = ف (و نیز ل، ۲): به پرده اندرون (← ضحاک، بیت ۴۰) ۲۴- ل، ن، پ: جای آزادگان؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۲۵- ل: گران؛ س، آ، ب: بسی؛ ل، ن: پر از؛ ق، ل، ی: یکی؛ و: همی؛ متن = ف، ق، پ، ل، ۲ ۲۶- ل: گرد او بر پیای؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر رسیدن سلم و تو < ر > بنزدیک آفریدون و گزاردن پیغام ایشان ۲۸- ف، پ، و، آ، ب (و نیز ل، ۲): برمنش؛ س، ل، ۲: برمنش (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ل، ل، ن، ق، ل، ی ۲۹- س، ل، ن، ق، ل، ی، آ، ب: براند اسب و بر درش بگذاشتند؛ ل: باسب اندر از درش بگذاشتند؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۳۰- ف: فناده؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲) ۳۱- ف: یکی شاه دید او پر از فر و داد؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ۲)

چو کافور گرد<sup>۲</sup> گل سرخ، موی<sup>۳</sup>  
کیانی زبان پر ز گفتار نرم<sup>۴</sup>  
زمین را سراسر<sup>۵</sup> به بوسه پَسود  
سزاوار دادش<sup>۶</sup> یکی خوب جای<sup>۷</sup>  
که هستند شادان دل و تندرست<sup>۸</sup>  
شدی رنجه اندر نشیب و فراز  
که بی تو میناد کس<sup>۹</sup> پیشگاه  
همه پاک زنده به نام تواند  
چنین بر تن خویش ناپادشا<sup>۱۰</sup>  
فرستنده پر خشم و من بی گناه  
پیام جوانان ناهوشیار<sup>۱۱</sup>  
شنیده سخن<sup>۱۲</sup> سر بسر<sup>۱۳</sup> کرد یاد  
چو بشنید مغزش برآمد بجوش  
نبایست پوزش ترا خود بکار<sup>۱۴</sup>  
همی<sup>۱۵</sup> بر دل خویش بگماشتم<sup>۱۶</sup>  
دو آهرمن<sup>۱۷</sup> مغز پالوده را<sup>۱۸</sup>

به بالا چو سرو و چو خورشید روی  
دولب پر ز خنده، دو رخ پر ز شرم  
فرستاده چون دید سجده نمود  
نشاندش همانگه فریدون ز پای<sup>۱۹</sup>  
پرسیدش از<sup>۲۰</sup> دو گرمی نخست<sup>۲۱</sup> ۳۵۵  
دگر گفت کین زشت راه دراز<sup>۲۲</sup>  
فرستاده گفت: ای گرانمایه شاه  
ز هر کس که پرسى به کام تواند  
منم بندهی شاه را ناسزا<sup>۲۳</sup>  
پیامی<sup>۲۴</sup> درشت آوریده به شاه ۳۶۰  
بگویم چو فرمایدم شهریار  
بفرمود پس تا<sup>۲۵</sup> زبان برگشاد  
فریدون بدو<sup>۲۶</sup> پهن بگشاد گوش  
فرستاده را گفت کای هوشیار<sup>۲۷</sup>  
که من چشم خود همچنین داشتم ۳۶۵  
بگوی<sup>۲۸</sup> آن دو ناباک<sup>۲۹</sup> بیهوده را

۱- ل، س، لن، ق، آل، ق: بیالای سرو؛ پ: بیالای سرو (وزن نادرست است)؛ متن = ف، ق، لی، و، ب (و نیز ل، لن، آل) ۲- ل، ق، ق، لی، و (و نیز ل، لن، آل): کرده؛ س: کردان؛ متن = ف، لن، آل، ب ۳- پ: چو کافور موی و چو گل سرخ روی ۴- ل، لی: گرم؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آل) ۵- و: سراسر زمین را ۶- ف- ب (و نیز ل، لن، آل): بود (حرف یکم يك نقطه دارد) ۷- ق، ق، لی، و، آ، ب: نشاندش فریدون همانگه (لی: همانگه (وزن نادرست است)) ز پای؛ متن = ف، ل، لن، ب، ل ۸- ل: کردش؛ ق، لی: دیدش؛ متن = نه دستویس دیگر ۹- ل: بر خویش جای؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۰- ق: پرسید از؛ ق: پرسید از آن ۱۱- پ: دین درست ۱۲- ل: دگر گفت کز راه دور و دراز؛ لن، و، ب: دگر گفت کین دشت و (لن، ب: < و >) راه دراز؛ ق: دگر گفت کین راه زشت و دراز؛ متن = ف، س، ق، لی، پ، آل، ل: پس از این بیت افزوده است:

چه پیغام داری چه خواهش کنی بگو آنگ باید ز راه منی

۱۳- ل: ابی تو میناد کس؛ س، لن، ق، لی، پ، آل، ب: مینادی تو کسی؛ متن = ف، ق، و (و نیز ل، لن، آل) ۱۴- و: پارسا؛ ل: باسزا؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، آل) ۱۵- لن، ق، لی، پ (و نیز لن، آل): نا پارسا؛ س، ل: با پادشا؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۶- لن، ق، لی، پ، ل، ب: پیام؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۷- پ، ل، آل: با هوشیار؛ ق: این بیت را ندارد ۱۸- ل: بفرمود تا پس ۱۹- لن، لی، پ: سخنها همه؛ و: شنیده همه؛ ل: سخن را همه؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۰- ق: در بدر ۲۱- و: همی؛ ل: برو ۲۲- لن، پ: پس شهریار؛ ق: ای هوشیار؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۳- ف: ترا ترس و پوزش نباید بکار؛ ل، ق: بیاید (ق: نیاید) ترا پوزش اکنون بکار؛ لی: که پوزش ترا خود نیاید بکار؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آل) ۲۴- ل، و: که من چشم ازیشان چنین (و: همین) داشتم ۲۵- س، لن، ق، لی، پ، ل، ب: همین؛ متن = ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل، لن، آل) ۲۶- ل، و (و نیز لن، آل): بگذاشتم؛ ق: بنگاشتم؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آل، ق، پس از این بیت افزوده اند:

که از گوهر بد نیاید بهی مرا دل همی داد ازین (ل: داد این) آگهی

برخی از دستویس ها پس از بیت ۳۶۵ سرنویس دارند، ف: گفتار اندر پاسخ دادن شاه فریدون پسران را سلم و تور و باز گشتن بکشتن رسولان؛ ق: پاسخ فرستادن شاه فریدون پسران را؛ پ: پاسخ دادن فریدون پسران را؛ و: پاسخ دادن شاه فریدون پیغام سلم و تور را؛ ل: پاسخ آوردن فریدون مر فرزندان را ۲۷- ل، ق، لی، و: بگو؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۸- آ، ب: نا پاک؛ لن: این دو < نا > باک (وزن نادرست است)؛ و: آن < دو > ناباک (وزن نادرست است)؛ ل: ای دو ناباک؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، پ ۲۹- ف- پ، آل، ل، ب (و نیز ل، آل): اهرمن (وزن نادرست است)؛ و: اهریمن؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۰- ل: وان دو اهرمن مغز پالوده را (وزن نادرست است)؛ در لی این بیت بایست سپین پس و پیش شده است

دروود از شما<sup>۳</sup> خود بدینسان<sup>۴</sup> سزید  
همان<sup>۵</sup> از خردتان نماند<sup>۶</sup> آگهی  
شمارا همانا جز اینست<sup>۱۰</sup> جای  
چو سرو سهی قد و چون ماه روی  
نشد پست<sup>۱۳</sup>، گردان بجایست<sup>۱۴</sup> نور<sup>۱۵</sup>  
نماید<sup>۱۷</sup> خمانیده<sup>۱۸</sup> هم پایدار<sup>۱۹</sup>  
به رخشنده خورشید و آرمیده<sup>۲۱</sup> خاک  
که من بد نکردم شما را نگاه<sup>۲۳</sup>  
ستاره‌شناسان و هم موبدان  
نکردیم بر باد<sup>۲۶</sup> بخشش<sup>۲۷</sup> زمین  
ز<sup>۲۹</sup> کژی نه سر بود پیدا نه بن<sup>۳۰</sup>  
همه راستی خواستم در جهان  
نجستم پراگندن انجمن<sup>۳۴</sup>  
سپارم<sup>۳۶</sup> به سه دیده‌ی نیکبخت  
به کژی و تاری<sup>۳۹</sup> کشید اهرمن<sup>۴۰</sup>

انوشه<sup>۱</sup> که کردید<sup>۲</sup> گوهر پدید  
ز پند من اره<sup>۵</sup> مغزتان شد تھی  
ندارید شرم و نه ترس از خدای  
۳۷۰ مرا پیشتر فیرگون بود موی  
سپهری که پشت مرا کرد کوز<sup>۱۲</sup>  
خماند شما را همان<sup>۱۶</sup> روزگار  
بدان برترین<sup>۲۰</sup> نام یزدان پاک  
به تخت و کلاه و به خورشید<sup>۲۲</sup> و ماه  
۳۷۵ یکی انجمن کردم<sup>۲۴</sup> از بخردان  
بسی روزگاران شده‌ست<sup>۲۵</sup> اندرین  
همه راستی خواستم<sup>۲۸</sup> زین سخن  
همه ترس یزدان بد اندر نهان<sup>۳۱</sup>  
چُن<sup>۳۲</sup> آباد دادند<sup>۳۳</sup> گیتی به من  
۳۸۰ مگر همچنان گفتم<sup>۳۵</sup> آباد تخت  
شما را کنون گر<sup>۳۷</sup> دل از راه من<sup>۳۸</sup>

۱- لن: کانوشه ۲- ل: ب: کردند ۳- ل: درود شما ۴- ل: برین سان؛ در ل: این بیت بابت پیشین پس ویش شده است ۵- ل: آن  
۶- ل: همی ۷- ل: لن، ق: پ: نبود؛ متن= هشت دستتوس دیگر ۸- لن، پ: ندارید ترس و؛ ل: ندارند ترس و؛ ب: ندارند شرم و؛ متن= هشت  
دستتوس دیگر (و نیز ل، لن) ۹- ل: نه بیم خدای؛ لن، پ: ل: نه شرم از خدای؛ متن= هشت دستتوس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۰- ل، ق: (و  
نیز ل): همانا همینست؛ ل: همانا خرد نیست؛ متن= نه دستتوس دیگر (و نیز لن) ۱۱- ل- آ: ب: (و نیز ل، لن): رای؛ متن= ف، ل ۱۲- ل،  
لن، ل: پ، آ: (و نیز ل، لن): کوز؛ متن= هفت دستتوس دیگر ۱۳- لن، پ: ل، آ: ب: پست و؛ ل: ست؛ و: ست و؛ متن= ف، ل، س، ق: ق، آ،  
آ: (و نیز ل) ۱۴- ق: بایست؛ ل: بجانت؛ متن= ده دستتوس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۵- ل: نور؛ لن: انوز؛ ق: ق، آ، ل: (و نیز لن): هنوز؛  
ل: نور؛ متن= ف، س، پ، و، آ: ب: (و نیز ل) ۱۶- ف: خماند شما را همان (حرف یکم واژه یکم نقطه ندارد)؛ ل: خماند شما را هم این؛ س، ل: پ:  
شمارا چماند همان؛ لن، آ: ل، آ: ب: شمارا خماند همان؛ ق: شمارا چه ماند همان؛ و: (و نیز لن): چماند شما را همان؛ (ل): نماید شمارا  
(همین)؛ متن= ق ۱۷- ف: نباشد؛ متن= یازده دستتوس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۸- ف: چماننده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: چمانده (نقطه  
ندارد)؛ لن، آ: چماننده؛ ق: ل: پ، و: چماننده؛ ق: چماننده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل): چماننده؛ متن= ل، آ: ب ۱۹- ل:  
نماند برین گونه بس پایدار ۲۰- لن: برتری ۲۱- ف: وارمنده؛ ل، ب: (و نیز ل): و بر تیره؛ س، لن، ق، آ، ل، آ: و تارک؛ ق: و آراینده (وزن  
نادرست است)؛ پ: و آرنده؛ و: بایره؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- لن، پ: (و نیز لن): بنامید؛ متن= ده دستتوس دیگر (و نیز ل) ۲۳- ل،  
پ، ل: آ: بگاه؛ و: نگاه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= هشت دستتوس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۴- ق: کرد ۲۵- س، ل: شد (حرف یکم نقطه  
ندارد)؛ ق: و: گذشت؛ ق: نشد؛ آ: ب: بشد؛ ل: شده؛ متن= ف، ل، لن، پ: (و نیز ل) ۲۶- ف: نکردیم بر یاد؛ ل: نکردیم بر یاد (حرف یکم  
واژه سوم نقطه ندارد)؛ س: نکردیم بر داد و؛ لن، ق، آ، پ، آ: ل: بکردیم بر داد (ق، آ، پ: داد و)؛ ل: ب (و نیز ل): نکردیم به بیاد؛ و: نکردیم خرداد؛  
متن تصحیح قیاسی است ۲۷- و: ل: بخش؛ متن= ده دستتوس دیگر ۲۸- و: همی خواستم راستی ۲۹- ل، ق: آ: ب: س، ب: نه؛ متن= هفت  
دستتوس دیگر ۳۰- لن، ل: ل: پ، ل، آ: ب: نه سر بد مر این را نه بن؛ ق: نجستم پراگندن انجمن (= ۳۷۹ ب)؛ متن= ف، ل، س، ق، و، آ: (و نیز ل)  
۳۱- ل (و نیز ل): میان؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ده دستتوس دیگر (و نیز لن)؛ در ق: این بیت پس از بیت ۳۷۹ آمده  
است و در اینجا بجای بیت ۳۷۸ بیت ۳۸۰ را آورده است ۳۲- ل- ب: (و نیز ل، لن): چو؛ متن= ف ۳۳- پ: دارند ۳۴- ق: ز کژی نه سر  
بود پیدا نه بن (= ۳۷۷ ب)؛ در ق: پس از این بیت بیت ۳۷۸ آمده است ۳۵- ق: مگر گفتم همچنان (وزن نادرست است) ۳۶- ق: بسازم؛ در ق:  
این بیت پس از بیت ۳۷۷ آمده است ۳۷- س: کنون تان ۳۸- آ: رای من؛ لن، پ: شمارا کنون از دل و رای من؛ ق، آ، ل: شمارا گر اکنون دل از  
راه من؛ ل: شمارا کنون از دل راه من؛ متن= ف، ل، ق، س، و، ب ۳۹- س، ق، آ: بتاری و کژی؛ متن= نه دستتوس دیگر ۴۰- ق: کشد از انجمن

چُنین از شما کرد خواهد پسند  
 همان بر<sup>۲</sup> که کارید<sup>۴</sup> خود بدروید<sup>۵</sup>  
 جز اینست جاوید ما را سرای<sup>۷</sup>  
 چرا شد چُنین دیو انبازتان  
 روان یابد<sup>۱۱</sup> از کالبدتان رها  
 نه هنگام<sup>۱۲</sup> تیزی و<sup>۱۳</sup> آشفتن<sup>۱۴</sup> ست  
 که بودش سه فرزند آزاد مرد  
 همان<sup>۱۵</sup> خاک<sup>۱۶</sup> و هم<sup>۱۷</sup> گنج<sup>۱۸</sup> شاهنشهی  
 سزد گر نخوانندش<sup>۱۹</sup> از آب پاک  
 نخواهد شدن رام با هر کسی  
 بود رستگاری<sup>۲۲</sup> به روز شمار  
 بکوشید تا رنج کوتاه کنید

زَمین را بیوسید و<sup>۲۷</sup> برگاشت روی  
 تو<sup>۲۸</sup> گفتی که با باد انباز گشت

شهنشاه بنشست و بگشاد راز<sup>۲۹</sup>  
 همه بودن<sup>۳۰</sup> پیش او باز راند  
 ز خاور سوی ما نهادند روی  
 که باشند شادان به کردار بد  
 که آن بومها را درشتی برست

پرسید<sup>۱</sup> تا کردگار بلند  
 یکی داستان گویم ار بشنوید<sup>۲</sup> :  
 چُنین گفت با ما سخن<sup>۶</sup> رهنمای  
 به تخت خرد<sup>۸</sup> برنشست آرتان  
 ۳۸۵  
 بترسم که در چنگ<sup>۹</sup> این<sup>۱۱</sup> اژدها  
 مرا خود ز گیتی گه رفتن ست  
 ولیکن چُنین گوید آن سالخورده  
 که چون آز گردد ز دلها تهی  
 ۳۹۰  
 کسی کو برادر فروشد به خاک  
 جهان چون شما دید و بیند بسی<sup>۲۰</sup>  
 کنون<sup>۲۱</sup> هر چه<sup>۲۲</sup> دانید کز کردگار<sup>۲۳</sup>  
 پیوید<sup>۲۵</sup> و آن<sup>۲۶</sup> توشه‌ی ره کنید

فرستاده بشنید گفتار اوی  
 ۳۹۵  
 ز پیش فریدون چُنان بازگشت

فرستاده‌ی سلم چون گشت باز  
 گرامی جهانجوی را پیش خواند  
 ورا<sup>۳۱</sup> گفت کان<sup>۳۲</sup> دو پسر جنگ جوی  
 ز<sup>۳۳</sup> اختر چُنین سَنشان<sup>۳۴</sup> بهره خود  
 ۴۰۰  
 دگرشان ز دو کشور آبخورست<sup>۳۵</sup>

۱- س: برسید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ لن، لی، پ، و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): ببینید؛ ق: نرسید؛ ق: برسید؛ متن=ف، ل، ل، ۲- ق: بشنوی ۳- لن: بد ۴- ق: که کاری ۵- س، ق، آ، لی، و، آ: آن بدروید؛ ق: همان بدروی؛ متن=ف، ل، لن، پ، ل، آ، ب ۶- ل: ما را سخن؛ س، لی: با من سخن؛ ق: با ما یکی؛ متن=هشت دستویس دیگر ۷- س، ق، آ، ب: که ما را جز اینست جاوید جای؛ ل: چو این نیست جاوید ما را سرای؛ متن=هفت دستویس دیگر ۸- ل، ق: کئی؛ ل: هوا؛ متن=نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۹- ف- ب: جنگ (حرف یکم يك نقطه دارد) ۱۰- پ: آن ۱۱- آ: آید ۱۲- لن: بهنگام ۱۳- ل: تند و؛ لن: پیری؛ متن=ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۴- لن: برآشفتن ۱۵- ل: چه آن؛ متن=یازده دستویس دیگر ۱۶- ل: تاج ۱۷- ل، ق: ق (و نیز لن، آ): آن؛ متن=نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۸- ل، ق: تاج؛ آ: تخت؛ متن=نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۹- لی (و نیز ل، ن، آ): نخوایمش؛ لن این بیت را ندارد؛ متن=ده دستویس دیگر (و نیز لن، آ) ۲۰- ل: جهان چون شما زود بیند بسی؛ متن=یازده دستویس دیگر؛ در و این بیت پس از بیت ۳۹۳ آمده است ۲۱- ل: کزین؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن=ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۲۲- ل: هرچ ۲۳- لن، پ: دانید کردن بکار (پ: زکار) ۲۴- لن: زشتکاری؛ ل: راست کاری ۲۵- ل، س، لن، لی، پ، آ، ل، ب: بجوید؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن=ف، ق، و (و نیز ل، ن، آ) ۲۶- پ: این؛ در و پس از این بیت ۳۹۱ آمده است؛ لن پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ نامه سلم و تور از شاه فریدون ۲۷- لی: < > ۲۸- ل، ق: که؛ متن=ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ)؛ برخی از دستویسها پس از این بیت سرنویس دارند، ق: رای زدن فریدون با ایرج جهت سلم و تور؛ و: رای زدن شاه فریدون با ایرج در کار سلم و تور ۲۹- در لن این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ در آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۰- ل، ق: همه گفتی؛ متن=ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ)؛ در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۱- ق: بدو ۳۲- و: آن ۳۳- ل، لن، ق، آ، پ: از؛ متن=هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۳۴- لن، پ، ل: هشتان؛ متن=نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۳۵- ق: آب و خورست؛ س: زاختر چُنین کشور آبخورست؛ ل: دگر آنک دو کشور آبش خورست؛ متن=نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ)

کجا مر ترا بر سر افسر بود  
نگردد کسی گُرد بالین تو  
سرت گردد آسوده<sup>۲</sup> از داوری  
بدینسان<sup>۵</sup> گشادند بر من<sup>۶</sup> نِهان<sup>۷</sup>  
در گنج بگشای و<sup>۸</sup> بر بند باز  
وگر نه خورند ای<sup>۱۱</sup> پسر بر تو شام  
بی آزاری<sup>۱۴</sup> و راستی یار تست<sup>۱۵</sup>

بدان<sup>۱۷</sup> مهربان<sup>۱۸</sup> پاک<sup>۱۹</sup> فرخ پدر  
نگه کن بدین<sup>۲۰</sup> گردش روزگار  
خردمند مردم چرا غم خورد  
کند تیره دیدار<sup>۲۲</sup> روشن روان  
پس از رنج<sup>۲۵</sup>، رفتن زجای<sup>۲۶</sup> سپنج  
درختی چرا<sup>۲۸</sup> باید امروز کشت  
بُنش<sup>۳۰</sup> خون خورد، بار کین آورد<sup>۳۱</sup>  
چو ما دید و بسیار<sup>۳۳</sup> بیند زمین<sup>۳۴</sup>  
ندیدند کین اندر آیین خویش  
به بد نگذرانم بد روزگار<sup>۳۷</sup>  
شوم پیش ایشان دوان بی سپاه<sup>۳۸</sup>

برادرت چندان برادر بود  
چو پژمرده شد روی رنگین تو  
تو گر پیش شمشیر مهر آوری  
دو فرزند من کز<sup>۲</sup> دو گوشه<sup>۴</sup> جهان  
گرت سر به کارست بیسیج<sup>۸</sup> کار  
تو گر چاشت را دست یازی به جام  
نباید ز<sup>۱۲</sup> گیتی ترا یار جُست<sup>۱۳</sup>

نگه کرد پس ایرج نامور<sup>۱۶</sup>  
چنین داد پاسخ که ای شهریار  
که چون باد بر ما همی بگذرد  
همی پژمراند رخ<sup>۲۱</sup> ارغوان  
به<sup>۲۳</sup> آغاز گنجست و فرجام رنج<sup>۲۴</sup>  
که<sup>۲۷</sup> بستر ز خاکست و بالین زخشت  
که هر چند چرخ<sup>۲۹</sup> از برش بگذرد  
خداوند شمشیر و گاه<sup>۳۲</sup> و نگین  
از آن<sup>۳۵</sup> تاجور نامداران<sup>۳۶</sup> پیش  
چو دستور باشد مرا شهریار  
نباید مرا تاج و تخت و کلاه

۱- ل، ق؛ دگر؛ متن = ده دستویس دیگر (ونیز ل، ق، پ، ل<sup>۲</sup> این بیت پس از بیت ۲۲۴ نیز آمده است ۳- لن، پ؛ از ۴- ل؛ دوش؛ و؛ کشور؛ متن = ده دستویس دیگر ۵- ل، لن، ق، پ، آ، ل، ب؛ برینان؛ متن = ف، س، ق، لی، و (ونیز ل، لن<sup>۲</sup>) ۶- و، آ؛ ما ۷- ل، ق، آ (ونیز ل<sup>۲</sup>)؛ زبان؛ ق<sup>۲</sup>؛ روان؛ متن = هشت دستویس دیگر (ونیز لن<sup>۲</sup>) ۸- آ؛ مبیج ۹- ق؛ < و > ۱۰- و؛ باز (پیاوند ندارد) ۱۱- آ؛ خوردندی ۱۲- آ؛ به ۱۳- ل، و؛ یار کس؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۴- لن، پ؛ که آزادی ۱۵- ل، و؛ باریس؛ لن، پ، آ؛ کار نست؛ متن = ف، س، ق، لی، ل، ب ۱۶- س، لن، ق، لی، پ، ل، ب؛ برهنه؛ متن = ف، ل، ق، و، آ (ونیز ل، لن<sup>۲</sup>) ۱۷- ل؛ بران؛ ب؛ مران؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۸- و؛ نامور ۱۹- لن، پ؛ شاه ۲۰- پ؛ برین ۲۱- ل، ق؛ گل؛ س، ق، لی؛ گل؛ و؛ متن = هفت دستویس دیگر (ونیز ل، لن<sup>۲</sup>) ۲۲- لی؛ دریای؛ در و از این بیت تا بیت ۴۱۵ درهم ریخته اند؛ ۲۳- و؛ در ۲۴- آ؛ باغ از رنجست و فرجام گنج ۲۵- آ؛ گنج ۲۶- لن؛ رفتن سرای؛ ق، لی، پ، ب؛ رفتن بجای؛ متن = ف، ل، س، ق، و، آ، ل (ونیز ل، لن<sup>۲</sup>) ۲۷- لن، ق، لی، پ، و، آ، ل (ونیز ل<sup>۲</sup>)؛ چو؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>) ۲۸- ق؛ مرا ۲۹- لن، پ؛ روز ۳۰- ف- پ (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ تنش؛ ل؛ برش؛ متن = و، آ، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۳۱- لن، پ؛ کینه بار آورد؛ ل؛ برش خورد باز از کین آورد (!)؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۲- و؛ تاج؛ ف؛ خداوند تیغ و کلاه؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۳- س- آ، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ چوما دید بسیار؛ و؛ متن = ف، ل، ل (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۳۴- ق، ب؛ چنین ۳۵- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب؛ که آن؛ متن = ف، ل، ق، لی، و (ونیز ل، لن<sup>۲</sup>) ۳۶- س، لن، ق، آ، ل، آ، ب؛ شهریاران؛ لی؛ نامور تاجداران؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل، لن<sup>۲</sup>) ۳۷- ف؛ برور روزگار؛ ق، و (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ همی روزگار (ل)؛ یکی روزگار؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ب؛ همان نگذرانم (پ)؛ بگذرانم؛ بید روزگار؛ ل<sup>۲</sup>؛ شوم پیش ایشان دوان بی سپاه (= ۴۱۸ ب)؛ متن = ل ۳۸- س، ق، لی، آ؛ شوم پیش هر دو (ق<sup>۲</sup>)؛ < دو >، وزن نادرست است (دوان بی سپاه)؛ و؛ همی پیش ایشان شوم بی سپاه؛ ل؛ همان بگذرانم بید روزگار (= ۴۱۷ ب)؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت سرنویس دارد؛ اجازت خواصن ایرج از فریدون؛ ل- ب (ونیز ل، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند؛

بگویم که ای نامداران من چنان چون گرامی تن و جان من  
این بیت در ف نیست؛ لی این بیت را دوبار نوشته است؛ در پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

مدارید خشم<sup>۲</sup> و مجوید کین  
نگر تا چه بد کرد با جمشید<sup>۵</sup>  
بماندش همان<sup>۷</sup> تخت و تاج و کمر<sup>۸</sup>  
بیاید<sup>۹</sup> چشیدن همان روزگار<sup>۱۰</sup>  
سزاوارتر زانک<sup>۱۲</sup> کین آورم<sup>۱۳</sup>

برادر همی رزم جوید، تو سوز<sup>۱۴</sup>  
ز مه روشنایی نباشد<sup>۱۶</sup> شیگفت  
دلت مهر و<sup>۱۸</sup> پیوند ایشان گزید  
نهد بخرد اندر<sup>۲۰</sup> دم آژدها  
که ش<sup>۲۳</sup> از آفرینش چنین ست<sup>۲۴</sup> بهر  
برآرای<sup>۲۵</sup> کار و پرداز جای  
بفرمای کایند با تو به راه  
نویسم<sup>۲۶</sup> فرستم بدان<sup>۲۷</sup> انجمن  
که روشن روانم به دیدار تست

بگویم که<sup>۱</sup> از شهریار<sup>۲</sup> زمین  
۴۲۰ به گیتی چه دارید<sup>۴</sup> چندین<sup>۵</sup> امید  
به فرجام هم شد ز گیتی بدر  
مرا با شما هم به فرجام کار  
دل کینه ورشان به دین<sup>۱۱</sup> آورم

بدو گفت شاه ای خردمند پور  
۴۲۵ مرا<sup>۱۵</sup> این سخن یاد باید گرفت  
ز تو پرخرد<sup>۱۷</sup> پاسخ ایدون سزید  
ولیکن چو جانی شود بی بها<sup>۱۹</sup>  
چه پیش آیدش<sup>۲۱</sup> جز<sup>۲۲</sup> گزاینده زهر  
ترا ای پسر گر چنین ست رای  
پرستنده چند از میان سپاه  
۴۳۰ ز درد دل اکنون یکی نامه من  
مگر باز بینم تن تو درست<sup>۲۸</sup>

### گفتار اندر نامه فرستادن شاه آفریدون به سلم و تور<sup>۲۹</sup>

یکی نامه بنهشت<sup>۳۰</sup> شاه زمین به خاورخدای<sup>۳۱</sup> و به سالار چین<sup>۳۲</sup>

- ۱- و: به بیهوده؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب ۲- پ: شهریاران ۳- لی: چشم؛ این بیت در ل، ق چنین است: مدارید خشم و مدارید کین نه زیباست کین از خداوند دین
- در پ بیت ۴۱۹ بایت ۴۲۲ پ پس و پیش شده است ۴- ل، ق، پ، ب: مدارید؛ لن: خداوند؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، آ، ل (ونیز ل، لن) ۵- و: اکنون ۶- لی: جام شید ۷- ف، لی، پ، آ، ل: نماندش همان؛ لن: نماندست آن؛ و: بماند از وی این؛ متن = ل، س، ق، ق، آ، ب ۸- ل، لن، ق، لی- ب: تاج و تخت و کمر؛ متن = ف، س، ق، آ؛ لی: پس از این بیت افزوده است:
- مرا با شما هم به فرجام (۱۴۲۲) بدر نماندش همان تاج و تخت و کمر (= ۴۲۱) ب
- ۹- ل، ل، ل: نیاید ۱۰- ل، ق، لی، و: بد روزگار؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۱- ل: بدام ۱۲- س، پ، آ، ل: زانکه؛ متن = ف، لن، لی، و، ب ۱۳- ل: بدین کار پیروز نام آورم؛ لی: پس از این بیت افزوده است:
- بباشیم با یکدگر شادمان شویم ایمن از دشمن بدگمان فریدون چو بشنید شید شادمان دلش شادمان شد بدیدار او
- ۱۴- در ل، ق، پ، ل: پس از این بیت ۴۰۳ دوباره آمده است ۱۵- ل: من ۱۶- ل، ل، ل: نیاید ۱۷- لن، پ: پرهز ۱۸- ل: < و >
- ۱۹- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: ولیکن چو جان و سر پر بها (س، ب: بی بها)؛ لی: این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۰- ل، ق: نهد پرخرد در؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۱- و: آیدت ۲۲- ب: زمین ۲۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: که؛ و: کت؛ متن = ف، ل، ق ۲۴- ق، آ، لی: جز این است ۲۵- ل: بیارای؛ متن = بازده دستنویس دیگر (ونیز ل، لن) ۲۶- ل: نه بینم (→ نیم) ۲۷- ل، ق: بران؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- ل، لی، و، ب (ونیز ل، لن): ترا تندرست؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۹- ف: گفتار اندر نامه فرستادن شاه آفریدون به سلم و تور پسرانش را و فرستادن ایرج را بتزیدک ایشان؛ ل: نامه نوشتن فریدون بر پسران؛ لن: نامه فریدون بنزد سلم و تور؛ ق: نامه فریدون پسران و رفتن ایرج نزد ایشان؛ پ: نامه نوشتن سالار چین؛ و: نامه شاه فریدون نزد پسران و رفتن ایرج برسولی؛ س، ق، آ، لی، آ، ل، ب: سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف ۳۰- ل- ب (ونیز ل، لن): بنوشت؛ متن = ف ۳۱- ق: خدا ۳۲- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: میان کین چون (ق: آ: بسان کین) درخشان (ل: آ: درختان) نگین (= ۴۳۶) ب؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل، لن)

کجا بود<sup>۱</sup> و باشد همیشه بجای  
 بنزد دو خورشید گشته بلند<sup>۲</sup>  
 میان کیان چون درخشان نگین<sup>۵</sup>  
 شده آشکارا بروبر<sup>۹</sup> نهان  
 فرزنده‌ی نامدار افسران  
 گشاینده‌ی گنج پیش امید<sup>۱۳</sup>  
 به راه روشن اندرآورده روی<sup>۱۷</sup>  
 نه آکنده گنج و نه تخت<sup>۱۸</sup> و نه گاه<sup>۱۹</sup>  
 از آن پس که بردیم<sup>۲۱</sup> رنج دراز<sup>۲۲</sup>  
 وگر<sup>۲۴</sup> چند هرگز نزد<sup>۲۵</sup> بادیسد  
 همان<sup>۲۶</sup> آرزومند دیدارتان  
 چنان کز<sup>۲۷</sup> ره نامداران<sup>۲۸</sup> سزید  
 برفت و میان<sup>۳۰</sup> بندگی را بیست  
 نوازیدن مهتر اندرخورست<sup>۳۲</sup>  
 چو پرورده شد تن<sup>۳۴</sup> ، روان پرورید  
 فرستید باز<sup>۳۷</sup> منش ارجمند<sup>۳۸</sup>

سر نامه کرد آفرین خدای  
 ۴۳۵ دگر<sup>۱</sup> گفت کین نامه‌ی پندمند  
 دو سنگی، دو جنگی<sup>۲</sup>، دو شاه زمین،  
 ز<sup>۴</sup> آنکس که هر گونه<sup>۷</sup> دیده<sup>۸</sup> جهان  
 گراینده‌ی<sup>۱۰</sup> گرز و تیغ گران<sup>۱۱</sup>  
 نماینده‌ی شب به روز سپید<sup>۱۲</sup>  
 ۴۴۰ همه<sup>۱۴</sup> رنج ها گشته<sup>۱۵</sup> آسان بروی<sup>۱۶</sup>  
 نخواهم همی خوشتن را کلاه  
 سه فرزند را خواهم آرام<sup>۲۰</sup> و ناز  
 برادر کزو بودتان دل به درد<sup>۲۳</sup>  
 دوان آمد از بهر آزارتان  
 ۴۴۵ بیفگند شاهی شما را گزید  
 ز تخت اندرآمد به زین برنشست<sup>۲۹</sup>  
 بدان<sup>۳۱</sup> کوبه سال از شما که ترست  
 گرامیش دارید و نوشه<sup>۳۲</sup> خورید  
 چن<sup>۳۵</sup> از بودنش بگذرد روز چند<sup>۳۶</sup>

۱- ل، ق، پ: هست؛ س، لن، ق، لی، آل، ب: این بیت را ندارد؛ متن = ف، و (و نیز لن) ۲- ل، س، لن، ق، لی، پ، آل، ب (و نیز ل): چنین؛  
 ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، و (و نیز لن) ۳- ق: فرزند من (پسوند ندارد) ۴- ف: دو جنگی دو سنگی؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ده دستویس  
 دیگر (و نیز ل، لن) ۵- ل: بدخشان نگین؛ س، لن، لی، پ، آل، ب: یکی شاه خاور یکی شاه چین؛ متن = ف، ق، و (و نیز ل، لن) ۶- ل-  
 ب (و نیز ل، لن): از؛ متن = ف ۷- ل، ق: آن کوز هر گونه؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۸- و: گرد ۹- س، لن، ل: بدو بر؛ متن =  
 نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۰- لن، ق، و، ل، ب (و نیز ل، لن): گزارنده؛ پ: گزارنده؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، آ ۱۱- ل، س، لن،  
 لی- ب (و نیز ل، لن): تیغ و گرز گران؛ ق: کن زو به تیغ گران؛ متن = ف ۱۲- لن، ق، لی: سفید؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره  
 افزوده اند ۱۳- لن، پ: گنج بیم و امید؛ لی: گنج پیش از امید؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن)؛ و این بیت را دو بار نوشته است ۱۴-  
 س، لن، ق، لی، پ، آل، ب: کنون؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، و (و نیز ل، لن) ۱۵- لن، ق، لی، پ: گشت؛  
 متن = ف، ل، س، و، آل، ب ۱۶- لن، پ: بدوی؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۷- ف، ل، لن، پ، ل: بدو (لن، ل): برو روشنی اندر آورده روی؛  
 س، ق، لی، آ: براه (آ: براه و) روش اندر آورده (ق: آورد) روی؛ و (و نیز ل، لن): بدو خلق گیتی در آورده روی؛ متن = ب: در پ پس از این بیت  
 بیت ۴۴۲ آمده است ۱۸- ل، ق: تاج؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۹- س، ق، لی، آل، ب (و نیز ل): وسپاه؛ متن = ف، ل، لن،  
 ق، پ، و (و نیز لن) ۲۰- س: سه فرزند خواهیم آرام؛ لی: نه فرزند خواهیم بآرام؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- ل، ق: دیدیم ۲۲- و: از آنپس که  
 بستم در گنج باز؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ در پ پس از این بیت ۲۳- س، لن، ق، ب (و نیز ل، لن): برادر کزو (ل):  
 که زو بود دلتان بدر؛ متن = ف، ل، ق ۲۴- س، لن، لی، پ، ل، ب: اگر؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۲۵- س، لن، ل، ب: چند بر کس نزد؛ ق،  
 لی، پ، آ: چه نزد بر کسی؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، لن) ۲۶- ل: که بود؛ و: همه؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۷- لن: چنانک از  
 ۲۸- ف: نامداری؛ آ: هوشیاران؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۹- لی: در نشست ۳۰- پ: بدینسان میان ۳۱- و: از آن ۳۲-  
 س، ق، لی، آ، ب: بمهر و نوازندگی در خورست؛ لن، پ، ل: بمهر و نوازیدن اندر خورست؛ (ل): نوازیدن از مهتران در خورست؛ لن: نوازیدن از  
 مهتر اندر خورست؛ متن = ف، ل، ق، و ۳۳- ق: بوسه (نقطه ندارد)؛ لی (و نیز ل، لن): توشه؛ ل: بوشه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = نه  
 دستویس دیگر ۳۴- و: زو ۳۵- ل، لن، ق، لی- ب (و نیز ل، لن): چو؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف ۳۶- لن: از بودنش روز بگذشت چند؛  
 ل: از بودنش روز کی روز چند؛ ب: از رفتنش بگذرد روز چند؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۷- ف (و نیز ل): بازی؛ ل: بازی  
 (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن، ق، پ، و، ل، ب: نزد؛ آ: سوی؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۸- س: فرستند نزدیک من ارجمند؛ لی: فرستید نزدیک  
 من بی گزند؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند: س: رفتن ایرج با نامه شاه فریدون بزد سلم و تور؛ لن، ب: رفتن ایرج بنزد (ب: نزد) برادران؛  
 ق: رفتن ایرج با نامه پدر بنزد برادران؛ لی: نامه فریدون بتور و سلم و فرستادن ایرج؛ پ: اندر صفت سلطنت ایرج؛ ل: رفتن ایرج نزد برادران و نوازش  
 کردن

ز ایوان بر ایرج<sup>۱</sup> گزین کرد راه  
چنان چون بود<sup>۲</sup> راه را ناگزیر  
نمود آگه از رای<sup>۳</sup> تاریکشان  
سپه<sup>۴</sup> سربسز باز بردند<sup>۵</sup> پیش  
یکی تازه‌تر برگشادند<sup>۶</sup> چهر  
گرفتند پرسش نه بر آرزوی  
برفتند هر سه به پرده‌سرای  
که او بُد سزاوار تخت<sup>۱۱</sup> و کلاه  
دل از مهر و<sup>۱۵</sup> دیده پر از<sup>۱۶</sup> چهر اوی<sup>۱۴</sup>  
همه نام ایرج شد<sup>۱۸</sup> اندر نهفت  
جزین را<sup>۲۰</sup> مبادا<sup>۲۱</sup> کلاه مهی  
سرش گشت از آن کار لشکر<sup>۲۲</sup> گران  
جگر پر ز خون<sup>۲۳</sup>، ابروان پر ز چین  
خود و تور بنشست با رای زن  
ز شاهی و از<sup>۲۶</sup> شاه<sup>۲۷</sup> هر کشوری  
که يك يك<sup>۲۸</sup> سپاه از چه گشتند جفت  
دگر بود و دیگر به باز آمدن<sup>۲۹</sup>

۴۵۰ نهادند بر نامه‌بر مهر شاه  
بشد با تنی چند برنا و پیر  
چو تنگ اندرآمد به نزدیکشان  
پذیره شدندش بر آیین خویش  
چو دیدند روی برادر به مهر<sup>۷</sup>  
۴۵۵ دو پرخاشجو با یکی<sup>۸</sup> نیکخوی<sup>۹</sup>  
دو دل پر ز کینه<sup>۱۰</sup>، یکی دل بجای  
به ایرج نگه کرد یکسر سپاه  
بی آرامشان<sup>۱۲</sup> شد دل از مهر<sup>۱۳</sup> اوی<sup>۱۴</sup>  
سپاه<sup>۱۷</sup> پراگنده شد جفت جفت  
۴۶۰ که اینت<sup>۱۹</sup> سزاوار شاهنشهی  
به لشکر نگه کرد سلم از گران  
به لشکرگه آمد دلی پر ز کین  
سراپرده پرداخت از<sup>۲۴</sup> انجمن  
سُخن شد پژوهیده<sup>۲۵</sup> از هر دری  
۴۶۵ به تور از میان سُخن سلم گفت  
سپاه دو شاه از پذیره شدن

۱- ف: به ایران بایرج؛ س، ق: بر ایوان بر ایرج؛ لن: بر ایران ایرج؛ ق: از ایران شه ایرج؛ لی: بر ایوان و ایرج؛ پ: بر ایران و ایرج؛ و: پس ایرج بر ایوان؛ آ: بر ایوان ایرج؛ ل: ب: بر ایران بر ایرج؛ (ل: بر ایرج سپرد؛ لن: ز ایران چو ایرج)؛ متن: ل: ل: پس از این بیت شش بیت افزوده است که بیت ششم آن در ق هم آمده است:

بران تا کند هرچ باید ز پیش  
برآمد بکردار چرخ از جمست  
بدان تا دگر روز بنندند رخت  
بدان تا بگویند هر کم و بیش  
بدان تا نباشد فزون و نه کاست  
فرورزنده شد گنبد چنبری

برفت و بیامد سوی خان خویش  
چو بر روز شد تیره شب چیره دست  
بخفتند شادان دل و نیک بخت  
برفتند یاران سوی خان خویش  
بگفتند هر کس همی هرچ خواست  
چو بدیدد شب چادر چنبری

5

۲- ل: که چون چون بود (!) ۳- ف، ق، و (و نیز ل، لن): جان؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستویس دیگر ۴- س، و، ل، ب (و نیز ل، لن): به؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، آ، ۵- آ: به ۶- ق: دادند؛ ب: رفتند؛ لن: سپه سر <سر> باز بردند (وزن نادرست است)؛ متن= هشت دستویس دیگر ۷- ق: ز مهر ۸- ل، و: دو پرخاشجوی یکی؛ متن= ده دستویس دیگر ۹- ق، ل: نیک جوی؛ و: نیکجوی (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ب: نامجوی؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۰- و: کین و ۱۱- ف: تاج؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن): ۱۲- آ، ل: بی آرمشان؛ ق، ل این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۳- ل: بهر ۱۴- ل، س، پ، آ: او؛ متن= ف، لن، لی، و، ل، ب ۱۵- آ: <و> ۱۶- س، لن، لی، پ، ل، ب: دو دیده از؛ متن= ف، ل، و، آ ۱۷- آ: سپاهی ۱۸- ف- ل (و نیز ل، لن): بد؛ متن= ب ۱۹- ف، ل، ق، و (و نیز لن): که هست این؛ لن، لی، ل: که اینست؛ پ: که این را؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= س، آ، ب (و نیز ل) ۲۰- و: جزاوارا ۲۱- ل، ق: نزدیک؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۲- ف: از آن لشکر خود؛ ل، ق: از کار لشکر؛ ق: از راز لشکر؛ و، ب (و نیز ل، لن): از آن کار یکسر؛ متن= س، لن، لی، پ، آ، ل ۲۳- ل: خون و ۲۴- لن، پ: بگذاشت بر؛ ل: برداشت از؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۵- ل، لن، ق، لی، آ: پژوهنده؛ س، و (و نیز ل، لن): سخن را پژوهید؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، پ، ل، ب ۲۶- ل، ل: ز ۲۷- ل، لن، ق، پ، و، ب (و نیز لن): تاج؛ س: باج و؛ لی، آ، ل (و نیز ل): تاج و؛ متن= ف ۲۸- آ: که یکدل ۲۹- در س، لن، لی، پ، آ، ل، ب این بیت پس از بیت ۴۶۸ و در و (و نیز در ل، لن) پس از بیت ۴۶۷ آمده است؛ پایی بیت های متن= ف، ل، ق؛ ق این بیت را ندارد



نکردی همانا<sup>۱</sup> به لشکر نگاه  
یکی چشم از ایرج نبرداشتند  
بر<sup>۵</sup> اندیشه اندیشگان<sup>۶</sup> برفزود<sup>۷</sup>  
ازین<sup>۸</sup> پس جزو را نخوانند شاه  
ز تخت<sup>۹</sup> بلندت کشد<sup>۱۰</sup> زیر پای

همه شب همی چاره آراستند  
سپیده برآمد<sup>۱۳</sup>، پالود خواب<sup>۱۴</sup>  
که دیده بشویند هر دو<sup>۱۷</sup> ز شرم  
نهادند سر سوی<sup>۱۹</sup> پرده سرای  
پر از مهر دل، پیش<sup>۲۲</sup> ایشان دوید  
سخن بیشتر بر چرا رفت و چون  
چرا برنهادی کلاه مهی  
مرا بر در ترک بسته<sup>۲۷</sup> میان  
به سربر ترا افسر و زیر گنج  
همه نزد<sup>۳۰</sup> کهتر پسر روی کرد  
نه نام بزرگی، نه ایران، نه شاه<sup>۳۳</sup>

یکی پاکتر پاسخ<sup>۳۵</sup> افگند بُن

به هنگامی بازگشتن ز راه  
که چندان<sup>۲</sup> کجا راه بگذاشتند  
از<sup>۳</sup> ایران دل ما همی تیره<sup>۴</sup> بود  
۴۷۰ سپاه دو کشور چو کردم نگاه  
اگر بیخ او نگیلانی ز جای

برین<sup>۱۱</sup> گونه از جای برخاستند  
چو برداشت پرده ز پیش<sup>۱۲</sup> آفتاب  
دو بیهوده را دل<sup>۱۵</sup> بران<sup>۱۶</sup> کار گرم  
۴۷۵ برفتند هر دو گرازان<sup>۱۸</sup> ز جای  
چُن<sup>۲۰</sup> از خیمه ایرج به ره بنگرید<sup>۲۱</sup>  
برفتند با او<sup>۲۳</sup> به خیمه درون  
بدو گفت تور: ار<sup>۲۴</sup> تو از ما کههی<sup>۲۵</sup>  
ترا باید ایران و تخت کیان<sup>۲۶</sup>  
۴۸۰ برادر که کهتر ز<sup>۲۸</sup> خاور به رنج  
چُنین<sup>۲۹</sup> بخششی کان جهانجوی کرد  
نه تاج کیی<sup>۳۱</sup> مانم<sup>۳۲</sup> اکنون، نه گاه

چُن<sup>۳۴</sup> از تور بشنید ایرج سخن

۱- س، لن، لی، پ، آل، ب: همانا نکردی؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و؛ در و (و نیز ل، لن)؛ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- ق: خندان؛ در س، لن، لی، پ، آل، ب پس از این بیت بیت ۴۶۶ آمده است ۳- لی، آ: ز ۴- ف: دل ما همه تیره؛ ل: دلم خود بدو نیم؛ ق: دلم خود بدو تیره؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۵- ل: به؛ ق: از ۶- لن، لی، پ، ل (و نیز لن): اندیشه ها؛ متن = ل، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل) ۷- ف: بران تیرگی تیرگی برفزود ۸- آ: ازان ۹- ل، س، لن: بخت (حرف بکم نقطه ندارد)؛ ل: بخت؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۰- س، لن، ق، لی، پ، ل، ب: بلند اوفتی؛ و: بلندی شوی؛ متن = ف، ل، ق، آ (و نیز ل) ۱۱- س، لی، و: بدین؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۲- ق: پرده زمین ۱۳- ق: بیامد؛ متن = ل، س، لن، ق، آ- ب ۱۴- لن، پ: بیامد جواب؛ آ: بیالید خواب؛ ف: سر کینه جویان در آمد ز خواب؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۵- لن، آل، ب: دو بیهوده دل را؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۶- ل، ق، ق، لی، آ: بدان؛ لن: بدین؛ پ، و (و نیز لن): برین؛ متن = ف، س، ل، آ، ب (و نیز ل) ۱۷- ق: نشویند هرگز؛ ب: بشویند هر سه ۱۸- ف، ل، ق، و: برفتند با شمع (ف: شمع و) یاران (ق، و: یازان)؛ (ل: برفتند با جمع نازان؛ لن: برفتند بی شرم نازان)؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۹- لن: نهاده سران سوی ۲۰- ل- ب (و نیز ل، لن): چو؛ متن = ف ۲۱- ل، ق: از پرده ایرج برون بنگرید؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۲- ل، ق: سوی؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۳- ق: وی؛ ف پس از این بیت و دستویس های دیگر چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: گفتار اندر مناظره کردن سلم و تور با ایرج و کشته شدن ایرج بر دست تور برادرش؛ س، لی، و، ل: کشته شدن ایرج بر دست برادران (س: بر دست نور برادرش؛ لی: بر دست تور)؛ لن، پ، آ: کشتن (پ: کشته شدن) سلم و تور (آ: تور و سلم) ایرج را؛ ق: ماجرای سلم و تور با ایرج و کشته شدن ایرج بی گناه؛ ب: کشتن نور ایرج را؛ ل، ق سرنویس ندارند ۲۴- ل: تور ۲۵- ق: بهی ۲۶- لن، ق، آ، ب: مهان؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۷- پ: بستن ۲۸- ل، ق، لی (و نیز ل، لن): به؛ ق، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۹- لن، لی، پ: چنان؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۰- س، لن، لی، پ، آ، ب: سوی؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۳۱- ل، ق: کیان؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۲- س، لن، ق، لی، پ، آل، ب: خواهم؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، لن) ۳۳- ل، س، لن، ق، لی، پ، آل، ب: نه ایران سپاه؛ متن = ف، ق، و (و نیز ل، لن)؛ در س، لن، ق، لی، پ، آل، ب این بیت پس از بیت ۴۸۴ آمده است ۳۴- ف- آ، ب (و نیز ل، لن): چو؛ متن = ل ۳۵- ف: یکی با گهر پاسخ؛ س، ق، لی، آ، ب: خونتر پاسخ؛ و: نگرنا پاسخ چه؛ متن = ل، لن، ق، پ، ل (و نیز ل)

بدو گفت کای مهتر کامجوی<sup>۱</sup>  
 ۴۸۵ من ایران نخواهم، نه خاور<sup>۲</sup>، نه چین،  
 بزرگی که فرجام او<sup>۵</sup> بترست<sup>۴</sup>  
 سپهر بلند ار کشد زین تو  
 مرا تخت ایران اگر بود زیر  
 سپردم شما را کلاه و نگین  
 ۴۹۰ مرا با شما نیست جنگ<sup>۱۲</sup> و نبرد  
 زمانه نخواهم از<sup>۱۴</sup> آزارتان  
 جز از<sup>۱۷</sup> کهنتری نیست آیین من  
 چو بشنید تور از برادر چُنین  
 نیامدش گفتار<sup>۲۲</sup> ایرج پسند  
 ۴۹۵ به<sup>۲۵</sup> کرسی به خشم<sup>۲۶</sup> اندرآورد پای  
 ز ناگه<sup>۳۰</sup> برآمد ز جای نشست  
 بزد بر سر خسرو تاجدار<sup>۳۲</sup>  
 نیایدت<sup>۳۴</sup> گفت<sup>۳۵</sup> ایرج<sup>۳۶</sup> ترس<sup>۳۷</sup> از<sup>۳۸</sup> خدای  
 مکش مر مرا کهت سرانجام کار  
 ۵۰۰ پسندی و همداستانی کنی  
 مکش مورکی را که روزی کش<sup>۳۳</sup> ست  
 اگر کام دل یابی<sup>۲</sup> آرام جوی  
 نه<sup>۴</sup> شاهی، نه گسترده روی زمین  
 بران<sup>۷</sup> برتری<sup>۸</sup> بر<sup>۹</sup> بیاید گریست  
 سرانجام خشت ست بالین تو  
 کنون گشتم از تاج و از تخت<sup>۱۰</sup> سیر  
 ترا زین پس از من مباد ایرج<sup>۱۱</sup> کین  
 دلت خود نباید به من رنجه کرد<sup>۱۳</sup>  
 وگر<sup>۱۵</sup> دور مانم ز<sup>۱۶</sup> دیدارتان  
 مباد از<sup>۱۸</sup> گردنکشی<sup>۱۹</sup> دین من  
 به ابرو ز خشم<sup>۲۰</sup> اندرآورد چین<sup>۲۱</sup>  
 بُد راستی<sup>۲۳</sup> نزد<sup>۲۴</sup> او ارجمند  
 همی<sup>۲۷</sup> گفت و برجست<sup>۲۸</sup> هزمان<sup>۲۹</sup> ز جای  
 گرفت آن گران کرسی زر به دست<sup>۳۱</sup>  
 ازو خواست ایرج<sup>۳۳</sup> به جان زینهار  
 نه شرم از<sup>۳۹</sup> پدر پس<sup>۴۰</sup> همینست رای  
 پیچاند از خون من کردگار<sup>۴۱</sup>  
 که جان داری و جان ستانی کنی<sup>۴۲</sup>  
 که او نیز جان دارد و جان خوش<sup>۴۴</sup> ست

۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ل، ب: نامجوی؛ متن = ف، ل، ق، و ۲- ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن): خواهی؛ متن = ف، ل، آ: درس، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب پس از این بیت بیت ۴۸۲ آمده است و درس پس از آن بیت ۴۸۸ آمده است ۳- ق، آ: نه روم و ۴- ل، آ: ز ۵- ق، آ، لی: ان ۶- ل، لن، ق، لی، پ، ل، آ: تیره گیت؛ و: بدترست؛ در ق، آ: پساوند پاك شده است؛ متن = ف، س، آ، ب (و نیز ل، ن) ۷- س، ق، آ، لی، پ: بدان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۸- ف: بتری؛ ل، س، ق، آ، لی، آ: مهتری؛ و (و نیز ل، ل، ن): بدتری؛ متن = لن، پ، ل، آ، ب ۹- ل، آ: هم ۱۰- ل، ل، پ: ز تخت؛ ق: از تخت و زناج؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ درس این بیت پس از بیت ۴۸۲ آمده است (← پ) ۱۱- ل، ق: بدین (ق: ازین) روی با من مدارید کین؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ل، ب: مدارید با من شما نیز (لن، پ، آل، ل: هیچ) کین؛ متن = ف، و (و نیز ل، ل، ن) ۱۲- ل، س، و (و نیز ل، ل، ن): ننگ؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۳- ل: روان را نباید برین رنجه کرد؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ل، ب: نباید بمن هیچ دل رنجه کرد؛ و (و نیز ل، ل، ن): دلت را نباید بدین رنجه کرد؛ متن = ف، ق ۱۴- ل، س، لن، پ، و، آل، ل، ب (و نیز ل، ل، ن): به؛ ق: بر؛ ق، آ، لی: این بیت را ندارند؛ متن = ف ۱۵- ل، ق: اگر؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۶- آ: به ۱۷- لی: بجز ۱۸- ل: < و > ۱۹- س- پ، آل، ل، ب: نباشد بجز (س)، ق، آ، ل، ب: جز از (مردمی (ق: مهتری)؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، ل، ن) ۲۰- ق: کین ۲۱- این بیت درس، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ل، ب چنین است:

چو بشنید تور این (ل: آن) همه سر بر (آ: این سخن در بدر) بگفتار ش اندر نیآورد سر  
 متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، ن) ۲۲- س: نیامدش ایران و ۲۳- س، لن، پ، آل، ل: نه آن آشتی؛ ق، آ، لی: نه نیز آشتی؛ ب: نبد آشتی؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، ل، ن) ۲۴- و: پیش ۲۵- ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب (و نیز ل، ل، ن): ز؛ متن = ل، ق، و، ل ۲۶- ق: کرسی زر؛ و: کرسی ز خشم ۲۷- آ: سخن ۲۸- پ: برگشت؛ و: می جست؛ متن = ف، ل، آ، ب ۲۹- لی: مردم؛ ل: وجست هر زمانی ۳۰- ل، پ، آل، ل، ب (و نیز ل، ل، ن): یکایک؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن) ۳۱- ل: گرفت آن گرانمایه کرسی بدست؛ ب (و نیز ل، ل، ن): گرفت آن زمان کرسی زر بدست؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۲- و: نامدار ۳۳- پ: خسرو ۳۴- ل، آ: نیامدت ۳۵- ق: < گفت > (وزن نادرست است) ۳۶- ق: هیچ ۳۷- ل: بیم ۳۸- و: < از > ۳۹- ف: < از >؛ متن = یازده دستویس دیگر ۴۰- ل، س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، ل، ن): خود؛ متن = ف، ق، ل، آ، ب ۴۱- درس- ب (و نیز ل، ل، ن) پس از این بیت بیت ۵۰۲ آمده است؛ در و بیت های میان ۴۹۹ تا ۵۰۵ در هم ریخته اند: ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۱، ۵۰۵، ۴۲- ل این بیت را ندارد ۴۳- ل، پ: مکش مورکی را که دانه کش است؛ س، ق، آ، لی، و، آل، ب (و نیز ل، ل، ن): میازار موری که دانه کش است؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل ۴۴- ل، ق، آ، ب (و نیز ل، ل، ن): که جان دارد و جان شیرین خوش است؛ متن = ف، س، ق، ل (درس این بیت را تراشیده و به خطی نوشته اند)

کزین<sup>۱</sup> پس نیابی خود از من<sup>۲</sup> نشان  
به کوشش فرازآورم توشه‌یی  
چه سوزی دل پیر گشته پدر  
مکن با جهاندار یزدان ستیز<sup>۳</sup>  
همان گفتش آمد<sup>۴</sup>، همان سردباد  
سراپای او چادر خون کشید  
همی کرد چاک آن گیانی<sup>۵</sup> برش  
گسست آن کمرگاه<sup>۶</sup> شاهنشهی  
شد آن نامور شهریار جوان<sup>۷</sup>

وزان<sup>۱۵</sup> پس ندادی به جان زینهار  
برین<sup>۱۹</sup> آشکارت بیاید<sup>۲۰</sup> گریست  
ز بهر جهان دل پر از داغ و درد  
ازین<sup>۲۵</sup> دو ستمگاره اندازه گیر

به خنجر جدا کرد و برگشت کار<sup>۲۸</sup>  
فرستاد نزد جهان بخش<sup>۳۰</sup> پیر  
که تاج نیاگان بدو گشت باز  
شد آن شاخ گستر<sup>۳۴</sup> نیازی<sup>۳۵</sup> درخت

مکن خوشتن را ز مردم کُشان  
بسندۀ کنم زین جهان گوشه‌یی  
به خون برادر چه بندی کمر  
۵۰۵ جهان خواستی، یافتی، خون مریز  
سُخن چند بشنید و<sup>۴</sup> پاسخ نداد  
یکی خنجر از موزه بیرون کشید<sup>۵</sup>  
بدان<sup>۶</sup> تیز<sup>۹</sup> زهر آبگون خنجرش  
فرود آمد از پای سرو سهی  
۵۱۰ دوان خون از آن<sup>۱۲</sup> چهره‌ی ارغوان

جهانا پروردیش در<sup>۱۴</sup> کنار  
نهانی ندانم<sup>۱۷</sup> ترا دوست<sup>۱۸</sup> کیست  
تو نیز ای به خیره خرف گشته مرد<sup>۱۱</sup>  
چو شاهان<sup>۲۲</sup> کُشی بی گنه<sup>۲۳</sup> خیر خیر<sup>۲۴</sup>

۵۱۵ سر تاجور<sup>۲۶</sup> زان تن<sup>۲۷</sup> پیلوار  
بیاگند مغزش به مشک وعبیر<sup>۲۹</sup>  
چنین<sup>۳۱</sup> گفت کاین<sup>۳۲</sup> سر آن نیاز<sup>۳۳</sup>  
کنون خواه تاجش ده و خواه تخت

۱- ل: که زین ۲- ل، ق: نیابی ز من خود؛ پ: نیابی نواز من؛ و: نواز من نیابی؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ در س- ب (و نیز ل، ل: این بیت پس از بیت ۴۹۹ آمده است ۳- ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۴- ل: <و>؛ ل، ق: سخن را چوبشید؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل: ۵- ل، ق: همان گفتن آمد؛ س، ق، ل، آ، ل، ب: همان خشم بودش؛ متن = ف، و (و نیز ل، ل: ۶- ل، ب: دلش بود پر خشم و سر پر زیاد ۷- ل، ق: یکی خنجر آبگون بر کشید؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل: ۸- پ: بران ۹- و: تیره؛ آ: تیغ ۱۰- ق، آ، ل: گرامی ۱۱- س، ل، ل، ل، پ: کمر بند؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- ق: خون براز؛ ل: خون بدان ۱۳- ق، آ، ل، ل: (و نیز ل، ل: ۱۴- ل، ق: جهان؛ متن = نه دستویس دیگر؛ در س این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در س، ل، ق: ب (و نیز ل، ل: پس از این بیت بیت ۵۱۵ آمده است؛ در آ، ل بیت های میان ۵۱۰ تا ۵۱۷ در هم ریخته اند، آ: ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۷؛ ل: ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۱۲، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۷؛ بیای بیت های متن = ف، ل، ق (و نیز ل، ل: ۱۴- ف، س، ل، ب (و نیز ل، ل: بر؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۵- ل: ازان ۱۶- ل: بخنجر جدا کرد و برگشت کار (= ۵۱۵) ۱۷- ق: ندانم نهانی ۱۸- ل: برادرت ۱۹- ل، ق، ل، ل، پ: بدین؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۰- ق (و نیز ل، ل: آشکارا بیاید؛ ل، آ: آشکارات باید؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل: ۲۱- ل: به خیره گنه کرده مرد؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل: ۲۲- ل، پ: شاهی؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل: ۲۳- پ: بگیتی همی؛ و: کلد بی گنه ۲۴- ل، ل، ل، ل، ل، ل، ل، پ، و، آ، ب (و نیز ل، ل: خیره خیر؛ متن = ف، ق، ل، ل: ۲۵- ف، آ: ازان؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل: ۲۶- ل: تاجدار ۲۷- ل، ل، ل، ل، ل، پ، ل: ازن؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۸- ل: وزان پس ندادی بجان زینهار (= ۵۱۱)؛ در س، ل، ق: ب (و نیز ل، ل: این بیت پس از بیت ۵۱۰ آمده است (= پ ۱۳) ۲۹- ل: وبقیر؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۰- س، ق، ل، ل، ب: جهاندار؛ و: جهانجوی؛ آ: فریدون؛ متن = ف، ل، ل، ق، پ، ل، ل: ۳۱- ل، ق، ق، ل: بدو؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۲- ق: اینک، ب: کانت ۳۳- و: آن سرب نیازی؛ ل: سرای نیازی؛ ب: سران بناز؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۴- ل، پ، و، ب (و نیز ل، ل: ۳۵- سابه گستر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، س، ل، ق، آ، ل، ل: ۳۵- ل: بیای؛ پ، و: گیانی؛ متن = هشت دستویس دیگر

یکی سوی چین و یکی سوی روم

برفتند باز آن دو بیداد شوم

سپاه و کلاه آرزومند شاه  
 پدر زان سخن خود کی آگاه بود  
 همی تاج را گوهر اندر نشاخت<sup>۵</sup>  
 می<sup>۷</sup> و رود و رامشگران خواستند<sup>۸</sup>  
 بیستند آذین<sup>۱۱</sup> همه<sup>۱۱</sup> کشورش<sup>۱۱</sup>  
 یکی<sup>۱۳</sup> گرد تیره برآمد ز راه  
 نشسته برو سوگواری<sup>۱۵</sup> بدرد  
 یکی زر<sup>۱۷</sup> تابوتش اندر کنار  
 نهاده سر ایرج اندر میان<sup>۱۸</sup>  
 به پیش فریدون شد<sup>۱۹</sup> آن شوخ مرد<sup>۲۰</sup>  
 که گفتار او خیره<sup>۲۱</sup> پنداشتند  
 سر ایرج آمد بریده پدید<sup>۲۵</sup>  
 سپه سربسر جامه کردند چاک<sup>۲۷</sup>  
 که دیدن دگرگونه بود از امید<sup>۲۸</sup>  
 چنین بازگشت از پذیره سپاه<sup>۳۲</sup> :  
 رخ نامداران به رنگ<sup>۳۴</sup> آبسوس  
 پراکنده بر تازی اسپانش نیل

فریدون نهاده دو دیده به راه  
 ۵۲۰ چو هنگام برگشتن شاه بود  
 همی شاه را تخت پیروزه<sup>۲</sup> ساخت  
 پذیره شدن را بیاراستند<sup>۳</sup>  
 تیره ببردند و پیل از درش<sup>۴</sup>  
 ۵۲۵ بدین<sup>۱۲</sup> اندرون بود شاه و سپاه  
 هیونی برون آمد از تیره گرد<sup>۱۴</sup>  
 خروشی بزار و دلی سوگوار<sup>۱۶</sup>  
 به تابوت زر اندرون پرنیان  
 ابا ناله و آه و با روی زرد  
 ۵۳۰ ز تابوت زر تخته<sup>۲۱</sup> برداشتند  
 ز تابوت چون<sup>۲۳</sup> پرنیان برکشید<sup>۲۴</sup>  
 بیفتاد ز<sup>۲۶</sup> اسپ آفریدون به خاک  
 سیه شد رخان<sup>۲۸</sup> ، دیدگان شد سپید<sup>۲۹</sup>  
 چو خسرو بران<sup>۳۱</sup> گونه آمد ز راه  
 ۵۳۵ دریده درفش و نگون کرده<sup>۳۳</sup> کوس  
 تیره سیه کرده و روی پیل<sup>۳۵</sup>

۱- ف، لن، پ، ل، ب: چو گشتند نازان (در ف، لن حرف یکم واژه سوم نقطه ندارد)؛ س: چو گشتند یاد آن؛ ق: چو گشتند شادان؛ آ: چو گشتند نازان؛ (ل، ل، لن: چو رفتند نازان)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن=ل، لی، و (در ل حرف یکم واژه دوم نقطه ندارد) ۲- ف: سوی توران؛ ل: سوی ترک و؛ س، ق، پ، ل، ب: سوی چین شد؛ متن=لن، لی، و، آ، ب (و نیز ل، لن)؛ ف، آدر اینجا و، پ، و چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آگهی یافتن فریدون از کشتن نور و سلم ایرج را و زاری بر وی؛ پ: آگاهی یافتن فریدون از کشته شدن ایرج؛ و: آگاه شدن فریدون از کشته شدن ایرج؛ آ: آوردن سر ایرج پیش فریدون؛ ل، لن، ق، ق، ل، لی، ل، ب: سرنویس ندارند ۳- لی: پیروزه ۴- ل: همان ۵- و (و نیز ل): همی زر به پیروزه اندر نشاخت؛ ب: شد آن سایه گستر نیازی درخت (= ۵۱۸ ب)؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت و آپس از بیت سپین بیت زیر را افزوده اند:

به دیبا بیاراست گاه شهی به گوهر کیانی کلاه مهی

۶- ف: بیاراستش؛ ق: براراستند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۷- و: همی ۸- ف: خواستش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۹- س، لن، ق، ل، لی، پ، ل، ب: برش؛ متن= ل، ق، و، آ، ۱۰- ق، و (و نیز لن): آیین؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل) ۱۱- ل، ق: بهر؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۲- ل: برین ۱۳- لی: که یک ۱۴- ل: هیونی بر آمد ازین تیره گرد؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۵- لن، لی، پ، ل: بدو سوگواری؛ و (و نیز ل، لن): بر و بر سواری؛ متن= ف، ل، س، ق، آ، ب ۱۶- ل: خروشی بر آورد دل سوگوار؛ لن، لی، پ: خروشی بر آمد از آن سوگوار؛ ق: خروشان بزار و دلی سوگوار؛ آ: خروشان بر از درد و دل سوگوار؛ ل: خروشی نزار و دلی سوگوار؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف، س، و، ب ۱۷- لی: زرد ۱۸- لی: به پیش فریدون شد آن شوخ مرد (در لی ۵۲۸ و ۵۲۹ را انداخته و از ۱۵۲۸ و ۵۲۹ ب یک بیت ساخته است)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۱۹- ق: < شد > (وزن نادرست است) ۲۰- پ: نیک مرد؛ لی: ۱۵۲۸ + ۵۲۹ (= پ ۱۷) ۲۱- س: پرده ۲۲- ل: خوار؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن)؛ لی این بیت را دو بار نوشته است ۲۳- ف: یکی سنگ دل؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل) ۲۴- لی: پرنیان کشید (وزن نادرست است) ۲۵- س، ق، ل، لی، آ، ب: بریده سر ایرج آمد پدید؛ و: سر ایرج آمد از اینجا پدید؛ متن= ف، ل، ق، پ، ل ۲۶- و، ل، آ، ب: از؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- و: جامه را کرد چاک ۲۸- ل، ق، ق، ل، لی: سبه شد رخ؛ و: متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۹- لی، پ، و، ب: سفید ۳۰- ل، ق، و (و نیز ل، لن): بودش امید؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۱- س: ازان؛ لن: بدین؛ پ: برین؛ و، ل: بدان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۲- آ: جزین بازگشتند از ره سپاس (پاوند ندارد) ۳۳- ل، س، ق، و (و نیز ل، لن): نگوینار؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۳۴- لن، پ: شده ۳۵- ل: تیره سیه کرده رویان پیل

پر از خاک سر، برگرفتند راه  
کنان گوشت شاهان بران زادمرد<sup>۱</sup>

بخواهد<sup>۵</sup> ربودن چو بنمود چهر  
نه<sup>۷</sup> نیکو بود راستی در کمان<sup>۸</sup>  
وگر<sup>۱</sup> دوست خوانی نبینش چهر<sup>۱۱</sup>  
دل از مهر گیتی بایدت شست<sup>۱۲</sup>

سوی باغ ایرج نهادند روی  
ورا<sup>۱۵</sup> پیشتر جشنگاه آن<sup>۱۶</sup> بدی  
بیامد به بر بر گرفته<sup>۱۸</sup> نوان  
سر شاه را نَز در تاج<sup>۲</sup> دید  
درخت گل افشان و بید<sup>۲۳</sup> و<sup>۲۴</sup> بهی  
به کیوان برآورده<sup>۲۷</sup> گرد سیاه<sup>۲۸</sup>  
همی ریخت اشک<sup>۳۱</sup> و همی کند موی<sup>۳۲</sup>  
فگند آتش اندر سرای نشست<sup>۳۳</sup>  
بیکبارگی چشم شادی بدوخت  
سر خوش کرده سوی<sup>۳۵</sup> کردگار  
بدین بی گنه کشته<sup>۳۷</sup> اندر نگر

پیاده سپهد، پیاده سپاه،  
خروشیدن پهلوانان به درد

برین<sup>۲</sup> گونه گردد<sup>۳</sup> به ما بر سپهر<sup>۴</sup>  
مهر خود به مهر زمانه<sup>۶</sup> گمان  
چو دشمنش گیری نمایند مهر<sup>۹</sup>  
یکی پند گویم ترا من درست

سپه داغ دل، شاه با هوی هوی<sup>۱۳</sup>  
به روزی کجا بار شاهان<sup>۱۴</sup> بدی  
فریدون سر شاه پور جوان<sup>۱۷</sup>

بدان<sup>۱۹</sup> تخت شاهنشهی بنگرید  
سر<sup>۲۱</sup> حوض شاهان<sup>۲۲</sup> و سرو سهی  
تهی دید<sup>۲۵</sup> از<sup>۲۶</sup> آزادگان جشنگاه  
همی سوخت باغ<sup>۲۹</sup> و همی خست روی<sup>۳۰</sup>

۵۴۰  
۵۴۵  
۵۵۰  
گلستانش<sup>۳۴</sup> برکند و سروان بسوخت  
نهاده سر ایرج اندر کنار  
همی گفت کای<sup>۳۶</sup> داور دادگر

۱- ف: کنان موی شاهان بران زادمرد؛ ل: کنان گوشت تن را بران زادمرد؛ س، و، ل، ب: کنان گوشت بازو بران زادمرد (ل: بدان دادمرد)؛ لن، لی، پ: کنان گوشت از بازوی (لی: بازو آزاده؛ پ: بازو آزاد) مرد؛ ق: کنان گوش شاهان ز آوای سرد؛ (ل، ل، ن: کنان گوشت شاهان بران راد (ل: داد) مرد)؛ ق: این بیت را ندارد ۲- ق، لی: بدین؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن= نه دستویس دیگر ۳- ل: کرد (وزن نا درست است) ۴- ل، ق: همی این سپهر؛ متن= نه دستویس دیگر ۵- و: نخواهد؛ در س، لی، پ، آ، ل، ب: این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های متن= ف، ل، لن، ق، و (و نیز ل، ل، ن) ۶- و: بهمر از زمانه؛ ق: این بیت را ندارد ۷- ل: که ۸- ل: نجوید کسی اشتی در کمان؛ نجوید کسی راستی از کمان؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن)؛ در س، لی، پ، آ، ل، ب: این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۹- ق، ل: چهر؛ ف، ق: این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۰- آ: ورش ۱۱- ق: مهر ۱۲- ف: این بیت را ندارد؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن) ۱۳- ف، ل، لن: های هوی؛ س، لی، پ، آ، ل، ب: (و نیز لن): های وهوی؛ متن= ق، ق، و ۱۴- ل- ق، پ- ب: (و نیز ل، ل، ن): جشن شاهان؛ لی: پادشاهان؛ متن= ف ۱۵- ل، لن، پ: (و نیز لن): وزان؛ ق: ازان؛ لی: کجا؛ متن= هفت دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن) ۱۶- ل: بزمگاهان؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن) ۱۷- س، ق، ل، لی، آ: سر پادشاه جوان؛ ل: سر تاجور را جوان؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۸- ف، ل، ق، ل، ب: به بر در گرفته؛ س: در آن جشن گه برگرفته؛ متن= لن، ق، لی، پ، و، آ ۱۹- ل، ق، ل، پ: بران؛ ق: این بیت را ندارد، ولی انرا در کناره افزوده اند؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۰- ق: سر شاه نه از در تاج؛ لی: سر شاه ایرج نه با تاج؛ و: سر شاه را از درگاه؛ ب: سر شاه را بر در تاج؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۱- ل: همان؛ ق: این بیت را ندارد، ولی انرا در کناره افزوده اند؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن) ۲۲- لن، ق، ل، لی، پ: شاهی؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۳- آ: بار ۲۴- ل، ق، آ: < و >؛ در ق بجای بیت های ۵۴۶ و ۵۴۷ بیت زیر را افزوده اند:

همی کند و میراند از دیده خون همی گفت با داور رهنمون  
۲۵- ق: گشت ۲۶- لی: ز ۲۷- ق، پ، آ، ل، ب: بر آورد؛ متن= ل، س، لن، ق، لی ۲۸- ف، و (و نیز لن): سر شاه برگشته بی تن ز راه؛ و (و نیز لن) پس از این بیت افزوده اند:

بنالید از آن نامور جشنگاه بکیوان برآورد گرد سیاه  
۲۹- و: کاخ ۳۰- لن، پ، و: کند موی؛ ق: کند روی؛ متن= هشت دستویس دیگر ۳۱- ف: خون؛ لن، پ، و (و نیز ل): آب؛ متن= هشت دستویس دیگر ۳۲- لن، پ، و: خت روی؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۳- ق: این بیت را ندارد؛ در و این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ در ق این بیت را در کناره به این ریخت نیز افزوده اند:

بزنار خونبزن ببستش میان فگند آتش اندر همه خان و مان  
۳۴- ب: گلستان؛ ق: این بیت را ندارد؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۵- ل: سر خویشن کرد زی؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن) ۳۶- ف: ابا؛ ق، ل، آ: ای؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن) ۳۷- و: خسته

تنش خورده شیران آن انجمن  
که هرگز<sup>۴</sup> نبینند جز تیره‌روز  
که بخشایش آرد بریشان<sup>۵</sup> دده  
که چندان زمان<sup>۹</sup> یابم از روزگار  
بینم برین کینه بسته<sup>۱۰</sup> کمر  
کجا<sup>۱۱</sup> خاک بالا بپیمایم

همی<sup>۱۵</sup> تا گیا رُستش<sup>۱۶</sup> اندر کنار  
شده تیره روشن<sup>۱۸</sup> جهان بین اوی<sup>۱۹</sup>  
همی گفت: زار ای نبرده جوان<sup>۲۰</sup>  
که تو مردی<sup>۲۲</sup> ای نامبردار گرد  
تنت<sup>۲۴</sup> را شده کام شیران کفن  
ز هر دام و دد برده آرام و خواب  
بهر جای کرده یکی انجمن<sup>۲۸</sup>  
نشسته به تیمار مرگ<sup>۲۹</sup> اندرون  
نشسته به<sup>۳۱</sup> انبوه<sup>۳۱</sup> با<sup>۳۲</sup> سوگ<sup>۳۳</sup> شاه  
همی<sup>۳۵</sup> زندگی مرگ پنداشتند

به خنجر سرش خسته<sup>۱</sup> در پیش من  
۵۵۵ دل هر دو بیداد<sup>۲</sup> از آنسان<sup>۳</sup> بسوز  
به داغی<sup>۵</sup> جگرشان کنی آزده<sup>۵</sup>  
همی خواهم ای<sup>۸</sup> روشن کردگار  
که از تخم ایرج یکی نامور  
چو دیدم چُنین، زان سپس<sup>۱۱</sup> شایدم

۵۶۰ برین<sup>۱۳</sup> گونه بگریست چندان بزار<sup>۱۴</sup>  
زَمین بستر و خاک بالین اوی<sup>۱۷</sup>  
در بار بسته، گشاده زبان  
کس از تاجداران بدینسان<sup>۲۱</sup> نمرد  
سرت<sup>۲۳</sup> را بریده بزار اهرمن  
۵۶۵ خروشی<sup>۲۵</sup> مُغانی<sup>۲۶</sup> و چشمی<sup>۲۷</sup> پر آب  
سراسر همه کشورش مرد و زن  
همه دیده پر آب و دل پر ز خون  
همه جامه کرده کبود و سیاه  
چه مایه چُنین<sup>۳۴</sup> روز بگذاشتند

۱- ل، ق: کنده؛ متن= ده دستویس دیگر ۲- ف: بدخواه؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۳- ف، لی: زانسان؛ متن= ده دستویس دیگر ۴- ق: که هر دو ۵- ف، ق، و، آ، ل، داغ؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ل، س، ل، ن، لی، پ، ب ۶- پ: آزده (حرف دوم سه نقطه دارد) ۷- ل، ن، ق، پ، آ، ل، ب: بدیشان؛ لی: بایشان؛ متن= ف، ل، س، و ۸- ل، ق، و، ا؛ متن= نه دستویس دیگر ۹- لی، پ، ل (و نیز ل، آ): امان؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۰- ف: بینم برین کشته بسته؛ ل، ق: بیاید برین (ق: بدین) کین ببندد؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: بینم بدین (پ: این) کینه بسته؛ و: بیاید ببندد برین کین؛ متن= س، آ، ب؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

چو این بی گنه را برینند سر ببرد سر آن دو بیدادگر

۱۱- آ: سبب؛ ق: چو این دیده باشم همان ۱۲- ل: اگر؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۱۳- ل، ن، ق، لی، ل، آ: بدین؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۴- ل: بگریست آن شاه زار ۱۵- ف: چُنین؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۱۶- ق، آ: تا که یارستش (→ تاگیارستش) ۱۷- ل، س، آ، ل، ب: او ۱۸- ق، آ: چشم ۱۹- ل، س، و، آ، ل، ب: او؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند و در متن بجای آن دو بیت زیر آمده است:

زمان تا زمان سر سوی آسمان همی کرد و گفت ای خدای جهان

برفتند باز آن دو بیداد شوم یکی سوی ترک و یکی سوی روم (= ۵۱۹)

۲۰- ل: همی گفت کای داور راستان؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، آ) ۲۱- ق، آ، پ: برین سان ۲۲- ل: که مردست این؛ ق، آ، لی: که مردی تو؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲۳- ل: سرش؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲۴- ل: تنش؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲۵- ل، ن، پ، آ، ل، ب: خروش؛ متن= ف، ل، س، و (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲۶- ل: بزاری؛ و (و نیز ل، ل، ن، آ): بافغان؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۷- ل، ن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: چشم؛ ق: دیده؛ متن= ف، ل، س، و، آ (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲۸- آ این بیت را ندارد ۲۹- ل، ق: به تیمار و گرم؛ ل، ن، پ، ل، آ: به تیمار و درد؛ لی: به تیمار و سوگ؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، ق، آ، و، ب (و نیز ل، ل، ن، آ) ۳۰- س، ل، لی، ل، آ: بر؛ ب: پر؛ ق، آ، پ، آ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، ق، و ۳۱- ل، س، ل، ن، لی، و، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): اندوه؛ متن= ف، ق، ل، آ ۳۲- ل: در؛ س، ل، ن، ق، لی، ل، آ، ب: بر؛ متن= ف، و (و نیز ل، ل، ن، آ) ۳۳- ل، آ: مرگ؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

سبه پوش گیتی همه مرد و زن همان شاه فرزانه (ق: شاه بی دیده) و رای زن

۳۴- ق: برین؛ آ: بدین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۵- ل، ل، ن، ق، پ، و (و نیز ل، آ): همه؛ متن= ف، س، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز ل، آ)؛ در ب بیت ۵۷۱ یکبار هم پس از بیت ۵۶۹ آمده است

۵۷۰ برآمد برین<sup>۱</sup> نیز یکچندگاه  
 یکی خوب چهره پرستنده<sup>۲</sup> دید  
 که ایرج برو<sup>۳</sup> مهر بسیار داشت  
 پرچهره را بچه بد درنهان  
 از آن خویرخ<sup>۴</sup> شد دلش پر امید<sup>۵</sup>  
 ۵۷۵ چو هنگامی زادن آمد پدید<sup>۶</sup>  
 جهانی گرفتند پروردنش<sup>۷</sup>  
 مر آن ماه رخ<sup>۸</sup> را ز سر تا به پای  
 چو برجست<sup>۹</sup> و آمدش هنگام شوی  
 نیا نام زد کرد شویش پشنگ  
 ۵۸۰ بدادش بدان<sup>۱۰</sup> نامبردار شوی

شبستان ایرج نگه کرد شاه  
 کجا نام او بود ماه آفرید  
 قضا را کنیزك ازو بار داشت  
 از آن شاد شد شهریار جهان<sup>۱۱</sup>  
 به کین پسر داد دل را نوید<sup>۱۲</sup>  
 یکی دختر آمد ز ماه آفرید  
 برآمد به ناز و بزرگی<sup>۱۳</sup> تش  
 تو گفستی مگر ایرجستی بجای  
 چوپروین شدش<sup>۱۴</sup> روی و<sup>۱۵</sup> چون قیر<sup>۱۶</sup> موی<sup>۱۷</sup>  
 بدو داد و<sup>۱۸</sup> چندی برآمد درنگ<sup>۱۹</sup>  
 چو<sup>۲۰</sup> یکچندگاهی برآمد بر او<sup>۲۱</sup>

### گفتار اندر زادن منوچهر از مادر<sup>۲۲</sup>

یکی پور زاد آن هنرمند<sup>۲۳</sup> ماه<sup>۲۴</sup> چگونه؟ سزاوار تخت و کلاه<sup>۲۵</sup>

- ۱- لی: بدین؛ ل<sup>۱</sup> این بیت را ندارد؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>- ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) پس از این بیت افزوده اند:  
 فریدون شبستان سراسر (لی: بریشان؛ پ: یکابک) بگشت  
 س، ق<sup>۲</sup>، و: فریدون سراسر شبستان بگشت
- این بیت در ف، ل، ق نیست ۲- ف: پسندیده؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) ۳- لی، پ: بدو ۴- ب این بیت را ندارد ۵- ق: خویرو؛ ب این بیت را ندارد ۶- ل: پر نهیب؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) ۷- ل: به کین پسر بود دل ناشکب؛ س، لی، آ: بنیکی پسی (س، آ: پس) داد دل را نوید (لی: امید (لی: پاوند ندارد))؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) ۸- پ، آ: چو هنگام زادن پیامد (پ: بر آمد) پدید؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ س، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:  
 شد امید کوتاه بر سه دراز  
 پروردش (لی: پرورد) او را بشادی و ناز  
 این بیت در ف، ل، و، ل<sup>۳</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) نیست ۹- ق: جهانی گرفته پروردنش ۱۰- ق: بناز و بزرگی بر آمد؛ ل<sup>۳</sup>: بر آمد بیاز و بزرگی؛ و (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) پس از این بیت افزوده اند:  
 بدو بدنبا را همه از و ناز  
 بمانده بدرد پسر در گذاز
- ۱۱- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب: لاله رخ؛ ل<sup>۳</sup>: بران لاله رخ؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) ۱۲- و: پرورد ۱۳- و: بدش؛ آ: شده ۱۴- لی: < و > ۱۵- ل: مشک؛ متن = ف، س، لن، ق<sup>۲</sup>- ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) ۱۶- لن: < موی >؛ ق: چو سروی شدش قد و خورشید روی ۱۷- لی، آ: < و >؛ متن ← ۱۸- ف: بدو داد دختر برآمد درنگ؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>)؛ ف، ق پس از این بیت افزوده اند:  
 یکی مرد بود آن (ق: این) پشنگ دلیر  
 ز تخم فریدون یکی نره شیر  
 س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب بجای بیت بالا دو بیت زیر و، و، ل<sup>۳</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) تنها بیت دوم را افزوده اند:  
 پشنگ آنک (ق<sup>۲</sup>: آن؛ لی، پ، آ: آنکه) پور برادرش بود  
 نژاد از گرانمایه گوهرش بود  
 گوی بود از تخم (ل<sup>۳</sup>: که وی بود از نسل) جمشید شاه  
 سزاوار شاهی و تخت و کلاه
- بنداری نیز دست کم بیت نخستین را داشته است: فرزوها من این آخیه بشنچ؛ این دو بیت در ف، ل، ق نیست ۱۹- ق<sup>۲</sup>: بران؛ ل این بیت را ندارد ۲۰- لی: که ۲۱- لن، لی: بدوی؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>- ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) پس از این بیت بیانی افزوده اند که در لن، لی، پ، ل<sup>۳</sup> لت های آن پس ریش شده اند:
- چو (پ: که) یکچند (ق<sup>۲</sup>: یکی چند) برگشت (لی، و، آ: بگذشت) چرخ کیود  
 بر بر شگفتی نگر چون نمود  
 این بیت در ف، ل، ق نیست ۲۲- ف: گفتار اندر زادن منوچهر از مادر و آوردن پیش فریدون و بازیافتن فریدون چشمها؛ لن، ق<sup>۲</sup>: زادن منوچهر از مادر؛ ق: گفتار در مولود منوچهر شاه؛ س، لی: زادن منوچهر (س: شاه منوچهر) از مادر بفیروزی؛ پ: زادن منوچهر از مادرش که دختر ایرج بود و پسر فریدون؛ و: گفتار اندر زادن منوچهر شاه از مادر بفیروزی؛ آ: زاییدن منوچهر از مادر؛ ل<sup>۳</sup>: ولادت منوچهر شاه از مادر؛ ب: زادن منوچهر؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۲۳- ل، ق: خردمند؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>) ۲۴- س، پ: شاه ۲۵- لن، پ: سزاوار دیهم و گاه

چُنْ<sup>۱</sup> از مادر مهربان<sup>۲</sup> شد جدا  
 برنده بدو گفت<sup>۳</sup> کای<sup>۴</sup> تاجور  
 جهان بخش را لب پر از خنده شد<sup>۵</sup>  
 ۵۸۵ گرفت<sup>۶</sup> آن گرانمایه را بر<sup>۷</sup> کنار  
 همی گفت کین<sup>۸</sup> روز فرخنده باد  
 همان<sup>۹</sup> کز جهان آفرین کرد یاد  
 فریدون چو روشن جهان را بدید  
 چُنْین<sup>۱۰</sup> گفت کز پاك مام و پدر<sup>۱۱</sup>  
 ۵۹۰ می روشن آمد ز پُرمایه جام<sup>۱۲</sup>  
 چنان پروریدش که باد هوا  
 پرستنده می کهش به بر داشتی<sup>۱۳</sup>  
 به پای<sup>۱۴</sup> اندرش<sup>۱۵</sup> مُشك سارا بُدی  
 چُنْین<sup>۱۶</sup> تا برآمد برو<sup>۱۷</sup> سالیان  
 نیامدش ز اختر<sup>۱۸</sup> زمانی زیان

۱- ل- ب (و نیز ل، لن، آ): چو؛ متن= ف ۲- ف، ل، آ: مادر آن مهربان؛ متن= ده دستویس دیگر ۳- ل، ق، و (و نیز ل، لن، آ): بنزد نیا؛ پ: سوی پادشا؛ متن= هفت دستویس دیگر ۴- ل: بدو گفت موبد؛ ق، آ، پ: برنده بدو گفت؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۵- ف: ابا؛ ل: که ای؛ و، ل، آ: ای؛ متن= هفت دستویس دیگر ۶- پ: بر؛ لن: یکی چشم بگشای و ۷- س، ق، آ، ل، آ، ب: گشت؛ متن= هفت دستویس دیگر ۸- ق، آ: گویی ۹- ل- ب (و نیز ل، لن، آ): نهاد؛ متن= ف ۱۰- ل، آ، پ: در ۱۱- ق، و، آ: بر؛ متن= نه دستویس دیگر؛ س، لن، ق، آ، ل، آ، پ، آ: ب پس از این بیت افزوده اند:

که ای کاشکی (س، ب: کاجکی) دیده بودی مرا  
 که یزدان رخ او نمودی مرا  
 این بیت در ف، ل، ق، و، ل، آ (و نیز در ل، لن، آ) نیست ۱۲- س، ق، آ، ل، آ، ب: بگفتا؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۳- و: تو؛ در س، ق، آ، ل، آ، پ، آ: ب این بیت پس از بیت ۵۸۸ آمده است؛ ف پس از بیت ۵۸۶ افزوده است:

ازین پیشر دیدگان بر نکرد  
 بُدی چشم بر هم روان پر ز درد  
 ۱۴- س، لن، ق، آ، ل، آ، پ، آ: ز بس؛ ب: ز پس؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ) ۱۵- ق، آ، ل، آ، پ، آ: بیخشد ۱۶- ق، آ: براو؛ و: ببخوردش و دیدگان ۱۷- س، لن، ق، آ، ل، آ، پ، آ: ب (و نیز ل، لن، آ): بچهر نو آمد؛ متن= ف، ل، ق، و ۱۸- ل: یکی؛ ق: نکو؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ): در برخی از دستویس ها بیت های میان ۵۸۵ تا ۵۹۱ در هم ریخته اند، س، ق، آ، ل، آ، ب: ۵۸۵، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۶، ۵۹۰، ۵۸۹، ۵۹۱؛ ل، آ: ۵۸۵-۵۸۸، ۵۹۰، ۵۸۹، ۵۹۱- و: کز مام پاك و پدر ۲۰- و: چو فرزند ۲۱- س، لن، ق، آ، ل، آ، پ، آ: می روشن آورد و (لی، آ: < و >) پرمایه جام؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، آ، ب ۲۲- ل: مران چهره دارد؛ س، لن، ق، آ، ل، آ، پ، آ، ب: مرورا نهادش (پ: نهاده)؛ ق: پریچهره دارد؛ و (و نیز لن، آ): منوچهر دارد؛ متن= ف (و نیز ل، آ): ق پس از این بیت افزوده است:

جهان آفرین را سنایش گرفت  
 بداد و بنیکی فزایش گرفت  
 پس آنگه بگفتش که ای کردگار  
 چو دادی ز ایرج مرا یادگار  
 بقین دانم ای کردگار جهان  
 کزین پس بگردد بسی سالیان  
 بدین کودك آرام فرخنده کن  
 دل بد سگالان ماکنده کن

۲۳- لی: بدو ۲۴- ل، ق، آ: برگزشتی؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۵- ل، ق، آ: نبود؛ و: نکردی؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۶- ل، آ: پرستنده کیتی برداشتی (!) ۲۷- ق، آ، ل، آ، پ، آ: زمی (لی: زمین) را پی او؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۸- ل: بیا؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۹- ق، آ: اندرو؛ لی، ل، آ: اندرون؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۰- و: روان از برش چتر و دیبا؛ ل، آ: روان بر سر خز و دیبا ۳۱- ل، آ: همین ۳۲- س، لن، ق، آ، ل، آ، پ، آ: برین؛ لی: بدین؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۳۳- ق، پ، آ، ل، آ: نیامد ز اختر (ق: اخترش)؛ ق، آ، ل، آ: ز اختر نیامد؛ و: ز اخترش نامه؛ متن= ف، ل، س، لن، ب



۵۹۵ هنرها که بُد پادشا را بکار  
 چو چشم و دل پادشا باز شد  
 نیا تخت زرین<sup>۵</sup> و گرز گران  
 کلید در گنج های کهن<sup>۹</sup>  
 سراپرده‌ی دیبه از رنگ رنگ<sup>۱</sup>  
 ۶۰۰ چه<sup>۱۳</sup> اسپان تازی به زرین ستام  
 چه<sup>۱۴</sup> از جوشن و ترگ و رومی زره  
 کمان‌های چاچی و تیر خدنگ  
 برین<sup>۱۵</sup> گونه آراسته گنج ها  
 سراسر سزای منوچهر دید  
 ۶۰۵ کلید در گنج آراسته  
 همه پهلوانان<sup>۱۹</sup> لشکرش را  
 بفرمود تا پیش اوی<sup>۲۱</sup> آمدند  
 به شاهی برو آفرین خواندند  
 چو جشنی بُد این روزگار بزرگ<sup>۲۲</sup>  
 ۶۱۰ سپهدار چون قارن کاویان<sup>۱۶</sup>  
 چو شد ساخته کار<sup>۲۰</sup> لشکر همه  
 بیاموختش نامور شهریار  
 سپه<sup>۲</sup> نیز با او<sup>۱</sup> هم آواز شد  
 بدو داد و پیروزه<sup>۷</sup> تاج سران<sup>۸</sup>  
 بدو داد جمله ز سر تا به بن<sup>۱۱</sup>  
 بدوی<sup>۱۲</sup> اندرون خیمه های پلنگ  
 چه<sup>۱۳</sup> شمشیر هندی به زرین نیام  
 گشادند مر بندها را گره  
 سپرهای چینی و ژوپین جنگ  
 کشیده به گرد اندرون رنج ها  
 دل خویش را زو<sup>۱۷</sup> پر از مهر دید  
 به گنجور او داد و آن خواسته<sup>۱۸</sup>  
 همان<sup>۲</sup> نامداران کشورش را  
 همه با دل<sup>۲۲</sup> کینه‌جوی<sup>۲۳</sup> آمدند  
 زرجد به تاجش برافشانند  
 شده در جهان میش پیدا ز گرگی<sup>۲۵</sup>  
 سپه‌کش چوشیروی<sup>۲۷</sup> و<sup>۲۸</sup> چون اندیان<sup>۲۹</sup>  
 برآمد سر<sup>۳۱</sup> شهریار از رمه<sup>۳۲</sup>

۱- ل: هنرها که آید شهان را بکار؛ متن = بازده دستویس دیگر ۲- ق، و: < و > ۳- لن، لی، پ، ل: جهان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۴- ق: وی ۵- ل: شاهی ۶- ق، آ: < و > ۷- ل: پیرانه ۸- س، آ، ب: کبان؛ متن = نه دستویس دیگر ۹- س، ق، آ، و، آ، ب (و نیز ل، لن): گنج های گهر؛ لن، لی، پ، ل: گنج (ل: گنج و زو و گهر؛ متن = ف، ل، ق ۱۰- س، ق، آ، لی، آ، ب: همان نخت و دیبیم و تیغ (لی: تاج) و کمر؛ لن، پ: همان نخت و طوق و کلاه و کمر؛ و، ل: کلید در گنج طوق (ل: تاج) و کمر؛ متن = ف، ل، ق ۱۱- ل: سراپرده دیبه هفت رنگ؛ لن، پ، و: سراپرده از دیبه رنگ رنگ؛ ب (و نیز ل، لن): سراپرده دیبه رنگ رنگ؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز لن) ۱۲- ل- ب: بدو؛ متن = ف ۱۳- ق، آ، ل: چو؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۴- ق (و نیز لن): چو؛ متن = بازده دستویس دیگر (و نیز ل) ۱۵- س، لن، لی، و، آ، ل، ب: بدین؛ متن = ف، ل، ق، آ، پ ۱۶- ل، ل، ق، و: که بودش (ق، و: کشیده) بگرد آمده (و: آمدن) رنج ها؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: بگرد آمده بر (پ: در) بسی رنج ها؛ (ل، لن): کشیده بگرد آمد از (لن: < از >) رنج ها؛ متن = ف ۱۷- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: دل خویشش زو؛ ق، و این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل (و نیز ل) ۱۸- ل، س، ق، آ، و، آ، ب (و نیز ل، لن): داد با (ق، و: نا) خواسته؛ متن = ف، لن، لی، پ، ل ۱۹- آ: پهلوان (وزن نادرست است) ۲۰- ل، س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، لن): همه؛ متن = ف، ق، ل ۲۱- ل- ق، آ، پ، آ، ل: او؛ متن = ف، س، لی، و، ب ۲۲- ل، س، لن، ق، آ، ب (و نیز لن): دلی؛ متن = ف، ق، ل (و نیز ل) ۲۳- ل، ق، آ، پ: کینه جو؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۴- س: نه جشنی بد این خود به روزی بزرگ؛ لن، ق، آ، ب (و نیز ل، لن): به جشنی (و: به جشن) نو آیین (لن: به آیین؛ پ، ل: بآیین) و روزی (و: روز) بزرگ؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل ۲۵- پ: میش همراه گرگ؛ و: شده میش پیدا ز درنده گرگ ۲۶- س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، لن): کاوگان (و: کاره گان)؛ متن = ف، ل، ق ۲۷- ق: شیران؛ آ: شیر (وزن نادرست است) ۲۸- ق، پ: < و > ۲۹- س، لن، ق، آ، لی، و، ل، ب (و نیز ل، لن): آوگان؛ آ: یاوگان؛ پ: چوشیروی شیر افکنان؛ متن = ف، ل، ق؛ درل، ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳۰- و: ساز ۳۱- ل: بر ۳۲- ل، و (و نیز ل، لن): شهریار رمه؛ لی: شهریاران رمه؛ ل: شهریار از رمه؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ درل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ برخی از دستویس ها پس از این بیت سرنویس دارند: لن: پیغام سلم و نور بنزد فریدون؛ ق (سه بیت پایین تر): رسول فرستادن سلم و تور بعد از خواهی نزد فریدون؛ و، پ: آگاه شدن سلم و تور از منوچهر (و: منوچهر شاه)؛ ل: آگاهی سلم و تور از کار منوچهر

که شد روشن آن تاج<sup>۱</sup> شاهنشهی  
 که اختر<sup>۲</sup> همی رفت سوی نشیب  
 شده<sup>۵</sup> تیره روز جفاپیشگان  
 کزان<sup>۷</sup> رویشان<sup>۸</sup> چاره بایست<sup>۹</sup> جست  
 به پوزش، کجا چاره این بود و بس  
 یکی پاک دل<sup>۱۰</sup> مرد چیره‌زبان<sup>۱۱</sup>  
 بگفتند با لابه و نام و ننگ<sup>۱۲</sup>  
 بدیدند<sup>۱۴</sup> هول<sup>۱۵</sup> نشیب از<sup>۱۶</sup> فراز  
 همه<sup>۱۸</sup> پشت پیلان بیاراستند  
 چه<sup>۲۰</sup> دینار و دیبا<sup>۲۱</sup> و خز و حریر  
 ز خاور به ایران نهادند روی  
 یکایک<sup>۲۴</sup> فرستادشان<sup>۲۵</sup> یادگار<sup>۲۶</sup> ]  
 فرستاده آمد برآراسته  
 نخست از جهاندار بردند نام  
 که فر<sup>۲۹</sup> کمی ایزد<sup>۳۰</sup> او را سپرد  
 منش برگذشته ز چرخ بلند<sup>۳۲</sup>

به سلم و به تور آمد این آگهی  
 دل هر دو بیداد شد پر نهیب<sup>۲</sup>  
 نشستند هر دو پُر<sup>۴</sup> اندیشگان  
 ۶۱۵ یکایک بران رایشان شد<sup>۵</sup> درست  
 که سوی فریدون فرستند کس  
 بجستند از آن انجمن هردوان  
 بدان مرد با هوش و<sup>۱۱</sup> بارای و سنگ<sup>۱۲</sup>  
 در گنج خاور گشادند باز  
 ۶۲۰ ز گنج کهن<sup>۱۷</sup> تاج زر خواستند  
 به گردون ها بر چه<sup>۱۹</sup> مشک و عبیر  
 [ ابا پیل گردون کش و<sup>۲۲</sup> رنگ و بوی<sup>۲۳</sup>  
 هر آنکس که بُد بر درِ شهریار  
 چو پردخته شدشان<sup>۲۷</sup> دل از خواسته  
 ۶۲۵ چو دادند<sup>۲۸</sup> نزد فریدون پیام  
 که جاوید باد آفریدون گرد  
 سرش سبز باد و تنش ارجمند<sup>۳۱</sup>

۱- ل، لن، ق، پ، و (و نیز ل، لن، آ): تخت؛ متن = ف، س، ق، لی، آ، ل، ب: ل - ب پس از این بیت افزوده‌اند:

چو آگه شدند آن(ل): این) دو بیدادگر ز حال منوچهر و کار (لن، پ: گاه؛ ق، لی: حال) پدر

این بیت در ف (و نیز در ل، لن، آ) نیست ۲- ل، ق: دل هر دو بیدادگر پر نهیب؛ متن = ده دستویس دیگر ۳- ل، آ: که آخر ۴- ل، ق: در؛ و (و نیز ل، لن، آ): به؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر (ف، پ، آ، ب: پر؛ س، ق، لی، ل، بر) ۵- س: شب؛ ل، آ: که شد ۶- س: بران رای شدشان؛ ق، لی: بدان رایشان شد؛ ق، آ: بدایشان همه شد؛ آ: برین رایشان شد؛ ل، آ: مرایشان همی شد؛ متن = ف، ل، لن، پ، و، ب ۷- لن، پ: کزین ۸- ق: دردشان؛ و: روی ۹- و: نایست ۱۰- آ: روشن روان ۱۱- ق، ب: < و >؛ پ، ل، آ: بارای و و: بافر؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۲- ل، س، لن، ق، لی، آ، ب: بارای و شرم؛ ق: هشیار رای؛ پ، ل، آ: باهوش و شرم؛ و: باهوش و سنگ؛ متن = ف ۱۳- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: بگفتند بالابه بسیار گرم؛ ق: بگفتند بالابه و دلگشای؛ لی: سخنها بگفتند بسیار گرم؛ و (و نیز ل، لن، آ): بگفتند هم ز آشتی هم ز جنگ؛ ل، آ: بگفتند نالان به بسیار گرم؛ متن = ف ۱۴- پ: چو بدیدند ۱۵- آ: هول از ۱۶- ف، س، لن، ق، آ: ب (و نیز ل، لن، آ): نشیب و؛ متن = ل، ق ۱۷- ل، لی، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ): گهر؛ متن = ف، پ، و (و نیز ل، آ) ۱۸- و: همی ۱۹- ل، ق (و نیز ل، آ): چو؛ ف: چه ز زمین طبق های؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ) ۲۰- ل، ق، ق، آ: چو؛ و: از؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۱- ل، لی، و، آ، ب: دیبا و دینار؛ متن = ف، پ، ل، آ ۲۲- ل، ق: گردنکش و؛ س: ابا پیل و با گنج و با؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۳- آ: سرخ موی ۲۴- ل: ز هر يك؛ ق: بهر کس؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۵- ق: فرستاده بد ۲۶- س: شهریار (پساوند ندارد) ۲۷- لن، لی، و (و نیز ل، لن، آ): پردخته شان شد؛ ق، آ: پرداخته شد؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ برخی از دستویس ها پس از این بیت سرنویس دارند؛ ف: گفتار اندر آگهی یافتن سلم و تور از زادن منوچهر و فرستادن پیام بنزدیک پدر و پوزش خواستن؛ س: پیغام سلم و تور به نزد فریدون و پوزش خواستن؛ ق، آ: نامه سلم و تور بنزد پدر و پوزش خواستن از کار ابرج؛ لی، آ: پیغام فرستادن سلم و تور بفریدون (آ: نزد فریدون)؛ پ: نامه سلم و تور بنزدیک فریدون؛ ب: پیغام سلم و تور نزد فریدون ۲۸- ل، ق، پ: بدادند؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۲۹- ل، ق: همه فرهی؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۰- ق، آ: گیتی ۳۱- و: دلش ارجمند؛ پ: سرش سبز باد از تن ارجمند؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۲- آ: ز چرخ بلندش مبادا گزند؛ در برخی از دستویس های میان ۶۲۷-۶۳۴ در هم ریخته‌اند؛ ل: ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۰، ۶۳۱ و ۶۳۱ را ندارد)؛ س: ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴؛ پ: ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴؛ پایی بیت های متن = ف، ق، و، ل، آ (و نیز ل، لن، آ)

پر از آب دیده ز شرم پدر  
 همی سوی پوزش نیابند<sup>۳</sup> راه  
 بدین<sup>۵</sup> برزدرگاه شاهنشهی<sup>۶</sup>  
 که گفتارشان کس بیارد<sup>۹</sup> شنود  
 که هر کس<sup>۱۱</sup> که بد کرد کیفر برد  
 چو ما مانده‌ایم<sup>۱۵</sup>، ای<sup>۱۶</sup> شه زادمرد<sup>۱۷</sup>  
 به رسم بوش<sup>۲۰</sup> اندرآمد<sup>۲۱</sup> روش  
 ز دام<sup>۲۴</sup> قضا هم نیابد رها  
 ببرد ز دل<sup>۲۶</sup> ترس<sup>۲۷</sup> گیهان خدیو  
 که مغز دو فرزانه شد<sup>۳۱</sup> جای اوی<sup>۳۲</sup>  
 که بخشایش آرد به ما بر مگر  
 به بی دانشی برنهد پیشگاه  
 که گاهی پناهست و<sup>۳۶</sup> گاهی گزند  
 میان بسته دارد ز بهر گزند  
 شود<sup>۳۸</sup> پاک<sup>۳۹</sup>، روشن شود دین ما  
 فرستد بنزدیک خواهشگران  
 بیاشیم جاوید<sup>۴۲</sup>، اینست رای

بگو کان<sup>۱</sup> دو<sup>۲</sup> بدخواه بیدادگر  
 پشیمان شده، داغ دل، پُر گناه،  
 ۶۳۰ پیامی گزارم<sup>۴</sup> ز هر دو رهی  
 ازیرا که خود چشم<sup>۷</sup> ایشان<sup>۸</sup> نبود  
 چه گفتند دانندگان خرد<sup>۱۰</sup>  
 بماند<sup>۱۲</sup> به تیمار<sup>۱۳</sup>، دل پر ز درد<sup>۱۴</sup>،  
 نبشته<sup>۱۸</sup> چنین بودمان از بوش<sup>۱۹</sup>  
 ۶۳۵ هزبر<sup>۲۲</sup> جهان سوز و<sup>۲۳</sup> نر ازدها  
 و دیگر که بی باک و ناپاک<sup>۲۵</sup> دیو  
 به ما بر چنان<sup>۲۸</sup> چیره<sup>۲۹</sup> شد رای اوی<sup>۳۰</sup>  
 همی<sup>۳۳</sup> چشم داریم از آن تاجور<sup>۳۴</sup>  
 اگر چه بزرگست ما را گناه  
 ۶۴۰ و دیگر بهانه<sup>۳۵</sup> سپهر بلند  
 سیم<sup>۳۷</sup>: دیو کاندلر میان چون نوند  
 اگر پادشا را سر از کین ما  
 منوچهر را با سپاهی<sup>۴۰</sup> گران  
 بدان تا چو بنده به<sup>۴۱</sup> پیشش پای

۱- ل- پ، آل، ل، ب: بدان کان؛ و: بگو آن؛ متن = ف (و نیز ل) ۲- لن: < دو > ۳- ل، و، آ (و نیز ل، ل، ن): نمایند، س، لن، ق، ل، ل، ب: بجویند؛ متن = ف، ق، لی، پ ۴- ف: گذارم؛ ق: رسانم؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن) ۵- ق: برین ۶- س، لن، ق، ل، لی، آل، ل، ب: بر آیین (لی: باین) درگاه شاهنشی؛ و (و نیز ل، ل، ن): بدین برز درگاه با فرهی؛ متن = ف، ق، پ (ق: برین)؛ در س، لن، لی، پ، آل، ب این بیت پس از بیت ۶۲۷ و در ق<sup>۲</sup> بجای بیت ۶۲۷ آمده است (← ۶۲۷) ۷- س، لن، ق، ل، لی، آ: ازیرا کجا چشم؛ ق: مگر شرم در چهره؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، پ، و، ل، ب ۸- س: ایران ۹- س، لن، ق، ل، لی، پ، آل، ل، ب: تواند؛ ق: نیارد؛ و: که گفتار ایشان نشاید؛ متن = ف؛ در پ این بیت و بیت ۶۳۰ پس از بیت ۶۲۷ آمده‌اند (← ۶۲۷) ۱۰- س، لن، ق، ل، لی، و، آل، ل، ب (و نیز ل، ل، ن): چه گفتند گفتند کای (ل): ای) پر خرد؛ متن = ف، ل، ق، پ ۱۱- س، لن، ق، ل، لی، و، آل، ل، ب (و نیز ل، ل، ن): هر آنکس که؛ متن = ف، ل، ق، پ ۱۲- لی: نماند ۱۳- ل، س، پ، ل، ب: به تیمار؛ ق: ز تیمار؛ متن = ف، لن، ق، ل، لی، و، آل، ل، ب (و نیز ل، ل، ن): جو ماندم ما ۱۶- ق: از ۱۷- ل، لن، ق، لی، پ: رادمرد؛ آ: دادگر؛ س، ق: چو ما مانده‌ای شاه آزاد مرد؛ متن = ف، ل، ب ۱۸- ل، ق، ل، پ، و، ب: نوشته؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، س، لن، لی، آل، ل، ب (و نیز ل) ۱۹- ف: بودشان از بوش؛ آ: بود ما را روش؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۰- ق، ل، نوش ۲۱- ق، ل، و، آل، ل، ب: آید؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۲- لی: هزبر ۲۳- س، لن، ق، ل، ب: < و > ۲۴- ق، ل، لی: جنگ ۲۵- ل، ق، پ: و دیگر که فرمان ناپاک (پ: بی باک)؛ س، لن، ق، ل، آل، ل، ب: و دیگر که بی باک ناپاک؛ متن = ف، لی، و، لی، و: < و > ۲۶- ل، پ: ببرد دل از؛ س، لن، ق، ل، لی، آل، ل، ب: بریده (ل: برنده) دل از؛ ق: ببرد از دلم؛ و (و نیز ل): ببرد این دل از؛ متن = ف ۲۷- لی، و: راه؛ پ: بیم؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۸- ل، ق، ق، ل، لی، پ، و: چنین؛ متن = ف، س، لن، آل، ل، ب ۲۹- ل، س، لن، ق: حیره (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: تیره؛ لی، پ، و، آل، ل، خیره؛ متن = ف، ب ۳۰- ف، س، ق، ل، لی، و: ب: او؛ ل، ق: بد؛ متن = لن، پ ۳۱- ل، ق، ل، لی، و: دو فرزند شد؛ لن: دو فرزند شه؛ متن = ف، س، ق، پ، آل، ل، ب ۳۲- ف، س، ق، ل، لی، آل، ل، ب: جای او؛ ل، ق: جای بد؛ لن: جایجوی؛ متن = پ، و ۳۳- لی: همان ۳۴- لی: نامور ۳۵- ق: شناسد همی زین؛ آ: دگر آنکه گردان ۳۶- لی، ب: < و >؛ آ: پناهست گاهی؛ و: متن = نه دستویس دیگر ۳۷- ل، لی، و، آل، ب (و نیز لن): سیوم؛ س، ق، ل (و نیز ل): سوم؛ لن: همان؛ ف ناخواناست (سوم؟ سیوم؟ سیم؟)؛ ق، ل این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = پ ۳۸- ق: کند ۳۹- ل، پ: پاک؛ و: متن = ده دستویس دیگر ۴۰- ق: سپاه؛ ل این بیت را ندارد ۴۱- ب: ز ۴۲- ل، ق، ق، ل، ب: جاوید و؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر

به آب دو دیده توانیم شست  
چو تازه شود تاج<sup>۵</sup> و گنجش دهیم

سَخُن را نه سر بود پيدا نه بُن  
به درگاه شاه آمد آراسته  
بفرمود تا تخت<sup>۹</sup> شاهنشهی  
کلاه کیانی بپیراستند  
چو سرو سهی بر سرش<sup>۱۲</sup> گرد ماه  
چنان چون بود درخور شهریار<sup>۱۴</sup>  
نشسته، نهاده به سر بر کلاه<sup>۱۵</sup>  
سراپای یکسر به زر آرده<sup>۱۷</sup>  
زمین کرده خورشیدگون سربس  
به طوق و به زنجیر زرین دده<sup>۲۱</sup>  
بدست دگر زنده پیلان جنگ<sup>۲۲</sup>

فرستادهی سلم<sup>۲۴</sup> را پیش بُرد  
پیاده دوان اندرآمد ز راه<sup>۲۵</sup>  
سر تخت و تاج<sup>۲۷</sup> بلندش بدید  
همی بر زمین بر بمالید روی

۶۴۵ مگر کان<sup>۱</sup> درختی که از<sup>۲</sup> کین برُست  
بپویم تا آب و رنجش<sup>۳</sup> دهیم

فرستاده آمد دلی پُر سَخُن  
ابا پیل و با گنج و با خواسته  
به شاه آفریدون<sup>۸</sup> رسید آگهی  
به دیبای چینی<sup>۱۱</sup> بیاراستند

۶۵۰ نشست از بر تخت پیروزه<sup>۱۱</sup> شاه  
ابا تاج و با طوق و با گوشوار  
خجسته منوچهر بر دست شاه  
دو رویه بزرگان کشیده رده<sup>۱۶</sup>  
به زرین عمود و به زرین سپر<sup>۱۸</sup>  
به درگاه ایوان<sup>۱۹</sup> کشیده رده  
بیک دست بر بسته شیر و پلنگ

۶۶۰ برون آمد از کاخ<sup>۲۳</sup> شاپور گرد  
فرستاده چون دید درگاه شاه  
چو نزدیک شاه آفریدون<sup>۲۶</sup> رسید  
ز بالا فرو برد سر<sup>۲۸</sup> پیش اوی<sup>۲۹</sup>

۱- ف: آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲- ل، ق، و، آ، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): کزین؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳- ل، پ: آب و رنجش؛ ق<sup>۳</sup>: بپویم و تا رنج آیش؛ (لن<sup>۲</sup>: آب و رنجش)؛ ق، و این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۴- آ: چو پرورده شد ۵- ل<sup>۲</sup>: آب ۶- س- ق<sup>۲</sup>، پ، و، آ، ب: دید؛ متن = ف، ل، لی، ل<sup>۲</sup> ۷- ل پس از این بیت افزوده است:  
چو آمد فرستاده زی بارگاه شدند آگه از نامدار سپاه  
۸- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): بشاه فریدون؛ پ: چو نزد فریدون؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، آ، ب: نا کاخ؛ ل: با کاخ؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۱۰- ل، ق، پ: رومی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- ل: پیروزه؛ لی: فیروزه ۱۲- ل، ق: از برش؛ متن = ف، س، لن، لی، ب ۱۳- ق<sup>۲</sup>: نشسته نهاده به سر بر کلاه (ق<sup>۲</sup> ۶۵۱، ۶۵۲ و ۶۵۳ را انداخته و از ۶۵۱ و ۶۵۳ بیک بیت ساخته است) ۱۴- ق این بیت را ندارد؛ در پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- ل، پ، لی، پ: نشسته بسر بر نهاده کلاه؛ در پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ق<sup>۲</sup> ۶۵۱، ۶۵۲ و ۶۵۳ را انداخته و از ۶۵۱ و ۶۵۳ بیک بیت ساخته است ۱۶- ل: درویه (→ درویه) کشیده بزرگان زده (→ رده) ۱۷- لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، ل<sup>۲</sup>: به طوق و به زنجیر زرین دده (= ۶۵۶)؛ ق: بزرگان سراسر بزر آرده؛ متن = ف، ل، س، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ در ل، ق، پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، ۶۵۴ و ۶۵۶ را انداخته و از ۶۵۴ و ۶۵۶ بیک بیت ساخته اند؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، بیت ۶۵۵ را هم انداخته اند ۱۸- ل، س، ق، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): کمر؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی این بیت را ندارند؛ متن = ف، در ل، ق، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- آ: درویه غلامان؛ متن = ف، س، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۰- ل<sup>۲</sup>: زده؛ متن = ف، س، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۱- آ: زده؛ ل<sup>۲</sup>: ب: سراپای یکسر به زر آرده (= ۶۵۴)؛ ل، ق، پ این بیت را ندارند؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، از ۶۵۴ و ۶۵۶ بیک بیت ساخته اند (← پ ۱۷)؛ متن = ف، س (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۲- ق: بیکسوی دیگر هزیران جنگ؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- ل: برون شد ز درگاه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۴- ل<sup>۲</sup>: شاه ۲۵- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): براه؛ متن = ف، ل، ق، پ، آ، ل ۲۶- پ: چو نزدیکی شه فریدون ۲۷- ل: سر و تخت و تاج؛ س، لی، آ، ل<sup>۲</sup>: سر و تاج و تخت؛ لن، ق<sup>۲</sup>، پ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): سر تاج و تخت؛ متن = ف، ق، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۸- و: فرو بود در ۲۹- آ: او (پس او نادرست است)

به کرسی زرینش بر کرد جای<sup>۱</sup>  
 که ای نازش تاج و تخت<sup>۲</sup> و نگین  
 هوا<sup>۳</sup> روشن از مایه‌ی بخت<sup>۴</sup> تست  
 همه پاک<sup>۵</sup> زنده برای تویم  
 فرستاده پیشش بگسترد مهر  
 همه راستی‌ها نهفتن گرفت<sup>۶</sup>  
 بدو داده شاه جهاندار گوش<sup>۷</sup>  
 منوچهر را نزد خود خواستن<sup>۸</sup>  
 سپردن بدو تاج و تخت مہی<sup>۹</sup>  
 به دیبا و دینار<sup>۱۰</sup> و تاج و کمر<sup>۱۱</sup>  
 مران بند<sup>۱۲</sup> را پاسخ آمد کلید<sup>۱۳</sup>

پیام دو فرزند ناپاک<sup>۱۴</sup> رای<sup>۱۵</sup>  
 که خورشید را چون توانی نهفت<sup>۱۶</sup>  
 ز خورشید روشن‌تر آمد<sup>۱۷</sup> پدید  
 نگه کن که پاسخ چه یابی ز بن<sup>۱۸</sup>  
 دو بیداد و<sup>۱۹</sup> بد مهر و<sup>۲۰</sup> ناپاک<sup>۲۱</sup> را

گرانمایه شاه جهان‌کدخدای  
 فرستاده بر شاه کرد آفرین  
 زمین گلشن از پایه‌ی تخت<sup>۲</sup> تست  
 همه بنده‌ی<sup>۳</sup> خاک پای تویم  
 چو با آفرین<sup>۴</sup> شاه بگشاد چهر  
 پیام دو خونی بگفتن گرفت  
 گشاده‌زبان مرد سیاروش  
 ز کردار بد پوزش آراستن<sup>۵</sup>  
 میان بستن او را بسان رهی  
 خریدن<sup>۶</sup> ازو باز خون پدر  
 فرستاده گفت و سپهبد شنید

چو بشنید شاه جهان‌کدخدای  
 یکایک به مرد گرانمایه گفت  
 ۶۷۵ نهان<sup>۱</sup> دل آن دو مرد پلید  
 شنیدم<sup>۲</sup> همه هر چه<sup>۳</sup> گفتی سخن  
 بگو<sup>۴</sup> آن دو بی‌شرم ناپاک<sup>۵</sup> را

۱- ل: بکرسی زرین ورا کرد جای؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: بفرمود او را سزاوار جای؛ ق، پ: بکرسی زرینش فرمود جای؛ متن = ف، و، ل (و نیز ل، آ)  
 ۲- س، ق، آ، لی، آ: تخت و گاه؛ لن، ق، ب: تخت و تاج؛ ل، تیغ و تاج؛ متن = ف، ل، پ، و (و نیز ل، آ، لن) ۳- ق: زمین روشن از مایه  
 بخت ۴- ل، ق، پ: زمان؛ متن = نه دستویس دیگر ۵- ق: گلشن از پایه تخت؛ و: روشن از فره و بخت ۶- ق، ق، آ، لی، ل، آ: بنده؛ متن = هشت  
 دستویس دیگر ۷- س- ب (و نیز ل، آ، لن، آ): بر آفرین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف ۸- در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۹-  
 ل: بدو داد هر دو جهاندار گوش؛ در ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از بیت ۶۶۸ دوبت زیر را، و، آ، ل  
 تنها بیت نخستین را افزوده‌اند:

بگفتش (ل: بگفتن) بدان شاه کشته پسر  
 که ما بنده (ق: بندگان) خاک پای تویم  
 پیام دو فرزند بیدادگر  
 ستاده بندبیر (لی: فرستاده تدبیر) و رای تویم

این دوبت در ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ، لن) نیست ۱۰- آ: آراستند ۱۱- آ: خواستند ۱۲- و: تاج شاهشهی؛ س، لن این بیت را ندارند؛ متن = نه  
 دستویس دیگر ۱۳- لی: فریدون؛ آ: خریدند ۱۴- ل، لن، ق، پ، آ، ل (و نیز ل، آ): بدینار و دیبا؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، ب (و نیز لن، آ) ۱۵-  
 و (و نیز ل، آ): و گنج گهر ۱۶- ف: بند (حرف یکم با سه نقطه)؛ س، لن، ق، آ، لی، آ: گفت؛ متن = ل، ق، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن)؛ ۱۷- س:  
 پدید؛ دستویس‌ها پس از این بیت سرنویس دارند؛ ف: گفتار اندر پاسخ دادن شاه فریدون پیغام سلم و نور و فرستادن منوچهر را بکنگ ایشان؛ س، لن،  
 ق، آ، لی، پ، ل، آ: پاسخ دادن (س، لن: فرستادن) فریدون (س: شاه فریدون) پسران را؛ ق: پاسخ دادن فریدون فرستاده را بخشم؛ و: پاسخ دادن فریدون  
 پیغام پسران را؛ آ: پاسخ دادن فریدون سلم و نور را؛ ب: پاسخ فریدون پسر را؛ ل سرنویس ندارد ۱۸- ف: بکرسی زرینش بر کرده جای (= ۶۶۲)؛ آ  
 این بیت را ندارد؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۹- آ این بیت را ندارد ۲۰- ف: نهانی؛ ق، آ این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن =  
 نه دستویس دیگر ۲۱- ل: روشن بر آمد ۲۲- ف: شنیده؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۳- ل: هرج ۲۴- ف: به بن؛ لی: زمین؛ متن = ده  
 دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۲۵- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: بگوی؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۲۶- س، و، ل، آ، ب: بی باک؛ متن = هشت دستویس  
 دیگر ۲۷- س- آ، ب: < و >؛ متن = ف، ل ۲۸- س- پ، آ: < و >؛ و: بی مهر؛ ب: بدخواه؛ متن = ف، ل ۲۹- لن، ق، آ، لی، آ: بی باک؛ متن =  
 ف، ل، س، ق، پ، و، ب (در ل، س، ق حرف سوم يك نقطه دارد)؛ ل: دو بیدادگر مرد ناپاک

که گفتار خیره نیرزدا بچیز  
 اگر بر منوچهرتان مهر خاست  
 ۶۸۰ که کام دد و دام بودش<sup>۴</sup> نهفت  
 کنون چون ز ایرج<sup>۶</sup> پرداختید  
 نبینید روش مگر<sup>۹</sup> با سپاه  
 ابا<sup>۱۱</sup> گرز و با کاویانی<sup>۱۱</sup> درفش  
 سپهدار چون قارن رزمخواه<sup>۱۵</sup>  
 ۶۸۵ به یکدست بر یادخسرو<sup>۱۹</sup> پیای  
 به دست دگر سرو شاه یمن<sup>۲۱</sup>  
 درختی که از کین<sup>۲۳</sup> ایرج برُست  
 از آن تا کنون کین او کس نخواست  
 نه خوب آمدی<sup>۲۵</sup> با دو فرزند خویش  
 ۶۹۰ کنون زان درختی که دشمن بکند  
 بیاید کنون<sup>۲۸</sup> چون<sup>۲۹</sup> هزبر زیان<sup>۲۹</sup>  
 ابا نامداران لشکر<sup>۳۲</sup> بهم  
 سپاهی که از کوه تا کوه جای  
 و دیگر که<sup>۳۷</sup> گفتند<sup>۳۸</sup> باید که شاه  
 ۶۹۵ که بر ما چنین گشت گردان سپهر

ازین در سخن خود نرانیم نیز<sup>۲</sup>  
 تن<sup>۳</sup> ایرج نامورتان کجاست  
 سرش را<sup>۵</sup> یکی تنگ تابوت جفت  
 به کین<sup>۷</sup> منوچهر بر ساختید<sup>۸</sup>  
 ز پولاد بر سر نهاده کلاه  
 زمین کرده<sup>۱۲</sup> از لَم<sup>۱۳</sup> اسپان<sup>۱۴</sup> بنفش  
 چو شاپور<sup>۱۶</sup> نَسْتوه<sup>۱۷</sup> پشت سپاه<sup>۱۸</sup>  
 چو شیروی شیروانش رهنمای<sup>۲۰</sup>  
 به پیش سپاه اندرون رای زن<sup>۲۲</sup>  
 به خون بار و برگش<sup>۲۴</sup> بخواهیم شست  
 که پشت زمانه ندیدیم راست  
 که من<sup>۲۶</sup> جنگ را کردمی دست پیش  
 برومند شاخی<sup>۲۷</sup> برآمد بلند  
 به کین پدر تنگ بسته میان<sup>۲۹</sup>  
 چو سام نریمان و<sup>۳۳</sup> کرشاسپ<sup>۳۴</sup> جم  
 بگیرند<sup>۳۵</sup> و کوبند گیتی<sup>۳۶</sup> به پای  
 ز کین دل بشوید<sup>۳۹</sup> ، بیخشد<sup>۴۰</sup> گناه  
 خرد خیره<sup>۴۱</sup> شد، تیره<sup>۴۲</sup> شد جای مهر<sup>۴۳</sup>

۱- ف: نه ارزد؛ ل: ندام؛ متن = ده دستویس دیگر ۲- ل، ق، پ، و: چند رانیم نیز؛ لی: در نرانیم نیز؛ ل: خوار دارم بنیر؛ متن = ف، س، لن، ق، آ،  
 آب ۳- لی: سر ۴- ل: نوسن ۵- پ: با ۶- لی: کنون ز ایرج (وزن نادرست است)؛ پ: کتون خون ایرج؛ متن = ده دستویس دیگر ۷-  
 لن: بکار؛ س، ق، آ، لی، آ، ب: بخون؛ ل: نگین؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۸- لن: پرداختید؛ ق: برخاستید؛ پ: در ساختید، متن = نه دستویس  
 دیگر ۹- ق: ببینید روش همی ۱۰- ف: بکف؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۱- ب: ابا کاویانی گرز (وزن نادرست است)  
 ۱۲- لن، ق، آ، لی، آ، ب: گشته؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ل ۱۳- لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: نعل؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۱۴- لی: ایشان ۱۵- ل:  
 رزم زن ۱۶- ل، ق، آ، ب: شاپور و؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۷- س، ق، آ، ب: نستور؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل) ۱۸- ل:  
 شمیر زن؛ لی: ابن بیت را دوبار نوشته است ۱۹- ل، ق، پ: بیکدست شیدوش جنگی؛ آ: بیکدست بر پیش خسرو؛ س، لن، ق، آ، لی، و، ل، ب: این  
 بیت را ندارند؛ متن = ف ۲۰- ل: شیراوژن و رهنمای؛ ق، پ، آ: شیراوژن رهنمای؛ متن = ف ۲۱- ل، ق، پ، و (و نیز لن): چوسام نریمان و سرو  
 یمن؛ س، لن، ق، آ، لی، ل، ب (و نیز ل): چوشاه تلیمان (س: تلیمان؛ لن: نلیمان؛ لی: بلیمان) و سرویمن؛ متن = ف، آ ۲۲- و: باورن (!) ۲۳-  
 ق، ب: خون ۲۴- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: به خون برگ و بارش؛ متن = ف، ق، و؛ س: این بیت را با بیت مین در هم آمیخته است:

درختی که از کین او کس نخواست که پشت زمانه ندیدیم راست

۲۵- و: نه نیکوبدی؛ ل: تو خوب آمدی ۲۶- ل: کجا؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۷- لن: یکی شاخ زیبا ۲۸- لن: همی  
 ۲۹- ق، آ: خود ۳۰- ل: لی، آ، ل، ب: دمان؛ متن = ف، پ، و ۳۱- ل: بکین پدر جست کرده میان؛ در ق، آ: ت های این بیت پس و پیش شده اند  
 ۳۲- س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: ایران؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ل ۳۳- لن: < و > ۳۴- لن: و، ب: < و >؛ آ: گشتاسپ و؛ متن = ف، ل، س، ل، آ  
 (و نیز ل، لن) ۳۵- ف، ل، بگیرند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۶- ق، آ، لی، آ: کیهان ۳۷- آ: دگر آنکه  
 ۳۸- ف، ل، س، ق، آ: گفتند (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ لن، لی، پ، ب: گفتید؛ متن = ق، و، آ، ل ۳۹- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: دل از کین بشوید  
 (س: بیچد؛ ل: بیخشد)؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۴۰- ل: بشوید ۴۱- س، لن، ق، آ، ل، آ: تیره؛ ق، و: دور؛ متن = ف، ل، لی، پ، ب ۴۲-  
 س، لن، ق، آ، ل: خیره؛ متن = ف، ل، ق، لی، پ، ب ۴۳- و: خرد دور بود و بیرید مهر

چه گفت<sup>۴</sup> آن جهانجوی نابردبار<sup>۵</sup> :  
 نه خوش روز بیند، نه خرم<sup>۶</sup> بهشت  
 شما را ز خون برادر چه باك  
 گناه آن<sup>۹</sup> سگالد که پوزش برد  
 سیه دل، زبان پر ز گفتار گرم<sup>۱۱</sup>  
 بیابید و این<sup>۱۴</sup> هم نماند نهان<sup>۱۵</sup>  
 برین<sup>۱۸</sup> زنده‌پیلان و<sup>۱۹</sup> پیروزه تاج  
 نجویم کین و<sup>۲۱</sup> بشویم<sup>۲۲</sup> خون  
 که مه تخت بادا مه تاج و مه فر<sup>۲۴</sup>  
 مگر بتر از<sup>۲۷</sup> بجهی<sup>۲۸</sup> ازدها  
 بهایی کند<sup>۲۹</sup> پیر گشته پدر؟  
 سخن چند گویم چندین برآز<sup>۳۰</sup>  
 بدین<sup>۳۱</sup> کین نخواهد گشادن کمر  
 یکایک بگوی<sup>۳۲</sup> و بزودی برو

نشست منوچهر سالار دید  
 همانگه به زین اندرآورد پای  
 بدید آن گرانمایه مرد جوان  
 نه بس دیر چین اندرآرد به چهر  
 سری پُر ز پاسخ، دلی بر گمان<sup>۳۵</sup>

شنیدم<sup>۱</sup> همین<sup>۲</sup> پوزش نابکار<sup>۳</sup> ؛  
 که هر کس که تخم جفا را بکشت  
 گر آمرزش آید<sup>۷</sup> ز یزدان پاک  
 هر آنکس که دارد<sup>۸</sup> روانش خرد  
 ز روشن جهانداران نیست شرم<sup>۱۰</sup>  
 مکافات آن<sup>۱۲</sup> بد به هر دو جهان<sup>۱۳</sup>  
 سدیگر<sup>۱۶</sup> فرستادن<sup>۱۷</sup> تخت عاج  
 بدین بدره‌های کهن<sup>۲۰</sup> گونه گون  
 سر تاجداران<sup>۲۳</sup> فروشم به زر  
 سر بی بها را<sup>۲۵</sup> ستاند<sup>۲۶</sup> بها  
 که گوید که جان گرامی پسر  
 بدین خواسته نیست ما را نیاز  
 پدر تا بود زنده با پیرسر  
 پیامت شنیدم تو پاسخ شنو

فرستاده آن<sup>۳۳</sup> هول گفتار دید  
 پژمرد و برخاست لرزان ز جای  
 همه بودن‌ها به روشن روان  
 که با تور و با سلم<sup>۳۴</sup> گردان سپهر  
 بیامد بکردار باد دمان

۱- ق: شنیده ۲- ل، ق، پ، و، آ: همه؛ س، لن، ق، ل، ل، ل، ب: چنین؛ متن= ف ۳- و: بودن روزگار ۴- ف، لی، ب: که گفت؛ ق: بگفت؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۵- لی: با بردبار؛ ل، آ، ب: نابرده‌بار؛ متن= نه دستویس دیگر؛ آ پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ دادن فریدون پسران را؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بگو آن دو بیداد بدخواه را بگو آن دو خون ریز بد راه را  
 ۶- ل: خورم ۷- ف، ق، آ، پ، و، ل: آمد؛ متن= هفت دستویس دیگر ۸- لی: بیند ۹- لی: او ۱۰- لن: شرم نیست ۱۱- ق، و، ب: نرم؛ لن: بدل تان همی مهر و ازرم نیست؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۲- ل، س، ق، و، ل، آ، ب: این؛ متن= ف، لن، آ ۱۳- ل، پ: سرای؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۴- ل: وین ۱۵- ل، پ: بیابید از دادگر يك خدای؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۶- ل، ق، ل، و، آ: سه دیگر؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۷- ق: فرستاده ۱۸- س، لن، ق، ل، و، آ، ل: بدین؛ متن= ف، ل، ق، پ، ب ۱۹- لی، آ: <ر> ۲۰- ل، پ، و، ل، آ، ب: بدره‌های گهر؛ س، لن، ق، ل، و، آ: بدرها گهر؛ ق: بدرها و گهر؛ متن= ف ۲۱- ف: بجویم و کین را (حرف یکم واژه یکم نقطه ندارد)؛ آ: بشویم کین و؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۲- آ: نجویم ۲۳- ل، ق: تاجداری؛ متن= ده دستویس دیگر ۲۴- ف: که مه تخت بادا و مه تاج و فر (هم مه و هم نه میتوان خواند)؛ ل: که مه تاج بادا مه تخت و <مه> فر (وزن نا درست است)؛ ق، آ، ب: که مه تاج بادا مه تخت و مه فر؛ لی، پ، و: که مه تاج بادا و مه تخت و مه فر؛ ل: که مه تاج بادا به تخت و کمر؛ متن= س، لن، ق، آ ۲۵- لی: که خون پسر را ۲۶- پ: ستانم ۲۷- ل، ق: مگر نلسا؛ ق: مگر بتر آن؛ و: مگر بدتر از؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۸- لی: تخمه ۲۹- پ: بهامیکند ۳۰- ل، ق، پ (و نیز ل، آ): دراز؛ س: سخن چند خواهم بگفتن دراز؛ لن، ق، ل، آ، ب: سخن چند خواهم گفتن دراز (لن، ب: برآز)؛ متن= ف، و (و نیز لن، آ) ۳۱- ل، ب: ازین؛ متن= ف (و نیز ل، لن) ۳۲- ل: مگوی؛ س، لن، ق، ل، آ، ل، آ، ب: بگیر؛ ق: بگو؛ متن= ف، پ، و (و نیز ل، لن) ۳۳- س، لن، ق، ل، آ، ل، آ، ب: کان؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز لن، آ) ۳۴- س، لن، ق، ل، و، آ، ل، آ، ب: که با سلم و با تور؛ متن= ف، ل، ق، پ ۳۵- س، لن، ق، ل، آ، ب: بدگمان؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ

۷۱۵ به دیدار<sup>۱</sup> چون خاور آمد پدید<sup>۲</sup>  
 بیامد ز بالای<sup>۳</sup> پرده‌سرای  
 یکی خیمه‌ی پرنیان<sup>۵</sup> ساخته  
 دو شاه دو کشور نشسته برآز  
 بیامد همانگاه سالار بار  
 نشستن گهی<sup>۹</sup> نو بیاراستند  
 بجستند هر گونه‌ی<sup>۱۰</sup> آگهی  
 ز شاه آفریدون و<sup>۱۳</sup> از<sup>۱۴</sup> لشکرش<sup>۱۵</sup>  
 و دیگر ز کردار گردان سپهر  
 بزرگان کدامند و دستور کیست<sup>۱۹</sup> ؟  
 ۷۲۵ عنان دار چندند و سالار که؟  
 فرستاده گفت آنکه<sup>۲۲</sup> روشن<sup>۲۳</sup> بهار  
 بهاریست خرم، دراندر بهشت<sup>۲۵</sup>  
 سپهر برین کاخ و<sup>۲۷</sup> میدان<sup>۲۸</sup> اوست  
 به بالای ایوان<sup>۳۰</sup> او راغ<sup>۳۱</sup> نیست  
 ۷۳۰ چو رفتم بنزدیک ایوان<sup>۳۳</sup> فراز  
 به یکدست پیل و به یکدست شیر  
 ابر پشت پیلانش بر تخت زر  
 به هامون کشیده سراپرده دید  
 به پرده‌نَدرون<sup>۴</sup> بود خاورخدای  
 ستاره زده<sup>۶</sup>، جای پرداخته<sup>۷</sup>  
 بگفتند کامد فرستاده باز  
 فرستاده را<sup>۸</sup> برد زی شهریار  
 ز شاه نوآیین خبر خواستند  
 ز دیهیم و ز<sup>۱۱</sup> تخت<sup>۱۲</sup> شاهنشهی  
 ز گردان جنگی و<sup>۱۳</sup> از<sup>۱۶</sup> کشورش<sup>۱۷</sup>  
 که دارد همی با<sup>۱۸</sup> منوچهر مهر؟  
 چه مایه‌ستشان گنج<sup>۲۰</sup> و گنجور کیست<sup>۱۹</sup> ؟  
 ز جنگاوران نامبردار که<sup>۲۱</sup> ؟  
 ندیده‌ست، بیند در شهریار<sup>۲۴</sup>  
 همه خاک عنبر، همه زر<sup>۲۶</sup> خشت  
 بهشت گزین<sup>۲۹</sup> روی خندان اوست  
 به پهنای میدان<sup>۳۲</sup> او باغ نیست  
 سرش با ستاره همی گفت<sup>۳۴</sup> راز  
 جهان را به بخت اندرآورده زیر<sup>۳۵</sup>  
 ز گوهر همه طوق شیران زر

۱- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ل، ب: ز دیدار؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف (و نیز ل) ۲- لی: خاوران را بدید (پساوند ندارد)؛ و (و نیز لن)؛ چو از راه خاور خور آمد پدید ۳- ل، و (و نیز ل، لن)؛ بیالای؛ س، لن، ق، آ، لی، آل، ل، ب: بدرگاه؛ پ: بنزدیک؛ متن = ف، ق ۴- ل- ب: به پرده درون؛ متن = ف (و نیز س)؛ به پرده اندرون (ضحاک، بیت ۴۰) ۵- ف: خیمه از پرنیان؛ لن: خیمه بد پرنیان؛ لی: پرده پرنیان؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۶- س، لن: رده؛ پ، و، ب: ستاده رده؛ متن = هفت دستویس دیگر ۷- ق: بر تاخته ۸- ل: > را < (وزن نادرست است) ۹- س، لن، ق، آ، لی، و: نشستن گه؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ و پس از این بیت سرنویس دارد: باز آمدن فرستاده سلم و تور از پیش فریدون ۱۰- پ: هر گونه را؛ و: هر گونه زان ۱۱- س، لن، لی، ب: واز؛ ق: وان؛ آ: ووز؛ و: که جوید همی؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل ۱۲- ب: تاج ۱۳- آ: > و ۱۴- ل، ق، پ، ل: ز؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۵- و: کشورش ۱۶- ف، ل، ق، ل: ز؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۷- و: لشکرش ۱۸- س: بر ۱۹- پ: که ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، آل، ل، ب: چه مایه شبتان؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، لن)؛ در ق، پ این بیت با بیت پشین پس و پیش شده است ۲۱- س، ق، آ، لی، آل، ل، ب:

سپهدارشان (آ: سپهداری) چند و سالار کیت  
 بجنگ اندرون (ل: ز جنگ آوران) نامبردار کیت  
 ق، پ، و (و نیز ل، لن):

عنان دارشان چند و سالار چند (پ: کیت)

لن، این بیت را ندارند؛ متن = ف؛ در ق، پ این بیت با بیت پشین پس و پیش شده است ۲۲- س، لن، ق، آ، ب: آنک؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۳- و: خرم ۲۴- ف: ندیدست و بیند در شهریار؛ ل، س، پ، و، ل، ب: ندید (ل: ندید) او بیند در (ل: رخ) شهریار؛ لن، لی: ندید و بیند چنان شهریار؛ ق: ندید هست آن در شهریار؛ ق، آ، ب: بدید او (ا: بیند در (ق: بن) شهریار؛ متن = ف پس از زدن حرف و ۲۵- ل: در اربیهشت؛ ق: دل اندر بهشت؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۶- آ: همه خاک و عنبر همه زر و ۲۷- پ: > و ۲۸- ب: ایوان ۲۹- ل- ل، لی، و، ل، ب (و نیز ل، لن): برین؛ متن = ف، پ، آ ۳۰- س، لن، ق، آ، لی، و، ل، ب (و نیز لن): میدان؛ متن = ف، ل، ق، پ، آ (و نیز ل) ۳۱- آ: لاغ ۳۲- س، لن، ق، آ، لی، ل: ایوان؛ و (و نیز لن): بکردار ایوان؛ متن = ف، ل، ق، پ، آ، ب (و نیز ل) ۳۳- ف: میدان؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۴- ف: کرد؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۵- س، لن، ق، آ، لی، و، آل، ل، ب: جهانی به بخت (ق، آل، ل، ب: به تخت) اندر آورده زیر (لن، و: آوریده بزیر؛ لی: پای (پساوند ندارد))؛ پ: جهان تخت او آوریده بزیر؛ متن = ف، ل، ق



ز هر سو خروشیدن کره‌نای<sup>۱</sup>  
 زمین باسما<sup>۲</sup>ن برخروشد همی  
 یکی تخت پیروزه دیدم بلند  
 ز یاقوت رخشان به سر بر کلاه  
 دل آزم جوی<sup>۶</sup> و زبان گرم گوی<sup>۷</sup>  
 تو گفستی<sup>۹</sup> مگر زنده شد جمشید<sup>۸</sup>  
 بکردار<sup>۱۳</sup> طهمورت<sup>۱۴</sup> دیوبند  
 تو گفستی<sup>۱۵</sup> زبان<sup>۱۶</sup> و دل پادشاست  
 بدست چش سرو شاه یمن<sup>۱۸</sup>  
 چو پیروز کرشاسپ<sup>۲۱</sup> گنجورشان<sup>۲۰</sup>  
 کس اندر<sup>۲۳</sup> جهان آن<sup>۲۴</sup> بزرگی<sup>۲۵</sup> ندید  
 به زین عمود و به زین کلاه  
 به پیش سپاه اندرون اندیان<sup>۲۸</sup>  
 چو شاپور یل زنده پیل دلیر<sup>۲۹</sup>  
 هوا گردد از گرد<sup>۳۱</sup> چون آبسوس  
 شود کوه<sup>۳۳</sup> هامون و هامون چو کوه

تیره‌زنان پیش پیلان پهای  
 تو گفستی که میدان بجوشد همی  
 ۷۳۵ خرامان شدم پیش<sup>۲</sup> آن ارجمند  
 نشسته برو شهریاری چو ماه  
 چو کافور موی و چو گلبرگ<sup>۵</sup> روی  
 جهان را ازو دل به ترس و امید<sup>۸</sup>  
 منوچهر چون زاد<sup>۱۱</sup> سرو<sup>۱۲</sup> بلند  
 ۷۴۰ نشسته بر شاه بر دست راست  
 به پیش اندرش<sup>۱۷</sup> قارن رزم زن  
 چو شاه<sup>۱۹</sup> یمن سرو دستورشان<sup>۱۸</sup>  
 شمار در گنج ها ناپدید  
 همه گرد ایوان<sup>۲۶</sup> دو رویه سپاه  
 ۷۴۵ سپهدار چون قارن کاویان<sup>۲۷</sup>  
 مبارز چو شیروی درنده شیر  
 چنوبست<sup>۳۰</sup> بر کوهی پیل کوس  
 گر آیند زی ما به جنگ آن<sup>۳۲</sup> گروه

۱-س، ل، ن، ق، آ، لی، ب: بهرسو؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲-ف، ل، س، ل، ن: کرناي ۳-س، ل، ن، ق، آ، لی، ا: زآسمان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۴-س، ل، ن، ق، آ، لی، ا، ب: نزد؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ل، ۵-ق، آ: گلزار ۶-ف، آ: دلش رزم جوی؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ)؛ ۷-ل، س، ل، ن، ق، ق، آ، پ، ب: چرب گوی؛ لی: دگرگویی (وزن نادرست است)؛ و: نرم گوی؛ متن = ف، آ، ل، ۸-ل: بیم و امید؛ ق: جهان را از وترس بود و امید؛ ق: جهان را از وهم برس و امید؛ آ: جهان را از وترس و هم زو امید؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، آ)؛ ۹-پ: گویی ۱۰-ق: زنده شدست جمشید (وزن نادرست است)؛ لی: زنده جام شید (وزن نادرست است) ۱۱-ل، س، ل، آ (و نیز ل، آ): راد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ)؛ ۱۲-س، ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب: سروی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۳-ل، ق، پ: نشسته چو؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، آ، ب: طهمورت؛ متن = ف، ل، س، ل، ن، ق، پ ۱۵-ل، ق، پ: گویی؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، آ، ب: روان؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، آ، ب: ل، ن، ق، آ، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ز (ل، ن، لی: از) آهنگران کاوه پره‌نر به پیشش یکی رزم دیده پسر  
 این بیت در ف، ل، ق (و نیز ل، آ) نیست ۱۷-ل، ق، ل، آ: اندرون؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: کجا نام او؛ متن = ف ۱۸-س، ل، ن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب: سپهدار بیدار (و، ل، آ: سپهدار و بیدار و لشکرشکن؛ متن = ف، ل، ق، پ (و نیز ل، آ)؛ در آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ در ف پس از این بیت بیت های ۷۳۷، ۷۳۸ و ۷۳۹ دوباره آمده است و در ۷۳۷ بجای رزم، نوم دارد ۱۹-س: ماه ۲۰-س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، ب: دستور شاه؛ آ: دستور شاه؛ متن = ف، ل، و، ل، آ (و نیز ل، آ، ل، آ، ب: کرشاسف ۲۲-س-پ، آ، ب: گنجور شاه؛ متن = ف، ل، و، ل، آ (و نیز ل، آ، ل، آ، ب: در آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۳-س، ل، ن، ق، آ، لی، آ، ب: کسی در؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ل، آ ۲۴-ق، آ، لی، ب: این ۲۵-ل، لی، ل، آ، ب: شگفتی؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، آ، ب: ایران؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، آ، ب: ف، ل، ن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، ل، آ): آوگان؛ متن = ل، ق، پ ۲۸-ف، ل، ن، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، ل، آ): آوگان؛ ق: آ: کاوگان (پس او ندارد)؛ پ: کاردان؛ آ: یاوگان؛ متن = ل، ق؛ در س بجای این بیت بیت ۷۳۷ دوباره آمده است ۲۹-آ پس از این بیت افزوده است:

جهان پهلوان سام یل پیش رو پس پشت او رزم جویان نو  
 ۳۰-ل، ق، لی، ل، آ: چو او بست؛ پ: چونند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۱-ق: ابر؛ پ: رنگ ۳۲-ب: این ۳۳-ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب: شود که چو؛ متن = هفت دستویس دیگر (س: نخست شود که چو داشته است)؛ ف، آ پس از این بیت افزوده اند:  
 سپاهت بیرون زچند (آ: حد) و شمار دلیران جنگی هزاران هزار

بجز جنگشان نیست چیز آرزوی<sup>۲</sup>

همه دل پر از کین و پُرجین بروی<sup>۱</sup>

سُخُن نیز کز<sup>۷</sup> آفریدون شنید  
 پیچید و شد رویشان لاژورد<sup>۸</sup>  
 سُخُن را نه سر بود پیدا نه پای  
 که آرام و شادی بیاید<sup>۹</sup> نهفت  
 شود تیز دندان و گردد دلیر  
 که ش آموزگار آفریدون بود<sup>۱۲</sup>  
 از آنجا که بردمد کیمیا  
 شتاب آوردن<sup>۱۴</sup> بجای درنگ

۷۵۰ بریشان<sup>۵</sup> همه برشمرد آنچ<sup>۶</sup> دید  
 دو مرد جفاپیشه را دل ز درد  
 نشستند و جُستند هرگونه رای  
 به سلم بزرگ آنگهی تور گفت  
 نباید که آن<sup>۱۰</sup> بجهی نره شیر  
 ۷۵۵ چنان نامور<sup>۱۱</sup> بی هنر چون بود  
 نبیره چو شد<sup>۱۳</sup> رای زن با نیا  
 بیاید بسیچید ما را به جنگ

ز چین و ز خاور سپه ساختند<sup>۱۶</sup>  
 جهانی<sup>۱۷</sup> بدیشان نهادند روی  
 بد آن بُد که اختر<sup>۱۸</sup> جوانه نبود  
 به خفتان و خود اندرون ناپدید<sup>۱۹</sup>  
 دو خونی<sup>۲۱</sup> به کینه دل آراسته

ز لشکر سواران برون تاختند<sup>۱۵</sup>  
 فتاد اندران بوم و بر گفت و گوی  
 ۷۶۰ سپاهی که آنرا کرانه نبود  
 دو لشکر زخاور<sup>۱۹</sup> به ایران کشید  
 ابا زنده پیلان و با خواسته

### گفتار اندر آمدن سلم و تور به جنگ آفریدون<sup>۲۲</sup>

همانگه خبر بافریدون رسید<sup>۲۴</sup>

سپه چون بنزدیک ایران کشید<sup>۲۳</sup>

۱- ق، ل: ۲: برو ۲- س، لن، ق، لی، و- ب (ونیز ل، لن): جز از؛ متن= ف، ل، پ ۳- س: ایچ، لن، و: هیچ؛ ق: جز؛ آ: < چیز > (وزن نادرست است)؛ (ل: خود)؛ متن= هفت دستویس دیگر (ونیز لن) ۴- ق، ل: آرزو ۵- آ: بدیشان ۶- لی- ب: آنچه؛ متن= ف- ق ۷- ق: سخن دیگر از ۸- ف، س، ق- پ، ل، ب (ونیز ل، لن): لاجورد؛ متن= ل، لن، و، آ ۹- ف، پ، آ، ل (ونیز لن): نباید؛ ل، س، و: باید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی: شد اندر؛ متن= لن، ق، ق، آ، ب (ونیز ل) ۱۰- ب (ونیز ل، لن): که آموزگار (ل: امرزگار) فریدون بود؛ متن= ف، ل، ق، پ ۱۱- س: کزان برهنه؛ آ: ازان برهنه ۱۲- س، لن، ق، لی، و- ب (ونیز ل، لن): که آموزگار (ل: امرزگار) فریدون بود؛ متن= ف، ل، ق، پ ۱۳- ق: نبیره شده ۱۴- ل: شتاب اندراری ۱۵- لن: تاختن ۱۶- لن: ساختن؛ و (ونیز لن): حشر ساختن ۱۷- س، لن، ق، لی، ب: سپاهی؛ متن= هفت دستویس دیگر (ونیز ل، لن) ۱۸- ف، ل: دولت؛ متن= ده دستویس دیگر (ونیز ل، لن) ۱۹- ل، ق، و: زخاور دولشکر؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۰- لی: وزیشان که دشت شد ناپدید ۲۱- لی: دو خونین؛ لن این بیت را ندارد؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۲- ف (پس از بیت ۷۶۳): گفتار اندر آمدن سلم و تور بجنگ آفریدون و آگهی یافتن آفریدون و فرستادن منوچهر را بجنگ؛ ل: رزم منوچهر با سلم و تور و کشتن ایشان؛ س: رفتن شاه منوچهر با قارن کاوه بجنگ سلم و تور؛ لن، ق، ق، لی، ل، ب (چند بیت پایین تر): رفتن منوچهر (لی: شاه منوچهر) بجنگ سلم و تور (ق: تور بکین ایرج)؛ پ: فرستادن فریدون منوچهر را بجنگ سلم و تور؛ و (چند بیت پایین تر): لشکر کشیدن منوچهر شاه بجنگ سلم و تور؛ آ (چند بیت پایین تر): رزم کردن منوچهر با تور و سلم؛ متن= آغاز ف ۲۳- ق، آ: رسید؛ ل: رکشید (= ر- سید + کشید)؛ لی: جیحون رسید؛ متن= ف، ل، ق، لی؛ لن، ق، آ، ب بجای بیت ۷۶۳ و، ل (ونیز لن): زی فریدون رسید؛ آ: خبر زو به شاه دلیران رسید؛ ب: وزیشان که دشت شد ناپدید؛ متن= ف، ل، ق، لی؛ لن، ق، آ، ب بجای بیت ۷۶۳ و، س، آ، ب پس از بیت ۷۶۳ افزوده اند:

همانگه خبر بافریدون رسید که لشکر بدین (س، ق، آ، آ: ازین) سوی جیحون رسید

ل پس از بیت ۷۶۳ افزوده است:

وزایشان گه و دشت شد ناپدید که لشکر زخاور بایران رسید

در لی بیت ۷۶۳ با بیت پیشین پس و پیش شده است

ز پهلَو به هامون<sup>۱</sup> گذارد سپاه  
 که مرد جوان<sup>۲</sup> چون بود<sup>۳</sup> نیک پی  
 پلنگ از پس پشت و صیاد پیش  
 هزبر از بیابان<sup>۴</sup> به دام آورد  
 به فرجام روزی پیچد تنش<sup>۵</sup>  
 که تفسیده<sup>۶</sup> آهن بتابیدمی<sup>۷</sup>

کی آید به پیش تو کس<sup>۱۲</sup> کینه‌خواه  
 به جان و تن اندر خورد<sup>۱۴</sup> زینهار  
 بیندم که نگشایم از تن<sup>۱۵</sup> گره  
 برآرم به خورشید گرد سیاه  
 کجا جُست یارند<sup>۱۶</sup> با من نبرد

ز پهلَو به دشت اندرآورد روی  
 درفش همایون به هامون کشید<sup>۱۸</sup>  
 چو دریا بجوشید هامون و کوه  
 نو گفستی که خورشید شد لاژورد<sup>۱۹</sup>  
 همی کر شد<sup>۲۳</sup> مردم تیزگوش  
 ز بانگ تبیره همی برگذشت

بفرمود پس تا منوچهر شاه  
 ۷۶۵ یکی داستان زد جهان‌دیده کی<sup>۲</sup>  
 به دام آیدش ناسگالیده میش  
 شکیبایی و هوش<sup>۵</sup> و رای و خرد  
 و دیگر ز بد<sup>۶</sup> مردم بدگنیش  
 به بادافره آنکه شتابیدمی

۷۷۰ منوچهر گفت: ای سزاوار<sup>۱۱</sup> شاه  
 مگر بد سگالد برو روزگار<sup>۱۲</sup>  
 من اینک میان را به رومی زره  
 به کین جُستن از دشت آوردگاه  
 از آن انجمن کس ندارم به مرد

۷۷۵ بفرمود تا قارن رزم جوی<sup>۱۷</sup>  
 سراپردهی شاه بیرون کشید  
 همی رفت لشکر گروه‌ها گروه  
 چنان تیره شد روز روشن<sup>۱۹</sup> ز گرد  
 ز کشور<sup>۲۱</sup> برآمد سراسر<sup>۲۲</sup> خروش  
 ۷۸۰ خروشدن تازی<sup>۲۴</sup> اسپان ز دشت

۱- س، لن، ق، آ، ب: ز پهلَو به پهلَو؛ و: ز خانه بهامون؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- آ: سپه‌دارکی؛ ل: جهان دیدکی ۳- لی: دوان ۴- ل: شود؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵- پ: شکیبای و باهوش ۶- س- لی، و- ب (و نیز ل، لن، آ): هزبر (لی: هزبر)؛ متن = ف، ل، پ ۷- ف: دگر کزید؛ س، لن، ق، آ، لی، آ: و دیگر که بد؛ پ: و دیگر کجا؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ل، و، ل، آ، ب ۸- لی: بیند تنش؛ لن: پیچد بفرجام روزی تنش؛ ق پس از این بیت سه بیت افزوده است ← پ ۱۰ ۹- ل: تفسیر (!)؛ این بیت درس، لن، ق، ق، آ، لی، ل، آ، ب، بیت، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، پ، و، آ ۱۰- پ: نتابید می؛ ل پس از این بیت و ق پس از بیت ۷۶۸ افزوده‌اند:

چولشکر منوچهر بر ساده دشت  
 فریدونش هنگام رفتن بدید  
 برون برد و آنجا بسد روز هشت  
 سخنها بدانش (ق: زدانش) بدو گنبرید

ق پس از این دو بیت یک بیت دیگر هم افزوده است:

که شاهان نکه دار جانان از بدان  
 گه رزم بسگال با بخردان

۱۱- س، لن، لی، ل، آ، ب: سرافراز؛ و: جهاندار؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، پ، آ ۱۲- ف: که آید پیش تو کس؛ ل، ق، و، آ (و نیز ل، لن، آ): کی (ق: چو) آید کسی پیش تو؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: که آید بنزدیک تو؛ متن = ف (پس از تصحیح که به کی) ۱۳- لن، ل، آ: بد روزگار؛ س، ق، لی (و نیز ل، لن، آ): بد روزگار؛ ق: به پروردگار؛ متن = ف، ل، پ، و، آ، ب ۱۴- ل، ق: بجان و تن خود خورد؛ و (و نیز لن، آ): بجان و تن در خورد؛ آ: خورد با تن و جان خود؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۵- ف: بن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، لن، ق، آ، و: بن؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، لی: خواهند؛ آ، ل: یابند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷- س، لن، ق، آ، لی، ب: جنگجوی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۸- ق: رسد ۱۹- و: روی گیتی ۲۰- ف، س- پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، لن، آ): لاجورد؛ متن = ل، و ۲۱- لن، ق، آ، لی، پ: لشکر؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۲۲- لی: سراسر برآمد ۲۳- س، لن: همی گشت کر؛ لی، ب: که کر گشت زان (ب: ازان)؛ و، آ (و نیز ل، لن، آ): همی کر شدی؛ ل، آ: همی کر شدند؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، ب (در ل با خطی نو شدر را به شده، و در ق شدر را به شدی برگردانیده‌اند) ۲۴- لی، ب: پیل و؛ در آ پس از این بیت بیت ۷۸۳ آمده است

کشیده دو رویه رده<sup>۱</sup> زنده پیل  
 به زر<sup>۲</sup> اندرون چند گونه گهر  
 چو سیصد<sup>۴</sup> همان<sup>۶</sup> از در کارزار  
 بُدشان جز از<sup>۷</sup> چشم از آهن<sup>۸</sup> برون  
 ز تمیشه لشکر به هامون شدند<sup>۹</sup>  
 سواران جنگی چو سیصد هزار  
 برفتند با گرزهای گران  
 همه بسته بر کین ایرج میان  
 به چنگ اندرون تیغ های بنفش  
 برون آمد از بیشه ی نارون  
 برآست<sup>۱۷</sup> لشکر بران<sup>۱۸</sup> پهن دشت  
 ابر میمنه سام یل با قباد  
 منوچهر با سرو<sup>۲۰</sup> در قلبگاه  
 نبود ایچ نیکوتر از آن گروه<sup>۲۲</sup>  
 سپه<sup>۲۴</sup> تیغ ها برکشید از نیام<sup>۲۵</sup>  
 کمین ور چو گرد<sup>۲۷</sup> تلیمان<sup>۲۸</sup> نژاد  
 به شیران<sup>۲۹</sup> جنگی و<sup>۳۰</sup> آوای کوس  
 که کین آوران<sup>۳۲</sup> جنگ را ساختند<sup>۳۳</sup>

ز لشکرگه پهلوان تا دو میل  
 از آن شست بر<sup>۲</sup> پشتشان تخت زر  
 چو سیصد<sup>۴</sup> بُنه برنهادند<sup>۵</sup> بار  
 همه زیر برگستان<sup>۶</sup> اندرون  
 ۷۸۵ سراپرده ی شاه بیرون زدند  
 سپهدار چون قارن کینه دار  
 همان<sup>۱۲</sup> نامداران<sup>۱۳</sup> جوشن وران  
 دلیران و هر یک<sup>۱۴</sup> چو شیر<sup>۱۵</sup> ژبان  
 به پیش اندرون کلبانی درفش  
 ۷۹۰ منوچهر با قارن رزم زن<sup>۱۶</sup>  
 بیامد به پیش سپه برگذشت  
 چپ لشکرش را به کرشاسپ داد  
 رده برکشیدند هر دو<sup>۱۹</sup> سپاه  
 همی تافت چون<sup>۲۱</sup> مه میان گروه  
 ۷۹۵ سپه کش<sup>۲۳</sup> چو قارن، مبارز چو سام  
 طلایه به پیش اندرون با قباد<sup>۲۴</sup>  
 یکی لشکر آراسته چون عروس  
 به سلم و به تور<sup>۳۱</sup> آگهی تاختند

۱- (و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۱</sup>): صف ۲- س، لن، ق، ل، و، آ، ل، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>): بیت از بر؛ متن = ف، ل، ق، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>؛ ف، پ: شصت) ۳- ق: برو ۴- ل: سید ۵- س: برنهادند و ۶- و: فزون؛ در آ این بیت پس از بیت ۷۸۰ آمده است ۷- ق: براز؛ پ، و: بجز؛ س، لن این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۸- ل، ق، ل، و: زاهن؛ ق، ل: چشم آهن؛ متن = ف، پ، و، آ، ب ۹- ق، ل: زدند؛ س، لن، ق، ل، و: این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، پ، و، آ، ب ۱۰- و: نیزه دار؛ آ، ل: رزم دار؛ س، لن، ق، ل، و: این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، ق، پ، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۱۱- آ: جهان پهلوان همچو سام سوار؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ آ پس از این بیت افزوده است:

همه زیر خفتان و خود اندرون به پیش سپاه اندرون رهنمون

۱۲- ل، س، لن، و: همه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ق، ل، و، آ، ل، ب ۱۳- س، ل، ب: نامداران و؛ متن = ف، ل، لن، ق (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۱۴- ل- ق، و- ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۱</sup>): دلیران یکایک؛ ل: دلیران ایران؛ متن = ف، پ ۱۵- ف: شیران؛ متن = یازده دستویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۱</sup>) ۱۶- ل، ق، پ، و، ل (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۱</sup>): پیل تن؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۷- ل- ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۱</sup>): بیاراست؛ متن = ف ۱۸- ق، ل، و: بدن؛ متن = نه دستویس دیگر (ونیز لن<sup>۱</sup>) ۱۹- ل: برکشیده ز هر سو؛ س، لن، ق، ل، و، آ، ل، ب: برکشیدند یکر؛ متن = ف، ق، پ، و (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۲۰- آ: باسلم؛ ل: چون شیر ۲۱- س، لن، ق، آ، ب: همی رفت چون؛ ل: همی راند آن؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ل ۲۲- ل، ق، پ: نبود ایچ (پ: بند هیچ) پیدا از فراز کوه؛ س، ق، ل، و، آ، ل، ب: و با مهر کاول (س، ق، آ: کابل) برآید زکوه؛ لن: چو با مهر کاول برآمد زکوه؛ و، ل: و گر مهر کاول برآید زکوه؛ آ: و با مهر کانک برآید زکوه؛ متن = ف ۲۳- س، لن، ق، ل، و، آ، ل، ب: سپهد؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۲۴- ق، آ، همه؛ پ: همی ۲۵- لن: میان (پساوند ندارد)؛ ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل<sup>۲</sup>): سپ (ق: همه؛ پ: همی) برکشیده حمام از نیام؛ متن = س، ق، ل، و، آ، ل، ب ۲۶- ل، ق، پ، و، آ: چون قباد؛ س، لن، ق، ل، و، آ، ل، ب: بدقباد؛ متن = ف، ل (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۲۷- و (ونیز لن<sup>۱</sup>): گرگ ۲۸- ف، س: تلمان (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل، لن، ل: تلمان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، آ: بلمان؛ پ: بلمان (حرف های یکم و سوم نقطه ندارند)؛ و (ونیز لن<sup>۱</sup>): نریمان؛ متن = ق، ل، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>)؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۹- ل: پیلان ۳۰- پ، ل: بر؛ در ل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۱- ل، ق، پ، ل: به تور و به سلم؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۲- ل، ق، پ: که ایرانیان؛ ل: که جنگ آوران؛ متن = هشت دستویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۱</sup>) ۳۳- س، لن، ل: جنگ بر ساختند؛ متن = نه دستویس دیگر

زخون<sup>۱</sup> جگر بر لب آورده کف

برفتند<sup>۲</sup> آگنده از کین سران  
الانان و دریا<sup>۳</sup> پس پشت کرد  
چو تور آگهی یافت آمد چو باد<sup>۴</sup>  
بگوش که ای بی پدر شاه نو  
ترا تیغ و گویال و جوشن که داد<sup>۵</sup>  
برین<sup>۶</sup> سان که گفستی و بردی تو نام  
خرد با دل تو<sup>۷</sup> نشیند بر باز  
بترسی<sup>۸</sup> ازین خام گفتار<sup>۹</sup> خویش  
همی گریدی نیستی بس عجب  
سواران جنگ اند و مردان کین<sup>۱۰</sup>  
چو بینند با کاویانی درفش<sup>۱۱</sup>  
بلندی ندانید باز از نشیب<sup>۱۲</sup>

بگفت آنچ بشنید از آن رزمخواه<sup>۱۳</sup>  
که چونین<sup>۱۴</sup> نگوید مگر<sup>۱۵</sup> ابلهی  
شناسندهی آشکار و نهان  
فریدون فرخ گوی من ست  
شود آشکارا نژاد و گهر<sup>۱۶</sup>  
که چندان نمانم<sup>۱۷</sup> ورا<sup>۱۸</sup> دستگاه

زبیشه به هامون کشیدند صف

دوخونی همان<sup>۱۹</sup> با سپاهی گران  
کشیدند لشکر به دشت نبرد  
یکایک طلایه برون شد قباد<sup>۲۰</sup>  
بدو گفت نزد منوچهر شو  
اگر دختر آمد از<sup>۲۱</sup> ایرج نژاد<sup>۲۲</sup>  
بدو گفتش: آری<sup>۲۳</sup> گزارم<sup>۲۴</sup> پیام  
ولیکن گر<sup>۲۵</sup> اندیشه گردد دراز  
بدانی<sup>۲۶</sup> که کاریت هولست<sup>۲۷</sup> پیش  
اگر بر شما دام و دد روز و شب  
که از بیشه‌ی نارون تا به چین  
درفشیدن<sup>۲۸</sup> تیغ‌های بنفش<sup>۲۹</sup>  
بدرد دل و مغزتان از نهیب

قباد آمد آنگه بنزدیک شاه  
منوچهر خندید و گفت آنگهی  
سپاس از جهاندار<sup>۳۰</sup> هر دو جهان<sup>۳۱</sup>  
که داند که ایرج نیای من ست  
کنون چون<sup>۳۲</sup> به جنگ اندرآریم سر  
به زور<sup>۳۳</sup> خداوند خورشید و ماه

۱- لی: بخون ۲- س، ق، لی: همی؛ متن= نه دستویس دیگر (ونیز ل، ل، ن) ۳- ق، آ: چورفتند؛ س، ق، آ: پس از این بیت افزوده‌اند:

دوخونی چنان با سپاهی (آ: سواری) جوگرد کشیدند لشکر بدشت نبرد

۴- ل: الانان دزرا؛ س، لن، ق، آ: لی، آ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ق، پ، و، ل، آ، ب ۵- ل، پ، ل، آ، ب: طلایه یامد قباد؛ س، لن، ق، آ: لی، آ: طلایه برآمد قباد؛ متن= ف، ق، و ۶- ل: آ: به پیش صف آمد زبان برگشاد؛ ق، پ پس از این بیت سرنویس دارند، ق: پیغام فرستادن تور به منوچهر به زبان قباد؛ پ: پیغام تور بدست قباد بنزد منوچهر ۷- ل، س، لن، ق، لی- ب (ونیز ل، ل، ن)؛ ز؛ متن= ف، ق، آ ۸- ق، پ: پدید ۹- ل: آ: به پیش صف آمد زبان برگشاد ۱۰- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: بدو گفت آری؛ و (ونیز ل، ل، ن)؛ بدو گفت کاری؛ متن= ف ۱۱- ل: گزارم؛ پ: که آری ۱۲- ل، پ، و: بدین؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ: بدان؛ ب: بران؛ متن= ف؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۳- س، لن، لی، پ، آ، ل، ب: چو؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، و (ونیز ل، ل، ن) ۱۴- ب: او؛ ل: خردیابک بانو ۱۵- آ: ندانی ۱۶- ق، پ: صعبت؛ متن= ده دستویس دیگر (ونیز ل، ل، ن) ۱۷- ل، ق: بیچی؛ س، ل: نرسی؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۸- س، لن، ق، آ: زشت کردار؛ ق: خام کردار؛ لی: زشت گفتار؛ متن= ف، ل، پ، و، ل، آ، ب ۱۹- لی، و، ل، آ، ب: شیران کین؛ ق: سواران جنگ آمد و شیرکین؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۰- س، آ، ل: درخشیدن؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستویس دیگر (ونیز ل، ل، ن) ۲۱- س: کاویانی درفش ۲۲- س: با تیغ‌های بنفش ۲۳- ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۴- ل: از رزمخواه؛ و، آ: از آن رزمگاه؛ متن= نه دستویس دیگر؛ س پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ دادن منوچهر نور را ۲۵- لی: چنین کس؛ آ: که چو نان ۲۶- لن: سخن ۲۷- س: خداوند ۲۸- و (ونیز لن)؛ سپاس از جهانبان خدای جهان ۲۹- ل، س، لن، ق، آ، پ، و، آ: گر؛ متن= ف، ق، لی، ل، آ، ب ۳۰- س، لن، ق، آ، لی، ب: هنر؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۱- لی: بفر؛ ق: بروز؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۲- ق: نمایم؛ ل: بمانم ۳۳- س: ترا

ابی تن<sup>۲</sup> به لشکر نمایمش<sup>۴</sup> سر  
کنم پادشاهیش زیر و زیر

که بر هم زند چشم<sup>۱</sup> زیر و زیر<sup>۲</sup>  
بخوادم ازو کین فرخ پدر

نشستنگه رود و می خواستند  
طلایه پراگند<sup>۵</sup> بر پهن<sup>۶</sup> دشت  
ابا رای زن<sup>۸</sup> سرو شاه یمن  
که ای نامداران و شیران<sup>۱۱</sup> شاه  
همان درد<sup>۱۳</sup> کین ست و خون جستن ست<sup>۱۴</sup>  
همه در پناه جهاندار بید  
بهشتی بود<sup>۱۷</sup>، شسته پاک از گناه<sup>۱۸</sup>  
بریزند خون و بگیرند بوم<sup>۲۰</sup>  
بماند بدو<sup>۲۳</sup> فره مویدان  
ز سالار زور و ز دادار بخت<sup>۲۴</sup>  
دو بهره پیماید<sup>۲۶</sup> از چرخ<sup>۲۷</sup> شید  
ابا گرز و با خنجر کابلی  
یکی از دگر<sup>۲۸</sup> پای منهد پیش  
کشیدند صف پیش سالار شیر<sup>۲۹</sup>  
خود اندر جهان شاه را<sup>۳۱</sup> زنده بیم

۸۲۰ بفرمود تا خوان بیاراستند  
بدانگه که روشن جهان<sup>۵</sup> تیره گشت  
به پیش سپه قارن رزم زن  
خروشی برآمد ز پیش<sup>۹</sup> سپاه  
بدانید<sup>۱۱</sup> کین جنگ آهرمن ست<sup>۱۲</sup>  
۸۲۵ میان بسته دارید<sup>۱۵</sup> و بیدار بید  
کسی کوشود کشته زین<sup>۱۶</sup> رزمگاه  
هرآنکس که از لشکر چین و روم<sup>۱۹</sup>  
همه<sup>۲۱</sup> نیک نامیش<sup>۲۲</sup> تا جاودان،  
هم از شاه یابید دیهیم و تخت  
۸۳۰ چو پیدا شود پاک<sup>۲۵</sup> روز سپید  
بیندید یکسر میان یلی  
بدارید یکسر همه جای خویش  
سران سپه، مهتران دلیر  
به آواز<sup>۳۱</sup> گفتند ما بنده بیم

۱- س، لن، لی: مژه؛ متن= نه دستویس دیگر ۲- ل: چشم رازیر ویر ۳- ل: برنده؛ ق، پ: بریده؛ آ (و نیز ل): که بی تن؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز لن) ۴- س: نمایت ۵- آ: هوا ۶- ق، ق: پراگنده؛ پ: برانگند؛ متن= نه دستویس دیگر ۷- ل- ق: و، آ، ب (و نیز لن): برگرد؛ پ: برکوه؛ متن= ف، لی (و نیز ل) ۸- آ: همی گفت ۹- ف: میان؛ ق: بیش؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۰- ل: مردان؛ س، لن، ق، لی، ب: گردان؛ متن= ف، ق، پ، و، ل (و نیز ل، لن)؛ در س، لن، ق، لی، ل، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۱- ل، ق: بکشید؛ س، لن، ق، لی، ل، آ، ب: بگفتند؛ متن= ف، پ، و ۱۲- و: رزم اهریمنست؛ آ: که رزم چنین جنگ اهرمنست ۱۳- ل، پ: درد و ۱۴- س، لن، ق، لی، و، آ، ل، آ، ب: همان روز جنگست و کین جستن است؛ (ل: همان گردش و روز کین جستن است)؛ متن= ف، ل، ق، پ؛ در س، لن، ق، لی، ل، آ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- ق: باشد ۱۶- و: در ۱۷- س، لن، ق، آ، ل، آ، ب: شود؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۸- و: پاک او از گناه؛ آ: پاک گشته گناه؛ ب: گشته پاک از گناه؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۹- س، لن، ق، لی، ل، آ، ب: روم و چین؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۰- س، لن، ق، لی، ل، آ، ب: بریزند (ب: بریزید) خون اندرین دشت کین؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۱- ل: همی؛ و: همان؛ آ: بود؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۲- س، لن، ق، لی، ل، آ، ب: نماید؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۳- س، لن، لی: بمانید بر؛ و، آ: بماند همان؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۴- ل: زبیدار بخت؛ ف: چو هشیار باشد و بیدار بخت؛ س، لن، ق، لی، ب: زسالار زور (و س): روز و؛ لی: رزم و زدادار بخت؛ آ: زدادار هم باز ببیند بخت؛ متن= ل، ق، پ، و ۲۵- س، لن، ق، آ، و، ل، آ، ب (و نیز ل): چاک؛ متن= ف، ل، ق، آ ۲۶- ل: بیندید ۲۷- ف: شیر؛ س، لن، ق، آ، پ: آ: روز؛ متن= ل، ق، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، لن) ۲۸- ف: یک از دیگری؛ ق: یک از دیگران؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۹- س، لن، ق، آ، لی: از آنجا برفتند (ق: از آنجای رفتند) برسان شیر؛ متن= هشت دستویس دیگر ۳۰- ل، ق، پ: بسالار؛ س، لن، لی این بیت را ندارند؛ متن= ف، ق، آ، و، آ، ل، ب ۳۱- ق: بهر تو؛ متن= هشت دستویس دیگر

- ۸۳۵ چو فرمان دهد ما<sup>۱</sup> همیدون کنیم  
 زمین را ز<sup>۲</sup> خون رود جیحون کنیم<sup>۳</sup>
- سوی خیمه‌ی خویش باز آمدند  
 سپیده چُن<sup>۴</sup> از جای سر<sup>۵</sup> بردمید  
 منوچهر برخاست از قلبگاه<sup>۶</sup>  
 سپه یکسره نعره برداشتند  
 ۸۴۰ پر از خشم سر، ابروان پر ز چین  
 چپ و راست و<sup>۱۱</sup> قلب و جناح سپاه  
 زمین شد بکردار کشتی بر آب  
 بزد مهره بر کوهه‌ی زنده‌پیل  
 همان پیش پیلان تبیره‌زنان  
 یکی بزمگاهست<sup>۱۷</sup> گفتی بجای  
 ۸۴۵ برفتند از آن دشت یکسره چو کوه<sup>۱۹</sup>  
 بیابان چو دریای خون شد درست  
 پی زنده‌پیلان به خون<sup>۲۲</sup> اندرون  
 همه چیرگی<sup>۲۵</sup> با منوچهر بود  
 ۸۵۰ چُنین<sup>۲۷</sup> تا شب تیره سر درکشید<sup>۲۸</sup>  
 زمانه بیکسان<sup>۳۰</sup> ندارد درنگ  
 گهی شهد و نوش ست<sup>۳۱</sup> و گاهی شرنگ

- ۱- ق، ب: دهمان؛ س، لن، لی این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- ف: به؛ متن = ل، ق، ق، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ) ۳- پ: زمین را بخنجر چو جیحون کنیم؛ آپس از این بیت افزوده است:
- چو گفتند این سروران دلیر  
 ازان جای رفتند برسان شیر
- ۴- ل، پ: با سری؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: با دلی؛ ق: با زیر؛ متن = ف، و، ل (و نیز ل، لن، آ) ۵- ل- ب: چو؛ متن = ف ۶- ل، ق، ب: از تیره  
 شب؛ س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز لن، آ): از جای خود؛ متن = ف ۷- ف: جمید (حرف یکم هم در بالا و هم در زیر نقطه دارد)؛ ل: حمید  
 (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، لی، پ: جمید؛ ب: دمید؛ متن = س، لن، ق، آ، و، آ، ل، ۸- س، لن، لی: آرامگاه؛ ق، آ، ب: رزمگاه؛ متن = ف، ل، ق،  
 پ، و، ل ۹- لی: ترک ۱۰- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل: گفتی؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ب؛ درو پس از این بیت ۸۴۲ آمده است ۱۱- ف، س،  
 لن، لی، پ، آ، ب (و نیز لن، آ): < >؛ متن = ل، ق، ق، آ، و، ل ۱۲- ل، ق، پ: چو بایست لشکر بیاراست؛ س، لن، ق، آ، و، آ، ل، ب (و نیز لن، آ):  
 بیاراست لشکر چو بایست؛ متن = ف، لی ۱۳- ف، س، لن، ق، آ، لی، و، ل، ب (و نیز ل، لن، آ): جنگ؛ ق: غرقه؛ آ: غرم؛ متن = ل، پ؛ درو این بیت  
 پس از بیت ۸۳۹ آمده است ۱۴- ل: جنب و؛ س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ب: گشت؛ متن = ف، ق، پ، ل ۱۵- ق، آ: چو نان؛ آ: گوی؛ س، لن پس  
 از این بیت سرنویس دارند، س: رزم شاه منوچهر با تور و کشته شدن تور؛ لن: کشته شدن تور بر دست منوچهر ۱۶- ق، آ: چو پیل دمان؛ ل: پیلان  
 زنان؛ پ: خروشان سواران و پیلان دمان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷- آ: رزمگاهست ۱۸-  
 و: زشیپور و زنال کره‌نای؛ متن = ف- لن، ق، آ، پ، آ- ب؛ ق این بیت را ندارد و بجای آن بیت زیر را افزوده است:
- برفتند یکسر زجان آن گروه  
 سبهد سپه را زهر سو پزوه
- ۱۹- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: برفتند از جای (س: از آنجای) یکسر چو کوه؛ ق: وزان سو درآمد سپه همچو کوه؛ (ل): براندند از دشت یکسر  
 چو کوه؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ): آپس از این بیت افزوده است:
- چنان چون درآمد سپاه از دوراه  
 همی رزم جستی سپاه از سپاه
- ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، و- ب (و نیز لن، آ): ز؛ متن = ف، ل، ق، پ ۲۱- ق: شت ۲۲- س، لن، ق، آ: خاك؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۳- لن:  
 چو ۲۴- س، لن، ب: بر پاستون؛ ق، آ: بر بیستون؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۵- ق: همان چیزکان ۲۶- لی: روی ۲۷- ب: چنان ۲۸-  
 س: برکشید؛ و: تیره در سرکشید؛ ل: تیره رخ برکشید؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۹- و (و نیز لن، آ): درفشده ۳۰- ق: زیکان ۳۱- لی، ب:  
 گهی بهره شهدست؛ آ: گهی شهد نوشید؛ متن = نه دستنویس دیگر

به راه شبیخون نهادند گوش  
 دو جنگی گرفتند ساز<sup>۲</sup> درنگ  
 دل هر دو خونی<sup>۵</sup> زکینه بتفت  
 همه رای<sup>۶</sup> بیهوده انداختند  
 همه کوه و هامون<sup>۹</sup> پر از خون کنیم<sup>۱۰</sup>

سیاهی گرفتش سراسر جهان<sup>۱۱</sup>  
 شبیخون همی بآرزو خواستند<sup>۱۲</sup>  
 دوان زی<sup>۱۳</sup> منوچهر بشتافتند  
 بگفتند<sup>۱۵</sup> تا برنشانند سپاه  
 سوی چاره شد مرد بسیار هوش  
 کمین گاه بگزید سالار گرد  
 دلیران و مردان خنجرگزار<sup>۱۸</sup>  
 سوارانش<sup>۱۹</sup> جنگی و بایسته<sup>۲۰</sup> دید

بیامد کمر بسته‌ی کارزار<sup>۲۱</sup>  
 سنان‌ها<sup>۲۲</sup> به ابر اندرافراخته<sup>۲۳</sup>  
 درفش فروزنده<sup>۲۵</sup> بر پای خویش<sup>۲۶</sup>

دل سلم و تور<sup>۱</sup> از غم آمد<sup>۲</sup> به جوش  
 چو شب روز شد کس نیامد به جنگ  
 چُن<sup>۴</sup> از روز رخشنده نیمی برفت  
 به تدبیر يك بادگر<sup>۶</sup> ساختند  
 که چون شب بود<sup>۸</sup> ما شبیخون کنیم

چو آمد شب و روز شد در نِهان  
 دو بیدادگر لُشکر آراستند  
 چو کاراگهان آگهی یافتند  
 شنیده به پیش<sup>۱۴</sup> منوچهر شاه  
 منوچهر بشنید و<sup>۱۶</sup> بگشاد گوش  
 سپه را سراسر به قارن سپرد  
 ببرد از سران<sup>۱۷</sup> نامور سی هزار  
 کمین گاه را جای شایسته دید

چو شب تیره شد تور با صدهزار  
 شبیخون سگالیده و ساخته  
 چُن<sup>۲۴</sup> آمد سپه دید بر جای خویش

۸۵۵

۸۶۰

۸۶۵

۱- ل، ق- پ، آ، ب: دل نور و سلم؛ متن= ف، س، لن، و، ل<sup>۲</sup> ۲- ل: اندر آمد؛ لن- پ، آ: آمد از غم؛ متن= ف، س، و، ل<sup>۲</sup>، ب: ق پس از این بیت افزوده است:

بگفتند فردا نساژیم جنگ  
 بفردا شبانگه شبیخون کنیم  
 که این مرد برناست و بس تیز جنگ  
 بناگه زتن جانش بیرون کنیم

۳- و: راه؛ ق پس از این بیت افزوده است:

چو رفتند هرکس بارامگاه  
 پرانددیشگان جان شاه و سپاه

۴- ل، س، لن، ق- آ: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو؛ متن= ف؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۵- ل- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): جنگی؛ متن= ف  
 ۶- س، لن، ق، آ- پ: ب: با یکدگر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف، ل، لی ۷- س، آ، ب: راه؛ متن= نه دستویس دیگر  
 ۸- ل، س، لن، پ، و: شود؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۹- ل: در دشت هامون؛  
 س، لن، ق- آ: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): همه دشت و (ب: < و >) هامون؛ متن= ف، ل<sup>۲</sup> ۱۰- ل: چو جیخون کنیم؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)  
 ۱۱- ف: سراسر گرفتش سیاهی جهان؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)  
 ۱۲- ف، ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۳- ف: بسوی؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): دمان  
 زی؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۴- ل، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): رسیدند؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۵- ل: نگفتند؛ در ق پس از این بیت بیت ۸۵۸  
 دوباره آمده است ۱۶- پ: < و > ۱۷- س، لن، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: یلان؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۸- ل، ق، پ: گردان خنجر  
 گزار؛ س، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: بیامد کمر بسته کارزار (= ۸۶۵ ب)؛ لن: بیامد همه شیرمردان کار؛ متن= ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۹- ف، ل، ق، پ، و  
 (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): سواران؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= س، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب ۲۰- ق: آهسته؛ و پس از این بیت سرنویس دارد: شبیخون کردن تور و  
 کشته شدن بردت منوچهر شاه ۲۱- س، لن، ق، لی، آ، ب: بیامد همه شیرمردان کار؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)  
 ۲۲- ف: سرانشان؛ پ: سنان را؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): سران سر ۲۳- س، لن، ق، لی، آ، ب: بیوسته تیر و کمان آخته (ق: ساخته)؛ آ: سرکینه گستر  
 برافراخته؛ (ل: سواران سنان ها برافراخته)؛ متن= ل، ق ۲۴- ل- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو؛ متن= ف ۲۵- س، لن، ق: آ: فریبنده؛ متن= نه  
 دستویس دیگر ۲۶- ل- آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): پیش؛ متن= ف، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>)



خروش<sup>۱</sup> از میان سپه برکشید  
 چو برق درخشنده<sup>۲</sup> پولاد تیغ  
 چُن<sup>۳</sup> الماس روی زمین را بسوخت  
 به ابر اندرون آتش و باد خاست<sup>۴</sup>  
 بُد تور را از دو رویه گذر<sup>۵</sup>  
 برآمد ز لشکر یکی<sup>۶</sup> های هوی<sup>۷</sup>  
 رسید اندر آن<sup>۸</sup> نامور کینه‌خواه  
 نگوسار<sup>۹</sup> شد خنجر از مشت اوی<sup>۱۰</sup>  
 بزد بر زمین داد مردی بداد  
 دد و دام را از تنش ساز<sup>۱۱</sup> کرد  
 بدید آن نشان نشیب و فراز<sup>۱۲</sup>

جز از جنگ و پیگار چاره ندید  
 ز گرد سواران هوا بست میغ  
 ۸۷۰ هوا را تو گفتی همی<sup>۱</sup> بر فروخت  
 به مغز اندرون بانگ پولاد خاست  
 برآورد شاه از کمین گاه سر  
 عنان را پیچید و برگاشت روی  
 دمان از پس اندر<sup>۲</sup> منوچهر شاه  
 ۸۷۵ یکی نیزه انداخت بر<sup>۳</sup> پشت اوی<sup>۴</sup>  
 ز زین برگرفتش بگردار باد  
 سرش را همانگه ز تن باز<sup>۵</sup> کرد  
 بیامد به لشکرگه خویش باز

### گفتار اندر نامه فرستادن منوچهر بنزد یک شاه آفریدون<sup>۱۷</sup>

ز نیک و بد روزگار نبرد<sup>۱۸</sup>  
 خداوند خوبی و پاکی و داد  
 زسختی نگیرد<sup>۱۹</sup> جزو دست کس  
 خداوند تاج و خداوند گرز<sup>۲۰</sup>

به شاه آفریدون یکی نامه کرد  
 ۸۸۰ نخست از<sup>۱</sup> جهان آفرین کرد یاد  
 سپاس از جهاندار فریاد رس  
 دگر آفرین بر فریدون برز<sup>۲</sup>

۱- ل: ۲. سپاه ۲- آ: درفشنده؛ ف (و نیز لن: ۲) پس از بیت ۸۶۹ بیت زیر را افزوده‌اند؛ و پس از بیت ۸۶۹ نخست بیت ۸۷۱ و سپس بیت زیر را افزوده است:

چو شب روز شد همچنان جنگجوی  
 دو لشکر بروی اندر آورد روی  
 ۳- پ: همه؛ ل: ۲. همین ۴- ل- ب (و نیز ل: ۲، لن: ۲): چو؛ متن= ف ۵- درو این بیت پس از بیت ۸۶۹ آمده است؛ پایی بیت های و: ۸۶۹، ۸۷۱، ۸۶۹ پ، ۸۷۰، ۸۷۲ ۶- ق: از گذرگه گذر ۷- ق: همان؛ پ، ل: ۲. همی؛ متن= نه دستویس دیگر ۸- س، ق: ۲، لی، پ، آل: ۲، ب: های وهوی؛ و: هوی وهوی؛ متن= ف، ل، لن، ق ۹- ل، ق: او؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۰- ق: رسیدند از آن؛ ق پس از این بیت دو بیت و لی تنها بیت بکم را افزوده‌اند:

یکی بانگ برزد به بیدادگر  
 که باش ای شمشکار پرخاش خسر  
 ببری سر بی گناهان چنین  
 ندانی که جوید جهان از تو کین  
 ۱۱- ف، و (و نیز لن: ۲): یکی نیزه زد بر پس (و: < پس >، وزن نادرست است)؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل: ۲) ۱۲- ل، ق، ق: ۲، آل: ۲، ب (در  
 لت یکم): او؛ متن= ف، س، لن، لی، پ، و، ب (در لت دوم) ۱۳- ل- ب= نگوینار؛ متن= ف ۱۴- س، لن، و (و نیز ل: ۲، لن: ۲): دور؛ متن= نه  
 دستویس دیگر ۱۵- س، لن، و (و نیز ل: ۲، لن: ۲): سور؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۶- ل، ق: بیدار آن لشکر سرفراز؛ آ: ندید از تاناشان یکی رزم  
 ساز؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل: ۲، لن: ۲): در و (و نیز در ل: ۲، لن: ۲) لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۷- ف: گفتار اندر نامه فرستادن منوچهر  
 بنزدیک شاه آفریدون و فرستادن سر تور با نامه بنزدیک او؛ ل: فتح نامه منوچهر بنزد شاه آفریدون؛ س، لن، ق: ۲، لی: نامه منوچهر بنزدیک (س، ق: ۲، لی:  
 بنزد) فریدون (س: شاه فریدون) با سر تور؛ ق، پ: فتح نامه منوچهر به (پ: نزد) فریدون با سر تور؛ و: فتح نامه منوچهر شاه نزد شاه فریدون با سر سلم؛  
 آ، ب: نامه منوچهر بنزد فریدون (آ: فریدون با سر تور)؛ ل: فرستادن منوچهر نامه نزد فریدون؛ متن= آغاز ف ۱۸- ل، ق: زمشک و زعیر سر خامه کرد؛  
 و: زینک و بد روزگار و نبرد؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل: ۲، لن: ۲) ۱۹- پ: آن؛ در س- لی، و- ب (و نیز در لن: ۲) بجای این بیت بیت زیر آمده است:  
 نخست آفرین پر (و: < پر >؛ ل: ۲) از جهاندار کرد  
 که بختی (ق، و، آ: بخت) چنان خفته بیدار کرد  
 متن= ف، ل، پ ۲۰- ل- ق: ۲، پ- ل: ۲ (و نیز ل: ۲، لن: ۲): نگیرد به (ل: ۲) زسختی؛ لی، ب: بختی نگیرد؛ متن= ف؛ در ف پس از بیت ۸۸۱ بیت ۱۰۲۸ آمده است؛  
 س، لن، ق: ۲، لی، پ، آل: ۲، پس از بیت ۸۸۱ افزوده‌اند:

که او رهنمایت وهم (لن، آ: وان) دلگشای  
 که جاوید باشد همیشه بجای  
 این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز ل: ۲، لن: ۲): نیست ۲۱- و (و نیز ل: ۲، لن: ۲): شاه ۲۲- و (و نیز ل: ۲، لن: ۲): گاه

همش تاج<sup>۲</sup> و هم تخت<sup>۳</sup> شاهنشهی  
 همه فر و زیبایی از<sup>۵</sup> تخت اوست<sup>۴</sup>  
 سپه برکشیدیم وجستیم کین  
 چه در شب چه با<sup>۹</sup> هور گیتی فروز  
 کشیدیم<sup>۱۱</sup> و جستیم هرگونه کین<sup>۱۱</sup>  
 زیچارگی کار<sup>۱۲</sup> افسون گرفت  
 نماندم بجز باد در مثن اوی<sup>۱۵</sup>  
 بی اندرگرفتم رسیدم بدوی<sup>۱۷</sup>  
 به باد اندر از زینش<sup>۱۸</sup> برداشتم  
 بریدم سرش زان<sup>۲۰</sup> تن بی بها  
 به تابوت زر اندرافکنده خوار<sup>۲۱</sup>  
 بسازم کنون سلم را کیمیا<sup>۲۲</sup>  
 هیونی برافگند چون تند باد<sup>۲۴</sup>  
 دو چشم از<sup>۲۶</sup> فریدون پر از آب گرم

همش داد و هم دین و هم فرهی  
 همه راستی راست از بخت اوست<sup>۴</sup>  
 رسیدم به خوبی<sup>۷</sup> به توران زمین ۸۸۵  
 سه جنگ گران کرده شد در دو<sup>۸</sup> روز  
 ازیشان شبیخون و از ما کمین  
 شنیدم که ساز شبیخون گرفت  
 کمین ساختم در<sup>۱۳</sup> پس پشت اوی<sup>۱۴</sup>  
 یکایک چو از جنگ برگاشت روی<sup>۱۶</sup> ۸۹۰  
 به خفتانش بر نیزه بگذاشتم  
 بینداختم<sup>۱۹</sup> چون یکی ازدها  
 چنان چون سر ایرج شهریار  
 فرستادم اینک بنزد نیا  
 به نامه درون این سخن کرد یاد<sup>۲۲</sup> ۸۹۵  
 فرستاده آمد رخی<sup>۲۵</sup> پر ز شرم

- ۱- س، لن، ق، آ، لی: همش دادو دینست و هم؛ و (ونیز ل، آ، لن): همش دادو دیهم و هم؛ آ: همش دادو دین و همش؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل، آ، ب ۲- س، لن، لی، و، آ، ل، ب (ونیز ل، آ): نام؛ ق، آ: کام؛ متن = ف، ل، ق، پ ۳- س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب: گنج؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، آ (ونیز ل، آ، لن): آ: اوی؛ ق، آ، ل، آ، ب: او؛ آ: تخت او؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۴- پ: همه سرفرازی بر؛ آ: همه فر زیبایی از ۶- س، لی: اوی؛ ق، آ، ل، آ، ب: او؛ آ: بخت اوی؛ متن = ف، ل، ق، پ، و؛ پ پس از این بیت دو بیت وق تنها بیت یکم را افزوده اند: جهان شد بنویی ز داد آفرین که گیتی نبدا تا که بد همچنین توای شاه با داد و با دانشی ازین آمدن هم تو با رامشی
- ۷- آ: بفرش رسیدم ۸- ل، ق، ق، آ، لی، پ، و (ونیز ل، آ، لن): سه؛ س، لن این بیت را ندارند؛ متن = ف، آ، ل، آ، ب ۹- ل، ق، ق، آ، لی، پ، ب (ونیز ل، آ): در؛ متن = ف، و، آ، ل، آ (ونیز ل، آ): در و این بیت با بیت ۸۸۸ پس و پیش شده است ۱۰- پ: گشادیم ۱۱- و: بدین گونه پیوسته شد رزم و کین؛ س، لن این بیت را ندارند؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۲- ل: نیز؛ س، لن، ق، آ، لی، ب: ساز؛ ق: بندو؛ و، آ، ل، آ (ونیز ل، آ): راه؛ متن = ف، پ؛ در و این بیت با بیت ۸۸۶ پس و پیش شده است ۱۳- ل، پ، و: از؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۴- ف، ل، ق، ب: او؛ متن = هشت دستویس دیگر (ونیز ل، آ، لن): ۱۵- ف، ل، ق، ب: او؛ متن = پ، و، آ، ل، آ (ونیز ل، آ، لن): س، لن، ق، آ، لی: بی اندرگرفتم رسیدم بدوی (۸۸۹ و ۸۹۰ آ را انداخته و از ۸۸۹ و ۸۹۵ ب یک بیت ساخته اند) ۱۶- ق: رو؛ س، لن، ق، آ، لی این ل را انداخته اند (پ ۱۵)؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۷- ق: باو؛ پ: بروی ۱۸- ل: بیرو از آن زینش؛ س، لی، و (ونیز ل، آ، لن): چو باد از بر زینش؛ ق: بیرو من از زینش؛ ق، آ: بیاد اندر از پیش؛ پ: ز جای اندر از زین؛ متن = ف، لن، ل، آ، ب ۱۹- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: بیفکندمش؛ (ل، آ): در انداختم؛ متن = ف، ل، ق، پ (ونیز ل، آ، لن): ۲۰- ل، ق، پ: سرش از؛ ل، آ: سرش راز؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۱- لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ: افکند خوار؛ ب: افکند نار؛ متن = ف، ل، س، ق، آ (ونیز ل، آ، لن): در ف- ب (ونیز در ل، آ، لن): این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ س، لن، ق، آ، ب (ونیز ل، آ، لن): پس از بیت ۸۹۳ دو بیت زیر را افزوده اند؛ ق پس از بیت ۸۹۳ تنها بیت یکم را افزوده است، ولی بیت دوم را نیز در کناره افزوده اند: برو بر (ل، آ: بدو بر) نبخشود و شرمش نداشت چو پ: (که) ویران کنم بوم و برخان (لن: خوان؛ آ: جان) او (لی، پ: اوی) و: چو بوم و برو خان ویران اوی

این دو بیت در ف، ل نیست و ق تنها بیت یکم را دارد ۲۲- در ف- ب (ونیز ل، آ، لن): این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های ۸۹۳ و ۸۹۴ تصحیح قیاسی است ۲۳- س، لن، ق، آ، آ: چون همه یاد کرد؛ ق، آ: این سخن یاد کرد؛ لی، ب: چون همی (ب: همه) کرد یاد؛ ل، آ: سرریاد کرد؛ متن = ف، ل، پ، و ۲۴- ل، لی، ب: برسان باد؛ س، لن، ق، آ، ل، آ: برسان گرد؛ ق: چون باد گرد؛ متن = ف، پ، و ۲۵- پ: شد بارخی؛ و: آمد دلی ۲۶- ق، آ، آ: < از >

بریده بر شاه ایران زمین<sup>۱</sup>  
 بشوید همان خون دل آب کین<sup>۲</sup>  
 و دیگر که<sup>۳</sup> کین خواه نو<sup>۴</sup> بود و<sup>۵</sup> گرد

که چون برد خواهد سر شاه چین  
 که فرزند اگر سر بیچد<sup>۶</sup> ز دین  
 گنه بس گران بود<sup>۷</sup> پوزش<sup>۸</sup> نبرد

سر تور بنهاد در پیش<sup>۹</sup> او  
 همی<sup>۱۰</sup> آفرین خواست<sup>۱۱</sup> از دادگر

۹۰۰ بیامد فرستادهی شوخ<sup>۱۲</sup> روی  
 فریدون کی<sup>۱۳</sup> بر منوچهر بر

وزان تیرگی کاند<sup>۱۴</sup> آمد به ماه<sup>۱۵</sup>  
 برآورده سر تا به چرخ کبود  
 که دارد<sup>۱۶</sup> زمانه<sup>۱۷</sup> نشیب و فراز  
 که برگاشت مر سلم روی از نبرد<sup>۱۸</sup>  
 سزد گر بروبر<sup>۱۹</sup> بگیریم<sup>۲۰</sup> راه  
 کسی نگسلاند زن<sup>۲۱</sup> پای او<sup>۲۲</sup>  
 به<sup>۲۳</sup> خارا<sup>۲۴</sup> برآورده از قعر آب  
 برو نگند<sup>۲۵</sup> سایه<sup>۲۶</sup> پر<sup>۲۷</sup> همای  
 رکاب<sup>۲۸</sup> و عنان<sup>۲۹</sup> را<sup>۳۰</sup> بیاید بسود

به سلم آگهی<sup>۳۱</sup> رفت ازین<sup>۳۲</sup> رزمگاه<sup>۳۳</sup>  
 پس پشش اندر یکی حصن بود  
 چنان ساخت کاید بدان<sup>۳۴</sup> حصن باز  
 همی این<sup>۳۵</sup> سخن<sup>۳۶</sup> قارن<sup>۳۷</sup> اندیشه کرد<sup>۳۸</sup>  
 الانی<sup>۳۹</sup> دزش باشد آرامگاه  
 که گر<sup>۴۰</sup> حصن<sup>۴۱</sup> و<sup>۴۲</sup> دریا بود جای او<sup>۴۳</sup>  
 یکی جای<sup>۴۴</sup> دارد سر اندر سحاب  
 نهاده ز هر چیز گنجی<sup>۴۵</sup> به جای<sup>۴۶</sup>  
 ۹۱۰ مرا رفت باید بدین<sup>۴۷</sup> کار<sup>۴۸</sup> زود

بدو گفت کای نامور پیشگاه<sup>۴۹</sup>

دمان شد بنزد منوچهر شاه

۱- ل: بر شهریار زمین ۲- س، لن، ق، آ، لی، و- ب (ونیز ل، لن، آ): که فرزند هر چند بیچد؛ متن= ف، ل، ق، پ ۳- ل، ق: پدر را بدو (ق: برو) مهرافزون زکین؛ س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب: بسوزد بمرگش (لن: بمرگ) پدر همچنین (ق، آ، ل، آ، ب: دل همین)؛ پ: بشوید همی از خرد مهر و کین؛ و (ونیز ل، لن، آ): نشوید همان (ل: بشوید همی) خون دل زاب کین؛ متن= ف، آ، ۴- پ، آ، ل، آ، ب: بود؛ و: گناهش گران بود؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف، ل، س، لن، ق، آ، لی، ۵- ل: مهترش؛ متن= ده دستویس دیگر (ونیز ل، لن، آ) ۶- و: دگر انک ۷- ل: او؛ متن= ده دستویس دیگر ۸- ل، پ، و: < و > ۹- لی: سرخ ۱۰- ق: نزدیک ۱۱- ل: ق: همی؛ پ: شاه؛ و: یکی؛ متن= ف، ق، آ، لی، آ، ل، آ، پ ۱۲- ل: یکی؛ لن: بسی ۱۳- س، لن، لی: خواند؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۴- ل: آنگهی؛ آ این بیت و سه بیت پس از آن را ندارد، ولی آنها را در کناره به خطی نزدیک به خط متن افزوده اند ۱۵- ق، آ، و: ازان؛ لی: زان ۱۶- و: کینه خواه ۱۷- ب: اندر ۱۸- س، ق، لی، پ: براه؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز آ ۱۹- ل: بران؛ ق: آ: پس پشش اندر یکی (= ۱۹۰۳)؛ پ: چنان خواست کاید بدان؛ متن= هشت دستویس دیگر بجز آ ۲۰- ق: گذارد؛ متن= هشت دستویس دیگر بجز آ (ونیز لن، آ) ۲۱- ف، و: زمانی؛ متن= نه دستویس دیگر بجز آ (ونیز لن، آ) ۲۲- ل: هم این یک؛ ق: همین یک؛ و: همان یک؛ (ل: همان این)؛ متن= ف ۲۳- و (ونیز ل، آ): شاه؛ متن= ف، ل، ق ۲۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: پس آنکه منوچهر از آن (لی: ازو) یاد کرد ۲۵- ل، ق، ق، آ، ب: که برگاشتش (ق: برگاشت؛ ق: برگاردش) سلم روی از نبرد؛ س، لن، لی، پ، و: که گر سلم بیچد (س، لن: بیچد دو؛ پ: بیچیده؛ و: که بیچد همی سلم) روی از نبرد؛ ل: آ: که برگاردش روی سلم از نبرد؛ (لن: آ: که پردازد از سلم روز نبرد)؛ متن= ف: پ این بیت را بگونه زیر هم نوشته و روی آن خط کشیده است:

همین يك سخن گفت و اندیشه کرد که برگاشت پس سلم روی از نبرد

۲۶- ل: کالان؛ ق، پ: الانان؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۷- لن: بدوبر؛ ق: بروما؛ لی: بدوگر؛ پ: سزد بروی ارما؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۸- ل: نگیریم؛ ۲۹- و: اگر ۳۰- ل، س، لن، ق، آ، ب: < و >؛ متن= ف، ق ۳۱- ف- ق، آ، پ، ل، آ، ب: او؛ متن= لی، و، آ ۳۲- ل: زن ۳۳- ل، ق: حصن؛ متن= ده دستویس دیگر ۳۴- لی، و: ز ۳۵- ل، ق، پ: چاره؛ س، لن، ق، آ، ل، آ، ب: مرمر؛ متن= ف، لی، و ۳۶- ل: زهر چیز گنجی نهاده؛ متن= یازده دستویس دیگر ۳۷- آ: پای ۳۸- ل، ق، پ: فکنده برو؛ س: برو فکنند (حرف یکم واژه دوم نقطه ندارد)؛ ق، آ، لی، آ: بدو فکنند؛ متن= ف، لن، و، ل، آ، ب ۳۹- پ: فر ۴۰- س، لن، آ: بدان؛ ب: برین؛ متن= هشت دستویس دیگر ۴۱- ل- ق، لی، پ، آ، ل، آ، ب: چاره؛ ق: جاه؛ متن= ف، و ۴۲- لن، ق، آ: رکیب ۴۳- ق: عنان؛ درو این بیت پس از بیت های پ ۴۴ آمده است ۴۴- ل- ب (ونیز ل، لن، آ) این بیت را ندارند؛ متن= ف؛ س، لن، ق، آ- ب (ونیز ل، لن، آ) بجای این بیت دو بیت زیر را افزوده اند:

چو اندیشه کرد این (آ، ب: آن) بشارن بگفت کجا بود آن (و: او) رازها در (و: را) نهفت چو قارن شنید این (س، آ: آن) سخن از (آ: سخنهای) شاه چنین گفت کای مهتر نیکخواه (لی، و، آ، ل، آ، ب: کینه خواه)

این دو بیت در ف، ل، ق نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند؛ در و پس از این بیت ها بیت ۹۱۰ آمده است

به کهتر سپارد سپاهی گران  
 کزین راه جنگست وزان راه جَست<sup>۲</sup>  
 هم انگشتی<sup>۴</sup> تور با من براه  
 سپه را به حصن اندر انداختن  
 برین راز<sup>۸</sup> بر هیچ<sup>۹</sup> مگشای لب

نهادند بر کوهی پیل کوس  
 ز خشکی به دریا نهادند روی  
 که من<sup>۱۱</sup> خویشتن را بخوام نهفت  
 نمایم بدو مهر<sup>۱۳</sup> انگشتی  
 درفشان کنم تیغ های بنفش  
 چو من برخروشم دمید و دهید<sup>۱۷</sup>

به شیروی شیراوزن<sup>۱۹</sup> و<sup>۲۰</sup> خود براند  
 سخن گفت و<sup>۲۱</sup> دزدار<sup>۲۲</sup> مهرش بدید  
 فرمود<sup>۲۴</sup> تا يك زمان دم زدم  
 که روز و شب آرام و خوشی<sup>۲۷</sup> مجوی  
 نگهبان دز باش و هشیار<sup>۲۸</sup> باش  
 سوی دز فرستد همی<sup>۳۰</sup> با سپاه  
 مگر کان<sup>۳۲</sup> سپاه ورا بشکنید

اگر شاه بیند، ز جنگاوران  
 در چاره‌ی او بگیرم بدست  
 بیاید<sup>۳</sup> درفش همایون شاه  
 ۹۱۵ بخوام کنون<sup>۵</sup> چاره‌ی ساختن  
 من و گرد کرشاسپ<sup>۶</sup> و این<sup>۷</sup> تیره‌شب

چو روی هوا گشت<sup>۱۰</sup> چون آبنوس  
 همه نامداران پرخاشجوی  
 سپه را به شیروی بسپرد و گفت  
 ۹۲۰ شوم سوی دزبان به پیغمبری<sup>۱۲</sup>  
 چو در<sup>۱۴</sup> دز شوم<sup>۱۵</sup> بفرارم درفش  
 شما روی یکسر سوی دز<sup>۱۶</sup> نهید

سپه را بنزدیکی دز<sup>۱۸</sup> بماند  
 بیامد چو نزدیکی دز رسید  
 ۹۲۵ چنین<sup>۲۳</sup> گفت کز نزد تور آمدم  
 مرا گفت رو<sup>۲۵</sup> پیش<sup>۲۶</sup> دزبان بگوی  
 تو با او به نیک و به بد یار باش  
 گر آید<sup>۲۹</sup> درفش منوچهر شاه  
 شما بازدارید<sup>۳۱</sup> و نیرو کنید

۱- و: اگر بیند این شاه جنگاوران؛ و در اینجا سرنویس دارد: مگر کردن قارن کاوه و گرفتن حصار سلم ۲- س، لن، ق، پ: که هم راه (س: کنون جای؛ لن: کنون راه) جنگست و هم راه جست؛ لی: کزین رای جنگست و آن راه جست؛ و: کزو جای جنگست و زوجای جست؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، آ، ل، ب ۳- ل: همان با؛ متن = یازده دستویس دیگر ۴- ق: همان انگشتی (وزن نادرست است)؛ ق، آ، پ: هم انگشت؛ متن = نه دستویس دیگر ۵- ل، و: بیاید کنون؛ آ: توانم مگر؛ متن = نه دستویس دیگر ۶- ل: کتاسب (!) ۷- ق، آ: ان؛ لی، و، ل، آ: رین؛ ب: این؛ متن = هفت دستویس دیگر ۸- س: برین راه؛ لن، لی: برین رای؛ و: ازین راز؛ متن = هفت دستویس دیگر ۹- ل: بریاد ۱۰- ل، آ: گشت ۱۱- ل، آ: کمین ۱۲- س، ق، آ، ب: پیغامبری (وزن نادرست است)؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۳- ف، س، لن، ق، آ، لی، و: مهر؛ متن = ل، ق، پ، آ، ل، آ، ب؛ ل، آ پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن قارن و گرفتن دز بفر منوچهر ۱۴- س، لی، و، ب: بر؛ متن = ف، ل، پ ۱۵- و، ب: روم ۱۶- ق، پ: من ۱۷- ف، ق: که (ق: جو) پیش اندر آید دمید و دهید؛ ل: چنانک اندر آید خورید و دهید؛ پ: چوآیند خنجر کشید و دمید؛ و: چوپیش آمد اندر دمید و دهید؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۸- س، لن، لی، ب: بزدیک دریا؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۹- ل، س، لن، ق، آ، ب: شیراوزن (حرف ششم سه نقطه دارد) ۲۰- پ: < و > ۲۱- ق، آ، و، ب: < و > ۲۲- و، ب: دزدار و ۲۳- ق، پ: بدو ۲۴- ل، س، پ: فرمود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، آ، ل، آ: فرمود؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۵- ل، پ: شو؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۶- ق، آ، ب: نزد؛ پ: سوی؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۷- ل: خوردن؛ لن: خوبی؛ لی، ب: خفتن؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۸- ل، ق، ب (و نیز ل، آ): بیدار؛ متن = ف، س، لن (و نیز لن، آ)؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۹- ل، ق، پ، آ، ل، آ: کزایدر؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ) ۳۰- س، لن، لی: کسی؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ)؛ درل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۱- س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ): شما یار باشید؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، پ، و، ل، آ ۳۲- و: آن

همان مهر و<sup>۲</sup> انگشتی را بدید  
 بدید<sup>۴</sup> آشکارا، ندانست راز<sup>۵</sup>  
 - که راز دل از دیدگان درنهفت-<sup>۷</sup>  
 ابا پیشه‌مان<sup>۹</sup> نیز اندیشه باد<sup>۸</sup>  
 بیاید همه داستانها<sup>۱۱</sup> زدن  
 یکایک<sup>۱۲</sup> براز اندر آورد<sup>۱۳</sup> روی  
 بداد از گزافه سر و دز<sup>۱۴</sup> بیاد

درفشی برافراشت<sup>۱۵</sup> چون گرد ماه<sup>۱۴</sup>  
 به شیروی و<sup>۱۷</sup> گردان<sup>۱۸</sup> گردنکشان  
 به دز روی بنهاد مرد پی<sup>۲۰</sup> (!)  
 سران را ز خون بر سر افسر نهاد  
 به سر بر ز تیغ آتش<sup>۲۳</sup> و آب زیر  
 نه آیین دز بد<sup>۲۵</sup> نه دزبان پدید  
 یکی دود دیدی<sup>۲۸</sup> سر اندر سحاب  
 خروش اسیران<sup>۳۰</sup> و فریاد خاست

۹۳۰ چو دزبان چُنین<sup>۱</sup> گفت ها را شنید<sup>۲</sup>  
 همانگه در دز گشادند باز  
 نگر تا سخن گوی دهقان چه گفت<sup>۳</sup>  
 مرا و ترا بندگی پیشه باد<sup>۴</sup>  
 به نیک و به بد هرچه<sup>۱۰</sup> شاید بدن  
 ۹۳۵ چو دزدار با<sup>۱۲</sup> قارن رزمجوی  
 به بیگانه بر مهر خوشی نهاد

چو شب روز شد قارن رزمخواه  
 خروشید و بنمود یک یک نشان  
 چو شیروی دید آن درفش کمی<sup>۱۹</sup>  
 ۹۴۰ در حصن بگرفت<sup>۲۱</sup> و اندر نهاد<sup>۲۲</sup>  
 به یک دست قارن به یک دست شیر  
 چو خورشید بر تیغ گنبد کشید<sup>۲۴</sup>  
 نه دز بود گفستی<sup>۲۶</sup> نه<sup>۲۷</sup> کشتی بر آب  
 درخشیدن<sup>۲۹</sup> آتش و باد خاست

۱- ق: چنا > ن < ؛ آ: چنان ۲- س، لن: چو دزبان سخن را سراسر شنید؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳- ل، پ، ب: < و > ؛ متن = هشت دستویس دیگر (ونیز ل: لن) ۴- ف: شنید؛ ق: بدین؛ متن = ل، ق، پ- ب (ونیز ل: لن) ۵- س، لن، لی: ندانست هیچ آشکارا ز راز ۶- ق: نگه کن که دهقان بخرد چه گفت ۷- ل، ق: که راز دل از کودک خود نهفت؛ س، لن، ق: ب (ونیز ل: لن): که راز دل آن (ب: ان) دید کودل نهفت؛ متن = ف ۸- و: داد ۹- س، لن: مران پشمان؛ لی: باندیشه‌مان؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۰- ل: هرچ ۱۱- ل، پ، و (ونیز ل: لن): بیاید همی داستانها؛ ق: ق، لی، آ، ب: همه (ق: بدان) داستانها بیاید؛ متن = ف، س، لن، ل: ۱۲- ل، ق، و: چو دزدار (و: دزبان) و چون؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۳- ل، ق، ق، پ، و: یکایک بروی (و: بدز) اندر آورد (ل: آورده)؛ س، لن، لی: یکایک بیالا نهادند؛ ل: یکایک براز ایدر آورد؛ متن = ف، آ، ب: ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی بد سگال و یکی ساده دل سپهبد به هر چاره آماده دل  
 همی جست آن روز تا شب زمان بناگاه (→ نه آگاه) دزد دار ازان بدگمان (ق: بی گمان)

۱۴- ق: سروتن؛ ق: از گزاف از سرد ز: ل پس از این بیت سرنویس دارد: تسلیم کردن دزبان دز را بقارن کاه؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:  
 چو بنهاد شب رو براه گریز بر آورد خورشید ازو رستخیز  
 ۱۵- ل- آ، ب: بر افراخت؛ متن = ف، ل: ۱۶- س، لن، لی: بردز چو ماه؛ پ: چون روی ماه؛ آ: پیکر چو ماه؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۷- ل: < و > ؛ و: به شیرو و؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۸- ق: شیران و؛ س، لی، و، آ، ب: گردان و؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، ل: ۱۹- ل: بلی؛ و (ونیز ل: لن): کیان؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۰- ل، ق: به کین روی بنهاد با پر دلی (ق: از بد خوی)؛ س: همی روی بنمود مرغ پی؛ لن، ق، آ، ل: ب: بی روی بنهاد (لن: بنمود) مرد پی؛ لی: پوشید باهن بر پهلوی؛ پ: بدو روی بنهاد از پی پی؛ و (ونیز ل: لن): همی روی بنهاد زی پهلوان؛ متن = ف ۲۱- آ: بگشاد ۲۲- س، لن، ق، لی، ل: آ، ب: وسر در نهاد؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۳- ل: به سرگرز و تیغ آتش؛ ق: بر گرز گران آتش (وزن نادرست است)؛ متن = ده دستویس دیگر؛ در ف پس از این بیت، بیت ۹۴۴ آمده است ۲۴- ل، س، ق، ق، آ، ب: رسید؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۵- س، لن، ق، لی، آ، ل: ب: نه دز بود پیدا؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل: لن) ۲۶- س، لن، ق، آ، پ: پیدا؛ متن = هشت دستویس دیگر (ونیز ل: لن) ۲۷- ف: چه؛ پ: که؛ متن = ده دستویس دیگر (ونیز ل: لن) ۲۸- لی: بودی ۲۹- ف: درفشیدن؛ س، لن: درخشندگی؛ متن = نه دستویس دیگر (ونیز ل: لن) ۳۰- ل، ق، پ، و (ونیز ل: لن) سواران؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ در ف این بیت پس از بیت ۹۴۱ آمده است و لت های آن هم پس و پیش شده‌اند

- ۹۴۵ چو خورشید تابان ز گنبد<sup>۱</sup> بگشت  
بکشتند از ایشان ده و دو هزار<sup>۲</sup>  
همه روی دریا شده قیرگون<sup>۳</sup>
- همان<sup>۴</sup> دز نمود و همان<sup>۵</sup> پهن<sup>۶</sup> دشت  
همی دود<sup>۷</sup> آتش برآمد چو<sup>۸</sup> قار  
همه روی صحرا شده رود خون<sup>۹</sup>
- از آن<sup>۱۰</sup> جایگه قارن رزمخواه<sup>۱۱</sup>  
به شاه نوآیین بگفت آنچ<sup>۱۲</sup> کرد  
۹۵۰ برو بر<sup>۱۳</sup> منوچهر کرد آفرین  
تو زیدر برفتی<sup>۱۴</sup> بیامد سپاه  
نبیره سپهدار<sup>۱۵</sup> ضحاک<sup>۱۶</sup> بود  
یکی تاختن کرد با صد هزار<sup>۱۷</sup>  
بگشت از دلیران من<sup>۱۸</sup> چند مرد  
۹۵۵ کنون سلم را رای<sup>۱۹</sup> جنگ آمده است  
یکی دیو جنگیش گویند هست  
هنوز اندر آورد نبسودمش<sup>۲۰</sup>  
چو این بار کاید<sup>۲۱</sup> سوی ما به جنگ
- بدو گفت قارن که ای شهریار  
۹۶۰ اگر همنبرد تو باشد پلنگ  
کدامست کاکوی<sup>۲۲</sup> و کاکوی<sup>۲۳</sup> چیست<sup>۲۴</sup>
- که آید به<sup>۲۵</sup> پیش تو در کارزار  
بدر<sup>۲۶</sup> بدو<sup>۲۷</sup> پوست از یاد<sup>۲۸</sup> جنگ<sup>۲۹</sup>  
هماورد تو در جهان مرد کیست

۱- ل، پ، آ، ل، ب: بالا؛ متن = ف، و (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲- ل: چه آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۳- (ل: ساده)؛ متن = ف- ب (و نیز ل، ن، آ) ۴- ل: بکشند از ایشان فزون از شمار؛ و: ز کشتی وزورق ده و دو هزار؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- پ: دوداز ۶- س، ل، ن، ل، آ: ز؛ آ: از دیده بر چرخ می شد چو؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۷- س، ل، ن: تیره گون ۸- ل، س، ل، ن، ق، پ، ل، آ، ب: جوی خون؛ ق، آ: تیره گون؛ آ: ز خون روی دریا شده لاله گون؛ متن = ف، ل، و ۹- س- ب (و نیز ل، ل، ن، آ): وزان؛ متن = ف، ل ۱۰- ق، آ، ل، ی، آ، ل، آ، ب: کینه خواه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۱- ق- ب: آنچه؛ متن = ف، ل، س، ل، ن ۱۲- س، ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب: ازان؛ لی: ازین؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۱۳- ل، ی، آ: بدویر ۱۴- ق، آ، ب: که بی نومبادا کلاه و نگین؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۵- لی: توزاید چورفتی؛ آ: چورفتی توزاید ۱۶- و: جهاندار ۱۷- ل، ق: کرکوی؛ س، ل، ی، پ (و نیز ل، ل، ن، آ): کالوی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۸- ف- ل، ی، و، ل، آ: ناپاک؛ پ، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): ناپاک ۱۹- و: سی هزار ۲۰- و: ز نرکان ۲۱- ل، پ، آ: گردنکش و ۲۲- ف: کینه دار؛ ق، آ، ل، ی، ل، آ، ب: نیزه دار؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۳- ل، ق، پ، و (و نیز ل، ل، ن، آ): ما؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۴- و: روز ۲۵- ف: که دلش از بی تورنگ؛ ل، ق: چو (ق: که) کرکوی یارش بجنگ؛ ل، ل، آ: که یارش (لی: که یارش) ز دز هوخ (لی: هوحه) کنگ؛ (ل: هوش کنگ؛ ل، ن، آ: هوش کنگ)؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- ف: < و؛ ل، ق، و: کند رزم ناپاک؛ س، ل، ن: که با سهم بیست و؛ لی: که در رزم ناپاک؛ آ: که رزم ناپاک؛ ب: که رزم ناپاک و؛ متن = ق، آ، پ، ل، آ ۲۷- لی: نشنودمش؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۲۸- و: بگاہ دلیری ۲۹- ل، آ: به پیمودمش ۳۰- ق، آ: ارین بار کاهد؛ لی، ل، آ، ب: از این بار کاید؛ و: گر این بار آید؛ آ: چو این بار آید؛ س، ل، ن، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، پ ۳۱- و: ورا ۳۲- آ: تش را بنگ ۳۳- ل، آ: نه ۳۴- ق: بدری ۳۵- ل، س، ل، ن، ق، پ- ب: برو؛ متن = ف، ق، آ، لی ۳۶- ف، ل، و (و نیز ل، آ): باد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ل، ن، لی، آ، ل، آ: هنگام؛ ق، آ، ب: باد؛ (ل، ن، آ: نار)؛ متن = پ ۳۷- ف: چنگ؛ در س، ل، ن، ق، آ، ل، ی، و، آ، ل، آ، ب این بیت با بیت سپین پس پیش شده است و در س، ل، ن، آ، ل، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

چو برخاست آواز شیپور و نای  
بقلب اندرون شاه بگزید جای  
چنین (س، ل، ن: همی) گفت قارن بشاه جوان (آ، ب: جهان)  
چه بر (آ: ابر؛ ب: که بر) آشکارا چه اندر نهان  
۳۸- ل، ق: کرکوی؛ س، ل، ن، لی، پ: کالوی؛ متن = ف، ق، آ، و، آ، ل، آ، ب ۳۹- ل: کرکوی؛ س، ل، ی، پ: کالوی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۴۰- ق، ب: کیست (پساوند ندارند)؛ در س، ل، ن، ق، آ، ل، ی، آ، ل، آ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است

یکی چاره سازم بدین<sup>۱</sup> کار نغز  
چو کاکوی<sup>۲</sup> ماننده ناید<sup>۳</sup> به جنگ

برآمد ز دهلیز پرده سرای<sup>۴</sup>  
هوا<sup>۱۱</sup> قیرگون شد زمین<sup>۱۲</sup> آبنوس  
همان گرد تیره<sup>۱۳</sup> زبان<sup>۱۴</sup> داری  
هوا دام کرگس شد از پر تیر<sup>۱۵</sup>  
چکان قطرهی خون ز تاریک میغ  
و زو<sup>۱۶</sup> موج بر اوج خواهد زدن  
برآویخت با شاه چون نره دیو  
گشاده برو دست و<sup>۱۷</sup> بسته میان  
بجنبید بر سرش رومی کلاه  
از<sup>۱۸</sup> آهن تن پاکش<sup>۱۹</sup> آمد پدید

من اکنون به هوش دل و پاک مغز  
کزین پس سوی<sup>۲</sup> ماز دزهوخت کنگ<sup>۳</sup>

بگفتند و آوای<sup>۴</sup> شیپور و<sup>۵</sup> نای  
۹۶۵ خروش<sup>۹</sup> سواران و آواز<sup>۱۰</sup> کوس  
تو گفتی که الماس جان داری  
دهاده خروش آمد و گیرگیر<sup>۱۵</sup>  
فسرده<sup>۱۷</sup> ز خون پنجه بر دست<sup>۱۸</sup> تیغ  
تو گفتی زمین موج خواهد زدن  
۹۷۰ برون رفت کاکوی<sup>۱۱</sup> و برزد<sup>۱۲</sup> غریو  
تو گفتی دو پیل اند هر دو زبان  
یکی نیزه زد بر کمر بند<sup>۲۴</sup> شاه  
زره با<sup>۲۵</sup> کمر بند<sup>۲۶</sup> او بردرید

۱- ل، پ، ب: برین؛ متن = نه دستویس دیگر ۲- و: بر؛ ق، ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستویس دیگر ۳- ف: هوشکنک؛ لی: هوحه کنک؛ ل<sup>۱</sup> هوح کنک؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نزل<sup>۲</sup>) ۴- ل: کرکوی؛ س، لی: کالوی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۵- ل: دیگر نیاید؛ س، لن: سرکش نیاید؛ لی (و نزل<sup>۲</sup>): بی مایه ناید؛ و (و نزل<sup>۲</sup>): ماند نیاید؛ ل<sup>۲</sup>: مابنده ناید؛ متن = ف، پ، آ، ب؛ ل، ق، و (و نزل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت و ق<sup>۲</sup> پس از بیت ۹۶۹ افزوده اند:

چنین داد پاسخ بدو (ق، ق<sup>۲</sup>، و: بدو گفت پس نامور) شهریار  
تو خود رنجه گشتی بدین تاختن  
کنون گاه رزم (و: جنگ) من آمد فراز  
این بیت هادر ف، س، لن، لی، پ، آ، ل<sup>۱</sup>، ب نیست ۶- س، لن، و: بگفت این و آواز؛ لی، آ: بگفتند و (لی: ز) آواز؛ ل<sup>۲</sup>: بگفت و باوای؛ متن = ف، ل، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، ب ۷- ل، ق: < و > ۸- پ، آ: برآمد همیدون (آ: همانگه) ز پرده سرای؛ و: برآمد ز پرده بهر دو سرای؛ متن = نه دستویس دیگر ۹- ق، ل<sup>۲</sup>: ز جوش؛ متن = ده دستویس دیگر (و نزل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۰- ل- و: آوای؛ متن = ف، آ، ل<sup>۲</sup>، ب ۱۱- ل، ق، پ: زمین؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۲- ل، ق، پ: هوا؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۳- ل، ق، پ: گرز و نیزه؛ ل<sup>۲</sup>، ب: گرد نیزه؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نزل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۴- لی، و (و نزل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): روان؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۵- ل- آ، ب (و نزل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): داروگیر؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> ۱۶- ق: از ابر تیر؛ و: و ابر تیر ۱۷- ل: فشرده ۱۸- ل، س، پ، آ: بردست و؛ لی: و دست و؛ و: فسرده به پنجه درون دست و؛ ل<sup>۲</sup>: فسرده ز خون بود بردست؛ متن = ف، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، ب ۱۹- ل، ق، و، ب: وزان؛ پ: همی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۰- و، آ: شدن؛ ل، ق، پس از بیت ۹۶۹ سه بیت زیر را و تنها بیت نخستین را افزوده اند:

برآمیخنه يك بدیگر سپاه  
هم آنگه دمان گرد کرکوی شیر  
چو شاه منوچهر او را بدید  
لی، آ، ب پس از بیت ۹۶۹ بیت زیر را و ق<sup>۲</sup> پس از بیت ۹۶۹ نخت سه بیت ۹۶۳ پ را و سپس بیت زیر را افزوده اند:  
جهان گشت چون روی زنگی سیاه  
به پیش سپاه اندرآمد دلیر  
بکردار پیر (ق: ابر) دمان برمدید  
همان گرد کاکو (لی: کالو) بدو کرد روی  
آ: همان گرد کوکوبدو کرد اوی (!)

ل<sup>۲</sup> پس از بیت ۹۶۹ سرنویس دارد: جنگ کاکوی نیره ضحاک با منوچهر و کشته شدن ۲۱- ل: کرکوی؛ س، پ: کالوی؛ لی: کالو؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۲- ل، پ، و: برشد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۳- ق، ب: < و >؛ و: بروننگ؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۴- ل، ق، ل<sup>۲</sup>: کمرگاه؛ متن = نه دستویس دیگر؛ و: پس از این بیت افزوده است:  
هم آنگه دمان گرد کاکوی شیر  
پیش سپاه اندرآمد دلیر (= ۹۶۹ پ ۲)  
۲۵- ف ناخوانست؛ ل، ق، پ، و: بر؛ ق<sup>۲</sup>، آ: نا؛ متن = س، لن، لی، ل<sup>۲</sup>، ب ۲۶- و: کمرگاه ۲۷- و، آ، ب: ز ۲۸- ل، ق، پ: آهن کمرگاش؛ متن = نه دستویس دیگر

یکی تیغ زد شاه بر گردنش  
 ۹۷۵ دو خونی<sup>۲</sup> برین<sup>۴</sup> گونه تا نیم روز  
 همی چون پلنگان برآویختند  
 به خون غرقه شد کوه و دریا و دشت  
 دل شاه از<sup>۹</sup> جنگ برگشت تنگ  
 کمریند کاکوی<sup>۱۱</sup> بگرفت خوار  
 ۹۸۰ بینداخت خسته بران<sup>۱۳</sup> گرم خاک  
 شد آن مرد تازی به تیزی<sup>۱۶</sup> به باد  
 چنو<sup>۱۹</sup> کشته شد پشت خاورخدای  
 تهی شد ز کینه سر کینه‌دار  
 پس اندر سپاه<sup>۲۲</sup> منوچهر شاه  
 ۹۸۵ چنان شد<sup>۲۵</sup> ز بس کشته و خسته<sup>۲۶</sup> دشت

همه<sup>۱</sup> چاک شد جوشن<sup>۲</sup> اندر تنش  
 چو برگشته شد هور<sup>۵</sup> گیتی فروز  
 همه<sup>۶</sup> خاک با خون برآمیختند<sup>۷</sup>  
 از اندازه آویزش اندرگذشت<sup>۸</sup>  
 بیفشرد<sup>۱۰</sup> ران و بیازید چنگ  
 ز زین برگسست<sup>۱۲</sup> آن تن پیلوار  
 به شمشیر کردش<sup>۱۴</sup> برو سفت<sup>۱۵</sup> چاک  
 چنان<sup>۱۷</sup> روز بد را ز مادر بزاد<sup>۱۸</sup>  
 شکسته شد و دیگر آمدش<sup>۲۰</sup> رای  
 گریزان همی رفت سوی حصار<sup>۲۱</sup>  
 دمان<sup>۲۳</sup> و دنان<sup>۲۴</sup> برگرفتند راه  
 که پونده را راه دشوار گشت

۱- پ: همی ۲- س، لن، ل: ل: جامه؛ متن = نه دستویس دیگر ۳- س، لن، ق، ل، آ، ل: ب: دولشکر؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۴- ف، ب: بران؛ لن، ق، ل، آ، ل: آ: بدین؛ متن = ل، س، ق، پ، و، ل ۵- ل، ق، پ، و: که (پ: چن) سرگشته (ق: برگشته) شد هور؛ س، لن، ق، ل، آ، ل: ب: که گشت از برش شاه (ق، ل، آ، ب: هور)؛ متن = ف ۶- ل، س، ق، پ، ب: همی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۷- پ: بیامیختند ۸- دل، س، ق، ل، آ، ل: ب: بیت ۹۷۷ چنین آمده است:

چو خورشید گردان (س، ق، ل، آ: تابان) ز گنبد بگشت  
 به خون شنه (س، ل: غرقه؛ ل: نشنه) شد کوه و دریا و دشت  
 ل، ق: به خون غرقه بد (ق: شد) کوه و هامون (ق: صحرا) و دشت  
 لن بجای بیت بالا و س، ق، ل، آ، ل: ب پس از بیت بالا افزوده‌اند (در س، ق، ل: های آن پس و پیش شده‌اند):  
 همه (س، لن: همی) گشت (ل: گوشت) پر خون درو (ق: بدو؛ آ: س) کوه و دشت

از اندازه آویزش اندرگذشت

در پ، و بیت ۹۷۷ چنین آمده است:

چو خورشید بر چرخ گردان (و: تابان ز گنبد) بگشت  
 متن = ف ۹- ل- ب (و نیز لن: ل) در (ل: بر)؛ متن = ف ۱۰- ل، ق، و، آ (و نیز ل، ل، لن: ل): بیفشارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۱- س، ل، پ: کالوی؛ ق: کرکوی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۲- ل، ق- ب (و نیز ل، ل، لن: ل): برگرفت؛ متن = ف، س، لن ۱۳- ل: بدان؛ ل: دران ۱۴- ل، ق، ق، ل، آ، ل: ب: کرده؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۵- ل، ق، پ، و، آ (و نیز ل، ل، لن: ل): سینه؛ ل: دست؛ متن = ف، س، لن، ق، ل، آ، ل، ب ۱۶- ل، ق، پ: ز تیزی؛ ق: چنان مرد تازی شیری؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۷- ل، ق، پ، و، آ: جزان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۸- ل، ق، پ، و، آ: نژاد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۹- ق، پ: چو او ۲۰- ل: افتاد؛ برخی از دستویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر کشته شدن کالوی بر دست منوچهر و هزیمت شدن سلم و کشته شدن سلم بر دست منوچهر؛ س، و: منوچهر شاه؛ آ (چند بیت پایین تر): رزم منوچهر با سلم و کشتن سلم؛ ل (چند بیت پایین تر): هزیمت کردن سلم و کشته شدن اوی ۲۱- پ پس از این بیت افزوده است:

چو نزدیکی ژرف دریا رسید نشان یکی چوب کشتی ندید

۲۲- ل: سپاه و ۲۳- آ: دوان ۲۴- ق: دوان؛ در ق، ل، های این بیت پس و پیش شده‌اند و پس از آن افزوده است:

چو شد سلم تا پیش دریا کنار ندید ایچ کشتی و نه ره گذار

این بیت در هیچ يك از یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، لن: ل) نیست، ولی در ترجمه بونداری جمله‌ای آمده است که نشان میدهد که او این بیت یا بیت ۹۸۳ پ را داشته است: فلما قرب من البحر لم یصادف إلا مرکب الحمام ۲۵- ق: بد ۲۶- ف: خسته و کشته؛ ق، ل: خستگان روی؛ ب: کشتگان زوی؛ متن = هشت دستویس دیگر



نشست از بر چرمه‌ی تیزرو  
به گرد سیه<sup>۲</sup> چرمه<sup>۲</sup> اندرنشاخت<sup>۱</sup>  
خروشید کای مرد بیداد<sup>۷</sup> شوم  
کله یافتی چند پویی براه  
به بار آمد آن خسروانی درخت  
فریدونت گاهی بیاراست نو<sup>۸</sup>  
بینی برش را کنون در<sup>۱۰</sup> کنار  
وگر پرنیانست خود رشته‌ی

یکایک به تنگی رسید اندروی<sup>۱۴</sup>  
به دو نیم<sup>۱۶</sup> شد خسروانی تنش  
به نیزه به ابر اندرافراشتند<sup>۱۷</sup>  
از آن زور و آن بازوی جنگجوی<sup>۲۰</sup>  
که پراگند روزگار دمه<sup>۲۱</sup>  
پراگنده در دشت و در غار و کوه<sup>۲۳</sup>  
که بودش زبان پر ز گفتار نغز  
شود گرم و باشد زبان<sup>۲۵</sup> سپاه  
زمین جز به فرمان تو<sup>۲۸</sup> نسپریم

پر از خشم و پر کینه سالار نو  
ببفگند<sup>۱</sup> برگستوان و بتاخت  
رسید آنگهی تنگ در<sup>۵</sup> شاه روم  
بکشتی برادر ز بهر کلاه  
کنون تاجت آوردم ای شاه و تخت<sup>۶</sup>  
ز تاج بزرگی گریزان مشو  
درختی که پروردی<sup>۹</sup> آمد بیار  
گوش<sup>۱۱</sup> بار خارست خود کشته‌ی

همی تاخت اسپ اندرین<sup>۱۲</sup> گفت و گوی<sup>۱۳</sup>  
یکی تیغ زد بر سر و گردنش<sup>۱۵</sup>  
بفرمود تا سرش برداشتند  
بماندند لشکر<sup>۱۸</sup> شگفت اندروی<sup>۱۹</sup>  
همه لشکر سلم همچون رَمه  
برفتند بی دل<sup>۲۲</sup> گروه‌ها گروه  
یکی پرخرد مرد پاکیزه مغز  
بگفتند تا زی<sup>۲۴</sup> منوچهر شاه  
بگوید که<sup>۲۶</sup> گفتند<sup>۲۷</sup> ما کهتریم

۱- ل، ق: بر افکند؛ لی، ب این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲- ف- ق، پ، و (و نیز ل ن)؛ س، ب؛ متن = آ، ل (و نیز ل) ۳- ف، ل: چهره (ف در بالا افزوده است: چرمه)؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، ن) ۴- ل، س، و: ساخت؛ ل: ساخت؛ متن = ف، ل، ن، ق، ق، آ، پ، ا ۵- ل: تنگ بر؛ ق، آ، ب: تند در؛ و: شاه در؛ متن = هفت دستویس دیگر ۶- ل، پ، ا: بیداد؛ متن = نه دستویس دیگر ۷- ف: شوم بخت؛ ق: شاه تخت؛ متن = ده دستویس دیگر ۸- س این بیت را ندارد ۹- پ، و: بنشاندی ۱۰- ل، پ، و، ل: بیایی (و، ل: بینی) هم اکنون برش در؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، آ: بینی برش (لن: سرش) هم کنون در (ا: بر)؛ ق: هم اکنون بیایی برش در؛ ب: بینی کنون هم برش در؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، ل، ن) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو در گور تنگ اسوارت کنند همه نیک و بد در کنارت کنند

۱۱- ل، ق، و، ل: آ؛ اگر؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۲- ف، و (و نیز ل، ن): اندران؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل) ۱۳- ل، ق، لی: گفت گوی؛ و، آ: گفت و گو؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۴- ا: اندرو؛ س: از آن زور و آن بازوی جنگجوی (= ۹۹۷ ب)؛ ق، آ، لی، ل: یکایک بتندی (ل: بنیکی) رسید اندروی (ق: رسیدند روی)؛ و: که ناگه بتنگی رسید اندرو؛ متن = ف، ل، ن، ق، پ، ب ۱۵- ل، ق، پ، و (و نیز ل، ل، ن): زود بر گردنش؛ ل، ن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: بر برو گردنش؛ س این بیت را انداخته است؛ متن = ف ۱۶- ل- ب (و نیز ل، ل، ن): نیمه؛ متن = ف ۱۷- س این بیت را انداخته است ۱۸- ف: شیران؛ س این لیت را انداخته است؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن) ۱۹- لی: اندرو؛ و: پر از گفت و گوی؛ آ: بدو در شگفت؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۰- لی: جنگجو؛ ل: از آن زور و بازوی آن جنگجوی؛ ق: از آن برز بالای آن نامجوی؛ و: از آن زور و بالا و آن کفت اوی؛ آ: بدان زور و بازوی و آن یال و سفت؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، پ، ل: در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ س ۹۹۴ ب، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷ را انداخته و از ۹۹۴ و ۹۹۷ ب يك بیت ساخته است ۲۱- در ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۲- ل، پ: لشکر؛ س، ل، ن، ق: یکسر؛ ق، آ، لی، ب: بی ره؛ متن = ف، و، آ، ل (و نیز ل، ل، ن) ۲۳- ل: در دشت < و > دریا و کوه؛ س، ل، ن، ق، لی، پ، و: در (ق: بر) دشت و (ق: < و >) وادی (س، ل، ن، لی: صحرا) و کوه؛ متن = ف، ق، آ، ل، ب ۲۴- ل: باری ۲۵- ل: زبان؛ س، ل، ن، لی: شود زود و گوید پیام؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۶- ق: بیامد که؛ آ: بگوید ۲۷- ل: گفتند و ۲۸- ل، و، او؛ ل: آ؛ ش؛ متن = نه دستویس دیگر

- گروهی خداوند بر<sup>۱</sup> چارپای  
سپاهی بدین رزمگاه آمدیم<sup>۲</sup>  
کنون سربسر شاه را<sup>۵</sup> بنده‌سیم  
گرش<sup>۷</sup> رای جنگست و خون ریختن  
سران یکسره<sup>۸</sup> پیش شاه آوریم  
براند<sup>۱۱</sup> هر آن کام کو را<sup>۱۱</sup> هواست
- ۱۰۰۵
- بگفت این سخن مرد بسیار هوش  
چنین داد پاسخ که من کام خویش  
هر آن چیز کان نز ره ایزدبست،  
سراسر ز دیدار من دور باد  
شما گر همه کینه‌دار منید  
چو پیروزگر دادمان دستگاه  
کنون روز دادست<sup>۲۱</sup>، بیداد شد  
همه مهر جوید و افسون کنید
- ۱۰۱۰
- ۱۰۱۵
- گروهی خداوند کشت و سرای<sup>۲</sup>  
نه بر آرزو کینه‌خواه آمدیم<sup>۴</sup>  
دل و جان به مهر وی آگنده‌سیم  
نداریم نیروی آویختن  
همانا همه<sup>۹</sup> بی‌گناه آوریم  
برین بی‌گنه<sup>۱۱</sup> جان ما پادشاست
- سپهدار خیره<sup>۱۳</sup> بدو داد گوش  
به خاک افگنم، برکشم<sup>۱۴</sup> نام خویش  
از آهرمنی گرز دست بدیست<sup>۱۵</sup>،  
بدی را تن دیو، رنجور<sup>۱۶</sup> باد  
وگر<sup>۱۷</sup> دوستدارید<sup>۱۸</sup> و یار منید<sup>۱۹</sup>  
گنه‌کار شد رسته با<sup>۲۰</sup> بی‌گناه  
سران را سر از کشتن<sup>۲۲</sup> آزاد شد  
ز تن آلت جنگ بیرون کنید<sup>۲۳</sup>

۱- ق، پ: خداونده<sup>۲</sup> - لی: کشت و درای؛ ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

نبدمان برین کینه‌گه دستگاه (ق: دست و پای) بیایست رفتن به فرمان شاه (ق: و رای)

۳- ب: گروهی بدین رزمگاه آمدند (پاوند ندارد) - ۴- س، ل، آ، ب: نه بر آرزو پیش (س، ب: نزد) شاه آمدیم؛ ل، ن این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر - ۵- س، ل، ن، ق، آ، لی: کنون شاه را سربسر؛ متن = هشت دستویس دیگر - ۶- لی: نو آکنده‌سیم؛ ب: وی افکنده‌سیم؛ پ: بفرمان و رایش سرافکنده‌سیم؛ متن = نه دستویس دیگر - ۷- آ: گرت - ۸- س، ل، ن، لی: سرانرا همه؛ ق: سراسر سه؛ متن = هشت دستویس دیگر - ۹- ل، ق: بر او سر (ق: تن)؛ متن = ده دستویس دیگر - ۱۰- ف، ق، ق، آ، و (و نیز ل، ن، آ): براید؛ آ: سراید؛ ب: براند (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن = ل، س، ل، ن، لی، پ، ل، آ (و نیز ل، ن، آ): کاترا - ۱۲- ف، و (و نیز ل، ن، آ): برین گونه بر؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، آ، ل: ازیرا که بر؛ متن = ل، ق، پ، ب؛ ف، ل، آ پس از این بیت سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آمدن لشکر سلم و تور بزنهاار منوچهر و دادن منوچهر زنهاارشان و نواختن ایشان؛ ل: پاسخ دادن منوچهر لشکریان توران را - ۱۳- ب: چیره - ۱۴- آ: برکنم - ۱۵- ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، ل: همه راه اهرمنست (ف: اهرمنی) و بدیست؛ ق، پ، و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): از (پ: ز) اهرمنی (و: اهرمنی) یا ز دست بدیست؛ (ل: آ) از اهرمنی نزره بخردیست؛ متن = ل - ۱۶- آ: مزدور - ۱۷- و: اگر - ۱۸- آ: دوستاران - ۱۹- و: وگر دشمنید - ۲۰- لی: یا، و، ب؛ و؛ ل، ق، پ: گنه کار پیدا شد از؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، آ، ل، آ - ۲۱- ل، ق: دادست و؛ متن = ده دستویس دیگر - ۲۲- س، ل، ن، ق، آ، لی: سرانرا ز کشتن سر؛ متن = هشت دستویس دیگر - ۲۳- س، ل، ن، ق، آ، لی، ل، آ پس از این بیت سه بیت و تنها بیت سوم را افزوده‌اند:

خردمند باشید و پاکیزه تن (لی: دین)

همه شادمانی کنید انجمن

ق، آ، لی، ل: وز آفت همه پاک بیرون فکن (لی: و بیرون ز کین)

اگر تور اگر چین اگر مرز روم

ق، آ، لی، ل: اگر تورو (لی، ل، آ: < و >) چین ست و گر مرز روم

همه نیکویی بادتان دستگاه

اگر مرز چینست اگر بوم روم

پ: اگر تور اگر چین اگر مرز روم

سزای ستایش بهر انجمن

همه موبدان نر خود (پ: برخرید) ره کنید

بروشن روان توبده پایگاه (پ: بادتان جایگاه)

بران نامبردار شاه زمین (پ: نامور مهتر راستین)

در ب نیز مانند همین بیت ها پس از بیت ۱۰۱۸ آمده است، ولی این بیت در و نیز تنها يك بیت از آنها آمده است

بجایی کتان همت آباد بوم

بروشن روان بادتان جایگاه

ق، پ پس از بیت ۱۰۱۶ پنج بیت افزوده‌اند (در پ بیت یکم و دوم پس و پیش شده‌اند):

بجایی که تان همت آباد بوم

خردمند باشید و پاکیزه تن

بدان را ز بد دست کوتاه کنید

همه نیکوی بادتان دستگاه (پ: پایگاه)

همه مهنران خواندند آفرین

5

در ب نیز مانند همین بیت ها پس از بیت ۱۰۱۸ آمده است، ولی این بیت در و نیز تنها يك بیت از آنها آمده است

خروشی برآمد ز پرده‌سرای<sup>۱</sup>  
 ازین پس بخیره<sup>۲</sup> مرزید خون  
 از آن<sup>۳</sup> پس همه جنگجویان کین<sup>۴</sup>  
 همه آلت لشکر و ساز جنگ ۱۰۲۰  
 ببردند<sup>۵</sup> پیش گروه‌ها گروه  
 هم از<sup>۶</sup> جوشن و ترگ و برگستان  
 سبهد منوچهر بنواختن  
 فرستاده‌یی را برون کرد<sup>۷</sup> گرد<sup>۸</sup>  
 که ای پهلوانان فرخنده رای  
 که بخت جفا پیشگان شد نگون<sup>۹</sup>  
 یکایک نهادند سر بر زمین  
 ببردند نزدیک پور پشنگ<sup>۱۰</sup>  
 یکی توده کردند برسان کوه<sup>۱۱</sup>  
 چه گویال و چه<sup>۱۲</sup> خنجر هندوان  
 بر اندازه بر<sup>۱۳</sup> جایگه<sup>۱۴</sup> ساختشان  
 سر شاه خاور مر او را سپرد

### گفتار اندر نامه نوشتن منوچهر بنزدیک شاه آفریدون<sup>۱۵</sup>

یکی نامه بنوشت نزد نیا ۱۰۲۵  
 نخست آفرین کرد بر کردگار  
 سپاس از جهاندار پیروزگر  
 همه نیک و بد<sup>۱۶</sup> زیر فرمان اوست  
 کنون بر فریدون ازو<sup>۱۷</sup> آفرین  
 چه از جنگ و چه چاره و کیمیا<sup>۱۸</sup>  
 دگر یاد کرد از شه نامدار  
 کزوست نیرو و<sup>۱۹</sup> هم زو هنر<sup>۲۰</sup>  
 همه بندها<sup>۲۱</sup> زیر پیمان<sup>۲۲</sup> اوست  
 خردمند و بیدار شاه زمین

۱- لن، لی: در آن پهن جای ۲- س، لی: کسی را؛ متن= نه دستویس دیگر ۳- آ: سرنگون؛ ب پس از این بیت پنج بیت افزوده است (← ۱۰۱۶ پ):

بدان را ز بد دست کوتاه کنید  
 خردمند باشید و پاکیزه رای  
 بجایی که ویران شد آن مرز و بوم  
 همان کردن آباد آنجایگاه  
 5 بروشن روان بادنجان جایگاه  
 همه نیکویی سوی خود ره کنید  
 ز پرخاش دور و خرد رهنمای  
 اگر تور و چین ست و گر مرز روم  
 بروشن روان و بفرمان شاه  
 همه نیکویی بادنجان دستگاه

۴- س، ق، آ، لی، پ، آل، ب: وزان؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، و ۵- ل، ق، پ، و: چین؛ ق<sup>۲</sup>: بکین؛ متن= ف، س، لی، آل، ب ۶- در آ این بیت چنین آمده است:

همه آلت جنگ و ساز سپاه  
 ببردند نزدیک فرخنده شاه

۷- ق، پ، آ، ب: برفتند؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستویس دیگر ۸- پ: یکی توده که دید برسان کوه؛ ل<sup>۲</sup>: یکی پشته کردند بر پشت کوه؛ متن= نه دستویس دیگر ۹- س: همه؛ لن، ق، آ، لی: همه؛ ق، پ، آ، ب: چه از؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، و، ل<sup>۲</sup> ۱۰- لن: چه گویال چه؛ لی: ز گویال و از؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۱- ق: به اندازه بر؛ ل<sup>۲</sup>: بر اندازه‌شان ۱۲- ل، س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، لن): پایگه؛ متن= ف، ق ۱۳- ل: فرستاده‌یی را برافکند گرد؛ س، ق، آ: فرستاده پس برون کرد گرد؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۴- ف: گفتار اندر نامه نوشتن منوچهر بنزدیک شاه آفریدون و فرستادن سر سلم را بنزدیک او بجمازه؛ ل: نامه منوچهر پیش آفریدون و سپری شدن؛ س: نامه فرستادن شاه منوچهر بنزدیک شاه آفریدون با سر سلم؛ لن، ق، آ، لی: نامه منوچهر بنزدیک فریدون با سر سلم؛ ق، پ: فتح نامه منوچهر به فریدون شاه (پ: <شاه>) با سر سلم؛ و: فتح نامه منوچهر شاه نزد شاه فریدون با سر سلم؛ آ، ب: نامه فرستادن (ب: <فرستادن>) منوچهر نزد فریدون؛ ل<sup>۲</sup>: بازگشتن منوچهر و فرستادن نزد فریدون؛ متن= آغاز ف ۱۵- ل، ق، پ، و (و نیز ل): بر از جنگ و پر (و: از) چاره و کیمیا؛ لی، ب (و نیز لن): چه از جنگ و از چاره و (لن): چاره؛ کیمیا؛ س، لن، ق، آ: چه از چاره (س: چاره و) جنگ و از کیمیا؛ متن= ف، ل<sup>۲</sup> ۱۶- ل: <و> (وزن نادرست است)؛ ق، آ: کزوهت نیرو و؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۷- س، ل، و: فروهنر؛ لی: زو هم هنر؛ آ: زور و هنر؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۸- ل، ق: همه نیکویی؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۹- ل، ق، پ، و، ب: دردها؛ ل<sup>۲</sup>: بندها؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، لی، آ ۲۰- ل، ق، پ، ب: درمان؛ و: بهر درمان؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۱- ب: برز؛ ل: کنون ز آفریدون برو؛ ق: کنون از فریدون بدو؛ متن= نه دستویس دیگر

همش رای و هم فره ایزدی  
گشادیم بر<sup>۲</sup> دست افسون گران<sup>۳</sup>  
بشتم به پولاد روی زمین<sup>۴</sup>  
بیایم کنم هر چه<sup>۵</sup> رفته است<sup>۶</sup> یاد

جهاندار<sup>۱</sup> گرد<sup>۱۱</sup> جهانجوی را  
نگه کن همی<sup>۱۳</sup> تا چه<sup>۱۴</sup> یابی بجای<sup>۱۵</sup>  
بیر تا در شاه ناکاسته<sup>۱۸</sup>  
برآمد ز دهلیز<sup>۲</sup> پرده سرای  
ز چین دز سوی آفریدون<sup>۲۱</sup> کشید  
نیا را به دیدار او بُد نیاز  
سراسر بجنبید لشکر ز جای  
بیاراست سالار پیروزبخت<sup>۲۵</sup>  
به گوهر بیاراسته<sup>۲۸</sup> همچنین

۱۰۳۰ گشایندهی بندهای<sup>۱</sup> بدی  
به نیروی شاه آن<sup>۲</sup> دو بند گران<sup>۳</sup>  
سرانشان بریدم به شمشیر کین  
من اینک پس نامه برسان باد

سوی دز فرستاد<sup>۱</sup> شیروی را  
۱۰۳۵ بفرمود کان خواسته برگرای<sup>۱۲</sup>  
به پیلان<sup>۱۶</sup> گردونکش<sup>۱۷</sup> آن خواسته  
بفرمود تا کوس روین و نای<sup>۱۹</sup>  
سپه را ز دریا به هامون کشید  
چُن<sup>۲۲</sup> آمد بنزدیک همیشه باز<sup>۲۳</sup>  
۱۰۴۰ برآمد ز در ناله‌ی کره نای  
همه<sup>۲۴</sup> پشت پیلان به پیروزه تخت  
چه با<sup>۲۶</sup> مهد زرین به<sup>۲۷</sup> دیبای چین

۱- ل: ۲: گشاینده بندهای؛ ق، پ پس از این بیت افزوده اند:

کشیدیم کین از سواران چین گشادیم بر جای ایشان کمین  
۲- س: نیروی او هر؛ لن: پیروزی آن هر؛ ب: فرمان شاه آن؛ متن = نه دستویس دیگر ۳- ل، ق، پ: دو بیدادگر؛ متن = نه دستویس دیگر ۴-  
و: از ۵- ل، ق، پ: که بودند خونی ز خون پدر؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ پ پس از این بیت افزوده است:  
بنیرو و زور جهان آفرین که او ساخت هفت آسمان و زمین  
۶- ل، ق، پ: بیولاد شتم روی زمین؛ ب: به نیروی شاه جهان آفرین؛ در پ ل ت های این بیت پس و پیش شده اند؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز  
و: در و بجای این بیت زیر آمده است:

بفرمان ایزد جهان آفرین گشادیم کینه ز توران زمین  
۷- ل: هرچ ۸- ف: زو هت؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۹- و: پس آنگه بفرمود ۱۰- ل، ق، پ: جهاننده؛ س، لن، ق، لی:  
چنان مرد؛ ل: جهانجوی؛ ب این را ندارد؛ متن = ف، و، آ (و نیز ل، لن) ۱۱- ل، ق، پ، و، آ (و نیز ل، لن)؛ آ: آیدت رای؛ متن = ف، س، لن، ق، لی،  
ل ۱۲- و: سوی دز شود خواسته برگرای ۱۳- ل، ق، پ، و: همه؛ س، ق، لی، آ، ل: همان؛ لن: دران؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = ف ۱۴- ل:  
هرچ؛ ق، پ، و: هرچه؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۵- س، ل: آید بجای؛ لن: آید برای؛ ق، لی، آ: آیدت رای؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۱۶-  
ل: به پیلان و ۱۷- ف، ل: ب: گردونکش؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۸- ل، ق، پ، و، آ: ب: بدرگاه شاه آور (ب: آرم) آراسته؛ متن =  
ف، س، لن، ق، لی، ل ۱۹- ف، س، آ، ل: کوس و روینه نای؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۰- ف: دهلیز و؛ آ: درگاه؛ ل: زدند و فروهت؛  
لن، ق، لی: بیارند بر پیش؛ متن = س، ق، پ، و، ل، آ، ب ۲۱- ل، پ: زهامون سوی آفریدون؛ لن: زچین سوی شاه آفریدون؛ ق: زچین سر سوی  
آفریدون؛ و: زد زچین سوی فریدون؛ ل: زچین دز سوی فریدون؛ متن = ف، س، ق، لی، آ، ب: ق، پ پس از این بیت افزوده اند:

سپاهی که بودند آنجا بهم بیارود یکسر همه بیشر و کم  
فراوان شتر (پ: هزار اشتر) بارکش را بیار بیارودیکسر ز آوردگاه (پ: بیارودیکسر بیاراست کار)  
از اسبان رومی و ترکی هزار که بودند یکسر همه چون نگار  
اسیران بسیار با خواسته شده کار او یکسر آراسته  
5 چنین هم برینسانش لشکر کشید بنزد فریدون بدینسان چمید

۲۲- ل- ب: چو؛ متن = ف ۲۳- لن: بزدیکی بیشه باز؛ ق: بزدیگ شهرش فراز؛ لی: بزدیگ تهمیشه باز؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۴- لن:  
همان ۲۵- س، لن، لی، ل: آ: بیدار بخت؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۶- لن، ب: همان؛ ق، لی: همه؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۷-  
س، و، ب: چه؛ ق، لی: و؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۸- ف: بیاراستش؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲

جهانی شده سرخ و زرد و بنفش  
 دُمادُم<sup>۴</sup> به ساری<sup>۵</sup> رسیده سپاه<sup>۱</sup>  
 به سیمین<sup>۸</sup> رکیب<sup>۹</sup> و به زرین سپر<sup>۱۰</sup>  
 پذیره شدن را بیاراسته  
 ابا طوق زرین و<sup>۱۳</sup> مُشکین<sup>۱۴</sup> کله  
 دلیران و هریک<sup>۱۵</sup> چو شیر ژیان<sup>۱۵</sup>  
 پس زنده پیلان پیلان دلیر<sup>۱۶</sup>  
 سپاه منوچهر<sup>۱۸</sup> صف برکشید  
 درختی<sup>۱۹</sup> نوآیین پُر<sup>۲۰</sup> از بار نو  
 برآن تاج و تخت<sup>۲۱</sup> و کلاه و نگین  
 بیوسید<sup>۲۳</sup> و بسترد رویش بدست<sup>۲۴</sup>  
 که ای دادگر داور<sup>۲۵</sup> راست گوی  
 به سختی ستم دیده<sup>۲۶</sup> را یاورم

چه با گونه گونه درفشان درفش<sup>۱</sup>  
 ز دریای گیلان چُن<sup>۲</sup> ابر<sup>۳</sup> سیاه  
 به زرین ستام و به زرین کمر<sup>۷</sup> ۱۰۴۵  
 ابا گنج و پیلان و با خواسته<sup>۱۱</sup>  
 همه گیل مردان<sup>۱۲</sup> چو شیر یله  
 پس پشت شاه اندر ایرانیان  
 به پیش سپاه اندرون پیل و شیر  
 درفش فریدون<sup>۱۷</sup> چو آمد پدید ۱۰۵۰  
 پیاده شد از اسپ سالار نو  
 زمین را بیوسید و کرد آفرین  
 فریدونش فرمود<sup>۲۲</sup> تا برنشست  
 پس آنکه سوی آسمان کرد روی  
 تو گفستی که من دادگر داورم ۱۰۵۵

۱- لن، پ: درفشان زهر گونه گونه درفش؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر ۲- ل- ب: چو؛ متن = ف ۳- لی: ابری ۴- آ: یکابک  
 ۵- ف، س، لن، ق، پ، ل: بشادی؛ متن = ل، ق، لی، و، آ، ب ۶- ف: رسیده بشاه؛ س، لن، ق، لی، پ، ل: رسید (ق: کشید) آن سپاه؛ متن = ل، ق، و، آ، ب؛ درس پس از این بیت های ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸ آمده است؛ ق پس از این بیت افزوده است:

چو آمد بنزدیک شاهان فراز فریدون پذیره بیامد بلاز  
 ۷- و: لگام و بزین سپر ۸- لن، و، ب: به زرین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۹- س- پ، آ، ل: رکاب؛ متن = ف، و، ب  
 ۱۰- لی: وزیر جد سپر؛ و: بزین کمر؛ ل: به سیمین سپر؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ درس این بیت پس از بیت ۱۰۴۶ آمده است  
 ۱۱- ف: ابا گنج بیار و باخواسته؛ پ: ابا گنج و پیلان آراسته؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ): ل بجای این بیت و لن، ق، لی، ل، پ، پس از این بیت و س پس از بیت ۱۰۴۸ افزوده اند:

چو آمد بنزدیک شاه و سپاه (ل: شاه آن سپاه) فریدون پیاده (ل: پذیره) بیامد (ب: فریدون بیامد پذیره) براه  
 ۱۲- ل: بگردش سپاهی؛ لن، ق، پ: همان گیل مردان؛ ب: همه گیل مردم؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، ق، لی، و، آ ۱۳- ل: همه  
 شیرمردان؛ لن، لی: ابا طوق مشکین؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۴- لن، لی: زرین ۱۵- لن، پ: یکابک بگردار شیر ژیان؛ درس پس از این  
 بیت ۱۰۴۶ پ و سپس بیت های ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶ آمده است ۱۶- درس بیت های میان ۱۰۴۴ تا ۱۰۴۹ درهم ریخته اند: ۱۰۴۴، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸،  
 ۱۰۴۶، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۹- ل، ق: درفش درفشان؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۸- لن: منوچهر آنگاه؛ ف، پ پس از این بیت سرنویس  
 دارند، ف: گفتار اندر رسیدن منوچهر بنزدیک شاه افریدون و پذیره شدن افریدون و نیایش کردن بیاری سبحانه و تعالی؛ پ: رسیدن منوچهر به ایران  
 بغیروزی ۱۹- ل، لن، ق، پ- ب: درخت؛ متن = ف، س، ق، لی ۲۰- لن، لی: بد ۲۱- لی، ب: بدان تخت و تاج ۲۲- لن، پ، آ: فریدون  
 فرمود؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۳- ل، ق، پ، ب: برسید؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۴- و، آ، ب: بیسود دستش (آ: رویش) بدست؛ متن =  
 نه دستویس دیگر؛ لن، ق، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

۵  
 بیامد بگناه (ق: بدرگه) فرستاد کس  
 که سام آمده بد زهندوستان  
 بیورد چندان زر (لی، آ، ب: بیاورد با خود بسی) خواسته  
 که آنرا مهندس نداند شمار  
 سپردم بگفت این نیره شو (لی: بنوی) 5  
 تو او را بهر کار شو یارور  
 بر سام نیرم که زودآی و (لن: < >) بس  
 بفریاد آن (ب: از) رزم جادوستان  
 ای (پ، آ: ابا) آنکه زور (لن، ب: آنک از) شاه بد (ق: بد شاه از) خواسته  
 جو او را (ب: آنرا) بدیدش جهان شهریار  
 که من رفتنی گشتم ای نیکخو (لن: شاه خو؛ لی: نیکخوی)  
 چنان کن که از تو نمایند (لی، ب: بماند) هنر

این بیت هادرف، ل، س، ق، و، ل، نبست ۲۵- ب: روشن ۲۶- ف: ستمکاره؛ متن = یازده دستویس دیگر

هم داد دادی و هم <sup>۱</sup> یاوری <sup>۲</sup>	هم تاج دادی <sup>۳</sup> هم انگشتی
بفرمود پس تا منوچهر شاه سپهدار شیروی و آن خواسته <sup>۴</sup> بفرمود تا خواسته پادشاه <sup>۵</sup>	نشست از بر تخت زر با کلاه به درگاه شاه آمد آراسته بخشید یکسر همه بر سپاه
۱۰۶۰ چُنُ این کرده شد روز برگشت و <sup>۶</sup> بخت فریدون بشد <sup>۷</sup> نام او ماند باز	پژمرد برگ کیانی درخت برآمد چُنین <sup>۸</sup> روزگاری <sup>۹</sup> دراز

۱- لن، ق، پ، آ، ل: دادی هم؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲- ل، س، ق، لی، و، ب: داوری؛ متن= ف، لن، ق، پ، آ، ل ۳- آ: تاج دادی و (وزن نادرست است)؛ پس از این بیت تا پایان داستان بیت های افزوده فراوان است و پیلای بیت ها هم درهم ریخته است (← پ ۱۱)؛ ف پس از بیت ۱۰۵۶ افزوده است:

i بدبدم نبیره جهاندار خویش به مردی ورادی به آیین و کیش  
لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: پس از بیت ۱۰۵۶ افزوده اند:  
ii همه کام ها (ق، آ، لی، ب: کام دل) دادیم ای خدای  
ازین بیشتر اندرین جای تنگ  
این دو بیت در ف، ل، س، ق، و، ل: نیست ۴- ل، ق، و، شیروی باخواسته؛ متن= نه دستویس دیگر ۵- س، ق، ل: بفرمود پس تا منوچهر شاه (= ۱۰۵۷)؛ و: بفرمود تا خواسته پاك شاه؛ متن= ف؛ در ل بجای این بیت، بیت ۱۰۵۷ دوبار آمده است؛ در لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: پس از این بیت چنین آمده است:

بخشید آن خواسته بر سپاه  
چوده روز بد مانده از مهرماه  
و ب پس از این بیت بیت iii3 را افزوده است؛ پ پس از این بیت سرنویس دارد: اندرز کردن منوچهر را و سپردن پادشاهی بدوی ۶- ل- ب: چو؛ متن= ف ۷- لن، آ: > و: پ: چو کرده شد آن کار برگشت؛ متن= نه دستویس دیگر؛ ل- ب پس از این بیت های افزوده اند که در زیر آورده میشود و سپس در پ ۱۱ پیلای آنها در هریک از دستویس ها تعیین میگردد:

iii فریدون فرزانه شد سالخورده  
کرانه گزیداز بر (لن: سرو؛ پ: س) تاج و گاه  
بدست خودش تاج بر سر نهاد  
همی هر زمان زار بگریستی  
بنوحه درون هر زمانی بزار (ل: نزار) 5  
که برگشت و تاریک شد روز من  
بزاری چنین کشته در پیش من (در آلت ها پیش و پیش شده اند)  
هم از بدخویی هم زکردار بد  
نبردند فرمان من لاجرم

10 بر از خون دل ویر (ق: دل بر؛ ق: دلش بد) زگر به (آ: کینه) دوروی (ق: دوجوی؛ ق: دروی)

همان (لن: چنین؛ ق: همی) نازمانه (ل: زمانش) سرآمد بروی (لن، ب: بدوی)  
ل، ق: چنین تا سرآمد برو گفت گوی (ق: برو نیز روی)  
این بیت هادرف نیست ۸- ل، ق، و: فریدون شد؛ متن= نه دستویس دیگر ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب: نام از و؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل ۱۰- ل، ق، و، ب:  
برین؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۱- ل، ق: روزگار؛ متن= ده دستویس دیگر؛ پیلای بیت های ۱۰۵۶-۱۰۶۱ در دستویس ها: ف: ۱۰۵۶، ۱، ۱۰۵۷-۱۰۶۱ (بیت های او، انرا ندارد)؛ ل: ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱ (بیت های او، انرا ندارد)؛ لن: پ: ۱۰۵۶، ۱۰۵۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰ (بیت های او، انرا ندارد)؛ ق، و، ل: ۱۰۵۶-۱۰۶۰، ۱۰۶۱-۱۰۶۲، ۱۰۶۳-۱۰۶۴، ۱۰۶۵-۱۰۶۶، ۱۰۶۷-۱۰۶۸، ۱۰۶۹-۱۰۷۰، ۱۰۷۱-۱۰۷۲، ۱۰۷۳-۱۰۷۴، ۱۰۷۵-۱۰۷۶، ۱۰۷۷-۱۰۷۸، ۱۰۷۹-۱۰۸۰، ۱۰۸۱-۱۰۸۲، ۱۰۸۳-۱۰۸۴، ۱۰۸۵-۱۰۸۶، ۱۰۸۷-۱۰۸۸، ۱۰۸۹-۱۰۹۰، ۱۰۹۱-۱۰۹۲، ۱۰۹۳-۱۰۹۴، ۱۰۹۵-۱۰۹۶، ۱۰۹۷-۱۰۹۸، ۱۰۹۹-۱۱۰۰ (بیت های او، انرا ندارد)؛ لی، آ: ۱۰۵۶، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰ (بیت های او، انرا ندارد)؛ پیلای بیت های متن= ف پس از بیرون گذاشتن بیت آ، یا= س پس از بیرون گذاشتن بیت های ۱۰۱۲-۱۰۱۳، یا= ق، و، ل: پس از بیرون گذاشتن بیت های ۱۰۱۳-۱۰۱۴

که کرد ای پسر سود در<sup>۲</sup> کاستی؟

به زَنار خونین بیستش میان<sup>۴</sup>  
چه از زر سرخ<sup>۵</sup> و چه از لاژورد<sup>۶</sup>  
بیاویختند<sup>۷</sup> از بر عاج تاج  
چنان چون بود رسم و آیین و<sup>۸</sup> کیش  
شد آن<sup>۹</sup> ارجمند<sup>۱۰</sup> از جهان زار و خوار<sup>۱۱</sup>  
به تو<sup>۱۲</sup> نیست مرد خردمند شاد

همه<sup>۱</sup> نیکنامی به و<sup>۲</sup> راستی

منوچهر بنهاد تاج کیان  
بر آیین شاهان یکی دخمه کرد  
۱۰۶۵ نهادند زیر اندرش تخت عاج<sup>۳</sup>  
به پدرود کردنش رفتند پیش  
در دخمه بستند بر شهریار  
جهانا سراسر فُوسی<sup>۴</sup> و باد

۱- ل- ب: همان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= نه دستویس دیگر ۲- لی: نیکامی و به؛ ب: نیکامی برو ۳- ل، س، و، ل، آ، ب: بر؛ لن، پ: که کردار بد برده؛ لی: که کرد ای پسر روی در؛ متن= ف، ق، آ، ۴- ق: بیته میان؛ لن، پ: بیستش بزَنار خونین میان؛ ل، آ: برآین خوشش بیستند میان؛ متن= هشت دستویس دیگر ۵- لن، لی: به ۶- ف، آ: چه از زرد و سرخ؛ متن= ده دستویس دیگر ۷- ف، س، ق، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: لاجورد؛ متن= ل، لن، پ، و ۸- ف: ساج و عاج؛ لن، ق، آ، لی، آ این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستویس دیگر ۹- س، ق، و، ل، آ: برآویختند؛ متن= ف، ل، پ، ب ۱۰- ل، پ، ل، آ، ب: < و >؛ لن، ق، آ، لی، آ این بیت را ندارند؛ متن= ف، س، ق، و ۱۱- س، و: < و >؛ متن= ف، ل، ق، پ، ل، آ، ب ۱۲- لی: بشد ۱۳- ق: انجمن ۱۴- لن، ل، آ: خواروزار؛ و: شادخوار؛ متن= نه دستویس دیگر؛ در لن، لی، آ، ب لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ق، آ، لی، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

۱ یکی هفته با سوک بد شهریار ازو شهر و بازارها سوگوار

۱۵- لی: فوسی؛ پ: فوست؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۶- پ: بدو؛ لن بجای این بیت و ق، آ، لی، پ، آ، ب، ل پس از این بیت های زیر را افزوده اند (لن، پ بیت های یکم و هفتم را ندارند؛ ق، آ، لی، پ، آ، ب بیت هفتم را ندارند؛ لی تنها بیت ششم و ل تنها بیت هفتم را دارند):

ii بکردهای تو چون بنگرم  
یکایک همی پروریشان (لن، پ: پرورشان) بناز  
چون مر داده را باز خواهی (لن، پ: خواهد) ستد  
اگر شهریاری وگر زیر دست  
5 همه درد خوشی او (ب: سختی تو) شد چو خواب (لن، پ: آب)  
فسوس است و (آ: فسوس از تو) بازی نماید برم  
چه کوتاه عمر و چه آن دراز  
چه غم گر بود خاک آن گر بسد (لن: برسد!)  
چو از تو جهان این (پ، آ: آن) نفس را گسست  
بجاوید مانند دلت را متاب  
آ: نه جاوید مانند دلت را متاب

خنک آنک (لی، پ: آنکه) ازو نیکویی یادگار  
جهانا مپرور چو خواهی درود  
بماند (ق، آ: بدانند) اگر بنده گر شهریار  
چو می بدروی پروریدن چسود

این بیت ها در ف، ل، س، ق، و نیست؛ پایی بیت های ۱۰۶۴-۱۰۶۸ در دستویس ها، ف، ل، س، ق، و: ۱۰۶۴-۱۰۶۸ (بیت های آ و آ را ندارند)؛ لن: ۱۰۶۴، ۱۰۶۷، ii2-6 (بیت های ۱۰۶۵ و ۱۰۶۶ و ۱۰۶۸ و آ و ii1 و ii7 را ندارد)؛ ق، آ: ۱۰۶۴، ۱۰۶۷، i، ۱۰۶۸، ii1-6 (بیت های ۱۰۶۵ و ۱۰۶۶ و ii7 را ندارد)؛ لی: ۱۰۶۴، ۱۰۶۷، i، ۱۰۶۸، ii6 (بیت های ۱۰۶۵، ۱۰۶۶ و ii1-5، 7 را ندارد)؛ پ: ۱۰۶۴-۱۰۶۸، ii2-6 (بیت های آ و ii1، 7 را ندارد)؛ ل، آ: ۱۰۶۴-۱۰۶۸، ii7 (بیت های آ و ii1-6 را ندارد)؛ ب: ۱۰۶۴-۱۰۶۸، i، ii1-6 (بیت ii7 را ندارد)؛ پایی بیت های متن= ف، ل، س، ق، و





منوچهر



## پادشاهی منوچهر صد و بیست سال بود<sup>۱</sup>

منوچهر يك هفته با درد بود  
 به هشتم بیامد منوچهر شاه<sup>۲</sup>  
 همه<sup>۵</sup> جادوی ها به افسون بیست  
 همه پهلوانان روی زمین  
 ۵ چو دیهیم شاهی به سر برنهاد  
 به دادو دهشن و<sup>۱۱</sup> به مردانگی  
 منم گفت بر تخت<sup>۱۳</sup>، گردان سپهر  
 زمین بنده و چرخ یار منست  
 همم دین و هم فره ایزدی<sup>۱۵</sup>  
 ۱۰ شب تار جویندهی کین منم  
 دو چشمش پرآب و رخس<sup>۲</sup> زرد بود  
 به سر برنهاد آن کیانی کلاه<sup>۳</sup>  
 برو<sup>۶</sup> سالیان انجمن شد دو شست<sup>۷</sup>  
 برو<sup>۸</sup> یکسره خواندند آفرین  
 جهان را سراسر همه<sup>۹</sup> مژده داد:<sup>۱۰</sup>  
 به نیکی و پاکی<sup>۱۲</sup> و فرزانیگی  
 همم خشم<sup>۱۴</sup> و جنگست و هم داد و مهر  
 سر تاجداران شکار منست  
 همم بخت نیکی و دست بدی<sup>۱۶</sup>  
 همان<sup>۱۷</sup> آتش تیز برزین منم

۱- ف: گفتار اندر مردن شاه افریدون و نشستن منوچهر پادشاهی و مدت پادشاهی او صد بیست سال بود؛ متن = یازده دستویس دیگر (ل، آ: صد بیست)؛ در ف و بیشتر دستویس های دیگر سرنویس پس از بیت ۲ آمده است؛ ل<sup>۲</sup> از بیت ۱۸۷ تا بیت ۲۵۸ را انداخته است ۲- ب: دورخ؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = ل، ق، و؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup> بجای این بیت بیت زیر آمده است:

پس آنگه یکی (س، ل، آ: آنگاه يك) هفته بگذاشتند همه ماتم و سرگ او داشتند

۳- و: شاد ۴- و: کلاه کیانی بر سر برنهاد ۵- لن، لی: در؛ و این بیت را ندارد ۶- لن، ق، آ، لی: بر؛ متن = هشت دستویس دیگر ۷- ل، آ: دو دست؛ آ: برو انجمن سالیان شد درست (پس او نند ندارد) ۸- لی: بدو؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = ده دستویس دیگر (ونیز ل، لن، آ، س) ۹- لی: شاهی همه؛ و (ونیز لن، آ): سراسر همی؛ ب: همه سر بر؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر (ونیز ل، لن، آ، س) ۱۰- آ: کرد یاد ۱۱- ف (ونیز س، آ): به داد و دهش و؛ ل، و: بداد و بآین و؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: بداد و دهش هم؛ ق، پ: بداد و بدین و؛ ل، آ: بداد و بیخش؛ متن تصحیح قیاسی است (که برابر است با ف، س، آ با افزودن يك نقطه) ۱۲- و: پاکی و نیکی؛ ف ناخواناست؛ متن = ده دستویس دیگر؛ ل، ق، و، ب پس از این بیت يك بیت افزوده اند:

ل، ق: چنین گفت پس (ق: آن) رادپیروز شاه که یزدان مرا داد (ق: که دادش مرا ایزد) این تاج و گاه

و، ب: چنین گفت با سر بر لشکرش که و مه که بودند در (ب: همان پهلوانان هن) کشورش

۱۳- لی: تخت و؛ و: منم بر سر تخت ۱۴- و: کین ۱۵- ل، ق، پ، و، ل، آ: ایزدیت؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۶- ل، ق، و: و هم بخردیت؛ پ، ل، آ: و دست بدیت؛ آ: همم تخت نیکی و هم دست بدی (وزن نادرست است)؛ ب: همم نیکیختی و هم بخردی؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، لی ۱۷- و: بروز؛ در ب پس از این بیت بیت ۱۴ آمده است

فرازنده‌ی کاویانی درفش  
 به کین<sup>۳</sup> اندرون جان ندارم دریغ  
 دم آتش از برنشست<sup>۵</sup> منست  
 زمین را به کین<sup>۶</sup> رنگ دیبه<sup>۷</sup> کنم  
 فزاینده‌ی<sup>۹</sup> داد<sup>۱۱</sup> بر تخت عاج  
 جهان آفرین را ستاینده‌ام  
 نیامان کهن بود گر<sup>۱۳</sup> ما نویم  
 همه داستان‌ها ز یزدان زنییم  
 بدومان امید و بدومان پناه  
 بگردد ز راه و بتابد<sup>۱۹</sup> ز دین  
 زیون داشتن مردم خویش را  
 به رنجور<sup>۲۳</sup> مردم نماینده<sup>۲۴</sup> رنج  
 از<sup>۲۷</sup> آهرمن<sup>۲۸</sup> بدکنش بترند<sup>۲۹</sup>  
 ز یزدان و از منش<sup>۳۱</sup> نفرین بود

خداوند شمشیر و زرینه کفش<sup>۱</sup>  
 فروزنده‌ی تیغ و برنده میغ<sup>۲</sup>  
 گه بزم<sup>۴</sup> دریا دو دست منست  
 بدان را ز بد دست کوتاه کنم  
 ۱۵ گراینده<sup>۸</sup> گرز و نماینده تاج  
 ابا این هنرها یکی بنده‌ام  
 به راه فریدون فرخ رویم  
 همه دست بر روی خندان<sup>۱۴</sup> زنییم  
 کزوتاج و تخت ست<sup>۱۶</sup> وزومان<sup>۱۷</sup> سپاه  
 ۲۰ هرآنکس که در هفت کشور زمین  
 نماینده‌ی رنج، درویش را  
 برافراختن<sup>۲۰</sup> سر به<sup>۲۱</sup> بیشی و<sup>۲۲</sup> گنج  
 همه سربسر نزد من<sup>۲۵</sup> کافرند<sup>۲۶</sup>  
 هر آن دین‌وری کو برین دین بود<sup>۳۰</sup>

۱- س: کویال و کفش ۲- ل، س، ق، آ، ل، ب: فروزنده‌گاه (ل: میغ) و برنده تیغ؛ لن، لی، پ: فروزنده‌گاه (پ: میغ) و برآزنده تیغ؛ ق، و این بیت را ندارند؛ ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ (س: فروزنده تیغ و برنده تیغ)؛ من=ف ۳- لن، لی، پ: بجنگ؛ من=ف، ل، س، ق، آ، ل، آ، ب ۴- ل، ق: که برتر ز؛ من=ده دستویس دیگر ۵- لی، ل، آ: اندر نکت؛ در ل، ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۶- لی: به خون؛ و: همه ۷- ف: بونه؛ ق: پلنگان بدخو چورویه؛ من=ل، س، لن، ق، ب: (و نیز ل، لن، س)؛ در ل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در ب این بیت پس از بیت ۱۰ آمده است ۸- ل: گرازنده؛ لن، پ: گرازنده؛ ل، آ: گرازنده؛ لی این بیت را ندارد؛ من=هفت دستویس دیگر ۹- ل، آ: فروزنده ۱۰- ف، س، لن، ق، پ، آ، ل، ب: (و نیز ل، لن، س)؛ ملک؛ من=ل، ق، و؛ در ل پس از این بیت نخست بیت های ۱۸ و ۱۹ و پس بیت های ۱۶ و ۱۷ آمده‌اند ۱۱- ل، ب: بنده‌ایم ۱۲- ل، لن، پ، آ: پرستنده‌ام؛ ل، آ: ستاینده‌ایم؛ لی: یکی بنده آفریننده‌ام؛ من=ف، س، ق، آ، و، ب ۱۳- س، لن، لی، پ، و، آ: بود اگر؛ ب: شد دگر؛ من=ف، ل، ق، ق، آ، ل، در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۴- ل، پ، آ، ب: (و نیز ل، س)؛ گریان؛ ل، آ: همه دست در کینه‌داران؛ من=ف، و: (و نیز لن) ۱۵- در ف این لک پاك شده است؛ من=یازده دستویس دیگر؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۶- لن، لی: ازوتاج و تخت و؛ ق، آ: ازوتاج و تخت؛ و: کزویت تاج و؛ ب: کزوتخت و ناجت و؛ من=ف، ل، س، ق، پ، ل، آ ۱۷- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: زویم (در لن وزن نادرست است)؛ لی، و: ازویم؛ من=ف، ل، آ (و نیز س) ۱۸- ل، آ، ب: ازویم (ل، س، ق، آ، لی: زویم) ساس و بدویم (ل: زویم) پناه؛ من=ف، ل، آ (و نیز س) ۱۹- در ف این واژه پاك شده است؛ من=یازده دستویس دیگر ۲۰- لن، ق، آ، پ، آ: برافراختن؛ ل، آ: سرافراختن؛ ب: برافراخته؛ من=ف، ل، س، ق، لی، و ۲۱- ل، ق، و، ل، آ: ز؛ من=هشت دستویس دیگر ۲۲- س، لن، ق، آ، پ، آ: ز؛ ق، لی، و، ل، آ؛ < و >؛ من=ف، ل، ب ۲۳- ل، ق، پ، و، ب: به درویش؛ لن: بنحور؛ لی: زگنجور؛ من=ف، س، ق، آ، ل، آ ۲۴- و: رسانیده ۲۵- ل، س، لن، ق، آ، لی، و، آ: همه نزد من سربسر؛ ب این بیت را ندارد؛ من=ف، ل، آ ۲۶- لن: کافرید (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ س، لی: کافرید؛ و: کافرست؛ من=هفت دستویس دیگر ۲۷- ل، آ: وز؛ من=ف، ل، آ ۲۸- لی، و: اهریمن؛ من=هشت دستویس دیگر (ا: اهرمن) ۲۹- س، آ: برترند؛ لن: بدترید (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ ق: بدترند؛ لی: بدترید؛ و: بدترست؛ من=ف، ل، ق، آ، پ، ل، آ ۳۰- ل: هر آنکس که اوجز برین دین بود؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: هر آن دین‌ور (ق: دینه ور؛ پ: دین‌وری) کونه بر دین بود؛ و: (و نیز ل، لن، آ): هر آنکونه بامن برین دین بود؛ آ (و نیز س)؛ هر آن دین‌ور کو برین دین بود؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ من=ف، ل، آ (که به آ، س نزدیک است) ۳۱- س: ماش؛ لی: زمش؛ آ: وزماش؛ پ: ز یزدانش و زماش؛ من=هفت دستویس دیگر

کنم سر بسر کشور از کشته<sup>۲</sup> پست  
 منوچهر را خواندند آفرین  
 ترا داد<sup>۳</sup> آیین<sup>۴</sup> تخت<sup>۵</sup> و کلاه  
 همان تاج<sup>۶</sup> و هم فره<sup>۷</sup> موبدان  
 همه جان ما جای<sup>۸</sup> پیمان تست  
 چنین<sup>۹</sup> گفت کای خسرو<sup>۱۰</sup> داد و راست<sup>۱۱</sup>  
 ز تو داد و ز من<sup>۱۲</sup> پسندیدن<sup>۱۳</sup> ست<sup>۱۴</sup>  
 گزین سواران<sup>۱۵</sup> و شیران تویی  
 برین همت ایزد<sup>۱۶</sup> نگهدار باد  
 به تخت کئی<sup>۱۷</sup> بر نگار<sup>۱۸</sup> منی  
 به رزم اندرون شیر<sup>۱۹</sup> پابندهی<sup>۲۰</sup>  
 همان<sup>۲۱</sup> تخت پیروزه جای تو باد  
 به آرام بنشین و رامش گزین  
 ترا جای تخت ست<sup>۲۲</sup> و بگماز و بزم<sup>۲۳</sup>

۲۵ وزان پس به شمشیر یازیم دست<sup>۱</sup>  
 همه پهلوانان<sup>۲</sup> پاکیزه دین<sup>۳</sup>  
 که فرخ نیای تو این دید راه<sup>۴</sup>  
 ترا باد جاوید تخت ردان<sup>۵</sup>  
 دل ما یکایک به فرمان تست  
 ۳۰ جهان پهلوان سام بر پای خاست  
 ز شاهان مرا دیده بر دیدن<sup>۶</sup> ست<sup>۷</sup>  
 پدر بر پدر شاه ایران تویی  
 دلت شادمان، بخت بیدار باد  
 تو از باستان<sup>۸</sup> یادگار منی  
 ۳۵ به بزم اندرون شید<sup>۹</sup> تابندهی<sup>۱۰</sup>  
 زمین و زمان<sup>۱۱</sup> خاک پای تو باد  
 چو<sup>۱۲</sup> شستی به شمشیر هندی زمین  
 ازین پس همه نوبت ماست رزم

۱- ق: یازم دودست؛ ق: تازیم دست؛ و: وزان پس چو یازم بشمیر دست؛ من: نه دستویس دیگر ۲- س، لن، ق، ل، لی، پ، آ، ل: کیه؛ ل، ق: کشور و مرز (ق: مرد)؛ و: کنم کشورش سر بر پاک؛ من: ف، ب ۳- لن، پ: همه نامداران ۴- ل، لن، لی، آ: روی زمین؛ من: ف، س، و، ل، آ، ب ۵- ل، پ، آ: ای نیکخواه؛ لن: این دید را (پس او ندارد)؛ ق: ای پادشاه؛ ق: این دیده را؛ من: ف، س، لی، و، ل، آ، ب ۶- ل: همت ۷- ل، ق: شاهی و؛ لن، ق، ل، لی: آیین و؛ من: ف، س، پ، و، آ، ل ۸- ب: ترا داد این تخت و تاج؛ لن، ق، ل، لی، پ، آ: پس از این بیت افزوده اند (در آلت های پیش شده اند):

ترا بساد جاوید تخت و کلاه که شایسته تاجی و فر و گاه

۹- آ: ترا باید جاوید تخت روان (وزن نادرست است) ۱۰- لن: هوش؛ در و این بیت پس از بیت ۳۰ آمده است ۱۱- ل، پ، آ، ب: زیر؛ من: ف، و، ل، آ (و نیز س) ۱۲- پ: بدو ۱۳- س، لن، ق، ل، لی، پ، آ: داور؛ و: مهتر؛ من: ف، ل، ق، ل، آ، ب ۱۴- لن، ق، ل، لی، و، ل، آ، ب: داد راست؛ آ: دین و راست؛ من: ف، ل، س، پ؛ در و، این بیت پس از بیت ۲۸ آمده است ۱۵- لن، و: دیدست (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ق، ل، پ، آ، ب (و نیز ل): دیدت؛ من: ف، ل، س، ق، لی (و نیز لن، آ، س): دیدنت ۱۶- ل، ق، پ، آ: وزما؛ س، لن، ق، ل، لی، آ: وازمن؛ من: ف، و، ب ۱۷- س: پرستیدنت؛ لن، و: پسندیدنت (حرف هفتم نقطه ندارد)؛ ق، ل، پ، آ، ب (و نیز ل): پسندیدنت؛ من: ف، ل، ق، لی (و نیز لن، آ، س): پسندیدنت ۱۸- لن، پ: دلیران؛ لی: بزرگان؛ من: نه دستویس دیگر ۱۹- ل، ق: ترا پاک یزدان؛ س: برین تخت یزدان؛ لن، ق، ل، لی، پ، آ، ب: تن و جانت یزدان؛ و: بدین فرزند ایزد؛ من: ف، ل، آ (و نیز س): درل- آ، ب: لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ بیایی لت های این بیت در من: ف، ل، آ (و نیز س): ل پس از این بیت افزوده است:

که تاسام از میستان خاستت چو تر شاه گیتی نیاراستت

۲۰- لن: روشنی؛ ق: راستان؛ ب: راستی؛ من: نه دستویس دیگر ۲۱- ق، ل، آ: کیان؛ و، ب: مهی؛ من: هشت دستویس دیگر ۲۲- ل، ق، و، آ، ب: بهار؛ لی: یادگار (پس او ندارد)؛ من: ف، س، لن، ق، ل، پ، آ: شیر؛ ل: ماه؛ لن: این بیت را ندارد؛ من: نه دستویس دیگر ۲۳- ل: چرخ ۲۴- پ: مانده؛ آ: نازنده؛ ب: غرنده؛ من: هشت دستویس دیگر؛ درل، س، ق، ل، آ، ب: لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۵- پ: زمان و زمین؛ لن: این بیت را ندارد ۲۶- س، ب: همین ۲۷- ل، ق، ل، لی، و، آ: نو؛ لن: این بیت را ندارد؛ من: ف، س، ق، ل، پ، آ، ب: درس لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۸- لن: بزم ۲۹- ل، ق، پ، آ: شادی و بزم؛ لی: هنگام بزم؛ ب: بگماز بزم؛ من: ف، س، لن، ق، ل، آ، و، ل، آ: ب پس از این بیت افزوده اند:

شوم گرد گیتی برآیم (پ: برآیم؛ آ: نپویم) یکی ز دشمن بیند (لی: بدم) آورم اندکی

این بیت در ف، س، ل، آ (و نیز س) نیست

۴۰ مرا پهلوانی نیای تو داد دلم را خرد هوش و رای<sup>۱</sup> تو داد  
پس<sup>۲</sup> از پیش تختش گرازید<sup>۳</sup> سام پیش پهلوانان نهادند گام

### گفتار اندر داستان سام نریمان وزادن زال<sup>۴</sup>

کنون پُر<sup>۵</sup> شگفتی یکی داستان  
نگه کن که مر سام را روزگار  
نبود ایچ<sup>۶</sup> فرزند مر سام را  
نگاری بُد اندر شبستان اوی<sup>۷</sup>  
۴۵ از آن ماهش<sup>۸</sup> اومید<sup>۹</sup> فرزند بود  
ز مادر جدا شد بدان<sup>۱۰</sup> چند روز  
به چهره نکو<sup>۱۱</sup> بود برسان<sup>۱۲</sup> شید  
پسر چون ز مادر برین<sup>۱۳</sup> گونه زاد  
شبستان آن نامور پهلوان  
۵۰ کسی سام یل را نیارست گفت  
یکی دایه بودش بکردار شیر  
پیوندم از گفته‌ی باستان  
چه بازی نمود ای<sup>۱۴</sup> پسر<sup>۱۵</sup> گوش دار  
دلش بود جوینده‌ی کام را<sup>۱۶</sup>  
ز گلبرگ رخ داشت وز مُشگ موی<sup>۱۷</sup>  
که خورشید چهره<sup>۱۸</sup> برومند بود  
نگاری چو خورشید گیتی فرورز  
ولیکن همه موی بودش سپید<sup>۱۹</sup>  
نکردند يك هفته بر سام یاد<sup>۲۰</sup>  
همه پیش آن<sup>۲۱</sup> خرد كودك نوان  
که فرزند پیر آمد از خوب جفت  
بر پهلوان اندرآمد دلیر<sup>۲۲</sup>

۱- لن، ق<sup>۲</sup>، پ، آ: مهر و رای؛ لی: همان تخت فیروزه جای؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ ل- آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:  
برو(لی: بدو) کردنیز(لن: تیزکرد؛ ق<sup>۲</sup>: پ: نیزکرد) آفرین شهریار بسی دادش از هدیه (ل: گوهر) شاهوار  
ل: برو آفرین کرد پس شهریار

این بیت در ف، س، ل<sup>۲</sup> نیست ۲- ل: چو؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳- ق، پ: خرامید؛ و: گرایید؛ ل<sup>۲</sup>: گزارند؛ متن = هشت دستویس دیگر؛  
ل- آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

خرامید و شد سوی آرامگاه همی گشت (ل: کرد) گیتی باین (ق، لی: بارام) و راه (ق: گاه)  
این بیت در ف، س، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>) نیست ۴- ف: گفتار اندر داستان سام نریمان وزادن پسرش از مادر و بینداختن سام زال را؛ ل، لی: داستان سام و  
(لی: با) زال و سیرغ؛ س: زادن زال از مادر؛ لن: گفتار اندر زادن زال از مادر؛ ق: اندر مولود زال سام و کار او با سیرغ؛ ق<sup>۲</sup>، پ، ب: داستان سام  
نریمان (ب: <نریمان>) با (پ: با پسرش) زال؛ و: داستان زال زرو زادن او از مادر؛ آ: آغاز داستان؛ ل<sup>۲</sup>: داستان زال و پروردن سیرغ او را؛ متن =  
آغاز ف ۵- ق: از؛ س، لی این بیت را ندارند؛ متن = نه دستویس دیگر ۶- لن: از ۷- ف، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>): عجب؛ متن = ده دستویس دیگر ۸-  
س، و: نبه هیچ؛ ق: نبود هیچ؛ ب: نه می بود؛ متن = هشت دستویس دیگر ۹- س- ب: جويا (ب: جویان) دلارام را؛ ل<sup>۲</sup>: دلش را نبود ایچ آرام را؛  
متن = ف، ل ۱۰- آ: او ۱۱- آ: مو؛ لی: و از مشك موی؛ لن: چو گلبرگ رخ هردو وز مشك موی؛ ل<sup>۲</sup>: که از لاله رخ داشت وز مشك موی؛ ب:  
ز برگ گلش روی و از مشك موی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۲- پ: نامش ۱۳- ل، س، لن، ق، لی- ب: آمید؛ متن = ف، ق<sup>۲</sup> ۱۴- ف، ل،  
پ، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): خورشید چهره؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ ل، لن، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

ز سام نریمان همو (لی: همی) بار داشت ز بارگران تنش (ق<sup>۲</sup>، لی: گرانش تن؛ و: گرانش دل) آزار داشت  
این بیت در ف، س، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۱۵- ل: بران؛ س، لی، و، آ، ل: دران؛ متن = ف، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، ب؛ در ب این بیت پس از بیت  
۴۹ آمده است ۱۶- ل، لن، ق، پ، و، آ، ب: چنان؛ ق<sup>۲</sup>: چنین؛ س: برخسارگان بود؛ متن = ف، لی، ل<sup>۲</sup> ۱۷- ل، لن: ناپنده؛ متن = ده دستویس  
دیگر ۱۸- لی، و، ب: سفید ۱۹- ل، س، و: بران؛ لن، لی، آ: بدین؛ ق، ب: بدان؛ پ: ز مادر پسر چون بدین؛ ل<sup>۲</sup>: پسر را چو مادر بدین؛ متن =  
ف، ق<sup>۲</sup> ۲۰- لی: مر سام یاد؛ ق: نکردند بر سام يك هفته یاد ۲۱- ل<sup>۲</sup>: این؛ در ب این بیت پس از بیت ۴۶ آمده است ۲۲- ل- پ، ب (و نیز  
ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو آمد بر پهلوان مژده داد زبان برگشاد آفرین کرد یاد  
این بیت در ف، س، و، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست

دل بدسگالان او<sup>۱</sup> کنده باد  
یکی پاک پور آمد از<sup>۲</sup> ماهروی  
برو<sup>۳</sup> بر نبینی يك اندام زشت  
چنین بود<sup>۴</sup> بیخش تو ای نامجوی<sup>۵</sup>

که بر سام یل روز فرخنده باد  
پس پرده اندر یل<sup>۶</sup> نامجوی  
تنش نقره‌ی پاک<sup>۷</sup> و رخ چون بهشت<sup>۸</sup>  
۵۵ از آهو همان که شس سپیدست<sup>۹</sup> موی

به پرده ندرآمد<sup>۱۰</sup> سوی نوبهار  
بیود از جهان سربسر<sup>۱۱</sup> نا امید  
ابا کردگار او به پیگار خاست<sup>۱۲</sup>  
بھی زان فزاید که تو خواستی  
وگر کیش<sup>۱۳</sup> آهرمن<sup>۱۴</sup> آورده‌ام<sup>۱۵</sup>  
به من بر بیخشاید اندر نهان

فرود آمد از تخت سام سوار  
چو فرزند را دید مویس سپید<sup>۱۶</sup>  
سوی آسمان سر برآورد راست  
که ای برتر از کژی و کاستی<sup>۱۷</sup>  
۶۰ اگر من گناهی گران کرده‌ام  
به پوزش<sup>۱۸</sup> مگر کردگار جهان

۱- س، ب: تو؛ ق، و: وی؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ لن- پ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

بداد آنچه از (ق: آنک ز؛ ق، لی، ب: آنچه ز) ایزد همی خواستی  
پ: بدادت خدای آنچه میخواستی

این بیت در ف، ل، س، و، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲- ل، ق، و: پس پرده نو درای؛ س: پس پرده اندرت؛ لن، ق<sup>۲</sup>، پ، آ: پس پرده تو ایا؛ لی:  
پس پرده تو یکی؛ ب: ترا در پس پرده‌ای؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> ۳- ل، لن، لی- ب: یکی پور پاک آمد از (لن، پ: آمده؛ و: < از > (وزن نادرست است))؛  
متن = ف، س، ق، ق<sup>۲</sup>؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی پهلووان بچه شیر دل  
نماید (لی: برآمد) بدین خردگی چیر دل  
۴- ل، ق: نقره سیم؛ و: نقره سیم و؛ متن = نه دستویس دیگر ۵- ق: رویش بهشت؛ و: رخش چون بهشت ۶- لی: بدو؛ در لن این بیت با بیت  
سپین پس و پیش شده است ۷- ب: سفیدست ۸- ب: است ۹- لن، پ: بخشش ابا نامجوی؛ و: بهر تو ای نامجوی؛ متن = نه دستویس دیگر؛  
در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ لن پس از بیت ۵۴ ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب پس از بیت ۵۵ افزوده‌اند:

بدین بخششت (ق: گردشت) کرد باید پسند  
مکن جان تو (ق<sup>۲</sup>، لی، ب: جان) نپاس (لی، پ: نپاس) و دلرا نزنند  
ق: مکن ناپاسی و دل در میند

این بیت در ف، ل، س، و، آ، ل<sup>۲</sup> نیست ۱۰- ل- ب: به پرده در آمد؛ متن = ف (و نیز س<sup>۲</sup>): اندر آمد (ضحاگ، بیت ۴۰) ۱۱- لی، و، ب:  
سفید ۱۲- لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ: یکره؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بشیرید سخت از بی (ق: از ره؛ و: از بد) سرزنش  
شد از راه دانش بدیگر منش  
این بیت در ف، ل، س، و، آ، ل<sup>۲</sup> نیست ۱۳- ف، ل<sup>۲</sup>: ابا کرده کار بیکار خواست (وزن نادرست است)؛ ل، س، ق، و، آ: ز دادار (ل: داداور) آنگاه (و:  
داننده) فریاد خواست؛ لی: از ان کرده خویش زنهار خواست؛ متن = لن، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، ب ۱۴- آ: راستی ۱۵- لن، پ: دین ۱۶- لی، و: اهریمن؛  
متن = ده دستویس دیگر (ا: اهرمن) ۱۷- ف: آورده‌ام؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۸- ل<sup>۲</sup>: بیودش؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو آگاهی آید بهر انجمن  
بروی مهان چون گشایم دو چشم  
نباشد بجز کامه بد سگال  
اگر بخشش دادگریك خدای  
بماند مرا نام با آب روی  
و گرنه بجامانم این انجمن  
شرم ناپدید از میان گروه  
ازین ننگ بدخواه تا جاودان  
ازین زندگی مرگ خوشتر بسی  
چو دشمن بود شاد و نالنده دوست  
سرافکنده مردم زدد کمتر است  
ازین اهرمن ساز نا پاک تن  
ندانم همی چاره این مگر  
ببخشد برین بنده پرگناه

که از پشت سام آمدست اهرمن  
گه از سرزنش گه ز تیمار و خشم  
بود تازه هر چند بگذشت سال  
بدین چاره باشد مرا رهنمای  
نباید روان داشت بر رخ دو جوی  
گریزان از این بچه اهرمن  
نه بیند مرا کس به هامون و کوه  
بود شاد و از من زند داستان  
نخواهد که ماند بدینسان کسی  
شود زندگی تلخ و مردن نکوست  
همان خاک او را بهین بترست  
بذرم همی پوست بر خویشتن  
بود بخشش داور دادگر  
بر آرد مر او را ازین ژرف چاه

بجوشد همی در دلم<sup>۱</sup> خون گرم  
 سیه پیکر و موی سر چون سمن  
 چه گویم<sup>۵</sup> ازین بجهی بدنشان  
 پلنگ<sup>۶</sup> دوزنگست گر بربريست<sup>۷</sup>  
 نخوانم<sup>۸</sup> برین بوم و بر<sup>۹</sup> آفرین

از آن<sup>۱۳</sup> بوم و بر<sup>۱۴</sup> دور بگذاشتند  
 بدان<sup>۱۶</sup> خانه آن<sup>۱۷</sup> خرد<sup>۱۸</sup> بیگانه بود  
 برآمد برین<sup>۲۰</sup> روزگاری<sup>۲۱</sup> دراز  
 ندانست<sup>۲۳</sup> رنگ سپید<sup>۲۴</sup> و<sup>۲۵</sup> سیاه  
 جفا کرد با<sup>۲۷</sup> کودک<sup>۲۸</sup> شیرخوار  
 کجا کرده بد بجه را سیر شیر<sup>۳۱</sup>

پیچد همی تیره جانم ز شرم  
 ازین بجه چون بجهی آهرمن  
 چو آیند و<sup>۲</sup> پرسند<sup>۳</sup> گردنگشان  
 چه گویم<sup>۶</sup> که این بجهی دیو چیست<sup>۷</sup>  
 ازین ننگ بگذارم ایران زمین

بفرمود پس تاش<sup>۱۲</sup> برداشتند  
 بجایی که<sup>۱۵</sup> سیمرغ را خانه بود  
 نهادند بر<sup>۱۹</sup> کوه و گشتند باز  
 چنان<sup>۲۲</sup> پهلوان زادهی بی گناه  
 پدر<sup>۲۶</sup> مهر و پیوند بگنجد خوار  
 یکی داستان زد برین<sup>۲۹</sup> شیر پیر<sup>۳۰</sup>

۱- لن، ق، آ، لی، پ: تنم؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲- ق، آ، و: سه چشم و مویش بیان (و: موی سرش چون) سمن؛ ب: همه موی و روی و سرش چون سمن؛ لن، لی این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳- س، ق، آ، آ: < و > ۴- س: پرسند ۵- س، ق، آ: پرسند؛ لن، ق: برتند؛ لی: نشانها؛ پ، آ: چه گویند؛ ل: برتند (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، و، ب ۶- و: بگویم ۷- لن، ق، آ، لی، و، ل، آ، ب: کیست؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، آ ۸- ل: پلنگ و؛ متن = یازده دستویس دیگر ۹- ف، ق، لی، و، آ، ب (و نیز س): ما بربريست (در ف حرف های یکم و پنجم و در و حرف های یکم و سوم و هفتم نقطه ندارند)؛ ل: وگرنه پرست؛ لن، ق، آ، پ (و نیز ل، آ، لن): یا خود پرست؛ متن = س، ل، آ، لن، ق، آ، پ، ب پس از این بیت افزوده اند:

بمن بر نبخشند اندر نهان  
 ق، آ، ب: ازین بجه در آشکار و نهان

بخندند بر من مهان جهان

۱۰- پ: بخوانم ۱۱- س، ب: برین (ب: بدین) زاد و بوم؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، ب پس از این بیت افزوده اند:  
 بگفت و بخشم او (ق: بخشم؛ ب: ز خشم) بتابید روی  
 همی کرد با بخت خود گفت و گوی

و: بگفت این بخشم و بتابید روی

این بیت در ف، ل، س، آ، ل آیت ۱۲- س: ناکه ۱۳- ق، پ، و، آ، ب: وزان ۱۴- ل: بوم و در؛ لن- و، ب پس از این بیت افزوده اند:  
 یکی کوه بد نامش البرز کوه  
 بخورشید نزدیک و دور از گروه

۱۵- لن، ق، آ، لی، پ: بدانجای؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۶- ل: بران؛ لی: چنان؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۷- لن، ق، آ، لی، پ: از؛ ق، و، آ: این؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، ب ۱۸- لن، ق، آ، لی، پ: خلق؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۹- ل: در ۲۰- لی: بدین؛ ل: بران ۲۱- ف: روزگار؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۲- ف: چو آن؛ ل: جهان؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۳- س، و: ندانته ۲۴- لی، و، ب: سفید ۲۵- ل، لن، ق، پ، آ، ب: از؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، ل ۲۶- لن: بدو ۲۷- لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب: بر؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۸- ق، آ: کودکی؛ ق پس از این بیت افزوده است:

از آن کار بر سام بر خشم کین  
 یکی درد کش هیچ درمان نبود  
 همی چاره سازید از مرد و زن  
 کسی سوی آن درد رهبر نشد  
 که بزندان ورا زان گنه کرد ست  
 شب و روز افکنده بد بی پناه  
 زمانی خروشیدن از بر کشید

جهاندار بزندان جان آفرین  
 به بیماری او را همی آزمود  
 پزشکان گشتی به سام انجمن  
 مگر به شود هیچ بهتر نشد  
 بدانست سام نریمان درست  
 همان خرد کودک بدان جایگاه  
 زمانی سرانگشت رامی مزید

5

۲۹- لی: بدین؛ ق این بیت را ندارد ۳۰- لن، ق، آ، پ: نزه شیر؛ و: پر شیر؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۱- لن، پ، و: شیر سیر؛ ق: از شیر سیر؛ ل، س: کجا بجه را کرده بد سیر شیر؛ لی: کجا داده بد بجه را سیر شیر؛ آ: که فرزند را کرده بد سیر شیر؛ متن = ف، ل، آ، ب



سپاس ایچ<sup>۱</sup> بر سرت ننهادمی<sup>۱</sup>  
دلم بگسلد گر ز من بگسلی

به پرواز برشد دمان از بنه<sup>۶</sup>  
زمین را چو<sup>۸</sup> دریای جوشنده<sup>۹</sup> دید  
تن از جامه دور و لب<sup>۱۱</sup> از شیر پاک  
به سربرش خورشید گشته بلند  
مگر<sup>۱۴</sup> سایه می یافتی ز آفتاب<sup>۱۵</sup>

بزد برگرفتیش از آن گرم<sup>۱۷</sup> سنگ  
که بودش بر آنجا<sup>۱۸</sup> کُنام<sup>۱۹</sup> گروه  
بدان<sup>۲۱</sup> ناله‌ی<sup>۲۲</sup> زار او نگرند<sup>۲۳</sup>  
همه<sup>۲۴</sup> بودنی داشت اندر روش<sup>۲۵</sup>  
بدان<sup>۲۷</sup> خرد خون از دو دیده چکان<sup>۲۸</sup>  
بماندند خیره در آن<sup>۳۱</sup> خوبچهر  
بدو داد تا او به لب می مزید<sup>۳۴</sup>  
برآورد و دارنده<sup>۳۶</sup> بگشاد<sup>۳۷</sup> راز

که گر من ترا خون دل دادمی<sup>۲</sup>  
که تو خود مرا ویژه خون دلی<sup>۳</sup>

۷۵ چو سیمرغ را<sup>۴</sup> بچه شده<sup>۵</sup> گرسنه  
یکی شیرخواره خروشنده<sup>۷</sup> دید  
ز<sup>۱۰</sup> خاراش گهواره و<sup>۱۱</sup> دایه خاک  
به گرد اندرش تیره خاک نژند  
پلنگش بدی کاجکی<sup>۱۳</sup> مام و باب

۸۰ فرود آمد از ابر سیمرغ و<sup>۱۶</sup> چنگ  
ببردش دمان تا به البرز کوه  
سوی بچگان برد تا بشکرنند<sup>۱۸</sup>  
بیخشود یزدان نیکی دهش  
نگه کرد سیمرغ با<sup>۲۶</sup> بچگان  
۸۵ شگفتی، بدوبر<sup>۲۹</sup> فگنند<sup>۳۰</sup> مهر  
شکاری که<sup>۳۲</sup> نازک تر آن<sup>۳۳</sup> برگزید  
برین<sup>۳۵</sup> گونه تا روزگاری دراز

۱- لی، آ: آنچه؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر ۲- لی: بنهادمی ۳- ل، پ: که تو خود مرا دیده و هم دلی؛ لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ: ب: تو خود مر(ل): که تو مر؛ پ: که خود تو) مرا زنده همچون (و، آ: جان و) دلی؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، س: ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر رسیدن سیمرغ بزال بگرفتن او را و پیش بچگان بردن و پروردن زال را ۴- پ: با ۵- ل: چو سیمرغ شد بچه را ۶- ق: بران از بنه؛ ق، آ، لی: بلند از بنه؛ لن: بر آمد از آن کوه سر یک تنه؛ پ: بیامد خود از کوه سر تا بنه؛ متن = هفت دستویس دیگر ۷- آ: خروشیده ۸- لن، پ: زمین همچو ۹- آ: جوشیده ۱۰- ق: چو ۱۱- لن، ق، آ: < و > ۱۲- ل: تن از جامه و دولب ۱۳- ف- ق، آ، پ- ل (و نیز ل، لن، آ، س): کاشکی؛ متن = لی، ب ۱۴- لن، پ: که تا ۱۵- ف: سایه کردیش از آفتاب؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س): لن- و، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

خداوند مه‌ری به سیمرغ داد نکرد او (لی: نکردش) بخوردن از آن خرد یاد

پ: نکرد او بخورد از لب خرد یاد

و: که از خوردن او نکرد ایچ یاد

این بیت در ف، ل، س، آ، ل نیست ۱۶- ل: < و > ۱۷- س: کوه؛ لن، پ: نرم؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۸- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ: بدانجا؛ ق، و: در آنجا؛ ل: نشت و؛ س این بیت را ندارد؛ متن = ف، ب ۱۹- ل، و، آ: کُنام و؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۰- س: نشکرنند؛ آ: بشکرد؛ بشکرنند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۱- ل: بران ۲۲- ل: ناله و ۲۳- لن، پ، ل: بنگرنند؛ آ: بنگرد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۴- لن، ق، آ، لی: یکی؛ ق، پ، آ: کجا؛ و، ل، آ، ب: همی؛ متن = ف، ل، س ۲۵- ل، س، لن، ق، آ: و، ل، ب (و نیز ل): بوش (در ل روش داشته، آنرا به بوش برگردانده‌اند)؛ ق: رهش؛ (لن، آ، س): برش؛ متن = ف، آ ۲۶- آ، ب: تا ۲۷- ل: بران؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۸- ب: بدان خرد چون بگلانند جان ۲۹- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: برو؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ب ۳۰- ل: بیفکنند؛ ل، آ، ب: گرفتند؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۱- ل: بران؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: بدان؛ متن = ف، ق، و، آ، ل ۳۲- پ، آ: ز؛ لن این بیت را ندارد ۳۳- ل: نازک ترین؛ آ: نازک بران؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۴- ل، س، ق، آ، لی، ل، آ، ب: که بی (ل: کی) شیر مهمان همی خون مزید؛ پ، و، آ: بدو داد تا از لبان می مزید (و: می مکید)؛ متن = ف؛ ق پس از این بیت افزوده است:

بمردار خویشش همی پرورید ابا بچگانش همی آرمید

مدار این تراز کار یزدان شگفت فکنده نشد هر که او برگرفت

۳۵- لن، آ: بدان؛ لی، ب: بدین؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۶- ل، ل، آ: بر آورد داننده؛ س: بر آورده دارنده؛ لن، ق، آ: بر آورد دارنده؛ ق: بر آمد چو داننده؛ لی: بدان راز داننده؛ و: بروراز داننده؛ متن = ف، پ، آ، ب ۳۷- ل: نگشاد

چُن آن کودك خُرد پُرمایه گشت      بران کوهبر کاروان ها گذشت  
 یکی مرد شد چون یکی زادسرو      برش کوه سیم و میانش چو غرو  
 ۹۰ نشانش پراگنده شد در جهان      بد و نیک هرگز نماند نهان

### گفتار اندر خواب دیدن سام نریمان

به سام نریمان رسید آگهی      از آن نامور<sup>۹</sup> پور با فرهی  
 شبی از شبان<sup>۶</sup> داغ دل خفته بود      ز کار زمانه برآشفته بود  
 چنان دید کز کشور هندوان<sup>۷</sup>      یکی مرد بر تازی اسپ<sup>۸</sup> دوان  
 [فراز<sup>۹</sup> آمدی تا بنزدیک سام      سواری سرافراز و گرد و همام<sup>۱۰</sup>]  
 ۹۵ ورا مژده دادی به<sup>۱۱</sup> فرزند اوی<sup>۱۲</sup>  
 چو بیدار شد موبدان را بخواند      بران<sup>۱۳</sup> بُرز<sup>۱۴</sup> شاخ برومند اوی<sup>۱۵</sup>  
 بدیشان<sup>۱۶</sup> بگفت آنچه<sup>۱۷</sup> در خواب دید      وُزین<sup>۱۵</sup> در سخُن چند گونه براند  
 چه گوید گفت اندرین داستان      جز آن هر چه<sup>۱۸</sup> از کاردانان شنید  
 خردتان بدین<sup>۱۹</sup> هست همداستان

هر آنکس که بودند پیر و جوان      زبان برگشادند بر پهلوان<sup>۲۰</sup>  
 ۱۰۰ که بر سنگ<sup>۲۱</sup> و بر خاک<sup>۲۲</sup> شیر و پلنگ  
 همه بچه را پروراننده اند<sup>۲۳</sup>      چه<sup>۲۴</sup> ماهی بدآب اندرون<sup>۲۵</sup> با<sup>۲۶</sup> نهنگ  
 ستایش به یزدان رساننده اند<sup>۲۷</sup>

۱- ف: چنان؛ ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): چو آن؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): چو این؛ متن = (س<sup>۲</sup>) ۲- لن، لی، پ: روزگاری؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ بنداری: و كانت القوافل تعبر تحت ذلك الجبل ۳- ل، لی: سیمین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴- ف: گفتار اندر خواب دیدن سام نریمان اندر حق زال پرش و رفتن بطلب او؛ س، لن، ق، لی: بخواب (لن، ق<sup>۲</sup>): خواب) دیدن سام کتام سیمرغ را (س: کتام سیمرغ را با زال زر؛ ق<sup>۲</sup>: کتام مرغ با زال؛ لی: کتام سیمرغ با زال)؛ ق: خواب دیدن سام و تدارک نمودن حال زال؛ پ: خواب دیدن سام از حال پسر؛ و، آ: خواب دیدن سام نریمان (و: ... و باز آوردن زال را از کوه)؛ ل<sup>۲</sup>: خبر یافتن سام از حال زال و خواب او؛ ب: بخواب دیدن سام سیمرغ؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۵- ل، س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>): نیک بی؛ متن = ف، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>) ۶- ل<sup>۲</sup>: ز شهابشی؛ ق از این بیت تا بیت ۱۰۳ را انداخته است ۷- ل، و، آ، ب: چنان دید در خواب کز هندوان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- ل<sup>۲</sup>: اسبان؛ آ: یکی مرد تازی اسی (وزن نادرست است) ۹- ق<sup>۲</sup>: براز؛ ل، س، لن، ق، پ، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): این بیت را ندارند؛ متن = ف، لی، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۰- لی: سرافراز گرد همام؛ و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): سرافراز و گردی (و: مردی) تمام؛ در ق<sup>۲</sup> لت دوم این بیت پاک شده است؛ متن = ف ۱۱- لی، پ: ز ۱۲- ل، س، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: او؛ متن = ف، لن، لی، پ، و، ب ۱۳- لن، و، ل<sup>۲</sup>: بدان؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ق ۱۴- لن: شاد ۱۵- ل، و: ازین؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ق ۱۶- ل<sup>۲</sup>: بایشان ۱۷- پ، و، آ، ل<sup>۲</sup>: آنچه؛ لن، ق این بیت را ندارند؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت پاک شده است؛ متن = ف، ل، س، لی ۱۸- ل: هرچ ۱۹- ل، لی، پ، و، آ: برین؛ متن = ف، س، لن، ق، ل<sup>۲</sup>، ب؛ س، لن، ق، لی، پ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند؛ که زنده است آن (پ: این) خرد کودك هنوز وگر (لی، ب: و یا) شد ز سرمای (ب: سرما) مهر و نموز این بیت در ف، ل، ق، و، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز در لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲۰- س، لن، ق، لی، ب پس از این بیت و و پس از بیت ۱۰۱ افزوده اند (در ق<sup>۲</sup> لت یکم این بیت پاک شده است)؛

که هر کو به یزدان شود ناسپاس      نباشد بهرکار (ب: کاری (وزن نادرست است)) نیکی شناس  
 این بیت در ف، ل، ق، پ، آ، ل<sup>۲</sup> نیست ۲۱- ل: کوه؛ ل<sup>۲</sup>: خاک؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ق ۲۲- آ: خاک و؛ ل<sup>۲</sup>: سنگ ۲۳- لی: چو ۲۴- ف، لن، لی، پ، و، آ، ب: به آب اندرون؛ ل: بدریا درون؛ متن = س، ق، ل<sup>۲</sup> ۲۵- آ: تا ۲۶- ل، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: پروراننده اند؛ س، لن: پروراننده اند (حرف هفتم نقطه ندارد)؛ متن = ف، لی، پ، و، ب ۲۷- ل، و، آ، ل<sup>۲</sup>: رساننده اند؛ س، لن: رساننده اند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ در ق<sup>۲</sup> این واژه پاک شده است؛ متن = ف، لی، پ، ب؛ ب پس از این بیت افزوده است؛

پسر داد یزدان بینداختی      ز بی باکی ارجش نبشناختی

چنان بی گنه بچه را بگنی  
که اویست بر نیک و بد<sup>۱</sup> رهنمای

کز<sup>۲</sup> اندیشه‌ی دل<sup>۳</sup> شتاب آمدش  
درفشی برافراختندی<sup>۴</sup> بلند<sup>۵</sup>  
سپاهی گران از پس پشت<sup>۶</sup> اوی  
سوی راستش نامور بخردی  
گشادی زبان را<sup>۷</sup> به گفتار سرد  
دل و دیده شسته ز شرم خدای<sup>۸</sup>  
پس این پهلوانی چه بایسته‌ی<sup>۹</sup>  
ترا ریش و سر<sup>۱۰</sup> گشت چون خنگ بید<sup>۱۱</sup>  
که در تنت<sup>۱۲</sup> هر روز رنگیست نو  
کنون هست پرورده‌ی کردگار  
ترا خود به مهر اندرون مایه نیست

چو شیر ژیان کاندر آید به دأم

توای پیمان نیکی دهش بشکنی  
به یزدان کنون سوی پوزش گرای

۱۰۵ چو شب تیره شد رای خواب آمدش  
چنان<sup>۱۳</sup> دید در خواب کز کوه هند

غلامی پدید آمدی<sup>۱۴</sup> خویروی  
به دست چپش بر یکی موبدی  
یکی پیش سام آمدی زان<sup>۱۵</sup> دو مرد  
که ای مرد ناباک<sup>۱۶</sup> ناباک رای

۱۱۰ ترا دایه گر مرغ شایسته‌ی<sup>۱۷</sup>  
گر<sup>۱۸</sup> آهوست بر مرد موی سپید<sup>۱۹</sup>  
پس از آفریننده بیزار شو  
پسر گر<sup>۲۰</sup> بنزد پدر بود<sup>۲۱</sup> خوار  
کز<sup>۲۲</sup> مهربان تر بدو<sup>۲۳</sup> دایه نیست

۱۱۵ به خواب اندرون برخروشید سام

۱- ف: چو؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت پاك شده است؛ متن = نه دستویس دیگر بجز ق (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

ز موی سپیدش (لی، ب: سفیدش) دل آری بتنگ  
نگر تا نگویی که او زنده نیست  
که یزدان کسی را که دارد نگاه  
ق<sup>۲</sup>، لی، ب: نگردد ز سرما و گرما تباہ

این بیت در ف، ل، س، ق، و، آ، ل نیست ۲- ل: بر نیکی؛ ق<sup>۲</sup>، لی: نیکی ده؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ق ۳- ل، ق، و، آ: از؛ س: وز؛ متن = ف، ق<sup>۲</sup>، لی، ل، آ، ب ۴- لن، پ: گران شد سرش در؛ لی، ل، آ، ب: کز اندیشه دل بر (ل<sup>۲</sup>) ۵- ل: چنین ۶- ل: برافراشتندی؛ ق، پ، آ: برافراختی چون؛ متن = هشت دستویس دیگر ۷- س، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، آ، ب: پرند؛ متن = ف، ل، لی، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۸- ل: آمد (وزن نادرست است)؛ آ پس از این بیت سرنویس دارد: زایدن زال از مادر ۹- لی: زین؛ ۱۰- ل، و، ل، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ زبان برگشادی؛ متن = ف، آ ۱۱- ل: ناباک و؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ل، آ: بی باک؛ آ، ب: ناباک؛ متن = ف، ق، و ۱۲- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ: ز دیده بستی تو شرم خدای؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۳- ل، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): شاید همی؛ آ: شایسته بود؛ ل<sup>۲</sup>: شایستی؛ (س<sup>۲</sup>): شایستی؛ متن = ف: (شایستی) ۱۴- ل، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): باید همی؛ آ: بایسته بود؛ ل<sup>۲</sup>: بایستی؛ (س<sup>۲</sup>): بایستی؛ متن = ف: (بایستی (حرف ششم نقطه ندارد)) ۱۵- پ: که ۱۶- لی، و، ب: سفید ۱۷- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، ب: موی سر؛ و: ریش چون؛ متن = ف، ل، ق، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۸- ف (و نیز س<sup>۲</sup>): خنگ و بید؛ ق، لی، و: خشک بید؛ پ، آ: برگ بید؛ ل<sup>۲</sup>: خند بید (→ خنگ بید)؛ (لن<sup>۲</sup>): مشک بید؛ متن = ل، س، لن، ق<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

همان وهمین (ق<sup>۲</sup>): همین بدهمان؛ ب: همین بدهمین (بیزدت هدیه داد همی (لی: چرا) کم کسی تو بیداد داد

۱۹- س: در دینت (!)؛ و: بر تنت؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کاره افزوده‌اند؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۰- ف: چون؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): کو؛ متن = ل، س، ق، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۱- س: هست؛ ق، لی، پ، و، آ، لن<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بزدیک تو بود؛ متن = ف، لن، ق<sup>۲</sup> ۲۲- ق: که زو ۲۳- ل، ق: ترا؛ س، ق<sup>۲</sup>، آ، لن<sup>۲</sup>، ب: برو؛ و: ورا؛ متن = ف، لن، لی، پ ۲۴- س، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

بترسید از آن خواب کز (ق، ق<sup>۲</sup>) (وز: روزگار (س، ق: کردگار) نباید که بیند (ق: که دیگر بیند) بد آموزگار (س، ق: روزگار؛ لی: کارزار)

چو بیدار شد بخردان<sup>۱</sup> را بخواند  
 بیامد دمان<sup>۲</sup> سوی آن<sup>۳</sup> کوهسار  
 سر اندر ثریا یکی کوه دید  
 نشیمی ازو<sup>۴</sup> برکشیده بلند  
 ۱۲۰ فرو برده از شیز و<sup>۵</sup> صندل عمود  
 بدان<sup>۶</sup> سنگ<sup>۷</sup> خارا نگه کرد سام  
 یکی کاخ بُد تازک<sup>۸</sup> اندر سماک  
 ابر<sup>۹</sup> آفریننده کرد آفرین<sup>۱۰</sup>  
 کز انسان<sup>۱۱</sup> درو<sup>۱۲</sup> کوه و<sup>۱۳</sup> مرغ آفرید<sup>۱۴</sup>  
 ۱۲۵ بدانست کو دادگر<sup>۱۵</sup> داورست  
 ره برشدن جست و کی بود راه  
 همی گفت کای<sup>۱۶</sup> برتر از جایگاه<sup>۱۷</sup>  
 گر این<sup>۱۸</sup> کودک از پاک<sup>۱۹</sup> پشت<sup>۲۰</sup> من ست

سران<sup>۱</sup> سپه را همه برنشاند  
 که افگندگان را<sup>۲</sup> کند خواستار  
 که<sup>۳</sup> گفتی ستاره بخواهد کشید  
 که ناید ز کیوان بروبر<sup>۴</sup> گزند  
 يك اندر دگر<sup>۵</sup> بافته<sup>۶</sup> چوب عود<sup>۷</sup>  
 بدان<sup>۸</sup> هیبت مرغ و هول کنام  
 نه از رنج دست<sup>۹</sup> و نه از آب و خاک  
 بمالید رخسارگان بر زمین<sup>۱۰</sup>  
 ز خارا<sup>۱۱</sup> سر اندر ثریا کشید  
 توانا و از<sup>۱۲</sup> برتران برترست  
 دد و دام را بر چنان جایگاه<sup>۱۳</sup>  
 ز روشن گمان<sup>۱۴</sup> و ز خورشید و ماه  
 نه از تخم بدگوهر<sup>۱۵</sup> آهرمن ست<sup>۱۶</sup>

۱- ب: موبدان ۲- ق، و، آ: سراسر؛ ل: این بیت را ندارد ۳- ل: دوان ۴- ف: تا سوری؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س، آ)  
 ۵- س، لن، ق، ل، لی، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل): که افکنده خود؛ متن = ف، ل، ق، آ (و نیز ل، ل، س، آ) ۶- س، لن، پ، ل، آ: تو؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ لی، ب پس از این بیت سرنویس دارند، لی: رفتن سام بکنام سیمرغ بطلب زال؛ ب: رفتن سام بطلب زال ۷- ف: بدو؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س، آ) ۸- ف: بدویر؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س، آ) ۹- لن: < و >؛ ق، ل، لی: شیرو؛ پ: شین و؛ و: چوب و؛ آ: شین؛ ل: شیر؛ متن = ف، ل، س، ق، ب ۱۰- س: یکی از دگر ۱۱- ق، و: ساخته؛ آ: تافته؛ ل: یافته ۱۲- لن: همچو عود؛ ق: چوب و عود؛ لی: يك اندر تافته چوب عمود (وزن نادرست است) ۱۳- س، ق: بران ۱۴- و: کوه ۱۵- ف: بداز؛ ق: بران؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س، آ) ۱۶- لی: یکی کاخ دیدش سر ۱۷- ل، س، ق، لی، پ، آ: دست رنج؛ لی، ق: این بیت را ندارند؛ متن = ف، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ) ۱۸- ل، پ: سنگ و خاک؛ ق: سنگ خاک؛ لی: آب پاک؛ آ: دست خاک؛ متن = ف، س، و، ل، آ، ب؛ س، ق، لی، ب پس از این بیت افزوده اند:

سنبیه (لی: نشسته) جوانی بکردار سام بدیدش (س: بدیدی) که میگشت گرد (ق: که گشت او بگرد) کنام

۱۹- ل، س، ق، ق، آ: بران؛ لی، پ، ب: بدان؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = ف، و، آ، ل ۲۰- پ: بدان آفریننده را کرد یاد (!) ۲۱- لی: بمالید چندی رخ اندر زمین ۲۲- ل: که زانسان؛ لن، پ: کزینسان؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۳- س، لن، ق، آ، پ: بران؛ لی: بدان؛ ب: در آن؛ متن = ف، ل، و، آ، ل ۲۴- لن، ق، ل، لی، ب، آ، ب: < و > ۲۵- ق: کز انسان دد و مرغ و دام آفرید؛ (س): کز انسان دد و مرغ و کوه آفرید؛ ل: نیز نخست برابر س<sup>۲</sup> بوده است، ولی آنرا برابر متن برگردانده اند) ۲۶- ف: ز هامون؛ و (و نیز لن): بخارا؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س، آ) ۲۷- ف: کورا یکی؛ (س): کز دادگی؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س، آ) ۲۸- لن، ق: بر ۲۹- ق، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:  
 نبایش کنسان گرد بر کوه بر (ب: گرد آن کوه و در) بر آمد که جایی ندید او کمر (ب: بیابد گذر)

۳۰- س: ای ۳۱- ق: برتر از جای وز جایگاه (وزن نادرست است) ۳۲- ل، ق: مکان؛ لن، پ، آ، ل، آ، ب: روان؛ متن = ف، س، ق، ل، لی، و؛ لن، ق، ل، لی، پ، و، ب پس از این بیت افزوده اند (در ق لت ها پس و پیش شده اند):

پسوزش بر تو سر افکنده ام (لی: سرافکنده ایم) ز ترس تو جانرا پراکنده ام (لی: پراکنده ایم)

برخی از دستویس ها پس از این بیت و برخی پس از بیت ۱۲۸ و برخی پس از بیت ۱۲۹ بیت هایی افزوده اند و پایی بیت های میان ۱۲۷ تا ۱۳۰ در برخی از دستویس هادرهم ریخته است (← ۱۲۹ پ) ۳۳- س: آن ۳۴- ل، آ، ب: از پشت پاک؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۵- و، ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ): وارونه؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز س، آ) ۳۶- لی، و: اهریمنت



چُنین داد پاسخ که گر تخت و گاه  
مگر کین<sup>۲</sup> نشیمت نیاید بکار  
ابا خوشتن بر یکی پَر من  
که در زیر پَرْت پِرورده‌ام<sup>۳</sup>  
گرت هیچ سختی بروی آورند  
بر آتش<sup>۱۱</sup> برافگن<sup>۱۱</sup> یکی پَر من  
همانگه بیایم چو ابر<sup>۱۲</sup> سیاه  
دلش گشت<sup>۱۶</sup> پدرام<sup>۱۷</sup> برداشتش  
ز پروازش آورد پیش<sup>۱۹</sup> پدر  
تنش<sup>۲۱</sup> پیلوار و دو رخ<sup>۲۲</sup> چون بهار<sup>۲۳</sup>  
فرو برد سر پیش سیمرخ زود  
سراپای<sup>۲۵</sup> کودك<sup>۲۶</sup> همه بنگرید<sup>۲۷</sup>  
ببینی و رسم کیانی کلاه<sup>۲</sup>  
یکی آزمایش کن از روزگار<sup>۴</sup>  
همیشه همی باش در فر<sup>۵</sup> من  
ابا بچگان<sup>۶</sup> برآورده‌ام<sup>۶</sup>  
گر<sup>۸</sup> از نیک و بد<sup>۹</sup> گفت و گوی آورند  
ببینی<sup>۱۱</sup> هم اندر زمان فر<sup>۱۳</sup> من  
بی آزارت آرم بدین<sup>۱۵</sup> جایگاه  
گرازان به ابر<sup>۱۸</sup> اندرافراشتش  
رسیده به زیر برش<sup>۲۰</sup> موی سر  
پدر چون بدیدش بنالید زار  
نیایش همی بافرین برفزود<sup>۲۴</sup>  
همی<sup>۲۸</sup> تاج و تخت کی را سزید

۱- ف: که تخت و کلاه؛ لن، ق، آ، لی، پ (و نیز لن، آ، س): که گر تاج و گاه؛ ل: که آن تاج و گاه؛ متن= ل، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل، آ): ۲- ف: رسم کیانی و گاه؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ): ۳- س: مگر این؛ آ: نگر کین ۴- لی: بهان تا گذارم برت روزگار؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب (و نیز ل، آ، لن): پس از این بیت افزوده‌اند:

نه از دشمنی دور دارم ترا سوی پادشاهی گذارم (س: گزارم) ترا  
ترا (و: کجا) بودن ایدر مرا درخورست ولیکن ترا آن ازین بهنرست

این بیت ها در ف، ل، ق، آ، ل (و نیز س، آ) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۵- ل، آ: خجسته بود سایه فر من؛ س، لن، پ (و نیز لن، آ): همی باش در سایه فر من؛ ق (و نیز ل، آ): ببینی هم اندر زمان فر من؛ ق، و: همیشه همی باش با فر من؛ لی (و نیز س، آ): چو خواهی که بینی سبک فر من؛ ل، آ: همی باش پیوسته در فر من؛ متن= ف، ب ۶- پ: برآورده‌ام ۷- پ، ب: پِرورده‌ام (پ پائوند ندارد)؛ در ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ این بیت پس از بیت ۱۴۱ آمده است ۸- ل، و، آ، ب: و ۹- لن، ق، آ، لی، پ: ز نیک و ز بد؛ س، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل ۱۰- لی، ب: باتش ۱۱- آ: ابر آتش افکن ۱۲- و: که بینی ۱۳- پ، آ: برآرد همه کام تو فر من؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ این بیت پس از بیت ۱۳۹ آمده است ۱۴- س، ق، آ، لی، ب: ابری؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- پ: برین؛ ل، لن، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز ل، آ، لن): پس از این بیت افزوده‌اند:

فرامش مکن مهر دابه ز دل که در دل مرا مهر تو دلگسل

این بیت در ف، س، و، آ، ل (و نیز در س، آ) نیست ۱۶- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: کرد؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ل (و نیز ل، آ، س، آ): ۱۷- ق: < و > ؛ ب: پس رام و ۱۸- آ: زبام ۱۹- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ: نزد؛ و: سوی؛ متن= ف، س، ل، آ، ب ۲۰- پ، آ: بی اش ۲۱- ل، ق: تنی؛ لن، ق، آ، پ: تن ۲۲- ل، آ: و برخ؛ لن، ق، پ: و رخ؛ و: و رخس؛ متن= ف، س، ق، آ، لی، ل، آ، ب ۲۳- س، ق، آ، ب: نگار؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۴- در آلت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در ل، و پس از این بیت ۱۵۰ آمده است؛ لن، ق، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز ل، آ، لن): پس از این بیت افزوده‌اند:

که ای شاه مرغان ترا دادگر بدان (لی: ترا) دادنیرووزور (ق، آ، ب: ارج) و هنر  
که فریاد (لن: بفریاد) بیچارگان (ق: بیچاره) و یآوری  
ز تو بدسگالان همیشه نژند  
بمان همچنین جاودان زورمند

لن، ق، آ، لی، پ یک بیت دیگر نیز افزوده‌اند:

هم (ق: آ): پس آنگاه سیمرخ بر شد به کوه بمانده برو چشم سام و گروه

۲۵- و: سرو پای ۲۶- ل، س، ق، ب: همی ۲۷- لن، ق، آ، لی، پ: پس آنگاه سراپای کودك بدید؛ متن= ف، آ، ل ۲۸- لن، پ: همان؛ آ: هم

دل پهلوان، دست شمشیر جوی  
 چو بسد<sup>۲</sup> لب و رخ همانند<sup>۵</sup> خون  
 بران پاك فرزند کرد آفرین<sup>۶</sup>  
 پوشید و ز<sup>۷</sup> کوه بگذارد<sup>۸</sup> پای  
 همان<sup>۹</sup> جامه‌ی خسروآرای خواست  
 گشاده دل و شادکام<sup>۱۱</sup> آمدند  
 برآمد یکی گرد چون کوه<sup>۱۲</sup> نیل  
 همان زنگ زرین و هندی درای  
 بدان<sup>۱۳</sup> خرّمی راه بگذاشتند  
 ابا پهلوانی فزون آمدند  
 که سام آمد از کوه با فرهی  
 بسی<sup>۱۷</sup> از جهان آفرین کرد یاد

بر و بازوی شیر و خورشید روی<sup>۱</sup>  
 سیاهش مژه<sup>۲</sup> دیده‌ها<sup>۳</sup> قیرگون  
 ۱۵۰ دل سام شد چون بهشت برین  
 تنش را یکی پهلوانی قبای  
 فرود آمد از کوه و بالای خواست  
 سپه یکسره پیش سام<sup>۱۰</sup> آمدند  
 تبیره‌زنان پیش بردند پیل  
 ۱۵۵ خروشیدن کوس با کرّه نای  
 سواران همه نعره برداشتند  
 به شادی به شهر اندرون آمدند  
 یکایک<sup>۱۴</sup> به شاه آمد این<sup>۱۵</sup> آگهی  
 بدان<sup>۱۶</sup> آگهی شد منوچهر شاد

۱- ل، آ، ب: و چون شید روی ۲- ل، پ، آ، ب: سه مژه و؛ ل، آ: سه مژگان؛ متن= ف، و (ونیز ل، آ) ۳- ل، ن، پ، آ: دیدگان؛ ل، آ: دیده؛ متن= ف، ل، س، و، ب (ونیز ل، آ) ۴- ل، ن، پ: دو بسد؛ لی، ب: چوپته ۵- ل، س، ق، ق، آ، لی، ب: بماند؛ ل، ن، پ: بکردار؛ متن= ف، و، آ، ل، آ، س- و (ونیز ل، آ، ل، ن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

جز از موی بروی (لی، و: مویروس) نکوهش بود بدی (و: بد) دیگرش را (س: از؛ ل، ن: دیگر اورا؛ پ: دیگری را) پژوهش نبود این بیت در ف، ل، آ، ل، آ، ب (ونیز در س، آ) نیست ۶- در ل، و این بیت پس از بیت ۱۴۶ آمده است؛ س- و، ب (ونیز ل، آ، ل، ن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بمن ای پر گفت دل نرم کن  
 منم کمترین بنده (و: منم بنده پاك) یزدان پرست  
 پذیرفته‌ام از (ل، ن، پ: پذیرفته اند) خدای بزرگ  
 بجویم هوای تو از نیک و بد  
 گذشته مکن یاد دل (و: خون) گرم کن  
 از آن (ق، لی، ب: ازین) پس که آوردت باز دست  
 که دل بر (ب: با) تو هرگز ندارم سترگ

ازین پس چه (ب: جو) خواهی تو چونان (ق: چونین) سزد (ب: بود؛ پ: چنان می سزد) این بیت در ف، ل، آ، ل، آ، ب (ونیز در س، آ) نیست ۷- س، ل، ن، لی، ب: از؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، ۸- ف- ب (ونیز ل، ن، آ، س، آ): بگزارد؛ متن تصحیح قیاسی است ۹- س، ل، ن، پ: یکی؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- آ: او؛ ۱۱- آ: تازه روی؛ در ق، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ق پس از این بیت افزوده است:

همی مرورا زال زر کرد نام  
 ۱۲- ف، و (ونیز ل، ن، آ): گرد؛ ل (ونیز ل، آ): مانند؛ س، ل، آ: هم رنگ؛ ق: چون آب؛ متن= ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (ونیز س، آ)؛ در ق، آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۳- ل، ق: بران؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ ل، ق، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو اندر هوا شب علم برگشاد  
 بران دشت (ل: < و >) هامون فرود آمدند  
 چو بر چرخ گردان درفشنده شید  
 شد آن روی (ق: ترك) رومیش زنگی نژاد  
 بچستند و یکبار (آ: یکباره) دم برزدند  
 یکی خیمه زد از حریر سپید

این بیت ها در نه دستنویس دیگر (ونیز در ل، آ، س، آ) نیست ۱۴- س: زکابل؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ (ونیز ل، ن، آ): ززابل؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز ل، آ، س، آ) ۱۵- ب: آن؛ در ق، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۶- س، ق، آ، و: ازان؛ لی: ازین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- ل، ن، لی، پ: همی؛ در ق، آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س: آگاهی یافتن منوچهر از حال سام با زال؛ ل، ن: رفتن نوذر بنزدیک سام بزابل؛ ق: آگاهی یافتن منوچهر از باز یافتن سام زال را و فرستادن نوذر تهیت و طلب ایشان؛ ق، آ: خبر یافتن منوچهر از کار سام و زال؛ لی: باز آمدن سام از کوه و آوردن زال؛ پ: آگاه شدن منوچهر از حال سام با زال زر و قصه او؛ و: گفتار اندر طلب کردن منوچهر شاه زال زرا

۱۶۰ بفرمود تا نوذر نامدار کند آفرین کیانی بروی بفرمایدش تا سوی شهریار ببیند یکی روی<sup>۷</sup> دستان سام و زانجا سوی زاولستان<sup>۹</sup> شود

۱۶۵ چو نوذر بر<sup>۱۱</sup> سام نیرم رسید فرود آمد از اسپ<sup>۱۳</sup> سام سوار ز شاه و ز گردان<sup>۱۴</sup> پرسید سام چو بشنید پیغام شاه بزرگ دمان<sup>۱۸</sup> سوی درگاه بنهاد روی

شود تازنان<sup>۱</sup> پیش<sup>۲</sup> سام سوار بران<sup>۴</sup> شادمانی که بگشاده روی شود تا سخنها کند خواستار<sup>۶</sup> که بد<sup>۷</sup> پرورانیده اندر کُنام<sup>۸</sup> بر آیین خسروپرستان شود

که پور جهان پهلوان<sup>۱۲</sup> را بدید گرفتند مر یکدیگر را کنار و زیشان<sup>۱۵</sup> بدو داد<sup>۱۶</sup> نوذر پیام<sup>۱۷</sup> زمین را بیوسید سام سترگ چنان که ش<sup>۱۹</sup> بفرمود دیهیم جوی

۱- ل، ل، ل (ونیز س<sup>۲</sup>): تازبان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ل<sup>۲</sup>: تازبان)؛ متن = ده دستویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۲- لن، پ، و: سوی؛ در ق پس از این بیت ۱۶۴ آمده است ۳- ق، ق، ل، لی، ب: بدوی ۴- س، لن، ق، ل، لی، پ، ب: بدان؛ ق: ازان؛ و: بدین؛ متن = ف، ل، آ، ل ۵- لی، پ، و: بنمود ۶- ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ در ق، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ و (ونیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

۵ که شاه کیان از جهان کردگار که بخشد جهان پهلوان را به مهر که باشد پرستنده تخت شاه چنین است فرمان یزدان بداد بویژه نژاد جهان پهلوان چو آگاهی آمد بشاه جهان مر او را بیفکند و از کردگار بسختی ز مرگ فریدون کرد مر این کرده را چاره بشناخت نیز دگر باره چون مژده آمد بکی سپاس از جهاندار دانست نیز بهر کشور این مژده دلفروز همی خواهد اکنون که باز از نخست

همی خواست پنهان و هم آشکار یکی خوب فرزند با رای و چهر نگهبان کشور ستون سپاه که گیتی نماند مگر بر نژاد که فرخنده مان باد تا جاودان که مر سام را بچه آمد نهان نترسید نز هول روز شمار مگر این سخن را فزونتر کرد گمان برد کو را پرآمد قفیز که برخاست دستان فرخنده کی بدرویش بخشید بسیار چیز رسید و شب آمده آمد بروز ببینند تن پهلوان را درست

۷- و: همان چهره خوب؛ ل<sup>۲</sup>: بینم یکی روی ۸- لی، ب: بدیدار ایشان شود شادکام؛ در ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در ب این بیت هم بگونه لی پیش از بیت ۱۶۲ آمده است و هم بگونه متن پس از بیت ۱۶۲؛ ب پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن نوذر بدیدار زال ۹- س، ق، ل، ل<sup>۲</sup>: ب: زابلستان؛ ل: وزینجا سوی سبتان؛ لن، پ: وزان پس سوی زابلستان؛ متن = ف، ق، و، آ ۱۰- س، لن، ق، ل، پ: شوند؛ در ق این بیت پس از بیت ۱۶۰ آمده است؛ لی این بیت را انداخته و بجای آن بیت های ۱۶۱ و ۱۶۲ را دوباره نوشته است ۱۱- ب: سوی ۱۲- ل: یکی نوجوان پهلوان؛ س، ب: یکی نوجوان پهلوان؛ لن، ق، ل، لی، ل<sup>۲</sup>: کی نوجوان پهلوان؛ پ: گزین نوجوان پهلوان؛ و (ونیز لن<sup>۲</sup>): کی نامور پهلوان؛ آ: گزین جهان پهلوان؛ متن = ف، ق (ونیز س<sup>۲</sup>) ۱۳- ل: باره؛ متن = یازده دستویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۴- س: بزرگان؛ ب: لشکر ۱۵- ل، ق، و: از شان ۱۶- س: داشت ۱۷- ل<sup>۲</sup>: پیاده شد از اسب و بگزارد گام ۱۸- ل، لن، ق، ق، ل، ل<sup>۲</sup>: پ: دوان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۹- س: چون؛ س، لن، ق، ل، لی، پ (ونیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

فراز یکی پیل نر (ق<sup>۲</sup>: بر) زال زر نشاند و براندش سبک سوی در لی: نشاند براندند نزدیک در



سپهبد پذیره شدش با سپاه<sup>۳</sup>  
 پیاده شد از اسپ<sup>۴</sup> و بگذارده گام  
 مرآن<sup>۵</sup> پاک دل مرد<sup>۶</sup> خسرو<sup>۷</sup> پرست  
 چه دیهیم دار و چه دیهیم جوی  
 کلاه بزرگی<sup>۸</sup> به سر برنهاد  
 نشستند روشن دل و شادکام  
 به ززین عمود و به ززین کلاه  
 شگفتی بماند اندرو<sup>۹</sup> شهریار  
 تو گفتی<sup>۱۰</sup> که آرام جان ست و مهر  
 که از من تو این را به زنهار دار  
 به کس شادمانه مشو جز بدوی<sup>۱۱</sup>  
 دل هوشمندان<sup>۱۲</sup> و آهنگ شیر<sup>۱۳</sup>

۱۷۰ چُن آمد بنزدیکی شهر شاه  
 درفش منوچهر چون دید سام  
 منوچهر فرمود تا برنشست  
 سوی تخت ایران<sup>۱۴</sup> نهادند روی  
 منوچهر بر گاه بنشست شاد  
 به يك دست قارن به يك دست سام<sup>۱۵</sup>  
 پس آراسته زال را پیش شاه  
 گرازان بیاورد سالار بار  
 بدان<sup>۱۶</sup> بُرز بالا و آن<sup>۱۷</sup> خوب چهر  
 چنین گفت مر سام را شهریار  
 به خیره میازارش از هیچ روی  
 که فر کیان دارد و چنگ شیر

وزان<sup>۱۹</sup> تا چرا خوار گشت<sup>۲۰</sup> ارجمند

پس از کار سیمرغ و کوه بلند

۱- ل-ب: چو؛ متن = ف ۲- ل، لن، ق، آ، لی، پ: شهریار؛ آ: بنزدیک او شهریار؛ متن = ف، س، ق، و، ل، آ، ب ۳- ل: ازکنار (→ بی کیار؟)؛ س: بی سپاه؛ لن، ق، آ، لی، ب: با نثار؛ آ: بی کنار (→ بی کیار؟)؛ متن = ف، ق، و، ل، آ، ب (و نیز ل)؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن سام نزد منوچهر شاه ۴- ل، ل، آ: باره؛ متن = ده دستویس دیگر ۵- ف، س-ب: گزارد؛ متن = ل ۶- ف، و: چنان؛ س، ل، آ: بدان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۷- ل، ق، و: گرد؛ ب: شاه؛ متن = هشت دستویس دیگر ۸- لن، لی، پ، ل، آ: بزدان؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ ق پس از این بیت افزوده است:

بپرسید ازان درد و بیماریش  
 سپاسم ز بزدان که از پهلوان  
 بدو داد فرزند گم کرده را  
 که بد شاه از آزار با زاریش  
 جدا کرد آن گرم و رنج روان  
 وزو کرد خشنود آزوده را

ف پس از بیت ۱۷۲ سرنویس دارد: گفتار اندر رفتن سام با زال بنزدیک شاه منوچهر و پذیره شدن منوچهر ایشان را و نواختن زال زر ۹- لن، ق، آ، لی، پ: تخت و ایوان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۰- لن: کیانی کله را؛ ق، آ، لی، پ: کلاه کیانی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۱- ل، ق: بدیگر چو سام؛ لن، ق، آ، لی، پ: بدیگرش سام؛ متن = ف، س، و، آ، ل، آ، ب ۱۲- آ: اندران؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب: پس از این بیت افزوده اند: پس آنگه منوچهر با سام گفت  
 ۱۳- ل، ل، آ، ب: بران؛ لن، ق، آ، لی، ب: بدین؛ پ: برین؛ متن = ف، س، ق، و، آ ۱۴- ل: بالای آن؛ لی: بالا بدین؛ پ: بالا و این؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۵- لن، ق، آ، لی، پ: گویی؛ ق پس از این بیت افزوده است:

ساره شناس آنگهی شاه خواند  
 کزین پیرسر پهلوان جوان  
 ترا ای شه از وی بسی فرهی  
 نژادش نژاد ترا پرورند  
 بپرسید و با وی نهانی براند  
 ببینی بسی دشمنان بی روان  
 فزاید ز دادت بسی فریهی  
 همانرا ستابنده و سرورند

۱۶- ب: به کس شاد مشو تو الا بدوی؛ لن، لی این بیت را ندارند ۱۷- آ: هوشیاران ۱۸- س، لن، ق، آ، ب: اورنگ و ویر؛ لی: آهنگ زیر؛ پ: اورنگ زیر؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب: پس از این بیت افزوده اند:

بیاموز او را ره و ساز رزم  
 ندیدست جز مرغ و کوه و کنام  
 همان شادکامی و آیین (لی: و) بزم  
 کجانداند آیین ها را تمام (ق: آیین و رسم کرام)

۱۹- ف: بدان؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۲۰- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ: شد؛ متن = ف، ق، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س)

یکایک همه سام با او بگفت  
 و زافگندن زال بگشاد راز  
 ۱۸۵ سرانجام گیتی ز سیمرغ و زال  
 ز خورد و ز جای و ز خفت و نهفت  
 که چون گشت بر سر سپهر از فراز  
 پر از داستان شد به بسیار سال

۱- ق، و: وی ۲- ل، ق، آ: هم از آشکارا هم اندر نهفت (ق: وهم از نهفت)؛ س، ق، آ، لی: ز خورد و ز خفت و ز جای نهفت؛ لن، پ: ز خواب و ز خورد و ز جای نهفت؛ (ل: ز خورد و ز خفت و ز جفت و نهفت؛ س: ز خورد و ز خواب و ز جای نهفت)؛ متن = ف، و، ل، آ، ب (و نیز لن) ۳- ل، و: با او؛ ل، آ این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هشت دستویس دیگر ۴- و: یکی؛ آ: بران ۵- ل: گشت ۶- ل، آ: تو گشتی که هفتد هر سه همال (= 5 ب)؛ همه دستویس ها پس از بیت ۱۸۵ بیت هایی افزوده اند و برخی از دستویس ها باز برین بیت ها نیز بیت های دیگری افزوده اند. این افزوده های سپین در میان چنگک نهاده شده اند:

[همی دید هر کس که آنجا گذشت  
 برفتم به فرمان گیهان خدای  
 یکی کوه دیدم سر اندر سحاب  
 بدویر (ا، ب: بروین) نشیمی (ق، ا: نشیمن) چوکاخی (ق، لی، پ، آ، ب: کاخ) بلند  
 بران کوه بر کاروان برگذشت  
 به البرز کوه اندران صعب (ل: زشت) جای  
 سپهرست گشتی ز خارا (لن: جهانرا) بر آب  
 ز هرسو برو بسته راه گزند

5 بدوی (ق-آ، ب: بدو) اندرون بچه (ق، لی: بچه) مرغوزال

تو گشتی که هتد هر سه (س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: دو) همال  
 همی بوی مهر آمد (آ: آید) از یاد (ف، لن، ق، آ، پ، آ: یاد) اوی (ل، ق، آ، ل، آ، ب: او)

ف، س: به دل راحت (س: شادی) آرد همه یاد (ف: یاد) اوی  
 ل، لن، ل، آ: همه راحت (ل، آ: شادی) آمد هم (لن: آورد) از یاد او (لن: اوی)  
 ق، پ، و، ا، ب: همه راحت آرد (ق: آمد) همی یاد (ب: یاد) اوی (ا، ب: او)  
 ق، آ: همه راحت آوردمی یاد او

دویدم (س، ق: بگشتم) بسی گرد او (لن: روی؛ ق: آن) پوی پوی  
 بدلسورگی جان همی رفت خواست (ب: راست) [  
 که ای چاره خلق و خود (لن: که ای داور پاک و هم) بی نیاز  
 ل، و، ا: که ای آفریننده بی نیاز

[نبد راه بر کوه از هیچ روی  
 [مرا بویه (ب: پویه) پور گم بوده خاست  
 اباد اور راست (لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: پاک؛ ا: داد) گفتم (ق: گویم) بر از

10 رسیده به هر جای برهان تو  
 یکی بندهام با (لن، ق، آ، و: من) دلی (ل، ق، پ، ا، ل، آ: تنی) پر گناه  
 امیدم به بخشایش تست و (ل، ب: < و >) بس  
 تو این بنده مرغ پرورده را  
 همی چرم (ف، ل: پ) پوشد (و: ساید) بجای حریر  
 [رسان باز من یا مرا راه کن  
 15 به بد (و: به بی) مهری من روانم مسوز  
 به فرمان یزدان چو این گفته شد

نیایش همانا که پذیرفته (ل، ل، آ، ب: همانا که پذیرفته؛ س، لن: همانا که پذیرفته) شد  
 بزده (لن، پ: بزید) سیمرغ (و: لی: پر سیمرغ) بر شده ابر (ف: برابر؛ و: بلند)

همی (لی: همه) حلقه زد بر سر مرد گبر  
 و: فرود آمد آنجا که بد سودمند

گرفته نن زال را در (ل: بر) کنار  
 دو دیده مرا با دو لب خشک شد  
 خرد در سرم پای نگرفت بیش  
 که در (پ: از) مهر باشد ورا مایه ای  
 به سیمرغ بر دم نماز ای شگفت  
 ز فرمان یزدان نشاید (لن: که شاید) گذشت  
 ق، ق، آ، ب: ز یزدان و حکمش نشاید گذشت

ز کوه اندر آمد چو ابر بهار  
 20 [ز بویش جهان پاک بر (لن، پ: جهانی پر از) مشک شد  
 [ز سهم وی (لی: من) و بویه (ب: پویه) پورخویش  
 به پیش من آورد چون دایه ای  
 [زیانم برو بر بنایش گرفت  
 [بمن ماند فرزند و خود بازگشت

25 همه آشکارات (ل، ب: آشکارات) کردم (ق: گفتم) نهان  
 س، لن، ق، آ، و: همه آشکارا بکردم (و: نمودم) نهان

بیت 1 تنهادر ق آمده است؛ ل ۱۸۵ ب و بیت های 2، 3، 4، 5 آ را انداخته و از ۱۸۵ و 6 ب يك بیت ساخته است؛ در ب بیت های 5 و 6 پس ویش شده اند؛ بیت 7 تنهادر س، لن، ق، آ، پ، ب آمده است؛ بیت 8 تنهادر س، لن، ق، آ، لی، پ، ب آمده است؛ بیت 15 تنهادر لن، ق، آ، لی، پ، و، ب آمده است؛ بیت 20 تنهادر لن، ق، آ، لی، پ، ب آمده است؛ بیت 21 تنهادر ق، آ، لی، پ، ب آمده است؛ بیت 23 تنهادر لن، ق، آ، لی، پ، ب آمده است؛ بیت 24 تنهادر لن، ق، آ، لی، پ، ب آمده است؛ لی بیت های 6 و 10 و 11 را ندارد و در آن بیت های 16 و 17 پس ویش شده اند؛ ل پس از بیت 25 سرنویس دارد: نوازش منوچهر سام و زال را

ستاره‌شناسان و هم<sup>۲</sup> بخردان  
 بران<sup>۴</sup> اختر و<sup>۵</sup> بخت سالار<sup>۶</sup> کیست  
 همان<sup>۷</sup> داستان از چه<sup>۸</sup> خواهد زدن  
 ز<sup>۱۱</sup> اختر گرفتند يك يك<sup>۱۱</sup> نشان  
 که شادان بزی تا بود روزگار<sup>۱۲</sup>  
 سرافراز و هشیار و گرد و سوار<sup>۱۳</sup>  
 دل پهلوان از غم آزاد شد  
 که کردند هر کس برو<sup>۱۵</sup> آفرین  
 ز شمشیر هندی به زرین نیام  
 ز گستردنی‌های بسیار مر  
 همه پیکر از گوهر<sup>۱۸</sup> و زر<sup>۱۹</sup> بوم  
 چه از زر<sup>۲۱</sup> سرخ و<sup>۲۱</sup> چه از سیم خام  
 همه پیش بردند فرمانبران  
 همان نیزه و تیر و گرز و کمان<sup>۲۲</sup>  
 همان مهر یاقوت<sup>۲۶</sup> و زرین کمر  
 سراسر ستایش<sup>۲۹</sup> بسان بهشت  
 ز دریای چین<sup>۳۲</sup> تا به دریای سند  
 به نویی نشستند<sup>۳۵</sup> عهدی درست

بفرمود پس شاه تا<sup>۱</sup> موبدان  
 بجویند<sup>۳</sup> تا اختر زال چیست  
 چو گیرد بلندی چه خواهد بدن  
 ستاره‌شناسان هم اندر زمان<sup>۹</sup>  
 ۱۹۰ بگفتند با شاه دیهیم دار  
 که او پهلوانی بود نامدار  
 چو بشنید شاه این سخن شاد شد  
 یکی خلعتی ساخت<sup>۱۴</sup> شاه زمین  
 ز<sup>۱۶</sup> اسپان تازی به زرین ستام  
 ۱۹۵ ز دیبا و<sup>۱۷</sup> خز و ز یاقوت و زر  
 غلامان رومی به دیبای روم  
 زبرجد طبق‌ها و<sup>۲۰</sup> پیروزه جام  
 پر از مشک و کافور و پر زعفران  
 همان جوشن و ترگ و برگستان<sup>۲۱</sup>  
 ۲۰۰ همان تخت پیروزه<sup>۲۴</sup> و تاج<sup>۲۵</sup> زر  
 به مهر<sup>۲۷</sup> منوچهر عهدی نبشت<sup>۲۸</sup>  
 همه کاول<sup>۳۰</sup> و دنبر و مای<sup>۳۱</sup> و هند  
 ز زاوولستان<sup>۳۳</sup> تا بدان روی<sup>۳۴</sup> بست

۱- س: نا (نقطه ندارد)؛ لی: بر؛ آ: ب؛ با؛ متن = ف، ل، لن، و - ۲- لن: از؛ ل: این بیت را انداخته و بجای آن بیت زیر را افزوده است:

پس آنگه منوچهر بنواختشان سوی زابلستان فرستادشان (سواند ندارد)

۳- ل: که جویند ۴- لی: بدان ۵- آ: < و >؛ ل، س، لن، ق، لی، پ، ب (و نیز س): از؛ متن = ف، و (و نیز ل، لن): ۶- س: بیدار؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند و در متن بجای آن بیت زیر آمده است:

بگویند مر سام را ز اخترش که او برفرازد بگردون سرش

درل<sup>۲</sup> از بیت ۱۸۷ تا بیت ۲۵۸ افتاده است ۷- س، ق، آ: همه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل، لن، ب ۸- ف: را چه؛ س، لن، ق، آ: بر چه؛ لی: داستان‌ها بیاید؛ متن = ل، پ، و، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س) ۹- س، لن، ق، آ، پ، آ: ب: همه هم زبان؛ لی (و نیز س): و هم موبدان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل، و (و نیز ل، لن، آ) ۱۰- ل، آ: از ۱۱- ل، و، آ (و نیز لن): پیدای؛ ب (و نیز ل): بکسر؛ س، لن، ق، آ، پ: گرفتند پیدای (ق، آ، پ: از) اختر؛ متن = ف، لی (و نیز س): ۱۲- س، ق، ق، آ، ب این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در ق بجای این بیت زیر آمده است:

سزد کو بود مر جهان را پناه بگفتیم ازین پیشتر ما به شاه

۱۳- ق این بیت را ندارد ۱۴- آ: خواست؛ لن، ق، لی، پ، ب: یکی خلعت آراست؛ متن = ف، ل، س، ق، و ۱۵- ل، لن، لی، ب: بدو؛ متن = هفت دستویس دیگر بجزل<sup>۱</sup> ۱۶- س- آ، ب: از؛ متن = ف، ل، و، ۱۷- ف: ز دیبای؛ ل، لی: ز دینار؛ متن = هشت دستویس دیگر بجزل<sup>۲</sup> (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۸- س، ق، لی، ب: پیکرش گوهر؛ لن: گوهرش پیکر؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، پ، و، آ ۱۹- لی: زر روم (!)؛ آ: زر و بوم (!) ۲۰- پ: طبهای ۲۱- ل، ق، آ: خشک و؛ ب: پخته؛ متن = هفت دستویس دیگر بجزل<sup>۲</sup> (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۲- لی: همان جوشن و تیغ و گرز گران؛ آ: همان گرز و کویال و برگستان ۲۳- ل، ق، و: گرز گران؛ لن، ق، آ، پ: تیغ و تیر و کمان؛ آ: تیر و تیغ بران؛ ب: تیغ و گرز گران؛ لی: همان ترگ و نیزه و برگستان (وزن ندارد)؛ متن = ف، س ۲۴- لی: فیروزه ۲۵- س: کاخ (!) ۲۶- لن: زرین ۲۷- ل، لن، پ، آ: وزان پس؛ متن = هفت دستویس دیگر بجزل<sup>۲</sup> ۲۸- ق: نوشت ۲۹- ق، آ: همیدون ۳۰- ف- ب: کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۱- ل: زابل و مای؛ ق، و، آ: شهر کشمیر؛ متن = هفت دستویس دیگر بجزل<sup>۲</sup> ۳۲- س، لن، ق، لی، پ، ب: روارو چنین؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۳۳- س، لن، ق، لی، پ، و، ب: زابلستان؛ متن = ف، ل، ق، آ ۳۴- س: تابدریای؛ پ: تابران روی؛ آ: تابدین روی؛ متن = هشت دستویس دیگر بجزل<sup>۲</sup> ۳۵- ل، و: نوشتند؛ متن = نه دستویس دیگر بجزل<sup>۲</sup>؛ در و این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

پس اسب جهان<sup>۱</sup> پهلوان خواستند  
 که ای مهربان<sup>۲</sup> مهتر داد و راست  
 چو تو شاه نهاد بر سر کلاه  
 زمانه همی<sup>۳</sup> از تو رامش برد  
 مبادا ز تو نام تو یادگار<sup>۴</sup>  
 بیست از بر<sup>۵</sup> کوهی پیل کوس  
 نظاره بریشان<sup>۶</sup> همه شهر و کوی  
 خبر شد ز<sup>۷</sup> سالار گیتی فروز  
 گلش مشک سارا<sup>۸</sup> بد<sup>۹</sup> و زر<sup>۱۰</sup> خشت<sup>۱۱</sup>  
 بسی<sup>۱۲</sup> زعفران و درم بیختند<sup>۱۳</sup>  
 سراسر میان کهن و مهان<sup>۱۴</sup>  
 ز گیتی سوی سام نهاد روی<sup>۱۵</sup>  
 برین<sup>۱۶</sup> پاک<sup>۱۷</sup> دل<sup>۱۸</sup> نامور پهلوان  
 ابر زال بر زر برافشانند<sup>۱۹</sup>  
 همی داد چیز و همی راند<sup>۲۰</sup> کام  
 خردمند بود و جهاندار بود

چو این عهد و خلعت بیاراستند  
 ۲۰۵ چو این کرده شد<sup>۱</sup> سام بر پای خاست  
 ز ماهی به اندیشه<sup>۲</sup> تا چرخ ماه  
 به مهر و به داد و به خوی و<sup>۳</sup> خرد  
 همه گنج گیتی به چشم تو خوار  
 فرود آمد و تخت را داد بوس  
 ۲۱۰ سوی زاولستان<sup>۱</sup> نهادند روی  
 چو آمد به نزدیکی نیمروز  
 بیاراستند سیستان<sup>۲</sup> چون بهشت  
 به سر<sup>۳</sup> مشک و دینار برریختند<sup>۴</sup>  
 یکی شادمانی<sup>۵</sup> بد اندر جهان  
 ۲۱۵ هر آنجا که بد مهتری نامجوی  
 که فرخنده بادا پی این جوان<sup>۱</sup>  
 چو بر پهلوان آفرین خواندند  
 نشست<sup>۲</sup> آنگهی سام با رود و جام<sup>۳</sup>  
 کسی کو به خلعت سزاوار بود

۱- ق: ز درباره؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- ب: چنین گفت چون ۳- س: پهلوان؛ لن، ق، پ: بگفت ای (ق: این) گزین؛ لی: بگفت ای گو؛ متن=ف، ل، ق، و، آ، ب ۴- ل: بر اندیشه؛ ق، و، آ (و نیز ل، لن، آ): بر اندیش؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز س، آ) ۵- ق: بخوبی؛ س، ق، آ: به مهر و به رای و به خوی و؛ لن: به مهر و به خوی و برای و؛ لی: بخوی و بمهر و برای و؛ پ: بمهر و بخوبی برای و؛ متن=ف، ل، و، آ، ب ۶- لی: همی زمانه (وزن نادرست است) ۷- آ: نام بد یادگار؛ ق: زمین بر خرد نامور شهریار (!) ۸- س- و، ب (و نیز ل، لن، آ، س): بیستند بر؛ متن=ف، ل، آ ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: زابلستان؛ متن=ف، ل، ق، و، آ ۱۰- س- پ، آ: برور؛ متن=ف، ل، و، ب ۱۱- ل، و، آ: به؛ ب: که؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل؛ ب پس از این بیت افزوده است:

بیامد ابا خلعت و تاج و زر ابا عهد و منشور و زرین کمر

۱۲- ل، ق: بیاراسته سیستان؛ لن، لی، پ: شبان بیاراسته؛ (ل: بیاراست مرسیستان)؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن=ف، س، و، آ، ب (و نیز لن، آ، س)؛ وزن نادرست است و یا شاید باید در تقطیع صامت د را پس از هجای بلند انداخت ← بیت (۱۳۷۳) ۱۳- س، ق، و، آ: شد ۱۴- و: زرش خشت؛ آ: زر و خشت؛ لن، لی، پ: گلشن مشک شد نیز (لی: < نیز >) و زر گشت خشت؛ متن=ف، ل، ب ۱۵- س، لن، لی، ب: بسی؛ و، ب: همی؛ متن=ف، ل، ق، آ، آ ۱۶- س، لن، ق، آ، لی: بر بیختند؛ ب: همی مشک با زر برآمیختند؛ متن=ف، ل، پ، و، آ ۱۷- ل، ق، و: زبر؛ آ: همی؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل ۱۸- س- لی، ب: ریختند؛ متن=ف، ل، پ، و، آ؛ در ق: این بیت با بیت ۲۱۵ پس و پیش شده است ۱۹- و: میان کهن و میان مهان؛ در س لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ق: این بیت را ندارد ۲۰- در ق: این بیت با بیت ۲۱۳ و در آ با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۱- و: باد این نو آیین جوان ۲۲- ب: بدین ۲۳- لن: باره در؛ پ: باره و؛ ق، آ، لی: تازه دل؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل؛ در آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۴- ل: ابر زال زر < زر > برافشانند (وزن نادرست است)؛ س، ق، آ، ب (و نیز س، آ): ابر زال زر برافشانند؛ لن، پ: ابر زال زر گوهر افشانند؛ لی: ابر زال < زر > گوهر افشانند (وزن نادرست است)؛ و (و نیز ل، لن، آ): ابر زال گوهر برافشانند؛ متن=ف ۲۵- ف: با زبر و کام (حرف دوم واژه دوم نقطه ندارد و پلوند هم ندارد)؛ ل، ق: با زب و جام؛ متن=آ ۲۶- ف: جست؛ متن=ل، ق، آ؛ س، لن، ق، و، ل، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): این بیت را ندارند

۲۲۰ بر اندازه‌شان<sup>۱</sup> خلعت آراستند  
جهان دیدگان را ز کشور<sup>۲</sup> بخواند  
چنین گفت با نامور بخردان  
چنین ست فرمان هشیار<sup>۳</sup> شاه  
سوی گرگساران و مازندران  
دل و جانم ایدر بماند همی  
به گاه جوانی و کُندآوری  
پسر داد یزدان بینداختم  
گرانمایه سیمرغ برداشتش  
پرورد تا شد<sup>۴</sup> چو سرو<sup>۵</sup> بلند  
۲۳۰ چو هنگام بخشایش آمد فراز  
بدانید کین زینهار<sup>۶</sup> من ست  
گرامیش دارید و پندش دهید  
سوی زال کرد آنگهی سام روی  
چنان دان که زاولستان<sup>۷</sup> خان<sup>۸</sup> توست  
همی<sup>۹</sup> پایهی برتری<sup>۱۰</sup> خواستند  
سُخن های بایسته<sup>۱۱</sup> چندی براند  
که ای پاک<sup>۱۲</sup> و هشیار دل موبدان  
که لشکر همی راند باید به راه  
همی راند<sup>۱۳</sup> خواهم سپاهی گران  
مژه خون دل برفشانند همی  
یکی ساختم بیهده<sup>۱۴</sup> داوری  
ز بی دانشی ارج نشناختم  
همان آفریننده بگماشتش  
مرا خوار بُد، مرغ را ارجمند  
جهاندار یزدان به من داد باز  
بنزد شما یادگار<sup>۱۵</sup> من ست  
همه راه و رای<sup>۱۶</sup> بلندش دهید<sup>۱۷</sup>  
که داد و دهش گیر و فرجام جوی<sup>۱۸</sup>  
جهان سربسر زیر فرمان توست

۱- لی: باندازه‌شان ۲- ل- پ، آ: همه؛ متن= ف، و، ب ۳- ل، لی، آ: برترین؛ متن= هشت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup>؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

پس آنگاه سام از پی پور خویش هنرهای شاهان بی‌آورد پیش  
این بیت در هفت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) نیست؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از بیت ۲۲۰ افزوده‌اند:

۴- ب: لشکر ۵- ب: شایسته ۶- لن، ق<sup>۲</sup>، لی: < و > ۷- لن، پ: بیدار؛ ق: پیروز ۸- و: برد؛ ف، ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:  
بمانم (ل، ق، پ: بماند) بنزد شما این پسر که همتای جان است و خون (ل: جفت) جگر  
این بیت در هشت دستویس دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) نیست ۹- ل، لن، پ، آ: یکی بیهده ساختم؛ متن= ف، س، و، ب ۱۰- لن، ق<sup>۲</sup>: نگذاشتش؛ لی: نگهداشتش (وزن نادرست است)؛ پ: جهان آفرین خوار نگذاشتش؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۱- ل، ق، و: اورا؛ متن= هشت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۲- لی: سروی؛ ب: ابر؛ در لن، لی، پ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۳- لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب پس از این بیت و س پس از بیت سپین افزوده‌اند:

شما را سپردم به آموختن روانش از (ق: < از >) هنرها (لی، ب: خردها) برافروختن  
لی، پ: روان از خردهاش افروختن

۱۴- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی: یادگار؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۱۵- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی: زینهار؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س)؛ در لن این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ س پس از این بیت افزوده است (← پ ۱۳) ۱۶- س، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، پ: همه (لن، پ: همان) رای و راه؛ متن= ف، ل، لی، و، آ، ب ۱۷- س، لی، پ: نهید؛ در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب پس از این بیت، لن پیش از این بیت، ق پس از بیت ۲۳۴ و و پس از بیت ۲۳۶ افزوده‌اند:

که (ق: چو) من رفت خواهم بفرمان شاه سوی دشمنان با سران سپاه

۱۸- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): آرام جوی؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ: فرمان بجوی؛ متن= ف، س، ق، و، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، آ، س) ۱۹- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب: زابلستان؛ متن= ف، ل، ق، و، آ ۲۰- آ: زان؛ ب: جان؛ ق پس از این بیت افزوده است (← پ ۱۷)؛ ف، پ پس از این بیت سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آنک سام زال را بیستان سپرد و خویشتن بجنگ مازندران رفت و وصیت کردن پدر؛ پ: دادن سام پادشاهی زابل را بزوال

۲۳۵ ترا خان و مان بایدآ آبادتر<sup>۲</sup>  
 کلید در گنج ها پیش تُست  
 به سام آنگهی گفت زال جوان  
 جدا<sup>۷</sup> پشتر<sup>۸</sup> زین کجا داشتی<sup>۹</sup>  
 کسی با گنه گر ز مادر بزاد<sup>۱۰</sup>  
 ۲۴۰ گهی زیر چنگال مرغ اندرون  
 کنون دور ماندم<sup>۱۴</sup> ز پروردگار  
 ز گل بهره‌ی من بجز<sup>۱۷</sup> خار نیست

پدر<sup>۱۸</sup> گفت: پرداختن دل سزاست<sup>۱۹</sup>  
 ستاره شمر مرد اخترگرای  
 ۲۴۵ که ایدر ترا باشد آرامگاه  
 گذر نیست بر<sup>۲۴</sup> حکم<sup>۲۵</sup> گردان سپهر  
 کنون گرد خویش اندرآور گروه  
 بیاموز و بشنو ز هر دانشی  
 ز خورد و ز بخشش میاسای هیچ

دل دوستداران به<sup>۲</sup> تو شادتر<sup>۴</sup>  
 دلم<sup>۵</sup> شاد و غمگین به کم بیش تُست  
 که چون زیست خواهم من ایدر توان<sup>۶</sup>  
 مدارم گر<sup>۱۱</sup> آمد گه آشتی  
 من آنم، سزد گر بمانم ز داد<sup>۱۲</sup>  
 چمیدن به خاک و مزیدن ز خون<sup>۱۳</sup>  
 چُنین پروراند همی<sup>۱۵</sup> روزگار<sup>۱۶</sup>  
 بدین با جهاندار پیگار نیست

پپرداز و برگوی هرچت<sup>۲۰</sup> هواست  
 چُنین زد ترا<sup>۲۱</sup> زاختر<sup>۲۲</sup> نیک، رای  
 هم ایدر سپاه و هم ایدر کلاه<sup>۲۳</sup>  
 هم ایدر بگسرد بایدت<sup>۲۶</sup> مهر  
 سواران و مردان دانش پژوه  
 بیابی<sup>۲۷</sup> ز هر دانشی رامشی  
 همه دانش و داد<sup>۲۸</sup> دادن بسیج

۱- ف: باد؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = ل- آ (و نیز ل، لن، س) ۲- ق، آ: آباد کرد ۳- ل: <به> ۴- ق: دل دوستداران به خود شاد کرد؛ لی، و: دل دوستان بر تو بر (و: هر زمان) شادتر؛ آ: دل دوستان را همی شاد کرد؛ متن = ف، س، لن، ق، پ ۵- ل: دل؛ لن، ق، لی، پ، و، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

دل روشنت هر چه باید بکار بجای آر (ق، و، ب: بدانست) از بزم و از کارزار  
 و پس از بیت بالا يك بیت دیگر هم افزوده است:

همی بر تو بادا بآموختن روان و خرد را برافروختن (= ۲۳۰ پ)  
 پس از این بیت بیت ۲۳۲ پ را آورده است ۶- لن: روان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: توان ۷- پ، آ: چنان ۸- در ف حرف یکم سه نقطه دارد  
 ۹- ب: جدایی که از من همیداشتی ۱۰- ل- آ، ب (و نیز ل، لن، س، آ): که؛ متن = ف؛ در لن، ق، لی، پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده  
 است ۱۱- ف، س، لن، ق، لی، پ: کسی بی گنه گر ز مادر بزاد؛ ل، ق، و، آ (و نیز ل، لن، آ): کسی کوز مادر گنه کارزاد؛ ب: کسی بی گنه چون ز  
 مادر بزاد؛ متن = ف، س، لن، ق، لی، پ (پس از تصحیح قیاسی بی به با) ۱۲- ف (و نیز ل، ل، آ): نمانم ز داد؛ ل، و: نمانم ز داد (حرف یکم نقطه  
 ندارد)؛ لن، لی، پ: بنالم بزاد؛ ق، ب: بزارم ز داد؛ متن = س، ق، آ (و نیز س، آ)؛ در لن، ق، لی، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۳-  
 ل- ق، آ، پ، آ، ب: چریدن به (ل: ز) خون؛ لی: خزیدن بخار و مزیدن بخون؛ و: چمیدن ز خاک و چریدن ز خون؛ متن = ف (و نیز س، آ)؛ لن، ق، ق، آ،  
 لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

کنامم نشت آمد و مرغ یار بدانگه که بودم ز مرغان شمار  
 ۱۴- لن، پ: گشتم؛ و: مانم ۱۵- لن، ق، آ، پ، ب: مرا ۱۶- ل، ق، آ: کردگار؛ لی: چنیم همی پرورد روزگار؛ متن = ف، س، و ۱۷- پ، و: جز  
 از ۱۸- ل- و، آ (و نیز ل، س، آ): بدو؛ متن = ف، ب ۱۹- س: رواست ۲۰- لی: آنچت ۲۱- لن، ق، لی: چنن رای زد ۲۲- و: ترا  
 اخترای ۲۳- ل، آ، ب: هم ایدر بسیجی (ب: بسختی) سپاه و کلاه؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل ۲۴- لی، ب: از ۲۵- س: گشت؛  
 متن = ده دستویس دیگر بجز ل (و نیز ل، لن، س، آ) ۲۶- س، لن، ق، لی، پ: بیایدت گسرد؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب؛ ق پس از این بیت افزوده  
 است:

و گر نیک دل گردی ای نامدار سوی کابلستان یکی کن گذار  
 بنخچیر برگرد و بازای زود بدان تا نباید بدی آزمود  
 ۲۷- ل، ق، و، آ: که بایی؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل ۲۸- ق: داد و

هوا قیرگون شد زمین آبنوس<sup>۲</sup>  
 برآمد ز دهلیز پرده سرای<sup>۳</sup>  
 یکی لشکری ساخته<sup>۵</sup> جنگجوی<sup>۶</sup>  
 بدان تا پدر چون گذارد<sup>۷</sup> سپاه  
 شگفتی خروشیدن اندرگرفت  
 شود شاد دل<sup>۱۰</sup> باز<sup>۱۱</sup> تخت و کلاه  
 که تا<sup>۱۳</sup> چون زید تا بود نیک نام<sup>۱۲</sup>  
 به سر بر نهاد آن فروزنده<sup>۱۶</sup> تاج  
 ابا طوق زرین و زرین کمر<sup>۱۷</sup>  
 پژوهید<sup>۱۹</sup> هر چیز<sup>۲۰</sup> و هر چیز راند<sup>۲۱</sup>  
 سواران و گردان<sup>۲۲</sup> و کین آوران  
 زدندی همی<sup>۲۳</sup> رای بر بیش و کم  
 که گفتی ستاره ست<sup>۲۵</sup> از<sup>۲۶</sup> افروختن  
 که چون<sup>۲۷</sup> خوشتن در جهان کس<sup>۲۸</sup> ندید

۲۵۰ بگفت این و برخاست آوای<sup>۱</sup> کوس  
 خروشیدن زنگ و هندی درای  
 سپهد سوی جنگ بنهاد روی<sup>۲</sup>  
 بشد زال با او<sup>۷</sup> دو منزل براه  
 پدر زال را تنگ<sup>۹</sup> در بر گرفت  
 ۲۵۵ بفرمود تا بازگردد ز راه  
 بیامد<sup>۱۲</sup> پُر اندیشه دستان سام  
 نشست از بر نامور<sup>۱۵</sup> تخت عاج  
 ابا یاره و گزهی گاوسر  
 ز هر کشوری موبدی<sup>۱۸</sup> را بخواند  
 ۲۶۰ ستاره شناسان و دین آوران  
 شب و روز بودند با او بهم  
 چنان گشت زال<sup>۲۴</sup> از بس آموختن  
 به رای و به دانش به جایی رسید

۱- لی: آواز ۲- لن، پ: زمین آهین شد هوا آبنوس ۳- ف: برآمد ز دهلیز با کرنا؛ متن= ده دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۴- س: سوی جنگ بنهاد مرسام روی؛ لن این بیت را ندارد ۵- ل، س، ق- آ: یکی ساخته لشکری (ل، لی: لشکر)؛ ب: ابا لشکر ساخته؛ متن= ف (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۶- آ: نامجوی ۷- ق، و: وی ۸- (لن<sup>۲</sup>: گزارد) ۹- ل: زود؛ ق: زار؛ آ، ب: باز؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup>؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده اند:

همی زال را دیده در خون نشاند (لی: کشید)  
 برخ بر همی خون دل برفشاند  
 لی: برخ بر ز آب مژه خون چکید

۱۰- ل، س: شادمان؛ متن= نه دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۱- ل- آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): سوی؛ متن= ف، ب ۱۲- ق<sup>۲</sup>: برآمد ۱۳- س: که خود؛ ب: که می ۱۴- لن، لی، پ: بی پدر شاد کام؛ و: کو بود نیکام؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۵- ق: پایه ۱۶- ل، آ: دلفروز؛ متن= نه دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۷- لن، لی، پ بجای این بیت در بیت زیر را افزوده اند:

ابا یاره و (لی: زره دار با) گزّه گاوری همی بود آن گرد پرخاشجوی  
 ابا طوق زرین و زرین کمر کمر نیز کرده به در و گهر

ل<sup>۲</sup> پس از بیت ۲۵۸ دوباره آغاز میگردد ۱۸- ل، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، و، آ، ب: موبدان؛ ل<sup>۲</sup>: جهان پهلوان موبدان؛ متن= ف، س، لن، پ ۱۹- آ: پژوهید و ۲۰- ل، س: هر کار؛ لن- آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): هر دین؛ متن= ف (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۱- ق (و نیز ل<sup>۲</sup>): هر چیز خواند؛ ب: هر گفت راند؛ ل<sup>۲</sup>: یکایک سختهای دستان براند ۲۲- ل- آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): سواران جنگی؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن= ف، ب (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲۳- س: بهم؛ ق<sup>۲</sup>، لی، ب: همه؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۴- ق<sup>۲</sup>: او ۲۵- ل<sup>۲</sup>: چراغست ۲۶- لی: ز ۲۷- س، لی: جز ۲۸- آ، ب: در زمانه؛ ق پس از این بیت پنج بیت و لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و، ب تنها بیت های یکم و دوم و چهارم را افزوده اند؛ در ق پس از بیت یکم بیت ۲۶۴ آمده است:

سواریش چو نان (ب: چو نین) بدی (و: بودی چنان) در جهان  
 پ: بجایی رسانید کار جهان

کزو داستانها زدندی مهان  
 ق: زدندی بدو داستان ها مهان

چو دیدی شدندی برو (ق: بدو) انجمن  
 شگفتی بر این داوری درنگر  
 گمان مشک بردند و کافور بود  
 و: همان مشک تر دید و کافور دید

ز خوبیش خیره شده (ق<sup>۲</sup>، لی، ب: شدی) مرد وزن  
 ق: خطش چون ز گلبرگ بر گرد سر  
 هر آنکش ز نزدیک و از دور (ق<sup>۲</sup>: ز دور و ز نزدیک) بود (و: دید)

ز گلبرگ تر بر ز کافور خشک  
 این بیت هادر ف، ل، س، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز در لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست؛ ل<sup>۲</sup> پس از بیت ۲۶۳ بیت زیر را افزوده است:

جهان پهلوان سام نیرم برفت  
 سوی گرگساران خرامید تفت

۵ ق: همی رست کافور بر جای مشک  
 جهان پهلوان سام نیرم برفت

چُنین هم<sup>۱</sup> همی گشت گردان سپهر  
 ابر زال و بر سام<sup>۲</sup> گسترد<sup>۳</sup> مهر  
 ۲۶۵ چنان بُد که روزی<sup>۴</sup> چُنین<sup>۵</sup> کرد رای  
 برون رفت با ویژه گردان خویش  
 سوی کشور هندوان کرد رای<sup>۶</sup>  
 بهر جای کاخی<sup>۱۲</sup> بیاراستی<sup>۱۳</sup>  
 گشاده در گنج و افگنده رنج  
 ۲۷۰ ز زوال<sup>۱۷</sup> به کاول<sup>۱۸</sup> رسید آن زمان  
 یکی پادشا بود مهراب نام<sup>۲۱</sup>  
 به بالا به کردار آزاد<sup>۲۴</sup> سرو  
 دل بخردان داشت و مغز ردان  
 چو آگه شد از کار دستان سام  
 ۲۷۵ ابا گنج و اسپان آراسته  
 ز<sup>۲۹</sup> دینار و یاقوت و مشک و عبیر<sup>۳۰</sup>  
 زبردست و<sup>۲۲</sup> با گنج و<sup>۲۳</sup> گسترده کام  
 به رخ چون بهار و به رفتن تذرو  
 دو کتف<sup>۲۵</sup> یلان<sup>۲۶</sup> و هُش موبدان  
 ز کاول<sup>۲۷</sup> بیامد به هنگام بام<sup>۲۸</sup>  
 غلامان و هر گونه‌یی خواسته  
 ز دیبای زرفت و خز و حریر<sup>۳۱</sup>

۱- لن، پ، و، ل: ۲. بدینسان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲- ل- ب (و نیز لن، ۲، س): ابر سام و بر زال؛ متن = ف (و نیز ل، ۳- ل- ق، ۲، پ، و، ل: ۲. گسترده؛ متن = ف، لی، آ، ب؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، لی، ب: داستان زال با مهراب (لی: مهراب شاه کابل)؛ ق: ۲: داستان زال سام با مهراب کابل؛ پ: داستان زال با رودابه دختر مهراب؛ و: گفتار اندر داستان زال و رودابه ۴- ل: ۲: دستان ۵- ل- پ، ب: چنان؛ متن = ف، و، آ، ل ۶- ل: ۲: دوم این بیت را انداخته و بجای آن ۲۶۷ ب را آورده است ۷- ق، ب: راز و کیش؛ و: کم و بیش؛ آ: دین و کیش؛ ل: ۲ این بیت را انداخته است؛ متن = هفت دستویس دیگر ۸- لن: روی؛ ل: ۲ این لت را انداخته است ۹- س، ب (و نیز ل، ۲، س): در؛ لن، ق، ۲، لی، پ: سوی؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل ۱۰- ف- ب (و نیز لن، ۲، س): کابل؛ متن = (ل، ۱۱- ل، ق، و: شهر کشمیر و مای؛ لن، لی: دنیل و مرغ موی (لی: مرغ و مای)؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ ل ۲۶۵ ب، ۲۶۶ و ۲۶۷ را انداخته و از ۲۶۵ آ و ۲۶۷ ب يك بیت ساخته است؛ ق پس از بیت ۲۶۷ افزوده است:

بگردد ببیند شگفت جهان بجزوید بداند ز راز نهان  
 ۱۲- ل- پ، آ، ل، ب (و نیز س، ۲): بهر جایگاهی؛ و: بهر جای گاهی؛ (لن، ۲: بهر جای کامی)؛ متن = ف (و نیز ل، ۲) ۱۳- ل، ق، ل: ۲: بیاراستند؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۴- ل: < > ۱۵- ل، ق، ل: ۲: خواستند؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۶- لی: باین ۱۷- س- پ، ل، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س): زایل؛ متن = ف، ل، و، آ ۱۸- ف- ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- لن، پ، و، ل: خندان دل و ۲۰- ب: گرازان و شادان و رامش کتان؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر داستان زال با شاه مهراب و دخترش و عاشق شدن زال بر سوداوه (!)؛ س: داستان زال با رودابه دختر مهراب کابل؛ ق: رسیدن زال به کابل و عاشق شدن او برودابه؛ آ: داستان زال با مهراب شاه کابلستان؛ ف پس از بیت ۲۷۰ افزوده است:

یکی پادشا بُد به کابل درون هنرمند و بینا دل و رهنمون  
 ۲۱- ف: گرانمایه و گرد و مهراب نام؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س) ۲۲- ل، س: < و > ۲۳- آ، ل: < و > ۲۴- لن، پ، و: آزاده ۲۵- س، و (و نیز ل، ۲، س): گفت؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز لن، ۲) ۲۶- ب: بلی؛ لن، ق، ق، ل، لی، پ، و پس از این بیت افزوده‌اند (در ق بیت ها پس و پیش شده‌اند):

ز ضحاک تازی گهر داشتی بکابل همه (لن: یکایک همان) بوم و بر داشتی  
 ق، ق، ۲: ز کابل همی بهر (ق: همه شهر) بر داشتی  
 و: ز کابل همو بهره بر داشتی

همی داده رسال با (لن: بر) سام ساور (و: همی سام راداد هر سال ساور)  
 ۲۷- ل این بیت را ندارد؛ ف- آ، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۸- ل (و نیز س، ۲): شام؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن، ۲) ۲۹- ل، ق، و، به؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۰- آ: خز و حریر ۳۱- ل: چینی حریر؛ آ: مشک و عبیر؛ متن = نه دستویس دیگر



یکی طوق زرین زبرجد نگار

که زیبا مهی آمد اندر بهی<sup>۲</sup>  
به آیین<sup>۳</sup> یکی پایگه ساختش  
گشاده دل و بزم ساز آمدند<sup>۴</sup>  
نشستند بر خوان دو فرح سران<sup>۵</sup>  
نگه کرد مهراب را پور سام<sup>۶</sup>  
دلش تیزتر گشت<sup>۷</sup> بر<sup>۸</sup> کار اوی  
نگه کرد زال<sup>۹</sup> اندران برز و یال<sup>۱۰</sup>  
که زمینده‌تر زین که بندد کمر<sup>۱۱</sup>  
چنین گفت با<sup>۱۲</sup> پهلوان جهان  
که رویش زخورشید نیکو<sup>۱۳</sup> ترست  
به رخ چون بهشت و به بالای<sup>۱۴</sup> ساج  
سرش گشته چون حلقه‌ی پای وند<sup>۱۵</sup>

یکی تاج پر گوهر شاهوار

چو آمد به دستان سام آگهی  
پذیره شدش زال و بنواختش  
سوی تخت پیروزه بازآمدند<sup>۲۸۰</sup>  
یکی پهلوانی نهادند خوان  
گسارنده‌ی می می آورد و جام<sup>۱</sup>  
خوش آمد هماناش<sup>۲</sup> دیدار اوی  
چو مهراب برخاست از خوان زال  
چنین گفت با مهتران زال زر<sup>۲۸۵</sup>  
یکی نامدار<sup>۳</sup> از میان<sup>۴</sup> مهان  
پس پرده‌ی او<sup>۵</sup> یکی دخترست  
ز سر تا به پایش<sup>۶</sup> بکردار عاج  
بران سفت<sup>۷</sup> سیمینش<sup>۸</sup> مشکین کمند

۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:  
سران هرچه بد اوز (س: بد روی؛ ب: بود آن ز) کابل سپاه

و: بکابل درون هر چه بود از سپاه  
این بیت در ف، ل، ق، آ، ل (و نیز در لن، آ، س) نیست ۲- س، ق، آ، پ، و، آ، ل، آ: مهی؛ ق: آمد از فرهی؛ لی: اندر آمد مهی؛ ل: که مهراب آمد  
بدین فرهی؛ متن = ف، لن، ب ۳- لن: نوآیین؛ پ: ز آیین؛ ل، آ: بر آیین  
۴- ق پس از این بیت افزوده است:  
بلشکرگه زال آمد فرود  
ابر زال او آفرین ها بخواند  
همی این از آن آن ازین خیره ماند  
تن هر دو بودند نیکی نمای  
بنیرو و دانش هنرها بجای  
۵- ل، س، ق، ق، آ، لی، و (و نیز لن، آ): که بنشت بر خوان (ق، لی: خان) او (و: ابا) فرخان؛ لن، پ، آ، ب (و نیز لن، آ، س): نشند بر خوان او فرخان؛  
ل: نشند بر خوان ابا مهتران؛ متن = ف ۶- ب: گارنده می بیاورد جام ۷- ب: همی خورد مهراب با پور سام؛ ب پس از این بیت افزوده است:  
چو نیکو نگه کرد در چهر او  
بجنبید اندر دلش مهر او  
۸- ل، آ: خوش آمدش فرخنده ۹- س، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: او؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، و ۱۰- ق: تیز برگشت؛ ق، آ، آ: تیره تر گشت  
۱۱- س، لن، ل، آ، ب: در؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:  
از آن دانش و رای مهراب گرد  
بگفت آنکه (ق: آنکس) این (پ: او) زاد هرگز نمرد  
۱۲- ل: سام (!)؛ ق: نیک ۱۳- ف: برویال (→ برز و یال؟)؛ س: کفت و یال؛ لن، ق، آ، پ، آ: کف و یال؛ لی: فر و یال؛ و: برز یال؛ ب: سفت  
و یال؛ (ل: شاخ و یال)؛ متن = ل، ق (و نیز لن، آ، س)؛ در ل این بیت برابر متن، ولی بجای بیت ۲۹۵ آمده است ۱۴- س- و، ب (و نیز ل، آ) پس  
از این بیت افزوده‌اند:

بچهر و ببالای او (ق: این) مرد نیست

کسی (ق: کش) گوی این (لن، پ، و: او) را (س: کس این را بگیتی) هم آورد نیست  
این بیت در ف، ل، آ، ل (و نیز لن، آ، س) نیست ۱۵- و: نامور ۱۶- ب: نژاد ۱۷- ل، س، ق، ق، آ، و- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س): کای؛ لی: بدو  
گفت کای؛ متن = ف، لن، پ ۱۸- ل، آ، ب: پرده او را ۱۹- ل، ق، لی، آ، ب: روشن؛ و (و نیز لن، آ): تابان؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ، ل (و نیز  
ل، آ، س) ۲۰- لی: میانش ۲۱- ل، لن، پ، آ، ب (و نیز س، آ): به بالا چو؛ متن = ف، س، و، ل (و نیز ل، آ، لن، آ) ۲۲- ف: کفت؛ آ (و نیز س، آ):  
کف؛ ل، آ: فد؛ (ل: سرو)؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز لن، آ) ۲۳- لن، پ: سیمین دو؛ ق: سیمین و؛ و، ب: سیمین ز؛ متن = هفت دستویس  
دیگر ۲۴- ل- پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س): پای بند؛ متن = ف، و

۲۹۰ رخانش<sup>۱</sup> چو گلنار و<sup>۲</sup> لب ناردان  
 دو چشمش بسان دو نرگس به باغ  
 دو ابرو بسان کمان طراز  
 بهشتست<sup>۵</sup> سرتاسر آراسته

برآورد مر زال را دل<sup>۸</sup> به جوش  
 ۲۹۵ شب آمد پر<sup>۱۰</sup> اندیشه بنشست زال<sup>۱۱</sup>

چو زد بر سر کوه<sup>۱۲</sup> بر تیغ شید  
 در بار بگشاد دستان سام  
 در پهلوان را بیاراستند  
 برون رفت مهراب کاول<sup>۱۷</sup> خدای

۳۰۰ چو آمد بنزدیکی بارگاه  
 ز سیمین برش رسته دو نار دان!  
 مژه تیرگی برده از پر زاغ  
 برو تو ز<sup>۳</sup> پوشیده از مشک و ناز<sup>۴</sup>  
 پر آرایش<sup>۶</sup> و دانش<sup>۷</sup> و خواسته

چنان شد کزو رفت آرام و هوش<sup>۹</sup>  
 به نادیده بر گشت بی خورد و هال<sup>۱۳</sup>  
 چو یاقوت<sup>۱۴</sup> شد روی گیتی سپید<sup>۱۵</sup>  
 برفتند گردان زرین ستام<sup>۱۶</sup>  
 چو بالای پرمایگان خواستند  
 سوی خانه<sup>۱۸</sup> زال زاول<sup>۱۹</sup> خدای  
 خروش آمد از در که بگشای راه

۱- س، لن، ق، آ، پ: دهانش ۲- ق: < و > ۳- لن، پ: مژه؛ لی: تو ز ۴- ل، س، پ، و (و نیز ل، آ، لن، آ، س): مشک ناز؛ ف پس از این بیت چهار بیت افزوده است که بیت چهارم آن در ق<sup>۲</sup> نیز آمده است (← بیت ۴۵۳-۴۵۶):

از آن گنبد سیم سر بر زمین  
 به مشک و به عنبر سرش تافته  
 سر زلف و جعدش چو مشکین زره  
 دو (ق<sup>۲</sup>: ده) انگشت برسان سیمین قلم  
 فرو هشته بر گل کمند کمین  
 به یاقوت و زمرد بنش بافته  
 فکنده ست گوی گره بر گره  
 برو کرده از غالیه صد رقم  
 ق<sup>۲</sup>: لبانش زعلت گفتمی رقم

۵- س، لن، ق، لی، پ، و، آ: بهشتیت؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل، آ، ب ۶- ق: آرامش ۷- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: رامش؛ متن= ف، ل، ق، و، آ؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت چنین آمده است:

بهشتت از راستی سربس  
 ق پس از بیت ۲۹۳ افزوده است:

به پیش پدر دیدمش چند بار  
 فرستاده بودم ز سام سوار

در و پس از بیت ۲۹۳ بیت ۲۹۴ پ آمده است ۸- و: خون ۹- لن، پ: یکباره هوش؛ ق<sup>۲</sup>: چنان شد که گفتمی ازورفت هوش؛ س- پ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت و و پیش از این بیت افزوده اند:

که (و: چو) از نیکوی مرد (ق: باب) ایلون بود

بخوبی ازین (لن: نینی کزین؛ پ: نیکی ازین؛ و: بخوبی نگه زاده خود؛ پ: خون) چون بود

لن، ق، آ، پ پس از این سرنویس دارند: عاشق شدن زال بر رودابه (پ: ... دختر مهراب) ۱۰- لی: در ۱۱- ف، ق، ق، آ، زار؛ لن: از اندیشه ناسود زال؛ پ: از اندیشه زال سوار؛ متن= ل، س، لی، و، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۱۲- ف، ق، ق، آ، پ: به نادیده بر شد چنین (ق<sup>۲</sup>: همی؛ پ: چنان) سوگوار؛ س: بنادیده شد بی دل و هوش و هال؛ لن، لی: بنادیده بر شد چنان در خیال (لی: ابی خورد و حال)؛ و، آ، ب: بنادیده بر (و: بنادیده) گشت بیخواب (آ: بر خواب) و هال؛ در ل<sup>۲</sup> بجای این بیت ۲۸۴ آمده است ۱۳- ب: چو بر زد سر از کوه ۱۴- ل: بلور ۱۵- لی: روی روز سفید؛ لن، پ: جهان شد بسان بلور سپید ۱۶- ل: همه شادکام؛ س، ق<sup>۲</sup>: بزین ستام؛ لن، لی، پ: بزین نیام؛ ق، ب: زرین نیام؛ و: زرینه جام؛ متن= ف، آ، ل (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۱۷- ف- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸- س، لن، لی، پ: خیمه؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۱۹- ف- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س): زابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۰- ب: از کاخ و بگشاد راه

بسان درختی پر از بار نو<sup>۱</sup>  
 وُزان<sup>۲</sup> انجمن سر برافراختش<sup>۳</sup>  
 ز تخت و ز مهر و ز تیغ و کلاه<sup>۴</sup>  
 سرافراز و پیروز<sup>۵</sup> و فرمان روا  
 که آن آرزو بر تو دشخوار<sup>۶</sup> نیست  
 چو خورشید روشن کنی جان من  
 به خان<sup>۷</sup> تو اندر مرا جای<sup>۸</sup> نیست  
 همان شاه چون بشنود داستان  
 سُوی خانه ی بت پرستان شویم  
 به دیدار تو<sup>۹</sup> رای<sup>۱۰</sup> فرخ نهم<sup>۱۱</sup>  
 به دل<sup>۱۲</sup> زال را خواند<sup>۱۳</sup> ناپاک دین  
 همی<sup>۱۴</sup> آفرین خواند بر بخت اوی<sup>۱۵</sup>  
 ستودش فراوان چنان چون سزید<sup>۱۶</sup>  
 زبان از ستودنش کوتاه بود  
 مرو را ز دیوانگان<sup>۱۷</sup> داشتند<sup>۱۸</sup>  
 چنان<sup>۱۹</sup> گرم<sup>۲۰</sup> دیدند و<sup>۲۱</sup> با گفت و گوی<sup>۲۲</sup>  
 همان کز پس پرده بودش نهان<sup>۲۳</sup>  
 ز بایستگی، هم ز شایستگی<sup>۲۴</sup>  
 خرد دور شد عشق فرزانه<sup>۲۵</sup> گشت<sup>۲۶</sup>  
 برین بر بگوید<sup>۲۷</sup> یکی داستان<sup>۲۸</sup>  
 خم چرخ گردان نهفت من ست<sup>۲۹</sup>

بر<sup>۱</sup> پهلوان اندرون رفت گُو  
 دل زال شد شاد<sup>۲</sup> و بنواختش  
 پیرسید<sup>۳</sup> کز من چه خواهی<sup>۴</sup> بخواه  
 بدو گفت مهراب کای پادشا  
 ۳۰۵ مرا آرزو در زمانه یکیست  
 که آیی<sup>۵</sup> به شادی سُوی خان من  
 چُنین داد پاسخ که این رای نیست  
 نباشد بدین<sup>۶</sup> سام همداستان  
 که ما می گساریم و مستان شویم  
 ۳۱۰ جزین هرچه<sup>۷</sup> گویی تو<sup>۸</sup> پاسخ دهم<sup>۹</sup>  
 چو بشنید مهراب کرد آفرین  
 خرامان برفت از بر تخت اوی<sup>۱۰</sup>  
 چو دستان سام از پش بنگرید  
 از آن<sup>۱۱</sup> کو نه هم دین و هم راه بود  
 ۳۱۵ برو<sup>۱۲</sup> هیچ کس چشم نگماشتند<sup>۱۳</sup>  
 چو روشن دل پهلوان را بدوی<sup>۱۴</sup>  
 مرو را ستودند يك يك مهان<sup>۱۵</sup>  
 ز<sup>۱۶</sup> بالا و دیدار و آهستگی  
 دل زال یکباره دیوانه گشت<sup>۱۷</sup>  
 ۳۲۰ سپهدار تازی<sup>۱۸</sup> سر راستان<sup>۱۹</sup>  
 که تا زنده ام چرمه جفت من ست

۱- لن، پ: سوی؛ ق پس از این بیت افزوده است:

- نثار آورید او چو روز نخست ز گوهر بسی اندران پایه جت
- ۲- لی، پ: دلش شاد شد زال ۳- ل، ق، و، آ، ل: ازان؛ ق: آ: بدان؛ متن=ف، س، لن، لی، پ، ب، ۴- ق: برافراشتش ۵- ل: آ، ب: بدو گفت
- ۶- ل: چه باید ۷- لن: ز تخت و ز تیغ و ز مهر و کلاه؛ ب: ز تخت مهی و ز تیغ و کلاه؛ در ف این بیت چنین آمده است:
- بپرسید کز من چه خواهی بگویی ز تخت بزرگی بهانه مجوی
- ۸- و: فیروز ۹- ل- ب (و نیز ل، لن، آ، س): دشوار؛ متن=ف ۱۰- س، لن، ق، آ، لی، و (و نیز س): گرای (یا: گرای)؛ (ل: خرامی)؛ متن= هفت دستویس دیگر (و نیز لن) ۱۱- لن، ب: خوان ۱۲- ق: پای ۱۳- آ، ل: ب: برین ۱۴- ل: هرچ ۱۵- ل: گویند ۱۶- ق، آ، لی، و، آ، ل: ب: دهیم؛ متن=ف-ق، پ ۱۷- لن: آن ۱۸- ل: روز ۱۹- ق، آ، لی، و، آ، ل: ب: نیم؛ متن=ف-ق، پ ۲۰- لی: بدان ۲۱- و: گفت ۲۲- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: ب: او؛ متن=ف، ق، لی، و ۲۳- ب: همان ۲۴- ق این بیت و پنج بیت پس از آنرا انداخته است، ولی آنها را در کناره افزوده اند ۲۵- ق: از این؛ لی: بدان ۲۶- س: بدو ۲۷- ل: نگماشتی؛ ب: نگذاشتی ۲۸- و (و نیز س): بیگانگان ۲۹- ل: ب: داشتی ۳۰- ل، س، ق، آ، و، آ، ل: بروی؛ متن=ف، لن، لی، پ، ب ۳۱- ب: چنین ۳۲- لی: شاد ۳۳- ل، س، و: < و > ۳۴- ل: گفت گوی؛ و: از آن گفت گوی؛ ل: چنان گرم دیدندی و گفت و گوی (!)؛ متن=ف، لن، ق، آ، پ، آ ۳۵- لی: نهان ۳۶- لن، لی، پ: بزرگان و ناماوران جهان ۳۷- ف: به؛ متن= ده دستویس دیگر بجز ق (و نیز ل، لن، آ، س) ۳۸- ق: ز شایستگی هم ز بایستگی ۳۹- لی: شد ۴۰- ل: صبر بیگانه ۴۱- ق: گیتی ۴۲- ل: یکی داستان ۴۳- ل- پ، آ، ل: ب (و نیز ل، لن): بگوید برین بر؛ (س): نکوزد برین بی؛ متن=ف، و ۴۴- ل: سر راستان ۴۵- و این بیت را ندارد

بنزد<sup>۳</sup> خردمند<sup>۲</sup> کانا<sup>۲</sup> شوم<sup>۲</sup>  
بر آن کار بنهاد پیوسته دل  
مگر تیره گردش<sup>۶</sup> ازین آب روی<sup>۷</sup>  
دل زال زر تا سر آگند مهر<sup>۸</sup>

برفت و بیامد<sup>۹</sup> از آن<sup>۱۱</sup> بارگاه  
همی گشت بر گرد بستان خویش<sup>۱۱</sup>  
چو سیندخت و رودابه<sup>۱۴</sup> ماهروی<sup>۱۴</sup>  
سراپای پر بوی و<sup>۱۵</sup> رنگ و نگار<sup>۱۴</sup>  
همی نام یزدان<sup>۱۷</sup> برویر بخواند  
نهاده به مه بر ز عنبر کلاه<sup>۱۸</sup>  
بسان بهشتی پر از خواسته  
ز خوشاب بگشاد<sup>۲۰</sup> عناب را  
که کوتاه باد از تو دست بدی  
همی تخت کام<sup>۲۴</sup> آیدش گر<sup>۲۵</sup> کُنام<sup>۲۴</sup>  
بی نامداران سپارد همی؟  
که ای سرو<sup>۲۷</sup> سیمین بر خوب روی<sup>۲۸</sup>  
بی زال را کس نیارد سپرد<sup>۲۹</sup>

عروسم نباید که رعنا<sup>۱</sup> شوم<sup>۲</sup>  
از اندیشگان زال شد خسته دل  
همی بود پیچان دل از گفت وگویی<sup>۵</sup>  
همی گشت یکچند بر سر سپهر<sup>۳۲۵</sup>

چنان بُد که مهراب روزی پگاه  
گذر کرد سوی شبستان خویش  
دو خورشید دید اندر<sup>۱۲</sup> ایوان اوی<sup>۱۳</sup>  
بیاراسته همچو باغ بهار  
شگفتی به رودابه اندر بماند<sup>۳۳۰</sup>  
یکی سرو دید از برش گرد ماه  
به دیبا<sup>۱۹</sup> و گوهر بیاراسته  
پرسید سیندخت مهراب را  
که چون رفتی امروز و<sup>۲۱</sup> چون آمدی  
چه مردی ست<sup>۲۲</sup> این پیرسر<sup>۲۳</sup> پور سام؟<sup>۳۳۵</sup>  
خوی مردمی هیچ دارد همی؟  
چنین داد مهراب پاسخ بدوی  
به گیتی در از پهلوانان گرد

۱- ل: رسوا ۲- ل، و، آ (ونیز لن، س، آ): شود؛ متن = نه دستویس دیگر (ونیز ل) ۳- ب: پیش ۴- لن- و، ب: رسوا؛ ل: رعنا؛ متن = ف، ل، س، آ (ونیز ل، س، آ) ۵- ل: همی بود پیچان و دل گفت گوی؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ده دستویس دیگر ۶- ل، و، آ: گردد؛ ل: که تیره نگردد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۷- لن: این آرزوی؛ لی: زین آب روی؛ پ: از آن آبروی؛ ل: مگر آبروی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۸- س، و، ل: آکنده مهر؛ لن، لی، پ: دل زال آکنده بکسر به (پ: ز) مهر؛ ق: دل زال در تابش افکند مهر؛ ق، آ این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، و، ل: پس از این بیت سرنویس دارند؛ و: ستایش کردن مهراب زال را و عاشق شدن رودابه؛ ل: عاشق شدن زال بر دختر مهراب ۹- ق: بیامد برفت او؛ ل: خرامان بیامد؛ لن این بیت را ندارد ۱۰- ل: بران؛ س: زی آن؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۱- لن، ق، آ، لی، پ، و: دو (ق: چو) خورشید دید اندر ایوان (پ: > ایوان) خویش (= ۱۳۲۸)؛ در ب لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- ل، ق، ب: بود اندر؛ و: رخ بدرد؛ متن = ف، س، ق، آ، ل ۱۳- ق، آ، ل: او ۱۴- ق، آ: ماهر؛ در لن، لی، ب این بیت چنین آمده است:

یکی همچو رودابه خوبچهر یکی (ق: دگس) همچو سیندخت با رای و مهر

در ق<sup>۲</sup> این بیت پس از بیت ۳۲۹ آمده است؛ س، ق پس از بیت ۳۲۸ افزوده اند:

یکی جفت او و یکی دخت اوی (ق: ان) بدین هر دو مهراب شد تازه روی (ق: رو)

۱۵- ل: < و > ۱۶- س، و، ل: سراسر پر از بوی و رنگ و نگار؛ لن، لی، پ: سرای از همه رنگ و بوی و نگار؛ ق: سراسر پر از رنگ و بوی نگار؛ متن = ف، آ، ب؛ ق این بیت و سه بیت پس از آن را انداخته است، ولی آنها را در کناره افزوده اند؛ در ق<sup>۲</sup> پس از این بیت ۳۲۸ پ آمده است ۱۷- س: بسی آفرین را؛ لن، ق، آ، پ، ل: همی آفرین را؛ لی، و: جهان آفرین را؛ متن = ف، ل، آ، ب ۱۸- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: نهاده زعنبر به سر بر کلاه؛ (س: نهاده به سر بر زعنبر کلاه)؛ متن = ف، و، ب (ونیز ل، لن) ۱۹- لن: بدینار؛ لی این بیت را ندارد ۲۰- ب: بگشاده ۲۱- لی، آ: < و > ۲۲- ل، ق، لی، و، آ: مردست؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۳- لن، پ: آن پیرسر؛ ل: پیر سراین (وزن نادرست است) ۲۴- ل- ق، لی- آ، ب (ونیز لن، س، آ): یاد؛ ل: باز؛ متن = ف (ونیز ل) ۲۵- ف، س، لن، ق، لی- ب (ونیز ل، لن، س، آ): یا؛ متن = ل ۲۶- ق: بدیدن بهمت از (→) باواز ونام (= ۴۸۰ ب) ۲۷- س: ماه ۲۸- ف: خوب گوی؛ ل، ق، پ، آ: ماهروی؛ (س: مشکبوی)؛ متن = هفت دستویس دیگر (ونیز ل، لن) ۲۹- ف: بی زال کس را نیارد سپرد؛ ل، س، ق- و، ب: بی زال زر کس نیارد (ق: نباید) سپرد؛ لن، لی: بی زال را کس نیارد (لن: نشاید) سپرد (لی: شمرد)؛ متن = ل: ق پس از این بیت افزوده است:

نه کرشاسپ چون او نه سام دلیر بمرزم ار گرانید اینست چیر

نبینی و<sup>۲</sup> بر زین چنو يك سوار<sup>۳</sup>  
 دو دستش بکردار دریای نیل<sup>۵</sup>  
 چو در جنگ<sup>۶</sup> باشد سرافشان بود<sup>۸</sup>  
 جوان سال و بیدار و<sup>۱۱</sup> دولت جوان<sup>۱۲</sup>  
 به زین اندرون تیز چنگ از دهاست  
 فشاننده ی خنجر آبگون  
 نگوید<sup>۱۷</sup> سخن<sup>۱۸</sup> مردم عیب جوی

برافروخت و<sup>۲۱</sup> گلنارگون کرد روی  
 ازو<sup>۲۳</sup> دور شد رامش و خورد<sup>۲۴</sup> و هال<sup>۲۵</sup>  
 دگر شد به رای و به آیین و<sup>۲۸</sup> خوی<sup>۲۹</sup>

پرستنده و مهربان بنده بود  
 که بگشاد خواهم نهران<sup>۳۲</sup> از نهفت  
 پرستنده و غمگسار<sup>۳۳</sup> منید  
 همه ساله با بخت همراه بید<sup>۳۴</sup>

چو دست و عنانش بر<sup>۱</sup> ایوان نگار  
 ۳۴۰ دل شیر نر دارد<sup>۴</sup> و زور پیل  
 چو بر گاه باشد در افشان<sup>۶</sup> بود  
 رخش پژمراننده ی<sup>۹</sup> ارغوان<sup>۱۰</sup>  
 به کین اندرون چون نهنگ<sup>۱۳</sup> بلاست  
 نشاننده ی<sup>۱۴</sup> خاک در کین به خون  
 ۳۴۵ از آهو همان<sup>۱۵</sup> که ش سپیدست<sup>۱۶</sup> موی

چو بشنید رودابه آن<sup>۱۹</sup> گفت و گوی<sup>۲۰</sup>  
 دلش گشت پر آتش از<sup>۲۲</sup> مهر زال  
 چو بگرفت جای خردش<sup>۲۶</sup> آرزوی<sup>۲۷</sup>

ورا پنج ترك پرستنده بود  
 ۳۵۰ بدان<sup>۳۰</sup> بندگان خردمند<sup>۳۱</sup> گفت  
 شما يك به يك رازدار منید  
 بدانید هر پنج و<sup>۳۳</sup> آگاه بید<sup>۳۵</sup>

۱- لن، لی، پ، ل، آ: به؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲- ل، ق: نبینی نه؛ ق، آ: پ: نبینند؛ لی، ل، آ: نبینند؛ و، آ: نبینی تو؛ متن = ف، س، ب  
 ۳- لن: نبینند چو بر زین بود بر سوار؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده اند ۴- ل، آ: دل شیر دارد هم ۵- لی: نهنگان برآرد ز دریای نیل ۶-  
 ف: گلفشان؛ ب: زر افشان؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۷- س، لن، پ، ب: رزم؛ متن = هفت دستویس  
 دیگر ۸- و: شود؛ در ق، آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۹- س: پروراننده؛ ل، آ: پژمرانیده؛ لن، ق، آ، لی، پ: رخس سرخ مانده؛ متن = ف،  
 ل، ق، و، آ ۱۰- ب: رخس ارغوانی و دولت جوان ۱۱- س: جوان سال و هم تخت و ۱۲- ب: روشن روان ۱۳- ف: پلنگ؛ متن = یازده  
 دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۱۴- ل، آ: فشاننده؛ لی، آ این بیت را ندارند ۱۵- و: همین ۱۶- و، ب: سفیدست ۱۷- ل، س، ق:  
 بگوید؛ لن، لی (و نیز ل، آ، لن): نجوید؛ ق، و: نجوید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ، پ: بجوید؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ب (و نیز س، آ) ۱۸-  
 لی: جزین؛ و: هنر؛ ل- پ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

سیدی مویس بزبید (لی، پ، ل، آ: بزبید) همی تو گویی که دلها فریید همی

این بیت در ف، و، آ (و نیز در لن، س، آ) نیست ۱۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: این؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۲۰- ل، ق: گفت گوی  
 ۲۱- لی، آ: < و > ۲۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ، ب: < از >؛ متن = ف، ل، ق، آ ۲۳- ق، ق، آ، پ، و، آ: وزو ۲۴- ل، لن، ق، ق، آ، پ، و، آ:  
 دور شد خورد و آرام؛ متن = ف، س، لی، ل، آ، ب ۲۵- ف: بال (→ هال)؛ ق، و: حال (→ هال)؛ پ: بال (→ هال)؛ متن = هشت دستویس دیگر؛  
 س، ق پس از این بیت و لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از بیت سپین افزوده اند:

چه نیکو سخن گفت (ق، آ، ب: گفتش) آن رای زن ز مردان مکن یاد در پیش زن

دل زن همان (ق: همه) دیورا هست جای ز گفتار باشند (ب: باشد چو) جوینده رای

این بیت ها در ف، ل، و، آ، ل (و نیز در ل، آ، س، آ) نیست؛ ف، ق، آ، پ، ل، آ پس از این بیت سرنویس دارند، ف: گفتار اندر عاشق شدن سوداوه (!)  
 بر زال و فرستادن کنیزکان را بنزدیک او به پیغام؛ لن، ق، آ، ل: عاشق شدن رودابه بر زال (لن: زال زر)؛ پ: عاشق شدن رودابه دختر مهراب ۲۶- ل،  
 ق، و، آ (و نیز ل، آ، لن): خورش؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: خرد؛ متن = ف (و نیز س، آ) ۲۷- س: آرزو ۲۸- ل: < و >؛ و: بدین و؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ،  
 ب: دگرگونه تر شد به آیین و؛ متن = ف، ق، آ ۲۹- س: خو؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از این بیت دو بیت افزوده اند (← پ ۲۵) ۳۰- س، لن، لی،  
 پ: بدین؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۱- لی: پرستنده ۳۲- ق: زبان ۳۳- لی: راز دار (پساوند ندارد) ۳۴- و: بدانید و هر پنج ۳۵-  
 ل، س، ق، ق، آ، پ، و، آ، ل (و نیز لن، آ): آگه بوید؛ لن: آگه شوید؛ متن = ف، لی، ب (و نیز ل، آ، س، آ) ۳۶- ل، س، ق، پ، و، آ، ل (و نیز لن، آ):  
 همزه بوید؛ لن: همزه شوید؛ ق: پرستنده و بخت همزه بوید؛ متن = ف، لی، ب (و نیز ل، آ، س، آ)

که من عاشقی ام چو<sup>۱</sup> بحر دمان  
 پر از پور سام<sup>۲</sup> ست<sup>۳</sup> روشن دلم  
 همه خانه<sup>۴</sup> ی شرم پر مهر اوست  
 کنون این سَخُن را چه درمان کنید  
 یکی چاره باید کنون<sup>۵</sup> ساختن  
 پرستندگان را شگفت آمد آن  
 همه پاسخش را بیاراستند  
 که ای افسر بانوان جهان  
 ستوده ز<sup>۶</sup> هندوستان تا<sup>۷</sup> به چین  
 به بالای تو بر<sup>۸</sup> چمن<sup>۹</sup> سرو نیست  
 نگار<sup>۱۰</sup> رخ تو ز قَنوج، رای<sup>۱۱</sup>  
 ترا خود به دیده درون<sup>۱۲</sup> شرم نیست  
 که آنرا که بندازد<sup>۱۳</sup> از بر<sup>۱۴</sup> پدر  
 که<sup>۱۵</sup> پرورده<sup>۱۶</sup> ی مرغ باشد به کوه  
 کس از مادران پیر<sup>۱۷</sup> هرگز نژاد  
 چُنین سرخ دو<sup>۱۸</sup> بُسَد شیربوی<sup>۱۹</sup>  
 جهانی سراسر پر از مهر تُست

ازو<sup>۲۰</sup> برشده موج تا<sup>۲۱</sup> آسمان  
 به خواب اندر اندیشه زو ننگسلم  
 شب و روزم<sup>۲۲</sup> اندیشه<sup>۲۳</sup> ی چهر اوست<sup>۲۴</sup>  
 چه خواهید<sup>۲۵</sup> و<sup>۲۶</sup> با من چه پیمان کنید  
 دل و جانم از رنج پرداختن<sup>۲۷</sup>  
 که بی کاری آمد<sup>۲۸</sup> ز دخت ردان<sup>۲۹</sup>  
 چن<sup>۳۰</sup> آهرمن از جای برخاستند  
 سرافرازتر دختر اندر مهان<sup>۳۱</sup>  
 میان بتستان چو روشن نگین<sup>۳۲</sup>  
 چو رخسار تو تابش پرو نیست<sup>۳۳</sup>  
 فرستد همی سوی<sup>۳۴</sup> خاورخدای  
 پدر را بنزد تو آزم نیست  
 تو خواهی که گیری مرو را<sup>۳۵</sup> به بر  
 نشانی شده در میان گروه  
 نه زان کس<sup>۳۶</sup> که زاید بیاید نژاد<sup>۳۷</sup>  
 شگفتی بود گر بود<sup>۳۸</sup> پیرجوی<sup>۳۹</sup>  
 بر<sup>۴۰</sup> ایوان ها صورت چهر تُست

۱- ل، ق: عاشقم همچو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲- س، ل: وزو ۳- ق، پ: بر ۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل: پر از مهر زالست؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۵- ب: اوی؛ ل، ق (و نیز ل، لن): همیشه دلم در غم مهر اوست؛ لن: دل و جانم یکسر پر از مهر اوست (وزن نادرست است)؛ لی، ل (و نیز س): همه جای شرمم پر از مهر اوست؛ پ: دل و جانم و هوشم پر از مهر اوست؛ متن = ف، س، ق، و، آ ۶- ل، ق، ب: شب و روز؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- ب: اوی؛ ف، ق، ق، آ (و نیز ل، س): پس از این بیت افزوده‌اند:

ندانند کسی راز من جز شما که هم مهربانید و هم پارسا

این بیت در نه دستنویس دیگر (و نیز در لن) نیست ۸- ل، س، ق، ق، آ: چگوید؛ لن، لی، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، و، ل، ب (و نیز ل، لن، س) ۹- ق، ل، آ، ب: < و > ۱۰- س، ل، آ: همی ۱۱- لن، پ، ب: از غم پرداختن ۱۲- س، پ، ل، آ، ب (و نیز ل): که بدکاری آید؛ متن = ف، ل، و، آ (و نیز لن، س) ۱۳- س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب: شهان؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، آ ۱۴- ل، ب: چو؛ متن = ف ۱۵- ل، ق، ب: سرافراز بر (ق، آ، پ، ب: تن دختران مهان (ل: شهان)؛ متن = ف، س، لن (و نیز س) ۱۶- ق، و، آ: به ۱۷- ق، آ: و ۱۸- ف (و نیز لن): میان نیستان (→ بتستان) چو روشن نگین؛ ل، س، ق: میان بتان در چو (س: همچو) روشن نگین؛ لن، لی، پ: میان بتان چون درخشان نگین؛ ق، آ، ل، ب (و نیز ل): میان شبتان چو روشن نگین؛ متن = و ۱۹- لن، و، ل، آ، ب: در؛ متن = ف، ل، س، آ ۲۰- ب: زمین ۲۱- ل، ق: بر سمن غرو (ق: مرو) نیست؛ ل: بالش پرو نیست؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- ق: نگارا؛ لی این بیت را ندارد ۲۳- ل: قنوج و رای؛ پ: قنوج و مای؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۴- پ: فرستد نزدیک ۲۵- و: به چشم اندرون ۲۶- لی: اندازد ۲۷- لن: بن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ: تن؛ و: بن؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۸- س: که برگیری او را؛ لن، ق، آ، لی، پ: که او را بگیری؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۹- لی: چو ۳۰- ل، س، ل، آ، لی: نیز؛ لن: مادر پیر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۱- ل: نه آنکس؛ س، ل: از آنکس؛ لن، ق، آ، لی، پ، و (و نیز ل): و زانکس؛ (لن: و زانکس)؛ متن = ف، ق، آ، ب (و نیز س) ۳۲- ف، س: بیاید نژاد (حرف های یکم و چهارم واژه یکم نقطه ندارند)؛ ل، ق، آ: بیاید نژاد؛ لن، ق، آ، ب (و نیز ل، س): نباشد نژاد؛ لی: نیایدش یاد؛ و: نیاید نژاد؛ ل، آ، ب: نیاید نژاد؛ (لن: نیاید نژاد)؛ متن تصحیح فیاسی است ۳۳- ق: تازه دو؛ و: سرخ رو ۳۴- پ: سبزموی؛ لی: چنین سرخ رخساره و مشکبوی ۳۵- ل، ق، و، آ: شود؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۶- ل: پیر حوی (حرف یکم واژه دوم نقطه ندارد)؛ س، ل: پیرحوی؛ ق: نیزحوی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۷- ل، لن، لی، پ: به؛ متن = هشت دستنویس دیگر

۳۷۰ ترا با چُنین روی<sup>۱</sup> و بالای<sup>۲</sup> و موی<sup>۳</sup>  
 ز چرخ چهارم خود<sup>۴</sup> آیدت شوی<sup>۵</sup>  
 چو رودابه گفتار ایشان شنید  
 بریشان<sup>۸</sup> یکی بانک برزد به خشم  
 وُزان پس<sup>۱۰</sup> به خشم<sup>۱۱</sup> و به روی<sup>۱۲</sup> دژم  
 چُنین گفت کین خام<sup>۱۵</sup> گفتارتان<sup>۱۴</sup>  
 ۳۷۵ نه فغفور خواهم نه قیصر نه چین<sup>۱۸</sup>  
 به بالای من پور سام ست زال  
 گرش پیر خوانی همی یا<sup>۲۲</sup> جوان  
 پرستنده آگه شد<sup>۲۴</sup> از راز<sup>۲۵</sup> اوی<sup>۲۶</sup>  
 به آواز گفتند ما بندهیم  
 ۳۸۰ نگه کن کنون تا چه فرمان دهی

۱-لی: رای ۲-س، لن، ق، پ، و، ب: بالا؛ متن=ف، ل، ق، آ، لی، آ، ل ۳-ب: خوی ۴-س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س): خور؛  
 ق: همی (وزن نادرست است)؛ متن=ف، ل، پ، و، آ (و نیز لن، آ): ۵-ل، آ، ب: آید بشوی ۶-ل-ب (و نیز ل، آ، س): چو؛ متن=ف ۷-ل، آ:  
 پای (!) ۸-ق: بابشان ۹-ق: بتابید؛ در پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و در میان آنها بیت ۱۴ پ آمده  
 است ۱۰-لن، لی، پ: پس آنگه ۱۱-س، پ، و، آ، ل: بحشم (حرف دوم نقطه ندارد)؛ لن، ق، آ: بچشم؛ ب: بروی؛ متن=ف، ل،  
 ق، لی ۱۲-ق: بابرو؛ ب: بحشم ۱۳-ق: آورده ۱۴-پ: غم؛ در پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و در میان آنها بیت زیر را  
 افزوده است؛ لی، پ پس از این بیت افزوده اند:

وزانپس بکینه بتابید روی ندید اندران گفت ها رنگ و بوی

۱۵-و: سخت ۱۶-ل، س، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز ل، آ، س): پیکارتان؛ متن=ف، لن، ق، لی، و، ب ۱۷-ل، س، ق، آ، پ، ل، آ (و نیز ل، آ، س):  
 شنیدن نیززید گفتارتان؛ لن، ق، لی: شنیدن نیززید پیکارتان؛ و: نیززد بدین خام گفتارتان؛ ب: شنیدم همان زشت کردارتان؛ متن=ف؛ س-پ، ب (و نیز  
 ل، آ) پس از این بیت افزوده اند (ق بیت سوم را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند):

دل من چو شد بر ستاره تپاه چگونه توان شاد بودن به ماه  
 به گل نگردهرکه (لن، ق، لی، ل، آ: آنک؛ ب: آنکه) او گل خورست (پ: خورد)

اگرچه گل از گل سوده ترست (پ: برد)

که را سرکه داربود بر(ل، آ، پ: در) جگر شود زانگبین درد او بیشتر

این بیت ها در ف، ل، و، آ (و نیز در لن، آ، س) نیست ۱۸-س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: نه قیصر بخوام نه فغفور چین؛ متن=ف، ل، ق، پ، و (و نیز  
 ل، آ، س) ۱۹-لن: نه آن ۲۰-پ: <و>؛ آ: ابا زور شیران و؛ ب: ابا روی چون شید و ۲۱-ق: <و>؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب:  
 کف و؛ متن=ف، ل، و، آ ۲۲-ل: گر؛ لن، پ: خوانند یا نو؛ لی: خوانید گرنو؛ و: خواننده ای یا؛ ل، آ: خوانی همین یا؛ متن=ف، س، ق، آ، آ،  
 ب ۲۳-لن، پ: مرا هست آرام جان و روان؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند (بیت یکم تنها در ق، ل، آ آمده  
 است ولی تنها بیت سوم را دارد):

جز او هرگز اندر دل من مباد جز او هرگز اندر دل من مباد  
 مرامهر او دل ندیده (پ: بدیده) گزید مرامهر او دل ندیده (پ: بدیده) گزید

برو (لی: بدو) مهربانم نه بر روی و موی برو (س: زبهر) هرگشتمش مهرجوی (ق، آ، لی: جفت جوی)

این بیت ها در ف، ل، ق، و (و نیز در لن، آ، س) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۲۴-آ: پرستندگان آگه ۲۵-ب: کار ۲۶-ل، س، ق،  
 آ، ل، آ، ب: او؛ متن=ف، لن، ق، آ، لی، پ، و ۲۷-ق، آ: آن ۲۸-ب: گفتار ۲۹-س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

یکی گفت ازیشان که ای سروین نگر تا نداند کسی این (ق، آ: زین) سخن  
 این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در لن، آ، س) نیست

خرد زآفرینش ردای<sup>۱</sup> تو باد  
رخانت پر از رنگ و آزر<sup>۲</sup> باد  
به بند و فسون چشم‌ها دوختن  
بپویم و در چاره جادو شویم<sup>۳</sup>  
بنزدیک<sup>۴</sup> او<sup>۵</sup> پایگاه آوریم  
رخان مُعصِفَر سوی بنده کرد  
درخت<sup>۶</sup> بَرومند کاری بلند  
برش<sup>۷</sup> تازنان<sup>۸</sup> در<sup>۹</sup> کنار آورد

سوی<sup>۱۰</sup> چاره بیچاره<sup>۱۱</sup> بنهاد روی<sup>۱۲</sup>  
سر زلف بر گل پیراستند<sup>۱۳</sup>  
ز هر بوی و رنگی جو خرم بهار<sup>۱۴</sup>  
لب رود<sup>۱۵</sup> لشکرگه زال بود

چو ما صد هزاران فدای تو باد  
سیه نرگسانت پر از شرم باد  
اگر جادوی باید آموختن  
بپریم با مرغ و آهو شویم<sup>۳</sup>  
مگر شاه را نزد ماه آوریم  
لب سرخ<sup>۴</sup>، رودابه پر خنده کرد  
که این<sup>۵</sup> گفته<sup>۶</sup> را گر شوی<sup>۷</sup> کاربند  
که هر روز<sup>۸</sup> یاقوت بار آورد  
پرستنده برخاست از پیش او<sup>۹</sup>  
به دیبای رومی بیاراستند  
برفتند هر پنج تا رودبار  
مه فرودین<sup>۱۰</sup> و<sup>۱۱</sup> سر سال بود

۱- پ: داوی؛ ب: زدای؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): خرد را فزایش ردای؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲- ق، و: رنگ آزر<sup>۲</sup>؛ ب: رنگ و اورنگ (پسوند ندارد)؛ ل، پ، ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارند ۳- ل، ق، و: جادو شویم؛ س، لن، ق، ل، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بپریم و با مرغ (لی: مرغ) جادو شویم؛ ب: بپریم تا مرغ و آهو شویم؛ متن = ف ۴- ف: بپویم در چاه و جادو شویم؛ ل- پ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بپویم (لن، پ: بتازیم) و در چاره آهو شویم؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): بپویم در دشت و آهو شویم؛ آ: بپویم و در چاه آهو شویم؛ ب: بکشیم و در جای جادو شویم؛ متن نصیح قیاسی است ۵- ق: وی؛ ق<sup>۲</sup>: تو؛ و: این؛ لن، ل، ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارند ۶- لن، پ: لعل؛ ف، ل، ق، آپس از این بیت افزوده‌اند:

پرستندگان را چنین گفت ماه که این است روی و هم این است راه

این بیت در هشت دستنویس دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۷- ف: مرین؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۸- لن، ق، ل، لی: بند؛ پ: بنده؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- س، لن، ق، ل، پ: بوی؛ ل<sup>۲</sup>: تویی؛ متن = ف، ل، لی، و، آ، ب ۱۰- ل، لن، ق، ل، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): درختی؛ متن = ف، س (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۱- ف: هر روز (!)؛ ب: مردزو (!)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۲- ق: سرش؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): برو؛ (ل: گوش) ۱۳- ل: تازنان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س، لن، ق، ل، پ، آ، ل<sup>۲</sup> ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): بار آن؛ و: بارتان؛ (لن<sup>۲</sup>: نازتان؛ س<sup>۲</sup>: آرتان)؛ متن = ف ۱۴- ل (و نیز س<sup>۲</sup>): بر؛ لن پس از این بیت سرنویس دارد: پیغام رودابه بنزدیک زال ۱۵- ل، لی، آ، او ۱۶- ل، س، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بدان؛ لن، ق، ل، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: بران؛ متن = ف ۱۷- ق: چاره کار ۱۸- لی: رو ۱۹- ل، ق، ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در میان بیت‌ها افزوده‌اند؛ برخی از دست‌نویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، لی: داستان زال با کنیزکان رودابه؛ پ: رفتن کنیزان رودابه بدیدن زال زر؛ ل<sup>۲</sup>: رفتن دختران بر لب رود و آگاهی یافتن زال ۲۰- ف: رخان چون گلستان و گل در کنار (= ۳۹۳ ب)؛ ق، و: زهر بوی و هر رنگ چون نو بهار؛ ل، ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ س، ق پس از این بیت و لن، ق، ل، پ، آ، ل<sup>۲</sup> ب پس از بیت ۳۹۳ افزوده‌اند:

بگشتند (ق: آ: بگفتند) و (ق: > و) هر سو همی گل چندان سرآبرده را چون برابر شدند

این بیت در ف، ل، و (و نیز در ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲۱- س، لی: فرودین؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- ل<sup>۲</sup>: بد ۲۳- و: رود؛ لن، ق، ل، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup> ب پس از بیت افزوده‌اند:

از آن سوی رود آن (ق: از آن سو و زین سو) کنیزان بدند

ز (ق: به) دستان همی داستان‌ها زدند (ق: سوی دستان شدند)

ق<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده‌است:

که چون او بگینی که بیند سوار

عنان پیچ و اسب افکن و نامدار

این دو بیت در ف، ل، س، و (و نیز در لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست



همی<sup>۱</sup> گل چډند از لب رودبار<sup>۲</sup>  
نگه کرد دستان ز تخت بلند  
۳۹۵ چنین گفت گوینده با پهلوان  
پرستندگان<sup>۳</sup> را سوی گلستان  
بنزد پریچه‌رگان رفت زال<sup>۴</sup>  
پیاده همی شد ز بهر<sup>۵</sup> شکار  
کمان ترك<sup>۶</sup> گل رخ به زه برنهاد  
نگه کرد<sup>۷</sup> تا مرغ برخاست زاب<sup>۸</sup> ۴۰۰  
ز پروازش<sup>۹</sup> آورد گردان فرود<sup>۱۰</sup>  
پرستنده با ریدك<sup>۱۱</sup> پهلوان<sup>۱۲</sup>  
که این<sup>۱۳</sup> شیربازو گو پیلتن

رخان چون گلستان و گل در کنار<sup>۱۴</sup>  
پرسید کین گل پرستان که اند  
که از کاخ<sup>۱۵</sup> مهرباب سرو روان<sup>۱۶</sup>  
فرستد همی ماه کاولستان<sup>۱۷</sup>  
کمان خواست از ترك<sup>۱۸</sup> و بفراخت یال  
خشنار<sup>۱۹</sup> بد<sup>۲۰</sup> اندر آن رودبار<sup>۲۱</sup>  
به دست جهان<sup>۲۲</sup> پهلوان درنهاد<sup>۲۳</sup>  
یکی<sup>۲۴</sup> تیر بنداخت<sup>۲۵</sup> اندر شتاب<sup>۲۶</sup>  
چکان خون و<sup>۲۷</sup> وشی<sup>۲۸</sup> شده آب رود<sup>۲۹</sup>  
سخن گفت و بگشاد<sup>۳۰</sup> شیرین زبان<sup>۳۱</sup>  
چه مردست و<sup>۳۲</sup> شاه کدام انجمن<sup>۳۳</sup>

۱- ق: ۲: یکی ۲- ف: برفتند هر پنج تا رودبار (= ۳۹۱)؛ ل، ق، پ، آ: همی گل بچیدند از رودبار؛ متن = س، لن، لی، و، ل، آ، ب ۳- ل: برکنار؛  
ق: رخ چون بهار؛ ف: بنزدیکشان نامور شهریار؛ متن = نه دستویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب پس از این بیت بیت ۱۴ پ را افزوده اند؛ ف بیت  
۳۹۲ را انداخته است و بیت های ۳۹۱ و ۳۹۳ را چنین آورده است:

برفتند هر پنج تا رودبار      رخان چون گلستان و گل در کنار  
برفتند هر پنج تا رودبار      بنزدیکشان نامور شهریار  
۴- لن، لی، پ: که این آن ۵- لن- آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س)؛ روشن روان؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، ل، آ ۶- س، ل، آ: فرستادگانرا؛  
ل این بیت را ندارد ۷- ف، س- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س)؛ کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:  
چو بشنید دستان دلش (پ: ازو) بردمید

ز بس مهر (آ: چاره) برجای بر نارمید (پ: می نارمید؛ ق: آ: برجان برنارمید)

خرامید (لی: خرامیده؛ آ، ب: خرامنده) باینده پر شتاب      همی رفت دستان ازین (ق: آ: از آن) روی (آ: سوی) آب

لن، پ: جهانجوی دستان از آن رود (پ: روی) آب

این بیت ها در ف، ل، س، ق، و، ل، آ (و نیز در ل، آ، لن، آ، س) نیست ۸- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ: چو زان سو (لن، پ: زانان؛ لی: زان رو)  
پرستندگان دید زال؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۹- لی، آ: < > ۱۰- ل: رفت چونان؛ ق: شد بعزم؛ لی: شد چو شیر؛ و: رفت بهر؛ متن = هشت  
دستویس دیگر ۱۱- ل: حساز (حرف سوم نقطه ندارد)؛ س: حس سار؛ ق: خسن سار؛ لی: چنین کار؛ پ: خسیار؛ ل، آ: حساز (حرف سوم  
نقطه ندارد)؛ متن = ف، ق، و، آ، ب ۱۲- ل، س، ق- ب: دید؛ متن = ف ۱۳- س، ق، و: مرغزار؛ ق: آ: جویبار؛ لن: همی دیدی آن مه رخاثرانگار  
۱۴- لن، لی، پ: بدست چپ ۱۵- ل: برنهاد (پاوند ندارد) ۱۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: بزد بانك؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ، لن، آ،  
س) ۱۷- لن: از آب؛ و: زال ۱۸- لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: همی ۱۹- س، ب: انداخت؛ و: بگشاد ۲۰- و: زان برزیال ۲۱- س، لن،  
ق، آ، لی، پ، ل، آ: ز (لن، پ: از) افزاش؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۲۲- لی: بزیر (پاوند ندارد) ۲۳- ل، س، ق، ق، آ، پ،  
و، آ: < >؛ متن = ف، لن، لی، ل، آ ۲۴- لی: روشن ۲۵- ق: آ: شده زاب رود؛ پ: ازو آب رود؛ و: شد از آن آب رود (وزن نادرست است)؛  
ب: چکان خون ازان مرغ شد روی رود؛ ل- پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

به ترك<sup>۱</sup> آنگهی گفت زان (لن، ق، آ، پ، ب: ازان) سوگذر      بیاور تو آن (لن: همان) مرغ افکنده پر (ل، س، لن، ل، آ: سر)

به کشتی گذر کرد ترك<sup>۲</sup> سترك<sup>۳</sup>      خرامید (پ: خرامنده) نزد پرستنده ترك<sup>۴</sup>

این بیت ها در ف، و (و نیز در ل، آ، س) نیست ۲۶- لن: ماه روی؛ پ: رودك ماه روی؛ ل، ق: پرستنده پرسید کای پهلوان؛ متن = هشت دستویس  
دیگر ۲۷- ل، ق: سخن گوی و بگشای ۲۸- لن، پ: سخن گفت زان پهلوانمجوی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۹- س، ل، آ: که ای ۳۰-  
ق، آ: < >

۴۰۵ که بگشاد ازین<sup>۱</sup> گونه تیر از کمان  
 ندیدیم زبینه<sup>۲</sup> تر زین سوار  
 پری روی<sup>۵</sup> دندان به لب برنهاد  
 شه نیمروزست<sup>۱۰</sup> فرزند سام  
 نگرده فلک بر چنو یک سوار  
 پرستنده با کودك<sup>۱۳</sup> ماهروی<sup>۱۴</sup>  
 ۴۱۰ که ماهی ست مهرباب را در سرای  
 به بالای ساج ست و<sup>۱۹</sup> هم رنگ عاج  
 دو نرگس دژم و دو ابرو به خم  
 دهانش به تنگی<sup>۲۳</sup> دل مستمند  
 نفس را مگر بر لبش راه نیست  
 ۴۱۵ بدین<sup>۲۷</sup> چاره تا آن لب لعل فام  
 [چنین گفت با بندگان خوبچهر

چه سنجده به پیش اندرش<sup>۲</sup> بدگمان  
 به تیر و کمان بر چنین کامگار  
 مکن گفت<sup>۷</sup> ازین<sup>۸</sup> گونه از شاه یاد  
 که دستانش خوانند شاهان به نام  
 زمانه نبیند چنو نامدار  
 بخندید و گفتش که<sup>۱۵</sup> چندین<sup>۱۶</sup> مگوی  
 به يك<sup>۱۷</sup> سر ز شاه تو<sup>۱۸</sup> برتر به پای  
 یکی ایزدی بر سر از مشک تاج  
 ستون دو ابرو چو<sup>۲۱</sup> سیمین قلم  
 سر زلف چون<sup>۲۴</sup> حلقه‌ی پای وند<sup>۲۵</sup>  
 چنو در جهان نیز يك ماه نیست  
 کند<sup>۲۸</sup> آشنا با لب پور سام  
 که با ماه خوب ست رخشنده مهر<sup>۲۹</sup>]

۱- ل، س، ق، و؛ زین؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲- س، ب؛ به پیش؛ و؛ به پیش اندرون ۳- آ؛ ندیدیم به بیننده به ۴- ق؛ سوگوار (!)؛ ف؛ زمانه نبیند چنو نامدار (= ۴۰۸)؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، س) ۵- لن، ق، لی، پ، آ، ل؛ سبک بنده؛ ف این بیت را انداخته است؛ متن = ل، س، ق، و؛ ب (و نیز ل، لن، س) ۶- لن، پ؛ لب را به دندان نهاد ۷- لن؛ مکن کن (!) ۸- ق، آ؛ زین ۹- لن، ق، آ، پ، ب؛ بر؛ ل؛ با ۱۰- ب؛ نیمروزست و؛ ف این بیت را انداخته است ۱۱- و؛ چنین يك سوار؛ ل، ق؛ به گرد جهان گر بگردد سوار؛ لن، پ؛ بگرد جهان در چنو يك سوار؛ ف این ل را انداخته است؛ متن = س، ق، لی، آ، ب (و نیز س) ۱۲- لن، پ؛ دگر نامدار؛ لی؛ چنین نامدار؛ آ؛ چنو يك سوار (پس او ندارد)؛ ب؛ یکی نامدار؛ ل، ق؛ ازین سان نبیند یکی نامدار؛ متن = س، ق، و، ل (و نیز س)؛ ف ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷ و ۴۰۸ را انداخته و از ۴۰۵ و ۴۰۸ ب يك بیت ساخته است ۱۳- لن، پ؛ ریدك؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۱۴- س؛ خوب روی ۱۵- ب؛ گفنا ۱۶- س، لن، ق، لی، پ، آ، ل؛ چوین؛ متن = ف، ل، ق، و؛ ب (و نیز ل، لن، س)؛ ل؛ پس از این بیت سر نویس دارد؛ منظره کردن ریدك با دختران رودابه ۱۷- س؛ یکی ۱۸- آ؛ زماهست ۱۹- آ؛ < و >؛ ب؛ ساج و به ۲۰- ف؛ و ابرویش به خم؛ ل؛ و دو ابروی بخم (وزن نادرست است)؛ س، ق؛ بُد دو ابرو بخم؛ لن، پ؛ بر دو ابرو بخم؛ آ؛ بود و ابرو بخم؛ متن = ق، لی، و، ب، ل (و نیز لن، س) ۲۱- لن، ق، لی، پ، ل؛ دویینی چو؛ آ؛ دو ابر < و >؛ چو؛ ب؛ دو ابروش؛ متن = ف، ل، س، ق، و ۲۲- ل، س، ق، ل (و نیز س)؛ تیغ درم؛ ق، و، آ (و نیز لن)؛ تیغ دژم؛ لی (و نیز ل)؛ تیغ قلم؛ متن = ف، لن، پ، ب ۲۳- و؛ دهان تنگ همچون ۲۴- آ؛ تا ۲۵- ل- ب (و نیز ل، س)؛ پای بند؛ متن = ف (و نیز لن) ۲۶- ل، ق (و نیز ل)؛ پس از این بیت افزوده اند؛

پرستندگان هر یکی آشکار همی کرد وصف رخ آن نگار  
 این بیت در ده دستویس دیگر (و نیز در لن، س) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ لن، لی، پ بجای بیت بالا بیت زیر را افزوده اند:  
 خرامان ز کابلستان آمدیم بر شاه زابلستان آمدیم  
 ۲۷- ق؛ بدان ۲۸- لن، لی، پ؛ کنیم؛ ل؛ کنید؛ ف، پ پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت یکم را افزوده اند:  
 سزا باشد و سخت درخور بود که با زال رودابه همسر بود  
 چو بشنید از بندگان این غلام (پ؛ پیام) رخسار گشت ازین گفت ها لعل فام  
 این بیت ها در نه دستویس دیگر (و نیز در ل، لن، س) نیست؛ ق، آ، ب بجای بیت های بالا سه بیت زیر را و لن، لی، ل تنها بیت یکم را افزوده اند:  
 به پیوستگی چون جهان (لی، آ؛ چنان) رای کرد دل هر کسی مهر را جای کرد  
 چو خواهد گستن نبایدش گفت نبرد (آ، ب؛ ببرد) سبک جفت را او (ب؛ او را) ز جفت  
 گستنش پیدا و بستن نهان مه این و مه آن و (آ؛ مه این باد آن و) مه خوی جهان  
 این بیت ها در شش دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) نیست و تنها در پ بیت یکم پس از بیت ۴۱۹ آمده است ۲۹- س، لن، ق، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، س)؛ این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق، پ

بود کاب را ره بدین جوی نیست  
 بماند<sup>۴</sup> به آسانی<sup>۵</sup> اندر نهفت  
 نباید شنیدنش ننگی سخن<sup>۶</sup>  
 چو بر خایه بنشست و گسترد<sup>۷</sup> پر  
 ز پشت پدر خایه<sup>۸</sup> بیرون کنیم<sup>۹</sup>

پرسید ازو نامور پور سام  
 شکفته رخ<sup>۱۰</sup> و سیم دندان شدی  
 ز شادی دل پهلوان شد جوان  
 که رو مر<sup>۱۱</sup> پرستندگان را بگوی  
 مگر با گل از باغ گوهر برید  
 گرانمایه دیای زرفت پنج  
 کسی را مگوید و<sup>۱۲</sup> پنهان برید  
 بدان<sup>۱۳</sup> تا پیامی فرستم براز  
 ابا گرم گفتار و دینار و<sup>۱۴</sup> گنج  
 پیام<sup>۱۵</sup> جهان پهلوان زال زر  
 که هرگز نماند سخن در نهفت

[ولیکن به گفتن مرا<sup>۱</sup> روی نیست  
 [دلاور که<sup>۲</sup> پرهیز جوید ز جفت<sup>۳</sup>  
 [بدان ناش دختر نباشد ز بن  
 [چنین گفت مر جفت را باز نر  
 [کزین خایه<sup>۴</sup> گر مایه<sup>۵</sup> بیرون کنیم<sup>۶</sup>

ازیشان چو برگشت خندان<sup>۱۲</sup> غلام  
 که با توجه گفت آنک<sup>۱۳</sup> خندان شدی  
 بگفت آنج<sup>۱۵</sup> بشنید با<sup>۱۶</sup> پهلوان  
 چنین گفت با ریدک<sup>۱۷</sup> ماه روی  
 که از<sup>۱۹</sup> گلستان يك زمان مگذرید  
 درم خواست و دینار و گوهر<sup>۲۰</sup> ز گنج  
 بفرمود کین نزد ایشان برید  
 نباید<sup>۲۲</sup> شدنشان<sup>۲۳</sup> سوی کاخ باز  
 برفتند با<sup>۲۵</sup> ماه رخسار پنج  
 بدیشان سپردند گنجی گهر<sup>۲۷</sup>  
 پرستنده با ماه دیدار<sup>۲۹</sup> گفت

۴۲۰

۴۲۵

۴۳۰

۱- ل. ق. پ. مگر؛ متن = ف؛ س. لن. ق. لی. و. آ. ل. ب. (و نیز ل. لن. س.) این بیت را ندارند ۲- آ. ق. ل. چو ۳- ق. پرهیز بیند  
 جفت ۴- ف؛ نباید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل. بیاید؛ ق. پ. نیاید؛ و. نیاید؛ ل. نماند؛ ب. نباشد؛ لن. لی این بیت را ندارند متن = س. ق. آ.  
 آ ۵- ب. باسایش ۶- آ. ننگ سخن؛ ق. نباشد که راند بتگی سخن؛ پ. بیاید شنیدنش نیکی سخن؛ و. نباید شنیدن ز ننگش سخن؛ ل. آ.  
 نباشد شنیدن ننگی سخن؛ لن. لی این بیت را ندارند؛ متن = ف. ل. س. ق. ب. پ. پس از این بیت يك بیت افزوده است (← ۴۱۵ پ) ۷- ل. آ.  
 بگشاد؛ متن = یازده دستویس دیگر ۸- ل. خانه؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل. لن. س.) ۹- ق. ماده؛ ۱۰- ل. ق. آ. ل. کتم؛ (ل. آ.  
 س. آ. کتی)؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز لن. آ.) ۱۱- لن. مابه ۱۲- ب. گلرخ؛ ل. ق. ق. لی (و نیز ل. آ.) پس از این بیت افزوده اند:  
 که بود اینک (ق. آ. آنک؛ لی. آنکه) باتو همی راز گفت (لی. گفت راز) بیایدت با من همه باز گفت (لی. همی گفت باز)  
 ۱۳- لی. پ. آ. ل. آنکه؛ و. او که؛ ل. ق. ق. آ. که از گفت او شاد و؛ متن = ف. س. لن. ب. ۱۴- س. لن. ق. لی. پ. آ. ل. ب. گشاده لب؛  
 متن = ف. ل. ق. و. ۱۵- ق. آنک؛ لی. آ. آنکه؛ پ. و. ل. ب. آنچه؛ متن = ف. ل. س. لن. ق. ۱۶- ق. آ. ازو ۱۷- ب. خوبروی ۱۸- ل. آ.  
 که زاید؛ س. لن. ق. لی. پ. آ. ل. که روان؛ ق. که رورو؛ متن = ف. و. ب. ۱۹- ق. کزین؛ در لن. ق. لی. پ. آ. ب. (و نیز در ل. لن. آ.) پس  
 از این بیت ۲۲۹ آمده است ۲۰- لن. پ. با در و گوهر؛ ق. لی. آ. ب. با زر و گوهر؛ ل. این بیت را ندارند؛ متن = ف. ل. س. ق. و. ۲۱- ق.  
 لی. < و >؛ ل. این بیت را ندارد ۲۲- ف. پ. بیاید؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل. لن. س.) ۲۳- ف. لن. لی. پ. ل. ب. (و نیز ل. لن. آ.)  
 شدنشان؛ متن = ل. س. ق. ق. و. آ. (و نیز س. آ.) ۲۴- پ. بران؛ در لن. ق. لی. پ. آ. ب. (و نیز در ل. لن. آ.) این بیت پس از بیت ۴۲۶ آمده است  
 ۲۵- ف. ق. لی. پ. آ. ل. آزان (در ف. ب. زی تصحیح شده است)؛ س. ق. (و نیز س. آ.) زی؛ لن. ب. آن؛ (ل. سوی؛ لن. آ.)؛ متن = ل. و. ۲۶-  
 ل. ق. < و >؛ ق. ل. آ. دیباو؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ ق. پس از این بیت سرنویس دارد: حال زال با کنیزکان رودابه ۲۷- س. لن. ق. لی. پ. آ.  
 ل. ب. زر و گوهر؛ متن = ف. ل. ق. لی. و. ۲۸- و (و نیز لن. آ.) بنام ۲۹- ف. نگر تا خردمند دهقان چه گفت؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل. آ.  
 لن. آ.)

مگر آنک<sup>۱</sup> باشد میان دو تن  
بگو ای خردمند پاکیزه رای  
۴۳۵ پرستنده گفتند<sup>۴</sup> يك با دگر<sup>۵</sup>  
کنون کام<sup>۶</sup> رودابه و کام زال  
که بود<sup>۹</sup> اندران کار دستور شاه  
همی<sup>۱۲</sup> گفت پیش سپهبد برآز<sup>۱۳</sup>  
به اومید<sup>۱۵</sup> خورشید<sup>۱۶</sup> کاولستان<sup>۱۷</sup>  
برفتند و بردند پیشش نماز<sup>۱۹</sup>  
ز بالا و دیدار آن سروین<sup>۲۱</sup>  
بدان تا به خوی وی اندر خورد<sup>۲۲</sup>  
به کژی نگر<sup>۲۵</sup> نگنید ایچ بن<sup>۲۶</sup>  
بنزدیک من تان بود آبروی  
به زیر بی پیلان بسپرم<sup>۲۸</sup>

۱- ف، پ، آ: آنکه؛ متن = نه دستویس دیگر ۲- ف: که آن سر نهانی بود ز انجمن؛ لن: سه تن نانهان و چهار انجمن؛ ب: سه تن آشکارست و چار انجمن؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س، آ)؛ ف پس از این بیت دو بیت و ل، ق، پ تنها بیت دوم را افزوده‌اند:  
به پاسخ زبان را بیاراستند وزو خلوت پهلوان خواستند  
کنون باز رو پیش آن (ف: کتون پیش رو باش زی) پهلوان بگو ای خردمند روشن روان  
بیت یکم در هیچیک از یازده دستویس دیگر (و نیز در ل، ل، ن، س، آ) و بیت دوم در هیچیک از هشت دستویس دیگر (و نیز در ل، ل، ن، س، آ) نیست ۳- در ف این بیت چنین آمده است:

سخن هر چه رازست با ما سرای اگر دلت دستور و پاکیزه رای  
متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س، آ) ۴- ق: پرستندگان گفت ۵- س، لن، ق، آ: ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ) با بکدگر؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل، ل، ن، س، آ) ۶- ل: کار؛ س، و، ل این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستویس دیگر ۷- ل، ق، آ: ب: بجای آمد و؛ لن: بجای اندرین؛ ق: بجا آید و؛ لی: بجای آمد؛ پ: بجای آید این؛ متن = ف، آ ۸- لن: بود ای خوب فال؛ لی: این بود فرخنده فال؛ پ: هم بود خوب فال؛ متن = ف، ل، ق، آ، آ، ب ۹- لن، لی، پ، آ: بد ۱۰- ل، س: هرچ؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۱- ل: < آن >؛ لی: از این؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۲- ف: همه؛ متن = ل- آ، ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ) ۱۳- ل: برفتند و بردند پیشش نماز (= ۴۴۰ ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:  
جهان پهلوان زال با کام و ناز چو بشنید گفتار ریدک برآز  
ل، ق پس از بیت ۴۳۸ افزوده‌اند:

چو از ترك بشنید زاول (ق: زابل) خدای بیامد سوی باغ کابل خدای  
۱۴- ف: ازان پس؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س، آ) ۱۵- ل: برآمد (→ برآمد)؛ س، ق، و، ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ): برآمد؛ لن، پ: بنزد؛ ق، لی، آ، ل: بنزدیک؛ متن = ف ۱۶- لن، پ: کنیزان ۱۷- ف- ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸- ق: پری روی و ۱۹- ل: همی گفت پیش سپهبد برآز (= ۴۳۸ ب) ۲۰- ل، ق: زیشان ۲۱- ف، ب: به کژی نگر نفکنید ایچ بن (= ۴۴۳ ب) ۲۲- س: بدان تا بخوبا که اندر خورد؛ لن، ق، آ: لی: بدان تا که با او که اندر خورد؛ ق، پ: بدان تا بخوبی چه (پ: که) اندر خورد؛ و: بدان نامجوی بدو در خورد؛ آ: بدان تا که تا او کی اندر خورد؛ ل: بدان تا کی او تا کی اندر خورد؛ ب: بدان تا بروی خود اندر خورد؛ ف این بیت را انداخته است؛ متن = ل ۲۳- ق: با او؛ و: گفنا ۲۴- س: سراسر؛ ف این لت را انداخته است ۲۵- لن: < نگر > (وزن نادرست است)؛ آ: مگر ۲۶- ق: نفکنی ایچ بن؛ ل: نفکنی ایچ بن؛ ب: ز بالا و دیدار آن سرو بن (= ۴۴۱ ب)؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ ف ۴۴۱ ب، ۴۴۲ و ۴۴۳ را انداخته و از ۴۴۱ و ۴۴۳ ب يك بیت ساخته است ۲۷- ب: که گر ۲۸- و: نماید

به پیش سپهبد زمین داد بوس  
 نزاید کسی در<sup>۳</sup> میان مهان  
 به پاکسی دل و دانش و رای اوی<sup>۵</sup>  
 بدین<sup>۷</sup> برز بالا<sup>۸</sup> و بازوی شیر<sup>۹</sup>  
 عبیرست گویی<sup>۱۲</sup> مگر موی تو<sup>۱۱</sup>  
 یکی سرو سیم ست<sup>۱۵</sup> با رنگ و بوی<sup>۱۶</sup>  
 به<sup>۱۷</sup> سرو سهی بر، سهیل یمن<sup>۱۸</sup>  
 فرو هشته برگل<sup>۲۱</sup> کمند کمین<sup>۲۲</sup>  
 به یاقوت و زمرّد بنش بافته<sup>۲۳</sup>  
 فگنده ست گویی گره بر گره  
 برو کرده از غالیه صد<sup>۲۷</sup> رقم  
 برو ماه و پروین کند<sup>۲۹</sup> آفرین  
 سخن های شیرین به آوای<sup>۳۱</sup> نرم<sup>۳۲</sup>  
 یکی راه جستن<sup>۳۴</sup> بنزدیک اوی  
 همه آرزو دیدن چهر اوست<sup>۳۵</sup>  
 گزاریم<sup>۳۷</sup> تا کاخ سرو سهی<sup>۳۸</sup>  
 ز دیدار و گفتار<sup>۳۹</sup> روشن روان  
 میان اندرون نیست وارونه یی<sup>۴۲</sup>  
 لبش زی لب پور سام آوریم

رخ لاله رخ<sup>۱</sup> گشت چون سندروس  
 چنین گفت کز مادر اندر<sup>۲</sup> جهان  
 به دیدار سام و به بالای اوی<sup>۴</sup>  
 دگر چون تو ای پهلوان دلیر<sup>۶</sup>  
 همی می چکد گویی از روی<sup>۱۰</sup> تو<sup>۱۱</sup>  
 سدیگر<sup>۱۳</sup> چو رودابه ی ماه روی<sup>۱۴</sup>  
 ز سر تا به پایش گل ست و سمن  
 از آن<sup>۱۹</sup> گنبد سیم سر بر<sup>۲۰</sup> زمین  
 به مشک و به عنبر سرش تافته  
 سر زلف<sup>۲۴</sup> جعدش چو مشکین زره<sup>۲۵</sup>  
 ده<sup>۲۶</sup> انگشت بر سان سیمین قلم  
 بت آرای چون او<sup>۲۸</sup> نبیند به چین  
 سپهبد پرستنده را گفت گرم<sup>۳۰</sup>  
 که اکنون چه چاره ست<sup>۳۳</sup> با من بگویی  
 که ما را دل و جان پر از مهر اوست  
 پرستنده گفتا چه<sup>۳۶</sup> فرمان دهی  
 ز فرخنده رای جهان پهلوان  
 فریبیم و<sup>۴۰</sup> گویم هر گونه یی<sup>۴۱</sup>  
 سر مشک بویش به دام آوریم

۱- و، ب: لاله گون ۲- س، لن، ق، آ، لی، ل: مادران؛ آ: مادر این؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ب ۳- ل، ق: کس اندر؛ متن= ده دستویس دیگر ۴- ل، س، لن، ق، آ، ل: او؛ متن= ف، ق، آ، لی، پ، و، ب ۵- ل، س، لن، ق، آ، ل: او؛ ق: آبروی؛ متن= ف، لی، پ، و، ب ۶- ب: جهان ۷- ق: برین؛ ب: بدان ۸- ل: برزو بالا؛ آ: برزوبالای ۹- ق: بازور شیر؛ ب: فرمهان ۱۰- ل: بوی ۱۱- لن، پ: او ۱۲- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل: ب: یکسر؛ متن= ف، ل، ق، پ، و؛ در لن، پ این بیت پس از بیت ۱۳- ل، ق، آ، لی، آ: سه دیگر ۱۴- ل، پ: خوب روی؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۵- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: سیمین؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ب ۱۶- ق: باریک موی ۱۷- لن، لی، پ، آ، ل: چو؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ب ۱۸- آ: سپهبد یمن (!)؛ ق: آ: فکندست گویی ز گل بر سمن (پسوند ندارد)؛ در لن، پ این بیت پس از بیت ۴۵۰ آمده است ۱۹- لی: بدان؛ آ: ازین ۲۰- ق: آ: تا؛ ل: آ: و سرو ۲۱- ف، لن (و نیز س): از گل (← بیت ۲۹۲)؛ ق: آ: بازاز؛ (ل: آ: یازان)؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز لن) ۲۲- ل، ق، پ: کمند از کمین؛ س، لن، آ، ل: کمند گزین؛ ب: کمند و کمین؛ متن= ف، ق، آ، لی، و؛ در ف بیت های ۴۵۳-۴۵۶ یکبار هم پس از بیت ۲۹۲ آمده اند ۲۳- و: برش نافته؛ آ: برو بافته؛ ق: آ: به لعل و زمرّد سرش نافته؛ ب: یاقوت و گوهر تنش بافته؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۴- ف، س، پ: زلف و؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۲۵- ق، آ: گره (پسوند ندارند) ۲۶- پ، آ: دو (← بیت ۲۹۲) ۲۷- ق: چند (وزن نادرست است)؛ لی، و: ده ۲۸- لن: < > (وزن نادرست است) ۲۹- ل، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: کند؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، لی، و ۳۰- ق: نرم ۳۱- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: ب: آواز؛ متن= ف، ل، ق، لی، و ۳۲- ق: گرم ۳۳- آ: سازست ۳۴- آ: جسم ۳۵- ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۳۶- ل، لی، و- ب (و نیز لن، آ، س): چو؛ متن= ف، پ ۳۷- ف، ل، س، ق، و، ل: ب (و نیز لن): گزاریم؛ متن= لن، ق، آ، لی، پ، آ (و نیز س) ۳۸- لن: تاگاه شاهشهی ۳۹- ل: ز گفتار و دیدار؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= نه دستویس دیگر ۴۰- ف: چوبینیم؛ ق: فراییم و؛ لی (و نیز س): گزینیم و؛ ب: فرستیم و؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۴۱- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: هر گونه چیز؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ب (و نیز ل، آ، س) ۴۲- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: وارونه چیز؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ب (و نیز ل، آ، س)

۴۶۵ خرامد<sup>۱</sup> مگر پهلوان با کمند  
 کند حلقه در<sup>۲</sup> گردن کنگره  
 برفتند خوبان و<sup>۵</sup> برگشت زال  
 رسیدند خوبان به درگاه<sup>۸</sup> کاخ  
 نکه کرد دربان برآراست<sup>۱۱</sup> جنگ  
 ۴۷۰ که بیگه ز درگاه بیرون شوید<sup>۱۱</sup>  
 بتان پاسخش را بیاراستند  
 که امروز روز دگرگونه نیست  
 بهار آمد<sup>۱۲</sup> از گلستان گل چنیم  
 نگهبان در گفت کامروز کار  
 ۴۷۵ که زال سپهبد به کاول<sup>۱۵</sup> نبود<sup>۱۴</sup>  
 نبینید<sup>۱۹</sup> کز کاخ، کاول<sup>۲۰</sup> خدای  
 اگر تان ببیند چنین گل بدست  
 شدند اندر ایوان بتان طراز  
 نهادند دیبا<sup>۲۵</sup> و گوهر به پیش<sup>۲۶</sup>  
 ۴۸۰ که چون بود تان کار با پور سام؟

بنزدیک دیوار<sup>۲</sup> کاخ بلند  
 شود شیر شاد<sup>۴</sup> از شکار بره  
 شبی دیر<sup>۵</sup> یاز آن به بالای سال<sup>۷</sup>  
 به دست اندرون هر یک از گل دو<sup>۹</sup> شاخ  
 زبان کرد گستاخ و دل کرد تنگ  
 شگفت آیدم تا شما چون شوید  
 به تنگی دل<sup>۱۱</sup> از جای برخاستند  
 به راه گلان دیو وارونه نیست  
 ز روی زمین شاخ سنبل چنیم  
 نباید گرفتن بدان هم شمار<sup>۱۴</sup>  
 سراپردهی شاه زاول<sup>۱۷</sup> نبود<sup>۱۸</sup>  
 به زین اندر آورد شبگیر<sup>۲۱</sup> پای  
 کند بر<sup>۲۲</sup> زمین تان همانگاه پست<sup>۲۳</sup>  
 نشستند با ماه و گفتند راز<sup>۲۴</sup>  
 پرسید رودابه از کم و بیش  
 به دیدن بهست ار<sup>۲۷</sup> به<sup>۲۸</sup> آواز و نام<sup>۲۹</sup> ؟

- ۱-ق: چو آید ۲-لن، پ: ایوان و؛ لی: دیوار و؛ متن= نه دستویس دیگر ۳-ف: بر؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، س، آ) ۴-ق، و: شاد شیر؛ ل: سیر شیر؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل) پس از این بیت افزوده اند:
- بین آنگهی (س: بدین آگهی) تا خوش آید ترا برین (ق، آ، لی، ل، آ: بدین) گفته رویش (لی، آ: رامش) فزاید ترا  
 لن، پ: بدل گفت و گویش (پ: و رامش) فزاید ترا
- این بیت در ف، ل، ق، و، ب (و نیز لن، آ، س) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۵-س: برفتند چون باد و؛ لن: برفتند ایشان و؛ ل: برفتند چونان و؛ متن= نه دستویس دیگر ۶-لی، ل، آ: دید؛ پ: < دیر > (وزن نادرست است) ۷-ق: بال؛ ل، ق، و، آ (و نیز لن): دلش گشت با ناز و (ل: با کام) و شادی همال؛ متن= ف، س، لن، ل، آ، ب (و نیز ل، س، آ): دیر یازان؛ س: دیر یازان ۸-و: بنزدیک ۹-لی: سه؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: باز گردیدن کنیزان از پیش زال ۱۰-ب: بیاراست ۱۱-لی: روید ۱۲-لن، لی، پ، آ: بدل تنگی؛ در ق آغاز این لت پاک شده است؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۳-س، ل، آ: آید ۱۴-لن، پ، و: بران هم شمار؛ لی: چودی بر شمار؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۵-ف-پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س، آ): کابل؛ و: زابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۶-لن، پ: درست؛ لی: شود؛ و: نید؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۷-ل، س، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، س، آ): زابل؛ و: کابل؛ متن= ف ۱۸-لی: بود؛ و: نید؛ لن، پ: زمین پر ز خرگاه و پر لشکرست ۱۹-لی، آ: ببیند ۲۰-ف-ب (و نیز ل، ل، س، آ): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۱-ل، س، ق، آ، لی، و، آ، ل: آرد بشگیر؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ب ۲۲-ب: با ۲۳-ف: همانکه ست (!)؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، س، آ) ۲۴-ل، س، لن، ق، پ، ب (و نیز ل، س، آ): نشستند و با ماه گفتند راز؛ ق، و، آ (و نیز لن): نشستند و گفتند با ماه راز؛ لی: نشستند و گفتند هر گونه راز؛ ل: نشستند با ماه گفتند راز؛ متن= ف؛ ق، آ، لی، آ، ل، ب (و نیز ل) پس از این بیت افزوده اند:
- برافروخت رودابه را دل به مهر به (ق، آ: بر) آن تا ببیندش چهر (لی: کش ببیند بچهر)
- این بیت در هفت دستویس دیگر (و نیز در لن، س، آ) نیست ۲۵-ف، س، ق، آ، ل، ب (و نیز ل، س، آ): دینار؛ متن= ل، ق، لی، و (و نیز لن، س، آ)؛ لن، پ این بیت را ندارند ۲۶-س، ق، آ، لی، آ، ل، ب: گوهرش پیش؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز ل، ل، س، آ) ۲۷-ق: یا ۲۸-ق: به؛ و: ز ۲۹-ل، ق، و: آواز نام؛ ب: نباید که باشد همی کار خام؛ لن، پ این بیت را ندارند

چو با ماه جای سخن یافتند  
 همش زیب و هم فر<sup>۲</sup> شاهنشهی  
 سواری میان لاغر<sup>۳</sup> و<sup>۴</sup> بر فراخ  
 لبانش چو بسد<sup>۵</sup>، رخانش چو خون  
 هیون ران و مویددل<sup>۶</sup> و شاهفر<sup>۷</sup>  
 از<sup>۸</sup> آهو همین ست<sup>۹</sup> و این نیست ننگ<sup>۱۰</sup>  
 چو سیمین زره بر گل ارغوان<sup>۱۱</sup>  
 وگر نیستی مهر نفزایدی<sup>۱۲</sup>  
 ز ما بازگشته ست دل پر امید<sup>۱۳</sup>  
 بفرمای تا بر چه گردیم باز<sup>۱۴</sup>  
 که دیگر شده ستی<sup>۱۵</sup> به رای و سخن  
 چنان پیرسر بود و پژمرده بود  
 سهی قد و دیبا<sup>۱۶</sup> رخ و پهلوان<sup>۱۷</sup>  
 به گفتار<sup>۱۸</sup> و زان پس<sup>۱۹</sup> بها خواستید<sup>۲۰</sup>  
 رخان همچو گلنار آگنده داشت  
 چنین گفت کاکنون ره چاره جوی<sup>۲۱</sup>

پریچهره هر پنج بشتافتند  
 که مردی ست برسان سرو سهی  
 همش رنگ و هم بوی و هم قد و شاخ<sup>۲</sup>  
 دو چشمش چو دو نرگس قیرگون<sup>۳</sup>  
 کف و ساعدش چون کف شیر نر<sup>۴</sup> ۴۸۵  
 سراسر سپیدست<sup>۵</sup> موبش به رنگ<sup>۶</sup>  
 سر جعد<sup>۷</sup> آن پهلوان جهان<sup>۸</sup>  
 که گویی همی خود<sup>۹</sup> چنان بایدی  
 به دیدار تو داده ایمش نوید<sup>۱۰</sup>  
 کنون چاره ی کار مهمان بساز ۴۹۰  
 چنین گفت با بندگان سروئن  
 همان زال کو مرغ پرورده بود  
 به دیدار شد چون<sup>۱۱</sup> گل ارغوان<sup>۱۲</sup>  
 رخ من به پیشش بیاراستید<sup>۱۳</sup>  
 همی گفت و یک لب<sup>۱۴</sup> پراز خنده داشت ۴۹۵  
 پرستنده با بانوی<sup>۱۵</sup> ماهروی<sup>۱۶</sup>

۱- لن- پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

که زال آن سوار جهان سربسر نباشد (ق: نراید) چنو کس بآیین و فر  
 این بیت در ف، ل، س، و (و نیز لن، آ، س) نیست ۲- ف: همش فر و هم زیب؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ده دستویس  
 دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۳- ل، ق، و (و نیز ل، لن، آ): همش رنگ و بوی (ق: بن) و همش فر و شاخ؛ س، ل، آ: همش بوی و هم رنگ و هم قد و  
 شاخ؛ لن، ق، آ، پ، ب: همش رنگ و بوی و همش (ق: بویست و هم) قد و شاخ؛ متن = ف، لی، آ (و نیز س، آ) ۴- س، و، ب: < و >؛ متن = ف، ل،  
 لن، آ، ل ۵- لن، ق، آ، پ، آ، ب: آبگون؛ متن = هفت دستویس دیگر ۶- لی: پسته؛ ب: یاقوت ۷- ب: رخ همچو خون ۸- ب: همچو شیران  
 نر ۹- ف: هیون روان پر دل (وزن نادرست است)؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ: هشیوار و موید دل؛ متن = ل، س، ق، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س) ۱۰- لن:  
 پیرسر؛ پ: شیر بر ۱۱- لی، و، ب: سفیدست ۱۲- لن، ق، آ، پ، آ، ب: سر ۱۳- س، ق، آ، و، آ، ل، ز؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۴- پ:  
 همانست ۱۵- ف: این است ننگ؛ لن، ق، آ، پ، آ: این است (ق: آ: هت) فر؛ لی، ل، آ: وین نیست ننگ؛ متن = ل، س، ق، و، ب (و نیز ل، آ، س)  
 ۱۶- ف، س، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز لن، آ، س): سر و جعد؛ لن: سر جعد؛ متن = ل، ق، و، ب (و نیز ل، آ، س، و): جوان ۱۸- ف،  
 ق، آ، لی، پ، و، آ، ل، آ، ب (و نیز س، آ): گل و ارغوان؛ متن = ل، س، لن (و نیز ل، لن، آ) ۱۹- لن، ق، آ، پ: همی آن؛ لی: مگر هم؛ ل، آ: همی  
 هم؛ ب: که خود هم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، س، و، آ ۲۰- ل، آ: به بفرزیدی (!) ۲۱- س، ق، آ: امید؛  
 متن = نه دستویس دیگر ۲۲- س، ق: نوید؛ لن، ق، آ، لی، پ: که باز گشتن دلش پر امید (ق: آ: نوید)؛ متن = ف، ل، و، آ، ل، آ، ب ۲۳- ق، آ: راز ۲۴-  
 ب: که گشتید دیگر ۲۵- لن، ق، آ، لی، پ، آ: برخ شد کنون چون (لی: ان)؛ ب: برخ شد کنون < چون > (وزن نادرست است)؛ متن = ف، ل، س،  
 ق، و، ل (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۶- ف، س، ق، ل (و نیز س، آ): گل و ارغوان؛ متن = ل، لن، ب (و نیز ل، لن، آ) ۲۷- ل، ب (و نیز ل، آ، س):  
 زیبا؛ متن = ف (و نیز لن، آ) ۲۸- ف: ارغوان (پس او را ندارد)؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۹- ل: بیاراستی؛ س، آ، ل:  
 بیاراستند؛ ق: براراستی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۰- لن، ق، آ، لی، پ، ب: بگفتید؛ آ: بگفتند؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل، آ ۳۱- و: و آنگه  
 ۳۲- ل، ق: خواستی؛ س، آ، ل، آ: خواستند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۳- ل، ق، و، ل، آ: لب را؛ متن = نه دستویس دیگر؛ لی پس از این بیت سرنویس  
 دارد: رفتن زال بدیدن رودابه ۳۴- لن، پ: بانوی با؛ و: بانامور؛ ق، آ، ب: چنین گفت پس بانوی؛ س، ل، آ: این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق، آ ۳۵-  
 ق، آ، ب: پرستنده را که رو چاره جوی؛ در لی این بیت چنین آمده است:

پرستنده را کزیدر دمان

چنین گفت پس بانو بانوان  
 س، ل، بجای بیت ۴۹۶ و ق، آ، لی، ب پس از آن افزوده اند:

بگویند و گفتار او بشنوید  
 بیا تا ببینی مهی بر نگار (لی: در کنار)  
 چنین گفت کاکنون ره (ل: آ: بکی) چاره جوی (لی: بوی)

بمژده شما (س: بگفت از شما) یک سوی او شوید  
 که کامت برآمد (ب: برآید) بیارای (ق، آ، لی: برارای) کار  
 یکی رفت (لی: گفت) از آن (س: با) ریدک (لی: کودک) ماه روی  
 این بیت ها در هفت دستویس دیگر (و نیز در لن، آ، س) نیست، ولی در ق دو بیت نخستین را در کناره افزوده اند

سرانجام این کار فرخنده باد  
 ز چهر بزرگان بروبر نگار  
 طبق‌های زرین پیراستند  
 می و مشک و عنبر برآمیختند  
 سمن شاخ و سنبل<sup>۱۱</sup> به دیگر کران  
 به روشن گلاب اندر آرامشان  
 برآمد همی تا به خورشید بوی

در حجره<sup>۱۳</sup> بستند و گم شد کلید  
 که شد<sup>۱۵</sup> ساخته کار<sup>۱۶</sup> بگذار<sup>۱۷</sup> گام  
 چنان چون بود<sup>۱۸</sup> مردم جفت جوی  
 چو سرو سهی بر سرش ماه تأم  
 بدید، آمد آن دختر نامدار  
 که شاد آمدی ای جوانمرد و رآد<sup>۱۹</sup>  
 خم چرخ گردان زمین تو باد<sup>۲۳</sup> (!)  
 چنانی سراپای کو<sup>۲۵</sup> کرد یاد

که یزدان هرآنچت هوا بود داد  
 یکی خانه بودش چو خرم<sup>۲</sup> بهار  
 به دیبای چینی بیاراستند<sup>۳</sup>  
 ۵۰۰ عقیق و زبرجد<sup>۵</sup> برو<sup>۶</sup> ریختند  
 بنفشه گل و نرگس<sup>۹</sup> و ارغوان<sup>۱۰</sup>  
 همه زر<sup>۱۲</sup> و<sup>۱۱</sup> پیروزه بُد جامشان  
 از آن خانه‌ی دخت خورشیدروی

چو خورشید تابنده شد ناپدید  
 ۵۰۵ پرستنده شد سوی<sup>۱۴</sup> دستان سام  
 سپهد سوی کاخ بنهاد روی  
 برآمد سیه‌چشم گلرخ به بام  
 چُن<sup>۲۰</sup> از دور دستان سام سوار  
 دو بیجاده بگشاد<sup>۲۱</sup> و<sup>۲۰</sup> آواز داد  
 ۵۱۰ درود جهان‌آفرین بر تو باد  
 پرستنده خرم دل و<sup>۲۴</sup> شاد باد

۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

همی کار سازید رودابه زود نهائی ز خویشان او (ب: و از هر که بود

این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در ل، آ، س) نیت ۲- ل: خورم ۳- ق: بیاراسته ۴- ق: بیاراسته ۵- ل، ق، و: زمرد؛ متن= نه دستنویس دیگر  
 ۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: فرو؛ متن= ف، ل، ق، و، ب ۷- و: همی ۸- ل: < و > ۹- ب: لاله ۱۰- ق: زعفران ۱۱- س، ق، آ: شاخ  
 سنبل؛ لن، پ: همان سرخ سنبل؛ لی: سمن شاخ و سوسن؛ آ: همه شاخ سنبل؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در ل، ق، و (و نیز در ل، آ) این بیت با  
 بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- س: همه روز؛ در لن، پ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در ل، ق، و (و نیز در ل، آ) این بیت با بیت  
 پیشین پس و پیش شده است ۱۳- لی: خانه ۱۴- ف: پیش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۱۵- پ: < شد > (وزن نادرست  
 است) ۱۶- لن، ل، آ: کارو؛ ق: زود ۱۷- ف، س، آ، ب (و نیز ل، آ، س): بگزار؛ ل: بگزار؛ (لن، آ: بگذار)؛ متن= ل: برخی از دستنویس ها  
 پس از این بیت سرنویس دارند، س: رسیدن زال و رودابه در قصر مهرباب بیکدیگر؛ لن: رسیدن زال سام به رودابه؛ ق: رفتن زال به خانه رودابه و با یکدیگر  
 عهد بستن؛ ق، آ، پ، ب: آمدن (پ، ب: رفتن) زال بنزد رودابه؛ و: گفتار اندر رفتن زال زربنزد رودابه ۱۸- لی: رود ۱۹- و: چو سروسهی سرش ماه  
 تمام ۲۰- ل، س، ق- ب (و نیز ل، آ، س): چو، لن این بیت را ندارد؛ متن= ف ۲۱- ق: < و > ۲۲- ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س):  
 جوانمرد شاد؛ (لن، آ: جوانمرد داد→ جوانمرد و راد)؛ متن= ف، و ۲۳- ق، ل، آ، ب (و نیز س، آ): نگین نو باد (پساوند ندارد)؛ آ: بزین نو باد (پساوند  
 ندارد)؛ لن، و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، پ (و نیز ل، آ) (پساوند ندارد) ۲۴- ق، آ: شد؛ ف: زد دولت همیشه دلت؛ ل،  
 لن این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۲۵- لی: او؛ ق (و نیز ل، آ) جهانی سراسر که او؛ متن= هشت دستنویس دیگر  
 (و نیز لن، آ، س)؛ در ف این بیت چنین آمده است:

چنانی سراپای کو کرد یاد

ز دولت همیشه دلت شاد باد

در ق این بیت در کتاره چنین آمده است:

ترا در جهان بخشش و داد باد

ز دولت همیشه دلت شاد باد

پس شاید ف نخست داشته است:

ترا در جهان بخشش و داد باد

ز دولت همیشه دلت شاد باد

چنانی سراپای کو کرد یاد

پرستنده خرم دل و شاد باد

ولی لت دوم و سوم را انداخته و از لت یکم و چهارم يك بیت ساخته است



برنجیدت<sup>۲</sup> این<sup>۳</sup> خسروانی دو پای  
نگه کرده خورشیدرخ را بدید  
بجای گلش، سرخ<sup>۷</sup> یاقوت، خاک  
درودت ز من<sup>۹</sup>، آفرین از سپهر  
خروشان بدم<sup>۱۱</sup> پیش<sup>۱۲</sup> یزدان پاک  
نماید مرا<sup>۱۳</sup> روی تو در<sup>۱۴</sup> نهان  
بدین چرب<sup>۱۵</sup> گفتار با ناز<sup>۱۶</sup> تو  
چه پرسسی تو بر<sup>۱۷</sup> باره و من به کوی  
ز سر<sup>۱۹</sup> شعر گلنار بگشاد زود<sup>۲۰</sup>  
که از<sup>۲۱</sup> مشک از آن سان نیچند کمند  
بران غبغش<sup>۲۳</sup> نار بر نار<sup>۲۴</sup> بر<sup>۲۲</sup>  
بر شیر بگشای و چنگ کیان  
ز بهر تو باید<sup>۲۸</sup> همی گیسوام  
شگفتی بماند اندر آن روی و موی  
چنین<sup>۳۲</sup> روز، خورشید روشن مباد  
بدین<sup>۳۴</sup> خسته دل، نوک<sup>۳۵</sup> پیکان زخم

پیاده بدینسان ز<sup>۱</sup> پرده سرای  
سپهبد کزان گونه<sup>۴</sup> آوا شنید  
شده بام<sup>۵</sup> از آن گوهر تابناک  
۵۱۵ چنین داد پاسخ که ای ماهچهر<sup>۸</sup>  
چه مایه شبان دیده اندر<sup>۱</sup> سماک  
همی خواستم تا خدای جهان  
کنون شاد گشتم به آواز تو  
یکی چاره‌ی راه دیدار جوی  
۵۲۰ پری روی گفت سپهبد شنود<sup>۱۸</sup>  
کمندی گشاد او ز سرو بلند  
خم اندر خم و مار بر مار بر<sup>۲۲</sup>  
بدو گفت<sup>۲۵</sup> بریاز<sup>۲۶</sup> و برکش میان  
بگیر این<sup>۲۷</sup> سیه گیسو از یکسوام  
۵۲۵ نگه کرد زال اندر آن ماهروی<sup>۲۹</sup>  
چنین داد پاسخ که این نیست<sup>۳۱</sup> داد  
که من دست را خیره<sup>۳۳</sup> در جان زخم

۱- لن: پیاده که آمد ز؛ ق<sup>۲</sup>: پیاده بیامد ز؛ و: پیاده بدین ساز و؛ آ، ل<sup>۲</sup>: پیاده بدانجا ز؛ ب: پیاده بدانجا؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، پ ۲-و:  
زنجدیت ۳- س، لی، آ: آن؛ در لن، ق<sup>۲</sup>، لی، آلت های این بیت پس و پیش شده اند؛ آ پس از این بیت سرنویس دارد: خواستن زال سام رودابه را ۴-  
س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ا، ل<sup>۲</sup>: سپهبد چو از باره؛ ق: سپهبد کزین گونه؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): سپهدار از آن گونه؛ ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): سپهبد کزان باره؛ متن = ف،  
ل (و نیز س<sup>۲</sup>) ۵- ل، س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، ل<sup>۲</sup>، ب: کرد و؛ متن = ف، ق، پ، ا ۶- ق<sup>۲</sup>: < نام > ۷- ف: بجای گلش سرخ و؛ ل، پ، و (و نیز  
لن<sup>۲</sup>): بجای گل سرخ؛ س، ب: به پیش رخش سرخ؛ لن، ق<sup>۲</sup>: بجای لبش سرخ؛ لی: ز رنگ رخش سرخ؛ و، ل<sup>۲</sup>: بجای رخش سرخ؛ (ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ز  
عکس رخش سرخ؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند (= ل<sup>۲</sup>)؛ متن = ف پس از زدن حرف واو ۸- س، و: خوب چهر ۹- لی: درود از  
مت و؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن زال بکاخ رودابه و عهد کردن ۱۰- پ: دیده ام در ۱۱- و: شدم ۱۲- ق: نزد ۱۳- س، لن، ق<sup>۲</sup>،  
لی، پ، ا، ل<sup>۲</sup>: بمن؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۱۴- ل: چهرت اندر؛ س- ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): رویت اندر؛ متن = ف (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۵- ل، لن، ق،  
ق<sup>۲</sup>، و، ا، ب: خوب؛ متن = ف، س، لی، پ، ل<sup>۲</sup> ۱۶- ق<sup>۲</sup>: دمساز؛ ل<sup>۲</sup>: بایار (ا) ۱۷- لی: از؛ لن: چه باشی < تو > بر (وزن نادرست است)  
۱۸- ف: پری روی گفتار از آن سان شود؛ ل، س، ق، ق<sup>۲</sup>، و، ا، ل<sup>۲</sup>: پری روی گفت و سپهبد شود؛ لن: بریچهره گفت سپهبد شنید؛ لی: چو زین گونه  
گفت سپهبد شنید؛ پ: بریچهره گفت و سپهبد شود؛ ب: پری روی گفت و سپهبد شنید (پساوند ندارد)؛ متن = (س<sup>۲</sup>) ۱۹- ل: سر؛ ق: سر از؛ متن =  
ده دستویس دیگر ۲۰- لن: گلنار گون برکشید؛ پ: شگون همی برگشود ۲۱- لی: که بر؛ و: کس از ۲۲- ب: بود ۲۳- لن: غبغب ۲۴-  
لن، لی، ل<sup>۲</sup>: ناز بر ناز (پساوند ندارد)؛ ق<sup>۲</sup>: نار در نار؛ و: نار بر نار؛ ا: ناره بر تار؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، ب؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ا، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز  
ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند (س بیت دوم را ندارد):  
فرو هشت گیسو از آن کنگره

بدل زال گفت (س: گفت زال) این (لی، ل<sup>۲</sup>): ای (کمندی، س، لن، ل<sup>۲</sup>): کمند سره

پس از (ل<sup>۲</sup>: دگر) باره رودابه آواز داد که ای پهلوان بجه<sup>۲</sup> (لن، پ: زاده) گرد زاد  
این بیت هادر ف، ل، ق، و (و نیز س<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۲۵- لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ا، ل<sup>۲</sup>، ب: کنون زود؛ متن = ف، ل، س، ق،  
و ۲۶- ل، س، لن: برناز (حرف های یکم و سوم نقطه ندارند)؛ ق: برناز؛ ق<sup>۲</sup>: برناز؛ پ: تریاز؛ ا: دریاب؛ ل<sup>۲</sup>: برتار؛ متن = ف، لی، و، ب ۲۷-  
ل<sup>۲</sup>: ای ۲۸- ق: بادا ۲۹- ب: گفت و گوی ۳۰- س، ل<sup>۲</sup>: رنگ و بوی؛ لن، ق<sup>۲</sup>، ا: گفت و گوی؛ ق: هر دو موی؛ لی: رو و موی؛ پ: شگفت  
آمدش آنچنان گفت و گوی؛ متن = ف، ل، و، ب؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ا، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:  
بباید (س، ل<sup>۲</sup>): بساوند) مشکین کمندش بیوس که بشنید آواز بسوش عروس  
این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در س<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۳۱- و: اینست ۳۲- لن، پ: بدین ۳۳- لی: خیره را دست ۳۴-  
ل، س، لن، ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): برین؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، لی، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۳۵- ل، س، ق<sup>۲</sup>، پ، ا (و نیز  
لن<sup>۲</sup>): تیر؛ لن، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): تیز؛ لی: نیز؛ ل<sup>۲</sup>: تیرو؛ (س<sup>۲</sup>): نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف

کمند از رهی بستد و داد خم  
 به حلقه در آمد سر کنگره  
 ۵۳۰ چو بر بام آن باره‌ی شست یاز  
 گرفت آن زمان<sup>۸</sup> دست دستان به دست<sup>۹</sup>  
 فرود آمد از بام<sup>۱۱</sup> کاخ بلند  
 سوی خانه‌ی زرنگار<sup>۱۲</sup> آمدند  
 بهشتی بُد آراسته پر ز نور  
 ۵۳۵ شگفتی بماند اندرو<sup>۱۴</sup> زال زر  
 ابا یاره و طوق و با گوشوار  
 دو رخساره<sup>۲۰</sup> چون لاله اندر سمن  
 همان زال با فر شاهنشهی  
 حمایل یکی دشنه<sup>۲۳</sup> اندر برش  
 ۵۴۰ همه<sup>۲۵</sup> بود بوس و کنار و نبید  
 سپهد چُنین گفت با ماه‌روی  
 منوچهر چون<sup>۲۹</sup> بشنود داستان

بینداخت<sup>۱</sup> خوار و نزد<sup>۲</sup> هیچ<sup>۳</sup> دم  
 بر آمد ز بُن تا به سر یکسره  
 بر آمد<sup>۴</sup>، پری روی<sup>۵</sup> بردش نماز  
 برفتند هر دو بکردار مست<sup>۶</sup>  
 به دست اندرون دست شاخ بلند  
 بدان<sup>۱۳</sup> مجلس شاهوار آمدند  
 پرستنده بر پای<sup>۱۴</sup> و در<sup>۱۵</sup> پیش حور  
 بدان روی و آن موی و بالای و فر<sup>۱۷</sup>  
 ز دیبا و<sup>۱۸</sup> گوهر چو باغ<sup>۱۹</sup> بهار  
 سر زلف جعدش<sup>۲۱</sup> شکن بر شکن<sup>۲۲</sup>  
 نشسته بر ماه با فره‌ی  
 ز یاقوت رخشان سر و افسرش<sup>۲۴</sup>  
 مگر شیر کو گور<sup>۲۶</sup> را نشکرید<sup>۲۷</sup>  
 که ای سرو سیمین، پر از رنگ و بوی<sup>۲۸</sup>  
 نباشد بدین<sup>۳۰</sup> کار<sup>۳۱</sup> همداستان

۱- ل- پ، آ، ل، ب (ونیز ل، ل، س، آ): بیفکند؛ متن = ف، و، ۲- پ: بزد ۳- ل: ایچ؛ س، لن، ق، ق، آ، ل، ۲: نیز؛ پ، ب (ونیز لن، ۲): نیز؛ و: تیر؛ متن = ف، لی (ونیز ل، س، آ) ۴- س پس از این بیت افزوده است:

چنان ازدها بر که خاره بر ننازد چو دندان بر آن باره بر

۵- س، لن، لی، پ، آ، ل، ۲: باره بنشت باز (ل، ۲: و باز)؛ ق: بارگه گشت باز؛ و: چو بر بام شد زال نیرنگ ساز؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب (ب: شصت) ۶- س، لن، لی، پ، آ، ل، ۲: بیامد؛ ق، و: درآمد؛ متن = ف، ل، ب ۷- س، لن، ق، پ، و، ل، ۲: پری روی؛ ق، ۲: پری روی بنشت و ۸- س: آنکهی ۹- لن: دستان سام ۱۰- لن: بدل شادکام ۱۱- ل، ۲: بام و ۱۲- ق، ۲: بزمگاه ۱۳- ل: بران ۱۴- ق: برپا؛ لی: در پای ۱۵- ل، لن: و بر؛ پ: < و > بر؛ آ، ل، ۲: ب: < و > در؛ متن = ف، س، ق، ق، آ، لی، و ۱۶- ب: اندران؛ ل، لن- ل، ۲ (ونیز لن، ۲): شگفت اندرو مانده بد؛ متن = ف، س (ونیز ل، س، آ) ۱۷- ب: بالا و فر؛ ل، و: بران (و: بدان) موی و آن روی و بالا و فر؛ س، ق، آ، لی، آ، ل، ۲: بدان روی (لی: رو) و بالا و آن موی و فر؛ لن: بدان روی و موی و بدان زیب و فر؛ ق: بدان رو و آن مو و بالا و فر؛ پ: بدان موی و آن روی و آن زیب و فر؛ متن = ف ۱۸- ل، لن: و، ب (ونیز ل، ۲): زدینار و؛ آ: زدیبای؛ متن = ف، س، ل، ۲ (ونیز لن، ۲، س، آ) ۱۹- لن: شاخ ۲۰- لی، و: رخسار ۲۱- ف: سر زلف و جعدش؛ ل، لن- آ (ونیز ل، ۲، لن، ۲): سر جعد زلفش؛ س: سرو جعد زلفش؛ ل، ۲: سرو جعد و زلفش؛ متن = ب (ونیز س، آ) ۲۲- پ: سراسر شکن ۲۳- ف: چو باید یکی دیبه؛ (ل، ۲: حمایل یکی دست)؛ س، ل، ۲ این بیت را ندارند؛ متن = نه دستویس دیگر (ونیز لن، ۲) ۲۴- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: زیاقوت سرخ افری بر سرش؛ متن = ف، ل، ق، و؛ و، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند (لن بیت چهارم را ندارد و بیت یکم تنها در ب آمده است):

خردمندی و بیدار هر دو جوان دل افروز بودند و روشن روان  
 ز دیدنش رودابه می نارمید بدزدیده در وی همی بنگرید

فروغ رخسار که جان بر فروخت (ق، آ، ب: راکه جان را فروخت؛ لی: جان بی فروختی)

درو (ق، ۲: وزی بیش دید و (ق، ۲، لی، ب: دیدی) دلش بیش سوخت (لی: سوختی)

از آن (پ، ب: بدان) شاخ و بال و از آن (پ، ب: بدان) فر و برز  
 ق، ۲: از آن شاخ و آن بال و آن فر و برز  
 پ، آ: که خار چو خار (آ: خاک) آمدی زویگرز

۲۵- ل- پ، آ، ل، ۲، ب (ونیز لن، ۲): همی؛ متن = ف، و (ونیز ل، ۲) ۲۶- و: گاو ۲۷- لی، ل، ۲، ب: بشکرید ۲۸- ل: سیمین پرورنگ بوی؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، ۲: سیمین بر مشکبوی؛ ق: سیمین بر خوب روی؛ و: سیمین بارنگ موی؛ آ: سیمین بر مشک روی؛ ب: سیمین پرورنگ و بوی؛ متن = ف (ونیز لن، ۲) ۲۹- ل، ق، و: اگر؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۰- ل، ق: برین؛ لی: بدان؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۱- لن، ق، آ، لی، پ، آ: نیز؛ متن = هفت دستویس دیگر

کف اندازد و بر من آید به جوش<sup>۲</sup>  
 همه خوار گیرم پیوشم کفن  
 که هرگز ز پیمان تو نگذرم  
 چو ایزد<sup>۵</sup> پرستان نیایش<sup>۴</sup> کنم  
 بشوید<sup>۶</sup> ز خشم و ز پیگار و کین  
 مگر کاشکارا<sup>۷</sup> شود<sup>۸</sup> جفت من  
 پذیرفتم از داور داد و دین<sup>۱۱</sup>  
 جهان آفرین بر زبانم گوا  
 که با تخت و تاجست<sup>۱۴</sup> و بازب<sup>۱۵</sup> و فر

خرد دور بود<sup>۱۷</sup>، آز در<sup>۱۸</sup> پیش بود  
 تبیره برآمد ز پرده سرای  
 بر<sup>۲۲</sup> خویش تار<sup>۲۳</sup> و برش بود کرد  
 زبان برگشادند<sup>۲۵</sup> بر آفتاب  
 فرود آمد از کاخ فرخ همال

برفتند گردان همه همگروه  
 و زانجایگه برگرفتند راه

همان سام<sup>۱</sup> نیم برآرد خروش  
 ولیکن سرمای<sup>۳</sup> جانست و تن  
 پذیرفتم از دادگر دارم  
 شوم پیش یزدان ستایش<sup>۴</sup> کنم  
 مگر کو<sup>۶</sup> دل سام و شاه زمین  
 جهان آفرین بشنود گفت من  
 بدو گفت رودابه<sup>۱۱</sup> من همچنین  
 که بر من نباشد کسی پادشا  
 جز از پهلوان جهان<sup>۱۳</sup> زال زر

همی هر زمان مهرشان<sup>۱۴</sup> بیش بود  
 چنین تا سپیده<sup>۱۹</sup> برآمد<sup>۲۰</sup> ز جای  
 پس آن ماه را شاه<sup>۲۱</sup> پدروود کرد  
 [سر میزه<sup>۲۴</sup> کردند هر دو پر آب  
 ز<sup>۲۶</sup> بالا کمند اندرافگند<sup>۲۷</sup> زال

چو خورشید تابان برآمد ز کوه  
 بدیدند مر پهلوان را به گاه

۱- پ: <سام> (وزن نادرست است) ۲- ل، ق: ازین کار بر من شود او (ق: او بر من آید) بجوش؛ متن = ده دستنویس دیگر (ونیز لن، س، آ) ۳- لن: چو برمایه؛ پ: که برمایه ۴- ق، ق، ل، لی، و، آ (ونیز ل، لن، آ): نیایش؛ متن = هفت دستنویس دیگر (ونیز س، آ) ۵- لن، ق، آ: ب (ونیز لن، آ): یزدان؛ متن = ف، ل، س، ق (ونیز ل، س، آ) ۶- ل (ونیز لن، آ): نمایش؛ ق، ق، ل، لی، و، آ (ونیز ل، آ): ستایش؛ متن = ف، س، لن، پ، ل، آ، ب (ونیز س، آ) ۷- ب: کان ۸- ب: بشویم ۹- س، و: آشکارا ۱۰- ل، س، لن، لی، پ، و، آ، ب (ونیز لن، آ): شوی؛ ق، ل، آ این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ق، آ (ونیز ل، س، آ) ۱۱- و: رودابه ۱۲- ل، س، لن، لی، پ، و، آ، ب (ونیز ل، لن، آ): کیش و دین؛ ق: پاک بین؛ (س: هوش و دین)؛ ل، آ این بیت را ندارند؛ متن = ف، ق، آ ۱۳- ل، آ: زمین ۱۴- لن، پ: که با تاج و گنجست؛ ق، لی، آ: که با تاج و تخت؛ ق، آ: که با بخت و با تاج؛ متن = ف، ل، س، و، ل، آ، ب ۱۵- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ: نام؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۱۶- ل، س، لن، ق، آ، پ، و، آ: همی مهرشان هر زمان؛ متن = ف، لی، ل، آ، ب ۱۷- ل، س، ق، آ، آ: بُد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۸- ل، ق، لی، پ، و، آ (ونیز ل، لن، آ): آرزو؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، ل، آ، ب (ونیز س، آ)؛ آ این بیت را دوبار نوشته است ۱۹- لی: سفیده ۲۰- ب: برآمد سپیده ۲۱- ل: شید؛ (ل: زال)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ونیز لن، س، آ) ۲۲- س، لن، پ، آ، ل، آ، ب: تن؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، لی، و ۲۳- آ: بار (!) ۲۴- س- ب (ونیز ل، لن، آ، س، آ): مژه؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف ۲۵- پ: برکشیدند؛ س، لن، ق، آ- ب (ونیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

س، لن: یکایک بیایست پردخت نیز (لن: نیایست آید بنیز)  
 لی، پ، و، آ، ل، آ، ب: یکایک (ل: بکابل) نیایست آمد بنیز (لی: بیر؛ پ: بچین)  
 نیایست آمد یکایک بنیز

که ای فرگیتی یکی لخت نیز (لی: لحظه بر؛ پ: بخت نیز)

گستندی (لی: گشادندی) از دل بیدار (آ: به بیدار) بند  
 لن، پ: گستندی از دل غم (پ: غم و درد و بند)

مگر این (لن، لی، پ، ل، آ: کین) دو مهرآزمای نژند

این بیت ها در ف، ل، ق (ونیز در لن، س، آ) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۲۶- و: پس (وزن نادرست است) ۲۷- ق: انداخت؛ ل، آ پس از این بیت سرنویس دارد: بلز گردیدن زال از نزد رودابه؛ ف، ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

بیامد همانگه بجای نشست زمی مانده مخمور و زیبوسه (ف: باده) مست

این بیت در نه دستنویس دیگر (ونیز در ل، لن، آ، س، آ) نیست، ولی در ترجمه بنداری جمله ای هست که بالت یکم این بیت سازگار است: فافتراقا علی ذلك وجاء الی مخیمه

سپهبد فرستاد خواننده<sup>۱</sup> را  
 ۵۶۰ چو دستور<sup>۲</sup> فرزانه با موبدان  
 زبان تیز بگشاد دستان سام  
 نخست آفرین بر<sup>۳</sup> جهاندار کرد  
 چنین گفت کز داور داد و پاك<sup>۴</sup>  
 به بخشایش اومید<sup>۵</sup> و ترس از گناه<sup>۶</sup>  
 ۵۶۵ ستودن مرو را چنان چون توان  
 خداوند گردنده خورشید و ماه  
 بدویست گیهان<sup>۷</sup> خرم پای  
 بهار آرد و<sup>۸</sup> تیرماه و خزان  
 جوان داردش گاه با رنگ و بوی  
 ۵۷۰ ز فرمان و رایش کسی نگذرد  
 بدانگه که لوح آفرید و قلم  
 جهان را فزایش<sup>۹</sup> ز جفت آفرید  
 یکی نیست جز داور کردگار<sup>۱۰</sup>  
 هرآنچه<sup>۱۱</sup> آفریده‌ست جفت آمدند<sup>۱۲</sup>  
 ۵۷۵ ز چرخ برین<sup>۱۳</sup> اندراری<sup>۱۴</sup> سخن  
 زمانه به<sup>۱۵</sup> مردم شد آراسته

که خوانند<sup>۱</sup> بزرگان داننده<sup>۲</sup> را  
 سرافراز گردان و<sup>۳</sup> فرخ ردان  
 لبی پر ز خنده دلی شادکام  
 که بخت چنان خفته<sup>۴</sup> بیدار کرد  
 دل ما پر از ترس و اومید و پاك<sup>۵</sup>  
 به فرمان‌ها ژرف کردن نگاه  
 شب و روز بودن به پیشش نوآن<sup>۶</sup>  
 روان را به نیکی نماینده راه  
 همو داد و داور<sup>۷</sup> به هر دو سرای  
 برآرد پر از<sup>۸</sup> میوه دار و<sup>۹</sup> رزان  
 گهش پیر بینی<sup>۱۰</sup> دژم کرده روی  
 بی مور بی او زمین نسپرد<sup>۱۱</sup>  
 بزد بر همه بودن‌ها رقم  
 که از يك فرونی<sup>۱۲</sup> نیامد<sup>۱۳</sup> پدید  
 که او را نه انباز و نه جفت و یار<sup>۱۴</sup>  
 گشاده ز راه<sup>۱۵</sup> نهفت آمدند<sup>۱۶</sup>  
 سراسر هم اینست گیتی به<sup>۱۷</sup> بن  
 و زو ارج<sup>۱۸</sup> گیرد<sup>۱۹</sup> همه<sup>۲۰</sup> خواسته

۱- لن، پ: جوینده ۲- لن، پ، آ: جوید ۳- لن، پ، آ: گوینده ۴- ل (و نیز س آ): دستور؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن آ) ۵- لی: < و > ل- ب (و نیز ل، لن آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

به شادی بر پهلوان آمدند خردمند و (لی: < و >) روشن روان آمدند

این بیت در ف (و نیز در س آ) نیست؛ ف، و در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر گفتن زال زر احوال خود با موبدان اندر خواستن رودابه را از پدر؛ و: سخن گفتن زال با موبدان و بزرگان ایران زمین ۶- ل، ق، و، ل آ: < بر >؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۷- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل آ، ب (و نیز س آ): دل موبد از خواب؛ ق، و (و نیز ل، لن آ): که او را بهرکار؛ متن = ف ۸- ل: راد و پاك؛ س، لن، لی، پ، ل آ: پاك و داد؛ ق، ب: داد پاك؛ و: پاك راد؛ آ: پاك و راد؛ ق آ: گرد اوژن پاك زاد؛ متن = ف (و نیز ل آ) ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ل آ: امید باد؛ ب: بادا و پاك؛ ل، ق: دل ما بر امید (ق: امید و ترس است و پاك؛ متن = ف ۱۰- ل، س، لی، و، ل آ، ب (و نیز ل، لن آ، س آ): امید؛ متن = ف ۱۱- ق آ: به بخشایش اندر ترس از گناه (آ): آ: بیخایش آید ترس از گناه (!)؛ لن، ق، پ این بیت را ندارند ۱۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل آ: این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل، لی، و، ب (و نیز ل، لن آ، س آ) ۱۳- لن، پ: گیتی ۱۴- لن، ق، آ، و، آ، ب (و نیز لن آ): داد داور؛ ل آ: داد داد او؛ (ل آ: داد دارد)؛ متن = ل، س، ق، لی، پ (و نیز س آ)؛ ف این بیت را ندارد ۱۵- لن، پ: آورد؛ ق: آمد و ۱۶- لن: < پراز > (وزن نادرست است)؛ ق آ، پ، آ، ب: بنو؛ ل آ: نواز؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، لن آ، س آ) ۱۷- ل، آ، ل آ: < و >؛ س، لن، ق، آ، پ، ب: از؛ متن = ف، ق، لی، و (و نیز ل، لن آ، س آ) ۱۸- س، لن، پ: دارد؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۹- ق این بیت را ندارند، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۰- ق آ، ل آ، ب: جهان آفرینش؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و ۲۱- و: فزایش ۲۲- لی، ب: نیاید ۲۳- و: کامکار ۲۴- و: جفتت و یار؛ ق، لی: نه جفت و نه انباز و یار؛ ل، لن، پ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، ق، آ، ل آ ۲۵- لی، آ: هرآنچه (وزن نادرست است) ۲۶- ق آ، لی، آ، ل آ: آفرید؛ و: آمدست؛ لن، پ: جهان آفرین پاك جفت آفرید؛ ل، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، ق ۲۷- لن، پ، و، آ، ل آ (و نیز ل، لن آ): راز؛ متن = ف، س، ق، آ، لی (و نیز س آ) ۲۸- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل آ: آفرید؛ و: آمدست؛ متن = ف، س، ق ۲۹- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل آ، ب (و نیز س آ): بلند؛ متن = ف، ق، و (و نیز ل، لن آ) ۳۰- ل، ب: اندر آمد؛ س، پ: اندر آرم؛ و (و نیز ل آ) اندر آراین؛ (لن آ: اندر آراین؛ س آ: اندر آید)؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۱- ل، س، ق، لی، و، آ، ب (و نیز ل، لن آ): ز؛ ل آ: نه (→ به)؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ (و نیز س آ) ۳۲- و، ب: ز ۳۳- لی: اوج ۳۴- ب: دارد ۳۵- ل، س، لن، ق، آ: همی؛ متن = هفت دستنویس دیگر

بماندی توانایی اندر نِهان  
 ندیدیم، مرد<sup>۴</sup> جوان را، بجای<sup>۵</sup>  
 چو<sup>۶</sup> بی جفت باشد<sup>۸</sup> نماند<sup>۹</sup> سترگ  
 که گردد ز<sup>۱۱</sup> فرزند روشن روان  
 به فرزند نوروز بازآیدش  
 که این پور زالست و آن<sup>۱۴</sup> پور سام  
 ازو<sup>۱۵</sup> رفته<sup>۱۶</sup> نام<sup>۱۷</sup> و بدین مانده<sup>۱۸</sup> بخت  
 گل و نرگس و<sup>۲۰</sup> بوستان منست  
 شما بنگرید این<sup>۲۲</sup> چه درمان برد<sup>۲۳</sup>  
 به مغز و<sup>۲۵</sup> خرد درنیامد کمی<sup>۲۶</sup>  
 زمینش چو گردان سپهر منست<sup>۲۷</sup>  
 چه گوید؟ باشد<sup>۲۹</sup> بدین<sup>۳۰</sup> رام سام؟  
 جوانی گمانی برد<sup>۳۳</sup> گر<sup>۳۴</sup> گناه؟  
 سوی دین<sup>۳۸</sup> و آیین نهادهست روی<sup>۳۹</sup>  
 که هم راه دینست و هم ننگ نیست<sup>۴۰</sup>

اگر<sup>۱</sup> نیستی جفتی<sup>۲</sup> اندر جهان  
 و دیگر که بی مایه<sup>۳</sup>، دین خدای  
 بویژه<sup>۴</sup> که باشد ز تخم بزرگ  
 ۵۸۰ چه<sup>۱</sup> نیکوتر از پهلوان جوان  
 چو هنگام رفتن فرازآیدش  
 به<sup>۱۲</sup> گیتی بماند به<sup>۱۳</sup> فرزند نام  
 بدو گردد آراسته تاج و تخت  
 کنون این<sup>۱۹</sup> همه داستان منست  
 ۵۸۵ دل ازمن رمیدهست و برده خرد<sup>۲۱</sup>  
 نگفتم من این تا نگشتم غمی<sup>۲۴</sup>  
 همه کاخ مهرباب مهر منست  
 دلم گشت بادخت سیندخت<sup>۲۸</sup> رام  
 شود تیز، گویی<sup>۳۲</sup> منوچهر شاه؟  
 ۵۹۰ چه مهتر چه کهتر<sup>۳۵</sup> چو شد<sup>۳۶</sup> جفت جوی<sup>۳۷</sup>  
 بدین در خردمند را جنگ نیست

۱- ب: که گر ۲- ل، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل: جفت؛ متن = ف، س، لن، پ، ب ۳- ل، و (و نیز ل، آ، س): که مایه ز؛ س: که بی ماده؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: که بی جفت؛ ق این بیت را ندارد، ولی آن را در کناره افزوده اند؛ متن = ف ۴- ل: ندیدیم که ماندی؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۵- ق (و نیز ل) پیای ۶- لن، پ: و دیگر؛ لی این بیت را ندارد ۷- ق، آ، و، آ، ل: که متن = هفت دستویس دیگر ۸- ق: ماند ۹- ل، س، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز س): بماند؛ ق (و نیز ل، آ، لن): نباشد؛ متن = ف، لن، و، ب ۱۰- ب: که ۱۱- ل، لن، پ: به؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۱۲- ل: ز؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۱۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب (و نیز لن، آ، س): ز؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل (و نیز ل)؛ در ب این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۱۴- لن: این ۱۵- ف: ازین؛ س، لن، پ- ب (و نیز س): از آن؛ ق، لی این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ل، ق (و نیز ل، آ، لن) ۱۶- س، لن، ق، آ، پ، ل: رفت؛ متن = ف، ل، و، آ، ب (و نیز ل، آ، س) ۱۷- ب: تخت ۱۸- س، لن، ق، آ، پ، ل: ماند؛ متن = ف، ل، و، آ، ب (و نیز ل، آ، س): در ب این بیت بابت پیشین پس ریش شده است ۱۹- پ: آن ۲۰- ل، س، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل): < و >؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ (و نیز لن، آ، س): ل، ق (و نیز ل، آ، س) پس از این بیت افزوده اند:

گزید این دلم دخت مهرباب را ز دیده بیستم ره خواب را  
 ق، آ، ل، آ، س: ببارم ز دیده زدل (ل، آ، س): به مهر آب را

۲۱- لی: هوش و خرد؛ پ، آ: رفته خرد؛ ل، ق: که از من رمیدست صبر و خرد؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، ل، ب ۲۲- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: بگوید کین را؛ لی: کنون بنگرید آن؛ ب (و نیز ل): ببیند کین را؛ (س): کنون بنگری آن؛ متن = ف ۲۳- ل: چه اندر خورد؛ پ: که درمان برد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۲۴- لن: غمین ۲۵- ف: < و >؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۲۶- لن: کمین ۲۷- و این بیت را ندارد (و، لن) این بیت را بجای بیت ۵۸۴ گرفته اند و پس از نوشتن آن بیت های ۵۸۵-۵۸۷ را انداخته اند) ۲۸- لی: مهرباب ۲۹- ل: چه گوینده باشد؛ آ: چه گویند باشد؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۰- و: ازین ۳۱- لی: سام رام (پساوند ندارد) ۳۲- لن، ق، آ، لی، پ، آ: شود رام گویی؛ و: همان هم چه گوید؛ ب: و گر بشنود زی؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ل: گمان برده ۳۴- ف، س- ب (و نیز ل، آ، لن): یا؛ متن = ل ۳۵- لن، پ: چه کهتر چه مهتر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۳۶- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: بود؛ و، ب: که شد؛ متن = ف، ل، س ۳۷- پ: چاره جوی (!) ۳۸- ق: < دین > (وزن نادرست است) ۳۹- لن، پ: نهاده در روی؛ ب: نهادند روی ۴۰- ق، لی این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند

چه رانند<sup>۱</sup> فرزندگان<sup>۲</sup> اندرین؟

سخن بسته شد بر لب<sup>۳</sup> بخردان<sup>۴</sup>  
دل شاه ازیشان پر از<sup>۵</sup> کیمیا  
که نشنید کس نوش با زهر<sup>۶</sup> جفت  
بجوشید<sup>۷</sup> و<sup>۸</sup> رای نو<sup>۹</sup> افگند<sup>۱۰</sup> بن  
بدین<sup>۱۱</sup> رای<sup>۱۲</sup> بر من<sup>۱۳</sup> نکوهش کنید  
بیاید<sup>۱۴</sup> شنیدش<sup>۱۵</sup> بسی سرزنش  
وزین بند راه<sup>۱۶</sup> گشایش کنید  
که با کهتران<sup>۱۷</sup> کس نکرد از مهان

همه کام و آرام او خواستند  
نه از بس شگفتی سرافکنده<sup>۱۸</sup>یم  
به زن<sup>۱۹</sup> پادشا را نکاهد هنر  
بزرگست و گرد و سبک مایه<sup>۲۰</sup> نیست  
وگر<sup>۲۱</sup> چند بر تازیان پادشاست

چه گوید کنون<sup>۱</sup> موبد پیش بین؟

بیستند لب موبدان و ردان  
که ضحاک<sup>۲</sup> مهرب را<sup>۳</sup> بد نیا  
گشاده، سخن کس نیارست گفت  
۵۹۵ چون نشنید<sup>۴</sup> ازیشان<sup>۵</sup> سپهبد سخن  
که دانم ازین چون<sup>۶</sup> پژوهش کنید  
ولیکن<sup>۷</sup> هرآن کو گزیند منش<sup>۸</sup>  
ما گر برین ره<sup>۹</sup> نمایش کنید  
۶۰۰ بجای شما آن کنم در نهان<sup>۱۰</sup>

همه موبدان پاسخ آراستند  
که ما مر ترا يك بيك<sup>۱۱</sup> بنده<sup>۱۲</sup>یم  
که بوده<sup>۱۳</sup>ست<sup>۱۴</sup> ازین<sup>۱۵</sup> کمتر و بیشتر  
ابا<sup>۱۶</sup> آنک مهرب ازین<sup>۱۷</sup> پایه<sup>۱۸</sup> نیست  
۶۰۵ همان<sup>۱۹</sup>ست<sup>۲۰</sup> کز گوهر آژدهاست

۱- لی: بدین ۲- ل، ب: دانید؛ س، لی، و، ل (و نیز لن): داند؛ لن، ق، پ (و نیز ل): گویند؛ ق (و نیز س): بیند؛ متن = ف، آ ۳- ق: بینندگان ۴- ل: دل؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۵- ف: موبدان؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۶- ل: ب: که مهرب ضحاک را (!) ۷- س: بران؛ لن، پ: وزیشان دل شاه پر؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ آوردن موبدان زال را و پند دادن ۸- ل: نیش؛ آ: زهر با نوش؛ ل: نوشته با زهر؛ متن = نه دستویس دیگر ۹- ف، س، ق، پ، آ، ل (و نیز لن): شنید؛ ل، لی (و نیز س): شنید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = لن، ق، و، ب (و نیز ل) ۱۰- س: زیشان ۱۱- آ: < و > ۱۲- لی: اندیشه ۱۳- س: که زین چون؛ لن، ق، پ: که چون این؛ ق، و، ل، ب (و نیز ل، لن): کزین چون؛ لی (و نیز س): کزین پس؛ آ: که چون آن؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف ۱۴- س، ق، لی، و: برین؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۵- ق: کار؛ و: راه ۱۶- پ: من بر؛ آ: بامن ۱۷- س: و دیگر ۱۸- ل، لن، ق، ق، لی: بود بر منش؛ پ، و، آ، ب (و نیز ل، لن): بود پرمنش؛ متن = ف، س، ل (و نیز س) ۱۹- و: نباید ۲۰- ل، لی، ل: شنید؛ متن = ف، پ، و، آ، ب ۲۱- لن، ق، لی، پ، آ، ل: بدین ره؛ ل: مرا اندرین گر؛ متن = ف، س، ق، و، ب ۲۲- ق: برین ننگ راهم؛ ق: درین بند راه؛ لی: بدین بند راه؛ و: مرا این بند راهم؛ ل: وزین بند راهم؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۳- ل، لن، ب (و نیز ل، س): جهان؛ متن = ف، س (و نیز لن) ۲۴- لی: کجا با کهان؛ پ: که از مهتران؛ ل، لن، ق، ق، پ، آ، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

ز خوبی و از (ز) نیکی و (ق، ق): و نیکی و از؛ پ: و از نیکی؛ ل: و نیکی و (ز) راستی

زید ناووم بر (لن، ق، آ، پ، آ، ب: در) شما کاستی

این بیت در ف، س، لی، و (و نیز ل، لن، س) نیست ۲۵- لن، ق، آ، پ، آ، ل: سربر؛ س، ب: که ما یک یک مر ترا؛ لی: که ماها ترا سربر؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۶- س، ق، و (و نیز لن): فرو مانده ایم؛ لن، ق، آ، پ، آ، ل: درین بس شگفتی فرو مانده ایم؛ ب: به پیش از شگفتی سرافکنده ایم؛ متن = ف، ل، لی (و نیز ل)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بدین رایت ای پهلوان جهان نکوهش ندیدند فرخ مهان

این بیت در یازده دستویس دیگر (و نیز در ل، لن، س) نیست ۲۷- ل: که تودست ۲۸- س: زین ۲۹- لن، ق، لی، پ، آ (و نیز ل، لن، س): بدین؛ ق، و: برین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = متن = ف، س، ل، ب ۳۰- و: نباشد گهر ۳۱- ف: ویا؛ لی: که با؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۳۲- س: زین؛ آ: از آن ۳۳- ق، آ، پ، آ: مایه (ق) آساوند ندارند؛ (س): خاه = خابه؟، خانه؟؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۴- پ: پایه؛ و: گردست بر مایه (!) ۳۵- ل: بد آنست؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۳۶- لن، پ: اگر

اگر شاه را بد نگرده گمان  
یکی نامه باید سوی پهلوان  
ترا خود خرد زان ما بیشتر  
مگر کو یکی نامه نزدیک شاه  
۶۱۰ منوچهر هم رای سام سوار  
نباشد ازو ننگ بر دودمان  
چنان چون تو دانی به روشن روان  
روان و گمانت به اندیشتر  
فرستد کند رای او را نگاه  
نه بردارد از ره بدین مایه کار

### گفتار اندر نامه نبشتن زال بنزدیک پدرش سام<sup>۱۲</sup>

دل آکنده بودش همه برفشانند  
سراسر نوید و درود<sup>۱۴</sup> و پیام<sup>۱۵</sup>  
بران<sup>۱۶</sup> دادگر کافرین<sup>۱۸</sup> آفرید<sup>۱۹</sup>  
خداوند ناهید و کیوان<sup>۲۲</sup> و هور  
همه بندگانیم<sup>۲۳</sup> ایزد یکیست  
خداوند گویال و شمشیر<sup>۲۴</sup> و خود  
چرانندهی کرگس اندر نبرد  
فشانندهی تیغ<sup>۲۷</sup> از ابر سیاه<sup>۲۸</sup>  
نشانندهی شاه<sup>۲۹</sup> بر تخت زر  
سپهبد نبسنده<sup>۳۳</sup> را پیش خواند  
یکی نامه فرمود نزدیک سام  
ز خط<sup>۳۴</sup> نخست آفرین گسترید  
ازو دید<sup>۳۵</sup> شادی و زو جست<sup>۳۶</sup> زور  
۶۱۵ خداوند هست و خداوند نیست  
ازو باد بر سام نیم درود  
چمانندهی<sup>۳۵</sup> دیزه هنگام گرد  
فزایندهی باد آوردگاه  
گرایندهی تاج و زین کمر

۱- ق: زمان؛ ق: اگر پادشه بد ندارد گمان ۲- ق: و؛ نیاید؛ ب: ندارد ۳- ق: جز از؛ لی: ازین ۴- ف: ننگ هر دودمان؛ ق: نیک و بد هر زمان؛ ب: ننگ و با دودمان؛ لن، پ، آ، ل: این بیت را ندارند؛ متن = ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، لن، س، آ)؛ ف پس از این بیت افزوده است: مرادت بدین کار گردد تمام بدین آرزو باشدت نام و کام  
این بیت در یازده دستنویس دیگر (و نیز در ل، لن، س، آ) نیست ۵- س: بود رای؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل: توانی به؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۶- ق: هنر ۷- س، آ: بدانندش تر؛ ق، ب: بر اندیش تر؛ ق، ل: باندیش تر؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، لن، پ، و ۸- و: او ۹- لن، پ: نوید ۱۰- ب: راه ۱۱- س: نگرداند ۱۲- ف: گفتار اندر نامه نوشتن زال بنزدیک سام نریمان اندر احوال رودابه و مهربان؛ ل: نامه زال بنزدیک سام و آگاه شدن؛ س: نامه فرستادن زال بنزد پدرش سام نریمان؛ لن، و: نامه زال بنزدیک سام (و: سام نریمان)؛ ق: نامه زال نزد سام جهت دختر مهربان؛ ق: نامه زال بنزد پدرش سام؛ لی: نامه زال بنزد سام از کار رودابه؛ پ: نامه زال سام و احوال نمودن؛ و: نامه نوشتن زال نزد سام نریمان؛ ل: نامه نوشتن زال نزد سام جهت رودابه؛ ب: نامه زال نزد سام؛ متن = آغاز ف ۱۳- ل- ب (و نیز ل، لن، س، آ): نویسنده؛ متن = ف ۱۴- س، و، آ، ب: درود و نوید ۱۵- ل، س، لن، ق، پ، آ، ل (و نیز س، آ): خرام؛ ق، لی: سلام؛ متن = ف، و، ب (و نیز ل، لن، آ) ۱۶- س: بخط بر؛ لن، ق، لی، پ، آ: بخط از؛ ب: ز خطش؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۱۷- ل، ق، ق، لی، پ، ل، ب: بدان؛ متن = ف، س، لن، و، آ ۱۸- ل: کور جهان؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ل: کور زمین؛ متن = ف، ق، و، ب (و نیز ل، لن، س، آ) ۱۹- س، لن، ق، لی، پ، ل، ب: گسترید؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۰- ل، لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، لن، آ): از ویست؛ و، ل: از ویست؛ (س: کز ویست)؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، س ۲۱- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، لن، س، آ): و ز ویست؛ متن = ف، و، ل ۲۲- ل، س، ق، لی، کیوان (لی: < >) ناهید؛ لن، پ: ناهید و بهرام؛ متن = ف، و، آ، ل، ب ۲۳- ق، لی: < > ۲۴- ق، لی، و، ل، ب: شمشیر و کویال؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۵- ق، آ: جهاننده؛ در ق این بیت پس از بیت ۶۱۹ آمده است ۲۶- س: نماینده ۲۷- ف: میخ (!)؛ ل (و نیز ل، س، آ): خون؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ) ۲۸- ق، لی: ز ۲۹- س: نماینده ۳۰- ل: زال؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز لن، س، آ)؛ در ق این بیت پس از بیت ۶۱۷ آمده است

- ۶۲۰ به‌مردی هنر در هنر<sup>۱</sup> ساخته  
من<sup>۴</sup> او را بسان یکی بندهام  
ز مادر بزادم<sup>۵</sup> بدانسان<sup>۶</sup> که دید  
پدر بود در ناز و خز<sup>۷</sup> و پرنده  
نیازم بدان<sup>۱۱</sup> کو شکار آورد
- ۶۲۵ همی پوست از باد<sup>۱۳</sup> برمن بسوخت  
همی خواندندی مرا<sup>۱۵</sup> پور سام  
چو یزدان چنین راند اندر بوش<sup>۱۶</sup>  
کس از داد<sup>۲۳</sup> یزدان نیابد<sup>۲۴</sup> گریغ  
سنان ار<sup>۲۷</sup> به دندان بخاید دلیر
- ۶۳۰ گرفتار<sup>۲۸</sup> فرمان یزدان بود  
یکی کار پیش آمدم دل‌شکن  
پدر گر دلیرست و نر ازدهاست  
من از دخت مهرباب گریان شدم  
ستاره شب تیره<sup>۳۴</sup> یار من ست
- ۶۳۵ به رنجی رسیده‌ستم از خویشتن  
خرد<sup>۲</sup> از هنرها<sup>۳</sup> برافراخته  
به مهرش روان و دل آگنده‌ام  
ز گردون به‌من بر<sup>۷</sup> ستم‌ها رسید  
مرا برده<sup>۹</sup> سیمرخ بر<sup>۱۱</sup> کوه هند  
ابا بچگان<sup>۱۲</sup> در شمار آورد  
زمان تا زمان خاک چشم<sup>۱۴</sup> بدوخت  
به<sup>۱۶</sup> اورنگ بر<sup>۱۷</sup> سام و من<sup>۱۸</sup> بر<sup>۱۹</sup> کُنام  
برین<sup>۲۱</sup> گونه پیش آوریدم روشن<sup>۲۲</sup>  
اگر خود پیرد<sup>۲۵</sup> برآید به میغ<sup>۲۶</sup>  
بدرد از آواز او چرم شیر  
وگر<sup>۲۹</sup> چند دندانش سندان<sup>۳۰</sup> بود  
که نتوان ستودنش<sup>۳۱</sup> بر انجمن  
اگر بشنود راز<sup>۳۲</sup> کهتر<sup>۳۳</sup> رواست  
چو بر آتش تیز بریان شدم  
من آنم که دریا<sup>۳۵</sup> کنار من ست  
که برمن بگرید همی<sup>۳۶</sup> انجمن

- ۱- و: گهر ۲- س: خردش؛ لن، لی، پ، آ، ل، ب: سرش؛ ق: هنرش؛ متن= ف، ل، ق، و ۳- ق: از هنر سر؛ و: زین هنرها؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:
- چو سام نریمان گه (س: که در) کارزار به مردی (س: نبود) نه هت و نه باشد سوار  
این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز لن، آ، س) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۴- ل: مر ۵- ل: نزام (!) ۶- ل، س، ق: برانسان؛ متن= نه دستویس دیگر ۷- لی: به من چه؛ ب: به سر بر ۸- و: درخ و ناز؛ ق: پدر در بر بار و خز؛ ب: برهه تن من ز خز؛ متن= نه دستویس دیگر ۹- ب: برد ۱۰- س، لن، پ، ل، آ: در؛ ب: نا؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ ف، ق، آ، ب (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:
- مرا خورد خون بود بر جسای شیر در آن (ف: بران) آشیانه بسان اسیر (ق: بدم ناگزیر)  
امیدم به سیمرخ مانده مدام (ق: بدام) به دل (ق، ق: دلی) ممتند و به رخ (ق، ق: ورخی) زردفام
- این بیت هاد در هت دستویس دیگر (و نیز در لن، آ، س) نیست ۱۱- ب: بدو ۱۲- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س): بچام؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، لی، و (و نیز لن، آ)؛ در لی این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۱۳- لی: از نار (!)؛ آ: بر باد ۱۴- س: چشم خاکم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در لی این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- ل، آ: همی خوانندی مرما ۱۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: بر؛ متن= ف، ل، ق، آ، ب ۱۷- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بد؛ ل، آ: < بر > (وزن نادرست است)؛ متن= ف، ل، ق، آ، پ: < من > (وزن نادرست است) ۱۹- ل، ب: در؛ و: مرا نام بر سام و جایم ۲۰- ف، ق: روش؛ س: چنین داشتم در بوش؛ و: چنین راندم اندر بوش؛ ل: چنین بود اندر بوش؛ (ل: چنین خواست اندر بوش)؛ متن= ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز لن، آ، س) ۲۱- لی، آ: بدین؛ ل: بران؛ ب: بدین ۲۲- ف، ل، آ، ب: دهش؛ آ: آوریدم روش؛ ل، ق: بران بود (ق: برانست) چرخ روان را روش (ق: پساوند ندارد)؛ لن، ق، آ، پ: برسم بوش اندر آید (پ: آمد) روش؛ متن= س، لی، و (و نیز ل، آ، س) ۲۳- لن، پ: از حکم؛ ق: < از > داد (وزن نادرست است) ۲۴- لن، پ، ل: شاید ۲۵- ل، س، ق، آ، لی، ل، آ، پ (و نیز ل، آ)؛ اگر (ل: وگر) چه پیرد؛ لن، پ: اگر داستان را؛ متن= ف (و نیز س) ۲۶- و (و نیز لن، آ): نه سوزنده آتش نه بارنده میغ؛ آ: اگر چه برآید ببرد به میغ ۲۷- ل، لن، ق، آ، پ- ب: گر؛ لی: را؛ متن= ف، س، ق ۲۸- ق: نماند چو ۲۹- لن، پ، ل، آ: اگر ۳۰- س، لی: سندانش دندان ۳۱- س: گشادنش؛ ق: نمودنش؛ ق: که پیران ستودند؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۲- لن، ق، آ، لی، پ، آ: گفت؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۳- ل، س، و: بنده؛ ق: چاکر؛ متن= هشت دستویس دیگر ۳۴- لن: شب تار؛ ق، آ، پ، آ، ل: شب و روز؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۵- ق: گشاده چو دریا؛ در و لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳۶- ق: بزار



نخواهم<sup>۱</sup> زدن جز به فرمانت<sup>۲</sup> دم  
گشایم<sup>۳</sup> ازین رنج و سختی روان  
که گوهر گشاده کنی<sup>۴</sup> از نهفت  
بدین کار دستور باشد مگر<sup>۵</sup>  
کنم راستی را به آیین و کیش<sup>۶</sup>  
چو باز آوریدم ز<sup>۷</sup> البرزکوه  
کنون اندرین ست بسته دلم<sup>۸</sup>

ز کاول<sup>۹</sup> سوی<sup>۱۰</sup> سام<sup>۱۱</sup> شد بر سه<sup>۱۲</sup> اسپ  
نباید ترا دم زدن<sup>۱۳</sup> اندکی  
بدینسان همی تاز تا<sup>۱۴</sup> پیش گو  
به زیر<sup>۱۵</sup> اندرش چرمه پولاد<sup>۱۶</sup> گشت  
یکایک ز دورش سپهد بدید  
چماننده<sup>۱۷</sup> یوز<sup>۱۸</sup> و رمنده<sup>۱۹</sup> شکار  
بدان کار دیده سواران خویش  
همان<sup>۲۰</sup> چرمه یی زیر او<sup>۲۱</sup> زاولی<sup>۲۲</sup>

اگرچه دلم دید چندین ستم  
چه فرماید اکنون جهان پهلوان  
سپهد شنید آنک<sup>۱</sup> موبد چه گفت<sup>۲</sup>  
ز پیمان نگردد سپهد پدر  
که من دخت مهرباب را جفت خویش  
به<sup>۳</sup> پیمان چنین رفت<sup>۴</sup> پیش گروه  
که هیچ آرزو بر دلت نگسلم<sup>۵</sup>

سواری بکردار آذرگشپ  
بفرمود<sup>۱</sup> گفت: ار بماند یکی  
به دیگر پلنگ اندرای و برو<sup>۲</sup>  
فرستاده از<sup>۳</sup> پیش او<sup>۴</sup> باد<sup>۵</sup> گشت  
چو نزدیکی گرگساران رسید  
همی گشت گرد یکی کوهسار  
چنین گفت با غمگساران خویش  
که آمد سواری دمان<sup>۱</sup> کاولی<sup>۲</sup>

۱- ل: نیارم؛ س، لن، ق، ل، لی، ل: نخواهد؛ متن = ف، ق، پ، و، آ، ب ۲- ل، س، لی، و: بفرمائش؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳- س: گشاید؛ لن، پ: رهامن؛ ب: گشایم؛ متن = هشت دستویس دیگر ۴- لی: < و >؛ لن، پ: در دو ۵- ق، ق، ل، لی، آ: میان؛ ب: زبان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۶- ل، ل، ق، آ: آنچه؛ ق، لی: آنکه؛ آ، ل، آ، ب: آنچه؛ لن، پ، و (← ۶۴۲ پ) این بیت را ندارند؛ متن = ف، س (و نیز س) ۷- ل، ق، ب: بگفت؛ متن = ف، س، ق، ل، لی، آ، ل، ل، س: کند (حرف سوم نقطه ندارد)؛ لی، آ، ل، آ، ب: کنند؛ متن = ف، ق، ق (و نیز س) ۸- لن، پ: بدین کار دشوار با من مگر؛ و این بیت را ندارد (← ۶۴۲ پ) ۹- ف: به آیین پیش؛ آ: به آیین خویش؛ و این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ل، س، آ)؛ لن، ق، ل، لی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل) پس از این بیت و و پس از بیت ۶۳۷ افزوده اند:

پدر باد دارد که چون مرمر با بدو (ا: بوی) باز داد ایزد دارا  
این بیت در ف، ل، س، ق (و نیز در لن، آ، س) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۱۱- آ: ز ۱۲- لن، ق، ل، لی، پ، و، آ، ل، آ، ب: گفت؛ متن = ف، ل، س، ق (و نیز ل، ل، س، آ) ۱۳- لن، لی: از؛ آ: به ۱۴- ق: شکم ۱۵- ق: تم؛ ف پس از این بیت افزوده است:  
نبیسنده چون نامه پیشش بخواند سپهد بران نامه گوهر فشانند  
و پس از بیت ۶۴۲ افزوده است:

دل من نگردد ز گفت پدر بدین کار دستور باشد مگر (← ۶۳۹)  
چو موبد شنید و سپهد بگفت که گوهر گشاده کند از نهفت (← ۶۳۸)

۱۶- ف- ب (و نیز ل، لن، آ، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۷- لن، پ، ب: بر ۱۸- لی، و: شام ۱۹- و: در ۲۰- ل، لن، لی، پ، آ، ل، آ، ب: بفرمود؛ و این بیت را ندارند، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، س، ق، آ، و ۲۱- و: کشید ۲۲- ل (و نیز ل): بدیگر تو پای اندر آور برو؛ س: بدیگر تو زود اندر آی و برو؛ لن، پ: بدیگر سبک بر نشین و برو؛ ق، ل، لی، آ، ب: بدیگر سبک اندرای و برو؛ و: بدیگر دویا اندر آر و برو؛ (س): بزین پلنگ اندرای و برو؛ ق، ل این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۲۳- ل، ق، آ، ب: برین سان همی تازتا؛ س: همی تاز ازین گونه تا؛ پ: بدینسان همی تازتان؛ و: شتابان همی تازتا؛ متن = ف، لن، ق، آ، آ ۲۴- س، لن، ق، ل، لی، آ، ل (و نیز س): در؛ ق این بیت را ندارند، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، پ، و، ب (و نیز ل، لن، آ) ۲۵- و: ری ۲۶- ف، ل (و نیز ل، لن، آ): باز (ل، ل، لن، آ) پساوند ندارند؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز س) ۲۷- ل: به زین ۲۸- ف: چون باز؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۹- آ، ب: جهاننده؛ ل: چمانیده ۳۰- س، لی: بود؛ لن، و: بور؛ ل: بور (نقطه ندارد) متن = هفت دستویس دیگر ۳۱- س: از امید؛ لی: آزمند؛ آ: و رمانده (وزن نادرست است)؛ ل: و رمانده؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۲- لن، پ: که آمد فرستاده ۳۳- ف، ل، لن، ب (و نیز ل، لن، آ، س): کابلی؛ س: زابلی؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۴- ل، س، ق، و، ب (و نیز ل، لن، آ، س): چمان؛ متن = ف، ق، ل، لی، آ، ل ۳۵- س: زیر او چرمه؛ ق: چرمه زین او؛ لی: چرمه زیر او؛ و: چرمه زیر روی؛ آ: چرمه رایش او؛ ل: چرمه ای پیش او؛ لن، پ: بزیر اندرش چرمه؛ متن = ف، ل، ق، ب ۳۶- ف، ل، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ، س): زابلی؛ س، و: کابلی (و پساوند ندارد)؛ متن تصحیح قیاسی است

ازو آگهی جست باید نُخست  
 همه<sup>۲</sup> کرد باید سَخُن<sup>۳</sup> خواستار  
 به دست اندرون نامی نامدار<sup>۴</sup>  
 بسی<sup>۵</sup> از جهان آفرین کرد یاد<sup>۶</sup>  
 فرستاده گفت آنچ<sup>۷</sup> بود از پیام<sup>۸</sup>  
 فرود آمد از تیغ<sup>۹</sup> کوه بلند  
 پژمرد بر جای و<sup>۱۰</sup> خیره<sup>۱۱</sup> بماند  
 دگرگونه بایستش<sup>۱۲</sup> او را به خوی<sup>۱۳</sup>  
 سَخُن هرچه<sup>۱۴</sup> از گوهر بد<sup>۱۵</sup> سزید<sup>۱۶</sup>  
 چنین کام دل<sup>۱۷</sup> جوید از روزگار  
 به دلش اندر اندیشه آمد دراز<sup>۱۸</sup>  
 مکن داوری، سوی دانش گرای<sup>۱۹</sup>  
 شود<sup>۲۰</sup> خام گفتار و پیمان شکن<sup>۲۱</sup>  
 پرداز دل را بدانچت<sup>۲۲</sup> هواست  
 چگونه برآید، چه گویی<sup>۲۳</sup>، نژاد؟  
 بخت و برآسوده<sup>۲۴</sup> گشت اندران<sup>۲۵</sup>

فرستاده‌ی زال باشد درست  
 ز دستان و ایران و از<sup>۱</sup> شهریار  
 هم<sup>۲</sup> اندر زمان پیش او شد سوار<sup>۳</sup>  
 فرود آمد و خاک را بوسه داد<sup>۴</sup>  
 پرسید<sup>۵</sup> و بستد ازو نامه سام  
 سپهدار بگشاد از آن<sup>۶</sup> نامه بند  
 سَخُن های دستان یکایک<sup>۷</sup> بخواند  
 پسندش نیامد چنان آرزوی<sup>۸</sup>  
 چنین داد پاسخ که آمد پدید  
 چو مرغ زیان باشد آموزگار  
 ز نخچیر کامد سوی خانه باز<sup>۹</sup>  
 همی گفت: اگر گویم این نیست رای  
 دل<sup>۱۰</sup> شهریاران<sup>۱۱</sup> سر<sup>۱۲</sup> انجمن  
 وگر گویم آری و کامت رواست  
 ازین<sup>۱۳</sup> مرغ پرورده، وان<sup>۱۴</sup> دیوزاد  
 سرش گشت از<sup>۱۵</sup> اندیشه‌ی<sup>۱۶</sup> دل گران

۱- ل، ق، ل، ل، ز؛ متن = نه دستویس دیگر ۲- س، لن، ق، ل، پ، آ، ب: همی؛ متن = ف، ل، ق، ل (و نیز س) ۳- ق: همی (!)؛ و: سخن کرد باید همه ۴- لی: چو ۵- و: دوان ۶- و: پهلوان؛ آ: شهریار؛ و پس از این بیت سرنویس دارد: پژوهش کردن سام نریمان اختر زال ز ررا ۷- ل، س (و نیز س)؛ بوس داد؛ ق: داد بوس؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۸- ف: همی ۹- ق: همی بود اندر سخن چاپلوس؛ و (و نیز لن)؛ فراوان برو آفرین کرد یاد؛ (ل)؛ که بس آفرین بر جهان دار کرد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز س) ۱۰- لی: بیوسید ۱۱- و، ل: آنچه ۱۲- ل: بودش پیام؛ ب: فرستاده گفتش یکایک پیام؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۳- ل، ق، ب: <آن>؛ لن، پ: زان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۴- و: پیش؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- ل، ق، و: سراسر؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۶- ق: بر جا و؛ س، لی، و، ل، ب: پژمرد و بر جای؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، آ ۱۷- ق، ل: خامش؛ آ: حیران ۱۸- س: آرزو ۱۹- و: میخواست؛ ب: بایست ۲۰- س: خو ۲۱- ل: مرچ ۲۲- س، لن، ق، ل، پ، آ، ل: او؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۲۳- ب: رسید ۲۴- لی: چنین آرزو ۲۵- ب: ز نخچیر که بازگشت او باز ۲۶- پ، ل: فراز؛ لن: اندیشه‌های دراز ۲۷- ب: دژم گردد و دل بیچند ز جای؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۸- ل، ق: سوی؛ لی، و: بر؛ متن = ف، س، ق، آ، ب (و نیز ل، س) ۲۹- س، ق: شهریار و؛ ق، آ، ب: شهریار آن؛ و: نامداران؛ متن = ف، ل، ق، ل، پ، آ، ب (و نیز ل، س)؛ لن، پ، آ، ل: بر دادگر نیز و بر (آ: وز) ۳۱- و، ق، لی (و نیز س)؛ شوم؛ متن = ف، ل، س، ب (و نیز ل) ۳۲- لن، ق، آ، پ، آ، ل: باشد پسندیده پیمان شکن؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ف پس از این بیت افزوده است:

که پیمان شکستی بگشتی ز راه نجستی نو آرم فرزند شاه

۳۳- ب: برانکت ۳۴- لی، آ: از آن ۳۵- لن، لی، پ، آ (و نیز س)؛ مرغ پرورد و آن (لی: و این)؛ ق، و، ل: مرغ پرورده؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ب ۳۶- لن، پ: همانا؛ آ: نگویی؛ ل، ق، و: چگویی (ق: چگویم؛ و: ندانم) چگونه برآید؛ ق: چه زاید فزونی ندانم؛ لی: چگونه بزاید چه باشد؛ ل: چگونه بزاید چگویی؛ ب: چگونه بزاید بنیکی؛ (ل) = ل؛ لن: ندانم چگونه برآید؛ س: چگوید (→ چگونه) برآید چه گویی = ف؛ متن = ف، س ۳۷- س، لن؛ ز؛ ب: پر (در بالا افزوده است) ز ۳۸- ب: اندیشه و ۳۹- ل: نه آسوده؛ س: یاسود و (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، پ، آ: برآسود؛ و: متن = هفت دستویس دیگر ۴۰- ق: از روان

دلش<sup>۳</sup> خسته‌تر زان و تن<sup>۴</sup> زارتر  
که<sup>۵</sup> فرمان دهد کردگار جهان<sup>۶</sup>

یکی انجمن کرد<sup>۷</sup> با بخردان<sup>۸</sup>  
که فرجام این بر چه یابد گذر<sup>۹</sup>  
برآمیختن باشد از بُن<sup>۱۰</sup> ستم  
فریدون و ضحاک را کارزار  
سر خامه بر بخش<sup>۱۱</sup> فرخ نهید  
همی زآسمان<sup>۱۲</sup> باز جستند راز<sup>۱۳</sup>  
که دو دشمن از بخش<sup>۱۴</sup>، خویش آمدند  
چنین گفت کای گرد ز زمین کمر  
که گردند<sup>۱۵</sup> هر دو دو فرخ<sup>۱۶</sup> همال  
بیاید بیند به مردی میان  
نهد تخت شاه از بر پشت<sup>۱۷</sup> میغ  
به روی زمین بر نماند<sup>۱۸</sup> مغاک  
زمین را بشوید<sup>۱۹</sup> به گرز گران  
بیند<sup>۲۰</sup> در جنگ و<sup>۲۱</sup> راه گزند  
ازو<sup>۲۲</sup> پهلوان<sup>۲۳</sup> را<sup>۲۴</sup> خرام و نوید<sup>۲۵</sup>  
بمالد<sup>۲۶</sup> برو<sup>۲۷</sup> روی جنگی پلنگ<sup>۲۸</sup>

سُخن هرچه<sup>۱</sup> بر بنده دشخوارتر<sup>۲</sup>  
گشاده‌تر آن باشد اندر نهان<sup>۳</sup>

چو برخاست از خواب، با موبدان<sup>۴</sup>  
گشاد این<sup>۵</sup> سخن بر ستاره شمر<sup>۶</sup>  
۶۷۰ دو گوهر چو آب و چو آتش بهم<sup>۷</sup>  
همانا که باشد به روز شمار  
از<sup>۸</sup> اختر بجوید<sup>۹</sup> و پاسخ<sup>۱۰</sup> دهید  
ستاره‌شناسان به روز دراز<sup>۱۱</sup>  
۶۷۵ بدینند و با خنده پیش آمدند  
به سام نریمان ستاره شمر  
ترا مژده از دخت مهرباب و زال  
ازین دو هنرمند، پیلی ژبان  
جهانی پیای اندرآرد به تیغ<sup>۱۲</sup>  
۶۸۰ ببرد پی بدسگالان ز خاک  
نه سگمار ماند نه مازندران<sup>۱۳</sup>  
به خواب اندرآرد<sup>۱۴</sup> سر دردمند<sup>۱۵</sup>  
بدو<sup>۱۶</sup> باشد ایرانیان را امید  
پی<sup>۱۷</sup> باره‌پی کو<sup>۱۸</sup> چماند<sup>۱۹</sup> به جنگ

۱- ل: هرچ ۲- ل- ق، پ- ب (و نیز س): دشوارتر؛ لی این بیت را ندارد؛ من= ف (و نیز ل) ۳- پ: تنش ۴- پ: دل؛ ل: تن ۵- ق: گشاده زبان باشد اندر نهان؛ و (و نیز ل): گشاده شود هرچه باشد نهان؛ لی این بیت را ندارد ۶- ل، ل، ق، ق، آ، پ- ب (و نیز ل، س): چو؛ من= ف، س ۷- ق: زبان ۸- و (و نیز ل): چو از خواب برخاست از موبدان ۹- ل، ق، آ (و نیز س): ساخت؛ من= ف، س، ل، لی، پ، و، ل، ب (و نیز ل) ۱۰- ل، پ (و نیز ل): از بخردان؛ و: و از بخردان؛ ق: سخن گفت بر بیش و کم اندران؛ لی پس از این بیت سرنویس دارد: باز گفتن ستاره‌شناسان از طالع رستم ۱۱- ل، ق، ق، آ، لی، و، ل، آ: گشادن؛ من= ف، س، ل، پ، ب ۱۲- ل، ق (و نیز ل): باشد گذر؛ ل، ق، آ، پ، آ، ل، ب: آید بر؛ لی (و نیز س): باشد نگر؛ و: برکه دارد گذر؛ س: که فرجام خود برچه آید بر؛ من= ف ۱۳- ق، و: کجا گوهر آب و آتش بهم ۱۴- پ: تن (!)؛ و: من (!) ۱۵- و: ز ۱۶- ل: بخوانید؛ ق: بجویند؛ من= ده دستویس دیگر ۱۷- ل، پ: فرمان ۱۸- لی: نقش؛ ل: همه کار و کردار؛ ق: سرانجام این کار؛ و: بفرجام بر بخش؛ ب: سرنامه بر بخش؛ من= هفت دستویس دیگر ۱۹- ق: شمار (!) ۲۰- ب: باسما ۲۱- ق: همی باز جستند از چرخ کار ۲۲- ل، لی: بخت؛ ل، پ: چو شادان دل از بخت؛ ق: سرانجام دشمن به؛ ق، آ، ل، ب: همه شاد از بخت؛ آ: همی شاد از بخت؛ من= ف، س، و (و نیز ل) ۲۳- ل، ل، ق، آ، لی، پ، آ: که باشند؛ و: چو کردند؛ من= ف، س، ق، ل، ب ۲۴- ل، س، ق: هر دو بشادی؛ و: آن هر دو فرخ؛ من= هشت دستویس دیگر ۲۵- ل، ق، و: جهان زیر پا اندر آرد به تیغ؛ ب: جهانی بمردی بگیرد تیغ؛ من= هشت دستویس دیگر ۲۶- ل، پ: تند؛ ق: رخت؛ ق، ل، آ: تخت؛ آ: ازین تخت؛ لی: شاهان ابر پشت؛ من= ف، ل، س، و، ب (و نیز ل، س) ۲۷- ب: نجوید ۲۸- ق: همه گرگزاران و مازندران ۲۹- آ: بشورد؛ ب: بگوید ۳۰- آ: آمد؛ ب: آید ۳۱- و: ارجمند ۳۲- آ: نه بندد ۳۳- ق: در چاره؛ و: در رنج و ۳۴- آ: برو ۳۵- ل، ق، پ، و: وزو ۳۶- ل: با؛ ل، پ: پهلوانان؛ ل: < را > (وزن نادرست است)؛ من= ف، س، ق، آ، ب ۳۷- لی: نهد تخت شاه از بر تخت شید؛ و: وزو گوش شاهان شود بر نوید ۳۸- ق، و: یکی ۳۹- و، آ، ب: چرمه کو؛ ل: باره او ۴۰- ب: جهان ۴۱- س: نیارد؛ ل، پ، ل: بماند؛ ق: نماند؛ من= هفت دستویس دیگر ۴۲- س، ق، لی: بدو؛ ب: بران؛ من= هشت دستویس دیگر ۴۳- ق: نهنگ

۶۸۵ خُنك پادشاهی<sup>۱</sup> که هنگام<sup>۲</sup> اوی  
 چو بشنید گفتار اخترشناس  
 بیخشدشان بی کران زرد و سیم<sup>۳</sup>  
 زمانه به شاهی<sup>۴</sup> برد نام اوی<sup>۵</sup>  
 بخندید و پذیرفت ازیشان<sup>۶</sup> سپاس<sup>۷</sup>  
 چو آرامش آمد به هنگام<sup>۸</sup> بیم<sup>۹</sup>

فرستاده‌ی زال را<sup>۱۰</sup> پیش خواند  
 بگفتش که<sup>۱۱</sup> با او<sup>۱۲</sup> به چربی<sup>۱۳</sup> بگوی  
 ولیکن چو پیمان<sup>۱۴</sup> چنین<sup>۱۵</sup> بد<sup>۱۶</sup> نخواست  
 ۶۹۰ من اینک به شبگیر ازین رزمگاه  
 فرستاده را داد چندی درم  
 بیستند از آن گرگساران هزار  
 دو بهره چو از تیره شب درگذشت<sup>۱۷</sup>

۶۹۵ همان ناله‌ی کوس با کره‌نای  
 سپهد سوی شهر<sup>۱۸</sup> ایران کشید  
 فرستاده آمد دمان سوی<sup>۱۹</sup> زال  
 ز هرگونه با او<sup>۲۰</sup> سخن ها براند  
 که این آرزو را بُد هیچ<sup>۲۱</sup> روی  
 بهانه نشاید به بیداد جست  
 سوی شهر ایران<sup>۲۲</sup> گذارم<sup>۲۳</sup> سپاه  
 بدو گفت: خیره مزن هیچ دم<sup>۲۴</sup>  
 پیاده به خواری<sup>۲۵</sup> کشیدند زار<sup>۲۶</sup>  
 خروش سواران<sup>۲۷</sup> برآمد ز دشت<sup>۲۸</sup>  
 برآمد ز دهلیز پرده‌سرای<sup>۲۹</sup>  
 سپه را بنزد دلیران<sup>۳۰</sup> کشید  
 ابا بخت<sup>۳۱</sup> پیروز و<sup>۳۲</sup> فرخنده فال

۱- ف: بادشاهی؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۲- ل، س، ق- پ، آ، ل، ب: او؛ متن = ف، ل، ن، و ۳- پ: بشادی ۴- ل، ن، لی، پ: زیشان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۵- س: هراس (!) ۶- ل: سیم و زر؛ لی: زر سیم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- ل: شر؛ ل، ن، پ: چو سور آمد او را به هنگام بیم؛ متن = نه دستنویس دیگر ۸- س: فرستاده را زود در ۹- ق: وی؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: باز فرستادن رسول را بخوبی و عزیمت سام ۱۰- ل: بدو گفت با؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۱۱- ق: لی؛ وی ۱۲- ل، ن، ق، ق، ل، لی، پ، آ، ل، ب: بخوبی؛ متن = ف، س، و (و نیز ل، ن، س، آ) ۱۳- ق: نماند ایچ ۱۴- س، ق، آ، ل، آ: برین؛ ل، ن، لی، پ، ب: بدین؛ متن = ف، ل، ق، و ۱۵- ق: شهریارم ۱۶- ل: گزارم؛ ل، ن، پ: برانم؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ل، ن، ق- ب (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدان تا چه فرمایدم (ل، ن، پ: فرمان دهد) شهریار چه آردش (ل، ن، پ: آبدش؛ ق، آ، لی: آرد) ازین کام تو (لی، ب: ان) کامکار

این بیت در ف، ل، س، ق (و نیز در ل، ن، س، آ) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۷- ف: چنین گفت کورا مگردان دژم؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ)؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:

گسی کردش و خود براه (آ: بره) ایستاد سپاه و سپهد از آن کار شاد

این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در ل، ن، س، آ) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۸- ل، ن، ق، آ، لی- ل: بزاری؛ متن = ف، س، ق، ب ۱۹- ل، س، ل، ن، ق- ل: خوار؛ متن = ف، ق، ب ۲۰- ق: برگذشت؛ و: دو بهره ز تیره شب اندر گذشت ۲۱- ب: تیره ۲۲- ق: بیامد ز دشت؛ ل: خروشان و جوشان بید کوه و دشت؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۳- در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۴- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: سپهد بنزدیک؛ ق: سپهد سه سوی؛ و: سه را سوی مرز؛ ب: سپهدار نزدیک دستان؛ متن = ف، ل، س (و نیز س) ۲۵- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: دهستان؛ ق: سه را بنیرنگ و دستان؛ لی (و نیز س)؛ سه را بنزدیک دستان؛ و: بنزدیک شاه دلیران؛ ب: سپهدار نزدیک دستان؛ متن = ف، ل، س (و نیز ل، ن، س، ق: دوان سوی؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: بنزدیک؛ و: دوان نزد؛ متن = ف (و نیز س) ۲۷- پ، ب: تخت (!) ۲۸- ق: < و >؛ س: پیروزه؛ ل، ن، پ، و، ل: فیروزه؛ ب: فیروزه؛ متن = ف، ل، ق، لی، آ؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو آمد بدو داد پیغام سام (ق: زود) همه حال ها گفت با او (لی، آ: وی) تمام (ق: زود وی را نمود)

ب پس از بیت ۶۹۷ افزوده است:

بگفت آن کجا سام یل گفته بود از اول که بر زال آشفته بود  
 چو پیغام ها زال را باز گفت رخ زال زو برشکفت

بران<sup>۱</sup> بخشش و شادمان روزگار  
نوازنده شد<sup>۲</sup> مردم خویش را

زنی بود گویا و<sup>۵</sup> شیرین سخن  
هم از پهلوان سوی سرو روان<sup>۶</sup>  
سخن هر چه<sup>۷</sup> بشنید با او<sup>۸</sup> براند  
بگوش که ای نیکدل ماه نو  
فراخیش را زود بینی کلید  
ابا شادمانی و فرخ پیام<sup>۹</sup>  
سرانجام هم گشت همداستان<sup>۱۰</sup>  
زن از پیش او بازگشت و ببرد<sup>۱۱</sup>  
بدین<sup>۱۲</sup> شادمانی ورا مژده داد  
به کرسی زریکرش برنشاند<sup>۱۳</sup>

گرفت آفرین زال بر کردگار  
درم داد و دینار درویش را

۷۰۰ میان سپهدار با سروئن<sup>۱</sup>  
پیام آوریدی سوی پهلوان  
سپهدار دستان مرو را بخواند  
بدو گفت: نزدیک رودابه شو<sup>۲</sup>  
سخن چون ز تنگی به سختی<sup>۳</sup> رسید  
۷۰۵ فرستاده بازآمد از پیش سام  
بسی گفت و جوشید و زد<sup>۴</sup> داستان  
سبک پاسخ نامه زن<sup>۵</sup> را سپرد  
بنزدیک رودابه آمد چو باد  
پری روی بر زن درم برفشاند

۱- ب: بدان ۲- ل، س: بران بخشش و (ل: < >) گردش روزگار؛ و (و نیز ل ن: ۲): از آن شادمان بخشش روزگار؛ متن = ف، ق (و نیز س: ۲)؛ این بیت در ل ن، پ چنین آمده است:

چو بشنید دستان سام سوار  
از آن گشت بر (پ: پ) شادمان روزگار  
این بیت در ق، آ، لی، آ، ل چنین آمده است:

چو بشنید آن (لی: ازو؛ آ: از) زال سام سوار  
برو (آ: ازو) گشت بس شادمان روزگار  
ل: چنان بخشش شادمان روزگار

۳- پ: نوازنده و؛ ف (و نیز ل: ۲) پس از این بیت سه بیت و ق آنها بیت یکم را افزوده اند که در هیچک از ده دستویس دیگر (و نیز در ل ن، آ، س: ۲) نیست:  
بسی آفرین بر سپهدار سام  
ق: بسی داد با آن درود و پیام  
نه شب خواب کرد و نه روز آرمید  
دلش گشته بود (ل: ۲) دل زال گشت) آرزومند جفت  
نه می خورد و نه نیز رامش گزید  
همه هر چه گفتش (ل: ۲) گفتی) ز رودابه گفت

بجز ل دیگر دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: پیغام فرستادن زال به رودابه بدست آن زن که میان ایشان بود بدان که سام اجازت داده است؛ س، ل ن، ق، آ، لی: آگاهی (ق، آ، لی: خبی) یافتن سیدخت از کار رودابه با (ق، آ، لی: و) زال سام؛ ق: خیر فرستادن زال زر رودابه از رضای سام و آگاه شدن سیدخت از حال رودابه و زال؛ پ: باز آمدن فرستاده زال از پیش سام؛ و: آگاه شدن سیدخت از حال رودابه و دستان سام؛ آ: خیر یافتن سیم دخ از کار رودابه؛ ل، آ، ب: آگاهی سیدخت از کار رودابه ۴- ل ن، و، ب: و آن سروبن؛ پ: و آن انجمن (ا)؛ متن = هشت دستویس دیگر ۵- ل- پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل: ۲): گوینده؛ متن = ف، و (و نیز ل ن، آ، س: ۲) ۶- ل ن، پ: روشن روان؛ و: سرو جوان؛ ق: پهلوانان سوی سروبن (پاوند ندارد)؛ متن = هشت دستویس دیگر ۷- ل: هر ج ۸- لی: وی ۹- ل، ق (و نیز ل ن، آ، س: ۲): رو؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل: ۲) ۱۰- س: بستگی و سختی؛ ل ن، ق، آ، لی، آ، ل (و نیز ل: ۲): ز سختی بستگی؛ و (و نیز ل ن، آ): سختی و تنگی؛ متن = ف، ل، ق، لی، پ، ب (و نیز س: ۲) ۱۱- و: زبانی پر از خوب فرخ پیام ۱۲- ل، ق: بشنید و زد؛ ب: چندی زدش؛ ل ن این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ل ن، آ، س: ۲) ۱۳- ق، آ، لی، ب: هم (لی: این؛ ب: را) گشت همداستان؛ و (و نیز ل ن، آ): گشت همداستان؛ ف: بسی داد با این درود و پیام (= ۷۱۳ ب)؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س: ۲) ۱۴- ب: او ۱۵- ل ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: رفت و نامه (ل ن: پاسخ) ببرد؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب (و نیز ل، ل ن، آ، س: ۲) ۱۶- ل ن، پ: ازان؛ ب: بدان ۱۷- س، ل ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل: ۲) پس از این بیت افزوده اند:

بدادش بدان (ل: ۲) بران) دایه چاره گر  
یکی دست جامه بدان مژده بر  
ل ن، پ: پس آنگه بداد او بدان چاره بر (پ: گ)

این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در ل ن، آ، س: ۲) نیست، ولی در ق آنرا در میان سطرها افزوده اند

۷۱۰ یکی شاره<sup>۱</sup> سربند پیش آورید همه پیکرش سرخ<sup>۴</sup> یاقوت و<sup>۵</sup> زر یکی جفت پرمایه انگشتی فرستاد نزدیک دستان سام زن از حجره بمیان<sup>۱۱</sup> ایوان رسید  
 ۷۱۵ زن از بیم او گشت<sup>۱۳</sup> چون سندرُوس پر اندیشه شد<sup>۱۵</sup> جان سیندخت ازوی<sup>۱۶</sup> زمان تا زمان پیش من بگذری دل روشنم بر تو شد<sup>۱۹</sup> بدگمان بدو گفت زن: من یکی<sup>۲۴</sup> چاره جوی بدین<sup>۲۶</sup> حجره رودابه پیرایه خواست بیاوردمش افسری زرنگار<sup>۲۹</sup> بدو<sup>۳۱</sup> گفت سیندخت: بنمایم سپردم به رودابه - گفت<sup>۳۷</sup> - این<sup>۳۸</sup> دو چیز

شده<sup>۲</sup> تار و پود اندرو ناپدید<sup>۳</sup> شده زر همه<sup>۴</sup> ناپدید از گهر فروزنده چون بر فلک مشتری بسی<sup>۷</sup> داد<sup>۸</sup> با آن<sup>۹</sup> درود و پیام نگه کرد سیندخت<sup>۱۲</sup> او را بدید بترسید و<sup>۱۴</sup> روی زمین داد بوس به آواز گفت: از کجایی بگوی<sup>۱۷</sup> به حجره<sup>۱۸</sup> درآیی به من ننگری نگویی<sup>۲۰</sup> مرا تا<sup>۲۱</sup> زهی گر<sup>۲۲</sup> کمان<sup>۲۳</sup> همی نان<sup>۲۵</sup> فرازآرم از چند روی همان<sup>۲۷</sup> گوهران گرانمایه خواست<sup>۲۸</sup> یکی حلقه<sup>۳۰</sup> پر گوهر شاهوار دل<sup>۳۳</sup> بسته<sup>۳۴</sup> زاندیشه<sup>۳۵</sup> بگشایم<sup>۳۶</sup> فزون خواست، اکنون<sup>۳۹</sup> بیارمش نیز

۱-س، ل ن: ساره؛ ق: شاه؛ لی، پ: ساده؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲-پ: همه ۳-و: شده تار و پودش بزر ناپدید ۴-ف، ل، آ، ل (و نیز س): سرخ و؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ل) ۵-ل: <و> ۶-ف: شده پیکرش؛ س، ل، ن، پ: همه زرشده؛ (س): شده زرد و → شده زرده؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ل) ۷-ب: همی؛ (س): همش ۸-ل: بود ۹-ل، ب (و نیز س): این؛ ل، ن، پ، آ، ل: او؛ متن = س، ق، ق، آ، لی، و (و نیز ل، ل) ۱۰-ف: اباشادمانی و فرخ پیام (= ۷۰۵ ب) ۱۱-ل، ق: آنکه؛ ل، ن، ب، آ، ل: رفت و به؛ ق: چون پیش؛ و: چون نزد؛ ب: چون سوی؛ لی: از آن حجره رفت و به؛ متن = ف، س ۱۲-س، ل، ن، و، ب: سیندخت و؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۳-ل، ق، لی، ل (و نیز س): بیم برگشت؛ ل، ن، ق، آ، ل: پیش برگشت؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، و، ب (و نیز ل، ل) ۱۴-ق: <و>؛ در ل، لی، آ این بیت بابت سپین پس و پیش شده است و در ل، ن پس از این بیت و در ق، آ بجای بیت سپین بیت زیر آمده است:

بدو گفت سیندخت کای زن بگوی سخن هر چه پرسم تو کژی مجوی

۱۵-آ: بد ۱۶-ق: ازو؛ پ: سخن هر چه پرسم تو کژی مجوی ۱۷-ق: بگو؛ در ق، آ بجای این بیت بیت ۷۱۵ پ آمده است؛ در ل، ن، لی، پ، آ لت های این بیت با بکدیگر پس و پیش شده اند؛ در ل، ن، لی، آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۸-ق: خانه ۱۹-ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: شده تو؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل ۲۰-ل، ل، ن: بگویی ۲۱-ب: تو ۲۲-ف، ل، ن، ق، ق، آ، لی، و، ب: یا؛ ل: نا؛ متن = ل ۲۳-س: نگویی مرا نام خود باشان؛ پ: نگویی بمن تارهی از کمان؛ آ: نگویی مرا زهی با کمان (!)؛ در آ لت های این بیت با بکدیگر پس و پیش شده اند ۲۴-ق، لی: هتم یکی؛ و: هتم زنی ۲۵-ق، ل: هتم تان (→ همی نان)؛ ف، لی (و نیز ل) پس از این بیت افزوده اند: روم من سوی خانه مهتران ز من جامه خرنند و هم گوهران این بیت در ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، س) نیست، ولی در ق آنرا در میان سطرها افزوده اند؛ لی پس از بیت بالا و س، ل، ن، ق، آ، پ، آ، ل، ب بجای آن بیت زیر را افزوده اند:

بهای زجامه ز (ل): بهایی بود جامه (پیرایه ها) (پ: پراھنا) فروشم ز مردم (ل): ز مردم؛ لی: زمردی بود مایه ها (ق): یا بها)

این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در ل، ل، ن، آ، س) نیست ۲۶-ب: بدان ۲۷-ل: هم از؛ ق: همه ۲۸-ل، ن، پ: بدو دادم اکنون همینست راست؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۹-ل: بر کنار؛ ق، و: پر نگار؛ ل، ن، پ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۰-ق: حقه ۳۱-ل، ن، پ: بز ۳۲-ف، س، لی، پ، آ: نمایم، ل، ق، ق، آ، ل: نمایم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ و، ب (و نیز ل، ل): نمایم زود؛ متن = ل (و نیز ل، ل، س) ۳۳-ل، ن، پ: در ۳۴-ل: بنده ۳۵-ق: از بند ۳۶-ف، س، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل: نگشایم؛ ل، ن: نگشایم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ و، ب (و نیز ل، ل): بگشایم زود؛ متن = ل (و نیز ل، ل، س) ۳۷-ل، ن، پ: سپردم بدو گفت زن؛ ق، آ، لی: سپردم بدو دایه (→ برودابه) گفت؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۸-ل، پ، آ، ل، آ، ب: آن ۳۹-س: دیگر؛ ل، ن، پ: کاکون ۴۰-ل، ن، پ: بیاور بنیز

یکی آب زن بر سر<sup>۲</sup> خشم من  
 بها<sup>۱</sup> تا نیابم تو از من مجوی  
 بیاراست دل را به<sup>۸</sup> پیگار<sup>۷</sup> اوی<sup>۶</sup>  
 همی جست ازو کژی و کاستی<sup>۱۱</sup>  
 هم از دست رودابه<sup>۱۳</sup> پیرایه دید  
 از<sup>۱۵</sup> اندیشگان شد بکردار مست  
 همی دست برزد به رخسار خویش  
 همی شست تا شد گلان<sup>۱۸</sup> آب دار<sup>۱۷</sup>  
 گزین کردی از ناز<sup>۲۳</sup> بر گاه چاه<sup>۲۴</sup>

بها<sup>۱</sup> گفت بگذار بر چشم من  
 ۷۲۵ درم - گفت - فردا دهد<sup>۳</sup> ماهروی  
 همی<sup>۵</sup> کژ دانست<sup>۶</sup> گفتار اوی<sup>۷</sup>  
 بیامد بجستش بر و آستی<sup>۱۱</sup>  
 چن آن<sup>۱۲</sup> جامه‌های گرانمایه دید  
 در کاخ بر خویشتن<sup>۱۴</sup> بر بستم  
 ۷۳۰ بفرمود تا دخترش رفت پیش  
 دو گل<sup>۱۶</sup> را به دو نرگس خواب دار<sup>۱۷</sup>  
 به رودابه<sup>۲۰</sup> گفت ای سرافراز<sup>۲۱</sup> ماه<sup>۲۲</sup>

۱- س: بدو ۲- لی: بر سرو؛ ل: یکی برزن آتش برین (!)؛ لن، ق، پ، آ، ل، ب: یکی آب برزن برین؛ متن = ف، س، و (و نیز لن، س)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۳- س، لن، ق، پ، آ، ل، ب: دهم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، لی، و (و نیز ل، لن، س) ۴- آ: کجا ۵- س، ق، و: همه ۶- آ: بدانست؛ لی: بدانست کز جمله ۷- ل، ق، لی، ل، ب: او؛ متن = هفت دستویس دیگر ۸- آ: ز ۹- لی: تیمار (!) ۱۰- لی، آ: بروراستی ۱۱- ف: که پیدا کند کژی و راستی؛ س: ننید اندران پیرزن راستی؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س)؛ ل، ق، پ پس از این بیت و ق پس از بیت ۷۲۸ و س، لی پس از بیت ۷۲۹ بیت زیر را افزوده اند:

به خشم اندرون شد از آن زن غمی به خواری کشیدش بروی (س، ق: همی بر زمی

۱۲- ل، لن، ق، ق، پ- ب (و نیز ل، ل، س، آ): چو آن؛ س: همان؛ لی: مران؛ متن = ف ۱۳- ق: اودانه (→ رودابه)؛ در س لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ق (و نیز ل، س، آ) پس از این بیت افزوده اند (ق همین بیت ها را در میان سطرها افزوده است؛ س آیت دوم را ندارد؛ ل، ق، پ بیت دوم را پس از بیت ۷۲۷ و س، لی پس از بیت ۷۲۹ آورده اند):

برآشفت و گیوی او را بدست  
 به خشم اندرون شد از آن زن غمی  
 کشانش همی برد و مویش کنان

ب پس از بیت ۷۲۸ افزوده است:

برآشفت و گیوی او را بدست  
 ز دش بر زمین کند مویش ز سر  
 کشانش همی برد و مویش کنان  
 همیخواست زنهار از آن ماهروی  
 5 وزانجا بکاخ اندرآمد دژم

۱۴- س: بر پیرزن ۱۵- ق: ز؛ س، لی پس از این بیت بیت ۷۲۷ را افزوده اند، و لی پس از آن دو بیت دیگر هم افزوده است:

بیفکنند و او را هم آنجا بست  
 و زانجا بکاخ اندرآمد دژم  
 همی کوفت پای و همیزد بدست  
 همی بود با درد و اندوه و غم

و پس از بیت ۷۲۹ افزوده است:

کشید آن زن چاره‌گر را بمری کشیده همیدون فکندش بروی

۱۶- لی: دورخ ۱۷- س، لن، ق، لی، و، آ، ل، آ: آبدار (س، لی، آ پاونند ندارند)؛ پ: تابدار؛ متن = ف، ل، ق، ب ۱۸- ق: گلاب (→ گلان)

۱۹- لن: چون نگار؛ ق: تابدار؛ ل: خوابدار؛ و: همی شست پزمرده آن لاله زار ۲۰- ل: بدو دایه (→ برودایه) ۲۱- لن، ق، لی، پ، آ، ل:

گرانمایه؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۲۲- س: شاه (!) ۲۳- آ: از باد ۲۴- ق: ناکام و جاه؛ لی: چرا برگزیدی تو بر گاه چاه؛ ب: گزین کرده از

تاج و ز تخت چاه

- ۷۳۵ که این زن ز پیش<sup>۵</sup> که آید همی سخن بر چه سانست و این<sup>۶</sup> مرد کیست ز گنج بزرگ افسر تازیان بدین نام بد<sup>۷</sup> داد خواهی به باد زمین دید<sup>۸</sup> رودابه و پشت پای<sup>۹</sup> فرو ریخت از دیدگان<sup>۱۰</sup> آب مهر به مادر چنین گفت کای پر خرد مرا مام فرخ<sup>۱۱</sup> نژادی زن سپهدار دستان<sup>۱۲</sup> به کاول<sup>۱۳</sup> بماند چنان تنگ شد بر دلم بر<sup>۱۴</sup> جهان نخواهم بدن<sup>۱۵</sup> زنده<sup>۱۶</sup> بی روی او بدان ! کو مرا دید و با من نشست فرستاده شد نزد سام بزرگ<sup>۱۷</sup> زمانی بیچید و<sup>۱۸</sup> دستور بود فرستاده را داد<sup>۱۹</sup> بسیار چیز بدست همین زن<sup>۲۰</sup> که کندیش موی
- ۷۴۰ که نمودمت آشکار<sup>۱</sup> و نهان همه رازها<sup>۲</sup> پیش<sup>۳</sup> مادر بگوی بنزدت ز بهر<sup>۴</sup> چه آید<sup>۵</sup> همی که زیبای سربند و انگشتریست به ما ماند بسیار سود و زیان چو من زاده‌ام دخت، هرگز که زاد<sup>۶</sup> فرو ماند از شرم<sup>۷</sup> مادر بجای به خون دو<sup>۸</sup> نرگس<sup>۹</sup> بیاراست<sup>۱۰</sup> چهر همی مهر جان مرا بشکرد نرفتی ز من نیک یا بد سخن<sup>۱۱</sup> چنین<sup>۱۲</sup> مهر اویم<sup>۱۳</sup> بر<sup>۱۴</sup> آتش نشاند<sup>۱۵</sup> که گریان شدم ز<sup>۱۶</sup> آشکار و نهان جهانم نه ارزد<sup>۱۷</sup> به يك موی او به پیمان گرفتیم دستش<sup>۱۸</sup> بدست فرستاد پاسخ به زال سترگ<sup>۱۹</sup> سخن های بایسته<sup>۲۰</sup> گفت و شنود شنیدم همه پاسخ نامه<sup>۲۱</sup> نیز زدی بر زمین و<sup>۲۲</sup> کشیدی بروی

۱- ل: نکو داشت اندر جهان ۲- س: ز آشکار؛ ق: که نمودت این آشکار؛ لی، آ، ب: که آن نیست آشکار؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳- لن: همه حالها ۴- ق: نزد ۵- ق: نزد ۶- ل، ق، ب: به پشت ز بهر؛ س: بنزدیک تو بر؛ متن = هشت دستویس دیگر ۷- س، لن، لی: باید؛ متن = نه دستویس دیگر ۸- لن: و آن؛ ل: وین ۹- س: بید نام خود؛ و: بدین نام بر؛ ل: بدین نام خود؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۰- ل، ق، و (و نیز لن): هرگز مباد؛ آ (و نیز س): هرگز مزاد؛ (ل: کس را مباد)؛ متن = ف، س، ق، لی، ل، آ، ب ۱۱- لی: داد (!) ۱۲- ل: بر بست پای (!) ۱۳- ل، ق: خشم؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۴- ل: مرگان ۱۵- ف: به خون از دو؛ ق: پاک شده است؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۱۶- لی: دیده ۱۷- و: پیالود ۱۸- س: مام گر خود؛ لی: مادر ار خود؛ و: مرا کاش مادر؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۹- ب: نیک و بد با سخن؛ ل: نرفتی و من نیک باید سخن (!) ۲۰- لن، پ: زابل ۲۱- ف- ق، لی- آ، ب (و نیز ل، لن، س، آ): کابل؛ ل: یکایک (→ یکابیل)؛ در ق این لیت پاک شده است؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- لی: همی؛ و: مرا ۲۳- و: آذیل ۲۴- لی، ب: به ۲۵- ف: فشاند؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۲۶- ق، و: بردل من؛ لی: بردلم این؛ ب: این دلم در؛ لن، ق، آ، ل این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س، پ ۲۷- ل: < ز >؛ س: به؛ متن = ف، ق، لی، پ، و، ب ۲۸- لی، و: شدن ۲۹- لی: شاد؛ ل: دیده ۳۰- ل، س، لن، ق، ب (و نیز ل، لن، س، آ): نیز زد؛ متن = ف، س؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا درکناره افزوده اند ۳۱- لن: گرفتیم دستان؛ ق، ق: گرفتم دو دستش؛ متن = نه دستویس دیگر؛ ف، و (و نیز لن) پس از این بیت افزوده اند:

بگفتیم چیزی که بایست گفت نباشد مرا جز مگر زال جفت

س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب بجای بیت بالا بیت زیر را افزوده اند (در ل این بیت پیش از بیت ۷۴۶ آمده است):

جز از دیدنی چیز دیگر نرفت میان من و او خود (س: بر؛ لی: چو؛ ل: به) آتش بنفت

این بیت ها در ل، ق (و نیز ل، س، آ) نیست ۳۲- و، ب: سترگ ۳۳- و: بزرگ؛ ب: فرستاد هم نزد شاه بزرگ ۳۴- ق، آ: < و > ۳۵- و، ب: شایسته ۳۶- پ: شنید (پساوند ندارد) ۳۷- لن: دید ۳۸- ل، س، لن، ق، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س، آ): سام؛ متن = ف، ق، لی، و (و نیز لن) ۳۹- ق: مرد همین زد (!)؛ ب: بدست این همین زن (وزن نادرست است) ۴۰- لن: بر زمینش؛ در لن، پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است



مرا<sup>۱</sup> پاسخ نامه آن<sup>۲</sup> جامه بود  
 پسند آمدش زال را<sup>۵</sup> جفت اوی<sup>۴</sup>  
 چو دستان ز پرمایگان گرد نیست  
 همش نام و<sup>۶</sup> هم رای و<sup>۹</sup> روشن روان  
 که گردد هنر پیش او اندکی  
 ز کاول<sup>۱۳</sup> برآرد<sup>۱۴</sup> به خورشید خاك  
 کسی پای خوار<sup>۱۶</sup> اندرآرد به زین  
 چنان کرد پیدا<sup>۱۷</sup> که نشناختش<sup>۱۸</sup>  
 کجا<sup>۱۹</sup> نشنود پند کس<sup>۲۰</sup> در جهان  
 همی پوست بر تنش گفتی بگفت<sup>۲۸</sup>

کزو کرده بُد<sup>۳۰</sup> زال بسیار یاد  
 رخس پژمریده، دل آشفته دید  
 چرا پژمریدی<sup>۳۴</sup> چو گلبرگ<sup>۳۵</sup> روی

فرستاده آرندهی نامه بود  
 فروماند سیندخت از آن<sup>۳</sup> گفت اوی<sup>۴</sup>  
 چنین داد پاسخ که این خرد نیست  
 بزرگست و<sup>۷</sup> پور جهان پهلوان  
 هنرها همه هست و<sup>۱۱</sup> آهو یکی  
 شود شاه گیتی<sup>۱۱</sup> ازین<sup>۱۲</sup> خشمناك  
 نخواهد که از<sup>۱۵</sup> تخم ما بر زمین  
 رها کرد زن را و بنواختش  
 چنان دید<sup>۱۹</sup> دخترش را<sup>۲۰</sup> در نهان  
 بیامد<sup>۲۳</sup> به<sup>۲۴</sup> تیمار و<sup>۲۵</sup> تنها<sup>۲۶</sup> بخفت<sup>۲۷</sup>

بیامد<sup>۲۹</sup> ز درگاه مهرباب شاد  
 گرنامهیه سیندخت را خفته دید  
 پرسید و<sup>۳۱</sup> گفتش<sup>۳۲</sup> چه بودت<sup>۳۳</sup> بگوی

۷۵۵

۷۶۰

۱- لن، لی، پ: همان؛ ق، آ: مران؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲- ل، س، ق- ب (و نیز ل، لن، آ، س، آ): این؛ متن= ف، لن ۳- ل: زان؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، آ: ازین؛ متن= ف، س، ق، ل، آ، ب ۴- ف: گفت او؛ ل، لی (و نیز س، آ): گفت گوی؛ س، لن، ق، آ- ب (و نیز لن، آ): گفت و گوی؛ ق: گفتگو؛ متن= (ل، آ) ۵- ف، و (و نیز لن، آ): زره؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۶- ف، ق، آ: او (در آ پاوید نادرست است)؛ ق، آ: گفت و گوی (پساوند ندارد)؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۷- ل، لن، و، آ: < و >؛ متن= هشت دستویس دیگر ۸- لی: هشیوار و؛ ل: همش رای و ۹- ل، س، لن، ق، آ، پ، و، آ: < و >؛ ل: هم نام؛ متن= ف، ق، لی، ب ۱۰- لن، ق: < و > ۱۱- پ: ایران ۱۲- ل- پ، آ، ل، آ (و نیز س، آ): بدین؛ متن= ف، و، ب (و نیز لن، آ) ۱۳- ف- ب (و نیز ل، لن، آ، س، آ): کابل؛ متن= تصحیح قیاسی است ۱۴- پ: برآید؛ ب: برآرد ز کابل ۱۵- ف: کس؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۱۶- س، ب: کسی خوار پای؛ لی پس از این بیت و ب پس از بیت ۷۵۹ افزوده اند:

بزن گفت کای زیرك هوشیار چنان کن (ب: بیاسی) همیشه لبت بسته دار  
 مبادا لب تو بگفتار چاك سخن راهم اینجا (ب: سخن هم در آنجا) فرو کن بخاك  
 لطف کرد بسیار کردش گسی برفت از برش نیز (ب: نیز) نامد بسی  
 ۱۷- آ: پید < ا > ۱۸- ل: بشناختش؛ ف، و (و نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:  
 بدان تا بید نامشان در جهان نداند کسی را زمان در نهان  
 و، لن، آ: کسی نشود راز ماند نهان (لن، آ: آشکار و نهان)

این بیت در ده دستویس دیگر (و نیز در ل، آ، س، آ) نیست ۱۹- ف: چنین گفت؛ و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۲۰- ل (و نیز ل، آ): رودابه را؛ ب: آن دخترش؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز س، آ) ۲۱- ق: که او ۲۲- ف: بشنود این کسی؛ س، لن، ق، آ: پند کس نشود؛ متن= ل، ق، لی، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ب پس از این بیت های پ ۱۶ را افزوده است ۲۳- و: شب آمد ۲۴- ل- ب (و نیز ل، لن، آ، س، آ): ز؛ متن= ف ۲۵- س- و (و نیز ل، لن، آ): < و >؛ متن= ف، ل، آ، ب (و نیز س، آ) ۲۶- ل- ب (و نیز ل، لن، آ، س، آ): گریان؛ متن= ف ۲۷- ف: بخفت ۲۸- ب: گویی بگفت؛ و (و نیز لن، آ): از آن نيك و بد چیز با کس نگفت ۲۹- ل: چو آمد؛ (ل، آ): در آمد؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز لن، آ، س، آ) ۳۰- ل، ق: همی کرد از؛ لن، ق، آ، پ، آ (و نیز لن، آ): ازو کرده بد؛ متن= ف، س، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ب پس از این بیت سرنویس دارد: آگاه شدن مهرباب از کار دخترش ۳۱- ق: < و > ۳۲- ل، ق: گفتا؛ لی: چو آمد بگفتا؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۳- پ: دیدی ۳۴- ل، و (و نیز ل، لن، آ، س، آ): پژمرید آن؛ س- پ، آ، ل، آ، ب: پژمریدت؛ متن= ف ۳۵- لن: چو گلنار؛ آ: ز گلبرگ؛ س پس از این بیت افزوده است:

بترسید کز راز دختر بشوی بگوید مر او را بد آید بروی

۷۶۵ چنین داد پاسخ به مهراب باز  
 ازین<sup>۲</sup> کاخ<sup>۱</sup> آباد و این خواسته  
 وزین<sup>۵</sup> ریدکان<sup>۶</sup> سپهدپرست  
 وزین<sup>۱۱</sup> چهره و<sup>۱۰</sup> سرو بالای ما<sup>۱۲</sup>  
 بدین آبداری و این راستی  
 به ناکام باید به دشمن سپرد  
 یکی تنگ صندوق<sup>۱۵</sup> ازین بهر<sup>۱۶</sup> ماست<sup>۱۷</sup>  
 بکشتم و دادیم آبش به رنج  
 چو برشد به خورشید و شد سایه دار<sup>۲۱</sup>  
 برینست<sup>۲۴</sup> انجام و فرجام<sup>۲۵</sup> ما  
 به سیندخت مهراب گفت این سخن  
 ۷۷۵ سرای سپنجی برینسان<sup>۲۸</sup> بود  
 یکی اندرآید دگر بگذرد  
 به تنگی دل و غم<sup>۳۲</sup> ، نگرده دگر  
 بدو گفت سیندخت کین<sup>۳۶</sup> داستان

که اندیشه اندر<sup>۱</sup> دلم شد دراز  
 وزین تازی اسپان آراسته  
 وزین<sup>۷</sup> باغ<sup>۸</sup> و این<sup>۹</sup> خسروانی<sup>۱۰</sup> نشست  
 وزین نام<sup>۱۳</sup> و این دانش و رای ما<sup>۱۲</sup>  
 زمان تا زمان آیدش<sup>۱۴</sup> کاستی  
 همه رنج ما باد باید شمرد  
 درختی که تریاک<sup>۱۸</sup> او<sup>۱۹</sup> زهر ماست<sup>۱۷</sup>  
 بیاویختیم از برش<sup>۲۰</sup> تاج و گنج  
 به خاک اندرآمد<sup>۲۲</sup> سر مایه دار<sup>۲۱</sup>  
 ندانم<sup>۲۶</sup> کجا باشد<sup>۲۷</sup> آرام ما  
 نو آوردی و نو نگرده کهن  
 خرد یافته زو هراسان بود<sup>۲۹</sup>  
 گذر نی<sup>۳۰</sup> که چرخش همی بسپرد<sup>۳۱</sup>  
 بدین<sup>۳۳</sup> نیست پیگار<sup>۳۴</sup> با<sup>۳۵</sup> دادگر  
 به روی دگر برنهد راستان<sup>۳۷</sup>

۱- س. و: چنین پاسخ داد سیندخت باز؛ لن، ق، آ، ل، ب: چنین داد پاسخ سیندخت باز؛ متن = ف، ل، ق، لی، پ ۲- س. و: که اندیشه ای در ۳- و: کزین ۴- لن، ق، آ، لی، آ، ل: گنج؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل) پس از این بیت افزوده اند: ازین (ق، آ، لی: وزین) کاخ (پ: گنج) آباد و این بوستان (ق: خواسته) وزین (لن، ل: آ: ازین) کامکاری دل (آ: بر) بوستان (ق: دل آراسته) این بیت در ف، ل، س، ق، و، ب (و نیز در لن، س) بست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۵- ل، ق، پ، ب: ازین؛ متن = هشت دستویس دیگر ۶- ل، ل، آ، ب: بندگان؛ لی، آ: دیدگان؛ پ: زندگانی؛ و: زندگان؛ متن = ف، س، لن، ق، ق ۷- ل: ازین؛ متن = یازده دستویس دیگر ۸- ب: تاج ۹- و: وزین ۱۰- س: جایگاه؛ س، ل در اینجا سرنویس دارند، س: آگاهی یافتن مهراب از حال رودابه با زال سام نریمان؛ ل: اندر گفتن سیندخت حال رودابه ۱۱- ف: چهره؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۲- ب: تو ۱۳- ب: کام ۱۴- ل (و نیز س، آ): آورد؛ ق، آ، ب: آید؛ لی: آیدم؛ ل: آمدش؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۵- ل، ق، و (و نیز لن، آ): تابوت؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، س، آ) ۱۶- ق، آ، لی، ل: از بهر ۱۷- ل: ما ۱۸- آ: تریاق ۱۹- ق، لی، ب: آن ۲۰- ف: ز ما یافت اندر جهان؛ لن، ق، آ، لی، پ (و نیز ل، آ): برآویختیم از برش؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز لن، س، آ) ۲۱- لن، پ: مایه دار ۲۲- آ، ل: آید؛ ۲۳- لن، پ: سر سایه دار؛ ل: همی مایه دار؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۲۴- لن، پ، و: بدین است؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۲۵- ل، لن، پ، و: فرجام و انجام؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۶- ل: بدان تا؛ در و آغاز این لت پاک شده است؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۲۷- ل: که باشد ۲۸- ل، س، ق، لی، ل، آ، ب (و نیز ل، آ): بدینسان؛ و (و نیز لن، آ): ازینسان؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، آ (و نیز س، آ) ۲۹- ف: گذر نی که چرخش همی بسپرد (= ۷۷۶ ب)؛ لی: یکی خوار و دیگر تن آسان بود؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۳۰- لن، پ: گذر بین؛ ق: گذر نه؛ آ: گزندی؛ ب: یکی نه؛ متن = ل، س، ق، آ، لی، و، ل ۳۱- لن، ق، آ، لی، و، آ: بشکرد؛ پ: که چرخ فلک بسپرد؛ ب: که چرخش همی نشکرد؛ متن = ل، س، ق، ل، آ؛ ف: خرد یافته زو هراسان بود (= ۷۷۵ ب)؛ در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳۲- ل: بشادی و انده؛ لن، پ: بتگی دلم غم؛ ق: بتگی دلت غم؛ لی، و (و نیز ل، لن، آ، س، آ): بتگی دلم غم؛ آ: بتگ دلم غم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، س، ل، آ، ب ۳۳- ل، ق، آ، لی، پ، آ: برین؛ متن = ف، س، لن، و، ل، آ، ب ۳۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: بیداد؛ متن = ف، ل، و، ل، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۳۵- ق: بر؛ در ف این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیایی بیت های متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۳۶- ل: این؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۳۷- ل، ق: باستان؛ لن، ق: چنین دان و این کارهای چنان؛ لی: چنین دان و این رازها در نهان؛ و (و نیز لن، آ): بروی دگر بر نه از باستان؛ آ: چنین داد وین کارها در جهان؛ متن = ف، س، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، س، آ)؛ پ، ل، آ پس از این بیت افزوده اند:

چگونه نوان کرد از تو نهان چنین راز و این کارها در جهان

به فرزند زد داستان درخت  
 سپهد به گفتار من<sup>۲</sup> بنگرد<sup>۱</sup>  
 به نرگس<sup>۸</sup> گل سرخ را داد نم  
 که ما را همی باید ای پر خرد  
 نهانی نهادهست هرگونه دام<sup>۴</sup>  
 یکی<sup>۱۶</sup> چاره‌مان<sup>۱۷</sup> کرد باید نگاه<sup>۱۸</sup>  
 دلش خیره<sup>۲۱</sup> بینم همی، روی زرد<sup>۲۲</sup>  
 نهاد از بر دست شمشیر دست<sup>۲۴</sup>  
 پر از خون جگر، لب پر از باد سرد  
 بروی زمین برکنم هم کنون<sup>۱۷</sup>  
 کمر کرد بر گردگاهش<sup>۲۹</sup> دو دست  
 سخن بشنو و گوش<sup>۳۲</sup> دار اندکی  
 روان را خرد<sup>۳۴</sup> رهنمای آیدت  
 خروشی برآورد چون پیل مست  
 بیایتش اندر زمان<sup>۳۸</sup> سر برید  
 کنون ساخت بر من چنین کیمیا  
 دلیرش ز پشت پدر نشمرد<sup>۴۲</sup>  
 بدانگه که در جنگ شد تیز چنگ

خردیافته موبد<sup>۱</sup> نیک بخت  
 ۷۸۰ زدم داستان تا<sup>۱</sup> ز راه خرد  
 فرو برده<sup>۵</sup> و سرو سهی<sup>۷</sup> داد خم  
 که<sup>۹</sup> گردون بسر بر چنان<sup>۱۱</sup> نگذرد<sup>۱۱</sup>  
 چنان دان که رودابه<sup>۱۲</sup> را<sup>۱۳</sup> پور سام  
 بردهست روشن دل او<sup>۱۵</sup> ز راه  
 بسی<sup>۱۹</sup> دادمش پند و<sup>۲۰</sup> سودش<sup>۲۱</sup> نکرد  
 ۷۸۵ چو بشنید مهرباب بر پای جست  
 تنش گشت لرزان و رخ لاژورد<sup>۲۵</sup>  
 همی گفت رودابه را<sup>۲۶</sup> رود خون  
 چن آن<sup>۲۸</sup> دید سیندخت بر پای جست  
 ۷۹۰ چنین<sup>۳۰</sup> گفت کز کهتر اکنون<sup>۳۱</sup> یکی  
 وزان<sup>۳۳</sup> پس همان کن که رای آیدت  
 پیچید و انداخت<sup>۳۵</sup> او را بدست<sup>۳۶</sup>  
 مرا<sup>۳۷</sup> - گفت - چون دختر آمد پدید  
 نکشتم نفتم<sup>۳۹</sup> به<sup>۴۰</sup> راه نیا  
 ۷۹۵ پسر کو ز راه پدر<sup>۴۱</sup> بگذرد  
 یکی داستان زد برین بر<sup>۴۳</sup> پلنگ

۱- و، ب (و نیز لن، آ، س، آ)؛ مردم ۲- و؛ داستانی ۳- لی؛ بگفتارها ۴- ف، ل، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ)؛ ننگرد؛ ل، لن، و؛ ننگرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، آ؛ بشکرد (!) متن = س، ق، لی، پ، آ (و نیز ل، آ)؛ ق، آ پس از این بیت سرنویس دارد: خبر یافتن مهرباب از کار رودابه و زال ۵- ف، ق، ق، آ، پ، و؛ فرو بود؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۶- ل، لی، آ؛ < و >؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- لی؛ سرورا (وزن نادرست است) ۸- ل؛ سرشک؛ ق؛ سرشکش؛ س؛ ز نرگس؛ متن = نه دستنویس دیگر ۹- آ؛ که گر (وزن نادرست است) ۱۰- لن، پ؛ نه بر ما چنان؛ ب؛ بر همچنان ۱۱- س، لن، ق، آ، پ، ب؛ بگذرد؛ لی، آ، ل؛ بگذرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، ق، و ۱۲- ق، آ؛ مهرباب (!) ۱۳- ل؛ با ۱۴- آ؛ نام (!) ۱۵- ل، س؛ دلش را؛ ق؛ دل او را؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- و؛ کنون ۱۷- لی، ب؛ چاره‌ای ۱۸- پ؛ براه (پساوند ندارد) ۱۹- پ؛ همی ۲۰- س، ق، ق، لی، آ؛ < و >؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۱- س- ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ سودی؛ متن = ف، ل ۲۲- ق؛ تیره ۲۳- لن، پ؛ دورخاره زرد؛ ل؛ هم روی زرد (وزن نادرست است)؛ ل، لن، لی، ب؛ پس از این بیت سرنویس دارند، لن؛ خشم نمودن مهرباب بر رودابه؛ لی؛ خبر یافتن مهرباب از کار زال و رودابه؛ ب؛ آگاهی مهرباب از کار رودابه ۲۴- آ؛ راست (!)؛ لن، پ؛ قبضه تیغ دست؛ ل؛ دست شمشیر دست؛ ق؛ کمر کرد بر گردگاهش دو دست (= ۷۸۹ ب)؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۵- ف، س، ق، لی، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ لاچورد؛ متن = ل، ق، پ، و؛ لن این بیت را ندارد ۲۶- و؛ ز رودابه گفتا یکی؛ ل؛ همی رفت رودابه را ۲۷- س؛ رهنمون؛ آ؛ من کنون؛ و؛ بر برانم کنون؛ لن، پ؛ بریزم بروی زمین هم کنون؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۸- ف، ل، لی، و، آ (و نیز لن، آ)؛ چوان؛ س، ق؛ چنان (= چن آن)؛ لن، پ، ب (و نیز ل، آ)؛ چو این؛ ق؛ این بیت را ندارد؛ متن = ل ۲۹- س، لن، لی، پ، و، ل، ب؛ گرده گاهش؛ متن = ف، ل، ق، آ (و نیز ل، آ، س، آ) ۳۰- و؛ ورا ۳۱- س؛ کاکنون ز کهتر ۳۲- ق؛ هوش ۳۳- ل (و نیز ل، آ)؛ ازان؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س، آ) ۳۴- ل، ق، ق، و، آ، ل، ب (و نیز لن، آ)؛ روان و خرد؛ س؛ خرد را روان؛ لن، لی، پ؛ بران (لسی؛ بدان) رو که دل؛ (س)؛ روان را برین)؛ متن = ف (و نیز ل، آ) ۳۵- ل، ق؛ بنداخت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۶- لن، لی، پ؛ زد دست؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۷- لن، لی، پ؛ همی؛ و، ل، ب؛ ورا؛ متن = ف، ل، س، ق، ق، آ، آ ۳۸- لن، ق، آ، پ، آ، ل؛ بیایتمش (ق)؛ بیایتمش) در زمان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۹- ل، آ؛ بگشتم؛ س، ق، آ؛ برقم؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۴۰- ل، س، آ؛ ز؛ متن = نه دستنویس دیگر ۴۱- ق، آ؛ خرد؛ لی؛ پسر گرزرای پدر ۴۲- لی؛ دلیرش ز رای پدر نشمرد (!) ۴۳- ق، لی؛ بدین بر؛ ل؛ بمعن بر؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر

۸۰۰ مرا کارزارست گفت آرزوی<sup>۲</sup>  
 نشان پدر باید اندر پسر  
 همم<sup>۶</sup> بیم جانست وهم<sup>۷</sup> جای ننگ<sup>۸</sup>  
 اگر سام یل با<sup>۱۱</sup> منوچهر شاه  
 ز کاول<sup>۱۴</sup> برآید به خورشید دود  
 چنین گفت سیندخت با مرزبان<sup>۱۵</sup>  
 کزین آگهی یافت سام سوار  
 وی از گرگساران بدین<sup>۲۱</sup> گشت باز  
 ۸۰۵ چنین<sup>۲۳</sup> گفت مهرباب کای<sup>۲۴</sup> ماه روی  
 چنین خود<sup>۲۶</sup> کی<sup>۲۷</sup> اندر خورد با خرد  
 مرا دل بدین نیستی<sup>۲۹</sup> دردمند<sup>۳۰</sup>  
 که باشد که پیوند سام سوار  
 بدو گفت سیندخت کای سرفراز  
 ۸۱۰ گزند تو پیدا<sup>۳۶</sup> گزند من ست  
 چنین ست و این نزد من<sup>۳۷</sup> شد درست  
 اگر باشد این نیست کاری<sup>۳۹</sup> شگفت

پدرم از نیا خود همین<sup>۳</sup> داشت خوی<sup>۴</sup>  
 روا باشد از کمتر آرد<sup>۵</sup> هنر  
 چرا بازداری<sup>۹</sup> سرم<sup>۱۰</sup> را ز جنگ  
 بیابند<sup>۱۲</sup> بر ما یکی<sup>۱۳</sup> دستگاه  
 نه آباد ماند نه<sup>۱۵</sup> کشت و درود  
 کزین<sup>۱۷</sup> در مگردان به خیره زبان<sup>۱۸</sup>  
 به دل<sup>۱۹</sup> ترس و تیمار چندین<sup>۲۰</sup> مدار  
 گشاده شده است این سخن، نیست راز<sup>۲۱</sup>  
 سخن هیچ با من<sup>۲۵</sup> به کژی مگوی  
 که مر<sup>۲۸</sup> خاک را باد فرمان برد  
 اگر ایمنی یابمی از<sup>۳۱</sup> گزند  
 نخواهد، ز<sup>۳۲</sup> اهواز تا<sup>۳۳</sup> قندهار<sup>۳۴</sup>  
 به گفتار کژی مبادم<sup>۳۵</sup> نیاز  
 دل دردمند تو بند من ست  
 همین بد گمانی مرا از نخست<sup>۳۸</sup>  
 کزان بر دل اندیشه<sup>۴۰</sup> باید گرفت

۱- س: ترا؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- س: آرزو ۳- لن: نیام همین؛ ق ۲- ب: نیا همچنین ۴- س: برزم از نیا همچنین کرد خوی؛ (ل ۲: پدر از نیا خود همین داشت خوی)؛ متن = ف ۵- ل، ق: آید؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل ۲، س ۲) ۶- و: مرا ۷- لی: جان و همم ۸- آ: تنگ (!) ۹- ب: بازپچی ۱۰- ق: دلم ۱۱- ل ۲: یا؛ لی: یل را با (وزن نادرست است) ۱۲- ل ۲: بیابد ۱۳- ل: برین؛ ق: بدین؛ ب: چنین؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل ۲، لن ۲، س ۲) ۱۴- ف- ب (و نیز ل ۲، لن ۲): ز کابل؛ (س ۲: یکایک)؛ متن تصحیح فاسی است ۱۵- لن، لی، پ: نماند برین بوم؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- لن، لی، پ: کای پهلوان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۷- لن، لی، پ: ازین؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۸- ق، لی: کزین دو (لی: ازین در) بخیره مگردان زبان ۱۹- آ: بدین ۲۰- ل، ق: تیمار و سختی؛ س، ق ۲: ب: تیمار و تنگی؛ آ: تیمار تنگی؛ ل ۲ (و نیز ل ۲، س ۲): تیمار و تنگی؛ متن = ف، لن، لی، پ، و (و نیز لن ۲)؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

چنین گفته بد سام با زال زر کزین کار تیمار و انده مخور  
 ۲۱- لن، پ: بدان؛ آ: برین؛ ل ۲: چنین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۲- لی: جز بر از ۲۳- ق ۲: بدو ۲۴- ب: با ۲۵: ق ۲: سخن هر چه یابی ۲۶- س: چنان که؛ لن این بیت را ندارد ۲۷- ق ۲: که ۲۸- ب: که می ۲۹- ب: برین نیستی؛ لن، ق ۲: ل ۲ (و نیز لن ۲): مرا نیستی دل بدین؛ متن = ف، ل، س، ق (و نیز ل ۲، س ۲) ۳۰- ق: مستمند ۳۱- لن، ق، لی، پ، آ، ل ۲: یافتی از؛ و: بابم از هر؛ ب: اگر هستی ایمنی از؛ متن = ف، ل، س، ق (و نیز ل ۲، س ۲)؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل ۲، ب (و نیز ل ۲) پس از این بیت افزوده اند:

ز زال گرنامه داماد به نباشد همی (لی: نیامد همان) از کهان وز مه

ق ۲، آ، ل ۲، ب: نباشد همی دانم (ل ۲: داند) از که و مه

این بیت در ف، ل، س، ق، و (و نیز لن ۲، س ۲) نیست ۳۲- س، ق: از ۳۳- لی: قنوج تا؛ و: تاتار تا؛ آ: ابراز یا (!) ۳۴- ق ۲: بدل ترس و تیمار و تنگی مدار (= ۸۰۳ ب)؛ ل ۲: نخواهد هر را مانند بهار (!)؛ متن = ف، ل، لن، پ، ب ۳۵- س: کژم مبادا؛ ل ۲: کژی مبادت ۳۶- ق: ایدر ۳۷- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل ۲، س ۲): این بردلم؛ و (و نیز لن ۲): این مرمر؛ ل ۲: این را دلم؛ متن = ف، ل، ق ۳۸- لی: همین بد گمان مرا در نخست؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل ۲ (و نیز ل ۲) پس از این بیت افزوده اند:

کزان (لن، پ: کزین) گونه دیدی مرا دردناک بغم خفته شادی ز دل رفته پاک

۳۹- ق (و نیز لن ۲): کار؛ لن، ق، لی، پ، آ: اگر نیستی باز (ق ۲: باد؛ لی: یاد) کاری؛ ل ۲: اگر باشدی نیست کاری؛ ب: اگر باشد اینست کاری؛ متن = ف، ل، س، و (و نیز ل ۲، س ۲) ۴۰- ل، س، لن، ق، ق، آ، ب (و نیز س ۲): که چندین بد اندیشه؛ لی: کزان برتر اندیشه؛ پ، ل ۲ (و نیز ل ۲): که چندین باندیشه؛ و (و نیز لن ۲): که چندینت اندیشه؛ آ: که چندین بد اندیش؛ متن = ف

جهانجوی دستان<sup>۲</sup> همین جست<sup>۱</sup> راه  
نشد تیره روی زمین تابناک<sup>۳</sup>  
شود<sup>۴</sup> تیره<sup>۵</sup> رای<sup>۶</sup> بداندیش تو

دلی<sup>۱۲</sup> پر ز کینه، سری<sup>۱۳</sup> پر ز جوش<sup>۱۴</sup>  
که رودابه را خیز پیش<sup>۱۵</sup> من آر  
که او را ز درد<sup>۱۶</sup> اندرآرد به گرد  
که او را سپاری به من تندرست<sup>۱۷</sup>  
نگردد تهی روی<sup>۱۸</sup> کاولستان<sup>۱۹</sup>  
به چاره دلش را ز<sup>۲۰</sup> کینه بشست  
که رودابه را بد نیارد بروی<sup>۲۱</sup>  
سر<sup>۲۲</sup> از ما کند زین سخن<sup>۲۳</sup> پر ز کین  
شود پست<sup>۲۴</sup> رودابه با رود آب<sup>۲۵</sup>  
فرو برد و بر خاک<sup>۲۶</sup> بنهاد<sup>۲۷</sup> روی<sup>۲۸</sup>  
گشاده رخ<sup>۲۹</sup> روزگون زیر<sup>۳۰</sup> شب

فریدون به<sup>۱</sup> سرو یمن<sup>۲</sup> گشت شاه  
که بی آتش از آب و از باد و خاک<sup>۳</sup>  
هر آنگه که بیگانه شد<sup>۴</sup> خویش تو ۸۱۵

سپرده به سیندخت مهرباب گوش<sup>۱۱</sup>  
به سیندخت فرمود پس نامدار<sup>۱۲</sup>  
بترسید سیندخت از آن<sup>۱۳</sup> تیزمرد<sup>۱۴</sup>  
بدو گفت: پیمان<sup>۱۵</sup>ت خواهم نخست  
۸۲۰ وزان<sup>۱۶</sup> چون بهشت برین گلستان  
یکی سخت پیمان ستد زو نخست<sup>۱۷</sup>  
زبان داد سیندخت را نامجوی  
بدو گفت: بنگر<sup>۱۸</sup> که شاه زمین  
نماند<sup>۱۹</sup> بر و بوم و نه مام و باب  
۸۲۵ چو بشنید سیندخت سر<sup>۲۰</sup> پیش اوی<sup>۲۱</sup>  
بر دختر آمد پر از خنده لب

۱-۱ و ۲-ق: چمن (!) ۳-ق: چنان ناجور خود ۴-ل، ق، و (و نیز لن): همین دید؛ س، ل: همی جست؛ لن، ق، پ، آ: همینست؛ متن = ف، لی، ب (و نیز ل، س) ۵-س، ق، آ، ل، ب (و نیز ل): که (س: نه) از آتش و آب و از باد و خاک؛ لن، لی، پ: که از آتش و باد و از آب و خاک؛ و: که بی آتش و باد و بی آب و خاک؛ (لن): که بی آتش و آب و بی باد و خاک؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ متن = ف (و نیز س): ز باد) ۶-لن: زیر خاک؛ ق، لی، پ، آ، ل، ب: بشد تیره روی رخشناک (ق: خشناک؛ ل: بر مغاک؛ ل: وحشناک)؛ متن = ف، س، و (و نیز لن، س، آ)؛ و پس از این بیت افزوده است:

بیاورد آن پاسخ نامه پیش ورا گفت خوش کن بدین رای خویش

۷-آ: هم آنگه نه بیگانه بد؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۸-پ: بود؛ آ: بشد ۹-س: خیره ۱۰-لن، ق، لی، پ: روی؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ در ف، س (و نیز ل، س، آ) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۱-لن، لی، پ: بسیندخت مهرباب بپرد (لی: بگشاد) گوش؛ ق، آ، ل: بسیندخت بپرد مهرباب گوش؛ ل این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، ق، و، ب ۱۲-س، ب: سری ۱۳-س، ب: دلی ۱۴-و: پر خروش؛ در ف، س (و نیز ل، س، آ) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های ۸۱۵ و ۸۱۶ = لن، ق، آ، ب (و نیز لن) ۱۵-و: چنین گفت سیندخت را نامدار ۱۶-لن، پ: خیز نزد؛ ق، ل: خیز و پیش؛ و: تیز پیش؛ ب: رو بنزد؛ س: که رومه رخ را بنزد؛ متن = ف، ل، ق، لی، آ، ل پس از این بیت سرتویس دارد: اندر پیمان سندن سیندخت و آوردن رودابه ۱۷-ق: < آن >؛ لی: زان ۱۸-ق: شیرمرد؛ ل: پیرمرد ۱۹-لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: ز باد؛ لی: که رودابه را؛ متن = ف، ل، س، ق، و؛ در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۰-پ: به من بر درست؛ ل: به چاره دلش را ز کینه بشست (= ۸۲۱ ب)؛ آ: وزان پس سپاری بمن تندرست؛ متن = نه دستویس دیگر؛ در س این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱-ب: وزین ۲۲-ق: باغ؛ و: کاخ؛ ل، لی این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۳-ف، س، لن، ق، ق، آ، ب (و نیز ل، لن): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۴-ل این لیت را انداخته است؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۵-آ: به؛ ل (و نیز س) ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱ را انداخته اند و از ۸۱۹ و ۸۲۱ ب يك بیت ساخته اند ۲۶-ل: بدوی؛ لی این بیت را ندارد ۲۷-آ: منگر؛ و: بدل گفت ترسم ۲۸-ل: دل؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۲۹-لی: سپس ۳۰-ل: نه ماند ۳۱-س: خون ۳۲-ف (و نیز س) رودابه و (س) بر خان خراب؛ س، و (و نیز ل، س، آ): رودابه و رود آب؛ ق: رودابه رود آب؛ لن، لی، پ، آ، ل، ب این بیت را ندارند؛ متن = ل، ق ۳۳-ق: در؛ و: بر ۳۴-ق، آ: او (در آپساوند درست نیست) ۳۵-ق: خاک و ۳۶-ف: مالید؛ لن، لی، ل (و نیز س) این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۷-ق: رو؛ ف پس از این بیت افزوده اند:

چنین گفت کای نامور دادخواه گمانی مبر جز باین و راه

۳۸-ف، ق، و، آ (و نیز لن، س، آ): رخ و؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل) ۳۹-س: کرد (یا: گرد)؛ ق: پیش؛ و (و نیز لن): روز کم زیر

همی مژده دادش که جنگی پلنگ  
 کنون<sup>۲</sup> زود پیرایه بگشای و رو<sup>۳</sup>  
 بدو گفت رودابه: پیرایه چیست  
 ۸۳۰ روان مرا پور سامست جفت  
 به پیش پدر شد چو خورشید شرق<sup>۴</sup>  
 بهشتی بُد آراسته پر<sup>۵</sup> نگار  
 پدر چون وُرا دید خیره بماند<sup>۶</sup>  
 بدو گفت کای<sup>۷</sup> شسته مغز از خرد  
 ۸۳۵ که با اهرمن جفت گیرد<sup>۸</sup> پری  
 گر<sup>۹</sup> از دشت<sup>۱۰</sup> قحطان<sup>۱۱</sup> سگ<sup>۱۲</sup> مارگیر<sup>۱۳</sup>  
 سیه میزه<sup>۱۴</sup> بر<sup>۱۵</sup> نرگسان<sup>۱۶</sup> دژم  
 پدر دل<sup>۱۷</sup> پر از خشم<sup>۱۸</sup> و سر<sup>۱۹</sup> پرز جنگ  
 سُوی خانه شد دختر دل شده<sup>۲۰</sup>  
 ۸۴۰ به یزدان گرفتند هر دو پناه

ز گور زیان کرد<sup>۱</sup> کوتاه چنگ  
 به<sup>۲</sup> پیش پدر رو<sup>۳</sup> بزاری بنو<sup>۴</sup>  
 بجای سر مایه بی مایه کیست<sup>۵</sup>  
 چرا<sup>۶</sup> آشکارا بیاید<sup>۷</sup> نهفت  
 به<sup>۸</sup> یاقوت و زر اندرون<sup>۹</sup> گشته غرق  
 چو خورشید تابان به خرم<sup>۱۰</sup> بهار  
 جهان آفرین را نهانی<sup>۱۱</sup> بخواند  
 ز پرگوهرا ن این کی<sup>۱۲</sup> اندر خورد  
 که مه تاج بادت<sup>۱۳</sup> مه انگشتی  
 شود مغ بیایدش<sup>۱۴</sup> کشتن<sup>۱۵</sup> به تیر  
 فروخوانید و نزد هیچ دم  
 همی<sup>۱۶</sup> رفت<sup>۱۷</sup> غران بسان پلنگ  
 رخان مُعصفر<sup>۱۸</sup> به زر<sup>۱۹</sup> آژده<sup>۲۰</sup>  
 هم این<sup>۲۱</sup> دلشده ماه<sup>۲۲</sup> و هم پیشگاه<sup>۲۳</sup>

۱- و: کرده ۲- لی: برو ۳- ق: بگشاو رو؛ و: بگشاز روی ۴- لن، پ: ز ۵- ل، س، لن، ق: ل (و نیز ل، لن، س: آ): شو؛ ق: در؛ متن = ف، ب ۶- ق: برو؛ و: بنوی؛ آ: ونو ۷- ل، س، ق: لی، و، آ، ل (و نیز ل، لن، س: آ): چیت؛ متن = ف، لن، ق، پ، ب ۸- لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: مرا؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، لن، س: آ) ۹- لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: نباید؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، لن، س: آ) ۱۰- ق: چو یاقوت و برق (!) ۱۱- س: چه ۱۲- س: اندرو ۱۳- س: چون ۱۴- ف، و (و نیز لن): بوقت؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س: آ): در ق، آ، لی، پ، آ، ل این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۱۵- س، ب: پدر چون بدیدش از او خیره ماند (ب: بخیره بماند) ۱۶- لن، لی، پ: فراوان؛ ب: بران برتری نام یزدان؛ در ق، آ، لی، پ، آ، ل این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۱۷- س، ق، پ، آ: ای؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۸- ف: < ز > پرگوهرا ن این کی (وزن نادرست است)؛ س: بدین گوهر ما کی؛ لن، ق، آ، پ، و، آ، ل (و نیز لن، س: آ): به (ق: ز) بد گوهران این کی (لن: که؛ پ: آنکه)؛ لی: بر گوهران این کی؛ ب: بین کین بگوهر کی؛ (ل: بدین گوهران این کی)؛ متن = ل ۱۹- س: باشد؛ لن، لی، و، ب: گردد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۰- ل، لن، لی، پ، و: بادا؛ ق: بادو؛ متن = ف، س، ق، آ، ل، ب ۲۱- آ، ل، آ: که ۲۲- ف، لن، لی، پ (و نیز س): دست؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = س، ق، آ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن) ۲۳- آ: قحطان ۲۴- ق، آ، و، ل، ب: سگی؛ لی، پ (و نیز ل): یکی؛ متن = ف، س، لن، آ (و نیز لن، س: آ) ۲۵- ق: یادگیر ۲۶- ق: بیاید (وزن نادرست است)؛ آ: نیایدش ۲۷- ل: زد (وزن نادرست است)؛ ف (و نیز ل): پس از این بیت افزوده اند:

به پیش اندرافکنند رودابه سر  
 رخ از شرم پر خون و دل پر فکر  
 ل: رخ از شرم گلنار و پر خون جگر

ل، ق بجای بیت بالا بیت زیر را افزوده اند:

چو بشنید رودابه (ق: چو رودابه بشید) آن گفت گوی  
 دژم گشت و چون زعفران کرد روی  
 لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل بجای بیت های بالا بیت زیر را افزوده اند:

چو بشنید رودابه پاسخ بتوخت (آ: سبوخت؛ ل: نیوخت)  
 ز شرم پدر روی را برفروخت  
 ب (و نیز ل) بجای بیت های بالا (ل) پیش از بیت نخستین بیت زیر را افزوده اند:

چو رودابه ایسن از پدر بشنوبید  
 دلش گشت پر خون و رخ شنبلید

هیچک از این بیت هادر س، و (و نیز در لن، س: آ) نیست ۲۸- ل، س، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: مژه؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف ۲۹- ل: و ۳۰- ق: دیدگان؛ ب: نرگسان شد ۳۱- ب: سر ۳۲- س: خون ۳۳- ب: دل ۳۴- س، و: برون ۳۵- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ: گشت؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۳۶- آ، ل: دل زده؛ ب: سوی خانه خویش شد دل شده ۳۷- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: به خون؛ متن = ف، ل، ق، و، ل (و نیز ل، لن، س: آ) ۳۸- (لن: آژده) ۳۹- لن، لی، و، آ، ب: همان؛ ق، آ، پ: هم آن؛ متن = ف، ل، س، ق، ل ۴۰- لن: نام؛ لی: دخت؛ پ: مام ۴۱- لی: بادستگاه

## گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از پیوند گرفتن زال با دختر مهرباب<sup>۱</sup>

<p>ز مهراب و دستان و<sup>۲</sup> سام سترگ          وزان ناهمالان گشته همال<sup>۳</sup>          به پیش سرافراز شاه ردان          که بر ما شود زین دژم روزگار          برون آوریدم به رای و به جنگ          همال<sup>۴</sup> سرافگنده گردد همال<sup>۵</sup>          برآید یکی تیغ تیز<sup>۶</sup> از نیام          چو<sup>۷</sup> تریاک<sup>۸</sup> با زهر همتا بود؟          ز گفت بد آگنده<sup>۹</sup> گردد سرش          بدو باز گردد مگر تاج و گنج<sup>۱۰</sup>          ورا خسرو<sup>۱۱</sup> پاک دین خواندند          به بایست هابر تواناتری          دل ازدها را خرد بشکرد</p>	<p>پس<sup>۲</sup> آگاهی آمد به شاه بزرگ          ز پیوند مهراب و<sup>۳</sup> ز مهره زال          سخن رفت هر گونه با موبدان          چنین گفت با بخردان<sup>۴</sup> شهریار          چو ایران<sup>۵</sup> ز چنگال شیر و پلنگ          ۸۴۵ نباید<sup>۶</sup> که بر خیره بر<sup>۷</sup> عشق<sup>۸</sup> زال          چن<sup>۹</sup> از دخت مهراب و<sup>۱۰</sup> ز پور سام          بیکسو نه<sup>۱۱</sup> از گوهر ما بود          اگر<sup>۱۲</sup> تاب گیرد سوی مادرش          ۸۵۰ کند<sup>۱۳</sup> شهر ایران پر آشوب و رنج<sup>۱۴</sup>          همه موبدان آفرین خواندند          بگفتند کز ما تو داناتری          همان کن کجا<sup>۱۵</sup> با<sup>۱۶</sup> خرد<sup>۱۷</sup> درخورد</p>
--	--

۱- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از پیوند گرفتن زال با دختر مهرباب و خواندن سام را؛ س، لن، لی، ب: آگاهی (لی: خبر) یافتن (ب: < یافتن > ( منوچهر از کار زال (س، لی: ... و رودابه)؛ ق: آگاه شدن منوچهر از حال زال و دختر مهرباب؛ ق: آگاهی یافتن منوچهر از عشق زال با رودابه؛ پ: آگاه شدن منوچهر از حال زال و رودابه؛ و: آگاه شدن منوچهر شاه از داستان دستان و رودابه؛ ا: خبر یافتن منوچهر از حال رودابه و زال؛ ل: آگاهی یافتن منوچهر از عشق رودابه؛ ل سرنویس ندارد؛ متن= آغاز ف ۲- ب: چو ۳- ل، ق: < و >؛ لن، لی، پ: ز دستان و مهراب؛ و: متن= هفت دستویس دیگر ۴- س، لن، لی، آ، ل: از؛ ب این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، ق، آ، پ، و ۵- لی: عشق؛ آ: کار ۶- س، آ: وزان با همالند یا نا همال؛ لن: وزان نا همالیده با آن همال؛ ق، آ، پ، ل: وزان نا همالیده ناهمال؛ لی: وزان نا همالان ابا نا همال؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز لن)؛ در لی این بیت بایست سپین پس و پیش شده است؛ س، و پس از این بیت افزوده اند:

س: منوچهر از آن کار پر درد شد  
 و: منوچهر ازین کار شد پر ز درد

۷- پ: همی؛ در لی این بیت بایست پیشین پس و پیش شده است ۸- و: موبدان ۹- ل: که ایزد (!) ۱۰- ب: برون آوریدم از نیز جنگ؛ ل، لن، ق، ق، آ، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن) پس از این بیت افزوده اند:

فریدون ز ضحاک گیتی بیشت  
 برسم (ق: نخواهم) که آید (ق: برسمید کامد) از آن تخم (أ: تخم و) رست

این بیت در ف، س، لی (و نیز س) نیست ۱۱- ل: بیاید؛ ب: نباشد؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: از؛ و، ل: در؛ ب: که خیره شود؛ متن= ف، ل، ق ۱۳- س: کرد ۱۴- لی: نهال ۱۵- آ: بمال ۱۶- س- ل: (و نیز ل، لن)؛ چو؛ ب: که؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف (و نیز س) ۱۷- س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: از؛ متن= ف، ق، پ (و نیز ل، س) ۱۸- ق: نو؛ و: کین ۱۹- و: نه پیوند ۲۰- ف، ق: که؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، س) ۲۱- آ: تریاق ۲۲- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: و؛ و: و؛ و: و ۲۳- ل، لی (و نیز ل)؛ ز گفت پراکنده؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز لن، س) ۲۴- س: شود؛ لی: کون ۲۵- س، ق، و: جنگ ۲۶- س، و: نام و ننگ؛ ق، آ، ل: سرو تاج و گنج؛ آ: سرناج و گنج؛ لن، لی، پ: اگر باز گردد بدو (پ: برو) تاج و گنج؛ ق: بدو باز گردد دل شیر و چنگ پلنگ (وزن نادرست است)؛ متن= ف، ل، ب (و نیز ل، لن، س) ۲۷- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: موبد؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ب (و نیز ل، لن، س) ۲۸- ل: همانا سخن؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۹- لن، ق، آ، لی، پ: از؛ آ: کز؛ ب: در؛ متن= ف، ل، س، و، ل (و نیز ل، لن، س) ۳۰- پ: خود؛ ق (و نیز ل، ق) در کناره پس از این بیت افزوده اند:

چو بشنید ازیشان گرانمایه شاه  
 سرانجام آنرا همی جست راه

بفرمود تا نودرش رفت پیش<sup>۱</sup>  
 ۸۵۵ بدو گفت: رو پیش سام سوار  
 چو دیدی بگوش کزین<sup>۲</sup> سو گرای  
 [همانگاه برخاست فرزند شاه  
 [سوی سام نیم نهادند روی  
 [چو زین کار سام یل آگاه شد  
 ۸۶۰ همه نامداران<sup>۳</sup> پذیره شدند  
 رسیدند پس پیش<sup>۴</sup> سام سوار  
 پیام پدر شاه نودر بداد  
 چنین داد پاسخ که فرمان کنم<sup>۵</sup>  
 نهادند خوان<sup>۶</sup> و گرفتند جام  
 ۸۶۵ به شادی برآمد<sup>۷</sup> شب دیرباز  
 خروش تبیره برآمد ز در  
 سوی بارگاه منوچهر شاه  
 منوچهر چون یافت زو<sup>۸</sup> آگهی  
 ز ساری و آمل برآمد خروش

ابا ویزگان و بزرگان خویش  
 پرسش که چون آمد از کارزار<sup>۹</sup>  
 ز نزدیک ما کن سوی خانه رای<sup>۱۰</sup>  
 ابا ویزگان سر نهادش<sup>۱۱</sup> به راه  
 ابا زنده پیلان پرخاشجوی<sup>۱۲</sup> [  
 پذیره سوی پور کی شاه شد<sup>۱۳</sup> [  
 ابا<sup>۱۴</sup> زنده پیل و تبیره شدند  
 بزرگان و کی<sup>۱۵</sup> نودر نامدار  
 به دیدار او سام یل گشت شاد  
 ز<sup>۱۶</sup> دیدار او رامش<sup>۱۷</sup> جان کنم<sup>۱۸</sup>  
 نخست از منوچهر بردند نام  
 چو خورشید رخشنده<sup>۱۹</sup> بگشاد راز<sup>۲۰</sup>  
 هیون تگاور<sup>۲۱</sup> برآورد<sup>۲۲</sup> پر  
 به فرمان او<sup>۲۳</sup> برگرفتند راه  
 بیاراست دیهیم<sup>۲۴</sup> شاهنشهی  
 چو دریای جوشان برآورد<sup>۲۵</sup> جوش

۱- ل، س، ل، س، ل، س، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): نودر آمدش پیش؛ لن، ق، ق، ل، ب، و، آ (و نیز ل، ل، س<sup>۲</sup>): نودر آمد (پ، آ: آبد) بیش؛ متن = ف ۲- س: بزرگان و کی نودر نامدار (= ۸۶۱ ب)؛ ل: بزرگان ابا نودر نامدار (= ۸۶۱ ب) ۳- ب: بدین ۴- و: نزدیک ما کن نواز خانه رای؛ آ: ز نزدیک ما شو سوی خانه جای؛ ب: نزدیک ما کن سوی کاخ رای؛ س این بیت را ندارد؛ لن، ق، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:  
 چو نودر برون شد ز (ق<sup>۲</sup>: بیامد به) پیش پدر بر (ق<sup>۲</sup>: ل: سوی) پهلوان زود بنهاد سر  
 ق پس از بیت ۸۵۶ بیت ۸۵۹ پ را افزوده است ۵- ل: نهاده؛ س- ب (و نیز ل، ل، س<sup>۲</sup>): این بیت را ندارند؛ متن = ف ۶- س- ب (و نیز ل، ل، س<sup>۲</sup>): این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل ۷- س، لن، ق، آ- ب (و نیز ل، ل، س<sup>۲</sup>): این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق: ل پس از این بیت و ق پس از بیت ۸۵۶ افزوده اند:

ز پیش پدر نودر نامدار بیامد نزدیک سام سوار  
 ۸- لن، ل، ب: پهلوانان؛ س، ق این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۹- و: چه با ۱۰- و: رسیدند نزدیک؛ س این بیت را انداخته است؛ ق این بیت را ندارد ۱۱- لن، ق، ل، ب، و، آ، ب: بزرگان ابا؛ ل: بزرگان با؛ متن = ف، ل، س (و نیز ل، ل، س<sup>۲</sup>): س ۸۵۵ تا ۸۶۱ آ را انداخته و از ۸۵۵ و ۸۶۱ ب يك بیت ساخته است ۱۲- ب: برم ۱۳- ل، ل، و: به ۱۴- ل: دیدارش آرامش؛ متن = بازده دستویس دیگر؛ لن، ق، ل، ب، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

بدند (ق<sup>۲</sup>: بیدید؛ ل، ب: بیود) اندران (ل: نیودند آن) روز مهمان سام  
 بدیدار سام آن گره (ق<sup>۲</sup>: ل: گو) شادکام  
 این بیت در ف، ل، س، ق، و (و نیز لن، س<sup>۲</sup>) نیست ۱۵- ل: خان؛ ل پس از این بیت دو بیت زیر را، لن، ق، ل، ب، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) تنها بیت یکم را، و ق تنها بیت دوم (و بیت یکم را در کناره) افزوده اند:

پس از نودر و سام (ل: نودر شاه) و هر مهتری  
 چو بگشاد زبوسر بگیتی سپهر بپوشید رخشنده دیدار مهر  
 این بیت ها در ف، س، و (و نیز در لن، س<sup>۲</sup>) نیست ۱۶- س: شب آمد؛ لن، ل: در آمد؛ ق، ل، ب: سر آمد؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب، و، آ ۱۷- س: چو رخشنده خورشید ۱۸- لن: < راز >؛ ق: گشت از فراز ۱۹- ل، ق، و، آ، ل (و نیز ل، ل، س<sup>۲</sup>): دلاور؛ ق: بسوی دلاور؛ لن، ل، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، ب (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲۰- آ: سر ۲۱- و: وی ۲۲- لن، ل: زیان؛ ب: ازو ۲۳- لن، ل، ب: ایوان ۲۴- لن، ب، ب: برآمد بجوش؛ و: درآمد بجوش؛ ل، ق: چو دریای سبز اندر آمد بجوش؛ س: چو دریای برون برآمد بجوش؛ ل (و نیز س<sup>۲</sup>): چو دریای عمان برآورد جوش؛ متن = ف، ق، آ، ل



برفتند با خشت های گران<sup>۳</sup>  
 سپر در سپر بافته<sup>۵</sup> سرخ و زرد<sup>۴</sup>  
 ابا تازی اسپان و پیلان و گنج<sup>۱</sup>  
 همه<sup>۱۳</sup> با درفش و تبیره شدند  
 پیاده شد و راه بگشاد<sup>۱۶</sup> شاه  
 زمین را بیوسید<sup>۱۸</sup> شد پیش<sup>۱۹</sup> اوی  
 ز یاقوت رخشنده<sup>۲۰</sup> بر سرش تاج  
 چنان چون سزا بود بنواختش<sup>۲۱</sup>  
 وزان نزه دیوان مازندران  
 سپهد سخن<sup>۲۵</sup> يك يك<sup>۲۶</sup> یاد کرد  
 ز جان<sup>۳۰</sup> تو کوتاه بد بدگمان<sup>۳۱</sup>  
 نه<sup>۳۳</sup> دیوان، چه<sup>۳۴</sup> شیران جنگی پیر<sup>۳۵</sup>  
 ز گردان ایران دلاورترند<sup>۳۷</sup>  
 پلنگان جنگی<sup>۳۸</sup> گمانندشان<sup>۳۹</sup>  
 از<sup>۴۱</sup> آواز من مغزشان شد تهی  
 وزانپس<sup>۴۲</sup> همه شهر بگذاشتند  
 چنان<sup>۴۴</sup> خیره و پوی پوی آمدند<sup>۴۵</sup>

۸۷۰ بیستند آذین و ژوپین و ران<sup>۱</sup>  
 سپاهی که از کوه تا کوه مرد<sup>۲</sup>  
 ابا کوس و<sup>۷</sup> با نای روین و<sup>۸</sup> سنج<sup>۹</sup>  
 ازین<sup>۱۱</sup> گونه لشکر<sup>۱۲</sup> پذیره شدند  
 چن<sup>۱۴</sup> آمد بنزدیک آن<sup>۱۵</sup> بارگاه  
 ۸۷۵ چو شاه جهاندار بنمود<sup>۱۷</sup> روی  
 منوچهر برخاست از تخت عاج  
 بر خویش بر تخت بنشاختش  
 وزان<sup>۲۲</sup> گرگساران<sup>۲۳</sup> جنگاوران  
 پرسید و بسیار تیمار<sup>۲۴</sup> خورد  
 ۸۸۰ کانشه<sup>۲۷</sup> زی ای<sup>۲۸</sup> شاه و جاویدمان<sup>۲۹</sup>  
 برستم بدان<sup>۳۲</sup> شهر دیوان نر  
 که از تازی اسپان<sup>۳۶</sup> تگاورترند  
 سپاهی که سگسار خوانندشان  
 ز من<sup>۴۰</sup> چون بدیشان رسید آگهی  
 ۸۸۵ به شهر اندرون نعره برداشتند  
 همه پیش من<sup>۴۳</sup> جنگجوی آمدند

۱- ل، ق: بیستد آذین؛ لن، ق، لی، پ، آ: برفتند آنگاه؛ ل: برفتند از گاه؛ متن = ف، س، و، ب ۲- ب: جوشن و ران ۳- لن، لی، پ، آ، ل: ابا جوشن و خشت های (ل: گرزهای) گران؛ ق: ابا خشت و با گرزهای گران؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۴- س: بود ۵- ل، ب: ساخته؛ ل: یافته؛ لن، پ: این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۶- س: نار و بود ۷- ق: < و > ۸- و: < و >؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل: ب: نای و (ق: < و >) روئینه؛ س: ابا کوس روین و با نای و؛ متن = ف، ل ۹- ف، س، لن، ق، لی، ل: (و نیز لن، آ، س)؛ صنج؛ ب: زنگ؛ متن = ل، ق، (و نیز ل) ۱۰- ب: پیلان جنگ ۱۱- س: برین؛ ل: ازان؛ متن ← ۱۲- لن، پ: سپه بکراندر؛ لی: همه بکره در؛ متن = ف، ل، ق، ق، و، آ، ب ۱۳- ل، ق: بسی؛ لن، آ: مهان؛ لی: چنان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۴- ل، س، ق، لی، و، ب: (و نیز ل، لن، آ)؛ چو؛ لن، ق، پ، آ، ل: این بیت را ندارند؛ متن = ف (و نیز س) ۱۵- ل، ق، ب: بزدیگی؛ متن = ف، س، لی، و (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۶- ق: برگشادند ۱۷- ل، ق: بگشاد؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۸- لی: < و > ۱۹- ب: نزد ۲۰- لی: زیاقوت و پیروزه ۲۱- لی: برسید بسیار و بنواختش؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۲- لن، پ: ازان ۲۳- ف، س، ق، پ- ب: (و نیز ل، لن، آ، س)؛ گرگساران و؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ل ۲۴- لن، ق، ق، پ، ل: (و نیز ل، س، آ)؛ برسید بسیار و تیمار؛ و: فراوان برسید و تیمار؛ ب: برسید و تیمار بسیار؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، آ ۲۵- لن، پ: همه؛ و: برو ۲۶- ل: سربس ۲۷- ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، لن، آ): که نوشته؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل: که شادان؛ متن = ب (و نیز س) ۲۸- ل: بزی (وزن نادرست است) ۲۹- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ (و نیز لن، آ، س)؛ شاه تاجاودان؛ متن = ف، ق، ل، ب (و نیز ل) ۳۰- ب: زناج ۳۱- و (و نیز لن، آ): نوشادان دل بخردان ۳۲- ق، ل، آ: بران ۳۳- لن، لی، و (و نیز س، آ)؛ چه؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل) ۳۴- ل، ق، پ- ب: (و نیز ل، س، آ)؛ که؛ متن = ف، لی ۳۵- ق: سپر؛ لن، پ: برخاشخر؛ لی: شیران نر (وزن نادرست است)؛ متن = هشت دستویس دیگر (در ف، ل، س، ق، ل: حرف دوم با يك نقطه است) ۳۶- لن، لی، پ: ز (لی: از اسپان تازی ۳۷- ف: زکارور ترند (!)؛ ا: رکا اورترند (!)؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س)؛ س پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن سام نریمان بدرگاه شاه منوچهر ۳۸- س: گیتی ۳۹- ل: نمایندشان؛ آ، ب: همانندشان؛ (ل: بمانندشان؛ لن: شمارندشان)؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز س، آ) ۴۰- ل: زمین (!)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۴۱- پ، ب: وز؛ آ: ز ۴۲- ل: ازانیس؛ متن = یازده دستویس دیگر؛ در ل پس از این بیت ۸۷۱ دوباره آمده است ۴۳- ف: چنان پیش من؛ لن، ق، لی، پ: به پیشم همه؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۴۴- س: زبان؛ لی: چنین ۴۵- ب: خیره با های و هوی آمدند؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

سپه جنب جنبان<sup>۱</sup> شد و روز تار<sup>۲</sup>  
 زمين نيز جنبان شد از لشكرم<sup>۳</sup>  
 نبیره جهاندار سلم سترگ<sup>۴</sup>  
 ۸۹۰ جهانجوی را نام کاکوی<sup>۵</sup> بود  
 به<sup>۶</sup> مادر هم<sup>۷</sup> از تخم<sup>۸</sup> ضحاک<sup>۹</sup> بود  
 سپاهش<sup>۱۰</sup> بکردار مور و ملخ  
 چو برخاست زان<sup>۱۱</sup> لشکرگشن گرد<sup>۱۲</sup>  
 من این<sup>۱۳</sup> گرز یکزخم<sup>۱۴</sup> برداشتم  
 ۸۹۵ خروشی خروشیدم<sup>۱۵</sup> از پشت زین  
 دل آمد<sup>۱۶</sup> سپه را همه<sup>۱۷</sup> باز جای  
 چو بشنید کاکوی<sup>۱۸</sup> آواز<sup>۱۹</sup> من  
 بیامد بنزدیک من جنگ<sup>۲۰</sup> ساز

پس اندر فراز<sup>۱</sup> آمد و پیش غار  
 ندیدم که تیمار آن چون<sup>۲</sup> خورم<sup>۳</sup>  
 به پیش سپاه اندرآمد چو گرگ<sup>۴</sup>  
 یکی سرو بالای مهروی بود<sup>۵</sup>  
 سر سروران<sup>۶</sup> پیش او خاک بود<sup>۷</sup>  
 بُد دشت پیدا، نه کوه و نه شیخ<sup>۸</sup>  
 رخ نامداران ما گشت زرد  
 سپه را<sup>۹</sup> همانجای بگذاشتم  
 که چون<sup>۱۰</sup> آسیا شد بریشان<sup>۱۱</sup> زمين  
 سراسر سوی<sup>۱۲</sup> رزم کردند رای  
 چنان<sup>۱۳</sup> زخم گویال سرباز<sup>۱۴</sup> من  
 چو پیل<sup>۱۵</sup> ژیان<sup>۱۶</sup> با کمندی<sup>۱۷</sup> دراز

۱- ل، ق، آ: جنب و جنبان؛ ب: زمين تیره جنبان؛ متن = نه دستویس دیگر ۲- و: کوهسار؛ ل: رودبار ۳- و: پدید؛ در لی این بیت با بیت پیشین  
 پس و پیش شده است ۴- س: سپه جنب جنبان شد از لشکر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: برافناد (لن، پ: درافناد) ترس اندرین (پ: ترسی در آن)  
 لشکر؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، و (و نیز لن) ۵- ل: خون؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل) پس از این بیت افزوده اند:  
 دو سید (لی، ل، آ، ب: همین صد؛ آ: همان صد) منی گرز برداشتم سپاهم (لی: سپاهی) بدان مرز بگذاشتم (لی: نگذاشتم)  
 همی رفتم و کوفتم مغزشان لن: نهی کردم آن پتک بر مغزشان  
 ق، آ، ل، آ، ب: نهی گشت آن (آ: <گشت آن>) هیت مغزشان  
 لی، پ: نهی کردم آن پیکر مغزشان

این بیت ها در ف، ل، س، ق، و (و نیز لن، آ، س) نیست ۶- ل، ق: بزرگ؛ متن = ده دستویس دیگر ۷- ق: سترگ؛ ب: بزرگ؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل  
 ل (و نیز ل): پیش اندرآمد بکردار گرگ؛ متن = ف، ل، س، و (و نیز لن) ۸- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل): کرکوی؛ ل (و نیز س)  
 این بیت را ندارند؛ متن = ف، ق، و (و نیز لن) ۹- ق: بد روی بود؛ س: یکی برز بالا و بد روی بود؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: یکی سرو بالا نکوروی  
 (لی: جهانجوی) بود؛ و (و نیز لن): ستمکاره بود و جفاجوی بود؛ ب: ل دوم این بیت را انداخته است؛ متن = ف ۱۰- آ: ز ۱۱- ق، آ، ل: وی ۱۲-  
 و: به مادر ز پیوند؛ ب این ل را انداخته است ۱۳- لن، لی، پ، آ، ل، آ، ب: سر سرکشان؛ متن = ف، س، و ۱۴- ب: پیش او گوی بود؛ ق: شنیدم  
 که کاکوی ناباک بود؛ ل (و نیز س) این بیت را ندارند؛ ب ۸۹۰ و آ را انداخته و از ۸۹۰ و ۸۹۱ ب يك بیت ساخته است؛ ق پس از بیت ۸۹۱  
 افزوده است:

دلیر و سبکار و ناباک بود سر سرکشان پیش او خاک بود

۱۵- ل، س (و نیز ل): سپاهی؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز لن، آ، س) ۱۶- ف: بُد دشت پیدا و نه کوه و شیخ؛ س، لن، پ، و، ل، آ، ب (و نیز لن، آ،  
 س): بُد دشت پیدا نه خاک (لن، پ: ریگ؛ ل، آ، ب: خار) و نه شیخ؛ ق، آ، ل: بُد کوه پیدا نه دشت (ق: دریا؛ آ: خار) و نه شیخ؛ متن = ل، لی، و  
 نیز ل) ۱۷- س، لن، لی، پ، ل، آ، ب: از؛ متن ← ۱۸- ق: چو از لشکرگشن برخاست گرد؛ متن = ل، ق، و، آ (و نیز ل، لن، آ، س)؛ ف این  
 بیت را ندارد و بجای آن بیت ۸۹۸ را آورده است و پس از آن سرنویس دارد: گفتار اندر شراب خوردن سام نریمان با شاه منوچهر و گفتن داستانها و مردی  
 که کرده بود ۱۹- ف، س، ق، آ، ل، آ، ب (و نیز س): آن؛ متن = ل، لن، لی، پ، و (و نیز ل، لن، آ) ۲۰- ب: يك لخت ۲۱- ق، آ، ل: سپاهم  
 ۲۲- لن، ق، آ، پ، آ، ب: چنان بر خروشیدم؛ ق: یکی بر خروشیدم؛ متن = ف، ل، س، لی، و، ل، آ ۲۳- س: کجا ۲۴- لی: بدیشان؛ ل: بران (وزن  
 نادرست است) ۲۵- ل: در آمد ۲۶- لن، ق، آ، پ، آ: ازان؛ ب: سپاه مرا؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۷- س: همه ۲۸- س، لن، ق، آ، لی،  
 پ، آ، ل، ب (و نیز ل): کرکوی؛ (س: کالوی)؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز لن) ۲۹- ق: کویال ۳۰- س، ق: همان ۳۱- ق: گرز يك زخم  
 خوش فال ۳۲- لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ل: رزم؛ متن = ف، ل، س، ق، ب ۳۳- و، ل: پیلی ۳۴- لن، لی، پ: دمان ۳۵- ل، پ، ب: کمند؛  
 متن = ف، و، آ، ل: در ف این بیت پس از بیت ۸۹۲ آمده است؛ پیلی بیت های متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س)؛ در ق پس از بیت  
 ۸۹۸ بیت ۹۰۴ آمده است

چو دیدم خمیدم<sup>۱</sup> ز راه گزند  
 به پیکان پولاد و تیر خدنگ<sup>۲</sup>  
 چُن<sup>۳</sup> آتش بروبر همی ریختم<sup>۴</sup>  
 که شد<sup>۵</sup> دوخته مغز<sup>۶</sup> با<sup>۷</sup> مغفرش  
 برآمد<sup>۸</sup> یکی تیغ هندی به دست  
 کزو کوه زنه‌ار خواهد به جان<sup>۹</sup>  
 همی جستمش تا کی آید به چنگ<sup>۱۰</sup>  
 من از چرمه چنگال کردم دراز  
 ز زین برگستم<sup>۱۱</sup> بکردار شیر  
 پر آهن بر و دست و گردی میان<sup>۱۲</sup>  
 سپه روی برگاشت از کارزار  
 بهر سوشدند انجمن<sup>۱۳</sup> همگروه<sup>۱۴</sup>  
 فگنده پدید آمد اندر شمار<sup>۱۵</sup>  
 همانا که بودند<sup>۱۶</sup> سیصد هزار  
 ز پیش<sup>۱۷</sup> پرستنده‌ی تخت تو

۹۰۰ مرا خواست کارد به خم کمنند  
 کمان<sup>۱</sup> کیانی گرفتم به چنگ  
 عقاب<sup>۲</sup> تگاوره<sup>۳</sup> برانگیختم  
 گمانم چنان بُد به<sup>۴</sup> سندان سرش  
 نگه کردم<sup>۵</sup> از گرد<sup>۶</sup> چون پیل مست  
 چنان آمدم شهریارا گمان  
 ۹۰۵ وی اندر شتاب و من اندر درنگ  
 چُن<sup>۷</sup> آمد گه مرد جنگی فراز<sup>۸</sup>  
 گرفتم کمر بند مرد دلیر  
 زدم بر زمین بر<sup>۹</sup> چو پیل<sup>۱۰</sup> ژبان<sup>۱۱</sup>  
 چو افگنده شد، شاه! از آن<sup>۱۲</sup> گونه خوار  
 ۹۱۰ نشیب و فراز و بیابان و کوه  
 سوار و پیاده ده‌ودو هزار  
 سپاهی و شهری و جنگی<sup>۱۳</sup> سوار<sup>۱۴</sup>  
 چه سنجید بداندیش با بخت تو

برافراخت با ماه<sup>۱۸</sup> فرخ کلاه

چو بشنید گفتار سالار<sup>۱۹</sup>، شاه،

۱- ق، ق، آ، ب: حمیدم؛ و: حمیدم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ آ، ل: خمیده؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س، لی ۲- ل: کمانی ۳- آ: به پیکان تیر و بزین خدنگ؛ لن، پ این بیت را ندارند ۴- ق: عنان ۵- لی: دلاور ۶- ف، ل، س، ق، ق، آ، لی، و- ب (و نیز ل، لن): چو؛ متن = (س) ۷- ل: بدوبر تیر ریختم؛ ق: بدوبر همی ریختم؛ ق، و، آ، ب (و نیز لن): برو تیر می ریختم؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، لی، ل (و نیز س) ۸- ل، س، ق، ق، آ، و (و نیز لن، س): که؛ لی: ز؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، آ، ل، ب (و نیز ل) ۹- ق: بشد؛ و: شود ۱۰- و: ترک ۱۱- ق: بر ۱۲- ق: کرد ۱۳- ف، ق، آ، و، ل، ب (و نیز ل، لن): آن گرد؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ل، س، ق، لی، آ ۱۴- س، ق، ق، آ، و (و نیز لن): بیامد؛ متن = ف، ل، لی، آ، ل، ب (و نیز ل، س) ۱۵- لن، پ این بیت را ندارند؛ در ق این بیت پس از بیت ۸۹۸ آمده است ۱۶- لن، پ این بیت را ندارند ۱۷- ل، س، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن): چو؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف (و نیز س) ۱۸- ل: آمد بنزدیک من سرفراز؛ س، ل: آمد بر مرد جنگی فراز؛ ق: آمد بنزدیکی من فراز؛ ق، آ، ب (و نیز ل): آمد برم مرد جنگی فراز؛ لی: آمد گه مرد سنگی فراز؛ و (و نیز لن): آمد بنزدیک مارزماز؛ متن = ف (و نیز س) ۱۹- س، لن، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب (و نیز ل): برگرفتم؛ لی: درگستم؛ متن = ف، ل، و (و نیز لن، س) ۲۰- لن، لی، پ: بخاکش فکندم؛ ب (و نیز ل، س): زدم بر زمین ۲۱- س: پیلی؛ ق: شیر؛ ل: همچو پیلی ۲۲- لن، پ: دمان ۲۳- ل، ق: بدین آهنین دست و گردی میان؛ س: چو آهن برود دست و گردی میان؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: زدم تیغ هندی و را بر میان (آ: نیام)؛ و (و نیز لن): پر آهن برود دست و پا و میان؛ ب: یکی تیغ هندی زدم بر میان؛ (ل): باهرمنی دست گردی میان؛ س: یکی تیغ تیزش زدم بر میان؛ متن = ف ۲۴- ل، ق: زین؛ لی، و: ازین؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۵- ل، ق: بهر سوشده مردمان؛ ل: بهر سوی شد انجمن؛ (ل): هزیمت شدند انجمن؛ ف، لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = س، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز لن، س) ۲۶- آ: باگروه؛ ب (و نیز س): هر گروه ۲۷- ل: آمد از بد شمار (!)؛ لن، لی، پ: فکنده برآمد در آنجا شمار؛ ق، آ، ب: فکنده بدانجا برآمد شمار؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، لن، س) ۲۸- س، لن، پ، آ، ل (و نیز ل، لن): سپاهی و جنگی و شهری؛ ق: سواری و جنگی و شهری؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، آ، لی، و، ب (و نیز س) ۲۹- و: همانا فزون بود ۳۰- س، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، س): به پیش؛ لن، پ: بجنگ؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف ۳۱- آ: سالارگفتار ۳۲- ف: پر مابه؛ ل، س: تاماه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن، ق، لی، پ، ب: بر ماه؛ و، ل (و نیز ل، لن): تاماه؛ متن = ق، آ (و نیز س)؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو روز از شب آمد به کوشش ستوه ستوهی گرفته (ق: ستوهی شده بر) فرو شد به کوه

۹۱۵. می و مجلس<sup>۱</sup> آراست و شد<sup>۲</sup> شادمان  
به بگماز<sup>۳</sup> کوتاه کردند شب<sup>۴</sup>

جهان پاك دید از بد بدگمان  
به یاد<sup>۵</sup> سپهد گشادند لب<sup>۶</sup>

چو شب روز شد پرده<sup>۷</sup> بارگاه  
بیامد سپهدار سام سترگ<sup>۸</sup>  
چنین<sup>۹</sup> گفت با سام شاه جهان  
به هندوستان آتش اندر فروز<sup>۱۰</sup>

۹۲۰ نباید که او یابد از تو<sup>۱۱</sup> رها  
زمان تا زمان زو برآید خروش  
هرآنکس که پیوسته<sup>۱۲</sup> او بوند<sup>۱۳</sup>  
سر از تن جدا کن زمین را بشوی

۹۲۵ چنین<sup>۱۴</sup> داد پاسخ که ایدون کنم  
بیوسید تخت و بمالید روی  
سوی خانه بنهاد سر<sup>۱۵</sup> با سپاه

گشادند و دادند زی<sup>۱۶</sup> شاه راه  
بنزد منوچهر شاه بزرگ<sup>۱۷</sup>  
کز ایدر برو با گزیده<sup>۱۸</sup> مهان  
همه کاخ مهرباب و<sup>۱۹</sup> کاول<sup>۲۰</sup> بسوز  
که او ماند<sup>۲۱</sup> از تخمه<sup>۲۲</sup> آژدها  
شود رام<sup>۲۳</sup> گیتی پُر از جنگ و<sup>۲۴</sup> جوش  
بزرگان که در بسته<sup>۲۵</sup> او بوند<sup>۲۶</sup>  
ز پیوند<sup>۲۷</sup> ضحاک و خویشان اوی  
که کین از<sup>۲۸</sup> دل شاه بیرون کنم  
بران<sup>۲۹</sup> نامور<sup>۳۰</sup> مهر و<sup>۳۱</sup> انگشت اوی  
بران<sup>۳۲</sup> بادپایان جوینده<sup>۳۳</sup> راه

## گفتار اندر آگاهی یافتن سام نریمان از آمدن پسرش زال<sup>۳۴</sup>

۱- و: می ورامش ۲- ق، ق، لی: آراست شد؛ ل: آراست؛ درس این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۳- لی: یکبار؛ و: بگفتار؛ آ: بیک جمع؛ ل: بیکماه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هفت دستنویس دیگر (ونیز ل، س، پ، و، ب؛ درس این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۴- لن: دست(!)؛ ل: راه ۵- آ: بیاده ۶- لن: بستند دست(!)؛ ق، لی، آ: گشاده دولب؛ ل: گشادند و شاه؛ متن = ف، ل، س، پ، و، ب؛ درس این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۷- ف: پرده از؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ونیز ل، لن، آ، س) ۸- ق: دادن بر ۹- لن: ق، پ، و، آ، ل، ب (ونیز ل) پس از این بیت افزوده اند:

بشاه آفرین کرد آن بی همال همی خواست گفتن ز مهرباب و زال  
که شاه جهان پیشتر برگرفت سخن را بروی دژم در گرفت

این بیت هادرف، ل، س، ق، لی (ونیز لن، آ، س) نیست ۱۰- آ: چنان ۱۱- س: گروه ۱۲- لی، و: آتشی بر فروز؛ آ: اندر آتش فروز؛ ل: بر بر آتش فروز ۱۳- س- ب (ونیز لن، آ): < و >؛ متن = ف، ل (ونیز ل، آ، س) ۱۴- ف- ب (ونیز ل، لن، آ، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- ل، لن- ب (ونیز ل، لن، آ): ازید؛ متن = ف، س (ونیز ل، آ، س) ۱۶- آ، ل: مانده ۱۷- لن: بچه؛ ب: تخم آن ۱۸- ب: جمله ۱۹- ل: < و > ۲۰- ل، لن، ق، لی، و، آ، ل، ب (ونیز ل، لن، آ، س): بود؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، س، پ ۲۱- ل: که در دست؛ س: که هم بسته؛ ب (و نیز س): کجاست؛ متن = هشت دستنویس دیگر (ونیز ل، لن، آ) ۲۲- و: ز مردان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ لن، ق- ب (ونیز ل، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بدوشاه چون خشم و تیزی (ق، آ، ب: نیرو؛ پ: تندی) نمود  
نیارست آنگه (و: از آن پس) سخن بر فروز

این بیت در ف، ل، س، ق (و نیز س) نیست ۲۳- آ: بدو ۲۴- و: که از کین ۲۵- ق: بدان ۲۶- ب: مهرباب ۲۷- ل، لن، پ: < و >؛ متن = نه دستنویس دیگر (ونیز ل، لن، آ، س) ۲۸- و: رخ ۲۹- ل، ق، لی، ب: بدان؛ آ: مران؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۰- ق، و: کوبنده؛ لی، ب: پوینده؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۱- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن سام نریمان از آمدن پسرش زال زرو و نواختن او را؛ لن: رفتن زال بنزدیک سام پدرش؛ ق، آ، ب: آمدن زال بنزد سام (ق): . . . و اجازت خواستن؛ لی: رفتن سام نریمان بجنگ مهرباب؛ پ: آمدن زال بنزد سام پدرش؛ و: فرستادن منوچهر شاه سام را بجنگ مهرباب؛ ل، س، ق، ل، آ، س: سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف

که شاه و سپهبد فگنندند<sup>۲</sup> بن  
 فرو هشته<sup>۳</sup> لفتح و برآورده یال  
 بیاید<sup>۴</sup> که گیتی بسوزد به دم  
 نخستین سر من بیاید درود  
 پر اندیشه دل، پر ز گفتار سر  
 که آمد ز ره بجهی نره شیر  
 درفش فریدون<sup>۱۴</sup> پیراستند<sup>۱۵</sup>  
 سپاه و سپهبد پذیره<sup>۱۷</sup> شدند  
 بیاراسته سرخ و زرد و بنفش  
 برانگیخت بالای زرین ستام<sup>۱۸</sup>  
 پیاده شد<sup>۲۰</sup> از اسپ و بگزارد گام<sup>۲۱</sup>  
 چه سالار خواه<sup>۲۳</sup> و چه دیهیم<sup>۲۴</sup> جوی  
 سخن گفت با او<sup>۲۵</sup> پدر نیز دیر<sup>۲۶</sup>  
 چو زرین<sup>۲۸</sup> درخشنده کوهی<sup>۲۹</sup> بلند  
 به تیمار و با<sup>۳۱</sup> گفت و گوی<sup>۳۲</sup> آمدند

به<sup>۱</sup> مهرباب و دستان رسید<sup>۲</sup> این سخن  
 خروشان ز کاول همی<sup>۵</sup> رفت زال  
 همی گفت اگر<sup>۷</sup> ازدهای دژم  
 چو کاولستان<sup>۹</sup> را بخواهد<sup>۱۱</sup> بسود  
 به پیش پدر شد پر از خون جگر<sup>۱۲</sup>  
 چن<sup>۱۳</sup> آگاهی آمد به سام دلیر  
 همه لشکر از جای برخاستند  
 پذیره شدن را چپیره شدند<sup>۱۴</sup>  
 همه پشت پیلان به رنگین<sup>۱۸</sup> درفش  
 چو دستان پدید آمد از دور، سام  
 چو روی پدر دید دستان سام  
 بزرگان پیاده شدند<sup>۲۲</sup> از دو روی  
 زمین را بیوسید زال دلیر  
 نشست از بر تازی اسپ<sup>۲۷</sup> سمنند  
 بزرگان همه پیش او<sup>۳۰</sup> آمدند

۱- ق: ز ۲- ق: نهند ۳- آ: آن ۴- ق: آ، ل: ب: چه افکند؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ لن: ق: لی، پ، و، آ، ل: ب (و نیز ل: لن): پس از این بیت افزوده اند:

برآمد همه شهر کابل بجوش وزایوان مهرباب برشد (لی: کابل برآمد) خوش  
 چو سیندخت و مهرباب و رودابه نیز بنومید گشتند از جان (ل: خان) و چیز

این بیت هادرف، ل، س، ق (و نیز س) نیست ۵- س، ق: پ: برون؛ متن = نه دستویس دیگر ۶- لی: فرود برده (وزن نادرست است) ۷- ل: از ۸- آ: بیامد؛ ل: نباید؛ لن، پ این بیت را ندارند ۹- ف، ل، س، ق: لی، و، آ، ل: ب (و نیز ل: لن، س): کابلستان؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- و: بیاید ۱۱- لی: ستود؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل: لن، س): در س حرف یکم سه نقطه دارد) ۱۲- ب: همی رفت پیش پدر خون جگر؛ لن، پ این بیت را ندارند ۱۳- ف- ب (و نیز ل: لن، س): چو؛ متن = (س) ۱۴- لی: درفش و تیره ۱۵- ل- ق، پ- ب (و نیز لن، س): بیاراستند؛ (ل: برآراستند)؛ متن = ف، ق: لی ۱۶- ف، ل، ق (و نیز ل: لن، س): تیره زدند؛ س: خیره زدند (حرف های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ آ: جیره زدند؛ ل: حیره شدند؛ (س): حیره شدند؛ لن، ق: لی، پ: با تیره شدند؛ و (و نیز لن): ابانای و کوس و تیره شدند؛ ب: بزرگان سامش پذیره شدند؛ متن تصحیح قیاسی است (که به س، آ، ل و بیشتر به س نزدیک است) ۱۷- ب: خیره؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۸- لن، ق: لی، ل: آ: برنگ؛ و: برزین؛ آ: برنگ و؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، ب؛ در س این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- لن: لگام؛ ب: پذیره شد و نیز بگزارد گام (= ۹۳۸ ب)؛ متن = ف، ق: پ، آ، ل (پ ۳۰) ۲۰- ق: فرود آمد ۲۱- ف: زرین لگام؛ لن، ق: پ، آ، ل: بگزارد گام؛ ب: برانگیخت بالای زرین ستام (= ۹۳۷ ب)؛ ل، س، ق، لی، و (و نیز ل: لن): از بیت های ۹۳۷ و ۹۳۸ يك بیت ساخته اند:

چو دستان پدید آمد از دور سام پیاده شد از باره بگزارد (ل: از اسپ بگزارد) گام  
 و (و نیز لن): همان نامداران به زرین نیام

۲۲- لی: پیاده بزرگان شدند ۲۳- لی: خوار ۲۴- ل، س، لن، ق، پ، و، آ، ل (و نیز لن، س): سالار؛ ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، ق: لی (و نیز ل: لن): آدر اینجا سرنویس دارد: آمدن زال نزد پدر ۲۵- لن، لی: وی ۲۶- لن: ز مهرباب شیر؛ لی: همی زال دیر؛ و: پدر نیز با او سخن راند دیر ۲۷- ل، ق: لی، ل (و نیز لن): تازی اسپ؛ س: بادبایی؛ پ، و، آ: اسپ تازی؛ متن = ف، لن، ق، ب (و نیز ل: لن، س) ۲۸- و: چو درزین؛ آ: چوزین (وزن نادرست است) ۲۹- لن، ق، ق: و، آ، ل (و نیز لن): کوه؛ متن = ف، ل، س، لی، پ، ب (و نیز ل: لن، س) ۳۰- ق، ق: لی، پ، آ، ل: او؛ متن = ف، ل، س، لن، و، ب ۳۱- ق، ق: لی: به تیمار با؛ ل: به تیمار و < با > (وزن نادرست است) ۳۲- ل: گفت گوی؛ ق، ق: پ، آ: گفت و گو؛ متن = هفت دستویس دیگر

ره<sup>۲</sup> پوزش آر و<sup>۳</sup> مکش<sup>۴</sup> هیچ سر  
 مرا نیز بر جای خون<sup>۵</sup> خاک نیست  
 همانا سخن بر سخن نگذرد<sup>۶</sup>  
 من از شرمش آب اندرآرم به چشم<sup>۷</sup>

گشاده دل و شادکام آمدند  
 هم اندر زمان زال را داد بار  
 زمین را بیوسید و گسترد پر<sup>۱۰</sup>  
 و زآب دو دیده<sup>۱۱</sup> همی<sup>۱۲</sup> گل سپرد<sup>۱۳</sup>  
 روانش گراینده<sup>۱۵</sup> داد باد  
 زمین روز<sup>۱۷</sup> جنگ تو<sup>۱۸</sup> گریان<sup>۱۹</sup> شود  
 شتاب آید اندر<sup>۲۲</sup> سپاه<sup>۲۳</sup> درنگ  
 بماند<sup>۲۵</sup> ، ستاره نیارد کشید  
 روان و<sup>۲۸</sup> خرد گشت<sup>۲۹</sup> بنیاد تو  
 وگر<sup>۳۱</sup> چه به<sup>۳۲</sup> پیوند<sup>۳۳</sup> تو شهرام  
 ز گیتی<sup>۳۵</sup> مرا نیست با کس نبرد<sup>۳۶</sup>

که آزرده گشته‌ست بر<sup>۱</sup> تو پدر  
 چنین داد پاسخ کزین<sup>۵</sup> باک نیست  
 پدر گر به مغز اندرآرد خرد  
 نگر تا گشاید زبان را به خشم<sup>۸</sup>

چنین تا به درگاه سام آمدند  
 فرود آمد از اسپ سام سوار  
 چو زال اندرآمد به پیش پدر  
 یکی آفرین کرد بر سام گرد

که بیدار دل پهلوان شاد باد<sup>۱۴</sup>  
 ز تیغ تو الماس بریان<sup>۱۶</sup> شود  
 کجا دیزه<sup>۲۰</sup> تو جهد<sup>۲۱</sup> روز جنگ  
 سپهری کجا<sup>۲۲</sup> باد گرز تو دید

۹۵۵ زمین نسپرد شیر<sup>۲۶</sup> با داد<sup>۲۷</sup> تو  
 مگر من که از داد<sup>۳۰</sup> بی بهرام  
 یکی مرغ پرورده ام خاک خورد<sup>۳۲</sup>

- ۱- س، ق، لی، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ از؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- ل- پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ یکی؛ متن = ف، و (و نیز ل، آ)؛ ل- پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ آور؛ متن = ف، و (و نیز ل، آ)؛ ۴- ق، آ، مکن؛ ل، آ؛ مگر ۵- ل؛ که این؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ۶- ق، آ؛ خود (→ خون)؛ آ؛ چون (→ خون)؛ ل؛ سرانجام اخیز؛ س؛ مرا بر زمین جای جز؛ ل، ن، پ؛ مرا نیز هم جای جز؛ ق؛ مرا جای اخیز؛ لی؛ نهالی مرا نیز جز؛ و (و نیز ل، آ، س، آ)؛ مرا جای فرجام جز؛ (ل؛ مرا نیز خود جای جز)؛ متن = ف، ل، آ، ب ۷- لی؛ گسترد ۸- ل، آ؛ وگر بر گشاید زبان را بخشم؛ ل، ن، لی، پ؛ نگر تا زبانرا گشاید بمهر؛ ق، آ، ل؛ نگر تا زبان را گشاید بخشم؛ و (و نیز ل، آ)؛ اگر بر گشاید زبان را بمهر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، س، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ب؛ مگر ۹- و (و نیز ل، آ)؛ بجهر؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب؛ بس از شرم (ب؛ خشم) آب اندر آرد بچشم (ل، ن، لی، پ؛ آرم بچهر)؛ متن = ف، ل، س، آ (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ۱۰- ف، ل، س، ل، ن، ق، آ، پ؛ بر (= پی)؛ ق، لی (و نیز س، آ)؛ فر؛ و، ب (و نیز ل، آ)؛ برداشت سر؛ ل؛ سپرد بر؛ متن = آ (و نیز ل، آ)؛ ۱۱- ل، ل، ن، ق، آ، لی، پ، و (و نیز ل، آ)؛ نرگس؛ متن = ف، س، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ۱۲- و؛ همه ۱۳- ل- آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ سترده؛ متن = ف؛ ل؛ و زان نرگسان مردومی گل سپرد ۱۴- ب؛ باش ۱۵- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ؛ پرستنده؛ و، ل، آ (و نیز ل، آ)؛ گشاینده (ل؛ گزارنده)؛ متن = ف، ل، س، ق، ب (و نیز س، آ)؛ ۱۶- ل، ن، ق، آ؛ گریان (ل، ن، پ، آ، ب)؛ بسازند ندارد) ۱۷- لی؛ زیر ۱۸- ل، ق، ب (و نیز ل، آ، ل، ن، آ)؛ از تو؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز س، آ)؛ ۱۹- ق، آ؛ بریان ۲۰- و؛ چرمه ۲۱- ل، س، ل، ن، پ، و، آ، ل، آ (و نیز ل، آ، س، آ)؛ چمد؛ متن = ف، ق، آ، لی، پ، و، آ؛ شتاب اندر آرد (و؛ آید)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۲- و؛ بمغز ۲۳- ل، آ؛ سپهر از کجا ۲۴- ل، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب؛ همانا؛ ل؛ سپاه ار (!)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، و (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ۲۶- ل، ن، لی، پ؛ زمین سر بر سر سیز؛ و؛ رمه نسپرد شیر؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۷- ب؛ یاد ۲۸- ف (و نیز ل، آ)؛ < و > (ل، آ) این حرف را داشته، ولی پاک شده است)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ۲۹- ل، ق، لی، ب (و نیز س، آ)؛ گشته؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، آ)؛ پس از این بیت افزوده‌اند:

همه مردم از داد نو شادمان ز تو داد یابند زمین و زمان  
 لی: ز تو دور بادا بد بد گمان

و (و نیز ل، آ) بجای این بیت افزوده‌اند:

- ز انصاف و دادت جهان بهره‌مند ستم را ز دست تو بر پای بند  
 این بیت ها در ف، س، ل (و نیز س، آ) نیست ۳۰- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب؛ مگر من ز داد (لی؛ مهر) تو؛ ل، آ (و نیز ل، آ)؛ شگفتی ز داد تو؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ۳۱- ل، ن، لی، پ، آ؛ اگر ۳۲- ل، ن، پ، و، ل، آ؛ ز؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۳- ل، ق؛ پیمان؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ۳۴- س؛ سالخورد ۳۵- ل، س، ل، ن، لی، پ، و، ل، آ (و نیز ل، آ، ل، ن، آ)؛ بگیتی؛ متن = ف، ق، آ، لی، پ (و نیز س، آ)؛ ۳۶- ل، ن، پ؛ کسی نیستم همبردا؛ ق، آ، ب؛ مرا نیست کس همبردا؛ لی؛ ندارم کسی هم بمرده؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل، آ (و نیز ل، آ، ل، ن، آ، س، آ)

که بر من کسی را بدان<sup>۱</sup> هست راه  
 دگر هست<sup>۵</sup> با این<sup>۶</sup> نژادم هنر<sup>۷</sup>  
 به کوه اندرم<sup>۸</sup> جایگه<sup>۹</sup> ساختی  
 نه از هیچ خوشی<sup>۱۱</sup> مرا بود بهر<sup>۱۲</sup> ]  
 دل از ناز و آرام برکنندیم<sup>۱۳</sup> ]  
 به<sup>۱۴</sup> آتش سپردی فزاینده را<sup>۱۵</sup>  
 که از چه سیاه و سپیدست<sup>۱۹</sup> رنگ  
 به مهر<sup>۲۰</sup> خدایی به من بنگرید<sup>۲۱</sup> ]  
 یکی یار چون مهتر<sup>۲۲</sup> کاولی<sup>۲۵</sup>  
 ابا رای و با داد و تاج سران<sup>۲۸</sup>  
 نگه داشتم راه<sup>۳۰</sup> و پیمان<sup>۳۱</sup> تو

ندانم همی خوشتن را گناه  
 مگر<sup>۲</sup> آنک<sup>۳</sup> سام<sup>۴</sup> یلستم پدر  
 ۹۶۰ ز مادر بزادم بینداختی  
 [نه گهواره دیدم نه پستان نه شهر<sup>۱۰</sup>  
 ]ببردی به کوهی بیفگندیم  
 فگندی<sup>۱۴</sup> به تیمار زاینده را<sup>۱۵</sup>  
 ترا با جهان آفرینست<sup>۱۸</sup> جنگ  
 ۹۶۵ [کنون کم جهان آفرین پرورید  
 هنر هست<sup>۲۲</sup> و<sup>۲۳</sup> مردی و تیغ یلی  
 ابا گنج<sup>۲۶</sup> و با تخت<sup>۲۷</sup> و گرز گران  
 نشستم به کاول<sup>۲۹</sup> به فرمان تو

۱- ل، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): بران؛ متن = ف، ق؛ این بیت در هشت دستنویس دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲- س: مرا؛ ل<sup>۲</sup>: وگر ۳- لی، پ، آ:  
 آنکه ۴- لی: <سام> (وزن نادرست است) ۵- ل، ن، ق، آ، پ، ل<sup>۲</sup>: وگر نیست؛ لی: اگر نیست؛ ب: وگر هست؛ متن = ف، ل، س، ق، و، آ  
 ۶- آ: باکین ۷- س، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: گهر؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۸- س، ق، لی، ب: اندرون؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۹- لی: جای من  
 ۱۰- ل، ن، ق، آ، پ، آ، ب: نه پستان شیر؛ لی: نه پستان و شیر؛ (ل<sup>۲</sup>: نه پستان نه شیر)؛ ل، س، ق، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ متن =  
 ف ۱۱- لی: هوشی ۱۲- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): ویر؛ متن = ف ۱۳- ل، س، ق، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ متن =  
 هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۴- س، و: سپردی؛ ل، ن، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۵-  
 ف، ل: باینده را (!) (در ل حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق<sup>۲</sup>: این بنده را؛ پ: زاینده ام؛ و: وغم بنده را؛ متن = س، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۶-  
 و: بر ۱۷- ف: تو زاینده را؛ لی: تن بنده را؛ پ: فزاینده ام؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ در ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب این بیت پس  
 از بیت ۹۶۰ آمده است ۱۸- ل، ن، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: نیست؛ ق<sup>۲</sup>: و: بود؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، س، لی، ب ۱۹-  
 ب: سفیدست؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ: سید و سپاهت؛ متن = ف، ل، س، و، آ، ل<sup>۲</sup>: در و پس از این بیت ۹۶۶ آمده است؛ ف پس از بیت ۹۶۴ و و (و  
 نیز ل<sup>۲</sup>) پس از بیت ۹۶۶ افزوده اند:

وگرنه به چهر از کسی کم نیم سزای غم و رنج و ماتم نیم

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲۰- ل، ق، پ، آ: بچشم؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، و، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) این بیت را  
 ندارند؛ متن = ف ۲۱- ل: ننگرید (!) ۲۲- ق: <و> ۲۳- ل، ن، پ: هنرهای مردی؛ ل، لی این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر  
 ۲۴- و: یکی بر هنر مهتر؛ ل<sup>۲</sup>: یکی باره چون مهتر ۲۵- ف، س، ق، ق، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابلی؛ ل، ن، پ: زابلی؛ متن تصحیح  
 قیاسی است ۲۶- ل، ن، ق، پ، و: تاج؛ ق<sup>۲</sup>، آ: تخت؛ لی، ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س، ب ۲۷- ق<sup>۲</sup>، آ: گنج ۲۸- ف: ابارای و با  
 تخت و تاج سران؛ ل: ابارای و با تاج و تخت سران (حرف یکم واژه هفتم نقطه ندارد)؛ س: ابارای و با تاج گوهر سران؛ ل، ن، ق، آ، پ: ابارای و با تاج داران  
 سرای؛ ق: ابا داد و رای و ابا بخردان؛ و: ابارای و با داد و هوش سران؛ ب: ابارای و با مهر و تاج سران؛ متن = آ، ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت  
 افزوده اند:

چو زاید برفتی (و، ل<sup>۲</sup>): نشتم بکابل) بفرخنده روز سپردی مرا کشور نیمروز

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲۹- ل، ن، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: یکابک؛ ف، ل، س، ق، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابل؛ لی این  
 بیت را ندارد؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۰- ل، س، ل، ن، ق، آ، پ، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>): رای؛ متن = ف، ق، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>) ۳۱- ف (و نیز  
 س<sup>۲</sup>): فرمان (پس از این بیت)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>): ل<sup>۲</sup> پس از این بیت تا بیت ۱۰۴۱ را انداخته است؛ ف پس از بیت ۹۶۸ دو بیت  
 افزوده است که تنها بیت یکم آن در ق آمده است:

چه کرد از گناه و چه دیدی ازوی (ق: ازو) که نزدش به کینه نهادی تو روی (ق: رو)  
 دگر آنکه گفستی که بر کام تو کنم شهره اندر جهان نام تو

۹۷۰ که چون<sup>۱</sup> کینه جویی بکارآیمت<sup>۲</sup>  
 ز مازنداران هدیه این ساختی  
 که ویران کنی خان آباد من؟  
 من اینک به پیش<sup>۳</sup> تو استادهام<sup>۴</sup>  
 به آره میانم به دو نیم کن

۹۷۵ سبهد چو بشنید گفتار زال  
 بدو گفت آری همینست<sup>۱۳</sup> راست  
 همه کار من با<sup>۱۴</sup> تو بیداد بود  
 ز من<sup>۱۷</sup> آرزو خود همین خواستی  
 مشو تیز<sup>۱۹</sup> تا<sup>۲۰</sup> چاره‌ی کار تو  
 یکی نامه فرمایم اکنون<sup>۲۳</sup> به شاه  
 ۹۸۰ سَخُن هرچه<sup>۲۵</sup> باید<sup>۲۶</sup> به یاد آورم<sup>۲۷</sup>  
 اگر یار باشد جهاندار ما<sup>۲۹</sup>

درختی که کشتی<sup>۲</sup> به بار آیمت<sup>۲</sup>  
 هم از گرگساران بدین تاختی  
 چنین داد خواهی همی<sup>۵</sup> دامن؟  
 تن بنده<sup>۸</sup> خشم ترا داده‌ام  
 ز کاول<sup>۹</sup> میماید با من<sup>۱۱</sup> سَخُن

برافراخت<sup>۱۱</sup> گوش و فرو<sup>۱۲</sup> برد یال  
 زیانت بدین<sup>۱۴</sup> راستی پادشاست<sup>۱۵</sup>  
 دل دشمنان بر تو بر شاد بود  
 به تنگی دل<sup>۱۸</sup> از جای برخاستی  
 بسازم کنون<sup>۲۱</sup> تیز<sup>۲۲</sup> بازار تو  
 فرستم بدست تو ای<sup>۲۴</sup> نیکخواه  
 روان و دلش<sup>۲۸</sup> سوی داد آورم<sup>۲۷</sup>  
 به کام تو گردد<sup>۳۰</sup> همه کار ما<sup>۲۹</sup>

۱- ل، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): که گر؛ متن = ف، س (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲- ف، ل: نیازمست؛ س: نارمست (نقطه ندارد)؛ متن = و (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: نگفتی (لی: تو گفتی) که هرگز نیازمست؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در میان سطرها افزوده‌اند ۳- س، ق، آ، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): کاری؛ متن = ف، ل، لن، لی، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۴- ف، ل، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): به بار آرمست؛ س: بپیرایمست؛ متن = لی، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

بوم پهلوان را غلام و رمی به کاری اگر هیچ فرمان دهی  
 ۵- لی: <همی> (وزن نادرست است) ۶- لن، لی، پ: بزد ۷- ف: ایستاده‌ام (وزن نادرست است) ۸- لن، ق، آ، پ، ب: تن زنده؛ و: دل و دیده؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، آ ۹- ف-آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- و: دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

بکن هر چه خواهی که پیمان (ب: فرمان) تراست بکابل گزندی بود آن مراست (آ، ب: ممراست)

ق<sup>۲</sup>: یکایک گزیدی تو جان مراست

لی: زبانم بدین راستی برگواست (= ۹۷۵ ب)

۱۱- س، ب: بیفراخت؛ ق، و: برافراخت؛ لی این بیت را انداخته است؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ، آ ۱۲- لی: برو؛ آ: نزد ۱۳- ل: کاری چنینست؛ لی این لت را انداخته است؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۴- ل، ق، و: زبان تو بر؛ س، آ: زیانت برین؛ لی: زبانم بدین؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، ب ۱۵- ف، ل، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): راستی برگواست؛ متن = س، لن، پ ۱۶- لن، پ: بر ۱۷- و: زما ۱۸- لی، و: بدل تنگی ۱۹- لن، پ: تند؛ ق<sup>۲</sup>: تیره؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۰- لی: با ۲۱- س، و، آ، ب: کنم؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۲- پ: نیز ۲۳- س: خواهم نشن؛ ق: بنویسم اکنون ۲۴- ل، س، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): یکی؛ لی (و نیز س<sup>۲</sup>): بدست تو ای پرهیز؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۵- ل: هرچ ۲۶- لن، پ: باشد؛ ق: گوید ۲۷- س، لن، لی، پ: آوریم؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۸- ف: مگر کان دلش؛ ب: زبان و دلش؛ متن = نه دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۹- ب: مان ۳۰- لی: باشد؛ ل، لن، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

ببازو کند شیر همواره کار

هرآنجا که او شد (ق: او را) بیاید (ق<sup>۲</sup>: آ: نیاید؛ لی: بیاید؛ پ: بیامد؛ ب: نیابد) شکار

ل: هرآنجا که کو بیاید شکار

این بیت در ف، س، و، ل (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست



گفتار اندر نامه فرستادن سام نریمان بنزدیک شاه منوچهر<sup>۱</sup>

نبیننده<sup>۲</sup> را پیش بنشانند  
سر نامه کرد آفرین خدای  
ازویست نیک و بد و هست و نیست<sup>۵</sup>  
۹۸۵ هرآن چیز کو خواست اندر<sup>۶</sup> بُوش  
خداوند کیوان و خورشید<sup>۹</sup> و ماه  
به رزم اندرون زهر<sup>۱۱</sup> تریاک سوز  
گراینده<sup>۱۳</sup> گرز و گشاینده شهر<sup>۱۴</sup>  
کشنده<sup>۱۶</sup> دَرفش فریدون به جنگ  
۹۹۰ ز باد<sup>۱۸</sup> دبوس<sup>۱۹</sup> تو کوه بلند  
همان<sup>۲۱</sup> از دل پاک<sup>۲۲</sup> و پاکیزه کیش  
یکی بندهام من<sup>۲۵</sup> رسیده بجای  
همی<sup>۲۸</sup> گرد کافور گیرد سرم  
بیستم میان را یکی<sup>۳۰</sup> بنده وار<sup>۳۱</sup>  
۹۹۵ عنان پیچ و اسپ افگن<sup>۳۳</sup> و گرزدار<sup>۳۴</sup>

ز هر در سَخُن ها همی راندند<sup>۳</sup>  
کجا هست<sup>۴</sup> و باشد همیشه بجای  
همه بندگانیم و ایزد یکیست  
برآنست<sup>۷</sup> چرخ روان را روش<sup>۸</sup>  
و زو<sup>۱۰</sup> آفرین بر منوچهر شاه  
به بزم اندرون ماه<sup>۱۲</sup> گیتی فروز  
ز<sup>۱۵</sup> شادی به هرکس رساننده بهر  
کشنده سرافراز جنگی پلنگ<sup>۱۷</sup>  
شود خاک نعل سرافشان<sup>۲۰</sup> سمند  
به آبشخور آری<sup>۲۳</sup> همه<sup>۲۴</sup> گرگ و میش  
به<sup>۲۶</sup> مردی به شست<sup>۲۷</sup> اندر آورده پای  
چنین داد<sup>۲۹</sup> خورشید و ماه افسرم  
ابا جادوان<sup>۳۲</sup> ساختم کارزار  
چو من کس ندیدی به گیتی<sup>۳۵</sup> سوار

۱- ف: گفتار اندر نامه فرستادن سام بنزدیک شاه منوچهر و فرستادن زال را بخدمت ؛ ل: نامه سام نزد شاه منوچهر ؛ س، پ: نامه سام بنزد منوچهر و رفتن زال بانامه بنزد شاه منوچهر (پ: زال برسولی) ؛ لن: نامه سام بنزدیک منوچهر ؛ ق: نامه سام شاه منوچهر و رفتن زال زر ؛ ق<sup>۲</sup>: نامه سام بنزد منوچهر و فرستادن بازال ؛ لی: نامه سام نریمان بمنوچهر از حال زال ؛ و، ب: نامه سام نزد منوچهر (و: منوچهر شاه و رفتن زال زر برسولی) ؛ آ: فرستادن سام زال را بنزد منوچهر ؛ متن = آغاز ف ۲- ل- آ، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ؛ نویسنده ؛ متن = ف (ونیز س<sup>۲</sup>) ۳- ف: بروخوانند ؛ و: همی راندم (یاوند نادرست است) ؛ متن = ده دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۴- لن، لی، پ، آ، بود ؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۵- ل: بدویست نیست ؛ س: خداوند هست و خداوند نیست ؛ لی، ب: ازویست هست و ازویست نیست ؛ (ل<sup>۲</sup>): ازویست پیدا همه هست و نیست) ؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۶- ل، س، ق، لی، و، آ (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ؛ ساخت اندر ؛ لن، ق، آ، پ: ساختست از ؛ متن = ف، ب ۷- لن، ق، پ: بدانست ؛ و: هموداد ۸- پ: روان روش ؛ لی: برسم بوش اندر آمد روش ۹- لی: بهرام ۱۰- لن، لی، پ: ازو ۱۱- ف: دهر (!) ؛ متن = ده دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۲- و: هور ۱۳- لن، ق، آ، پ: گرازنده ۱۴- لن: مهر ؛ پ: دهر ۱۵- ل: به ۱۶- لی: کشیده ۱۷- لن، ق، آ، پ: گیتی نهنگ ؛ س، ا: جنگی نهنگ ؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ؛ متن = ف، ل، لی، و، ب ۱۸- لن، لی، پ: ز زخم ۱۹- ل، لن، ق، آ، لی، پ (ونیز ل<sup>۲</sup>): عمود ؛ س: سان ؛ و (ونیز لن<sup>۲</sup>): سمند ؛ متن = ف، ا، ب (ونیز س<sup>۲</sup>) ۲۰- لی: سرانشان ؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در میان سطرها افزوده اند ؛ درس این بیت بابت سهین پس ریش شده است ۲۱- ل: همی ؛ پ: جهان ۲۲- ق، آ، لی: < و > ؛ س: از دل و داد ؛ و: از دل و داد ؛ ب: از دلش پاک ؛ متن = ف، ل، لن، پ، آ ۲۳- ل، س، لن، ق، آ، پ: آرد ؛ و: آید ؛ متن = ف، لی، آ، ب ۲۴- ل، س، لن، ق، آ، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ؛ همی ؛ متن = ف ؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در میان سطرها افزوده اند ؛ درس این بیت بابت سهین پس ویش شده است ۲۵- ل: یکی بنده هستم ؛ متن = ده دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۶- س: ز ۲۷- ف، لی (ونیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بمردی به اسپ ؛ لن، پ: بدو بار شست (لن: هشت) ؛ ق، آ، پ: بدو شست سال ؛ ب: بدو سال شصت ؛ (لن<sup>۲</sup>): بمردی نشست → شست) ؛ متن = ل، س، ق، و: بنداری ؛ آنی قد طعنت فی السن و تلفعت برداء الشیب ۲۸- آ: همان ۲۹- ل: کرد ؛ متن = ده دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۰- س، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب (ونیز س<sup>۲</sup>): میان بلی ؛ لن (ونیز لن<sup>۲</sup>): میان یکی ؛ متن = ف، ل، ق (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۳۱- س، ا، ب: مردوار ؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۲- ق، آ: جادوان ؛ پ: جادویان ۳۳- س: مردافکن ؛ لن، لی، پ: گرد افکن ؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۳۴- لی: نامدار ؛ و: نیز دار ۳۵- لن، لی، پ، و: نبیند به گیتی ؛ ق، آ: بگیتی چو من کس نبیند (ق<sup>۲</sup>): ندیدی) ؛ متن = ف، ل، س، ا، ب: درو این بیت بابت سهین پس ویش شده است و پس از این بیت (ونیز لن<sup>۲</sup>) افزوده است:

بسی گناه شد تا ز گردنکشان  
نه هنگام کین داشت کس پای من  
اگر رانم از مردی خود سخن  
بگیتی منم در زمانه نشان (= ۹۹۷)  
نه بگرفت کس در جهان جای من  
به عمری نباید ز سر تا به بن

چو من دست بردم به گرز گران  
 برآورده گردن ز گردن کشان<sup>۱</sup>  
 برون<sup>۲</sup> آمد و کرد گیتی<sup>۳</sup> چو کف  
 همان<sup>۴</sup> کوه تا کوه بالای<sup>۵</sup> او  
 همی داشتندی شب و روز پاس  
 همان روی کشور<sup>۶</sup> ز درندگان<sup>۷</sup>  
 زمین زیر زهرش همی بفرسخت  
 همان از هوا درکشیدی عقاب<sup>۸</sup>  
 جهانی مرو را<sup>۹</sup> سپردند جای  
 که با او<sup>۱۰</sup> همی دست یارست سود<sup>۱۱</sup>  
 بیفگندم<sup>۱۲</sup> از دل همه<sup>۱۳</sup> ترس و باک  
 نشستم بران پیل<sup>۱۴</sup> پیکر سمنند  
 به بازو کمان و به گردن سپر  
 مرا تیز چنگ و<sup>۱۵</sup> ورا تیز دم  
 که بر آژدها گرز خواهم کشید  
 کشان موی سر<sup>۱۶</sup> بر زمین چون کمنند<sup>۱۷</sup>  
 زفر بازکرده فگنده به راه  
 مرا دید و<sup>۱۸</sup> غرید و<sup>۱۹</sup> آمد به خشم  
 که دارد<sup>۲۰</sup> مرا<sup>۲۱</sup> آتش<sup>۲۲</sup> اندر کنار

بشدا آب گردان مازندران  
 ز من گر نبودی به گیتی نشان  
 چنان<sup>۱</sup> آژدها کو<sup>۲</sup> ز<sup>۳</sup> رود<sup>۴</sup> کشف  
 زمین شهر تا شهر پهنای<sup>۵</sup> او  
 جهان<sup>۶</sup> را ازو بود دل پر<sup>۷</sup> هراس  
 هوا پاک دیدم ز پرندگان  
 ز تفش همی پر کرگس بسوخت  
 نهنگ دژم برکشیدی از<sup>۸</sup> آب  
 زمین گشت بی مردم و چارپای  
 چو دیدم که اندر جهان کس نبود  
 به زور جهاندار یزدان پاک  
 میان را بیستم به نام بلند  
 به زمین<sup>۹</sup> اندرون گزهی گاوسر  
 برفتم بسان نهنگ<sup>۱۰</sup> دژم  
 مرا کرد پدرود هرکو<sup>۱۱</sup> شنید<sup>۱۲</sup>  
 رسیدمش و دیدم<sup>۱۳</sup> چو کوهی<sup>۱۴</sup> بلند  
 زبانش بسان درختی سیاه  
 چو دو آبگیرش پر از خون دو چشم  
 گمانی چنان بودم<sup>۱۵</sup> ای شهریار

۱- و: برفت؛ درو این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۲- ل این بیت را ندارد؛ درو (و نیز ل ن) این بیت به گونه ای دیگر آمده است (پ ۱۵)؛  
 متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل ن، س)؛ ف پس از این بیت يك بیت افزوده است که تنها در و (و نیز ل ن) آمده است (پ ۱۵، بیت سوم)  
 ۳- س: جزان؛ ل ن، ق، آ، پ: چوان؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، آ، ب ۴- س: کس ۵- ل، س، ق، لی، ب: به؛ متن = ف، ل، ق، آ، پ، و، آ ۶- ق، آ،  
 لی، و: کوه ۷- س، ب: پدید؛ آ: همی ۸- ب: دریا ۹- س، ل، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب (و نیز ل ن): بالای؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل ن، س) ۱۰-  
 آ: هم از ۱۱- س، ل، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب (و نیز ل ن): پهنای؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل ن، س) ۱۲- ق، آ: هوا ۱۳- س، و: در ۱۴- ل، ل ن-  
 و، ب (و نیز ل ن، آ): گیتی؛ متن = ف، س، آ (و نیز س) ۱۵- و: پرندگان ۱۶- ل، س، ل، ق، آ، لی، و، آ، ب: ز؛ متن = ف، ق، پ ۱۷- ل، و  
 (و نیز ل ن): به دم درکشیدی ز گردون عقاب؛ س، ل، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل ن): همان از هوا تیز (لی، ب: نیز) بران عقاب؛ (س): فرود آوری  
 ز گردون عقاب؛ متن = ف ۱۸- ل، ق: همه بکسر اورا؛ ل، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز ل ن): جهان جمله اورا؛ و: که از بیم اورا؛ (ل ن): که از بیم  
 او؛ متن = ف، س، آ (و نیز س) ۱۹- لی: وی ۲۰- ق، و: یارد بود؛ ق: که یارست با او نبرد آزمود ۲۱- و: برون کردم ۲۲- لی: همی ۲۳-  
 ل ن: بریل؛ لی: بدین پاک ۲۴- س: بجنگ؛ ق: بزیر ۲۵- ب: پلنگ ۲۶- ل، لی، پ، ب: < و > (وزن نادرست است)؛ در آ این بیت بابت  
 سپین پس و پیش شده است ۲۷- ل، ق، آ، لی، پ: هرکان؛ و: هرکس؛ (ل): هرکم؛ ل ن: هرک (این)؛ س این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، آ،  
 ب ۲۸- ف (و نیز ل ن): بیدید؛ متن = نه دستویس دیگر بجز ل (و نیز ل ن)؛ در آ این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۲۹- ل، ق: ز سرتا  
 به دمش؛ ق: رسیدمش دیدم؛ لی: رسیدم دیدم؛ س این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب ۳۰- ل، ل، ق، آ، لی،  
 و، ب ۳۱- ب: خود ۳۲- ق: کشان بر زمین موی همچون کمنند ۳۳- ل، س، پ: < و >؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل ۳۴- س، ل ن:  
 غرنده ۳۵- ل- آ، ب (و نیز ل ن، آ): بردم؛ متن = ف ۳۶- س: یارد ۳۷- ل، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز ل ن): مگر؛ متن = ف، ل، س، و، آ (و  
 نیز ل ن) ۳۸- و (و نیز ل ن): دوزخ

۱۰۱۵ جهان پیش چشم چو دریا نمود  
 ز بانگش بلرزید روی زمین  
 برو<sup>۲</sup> برزدم بانگ برسان<sup>۳</sup> شیر  
 یکی تیر الماس پیکان خدنگ  
 چو شد دوخته يك کران<sup>۴</sup> دهانش  
 ۱۰۲۰ هم اندر زمان دیگری همچنان<sup>۵</sup>  
 سدیگر<sup>۶</sup> زدم بر میان زفرش<sup>۷</sup>  
 چو تنگ اندر آورد با من زمین  
 به نیروی یزدان گیهان خدای<sup>۸</sup>  
 زدم بر سرش گرزهی گاوچهر  
 ۱۰۲۵ شکستم سرش<sup>۹</sup> چون سر<sup>۱۰</sup> زنده پیل  
 به زخمی چنان شد که دیگر نخاست<sup>۱۱</sup>  
 کشف رود پر خون و<sup>۱۲</sup> زرداب گشت<sup>۱۳</sup>  
 جهانی برآن<sup>۱۴</sup> جنگ نظاره بود  
 مرا سام یکزخم از آن خواندند  
 ۱۰۳۰ کزو<sup>۱۵</sup> بازگشتم تن روشنم  
 فرو ریخت از باره<sup>۱۶</sup> برگستوان<sup>۱۷</sup>

به ابر سیه برشده تیره دود  
 ز زهرش جهان<sup>۱</sup> شد چو دریای چین<sup>۲</sup>  
 چنان چون بود کار مرد دلیر  
 به چرخ اندرون راندمش<sup>۳</sup> بی درنگ  
 بماند ای<sup>۴</sup> شگفتی به<sup>۵</sup> بیرون زبانش<sup>۶</sup>  
 زدم بر دهانش<sup>۷</sup> پیچید از آن  
 برآمد همی جوش<sup>۸</sup> خون از جگرش  
 برآختم<sup>۹</sup> این<sup>۱۰</sup> گاو سر گرز کین<sup>۱۱</sup>  
 برانگیختم پیلتن را ز جای<sup>۱۲</sup>  
 برو<sup>۱۳</sup> کوه بارید گفتی سپهر  
 فرو ریخت زو<sup>۱۴</sup> زهر چون آب نیل<sup>۱۵</sup>  
 ز مغزش زمین گشت با کوه راست  
 زمین جای آرامش و خواب گشت<sup>۱۶</sup>  
 که آن ازدها زشت<sup>۱۷</sup> پتیاره بود  
 جهان<sup>۱۸</sup> زو و گوهر برافشانند<sup>۱۹</sup>  
 برهنه بد<sup>۲۰</sup> از<sup>۲۱</sup> نامور جوشنم  
 وزین هست<sup>۲۲</sup> هرچند رانم زبان<sup>۲۳</sup>

۱- ل، لن، ق، ق، پ، و، آ: زمین؛ متن = ف، س، ب ۲- لی: زهرش چو دریا شده مرزچین ۳- ف، لی: بدو؛ متن = نه دستویس دیگر بجز ل (و نزل، لن) ۴- و: مانند ۵- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب (و نزل، لن): راندم؛ ق: رزم را؛ متن = ف، ف، و (و نزل، لن) پس از این بیت افزوده‌اند:

زدم بر یکی نیمه تیغوز (و: بیغوز؛ لن: بی فون) اوی بدان زخم ناریک شد روز اوی  
 لن، ق، ق، لی، پ، آ، ب (و نزل، لن) بجای بیت بالا افزوده‌اند:

بسوی زفر (لن: بسوی فرو) کردم آن تیر رام بدان تا بدوزم (ق: بسوزد) زبانش بکام  
 ل، س هیچک از این بیت هارا ندارند ۶- ل: کنار از؛ س، لن، ق، لی، ب، آ (و نزل، لن): کران از؛ ق، و (و نزل، لن): کنار؛ متن = ف، ب ۷- ل-آ، ب (و نزل، لن): از؛ متن = ف ۸- ق: ز ۹- و (و نزل، لن): سرین و میانش (!) ۱۰- ق: دیگری را چنان ۱۱- و: زدم بردگر سو ۱۲- ل، ق، لی، آ: سه دیگر ۱۳- آ: ربرش (!) ۱۴- آ: موج ۱۵- ق: برانگیختم (وزن نادرست است)؛ ب: برآوردم ۱۶- لن، ق، لی، پ: آن؛ متن = هفت دستویس دیگر بجز ل (و نزل، لن) ۱۷- لی: گاو پیکر ز زمین؛ ف این بیت را دوبار نوشته است ۱۸- س، ب: گیهان خدیو ۱۹- س: باره برسان دیو؛ لی: پیل پیکر ز جای؛ ب: باره را همجو دیو ۲۰- ق: ابر ۲۱- س: تنش ۲۲- ل، س، تن؛ لی: < سر > (وزن نادرست است)؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ل ۲۳- لن، ق، آ، ب: ازو ۲۴- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ: رود؛ متن = ف، ق، آ، ب ۲۵- س، آ: نخواست ۲۶- آ: < و > ۲۷- و: زهراب گشت؛ س: کشف رود چون خون و خواب گشت؛ لن، لی، پ: کشف رود چون رود زرداب شد (لی: گشت)؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، ب ۲۸- لن، پ: شد؛ ل، لن، پ، آ، ب (و نزل، لن) پس از این بیت افزوده‌اند:

همه (لی: همان) کوهساران پر از مرد وزن همی (آ: همه) آفرین خواندندی بمن  
 این بیت در ف، س، و (و نزل، لن) نیست ۲۹- س: برین؛ لی: بدان ۳۰- لن، پ، ب: سخت ۳۱- ق: همان؛ و: مهان ۳۲- لن، ق، لی، پ: جهانی بمن (ق: برو) گوهر افشانند؛ متن = ف، ل، س، آ، ب ۳۳- لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نزل، لن): چوزو؛ ق: ازو؛ متن = ف، ل، س، و (و نزل، لن) ۳۴- ف: پدید آمد؛ س-آ، ب (و نزل، لن): برهنه شد؛ متن = ل (و نزل، لن) ۳۵- لی: آن ۳۶- ق: بار (!) ۳۷- لن، پ: وزو هست؛ ق: کنون هست؛ لی: وزان هست؛ ب: وزینست؛ متن = ف، ل، س، ق، آ ۳۸- ف: زبان (حرف دوم هم يك نقطه در بالا دارد و هم يك نقطه در زیر)؛ س، لن: زبان (حرف دوم نقطه ندارد)؛ آ: سخن (پساوند ندارد)؛ ق: هرج اندرانم زبان؛ متن = ل، ق، لی، پ، ب؛ و: شد از دود زهرش تنم ناتوان

بران بوم تا سالیان بر نبود  
 چنین و جزین<sup>۲</sup> هرچه بودیم<sup>۳</sup> رای  
 کجا من چمانیدمی<sup>۵</sup> چارپای<sup>۴</sup>  
 کنون چند سالست<sup>۷</sup> تا<sup>۸</sup> پشت زین ۱۰۳۵  
 همه گرگساران و مازندران  
 نکردم زمانی برویوم یاد  
 کنون آن<sup>۱۳</sup> برافراخته یال من  
 بران<sup>۱۴</sup> هم که بودم<sup>۱۵</sup> نماند<sup>۱۶</sup> همی  
 ۱۰۴۰ کمندی بیانداخت از دست شست  
 سپردیم نوبت کنون زال را<sup>۱۷</sup>  
 یکی آرزو دارد اندر نهان  
 یکی آرزو کان به یزدان نکوست  
 نکردیم بی رای<sup>۲۵</sup> شاه بزرگ

۱- لن: خاک و؛ آ: خاک؛ ب: خان و؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup>، س، ق، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت، ق بجای این بیت، و لن، لی، پ پس از بیت سپین افزوده اند؛ ازان (س، ب: گراز؛ آ: ورن) جنگ دیوان بگویمت (لن، ق، آ، لی: نگویمت) باز

ز پیکار (ق: ز بیداد) آن نامه گردد دراز (ق: براز)  
 این بیت در ف، ل، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) نیست ۲- ق: جزان ۳- لی: دیدیم ۴- ل: سراسر؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در لن، پ این بیت چنین آمده است (و پس از آن بیت پ ۱ را افزوده اند):

سرانرا سر آوردمی زیر پای  
 کجا من چمانیدمی چارپای (= ۱۰۳۴ ب)  
 ۵- جهانیدمی؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ چرانیدمی ۶- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): بادپای؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، آ، ب؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ در لن، لی، پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است و در لن، پ این بیت چنین آمده است:  
 نپرداختی شیر دزنده جای  
 چنین و جزین هرچه بودیم رای (= ۱۱۰۳۳)

در آباد و ویران نماندست جای  
 که آنرا نه من یاد (و، لن<sup>۲</sup>): باز کردم پهای  
 ۷- و: گاهست ۸- ف: بر؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۹- ف (و نیز ل<sup>۲</sup>): تخت و گاهست؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۱۰- لن، لی، پ، آ، ب: و جایم همین؛ ق: و بالین زمین؛ متن = ف، ل، س، ق، و؛ در لی لت های این بیت با بیت پیش و در و با بیت پ ۶ پس و پیش شده است؛ در لن، پ پس از این بیت پ ۶ آمده است ۱۱- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بتو؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): ترا؛ (ل: بدن)؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س ۱۲- لن، ق، آ، لی، پ، ب: نیز؛ و: شاه و؛ متن = ف، ل، س، ق، آ؛ در لی پس از این بیت بیت ۱۰۴۱ آمده است ۱۳- ل، ق، آ، لی، و، آ: این؛ متن = ف، س، لن، پ، ب ۱۴- ل، ق: بدان؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۵- ل، س، ق، آ: بودی؛ لن، لی، پ: بود او؛ متن = ف، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۶- آ: نماندی ۱۷- س، ق، آ، لی، پ، ب: گرده گاهم؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ ۱۸- ل، لن، ق، آ، لی، پ: چماند؛ س: چماند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ آ: خماندی؛ متن = ف، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ و: تک روزگارم چماند ۱۹- س- پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): بازگوه؛ متن = ف، ل، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۰- و: سپردم کنون جای خود زال را ۲۱- س، لن: که سابد؛ و، آ: کشاید (= که شاید) ۲۲- آ: < و >؛ در لی این بیت پس از بیت ۱۰۳۷ آمده است؛ لن، ق، آ، پ، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت و لی پس از بیت سپین افزوده اند:

چو من کردم او دشمنان کم کند  
 هنرهای او جای خرم (ق: دل بخرم؛ آ: دلت خرم) کند  
 ل<sup>۲</sup> پس از بیت ۱۰۴۱ دوباره آغاز میگردد؛ در س بیت های میان ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۸ درهم ریخته اند ۲۳- ل: که گر ۲۴- لن، ق، آ، لی، پ: پیمان؛ متن = ف، ل، س، و، آ، ب؛ در ق این بیت چنین آمده است:

که آن آرزو بر به یزدان نکوست  
 ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از بیت ۱۰۴۳ افزوده اند:

ازین آرزو گرچه خیزد بداد  
 ۲۵- ل<sup>۲</sup>: راه؛ لن این بیت را ندارد؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده است:  
 یکی نامه بنوشت سام سوار  
 و پس از آن سرنویس دارد: نامه سام بمنوچهر رفتن زال  
 کون بنگری زیر فرمان اوست  
 زما اهل ویوند (و، لن<sup>۲</sup>): ره اصل پیوند) و نسل و نژاد  
 که شاها پسر داردم خوامستار

شنیده‌ست شاه جهانبان من  
همی چاك چاك آمدش زاستخوان<sup>۳</sup>  
سزاتر<sup>۵</sup> که آهنگ کاول<sup>۶</sup> کنی  
فگنده به دور از میان گروه<sup>۸</sup>  
چو سرو سهی بر سرش گلستان<sup>۹</sup>  
ازو شاه را کین نباید گرفت  
که بخشایش آرد هرآنکش بدید<sup>۱۳</sup>  
چنان رفت پیمان<sup>۱۴</sup> که بشنید شاه<sup>۱۵</sup>  
چن<sup>۱۶</sup> آمد<sup>۱۷</sup> بنزدیک تخت بلند<sup>۱۸</sup>  
ترا خود نیاموخت<sup>۱۹</sup> باید خرد

۱۰۴۵ همانا که با<sup>۱</sup> زال پیمان من  
به پیش من آمد پر از خون رخان<sup>۲</sup>  
ما گفت بر دار آمل<sup>۳</sup> کنی  
چو پروردهی مرغ باشد به کوه  
چنان ماه بیند به کاولستان<sup>۴</sup>  
۱۰۵۰ چو دیوانه گردد<sup>۱۱</sup> نباشد شگفت  
کنون رنج<sup>۱۲</sup> مهرش به جایی رسید  
ز بس رنج<sup>۱۴</sup> کو دید<sup>۱۵</sup> بر بی گناه  
گسی کردم<sup>۱۸</sup> با دلی<sup>۱۹</sup> مستمند  
همان<sup>۲۳</sup> کن که با<sup>۲۴</sup> مهتری درخورد

۱- س: همانا ابا؛ ف، و پس از این بیت پنج بیت (و لن<sup>۲</sup> تنها سه بیت نخستین را) افزوده‌اند:

کند دارم آنرا بدو دست باز  
فرستاد از بهر این آژ و کام (و: ریزه کام؛ لن<sup>۲</sup>: زیر کام)  
کشیدم بر شاه گردنفرار  
ندادم ز شرم آگهی شاه را  
به ره زال را خسته و سوگوار

که هر آرزو کان گو سرفراز  
بر من سوی گرگاران پیام  
ز مازندران من بدین کار باز  
ندیدم ( و: بریدم) بدین آرزو راه را  
چو برگشتم از درگه شهریار

لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب پس از بیت ۱۰۴۵ افزوده‌اند:

چو باز آوریدم ز (لی: آوریدمش از) البرز کوه  
ق<sup>۲</sup>، آ: چو آوردم او را ز البرز کوه

که با او بکردم میان گروه

لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب پس از بیت بالا ول، ق، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup> پس از بیت ۱۰۴۵ افزوده‌اند:

درین روزها کردزی ما (آ، ل<sup>۲</sup>، ب: من) بیج (ق<sup>۲</sup>: گریسیچم همی)  
لی، پ: درین (پ: ازین) روز کردش سوی من (لن: <من>) بیج  
لی: درین روز کرد او سوی نوبیج

که از رای اوسر نیچیم بیج (ل: نیچیم هیچ؛ ق<sup>۲</sup>: نیچیم همی)

این بیت در ف، س، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) نیست ۲- ف، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ل<sup>۲</sup>: خون و خاک؛ متن = ل، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۳- لی: ز آسمان  
چاك چاك؛ لن، ق<sup>۲</sup>، پ، ل<sup>۲</sup>: همی آمدش زاستخوان چاك چاك؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ در ف لت دوم را چنین تصحیح کرده‌اند:  
همی آمدش زاستخوان چاك چاك ۴- ل<sup>۲</sup>: کابل ۵- آ: سرانرا (→ سزانی)؛ ب: از آن به ۶- س: چو ۷- ف، ل، س، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، آ، ب (و نیز  
ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ کابل؛ ل<sup>۲</sup>: آمل؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- ل، ق: نشانی شده در میان گروه؛ ل<sup>۲</sup>: فکنده من او از میان گروه؛ متن = نه دستنویس دیگر  
(و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ پیلای بیت های ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۸ درس: ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۸، ۹- ف- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>):  
کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ف: بوستان؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۱- لن، ق<sup>۲</sup>، پ، ب: باشد  
۱۲- ل: رنج و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- س: هرآنکس بدید؛ و: هرآنکس که دید؛ آ: ورا هرکه دید؛ ب: آورد هرکش بدید؛ متن = هشت  
دستنویس دیگر ۱۴- ل- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): درد؛ متن = ف ۱۵- لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: خورد؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۶-  
ق: آن هم ۱۷- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): مرا روز از اندوه او شد سیاه؛ در ف لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۸- و، ب: فرستادمش  
۱۹- س- لی، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): دل شده؛ پ: با دل؛ متن = ف، ل، و، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۰- ل- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو؛ متن = ف ۲۱- ل- و، ب  
(و نیز لن<sup>۲</sup>): آید؛ متن = ف، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۲- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): بدان بارگاه بلند ۲۳- ق: توان ۲۴- آ: از ۲۵- ف، لن، ق<sup>۲</sup>، پ، ل<sup>۲</sup>، ب:  
نیامخت؛ متن = ل، س، ق، لی، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ لن پس از این بیت يك بیت وق- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) دوبیت افزوده‌اند:

بگیتی مرا خود همینست و بس  
ز سام نریمان بشاه جهان  
چه انده‌گسار و چه فریادرس  
هزار (ل<sup>۲</sup>: هم از) آفرین بادو هم بر مهان (ق: در هر زمان)

این بیت هادرف، ل، س، و بیت دوم در لن نیست

۱۰۵۵ چو نامه نبشتند<sup>۱</sup> و شد رای راست  
 بیامد به زین اندرآورد پای  
 چو در کاول<sup>۵</sup> این داستان فاش گشت<sup>۶</sup>  
 برآشفت و<sup>۸</sup> سیندخت را پیش خواند  
 چنین<sup>۱۱</sup> گفت کاکنون جزین رای نیست<sup>۱۲</sup>  
 ۱۰۶۰ که آرمت<sup>۱۵</sup> با دخت ناپاک تن  
 مگر شاه ایران ازین<sup>۱۶</sup> خشم<sup>۱۷</sup> و کین  
 چو بشنید سیندخت<sup>۲۰</sup> بنشست پست<sup>۲۱</sup>  
 ستد زود<sup>۲</sup> داستان و<sup>۳</sup> بر پای خاست  
 برآمد خروشیدن<sup>۴</sup> کره‌نای<sup>۴</sup>  
 سر مرزبان پر ز پرخاش<sup>۷</sup> گشت<sup>۶</sup>  
 همه<sup>۹</sup> خشم رودابه بر وی<sup>۱۱</sup> براند  
 که<sup>۱۳</sup> با شاه گیتی مرا پای نیست<sup>۱۴</sup>  
 کُشم زارتان بر سر انجمن  
 برآساید و رام<sup>۱۸</sup> گردد برین<sup>۱۹</sup>  
 دل چاره‌جوی اندر اندیشه بست<sup>۲۲</sup>

۱- ل، لن، ق، لی، و، آ: نوشتند؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ، س) ۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، ب: دست؛ و: نامه؛ متن = ف، ل، ق، آ ۳- لی: < و >؛ پ پس از این بیت سه بیت و ل، ق تنها بیت های یکم و سوم را افزوده‌اند:

چو خورشید سر سوی خاور نهاد  
 بخفت و بیاسود تا بامداد  
 ق، پ: شب از نیرگی ناج بر سر نهاد

بخفت و بیاسود تا بامداد  
 چو آن جامه سوده بکند شب  
 از اندیشه بر دل نیامدش یاد  
 سپیده بخندید و بگشاد لب

۴- ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

سوی شهنشاه بنهاد روی  
 ابا نامه سام آزاده خوی (پ: بابک دادجوی)

و پس از بیت ۱۰۵۶ افزوده است:

ز زاولستان رخ بایران نهاد  
 دلسی پر ز انده سری پر ز باد

برخی از دستویس ها پس از بیت ۱۰۵۶ سرنویس دارند؛ ف: گفتار اندر رسیدن زال بنزدیک شاه منوچهر و دیدن شاه اورا و پسندیدنش (و پس از آن افزوده است): گفتار اندر ترتیب دادن آنک سیندخت را برسولی بنزدیک سام فرستد شاه کابل مهرباب؛ س، لی: خشم گرفتن مهرباب بر سین دخت (س: ... از بهر رودابه)؛ لن: رفتن سین دخت بنزدیک سام با خواسته؛ ق: خبر یافتن مهرباب کابل از خشم منوچهر؛ پ: آگاه شدن مهرباب از کار منوچهر؛ و: رفتن سین دخت نزد سام نریمان؛ آ: آمدن سیمدخ بنزدیک سام؛ ب: آغاز داستان ۵- ف- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است؛ و: بکابل چو؛ (لن: یکایک چو) ۶- ب: شد ۷- لی، و: فرخاش ۸- لی: < و > ۹- ل: همی؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۰- ل (و نیز ل، ن، آ، س): با او؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۱- لن، ق، آ، پ- ب (و نیز ل، ن، آ، س): بدو؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = ل، س، ق، لی (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۲- و: نیست رای ۱۳- س، لی، و، ب (و نیز ل، ن، آ، س): چو ۱۴- و: نیست پای ۱۵- س، لی، و: بیارمت ۱۶- لن، پ: ازان؛ ق: زمن ۱۷- لی: جنگ ۱۸- س: برآساید آرام؛ لن، پ: بیاساید و رام ۱۹- ل- ب (و نیز ل، ن، آ، س): زمین؛ متن = ف؛ ل، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ، س) پس از این بیت افزوده‌اند:

به (پ: ن کابل (آ، ب: یکایک) که با سام یارد چخید  
 که خواهد از آن (لن، پ: همی) زخم گزش چشید

ل، لی، ب: از آن (لی: مران) زخم گزش که یارد چشید

این بیت در ف، س، ق، و (و نیز در ل، ن، آ، س) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۰- پ: چو سیندخت بشید ۲۱- ق، آ، ل: پیش  
 نشت ۲۲- ق: اندران کار بست؛ ف، و، ب (و نیز ل، ن، آ، س) پس از این بیت افزوده‌اند:

همه روز تا شب در (ب: و آنشب به) اندیشه بود  
 دلش از بس اندیشه چون بیشه بود

ب: ز مهرباب را دل بر اندیشه بود

و (و نیز ل، ن، آ، س) پس از بیت بالا دوبیت و ب یک بیت افزوده‌اند:

دگر روز چون خور برآمد (ب: هور برشد) بلند  
 بر گرد مهرباب شد چاره‌جوی

جهان سربز گشت (ب: گشت یکسر) ازو ارجمند  
 پر از چاره دل لب پر از گفت و گوی

ل، لن، ق، ق، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، ن، آ، س) بجای بیت های بالا و ب پس از بیت های بالا افزوده‌اند:

یکی چاره آورد از دل بجای (ل: آ) که چاره بدل آورد او بجای  
 که بد ژرف بین او به تدبیر و رای (ل، ق: و فزاینده رای)

ق، آ، ب: که او ژرف بین بد به تدبیر و رای

س (و نیز س، آ) هیچیک از بیت های بالا را ندارند

بیامد بر شاه خورشیدفش<sup>۲</sup>  
 چو دیگر یکی<sup>۴</sup> کامت<sup>۵</sup> آید بکن<sup>۶</sup>  
 بیخش و بدان<sup>۸</sup> کین شب آستن ست  
 برو<sup>۱۱</sup> تیرگی هم نماند دراز  
 زمین<sup>۱۲</sup> چون نگین بدخشان شود  
 مزن در میان یلان داستان  
 وگر<sup>۱۶</sup> چادر خون به تن بر<sup>۱۷</sup> پوش  
 بود کهت به خونم نیاید<sup>۱۸</sup> نیاز  
 کشیدن مرین<sup>۲۱</sup> تیغ را از نیام<sup>۲۲</sup>  
 سپردن به من<sup>۲۴</sup> گنج آراسته  
 غم گنج هرگز نباید کشید  
 بیارای<sup>۲۷</sup> و با خویشتن بر به راه<sup>۲۸</sup>  
 چو پژمرده شد بفرورد به ما  
 بجای<sup>۳۴</sup> روان، خواسته خواردار  
 تو رودابه را سختی آری بروی

وزان پس دوان<sup>۱</sup> دست کرده به کش  
 بدو گفت بشنوز من يك سخن<sup>۳</sup>  
 ۱۰۶۵ ترا خواسته گر ز بهر تن ست<sup>۷</sup>  
 اگر چند باشد<sup>۹</sup> شب<sup>۱۰</sup> دیر یاز  
 شود روز، چون چشمه رخشان شود،  
 بدو گفت مهرباب کز باستان  
 بگوی<sup>۱۳</sup> آنج<sup>۱۴</sup> دانی و جان را بکوش<sup>۱۵</sup>  
 ۱۰۷۰ بدو گفت سیندخت کای سرفراز  
 مرا رفت باید همی<sup>۱۹</sup> پیش<sup>۲۰</sup> سام  
 ز من جان و رنج<sup>۲۳</sup> و ز تو خواسته  
 بدو گفت مهرباب کاینک<sup>۲۵</sup> کلید  
 پرستنده و اسپ و تخت<sup>۲۶</sup> و کلاه  
 ۱۰۷۵ مگر<sup>۲۹</sup> شهر کاول<sup>۳۰</sup> نسوزد<sup>۳۱</sup> به<sup>۳۲</sup> ما  
 چنین گفت سیندخت کای<sup>۳۳</sup> نامدار  
 نباید که چون من شوم<sup>۳۵</sup> چاره جوی

۱- س، ق: ۲؛ روان؛ ب: < دوان > (وزن نادرست است) ۲- لی: وش؛ در و (و نیز در لن<sup>۲</sup>) این بیت چنین آمده است:

چنین گفت کای شاه خورشید فش همه شربت بی مرادی مجش

۳- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): ز من بشنوز از ابتدا يك سخن ۴- ق: وزانپس کجا ۵- ق: رایت (یا: راست) ۶- لی: پس آنکه هرآنچه مرادست کن؛ و: وزانپس هرآنچه بیاید بکن ۷- ق: زنت؛ ق: آ: منت ۸- ل (و نیز س<sup>۲</sup>): بین و بدان؛ س: بدان و بده؛ ق: بده تو بدان؛ لی: مدار اندوهان؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۹- س، ق: لن؛ باشی ۱۰- س، ق: ل؛ شی ۱۱- آ: بدو ۱۲- ل، لن، ق: لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): جهان؛ متن = ف، س، و (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۱۳- ق، و: بگو ۱۴- ق، ق: پ، و، آ، ل، ب: آنچه؛ متن = ف، ل، س، لن، لی ۱۵- لی: بجای آرهوش ۱۶- لی، ل، و: یا؛ پ: اگر ۱۷- س: به سربر؛ ق، لی، آ، ل: به تن در؛ و: خاك و خون را به تن در؛ متن = ف، ل، لن، ق: پ، ب ۱۸- ق: < نیاید > (پاك شده است)؛ ل: نباشد؛ س، لن، لی، پ: بود کت نیاید (پ: بیاید) بجزی (س: بخونم)؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۱۹- لی، ب: همی رفت باید ۲۰- ل: بنزدیک؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۱- آ: زبن ۲۲- ل: زبان برگشایم چو تیغ از نیام؛ متن = ده دستویس دیگر؛ ل- پ، آ، ل، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند (در ل، ق، وزن در ل دوم نادرست است):

بگویم بدو آنج (پ، آ، ل، ب: آنچه) گفتن سزد (ق: آنچه بایستی) خرد خام گفتارها (لن، لی: گفتار او؛ ل: گفتها) را بزد

ق: سخنهای نیکو < که > بایستی

این بیت در ف، س، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) نیست ۲۳- ل، س، لن، ق: پ، آ، ل: ز من رنج جان؛ ق: ز من رنج و جان؛ متن = ف، لی، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۴- ق: تو (!) ۲۵- ل: بستان؛ س، لن، ق: لی، پ، آ، ب: کایت؛ (لن: کانک)؛ متن = ف، ق، و، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۶- لن، لی، پ، آ: تخت و اسب؛ و: اسب و گنج؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق: ل، ب ۲۷- ل، ق: بیفرور؛ و: برآرای ۲۸- س: بیر آنج خواهی و بر سارراه ۲۹- ل: همه ۳۰- ف- ق: لی- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ س: کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۱- پ: بسوزد ۳۲- ق: ز (ردیف نادرست است)؛ ق: این بیت را ندارد؛ در لن، لی، پ این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۳۳- س، لن، لی، پ، آ، ل: با؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۳۴- لن، پ: بخوای؛ در لن، لی، پ این بیت بایست پیشین پس و پیش شده است ۳۵- ق: شدم

کنون با توام روز<sup>۲</sup> پیمان اوست<sup>۲</sup>  
پس آنکه به جلدی<sup>۷</sup> ره<sup>۷</sup> چاره جست

به در<sup>۹</sup> و به<sup>۱۰</sup> یاقوت پرمایه سر<sup>۱۱</sup>  
برون<sup>۱۴</sup> ریخت<sup>۱۵</sup> دینار چون سی هزار<sup>۱۶</sup>  
پرستنده پنجه به زرین کمر<sup>۱۸</sup>  
ز<sup>۲۰</sup> اسپان تازی و از<sup>۲۱</sup> پارسی  
یکی جام مر<sup>۲۳</sup> هریکی را به دست  
یکی پر ز گوهر<sup>۲۵</sup>، یکی پر شکر<sup>۲۶</sup>  
طرازش<sup>۲۹</sup> همه گونه‌گونه گوهر  
چه زو سی<sup>۳۱</sup> به زهرآب داده پرند  
صد استر همه بارکش، راه‌جوی  
ابا یاره و طوق و با گوشوار<sup>۳۳</sup>

ما در جهان انده<sup>۱</sup> جان اوست<sup>۲</sup>  
یکی سخت پیمان سِتد زو<sup>۵</sup> نُخست

۱۰۸۰ بیاراست تن را به دیبای زر<sup>۸</sup>  
پس<sup>۱۲</sup> از گنج خضرا ز<sup>۱۳</sup> بهر نثار  
ده<sup>۱۷</sup> اسپ گرانمایه با ساز زر  
به سیمین<sup>۱۹</sup> ستام آوریدند سی  
ابا طوق زرین پرستنده شست<sup>۲۲</sup>  
۱۰۸۵ پر از مشک و کافور و یاقوت<sup>۲۴</sup> و زر  
چهل تخت<sup>۲۷</sup> دیبای پیکر<sup>۲۸</sup> به زر  
به زرین و سیمین دو صد<sup>۳۰</sup> تیغ هند  
صد اشتر همه ماده و<sup>۳۲</sup> سرخ موی  
یکی تاج پر گوهر شاهوار

۱- لی، پ: چاره<sup>۲</sup> - ل: نست؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) - ۳- ف: کتم با توام زود (در بالا کتم را به کنون تصحیح کرده است)؛ ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup> - ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>): کنون با توام روز؛ متن = س، ق، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) - ۴- ل: یکی سخت پیمانت خواهم درست؛ ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

ندارم همی انده خویشتن ازویست (ل<sup>۲</sup>: کزویست) این درد و اندوه من

۵- آ: از؛ ل<sup>۲</sup>: زوستد (وزن نادرست است) - ۶- ل، س، ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: بمردی؛ ق: بزودی؛ و: بدانش؛ متن = ف، ب - ۷- ق: در؛ ب در اینجا سرنویس دارد: آمدن سین دخت نزد سام - ۸- ف، ق: دیبای زر؛ ل<sup>۲</sup>، پ: دیبا وزر؛ متن = هشت دستویس دیگر - ۹- ق، لی، و: به زر - ۱۰- و: ز - ۱۱- ل<sup>۲</sup>، و: تر؛ لی، ب: در؛ پ، آ: بر؛ ل<sup>۲</sup>: لعل و گوهر؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ س، ق<sup>۲</sup>: پرستنده پنجه به زرین کمر (= ۱۰۸۲ ب) - ۱۲- آ: من - ۱۳- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): گنج زرش ز؛ س: گنج چینی ز؛ ل<sup>۲</sup>، ب: گنج مهرباب؛ ق: نقد گنجی ز؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): خانه گنج؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف (و نیز س<sup>۲</sup>) - ۱۴- ل: برو؛ ق، و: فرو؛ متن = هشت دستویس دیگر - ۱۵- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ: کرد؛ آ: آخت - ۱۶- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ: سیصد هزار؛ آ: زرین بدره‌های هزار؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب؛ بنداری؛ و: آخرت ثلاثین آلف دینار برسم الثار؛ در لی این بیت بابت سپین پس و پیش شده است - ۱۷- ل، ق، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): صد؛ ل<sup>۲</sup>، پ: دو؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ بنداری؛ و عشره من الخیول المذكورة - ۱۸- س: پرستنده پنجاه با زب و فر؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است - ۱۹- ل: بزین؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ده دستویس دیگر - ۲۰- س، و: از - ۲۱- ل: ز - ۲۲- لی، آ: شصت - ۲۳- ل: می؛ ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: زر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = متن = ف، س، ق، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: یاقوت و کافور؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = هفت دستویس دیگر - ۲۵- س: برحسه (نقطه ندارد)؛ ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب: پر شراب و (لی)؛ < و >؛ ل<sup>۲</sup>: پرز عنبر؛ متن = ف - ۲۶- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ: پر گهر؛ متن = ف، س، ق، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: ل: ز پیروزه چند و چندی گهر؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): طرازش همه گونه‌گونه گهر (= ۱۰۸۶ ب) - ۲۷- ل، ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب: جامه؛ س، ق، ل<sup>۲</sup>: رزمه؛ متن = ف (و نیز س<sup>۲</sup>) - ۲۸- ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، پ، آ، ب: نیکو؛ لی: رومی؛ متن = ف، ل، س، ق، ل<sup>۲</sup> - ۲۹- آ: هزارش؛ در لی این بیت پس از بیت ۱۰۸۹ آمده است؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۰۸۵ ب و ۱۰۸۶ آ را انداخته و از ۱۰۸۵ آ و ۱۰۸۶ ب يك بیت ساخته‌اند - ۳۰- ف، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>): به زرینه قبضه دوصد؛ س: بزین نیام بود صد (وزن نادرست است)؛ ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب این بیت را ندارند؛ متن = ل (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) - ۳۱- ل، ق: جزان سی؛ س: چو < ز > سی؛ و: از آن سی؛ متن = ف - ۳۲- ل، ق: ماده؛ ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، و؛ بنداری نیز این بیت و بیت پیشین را دارد: و مائة قطعة من السیوف الهندیة والصوارم المشرفیة، و مائة ناقة حمر... - ۳۳- ل، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ابا طوق و بایاره و گوشوار؛ س: همان طوق و هم باره و گوشوار؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup>، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ در لی پس از این بیت بیت ۱۰۸۶ آمده است



۱۰۹۰ بسان سپهری یکی تخت زر  
به رش<sup>۴</sup> خسروی بیست پهنای او<sup>۵</sup>  
و زان زنده پیلان جنگی<sup>۶</sup> چهار<sup>۷</sup>  
چو برساخت کار<sup>۸</sup> اندر آمد به اسپ  
بیامد گرازان به<sup>۹</sup> درگاه سام  
۱۰۹۵ به کار آگهان گفت تا<sup>۱۰</sup> ناگهان  
که آمد فرستاده‌ی کاولی<sup>۱۱</sup>  
ز مهرباب گرد آوریده پیام  
بیامد<sup>۱۲</sup> بر سام یل پرده‌دار  
فرود آمد از اسپ سینه‌دخت و<sup>۱۳</sup> رفت  
۱۱۰۰ زمین را بیوسید و کرد آفرین  
نثار و پرستنده و اسپ و پیل  
یکایک همه پیش سام آورید  
پُر اندیشه بنشست برسان مست  
که جایی کجا مایه چندین بود

برو بافته<sup>۲</sup> چند گونه گوهر<sup>۳</sup>  
چو<sup>۴</sup> سیصد فزون بود بالای او<sup>۵</sup>  
همه جامه و<sup>۶</sup> فرش کردند بار  
چو گردی<sup>۷</sup> به کردار آذرگشپ<sup>۸</sup>  
نه آواز داد<sup>۹</sup> و نه برگفت نام  
بگویند<sup>۱۰</sup> با سرفراز<sup>۱۱</sup> جهان  
بنزد سپهد یل<sup>۱۲</sup> زاولی<sup>۱۳</sup>  
بنزد سپهد جهانگیر<sup>۱۴</sup> سام  
بگفت و بفرمود تا داد بار<sup>۱۵</sup>  
به پیش سپهد خرامید<sup>۱۶</sup> تفت  
ابر شاه و بر پهلوان زمین  
رده<sup>۱۷</sup> برکشیده ز در تا دو میل<sup>۱۸</sup>  
سر پهلوان خیره شد کان<sup>۱۹</sup> بدید  
به کش کرده دست و سرافکنده پست  
فرستادن زن چه آیین بود

۱- ق: طوق زر؛ ق: بساطی بسان سپهری بزر ۲- ل (و نیز س): برو ساخته؛ س: درو ساخته؛ لن، پ: نشانده درو؛ ق: آ، ب: درو بافته؛ ل: درو یافته؛ (ل: بدو بافته)؛ متن = ف، ق ۳- (س: اندگونه گهر)؛ و (و نیز لن): برو کرده ترکیب بی مرگهر؛ لی از این بیت و بیت سپین بك بیت ساخته است:

نشانده درو چند گونه گوهر رسن خسروی شصت پهنای زر  
۴- س، لن، ق، پ، ل، ب (و نیز ل، س): رش؛ ف، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ل، آ ۵- ب: شست بالای او؛ و (و نیز لن): که صد گز فزون بود بالای اوی ۶- پ: ز ۷- ب: پهنای او؛ س (و نیز ل): سوار سرفراز بالای او؛ و (و نیز لن): مگر شست گز بود پهنای اوی ۸- ل- ق، پ، آ، ل، ب (و نیز س): هندی؛ متن = ف، لی، و (و نیز ل، لن) ۹- لی: هزار؛ بنداری: و أربعة من الفيلة الهائلة ۱۰- و: جامه؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند؛ ق، ق: رفتن (ق: آمدن) سین دخت برسولی نزد سام نریمان (ق: <نریمان>)؛ ل: آمدن سین دخت نزد سام با خواسته ۱۱- لن، لی، پ: چو پردخت گنج؛ ق، آ، ب: چو پردخت (ب: پرداخت) کار؛ ل: چو پر بخت (!) کار؛ متن = ف (و نیز ل، لن) ۱۲- و: گردان؛ درل، س، ق این بیت چنین آمده است:

چو شد ساخته کار خود برنشست  
چو گردی بمردی میان را ببست  
س: عنان ست کرد آنگهی او بدست

۱۳- ف، ل، ق، ق (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی ترک رومی بسر برنهاد  
یکی بارهی زیرش اندر چوباد (ق: اندر نهاد)

ل، ق: یکی باره زیر اندرش همچو باد

۱۴- لی: خرامان ز ۱۵- س: گفت ۱۶- لن، پ: از؛ لی: کز؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۱۷- لن، لی، پ: بگویند ۱۸- لن، لی، پ، و: با پهلوان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۹- ف: مهان؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۰- ف- ب (و نیز ل، لن، س): کابلی؛ متن نصیح قیاسی است ۲۱- ق: یکی؛ (ل: گو)؛ و (و نیز لن): چمان جرّمه زیر او ۲۲- ف- ب (و نیز ل، لن، س): زابلی؛ متن نصیح قیاسی است ۲۳- ف: جهاندار؛ و (و نیز لن): بنزد جهانگیر فرخنده؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، س) ۲۴- ل: درآمد ۲۵- و: پرده‌دار (پساوند ندارد) ۲۶- ل: <و> ۲۷- ل، ق، لی، پ: خرامید؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۸- ل: زده ۲۹- لی: چو دریای نیل؛ و: زره تا دو میل؛ لی پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن سینه‌دخت نزد سام برسولی ۳۰- آ: چون

- ۱۱۰۵ گرین<sup>۱</sup> خواسته زو<sup>۲</sup> پذیرم همه<sup>۳</sup>  
وگر<sup>۴</sup> بازگردانم از پیش، زال  
[برآورد سر گفت کین<sup>۵</sup> خواسته  
شوید<sup>۶</sup> این<sup>۷</sup> به گنجور دستان دهید  
پری روی<sup>۸</sup> سیندخت بر<sup>۹</sup> پیش سام  
سه بت روی با او بیکجا بُدند  
۱۱۱۰ گرفته یکی<sup>۱۰</sup> جام هریک به بر<sup>۱۱</sup>  
به پیش<sup>۱۲</sup> سپهبد فروریختند  
چو با پهلوان کار بر ساختند  
چنین گفت سیندخت با پهلوان  
۱۱۱۵ بزرگان ز<sup>۱۳</sup> تو دانش آموختند  
به مهر<sup>۱۴</sup> تو شد بسته<sup>۱۵</sup> دست بدی  
گنه کار اگر بود<sup>۱۶</sup> مهرباب بود  
سر بی گناهان کاول<sup>۱۷</sup> چه کرد  
پرستنده<sup>۱۸</sup> خاک پای تواند  
۱۱۲۰ آزان<sup>۱۹</sup> ترس کو هوش و زور آفرید<sup>۲۰</sup>
- ز من گردد آشفته<sup>۱</sup> شاه رمه<sup>۲</sup>  
برآرد بکردار سیمرخ یال<sup>۳</sup>  
غلامان و پیلان آراسته<sup>۴</sup>  
به نام<sup>۵</sup> بت<sup>۶</sup> کاولستان<sup>۷</sup> دهید<sup>۸</sup>  
زبان کرد گویا و دل<sup>۹</sup> شادکام  
سمن پیکر<sup>۱۰</sup> و سروبالا بُدند  
پُر از سرخ<sup>۱۱</sup> یاقوت و دُر و گهر<sup>۱۲</sup>  
همه يك به دیگر برآمیختند  
ز بیگانه خانه پرداختند  
که با رای<sup>۱۳</sup> تو پیر گردد جوان<sup>۱۴</sup>  
به تو تیره گیهان<sup>۱۵</sup> بیفروختند<sup>۱۶</sup>  
به<sup>۱۷</sup> گرزت گشاده ره ایزدی  
ز خون دلش میزه<sup>۱۸</sup> سیراب<sup>۱۹</sup> بود  
کجا اندرآورد باید به گرد  
همه شهر<sup>۲۰</sup> زنده برای تواند  
درخشنده ناهید و هور آفرید<sup>۲۱</sup>

۱- لن، پ: اگر؛ آ: کزین ۲- ب: زین ۳- آ: بدیدم همی ۴- ل- و، ل: ب (و نیز لن، س: آ): آزده؛ متن = ف (و نیز ل، س: آ) ۵- لی، پ (و نیز ل، س: آ): شاه و رمه؛ آ: آزان بر دل شاه باشد غمی ۶- پ: اگر ۷- س، ق، ق: آ (و نیز لن، س: آ): بال؛ و: مال (نقطه ندارد)؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، س: آ): لن، لی در اینجا سرنویس دارند: دلخوشی دادن سام سیندخت را ۸- لی: این؛ متن = ف، و (و نیز لن، س: آ): ل، س، لن، ق، ق: آ، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س: آ): این بیت را ندارند ۹- ل: روید؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س: آ) ۱۰- لن- ب (و نیز ل، لن، س: آ): و؛ متن = ف، ل، س ۱۱- ف، پ، و (و نیز لن، س: آ): پیام؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، س: آ) ۱۲- ل، لن، ق، ق: آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، س: آ): مه؛ متن = ف، س، و، ب (و نیز لن، س: آ) ۱۳- ف- ب (و نیز ل، لن، س: آ): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۴- س، لن، ق، ق: آ، ل، ب (و نیز ل، س: آ): نهید؛ متن = ف، ل، لی، پ، و، آ (و نیز ل، لن، س: آ) ۱۵- لن، ق: آ- ب: پری چهره؛ متن = ف، ل، س، ق (و نیز ل، س: آ) ۱۶- لن- پ، آ، ل، ب: در؛ متن = ف، ل، س، و ۱۷- و، آ: گویا دل و؛ ل، لن- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س: آ) پس از این بیت افزوده اند: چو آن هدیه او (ل): هدیه هارا پذیرفته دید رسید بهی و بدی رفته دید

این بیت در ف، س، و (و نیز در لن، س: آ) نیست ۱۸- ق: پری پیکر ۱۹- س: گرفتند يك ۲۰- ل، ق (و نیز ل، س: آ): بدست؛ س، لن، ق: آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س: آ): بکف؛ و (و نیز لن، س: آ): زرز؛ متن = ف ۲۱- و: لعل و ۲۲- س: در و صدف؛ لن، ق: آ، لی، پ، آ، ل، ب: در پیش صف؛ متن = ف، و (و نیز لن، س: آ): ل، ق (و نیز ل، س: آ): بفرمود کامد بجای نشست؛ در ب این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۲۳- لن، لی، پ: بتزد؛ در ب این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۲۴- و: فر ۲۵- ل: سر پهلوانان و پشت گوان (= ۱۱۲۶ ب)؛ ب: که ای تاج و تخت و خرد را روان؛ آ این بیت را ندارد ۲۶- ق: آ: < ز > ۲۷- ل، ق، لی، و (و نیز ل، لن، س: آ): به تونیرگی ها؛ س: به فر تو کیهان؛ لن، ق: آ، پ، ب: به تو تیره گیتی؛ ل: آ این بیت را ندارد؛ متن = ف ۲۸- ل، لن- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، س: آ): برافروختند؛ متن = ف، س، و ۲۹- لی: به زور؛ آ: به بند ۳۰- ب: شسته ۳۱- ق: ز؛ در س پس از این بیت ۱۱۲۰ آمده است ۳۲- ل، ق، ل: آ: گربود؛ ق: آ، ب: اگر چه که؛ و: اگر باب (!)؛ متن = ف، لن، س، لی، پ ۳۳- ل، ق، ق: آ: دیده؛ س: چشم؛ لن، لی، پ، و، آ، ل (و نیز ل، لن، س: آ): مزه؛ ب: ز خون مزه دلش؛ متن = ف (حرف دوم نقطه ندارد) ۳۴- لن، ق، ق: آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، س: آ): برآب؛ ب: خوناب؛ متن = ف، ل، س، و (و نیز ل، س: آ) ۳۵- ف- و، ل، ب (و نیز ل، لن، س: آ): کابل؛ آ: کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۶- پ- ب: پرستنده و؛ متن = ف- لی ۳۷- و: همه ساله؛ در لن، لی، پ: لت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۸- لی، ب: آزاو ۳۹- ق، لی: زور و هوش آفرید ۴۰- پ: آفرین (ردیف نادرست است)؛ در س این بیت پس از بیت ۱۱۱۶ آمده است

میان را به خون برهمن میند<sup>۱</sup>  
 هرآنچت<sup>۲</sup> پیرسم بهانه مجوی  
 مران<sup>۴</sup> دخت او را کجا دید زال  
 به من گوی<sup>۵</sup> تا با که اندرخورد  
 برانسان<sup>۱۱</sup> که دیدی<sup>۱۱</sup> یکایک بگوی<sup>۱۲</sup>  
 سر پهلوانان و پشت گوان<sup>۱۴</sup>  
 که لرزان شود<sup>۱۵</sup> زو بر و بوم و رُست  
 نه آنکس<sup>۱۶</sup> که برمن بود ارجمند<sup>۱۷</sup>  
 همان گنج و خویشان و بنیاد هست<sup>۱۹</sup>  
 بگویم، بجویم<sup>۲۲</sup> بدین<sup>۲۳</sup> آب روی<sup>۲۴</sup>  
 بگویم رسانم به زاولستان<sup>۲۶</sup>  
 ورا نیک بنواخت و<sup>۲۷</sup> پیمان بیست  
 همان راست گفتار و پیوند<sup>۳۰</sup> اوی<sup>۲۹</sup>  
 بگفت آنچ<sup>۳۱</sup> اندر نهان بود راست  
 زن گرد مهرباب روشن روان  
 که دستان همی جان<sup>۳۲</sup> فشانند بروی<sup>۳۵</sup>  
 شب تیره تا برکشد روز چاک<sup>۳۸</sup>  
 همان بر جهاندار شاه زمین  
 ز<sup>۴۱</sup> کاول<sup>۴۲</sup> ترا دشمن و دوست کیست

نیاید چنین کارش<sup>۱</sup> از تو پسند  
 بدو سام یل گفت: با من بگوی  
 تو مهرباب را کهتری<sup>۴</sup> گر<sup>۵</sup> همال  
 به روی و به موی و به خوی و خرد<sup>۶</sup>  
 ز بالا و دیدار و فرهنگ اوی<sup>۱۱۲۵</sup>  
 بدو گفت سیندخت کای پهلوان<sup>۱۳</sup>  
 یکی سخت پیمانت خواهم نخست  
 که از تو نیاید به جانم گزند  
 مرا کاخ و ایوان<sup>۱۸</sup> آباد هست  
 چو ایمن شوم<sup>۲۰</sup>، هر چه گفتی<sup>۲۱</sup>: بگوی  
 نهفته همه گنج کاولستان<sup>۲۵</sup>  
 گرفت آن زمان سام دستش بدست  
 چو بشنید سیندخت سوگند<sup>۲۸</sup> اوی<sup>۲۹</sup>  
 زمین را بیوسید و بر پای خاست  
 که من خویش ضحاکم ای پهلوان<sup>۱۱۳۵</sup>  
 همان<sup>۳۱</sup> مام<sup>۳۳</sup> رودابهی ماه روی  
 همه دودمان پیش<sup>۳۶</sup> یزدان پاک<sup>۳۷</sup>  
 همی برتوسر خواندیم آفرین<sup>۳۹</sup>  
 کنون آمدم تا هوای تو<sup>۴۰</sup> چیست

۱- س، لن، لی، پ، و؛ کار؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز لن، س) ۲- ل، س، ق، ق، پ؛ به خون ریختن در میند (ق) نخست برابر متن بوده است)؛ ل: میان بخون برهمن بر میند (وزن نادرست است)؛ متن = ف، لن، لی، و، آ، ب (و نیز ل، لن، س) ۳- ل، ق؛ از آن کت؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۴- س؛ مهتری ۵- ف، س؛ ب (و نیز ل، لن، س)؛ با؛ متن = ل ۶- پ؛ مرا ۷- ق؛ بخوبی خرد ۸- ف؛ به من گو که؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۹- لی، ل؛ او؛ آ؛ وروی ۱۰- س، ق، لی؛ بدانسان ۱۱- ق، ق، لی؛ دانی ۱۲- لی؛ بگو؛ ل؛ بکابل بگو ۱۳- آ؛ نیک نام ۱۴- آ؛ بزنی همچنین جاودان شادکام ۱۵- لن، پ، آ؛ بود ۱۶- ف؛ نه از کس؛ متن = ل، لن، ب (و نیز لن، س) ۱۷- آ؛ انجمن (بیاوند ندارد)؛ س؛ نه زانان کجا بندگان تواند ۱۸- ل؛ مرا کاخ ویران و (!) ۱۹- لن، لی، ب؛ خویشان با زور دست؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۰- ف؛ شلم؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۱- ل، ق، و (و نیز لن، س)؛ گویی؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، س) ۲۲- پ؛ نجویم ۲۳- ق، ق؛ بدان؛ و؛ برین ۲۴- آ، ل؛ آب وروی ۲۵- ف- ب (و نیز ل، لن، س)؛ کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶- ل- ب (و نیز ل، لن، س)؛ زابلستان؛ متن = ف ۲۷- لن، ق- ب؛ همان (ق)، و، آ؛ ل؛ همه) عهد و سوگند؛ متن = ف، ل، س، ق (و نیز س) ۲۸- ب؛ پیمان (بیاوند ندارد) ۲۹- ل- لی، آ، ل؛ او؛ متن = ف، پ، و ۳۰- ب؛ سوگند؛ ق؛ همان راست پیوند پیمان ۳۱- لن، ق، ل، آ؛ ب؛ آنک؛ ق، و؛ آنچه؛ پ، آ؛ آنکه؛ متن = ف، ل، س، لی؛ ل؛ در این جاسر نویس دارد: عهد کردن سین دخت با سام ۳۲- ق، و؛ منم ۳۳- پ؛ نام (!)؛ ل؛ سام (!) ۳۴- ف؛ خون؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۳۵- ل، ق، لی؛ بدوی؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۳۶- لن، ق، آ، پ، آ، ب؛ نزد؛ و؛ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، ل؛ بیای ۳۸- ق؛ خاک؛ لی؛ شب تیره بودیم یکسر بجای ۳۹- لن، لی، پ؛ همه بر تو خوانیم و زال آفرین؛ آ؛ همه بر تو خواندیم می آفرین؛ ل؛ همی بر تو خوانند می آفرین؛ ب؛ همه بر تو میخواندیم آفرین؛ و؛ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، ق، آ؛ ۴۰- ق؛ آ؛ <نو> (وزن نادرست است) ۴۱- ق، لی، پ، و؛ به؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۴۲- ف- ب (و نیز ل، لن، س)؛ کابل؛ متن تصحیح قیاسی است

۱۱۴۰ اگر ما گنه‌کار و بدگوهریم  
 من اینک به پیش توام مستمند  
 دل بی‌گناهان کاول<sup>۲</sup> مسوز

زنی دید بارای و<sup>۷</sup> روشن روان  
 میانش چو<sup>۹</sup> غرو و<sup>۱۰</sup> به رفتن تذرو  
 درستست<sup>۱۱</sup> اگر نگسلد<sup>۱۲</sup> جان من  
 بمانید شادان دل و تندرست  
 به<sup>۱۶</sup> گیتی چو رودابه خواهد<sup>۱۷</sup> همال  
 همان تاج و اورنگ را درخورید  
 ابا<sup>۲۰</sup> کردگار جهان جنگ نیست  
 یکی با<sup>۲۱</sup> فزونی<sup>۲۲</sup> یکی با<sup>۲۳</sup> نهیب  
 ز کمی<sup>۲۷</sup> دل دیگری کاسته

۱۱۴۵ سَخُن‌ها چو بشنید ازو<sup>۱۳</sup> پهلوان  
 به رخ چون بهار و به بالا چو سرو<sup>۱۴</sup>  
 چُنین داد پاسخ که پیمان من  
 تو با<sup>۱۳</sup> کاول و<sup>۱۴</sup> هرکه پیوند تُست  
 بدین<sup>۱۵</sup> نیز همداستانم که زال  
 شما گرچه از گوهری<sup>۱۸</sup> دیگرید  
 چُنین ست گیتی وزین<sup>۱۹</sup> ننگ نیست  
 ۱۱۵۰ یکی بر<sup>۲۱</sup> فراز و یکی در نشیب  
 یکی از فزایش<sup>۲۵</sup> دل<sup>۲۶</sup> آراسته

۱- ق<sup>۱</sup> پس از این بیت افزوده است:

من اینک به پیش تو استادهام سرم را بفرمانت بنهادام

لی پس از بیت ۱۱۴۰ افزوده است:

سر بی‌گناهان کابل چکرد که از جان ایشان برآری تو گرد (= ۱۱۱۸)

۲- س: تو دل مستمند؛ ق<sup>۲</sup>: به پیش تو استادهام مستمند؛ (ق<sup>۲</sup> از بیت ۱۱۴۱ دوبیت ساخته است، ← پ ۱) ۳- ل، ق (و نیز س<sup>۲</sup>): بکش گرکشی (ق: کشتی) و ریندی بیند؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>- ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): بکش کشتی بستنی را بیند؛ متن= ف (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۴- ف- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۵- ل، ق (و نیز س<sup>۲</sup>): کجا تیره روز؛ س: که بس تیرگی؛ لن، پ: کزین تیرگی؛ ق<sup>۲</sup>، لی، آ، ب: کزان تیرگی؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): که بس زود روز؛ ل<sup>۲</sup>: که بس تیره شب؛ (ل<sup>۲</sup>: کجا تیرگی)؛ متن= ف ۶- لن: زو ۷- س، لن، ق، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): <و>؛ متن= ف، ل، ق<sup>۲</sup>، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۸- س، و: بیالای سرو ۹- لن، لی، پ: میانی چو؛ ق<sup>۲</sup>، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: میان همچو؛ متن= ف، ل، س، ق ۱۰- ق<sup>۲</sup>: <و> ۱۱- لی: همانست ۱۲- س، پ: بگسلد (نقطه ندارد)؛ لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بگسلد؛ متن= ف، ل، ل<sup>۲</sup>، ب ۱۳- س: ترا ۱۴- لن: کابلی؛ ف، ل، س، ق- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابل و؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب: برین؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۶- ل، س، ق، ق<sup>۲</sup>، آ، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): ز؛ متن= ف، لن، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۷- ل، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): جوید؛ متن= ف، س، ق، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۱۸- س، آ، ل<sup>۲</sup>: گوهر ۱۹- ق، ق<sup>۲</sup>: و این ۲۰- و: که با؛ ل، ق، ق<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

چنان آفریند که آبدش رای

نمانیم (ق: بماندیم؛ ق<sup>۲</sup>: نماندیم) و ماندیم باهای های (ق: هوی و های)

۲۱- س: با؛ لن، ق، لی، پ، ل<sup>۲</sup>، ب: در؛ متن= ف، ل، ق<sup>۲</sup>، و، آ ۲۲- ف: را؛ ق: در؛ متن= ل، س، لن، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۳- ق<sup>۲</sup>: یکی شادمانی؛ آ: یکی شادمان و ۲۴- ف: را؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۵- لن، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): فزونی؛ س، ق، ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارند، ولی در ق<sup>۲</sup> آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۶- ل، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): شد؛ متن= هفت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۷- لی: ز تنگی؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

سرانجام هردو بخاک اندر است (لی، آ: اندرند)

که هر گوهری کشته (ق<sup>۲</sup>: کشت وی؛ آ: کشته‌زی؛ ل<sup>۲</sup>، ب: کشت‌زی) گوهرست

لی: که هر گوهر از گونه دیگرند

این بیت در ف، ل، س، ق، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق<sup>۲</sup> آنرا در کناره افزوده‌اند؛ ق پس از بیت ۱۱۵۱ و ق<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از بیت بالا افزوده‌اند:

بکوشم چنین از (ق<sup>۲</sup>: کنون کن) بی کار تو وزین لابه و ناله زار تو

نبشتم<sup>۲</sup> بنزدیک<sup>۳</sup> شاه بلند  
چنان شد که گفتی<sup>۴</sup> برآورد پر  
همان نعل اسپش زمین را ندید<sup>۵</sup>  
چو خندان شود، رای<sup>۶</sup> فرخ نهد  
از<sup>۷</sup> آب مژه پای در<sup>۸</sup> گل شده‌ست  
سزد گر برآیند هر دو ز پوست<sup>۹</sup>  
مرا<sup>۱۰</sup> نیز بنمای<sup>۱۱</sup> و بستان بها  
کند بنده را شاد و روشن روان  
سرم برشود با<sup>۱۲</sup>سمان بلند  
همه پیش او<sup>۱۳</sup> جان نثار آوریم  
همه<sup>۱۴</sup> بیخ<sup>۱۵</sup> کین از دلش کنده دید<sup>۱۶</sup>  
برافگند و مهراب را مژده داد<sup>۱۷</sup>  
دلت شاد کن، کار مهمان بسیج<sup>۱۸</sup>  
بیایم، نجویم<sup>۱۹</sup> به ره بر زمان  
بجنبید<sup>۲۰</sup> و بیدار شد سر ز خواب  
به درگاه<sup>۲۱</sup> سالار دیهیم جوی

یکی نامه با لابه وا دردمند  
بنزد منوچهر شد زال زر  
به زین اندرآمد که زین را ندید  
بدین<sup>۱</sup> زال را شاه پاسخ دهد  
۱۱۵۵ که پرورده‌ی مرغ بی دل شده‌ست  
عروس ار<sup>۲</sup> به مهراندرون همچنوست<sup>۳</sup>  
یکی روی آن<sup>۴</sup> بجهی ازدها  
بدو گفت سیندخت: اگر<sup>۵</sup> پهلوان  
۱۱۶۰ چماند<sup>۶</sup> به کاخ من اندر سمند  
به کاول<sup>۷</sup> چنو<sup>۸</sup> شهریار آوریم  
لب سام سیندخت پر خنده دید<sup>۹</sup>  
نوندی<sup>۱۰</sup> دلاور<sup>۱۱</sup> بکردار باد  
کز<sup>۱۲</sup> اندیشه‌ی بد مکن یاد هیچ<sup>۱۳</sup>  
۱۱۶۵ من اینک پس نامه اندر دمان  
دوم<sup>۱۴</sup> روز چون چشمه‌ی آفتاب  
گرانمایه سیندخت بنهاد روی

۱- لی، پ: لابه؛ و: یکی نامه کرده ام ۲- ل، لن، ق، لی، پ، آ: نوشتم؛ و: بنزد؛ متن=ف، س، ق، ل، آ، ب ۳- و: منوچهر ۴- پ: گویی؛ ل: چنان رفت گفتی ۵- لن، لی، پ این بیت را ندارند ۶- لن، ق، لی، پ، آ، ل: برین؛ متن=ف، ل، س، ق، و، ب ۷- ل: راه ۸- ا: ز ۹- ف: پر (حرف بکم با بک نقطه، ولی به پیش است)؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۰- س: عرووش ۱۱- ل (و نیز ل): همچو تست؛ لن، ق، لی، پ، و، ب: همچو اوست؛ ق: همچونست (بساوند نادرست است)؛ متن=ف، س، آ، ل (و نیز س) ۱۲- ل (و نیز ل): سزد گر بمانید هر دو درست؛ و (و نیز لن): سزد گر برایم هر دوز پوست؛ آ: سزد گر برآیند هر دوز دوست؛ ب: سزد گر برآیند ز پوست (وزن نادرست است)؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز س) ۱۳- پ: از آن ۱۴- ق: مران ۱۵- ف، ب: بنما؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز لن، آ، س)؛ و (و نیز لن) پس از این بیت دویست، و ق (و نیز ل) نهایت دوم را افزوده‌اند:

همان هم برآورده تو بخوی  
که بالا چنین باید و روی و میوی  
مگر دیدن او پسند آیدم  
که دیدار او سودمند آیدم

۱۶- ل، ق، گر؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۷- لی، پ، آ: جهانند ۱۸- لی، ل: زآسمان؛ و: سرم برفرزاد بچرخ؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۹- لن، ق (و نیز س): یکایک؛ ف، ل، س، ق، لی، ب (و نیز ل، لن، آ): به کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۰- لی: چو نو ۲۱- لن، لی، پ: تو؛ ق: وی؛ در ق این بیت چنین آمده است:

یکایک همه جان نثار آوریم  
درخت پرستش ببار آوریم  
لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بخنده بدو گفت سام دلیر  
برآید یکام تو این (ق، آ، ب: تو بی) کار زود  
بیامد از آنجایکه شادکام (ق، آ، ب: شادمان)  
کز اندیشه دل را مکن هیچ خیر (ق، آ: نیر؛ لی، پ: سیر؛ ب: بین)  
چو بشنید سین دخت پوزش (ق، آ، ب: خدمت) نمود  
رخ از خرمی گشته یاقوت فام  
ق، آ، ب: بچهره شده چو گل و (ب: < و > ارغوان)

۲۲- ق: بود ۲۳- س، لن، پ: همان؛ آ: همین؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۴- ل، ق: نخم؛ متن= ده دستویس دیگر؛ لن، لی در اینجا سرنویس دارند، لن: مژده دادن سین دخت مهراب را؛ لی: مژده فرستادن سین دخت بمهراب کابل ۲۵- ل: نویدی ۲۶- س: تکاور ۲۷- ب: نیایم کم هر چه او گفت یاد (!)؛ ب این بیت را ندارد ۲۸- و: که ۲۹- لی: هیچ یاد (بساوند ندارد)؛ س، لن، پ: کز اندیشه دل را مکن رنجه هیچ (لن: هیچ یاد؛ پ: یاد هیچ)؛ ب این بیت را ندارد؛ متن=ف، ل، ق، آ، ل، آ، ل: ساز مهمان بسیج؛ لن: دلت شاد گردان بدین روز شاد ۳۱- ل: بجویم؛ ب این بیت را ندارد ۳۲- و: دگر ۳۳- لن، لی، پ: بخندید؛ متن= نه دستویس دیگر ۳۴- لن، لی، پ، و: بنزدیک؛ متن= هشت دستویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز شادی جهان بر دلش چون بهشت  
شده کارهایش همه خوب زشت

روارو برآمد ز درگاه سام  
 بیامد بر سام<sup>۲</sup> و بردش نماز  
 ۱۱۷۰ به دستوری بازگشتن بجای<sup>۴</sup>  
 دگر ساختن کار مهمان نو<sup>۵</sup>  
 ورا<sup>۹</sup> سام یل گفت: برگرد و رو<sup>۶</sup>  
 سزاوار او خلعت آراستند  
 به کاول<sup>۴</sup> دگر<sup>۱۵</sup> سام را<sup>۱۴</sup> هرچه<sup>۱۷</sup> بود  
 ۱۱۷۵ دگر چارپایان دوشیدنی  
 به سیندخت بخشید<sup>۲۰</sup> و دستش بدست  
 پذیرفت<sup>۲۲</sup> مر دخت او زال را<sup>۲۳</sup>  
 سرافراز گردی و مردی دوست<sup>۲۵</sup>  
 به کاول<sup>۲۹</sup> بیاش<sup>۳۰</sup> و به شادی بمان  
 ۱۱۸۰ شکفته شد آن روی پژمرده<sup>۳۱</sup> ماه

مه<sup>۱</sup> بانوان خواندندش به نام  
 سخن گفت با او<sup>۳</sup> زمانی دراز  
 شدن شادمان پیش<sup>۵</sup> کاول<sup>۶</sup> خدای  
 نمودن به داماد پیمان نو<sup>۷</sup>  
 بگوی<sup>۱۱</sup> آنچه<sup>۱۲</sup> دیدی<sup>۱۱</sup> به مهراب گو<sup>۱۰</sup>  
 ز گنج آنچه<sup>۱۳</sup> پرمایه تر خواستند  
 ز کاخ و ز باغ<sup>۱۸</sup> و ز کشت و درود  
 ز گستردنی هم<sup>۱۹</sup> ز پوشیدنی  
 گرفت و یکی سخت<sup>۲۱</sup> پیمان بیست  
 خداوند ژوپین و گوپال را<sup>۲۴</sup>  
 بدو داد و<sup>۲۶</sup> گفتش<sup>۲۷</sup> که اکنون<sup>۲۸</sup> مه ایست  
 ازین پس مترس از بد بدگمان  
 به نیک اختری برگرفتند راه

### گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از آمدن زال<sup>۳۲</sup>

۱- ق، پ، ب: همه؛ در پ ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۲- و: بدستان (!) ۳- ق: وی ۴- و: زجای ۵- ل: سوی؛ ق: نزد؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۶- ف- ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- ق، آ، پ، آ: پیمان تو؛ ل، آ، ب: پیمان نو؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، س، ل، ن، ل، ی، و (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۸- ق: مهمان تو؛ ل، آ، ب: مهمان نو؛ ل، ن، پ: بیرون بنزدیک مهمان نو (پ: تو)؛ آ: نمودن بدان ماه مهمان تو؛ متن = ف، ل، س، ل، ی، و (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۹- ب: مرا ۱۰- ل، ل، ن، ق، پ، و: بگو؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۱- ق، آ، ل، ی، پ، و، آ، ل، آ، ب: آنچه؛ متن = ف، ل، س، ل، ن، ق ۱۲- آ: گفتی ۱۳- ق، آ، پ، و، آ، ل، آ، ب: آنچه؛ متن = ف، ل، س، ل، ن، ل، ی، ل، ن، ق، آ، ل، ی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س) پس از این بیت افزوده اند:

هم از بهر مهراب و (ل، ن، ق، آ، ل، ی: < و >) سین دخت باز هم از بهر رودابه مهر ساز  
 این بیت در ف، ل، س، ق، و (و نیز در ل، ن، آ) نیست ۱۴- ف، س- ب (و نیز ل، ن، آ): بکابل؛ ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س): یکابک؛ متن تصحیح قیاسی است  
 ۱۵- ل: در ۱۶- ل، ن، پ: یل ۱۷- ل، س، ل، ن: هرچ؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۸- و، آ: زباغ و زکاخ ۱۹- س، ل، ن، ق، آ، ل، ی، پ، آ، ب: و؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، آ (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۲۰- س، ل، ی، پ، ل، آ، ب: < و >؛ ل، ن: فرمود؛ متن = ف، ل، ق، آ، و، آ ۲۱- ل، ل، ن، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س): نیز؛ ق: عهدو؛ ق، آ، ل، ی، و (و نیز ل، ل، ن، آ): تازه؛ متن = ف، س، آ ۲۲- س، ل، ن، ل، ی، پ: پذیرفت؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۳- ل (و نیز ل، ل، ن، آ): او را بزوال؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۲۴- ل: که باشند هر دو بشادی همال؛ س، ل، ن، ق، ل، ی- ب (و نیز س، ل، ن، آ): بزین اندر افکند کویال را؛ ق: خداوند شمشیر و کویال را؛ (ل، آ): که بازال رودابه باشد همال؛ ل، ن، آ: بدین در فکندند کویال را؛ متن = ف ۲۵- ل، آ: سرافراز گردان سرکش دوست ۲۶- ل، ی: < و > ۲۷- ل، ن، ل، ی: گفتا ۲۸- ل، ق (و نیز س، ل، ن، آ): ایدر؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲۹- ف- ق، ل، ل، آ (و نیز ل، ل، ن، آ): بکابل؛ ق، آ، ب (و نیز س، ل، ن، آ): یکابک؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۰- آ: بران ۳۱- و: روی پوشیده؛ ل، ق پس از این بیت دو بیت و ل، ی، پ نهایت دوم را افزوده اند:

بشد مادر دختر پساك تن خنك مادر دختر نيك زن  
 كنون گوش كن رفتن (ل، ی: رفتن و) كار زال كه شد زى منوچهر فرخنده فال

۳۲- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از آمدن زال و فرستادن لشکر را پذیره او و نواختن او را؛ س، ق، آ، ل، آ، ب: رسیدن (ب: آمدن) زال نزد (ق، آ، ب: بنزد) منوچهر (ل، آ: و اجازت او)؛ ل، ن: آگاهی یافتن منوچهر از رسیدن زال سام؛ ق: رسیدن زال بیارگاه منوچهر شاه با نامه سام؛ ل، ی: رسیدن زال بدرگاه منوچهر؛ پ: آمدن زال با نامه سام بنزد منوچهر؛ و: گفتار اندر نواختن منوچهر شاه زال زور را؛ آ: رسیدن زال بنزدیک شاه منوچهر؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف

پس آگاهی آمد سوی شهریار پذیره شدندش همه سرکشان چُن آمد<sup>۱</sup> بنزدیکی بارگاه چو نزدیک شاه اندرآمد زمین ۱۱۸۵ زمانی همی داشت بر خاک روی بفرمود تا رویش از خاک<sup>۸</sup> خشک بیامد بر تخت شاه ارجمند که چون بودی ای پهلوان زاده مرد<sup>۱۰</sup> به فر تو<sup>۱۴</sup> گفتا همه بهتریست<sup>۱۵</sup> ازو بستد آن نامه‌ی پهلوان ۱۱۹۰ چو برخواند پاسخ چنین داد باز ولیکن بدین نامه‌ی دلپذیر اگرچه مرا هست دل زین دژم<sup>۲۱</sup> بازم برآرم<sup>۲۴</sup> همه کام<sup>۲۵</sup> تو

که آمد ز ره زالِ سامِ سوار که بودند در پادشاهی نشان سبک نزد شاهش<sup>۳</sup> گشادند راه بیوسید و<sup>۴</sup> بر شاه کرد آفرین بدو داده<sup>۵</sup> دل شاه<sup>۶</sup> آزمونجوی<sup>۷</sup> ببردند شادان سوی گردِ مشک<sup>۹</sup> بپرسید ازو شهریار بلند بدین<sup>۱۱</sup> راه دشخوار<sup>۱۲</sup> با باد و گرد ابا تو همه رنج رامشگریست<sup>۱۴</sup> بخندید و شد شاد و روشن روان که رنجم<sup>۱۷</sup> فزودی به دل بر دراز<sup>۱۸</sup> که بنبشت<sup>۱۹</sup> با<sup>۲۰</sup> درد دل سام پیر برآنم<sup>۲۲</sup> نه اندیشم<sup>۲۳</sup> از بیش و کم گر<sup>۲۶</sup> اینست آرام و فرجام<sup>۲۷</sup> تو

شهنشاه بنشست با زال زر<sup>۲۸</sup> نشستند بر خوان شاه رمه<sup>۲۹</sup>

۱۱۹۵ ببردند خوالیگران خون زر بفرمود تا نامداران همه

- ۱- ل- لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ): چو آمد؛ پ: برآمد؛ متن = ف (و نیز س، آ) ۲- لن، ق، پ، آ، ب: پادشاه؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳- س: راهش ۴- لی: < و > ۵- ل، س، لن، ق، پ (و نیز ل، آ): داد؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز لن، آ، س) ۶- ل، آ: چو (وزن نادرست است) ۷- ف: آرامجوی؛ (س، آ: آزاده خوی)؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ): ف، و (و نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند: چو زان سان همی بود افتاده دیر دلش از نیایش نمی‌گشت سیر
- ۸- لی: خار ۹- ل، ق (و نیز ل، آ): سردند و بروی پراکند (ل، آ: فشاندند) مشک؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز لن، آ، س) ۱۰- ل: پهلورامرد؛ ق: پهلوان رادمرد؛ ب (و نیز لن، آ): پهلوان زادمرد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۱- لن، لی: از آن؛ ق: برین؛ پ: ازین؛ آ، ل، آ: درین؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۱۲- ل- ب (و نیز ل، ن، آ، س، آ): دشوار؛ متن = ف ۱۳- ق: پر باد و گرد؛ ل، آ: بیاد و بگرد (وزن نادرست است) ۱۴- ل، آ: بفرمود ۱۵- (ل، آ): همه ره‌گذار ۱۶- ل، ق: همه روزمان بزم و رامشگریست؛ (ل، آ): ز خوشی تو گویی که بد چون بهار؛ متن = لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): ف، س، و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند، ولی بنداری نیز آنرا داشته است: فقال کل تعب یفضی الی لقائك فهوراحة و سرور، و کل عناء یقع فی الطریق الیک فهورمة و حبور ۱۷- ل، س، لی، و (و نیز ل، ن، آ، س، آ): رنجی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۸- لن، لی، پ: بدل در (لی: بر) فراز؛ ق، آ: بران بردراز؛ ب: بدل در دراز؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۹- ل- لی، و- ب (و نیز ل، ن، آ، س، آ): بنوشت؛ متن = ف، پ ۲۰- لی: از ۲۱- ل، ق: ازین دل دژم؛ س: اگر چه دلم هست ازین خود نژند (پساوند ندارد)؛ لن، لی، پ: اگر چه دلم گشت ازین بس دژم؛ ق، آ، ل، آ، ب: اگر چه دلم هست ازین (ق، آ: از آن؛ ل، آ: زین) بس (ل، آ: پس) دژم؛ و (و نیز ل، ن، آ، س، آ): اگر چه دلم هست ازین در دژم؛ متن = ف ۲۲- لی: برآرم؛ و: ز بهرش ۲۳- ل، ق (و نیز ل، آ): که ندیشم؛ لن، آ: براندیشه؛ ق، آ: نه اندیشه؛ و، ب (و نیز لن، آ): نیندیشم؛ متن = ف، س، لی، پ، ل، آ (و نیز س، آ) ۲۴- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: برآرم بازم؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، ن، آ، س، آ) ۲۵- ق، آ: کار ۲۶- لن، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: که؛ متن = ف، ل، س، پ ۲۷- ل، ق (و نیز س، آ): فرجام آرام؛ س: فرجام و آرام؛ لن، پ، ل، ب: انجام و فرجام؛ ق، آ: انجام و فرخار؛ لی: آغاز و انجام؛ آ (و نیز ل، آ): فرجام و انجام؛ و: که فرجام از اینست آرام؛ متن = ف، ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند: تو یکچند اندر (ق: نزد) بشادی (پ: میاش نزد) بیای که تا من بکارت زنم نیک رای ۲۸- لن، لی، پ: بازب و فر ۲۹- ف: نشتند با شاه بر خوان همه؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س، آ)

چو از خوان<sup>۱</sup> خسرو پیرداختند  
 چو می<sup>۴</sup> خورده شد نامور پور سام  
 برفت و پیمود بالای شب  
 بیامد به شبگیر بسته کمر<sup>۷</sup> ۱۲۰۰  
 برو<sup>۱۰</sup> آفرین کرد شاه جهان  
 بفرمود تا موبدان و ردان  
 کنند<sup>۱۳</sup> انجمن پیش تخت بلند  
 برفتند و بردند رنج دراز  
 سه روز اندران<sup>۱۷</sup> کارشان شد<sup>۱۸</sup> درنگ ۱۲۰۵  
 چهارم برفتند زی شهریار<sup>۲۱</sup>  
 چنین<sup>۲۲</sup> آمد از داد<sup>۲۳</sup> اختر پدید  
 ازین دخت مهرباب و ز پور<sup>۲۵</sup> سام  
 بود زندگانش بسیار مر  
 همش برز<sup>۳۱</sup> باشد، همش تیغ<sup>۳۲</sup> و یال ۱۲۱۰  
 کجا باره‌ی او کند موی تر  
 عقاب از بر ترگ او نگذرد

به تخت<sup>۲</sup> دگر جای می ساختند<sup>۳</sup>  
 نشست از بر اسپ<sup>۵</sup> زرین ستام  
 پر اندیشه دل، پر ز گفتار لب  
 به پیش<sup>۸</sup> منوچهر پیروزگر<sup>۹</sup>  
 چو برگشت<sup>۱۱</sup> بستودش<sup>۱۲</sup> اندر نهان  
 ستاره‌شناسان و هم بخردان  
 به کار<sup>۱۴</sup> سپهری پژوهش کنند  
 که تا<sup>۱۵</sup> با ستاره چه یابند راز<sup>۱۶</sup>  
 برفتند با زیج رومی<sup>۱۹</sup> به چنگ<sup>۱۸</sup>  
 که کردیم با چرخ گردان شمار  
 که این آب، روشن بخواهد دويد<sup>۲۴</sup>  
 گوی برمنش<sup>۲۶</sup> زاید و<sup>۲۷</sup> نیک نام<sup>۲۸</sup>  
 همش زهره<sup>۲۹</sup> باشد، همش زور<sup>۳۰</sup> و فر  
 به رزم و به بزمش<sup>۳۳</sup> نباشد همال  
 شود خشك هم رزم او را جگر  
 سران جهان را به کس نشمرد

۱- آ: خان ۲- آ: تختی ۳- س، لن، ق: آ: جای بر ساختند ۴- لی: نان ۵- لن، ق: آ: ب (و نیز ل، آ، س): ب: ببردند (آ: بیورد) بالای: متن = فل، س، ق: ۶- ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ ل پس از این بیت و ق بجای این بیت افزوده‌اند:

چو شنگرف بر تخته سیم فام بگسترد خورشید رخشنده (ق: جسته ز دام

۷- لی: میان ۸- س، لی: بنزد ۹- لن، پ: بازب و فر؛ لی: شاه جهان؛ در لن، ق: آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۰- لی: بدو ۱۱- و: بنشت ۱۲- ل: آ: بشنودش (!)؛ در لن، ق: آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های متن = فل، س، ق، و (و نیز ل، آ، لن) ۱۳- ل: آ: کند ۱۴- س، لن، ق، ق: آ، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز س): زکار؛ لی: زراز؛ متن = ل، و (و نیز ل، آ، لن)؛ ف این بیت را ندارد؛ بنداری: فأمر بجمع العلماء والحکماء و من نبحر من المنجمین، وأمرهم بالبحث فی طالع زال، والتقیب عن سرافلك فی أمره... ۱۵- ق: از ۱۶- ل، لن: دارند راز؛ لی: دارد راز؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۷- ف: اندرین؛ متن = ل، لن، ب (و نیز ل، آ، لن، س): < شد > (وزن نادرست است)؛ ق: کار شدشان؛ س: چوسه روزشان اندران شد ۱۹- لن، پ: هندی ۲۰- آ: برفتند با رنج و غم سوی جنگ ۲۱- ل، س، لن، ق، لی- ب (و نیز ل، آ، س): زبان برگشاندند بر (ل، آ، ب: با) شهریار؛ ق: چنین یاد کردند بر شهریار؛ متن = ف، و (و نیز لن) ۲۲- لی: چنان ۲۳- لن، لی، پ، آ: رای؛ ق: سیر؛ ق: آ، ب (و نیز ل، آ): راه؛ و (و نیز لن): چرخ و؛ ل: راز؛ متن = فل، س، و (و نیز س) ۲۴- لن: نباشد پلید؛ ق: بخواهد دید؛ پ، آ: بخواهد برید؛ و: بخواهد دويد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۵- ف: و دستان؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز لن): و از پور؛ (س: با پور)؛ متن = ل، ق، پ، و، ل (و نیز ل، آ) ۲۶- ف، پ، آ: برمنش (در ف حرف یکم با يك نقطه، ولی به پیش) ۲۷- س، لن، ق، لی، ل: آ: < و > (وزن نادرست است)؛ و: آید < و > (وزن نادرست است) ۲۸- ق: آ، ب: برآید یکی تیغ نیز از نیام؛ آ پس از این بیت يك بیت افزوده است (← ۱۲۱۰ پ)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

یکی شیر ازین زال پیدا شود ز مری سرش بر ثریا شود

۲۹- ل، س، لن، ق، لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن): زور؛ ق: آ (و نیز س): هوش؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف ۳۰- ل: برز؛ س: تاج؛ ق، و، آ، ل، آ، ب: هوش؛ ق: آ (و نیز س): زور؛ (ل: نام)؛ لن، لی: هم آیین؛ متن = ف؛ ب پس از این بیت يك بیت افزوده است (← ۱۲۱۰ پ) ۳۱- س: گرز؛ لن، ق: آ، پ، آ، ب: زهره؛ لی، ل: آ: زور؛ متن = فل، ق، و ۳۲- ل، ق: شاخ؛ لی: فر؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۳- ق: بزم و برزش؛ ق پس از این بیت، آ پس از بیت ۱۲۰۸ و ب پس از بیت ۱۲۰۹ افزوده‌اند:

پدیدار گردد بکی (آ، ب: بلی) زورمند که نبود چنو زیر چرخ بلند



یکی برزبالا بود فَرَمند  
بر آتش یکی گور بریان کند  
۱۲۱۵ کمر بسته‌ی شهریاران بود  
چنین گفت پس شاه گردن فراز  
بخواند آن زمان زال را شهریار  
بدان تا پرسند ازو چند چیز

همه شیر گیرد به خم کند  
هوا را به شمشیر گریان کند  
به ایران پناه سواران بود  
کزین هر چه گفتید دارید راز  
کز خواست کردن سخن خواستار  
سخن‌های پوشیده در پرده نیز

### گفتار اندر سخن پرسیدن موبدان از زال<sup>۱۲</sup>

نشستند بیدار دل بخردان<sup>۱۳</sup>  
۱۲۲۰ پرسید مر زال را<sup>۱۴</sup> موبدی  
که از<sup>۱۵</sup> ده‌دو تاه<sup>۱۶</sup> سرو سهی<sup>۱۷</sup>  
از آن هریکی برزده<sup>۱۸</sup> شاخ سی  
دگر موبدی گفت کای<sup>۱۹</sup> سرفراز  
یکی زو<sup>۲۰</sup> بکردار دریای قار  
۱۲۲۵ به رنج اند و<sup>۲۱</sup> هردو شتابنده‌اند<sup>۲۲</sup>

همان زال با نامور موبدان<sup>۲۳</sup>  
از آن پیش بین تیزهش بخردی<sup>۲۴</sup>  
که رسته‌ست شاداب<sup>۲۵</sup> با فرهی  
نگردد کم و بیش بر<sup>۲۶</sup> پارسی  
دو اسپ گرانمایه و<sup>۲۷</sup> تیزتاز  
یکی<sup>۲۸</sup> چون بلور سپید<sup>۲۹</sup> آبدار  
همان<sup>۳۰</sup> یکدگر را نیابنده‌اند<sup>۳۱</sup>

۱- س، ق، لی، و: زورمند؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): همی؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳- لی: به؛ در ل، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۴- در ل<sup>۲</sup> این بیت چنین آمده است:  
پرسنده تخت ایران بود اگر چند با زور شیران بود  
۵- س: گردن کشان؛ ف: چنین گفت با موبدان سرفراز؛ ل، لی، آ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۶- ق، ب: که این ۷- ل، س: هرج؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۸- س: دارد نشان ۹- ل، آ این بیت را ندارند ۱۰- ل، ن، پ: پاکیزه؛ ق، ب: بنهفته؛ لی: بدرفته؛ ا: بیهوده؛ ل، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): نهفته سخنهای؛ متن = ف، س، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۱- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): دیرینه نیز؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ ف این بیت را دوبار نوشته است؛ در ل<sup>۲</sup>، ق، لی، پ، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است  
۱۲- ف: گفتار اندر پرسیدن موبدان مثل‌ها (!) از زال زر اندر حکمت و کار این جهان و آن جهان؛ س، پ: پژوهش کردن موبدان از زال (س: . . . و پاسخ دادن زال موبدان را)؛ ل<sup>۲</sup>: سؤال کردن موبدان از زال زر؛ ق، ب: سؤال موبدان از زال (ق: . . . پیش منوچهر شاه)؛ ق: در سخن‌ها که موبدان از زال پرسیدند؛ لی: پرسیدن زال بخردان را؛ ل<sup>۲</sup>: سؤال کردن موبدان از زال و جواب او؛ ل، آ سرنویس ندارند؛ متن = و ۱۳- ل، ق، پ، آ، ب: موبدان؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و ۱۴- ق، آ، ب: بخردان؛ ل، ن، پ: از آن (پ: ازین) تیزهش نامور بخردان؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و؛ در ل<sup>۲</sup>، ق، لی، پ، آ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- ل، ن، پ: پرسید از زال زر ۱۶- ل- ب: ازین تیزهش راه بین (ل، ن: راه بر؛ لی: رای بر؛ و: نامور) بخردی؛ متن = ف ۱۷- س، ق، و، آ، ل، ب: که آن؛ متن = ف، ل ۱۸- ل، س، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>): نای؛ ا: نازه؛ ب: تازه؛ ل<sup>۲</sup>: ده و دو < دو > بای؛ متن = ف (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۹- ل، ن، پ: که دیدم ده و دودرخت سهی؛ ق، لی: که چیت آن ده و دوز سرو سهی ۲۰- س: که گشت شاداب؛ لی: که نازت و شاداب و؛ و: که شاداب رستند؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۱- ل، ن، لی، پ، ل<sup>۲</sup>: از آن (لی: از) برزده هریکی؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۲- ل، ق، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>): در؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): از؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ ف پس از این بیت و (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از بیت ۱۲۲۵ افزوده‌اند:

کجا رسته‌اند از کدامین چمن بگو گر از آن آگهی همچو من

در و (و نیز در ل<sup>۲</sup>) بیت‌های میان ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۶ در هم ریخته‌اند: ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۴، ۱۲۲۳، ۱۲۲۶- ق: ای ۲۴- س- آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): گرانمایه؛ متن = ف، ل، آ ۲۵- لی، پ: زان ۲۶- و: دگر ۲۷- و: سفید ۲۸- ل، ن، آ، ل<sup>۲</sup>: بجنبد؛ ق: نجبند و؛ پ، ب: بجیند؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق ۲۹- س، ل، ن، پ، ل<sup>۲</sup>: شتابند می؛ ا: شتابنده؛ (ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): شتابند همی؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، ب؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): شتابنده هردو برنج اندرند ۳۰- ق: همی ۳۱- ل، ن، پ، ل<sup>۲</sup>: نیابند می؛ آ: نیابنده؛ (ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): نیابند همی؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، ب؛ س: تک یکدگر در نیابند می؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): همه ساله بر ضد یکدیگرند

سدیگر<sup>۱</sup> چُنین گفت<sup>۲</sup> کان سی سوار  
 یکی کم شود باز چون بثمرند<sup>۳</sup>  
 دگر گفت کان برکشیده دو سرو<sup>۴</sup>  
 یکی مرغ دارد بریشان<sup>۵</sup> کُنام  
 ۱۲۳۰ ازین چون<sup>۶</sup> پیرد شود<sup>۷</sup> برگ<sup>۸</sup> خشک  
 ازین<sup>۹</sup> دو همیشه یکی آبدار<sup>۱۰</sup>  
 به پنجم چُنین گفت<sup>۱۱</sup> کان مرغزار  
 گیاهها ز هرگونه<sup>۱۲</sup> تر و خشک  
 بیاید یکی مرد با داس تیز  
 ۱۲۳۵ که با تر و خشکش همه بدرود<sup>۱۳</sup>  
 پرسید دیگر که<sup>۱۴</sup> بر کوهسار  
 کجا بگذرانند بر شهریار<sup>۱۵</sup>  
 همان سی بود<sup>۱۶</sup> راست<sup>۱۷</sup> چون بنگرند<sup>۱۸</sup>  
 ز دریای باموج<sup>۱۹</sup> برسان غرو  
 نشیمنش به بامین بود گه به شام<sup>۲۰</sup>  
 بران<sup>۲۱</sup> برنشیند دهد بوی مشک  
 یکی<sup>۲۲</sup> پژمریده شده<sup>۲۳</sup> سوگوار  
 که باشد پر از رنگ و بوی و نگار<sup>۲۴</sup>  
 که آید ازو<sup>۲۵</sup> بوی کافور و مشک  
 تو گویی که دارد به دل در ستیز<sup>۲۶</sup>  
 زمانی نیاساید و نغنون<sup>۲۷</sup>  
 یکی شارستان<sup>۲۸</sup> یافتم استوار

۱- ل. ق. آ. لی: سه دیگر ۲- لن: <گفت> (وزن نادرست است) ۳- ف: کدامند جاوید ناهاموار؛ (س: با شهریار؛ ل: کجا برگذارند بر شهریار)؛  
 آ این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن: بنداری؛ و س: بندگان)؛ ۴- ل. ق. پ: بشمری؛  
 ق. آ. ب: بشمرد؛ لی: بگری؛ متن= ف. س. و. ل. (و نیز ل. لن. س. آ) ۵- س. لن. ق. آ. لی. و. ل. ب: شود؛ متن= ف. ل. ق. پ. آ ۶- ل. س. ق. ق. آ. لی. پ (و نیز ل. لن. س. آ): باز؛ متن= ف. ل. و. آ. ل. ب (و نیز لن: چهارم چنین (لن: همان) گفت کان هر دو سرو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل. ف. س. و. ل. آ (و نیز ل. لن. س. آ) ۸- ف. و (و نیز لن: چهارم چنین (لن: همان) گفت کان هر دو سرو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل. س. آ) ۹- لن. لی. پ: دو ۱۰- و (و نیز ل. لن: پر موج؛ ف: ز دریا برآیند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز س: بنداری؛ و س: شجرانان من بواسطه الأشجار، ثابتان فی البحر الزخار؛ در ل. ق. ق. آ. لی. پ. آ. ل. ب (و نیز ل. آ و بنداری) پرسش چهارم (بیت های ۱۲۲۸-۱۲۳۱) با پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲-۱۲۳۵) پس و پیش شده اند؛ س پرسش پنجم را انداخته است؛ (در س: پس از پرسش چهارم نخست پرسش ششم و سپس پرسش پنجم آمده است)؛ پایی بیت های متن= ف. و (و نیز لن: ۱۱- لن. لی. پ: برور؛ و: برایشان یکی مرغ دارد ۱۲- ف: نشیمن این به بامین بود و آن به شام؛ س: نشیمن بمغرب بود گه بشام؛ لن. لی. ق. آ. ل. ب: نشیمن این (ق: آن) به شامی (ل: ب: بامی) بود آن به بام (ل: ب: شام)؛ پ: نشیمن به شامش بود گه به بام؛ و (و نیز لن: نشیمن به بام این بود آن بشام؛ (ل: نشیمن این نشانی بود آن بام؛ س: نشیمن بامی بود نا بشام)؛ متن= ل. ق. آ. بنداری: علی کل واحدة منهما و کرلطائر یصبح علی إحداهما و بمسی علی الأخری ۱۳- ق: سر ۱۴- آ: بود ۱۵- ق: خوب ۱۶- ق: بدان ۱۷- لن. لی. پ: ازان ۱۸- و: یکی زین دو باشد مدام آبدار ۱۹- س: دگر ۲۰- ف. ق. آ. و (و نیز لن. س: شود؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل. ۲۱- ل. لن. ق. ق. آ. لی. پ. آ. ل. ب (و نیز ل: چهارم چنین گفت؛ و (و نیز لن: ششم گفت برگوی؛ متن= ف. ل. لن. ق. ق. آ. لی. پ. آ. ل. ب (و نیز ل: که بینی پراز (ل: ترا) سبزه و پر نگار (لن. ق. آ. لی. پ. آ. ب): جویبار؛ و (و نیز لن: کدامت پر بوی و رنگ و نگار؛ (س: که باشد پر از بوی و رنگ و نگار)؛ متن= ف: در ل. لن. ق. ق. آ. لی. پ. آ. ل. ب (و نیز ل. آ و بنداری) پرسش چهارم با پرسش پنجم پس و پیش شده اند (پ: ۱۰)؛ س پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲-۱۲۳۵) را انداخته است؛ در و (و نیز لن. س: پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲-۱۲۳۵) با پرسش ششم (بیت های ۱۲۳۶-۱۲۴۱) پس و پیش شده اند ۲۳- و (و نیز لن: گیاهها بدو اندرون؛ متن= ف (و نیز س: ۲۴- و (و نیز لن: ازان؛ متن= ف (و نیز س: ل- پ. آ. ل. ب (و نیز ل: این بیت را ندارند ۲۵- در ل. لن. ق. ق. آ. لی. پ. آ. ل. ب (و نیز ل: این بیت چنین آمده است:

یکی مرد (آ: پیر) با تیز داسی بزرگ سوی مرغزار اندرآید سترگ  
 متن= ف. و (و نیز لن. س: بنداری: ثم یضحی علیها ذو منجل یُنزل باحتها مکره الخطب ۲۶- ل. ق: همی بدرود آن گیا خشک و تر؛ لن. ق. آ. پ. آ. ل. ب: همه (ب: همی) تر و خشکش همی (پ: بهم: آ: ب: همه) بدرود؛ لی: گیای تر و خشک می بدرود؛ و: همه تر و خشک آن گیا بدرود؛  
 متن= ف ۲۷- ل. ق: نه بردارد او هیچ از آن (ق: زین) کارسر؛ لن. ق. آ. لی. پ. آ. ب: وگر (لن. پ: اگر) لایه سازی سخن نشود؛ ل: ز کس زاری و لایه شان نشود؛ متن= ف. و (و نیز لن. س: در و. ل. آ (و نیز لن: لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۸- ف: ششم کس چنین گفت؛ و (و نیز لن: پرسید پنجم که بر (پ: ۲۲)؛ (ل: پرسید ششم که بر)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز س: ۲۹- س. لن. ق. آ. لی. پ. ب: شارسان؛ ل: سازشان؛ متن= ف. ل. ق. آ. و. آ: پس از این بیت سرنویس دارد: سؤال کردن موبدان از زال زر

گرفتند<sup>۲</sup> هامون یکی خارستان<sup>۱</sup>  
پرستنده گشتند و<sup>۴</sup> هم پیشگاه  
کس<sup>۷</sup> از یاد کردن<sup>۸</sup> سخن نشمرد  
بر و بومشان پاك گردد نهان  
هم اندیشگان<sup>۱۳</sup> دراز آورد

به پیش ردان آشکارا بگوی<sup>۱۶</sup>  
ز خاك سیه مشك سارا کنی

برآورد یال<sup>۱۸</sup> و بگسترد پ<sup>۱۹</sup>  
همه پرسش<sup>۲۲</sup> موبدان کرد یاد  
که هریک همی شاخ سی برکشند<sup>۲۴</sup>  
چو شاهی<sup>۲۵</sup> نوآیین ابر<sup>۲۶</sup> گاه نو  
برین سان<sup>۲۸</sup> بود گردش روزگار<sup>۲۹</sup>  
که مر یکدگر را نیابند راه

خرامنده شد مردم شارستان<sup>۱</sup>  
بناها کشیدند سر تا به ماه  
وزان<sup>۵</sup> شارستانشان<sup>۶</sup> به دل نگذرد  
یکی بومهمین خیزد<sup>۹</sup> از ناگهان  
بدان<sup>۱۱</sup> شارستانشان<sup>۱۱</sup> نیاز آورد<sup>۱۲</sup>

به پرده ندرست<sup>۱۴</sup> این سخن ها بجوی<sup>۱۵</sup>  
گرین رازها آشکارا کنی

زمانی پر اندیشه شد<sup>۱۷</sup> زال زر  
وزان<sup>۲۰</sup> پس به پاسخ زبان برگشاد<sup>۲۱</sup>  
نخست<sup>۲۳</sup> از<sup>۲۳</sup> دودو درخت بلند  
به سالی دودو بود ماه نو  
به سی روز<sup>۲۷</sup> مه را سرآید شمار  
دو اسپ دونده سپید و سیاه

۱۲۴۰

۱۲۴۵

۱- ل، س، ق، پ: خرامند (س: چوآند؛ پ: خرامنده) مردم از آن شارستان (ق: شارسان)؛ لن، ق، ل، آ، ب (و نیز ل): خردمند مردم از آن شارستان (لی، ب: شارسان؛ ل: سارشان)؛ (س: خرامند مردم در آن شارستان)؛ و (و نیز لن) این بیت را ندارند؛ متن= ف ۲- س: بگیرند؛ ق: گراید به (یا: گر آید به)؛ (ل: گزیند ز)؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز س) ۳- ق، ل، ب: خارسان ۴- ق، ل، و: (و نیز لن) این بیت را ندارند ۵- لن: از آن؛ لی: بدان؛ پ: ازین ۶- ق، پ، ل، ب: شارسانان؛ لی: شارسان (وزن نادرست است)؛ متن= هفت دستویس دیگر ۷- آ: کز ۸- س: یاد کردش ۹- ف: یکی گرد خیزد که؛ س: یکی بر نمی خیزد؛ لن، و: یکی نومهمین خیزد؛ ق، آ، ل: یکی نومهی خیزد؛ لی، پ: یکی برهمن خیزد؛ ب: یکی بومهی خیزد؛ (ل: یکی نومهی خیزد؛ لن: یکی مردمی خیزد)؛ متن= ل (و نیز س: بومهمین) ۱۰- پ: ازین؛ ل، ب: بران ۱۱- ل، ب: شارسانان ۱۲- لن، لی: بدان شارستان (لی: شارسان) بنام آورد (وزن نادرست است) ۱۳- ق: اندیشه ایشان؛ ق: اندیشگان را؛ لی: اندیشه های؛ در و (و نیز در لن، س) پس از این بیت پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲-۱۲۳۵) آمده است ۱۴- ل- ب (و نیز ل، ل، ن) به پرده درست؛ (س: به پرده درون)؛ متن= ف: اندرست (← ضحاک، بیت ۴۰) ۱۵- س، لن، ق، ل، آ، ب: بازجوی؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ل ۱۶- ق، ل، لی: این سخن بازگوی ۱۷- ق: پراندیشه بد؛ و: دراندیشه شد؛ آ: بدانندیشه ۱۸- ق، ق، آ: بال ۱۹- ل، ق، و، ل: فر؛ س، لن، ق، ل، لی (و نیز س): بر؛ متن= ف، پ، آ، ب (و نیز ل، ل، ن)؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر جواب دادن زال ملها (!) را و آفرین خواندن شاه منوچهر برو؛ لن، ق، ل، لی، پ: پاسخ دادن زال موبدان را (لی: ... نزدیک شاه)؛ و: پاسخ دادن زال زر سؤال موبدانرا؛ آ: پاسخ دادن موبدان زال زر را (!)؛ ل، ب: پاسخ دادن زال (ل: ... سخنان موبدان نزد منوچهر) ۲۰- ل، پ: از آن پس؛ ق: وزیشان؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۱- لن، پ، آ، ل، ب: زبان را به پاسخ گشاد؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۲- آ: برسی (!) ۲۳- س، ق، و: آن ۲۴- س: سی گترند؛ لن، پ، و: برسی کشند؛ ل: سی بر کنند؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۲۴۸ آمده است ۲۵- ل، س، لن، ق، ل، لی، پ، و: شاه؛ ق، آ، ل، ب: شاخ؛ متن= ف ۲۶- آ: بود ۲۷- ل، لی، ل: روز و ۲۸- ل، ق، ل، و: بدین سان؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۹- لی: <رو> زگار؛ در ل پس از این بیت ۱۲۴۶ آمده است

۱۲۵۰ بدین سان شب و روز دان ای شگفت  
سواران هشیار گر دررسی  
شمار مه نو بدین گونه دان  
کنون از<sup>۳</sup> نیام این<sup>۴</sup> سخن برکشیم<sup>۵</sup>  
ز برج بره تا ترازو جهان  
چو روی از ترازو به کزدم نهاد

۱۲۵۵

کز اینجا شگفتی توانی گرفت<sup>۱</sup>  
که او بیست و نه باشد و گاه سی  
چنین کرد پیدا خدای جهان<sup>۲</sup>  
دوین<sup>۶</sup> سرو کان مرغ دارد نشیم<sup>۷</sup>  
همه<sup>۸</sup> تیرگی<sup>۹</sup> دارد اندر نهان  
جهان را دگرگونه گردد نهاد

۱- پاسخ دوم (بیت های ۱۲۴۹-۱۲۵۰) در ل، ق (و نیز در ل، س، آ) چنین آمده است:

دگر (ل: س) دوم) آنک از اسب دادی نشان  
(س: آ): دو تا اسب گفستی دونده براه  
دوان هر دوان از پس یکدگر  
ل: همی این نیابد مران را نگر

نیابد (ق: نیابد) اگر (س: آ) و گن چه شتابد (ق: شتابند) همی  
۵ تو این داستان را شب و روز دان  
که چون سر ز برج بره برزند  
جهان زو شود همچو دریای زرد

پیوشدشان (ل: آ): پیوشدشان؛ س: آ: پیوشدشان (چادر لاچورد (ل: لاژورد)

شب و روز باشد بدینسان درست  
س: آ: چو خورشید پنهان کند روی خویش

پاسخ دوم (بیت های ۱۲۴۹-۱۲۵۰) در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب چنین آمده است (س بیت های چهارم و پنجم و آ، ل بیت سوم را ندارند):  
کنون آنک (لی: آنچ؛ پ: آ: آنکه؛ س: دوگانه که) گفستی ز کار دواب  
سپید و سیاه است (س: سیاه اند) هر دو زمان (س: دوان؛ لی: هر دو زمان)  
س: برنج از تک یکدگر هر دو ان

شب و روز باشند (لن، پ: برانسان که گفتید؛ ق، آ، لی: برینسان که بینی تو) هر دو بهم

یکی در وجود و یکی در عدم  
دم چرخ بر ما (ق، آ، لی، آ، ل، ب: تن) همی بشمرد  
دوان همچو نخجیر از پیش سگ  
شب و روز باشد که می بگذرد  
نیابد مر یک دگر را بنک

و (و نیز لن) بیت های ۱۲۴۹ و ۱۲۵۰ و هیچیک از بیت های بالا را ندارند؛ متن = ف ۲- پاسخ سوم بیت های (۱۲۵۱ و ۱۲۵۲) در ل، س، لن، ق،  
ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب چنین آمده است (س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب بیت سوم را ندارند):

سببگر (لن، پ: و دیگر)؛ که گفستی از آن (ل، س: که آن؛ ل: آ: ازین) سی سوار

کجا برگزشتند (ق، آ، لی: بگذرانند) بر شهریار

از آن سی سواران (ل: سواران) یکی کم شود (لی: بود)

به گاه (س، ق، آ، لی، آ، ل، ب: بوقت) شمردن همان سی بود (لن، ق، لی: شود)

شمار مه نو برین (ق: بدین) گونه دان  
نگفتی سخن جز ز (ل: به) نقصان ماه  
کزین (ق، پ: چنین) کرد پیدا (پ: فرمان) خدای جهان  
که یک شب (ل: آ: که یکی) کم آید همی گاه (لی: همان گاه)

و (و نیز لن) بیت های ۱۲۵۱ و ۱۲۵۲ و هیچیک از بیت های بالا را ندارند؛ متن = ف ۳- لن: زان ۴- لن، آ، ل، ب: آن؛ ق: آ: < این > ۵-  
ق: کنون این سخن از دهن برکشیم ۶- ق: در آن؛ لی: وزان ۷- و: ز مرغی که دوسرود دارد نشیم ۸- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: همی؛ لی:  
همان؛ متن = ف، ل، ق، و ۹- ف: روشنی؛ متن = یازده دستریس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۰- ل- ب (و نیز ل، لن، آ، س) این بیت را ندارند؛  
متن = ف

چنین تا ز گردش<sup>۱</sup> به ماهی شود  
 دو سروان<sup>۲</sup> دو بازوی<sup>۵</sup> چرخ بلند  
 برو<sup>۷</sup> مرغ پران تو<sup>۸</sup> خورشید دان  
 دگر شارستان بر سر<sup>۱۲</sup> کوهسار  
 ۱۲۶۰ همین<sup>۱۴</sup> خارستان<sup>۱۵</sup> چون<sup>۱۶</sup> سرای سپنج  
 همی دم زدن برتوبر بشمرد  
 برآید<sup>۲۳</sup> یکی باد با زلزله  
 همه رنج ما مانده با<sup>۲۷</sup> خارستان<sup>۲۸</sup>  
 کسی دیگر از رنج ما<sup>۳۱</sup> برخوردار  
 پر از<sup>۲</sup> تیرگی و<sup>۳</sup> سیاهی شود  
 کزو نیمه شاداب و نیمی گزند<sup>۶</sup>  
 جهان را ازو<sup>۹</sup> ترس<sup>۱۱</sup> و اومید<sup>۱۱</sup> دان  
 سرای درنگست و جای شمار<sup>۱۲</sup>  
 که هم<sup>۱۷</sup> ناز و گنج ست<sup>۱۸</sup> و هم درد و رنج<sup>۱۹</sup>  
 همو پروراند<sup>۲۱</sup>، همو بپرد<sup>۲۲</sup>  
 ز گیتی<sup>۲۴</sup> برآرد<sup>۲۵</sup> خروش و خله<sup>۲۶</sup>  
 گذر کرد باید سوی<sup>۲۹</sup> شارستان<sup>۲۸</sup>  
 نباید<sup>۳۲</sup> بدو<sup>۳۳</sup> نیز هم بگذرد<sup>۳۴</sup>

۱- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: جزو (س، پ: زین) باز گردد؛ ل (و نیز س): چنین باز گردد؛ (ل: چنین تا بگردد)؛ و (و نیز لن): این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق ۲- س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س): بدان؛ متن = ف، ل، ق ۳- آ: رو؛ بنداری (بیت های ۱۲۵۳-۱۲۵۶): و أما الشجرتان اللتان عليهما معشش الطائر فان العالم من وقت حلول الشمس في برج الحمل الى أن تبلغ الميزان يترج كالخريفة المعطار، في حلى الرياحين وحلل الأزهار. ومن حين حلولها المغرب الى أن تحل الحوت يقع بين أسحاق الحداد، وأطمار السواد ۴- لن: دوسرواز؛ ق: دوسرو ۵- لی: دوبالای؛ ب: دوبازو دو ۶- ل: نژند؛ س: که يك نیم شادست و نیمی گزند؛ لن، پ، و: کزو نیم شادی (و: شاداب) و نیمی (لن: بیم) گزند؛ ق، آ: کزویم شاد و ازوبا (آ: وزو هم) گزند؛ لی: کزویم شادان و زو مستمند؛ ل: کزو روزی شادی و روزی نژند؛ ب: کزویم شاد > ان < وزو باگزند؛ متن = ف، ق (و نیز س) ۷- لی: مران؛ و: همان ۸- ل، لن، ق، آ، ل: چو؛ و: پرنده؛ پ: دو مرغ پران ماه و؛ متن = ف، س، ق، لی، ب (و نیز ل، س) ۹- لن، پ، آ، ب: بدو؛ ل: برو؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۰- ل- ب (و نیز لن): بیم؛ متن = ف (و نیز ل، س) ۱۱- ل- ب (و نیز ل، لن، س): آفید؛ متن = ف، ف، و (و نیز لن)؛ پس از این بیت افزوده اند (ف بیت های چهارم و پنجم را ندارد):

دگر آن دو اسب میاه و سپید (و: سفید)  
 شب و روز گیتی ست کان می برد  
 همان سی سوارست سی روز ماه  
 چو اعداد دهرش منظم (لن: معظم) شود  
 کزایشان جهان راست بیم و امید  
 یکی اندر آید یکی بگذرد  
 که ناقص شود زان یکی گاه گاه  
 نه در وی (لن: دردی) فزاید نه زان کم شود  
 5 چو گردون بهیمود گیتی فروز  
 چه حاصل شود؟ سیصد و شصت روز

۱۲- ف، و (و نیز لن): شارستانی که بر؛ لن: شارستان از بر؛ ق، لی، پ: شارسان از بر؛ ق، آ، ل، ب: شارستان ابر؛ متن = ل، س (و نیز س) ۱۳- ف- و (و نیز ل، لن، س): قرار؛ بنداری؛ و أما البلدة الطيبة فهي دارالقرار ومنزل الأبرار؛ متن = ل، آ، ب ۱۴- لن، آ، ب: بهین؛ ق، لی: چنین؛ و: همان؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، ل ۱۵- س، ق، آ، شارستان؛ لن، لی، پ، ب: شارسان؛ ق: خارسان؛ ل: شارشان (!)؛ متن = ف، ل، و ۱۶- لن، ق، آ، پ، و، آ، ل: این؛ لی: < چون >؛ ب: زین؛ متن = ف، ل، س، ق ۱۷- ل، ق: کزو؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۸- ق: بارجنگست (!) ۱۹- پ: که هم ناز و دردست و هم رنج و گنج ۲۰- ق: بر تو هم بشمرد؛ ب: بر تو می بشمرد ۲۱- ل، ق، آ، لی (و نیز ل، لن): بر فرزند؛ و، آ، ل، ب: بر فرزند؛ متن = ف، س ۲۲- ل، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن): بشکرد؛ س: بدرود؛ متن = ف (و نیز س)؛ لن، پ: بماند (پ: نماند) برو نیز و هم بگذرد (= ۱۲۶۴ ب)؛ در لن، پ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۳- س، ق، و: برآرد؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۴- ف، و، ب: ز کشتی؛ ق: برآرد؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۵- ل، لن، ق، پ، ب: برآید؛ ق: ز کشتی؛ متن = ف، س، لی، و، آ، ل ۲۶- ل، و (و نیز ل، س): خروش خله؛ لن، ق: خروش وله؛ (لن: خروش و له)؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۷- ل: ماندزی؛ س، ق، و (و نیز ل، لن، س): ماند با؛ ل: ماند بر؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۸- ق، لی، پ، ب: خارسان؛ ل: خارشان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۹- و: بدان ۳۰- ق، لی، پ، ب: شارسان؛ ل: شارشان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۱- ف: نو؛ ل: او؛ س این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۳۲- ق، لی: نماند ۳۳- ل، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز لن): برو؛ متن = ف، ق (و نیز ل، س) ۳۴- لن، پ: همو بر فرزند همو بشکرد (= ۱۲۶۱ ب)؛ و (و نیز لن)؛ پس از این بیت افزوده اند:

همان مرغزار نزه عالمست که چون باز بینی خوش و خرمست  
 گیا خشک و تر جانور (لن: گیا) گونه گون ز هر جنس و نوعش ز جنبش فزون

ف پس از بیت ۱۲۶۴ و (و نیز لن) پس از دو بیت بالا پاسخ ششم (بیت های ۱۲۷۰-۱۲۷۵) را آورده اند و سپس بیت های ۱۲۶۵-۱۲۶۹ را؛ پایانی بیت های متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، س، بنداری)

۱۲۶۵ چنين رفت از آغاز يكسر سخن  
اگر توشه مان<sup>۳</sup> نيك نامی بود  
وگر<sup>۷</sup> از برزیم<sup>۷</sup> و<sup>۸</sup> پيچان شويم  
گر<sup>۱۱</sup> ايوان ما<sup>۱۱</sup> سر<sup>۱۲</sup> به كيوان برست<sup>۱۳</sup>  
که بر روی پوشند و بر سرش خاك<sup>۱۴</sup>  
۱۲۷۰ بيابان و آن مرد با تيزداس  
تر و خشك يكسان همی بدرود  
دروگر زمان ست<sup>۲۳</sup> و ما چون گیا  
به پير و جوان يك بيك ننگرد  
جهان را چنين ست ساز و نهاد

همين باشد و نو<sup>۲</sup> نگرود کهن  
روان ها<sup>۴</sup> بدان سر<sup>۵</sup> گرامی بود  
پديد آيد آنگه<sup>۹</sup> که بی جان شويم  
ازين<sup>۱۴</sup> بهره ی ما یکی چادرست  
همه جای بیم<sup>۱۶</sup> ست و تیمار<sup>۱۷</sup> و باك  
كجا<sup>۱۸</sup> خشك و ترزودل اندر هراس<sup>۱۹</sup>  
وگر<sup>۲۰</sup> لابه سازی<sup>۲۱</sup> سخن<sup>۲۲</sup> نشنود  
همانش نبیره، همانش نیا  
شکاری که<sup>۲۴</sup> پیش آیدش بشکرد  
که جز مرگ را کس ز مادر نژاد

۱: آ: < از > ل: ۲- لن، ق: لی، پ، و، آ، ل: ۲، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): این؛ س این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل: ۲، س<sup>۲</sup>) ۳- س: پیشه مان ۴- لن، لی: روان را؛ پ: آ: روان مان؛ ل: ۲: بران سر ۵- ل، لن، پ: بران سر؛ آ: بران سر؛ ل: ۲: روان مان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۶- ق: ۲، لی، ل: ۲، ب: اگر؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۷- ف، س- ب (و نیز ل: ۲، لن: ۲، س<sup>۲</sup>): ورزیم؛ متن = ل ۸- س، لی، و، آ: < و >؛ متن = هفت دستویس دیگر ۹- ق: پدید آنگه آید ۱۰- لن: کز؛ و: که ۱۱- ف: ایوانت را؛ متن = بازده دستویس دیگر (و نیز ل: ۲، لن: ۲، س<sup>۲</sup>) ۱۲- و: گر ۱۳- لی، پ: درست ۱۴- س، پ، و (و نیز لن: ۲): از آن؛ لن، ق، ق: ۲، لی، آ، ب (و نیز ل: ۲، س<sup>۲</sup>): ازو؛ متن = ف، ل، ل: ۲ ۱۵- ل: ل: جو پوشند بر روی ما خون و خاك؛ س، لن، ق: ۲، پ، آ، ل: ۲، ب: که (لن، پ: جو پوشند (لن، پ، آ، ل: ۲: پوشید) بر روی و بر سرش خاك؛ ق: که پوشد سر و روی برخست و خاك؛ لی: جو پوشید بر روی تو گرد و خاك؛ و: که بر روی پوشند و ز برش خاك؛ متن = ف ۱۶- س، لن، ق: ۲- ب (و نیز ل: ۲، س<sup>۲</sup>): ترس؛ متن = ف، ل، ق (و نیز لن: ۲) ۱۷- لی: آید؛ و: اندوه؛ و (و نیز لن: ۲) پس از این بیت افزوده اند:

چو کشتی شناسای رب العباد ز مبداء خود آگهی وز معاد  
بتحقیق اشیا شوی بهره مند که اجناس خوانند و انواع چند  
اگر حاصلت این قدر مایه ات برین چرخ باشد کهن پایه ات  
چو زین تنگنای گلوگیر خاك رسد روح پاکت بفرودس پاک  
سوی بازگاه بلندان رسی بدان حضرت ارجمندان رسی  
۵ ولی زنده بر چرخ نتوان گذشت بمرگ آن ره پاک بشوان نوشت

و پس از این بیت هابیت های ۱۲۷۴ و ۱۲۷۵ را آورده است ۱۸- س، لی: گیا؛ ل: ۲: که با ۱۹- ق: ۲، آ: گیایی تر و خشك ازو در هراس؛ پ: تر و خشك را زودل اندر هراس؛ ب: گیاه تر و خشك ازو بر هراس؛ در ف بیت های ۱۲۷۰-۱۲۷۵ پس از بیت ۱۲۶۴ و در و (و نیز لن: ۲) پس از دو بیت ۱۲۶۴ پ به گونه زیر آمده اند:

فنا چیست آن مردم داس دار که باشد ترا روز و شب پاس دار  
بمهر کسی هیچ گون ننگرد چو وقت اندر آید همه بدرود  
نه رویاه برهد ز داسش نه شیر چه بسد دل بنزدیک او چه دلیر  
چنین رفت از آغاز بکسر سخن چنین باشد و این نگرود کهن (= ۱۲۶۵)  
۵ درو چون زمانست و ما چون گیا همانش نبیره همانش نیا (= ۱۲۷۲)  
تر و خشك یکسان همی بدرود وگر لابه سازی سخن نشنود (= ۱۲۷۱)  
بنیروی چون بگذرد چرخ پیر همی خلق را بشکرد ناگزیر  
نباشد بجز دانشت پای مرد همی تا توانی ز دانش مگرد (= ۱۲۷۳ پ)

۲۰- آ، ل: ۲، ب: اگر ۲۱- س: سازد ۲۲- ل: ۲، ب: همی ۲۳- ف: فرشته است جان گیر؛ لن، ق: ۲، پ، ل: ۲، ب: دروگر جهانست؛ و (و نیز لن: ۲): درو چون زمانست؛ آ: درون گر جهانست؛ (ل: ۲: درنگ زمانست)؛ متن = ل، س، ق، لی (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲۴- ل: ۲: چو؛ لن این بیت را ندارد؛ ف پس از این بیت و و (و نیز لن: ۲) در پایان بیت های ۱۲۷۰ پ افزوده اند:

نباشد بجز دانشت پای مرد همی تا توانی ز دانش مگرد

<p>۱۲۷۵ ازین در درآید<sup>۱</sup> بدان<sup>۲</sup> بگذرد          زمانه برو<sup>۳</sup> دم همی بشمرد<sup>۴</sup>          ازو شادمان شد دل شهریار<sup>۵</sup>          شهنشاه گیتی زهازه بگفت<sup>۶</sup>          چنان چون شب چارده چرخ ماه<sup>۷</sup>          سر می گساران ز می خیره گشت<sup>۸</sup>          یکایک برآمد ز درگاه شاه          گرفته یکی دست هریک<sup>۱۳</sup> بدست          سر نامداران برآمد<sup>۱۵</sup> ز خواب          به<sup>۱۷</sup> پیش شهنشاه چون نره شیر<sup>۱۸</sup>          شدن نزد<sup>۲۰</sup> سالار فرخ پدر          مرا چهر سام آمدهست آرزوی<sup>۲۳</sup>          دلم گشت روشن بدین<sup>۲۵</sup> برز و تاج<sup>۲۶</sup>          یک امروز نیزت بیاید شمرد<sup>۲۹</sup>          دلت را هُش سام و کاول کجاست<sup>۳۱</sup>          به میدان گذارند<sup>۳۴</sup> با<sup>۳۵</sup> کره‌نای</p>	<p>۱۲۸۰ خروشیدن مرد بالای خواه<sup>۱۱</sup>          برفتند<sup>۱۲</sup> گردان همه شاد و مست          چو برزد زبانه<sup>۱۴</sup> ز کوه آفتاب          بیامد<sup>۱۶</sup> کمربسته زال دلیر          به دستوری بازگشتن ز در<sup>۱۹</sup>          به شاه جهان گفت کای<sup>۲۱</sup> نیک خوی<sup>۲۲</sup>          چو بوسیدم<sup>۲۴</sup> این پایه‌ی تخت عاج          بدو گفت شاه<sup>۲۷</sup>: ای جوانمرد گرد<sup>۲۸</sup>          ترا بویه<sup>۳۰</sup> دخت مهرباب خاست          بفرمود تا سنج<sup>۳۲</sup> و<sup>۳۳</sup> هندی درای</p>
--	---

۱- س: بیاید؛ آ: درد زاید (!) ۲- س، ق: از آن؛ لن، لی، پ: وزان؛ ل: بران؛ ب: بدین؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۳- لی: بدو ۴- لن، ق: زمانه دم ما همی بشمرد (ق: بشکرد)؛ ق: وگر لابه سازی سخن نشود (= ۱۲۷۱ اب) ۵- س، لن، ق، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ، س) این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق، پ؛ ل، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو این گفته شد نامه سام خواند  
 نوشته نویسنده چون باز راند  
 پ: نبشته همی بر زبانش براند

برو (پ: بدو) اندرون چند گونه سخن  
 منوچهر برخواند سر تا بین

۶- س: ز ۷- لن، لی، پ، ب: در شکفت؛ ق: در نهفت؛ و: همه انجمن مانند ازو در شکفت؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ل ۸- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ): گرفت؛ متن = ف، ق (و نیز س) ۹- ق، لی، آ: چرخ و ماه ۱۰- لن، لی، پ: شد ۱۱- ل (و نیز لن، آ): بالای گاه؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، س) ۱۲- ل: گرفتند ۱۳- ل، لن، ق، ق، لی، پ، و (و نیز س): دست دیگر؛ ب: دست هرکس؛ (ل: دست گل)؛ متن = ف، س، آ، ل ۱۴- ل، ق: زمانه؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۵- لن، پ، و: درآمد ۱۶- لی: گرفته ۱۷- آ، ب: ز ۱۸- ق: برسان شیر؛ لی: به پیش شه آمده به کردار شیر؛ ل: این بیت را ندارد ۱۹- لن، ق، لی، آ، ب: بدر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۰- لن، ق، لی، آ، ل، ب: سوی؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، و؛ ق در اینجا سرنویس دارد: دستوری طلیدن زال از شاه منوچهر و هنر نمودن ۲۱- س، ل، آ: ای ۲۲- ل: نیکخو ۲۳- ل: آرزو ۲۴- ل، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): بیوسیدم؛ س: پرستیدم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف ۲۵- ل: برین؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۶- س (و نیز س): برز تاج؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل: فر و تاج؛ و (و نیز لن، آ): نور تاج؛ (ل: تخت و تاج)؛ متن = ف، ل؛ (س) پس از این بیت افزوده است:

چو فرمان دهد شاه پیروزگر  
 یکی بازگردم به پیش پدر

۲۷- آ، ل، ب: بدو شاه گفت ۲۸- لن: راد ۲۹- ل، س، ق، لی، پ (و نیز ل، س): سپرد؛ لن: یک امروز دیگر برم شاد باش؛ متن = ف، ق، و، آ، ل، ب (و نیز لن، آ) ۳۰- پ، و، ب: بویه؛ آ: پایه ۳۱- ف: سام و کابل کجاست؛ ل، ق: سام زابل کجاست؛ و (و نیز لن، آ): سام نیم کجاست؛ (س: سام و زاول کجاست)؛ س: ز سام و ز زابل بهانه چراست؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب: دلت خواهش سام نیم کجاست؛ (ل: دلت راهش و کام کابل کجاست)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۲- ف: پیل؛ س- ب (و نیز ل، لن، آ، س): صنج؛ متن = ل ۳۳- لی: < و > ۳۴- لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب: درآزند؛ متن = ف، ل، س، ق، و ۳۵- ل، آ: ابا

- ۱۲۹۰ ابا نیزه و گرز و تیر و کمان  
کمان‌ها گرفتند و تیر خدنگ  
بتابیده هریک به چیزی عنان  
درختی گشن<sup>۸</sup> بد به میدان شاه  
کمان را بمالید دستان سام
- ۱۲۹۵ بزد بر میان درخت سهی  
هم اندر تگ اسپ یک<sup>۱۳</sup> چوبه تیر  
سپر برگرفتند ژوپین و ران  
سپر خواست از ریدک ترک زال<sup>۱۴</sup>  
کمان را بیفگند<sup>۱۸</sup> و ژوپین گرفت
- ۱۳۰۰ بزد بر سه تا اسپر گیل وار  
به گردن کشان گفت شاه جهان  
یکی<sup>۲۵</sup> برگراییدش<sup>۲۶</sup> اندر نبرد  
همه برکشیدند<sup>۲۷</sup> گردان سلیخ<sup>۲۸</sup>  
به آورد رفتند پیچان عنان
- ۱۳۰۵ چنان شد که مرد اندرآمد به مرد  
نگه کرد تا کیست زیشان<sup>۳۲</sup> سوار
- برفتند گردان همه<sup>۲</sup> شادمان  
نشانه نهادند<sup>۳</sup> چون روز جنگ<sup>۴</sup>  
به گرز و به تیر و به تیغ و کمان<sup>۵</sup>  
گذشته برو<sup>۹</sup> سال بسیار و ماه  
برانگیخت اسپ و برآورد نام<sup>۱۱</sup>  
گذاره شد آن تیر شاهنشهی<sup>۱۲</sup>  
بینداخت و بگذاشت بر نرد شیر<sup>۱۴</sup>  
بگشتند با خشت های<sup>۱۵</sup> گران  
برانگیخت اسپ و برآورد یال<sup>۱۷</sup>  
به ژوپین به کار<sup>۱۹</sup> نوآیین گرفت  
گشاده<sup>۲۱</sup> به دیگر سو افگند<sup>۲۲</sup> خوار  
که با او<sup>۲۳</sup> که جوید نبرد از مهان<sup>۲۴</sup>  
که از تیر و ژوپین برآورد گرد  
به دل خشمناک و زبان پر مزیح<sup>۲۹</sup>  
ابا نیزه و<sup>۳۰</sup> آب داده سنان  
برانگیخت زال اسپ و برخاست گرد<sup>۳۱</sup>  
عنان پیچ و گردن کش<sup>۳۳</sup> و نامدار

۱- ق: ابا نیزه و تیر و گرز گران ۲- و: بدل؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده اند ۳- س: نهادند برجاس ۴- و: مردان جنگ ۵- ل، س، لن، ق، پ، آ، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): بیچید؛ ق، آ، لی (و نیز س<sup>۲</sup>): این بیت را ندارند؛ متن = ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۶- ل: آ: عیان؛ ب: بجیزی بیچید هریک عنان ۷- ل، س، لن، ق، پ، آ، ل، ب: بگرز و به تیغ و به تیر و سان؛ و: به گرز و > به < نیزه > به < تیر و کمان (وزن نادرست است)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر هنرها نمودن زال بنزدیک شاه منوچهر تیر و کمان و گوی باختن؛ لن، ق، آ، لی: هنر نمودن زال بنزد (لی: در میدان) منوچهر؛ پ: آزمودن منوچهر زال را؛ ب: هنر نمودن زال ۸- ق، و: کهن ۹- ق، لی، پ: بدو ۱۰- ف، س، لن، ق، آ، ل: سال و بسیار ماه؛ متن = ل، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): فراوان گذشته برو سال و ماه ۱۱- ف: برانگیخت اسب از میان کرام (!)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۲- لن، لی، پ: تیر با فرهی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۳- آ: هر ۱۴- ف، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): بر نره شیر (ف، ل<sup>۲</sup> نخست داشته اند: بر نرد شیر)؛ ق: بر تیر تیر؛ و: بر بردسر (نقطه ندارد = بر نرد شیر)؛ ل: بگذشت بر برد و شیر (حرف یکم واژه سوم نقطه ندارد)؛ ب: بگذشت بر اسب تیر؛ س: بینداخت آن پهلوشیر گیر؛ ق: بینداخت بگذشت و شد بر اثر؛ لی: بینداخت بر چرخ شد بر اثر؛ آ: بینداخت و بگشاد و شد سرائیر؛ لن<sup>۲</sup>: بگذشت چون نره شیر؛ س<sup>۲</sup>: بگذشت بر نرد و خیی؛ بنداری: ثم ابعها بأخری راکضا فرسه ففدت فیها کمثل الأولى ۱۵- و: گرزهای ۱۶- و: ترک زاد؛ ق: سپر خواست از ترک آن شیر زال ۱۷- ف: بال؛ س، لن، ق، آ، لی: مال (نقطه ندارد)؛ و: یاد؛ متن = ل، ق، پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۸- ل، لن، ق: بینداخت؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۹- ف: ز کار (با: نگار)؛ ل، و (و نیز س<sup>۲</sup>): بکار (نقطه ندارد)؛ س: شکار؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: شکار؛ ل (نگاری)؛ متن = ق ۲۰- ل، و (و نیز ل<sup>۲</sup>): بزد خشت بر سه سپر گیل وار؛ س: بزد بر سه اسپر گیلی سوار (!)؛ لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: بزد خشت بر سه سپر نامدار (ق: شد گذار)؛ متن = ف، پ (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲۱- لی: گذشت و ۲۲- لن: سوی افکند؛ ق: سرافکند؛ و: بسوی دگر برد ۲۳- ق، ل: وی ۲۴- آ: از کران ۲۵- لن: همی ۲۶- ل: برگرانید ۲۷- لن، پ: بخود راست کردند؛ و: همه برگرفتند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۸- ف، س، ق، لی، آ (و نیز س<sup>۲</sup>): سلاح؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۹- ف، س، ق، آ، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): مزاح؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>؛ در ق، آ، لی، ل<sup>۲</sup> پساوند نادرست است) ۳۰- لی، پ، ل: نیزه؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۱- لی: اسپ و برآورد گرد (وزن نادرست است)؛ ل: که از تیر و ژوپین برانگیخت گرد (= ۱۳۰۲ ب)؛ ب: برانگیخت زال و برون خاست گرد؛ در لن، لی، پ ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۲- ق، ب: ازیشان ۳۳- س، لی: اسب افکن؛ لن پس از این بیت دو بیت و لی، پ تنها بیت دوم را پس از بیت ۱۳۰۹ افزوده اند:

ز پیشش گریزان شد آن مرد گرد  
بماناد همواره (پ: بمانی همه روزه) روشن روان

سبک زال جنگی برو حمله برد  
منوچهر گفت این (پ: ای) دلاور جوان



گرفتش<sup>۲</sup> کمر بند<sup>۳</sup> او را به چنگ<sup>۴</sup>  
 که شاه و سپه ماند زو در شگفت<sup>۵</sup>  
 که مردم نبیند کسی زین نشان<sup>۶</sup>  
 کند جامه مادر<sup>۷</sup> برو<sup>۸</sup> لاژورد<sup>۹</sup>  
 چه گرد؟ از<sup>۱۰</sup> نهنگان<sup>۱۱</sup>ش باید شمرد  
 بماند<sup>۱۲</sup> به گیتی دلیر و سوار<sup>۱۳</sup>  
 همان<sup>۱۴</sup> نامور مهتران<sup>۱۵</sup> سترگ<sup>۱۶</sup>  
 کمر بسته و با کلاه آمدند  
 کزان خیره گشتند یکسر مهان<sup>۱۷</sup>  
 چه از یاره<sup>۱۸</sup> و طوق<sup>۱۹</sup> و زرین کمر  
 پرستنده و اسپ و بسیار<sup>۲۰</sup> چیز  
 شگفتی سخن های فرخ نشست<sup>۲۱</sup>  
 بهر کار پیروز برسان<sup>۲۲</sup> شیر  
 به رزم و به بزم<sup>۲۳</sup> و به رای و به چهر

ز گرد اندر آمد بسان نهنگ<sup>۱</sup>  
 چنان خوارش از پشت زین برگرفت  
 به آواز گفتند گردن کشان  
 ۱۳۱۰ هرآنکس که با او<sup>۲</sup> بجوید نبرد<sup>۳</sup>  
 ز شیران<sup>۴</sup> نزیاید<sup>۵</sup> چنین<sup>۶</sup> نیز<sup>۷</sup> گرد  
 خنگ<sup>۸</sup> سام یل که ش<sup>۹</sup> چنین یادگار<sup>۱۰</sup>  
 برو<sup>۱۱</sup> آفرین کرد شاه بزرگ  
 بزرگان سوی کاخ شاه آمدند  
 ۱۳۱۵ یکی خلعت آراست شاه جهان  
 چه از تاج پرمایه و تخت زر  
 همان<sup>۱۲</sup> جامه های گرانمایه نیز  
 پس آن نامه ی سام<sup>۱۳</sup> پاسخ نشست<sup>۱۴</sup>  
 که ای نامور پهلوان دلیر  
 ۱۳۲۰ نبیند چو تو نیز<sup>۱۵</sup> گردان سپهر

۱- ق، ل، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ): پلنگ؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، ۲- ق، پ: گرفت آن ۳- ب: کمرگاه ۴- ف: اوبی درنگ؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ) ۵- ل، س: ماند اندر شگفت؛ ق، ق، آ، پ، و، ب: ماند ازو در شگفت؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، آ، ل، ۶- لن این بیت را ندارد؛ ل، پ پس از این بیت يك بیت افزوده اند (← ۱۳۰۶ پ) ۷- پ: تو ۸- ل، ق: هرآنکس که جویند با او (ق: وی) نبرد؛ و: هرآنکس که جوید ز دستان نبرد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۹- ق: جامه تن؛ ل: جامه ما ۱۰- لن، ق، ق، آ، ل، ب: بدو؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۱- ف، س، ق، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ): لاجورد؛ متن = ل، لن، و، ۱۲- و: گردان ۱۳- س: نباشد؛ آ: برآید ۱۴- و: جوار؛ آ: چنان؛ ل: آ: چو ۱۵- ق، پ: مرد؛ ل: نیز ۱۶- لن: ز تخم؛ آ: که گرد از ۱۷- لن، ل، ب (و نیز س، آ): کین ۱۸- ق: نامدار ۱۹- ل: بماند و ۲۰- ق: ازو یادگار؛ ل: دلیری سوار؛ ف، س، و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند؛ بنداری: فلیهن ساما آن بخلفه هذا البطل الجور والیت الهصور ۲۱- ل: بدو ۲۲- ل: چنان ۲۳- لن، پ: همان (پ: همه) پهلوانان (پ: پهلوانان و) گرد و سترگ ۲۴- ل، ق: که گشتند از آن خیره یکسر مهان؛ س، ب (و نیز س، آ): که گشتند خیره مهان و (ب، س، آ: زرایش) مهان؛ لن، ق، آ، ل، پ، آ، ل: کزو (ل: کزان) خیره ماندند یکسر مهان؛ و (و نیز لن، آ): چنان چون بیاید سزای مهان؛ متن = ف ۲۵- ف: باره؛ ل: باره (نقطه ندارد)؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ) ۲۶- آ: < و > ۲۷- لن، پ: چه از؛ و: همه ۲۸- ل، لن، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ): هرگونه؛ متن = ف، س؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده اند:

به زال سپید سپرد آن زمان همه (پ: همان) چیزها از کران تا کران

لی پس از بیت ۱۳۱۷ افزوده است:

به دستان فرخ سپرد آن تمام زمین را بیوسید دستان سام

برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، پ، ب: پاسخ نامه سام از شاه (ب: < شاه >) منوچهر؛ و: پاسخ نامه سام نریمان از نزد منوچهر شاه ۲۹- س، ل: نامه راشاه؛ ق از این بیت تا بیت ۱۳۲۶ را ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۰- ل، لن، و، ب: نوشت؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۱- ل، لن، ل، و، ب: نوشت (در لی پیاوند نادرست است)؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، آ، ل ۳۲- لن: فیروز برسان؛ و: پیروزگر همچو؛ آ: فیروز و برکار؛ س، ق این بیت را ندارند؛ لن، پ پس از این بیت و لی پس از بیت ۱۳۲۳ افزوده اند:

چو آمد برم نامه پهلوان شنیدم من آنرا (لی: مر آن را) بروشن روان

۳۳- ف: نبیند چون تیز؛ پ، و (و نیز لن، آ، س، آ): نبیند چو (و، لن، آ: چو) نیز؛ متن = ل، ق، آ (و نیز ل، آ) ۳۴- ف، و (و نیز لن، آ، س، آ): بزم و برزم؛ متن = ل، ق، آ، پ (و نیز ل، آ، س، لن، ق، ل، آ، ل، ب این بیت را ندارند؛ در ف، و (و نیز در لن، آ، س، آ) این بیت پس از بیت ۱۳۲۲ آمده است

همان پور فرخنده، زال<sup>۱</sup> سوار  
رسید و بدانستم از کام او<sup>۲</sup>  
سُخُن هر چه زو سام را کام بود<sup>۳</sup>  
همه آرزوها سپردم بدوی  
۱۳۲۵ ز شیری که باشد شکارش پلنگ  
گسی کردمش با دلی شادمان  
کزو<sup>۴</sup> ماند اندر جهان یادگار  
همان خواهش و رای و آرام او<sup>۵</sup>  
همان زال را رای و آرام بود<sup>۶</sup>  
بسی روز فرخ<sup>۷</sup> شمردم بدوی<sup>۸</sup>  
چه زاید<sup>۹</sup> جزاز<sup>۱۰</sup> شیر شرز به جنگ<sup>۱۱</sup>  
کزو دور بادا بد بدگمان<sup>۱۲</sup>

برون رفت با فرخی<sup>۱۳</sup> زال زر  
نوندی برافگند نزدیک<sup>۱۴</sup> سام  
ابا خلعت خسروانی و تاج<sup>۱۵</sup>  
۱۳۳۰ چنان شاد شد زان سُخُن<sup>۱۶</sup> پهلوان  
سواری به کاول<sup>۱۷</sup> برافگند زود  
نوازیدن شهریار جهان  
من اینک<sup>۱۸</sup> چو<sup>۱۹</sup> دستان بر من رسد<sup>۲۰</sup>  
فرستاده تازان به کاول<sup>۲۱</sup> رسید

ز گردان لشکر برآورده سر<sup>۲۲</sup>  
که برگشتم از شاه، دل شادکام  
همان یاره<sup>۲۳</sup> و طوق و هم<sup>۲۴</sup> تخت عاج<sup>۲۵</sup>  
که با پیرسر<sup>۲۶</sup> شد به نوی جوان  
به مهراب گفت آن کجا رفته بود  
و زان شادمانی<sup>۲۷</sup> که رفت از مهان<sup>۲۸</sup>  
گذاریم<sup>۲۹</sup> هردو<sup>۳۰</sup> چنان چون سزد<sup>۳۱</sup>  
خروشی برآمد چنان چون سزید

۱- ق: ۲- سام ۲- ق: ۲- وزو ۳- ق: ۲- کارتو؛ (ل: کام تو)؛ متن= ل ۴- ق: ۲- آزار نو؛ (ل: آرام تو)؛ متن= ل؛ س، لن، ق، لی، آ، ل، ب بیت های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ را ندارند و ف، پ، و (و نیز لن، س) از آنها يك بیت ساخته اند:

رسید و بدانستم (پ: ندانستم) از روی کار (ف: آن روزگار) کزو ماند (و: ماندی) اندر جهان یادگار  
س: ۲: سخن ها که گفتی تو ای نامدار

پایه بیت های متن= ل، ق، ۲ (و نیز ل) ۵- ل: برآمد هر آنچه آن ترا کام بود؛ س: که اینک هر آنچه ترا کام بود (وزن نادرست است)؛ لن، ق، ۲، لی، آ، ل، ب: بکردم (لن: بدادم؛ آ، ل: که اینست) هر آنچه کت کام بود؛ و (و نیز لن): هر آن چیز کان (لن: کن) مر ترا کام بود؛ ق، پ (و نیز ل) این بیت را ندارند؛ متن= ف (و نیز س)؛ ف: هر چه ازو)؛ لی پس از این بیت ۱۳۳۶ پ را افزوده است ۶- ق، ۲، لی، ل، ب: خرم؛ متن= ف، ل، س (و نیز ل، س) ۷- و: بسی پند فرخ شمردم براوی؛ آ: که نیکی بجای خود آید بکوی (!)؛ لن، ق، پ این بیت را ندارند ۸- ل: چه آید؛ ل: جز آید؛ ق این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۹- و: بجز ۱۰- لن، پ: نهنگ ۱۱- س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۲- ل: فرهی ۱۳- و، آ: برآورد سر؛ پ، ق این بیت را ندارند ۱۴- ف: دستان؛ (ل: برسوی)؛ پ این بیت را ندارند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س، ق، ۲، لی: باز آمدن زال بتزد (لی: از پیش) سام (س: سام نریمان و داماد شدن)؛ ل: آمدن دستان به سیستان نزد سام بشادی ۱۵- س: ابا خلعت و خسروانیم تاج ۱۶- ف، ق: باره؛ س، ق، و: ناره (نقطه ندارد)؛ پ این بیت را ندارد؛ متن= ل، لن، لی، آ، ل، ب (و نیز لن، آ، س) ۱۷- و (و نیز لن، آ، س): با ۱۸- لی: تخت و عاج؛ ق پس از این بیت افزوده است:

سبک نرزدت آیم کنون بر شتاب ابا مهربان نامبردار بساب

۱۹- ق: خیر ۲۰- لن: <سر> (وزن نادرست است)؛ پ این بیت را ندارد ۲۱- ف- ب (و نیز ل، لن، آ، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- ق، ۲، لی، ل، آ، ب: از آن (ق: بران؛ لی: بدان) گونه شادی؛ متن← ۲۳- ق: که دید از مهان؛ لی: که بد در نهان؛ آ: گرفت از مهان؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، س، و ۲۴- لی: هم اکنون ۲۵- س: که ۲۶- ق، آ: رسید ۲۷- س، ق، ۲: گزاریم؛ ق، و: بیایم؛ لی: گراییم؛ ب: گزاریم؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، آ، ل ۲۸- س: از آن سو ۲۹- ق، آ: سزید؛ آ در اینجا سرنویس دارد: آمدن زال بکابلستان ۳۰- ف، ل، س، ق، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است؛ لن، لی، پ این بیت را ندارند

۱۳۳۵ چُنان شاد شد شاه کاولستان  
 که<sup>۴</sup> گفستی<sup>۵</sup> همی<sup>۶</sup> جان برافشانند  
 چو<sup>۷</sup> مهرباب شد شاد و روشن روان  
 گرانمایه سیندخت را پیش خواند  
 بدو<sup>۱۲</sup> گفت کای<sup>۱۳</sup> جفت<sup>۱۴</sup> فرخنده‌رای  
 به شاخی زدی دست کاندِر زَمین<sup>۱۹</sup> ۱۳۴۰  
 چُنان<sup>۲۱</sup> هم کجا<sup>۲۲</sup> ساختی از نُخست<sup>۲۳</sup>  
 همه گنج پیش تو آراسته ست  
 چو بشنید سیندخت ازو گشت<sup>۲۷</sup> باز  
 همی<sup>۳۱</sup> مژده دادش به دیدار زال<sup>۳۲</sup>  
 ز پیوند خورشید<sup>۲</sup> زاولستان<sup>۳</sup>  
 ز هر جای رامشگران خواندند  
 لبش گشت خندان و دل شادمان<sup>۴</sup>  
 بسی<sup>۹</sup> چرب<sup>۱۰</sup> گفتار با او<sup>۱۱</sup> براند  
 بیفروخت<sup>۱۵</sup> از رایت<sup>۱۶</sup> این<sup>۱۷</sup> تیره‌جای<sup>۱۸</sup>  
 برو<sup>۲۰</sup> شهریاران کنند آفرین  
 بیاید مرین<sup>۲۴</sup> را سرانجام جُست  
 اگر تخت و تاج ست<sup>۲۵</sup> اگر<sup>۲۶</sup> خواسته ست  
 بر<sup>۲۸</sup> دختر<sup>۲۹</sup> آمد سراینده راز<sup>۳۰</sup>  
 که تو یافتی چونک باید همال<sup>۳۳</sup>

۱- ف- ب (و نیز ل، ن، س، آ): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲- لن، پ: سالار ۳- ل- ق، لی- ب (و نیز ل، ن، س، آ): زابلستان؛ ق: کابلستان (پاوند ندارد)؛ متن = ف؛ لن، ق، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

که بیجان شده بازیابد روان و یا پیرسر مرد گردد جوان  
 لی: لبش گشت خندان و دل شادمان (= ۱۳۳۷ ب)

ق<sup>۲</sup> پس از بیت بالا يك بيت ديگر هم افزوده است:

همه شهر کابل از آن شادمان تو گفستی که گشتند از سر جوان

۴- لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب: تو؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، ن، س، آ) ۵- ق: گویی ۶- لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، س، آ): همه؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز لن، س، آ)؛ ل، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

بشادی زدند آنگهی دست زود کز انلوه و غم هرکسی رسته بود

۷- ل: که؛ لی، و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۸- ق، آ، ل، ب: دل (ق: رخ) شد جوان؛ متن = ف، ل، س، لن، ق، پ (و نیز ل، ن، س، آ) ۹- لن، پ، آ، ل، ب: همه؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۰- ل، ق، ق، آ، و (و نیز ل، ن، س، آ): خوب؛ متن =

هشت دستویس دیگر (و نیز س، آ) ۱۱- لی: وی ۱۲- و: چنین ۱۳- س، آ، ل، ب: ای ۱۴- و: ماه ۱۵- س: برافروخت ۱۶- ل، س، آ:

از جانت؛ لی: از جای؛ و: رای تو؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، آ، ب ۱۷- ل: آن ۱۸- ل، لی، ل، آ: رای (پاوند ندارند)؛ ق: رایت از این تیره

جای ۱۹- لی: جهان (پاوند ندارد است) ۲۰- ق: بلو؛ ب: بران ۲۱- ل، س، ق، ق، آ، و، آ، ل: چنین؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = ف، لن، لی، پ (و نیز س، آ) ۲۲- ل: هر کجا؛ س: هم که این؛ ق: همچنان؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز س، آ) ۲۳- ف: از نهفت؛ متن = ده

دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ)؛ در ف به از نخست تصحیح کرده است) ۲۴- ل (و نیز ل، ن، س، آ): مران؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز لن، آ) ۲۵- ل، س، ق: اگر تخت عاجست؛ لن، پ: اگر تاج اگر تخت؛ و، ل (و نیز ل، ن، س، آ): اگر تاج و تخت؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، لی، آ (و

نیز لن، آ، س، آ) ۲۶- س، ق، لی، آ (و نیز ل، ن، س، آ): وگر؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز س، آ) ۲۷- ل: برگشت؛ متن = یازده دستویس دیگر (و

نیز ل، ن، س، آ) ۲۸- ق: سوی؛ ق: آ: پس ۲۹- ل: دخت ۳۰- لی: باز (پاوند ندارد)؛ آ: ناز ۳۱- س: همان ۳۲- آ: سراینده زال

۳۳- ل: که دیدی چنان چون بیاید همال؛ س، ق: چنان یافتی تو که باید همال؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): که چون یافتی تو که باید همال؟؛

و (و نیز لن، آ): که چون خواستی یافتی تو (لن، آ: زو) همال؛ (ل، آ): که خود یافتی چون که باید همال؛ متن = ف؛ در ل پس از این بیت ۱۳۴۷ آمده

است

۱۳۴۵ زن و مرد را از بلندی منش  
سوی کام دل تیز<sup>۲</sup> بشتافتی  
بدو گفت رودابه: ای شاه<sup>۷</sup> زن  
من از خاک پای تو بالین کنم  
ز تو چشم آهرمندان<sup>۱۱</sup> دور باد  
۱۳۵۰ چو بشنید سیندخت گفتار او<sup>۱۲</sup>  
بیاراست ایوانها چون بهشت<sup>۱۵</sup>  
بساطی بیفگند پیکر به زر  
دگر<sup>۱۸</sup> پیکرش در خوشاب بود  
یک<sup>۲۰</sup> ایوان همه<sup>۲۱</sup> تخت زرین نهاد  
۱۳۵۵ همه پیکرش<sup>۲۳</sup> گوهر آگنده بود  
ز یاقوت مر تخت را پایه بود<sup>۲۴</sup>  
بیاراست<sup>۲۵</sup> رودابه را<sup>۲۶</sup> چون بهشت<sup>۲۷</sup>  
نشست اندران<sup>۲۹</sup> خانهی زرنگار

نیابد به گیتی ز کس سرزنش<sup>۲</sup>  
کنون هرچه<sup>۴</sup> جستی همه<sup>۵</sup> یافتی  
سزای ستایش بهر انجمن  
ز فرمانت<sup>۸</sup> آرایش دین کنم  
دل و جان<sup>۱۱</sup> تو خانهی سور باد  
به<sup>۱۳</sup> آرایش کاخ بنهاد روی<sup>۱۴</sup>  
گلاب و می و مشک و<sup>۱۶</sup> عنبر سرشت<sup>۱۷</sup>  
زبرجد برو بافته سربسر  
که هر دانهی قطرهی<sup>۱۹</sup> آب بود  
به آیین و آرایش چین<sup>۲۲</sup> نهاد  
میان گهر نقشها کنده بود  
که تخت کیان بود و پرمایه بود<sup>۲۴</sup>  
به خورشید بر جادویها نشست<sup>۲۸</sup>  
کسی را بر او<sup>۳۰</sup> ندادند بار

۱- لن: برین؛ پ: مرین؛ آ، ل، ب: بز؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲- ل، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، لن): سزد گر فرازد (ق، ل، آ): برآرد؛ ق، آ، ل، ب: فرازی؛ لی، و، لن، آ: برآید) سراز سرزنش (آ: گردنش)؛ س: بکام دل آمد ای سرزنش؛ لن، پ: سزد گر برافرازی از سرزنش؛ (س: برآید به آخر سراز سرزنش)؛ متن = ف ۳- لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: زود؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، آ، لن، س) ۴- ل: هرج؛ س: آنج؛ ق، لی: آنچه؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، س) ۵- ل: همی؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، س) ۶- ق: کی؛ لی: کای ۷- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: شاد؛ متن = ف، ل، س، ق، و؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت پس از بیت ۱۳۴۴ آمده است ۸- س، و (و نیز لن، آ): سزاتر که (س: جو)؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: بفرمانت؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل، آ، لن، س): ل، ق، پ پس از این بیت افزوده اند:

بکام نو گردد همه کار ما سرآمد همان تیز بازار ما

۹- لن: من ۱۰- ف، ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، ب (و نیز ل، آ، لن): اهرمان؛ و: اهریمان؛ (س: اهرنا)؛ متن = ق، آ ۱۱- ق: چشم؛ ق در اینجا سرنویس دارد: گفتار در ترتیب عروسی رودابه و رسیدن زال از نزد منوچهر و آمدن سام و زال بکابل ۱۲- ق، آ: او ۱۳- ل: بر؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، س) ۱۴- ق: رو؛ ل پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت دوم را افزوده اند:

چهل بوستان کرد از خرمی بهشت برین کرد روی زمی  
بهار نو آورد در بوستان که شادان شدند از دوستان

۱۵- لن، پ: ایوان چو خرم بهشت ۱۶- لی، و: < ۱۷- لن، پ، ل، آ، می و (ل: همی) مشک و عنبر بهم در سرشت؛ ق: بخورشید بر جادویها نشست (= ۱۳۵۷ ب) ۱۸- لی: همه ۱۹- ق: زاده ۲۰- لن، ق، آ، لی، پ، ب: در؛ آ: که؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل ۲۱- س، و: پراز؛ لن، پ: یکی؛ ق، آ، لی، ب: همی؛ آ، ل، ب: بران؛ متن = ف، ل، ق ۲۲- لی: آیین (پساوند ندارد) ۲۳- لی: گوهرش؛ و این بیت را ندارد ۲۴- س: کرد؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

یک ایوان همه جامه (ق: جامه و) رود می بیاورده از پارس و اهواز و ری

۲۵- ق: بیاورد ۲۶- لی: < را ۲۷- ل: نگار؛ ق: بهار؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۸- و، آ، ب: نوشت؛ ل، ق: پراز جامه و رنگ و بوی بهار (ق: و بهار)؛ لن، پ: برو بر بسی جادویها نوشت (پ: نوشت)؛ ق: گلاب و می و مشک و عنبر سرشت (= ۱۳۵۱ ب)؛ متن = ف، س، لی، ل، ب پس از این بیت افزوده است:

گلی دیگرش بر سر گل نهاد به گیسو درش مشک و سنبل نهاد

۲۹- لن، پ: نشاندش در آن؛ لی: نشاند اندران؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۰- ل، آ، وی

- همه کاولستان<sup>۱</sup> شد آراسته<sup>۲</sup>  
 همه<sup>۵</sup> پشت پیلان بیاراستند<sup>۶</sup> ۱۳۶۰  
 نشستند بر پیل رامشگران  
 پذیره شدن را بیاراستند  
 کجا برفشانند<sup>۱۲</sup> مشک و عبیر  
 فشانند<sup>۱۵</sup> برسره می<sup>۱۶</sup> مشک و زر
- همی راند<sup>۲۰</sup> دستان گرفته شتاب ۱۳۶۵  
 [همه ره<sup>۲۳</sup> چو آتش همی راند زال  
 کسی را بُد ز آمدنش<sup>۲۵</sup> آگهی  
 خروشی برآمد ز پرده سرای  
 پذیره شدش سام یل شادمان  
 چو شد زو رها زال<sup>۲۹</sup>، بوسید خاک  
 نشست از بر تخت پرمایه سام  
 سَخُن های سیندخت گفتن گرفت
- پر از رنگ و بوی و<sup>۳</sup> پر از خواسته<sup>۴</sup>  
 به دیبای رومی و می خواستند<sup>۷</sup>  
 نهادند بر سر<sup>۸</sup> ز زر<sup>۹</sup> افسران  
 زکاول<sup>۱۱</sup> پرستندگان خواستند<sup>۱۱</sup>  
 همان<sup>۱۳</sup> گسترانند<sup>۱۴</sup> خَز و حریر  
 کنند<sup>۱۷</sup> از گلاب و ز می<sup>۱۸</sup> خاک<sup>۱۹</sup> تر
- چو پرنده مرغان و<sup>۲۱</sup> کشتی بر<sup>۲۲</sup> آب  
 نه خورد و نه خواب و نه آرام و<sup>۲۴</sup> هال]  
 پذیره نرفتند با<sup>۲۶</sup> فرهی  
 که آمد ز ره<sup>۲۷</sup> زال فرخنده رای  
 همی داشت اندر برش يك زمان<sup>۲۸</sup>  
 بگفت آن کجا<sup>۳۰</sup> دید و بشنید پاك  
 ابا زال خرم<sup>۳۱</sup> دل و شادکام  
 چو شد لبش خندان<sup>۳۲</sup> نهفتن گرفت

- ۱- ف-آ، ب (و نیز ل، ن، س، ت): کابلستان؛ ل این بیت را ندارد؛ متن تصحیح قیاسی است ۲- ل: بیاراسته؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، ت) ۳- ق: <> ۴- س: پر از رنگ و بوی و پر خواسته ۵- ل، ق: همان؛ متن = ده دستویس دیگر ۶- آ، ب: برآراستند ۷- ف، ل، پ، آ، ل، ب (و نیز س، ت): ز کابل (ل، ن، پ، ب: یکایک؛ آ: بکابل) پرستندگان خواستند (= ۱۳۶۲ ب)؛ ق: بشادی همه مشک و می خواستند؛ متن = ل، س، ق، ل، و (و نیز ل، ن، ت): بنداری؛ و جللو اظهار الفیلة بالحریر و الیدیاج ۸- ل، ن: نهاده بسر بر؛ ق، ل، ن: این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستویس دیگر ۹- پ: همه؛ آ، ل، ب: بزرگ؛ متن = ف، ل، س، ن، ق، و ۱۰- متن تصحیح قیاسی است ۱۱- ل، ن، پ، آ، ل، ب: تاراش همه مشک و زر خواستند؛ ف (← پ ۷)، ل، ق، ل، ن: این بیت را ندارند؛ متن = س، ق، و (و نیز ل، ن، ت)؛ ق پس از این بیت و ق پس از بیت ۱۳۶۴ افزوده اند:
- دگر سو دمان زال و یاران اوی (ق: ان) سوی زابلستان نهادند روی (ق: ان)
- ۱۲- ف، ل، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، ت): برفشانند؛ ل، ن، ق، ق، ل، ل، ن: این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = س (و نیز س، ت) ۱۳- ل، س، و، آ، ل، ب: همی؛ متن = ف، پ ۱۴- ل، پ، آ، ل، ب: گسترانند؛ و: گستریدند؛ متن = ف، س (و نیز س، ت) ۱۵- ف، ل، ق، ل، ل، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، س، ت): فشانند؛ ل، ن، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = س ۱۶- ل، ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب: همه؛ متن = ف، س، و ۱۷- ل، ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب (و نیز س، ت): که شد؛ و: همان؛ متن = ف، س (و نیز ل، ن، ت) ۱۸- ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب: آن همه؛ متن = ف، ل، س، پ، و ۱۹- ل، ل، ب: ق پس از این بیت يك بیت افزوده است (← پ ۱۱) ۲۰- ل، ل، ق، پ (و نیز ل، ن، ت): مرغ و جو؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، ت) ۲۱- ل، ل، ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب: در ۲۲- ل، ل، ف (و نیز س، ت): وزین سو؛ متن = ل، ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب: کالطیر فی الهواء، والسفینة علی وجه الماء. فلم یشر به أحد حتی طلع علی أیه (= ۱۳۶۵ و ۱۳۶۷) ۲۳- ل، ن، ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب: کسی را که بد ز آمدن؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، ن، س، ت) ۲۴- ل، ن، ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب: برفتند با؛ س: که رفتی پذیره اش ابا؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، ن، س، ت)؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر رسیدن زال بتزدیک پدر و دامادی کردن اوی با دختر شاه کابل؛ ل: رسیدن زال بتزدیک سام بقیروزی؛ ل، پ: رسیدن زال بتزدیک سام؛ ب: باز آمدن زال نزد منوچهر ۲۵- ل، ل، ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب: چو دیدش به بر داشتش يك زمان؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، ت) ۲۶- ل، ل، ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب: چو شد زو جدا زال؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، ت) ۲۷- ل، ل، ق، ل، ل، پ، آ، ل، ب: چو خندان شد آنکه؛ متن = ف، س، و، ل، ل (و نیز ل، ن، س، ت)؛ در ق، ل، ل، ن: این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

چنین <sup>۱</sup> گفت کامد ز کاول <sup>۲</sup> پیام ز من خواست پیمان و <sup>۵</sup> دادم زیان	۱۳۷۵	زهر چیز کز من به خوبی بخواست نُخست آنک <sup>۱۰</sup> با <sup>۱۱</sup> شاه <sup>۱۲</sup> زاولستان <sup>۱۳</sup>
دگر آنک زی او به مهمان شویم فرستاده‌یی آمد از نزد او <sup>۱۷</sup>	۱۳۸۰	کنون چیست پاسخ فرستاده را ز شادی چنان تازه شد <sup>۲۱</sup> زال سام
چنین داد پاسخ که ای پهلوان سپه بگذرد ما ز پس تر رویم <sup>۲۴</sup>		به دستان نگه کرد فرخنده <sup>۲۶</sup> سام سُخُن هرچه <sup>۲۸</sup> از دخت <sup>۲۹</sup> مهرباب نیست
پیمبر <sup>۳</sup> زنی بود سیندخت نام <sup>۴</sup> که هرگز نباشم برو <sup>۷</sup> بدگمان سُخُن ها برآن <sup>۸</sup> برنهادیم راست <sup>۹</sup> شود جفت خورشید <sup>۱۴</sup> کاولستان <sup>۱۵</sup> بران <sup>۱۶</sup> دردها پاک درمان شویم که شد ساخته <sup>۱۸</sup> کار فرزند او <sup>۱۹</sup> چه گویم مهرباب <sup>۲۰</sup> آزاده را که رنگش سراپای شد لعل فام <sup>۲۲</sup> گر ایدونک <sup>۲۳</sup> بینی به روشن روان بگویم بسیار و هم بشنوم <sup>۲۵</sup> بدانست کو را درین <sup>۲۷</sup> چیست کام شب تیره مر زال را خواب نیست		ز دند و گشادند پرده سرای بفرمود تا زنگ <sup>۳۱</sup> و <sup>۳۲</sup> هندی درای

۱- و: همی ۲- ف- ق- لی- ب (و نیز لن، آ، س): کابل؛ ق: زابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۳- ف، آ، ل: پیامبر (وزن نادرست است و یا شاید باید در تقطیع صامت م را پس از هجای بلند انداخته بیت ۲۱۲) ۴- س: که رنگش سراپای شد لعل فام (= ۱۳۸۰ ب)؛ درس پس از این بیت ۱۳۸۱ آمده است؛ در ق: آ، لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۵- لی: < و > ۶- س، لن، ق: آ، لی، پ، ل، آ، ب: زمان؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۷- ل، ق، لی، پ، ل، آ، ب: بدو؛ متن = ف، س، لن، ق: آ، و، آ ۸- ق: آ، پ: برو؛ لی: بدان؛ س این بیت را ندارد ۹- پ: بر نهادم برات ۱۰- پ، و، آ، ل: آنکه ۱۱- ق: آ، ب: تا ۱۲- ل، لی، و: ماه؛ س این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۳- ل، ق: آ، لی، و: کابلستان (و پسوند ندارد)؛ لن، ق، پ، آ، ب: زابلستان؛ متن = ف، ل، لن، پ: هم ماه؛ ق: آ، آ، ب: با ماه؛ لی: با شاه؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۱۵- ف، لن، ق، ق: آ، پ- ب (و نیز س): کابلستان؛ ل، لی (و نیز ل، لن، آ): زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۶- آ: بدان؛ ف، س، و (و نیز لن): این بیت را ندارند ۱۷- ق، آ، ل، آ، ب: او ۱۸- ل: که پرده شده؛ س این بیت را ندارد؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۹- ف (و نیز لن): کار فرزند او (پسوند ندارند)؛ لن، پ: کار را رنگ و بوی؛ ق: آ، لی: کار پیوند جوی؛ و: کار اورمزد او (آ، ل، آ، ب (و نیز س): کار پیوند او (پسوند ندارند)؛ متن = ل، ق، ق: ان) ۲۰- ل: چه گویم بمهرباب؛ س این بیت را ندارد ۲۱- ل، ق، پ: چنان شد دل؛ لن، و: چنان شاد شد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۲- س: پیامبر زنی بود سین دخت نام (= ۱۳۷۳ ب)؛ لن، ق: آ، آ، ب: بدانست کورا از آن (آ، ب: ازین) چیست کام (= ۱۳۸۳ ب)؛ درس ۱۳۷۳ ب و ۱۳۸۰ ب پس و پیش شده‌اند و بیت های میان این دو بیت بجز بیت ۱۳۷۴ افتاده‌اند ۲۳- پ: ایدونکه؛ لن، لی، آ، ب این بیت را ندارند؛ درس این بیت پس از بیت ۱۳۷۳ آمده است ۲۴- ل، س، ق، و (و نیز لن): سپه رانی و ما به کابل (و، لن): ما نخستین شویم؛ ق: سپه رانی و بار بستر (→ ماز پسر) شویم؛ پ: ز پیش سپه ما بیکو شویم؛ ل: سپه را سراسر پذیره شویم؛ (ل): سپه رانی و ماز ایدون رویم؛ س: سپه رانی و ماز پس تر شویم)؛ لن، لی، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف ۲۵- ل، س، ق، پ، و، ل (و نیز لن، آ، س): بگویم و (ل، ق: < و >) زین در سخن بشنوم؛ ق: بگویم در آن سر سخن بشنوم؛ (ل): بگویم و گفتارشان بشنوم)؛ متن = ف ۲۶- س، ق، پ، و، ل (و نیز س): و خندید؛ لن، آ، ب لت یکم این بیت را ندارند، لی این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل، لن، آ) ۲۷- ل، ق: ازین؛ س: زین؛ لن، ق: آ، پ، و، ل (و نیز ل، لن، آ، س): از آن؛ متن = ف؛ لن، آ، ب، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ آ را انداخته و از ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳ ب يك بیت ساخته‌اند؛ ف، و (و نیز لن): پس از بیت ۱۳۸۳ افزوده‌اند:

ورا داد پاسخ به شیرین زبان که ای نامور نیک پی پهلوان

۲۸- ل، لن: هرج؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۹- آ: از بهر ۳۰- ل، س: بنزدیک زال آن جز از خواب نیست؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۳۱- ل: صبح ۳۲- لن، ق: < و >

بدان تا شود نزد<sup>۲</sup> مهرباب شیر  
 ابا زال و پیلان<sup>۶</sup> و چندی<sup>۷</sup> سپاه  
 بیاراست لشکر چو چشم خروس  
 زمین شد بهشت از کران تا کران  
 چه سرخ و سپید<sup>۱۱</sup> و چه زرد<sup>۱۱</sup> و بنفش  
 خروشیدن بوق<sup>۱۵</sup> و آوای زنگ<sup>۱۴</sup>  
 یکی رستخیزست گرامش<sup>۱۷</sup> ست  
 فرود آمد از اسپ و بگذارد<sup>۱۹</sup> گام  
 پرسیدش از گردش روزگار  
 چه<sup>۲۱</sup> بر سام و بر زال زر<sup>۲۲</sup> همچنین<sup>۲۳</sup>  
 چن<sup>۲۴</sup> از<sup>۲۵</sup> کوه<sup>۲۶</sup> سر برکشد<sup>۲۷</sup> ماهنو  
 نهاد از<sup>۲۹</sup> بر تازک زال زر  
 سخن های دیرینه کردند یاد  
 ز نالیدن بربط و چنگ و نای<sup>۳۳</sup>  
 زمانه بر<sup>۳۴</sup> آرایش<sup>۳۵</sup> دیگرست

هیونی برافگند و گردی<sup>۲</sup> دلیر  
 بگوید که آمد<sup>۳</sup> سپهد ز<sup>۵</sup> راه  
 بزد نای مهرباب و<sup>۸</sup> بریست کوس<sup>۸</sup>  
 ابا زنده پیلان و رامشگران  
 ز بس گونه گون پرنیانی درفش  
 چه آوای<sup>۱۲</sup> نای و چه آوای<sup>۱۳</sup> چنگ<sup>۱۳</sup>  
 تو گفستی مگر روز انجامش ست  
 همی رفت ازین گونه تا پیش<sup>۱۸</sup> سام  
 گرفتش جهان پهلوان در کنار  
 شه کاولستان<sup>۲۰</sup> گرفت آفرین  
 نشست از بر باره ی تیزرو  
 یکی تاج زرین، نگارش<sup>۲۸</sup> گهر،  
 به کاول<sup>۳۰</sup> رسیدند خندان و شاد  
 همه شهر از<sup>۳۱</sup> آواز<sup>۳۲</sup> هندی درای  
 تو گفستی دد و دام رامشگرست  
 ۱۳۹۰  
 ۱۳۹۵  
 ۱۴۰۰

۱- ل- ب (و نیز س): < و >؛ متن = ف (و نیز ل، ل، ن) ۲- ل: گردو؛ س، ق، و؛ مردی؛ ل، ن، ق، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، س): مرد؛ لی: زال؛  
 متن = ف (و نیز ل) ۳- ل: پیش؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س): آ: بگویند کآمد ۵- ق، ل، ب، آ، ل، ب: به؛ متن =  
 ف، ل، س، ل، ن، ق، و ۶- ل: ابا زال با پیل؛ ق، پ: ابا زنده پیلان؛ متن = نه دستویس دیگر ۷- ق: چندین؛ لی، آ، ل: چندان؛ متن = هشت  
 دستویس دیگر؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن مهرباب بدیدن سام و زال؛ ل پس از این بیت های ۱۳۳۴-۱۳۳۶ و ق، پ بیت ۱۳۳۴ را  
 دوباره آورده اند؛ ل، ق، ل، ب پس از این بیت دو بیت و پ پس از افزودن بیت ۱۳۳۴ تنها بیت دوم را افزوده اند:

فرسناده آمد به مهرباب زود سراسر بگفت آنچه دید و شنود  
 چو بشنید مهرباب شد شادمان رخسار گشت چون لاله و ارغوان

ق، ل، ب: رخسار (لی: رخ) گشت همچون گل و ارغوان

۸- چو بشنید مهرباب؛ ل، ن، ق، ل، ب (و نیز ل): بزد نای روئین و؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س): آ: بر پشت؛ آ: زد زود ۱۰-  
 س: سپاه؛ ل: چه سبز؛ لی: چه زرد؛ و، ب: سفید؛ متن ← ۱۱- س: سپید؛ لی: ب: چه سبز؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، ل ۱۲- س، ل، ن، لی،  
 پ، ب: آواز؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۳- س، ل، ن، لی، پ، و، ب: آواز؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، ل ۱۴- س: کوس ۱۵- ق: نای ۱۶-  
 لی: کوس (پساوند ندارد)؛ س: خروشان شده همچو چشم خروس (!) ۱۷- ف: و یا رامش؛ س، ق، ل، ب (و نیز ل): < و > یا رامش؛ ل، ن، ق، ل، پ،  
 آ، ل، ب: و آرامش؛ (س: و با رامش)؛ و: نه هنگام شادی و آرامش؛ متن = ل ۱۸- ق: نزد ۱۹- ف، س- ب (و نیز ل، ل، ن، س): بگزارد؛  
 متن = ل ۲۰- ف- ق، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، س): کابلستان؛ ق: زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۱- ق: ابر ۲۲- س، ق، ل، ب: بر؛  
 آ: پیل؛ ل: را؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۳- آ: آفرین (پساوند ندارد)؛ ل، ن، لی پس از این بیت افزوده اند:

برایشان برافشانند مشک و عبیر همی گسترانید خز و حریر

۲۴- ل- ب (و نیز ل، ل، ن، س): چو؛ متن = ف ۲۵- ل: آن ۲۶- و: چرخ ۲۷- ل، ن، لی، پ، و (و نیز ل، ل، ن، س): برزند؛ ق، ل، آ، ب: برزدش؛  
 متن = ف، ل، س، ق، ل (و نیز ل) ۲۸- ق: بکارش ۲۹- ل، ن، ب (و نیز ل): نهادند؛ در س، ق، ل، ب، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، س): لت های  
 این بیت پس و پیش شده اند؛ ف این بیت را ندارد ۳۰- ل- ب (و نیز ل، ل، ن، س): به کابل؛ (س): یکایک؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ف این بیت را  
 ندارد ۳۱- ل، ق: ز؛ لی، آ: < از >؛ ل: همه زخم؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، ق، ل، ب، و، ب ۳۲- ق، ل، ب، آ، ل: آوای؛ متن =  
 ف، ل، س، لی، و، ب ۳۳- ق، ل، ب: ز نالیدن چنگ و بربط سرای ۳۴- ل، س، ق، و، آ، ل، ب: به؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، ل، ب،  
 ۳۵- لی: از آنتی؛ پ، و، ل: آرایش؛ متن = هفت دستویس دیگر

پُش<sup>۱</sup> و یال اسپ از<sup>۲</sup> کران تا کران  
 همه<sup>۴</sup> روی<sup>۵</sup> پیلان پر از کوس و بوق<sup>۶</sup>  
 برون رفت سیندخت با بندگان  
 مرآن<sup>۹</sup> هر یکی را یکی جام زر  
 همه<sup>۱۲</sup> سام را آفرین خواندند<sup>۱۳</sup> ۱۴۰۵  
 بدان<sup>۱۴</sup> جشن هرکس که آمد فراز  
 بخندید<sup>۱۸</sup> و سیندخت را سام گفت<sup>۱۹</sup>  
 بدو گفت سیندخت: هدیه کجاست  
 چنین داد پاسخ به سیندخت سام  
 برفتند تا<sup>۲۳</sup> خانه‌ی زرنگار ۱۴۱۰  
 نگه کرد سام اندران ماه‌روی  
 ندانست کهش چون ستاید همی  
 بفرمود تا رفت مهرباب پیش

براندوده مشک و می و زعفران<sup>۲</sup>  
 براندوده از مشک و عنبر خَلوق<sup>۷</sup>  
 میان بسته سیصد<sup>۸</sup> پرستندگان  
 بدست اندرون پرز<sup>۱۱</sup> مشک و گهر<sup>۱۱</sup>  
 پس آن<sup>۱۴</sup> جام گوهر برافشانند<sup>۱۵</sup>  
 شد از خواسته يك بيك<sup>۱۷</sup> بی نیاز  
 که رودابه را چند خواهی نهفت  
 اگر دیدن آفتاب ت هواس<sup>۲۰</sup>  
 که از من بخواه آنج<sup>۲۱</sup> آیدت کام<sup>۲۱</sup>  
 کجا اندرو<sup>۲۲</sup> بود خرم بهار  
 یکایک شگفتی بماند اندروی<sup>۲۵</sup>  
 برو چشم را چون گشاید همی<sup>۲۶</sup>  
 بیستند بندی<sup>۲۷</sup> به<sup>۲۸</sup> آیین و کیش<sup>۲۹</sup>

۱- ل، لن- و، ب: بش (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ س: ش (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= ف، آ، ل (و نیز ل، لن) ۲- ل، ق، پ، و (و نیز ل، لن)؛ اسبان؛ متن= هفت دستویس دیگر (و نیز س) ۳- ل، ق، پ: براندرده بر (ق، پ: از) مشک و بر (ق: تا؛ پ: از) زعفران؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س)؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، ق: داماد شدن زال با رودابه (لن: در کابل)؛ پ: آمدن سام با زال به کابل و داماد شدن؛ ب: به زنی کردن زال رودابه ۴- س، و: همان؛ ل، آ این بیت را ندارند ۵- لن، ق، ق، ل، پ، ب: پشت؛ متن= ف، س، و، ل ۶- ق: بوق و کوس ۷- ق: خلوس ۸- لن: چندی؛ پ: چندین؛ ق: باصد؛ ل، آ این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س)؛ بنداری؛ و خرجت سین دخت و معها ثلثمائة وصیفة ۹- لن، ق، پ، ب: به کف؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۰- س: اندرون بود ۱۱- لن، ق، پ، ب: معطر مرصع ز (پ: به) در (ق، آ: ب: مشک) و گهر؛ متن= ف، ل، ق، ل، و، ل، آ: در ل های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۲- و: همی ۱۳- آ، ب: آفرین خوان شدند ۱۴- و: از ۱۵- لن، ق، پ: وزان جامها گوهر افشان شدند؛ آ، ب: وزان جامها گوهر افشان شدند؛ متن= ف، ل، س، ق، ل، ل ۱۶- لن، آ: بران ۱۷- و: جاودان ۱۸- ل، س، ق، ق، آ، ل، آ: < و >؛ متن= ف، و، ب ۱۹- لن: پس آنگه سپید به سین دخت گفت؛ لی: به سین دخت پس پهلوان سام گفت؛ پ: به سین دخت آنگه سپید بگفت؛ لی پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت سین دخت کای پهلوان همان ره نمایش بده این زمان  
 ۲۰- در لی این بیت پس از بیت ۱۴۰۹ پ آمده است ۲۱- ق، ق، ل، پ، و، آ، ل، آ: ب: آنچه؛ متن= ف، ل، س، لن ۲۲- لن، ق، ل، پ، آ، ب: داری تو کام؛ ل: هفت ز کام؛ متن= ف، ل، س، ق، و؛ لن، ق، ق، ل، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، س) پس از این بیت افزوده‌اند:  
 زبنده زتخت و زتاج و زشهر (پ، ل، آ: و کم) مرا هر چه باشد شماراست بهر (پ: بر)  
 ق، ل، آ، ب (و نیز س):

زبنده زتاج و زتخت (لی: تیغ) و زشهر (ب: گهر) مرا هر چه باشد شماراست بهر (ب: ز زسیم و ززر)  
 ق: زگنج و زتاج و زبرمایه شهر

این بیت در ف، ل، س، و (و نیز لن) نیست؛ بنداری: فلاتها سام و قال: کل ما املکه من صامت و ناطق نثار لقدمك و فدا لخدمك؛ در لی پس از بیت بالایت ۱۴۰۸ آمده است ۲۳- لن، ق، ل، پ، آ، ل، آ: ب: زی؛ متن= ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، لن، س) ۲۴- پ: اندرون ۲۵- لن، پ: پس از این بیت افزوده‌اند:

نشاندند بر پهلوش زال زر چو خورشید رخشنده با زیب و فر

۲۶- لن این بیت را ندارد ۲۷- ل (و نیز س): عقدی؛ لن، ل، پ: عهدی؛ و (و نیز لن): کابین؛ متن= هفت دستویس دیگر (و نیز ل) ۲۸- ل، ق، ق، ل، پ: بر؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۹- س، و (و نیز لن): آیین خویش؛ ق: آیین کیش؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، س)؛ در لن این بیت پس از بیت ۱۴۱۵ آمده است



عقیق و زبرجد برافشانند  
 سر شاه<sup>۲</sup> با تاج گوهرنگار<sup>۳</sup>  
 همه<sup>۴</sup> نُسخت<sup>۵</sup> گنج آراسته<sup>۶</sup>  
 که گوش آن نیارست گفتن<sup>۷</sup> شنود<sup>۸</sup>  
 بودند يك هفته با می به دست  
 سه هفته به شادی گرفتند ساز<sup>۹</sup>  
 کشیدند<sup>۱۰</sup> بر<sup>۱۱</sup> پیش کاخ<sup>۱۲</sup> بلند  
 سوی سیستان<sup>۱۳</sup> روی بنهاد<sup>۱۴</sup> تفت  
 زمانه رکاب<sup>۱۵</sup> ورا داد بوس

به يك تختشان شاد بنشانند  
 ۱۴۱۵ سر ماه با افسر نامدار<sup>۱</sup>  
 بیاورد پس دفتر<sup>۲</sup> خواسته<sup>۳</sup>  
 برو خواند از<sup>۴</sup> گنج ها هر چه<sup>۵</sup> بود  
 برفتند از آنجا بجای نشست  
 و زایوان<sup>۶</sup> سوی کاخ<sup>۷</sup> رفتند باز  
 ۱۴۲۰ بزرگان کشورش با<sup>۸</sup> دست بند  
 سر ماه سام نریمان برفت  
 ابا زال و با لشکر و پیل و کوس

۱- لی این بیت را ندارد ۲- لن، لی، آ: زرنگار؛ ق، ل، آ، ب: پرنگار؛ متن=ف، ل، س، ق، پ، و ۳- س: شاخ ۴- لن، ق، لی، آ، ل، ب: با (ق، آ، لی: بر) گوهر شاهوار؛ متن=ف، ل، س، ق، پ، و؛ در لن این بیت پس از بیت ۱۴۱۳ آمده است؛ لی، ل، آ پس از این بیت سرنویس دارند، لی: رفتن مهرباب به پیش رستم (!)؛ ل، آ: عقد بستن رودابه و زال و عرس (→ عروسی) ایشان؛ ب پس از این بیت چهارده بیت افزوده است:

بخندید و لب را به دندان گزید  
 کدامین پری کو بدین دلبریت  
 نهانی همی دید دیدار اوی  
 چو رودابه و زال بنشاختند  
 ابا او درآمد ابر گفت وگویی  
 می و شیر در يك قدح ریختند  
 به گوهر دو مرجانش اندر گزید  
 مران مهربان را گره برگشاد  
 چو شد کهریا رنگ رخسار شاه  
 دو جان شد یکی چهر دیدار کرد  
 زمین شد برومند و کان پر گهر  
 ز بهر نیایش یکی جای جست  
 بنزدیک آن تخت و آن گاه شد  
 بیامد بنزدیک دستان راد

چو زال گرانبایه او را بدید  
 همی گفت با خود مگر این پریت  
 همان نیز رودابه مهرجوی  
 وزانپس مران خانه پرداختند  
 پس آنگاه دستان پاکیزه روی  
 چو نسرین و گل درهم آویختند  
 چو شکر لبانش یکی برمزید  
 چو پرگار بر مرکز دل نهاد  
 عقیقین شد از زخم پرکار شاه  
 چو در نقطه جان گهر کار کرد  
 مه نو درآمد به چرخ هنر  
 چو شد روز دستان سرو تن بشت  
 ز جای نیایش سوی ماه شد  
 پس آنگاه مهرباب فرخ نهاد

5  
10

۵- ل، لی: دفتر ۶- آ: آراست ۷- لن، ق، آ، ب: همان؛ ق: یکی؛ متن=ف، ل، س ۸- لن، ق، لی، پ، ب: نسخه؛ ق: نسخه از؛ متن=ف، ل، س، و، آ، ل ۹- آ: برخاسته ۱۰- س، لن، لی، پ، و، ل، آ، ب: آن؛ آ: بر؛ ق، آ: خواندند؛ متن=ف، ل، ق ۱۱- ل، لن: هرج؛ متن=ده دستنویس دیگر ۱۲- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، آ): گفتی؛ و: گفت و؛ ل، آ: کورا؛ متن=ف، س (و نیز لن، آ، س) ۱۳- ق: چه تاج و چه از گوهر ناسود؛ ق پس از این بیت افزوده است:

چو سام آن چنان دید خیره بماند  
 بران خواسته نام یزدان بخواند  
 ۱۴- س: وزانجا ۱۵- ل، ق: باغ؛ متن=ده دستنویس دیگر ۱۶- آ: ناز؛ لی: شادی گرفتند بکفته ساز ۱۷- س: لشکرش با؛ ق، آ: که بودند؛ آ، ل، آ، ب: لشکرا با؛ لن، لی این بیت را ندارند؛ متن=ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۸- ف، ق، آ: برفتند؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۹- س، و (و نیز ل، لن، آ، س): صف؛ ق، آ: تا؛ آ، ب: در؛ متن=ف، ل، ق، پ، ل ۲۰- ل، ق: گاه؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۱- ق، آ: شهر خود ۲۲- ل، پ: بنهاد و؛ در ق، آ پس از این بیت ۱۴۲۸ آمده است؛ لن، لی- ب (و نیز ل، لن، آ، س) پس از این بیت افزوده اند:

از آن پس که او رفته بد زال باز (لی: زر) شادی گرفتند (لی: بیوندند؛ پ: بیاراست) بکفته ساز (لی: در؛ آ: ناز) لن: سه هفته شادی گرفتند ساز (=۱۴۱۹ ب)

این بیت در ف، ل، ق نیست ۲۳- و: رکیب؛ متن=ف، ل، ق (و نیز لن، آ)؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س، آ) این بیت را ندارند

۱۴۲۵ غماری و پالان و هودج بساخت  
 چو سیندخت و مهراب و پیوند خویش  
 برفتند شادان دل و خوش منش  
 رسیدند پیروز<sup>۹</sup> در<sup>۹</sup> نیمروز  
 سپرد آن زمان پادشاهی<sup>۱۱</sup> به زال  
 سوی گرگساران شد و<sup>۱۳</sup> باخت  
 شوم<sup>۱۴</sup> گفت کان پادشاهی جداست<sup>۱۷</sup>  
 ۱۴۳۰ بترسم از<sup>۱۹</sup> آشوب بدگوهران  
 بشد سام یك زخم<sup>۲۲</sup> و<sup>۲۳</sup> بنشست زال

یکی مهد تا ماه را درنشاخت<sup>۳</sup>  
 سوی<sup>۵</sup> سیستان ره گرفتند<sup>۶</sup> پیش  
 پر از آفرین لب ز نیکی دهش<sup>۷</sup>  
 چنان<sup>۱۱</sup> شاد و خندان و گیتی فروز  
 برون برد<sup>۱۲</sup> لشکر به فرخنده فال  
 درفش خجسته برافراشت<sup>۱۴</sup> سر<sup>۱۵</sup>  
 دل و دیده با ما ندارند<sup>۱۸</sup> راست  
 بویژه ز گردان<sup>۲۱</sup> مازندران<sup>۲۱</sup>  
 می و<sup>۲۴</sup> مجلس آراست و بفراشت یال<sup>۲۴</sup>

۱- پ: ز ۲- ف، لی، پ، و (و نیز ل، لن): بالای؛ ل: بالای و؛ ق: بالا و؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = س، لن، ق، آ، ل (و نیز س) ۳- ف: یکی مهد رودابه را درنشاخت؛ لی: یکی مهد با شاه اندر نشاخت؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۴- ق: < و ۵- لن، پ: ره ۶- ل: روی کردند؛ لن: برگرفتند؛ ق: راه کردند؛ پ: را گرفتند؛ ل: زابلستان گرفتند؛ متن = ق، لی، آ (و نیز ل، س)؛ ف، س، و، ب (و نیز لن) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری آمده است: ثم عزم سام علی الارتحال خارجا نحو سجان. فتوجه الیها و أمر زال بإعداد العماریات و تهیه المهود و الهوادج، و اتباعه مستصحباً صاحبته و مهراب و زوجته، و ارتحلوا من سبجان جمیعاً قاصدین قصد نیم روز فقدمها ۷- ل، لن، و: کنش؛ متن = نه دستویس دیگر ۸- لن، پ، آ: فیروز ۹- ل، ق: تا؛ س این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۰- لن، پ: همه؛ بنداری پس از این بیت افزوده است: و أقام سام بضيافتهم ثلاثة أيام. ثم استأذن مهراب و رحل راجعا الی کابل خطة ملکه و مقر عزه. و أقامت سین دخت عند ابتها. اصل این ترجمه در هیچیک از دستویس های ما نیست، ولی در برخی از دستویس های دیگر، از آن میان در دستویس بی تاریخ لنینگراد از سده نهم هجری و نیز در کناره ل آمده است:

یکی سوز پس (ل: یکی بزم سام) آنگهی ساز کرد  
 پس آنگاه سیندخت آنجا بماند  
 چو زال گرنامیه نیک نام  
 سه روز اندران سوز مهراب خورد (ل: بزم بگماز کرد)  
 خود و لشکرش سوی کابل براند  
 به کام دل خویشتن دید سام  
 ۱۱- لن: آنگهی پادشاهی؛ پ: آنگهی سام شاهی؛ آ، ل، ب: آن زمان سام شاهی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۲- س: کرد ۱۳- س، ل: گرگساران سوی؛ لن، پ، و: گرگسار و سوی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۴- ل، لن، پ، آ، ل، ب: برافراخت؛ س: برافراخته؛ و (و نیز ل، لن، س)؛ برآورد؛ متن = ف ۱۵- لن: بر؛ در ق این بیت پس از بیت ۱۴۲۱ آمده است ۱۶- ق: په ۱۷- ل، لن، ق، لی، پ: مراست؛ س: جداست؛ ق (و نیز س)؛ چراست؛ آ: کراست؛ متن = ف، و، ل، ب (و نیز ل، لن) ۱۸- آ: بانامدارند؛ ل: با ما بدارید؛ ل، لن، ق، لی، پ، آ، ل (و نیز ل) پس از این بیت افزوده اند:

منوچهر منشوران شهر بر (لن، ق، لی، پ: بوم ویر؛ ب: شهروی)  
 مرا داد و گفنا همی (ل: همه) دار و خور  
 این بیت در ف، س، ق، و (و نیز لن، س) نیست ۱۹- ل، ق، ق، آ، و، آ، ل، ب: ز؛ متن = ف، س، لن، لی، پ ۲۰- لن، لی، پ: دیوان؛ متن ← ۲۱- ق: بویژه ز کردار نام آوران؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ لن، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س) پس از این بیت افزوده اند:  
 تراددم ای زال این تخت گاه (پ: تخت و گاه؛ آ، ل، ب: جایگاه)  
 همین پادشاهی و فرخ کلاه (آ، ب: وهم تخت و گاه؛ ل: وهم تاج و گاه)  
 ۲۲- ل: لخت ۲۳- ق، آ، ل، آ: < و ۲۴- س: همی ۲۵- ل، س، ق، ق، لی، و، ل: و بفراخت یال؛ آ: و فرخنده یال؛ ب: و فرخنده فال؛ متن = ف؛ لن، پ: بیاراست مجلس به فرخنده فال؛ ف، و (و نیز لن) پس از این بیت افزوده اند:

نشست از بر تخت زاوول (لن: زابل) به داد  
 به شاهنشهی تاج بر سر نهاد  
 و (و نیز لن) پس از بیت بالا افزوده اند:  
 همه کابل و زابل و نیمروز  
 چو خلد برین خرم و تازه شد  
 هنرپروران جهان سربر  
 ز دانش بنزدش فروزنده جاه  
 5 گرنامیه دستان خسرو نژاد  
 چنان شیفته بود بر چهر اوی (لن: او)  
 ق، پ پس از بیت ۱۴۳۱ افزوده اند:

چو رودابه بنشست با زال زر  
 بسر بر نهادش یکی تاج زر

## گفتار اندرزادن رستم از مادر به فیروزی<sup>۱</sup>

بسی برنیامد برین<sup>۲</sup> روزگار  
شکم کرده<sup>۵</sup> فربسی<sup>۶</sup> و تن<sup>۷</sup> شد گران<sup>۸</sup>  
بدو گفت مادر<sup>۹</sup> که ای جان<sup>۱۰</sup> مام  
چنین داد پاسخ که من روز و شب  
همانا<sup>۱۳</sup> زمان آمده‌ستم فراز  
تو گویی<sup>۱۵</sup> بسنگستم آگنده<sup>۱۶</sup> پوست  
چنین تا گه زادن آمد فراز  
چنان بُد<sup>۲۱</sup> که يك روز زو رفت هوش<sup>۲۲</sup>  
خبر شد به<sup>۲۴</sup> سیندخت و<sup>۲۵</sup> بشخود روی  
یکایک به دستان رسید آگهی<sup>۲۶</sup>

۱۴۳۵  
۱۴۴۰

که با زادسرو<sup>۲</sup> اندرآمد نهار<sup>۱</sup>  
شد آن ارغوانی رخس زعفران  
چه بودت که گشتی چنین<sup>۱۱</sup> زردفام  
همی برگشایم به فریاد لب<sup>۱۲</sup>  
و زین<sup>۱۴</sup> بار بردن نیابم جواز  
و گر<sup>۱۷</sup> زآهنست<sup>۱۸</sup> اینک بمیان اوست<sup>۱۹</sup>  
به<sup>۲۰</sup> خواب و به<sup>۲۰</sup> آرام بودش نیاز  
از<sup>۲۳</sup> ایوان دستان برآمد خروش  
بکند آن سیه گیسوی مشک بوی  
که پژمرده شد برگ سرو سهی

- ۱- ف: گفتار اندر آنک شکم مادر رستم بشکافتند و رستم از آن بیرون کشیدند به گفت سیمرخ؛ ل، ق: گفتار اندر (ق: در) مولود رستم زال (ق: زال سام)؛ س، ق: زادن رستم زال از مادر (س: بغیروزی)؛ آ: اندرزادن رستم زال از مادر؛ ل: ولادت رستم از دختر مهرباب و آمدن سیمرخ؛ ب: گفتار اندر ولادت رستم؛ متن= و (که بایستار دستنویس هامیخواند) ۲- ق: بدان؛ لی: بدین ۳- ل، لی: که آزاد سرو؛ س: بران زاد سرو؛ ق، پ (و نیز ل): که آزاده سرو؛ و (و نیز لن): که نازاد سرو؛ متن= ف، لن، ق، آ، ل، ب (و نیز س) ۴- ل، ق، لی، پ، و (و نیز ل، لن): بیار؛ س، ق، آ، ل، ب (و نیز س): بهار؛ لن: بهار (نقطه ندارد)؛ متن= ف، ل، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س): پس از این بیت افزوده‌اند:
- بهار دلفروز پژمرده شد  
دلش راغم ورنج بسپرد (ق: آزرده؛ ق: آ، بسترده؛ لی: بشمرده) شد  
ف، س، و (و نیز لن): این بیت را ندارند؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س): پس از بیت بالا افزوده‌اند:
- ز بس بار کو داشت در (ق، ل): از اندرون  
لن، پ، آ: همی راند سین دخت (آ: رودابه) از دیده خون  
ق، لی، ل، ب: همی راند رودابه چون دیده (ل: جوی؛ ب: جویی ز خون)
- ف، ل، س، ق، و (و نیز لن): این بیت را ندارند ۵- ل، لن، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: گشت؛ متن= ف، س (و نیز س) ۶- ل، لن، ق، آ، لی، آ: فربه؛ متن= ف، س، ق، و، ل، ب (و نیز لن، س) ۷- لن، آ: تنش ۸- پ: شکم سخت شد فربه و تن گران ۹- ق: سیندخت ۱۰- س، ق، ل: ناز؛ لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، ق، لی، پ، و ۱۱- و: که ایدون شدی؛ در ق: بیت های ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶ و ۱۴۳۶ پ پس از بیت ۱۴۴۰ آمده‌اند ۱۲- لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ ف، و (و نیز لن): پس از این بیت افزوده‌اند:
- چنان گشته (ف: گشت) بی آب (لن: زور) و (ف: < >) پژمرده‌ام  
تو (و: که) گویی که من زنده‌ی مرده‌ام
- ۱۳- ل: همان تا ۱۴- ق: کزین؛ لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ ق: پس از این بیت افزوده است:
- فرود آمد آن زندگانی زال  
چو بنشست با خویش بگرفت یال
- ۱۵- لن، ق، آ، پ، آ، ب: گشتی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۶- ف: بنگم درآکنده؛ لن، ق، آ، پ، ب: بسنگتش آکنده؛ آ: ز سنگت آکنده؛ متن= ل، س، ق، لی، و، ل، ب (و نیز س) ۱۷- ف، لن، لی، پ، و (و نیز لن، س): و یا؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- ف، ل، و، آ (و نیز لن): < ز > آهنت؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز س) ۱۹- ل، ق: آنک نیز (ق: < نیز >) اندروست؛ لن، ق، آ، لی، پ (و نیز س): آنک (لی: آنچه) پ: آنکه؛ س: آنچه بوده دروست؛ و (و نیز لن): اینکه در جوف اوست؛ آ: آنکه بچه دروست؛ ب: آنک بود اندروست؛ متن= ف، س، ل (ل: آنکه)؛ در لن، پ این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۲۰- ل: نه؛ در لن، پ این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ف، لن، ق، آ، پ، و، ب (و نیز لن): شد؛ ل: تا؛ متن= ل، س، ق، لی، آ، و (و نیز ل، س) ۲۲- ف: کزورفت يك روز هوش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ، س، لن، ق، آ- ب: از) ۲۳- ل، ق، ق، آ، و: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ لن پس از این بیت سرنویس دارد: طلب کردن زال سیمرخ را ۲۴- ل، س، ق، پ، و (و نیز لن، س): خروشید؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل) ۲۵- ق، آ، لی، آ، ل، ب: < و >؛ در ق: پس از این بیت های ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶ و ۱۴۳۶ پ آمده‌اند ۲۶- پ: بکابل به مهرباب شد آگهی

پر از آب رخسار و خسته جگر  
 بخندید و سیندخت را مژده داد  
 و زان پر سیمرخ لختی بسوخت  
 پدید آمد آن مرغ فرمانروا  
 چه<sup>۸</sup> مرجان که آرایش جان بود  
 برو کرد زال<sup>۹</sup> آفرین<sup>۱۰</sup> دراز  
 به چشم هزبر<sup>۱۱</sup> اندرون نم چراست  
 یکی شیر باشد<sup>۱۲</sup> ترا نامجوی<sup>۱۷</sup>  
 نیارد به سربر گذشتنش ابر<sup>۱۹</sup>  
 شود چاک چاک و بخاید دو چنگ<sup>۲۱</sup>  
 بیند برو بازوی و یال<sup>۲۵</sup> اوی<sup>۲۴</sup>  
 دل مرد جنگی برآید ز جای<sup>۲۸</sup>  
 به خشم<sup>۳۲</sup> اندرون شیر جنگی<sup>۳۳</sup> بود  
 به آورد خشت<sup>۳۵</sup> افگند بر دو میل  
 به فرمان دادار<sup>۳۸</sup> نیکی دهش  
 یکی مرد بینادل<sup>۴۰</sup> پُرفسون  
 ز دل بیم و اندیشه را پست کن  
 به صندوق تا<sup>۴۲</sup> شیر<sup>۴۳</sup> بیرون کند

به بالین رودابه شد زال زر  
 چو زان<sup>۱</sup> پر سیمرخ آمد بیاد<sup>۲</sup>  
 یکی مجمر آورد و آتش فروخت  
 هم اندر<sup>۴</sup> زمان تیره گون<sup>۵</sup> شد هوا  
 چُن<sup>۷</sup> ابری که بارانش مرجان بود  
 ستودش فراوان و بردش نماز  
 چُنین<sup>۱۱</sup> گفت با زال<sup>۱۲</sup> کین غم چراست  
 کزین<sup>۱۴</sup> سرو سیمین بر<sup>۱۵</sup> ماهروی  
 که خاک پی او ببوسد هزبر<sup>۱۸</sup>  
 و ز<sup>۲۰</sup> آواز او چرم جنگی پلنگ<sup>۲۱</sup>  
 هرآن گرد کاواز<sup>۲۳</sup> گوپال اوی<sup>۲۴</sup>  
 از<sup>۲۶</sup> آواز او<sup>۲۷</sup> اندرآید ز پای<sup>۲۸</sup>  
 بجای<sup>۳۰</sup> خرد سام سنگی<sup>۳۱</sup> بود  
 به بالای سرو و<sup>۳۴</sup> به نیروی پیل  
 نیاید<sup>۳۶</sup> به گیتی ز راه زهش<sup>۳۷</sup>  
 بیاور یکی خنجر<sup>۳۹</sup> آبگون  
 نخستین به می ماه را مست کن  
 تو منگر<sup>۴۱</sup> که بینادل افسون کند

۱- ل، ق، پ: همان؛ س، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز ل، س، آ): چو آن؛ ل، ن، ل، آ: چو از؛ و (و نیز ل، ن، آ): از آن؛ متن = ف ۲- ل: سیمرخ آمدش یاد  
 ۳- ق: < و > ۴- پ: همان در ۵- ب: قیرگون ۶- ل، ن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: بزیر؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، ن، آ، س، آ): لی، پ در  
 اینجا سرنویس دارند، لی: آمدن سیمرخ و افسون کردن بر رودابه؛ پ: آمدن سیمرخ بزدیک زال زر ۷- ل- ب (و نیز ل، آ، ل، ن، آ، س، آ): چو؛ متن = ف  
 ۸- لی: که؛ ق، آ پس از این بیت بیت ۱۴۲۶ پ را دوباره آورده است ۹- لی: بدو زال کرد ۱۰- ل، ن، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز س، آ): آفرینش؛ متن = ل، ق،  
 ق، آ، لی (و نیز ل، آ، ف، س، و) (و نیز ل، ن، آ، س، آ): این بیت را ندارند؛ بنداری: و لمادت خرز زال ساجدا یقبل الأرض ویذری الدمع ۱۱- ق، آ، لی: بدو ۱۲-  
 ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: سیمرخ؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، آ، ل، ن، آ، س، آ) ۱۳- لی: ب: هزبر ۱۴- س، ل، ن، آ، ل، آ، ب: ازین؛  
 متن = هفت دستویس دیگر ۱۵- ق، آ، ل، آ، ب: تن؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۶- س: پور باشد؛ ق، آ، لی: آ: کودك آید؛ متن = ۱۷- و:  
 گو و نامجوی؛ ل، ق: یکی تره شیر آید و (ق: ای) نامجوی؛ متن = ف، ل، ن، پ، ل، آ، ب (و نیز س، آ) ۱۸- لی: ب: هزبر ۱۹- ل، س، ق، ب (و نیز  
 س، آ): نیارد گذشتن سر برش (ق: همی نیز؛ ب: سر نیز) ابر؛ متن = ف، ل، ن ۲۰- ل، ل، ن، ق، ق، آ، لی، پ، و: از؛ س: ز؛ متن = ف، آ، ل، آ، ب (و نیز  
 س، آ) ۲۱- ف: استخوان پلنگ؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، ن، آ، س، آ) ۲۲- ل، ن، ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب: بچنگ؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و  
 (و نیز ل، آ، ل، ن، آ، س، آ) ۲۳- س، و: هران باره دزکه؛ ق، ب: هران گرد کوگرد (ب: زخم)؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۴- ل، س، ل، ن، ق، لی، آ،  
 ل، آ، ب: او؛ متن = ف، ق، آ، پ، و ۲۵- س، ق، ق، آ، ب: بازو و یال؛ ل، لی: بازو < و > یال؛ و: بیاید بیند پر و بال؛ متن = ف، ل، پ، آ، ل، آ ۲۶-  
 ل، ن، ق، آ، لی، آ، ب: به؛ ق: ز؛ متن = ف، ل، س، پ، ل، آ ۲۷- و: هم اندر زمان ۲۸- س: به پای؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: ز جای (ل، آ، پساوند  
 ندارد)؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۹- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: پرلاد خای؛ و: نماند بجای؛ متن = ف، ل، س، ق، ل ۳۰- س، پ: بگاہ؛ آ: بهوش؛ متن =  
 نه دستویس دیگر ۳۱- لی: جنگ جنگی (!) ۳۲- لی: به جنگ؛ و: به چشم ۳۳- لی: سنگی ۳۴- ل: < و > (وزن نادرست است) ۳۵-  
 ل: باواز اسب؛ س: باورد اسب؛ ل، ن، ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب: بانگشت خشت؛ ق: باورد مرد؛ متن = ف، لی، و (و نیز ل، آ، ل، ن، آ، س، آ) ۳۶- لی: بیاید ۳۷-  
 ق، آ، لی، و: رهش؛ آ: دهش؛ ل، آ، و: رهش؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۸- ل، ق: دارای؛ لی: داداد؛ متن = نه دستویس دیگر؛ ل، ن، ق، ق، آ، لی،  
 پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بدان تاش (ل: بدانش که؛ ب: بدان باش) بیشی بود خرمی بدین (ل: بس) آدمی (لی: ب: آمدن) از ره مردمی  
 ف، ل، س، و (و نیز ل، آ، س، آ) این بیت را ندارند ۳۹- ق، آ، ب: خنجری ۴۰- ل: بینادل و ۴۱- ل: نگر؛ ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز س، آ):  
 بگر؛ ل، ن، آ، ب: متن = ف، س، و (و نیز ل، آ، ل، ن، آ، س، آ) ۴۲- ل، آ، ب: ۴۳- آ: بچه

نباشد مرو را ز درد آگهی  
 ز دل<sup>۳</sup> دور کن ترس و تیمار<sup>۴</sup> و باك  
 بکوب و بکن هر سه در<sup>۷</sup> سایه خشك  
 بینی همان روز پیوستگیش<sup>۱</sup>  
 خجسته بود سایه<sup>۱۲</sup> فر من  
 به پیش<sup>۱۳</sup> جهاندار باید شدن  
 که هر روز نو<sup>۱۵</sup> بشکفاندت<sup>۱۶</sup> بخت  
 که شاخ برومندت<sup>۱۸</sup> آمد به بار  
 فگند و پرواز برشد بلند<sup>۲۰</sup>  
 برفت و بگرد<sup>۲۱</sup> آنچ<sup>۲۲</sup> گفت ای شگفت  
 همه دیده پر<sup>۲۵</sup> خون و خسته روان<sup>۲۶</sup>  
 که کودک ز پهلوی کی آید<sup>۳۰</sup> برون

مرآن ماهرخ را به می مست کرد  
 بتابید مر<sup>۳۳</sup> بچه را سر ز راه  
 که کس در جهان آن<sup>۳۴</sup> شگفتی ندید  
 به بالا بلند و به دیدار گش  
 که نشنید کس بچهی پیل تن

۱۴۶۰ بکافدا<sup>۱</sup> تهی گاه سرو سهی  
 وُزان پس بدوز آن<sup>۲</sup> کجا کرد چاك  
 گیاهی<sup>۵</sup> که گویمت<sup>۶</sup> با شیر و مشک  
 بسای<sup>۸</sup> و بیالای<sup>۹</sup> برخستگیش  
 برو<sup>۱۱</sup> مال از آن پس یکی پر من  
 ۱۴۶۵ ترا زین سَخُن شاد باید بُدن  
 که او دادت<sup>۱۴</sup> این خسروانی درخت  
 بدین<sup>۱۷</sup> کار دل هیچ غمگین مدار  
 بگفت و یکی پر ز بازو<sup>۱۹</sup> بکند  
 بشد زال و آن پر او برگرفت  
 ۱۴۷۰ بدان<sup>۳۳</sup> کار نظاره بُد<sup>۳۴</sup> يك جهان  
 فرو<sup>۳۷</sup> ریخت از میزه<sup>۳۸</sup> سیندخت خون<sup>۳۹</sup>

بیامد یکی موبدی چرب دست  
 بکافید<sup>۳۱</sup> بی رنج پهلوی ماه<sup>۳۲</sup>  
 چنان بی گزندش برون آورید  
 ۱۴۷۵ یکی بچه بُد چون گوی<sup>۳۵</sup> شیرفش  
 شگفت اندرو مانده بُد<sup>۳۶</sup> مرد وزن

۱- ف، لی: بکاود؛ آ، ب: شکافد؛ (لن: بکابد)؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، س، آ)؛ لن، لی، پ پس از این بیت افزوده اند:

وزو بچه شیر بیرون کشد همه پهلوی ماه در خون کشد

بنداری: ثم یشق الحکیم بتلك الحدیة خاصرتها و یستخرج منها الولد ۲- لی، ل: بدوزد ۳- ل: تن؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، س، آ)؛ ۴- لن، پ، و: اندوه ۵- س، لن، ق، و، آ، ل: ب: گیاهی؛ متن= ف، ل، ق، لی، پ ۶- لن، ق، لی، پ، آ، ل: ب: گویم تو؛ متن= ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، س، آ) ۷- ق: هر سه بر؛ آ: جمله در ۸- ل: بساو؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، س، آ)؛ ۹- ف: بیالای (يك نقطه دارد)؛ ل، ق: برآلای؛ ق، آ، ل: (و نیز لن: بیالای؛ پ: برآلای برآن؛ و، ب: بیالای؛ متن= س، لن، لی (و نیز ل، س، آ)؛ ۱۰- لن، ق، آ، ب، ل: هم اندر زمان بستگیش (آ، ل: رستگیش)؛ لی (و نیز س، آ): همان گاه پیوستگیش؛ متن= ف، ل، س، ق، پ، و (و نیز ل، س، آ)؛ ۱۱- ل: بدو؛ لن، ق، آ، ب، آ، ل: ب: بران؛ متن= ف، س، ق، لی، و ۱۲- ل: سایه و ۱۳- لن، پ، آ، ب: بنزد؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۴- پ: داد ۱۵- لن: گل ۱۶- ل، لن، ق، پ: بشکفاندش؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۷- س، آ: برین ۱۸- و: برومندی؛ ل: برومند؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ پ پس از این بیت و ب پس از بیت سپین افزوده اند:

مرو را همی نام رستم کنید ز شادی روان (ب: رخان) را ای غم (ب: نم) کنید

۱۹- ل: بازوی؛ و: بگفت این و از بال پری ۲۰- ق: بیفکند و پرواز برشد بلند؛ و: بدو داد و برشد به ابر بلند ۲۱- ق: بگفت ۲۲- ق، لی، پ، و، آ، ب: آنچه؛ متن= ف، ل، س، لن، ق، آ، ل ۲۳- س، لن، آ، ب: بران؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۴- ل، ق، لی، آ: شد؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۵- ل: همه دل پر از؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، س، آ)؛ ۲۶- لی: کهان و مهان ۲۷- لی: همی ۲۸- س، لی، و، آ (و نیز لن: آ)؛ دیده؛ لن، پ، ل، آ، ب (و نیز س، آ): مژه؛ متن= ف ۲۹- ل، ق، ق، آ (و نیز ل، س، آ): فرو ریخت سین دخت از مژه (ق، آ، ل: دیده) خون ۳۰- ق: که آرد؛ ل: کی آرد؛ لی: که کودک کی آید ز پهلوی؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن: زادن رستم از مادر؛ لی: زادن رستم از مادر به فیروزی؛ پ: زادن رستم از مادرش رودابه؛ ل: بیرون آوردن رستم از شکم مادر ۳۱- لی، آ، ب: بکاوید؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل، س، آ)؛ ۳۲- ق: بکافید نخ ز پهلوی ماه ۳۳- و: پس ۳۴- ل، لن، لی، پ: این؛ ق: زان؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۵- ف، آ (و نیز لن: آ): گو؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، س، آ)؛ ۳۶- پ: شد

شبان روز مادر ز می<sup>۱</sup> خفته بود همان<sup>۲</sup> درزگاهش<sup>۵</sup> فرودوختند  
 چو از خواب بیدار شد سروین ۱۴۸۰ برو<sup>۹</sup> زز<sup>۹</sup> و گوهر برافشانند  
 مران بچه را پیش<sup>۱۱</sup> او تاختند بخندید از آن بچه سرو سهی<sup>۱۲</sup>  
 [برستم بگفتا غم آمد بسر یکی کودکی دوختند<sup>۱۶</sup> از حریر  
 ۱۴۸۵ درون اندراگنده<sup>۱۸</sup> موی سمور به بازوش بر آژدهای دلیر  
 به زیر کش اندر نگار سنان نشانندش<sup>۲۲</sup> آنگه بر<sup>۲۳</sup> اسپ<sup>۲۴</sup> سمند  
 هیون<sup>۲۷</sup> تگاور برانگیختند ۱۴۹۰ مران<sup>۲۹</sup> صورت رستم گرزدار  
 یکی جشن کردند در<sup>۳۱</sup> گلستان<sup>۳۱</sup>

ز می<sup>۱</sup> خفته<sup>۱</sup> و دل ز هس<sup>۲</sup> رفته بود به دارو همه درز<sup>۶</sup> بسپوختند  
 به سیندخت بگشاد لب بر سخن<sup>۷</sup> ابر کردگار آفرین خواندند  
 بسان سپهری برافراختند<sup>۱۱</sup> بدید اندرو<sup>۱۳</sup> فر شاهنشهی<sup>۱۴</sup>  
 نهادند رستم<sup>۱۵</sup> نام پر<sup>۱۵</sup> [ به بالای آن شیر<sup>۱۷</sup> ناخورده شیر  
 به رخ برنگاریده<sup>۱۹</sup> ناهید و هور به چنگ اندرش<sup>۲۱</sup> داده چنگال شیر  
 به يك دست گویال و دیگر عنان به گرد اندرش<sup>۲۵</sup> چاکران نیز چند<sup>۲۶</sup>  
 به فرمانبران بر<sup>۲۸</sup> دم ریختند ببردند نزدیک سام سوار  
 ز زاولستان<sup>۳۳</sup> تا<sup>۳۴</sup> به کاولستان<sup>۳۵</sup>

۱- ا: زمین ۲- لن، پ: خت ۳- ل، ق: و هوش ازو؛ س، و: بود و ز هس؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ در ل، ق، پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- لی: مران ۵- ق: درزهایش؛ لی: زخم گاهش ۶- ل، ق: درد؛ لی: دارو (وزن نادرست است)؛ متن = ف، پ، و (و نیز لن)؛ س، لن، ق، آ، ل، ب (و نیز ل، س) این بیت را ندارند؛ در ل، ق، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۷- ف: در لب سخن؛ س، ق، آ، لی، آ، ل، ب: لب در سخن؛ متن = ل، لن، ق، پ، و (و نیز ل، لن، س) ۸- لی: بدو ۹- ل، ق: در؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س)؛ بنداری: ثم آفات بعد ذلك فثروا عليها الذهب والجوهر ۱۰- آ: نزد ۱۱- آ: برانداختند؛ لی (و نیز س) پس از این بیت افزوده اند: بیک روزه گفتی که یکساله بود یکی نوده سوسن و لاله بود  
 ۱۲- لن: سروین ۱۳- لی، آ، ب: بدید آمده؛ ل: بدید آمد آن؛ متن ← ۱۴- لن: بگفتند از آن بچه چندی سخن؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده اند:

پدر چون بیدار او کام (ق: رام) کرد سر او را سبک رستم نام کرد  
 ۱۵- ف- ب (و نیز ل، لن) این بیت را ندارند؛ متن = (س)؛ این بیت در برخی از دستویس های دیگر، از آن میان در دستویس بی تاریخ لنینگراد از سده نهم هجری و در کناره<sup>۲</sup> (و در چاپ مول ۱۷۰۶/۷) و نیز در ترجمه بنداری آمده است: فلما رأته تبسمت ضاحكة و قالت برستم ای قد خلصت. فسمی الصبی رستم ۱۶- ل: دوخته؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۷- ل، س، لی، و، آ (و نیز ل، س)؛ سیر؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز لن) ۱۸- ف: درون اندراکنند؛ ل، ق: درون وی آکنده؛ س: بدو اندر افکنند؛ لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: درو (ل: در آن) اندر آکنده (ق، آ، لی: آکنده)؛ و (و نیز لن)؛ درونش بیاکنده؛ (ل، س)؛ بدو اندر آکنده؛ متن = پ ۱۹- ق، آ: برخ برنگارید؛ لی: برخ برنگارنده؛ ب: برو برنگاریده؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: اندرون؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، لن، س) ۲۱- ل: نگاری ستان؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س)؛ گرفته ستان؛ ق: سواری ستان؛ (لن: نشانه ستان)؛ متن = ف، س، و (و نیز ل) ۲۲- لی: نشاندند؛ ل: نشاندش ۲۳- لی: به ۲۴- لن، پ: اسی ۲۵- لی: اندرون ۲۶- ق: نای چند؛ ف، س، و (و نیز لن) این بیت را ندارند؛ بنداری: فرس آرکیوه علیه محفوظا بخدم مکتوبا بخول و حشم؛ ل، ق (و نیز ل) پس از این بیت افزوده اند:

چو شد کار یکسر همه ساخته چنان چون بیایست پرداخته  
 ۲۷- ف، پ، و (و نیز ل، لن)؛ هیونی؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز س) ۲۸- لن: فرمان یزدان؛ و: فرمان بروبر؛ پ در اینجا سرنویس دارد: فرستادن زال نمودار رستم را به سام ۲۹- ل: پس آن؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۰- و: نامدار؛ در پ پس از این بیت ۱۴۹۲ آمده است ۳۱- ق: بر؛ ل: <در> ۳۲- س: سیستان؛ ل: زابلستان ۳۳- لن، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، س)؛ زابلستان؛ ق، آ، لی: کابلستان؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق ۳۴- ل: و؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۵- ف- ق، و- ب (و نیز ل، لن، س)؛ کابلستان؛ ق، آ، لی: زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است

همه دشت<sup>۱</sup> پر<sup>۲</sup> باده و نای بود  
 [به کاول<sup>۳</sup> درون گشت مهرباب شاد  
 به زاوولستان<sup>۴</sup> از کران تا کران  
 ۱۴۹۵ بُد کَهِتر از مهتران<sup>۵</sup> بر فرود<sup>۶</sup>  
 پس آن<sup>۱</sup> پیکر رستم شیرخوار<sup>۷</sup>  
 ابر سام یل موی بر پای خاست  
 اگر نیم ازین پیکر آید تنش  
 وُزان پس فرستاده را پیش خواست<sup>۱۵</sup>  
 ۱۵۰۰ به<sup>۱۸</sup> شادی برآمد ز درگاه کوس  
 می آورد و رامشگران را بخواند  
 بیاراست جشنی<sup>۲۱</sup> که<sup>۲۲</sup> خورشید و ماه  
 پس آن نامه‌ی زال<sup>۲۶</sup> پاسخ نبشت<sup>۲۷</sup>  
 نُخست آفرین کرد بر کردگار  
 ۱۵۰۵ ستودن گرفت آنگهی زال را  
 پس آمد بران<sup>۳۰</sup> پیکر پرنیان

به هر کُنج صد مجلس آرای بود  
 به مژده به درویش<sup>۴</sup> دینار داد]  
 نشسته<sup>۵</sup> به هرجای رامشگران  
 نشسته، چنان چون بود<sup>۶</sup> تار و پود  
 ببردند نزدیک<sup>۷</sup> سام سوار<sup>۱۱</sup>  
 مرا مانند این پرنیان - گفت - راست<sup>۱۳</sup>  
 سرش ابر ساید، زمین دامنش<sup>۱۴</sup>  
 درم ریخت<sup>۱۶</sup> تا بر سرش گشت<sup>۱۷</sup> راست  
 بیاراست میدان چو چشم خروس  
 به خواهندگان<sup>۱۹</sup> بر درم برفشانند<sup>۲۰</sup>  
 نظاره شدند<sup>۲۳</sup> اندران<sup>۲۴</sup> بزمگاه<sup>۲۵</sup>  
 روان را بدان پاسخ اندر سرشت<sup>۲۸</sup>  
 بدان<sup>۲۹</sup> شادمان گردش روزگار  
 خداوند شمشیر و گوپال را  
 که یال یلان داشت و فر<sup>۳۱</sup> کیان

۱- لن: دست ۲- لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب (و نیز س آ): با؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل آ) ۳- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل آ، س آ): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۴- (س آ): به مژده یکی گنج؛ ف، ل، س، ق، و (و نیز لن آ) این بیت را ندارند؛ بنداری: و بلغ الخیر الی مهرباب فاستهز الطرب أعطافه، و کساه السرور أفوافه ۵- س، لن، ق، آ، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل آ، س آ): زابلستان؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، آ ۶- لن: نشسته ۷- ف: بُد مهتر از که بسی؛ لن: بُد کَهِتر و مهتران؛ و: بُد مهتر از کَهِتران؛ س، پ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز لن آ، س آ) ۸- ل، ق، و، ب (و نیز لن آ): بر فرود؛ آ (و نیز س آ): بس فرود؛ ل آ: پس فرود؛ متن = ف، لن، ق، آ، لی ۹- ق: چنان بود چون؛ لی: بهم در نشسته چون؛ و: نشسته بیکجای چون؛ آ، ب (و نیز س آ): نشسته چنان جفت با؛ ل آ: نشسته چنان همچنان؛ متن = ف، ل، لن، ق آ ۱۰- س: مران؛ لن، پ: جوان؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۱- لن، پ: گرزدار ۱۲- لن، پ: بدیدش جهانگیر سام سوار؛ ق آ: چو دیدش جهان پهلوان سوار؛ لی: بر سام بردند کرده نگار؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ در ب پس از این بیت ۱۴۹۱ دوباره آمده است؛ ق، لی پس از این بیت افزوده‌اند:

فرستاده بنهاد در پیش سام ننگه کرد خرم شد و شادکام  
 ۱۳- و: مراگفت ماند سراپای راست؛ ل آ: عجب مانده بر نام و برگفت راست ۱۴- ل آ این بیت را ندارد ۱۵- لن، ق، آ، لی، آ، ب: خواند ۱۶- س، ل آ: خواست؛ متن = ف، ل، ق، پ ۱۷- س: کرد؛ و: درم بر سرش ریخت ناگشت؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل آ، لن، ق، آ، لی، آ، ب لت دوم این بیت را انداخته‌اند ۱۸- س، و: ز؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل آ، لن، ق، آ، لی، آ، ب این بیت را ندارند؛ پ، ل آ پس از این بیت افزوده‌اند (در ل آ لت ها پس و پیش شده‌اند):

در آن شهر سگار و مازنداران نشانند او بهرجای رامشگران (= ۱۴۹۴ ب)

ل آ: بفرمود آوین کران تا کران

۱۹- آ: به آبندگان ۲۰- و: به درویش خواهند زر برفشانند؛ لن، ق، آ، لی، آ، ب ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱ آ را انداخته‌اند و از ۱۴۹۹ آ و ۱۰۵۱ ب يك بیت ساخته‌اند ۲۱- س: بزمی ۲۲- ل، ق: چو؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۳- س: بنظاره شد ۲۴- ل: اندرین؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۵- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س آ): جشنگاه؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل آ، لن آ) ۲۶- ل، و: نامه را سام؛ ق: نامه را زود؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۷- ل، لن، لی، و، آ، ب: نوشت؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، ل آ ۲۸- ل- ق، پ- ب (و نیز ل آ، لن آ، س آ): بیاراست چون مرغزار بهشت؛ ق، آ، لی: شگفتی سخن های فرخ نبشت؛ متن = ف ۲۹- ل- ق، آ، و- ب (و نیز لن آ، س آ): بران؛ متن = ف، لی، پ (و نیز ل آ)؛ پ، و در اینجا سرنویس دارند، پ: پاسخ نامه زال از سام؛ و: پاسخ دادن سام نریمان نامه زال زر را ۳۰- ف: برین؛ س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب (و نیز ل آ، لن آ): بدان؛ متن = ل، ق، آ، ل (و نیز س آ) ۳۱- ق، آ، لی، و (لی) (> و) گرزگران

بفرمود کین<sup>۱</sup> را چنان<sup>۲</sup> ارجمند  
نیایش همی کردم<sup>۳</sup> اندر نهان  
که زنده بیند<sup>۴</sup> جهان بین من  
کنون شد مرا و ترا پشت راست<sup>۵</sup> ۱۵۱۰

فرستاده آمد چو باد دمان<sup>۱</sup>  
چو بشنید<sup>۲</sup> زال آن<sup>۳</sup> سخن های نغز  
به شادیش بر شادمانی فرود  
بر زال روشن دل و شادمان<sup>۴</sup>  
که<sup>۵</sup> روشن روان اندر آمد به مغز<sup>۶</sup>  
برافراخت گردن به چرخ کبود

### گفتار اندر آمدن سام نریمان از گرگساران بنزدیک رستم<sup>۱۷</sup>

همی گشت ازین گونه برسر<sup>۱۸</sup> جهان  
به رستم همی داد ده دایه شیر ۱۵۱۵  
چُن از<sup>۱۹</sup> شیر آمد سُوی خوردنی  
بُدی پنج مرده<sup>۲۰</sup> مرو را خورش  
چو رستم پیمود<sup>۲۱</sup> بالای هشت  
چُنان شد که رخشان ستاره بود<sup>۲۲</sup>  
بَرهنه شد آن<sup>۲۳</sup> روزگار نهان<sup>۲۴</sup>  
که نیروی مردست<sup>۲۵</sup> سرمایه شیر  
شد از ماز<sup>۲۶</sup> و ز<sup>۲۷</sup> گوشت<sup>۲۸</sup> با برتنی<sup>۲۹</sup>  
بماندند مردم<sup>۳۰</sup> از آن پرورش<sup>۳۱</sup>  
بسان یکی سرو آزاد گشت  
جهان<sup>۳۲</sup> بر ستاره نظاره بود<sup>۳۳</sup>

۱- لن، ق، آ، ب، کو؛ پ: کان؛ متن = ف، ل، س، لی، و، ل، آ، ۲- ل، لی: چنین؛ ق: چو جان؛ متن = نه دستویس دیگر ۳- ق: کرد ۴- ل، س (و نیز ل، آ، س): همی جستم از؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: شب و روز با (ب: بن)؛ ق: همی خواستم از (وزن نادرست است)؛ و (و نیز ل، آ): ازین بخش؛ متن = ف ۵- ب: آشکار و نهان ۶- لن، ق، آ، ل، ب: که دیده بیند؛ پ: که روزی بیند؛ و: مگر زنده بیند؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، آ ۷- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: پوری؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، آ، س) ۸- ف: نو آیین؛ ل، لن، ق، لی، پ، ل، آ (و نیز ل، آ): بآیین؛ متن = س، ق، آ، و، آ، ب (و نیز لن، آ، س) ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: کتون شد مراد من از بخت راست؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ، س) ۱۰- و، آ، بجز؛ ب: مگر ۱۱- ق، آ، ل، آ، ل، ب: باد بران (→ بران)؛ ب: باز (→ باد) بران؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۲- ل: شادکام (پسوند ندارد) ۱۳- و: چو برخواند ۱۴- ل، لن، ق، پ: این؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۵- ل، ق (و نیز س، آ): به ۱۶- ل، ق (و نیز س، آ): اندر آورد مغز؛ س: اندر آن بود مغز؛ ق، و، آ، ل، ب: اندر آرد بمغز؛ لی (و نیز لن، آ): اندر آید بمغز؛ متن = ف؛ لن، پ: دلش گشت خرم گویا که مغز ۱۷- ف: گفتار اندر آمدن سام نریمان از گرگساران بنزدیک رستم و دیدن او را و نواختن زال زر و رستم؛ لن، لی، پ، و: آمدن سام به زابل (لی، و: سام نریمان) به دیدن رستم (و: رستم دستان)؛ ق، آ، ل، آ، ل، آ: رسیدن (ل، آ): آمدن سام به دیدن رستم (ق: و استقبال کردن زال و مهراب و رستم دستان)؛ آ: استقبال کردن رستم زال را؛ ب: آمدن سام بنزد رستم)؛ متن = آغاز ف ۱۸- ل، ق: چندی بسربر؛ لن، ق، آ، پ، آ، ب: از آن گونه برسر؛ و: چندی برین بر؛ ل، آ، زین گونه برسر؛ متن = ف، س، لی ۱۹- ل، آ، از ۲۰- لی: کهان؛ پ: مهان؛ و: گهی آشکارا و گاهی نهان ۲۱- لن، لی، و، ب (و نیز ل، آ): مردست و؛ متن = ل، ق، آ، پ، آ، ل، آ (و نیز لن، آ، س)؛ ف، س، ق، این بیت و دو بیت سپین را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ بنداری: و کانت له عشر مرضعات یمتص نخب ألبها نهن حتی تررع؛ درل این بیت و دو بیت سپین پس از بیت ۱۵۱۹ آمده اند ۲۲- ل، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، آ، س): چو از؛ متن = ل ۲۳- لن، ق، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س): نان؛ متن = ل ۲۴- پ، و، آ، از ۲۵- ب: از گوشت و از نان ۲۶- ل: افزودنی؛ لن (و نیز لن، آ): نابرتنی؛ ق، آ، پ، ل، آ، ب: ناسی (نقطه ندارد)؛ و: پاترنی؛ آ: بررستی؛ ل، آ: پروردنی؛ متن = لی (و نیز س، آ)؛ ف، س، ق، این بیت را ندارند ۲۷- لن: بره ۲۸- ل، آ: مردان ۲۹- لن، پ: بدین گونه بودی و را پرورش؛ ف، س، ق، و (و نیز لن، آ): این بیت را ندارند ۳۰- و: همانکه که پیمود ۳۱- ف: بود؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: شود؛ ل، آ: نمود؛ متن = ل، ق، و (و نیز لن، آ، س) ۳۲- لی: همان؛ درل پس از این بیت بیت های ۱۵۱۵-۱۵۱۷ آمده اند



۱۵۲۰ تو گفستی که سام یلستی بجای  
 چو<sup>۳</sup> آگاهی آمد به سام دلیر  
 کس اندر جهان کودک<sup>۵</sup> نارسید  
 بجنبید مر سام را دل ز جای  
 سپه را به سالار لشکر سپرد  
 ۱۵۲۵ چو مهرش سوی پور دستان کشید  
 چو زال آگهی یافت<sup>۸</sup> بر بست کوس  
 خود و گرد مهرباب و کاو<sup>۹</sup> خدای  
 بزد مهره در<sup>۱۱</sup> جام و<sup>۱۲</sup> برخاست عو<sup>۱۳</sup>  
 یکی لشکری<sup>۱۵</sup> کوه تا کوه مرد  
 ۱۵۳۰ خروشیدن تازی اسپان و پیل  
 یکی زنده پیلی بیاراستند  
 نشست از بر تخت بر<sup>۲۲</sup> پور زال  
 به سر برش<sup>۲۶</sup> تاج و کمر بر میان  
 چن<sup>۲۸</sup> از دور سام یل آمد پدید<sup>۲۹</sup>

به بالا<sup>۱</sup> و دیدار و فرهنگ<sup>۲</sup> و رای  
 که شد پور دستان همانند<sup>۴</sup> شیر  
 بدان<sup>۶</sup> شیرمردی و گردی ندید  
 به دیدار آن کودک آمدش رای  
 برفت و جهان دیدگان را ببرد  
 سپه را سوی زاولستان<sup>۷</sup> کشید  
 ز لشکر زمین گشت چون آبَنوس  
 پذیره شدن را نهادند رای<sup>۱۰</sup>  
 برآمد ز هر دو سپه<sup>۱۴</sup> دار و زو<sup>۱۵</sup>  
 زمین قیرگون و<sup>۱۶</sup> هوا لاژورد<sup>۱۷</sup>  
 همی رفت<sup>۱۸</sup> آواز تا<sup>۱۹</sup> پنج<sup>۲۰</sup> میل  
 برو تخت زرین پیراستند<sup>۲۱</sup>  
 ابا قد چون سرو<sup>۲۳</sup> و با کتف<sup>۲۴</sup> و یال<sup>۲۵</sup>  
 سپر پیش و در دست گرز گران<sup>۲۷</sup>  
 سپه بر<sup>۳۰</sup> دو رویه رده برکشید<sup>۳۱</sup>

۱- ف: بالای؛ متن = بازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲- لن، پ: فرهنگ و دیدار ۳- ق: پس ۴- لن، ق، لی، ب: بکردار؛ ل: ۲؛ همانند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۵- پ: کودکی ۶- ل، لن، پ، و: بدین؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ و (و نیز لن) پس از این بیت افزوده اند:  
 بجز پیل او را نبرنافتی که اسپ از نشستن شکن یافتی  
 بنداری: وکان لایحمله مرکوب غیر الفیل لضخامة جثه و عبالة اکتافه؛ در و پس از این بیت ۱۵۲۵ آمده است ۷- س، لن، ق، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، لن): زابلستان؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز س)؛ لی این بیت را ندارد؛ در و این بیت پس از بیت ۱۵۲۲ پ آمده است ۸- س، لن، ق، پ، آ، ل، ب: چو دستان شد آگاه؛ (س) چو دستان بدانست؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، لن)؛ لی این بیت را ندارد ۹- ف- ق، پ- ب (و نیز ل، لن، س): کابل؛ لی این بیت را ندارد؛ متن تصحیح فیاسی است ۱۰- ل، ق، و (و نیز ل، لن)؛ پای؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز لن، س) ۱۱- ب: بر ۱۲- س: بزد مهره و زدشت ۱۳- ق: غو ۱۴- س، لن، ق، پ، و، ل، ب (و نیز لن)؛ ز هرسو (لن، پ: جا) دم و؛ لی، آ (و نیز ل، س): زهر سوده و؛ متن = ف، ل، ق، ۱۵- ل، ق: لشکر از؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۶- س: شد؛ متن = ف، ل، ق، و ۱۷- ف، س، ق (و نیز ل، لن): لاجورد؛ متن = ل، و؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س): سپر در سر بافته سرخ و زرد؛ ل پس از این بیت افزوده است:  
 سوی سیتان سام بنهاد روی  
 چو این مزده بشنید زال دلیر  
 ابا این چنین لشکر و رنگ و بوی  
 بزد نای رویین و ناسود دیر  
 ۱۸- و: برشد ۱۹- س، لن، ق، پ، آ، ل، ب: بر؛ لی: در؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۰- ل، ق، ق، لی، و: چند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۱- آ پس از این بیت افزوده است:

ابر تخت زرین زبرجد نگار نشسته بران رستم نامدار  
 برخ همچو خورشید و بیالا چو سرو (!) برفتند مانند کبک و تازو

۲۲- لن، لی، پ، و: زرا؛ آ: نشسته ابر تخت بر؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۳- ل (و نیز س): ابا بازوی شیر و؛ س، ق، پ: ابا (و: بدان) قامت سرو (ق، لی، آ، ب: < و >)؛ متن = ف، ق (و نیز ل) ۲۴- ف، س (و نیز س): کفت؛ ب: برز؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز لن) ۲۵- لن: بزرگان که بودند بسیار سال (= ۱۵۳۵ ب) ۲۶- لن، ق، لی، آ، ب: ابر سرش؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۷- لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب: تیر و کمان؛ بنداری: فی یده قوس و نشاب؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، لن، س) ۲۸- ل- ب (و نیز ل، لن، س): چو؛ متن = ف ۲۹- س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س): او را بدید؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، لن) ۳۰- لن، پ، آ، ل، ر؛ ب: از؛ متن ← ۳۱- ق: نگه کرد با تاج و تختش بدید (پساوند ندارد)؛ لی: همان اسپ و گرز گران را بدید (پساوند ندارد)؛ متن = ف، ل، س، ق، و؛ در لی پس از این بیت ۱۵۳۹ آمده است

۱۵۳۵ فرود آمد از اسپ<sup>۱</sup> مهرباب و زال  
 یکایک نهادند سر بر زمین  
 چو گل چهره‌ی سام یل بشکفید<sup>۵</sup>  
 چنان همش بر پیل پیش آورد<sup>۶</sup>  
 یکی<sup>۱۲</sup> آفرین کرد سام دلیر  
 بیوسید رستمش<sup>۱۶</sup> تخت ای شگفت  
 ۱۵۴۰ که ای پهلوان جهان شاد باش  
 یکی بنده‌ام، نامور<sup>۲۰</sup> سام را  
 همه<sup>۲۲</sup> پشت<sup>۲۳</sup> زین خواهم و درع و خود  
 به چهر تو ماند همی چهرام  
 ۱۵۴۵ وزان<sup>۲۸</sup> پس فرود آمد<sup>۲۹</sup> از<sup>۳۰</sup> پیل مست  
 جوانان و گردان<sup>۳</sup> بسیار سال<sup>۴</sup>  
 ابر سام یل خواندند آفرین<sup>۵</sup>  
 چو بر پیل بر<sup>۷</sup> بجهی شیر دید<sup>۸</sup>  
 نگه کرد تا<sup>۱۱</sup> تاج و تختش<sup>۱۱</sup> بدید  
 که تهما<sup>۱۳</sup>، هزبرا<sup>۱۴</sup>، بزی شاد و دیر<sup>۱۵</sup>  
 نیا را یکی نو ستایش<sup>۱۷</sup> گرفت  
 چو<sup>۱۸</sup> شاخ توام من، تو بنیاد باش<sup>۱۹</sup>  
 نشایم<sup>۲۱</sup> خور و خواب و آرام را  
 همه<sup>۲۲</sup> تیر ناوک<sup>۲۳</sup> فرستم درود<sup>۲۵</sup>  
 چنان چون تو<sup>۲۶</sup> باشد مگر<sup>۲۷</sup> زهرام  
 سپهدار بگرفت دستش بدست

۱- ل: باره؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۲- لن: در حال زال ۳- ل، س، ق، لی- ب (و نیز ل، ن، س، آ): بزرگان که بودند؛ متن = ف، ق ۴- ق: با فر و بال، لن: ابا قامت سرو با سفت و بال (= ۱۵۳۲ ب)؛ لن پس از این بیت افزوده است:

چو از دور سام یل او را بدید (= ۱۵۳۳ آ) فرورفت و لب را به دندان گزید

۵- و: گرفتند بر سام یل آفرین ۶- لن، لی، پ، آ، ل، ب: بر شگفت ۷- و: نر ۸- لن، لی، پ، آ، ل، ب: چو (آ: که) فرزند را (آ: او) دید با یال و سفت؛ متن = ف، ل، س، ق، ق: در س لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ لن، لی، پ، آ، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

چو بر پیل بر بجهی شیر دید (= ۱۵۳۷ ب) بخندید و شادان دلش بردمید

آ، ل، ب: چو گل (آ: دل) چهره سام یل بشکفید (= ۱۵۳۷ آ)

۹- لن، لی، پ، ب: چنانش همی پیش پیل آورد؛ ق: چنانش ابر پیل پیش آورد؛ آ: عنان را سوی پیل گرد آورد؛ ل: چنان همش بر پشت پیل آورد؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز لن، س، آ) ۱۰- ق: چون؛ لی، و، ب: و با؛ پ، آ: با؛ ل: نا (نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، س، لن (و نیز س، آ) ۱۱- ل، ب: تخت و تاجش؛ ق: نگه کرد تاج و سریرش؛ در ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۲- لن: برو؛ پ: بدو؛ ل این بیت را ندارد ۱۳- لی: شیرا ۱۴- لی، ب: هزبرا ۱۵- ل، س: شاد دیر؛ متن = ف، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب؛ ق: ترمید از آوادن (→ آواز آن) تره شیر؛ در لی این بیت پس از بیت ۱۵۳۴ آمده است؛ ق پس از این بیت افزوده است:

نماز نیا برد و بر پای ساخت بیوسید مر سام را دست راست

۱۶- س: برسید رستم ز ۱۷- لن، پ: نیایش؛ ب: پرستش؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

چنین گفت با پهلوان پور زال چو دیدش ابر (لی: ابا) پیل (لی: آ: پیل) با فر (ق: آ: لی: کتف) و یال ۱۸- و: که ۱۹- س: چو شاخ برومند بنیاد باش ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: پهلوان؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز لن، س، آ) ۲۱- ق: نخواهم؛ لی: فشانم؛ در ق پس از این بیت ۱۵۴۳ پ آمده است ۲۲- ل: همی ۲۳- لی: اسب و ۲۴- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: تیر و ناوک؛ متن = ف، ق، و ۲۵- ف: چو دود؛ ق: پاك شده است؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ)؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل) پس از این بیت، ق پس از بیت پیشین (و س پس از بیت سپین) افزوده اند:

سر دشمنان را سپارم بیای بفرمان دادار برتر خدای

این بیت در ف، ل، س، و (و نیز لن، آ) نیست ۲۶- ل، س، لی، پ (و نیز س، آ): چو آن تو؛ لن، ق، آ، ب: چنان تو؛ ل: چن آن تو؛ متن = ف، ق، آ، و (و نیز ل، ن، آ) ۲۷- ق، و: دل و؛ آ: همی؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۸- ل: ازان؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۹- پ: < آمد > (وزن نادرست است) ۳۰- ق: < از > (وزن نادرست است)

فروا ماند بر جای پیلان و کوس  
 همه راه شادان و باه گفت وگویی  
 نشستند و خوردند و بودند شاد  
 به رنجی بستند هرگز میان  
 همی گفت هریک<sup>۱۳</sup> به نوبت<sup>۱۴</sup> سرود<sup>۱۵</sup>  
 دگر گوشه<sup>۱۶</sup> رستم عمودی<sup>۱۷</sup> به دست<sup>۱۸</sup>  
 فروهشته از تاج فر همای  
 برو<sup>۱۹</sup> هر زمان نام یزدان بخواند  
 میان چون قلم، سینه و بر فراخ  
 بررسی<sup>۲۰</sup> ندارد کسی این به یاد<sup>۲۱</sup>  
 بدین منگری چاره<sup>۲۲</sup> چون آورند  
 که<sup>۲۳</sup> ایزد ورا<sup>۲۴</sup> ره نمود اندرین  
 به گیتی ندارد کس این را<sup>۲۷</sup> همال

همی بر سر و چشم او داد بوس  
 به گورابه اندر نهادند روی  
 همه کاخ ها تخت زرین نهاد  
 برآمد برین بر یکی ماهیان  
 ۱۵۵۰ همی خورد هرکس به آوای رود<sup>۲۲</sup>  
 به يك گوشه‌ی تخت دستان نشست  
 به پیش اندرون سام گیهان گشای<sup>۱۹</sup>  
 به<sup>۲۱</sup> رستم همی<sup>۲۲</sup> از<sup>۲۳</sup> شگفتی بماند  
 بران<sup>۲۵</sup> بازو و یال<sup>۲۶</sup> و آن سفت<sup>۲۷</sup> و شاخ  
 ۱۵۵۵ به زال آنگهی گفت تا<sup>۲۸</sup> صد<sup>۲۹</sup> نژاد  
 که کودک ز پهلو برون آورند  
 [به سیمرغ بادا هزار آفرین  
 بدین خوب روی و این<sup>۳۵</sup> قد<sup>۳۶</sup> و یال

۱- ق، ق، آ، و، آ: فرو مانده؛ ل: فراوان ز؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- آ: < و >؛ ل، ق، ل: پیلان و (ق: از) آوای؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳- ل: سوی کاخ از آن پس نهادند؛ ق (و نیز ل): پس آنکه به ایوان نهادند؛ و: سه سوی زایل نهادند؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز س): بنداری؛ ثم توجهوا جميعا نحو کوراند ۴- ب: همان ۵- لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: و پر؛ ق: < و > با؛ متن = ف، ل، س، و ۶- ل، ق: گفت گوی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- س: نهادند ۸- آ: بودند و خوردند؛ ب: خوردند و گشتند ۹- ف: برین بر چویک؛ س: برین تايك؛ ق، آ، ل، ب: برین تايكی؛ و (و نیز لن): برین کارها؛ (ل: برین هم برآمد یکی؛ س: برین گونه يك)؛ متن = ل، لن، ق، لی، پ ۱۰- لی: سالیان ۱۱- پ: یکتا؛ و: روزی؛ ل: هریک؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۲- ف، ق: همی خورد می رانند آوای (ق: از آوای) رود؛ ل: بخوردند باده به آوای رود؛ و (و نیز لن): همی خورد باده بر آوای؛ س این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز س): لی، ب: باواز) ۱۳- لن، ق، آ، ب: هرکس؛ متن = ف، ل، ق، (و نیز ل): لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: بشادی؛ و (و نیز لن): کیانی؛ متن = ف، ل، ق، (و نیز ل، س): ۱۵- ق، آ، ب: درود ۱۶- س: دگر دست؛ ق: يك گوشه ۱۷- ل: رستمش گزری؛ ق: رستم گزری (وزن نادرست است)؛ آ: رستم کمائی؛ ل: رستم چو گزری؛ متن = ف، س، ق، لی، ب ۱۸- و (و نیز لن): بدست دگر رستم شه پرست؛ لن، پ این بیت را ندارند ۱۹- ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: گیتی گشای (آ: گشا)؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س، ق ۲۰- آ: هما ۲۱- ل، ق، و: ز؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- لن، پ: نیا ۲۳- ل، ق، لی، و: در؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۴- ب: بروبر (وزن نادرست است) ۲۵- لن، لی، پ، ل، ب: بدان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- ل: بازوی و یال؛ و: بازوی و زور؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- ل، ق، ل، آ، ب: پشت؛ س (و نیز س): کفت؛ لن، پ: قد؛ ق، آ، لی، آ (و نیز ل): کتف؛ و: یال؛ متن = ف، ل، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز س): پس از این بیت افزوده اند:

دورانش چوران هیونان (ق: هیونی؛ لی، آ: هیون) ستر  
 دل شیر و (ق: < و >) نیروی بیرو هرزبر (لی: هرزبر)  
 ل: دل شیر نر دارد و زور ببر

ف، س، و (و نیز ل، لن): این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۲۸- س، ق: گر؛ ل: با ۲۹- س: هر ۳۰- لن، پ: بنوی (پ: پیوی؟) ۳۱- س، ق: ندارد کس این را ییاد؛ لن، پ، ل: کس این را ندارد ییاد؛ ق، آ، لی، ب: کسی این (ب: آن) ندارد ییاد؛ آ: کس آنرا ندارند ییاد؛ متن = ف، و (و نیز ل، لن): ل این بیت و بیت سپین را ندارد؛ در ل، پ این بیت و بیت سپین پس از بیت ۱۵۵۹ آمده اند ۳۲- س، لن، ق، لی، پ (و نیز ل، س): بدین (لی: بدان) نیکویی چاره؛ و: بدین منکر این چاره؛ آ: برین پیکری چاره؛ لن: برین پیکرش چاره؛ متن = ف، ق، آ، ل، ب (ل): بدان؛ ل این بیت و بیت پیشین را ندارد، ولی هر دو بیت در ترجمه بنداری هست: و يقول لزال لوسایلت مائة من القرون لم تسمع بولد استخراج عن خاصرة أمه كما استخراج هذا ۳۳- ق: ز ۳۴- ق: که او؛ ق، آ، لی، بدو؛ آ: باو؛ ل: پس از ایزد او؛ متن = لن، پ، ب: ف، ل، س، و (و نیز لن) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری نیز هست: و لطف يشكر العتقاء ويحمد الله عزوجل إذ ألهمها صنعها ذلك؛ در لن، پ این بیت پس از بیت ۱۵۵۹ آمده است ۳۵- لن، ل: خوب روی بدین؛ ق، آ، لی، و، آ، ب: خوب روی و بدین؛ متن = ف، ل، س، ق، و ۳۶- ل، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س): فر؛ و: کفت؛ متن = ف، س، ق، آ: کس او را؛ لن، ق، پ، آ، ل، ب: کسی را؛ ل: ندارد کس از پهلوانان؛ لی: بگیتی کس او را نباشد؛ و: بگیتی نباشد کس او را؛ متن = ف

- ۱۵۶۰ بدین شادمانی<sup>۱</sup> کون می خوریم  
که گیتی سپنج ست<sup>۵</sup> پُرآی<sup>۶</sup> و رُو<sup>۷</sup>  
به می دست بردند و مستان شدند  
همی خورد مهراب چندان نبید  
همی گفت نندیشم از زال زر  
من ورستم و اسپ<sup>۱۳</sup> شبدیز و تیغ  
کنم زنده آیین ضحاک را  
۱۵۶۵ پر از خنده گشته لب<sup>۱۷</sup> زال و<sup>۱۸</sup> سام  
سر ماه<sup>۱۹</sup> نو هرمز مهرماه  
چنین گفت مر زال را کای<sup>۲۲</sup> پسر  
به فرمان شاهان دل آراسته  
۱۵۷۰ همه ساله بسته<sup>۲۴</sup> دودست از بدی<sup>۲۵</sup>  
چنان دان که بر کس نماند جهان<sup>۲۶</sup>  
برین<sup>۲۸</sup> پند من باش و مگذر ازین
- به می<sup>۲</sup> جان اندوه<sup>۳</sup> را بشکریم<sup>۴</sup>  
کهن شد یکی دیگر آرند نو<sup>۷</sup>  
ز رستم سوی یاد دستان شدند<sup>۸</sup>  
که جز<sup>۹</sup> خوشتن در جهان کس ندید<sup>۱۰</sup>  
نه از سام و نر<sup>۱۱</sup> شاه با تاج و قر<sup>۱۲</sup>  
نیارد برو<sup>۱۴</sup> سایه گسترد میغ  
به پی<sup>۱۵</sup> مشک سارا کنم<sup>۱۶</sup> خاک را  
ز گفتار مهراب دل شادکام  
بشد سام و بر تخت بگزید راه<sup>۱۷</sup>  
نگر تا نباشی بجز<sup>۲۳</sup> دادگر  
خرد را گزین کرده بر خواسته  
همه روز جُسته ره ایزدی  
یکی بایدت<sup>۲۷</sup> آشکار و نهان  
بجز بر ره راست مسپر زمین

۱- ف: شادکامی؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، س، آ) ۲- پ: همان؛ متن ← ۳- ق، ل، ی، و: اندیشه؛ متن ← ۴- س: به می انده از جان خود بشکریم؛ ق: به می دل ز اندوه را بشکریم؛ متن = ف، ل، لن، آ، ل، ب؛ در لن، پ پس از این بیت بیت ۱۵۵۷ و پس از آن بیت های ۱۵۵۵ و ۱۵۵۶ آمده اند ۵- لن، پ: سنجت گیتی ۶- ف، ل، ی (و نیز ل، آ): بر برای؛ لن، ق، پ (و نیز لن، آ): بر آرای؛ متن = س، ق، و، آ، ل، ب (و نیز س، آ): در و، آ حرف یکم سه نقطه دارد ۷- لن، پ: آردنو ۸- ق، ل، ی: زیاد سپید به دستان شدند ۹- ل، ق، و: که چون؛ لن: جزا؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۰- ل، س، ق (و نیز ل، آ): خوشتن کس به گیتی ندید؛ لن، ق، ل، ی، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): خوشتن را به گیتی ندید؛ متن = ف، و ۱۱- لن، ق، ل، ی، پ، ل، آ، ب: واز؛ ق: < و > نه از؛ آ: و نه از؛ متن = ف، ل، س ۱۲- ل: با تاج زر؛ ق: با داد و فر؛ متن = ف، س، لن- پ، آ، ل، ب؛ و: نه از سام بل نر شه تاجور ۱۳- س: گرزو؛ ل، ی، و: اسپ؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۴- لن، ق، ل، ی، پ، آ، ب: بدو؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل، آ؛ و (و نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ز بازوی او تازه شد زور من همان اختر عالم افروز من  
که دارد به گیتی درون پای اوی همان چهره گیتی آرای اوی

۱۵- ل: بوی؛ ق: بمی؛ ل: بی؛ و: همی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۶- ل: دهم؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ لن، ق، ل، ی، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بازم کنون من (آ، ل، آ: هم اکنون) زبهرش سلح (پ، آ: سلاح) همی (ق، آ: بهن) گفت چونین زبهر (لی: زراه) مزیح (ق، ل، پ، آ: مزاح)  
ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، آ، لن، آ) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۱۷- ق: لب ۱۸- س: < و > ۱۹- ل، س، ق: سال؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- ل، ق، ل، ی: هرمز و مهرماه؛ س: هرمز فرودین؛ لن، پ، ل، آ، ب: هرمز از مهر (پ: مهر) ماه؛ متن = ف، و، آ (و نیز لن، آ، س، آ)؛ ق، آ: سرماه سام نریمان زگاه ۲۱- ل، لن- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): بران (پ: بدان) تخت فرخنده (س، آ: پیروزه) بگرید راه؛ س: بشادی نشسته بدید این چنین؛ متن = ف، لن، ق، ل، ی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س، آ) پس از این بیت دو بیت و س تنها بیت یکم را افزوده اند:

بازید سام و برون شد بدر یکی منزلی زال شد با پدر  
همی رفت بر پیل رستم دژم به بدرود کردن نیارا بهم (پ: نیا نیز هم)

ف، ل، ق، و (و نیز لن، آ) این دو بیت را و س بیت دوم را ندارند، ولی در ترجمه بنداری آمده اند: ثم عزم سام علی الرحیل فارتحل و خرج فی رکابه رستم و أبوه برسم الوداع مرحلتین ۲۲- ق: ای ۲۳- ل، س، لن، ق، آ- ب (و نیز ل، آ، س، آ): جزا؛ متن = ف، ق (و نیز لن، آ) ۲۴- س، لن، ق، پ، و، آ، ل، آ: شته؛ متن ← ۲۵- ل: همه ساله بر بسته دست بدی؛ متن = ف، ق، ل، ی، ب (و نیز ل، آ، لن، آ) ۲۶- س: جهان دانک بر کس نماند چنان ۲۷- ق: یکی دان همه؛ و این بیت را ندارد ۲۸- آ: بدین؛ و این بیت را ندارد

که آمد<sup>۲</sup> به تنگی<sup>۳</sup> زمانم<sup>۴</sup> همی  
که این پندها<sup>۵</sup> را نشاید<sup>۶</sup> نهفت

که من<sup>۱</sup> در دل ایدون گمانم همی  
دو فرزند را کرد پدرود و گفت<sup>۵</sup>

ز پیلان<sup>۱۱</sup> خروشیدن کره<sup>۱۰</sup> نای<sup>۱۱</sup>  
زبان گرم گوی<sup>۱۲</sup> و دل آرم جوی  
پر از آب رخ، دل پر از پند او<sup>۱۴</sup>  
کشید آن سپهبد به راه دراز<sup>۱۷</sup>

۱۵۷۵ برآمد ز درگاه زخم<sup>۸</sup> درای<sup>۹</sup>  
سپهبد سوی باختتر کرد روی  
برفتند با او دو فرزند او<sup>۱۳</sup>  
سه<sup>۱۵</sup> منزل برفتند و<sup>۱۶</sup> گشتند باز

### گفتار اندر اندرز کردن منوچهر نوذرا<sup>۱۸</sup>

منوچهر را<sup>۱۹</sup> سال شد بر دو شست<sup>۲۰</sup> ز گیتی همی بار رفتن بیست

۱- ق، ل، ی: مرا ۲- ف، پ، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): آید؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، س<sup>۲</sup>) ۳- ل، ی: بنیکی ۴- ق، ل: زمانم به تنگی (بیاوند ندارد)  
۵- ل، ی: دو فرزند پدرود کرد و بگفت ۶- لن، لی، پ، آ: پندها؛ متن = هشت دستویس دیگر ۷- ل، ق، ی، پ، و، ل، ب: نباید؛ آ: بیاید؛ متن = ف،  
لی ۸- لن، لی، پ: زایل؛ آ: بانگ؛ متن = ف، ل، س، ق، ق، ل، آ، ب ۹- و: همانکه برآمدز پرده سرای ۱۰- ق، ل: زمینان ۱۱- ف، ل، س:  
کز نای؛ لی: برآمد همانکه سپهبد ز جای ۱۲- لن، لی، پ: چرب گوی؛ ق، ل: کینه گوی؛ ب: کینه جوی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۳- ل، لن،  
ق، ل، ی: ب: او؛ س: را؛ متن = ف، ق، ل، ی، پ، و، آ ۱۴- ل، لن، ق، ل، آ، ب: او؛ س: را؛ ق، ل، ی: پر از درد بد دل (لی: دل بد) پر از آب روی؛  
متن = ف، پ، و، آ ۱۵- ل: دو؛ بنداری: فشیعاه مرحلتین آخرین و رجعا؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، س<sup>۲</sup>) ۱۶- ل: < و > ۱۷-  
ق، ل (و نیز ل، س<sup>۲</sup>): به تنگی فراز؛ ل، لن، ق، ق، ل، ی، پ، و، ب (و نیز ل، س<sup>۲</sup>) پس از این بیت دو روایت الحاقی به نام های: کشتن رستم پیل سپید  
را، و: رفتن رستم به کوه سینند افزوده اند؛ این دو روایت در ف، س، آ، ل (و نیز در س<sup>۲</sup>) نیست و در ترجمه بنداری نیز نیامده اند؛ همچنین دستویس  
بی تاریخ انستیتوی شرق شناسی کاما از سده هشتم هجری، دستویس طویقاپوسرای، مورخ ۸۰۳ هجری (به نشان H. 1515)، دستویس کتابخانه دانشگاه  
استانبول (به نشان S. 822) نیز این دو روایت را ندارند؛ تصحیح این دو روایت تنها بر اساس ل، لن، ق، ب انجام گرفت و از ثبت نسخه بدل های دستویس های دیگر  
چشم پوشی شد:

وزان روی زال سپهبد به (ق: ز) راه  
شب و روز با رستم شیرمرد  
سوی سیستان باز برد آن سپاه  
همی کرد شادی و هم (لن: همی) باده خورد

#### کشتن رستم زال پیل سپید را

چنان بُد که یکرروز با دوستان (ق: در بوستان)  
خروشنده گشته دل (ب: همی) زیر و بم  
همی باده خوردند در بوستان (ق: با دوستان)  
شده شادمان نامداران بهم ←

۱۸- ف: گفتار اندر وصیت کردن شاه منوچهر و ولی عهد کردن نوذر پسرش را و بیرون رفتن ازین جهان؛ س: اندرز منوچهر نوذر را؛ ق: وصیت شاه  
منوچهر نوذر پسرش را؛ ق، ل، پ، آ، ب: اندرز کردن منوچهر نوذر را (پ: پسرش را)؛ لی: آغاز داستان منوچهر (!)؛ و: انجام روزگار منوچهر شاه و سپردن  
پادشاهی به نوذر؛ ل، ی: اندرز کردن شاه منوچهر لشکر و پسر را ۱۹- س، لن، ق، ل، ی، پ، آ، ب: چون؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۰- ل، ی، ب: شست؛  
در لن این بیت بایست سپین پس و پیش شده است

۱۵۸۰ ستاره‌شناسان بر او شدند  
 ندیدند<sup>۲</sup> روزش کشیدن دراز  
 بدادند از آن<sup>۳</sup> روز<sup>۴</sup> تلخ آگهی  
 همی زآسمان داستان‌ها زدند<sup>۱</sup>  
 ز گیتی همی گشت بایست باز  
 که شد تیره آن تخت<sup>۵</sup> شاهنشاهی

۱- در لن این بیت بایست پیشین پس و پیش شده است ۲- ق: آ: بدیدند؛ لن این بیت را ندارد ۳- و: بدادندش از ۴- ب: تلخیش ۵- ق: این تخت؛ ق: آ، ل، ب: آن فر؛ س، لن، لی، پ، و: که تیره شود (س: شد آن) فر؛ متن = ف، ل

- 5 ← می لعل گون در (لن: را) به جام بلور  
 چنین گفت فرزند را زال زر  
 دلیرانت را خلعت و یاره ساز  
 بیخشد رستم بسی (لن: زر) خواسته  
 و زان پس پراگنده شد (ب: گشت) انجمن  
 سپهبد بسوی شبستان خویش  
 تهمتن همیدون سرش پر شتاب (ق: ز تاب)  
 بخت و به خواب اندر آمد سرش
- 10
- که پیل سپید (لن: سفید) سپهبد ز بند  
 وزو کوی و برزن به جوش آمده‌ست  
 تهمتن ز خواب اندر آمد چو باد  
 چو زان گونه گفشارش آمد به گوش  
 دوان رفت (لن، ب: گشت) و گرز نیا برگرفت  
 کانی که بودند بر درگهش  
 که از بیم اسپهبد نامور  
 شب تیره و پیل جسته ز بند  
 تهمتن شد آشفته از گفتنش  
 برانسان (ب: بدانسان) که شد سرش مانند گوی  
 رمیدند از (لن، ق: از آن) پهلو نامور  
 بزد گرز و بشکست زنجیر و بند  
 برون آمد از در بکردار باد  
 همی رفت تازان (ق: یازان) سوی زنده پیل  
 نگه کرد کوهی خروشنده دید  
 رمان دید ازو نامداران خویش  
 تهمتن یکی نعره زد همچو شیر  
 چو پیل دمنده مر او را بدید  
 برآورد خرطوم پیل زیان  
 تهمتن یکی گرز زد بر سرش  
 بلرزید بر خود که بیستون  
 یفتاد پیل دمنده ز پای  
 بخت و چو خورشید از خاوران  
 به زال آگهی شد که رستم چه کرد
- 15
- 20
- 25
- 30
- 35
- بخوردند تا در سر افتاد شور  
 که ای نامور پور خورشیدفر  
 کسی را که باشند (ل: هستند) گردنفر از  
 ز خویان و (لن: بسی نازی) اسپان آراسته  
 بسی خواسته یافته تن بتن  
 بیامد برانسان (ق، ب: بدانسان) که بد رسم (لن: که آیین) و کیش  
 بیامد گزازان سوی جای (لن، ق: جامه) خواب  
 برآمد خروشدنی از درش (ل: خروشدن از کشورش)  
 ق، ب: خروشدن آمد همی از (ق: مردم آمد) درش  
 رها گشت و آمد به مردم گزند  
 زمستی چنین سخت کوش آمده‌ست (لن، ب: نداشتند)  
 ز مردم پیرسید و کردند یاد (لن، ب: نداشتند)  
 دلیری و گردی (لن: تند) برو (ق: بدو) کرد جوش  
 برون آمد و راه (لن، ب: آمدن راه) اندر گرفت  
 همی (ل: همه) بسته کردند بروی رهش (در لن پس از بیت 15)  
 چگونه گشاییم پیش تو در  
 تو بیرون شوی کی بود این پسند  
 یکی مشت زد بر سر (ل: بر) و گردنش  
 سوی دیگران اندر آورد روی  
 دلاور بیامد بنزدیک در  
 چنین زخم از آن نامور بد پسند  
 بدست اندرش (لن: به گردن برش) گرز و سر پر ز باد (ق، ب: داد)  
 خروشنده مانند دریای نیل  
 زمین زیر او پاک (لن، ب: دیگ) جوشنده دید  
 برانسان (ب: بدانسان) که بیند رخ گرگ میش (ق ندارد)  
 ترسید و آمد بر او دلیر  
 بکردار کوهی بر او (ق: براوی) دوید  
 بدان تا به پهلو (لن، ب: رستم) رساند زیان  
 که خم گشت بالای که پیکرش  
 به زخمی یفتاد خوار و زبون (ق: نگون)  
 تهمتن بیامد سبک باز جای (لن ندارد)  
 برآمد سان رخ دلبران (ق ندارد)  
 زبیل دمنده برآورد گرد ←

مگر نزد<sup>۱</sup> یزدان به آیدت<sup>۲</sup> جای  
نباید که مرگ آورد<sup>۳</sup> تاختن

به رسم دگرگون بیاراست گاه  
همه راز دل پیش ایشان براند

گه رفتن آمد به دیگر سرای  
نگر تا چه باید کنون ساختن

۱۵۸۵ سُخُن چون ز داننده بشنید شاه  
همه موبدان و ردان را بخواند

۱- لن، پ، ل، ۲: پیش ۲- ف: آمدش؛ ل: آبدش؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س، ۲) ۳- و: آردت؛ ل (و نیز ل، ۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدست زیر گل (ل، ۲: نت زیر گل در) نهفتن کنی تو ناساخته کار رفتن کنی

به خاك اندرافگند مر تش را يك گرز بشكست گردنش را  
که چون بود ز آغاز (لن، ق: از آغاز) کردار و (ل، لن: <و>) بن سهد چو بشنید زیشان (ق، ب: ازیشان) سخن

که بودی خروشان چو دریای نیل به گفتا دریغا چنان (ب: از آن) زنده پیل

به حمله همه پاك بر هم شكست با رزمگاهها که آن پیل مت

بدی، به ازو (ل: زوی) رستم نامور (لن: زال زر) اگر چند در رزم پیروزگر

بیوسید با دست یال و برش (در لن پس از بیت 43) بدو گفت کای بجه نره شیر (لن: شیرس) بدین کودکی نیست همنای تو

برآید وزان (ب: وزو) بگسلد ساز (لن: رای) تو کنون پیشتر زانک آواز (لن: بالای) تو

برو تازیان تا به کوه سپند به خون نریمان میان را بیند

رفتن رستم به کوه سپند به خون خواستن نریمان

که بر وی نهند پزان عقاب یکی کوه بینی سر اندر سحاب  
پر از سبزه و آب و دور از گروه چهارست فرسنگ بالای کوه (لن: او)

لن: همیدون چهارست پهنای او همیدون چهارست پهناش بر (ب: فرسنگ سر؛ لن: پر از سبزه و آب و دیبا و زر)

بسی اندرو مردم و جانور کسی خود ندبست از آن گونه (ب: از کوه) مرز

درو آفریدست پروردگار درختان بسیار با کشت و رز (در لن لت ها پس و پیش شده‌اند)

بسان سپهری سرفراخته یکی راه (ق: را) بر (ب: در) وی دزی (لن، ق، ب: دری) ساخته

به فرمان شاه (لن: شه) آفریدون گرد (ق: به فرمان کی شاه لشکر ببرد) نریمان که گوی از دلیران ببرد (ق: دلیر سواران نریمان گرد)

وزان رای (لن: در آن راه) ازو (ل: او؛ ب: از آن) گشت پردخته جای (ل: اوی) به سوی حصار دز آورد رای (ل: روی؛ لن: اندر آورد پای)

همیدون گهی چاره گاهی (لن: چاره و گه) فسون شب و روز بودی به رزم اندرون

سپاه اندرون و سهد برون (ل ندارد) بماند اندران رزم مالتی فزون

جهان را ز پهلوی برداختند سرانجام سنگی بینداختند

هزیمت بر شاه گردن فراز چه بی سهدار گشتند باز  
که شیر دلآور شد از بیشه سیر جو آگاهی آمد به سام (لن: شاه) دلیر

همی هر زمان ناله‌ی برفزود خروشید بسیار و زاری نمود  
سر هفته پهلوی به گرد کرد یکی هفته بودند (لن: یک هفته می بود؛ ب: یکی هفته می بود) با سوگ و درد

بیابان و باره (ق: سراسر) به گسترید (ب ندارد) به سوی حصار (لن: حصارو) دز اندر کشید

سوی باره دز ندانست (ق: ندیدست) راه نشست اندران جا بسی سال و ماه

نیامد برون و نشد (لن: نیامد همیدون نرفت) اندرون ز دروازه دز یکی تن برون

اگر چند در (لن، ب: ره) بسته بد (لن: شد) سال و ماه که حاجت نداشتان به يك پر کاه

ز خون پدر نرسیده به کام سرانجام نوید برگشت سام ←

بفرمود تا نوذر آمدش پیش<sup>۱</sup>  
 که این تخت<sup>۲</sup> شاهی فسوست و باد  
 مرا بر صد و بیست<sup>۳</sup> شد سالیان  
 ۱۵۹۰ بسی شادی و کام<sup>۴</sup> دل راندم<sup>۵</sup>  
 ورا پندها داد از<sup>۶</sup> اندازه بیش  
 برو<sup>۷</sup> جاودان دل نباید نهاد  
 به رنج و به سختی بیستم<sup>۸</sup> میان  
 به رزم اندرون دشمنان ماندم<sup>۹</sup>

۱- لن، ق، لی، پ: نوذر آمد به پیش؛ و: نوذرش رفت پیش؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲- ل، لی: ز؛ متن = ده دستویس دیگر ۳- لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب: تاج؛ متن = فل، س، ق، و ۴- لن، لی، پ، ل، ب: بدو؛ متن = هفت دستویس دیگر ۵- لن: صد و شصت؛ آ: صد و هشت ۶- ق، آ: بندم؛ لی، ل، آ: بیته ۷- ق: خرمی کام ۸- ق، لی، ل، آ (و نیز ل، آ، س): خواندم؛ متن = ل، لن، ق، آ، پ، و، آ، ب ۹- لن، لی، پ: خواندم؛ ق، آ، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س): راندم؛ متن = ل؛ ف، س (و نیز لن، آ) این بیت و سه بیت سپین را ندارند (← ۱۵۹۳ پ)

- ← کنون ای پسرگاه آنت چون (ب: نون؛ لن: ترا ای پسرگاه آمد کنون)  
 روی (ب: شوی) شاددل با یکی کاروان  
 تن خود به کوه سپند افگنی  
 70 که اکنون نداند کسی نام تو  
 بدو گفت رستم که فرمان کنم  
 بدو گفت زال ای پسر گوش گیر (لن: هوش دار)
- برآری تن (ق: برآری تنت) چون تن ساروان  
 به بار شتر در (لن: به پشت شتر بر) نمک دار و بس  
 75 که بار نمک هست انجا عزیز  
 چو باشد حصاری گران بر درش  
 چو بیند بار نمک ناگهان  
 چو بشنید رستم برآراست کار  
 به بار نمک در (ب: بر) نهان کرد (ل: دار) گرز  
 80 ز خویشان تنی چند با خود ببرد  
 به بار شتر در سلج گوان  
 لب از چاره خویش در خندخند  
 رسید و ز که دیده باش بدید  
 بدو گفت کامد یکی کاروان  
 85 گمانم که باشد نمک بارشان  
 فرستاد مهتر یکی را دوان  
 بدو گفت بنگر تا چیت بار  
 فرود آمد از دز فرستاده مرد  
 بدو گفت کای مهتر کاروان  
 90 بدان تا بنزدیک مهتر شوم (لن: شوم؛ ب: روم)
- به پاسخ چنین گفت رستم بدوی  
 چنین (لن، ب: همین) گویش از گفت ما (لن، ق، ب: گفت ها) يك بيك  
 فرستاده برگشت و آمد فراز  
 یکی کاروانست گفتا تمام  
 95 چو بشنید مهتر برآمد ز جای  
 بفرمود تا در (لن: بر) گشادند باز  
 چو آگاه شد رستم جنگجوی  
 چو آمد بنزدیک دروازه تنگ  
 چو رستم بنزدیک مهتر رسید  
 100 ز بار نمک برد پیش بسی  
 بدو گفت مهتر که جاوید باش  
 که سازم یکی چاره‌ی پر فزون  
 بدانسان (ل: برانسان) که نشادت ساروان (ق: کاروان)  
 بن (لن: بر) و بیخ آن بدرگان (ق: ایشان ز بن) برکنی  
 ز رفتن برآید مگر کام تو  
 مرین درد را زود درمان کنم  
 سخن هرچ گویم همه (ق: زمن) درپذیر  
 لن، ب: هرانچت بگویم زمن گوش دار (ب: درپذیر)  
 شتر خواه از دشت يك (لن: صد) کاروان  
 چنان رو که نشناسدت هیچ کس  
 به قیمت از آن به ندارند چیز  
 بود بی نمک شان خور و پرورش  
 پذیره شوندت سراسر مهان (ق: ندارد)  
 لن، ب: پذیره دوندت کهان و مهان  
 چنان چون بود درخور کارزار (ق: ندارد)  
 لن، ب: برانسان (ب: بدانسان) که بددرخور کارزار  
 برافراخته پهلوی یال و برز  
 کسانی که بودند هشیار و گرد  
 نهان کرد آن (ل: پس) نامور پهلوان  
 چنین تا بنزدیک (لن: تازنان تا به) کوه سپند  
 بنزدیک سالار مهتر دويد  
 بنزدیک دز با بسی (ب: یکی) ساروان (لن: ندارد)  
 اگر پرسدی (ق: بررسد) مهتر از کارشان (لن، ب: ندارند)  
 بنزدیکی مهتر کاروان (لن، ب: ندارند)  
 بیاور (ق، ب: بیاور) مرا آگهی ده ز کار (لن: ندارد)  
 بر رستم آمد بکردار گرد (لن: ندارد)  
 مرا آگهی ده ز بار نهان (ب: گران)  
 بگویم چنان چون ز تو بشنوم  
 لن، ق، ب: بگویم (ق: بگویمش) و گفتار او بشنوم (ق: بشنوم؛ ب: گفتار و  
 بی غم شوم)  
 که رو نزد آن مهتر نامجوی  
 که در بارشان ست (ق: هست) یکسر نمک  
 بنزدیک آن مهتر سرفراز (ق: رزمساز)  
 نمک بارشان ست (لن، ب: دارند) ای نیکام  
 لبش گشت خندان و شادی (ل: نیکی) فزای  
 بدان تا شود کاروان بفرراز (ب: سرفراز)  
 زبستی بیالا نهادند روی (لن، ب: ندارند)  
 پذیره شدندش همه (ق: همی) بی درنگ (لن، ب: ندارند)  
 زمین بوس کرد آفرین گسترید  
 همی (ق: بسی) آفرین خواندند (لن، ق: خواند بر؛ ب: خواندش) هرکی  
 چو تابنده ماه و چو خورشید باش ←



به فر فریدون بیستم میان  
 بجستم ز سلم و ز تور<sup>۲</sup> سترگ  
 جهان ویژه<sup>۴</sup> کردم ز پتیاره<sup>۵</sup> ها  
 چنانم که گویی ندیدم<sup>۷</sup> جهان  
 به<sup>۱</sup> پندش مرا سود شد هر زیان<sup>۱</sup>  
 همان کین ایرج نیای بزرگ  
 بسی شهر کردم بسی باره<sup>۸</sup> ها  
 شمار گذشته شد اندر<sup>۹</sup> نهان

۱- لی: ز ۲- ق، لی، ل: ۲: هر زمان؛ درل، ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳- لی، پ، آ: ز تور و ز سلم؛ درل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۴- ل: ۲: تیره ۵- ل، ل، ل: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): نیماها؛ متن = (س: ۲: پتیارها) ۶- ل، ل، ل: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س: ۲): بارها؛ ف، س (و نیز ل<sup>۲</sup>) این بیت و سه بیت پیشین را ندارند، ولی در ترجمه بنداری آمده اند: فانی قد نیفت علی المائة والعشیرین أعالج الخطوب، و أمارس الحروب. و نالتنی سعادة الملك أفريدون، و توصلت إلی أن أدركت نار ایرج و انتقمت له من سلم و تور، و طهرت العالم من العیث و الفساد، و شدت الدور و القصور، و عمرت المدن و البلاد ۷- ق: ۲: ندیده ۸- ف: چه دارم؛ ق: که شد در؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل: ۲، س: ۲)

← پذیرفتم و نیز دارم سپاس  
 در آمد به بازار مرد جوان  
 ز هر سر برو (ب: بدو) گرد شد انجمن  
 105 یکی داد جامه، یکی زر و سیم  
 چو شب تیره شد رستم نیز چنگ  
 سوی مهتر باره آورد روی (ل، ق: چو مهتر به باره (ق: باده) در آورد روی)

پس او (ق، ب: وی) دلیران پر خاشجوی  
 بر او بخت با رستم نامدار  
 که زیر زمین شد سرو مغفرش (ل: تو گفنی سرش)  
 سوی رزم بدخواه بشتافتند  
 زمین همچو لعل بدخشان شده  
 تو گفنی شفق ز آسمان شد نگون  
 سران دلیران سراسر بکنند  
 جهان از ثری تا ثریا گرفت  
 چه کشته، چه از رزم گشته سوه  
 بکشتند مر هر که را یافتند  
 بر آورده دید اندران جای تنگ  
 مهندس بر آن گونه پرداخته  
 110 چو آگاه شد کوتوال حصار  
 تهنن یکی گرز زد بر سرش  
 همه مردم دز خیر یافتند  
 شب تیره و تیغ رخشان شده  
 ز بس داروگیر و ز بس موج خون  
 تهنن به گرز و به تیغ کمنند  
 چو خورشید از پرده بالا (ق: پرده بیالا) گرفت  
 به دز بر (ق: در) یکی تن نبد زان گروه  
 115 دلیران بهر گوشه بشتافتند  
 تهنن یکی خانه از خاره سنگ  
 یکی در ز آهن پرو ساخته  
 بزدگر زرافکنند (ل: ب: بفکنند) در راز جای (ق: پس آن گرز برداشت حالی ز جای)

پس آنکه (ق: بیامد) سوی خانه بگذارد (ل: ق، ب: بگزارد) پای  
 به دینار سرتاسر انباشته (ب: آراسته)  
 ز راه شگفتی لب اندر گزید  
 که زین گونه هرگز که دارد نشان  
 به دریا درون نیز گوهر نماند  
 درین (ل: بدان) جایگه در بگسترده اند  
 120 یکی گنبد از ماه (ق: یکی کنده از قعر) بفرشته  
 فرو ماند رستم چو زان گونه دید  
 چنین گفت با نامور سرکشان  
 همانا به کام اندرون زر نماند  
 کزینسان همی زر (ل: ب: زو) بر آورده اند

نامه نوشتن رستم به دستان سام

ز کار و ز کردار خود در به در (ل: ق، ب: سربس)  
 خداوند مار (ل: ماه) و خداوند مور (ل: هور)  
 خداوند این برکشیده سپهر  
 بل زابلی مهتر (ل: ب: پهلوی) بی همال  
 فروزنده اختر کاویان (ل: ندارد)  
 روان گشته فرمانش چون هور و ماه  
 چه (ل: چو) کوهی بسان سپهر (ل: ق: سپهری) بلند  
 همانگه ز مهتر درود آمدم  
 بر آمد برانسان که من خواستم (ل: ندارد)  
 به دز در یکی را ندادم درنگ  
 ز تن ساز کینه فروریخته ←  
 125 یکی نامه بنوشت نزد پدر  
 نخست آفرین بر (ب: < بر >) خداوند هور  
 خداوند خورشید (ل: ناهید؛ ب: بهرام) و ناهید (ل: بهرام) و مهر  
 ازو (ل: ب: وزو) آفرین بر سپهدار زال  
 پناه گوان، پشت ایرانیان  
 130 نشاننده شاه و ستاننده گاه (ق: نشاننده شاه بر تخت و گاه)  
 به فرمان رسیدم به کوه سپند  
 به پایان آن که فرود آمدم  
 به فرمان مهتر بر آستم  
 شب تیره با نامداران جنگ  
 چه کشته، چه خسته، چه بگریخته  
 135

۱۵۹۵ نیرزدا همی<sup>۲</sup> زندگانی به مرگ<sup>۲</sup>  
 از آن<sup>۵</sup> پس که بردم بسی درد و رنج  
 چنان چون<sup>۷</sup> فریدون مرا داده بود  
 چنان<sup>۸</sup> دان که خوردی و بر تو گذشت  
 درختی که زهر آورد<sup>۴</sup> بار و برگ  
 سپردم ترا تخت<sup>۶</sup> شاهی و گنج  
 ترا دادم این تاج شاه آزمود  
 به خوشتر زمان باز بایدت گشت<sup>۹</sup>

۱- لن، پ، ل، آ: نه ارزد ۲- لن، ق، آ، پ، و، آ، ل، آ، ب: همه؛ متن = ف، ل، ق، لی ۳- ل، لن- پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س): زندگانش مرگ؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ)؛ س: مثل زندگانی اباروز مرگ ۴- لن، پ: تلخ آورد؛ و: زهرش بود؛ متن = نه دستریس دیگر؛ در لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز س، آ) لت های این بیت پی و پیش شده اند ۵- لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: وزان؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، و ۶- ل، آ: تاج ۷- لن، هم؛ در ل، ق این بیت پس از بیت سپین آمده است؛ ف، س (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: و اینی مسلم إلیک التاج و التخت کما سلمهما إلی فریدون ۸- لن: جهان ۹- آ: رست (!)؛ لن: بخورد زمان باز بایدت گشت؛ در ل، ق پس از این بیت پیش آمده است

← همانا ز (لن: که) خروار پانصد (ق، ب: سیصد) هزار  
 ز پوشیدنی و ز گستردنی  
 همانا نداند شمارش (لن: شمارش نداند) کسی  
 کنون تا چه فرمان دهد پهلوان  
 فرستاده آمد چو باد دمان  
 140  
 چو برخواند نامه سپهدار گفت (لن، ب: سپهد چو نامه فرو خواند گفت)

که با نامور آفرین باد جفت  
 تو گفستی که خواهد شد از سر جوان  
 ز شادی چنان شد دل (ل: شاد شد) پهلوان  
 پاسخ نامه رستم از زال زر

یکی پاسخ نامه افکند بن  
 سر نامه بود آفرین خدای  
 145 به پیروزی و خرمی خواندم (لن، ب: به پیروز بختی فرو خواندم)  
 ز تو پور شایسته زینان (لن، ب: چونین) سزد  
 روان نریمان برافروختی  
 بدگفته درو در فراوان سخن  
 دگر گفت کان نامه دلگشای  
 ز شادی برو جان برافشاندم  
 سزد زانک هستی هشوار (لن: سزاوار؛ ق: توهشیار) مرد  
 چو دشمنش را جان و تن سوختی  
 لن، ب: همه دشمنان ورا سوختی

چو نامه بخوانی سبک برنشین  
 ز اشتر همانا هزاران هزار  
 150 شتر بارکن زانک (ق: زانچ) باشد گزین  
 چو نامه بنزد تهمتن رسید  
 ز هر چیز کان بود شایسته تر  
 هم از لؤلؤ و گوهر شاهوار  
 گزید و فرستاد زی پهلوان  
 به کوه سپند آتش اندرفکند  
 155 وزان جای برگشت دل شادمان

چو آگاه شد پهلو نیم روز  
 پذیره شدن را چو برخاستند (لن: بیاراستند)  
 برآمد خروشیدن کره‌نای (ل: کر‌نای)  
 همی شد به راه اندرون زال زر  
 160 تهمتن چو روی سپهد بدید  
 سپهدار فرزند خود را کنار  
 وزانجا به ایوان داستان نام  
 بنزدیک رودابه آمد پر  
 165 بیوسید مادر دو بال و برش  
 به مژده بنزدیک سام سوار  
 که بی روی تو هستم آندوه‌گین (در لن پس از بیت 149)  
 بنزدت فرستادم از بهر بار  
 پس آنگه به دزد درزن (لن: برزن) آتش به (ق، ب: ز) کین  
 فرو خواند (ق: < >) زو شادمانی گزید  
 ز مهر و ز تیغ و کلاه و کمر  
 هم از دبیله چین سراسر نگار  
 همی شد به راه اندرون کاروان  
 که دودش برآمد به چرخ بلند  
 نهاده سر خویش زی آسمان (ب: پهلوان)  
 لن: همی شد به ره بر چو باد دمان

که آمد سپهدار گیتی فروز  
 همه کوی (ب: شهر) و برزن بیاراستند (لن: بیاراستند)  
 همان سنج (لن، ق، ب: صنج) با بوق و هندی درای  
 شتابان به دیدار فرخ پسر (لن ندارد)  
 فرود آمد و آفرین گسترید (لن ندارد)  
 گرفت و بفرمود کردن نثار (در لن پس از بیت 166)  
 بیامد سپهدار جوینده کام  
 به خدمت نهاد از بر خاک سر  
 همی آفرین خواند بر پیکرش  
 فرستاد نامه یل نامدار ←

نشانی که ماند<sup>۱</sup> همی از تو باز  
 ۱۶۰۰ نباید<sup>۴</sup> که باشد جزاز<sup>۵</sup> آفرین  
 نگر تا نتابی<sup>۶</sup> ز دین خدای  
 تو هرگز مگرد از<sup>۹</sup> ره ایزدی  
 برآید برو<sup>۲</sup> روزگاری<sup>۳</sup> دراز  
 که پاکی نژاد آورد پاک دین<sup>۷</sup>  
 که دین خدای آورد پاک رای<sup>۸</sup>  
 که نیکی ازویست و<sup>۱۰</sup> هم زو بدی

۱- لن، ق، ل، آ، ب: نشانی نماند؛ آ: نشانی بماند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲- پ: برآن ۳- ل، س، ق، لی، و: روزگار؛ متن = هفت دستویس دیگر ۴- ق، آ: نباید ۵- و، ل، آ: بجز ۶- پ: به کزین (!)؛ لن: که ناگه نژاد آورد یا کزین (!) ۷- لن، ق، آ، لی، پ، ب: نیچی؛ آ: نگردی؛ متن = ل، ق، و، ل، آ (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ف، س (و نیز ل، آ) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری نیز نیست ۸- ف، س (و نیز ل، آ) پس از بیت پیشین و ل، لن- ب (و نیز ل، آ، س، آ) پس از این بیت افزوده اند (ف، س، لن، آ) بیت دوم را ندارند؛ در ل، ق، بیت دوم و سوم پس و پیش شده اند):  
 کنون نو شود در جهان داوری  
 چو (لی: که) موسی بیاید به پیغمبری (و: پیغامبری)  
 پدید آید آنک (لن، ق، آ، لی، آ، ب: آنگه؛ پ: اکنون) به (ق، پ: ز) خاورزمین

ل، لی، و، ب: نگر تا نتازی (ل: نتابی) براو (لی: ابروی) به کین  
 لن، پ: نگر تا نیازی بدو در بکین  
 ق، آ، ل، آ: نگر تا نتابی بر و سرزکین (آ: به رای و به کین؛ ل، آ: بر و برنگین)  
 ق، آ: نگر تا براو نیازی به کین

بدو بگرو (ف: تو بگرو که؛ لن، پ: بران بگرو) آن (لی، و: ار) دین یزدان بود

ف، ل، س، ق، و: نگه کن ز سر تا چه پیمان (س، ق، و: فرمان) بود  
 لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: نگه کن که از (لی: آن) سر چه پیمان (ق، آ، ب: فرمان) بود  
 جز بیت دوم که در ف، س (و نیز ل، آ) نیست، این بیت ها در همه دستویس های ما آمده اند و در ترجمه بنداری نیز هست: وستجدد عن قليل نوبة فيبعث الله عزوجل موسى نبيا بناحية المغرب. فصذقه و آمن به ولا تحيدن عن طاعته. و تنكب سبيل مخالفته ۹- لن، ل، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ): تو مگذار هرگز؛ س: تو هرگز مگردان؛ متن = ف، و (و نیز ل، آ) ۱۰- ل: < و >

نموده بُد آن پهلوان خرد (ل: برآن پهلوان خرد)  
 بنزد پهلوان گسی  
 ز شادی رخسار همچو گل بشکفید  
 ل: رخانش ز شادی همی بشکفید

← به نامه درون سربسر نیک و بد  
 همی داد (لن: فرستاد؛ ق: داشت) با نامه هدیه بسی  
 چو نامه بر مام نیرم رسید

ز بس شادمانی گو نامدار  
 ز رسنم همی داستان کرد یاد  
 بنزدیک فرزند گردن فراز  
 نباشد شگفتی که باشد دلیر

170 بیاراست بز می چو خرم بهار  
 فرستاده را خلعت و باره (ق: باره) داد  
 نوشت آنگهی پاسخ نامه باز  
 به نامه درون گفت کز تره (ل: شوزه) شیر  
 همان بچه شیر ناخورده شیر

ستاند یکی موبدی (ب: همی موبدی) تیزوبر (لن ندارد)  
 چو دندان برآرد شود زو ستوه (در ق در کناره)  
 به خوی پدر بازگردد تمام (در ق در کناره)  
 که دارد دلیری چو داستان پدر

175 مراورا درآرد میان گروه  
 ابی آنک دیدست پستان مام  
 عجب نیست از رسنم نامور  
 که (لن: به) هنگام گردی و کنداوری  
 چو نامه به مهر اندر آورد گرد

ازو (لن: همی؛ ق، ب: زوی) شیر خواهد همی (لن: ازو) باوری  
 فرستاده را خواند و او را سپرد  
 ابا خلعت و نامه نامور  
 ز کردار آن (ق: از آن کرده) نورسیده جوان (لن ندارد)

160 فرستاده آمد بر زال زر  
 وزو شادمان شد دل پهلوان  
 جهان زو پر امید شد یکسره  
 کنون از منوچهر گویم سخن (ب: دگس)

ز روی زمین تا به برج بره  
 وزان شاه پر مهر گویم سخن (ل، ق ندارند)  
 ب: وزان شاه آزاده گویم خبر  
 به هنگام رفتن سوی (ب: شه) دادگر (ل، ق ندارند)

چه اندرز کردش (ب: کرد او) پسر را نگر

۱۶۰۵ وُزان<sup>۱</sup> پس بیاید ز ترکان<sup>۲</sup> سپاه  
 ترا کارهای درشتست<sup>۳</sup> پیش  
 بگفت و فرود آمد آتش به روی  
 [بی آنکش بدی هیچ<sup>۴</sup> بیماری<sup>۵</sup>  
 دو چشم کیانی بهم برنهاد  
 شد آن نامور پرهنر<sup>۶</sup> شهریار  
 نهند از بر تخت ایران کلاه  
 گهی گرگ باید بُدن<sup>۷</sup> گاه میش  
 همی زار بگریست نوذر بر اوی  
 نه<sup>۸</sup> از دردها هیچ<sup>۹</sup> آزاری  
 پیژمرد و برزد یکی سردباد  
 به گیتی سخن ماند<sup>۱۰</sup> ازو<sup>۱۱</sup> یادگار

۱- ل، و: ازان؛ متن = ده دستویس دیگر ۲- لن، پ: ز ترکان بیاید ۳- س: بزرگست؛ لن، ق، پ، آ، ل، ب: درازست؛ متن = ف، ل، ق، لی، و (ونیز ل، لن، س) ۴- ب: بدو؛ لن، ق، لی، پ، و، آ، ب (ونیز س) پس از این بیت افزوده اند (لی بیت سوم را ندارد):  
 گزند تو آید ز پور پشنگ ز توران شود کارها بر تو ننگ  
 بجوی ای پر چون رسد (لی، پ: شود) داوری ز سام و ز زال (ق: ز زال و ز سام) آنگهی (لی: ای پس) یاوری  
 وزین نودرختی که از پشت (ق: و، آ، ب: بیخ) زال برآمد کنون برکشد (آ: بیرآمد اکنون کشد) شاخ و یال  
 ازو شهر نوران شود بی (و: پر) هنر به کین تو آید همان کینه ور  
 ف، ل، س، ق، ل (ونیز ل، لن) این بیت ها را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: وستلقى من ابن بشك معضلة لاتیقی ولاتذر، وذاهیه یضیق بها  
 عليك المورد والمصدر. فإذا أتاخ عليك الزمان بكلکله فاستعن بسام وولده. واعلم أن هذا الغصن الذي تفرع الآن من دوحه زال سیدوخ بلاد الترك ویتوغل  
 دیارهم، ویطلب بشارك ویتقم لك ۵- لن، پ: ای آنک بودیش؛ ق، لی، و، آ، ل (ونیز ل): ای آنک بد هیچ (ل: ایچ)؛ ب: ای آنک بدش ایچ؛  
 متن = ل، ق، ل: تیماری ۷- ق، لی: هم ۸- ل: ایچ؛ ف، س (ونیز لن، س) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: فتنفس  
 منوچهر و غمض عینه، و فاضت نفسه من غیر مرض ولاوصب ۹- لن، لی، پ: شد آن پر (لن: با) هنر نامور؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۰- پ:  
 گشت ۱۱- ل، لن: زو؛ متن = ده دستویس دیگر؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:  
 ز کار منوچهر برداختم ز (ق: به) کردار نوذر سخن ساختم

نوذر



## پادشاهی نوذر هفت سال بود<sup>۱</sup>

چو سوگ پدر شاه نوذر بداشت  
 به تخت منوچهر بر بار<sup>۲</sup> داد  
 برین<sup>۵</sup> برنیامد بسی روزگار  
 زگیتی برآمد ز<sup>۷</sup> هرجای عَؤ<sup>۸</sup>  
 چُن<sup>۱۱</sup> او رسم های پدر درنوشت<sup>۱۲</sup>  
 همه<sup>۱۴</sup> مردمی نزد او خوار گشت<sup>۱۵</sup>  
 کدیور<sup>۱۸</sup> یکایک سپاهی شدند  
 چُن<sup>۲۰</sup> از روی گیتی<sup>۲۱</sup> برآمد خروش  
 بترسید بیدادگر شهریار  
 ز<sup>۲</sup> کیوان کلاه کی بفراشت  
 بخواند انجمن را و دینار داد<sup>۴</sup>  
 که بیدادگر شد سر شهریار  
 جهان را کهن شد سر<sup>۹</sup> از<sup>۱۱</sup> شاه نو<sup>۱۰</sup>  
 ابا موبدان و ردان شد درشت<sup>۱۳</sup>  
 دلش بر ره<sup>۱۶</sup> گنج و<sup>۱۷</sup> دینار گشت<sup>۱۵</sup>  
 دلیران سزاوار<sup>۱۹</sup> شاهی شدند  
 جهانی<sup>۲۲</sup> سراسر برآمد<sup>۲۳</sup> به جوش<sup>۲۴</sup>  
 فرستاد کس نزد سام سوار<sup>۲۵</sup>

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی نوذر پسر منوچهر دوازده سال و هفت ماه بود و بیرون آمدن لشکر براو؛ ل: پادشاهی نوذر دو سال و نیم بود؛ س، آ: پادشاهی نوذر پسر منوچهر هفت سال (آ: هفت سال و هفت ماه) بود؛ پ: پادشاهی نوذر هشت سال؛ و: پادشاهی نوذر هفت سال یازده روز بود؛ ل<sup>۲</sup>: پادشاهی نوذر بن منوچهر هفت سال بود؛ متن= لن، ق، ق، آ، لی، ب؛ در ب از بیت ۲۱۴ تا ۳۶۱ افتاده است ۲- ق، لی، و: به ۳- ل<sup>۲</sup>: بر باد و؛ ب: بریاد ۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز س<sup>۲</sup>): سپه را درم داد و دینار داد؛ متن= فن، ل، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۵- لی: بدین ۶- لن، لی، پ: به ۷- ل، س، لی، و، ل، آ، ب: به؛ متن= فن، لن، ق، آ، پ، آ ۸- ق، ل<sup>۲</sup>: ب: غو ۹- لن، ق، آ، لی، پ، ب: جهان کهن شد پیر ۱۰- ق، آ: <از> ۱۱- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۲- ف: برنوشت؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۳- ل: شد بدشت؛ لن: گشت زشت؛ ق: شد گشت (وزن نادرست است)؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): نیز گشت؛ ب: تند گشت؛ متن= فن، س، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۴- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): همی؛ س، لن، ق، آ- ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ره؛ متن= فن، ق ۱۵- ل، لن، آ، ب: شد؛ متن= فن، س، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۶- ل، س، لن، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): برده؛ ق، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بنده؛ متن= فن، ل<sup>۲</sup> ۱۷- ل، س، پ: <و>؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۸- ق: گزیده ۱۹- س، لن، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: ب: براواز؛ آ: برازار؛ متن= فن، ل، ق، لی، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): و پس از این بیت افزوده است:

نبرد او بداد و دهش هیچ راه همه خورد و خفتن بدی کار شاه

۲۰- ل- آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): چو؛ متن= فن، ل<sup>۲</sup> ۲۱- ل- پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب: کشور؛ و: از کشور وی؛ متن= فن (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۲- ل<sup>۲</sup>: جهان راه؛ متن ← ۲۳- س: برآمد سراسر؛ متن ← ۲۴- ف: جهان شد سراسر پر از جنگ و جوش؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۵- ل، لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

به سگسار و مازندران بود سام فرستاد نوذر براو (ل<sup>۲</sup>: به پیش) پیام

لن، ق، آ، پ، آ، ب: نخست از جهان آفرین بردنام (= ۱۱ ب)

لی: نشت و فرستاد نزدیک سام (= ۱۱ آ)

ف، س، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: فکتب الی سام، و کان بسکسار مازندران؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: نامه نوشتن نوذر نزدیک سام

۱۰ یکی نامه با لابه و دردمند  
 نبشت و<sup>۴</sup> فرستاد نزدیک سام<sup>۵</sup>  
 خداوند کیوان<sup>۶</sup> و بهرام<sup>۷</sup> و هور  
 نه<sup>۸</sup> دشخواری<sup>۹</sup> از چیز<sup>۱۰</sup> برترمنش<sup>۱۱</sup>  
 همه با توانایی او یکیست  
 ۱۵ کنون از<sup>۱۵</sup> خداوند خورشید و ماه  
 مران<sup>۱۷</sup> پهلوان جهان دیده را<sup>۱۸</sup>  
 که تا<sup>۲۰</sup> شاه مژگان<sup>۲۱</sup> بهم برنهاد  
 هم ایدر<sup>۲۳</sup> مرا پشت گرمی بدوست<sup>۲۴</sup>  
 نگهبان کشور به هنگام<sup>۲۶</sup> شاه  
 ۲۰ کنون پادشاهی پر آشوب گشت  
 اگر برنگیری تو آن<sup>۳۰</sup> گرز کین  
 یکی باد سرد از جگر برکشید  
 چو نامه بر سام نیرم رسید

۱- ل. و: نوشتند؛ س: نویسنده؛ متن = ف، ق، لی ۲- ل. س، ق، لی: از <آن>؛ متن = ف، و ۳- ل: بیتد از شهریار بلند؛ لن، ق، پ، آ، ب این بیت را انداخته‌اند؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- ل: نوشت و؛ و: نوشته؛ متن = ف، س، ق، ل ۵- لی: فرستاد نوذر سوی او پیام؛ لن، ق، پ، آ، ب لت یکم این بیت را انداخته‌اند؛ در لی لت های این بیت با هم و خود بیت با بیت پیشین پس و پیش شده‌اند ۶- لن، ق، پ، آ، ل، ب: ناهید؛ لی، و: بهرام؛ متن = ف، ل، س، ق ۷- لی، و: کیوان؛ و پس از این بیت افزوده است:  
 خداوند عقل و خداوند جان خداوند گردنده هفت آسمان  
 ۸- ل، پ: به ۹- ل، س، لن، ق، پ، آ، و، ل، آ، ب: دشواری؛ ق، لی این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف (و نیز لن) ۱۰- س، ق، ل، آ: چیز؛ لن، پ: آسان و ۱۱- و: بر پرورش ۱۲- ل: نه آسانی از اندک و سرزنش؛ س، ب (و نیز ل، آ، س): نه آسانی از (ب) <از> (اندک اندر بوش؛ لن، پ: نه آسانی اندک بود بر بوش؛ و (و نیز لن) نه آسانی از رنج اندر بوش؛ آ: نه آسانی آید گراید برش؛ ل: نه آسانی اندکی در بوش؛ متن = ف، ق، ل، آ پس از این بیت سرنویس دارد: نامه نوذر بنزد سام و آمدن وی ۱۳- س، لن، پ، و، ل، آ: <و>؛ ل: اگر هست؛ ق، لی این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ق، آ، ب ۱۴- س: <و> گر؛ ق، و، ل، آ، ب: <و> یا؛ پ: اگر؛ متن = ف، ل، لن، آ ۱۵- لن: آن ۱۶- ل، ق، لی (و نیز ل): ثابروان؛ س، لن، ق، پ- ب (و نیز لن): درودی بجان؛ (س): درود روان (بر)؛ متن = ف، ل، ق، ب (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:

ابر سام یل باد چندان درود که آید (ب: بارد) همی زابر باران فرود  
 ۱۷- لن، ق، پ، ب: بدان؛ و: جهان؛ آ: بران؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل، س، لی، ل ۱۸- آ: باد ۱۹- ف: سزاوار و گردو؛ ل (و نیز لن): سرافراز و گردد؛ ب: سرافراز گردو؛ (س): سرافراز و گردو؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل)؛ در و این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ل، ق (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند (در ق بیت یکم در کناره آمده است):  
 همیشه دل و هوش آباد باد روانش ز هر درد آزاد باد  
 شناسد مگر پهلوان جهان سخن‌ها هم از آشکار و نهان  
 ۲۰- ف: که آن؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۱- و: دیده ۲۲- ل: بسی کرد؛ لی: نکردیم؛ متن = ده دستویس دیگر؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۳- ل (و نیز ل): همیدون؛ ق: همیشه؛ (س): هم اندر → هم ایدر؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز لن) ۲۴- و: ازوست ۲۵- س، ل، آ: شاه جوست ۲۶- و: بفرمان ۲۷- ل: ازوست؛ ق: ازوگشت؛ پ، و: وزوگشته؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۸- ل، ق (و نیز ل): فرخ کلاه؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز لن، آ، س) ۲۹- ل، س، لی، و، آ: ز؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۰- ل، س، ق، ق، لی، و، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): برنگیرد وی آن (و، لن): همی؛ متن = ف، لن، پ، ل ۳۱- و: تخمه ۳۲- ق، ل، آ: پردخته گردد؛ پ: پردخت باید



به شبگیر هنگام بانگ خروس  
 یکی لشکری راند<sup>۱</sup> از گرگسار  
 ۲۵ چو نزدیک ایران کشیده<sup>۵</sup> آن سپاه  
 چو ایرانیان آگهی یافتند  
 پیاده همی<sup>۸</sup> پیش سام دلیر  
 ز بیدادی نوذر تاجور  
 جهان گشت ویران<sup>۱۱</sup> ز کردار اوی<sup>۱۱</sup>  
 ۳۰ نگردد همی بر ره<sup>۱۲</sup> بخردی  
 چه باشد اگر سام یل پهلوان  
 جهان گردد آباد با<sup>۱۵</sup> داد<sup>۱۶</sup> اوی<sup>۱۷</sup>  
 همه<sup>۲۰</sup> بنده باشیم و فرمان<sup>۲۱</sup> کنیم  
 بدیشان<sup>۲۴</sup> چنین گفت سام سوار  
 ۳۵ که چون نوذری از نژاد کیان  
 به شاهی مرا تاج<sup>۲۶</sup> باید بسود<sup>۲۷</sup>  
 خود این گفت یارد کس اندر جهان؟  
 اگر دختری از منوچهر شاه  
 برآمد خروشیدن بوق و کوس<sup>۱</sup>  
 که دریای سبز<sup>۲</sup> اندرو<sup>۳</sup> گشت خوار  
 پذیره شدندش بزرگان به راه<sup>۴</sup>  
 سوی پهلوان تیز<sup>۷</sup> بشتافتند  
 برفتند و گفتند هرگونه دیر<sup>۹</sup>  
 که بر خیره گم کرد راه پدر  
 غنوده شد آن بخت بیدار اوی<sup>۱۱</sup>  
 ازو دور شد فره ایزدی  
 نشیند برین<sup>۱۳</sup> تخت روشن روان<sup>۱۴</sup>  
 مروراست<sup>۱۸</sup> ایران و بنیاد<sup>۱۹</sup> اوی<sup>۱۷</sup>  
 روان ها<sup>۲۲</sup> به مهرش<sup>۲۳</sup> گروگان کنیم  
 که این کی پسندد ز من<sup>۲۵</sup> کردگار  
 به تخت کمی بر کمر بر میان  
 محالست و این کس نیارد شُود<sup>۲۸</sup>  
 چنین زهره دارد کس اندر نهان<sup>۲۹</sup>؟  
 برین<sup>۳۲</sup> تخت زر برشدی<sup>۳۱</sup> با کلاه

۱- (و نیز لن<sup>۱</sup>): نای و کوس؛ س، لن، ق، ل، پ، آ، ل، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): ز درگاه برخاست آوای (س، لی: آواز) کوس؛ متن=ف، ل، ق (و نیز ل<sup>۳</sup>)؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر نامه نشستن ایرانیان بنزدیک سام و آمدن سام بنزدیک نوذر و پند دادن او را ۲- ق: ساخت ۳- لن: قار ۴- س: اندران ۵- ل، ق، لی، پ: رسید؛ متن=ف، س، و، ل ۶- و، ل: بزرگان شاه؛ س، لی: بزرگان پذیره شدندش براه؛ متن=ف، ل، ق، پ؛ لن، ق، آ، ب این بیت را ندارند؛ درل<sup>۲</sup> این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۷- لن، ق، آ، پ، آ، ب: سام؛ متن=ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ، س) این بیت را ندارند ۸- ل، س، لن، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب: همه؛ متن=ف، لی، آ ۹- ق: بگفتند با وی ز هر گونه دیر؛ درل<sup>۲</sup> این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب: پس از این بیت افزوده‌اند:

ز کردار (ب: گفتار) نوذر بگفتند چند ابا نامور پهلوان بلند

پ پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن سام بدرگاه نوذر ۱۰- س، لی: خیره ۱۱- ل- ب: او؛ متن=ف ۱۲- ل، ق: بگردد (ق: نگردد) همی از ره؛ س: نگردد همی برخوی؛ لی (و نیز ل<sup>۳</sup>): نگردد همی گرد او؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ و (و نیز لن<sup>۳</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز رسم پدر سر بیک سونهاد به پیشش یکی گشت بیداد و داد

۱۳- ق: بدین؛ ق، آ، ل: بران ۱۴- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): انوشه روان؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۵- س- ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ، س<sup>۲</sup>): از؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= ل ۱۶- لن، ق، آ، پ، آ، ب: بخت؛ متن= ل، س، ق، لی، و، ل (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ، س<sup>۲</sup>) ۱۷- ل، س، ق، آ، لی، آ، ل، ب: او؛ لن، پ: نو؛ متن= و (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ) ۱۸- ل: بروست؛ ق (و نیز ل<sup>۳</sup>): بدویست؛ ل: که اویست از؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۹- لن، ق، آ، پ، آ، ب: و آن تخت؛ متن= ل، س، ق، لی، و، ل (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ، س<sup>۲</sup>) ۲۰- ل، ق: که ما؛ پ: همان؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۱- لی: پیمان ۲۲- س، لی: زبان ها؛ پ، ب: روان را؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۳- س، لن، لی: مهتر؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۴- ق: بریشان ۲۵- لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: ما؛ متن= ف، ل، س، ق، ل ۲۶- ف: دست؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): تخت؛ ب: شاه (!)؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۷- و: سپرد (با سه نقطه) ۲۸- س، لی: محالیت کین کار شاید ستود (لی: کس نیارد شوند)؛ ق: محالست و کس این نیارد شوند؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ، س<sup>۲</sup>) ۲۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ): کسی از مهان؛ آ: کسی از جهان (پاوند ندارد)؛ متن= ف، ل، ق (و نیز س<sup>۲</sup>) ۳۰- ل، س، لی، و: بران؛ ق: بدان؛ ق، آ، پ: بدین؛ متن= ف، لن، آ، ل، ب ۳۱- ل، س، و (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ): زین شدی؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: زین بدی؛ ق، ل (و نیز س<sup>۲</sup>): زین بود؛ متن= ف؛ و پس از این بیت افزوده است:

نبودی بجز بندگی پیشه‌ام ز شاهی نبودی خود اندیشه‌ام

نبودی جز از خاک بالین من  
 ۴۰ دلش گر ز راه پدر گشت باز  
 هنوز آهنی<sup>۱</sup> نیست زنگار خورد  
 من آن<sup>۹</sup> ایزدی فر<sup>۱۱</sup> باز آورم  
 شما زین<sup>۱۱</sup> گذشته پشیمان شوید  
 گر آمرزش کردگار سپهر  
 ۴۵ بدین<sup>۱۶</sup> گیتی اندر بود خشم شاه  
 بزرگان ز گفته<sup>۱۸</sup> پشیمان شدند  
 به فرخ بی نامور پهلوان<sup>۲۱</sup>  
 [چو آمد به درگاه سام سوار  
 به پوزش<sup>۲۴</sup> همه<sup>۲۵</sup> پیش<sup>۲۶</sup> نوذر شدند<sup>۲۷</sup>  
 ۵۰ برافروخت نوذر ز تخت مهی  
 [جهان پهلوان<sup>۲۸</sup> پیش نوذر پیای

بدو<sup>۲</sup> شاد گشته<sup>۳</sup> جهان بین من  
 برین<sup>۴</sup> برنیامد زمانی دراز<sup>۵</sup>  
 که رخشنده دشخوار<sup>۶</sup> شایدش کرد<sup>۷</sup>  
 جهان را به مهرش نیاز آورم  
 به نوی ز سر<sup>۱۲</sup> باز پیمان شوید  
 نیابید<sup>۱۳</sup> و ز<sup>۱۴</sup> نوذر شاه مهر<sup>۱۵</sup>  
 به برگشتن آتش<sup>۱۷</sup> بود جایگاه  
 به نوی<sup>۱۹</sup> ز سر<sup>۲۰</sup> باز پیمان شدند  
 جهان سربسر شد به نوی جوان<sup>۲۲</sup>  
 پذیره شدش نوذر شهریار<sup>۲۳</sup> [  
 به جان<sup>۲۸</sup> و به دل ویژه کهتر شدند<sup>۲۹</sup>  
 نشست اندر آرام با فرهی<sup>۳۰</sup>  
 پرستنده او بود و هم رهنمای<sup>۳۲</sup> [

۱- ل، ق، آ، پ، و، آ، ب: بجز؛ و: به پیش بدی؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، ل، ۲- و: وزو؛ ل، ۳- ل: شاد بودی؛ س، لی، آ: گشته روشن؛  
 ق، پ، و: شاد گشتی؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل، ب، ۴- ق: بدین ۵- لی: نیامد بر روزگاری دراز؛ پ این بیت را ندارد ۶- ل: آهش ۷- ل- آ  
 (و نیز ل): دشوار؛ متن= ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س) ۸- ف: که دشخوار باشد زدودنش گرد ۹- ل، و، ل، آ: این؛ ل، پ این بیت را ندارند؛ متن= هفت  
 دستویس دیگر ۱۰- ل، آ، ل: فره؛ و: فر برگشته؛ پ بجای این بیت افزوده است:

بگویم بسیار و پندش دهیم به پند اختر سودمندش دهیم

۱۱- ل، ق، ل، آ: بر؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۲- ب: بر؛ و پس از این بیت افزوده است:

که نپسندد این از شما کردگار بیابید از مالش روزگار

۱۳- ل، س، پ، ب: بتاید؛ ل، آ: بیاید؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف، ق، آ، لی، و، ل، آ (و نیز ل، ل، آ، س) ۱۴- ل،  
 س، ق، آ، پ، آ: < و > ل، ل، و، ل، آ، ب: و از؛ متن= ف، لی ۱۵- لی: نوذر پاك مهر؛ ل: شاه نوذر نه مهر ۱۶- پ: بدان ۱۷- ل، ب: آگه؛  
 لی: بدان گیتی آتش؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۸- ل: کرده؛ ل، ق، آ، پ، آ: گفتن؛ ب: ز گفتن  
 بزرگان؛ متن= ف، س، ق، لی، و، ل، آ ۱۹- ل، ق، ل، آ: یکایک؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۰- آ، ب: دگر ۲۱- س، لی: پهلوان جهان ۲۲- س،  
 لی: جهان شد بنوی سراسر جوان؛ ل، ق، آ، آ، ب: جهان شد سراسر بنوی جوان؛ پ: جهان شد بنوذر سراسر جوان؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، آ: در ل، ق  
 این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۳- ق: ناجدار؛ متن= ف، ل، و (و نیز ل، آ)؛ س، ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س) این بیت  
 را ندارند؛ در ل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ف، و (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بیاورد و برتخت خویشش نشاند بسی آفرین کیانی بخواند

سخن کرد نوذر برو (و: بدو) آشکار که لشکر چه کردند و چون بود کار

(و نیز ل، آ) پس از بیت های بالا افزوده اند:

جهان پهلوان گفت ای شهریار همیشه جهان را به شادی گذار

اگر شاه آزرده گشت از سپاه ببخشای هر چندشان بُد گناه

۲۴- آ: بنوی ۲۵- ل، ق (و نیز ل، آ): مهان؛ ل: نهان؛ ف این بیت را ندارد متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۲۶- لی: نزد ۲۷-  
 ل: پیش او آمدند ۲۸- س، لی: به رای ۲۹- س، ل، ق، آ، لی، ب: بار دیگر شدند؛ پ: بار دیگر شدند؛ آ: باز چاکر شدند؛ (س): باز دیگر  
 شدند؛ متن= ل، ق، و (و نیز ل، آ)؛ ل: بخوبی و باگفت و گوی آمدند ۳۰- ف این بیت را ندارد؛ و (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

برآمد برین روز و خوردند می ز شادی و رامش نهادند پی

بودند با بزم و رامش سه روز چهارم چو بفروخت گیتی فروز

۳۱- ف: جهان آفرین؛ متن= ل، ق ۳۲- ف، ق: بیازید (ق: بسازید) و دادش بر (ق: ابر) تخت جای؛ متن= ل، س، ل، ق، آ، ب (و نیز ل، آ، ل،  
 س) این بیت را ندارند

[به نوذر در پندها برگشاد  
 [ز گرد آفریدون<sup>۲</sup> و هوشنگ شاه  
 [که گیهان<sup>۳</sup> به داد و دهش داشتند  
 ۵۵ [دل او ز کزئی به راه<sup>۵</sup> آورد  
 [دل مهتران را برو<sup>۶</sup> نرم<sup>۷</sup> کرد  
 [چو شد گفته آن بودنی ها همه<sup>۸</sup>  
 جهان پهلوان پیش نوذر<sup>۹</sup> پپای  
 برون رفت با خلعت نوذری  
 ۶۰ غلامان و اسپان زرین<sup>۱۲</sup> ستام  
 سخن های نیکو همی کرد یاد<sup>۱</sup>  
 همان از منوچهر زیبای گاه  
 به بیداد بر، چشم نگماشتند  
 چنان کرد نوذر که او رای دید  
 همه داد و بنیاد آزم<sup>۴</sup> کرد  
 به گردن کشان و به شاه رمه  
 به دستوری بازگشتن بجای  
 چه تخت و چه تاج و چه انگشتری<sup>۱۱</sup>  
 پر از گوهر سرخ، زرین دو<sup>۱۳</sup> جام

### گفتار اندر آگاهی یافتن پشنگ از مرگ منوچهر<sup>۱۴</sup>

برین<sup>۱۵</sup> نیز بگذشت چندی سپهر  
 و زان پس<sup>۱۶</sup> ز مرگ منوچهر شاه  
 ز نارفتن<sup>۱۷</sup> کار نوذر همان  
 چو بشنید سالار ترکان پشنگ  
 ۶۵ همی<sup>۱۸</sup> یاد کرد<sup>۱۹</sup> از پدر<sup>۲۰</sup> زادشم<sup>۲۱</sup>  
 نه با<sup>۲۲</sup> نوذر آرام<sup>۲۳</sup> بودش نه مهر<sup>۲۴</sup>  
 بشد آگهی تا به توران سپاه  
 یکایک بگفتند با بدگمان  
 چنان<sup>۲۵</sup> خواست<sup>۲۶</sup> کاید به ایران<sup>۲۷</sup> به جنگ  
 هم از تور<sup>۲۸</sup> برزد یکی تیزدم

۱- ل: برگشود ۲- ل: بی کرد باد؛ ل: که دانش فزود؛ متن=ف، ق، و (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ س، لن، ق، ل، پ، آ، ب (و نیز ل، س، آ) بیت های ۵۲-۵۷ را ندارند؛ درل<sup>۲</sup> بیت های ۵۲-۵۷ پس از بیت ۵۸ آمده اند ۳- ل، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): ز گرد فریدون؛ ل: ز فرخ فریدون؛ متن=ف، ق ۴- ل، ق، و، ل: گیتی؛ متن=ف (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۵- ل، ق: بداد؛ ل: بجای؛ متن=ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۶- ل، ق، ل: بدو؛ متن=ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۷- ق: رام ۸- ق: بنیاد و آرام؛ ل: بیداد بازم ۹- ل، ق، و، ل: (و نیز لن<sup>۲</sup>): چو گفته شد از گفتی ها (و، لن: این بودنی ها؛ ل: این گفتها را) همه؛ متن=ف؛ بیت های ۵۲-۵۷ در س، لن، ق، ل، پ، آ، ب (و نیز درل<sup>۲</sup>، س) نیست و در ترجمه بندهاری هم نیامده اند: فلما سمعوا ذلك منه ندموا علی ما بذر منهم من المخالفة، و رجعوا الی ملک الطوایع. فاستبقت الأمور یمن نقیته، و عادت الی أحسن ما کانت علیه من قبل. و بادرت الأمر و القواد الی خدمة الملك نوذر، و أهواوا الی الأرض و سأله العفو و الصفح. ثم إن ساما لما أصلح الفاسد، و لم الشعب أستاذن الملك فی عوده الی مقره. . . ؛ ل: پس از بیت ۵۷ افزوده است:

بفرمود تا خلعت آراستند ز گنج آنچ پرمایه تر خواستند

۱۰- س، لن، ق، ل، پ، آ، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): پیش او بر؛ و، ل (و نیز ل، ل، لن): پیش او در؛ متن=ف، ل، ق این بیت را ندارند؛ درل<sup>۲</sup> پس از این بیت بیت های ۵۲-۵۷ آمده اند ۱۱- س: چه تاج و چه تخت و چه انگشتری؛ لن، ل، پ، آ: چه با تاج و تخت و چه انگشتری؛ ق: چه با تاج و با تخت و انگشتری؛ و: ز تخت و ز تاج و ز انگشتری؛ ل: ب: ابا تاج و با تخت و انگشتری؛ متن=ف، ل، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۲- ل: بزین ۱۳- ل، ق، آ: س؛ این بیت را ندارد؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۱۴- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن پشنگ پر توران از مرگ منوچهر و به پادشاهی نشستن نوذر بجای او؛ س: آگاهی یافتن پشنگ از مرگ منوچهر و کار نوذر؛ لن: آگاهی یافتن پشنگ از کار منوچهر؛ ق: رای زدن پشنگ پدر افراسیاب با تورانیان و فرستادن افراسیاب و لشکر به ایران به جنگ شاه نوذر؛ ق، ل، آ، ل: ب: خیر یافتن (ل: آگهی؛ ب: آگاهی) پشنگ از مرگ منوچهر؛ و: آگاه شدن پشنگ از وفات منوچهر؛ پ: آگاهی یافتن پشنگ مرگ منوچهر را؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن=آغاز ف ۱۵- ل، پ: بدین ۱۶- لن، پ: ابا ۱۷- ق، و: آزم ۱۸- پ: به مهر؛ ل: نه بود و نه آرام بود و نه مهر (!)؛ لن، ق، ل، پ، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

چو بگذشت از شاهیست هفت سال شکست اندر آمد به فرخ همال (ق: آ: به فر و بحال)

۱۹- ل- پ، آ، ب: پس آنکه؛ متن=ف، و، ل (و نیز ل، ل، لن<sup>۲</sup>) ۲۰- لن، ل، پ: وزان رفتن؛ ل: برآفتن؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۲۱- ق: همی ۲۲- ف: ساخت؛ متن=یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۳- ل، و: به توران (!) ۲۴- ل، ق: یکی؛ س، ل، و، ل، آ، ب: بی؛ متن=ف، لن، ق، ل، پ، آ ۲۵- س، پ: کرد باد ۲۶- ل، ل، ل: ل: نیا؛ متن=نه دستنویس دیگر ۲۷- ل، و: رادشم؛ پ: یادشم؛ ل: زادهشم؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۲۸- آ: همی تور

ز کار<sup>۱</sup> منوچهر و از<sup>۲</sup> لشکرش<sup>۳</sup>  
 همه نامداران لشکرش را<sup>۴</sup>  
 چُن<sup>۵</sup> اخواست<sup>۶</sup> و کرسیوز<sup>۷</sup> و بارمان  
 سهبذش<sup>۸</sup> چون ویسهی تیزچنگ  
 ۷۰ جهان پهلوان پورش<sup>۹</sup> افراسیاب  
 سخن راند از سلم و از تور گفت<sup>۱۰</sup>  
 سری<sup>۱۱</sup> را کجا مغز جوشیده<sup>۱۲</sup> نیست  
 که با ما چه کردند ایرانیان  
 کنون روز تیزی<sup>۱۳</sup> و کین جستن ست  
 ز گفت پدر مغز<sup>۱۴</sup> افراسیاب  
 به پیش پدر شد گشاده‌زبان  
 که شایسته‌ی جنگ شیران منم  
 اگر زادم تیغ برداشتی  
 میان گر<sup>۱۵</sup> بیستی به کین آوری  
 ز گردان و<sup>۱۶</sup> سالار و از<sup>۱۷</sup> کشورش<sup>۱۸</sup>  
 بخواند و<sup>۱۹</sup> بزرگان کشورش<sup>۲۰</sup> را  
 چو گلباد<sup>۲۱</sup> جنگی هزبر<sup>۲۲</sup> دمان  
 که سالار بُد بر سپاه پشنگ  
 بخواندش<sup>۲۳</sup> درنگی<sup>۲۴</sup> و آمد<sup>۲۵</sup> شتاب  
 که کین زیر دامن<sup>۲۶</sup> نشاید نهفت  
 بروبر چُنین<sup>۲۷</sup> کار پوشیده نیست  
 بدی را بیستند يك يك<sup>۲۸</sup> میان  
 رخ از خون دیده گه شستن ست  
 برآمد از<sup>۲۹</sup> آرام و ز<sup>۳۰</sup> خورد و خواب<sup>۳۱</sup>  
 دل آگنده از<sup>۳۲</sup> کین، کمر بر میان<sup>۳۳</sup>  
 همآورد سالار ایران منم  
 جهانی<sup>۳۴</sup> به کرشاسپ<sup>۳۵</sup> نگذاشتی  
 به ایران نکردی<sup>۳۶</sup> کسی<sup>۳۷</sup> داوری<sup>۳۸</sup>

۱- س: گاه ۲- ل، ق، پ، و: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳- س، لی: کشورش ۴- ف، ل، ق، و، آ، ل، ب: <و>؛ متن= س، لن، ق، لی، پ ۵- ل، پ: ز؛ ق: <و>؛ آن؛ متن= نه دستنویس دیگر ۶- س، لی: لشکرش ۷- ل، ق، پ، آ، ب: کشورش را؛ لن: زگردان و سالار و لشکرش را؛ ف، ق: این بیت را انداخته‌اند؛ متن= س، لی، و، ل (و نیز ل، لن، آ، س) ۸- ل، لن: بخواند آن؛ ق: بخواند او؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س) ۹- ل، ق، پ، آ، ب: لشکرش؛ متن= س، لی، و، ل (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۰- ل- ل- ب (و نیز ل، لن، آ، س): چو؛ متن= ف ۱۱- ف، ل، ق، و (و نیز ل، لن، آ): ارجاسپ؛ س، ق: اخواست؛ لن: اخواست؛ لی: احواس؛ ل: اغریز؛ متن= پ، آ، ب (و نیز س، آ، بنداری) ۱۲- (لن: کرسیوز) ۱۳- س: اناز (!)؛ لی: هومان ۱۴- لی، ب: هزبر؛ بنداری: فأحضر امرأه وقواده وأعیان دولته وخواصه، مثل اخواست و کرسیوز و بارمان و کلباد، ودعا بزعم عسکره وقائد جیسه ویسه (= ۶۷-۶۹) ۱۵- و، آ، ل، آ: سپهدار ۱۶- ل، ق: بود؛ لن، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، آ، س): بودش؛ ب: پور؛ متن= ق ۱۷- ق: نکردی ۱۸- لی: بنزدیک ۱۹- ق: همی در؛ ف، س، و (و نیز لن، آ): این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: وأحضر ابنه افراسیاب، وکان پهلوان دوله ۲۰- ل- پ، ب: سخن راند (لی: گفت و) از تور و از (ل، ق، پ: ز) سلم (پ: سلم و) گفت؛ متن= ف، و، آ، ل ۲۱- لن، ق، آ، پ، ب: که این کین زیزدان؛ آ: که این کین ایران؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۲- ل، ق: کسی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۳- ل، س، ق: جوشیده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ، آ: جوشنده (بیاوند ندارد)؛ و: جوشیده؛ ق: که مغزش بجوشیده؛ متن= ف، لن، لی، ل، ب (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۴- س، لن، لی، پ: چنان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵- س: هریک؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، و: یکسر؛ متن= ف، ل، ق، ب (و نیز لن، آ، س)؛ ل: بیستند يك يك کمر بر ۲۶- ل: تندى؛ لن، ق، آ، ب: جنگت؛ پ: کنون نوبت جنگ؛ متن= ف، س، ق، لی، و، ل (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۷- لن، پ: شاه؛ ب: جان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۸- ل، لن، ق، لی، پ، آ، و: ز؛ متن= ف، س، ق، آ، ب ۲۹- س، لن، ق، آ، لی، آ، و، ب: از؛ متن= ف، ل، ق، پ ۳۰- ل: بجوشید و آمد دلش بر شتاب؛ ف پس از این بیت افزوده است:

چه آمد ازیشان به تور سترگ  
 کین برد باید به ایران سپاه  
 چو بشنید افراسیاب این سخن  
 بران نامور سلم شاه بزرگ  
 بچتن برین کینه بر نام و گاه  
 دلش گشت پر درد روز کهن

۳۱- ل: بر؛ متن= ۳۲- ف: به کین نیاتنگ بته میان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۳۳- ق، لی، آ: جهان را ۳۴- س: مگر راست (→ بکرشاسب)؛ لن، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز لن، آ): چنین خوار؛ ل: به کرشاسب (→ به کرشاسب)؛ ل: بتوراب؛ س: بکرشاسف)؛ متن= ف، ل، ق: پ: چنین مرجهان خوار ۳۵- ل- ب (و نیز ل، لن، آ، س): را؛ متن= ف ۳۶- ق: نکردی به ایران؛ لی: به ایران بکردی؛ ل: ز ایران ندیدی ۳۷- ل، لن، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): مگر؛ پ: همی؛ ل: چنان؛ متن= ف، س (و نیز لن، آ) ۳۸- ل- پ، آ، ب (و نیز ل، آ، س): سروری؛ متن= ف، و، ل (و نیز لن، آ، س)

ز کین جستن و جنگ و از کیمیا<sup>۲</sup>  
گه شورش و<sup>۴</sup> رستخیز من ست

چو دید<sup>۵</sup> آن سهی قد افراسیاب  
و زو<sup>۶</sup> سایه گسترده<sup>۸</sup> بر چند میل  
چو دریا دل و کف چو بارنده میغ<sup>۹</sup>  
به ایران شود با سپاه پشنگ<sup>۱۰</sup>  
سزد گر برآرد به خورشید سر  
ازیرا<sup>۱۴</sup> پسر<sup>۱۵</sup> نام زد رهنمای<sup>۱۶</sup>  
سری<sup>۱۸</sup> پر ز کینه<sup>۱۹</sup> دلی<sup>۲۰</sup> پر شتاب

به کاخ<sup>۲۲</sup> آمد<sup>۲۳</sup> اغریرت<sup>۲۴</sup> رهنمای  
که اندیشه دارد همه<sup>۲۵</sup> پیشه دل<sup>۲۶</sup>  
ز ترکان به مردی برآورده سر  
سپه را سپر<sup>۳۱</sup> سام نیم شده ست  
جزین<sup>۳۴</sup> نامداران<sup>۳۵</sup> آن<sup>۳۶</sup> انجمن  
چه آمد از آن تیغ زن<sup>۳۹</sup> پیر<sup>۴۰</sup> گرگ  
که ترکش همی سود بر چرخ ماه<sup>۴۱</sup>  
به<sup>۴۵</sup> آرام بر نامه‌ی کین نخواند<sup>۴۶</sup>

۸۰ کنون هرچه<sup>۱</sup> مانید بود<sup>۲</sup> از نیا  
گشادنش بر تیغ تیز من ست

به مغز پشنگ اندرآمد شتاب  
برو بازوی شیر و هم زور<sup>۶</sup> پیل  
زبانش بکردار برنده تیغ  
۸۵ بفرمود تا برکشد تیغ جنگ  
سپهبد چو شایسته بیند پسر<sup>۱۱</sup>  
پس از<sup>۱۲</sup> مرگ باشد سر او<sup>۱۳</sup> بجای  
ز<sup>۱۷</sup> پیش پشنگ آمد افراسیاب

چو شد ساخته کار جنگ آزمای<sup>۲۱</sup>  
۹۰ به پیش پدر شد پر اندیشه دل  
چنین<sup>۲۷</sup> گفت کای<sup>۲۸</sup> کار دیده<sup>۲۹</sup> پدر  
منوچهر از ایران اگر<sup>۳۰</sup> کم شده ست  
چو کرشاسپ<sup>۳۲</sup> و<sup>۳۳</sup> چون قارن رزم زن  
تو دانی که بر<sup>۳۷</sup> تور و سلم<sup>۳۸</sup> سترگ  
۹۵ نیا<sup>۴۱</sup> زادشم<sup>۴۲</sup> شاه توران سپاه  
ازین در سخن هیچ گونه<sup>۴۴</sup> نراند

۱- ل: هرک؛ س: هرج؛ ق، ق: هرکه؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- ل، لن، ب: مانده بود؛ س، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): مانند بود؛ ق: مانده بود؛ ق: پ (و نیز ل<sup>۲</sup>): مانده بود؛ لی: مان بنده بود؛ آ: نایده بود؛ ل: پاینده بود؛ (س: آ: مان بود)؛ متن = ف ۳- پ: ز کیمیا؛ ل: چاره و کیمیا ۴- ف: که در شورش؛ ل: که در شورش و؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۵- و: بید ۶- ف: هم قد؛ آ، ب: هم رنگ؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۷- ل: از ۸- لن، ق، پ، آ، ب: افکنده؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۹- آ این بیت را ندارد ۱۰- ل: پلنگ؛ آ این بیت را ندارد ۱۱- س: پدر؛ آ این بیت را ندارد ۱۲- س، لی، پ، و: > از؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۳- لن، ق، پ، آ، ب: مرورا؛ لی: پررا؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن، آ، س) ۱۴- لن: ازین از ۱۵- ل: پس از (!) ۱۶- ب: شهریار (پسوند ندارد)؛ پ: همی نام او را بدارد بیای ۱۷- لی، پ، آ، ل: به ۱۸- ق، آ، پ، آ، ل، ب: دلی؛ متن = ف، س، ق، لی ۱۹- ل: کین و ۲۰- ق، آ، پ، آ، ل، ب: سری؛ متن = ف، س، ق، لی، ل، لن، و این بیت را ندارند ۲۱- ل: رزم آزمای ۲۲- ق، آ، ب: بکار ۲۳- ل: اندر ۲۴- س: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، آ، لی، و، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن، آ، بنداری)؛ اغریرت؛ متن = ف، ق، پ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س)؛ ل، لن این بیت را ندارند ۲۵- ل، ق: مرا؛ لن، ق: پ: همی؛ متن = ف، س، لی، و، آ، ب ۲۶- ل: نکورای بودی همیشه بدل ۲۷- لن، ق، آ، پ، آ، ب: بدو؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۸- آ: ای ۲۹- آ، ب: دهر دیده ۳۰- لن: ازیشان مگر ۳۱- ف: سپه را سر (یا: سپه)؛ ل، ق، آ: سپهدار چون؛ لن، لی، پ، ب: سپه را سرش؛ ق: سپهد سپه؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): پناه سپه؛ ل: سپهدارشان؛ متن = س (و نیز ل<sup>۲</sup>، س) ۳۲- پ، ل: چو کشواد؛ (ل: همان زال)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س، آ، بنداری؛ س: آ: کرشاسف) ۳۳- لن، ق، لی، ل: > و ۳۴- لن، ق، آ، پ، ب: چنین ۳۵- ف: تیغ داران؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س)؛ بنداری؛ ومع قارن و کشاسب الی غیرهما من هؤلاء الأمراء الکبار ۳۶- ق: آ این ۳۷- ل، ل: با ۳۸- ل، لن، ق، پ، آ، ل: سلم و نور؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، ب ۳۹- آ: تیغ سر؛ ب: پیر سر؛ ق: چه آمد تو دانی از آن ۴۰- آ، ب: نیز ۴۱- لن، پ: نه از ۴۲- ل: زادشم ۴۳- ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل: چرخ و ماه؛ متن = ف، س، لن، ق، و، ب ۴۴- ل: ایچ باکس ۴۵- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: بر؛ متن = ف، ل، ق، ل<sup>۲</sup> ۴۶- ق: بارام هم کینه نامه نخواند

اگر ما نشوریم<sup>۲</sup> بهتر بود  
 کزین<sup>۳</sup> جنبش<sup>۴</sup> آشوب<sup>۵</sup> خاور<sup>۶</sup> بود  
 پسر را چنین داد پاسخ پشنگ<sup>۷</sup>  
 یکی نره شیرست<sup>۸</sup> روز شکار<sup>۹</sup>  
 ۱۰۰ نبیره که کین نیا را نجست  
 ترا نیز با او بیاید شدن  
 چو از دامن ابر چین<sup>۱۴</sup> کم شود  
 چراگاه اسپان شود کوه و دشت  
 جهان سربسر سبز گردد ز خوید<sup>۱۸</sup>  
 ۱۰۵ دل<sup>۱۹</sup> شاد<sup>۲۰</sup> بر سبزه و گل برید<sup>۲۱</sup>  
 دهستان و گرگان همه زیر نعل<sup>۲۳</sup>  
 منوچهر از آنجایگه جنگ جوی  
 سپه را جزین<sup>۲۷</sup> نیست زایران پناه

۱-ل: که گر ۲-لن: بازیم: ق: بشوریم ۳-ل: که زین، ل: کزان ۴-ق، ق: پ، و، ل: (و نیز ل: لن): شورش: متن= هفت دستویس دیگر (و نیز س): ۵-لن، آ، ب: آرام ۶-ل، س، ق، لی، پ، و (و نیز لن، س): کشور: ل: (و نیز ل: س): لشکر: متن= ف، لن، ق، آ، ب ۷-لن، ق، آ، ب: چنین داد پاسخ پسر را پشنگ: متن= هفت دستویس دیگر ۸-س، ق، آ، ب: شیر نرست: لن، پ: شیر شریزه ست: متن= هفت دستویس دیگر ۹-لن، ق، آ، ب: آن نامدار: آ: افراسیاب ۱۰-آ: که پیش نیارد در آورد تاب ۱۱-ل، پ: نخوانی نژادش: ق: نژادش نباشد: متن= نه دستویس دیگر: در ل، ق این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۱۲-ل، لن، ق، پ، و، آ، ل: ب (و نیز ل: لن): بیش و کم: متن= ف، س، ق، لی (و نیز س): ب: باید ۱۴-ق: کین: ق: چو برف از سر کوه ها ۱۵-ل، س، لن، ق، ق، آ، ب، و، آ، ب (و نیز ل: لن، س): ز باران: متن= ف، لی، ل: ۱۶-س: کیان: متن= ۱۷-لن: در گذشت: ل، ق، پ: ترا ز آب جیحون بیاید گذشت: ل: (و نیز ل: س): پراکنده لشکر تواند گذشت: متن= ف، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز لن، س): آ: جهان سبز گردد سراسر خوید (آ: زخید): ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند: متن= ف، ل، س، لی، و، ب (و نیز لن، س): ۱۹-ل: دلی: ل: بدل: ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند: متن= نه دستویس دیگر ۲۰-ق، آ، ب: شاه ۲۱-ل: براند: ل: بدل شادزی سبزه و گل شوید ۲۲-ل: براند: در ل ت های این بیت پس و پیش شده است ۲۳-س: زمین شان همه سربسر زیر نعل: لن، ق، آ، ب: دهستان بکوید در (آ: بکوید همه: ب: بکوید همه (!)) زیر نعل: لی (و نیز س): دهستان و خوارزم را زیر نعل: متن= ف، ل، ق، و، ل: (و نیز ل: لن): بنداری: و دو خواب حوافر خلیکم دهستان و جرجان ۲۴-لن، پ: بیارید: ق، آ، ب: بتازید: متن= هفت دستویس دیگر ۲۵-س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل: ب: از: متن= ف، ل، ق، پ ۲۶-س، لی این بیت را ندارد: در ل این بیت چنین آمده است:

چو نوذر از آنجایگه رزمجوی سوی ما نهادی گه کینه روی

ل پس از این بیت افزوده است:

از انوسپاهی چو ابر سیاه بیامد بر ما بدین رزمگاه  
 همی نیز باید که هم زین نشان برآید گرد از سر سرکشان

۲۷-ل: جزو: پ (و نیز س): جزان: و (و نیز لن): کون: (ل: بدو): متن= ف، ل: ۲۸-ل، پ: بدو (پ: بدان) پایدارست مهر و کلاه: و: بما ماند آماده تخت و کلاه: ل: بدانجا بیاراست باید سپاه: (ل: بدو گشت آراسته تخت و گاه: لن: تهی ماند از شاه تخت و کلاه: س: بدانرا بیاراست مهر و کلاه): متن= ف: س، لن، ق، ق، آ، لی، آ، ب این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: فان فی هذا الخطة حارب منوچهر تورا و ظفر به. فالقوهم انتم فی ذلك الموضع (= ۱۰۷، ۱۰۸): ل پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت دوم را پس از بیت ۱۰۷ افزوده اند:

از ایران چو شد مرد کم نیست باک نیرزند جمله بیک مشت خاک  
 ز نوذر مرا در دل اندیشه نیست که نوذر جوانست و هم پیشه (ل: بد پیشه) نیست

بکوشید تا قارن رزم زن  
 مگر دست یابید در<sup>۷</sup> دشت کین  
 روان نیاگان ما<sup>۱۱</sup> خوش کنید  
 چنین گفت با نامور نامجوی  
 وگر<sup>۱</sup> گرد<sup>۲</sup> کرشاسپ<sup>۳</sup> زان<sup>۴</sup> انجمن  
 برین<sup>۵</sup> دو سرافراز ایران زمین<sup>۶</sup>  
 دل بدسیگلان بر<sup>۱۱</sup> آتش کنید  
 که من خون کین<sup>۱۲</sup> اندرآرم به جوی

### گفتار اندر آمدن افراسیاب به ایران زمین به جنگ نوذر<sup>۱۳</sup>

چو دشت از گیا گشت چون پرنیان  
 سپاهی بیامد ز<sup>۱۵</sup> ترکان و چین<sup>۱۶</sup>  
 سپه را<sup>۱۹</sup> میان و کرانه نبود  
 چو لشکر به نزدیک جیحون رسید  
 سپاه جهاندار بیرون شدند  
 به راه دهستان نهادند روی  
 شهنشاه نوذر<sup>۲۲</sup> پس پشت او<sup>۲۵</sup>  
 چو لشکر به پیش<sup>۲۷</sup> دهستان رسید  
 بیستند گردان ترکان<sup>۱۴</sup> میان  
 هم از<sup>۱۷</sup> گرزداران خاورزمین<sup>۱۸</sup>  
 همان بخت نوذر جوانه نبود  
 خبر نزد پور فریدون رسید<sup>۲۰</sup>  
 ز کاخ<sup>۲۱</sup> همایون به هامون شدند  
 سپهدارشان<sup>۲۲</sup> قارن رزمجوی<sup>۲۳</sup>  
 جهانی سراسر پر از گفت و گوی<sup>۲۴</sup>  
 چنان شد<sup>۲۸</sup> که خورشید شد<sup>۲۹</sup> ناپدید

۱- س، لن: ما (نقطه ندارد): ق، آ، لی، پ، و، ل: با؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب ۲- لن، لی، و، آ، ل: دگر: ق: وزان؛ متن = ف، ل، س، پ، ب ۳- ق: قوم ۴- پ: گشتاسپ (!) ۵- س، پ، ب: ازان: ق، و: وان؛ متن = ف، ل، لن، لی، آ، ل: ق: چنین نامداران این؛ ل: پس از این بیت افزوده است: بر آوردگه‌شان بدست آورند بر ایرانیان بر شکست آورند  
 ۶- ل: یابند؛ ق: مگرشان بیاید ۷- ل، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س): بر (ل: نخست در داشته است)؛ متن = ف، س، و (و نیز لن) ۸- ف، لی: بران: ق (و نیز ل): بدین: ق: مرین؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز لن، آ، س) ۹- ل: گردان چین: آ: از ایران زمین؛ ل: سرافرازان و گردان چین؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۰- ف: نیاکان ما را روان؛ متن = یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۱- پ، آ، ب: پر ۱۲- ل، ق، آ، ل: به کین: لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل): ز کین؛ متن = ف، س، و (و نیز س) ۱۳- ف: گفتار اندر آمدن افراسیاب به ایران زمین به جنگ نوذر و رفتن لشکر ایران برابر به جنگ او؛ ل، ل: رزم افراسیاب با نوذر (ل: ... و گرفتار شدن)؛ س، ق، و: آمدن افراسیاب به ایران زمین (ق): > زمین (< بجنگ شاه (ق): > شاه) نوذر: لن: رسیدن افراسیاب و نوذر یکدیگر؛ لی: در وصف رزم کردن؛ پ، ب: آمدن افراسیاب بجنگ نوذر: آ: لشکر کشیدن پشنگ بسر نوذر؛ متن = آغاز ف ۱۴- لن، ق، آ، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ، س): توران: ق: بیکر؛ متن = ف، ل، س، لی؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

دگر روز چون بردمید آفتاب بمردان کین اندرآمد شتاب  
 زدند از بر پیل روئینه کوس جهان شد ز گرد سپاه آبسوس

۱۵- لن، ق، پ: برآمد ۱۶- ل: ترکان چین؛ س، ل (و نیز ل): گردان چین؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز لن، آ، س): بندگان: طالعاتن الشرق فی عساکر الترك والحصین ۱۷- س، ق، آ: همه؛ لن، لی، پ، آ، ب: همان؛ متن = ف، ل، ق، و، ل (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۸- و: ایران زمین ۱۹- ل، لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ب: که آن را؛ متن = ف، س، و، ل (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۰- ف، و (و نیز لن): خبر نزد شاه همایون رسید؛ ل: همه بخت بد سوی جیحون رسید؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۲۱- ق: طاق؛ ف، س، و (و نیز لن): این بیت را ندارند؛ ل: بجای این بیت افزوده است:

چو نوذر خبر یافت از کینه‌خواه بخواند از همه پادشاهی سپاه  
 بزد کوس و لشکر به هامون کشید خبر زو به شاه همایون رسید

۲۲- ق: سپهدار شد ۲۳- س: جنگجوی ۲۴- س: سپهدار ایران؛ لی: همی شاه نوذر ۲۵- ق، آ، ب: او ۲۶- ل: گفت گوی؛ ق، آ، ب: گفت و گو ۲۷- لن، ق، آ، پ، آ، ب: بزد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۸- ل: تو گفنی؛ و، ل: چنان بد؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۹- آ: بد

سرپرده‌ی نوذر شهریار  
 خود<sup>۱</sup> اندر دهستان نیاراست<sup>۲</sup> جنگ  
 که افراسیاب اندر ارمان زمین<sup>۵</sup>  
 شماساس و دیگر خزیران<sup>۶</sup> گرد  
 ۱۲۵ ز جنگاوران مرد چون سی هزار<sup>۷</sup>  
 سوی زاولستان<sup>۹</sup> نهادند روی  
 خیر شد<sup>۱۲</sup> که سام نریمان بمرد  
 از آن سخت شادان شد<sup>۱۴</sup> افراسیاب  
 بیامد چو پیش<sup>۱۷</sup> دهستان رسید  
 ۱۳۰ سپه را که دانست<sup>۱۹</sup> کردن شمار  
 بجوشید گفتی<sup>۲۲</sup> همی ریگ و شخ  
 ابا شاه نوذر صدوچل هزار  
 به لشکر نگه کرد افراسیاب  
 یکی نامه بنوشت سوی<sup>۲۷</sup> پشنگ<sup>۲۸</sup>  
 ۱۳۵ همه لشکر نوذر ار بشمریم<sup>۳۰</sup>  
 دگر سام رفت از پس<sup>۳۳</sup> شهریار

کشیدند بر دشت پیش حصار  
 برین<sup>۳</sup> برنیامد فراوان<sup>۴</sup> درنگ  
 دو سالار کردش ز ترکان<sup>۵</sup> گزین  
 ز لشکر سواران بدیشان سپرد  
 برفتند شایسته‌ی کارزار  
 ز<sup>۱۱</sup> کینه به دستان نهادند روی  
 همی دخمه سازد ورا<sup>۱۳</sup> زال گرد  
 بدید آنک<sup>۱۵</sup> بخت اندرآمد به خواب<sup>۱۶</sup>  
 برابر سرپرده‌ی<sup>۱۸</sup> برکشید  
 تو شو<sup>۲۰</sup> چار<sup>۲۱</sup> صد بار بشمر هزار  
 بیابان سراسر<sup>۲۳</sup> کشیدند نخ<sup>۲۴</sup>  
 همانا که بودند جنگی سوار<sup>۲۵</sup>  
 هیونی برافگند هنگام خواب<sup>۲۶</sup>  
 که جستیم گیتی<sup>۲۹</sup> و آمد به چنگ  
 شکارند<sup>۳۱</sup> چونان کجا بشکریم<sup>۳۲</sup>  
 همانا نیاید<sup>۳۴</sup> بدین<sup>۳۵</sup> کارزار<sup>۳۶</sup>

۱- س- پ، ا، ل، ب (و نیز ل، ا، ب)؛ چو (ل، نخت خود داشته است)؛ متن = ف، ل، و (و نیز ل، ن، ا، س) ۲- ل، ل، ن، و؛ بیاراست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ق، ل، پ، ا، ل، ب (و نیز س، ا)؛ بیاراست؛ (ل، ن، ا، ب)؛ براراست؛ متن = ف ۳- ق؛ بدین ۴- ل؛ زمانی؛ متن = بازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ا، س) ۵- ف، ل، ق، ب (و نیز ل، ل، ن، ا، س)؛ ایران زمین؛ متن = س ۶- ل، ل، س، ق، ق، ل، و، ل (و نیز ل، ل، ن، ا، س)؛ کرد از بزرگان؛ ل، ن، پ، ب؛ کرد از دلیران؛ ا؛ کرد از توران (وزن نادرست است)؛ متن = ف ۷- ف، ق، ق، ب؛ خزروان؛ ل، ا، ل؛ خزروان؛ س؛ خزروای؛ ل، ن، و (و نیز س، ا)؛ خروان؛ ل؛ خراوران؛ پ؛ خروزان؛ (ل)؛ خزروان؛ ل، ن؛ هزیران؛ بنداری؛ خزیران؛ متن نصیح قیاسی است ۸- س؛ ز مردان جنگی چوپنجه هزار؛ و؛ ز جنگاوران لشکری سی هزار ۹- ل، س، ل، ن، ق، ل، ل، ا، ب (و نیز ل، ل، س، ا)؛ زابلستان؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، و، ا (و نیز ل، ن، ا، بنداری) ۱۰- ل، ن، ق، ا، ب؛ به؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۱- ل؛ زبان یافه گوی ۱۲- ل، ق، ق، ب؛ خبرید؛ س، ا؛ چنان بد؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ن، ل، و، ل (و نیز ل، ل، ن، ا، س، ا) ۱۳- س؛ همی ساخت دخمه ورا؛ ق؛ ورا دخمه سازد همی؛ ا؛ همی دخمه می ساختش؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۴- ف؛ از آن شاد شد سخت؛ متن = بازده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، ا، س، ا) ۱۵- ل؛ آنچ؛ ل، پ، ا؛ آنکه؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، و، ل، ب ۱۶- ل؛ بختش درآمد بخواب؛ ق؛ هیونی برافگند هنگام خواب (۱۳۳ ب)؛ در پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۷- ل؛ نزد ۱۸- ل؛ سرپرده را؛ ق؛ این بیت را اندخته است؛ در پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ل؛ پس از این بیت افزوده است؛

چنان شد ز گرد سواران جهان که خورشید گفتی شد اندر نهان

۱۹- ل، ن، پ؛ گه دست (→ که دانست) ۲۰- ل؛ برار؛ س؛ تورو؛ ل؛ توشان؛ و؛ توه؛ متن = ف، ل، ن، ق، پ، ا، ل ۲۱- و؛ بار؛ ق؛ این بیت را انداخته است ۲۲- س؛ بجوشد همی؛ ق، ق، ب؛ این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۳- س، ل، ل، پ، ا؛ سراسر بیابان؛ متن = ف، ل، و، ل ۲۴- ل، ل، س، ل، ن، ل، ل (و نیز ل، ل، ن، ا، س، ا)؛ جو مور و ملخ؛ متن = ف ۲۵- ق؛ این بیت را انداخته است ۲۶- ق؛ ۱۲۸ ب، ۱۲۹-۱۳۲، ۱۳۳ را انداخته و از ۱۲۸ و ۱۳۳ ب يك بیت ساخته است ۲۷- ل، ن، ق، ل، ل، پ، و؛ نزد؛ ب؛ پیش؛ متن = ف، ل، س، ق، ا، ل ۲۸- ب؛ نهنگ (!) ۲۹- ف، ل، س، ل، ن، ق، ق، ب (و نیز س، ا)؛ نیکی (!)؛ ب؛ تنگی؛ متن = ل، و، ا، ل (و نیز ل، ل، ن، ا، س) ۳۰- ل، ق؛ بشکریم؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۱- ق؛ و؛ شکارست؛ متن ← ۳۲- ل، ق؛ شکارند و در زیر پی بشیریم (ق؛ بشمریم)؛ س؛ شکارست آنرا همه بشکریم؛ ل؛ شکارند چونانک ما بشکریم؛ ل، ا، ل؛ شکارست (ا؛ شکارند) لشکر (ا؛ گویی؛ ل؛ یکس کجا بشکریم؛ متن = ف، پ، ب ۳۳- ل؛ در؛ ق؛ بی؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، ل، ل، پ، و، ا، ب ۳۴- س؛ نیاید همانا؛ پ؛ همانا بتاید ۳۵- پ؛ ازین ۳۶- ل، ن، و؛ روزگار؛ در ل بجای این بیت آمده است؛

نه کرشاسپ هست و نه سام سوار نه گردی در ایران گه کارزار

ل، ق، ل، ا، ب (و نیز س، ا) پس از بیت ۱۳۶ و ل، ن، ق، ل، پ، ا (و نیز ل، ا) پس از بیت ۱۳۷ افزوده اند؛  
 مرا بیم ازو بد به ایران زمین چو او شد ز (ل، ن، ق، ا، ب) از ایران بخوایم (ل؛ بجویم) کین  
 ف، س، و (و نیز ل، ا) این بیت را ندارند



ندارد مرین<sup>۱</sup> جنگ را پای و پر<sup>۲</sup>  
نشسته‌ست با تاج<sup>۳</sup> گیتی فروز  
زدن رای با مرد هشیار و دوست  
از آن<sup>۴</sup> پس نیابد<sup>۵</sup> چنان<sup>۶</sup> روزگار  
بشد نزد سالار خورشیدفر<sup>۷</sup>

طلایه به پیش دهستان رسید  
همی خفته را گفت بیدارمان  
همه ساز و آرایش جنگ بود<sup>۱۵</sup>  
سراپرده‌ی شاه نوذر بدید  
نشان داد از آن لشکر و بارگاه<sup>۱۶</sup>  
که ما را هنر چند باید نهفت  
بجویم از آن انجمن کارزار  
جز از من کسی را<sup>۱۷</sup> نخوانند<sup>۱۸</sup> گرد  
که گر بارمان را رسد زین گزند  
برین<sup>۱۹</sup> انجمن کار بسته شود  
که انگشت از آن پس نباید گزید<sup>۲۰</sup>  
ز گفتار اغریوت<sup>۲۱</sup> آمدش ننگ<sup>۲۲</sup>  
که<sup>۲۳</sup> جوشن پیوش و به زه کن کمان

ستودان همی سازدش زال زر  
همانا<sup>۱</sup> شماساس در نیمروز  
بهرکار هنگام<sup>۲</sup> جستن نکوست  
۱۴۰ چو کاهل شود مرد هنگام کار  
هیون نگاور برآورد<sup>۳</sup> پر

سپیده چُن<sup>۴</sup> از کوه سر برکشید<sup>۵</sup>  
یکی ترک<sup>۶</sup> بُد نام او بارمان  
میان دو لشکر دو فرسنگ بود  
۱۴۵ بیامد سپه را همه<sup>۷</sup> بنگرید  
بشد نزد سالار توران سپاه  
و زان<sup>۸</sup> پس به سالار بیدار گفت<sup>۹</sup>  
به دستوری شاه من شیروار<sup>۱۰</sup>  
ببینند<sup>۱۱</sup> پیدا ز من دست برد  
۱۵۰ چُنین گفت اغریوت<sup>۱۲</sup> هوشمند  
دل مرزبانان<sup>۱۳</sup> شکسته شود  
یکی مرد بی نام باید گزید  
پُر از رنگ<sup>۱۴</sup> شد روی پور پشنگ  
به روی دُژم گفت با بارمان

۱- ل، لی، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): همی؛ س، لن، ق، ق، آ، پ، آب (و نیز س<sup>۲</sup>): همان؛ متن= ف ۲- لی: سر؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): ندارد به بیکار ما پای و پر ۳- پ: همان با ۴- ل: تاج و ۵- ل، ق: بهنگام هرکار؛ متن= ده دستویس دیگر ۶- س، لن، ق، پ، و، ل، آب (و نیز لن<sup>۲</sup>): < و >؛ متن= ف، ق، آ، لی، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۷- پ: ازین ۸- ل: نیند ۹- لی: همان؛ پ، ل، آ: چُنین؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۰- ق، آ: برآورده ۱۱- و: سالار توران خبر ۱۲- ل، و، آب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، س<sup>۲</sup>): چو؛ متن= ف، ل ۱۳- س، ق، آ، آب: بردمید؛ متن= هشت دستویس دیگر؛ لن، پ، و در اینجا سرنویس دارند، لن، پ: رسیدن لشکر (لن: < لشکر >) افراسیاب و نوذر بیکدیگر (پ: < بیکدیگر >)؛ و: رزم قباد با بارمان و کشته شدن قباد ۱۴- س: مرد؛ در ق، آ، لی، پ، آب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- لن این بیت را ندارد؛ در ق، آ، لی، پ، آب این بیت با بیت پیشین و در و با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۶- ل: همی؛ متن= بازده دستویس دیگر؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۷- ل، ق: نشان جت از (ق: گفت از آن) لشکر کینه خواه؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۸- ل، لن: از آن؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۹- و: هشیار گفت؛ س، لن، ق، آ، پ، آب: بیامد به سالار گفت؛ متن= ف، ل، ق، لی، ل ۲۰- ق، آ: شیرخوار (!) ۲۱- ل، س، و، آ: ببینید؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۲- س، لی: به گیتی ۲۳- ل، و: نخوانید؛ س: ندانید؛ لی: ندانند؛ پ: مجوید؛ متن= ف، لن، ق، آ، ل، آب ۲۴- س: اغریوت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، آ، لی، و، آ، ل: اغریوت؛ متن= ف، ل، لن، ق، پ، ب ۲۵- ق، آ، و: نامداران؛ ب: مرزبان زو؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۶- ل، آ، بران؛ لن: تراز؛ لی: بدان؛ پ: بر؛ متن= ف، س، ق، آ، و، ب ۲۷- ل این بیت را ندارد ۲۸- ل، س، ق، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): پراژنگ (ل آنخت پراز رنگ داشته است)؛ متن= ف، لن، ق (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲۹- س: اغریوت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، آ، و، آ، ل (و نیز لن<sup>۲</sup>): اغریوت؛ متن= هفت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۰- لی: آمد بتگ ۳۱- لن، ق، پ، و، ب: تو؛ متن= هفت دستویس دیگر

- ۱۵۵ تو باشی برآن<sup>۱</sup> انجمن سرفراز  
 به انگشت و دندان<sup>۲</sup> نیاید نیاز<sup>۳</sup>
- ۱۶۰ بشد بارمان<sup>۴</sup> تا به دشت نبرد  
 کزین<sup>۵</sup> لشکر نوذر<sup>۶</sup> نامدار<sup>۷</sup>  
 نگه کرد قارن به مردان مرد  
 کس از نامدارانش پاسخ نداد  
 دژم گشت سالار بسیار هوش  
 ز خشمش سرشک اندرآمد به چشم  
 که<sup>۱۳</sup> چندان<sup>۱۴</sup> جوان<sup>۱۵</sup> مردم جنگجوی  
 دل قارن آزرده گشت از قباد  
 که سال تو اکنون به جایی رسید  
 یکی مرد آسوده چون بارمان  
 سواری<sup>۱۹</sup> که دارد دل شیر نر  
 تویی مایه‌ور<sup>۲۰</sup> کدخدای سپاه  
 به خون گر شود لعل ریش<sup>۲۳</sup> سپید<sup>۲۴</sup>  
 شکست اندرآید بدین رزمگاه<sup>۲۵</sup>
- ۱۶۵  
 سویی قارن کاوه آواز<sup>۵</sup> کرد  
 که داری که با من کند کارزار؟  
 از آن<sup>۹</sup> انجمن تا که جوید نبرد  
 مگر پیر گشته دلاور قباد  
 ز گفت برادر برآمد به جوش<sup>۱۱</sup>  
 از آن<sup>۱۱</sup> لشکر گشن<sup>۱۲</sup> بد جای خشم  
 یکی پیر جوید همی<sup>۱۶</sup> جنگ<sup>۱۷</sup> اوی  
 میان دلیران زبان برگشاد  
 که از جنگ<sup>۱۸</sup> دستت بیاید کشید  
 جوان و گشاده‌دل و شادمان  
 همی بفرزاد به خورشید سر  
 همی<sup>۲۱</sup> بر تو گردد همه<sup>۲۲</sup> رای شاه  
 شوند این دلیران همه<sup>۲۵</sup> ناامید  
 پر از درد گردد دل نیک<sup>۲۷</sup> خواه
- ۱۷۰ نگه کن که با<sup>۲۸</sup> قارن رزم زن  
 چنین داد پاسخ مرو را قباد  
 بدان ای برادر که تن مرگ راست  
 ز گاه<sup>۳۳</sup> خجسته منوچهر باز
- چه گوید قباد<sup>۲۹</sup> اندران<sup>۳۰</sup> انجمن  
 که این چرخ گردان مرا داد داد<sup>۳۱</sup>  
 سر رزم زن<sup>۳۲</sup> سودن ترگ راست  
 از امروز<sup>۳۳</sup> بودم دل<sup>۳۵</sup> اندر نیاز<sup>۳۴</sup>

۱-س: بدین؛ ق: دران؛ لی: ل؛ ا: بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲-ق: انبان (!)؛ ل: < و > دندان ۳-ل: به انگشت دندان نیاید بگاز؛ (ل: به دندان در انگشت ناید بگاز)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز لن، س) ۴-آ، ب: نازنان ۵-ل: آهنگ؛ ل: در اینجا سرنویس دارد: رزم بارمان با قباد و کین خواستن قارن ۶-ل: که زین ۷-لن، ق، پ، آ، ب: نامور؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸-س: ناج دار؛ ق: شهریار ۹-س، آ: دران؛ لی: ل؛ ا: بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰-ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر مبارز خواستن بارمان ترک از لشکر ایران و رفتن قباد به جنگ او و کشته شدن قباد ۱۱-آ: کزان ۱۲-ل، س، ق-و، آ، ب (و نیز ل، لن)؛ < و >؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل (و نیز س) ۱۳-لن، ق، پ، آ، ب: ز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۴-ق: چندین ۱۵-س، لی: از آن ۱۶-لن، پ: دارد سوی ۱۷-ل، آ، ل، ب (و نیز ل، س)؛ رزم؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز لن) ۱۸-آ: رزم ۱۹-ل: جوانی ۲۰-س، لی: ل؛ نامور؛ ق: مایه و؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۱-لی: ل؛ همه ۲۲-ف، ق، لی: ل؛ همی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳-ل، لن، ق، پ، ب: موی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۴-لی، و: سفید ۲۵-لن، ق، لی، پ، ب: ما؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۶-س: بازگاه ۲۷-س، لی: سراسر سپاه؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸-ق، ل، آ: تا ۲۹-لن، ق، لی: ب: چه گوید برادر؛ پ: برادر چه گفت؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۰-لن: بران؛ ق، لی: ب: دران؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۱-س، ق، لی: این بیت را ندارند ۳۲-س، لن، پ، ب: سروبال من (پ: ما)؛ لی: آ: سر نامور؛ متن= ف، ل، ق، و، ل ۳۳-ق: کاخ ۳۴-س: ز امروز؛ ق، لی، و (و نیز لن)؛ ازین روز؛ آ: از آن روز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۵-ل-آ، ب: تن؛ متن= ف، ل (و نیز س) ۳۶-ل-ب (و نیز لن، س)؛ گداز؛ متن= ف؛ در لن، ق، پ، آ، ب این بیت و بیت سپین پس از بیت ۱۷۸ آمده‌اند؛ در و این بیت پس از بیت ۱۷۷ آمده است

شکارست و مرگش<sup>۲</sup> همی بشکرد  
بدانگه که آید دو لشکر به جوش<sup>۳</sup>  
سرش نیزه و تیغ<sup>۴</sup> برنده راست  
همی<sup>۵</sup> رفت باید زبسن<sup>۶</sup> بی گمان<sup>۷</sup>  
برادر به جایست با برز<sup>۸</sup> و شاخ  
پس از رفتنم<sup>۹</sup> مهربانی کند<sup>۱۰</sup>  
تم را بدان<sup>۱۱</sup> جای جاوید خواب<sup>۱۲</sup>  
همیشه جهان<sup>۱۳</sup> تار و تو بود باش

به آوردگه رفت چون پیل مست  
که<sup>۱۴</sup> آورد پیشم سرت را زمان<sup>۱۵</sup>  
همی کرد با جان تو<sup>۱۶</sup> کارزار  
که يك چند گیتی<sup>۱۷</sup> مرا داد داد  
نپاید<sup>۱۸</sup> زمان يك زمان بی گمان<sup>۱۹</sup>  
نداد<sup>۲۰</sup> آرمیدن<sup>۲۱</sup> دل تیز را  
همی این بران، آن برین<sup>۲۲</sup> کرد زور

کسی زنده بر آسمان نگذرد  
۱۷۵ یکی را برآرد به شمشیر هوش  
تش کرگس و شیر درنده راست  
یکی را به بستر برآید<sup>۲۳</sup> زمان  
اگر من روم<sup>۲۴</sup> زین جهان فراخ  
یکی دخمه<sup>۲۵</sup> خسروانی<sup>۲۶</sup> کند<sup>۲۷</sup>  
۱۸۰ سرم را به کافور و مشک و گلاب  
سپار ای برادر تو پدرود باش

بگفت این و بگرفت نیزه به دست  
چنین گفت با رزم زن بارمان  
ببایست ماندن<sup>۲۸</sup> که خود<sup>۲۹</sup> روزگار  
۱۸۵ چنین گفت مر بارمان را قباد  
به جایی توان مرد کاید زمان  
بگفت و برانگیخت شبدیز را  
ز شبگیر تا سایه گسترد<sup>۳۰</sup> هور

۱- ق: از ۲- ل، س، ق، لی، پ، و: < و > مرگش؛ لن: هرکس؛ متن = ف، ق، آل، ب ۳- س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، س، آ) این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق، ل ۴- س، لی: سرش تیغ پولاد؛ ق، آ، ب: سرش جای شمشیر؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، در ل (و نیز س) لت های این بیت پس و پیش شده اند ۵- لن، ق، آ، ب، آل (و نیز ل): سرآید؛ ب: سرآرد؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز لن، س) ۶- ق: یکی؛ لی: همه؛ متن ← ۷- و: زتن؛ متن ← ۸- لن، پ: سبک بر کران؛ ق، آ، ب: سبک بی گمان؛ لی: همی بدگمان؛ آ: یکی را بجنگ اندرون بی گمان؛ ل (و نیز ل): یکی را به آورد که بی گمان؛ متن = ف، ل، س، ق: در و پس از این بیت ۱۷۳ آمده است ۹- لن، ق، پ، ل: شوم؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۰- س: برد؛ ل: فر؛ در لن، ق، آ، ب: پس از این بیت ۱۷۳ و ۱۷۴ آمده اند ۱۱- و: پهلوانی ۱۲- س- پ، آ، ب: کنید؛ متن = ف، ل، و، ل ۱۳- ل: مردم؛ در ق، ل، ب: لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۴- ل: بران؛ متن ← ۱۵- ق: بشوید و تن را بدان جای خواب؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۶- ل: خرد؛ متن = ف، ق، لی، و (و نیز ل)؛ س این بیت را ندارد؛ در لن، ق، آ، ب، آ، ب این بیت چنین آمده است:

سپارید ما را و ساکن شوید به یزدان دادار (آ: دادارو) ایمن شوید

در ل (و نیز ل، س) این بیت چنین آمده است:

سپارد به یزدان که او آفرید ازین باره غم چند باید کشید

برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، لی، پ: کشته شدن قباد بر دست بارمان؛ ب: رزم قباد کاهه با بارمان ۱۷- ل: کت ۱۸- لن، لی، ب: سرت رایگان؛ ق: به میدان جنگ اندر آمد دمان (= ۱۸۹ ب)؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، و ۱۹- س، لی: نبایست آمد؛ ق، آ، این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۰- ب: چون ۲۱- ل: او ۲۲- س، لن، لی، آ، ب (و نیز س): گردون؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ل (و نیز ل، لن)؛ ق: این بیت را ندارد ۲۳- ل: بیاید (یا: بیاید)؛ س، آ: نیاید؛ لن، پ: نداند؛ ق: بیاید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی، ب (و نیز س): نیاید؛ و: نیاید (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ل: بیاید؛ لن: نیاید)؛ متن = ف ۲۴- لن، پ، آ، ب: زمان (لن، پ: زمین) بی تو خود بکرمان؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، پ، و (و نیز ل، لن، س، آ)؛ که از مرگ مردم نیاید امان؛ ق: این بیت را ندارد ۲۵- ل، س، ق، لی، ل، آ: بداد؛ لن: مداد؛ ق: چنان؛ متن = ف، پ، و، آ، ب (ف نخست بداد داشته است) ۲۶- ل، ق: آرمیده؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۷- س، لی: سایه ور گشت؛ لن، ق، پ، آ، ب: سایه افکند؛ متن = ف، ل، ق، و، ل (و نیز ل، لن، س) ۲۸- ف: این بدان آن بدین؛ ق، آ، پ: آن برین این بران؛ (ل) پاك شده است، ولی گویا برابر ف بوده است؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز لن، س، آ)

به فرجام پیروز<sup>۱</sup> شد بارمان  
 ۱۹۰ یکی خشت زد بر سرین<sup>۲</sup> قباد  
 ز<sup>۳</sup> اسپ اندرآمد نگوسار<sup>۴</sup> سر  
 بشد<sup>۵</sup> بارمان نزد افراسیاب  
 یکی خلعتش داد کاندز جهان  
 چنو<sup>۶</sup> کشته شد<sup>۷</sup>، قارن رزمجوی<sup>۸</sup>  
 ۱۹۵ دو لشکر بسان دو<sup>۹</sup> دریای چین  
 بیامد دمان<sup>۱۰</sup> قارن رزم زن  
 از آواز اسپان و گرد سپاه  
 درخشیدن تیغ<sup>۱۱</sup> الماس گون  
 به گرد اندرون همچو ابری پُرآب<sup>۱۲</sup>  
 ۲۰۰ پر از ناله‌ی کوس شد مغز میغ<sup>۱۳</sup>  
 بهر سو که قارن برافگند<sup>۱۴</sup> اسپ  
 تو گفستی که الماس مرجان فشاند  
 ز قارن چو افراسیاب آن بدید

به میدان جنگ<sup>۱</sup> اندرآمد دمان  
 که بند کمرگاه او برگشاد  
 شد آن شیردل پیر<sup>۲</sup> سالار سر<sup>۳</sup>  
 شکفته دو رخسار<sup>۴</sup> با جاه و آب  
 کس از کهتران<sup>۵</sup> نستد و نزا<sup>۶</sup> مهان  
 سپه را بیورد و بنهاد روی<sup>۷</sup>  
 تو گفستی که شد جنب جنبان زمین<sup>۸</sup>  
 وزان روی<sup>۹</sup> کرسیوز پیلتن<sup>۱۰</sup>  
 نه خورشید تابید<sup>۱۱</sup> روشن، نه ماه<sup>۱۲</sup>  
 شده لعل و<sup>۱۳</sup> آهار داده به خون  
 که شنگرف بارد برو<sup>۱۴</sup> آفتاب  
 پر از آب شنگرف شد جان تیغ<sup>۱۵</sup>  
 همی تافت<sup>۱۶</sup> آهن چو آذرگشسپ  
 چه مرجان، که در کین<sup>۱۷</sup> همی<sup>۱۸</sup> جان فشاند  
 بزد اسپ و لشکر سوی او کشید

۱- لن، لی: فیروز ۲- لی: سبک ۳- س، ق (و نیز لن): سرو؛ من = ده دستویس دیگر (و نیز ل، س، آ) ۴- ل، لی: از ۵- ل-ب (و نیز ل، لن، س، آ): نگونار؛ من = ف ۶- س، ق: مرد ۷- آ (و نیز ل): فر ۸- و: چو شد ۹- س، لن، ق، آ، ل: رخساره؛ من = هفت دستویس دیگر ۱۰- ل، و، ب: مهتران؛ ق: کسی از کهان؛ من = هشت دستویس دیگر ۱۱- ل، س، ق، ق، و، آ (و نیز لن، س، آ): نستد آن از؛ لن، لی، ب: آن ندید از؛ ل، ب: نستند از؛ من = ف ۱۲- ل، ق، لی، پ، و، ل (و نیز ل، لن، آ): چو او؛ من = س، لن، ق، آ، ب (و نیز س، آ) ۱۳- ف: چو کشته شد او ۱۴- س: جنگجوی ۱۵- ل: و شد کینه جوی ۱۶- ل: بگردار؛ ق: بماند؛ ق این بیت را ندارد؛ من = نه دستویس دیگر ۱۷- ف: که شد جم جنبان ازیشان زمین؛ من = بازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۱۸- ف: بر؛ من = ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س، آ) ۱۹- ب: سوی ۲۰- ل، ل، ل: ترکان شدند انجمن؛ من = ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز س، آ)؛ در ق، و بجای این بیت و در ل آ بس از آن چنین آمده است:

وزان روی (و: وزان سوی؛ ل: سرافراز) کرسیوز (و: کرشیوز) رزمجوی (ق: جنگجوی)

ابسا لشکر (و: لشکری) گشن بنهاد روی

۲۱- س، لی: نابنده؛ من ← ۲۲- لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س، آ): نه خورشید پیدا نه نابنده ماه؛ ل این بیت را ندارد؛ من = ف، ق، و (و نیز لن، آ) ۲۳- و: دورخشنده شمیر ۲۴- ل: < و >؛ پ: از؛ لی: ستان های؛ در لن، پ، آ، ب پس از این بیت ۲۰۱ آمده است؛ ل پس از این بیت افزوده است:

زمین قیرگون شد هوا آبنوس شده خیره سر دهر از آوای کوس

۲۵- ل: دریای آب؛ لی: پر عقاب؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ من = نه دستویس دیگر ۲۶- لن، ق، آ، پ، ب: ابر؛ آ: همی ز؛ من = ف، ل، س، لی، و، آ، ل ۲۷- ف: مهر و میغ؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ من = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۲۸- و: روی ۲۹- و، ل: برانگیخت ۳۰- و: رفت؛ در لن، پ، آ، ب این بیت پس از بیت ۱۹۸ آمده است؛ لن، ق در اینجا سرنویس دارند، لن: رزم نوذر با افراسیاب؛ ق: جنگ ایران با ترکان ۳۱- ل: که مرگش؛ ق: که در خون؛ من = ده دستویس دیگر ۳۲- لی: همه؛ ل، ق، ل پس از این بیت افزوده اند:

به آورد گشتن (ل: همی کرد پست و) همی کشت مرد همی جوی خون کرد دشت نبرد

در ق این بیت های ۱۹۴ تا ۲۰۲ درهم ریخته اند: ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۶، ۲۰۱، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲ (بیت ۱۹۵ را ندارد)

بکردند و نامد دل از کین ستوه  
 بیاورد پیش<sup>۱</sup> دهستان سپاه  
 ز<sup>۲</sup> خون برادر شده دل ز جای  
 از آن میژهی<sup>۳</sup> سیر نادیده<sup>۴</sup> خواب  
 ندیدم روان را چُنین سوگوار  
 ترا زین<sup>۵</sup> جهان جاودان<sup>۶</sup> بهره باد<sup>۷</sup>  
 زمین<sup>۹</sup> را جزاز<sup>۱۱</sup> گور<sup>۱۱</sup> گهواره نیست  
 تن پُر هنر مرگ را داده<sup>۱۲</sup> آم  
 که بر کین ایرج زمین<sup>۱۴</sup> بسپرم  
 همان تیغ پولاد نهاده<sup>۱۵</sup> آم  
 سرانجام من هم برین<sup>۱۸</sup> بگذرد  
 به چنگ<sup>۱۹</sup> اندرآورد پور پشنگ  
 از آسودگان خواست<sup>۲۲</sup> چندی<sup>۲۵</sup> سپاه  
 بیامد بنزدیک من جنگجوی<sup>۲۶</sup>  
 که با دیدگانش برابر شدم  
 که با<sup>۲۸</sup> چشم روشن نماند آب و رنگ  
 مرا بازو از کوفتن<sup>۳۱</sup> خیره گشت

یکی رزم، تا شب برآمد ز کوه،  
 ۲۰۵ چو شب تیره شد قارن رزمخواه  
 بر نوذر آمد به پرده سرای  
 ورا دید نوذر فروریخت آب  
 چُنین گفت کز مرگ سام سوار  
 چو خورشید بادا روان قباد  
 ۲۱۰ پرورد و ز مرگ مان<sup>۸</sup> چاره نیست  
 چُنین گفت قارن که تا زاده<sup>۱۲</sup> آم  
 فریلون نهاد این کله بر سرم  
 هنوز آن<sup>۱۵</sup> کمربند نگشاده ام  
 برادر شد آن مرد سنگ و<sup>۱۷</sup> خرد  
 ۲۱۵ انوشه بزی<sup>۱۹</sup> تو که<sup>۲۰</sup> امروز جنگ  
 چو از لشکرش گشت<sup>۲۲</sup> لختی<sup>۲۳</sup> تباه  
 مرا دید با گرزهی گاوروی  
 به رویش بران<sup>۲۷</sup> گونه اندر شدم  
 یکی<sup>۲۸</sup> جادوی<sup>۲۹</sup> ساخت با من به جنگ  
 ۲۲۰ شب آمد جهان سربسر تیره گشت

۱- ل، ق: سوی؛ متن= ده دستویس دیگر؛ پ در اینجا سرنویس دارد: رزم افراسیاب و نوذر بالشکر ۲- ق، و: به ۳- ل، لن، پ، و، آ، ب (و نیز ل، لن، س، آ): مژده؛ س، ق، ق، ل، لی، ل: دیده؛ متن= ف ۴- ق، ل، ل (و نیز ل، ل): سیر ناخورده ۵- ل، ل: در؛ متن= ۶- ف: ترا جاودان زین جهان؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۷- ل: بهره باد؛ و: < بهره باد >؛ ق، ل (و نیز ل، س، آ) پس از این بیت افزوده اند:

جهان را چنین است آیین و سان  
 یکی زو به شادی دگر باغمان  
 ل: یکی زو به شادی دگر باغمان

۸- ل، ق: کزین رزم و ز مرگمان؛ لن، ق، آ، پ، ب: پروردن از مرگشان؛ (س): پرورد و ز مرگشان؛ متن= ف، س، لی، و، آ، ل (و نیز ل، لن، ل، لی، و، لن، آ): از ۹- ل، ق: زمی؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۰- ف: چنان؛ لن، ق، آ، پ، آ، ب: بجز؛ متن= ل، س، ق، لی، و، ل (و نیز ل، لن، س، آ) ۱۱- ف: کوه؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۱۲- س، ق، آ، ب: زنده ام؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۳- س: من بی هنر مر ترا بنده ام (!): ق، ل، ل: همین (ل): همان تیغ پولاد نهاده ام (= ۲۱۳ ب): ق: که بر کین ایرج زمین سپرم (= ۲۱۲ ب): متن= هشت دستویس دیگر ۱۴- ق: زمی؛ و، ل: این بیت را ندارند؛ ق، ل، ل، ب و ۲۱۲ را انداخته و از ۲۱۱ و ۲۱۲ ب يك بیت ساخته است ۱۵- لن (و نیز ل، ل): از ۱۶- ف: دل کینه ور جنگ را داده ام؛ ق، ب: تن پر هنر مرگ را داده ام (= ۲۱۱ ب): و (و نیز لن، ل): این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، س، آ): لن: فولاد؛ ل، ل، ب، ۲۱۱، ۲۱۲، آ را انداخته و از ۲۱۱ و ۲۱۳ ب يك بیت ساخته است؛ در ق، ل، ب و ۲۱۳ پس و پیش شده اند ۱۷- آ: ننگ و؛ ل: سنگی ۱۸- ق: بدین؛ س: سرانجام من بر همین؛ ق: سرانجام بر من همین؛ ل: سرانجام ما هم چنین؛ متن= ف، ل، لن، لی، پ، و، آ؛ در ل این بیت بابت سپین پس و پیش شده است؛ در ب از این بیت تا بیت ۳۶۱ افاده است ۱۹- ل، س، لن، پ، و (و نیز لن، ل): بدی؛ متن= ف، ق، ق، لی، آ، ل (و نیز ل، ل): ۲۰- ق: زانک ۲۱- لن، ق، آ، لی، پ، آ (و نیز س، ل): بتنگ؛ متن= ف، ل، ق، و، ل (و نیز ل، لن، ل): در ف با سه نقطه ۲۲- ق: خاست ۲۳- ل: چندی ۲۴- پ: خواند ۲۵- ل: جنگی ۲۶- و: کینه جوی؛ ق: بنزد من آمده می جنگجوی ۲۷- س، ق، ق، لی، و: بدان؛ آ: بدین؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، لن، پ، ۲۸- و: چنان ۲۹- س: چاره ۳۰- لن، ق، آ، پ، آ (و نیز ل، ل): بر؛ و: در؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، س، ق، لی (و نیز لن، س، آ) ۳۱- ف: مرا بازو از کوفته؛ آ: مرا بازو از دیدگان؛ (لن): مرا بازو از خویشتن؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ل- و (و نیز ل، س، آ؛ لن، پ: بازوی)

هوا زیر خاك<sup>۲</sup> اندرآید همی  
که گرد سپه بود و شب بُد<sup>۵</sup> سیاه

برفتند روز دوم<sup>۷</sup> جنگ جوی  
چنان چون بود ساز جنگ<sup>۸</sup> کیان<sup>۹</sup>  
بزد کوس<sup>۱۰</sup> روین و صف برکشید<sup>۱۱</sup>  
که خورشید گفستی شد اندر نهان<sup>۱۲</sup>  
بیابان بُد هیچ<sup>۱۴</sup> پیدا ز کوه  
چو<sup>۱۷</sup> رود روان خون همی ریختند<sup>۱۸</sup>  
فروریختی خون ز گرد سیاه<sup>۲۰</sup>  
همه خون شدی دشت چون رود آب<sup>۲۲</sup>  
بیامد بنزدیک او رزمخواه<sup>۲۳</sup>  
سنان يك<sup>۲۴</sup> بدیگر برآمیختند<sup>۲۵</sup>  
شهان را<sup>۲۷</sup> چُنین کی بود کارزار<sup>۲۸</sup>  
برو<sup>۳۰</sup> چیره شد دست پور پشنگ  
وژان<sup>۳۳</sup> روی پیگار پیوسته شد<sup>۳۴</sup>

تو گفستی زمانه سرآید<sup>۱</sup> همی  
بیایست<sup>۲</sup> برگشتن از<sup>۴</sup> رزمگاه

برآسوده شد لشکر از هر دو روی<sup>۶</sup>  
رده برکشیدند ایرانیان  
۲۲۵ چو افراسیاب آن سپه را بدید  
چنان شد ز گرد سواران جهان  
دهاده برآمد<sup>۱۲</sup> ز هر دو گروه  
برانسان<sup>۱۵</sup> سپه درهم آویختند<sup>۱۶</sup>  
بهر سو که قارن شدی رزمخواه<sup>۱۹</sup>  
۲۳۰ کجا خاستی گرد<sup>۲۱</sup> افراسیاب  
سرانجام نوذر ز قلب سپاه  
چنان نیزه بر نیزه آویختند<sup>۲۴</sup>  
که بر هم نیچد بران<sup>۲۶</sup> گونه مار  
چُنین تا شب تیره آمد بتنگ<sup>۲۹</sup>  
۲۳۵ ز<sup>۳۱</sup> ایران سپه<sup>۳۲</sup> بیشتر خسته شد

۱- لن، پ: سرآمد ۲- س، لی: ابر؛ لن، ق، آ: هواراز (ق: آ) از ابر؛ پ: هوا خود از ابر؛ ل، آ: ل این بیت را ندارد؛ متن=ف، ل، ق، و ۳- ف: بیاراست؛ ل این بیت را ندارد؛ متن=ل-ل (و نیز ل، لن، آ، س) ۴- ل، ق: گشتن از آن؛ متن=ف، س، لن، ق-آ (و نیز ل، لن، آ، س) ۵- ل، ق، لی، و، آ: شد؛ متن=ف، س، لن، ق، آ، پ ۶- و: سوی؛ ل، ق: برآسود لشکر پس از (ق: از آن) هردو روی؛ س، لن، ق، لی، پ، آ: برآسود (س: بیاسود) پس لشکر از هردو سوی (س، ق: روی)؛ (س: برآسود شب لشکر از هردو سوی)؛ ل این بیت را ندارد؛ متن=ف ۷- ق، و: دگر؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ق: گفتار در کین طلبیدن افراسیاب از ایرانیان؛ ق، آ، لی: جنگ نوذر (لی: و ایرانیان) با افراسیاب؛ پ: جنگ افراسیاب با نوذر دگر بار؛ و: سخن گفتن شاه نوذر با طوس و گتسم؛ ل: هزیمت نوذر از افراسیاب ۸- س، لی: ساز و رزم؛ ل: جنگ و ساز؛ متن=هشت دستنویس دیگر بجز ب ۹- آ: گران؛ ل: گوان ۱۰- و: نای؛ متن= ۱۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: بیامد برابر صفی برکشید؛ متن=ف، ل، ق، ل (و نیز ل) ۱۲- ل: که خورشید گشت از دودیده نهان ۱۳- ل: برآمد دهاده ۱۴- ل، و، ل، آ: ایچ؛ متن=هشت دستنویس دیگر بجز ب ۱۵- لن، ق، آ، پ، آ: از انسان؛ و، ل (و نیز ل)؛ بد انسان؛ متن=ل، ق (و نیز لن، آ، س) ۱۶- ل، ق: بر هم آویختند؛ س، لی: دلیران همی (لی: همه) درهم آمیختند ۱۷- لن: که ۱۸- ل: برانگیختند؛ ل: سنان يك بدیگر برآمیختند (= ۲۳۲)؛ متن=س، ق-آ (و نیز ل، لن، آ، س)؛ ف این بیت را ندارد ۱۹- و: رزمجوی ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: از آن رزمگاه؛ و: ز دریا به جوی؛ ل: ز قلب سپاه؛ متن=ف، ل، ق ۲۱- ل: چوانگیختی اسب ۲۲- ل: برسان آب؛ و: همه دشت از خون شدی رود آب؛ متن=ف، س-ل ۲۳- لن، پ، ل: کینه خواه؛ متن=هشت دستنویس دیگر بجز ب: س، لی پس از این بیت افزوده اند:

چنان شد ز گرد سواران جهان که خورشید گفستی شد اندر نهان

۲۴- ق: آمیختند؛ پ: انداختند؛ و، ل: بر ساختند؛ متن=ف، ل، س، لن، ق، آ، لی، آ ۲۵- لن، پ: برافراختند؛ ق: برآویختند؛ ل: چو رود روان خون همی ریختند (= ۲۲۸)؛ س، ق، آ، لی: که گفستی بهمشان برآمیختند؛ و، ل: که از یکدیگر باز نشانختند؛ متن=ف، آ؛ ل پس از این بیت افزوده است:

دگر ره برآن گونه آویختند سنان يك بدیگر برآمیختند (= ۲۳۲)

۲۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل: از آن؛ و: نیچد بهم بر بران؛ متن=ف، ل، ق، آ ۲۷- لن: کیان را؛ ق: شمارا؛ پ: جهان را ۲۸- پ: جهان را نبود اینچنین یادگار ۲۹- ف، لی، آ (و نیز ل)؛ به جنگ؛ متن=ل، س، لن، ق، آ، پ، و، ل (و نیز لن، آ، س) ۳۰- ف (و نیز ل، لن، آ)؛ بدو؛ متن=ل-ل (و نیز س) ۳۱- ل-ق، آ، پ-ل: از؛ متن=ف، لی ۳۲- آ: ایوان ها (!)؛ (س: ایرانیان) ۳۳- و: از آن ۳۴- بنداری: و عظمت النکایات علی ایرانیه، و ظهرت مبادئ الغلبه للتورانیه

به هامون بر افگنده<sup>۲</sup> بگذاشتند  
 که تاجش از<sup>۳</sup> اختر<sup>۴</sup> پُر از گرد بود  
 بفرمود تا پیش او رفت طوس  
 لبان<sup>۵</sup> پُر ز باد و روان<sup>۶</sup> پُر ز غم<sup>۷</sup>  
 همی گفت چندی و چندی گریست<sup>۸</sup>  
 پُر از خون جگر، لب پُر از بادِ سرد<sup>۹</sup>  
 سپاهی بیاید به ایران زمین  
 بسی بر سپاه تو آید گزند  
 فراز آمد آن روز گردن کشان<sup>۱۰</sup>  
 که چندین سپه کس ز ترکان براند<sup>۱۱</sup>  
 شبستان بیاوردن و آمدن<sup>۱۲</sup>  
 بدان<sup>۱۳</sup> کوه البرز بردن<sup>۱۴</sup> گروه  
 وزین<sup>۱۵</sup> لشکر خویش<sup>۱۶</sup> پنهان روید<sup>۱۷</sup>  
 ازین بدگنش جادوی بدپسند<sup>۱۸</sup> [   
 از آن<sup>۱۹</sup> پس نبندند<sup>۲۰</sup> کین را میان ]  
 بدین<sup>۲۱</sup> خستگی نیز خسته<sup>۲۲</sup> شوند  
 برد جان ازین بی شمار انجمن<sup>۲۳</sup>

به بیچارگی<sup>۱</sup> روی برگاشتند  
 دل نوذر از غم پر از درد بود  
 چو از دشت بنشست آواز<sup>۲</sup> کوس  
 بشد طوس و گسته<sup>۳</sup>م با او<sup>۴</sup> بهم<sup>۵</sup>  
 بگفت این که<sup>۶</sup> در دل مرا درد چیست  
 از اندرز<sup>۷</sup> فرخ پدر یاد کرد  
 کجا گفته بودش که از ترک و چین  
 وزیشان<sup>۸</sup> ترا دل شود<sup>۹</sup> دردمند  
 ز گفتار شاه آمد اکنون نشان  
 کس از نامی نامداران<sup>۱۰</sup> نخواند  
 شما را سوی پارس باید شدن  
 وز آنجا کشیدن سوی رابه کوه<sup>۱۱</sup>  
 از ایدر به راه سپاهان روید<sup>۱۲</sup>  
 [نباید که آید شما را گزند  
 چو گردند<sup>۱۳</sup> آگاه ایرانیان  
 ز کار<sup>۱۴</sup> شما دل شکسته شوند  
 ز تخم فریدون<sup>۱۵</sup> مگر يك دو تن

۱- ل: ییکبارگی ۲- س، لن، ق، لی، پ، آ: پراکنده؛ متن = ف، ل، ق، ول (و نیز ل، لن) ۳- ل- ل (و نیز ل، لن، س): ز؛ متن = ف ۴-  
 لی: گردون ۵- ل، لن، ق، ق، پ، آ، ل: آوای؛ متن = ف، س، لی، و ۶- س، لی، وی ۷- ق: با او بهم گسته ۸- ف: سران؛ متن = ل- ل (و  
 نیز ل، لن، س) ۹- ل: ابروان؛ آ: ورخان؛ متن = ف، س- ول (و نیز ل، لن، س) ۱۰- آ: نم ۱۱- ل، س، لن، لی (و نیز ل): آنک؛  
 ق: آنچ؛ ق، پ، و، آ، ل (و نیز لن): آنکه؛ متن = ف (و نیز س) ۱۲- ل: همی گفت و باهای وهوی او گریست ۱۳- ل: از اندازه ۱۴-  
 ل: کرد ۱۵- ل، س، لن، ق، ل (و نیز ل، لن): ازیشان؛ ق (و نیز س): از ایران (→ ازیرا؟)؛ متن = ف ۱۶- س: شود دل ترا ۱۷- و (و  
 نیز لن) مردم کشان؛ متن = ف- پ، آ، ل (و نیز ل، لن) ۱۸- و (و نیز لن): شهریاران ۱۹- لی: نراند؛ لن، ق، پ: که چندین ز ترکان سپه را  
 براند (ق: نراند)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، س، و، آ، ل ۲۰- ق: نامدن؛ ل: بیاورد و باز آمدن؛ پ در اینجا  
 سرنویس دارد: مشورت کردن نوذر با سران لشکر ۲۱- س، لن، زاوه کوه؛ پ: راه کوه و: رانه کوه؛ (ل، س): دابه کوه؛ بنداری: جبل راهه؛ ل:  
 وز آنجا کشیده سپه را به کوه؛ ق: وز آنجا سپه را کشیدن به کوه؛ ق: وز آنجا شدن تا سوی زاوه کوه؛ متن = ف، لی، آ، ل (و نیز لن)؛ گویا راده کوه درست  
 است ۲۲- ل، س، ق، پ، آ: بران؛ ل: ایر؛ متن = ف، ق، ق، لی، و ۲۳- ق: بودن ۲۴- ل، ق (و نیز ل): از ایدر (ق: وزیدر) کنون زی سپاهان  
 روید؛ س: کنون ایدر از راه شاهان شوید؛ لن، ق، پ، آ (و نیز س): کنون سوی راه (پ: ری و) سپاهان (لن، پ: صفاهان) روید؛ لی: کنون زیدر  
 اندر صفاهان شوید؛ متن = ف، و، ل (و نیز لن) ۲۵- ل: ازین ۲۶- و: گشن ۲۷- لی، پ: شوید ۲۸- ل- پ، آ، ل (و نیز ل، س): این  
 بیت و بیت سپین را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ متن = ف، و (و نیز لن) ۲۹- و (و نیز لن): گشتند؛ متن = ف ۳۰- و (و نیز لن):  
 ازین؛ متن = ف ۳۱- ف، و: بندند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لن): به بندند؛ ل- پ، آ، ل (و نیز ل، س): این بیت و بیت پیشین را ندارند و در ترجمه  
 بنداری هم نیست ۳۲- ق: زکام؛ ل: بکار ۳۳- ل، ق، و، آ، ل: برین؛ لن: بدان؛ لی: وزین؛ پ: بران؛ متن = ف، س، ق ۳۴- ل:  
 بسته ۳۵- ل: که از تخم ایرج ۳۶- بنداری: و أمرهما أن يتوجها الى صوب فارس، و ينطلقا على طريق إصهان يستصحبان الحرم والنساء و ما قدرا  
 عليه من الخزائن، و يصيران الى جبل راهه من جبال البرز. و قال لعله ينجم من آل فریدون اثنان. فانی لم أسمع بمثل هذا العکر الذي خرج الآن من  
 الترك، و أعلم أنه لا قبل لنا بهم. و أمرهما بالرحيل على وجه لا يحس به العسكر لئلا تضعف قلوبهم (= بیت های ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۴۵، ۲۵۱)

<p>يك امشب بکوبيم<sup>۲</sup> دست پسین بجوید<sup>۵</sup> هشیار<sup>۴</sup> کار جهان شود تیره این فر<sup>۸</sup> شاهنشهی، که تا بُد چُنین بود<sup>۱</sup> چرخ بلند یکی با کلاه مهی<sup>۱۳</sup> شادمان طهد یکزمان بازش آسان<sup>۱۶</sup> شود</p>	<p>ندانم<sup>۱</sup> که دیدار باشد<sup>۲</sup> جزین شب و روز دارید<sup>۴</sup> کارآگهان ازین لشکر ار<sup>۷</sup> بد دهند آگهی شما دل مدارید بس<sup>۹</sup> مستمند یکی را به جنگ<sup>۱۱</sup> اندرآرد<sup>۱۲</sup> زمان تن مرده با کشته<sup>۱۴</sup> یکسان شود<sup>۱۵</sup></p>
<p>فروریخت آب<sup>۱۹</sup> از<sup>۲۰</sup> مژه شهریار رخانشان پر آب و روانشان دُرم<sup>۲۳</sup> سدیگر<sup>۲۷</sup> چو بفروخت گیتی فروز به بیچارگی جنگ بایست کرد<sup>۲۹</sup> چو دریای جوشان بُد و جوی آب<sup>۳۰</sup> ابا<sup>۳۲</sup> ناله‌ی بوق<sup>۳۳</sup> و هندی دریای نهادند بر سر ز آهن کلاه<sup>۳۴</sup> کسی را سر اندر نیامد به خواب<sup>۳۶</sup> همه<sup>۳۷</sup> تیغ و ژوپین پیراستند<sup>۳۸</sup> برفتند با گرزهای گران</p>	<p>گرفت آن دو<sup>۱۷</sup> فرزند را در<sup>۱۸</sup> کنار ۲۶۰ بشد طوس و گستههم نوذر<sup>۲۱</sup> بهم<sup>۲۲</sup> وُزان<sup>۲۴</sup> پس<sup>۲۵</sup> بیاسود لشکر دو روز<sup>۲۶</sup> نُبد شاه را روزگار نبرد<sup>۲۸</sup> ابا لشکر نوذر افراسیاب خروشیدن آمد ز پرده‌سرای<sup>۳۱</sup> ۲۶۵ تبیره برآمد ز درگاه شاه به پرده‌سرای رد افراسیاب<sup>۳۵</sup> همه شب همی لشکر آراستند رَمین کوه تا کوه جوشن وران<sup>۳۹</sup></p>

۱-س، لی: برانم ۲-لی: نبود ۳-ل، س، لن، ق، لی، پ، آل (و نیز ل): بکوبیم؛ متن=ف، ق، و (و نیز لن، س) ۴-ف، لن، ل: دارند؛ متن=ل، س، ق، آ ۵-ل: بجوید ۶-ق: بیدار ۷-لن، پ: اگر لشکر از؛ ق: که گر لشکر از ۸-لی: آن فر؛ آ: آیین ۹-س، و، آ: ازین؛ لن: کس؛ متن=ف، ل، ق، ق، لی، پ، ل ۱۰-ل: که باید (→ که تابد) چنین بد ز؛ و: که تا بود این بود؛ متن=ف، س، پ، آل ۱۱-لن، ق، لی، پ، آل: خاک؛ متن=ف، ل، س، ق، و ۱۲-ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، لن، س): اندر آید؛ متن=ف، لن، ق، پ، آل ۱۳-لن، ق، پ، آ (و نیز س): کسی؛ ل (و نیز ل): شمی؛ متن=ف، ل، س، ق، لی، و، ل (و نیز لن): ۱۴-ل، لن، ق، پ، آل: تن کشته با مرده؛ متن=ف، س، ق، لی، و ۱۵-لی: بود ۱۶-س، لی: باز آسان؛ ق: تازیچان؛ آ: بازیچان؛ متن=هفت دستویس دیگر بجز ب؛ ل، ق، پس از این بیت افزوده‌اند:

بدادش مران پندها چون سزید پس از دشت (ق: آن دست) شاهانه بیرون کشید

۱۷-ق: چو بگرفت ۱۸-ل: بر ۱۹-پ: خون ۲۰-ق: <از>؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر وداع کردن شاه نوذر طوس و گستههم را و فرستادن به جانب پارس ۲۱-ل: با او؛ لی، پ، و، ل: و نوذر؛ متن=ف، س، لن، ق، آ ۲۲-ق: با او بهم گستههم ۲۳-ل: رخان پر ز دود و روان پر زغم؛ لن، پ، آل: رخانشان پر از آب و جانشان (أ: لبها؛ ل: روشن) دُرم؛ و: دور خارها پر آب و دل پر زغم؛ متن=ف، س، ق، ق، لی ۲۴-ل: ازان ۲۵-س، لی: سر ۲۶-س، لی (و نیز ل): سه روز؛ متن=نه دستویس دیگر (و نیز لن، س، بنداری: یومین) ۲۷-س، لی (و نیز ل): چهارم؛ متن=نه دستویس دیگر (و نیز لن، س، بنداری: من الیوم الثالث) ۲۸-لن، ق، پ، آل: درنگ؛ متن=ف، ل، س، ق، لی، و ۲۹-لن، ق، پ، آل: کرد بایست جنگ؛ لی: رزم بایست کرد؛ متن=ف، ل، س، ق، و ۳۰-ل، ق: بدو رود آب؛ لی (و نیز ل): برآورده ناب؛ و: بدو سیل آب؛ متن=ف، ل، س، لن، ق، پ، آ: کسی را سر اندر نیامد (ق: نیامد سر اندر) به (لن: ز) خواب (= ۲۶۶) ۳۱-ف، ق، لی (و نیز ل، لن): زهر دوسرای؛ متن=ل، و، ل ۳۲-و: همان ۳۳-ل، ل، ل: کوس؛ متن=ف، ق، لی، و؛ س، لن، ق، پ، آ: این بیت را ندارند ۳۴-ق: ز آهن نهادند بر سر کلاه؛ متن=ف، ل، لی، و، ل: س، لن، ق، پ، آ: این بیت را ندارند ۳۵-لی: نبرده سپاه رد افراسیاب؛ ل: ببرده سرای آمد افراسیاب؛ س، لن، ق، پ، آ: این لت را ندارند؛ متن=ف، ل، ق، و ۳۶-لن: ز خواب؛ لی: چو دریای جوشان برآورده تاب؛ و: سر اندر نیامد کسی را بخواب؛ س، لن، ق، پ، آ ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶ را انداخته و از ۲۶۳ و ۲۶۶ ب یک بیت ساخته‌اند ۳۷-ل، س، ق: همی؛ لن، پ: همان؛ متن=ف، ق، لی، و، آل ۳۸-لن، پ: نیزه پیراستند؛ و: کویال پیراستند؛ در ل بیت های ۲۶۵-۲۶۷ در هم ریخته‌اند: ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷-۳۹ و: نیزه‌وران



ز دریا به دریا کشیدند نخ  
 که با شاه باشد سپه را ستون  
 چو شاپور نستوه بر دست راست  
 بُد کوه پیدا، نه دریا<sup>۷</sup>، نه<sup>۸</sup> دشت  
 زمین زیر اسپان بنالد<sup>۱۲</sup> همی  
 شکست آمد اندر سر مایه‌دار<sup>۱۴</sup>  
 گرفتند<sup>۱۴</sup> ترکان برو<sup>۱۷</sup> چیرگی<sup>۱۸</sup>  
 پراگنده شد هرچه<sup>۲۱</sup> انبوه بود  
 سر بخت ایران سپه<sup>۲۲</sup> گشته شد  
 به سوی دهستان نهادند روی  
 نه بسیار بُد مر سپه را گذار<sup>۲۵</sup>  
 برآمد برین<sup>۲۷</sup> نیز چندی درنگ  
 برو<sup>۲۸</sup> بسته شد<sup>۲۹</sup> راه<sup>۳۰</sup> جنگ سوار<sup>۳۱</sup>،

بُد کوه پیدا، نه ریگ و نه شخ<sup>۱</sup>  
 ۲۷۰ بیاراست قارن به قلب<sup>۲</sup> اندرون  
 چپ شاه<sup>۴</sup> گرد تلیمان<sup>۵</sup> بخواست  
 ز شبگیر تا خور ز گردون<sup>۶</sup> بگشت  
 دل تیغ<sup>۹</sup> گفتی<sup>۱۱</sup> بیالد<sup>۱۱</sup> همی  
 چو شد نیزه‌ها بر زمین<sup>۱۳</sup> سایه‌دار  
 ۲۷۵ چو آمد به بخت اندرون تیرگی<sup>۱۵</sup>  
 بدان<sup>۱۹</sup> سو<sup>۲۰</sup> که شاپور نستوه بود  
 همی بود شاپور تا کشته شد  
 ز<sup>۲۳</sup> انبوه ترکان پرخاشجوی  
 دهستان گرفتند ازیشان<sup>۲۴</sup> حصار  
 ۲۸۰ شب و روز بُد بر گذرهاش جنگ<sup>۲۶</sup>  
 چو نوذر فروهشت پی در حصار،

۱- ل، ق، پ: ز ریگ و ز شخ؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۲- ل، ن، ق، پ: رزم ۳- ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، آ (و نیز ل، ن، س، آ)؛ تا؛ متن = ل، ق، پ، و، ل (و نیز ل، ن، س، آ)؛ بنداری؛ و جعل نوذر یعنی صفوفه؛ فجعل قارن معه فی القلب و تلیمان فی المیرة و سابور فی المیمة (= ۲۷۰-۲۷۱) ۴- آ: دست ۵- ل، س، لی، و، ل: بلیمان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ آ: بلیمان؛ متن = ف، ل، ن، ق، ق، آ، پ (و نیز بنداری) ۶- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، ن، س، آ)؛ گنبد؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، ن، س، آ) ۷- پ: نه هامون؛ و: ز دریا ۸- ف، و (و نیز ل، ن، س، آ)؛ و؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۹- لی: کوه ۱۰- و: گویی ۱۱- ف، پ، و: بالذ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، ق، ق، آ، لی (و نیز ل، ن، س، آ)؛ بالذ؛ س: سالد (نقطه ندارد)؛ ل، ن: بالذ (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = آ، ل (و نیز ل، ن، س، آ) ۱۲- ل، و: سالد (نقطه ندارد)؛ لی: بیالد؛ (ل، ن، س، آ: بالذ)؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ب؛ ق پس از این بیت افزوده است:

نه شب بود پیدا تو گفتی نه روز نهران گشت خورشید گیتی فروز

۱۳- آ: چو شد بر زمین نیزه‌ها؛ ل: چو شد تیرگی بر زمین ۱۴- ل، پ، آ، ل (و نیز ل، ن، س، آ)؛ شکست (پ: شکفت؛ آ: بخاک) اندر آمد سوی (پ: بر؛ آ: ل، ن، س، آ)؛ مایه‌دار؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن، س، آ) ۱۵- آ: چیرگی ۱۶- ل، ن، ق، آ، پ: برفتند ۱۷- ف (و نیز ل، ن، س، آ)؛ پ: بران؛ و (و نیز ل، ن، س، آ)؛ همه؛ متن = ل، س، ق، لی، آ، ل (و نیز ل، ن، س، آ) ۱۸- آ: تیرگی؛ پ در اینجا سرنویس دارد: هزیمت شدن نوذر از افراسیاب ۱۹- ل، ق، آ، پ، و، ل (و نیز ل، ن، س، آ)؛ بران؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، لی (و نیز ل، ن، س، آ) ۲۰- ف: سر؛ ق: سان؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۲۱- ل: ل، ه، ک، ق: هر ج؛ ق: چپ لشکر شاه چون؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۲- ل، ن، ق، پ، و: ایرانیان؛ ق: آن نامور؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، لی، ل (و نیز ل، ن، س، آ)؛ ف، و (و نیز ل، ن، س، آ) پس از این بیت افزوده اند:

وزان سر کجا بد تلیمان گرد نماندند زنده بزرگان و خرد

این بیت در هیچیک از دستویس‌ها دیگر و نیز در ترجمه بنداری نیست ۲۳- س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: از؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۴- ف، ل، ن، پ، آ، ل: ایشان؛ ل: زیشان؛ ق، آ، لی: یکسر؛ (س: ترکان)؛ متن = س، ق، و (و نیز ل، ن، س، آ) ۲۵- ف، و (و نیز ل، ن، س، آ)؛ به سه جای بد مر (و: برید؛ ل، ن، س، آ)؛ پ: برو بسته شد راه جنگ استوار (= ۲۸۱ ب)؛ س: بنبار در بد سه را گذار؛ ل، ن: سه را بنبار برید گذار؛ ق: فرو بسته شد جای جنگی سوار (= ۲۸۱ ب)؛ لی: بنبار بردند سه را گذار؛ آ: سه را بنبار برید گذار؛ ل: سه را بگسار برید گذار؛ (س: بنسار برید سه را گذار)؛ متن = پ ۲۶- ف: کردند پیوسته جنگ؛ پ: بد بر گذرهای جنگ؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۲۷- لی: بدین؛ در ل این بیت پس از بیت ۲۸۲ آمده است ۲۸- ف (و نیز ل، ن، س، آ)؛ بدو؛ ل، ن، ق، آ، پ: فرو؛ متن = ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، ن، س، آ) ۲۹- س: بد ۳۰- ل، ن، ق، آ، پ: جای ۳۱- ل، س، ق (و نیز ل، ن، س، آ)؛ جنگ استوار؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ، و (و نیز ل، ن، س، آ)؛ جنگی سوار؛ متن = ف، آ، ل این بیت را ندارند؛ ل، ق، ۲۷۹ ب و ۲۸۱ آ را انداخته و از ۲۷۹ ب و ۲۸۱ ب يك بیت ساخته اند؛ بنداری (۲۷۷-۲۸۱)؛ و بقی سابور فی خف من أصحابه واقفالایرح، و یرد تلك الحملات الی أن قتل فی موقفه ذلك. فانكشفوا وأحجم نوذر فرد عانه الی دهستان، و تحصن بالبلد. فبقی كذلك اباما یقاتل من وراء الحصار

سواران بیاراست افراسیاب  
یکی نامور ترك را کرد یاد<sup>۲</sup>  
سوی پارس فرمود تا برکشید  
کران<sup>۳</sup> سو بد ایرانیان را بنه  
۲۸۵ چو قارن شنود<sup>۴</sup> آنک<sup>۱۱</sup> افراسیاب  
شد از رشك<sup>۱۱</sup> جوشان و دل کرد تنگ  
که توران شه آن ناجوانمرد مرد  
سوی روی پوشیدگان سپاه  
۲۹۰ شبستان ما گر بدست آورد<sup>۱۵</sup>  
به ننگ اندرون سر شود ناپدید  
ترا خوردنی هست و آب روان  
همی باش و دل را مکن هیچ<sup>۲۱</sup> بد<sup>۲۲</sup>  
بدو گفت نوذر که این رای نیست  
ز بهر بنه رفت گستهم و طوس  
۲۹۵ بدین زودی اندر شبستان رسد

گرفتش ز جنگ<sup>۱</sup> درنگی شتاب<sup>۱</sup>  
سپهبد قراخان<sup>۴</sup> و سه نژاد  
به راه بیابان<sup>۵</sup> سر اندرکشید  
بجوید<sup>۷</sup> بنه مردم بدتنه<sup>۸</sup>  
گسی کرد لشکر به هنگام خواب  
بر نوذر آمد بسان پلنگ  
نگه کن<sup>۱۲</sup> که با شاه ایران<sup>۱۳</sup> چه کرد  
سپاهی فرستاد بی مر به راه<sup>۱۴</sup>  
برین<sup>۱۶</sup> نامداران شکست آورد<sup>۱۵</sup>  
به دم<sup>۱۷</sup> قراخان<sup>۱۸</sup> بیاید کشید<sup>۱۹</sup>  
سپاهی به مهر از بر تو نوان<sup>۲۰</sup>  
که از شهریاران دلیری سزد<sup>۲۱</sup>  
سپاهیت چن<sup>۲۴</sup> لشکر آرای<sup>۲۵</sup> نیست  
بدانگه که برخاست<sup>۲۶</sup> آوای کوس  
کند ساز ایشان چنان چون سزد<sup>۲۷</sup>

۱- ف: گرفتند کار؛ ل: گرفتند جنگ؛ ق، لی (و نیز ل، س، ن، و، آ، ل (و نیز ل، ن، س، پ: گسی کرد لشکر بهنگام خواب (= ۲۸۶ ب)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ درل این بیت پس از بیت ۲۸۰ آمده است ۳- لی: آواز داد ۴- ل، س، ل، ن، ق، پ، و، آ (و نیز بنداری)؛ کروخان؛ (ل، ن): کزوجان → کروخان؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، لی (و نیز ل، س، آ) ۵- ل: سوی بیابان؛ ق: سپاه از بیابان؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ب ۶- ل: که زان ۷- ق (و نیز ل، ن): نجوید ۸- لی، آ (و نیز ل، ن): يك تنه؛ (ل، ن): بی بنه؛ متن = ل - ل - ق، پ، و (و نیز س، آ)؛ ف، ل این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری نیز هست؛ ثم إن افراسیاب نفذ کزوخان بن و سه علی طریق البرية الي فارس فی طلب نساء الایرانية و ذرارهم و خزائهم و أموالهم (= ۲۸۳ - ۲۸۵) ۹- ل، ن، ق، پ، آ: شنید؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و ۱۰- لی، پ، آ: آنکه؛ ل این بیت را ندارد ۱۱- ف: جنگ؛ ق: خشم؛ لی: کرد؛ آ: ننگ؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ)؛ بنداری؛ ولما بلغ الخبر بذلك الی قارن تضرمت نیران غیرته ... ۱۲- ق: نگر تا ۱۳- لی: با نامداران؛ ل، ن در اینجا سرنویس دارد: رفتن قارن از بی کروخان ۱۴- لی: فرستاد لشکر به بی راه و راه ۱۵- ل، س، ق، لی (و نیز س، آ)؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ): ۱۶- لی: بدین ۱۷- ل، ن: بدنب؛ لی: بدشت (→ بدنب) ۱۸- ف: فراخوان؛ س، ل، ن، ق، پ، آ: کروخان؛ ل: کرم خوشان (!)؛ (س، آ): کورخان؛ متن = ل، ق، لی ۱۹- و (و نیز ل، ن): بنگی کزوجان (→ کروخان) شاید کشید ۲۰- ل (و نیز ل، ن): سپاهی به مهر نو دارد روان؛ لی: سپاهی به مهرند با نونوان؛ و، آ (و نیز ل، ن): سپاهی به مهر از بی نونوان (ل، ن): دوان؛ ل: سپاهی به مهر از تو بر تو نوان؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، لی؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ لی پس از این بیت افزوده است:

به دستوری شاه پیروز بخت  
بنازم پس ترك شوریده بخت  
۲۱- ل: ایچ ۲۲- ل، ن، ق، لی، آ: تنگ؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۳- ل، ن، ق، لی، آ: که آسان شود بر تو بر کار جنگ؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

کنون من شوم بر (ق: که تا من شوم در) بی این سپاه  
بگیرم بریشان ز هرگونه راه (ق: پس و پیش راه)  
در ق پس از این بیت ۲۹۰ دوباره آمده است؛ ل، ن، ق، لی، آ پس از بیت ۲۹۳ افزوده اند:  
بکن شیری آنجا که شیری سزد  
که از شهریاران دلیری سزد (= ۲۹۳ ب)  
۲۴- ف، س (و نیز ل، ن): سپاهت جز (ف را نیز میتوان خواند: سپاهیت چن)؛ ل، ق: سپاهت چن؛ ل، ن، ق، لی، پ، و: سه را چوتو؛ آ: بجز تو کسی؛ ل: سپاهت بجز (ل): جز از تو دیگر؛ س، آ: سپاهت و خود)؛ متن تصحیح قیاسی است (و یا: سه چیست چن؛ سه نیست چن؛ سه هیچ چن - ولی چن را در جای هجای بلند نمی آورد و باید همان جز باشد با چون) ۲۵- لی: کس سر آرای؛ بنداری: فلم یستورب نوذر ذلك، و قال لابد لهذا الجمع من مرتب ۲۶- ف: برداشت؛ متن = ل - ل (و نیز ل، ن، س، آ) ۲۷- ق این بیت را ندارد؛ ل، ن، پ، آ بجای این بیت افزوده اند:  
رسیدند اندر (آ: پس در) شبستان باز (آ: فراز)  
یلان و بزرگان گردن فرزاز

نشستند برخوان و می خواستند  
 پس آنگه سوی خان قارن شدند  
 سخن را فگنند هرگونه بُن  
 ۳۰۰ که ما را سوی پارس<sup>۶</sup> باید کشید<sup>۷</sup>  
 چو پوشیده رویان ایران<sup>۱۱</sup> سپاه  
 زن و زاده در بند<sup>۱۲</sup> ترکان شود<sup>۱۳</sup>  
 که گیرد بدین<sup>۱۵</sup> دشت نیزه بدست؟  
 زمانی دل از غم<sup>۲</sup> پیراستند<sup>۳</sup>  
 همه دیده چون ابر بهمن شدند<sup>۴</sup>  
 بران<sup>۵</sup> برنهادند یکسر سخن  
 نباید بدین<sup>۸</sup> رای هیچ آرمید<sup>۹</sup>  
 اسیران شوند از بد<sup>۱۱</sup> کینه خواه  
 اسی<sup>۱۴</sup> جنگ دل پُر ز پیکان شود<sup>۱۳</sup>  
 کرا باشد آرام و جای نشست<sup>۱۶</sup>؟  
 چو شیروی<sup>۱۷</sup> و کشواد و قارن بهم  
 ۳۰۵ چو نیمی گذشت از شب دیرباز<sup>۱۸</sup>  
 بدین روی دزدار<sup>۲۲</sup> بد<sup>۲۱</sup> گزدهم<sup>۲۳</sup>  
 وزان<sup>۲۵</sup> روی<sup>۲۶</sup> دز<sup>۲۷</sup> بارمان<sup>۲۸</sup> با سپاه  
 کزو قارن رزم زن خسته بود  
 زدند اندرین<sup>۱۸</sup>، رای بر بیش و کم<sup>۱۹</sup>  
 دلیران به رفتن گرفتند ساز<sup>۲۰</sup>  
 دلیران بیدار<sup>۲۴</sup> با او بهم  
 ابا<sup>۲۹</sup> پیل و گردان<sup>۳۰</sup> نشسته به راه  
 به خون برادر کمر بسته بود<sup>۳۱</sup>

۱- پ: نشستند و یکدم می خواستند ۲- س: غم از دل؛ لن: زغم دل؛ ۳- آ: زمانی به می غم زدل کاستند؛ ق: این بیت را ندارد ۴- ق: این بیت را ندارد؛ و پس از این بیت افزوده است:

بسی گفته راندند از هر دری فرزدند اندیشه هر سری  
 ۵- ف، ق (و نیز لن): بدان؛ متن = ل، س، لن، ق، ل (و نیز ل، س) ۶- آ: فارس ۷- و: شدن ۸- ل، س، ق، پ، ل: برین؛ متن = ۹- ل: جایگاه آرمید؛ و: جزین هیچ رای نیاید زدن؛ متن = ف، لن، ق، ل، آ ۱۰- آ: به ایران ۱۱- لن، پ: بر ۱۲- و: دردست ۱۳- س: بود؛ لن، ق، ل، پ، آ: شوند؛ ل، ق: این بیت را ندارند؛ متن = ف، و، ل ۱۴- پ، آ: ابا ۱۵- و، آ: برین ۱۶- ل: آرام جای ونست؛ ق: کرا بر بود جای آرام ونست (!)؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۷- ل- ل (و نیز ل، لن، س): شیدوش؛ متن = ف ۱۸- ل، ق: اندران؛ متن = ۱۹- ل: دلیران بیدار با او بهم (= ۳۰۶)؛ متن = هشت دستویس دیگر بجز ب؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر رفتن قارن از نزدیک نوذر بجانب پارس و گرفتار شدن نوذر بر دست افراسیاب؛ ق: کشته شدن بارمان در نبرد قارن و رفتن قارن به پارس؛ ق: گرفتار شدن نوذر بر دست افراسیاب ۲۰- ق: دیرباز ۲۱- ف: دلیران بیدار با او برآز (= ۳۰۶)؛ ق: این بیت را ندارند؛ متن = ل، س، لن، ق، ل، پ، و، آ ۲۲- پ: شد ۲۳- لن، و، آ: دزبان بدو گستم (لن: گزدهم)؛ ل: بگفتند شد طوس با گستم؛ متن = ل، س ۲۴- ل: بسیار؛ ق: این بیت را ندارند؛ ف ۳۰۵ و ۳۰۶ را انداخته و از ۳۰۶ و ۳۰۵ ب، ۳۰۶ را انداخته و از ۳۰۴ و ۳۰۶ ب یک بیت ساخته است؛ ل: این بیت دو بیت افزوده است (= ۳۰۶)؛ ل: بدان ۲۶- لن: <روی> (وزن نادرست است) ۲۷- لن، ل: در ۲۸- ل، ل: و؛ متن = ف، س، لن، ق، آ ۲۹- و: خود و ۳۰- ل: کوس و پیلان؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کاره افزوده اند؛ پ: پس از این بیت پنج بیت و لی تنها دو بیت پسین آنرا پس از بیت پیشین افزوده اند:

بگفتند شد طوس با گستم  
 بدانست بدگوهر افراسیاب  
 که هنگام کوشش ندارند پای  
 همانگه بشد قارن رزم زن  
 چو بیرون شد از شهر پویان براه (لی: به بیرون شد از شهر آن نیکخواه)

۳۱- ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کاره افزوده اند و در متن بجای این بیت و بیت پیشین افزوده است:

سپه را گذر بود بر بارمان  
 پس او برفتند گردان اوی  
 چو آگاه شد بارمان دلیر  
 چو قارن مرو را چنان تیز دید  
 سوی راه شد قارن آنگه دمان  
 سوی پارس بنهاد یکباره روی  
 به پیش اندر آمد بکردار شیر  
 شکار دل شیر خون ریز دید

۳۱۰ برآویخت چون شیر با بارمان  
 یکی نیزه زد بر کمر بند او<sup>۱</sup>  
 سپه يك بیک<sup>۵</sup> دل شکسته شدند  
 سپهبد سوی پارس<sup>۶</sup> بنهاد روی  
 چو بشنید نوذر که قارن برفت  
 همی تاخت کز روز بد بگذرد  
 ۳۱۵ چو افراسیاب آگهی یافت زوی<sup>۱۲</sup>  
 سپاه انجمن کرد و پویان برفت  
 چو تنگ اندر آمد<sup>۱۵</sup> بر<sup>۱۶</sup> شهریار  
 بدانسان<sup>۱۸</sup> که آمد همی جست راه  
 شب تیره تا شد<sup>۲۰</sup> بلند آفتاب  
 ۳۲۰ ز گرد دلیران<sup>۲۱</sup> جهان تار شد  
 خود و نامداران هزار و دوست  
 بسی راه جستند و بگریختند<sup>۲۴</sup>  
 چنان<sup>۲۶</sup> لشکری را گرفته به بند<sup>۲۷</sup>  
 اگر با تو گردون نشیند به راز  
 ۳۲۵ همو<sup>۳۲</sup> تاج و تخت<sup>۳۳</sup> و<sup>۳۴</sup> بلندی دهد

سوی چاره جستن<sup>۱</sup> ندادش زمان<sup>۲</sup>  
 که بگسست پی ها و<sup>۳</sup> پیوند او<sup>۴</sup>  
 همه يك ز<sup>۵</sup> دیگر گسسته شدند  
 ابا نامور لشکری<sup>۶</sup> جنگ جوی  
 دمان<sup>۹</sup> از پیش<sup>۱۰</sup> روی بنهاد تفت<sup>۱۱</sup>  
 سپهرش مگر زیر پی نسپرد  
 که سوی بیابان نهاده ست<sup>۱۲</sup> روی  
 دمان از پس او همی تاخت تفت<sup>۱۴</sup>  
 همش تاختن دید<sup>۱۷</sup> و هم کارزار  
 که یا سر برد یا برآرد کلاه<sup>۱۹</sup>  
 همی گشت با نوذر افراسیاب  
 سرانجام نوذر گرفتار شد  
 تو گفستی که شان بر زمین<sup>۲۲</sup> راه<sup>۲۳</sup> نیست  
 به دام بلا هم درآویختند<sup>۲۵</sup>  
 بیاورد<sup>۲۸</sup> با شهریار<sup>۲۹</sup> بلند  
 هم از گردش او<sup>۳۰</sup> نیابی جواز<sup>۳۱</sup>  
 همو<sup>۳۵</sup> تیرگی و نژندی دهد

۱- ل: چاره خود؛ متن = ف، س- ل ۲- ق، پ: امان؛ پ پس از این بیت سرنویس دارد: کشته شدن بارمان بر دست قارن ۳- ل، س، لی: او؛ متن = هشت دستویس دیگر ۴- ف، ل، ق، و: پهنای (ق، و: پهنای)؛ ل، ن، ق، ل، لی، ل: بنیاد و؛ پ، آ: خفتان و؛ (ل: بکاره؛ ل، ن: همه بندو؛ س: پی هاز)؛ متن = س (و نیز س: پی هاز)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

نگون اندرآمد ز پشت ستور شده تیره زو چرخ و تابنده هور

۵- ل، ن، ق، پ، آ، ل: سربر؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و ۶- آ: به ۷- ق، آ: فارس ۸- ف، ل، ن، ق، پ، ل: لشکر؛ و: همان لشکر نامور؛ متن = ل، س، ق، لی، آ (و نیز ل، س) ۹- ق: سبک؛ متن ← ۱۰- ل، ق: پیش؛ متن ← ۱۱- ل، ق، پ: بنهاد و تفت؛ ل، ن، ق: چوشیر از پیش روی بنهاد تفت؛ متن = ف، س، لی، و، ل: آ این بیت را ندارد ۱۲- ق: آ زوی ۱۳- ل، ق، آ: نهادند؛ پ این بیت را ندارد ۱۴- ل، س، ق، لی (و نیز ل): چوشیر از پیش روی بنهاد (ل، لی، ل: بنهاد) تفت؛ ل، ن، ق، و، آ (و نیز ل، ن): دمان از پیش روی بنهاد (ل، ن: بنهاد) تفت؛ ل: چوشیر از پس شاه یازید تفت؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف ۱۵- پ: چودشمن برآمد ۱۶- ل، ن، ق، و، آ، ل (و نیز ل، ن، س): پس؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = ل، س، ق، لی، پ ۱۷- پ: بود ۱۸- ل: براهی؛ س، ق، ل، آ: برانسان؛ ق: بدان ره؛ پ: بدانگه؛ متن = ف، ل، لی، و، آ ۱۹- ل، س، ق، ق، لی، پ، و، آ، ل (و نیز س): که تا بر سر آرد سری (س: سرش؛ ق، پ، ل: سر) با (ل، ق، پ، و، ل: بی) کلاه؛ ل: که تا بر سر آید سری بی کلاه؛ (ل، ن): که تا سر برآرد سری بی کلاه؛ متن = ف؛ در پ بیت های ۳۱۱ تا ۳۱۸ دهم ریخته اند: ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶ را ندارد؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، ل، ن، ق، لی، پ: گرفتار شدن نوذر بر (پ: در) دست افراسیاب؛ ل: گریختن نوذر و لشکریان و گرفتار شدن ایشان ۲۰- ق، آ، ل: باشد ۲۱- ل، ق: سواران؛ متن = ف، س، ل، ق، آ، ل ۲۲- پ: جهان ۲۳- ل، ل، ن، ق، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز ل): جای؛ متن = ف، س، لی، و (و نیز ل، س): نگریختند ۲۴- لی: نگریختند ۲۵- ل، لی، و (و نیز ل): هم برآویختند؛ س، ق، ق، آ، پ: برنیایویختند؛ ل، ن: درنیایویختند؛ آ: هم بیاویختند؛ (ل، ن، س): برهم آویختند؛ متن = ف، ل ۲۶- ل، ن: همان ۲۷- ق: گرفته چنان لشکری را به بند ۲۸- ق: ببردند ۲۹- ل، ق، آ، پ- ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س): شهریار؛ متن = ف، لی ۳۰- ف: گردش تو؛ متن ← ۳۱- ل، ن، ق، آ، پ، و، آ (و نیز ل، ن): نیابی هم از گردش او جواز؛ متن = ل، س، ق، لی، ل (و نیز ل، س، آ) ۳۲- لی: جواز؛ پ: همه ۳۳- ف: تخت و تاج؛ متن = ل- ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۳۴- ل، س، ل، ن، ق، لی، آ (و نیز ل، ن): < و؛ متن = ف، ق، پ، و، ل (و نیز ل، س، آ) ۳۵- پ: همه

گهی مغز یابی ازو گاه پوست<sup>۲</sup>  
سرانجام خاکست ازو جایگاه

که از غار و کوه<sup>۵</sup> و بیابان و<sup>۶</sup> آب  
رهایی نیابد ازین<sup>۷</sup> انجمن  
ز کار شبستان برآشفته بود،  
که دل سخت گردان به مرگ پسر  
پلنگ<sup>۱۱</sup> از شتابش درنگ آورد<sup>۱۲</sup>  
یکی لشکری ساخته پرهنر  
ابا لشکری نامور<sup>۱۴</sup> کینه‌خواه  
گرامیش<sup>۱۶</sup> را کشته افکنده دید  
بسی نیز با او<sup>۱۷</sup> فگنده به راه<sup>۱۸</sup>  
چو<sup>۲۰</sup> لاله کفن، روی چون سَنَدروس  
که آمد به پیروزی<sup>۲۱</sup> و فرهی  
گسی کرد<sup>۲۲</sup> و خود رفت گیتی فروز<sup>۲۳</sup>

به دشمن همی ماند و هم<sup>۱</sup> به دوست  
سرت گر بساید به<sup>۲</sup> ابر سیاه

وُزان<sup>۴</sup> پس بفرمود افراسیاب  
بجویند تا قارن رزم زن  
چو بشنید کو پیش ازین<sup>۸</sup> رفته بود،  
چنین گفت با وِسه پس نامور<sup>۹</sup>  
که چون قارن کاوه جنگ<sup>۱۱</sup> آورد  
ترا رفت باید به پشت پسر<sup>۱۳</sup>  
بشد وِسه سالار توران سپاه  
از آن پیشتر تا به<sup>۱۵</sup> قارن رسید  
دلیران و گردان توران سپاه  
دریده درفش و نگوسار<sup>۱۹</sup> کوس  
ز وِسه به قارن رسید، آگهی  
ستوران تازی سوی نیمروز

۳۳۰

۳۳۵

- ۱- ف: ماند او گه؛ ق: ماندم هم؛ ل: ستاند ز دشمن نماند؛ متن= ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ (و نیز لن، س، آ) ۲- لن، ق، لی، پ، آ: ازومغز  
یابی گهی گاه پوست؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ل (و نیز ل، لن، س، آ) ۳- لن، پ، و، آ: بر؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، ل، آ: از آن ۴-  
ف: که از کوه و غار؛ لن، ق، لی، پ: کز آغاز کوه (→ که از غار و کوه)؛ و (و نیز لن، آ): که در غار و کوه؛ متن= ل، س، ق، لی، آ، ل (و نیز ل، س، آ) ۵-  
ف: < و > ۶- لن: کس از؛ ق، لی، پ، آ: از آن؛ و: سر نامداران آن؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، پ، ل، آ؛ و پس از این بیت افزوده است:  
کجا رفت ازین سهمگن رزمگاه که پیشم نیاید به تن کینه‌خواه  
۷- ل، ق، لی: از آن؛ و: یکی گفت قارن به شب؛ ل: چو بشنید شب را که وی؛ متن= ف، س، لن، ق، لی، پ؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:  
غمی گشت از آن کار افراسیاب ازودور (ق، پ: بروتلخ) شد خورد و آرام و خواب  
که قارن رها یافت از وی به جان بران (پ: از آن) درد پیچید و شد بدگمان  
۸- ل، ق، پ، و، آ: وِسه نامور؛ لی: چنین گفت پس وِسه را نامور؛ متن= ف، س، لن، ق، لی، پ، آ: قارن گرد جنگ؛ ل: قارن او را  
به جنگ؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- ف، ل: به جنگ؛ متن= ل- آ (و نیز ل، لن، س، آ) ۱۰- آ: پلنگ از شبستان درنگ آورد؛ ل: به جنگ  
از ستانش پلنگ آورد؛ (ل: پلنگ از ستانش درنگ آورد) ۱۱- ل، ق: بیسه کمر؛ س: زدم پسر؛ لن، ق، لی، پ، آ: ز بهر پسر؛ لی، ل (و نیز س، آ): به  
پیش پسر؛ متن= ف، و (و نیز ل، لن، آ)؛ در س پس از این بیت یکبار بیت های ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ آمده و سپس باز از نو از بیت ۱۳ آغاز کرده است ۱۲-  
لن، ق، آ: ابا او یکی لشکر (ق: لشکری)؛ پ: ابا نامور لشکری؛ آ: همان نامور لشکر؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ پ پس از این بیت سرنویس دارد:  
رفتن وِسه از بی قارن و پسر خود را بارمان کشته یافتن ۱۳- لی، و، آ: کوبه؛ ل: از آن پس چو در کار؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۴- ل: گرامی  
پسر ۱۵- ق: وی؛ متن= ۱۶- ل: برافکنده راه؛ لن: ابا او یکی لشکری کینه‌خواه؛ ق: برفتند تادشت آوردگاه؛ آ: همان نامور لشکر کینه‌خواه؛  
لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، س، پ، و؛ در س، لن، پ، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است و لن، پ، آ پس از آن و ق پس از بیت ۱۳  
افزوده‌اند:

روان گشته با او چو ابر روان فزاده ازو شور اندر جهان (ق: شوری اندر گوان)

- ۱۹- ل- ل (و نیز ل، س، آ): نگونار؛ متن= ف (و نیز لن، آ) ۲۰- پ، ل، آ: ز؛ در س، لن، پ، آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است  
۲۱- لن، لی، پ، و: پیروزی؛ در ق بیت های ۲۲ تا ۲۳ درهم ریخته‌اند: ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، فرستاد؛ متن= نه  
دستنویس دیگر بجز ۲۳- و: سالار گیتی فروز؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

ز درد پسر وِسه جنگ جوی سوی پارس چون باد بنهاد روی

- ۳۴۰ چُن<sup>۱</sup> از پارس لَشکَر<sup>۲</sup> به هامون کشید<sup>۳</sup>  
 ز گرد اندرآمد<sup>۴</sup> درفش سیاه  
 رده برکشیدند از<sup>۵</sup> هر دو روی  
 ز قلب سپه و سه آواز داد  
 ز قَنُوج تا مرز کاولستان<sup>۶</sup>  
 ۳۴۵ همه<sup>۷</sup> سربسرباگ در چنگ<sup>۸</sup> ماست  
 کجا یافت خواهی تو<sup>۹</sup> آرام گاه  
 چُنین داد<sup>۱۰</sup> پاسخ که من فارنم<sup>۱۱</sup>  
 نه از بیم رفتم، نه از گفت و گوی<sup>۱۲</sup>  
 چو از کین او دل پرداختم  
 ۳۵۰ برآمد چپ و راست گرد سیاه  
 سپه<sup>۱۳</sup> یك به دیگر برآمیختند<sup>۱۴</sup>  
 بر و سه شد قارن رزمجوی  
 فراوان ز جنگاوران کشته شد  
 چو بروسه آمد از<sup>۱۵</sup> اختر<sup>۱۶</sup> شکن  
 ز دست چپش لَشکر آمد پدید<sup>۱۷</sup>  
 سپهدار ترکان<sup>۱۸</sup> به پیش<sup>۱۹</sup> سپاه  
 برفتند گردان پرخاشجوی  
 که شد تاج<sup>۲۰</sup> و تخت بزرگی به باد  
 همان تا در بُست و<sup>۲۱</sup> زاولستان<sup>۲۲</sup>  
 بر<sup>۲۳</sup> ایوانها نقش نیرنگ<sup>۲۴</sup> ماست  
 از آن پس کجا شد گرفتار شاه  
 گلیم<sup>۲۵</sup> اندر آب روان ننگم<sup>۲۶</sup>  
 به پیش<sup>۲۷</sup> پسر<sup>۲۸</sup> آمدم جنگجوی<sup>۲۹</sup>  
 کنون کین و جنگ<sup>۳۰</sup> ترا ساختم  
 نه روی هوا ماند روشن نه ماه  
 چو رود روان خون همی ریختند  
 از و<sup>۳۱</sup> و سه در جنگ برگاشت روی  
 به<sup>۳۲</sup> آورد چون و سه<sup>۳۳</sup> برگشته<sup>۳۴</sup> شد  
 نرفت<sup>۳۵</sup> از پیش قارن رزم زن

۱- ل- ل (ونیز ل، لن، س): چو؛ متن= ف ۲- ل، ق: قارن؛ متن= نه دستویس دیگر بجز ب ۳- پ: رسید ۴- ق، پ: آ: زدست (پ: دشت) چپش گردی (ق: گزوی) آمد پدید ۵- لن، ق، آ: برآمد از آنجا ۶- لی (ونیز ل، س): و سه؛ آ: توران ۷- ف: و پشت؛ (لن: ز پیش)؛ متن= ل- ل (ونیز ل، س) ۸- ل، س، ق، لی: بر؛ متن= ف، لن، ق، پ، و، آل ۹- ف: نام؛ متن= ل- ل (ونیز ل، س): در پ بیت های ۳۳۵ تا ۳۴۳ در هم ریخته اند: ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۶، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۳، ۱۰- ف- ل (ونیز ل، لن، س): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱- لن، پ: همان نیز غزین و ۱۲- ف- و، ل (ونیز ل، لن، س): زابلستان؛ متن= آ ۱۳- و: جهان ۱۴- لی، آ: دست ۱۵- س، لی: در ۱۶- ل: نقش و نیزنگ؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، آ (ونیز ل، لن، س): نقش اورنگ (ل: تخت نقش نیرنگ داشته است)؛ ل: نیز نیرنگ؛ متن= ف، س، ق ۱۷- ل: کجا جنت خواهی از؛ ق پس از این بیت افزوده است:

به و سه چنین گفت فارن که بس  
 زمانه چو تنگ آمدش کار بود  
 چنین است فرجام گردان سپهر  
 اگر شاه نوذر گرفتار شد  
 5 شما را همان روز پیش آورد  
 به قارن چنین گفت بدخواه بخت  
 فریب زمانه نگشتت بس  
 ندارد غم و درد و تبار سود  
 بخواهد برید از تو بکروز مهر  
 نه گردون گردنده بی کار شد  
 وزین تیزی او خوی خویش آورد  
 ربود از شما تاج و دیهیم و تخت

۱۸- ق: یافت ۱۹- ل: که تا من زرم (!) ۲۰- لی: که سهم ۲۱- ل، س، لن، ق، آ (ونیز ل، س): افکنم؛ ق: بفکنم؛ ل: بفکنم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= ف (ونیز لن) ۲۲- ل: گفت گوی ۲۳- لن، ق، لی، پ، آ: بوی؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ل ۲۴- ل: کینه جوی؛ متن= ف، س- ل ۲۵- لی: جنگ و بند؛ پ، آ: جنگ و کین؛ و: جنگ و رزم؛ متن= هفت دستویس دیگر بجز ب، ف، و (ونیز لن) پس از این بیت افزوده اند:

چنانست فرستم به دنبال اوی  
 که آگه شوی زود از (لن: ز) احوال اوی  
 ۲۶- س، لن، ق، لی، پ، آ: سیک؛ ل: همی؛ متن= ف، ل، ق، و، ۲۷- ل، ق، و، آ (ونیز ل): برآویختند؛ ق: درآویختند؛ متن= ف، س، لن، لی، پ، ل (ونیز لن، س) ۲۸- ل: آزان ۲۹- لن، ق، آ: ز؛ ق: بر؛ لی، ل: در؛ آ: از؛ پ، و این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، س (ونیز س) ۳۰- ل: بخت؛ لی: آورد که و سه ۳۱- ل، لی (ونیز س): سرگشته؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، ل ۳۲- ل، لن، ق، لی، و، آل: ز؛ پ این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، ق ۳۳- آ: قارن ۳۴- ف، ل، س، لن، لی، ل (ونیز ل، لن، س): برفت؛ ق: بشد؛ متن= ق، و، آ

۳۵۵ بشد و سه تا پیش<sup>۱</sup> افراسیاب ز درد پسر میزه و رخ پرآب<sup>۲</sup>

### گفتار اندر داستان شماساس<sup>۲</sup>

کسانی که<sup>۴</sup> از شهر ارمان<sup>۵</sup> شدند  
شماساس<sup>۸</sup> کز<sup>۹</sup> پیش جیحون برفت  
خزیران<sup>۱۱</sup> و آن<sup>۱۲</sup> تیغ زن سی هزار<sup>۱۳</sup>  
برفتند بیدار تا<sup>۱۴</sup> هیرمند  
۳۶۰ ز بهر پدر زال با سوگ و درد  
به شهر اندرون گرد مهراب بود  
فرستاده‌ی آمد از نزد<sup>۲۳</sup> اوی  
به پیش سراپرده آمد فرود  
که بیدار دل شاه توران سپاه  
۳۶۵ ز ضحاک تازی ست ما را نژاد  
به<sup>۲۹</sup> پیوستگی<sup>۳۰</sup> جان خریدم همی  
کنون این سرای<sup>۳۳</sup> نشست من ست

به کینه سوی زاولستان<sup>۷</sup> شدند  
سوی سیستان روی بنهاد<sup>۱۱</sup> تفت  
ز ترکان بزرگان<sup>۱۴</sup> خنجرگزار<sup>۱۵</sup>  
ابا گرز و با تیغ<sup>۱۷</sup> و بخت<sup>۱۸</sup> بلند<sup>۱۹</sup>  
به گورابد<sup>۲۰</sup> اندر<sup>۲۱</sup> همی دخمه کرد  
که روشن روان بود و بی خواب<sup>۲۲</sup> بود  
به سوی شماساس<sup>۲۴</sup> بنهاد روی  
ز مهراب دادش فراوان<sup>۲۵</sup> درود  
بماناد تا جاودان با کلاه<sup>۲۶</sup>  
بدین پادشاهی نیم<sup>۲۷</sup> سخت<sup>۲۸</sup> شاد  
جز آن<sup>۳۱</sup> نیز چاره<sup>۳۲</sup> ندیدم همی  
همه<sup>۳۴</sup> زاولستان<sup>۳۵</sup> به دست من ست

۱- س، ق، و، آ: تانزد؛ لی: نزدیک؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ ۲- ل، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>): مژه کرده پرآب؛ س، ق، آ: دیدگان پرآب؛ لن، لی، پ، آ: دیدگانش پرآب؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): هر دو دیده پرآب؛ (س<sup>۲</sup>: مژه و رخ پرآب)؛ متن = ف ۳- ف: گفتار اندر داستان شماساس که به زابلستان رفته بود و حیلت کردن شاه مهراب با او و شکستن او را؛ س: رفتن شماساس و خروران به زابلستان به جنگ زال؛ لن: پیغام مهراب بنزدیک شماساس؛ ق، ق<sup>۲</sup>: داستان شماساس و خروران با مهراب و زال؛ لی: پیغام مهراب کابل نزد شماساس؛ پ: رسیدن شماساس به زابلستان؛ و: گفتار اندر رسیدن خروران و شماساس به سیستان؛ آ: داستان شماساس و خروران با زال زره؛ ل<sup>۴</sup>: صفت شماساسی به زابلستان؛ متن = آغاز ف ۴- ل، س، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، آ: و دیگر که؛ لی (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): سپاهی که؛ ل<sup>۵</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>): دگر آنک؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ف ۵- ل، ق: از راه کرمان (ق: رزمان)؛ لی: از شهریاران؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ، آ، ل<sup>۶</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بدنند ۶- س: بدنند ۷- ف، ل، س، لن، ق، آ، ل<sup>۷</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): زابلستان؛ متن = ق (و نیز بنداری) ۸- ل<sup>۸</sup>: شماساس ۹- ق: از ۱۰- ف، ل، پ (و نیز س<sup>۲</sup>): بنهاد؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ در لی این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۱۱- ل، آ: خروران؛ س: خرورای؛ لن (و نیز س<sup>۲</sup>): خروران؛ ق، ق<sup>۲</sup>، و: خروران؛ لی: خرووران؛ پ: خروزان؛ (لن<sup>۲</sup>: خروشان؛ بنداری: خزیران)؛ متن = ف ۱۲- ل، لن، ق، آ، پ، و، آ: ابا؛ ل<sup>۱۳</sup>: چو خراوز؛ متن = ف، س، لی (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۳- ف: صد هزار؛ متن = ل- ل<sup>۱۴</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ و نیز پیش ازین بنداری: نلثین ألفا؛ ← بیت ۱۲۵) ۱۴- و: سواران و ترکان؛ ل<sup>۱۵</sup>: ز ترکان و مردان ۱۵- ف، ل: خنجرگذار؛ متن = س- ل<sup>۱۶</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ در لی این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۱۶- ف: شادان بر؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): هشیار تا؛ متن = ل- پ، آ، ل<sup>۱۷</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ابا تیغ و با گرز؛ متن = ف، س، لی، ل<sup>۱۸</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۸- ف، ل، لن، ق، لی، آ، ل<sup>۱۹</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): تخت؛ س، ق<sup>۲</sup>: نخت (حرف بکم نقطه ندارد)؛ متن = پ ۱۹- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): ابا تیغ و گرز و کمان و کمند ۲۰- ل، لن، و، ل<sup>۲۰</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>): گوراب؛ س، لی، پ، آ (و نیز س<sup>۲</sup>): گورابه؛ متن = ف، ق، ق<sup>۲</sup>؛ بنداری: کورابذ ← منوچهر، بیت ۱۵۴۷) ۲۱- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): دزد ۲۲- ل: خوش خواب (!)؛ متن = ف، س- ل<sup>۲۳</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ب پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۲۳- ف: پیش؛ متن = ل- ل<sup>۲۴</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۴- ل: شماساس ۲۵- ل: مرورا؛ این بیت را ندارد ۲۶- ف: با سپاه؛ ق: تا جاودانش کلاه؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۷- ف، آ، منم؛ (ل<sup>۲</sup>: شدم)؛ متن = ل- و، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۸- ل: نیسیم (وزن نادرست است) ۲۹- پ: ز ۳۰- و: پیوند من ۳۱- لن، ق، پ، آ: جزین؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۲- ف: چاره دیگر؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): روی چاره؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۳- ل، لن، ق، لی (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): سرای و؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۳۴- ل، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>): همان؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۳۵- ف، س، لن، ق، آ، ل<sup>۳۶</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): زابلستان؛ و: کابلستان؛ متن = ل، ق (و نیز س<sup>۲</sup>)

ز بهر ستودان سام سوار<sup>۲</sup>  
برآنم که هرگز نبینم<sup>۱</sup>ش روی<sup>۱</sup>  
بدان تا فرستم هیونی<sup>۷</sup> دوان<sup>۸</sup>  
فرستم بنزدیک افراسیاب<sup>۹</sup>  
سخن های گوینده<sup>۱۱</sup> کوتاه شود<sup>۱۲</sup>  
جز آن<sup>۱۵</sup> نیز هرچ<sup>۱۶</sup> ازدر<sup>۱۷</sup> پادشاست<sup>۱۸</sup>  
جز از<sup>۲۱</sup> پیش تختش نباشم به پای<sup>۲۱</sup>  
همیشه دل ارمیده دارم بدوی<sup>۲۲</sup>  
فرستم<sup>۲۵</sup> هرگونه آگنده<sup>۲۶</sup> گنج

وزان سر<sup>۳۱</sup> سوی<sup>۳۲</sup> چاره یازید دست<sup>۳۳</sup>  
که پرنده شو، بازکن پر و بال  
بگوش که از آمدن سر مخار  
ز<sup>۳۷</sup> ترکان سپاهی چودستی<sup>۳۸</sup> پلنگ  
به دینارشان<sup>۴۱</sup> پای کردم به بند  
برآید همی کامهی بدگمان  
بکردار آتش دلش<sup>۴۳</sup> بردمید  
همی تاخت بالشکری<sup>۴۴</sup> جنگجوی  
به سرش<sup>۴۵</sup> اندرون دانش و رای دید

از ایدر چو دستان بشد سوگوار<sup>۱</sup>  
دل شادمان شد<sup>۲</sup> به<sup>۳</sup> تیمار او<sup>۴</sup>  
۳۷۰ زمان خواهم از نامور پهلوان  
یکی مرد بینادل<sup>۹</sup> پر شتاب  
مگر کز<sup>۱۱</sup> نهان من آگه شود  
نثاری<sup>۱۳</sup> فرستم<sup>۱۴</sup> چنان چون سزاست  
گر ایدونک<sup>۱۸</sup> گوید بنزد<sup>۱۹</sup> من آی  
۳۷۵ همه پادشاهی سپارم بدوی  
تن پهلوانان<sup>۲۳</sup> ندارم<sup>۲۴</sup> به رنج

ازین سر<sup>۳۷</sup> دل<sup>۳۸</sup> پهلوانان<sup>۳۹</sup> بیست<sup>۴۰</sup>  
نوندی برافگند نزدیک زال  
به دستان بگوی<sup>۳۴</sup> آنچه<sup>۳۵</sup> دیدی ز<sup>۳۶</sup> کار  
۳۸۰ که دو پهلوان آمد ایدر به جنگ  
چو<sup>۳۹</sup> لشکر گشن<sup>۴۰</sup> بود بر هیرمند  
اگر زآمدن<sup>۴۲</sup> دم زنی یک زمان  
فرستاده نزدیک دستان رسید  
سوی گرد مهراب بنهاد روی  
۳۸۵ چو مهراب را پای بر جای دید

۱- ق: سام سوار ۲- ق: بشد سوگوار ۳- لن، ل: بد ۴- ق، ق: از ۵- ق: او ۶- ق: رو ۷- لن، پ: سواری ۸- لن، پ، آ: دمان؛ ق: و: روان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۹- ل: دل و ۱۰- ف: زین؛ لن: از؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۱۱- و (و نیز لن): دیرینه ۱۲- ف: چون بشود؛ متن = ل- ب (و نیز ل، لن، س) ۱۳- ق، ق: آ: ب: بیاری ۱۴- ق: بیایم ۱۵- ل، ق: پ: جزین؛ ق: چنان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۶- لن: < هرچ > (وزن نادرست است) ۱۷- لن: کز در (وزن نادرست است) ۱۸- لی، آ: ل: ایدونکه ۱۹- ل: که نزد ۲۰- ق: چنان ۲۱- و: شوم پیش تختش بیاشم پای ۲۲- ف: دلم ارمیده ندارم بدوی؛ ل، ق: همیشه دلی شاد دارم بدوی؛ س، لن، ق: آ: لی، پ، آ: ب: دل خویش را شاد (س، لی: رام) دارم بدوی؛ و (و نیز لن): دلی (لن: دل) خرم و رام دارم بدوی؛ ل (و نیز س): همیشه دل ارمیده (س: ارمیده) دارم بدوی (وزن نادرست است)؛ (ل: همیشه دل آرام دارم بدوی)؛ متن = ل، س: پس از تصحیح آرمیده و ارمیده به ۲۳- ل، س، لن، ق: آ: لی، آ: ب (و نیز ل): پهلوان را؛ و: تن از پهلوانی؛ متن = ف، ق: ل (و نیز لن) ۲۴- ل، س، لن، ق: آ: لی، پ، آ: ب (و نیز ل، لن، س): نیارم؛ متن = ف، ق، و، ل (و نیز لن) ۲۵- ل: فرستم ۲۶- ق: آگنده هرگونه؛ لی: هرگونه بسیار؛ و: ز هرگونه آگنده ۲۷- ل- ق، لی- ب (و نیز ل، لن، س): سو؛ ق: آ: سان؛ متن = ف ۲۸- ف: سری؛ متن = ل- ب (و نیز ل، لن، س) ۲۹- ل- پ، آ (و نیز ل): پهلوان را؛ متن = ف، و، ل، آ: ب (و نیز لن، س) ۳۰- س: برنج ۳۱- ل، ق، ل: در؛ لن، ق: آ: لی، و، آ (و نیز ل، لن، س): سو؛ ب (و نیز لن): سری؛ متن = ف ۳۲- لن، پ، ب: بر؛ متن = ف، ل، ق، ق: آ: لی، و (و نیز لن، س) ۳۳- آ، ل: بچاره یازید دست؛ س: سپارم درین چارسوی سپنج (!)؛ پ پس از این بیت سرنویس دارد: پیغام مهراب به دستان به مدد خواستن ۳۴- ل، ق، و، ل: بگو؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۵- ق- ب: آنچه؛ متن = ل، س، لن ۳۶- ل، و، ل: به؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۳۷- لی: چو ۳۸- پ: پشت؛ و: جنگی ۳۹- ل، لن، ق: آ: لی، پ، آ: ل، ب: دو؛ متن = ف، س، ق، و (و نیز لن، س) ۴۰- ل- ب (و نیز ل، لن، س): کشیدند؛ متن = ف ۴۱- ل: به دیدارشان؛ و (و نیز لن): به گفتارشان؛ (ل: به دستانشان)؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز س) ۴۲- ل، ق، ق: آ: پ: گر از آمدن؛ متن = هشت دستویس دیگر ۴۳- ب: همی ۴۴- ف، پ، ل، آ: ب: لشکر؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۴۵- س، لی: به دلش



چه پشم خزبران<sup>۲</sup>، چه يك مشت خاك  
پسندیده باید همه<sup>۴</sup> کار کرد  
یکی دست یازم بدیشان<sup>۵</sup> به خون  
دل آکنده و کینه‌ساز آمدم

یکی<sup>۷</sup> تیر برسان<sup>۸</sup> نرد<sup>۹</sup> درخت  
خدنگش<sup>۱۱</sup> به چرخ اندرون راند راست<sup>۱۱</sup>  
برآمد خروشیدن دار و گیر<sup>۱۲</sup>  
بدان<sup>۱۴</sup> تیر کردند هرکس نگاه  
نراند چنین<sup>۱۵</sup> در کمان تیر<sup>۱۶</sup> کس  
نکردی<sup>۲۱</sup> چنین نرم گردن<sup>۲۱</sup> به چیز<sup>۲۲</sup>  
نه از زال بودی بدین روز<sup>۲۳</sup> رنج  
نه آهرمن ست و نه از آهن ست<sup>۲۷</sup>

به دل<sup>۱</sup> گفت کاکنون<sup>۲</sup> ز لشکر چه باك  
به مهرباب گفت: ای هُشیوار مرد  
کنون من شوم در شب تیره‌گون  
شوند آگه از من که بازآمدم

۳۹۰ کمانی به بازو درافگند<sup>۱</sup> سخت  
نگه کرد تا جای گردان کجاست  
بینداخت سه جای سه چوبه تیر  
چو شب روز گشت<sup>۱۳</sup> انجمن شد سپاه  
بگفتند کین تیر زال ست و بس  
۳۹۵ شماساس گفت ار<sup>۱۷</sup> خزبران<sup>۱۸</sup> بنیز<sup>۱۹</sup>  
نه مهرباب ماندی، نه لشکر، نه گنج  
خزبران<sup>۲۴</sup> چنین<sup>۲۵</sup> گفت کین<sup>۲۶</sup> يك تن ست

۱- ف، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، س، آ): بدو؛ متن = ل، س، ق، لی، پ، و، ل، آ، ب: اکنون؛ متن = ل، س، ق، آ، ب، آ ۳- ف: خزبران (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل: خرروان؛ س، و (و نیز س، آ): خرروان؛ لن، ق، ق، آ، ب: خزروان؛ لی: خراوران؛ پ (و نیز لن، آ): خروزان؛ آ: خزروان؛ ل، آ، خرازاز؛ (ل، آ): خروزان؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

پس آنگه سوی شهر بنهاد روی  
چو آمد به شهر اندرون نام جوی  
۴- ل، و (و نیز ل، آ، س، آ): پسندیده اندر همه؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: پسندیده در همه؛ ق: پسندیده آید ز نو؛ ل، آ: پسندیده آمد همه؛ متن =  
۵- ف، ل، س، لن، ق، آ، ب، و، آ، ب: بریشان؛ متن = ف، ق، لی، ل، آ، ب: برافکند؛ ل، آ: کمانی بیاورد و افکند ۷- و: بسی؛ ل، آ: همه ۸-  
ل، آ: تیره‌هایش چو (!) ۹- ل، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ): شاخ؛ ب: شاخی؛ متن = ف، ل، آ، ب: خدنگی؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۱-  
لی: اندرون گشت راست؛ آ: اندر آورد راست؛ ل، آ: اندرون راست (!) ۱۲- بنداری: فلما قرب من معسكر الأثرک رمی بثلاثة أسهم الی وسط  
خیامهم. فوقع فیهم الاضطراب، وعلت منهم الأصوات ۱۳- ل، آ، ب: شد ۱۴- ل، آ، ب: بران؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۵- لی، پ: جزا ۱۶- س،  
لن، ق، آ، لی، پ، ب: هیچ؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل، آ، ب: خزبران (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل، آ: خزروان؛ س: خرورای؛  
لن، و (و نیز س، آ): خروان؛ ق، ق، آ، ب: خزروان؛ لی: خراوران؛ پ (و نیز س، آ): خروزان؛ (ل، آ): خروزان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- ف،  
ل: سیز (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س: سر (نقطه ندارد)؛ لن: سر (نقطه ندارد)؛ ق، ق، آ، ب: تیز؛ لی: <بنیز> (وزن و پساوند ندارد)؛ و: بچیز؛  
ب (و نیز س، آ): بنیز؛ متن = پ (ب: به نیز)؛ ل، آ: شماسای گفتا بخراز نیز (!) ۲۰- ف: ندیدی؛ ق، پ: بگشتی؛ ل، آ: بکردی؛ متن = هشت دستویس  
دیگر ۲۱- ف: رزم کردن؛ لن: گرم کردن؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۲- و: به نیز ۲۳- ف: رزم؛ لی، ل، آ: گونه؛ و: غم و درد؛ متن = هشت  
دستویس دیگر؛ ل، ل، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: نودی مگر او چنین رزم خواه  
که سازند بر ما کنون کینه‌خواه  
ل، آ: نودی مگر کام فرخنده‌شاه  
شده چیره بر رزم و بر کینه‌خواه  
۲۴- ف: خزبران (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل، آ: خزروان؛ س: خرورا؛ لن: خروان؛ ق، ق، آ، و، ب (و نیز س، آ): خزروان؛ لی: خراوران؛ پ (و نیز  
لن، آ): خروزان؛ ل، آ: خرازان؛ (ل، آ): خروزان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵- پ: بدو ۲۶- ل: کو؛ ب: <گفت کین> (وزن ندارد)؛ متن = ده  
دستویس دیگر ۲۷- س: نه آهن تن است (پساوند ندارد)؛ و: نه از آهنست و نه اهریمنست؛ متن = ده دستویس دیگر

تو<sup>۱</sup> از جنگ او دل مدار ایچ تنگ  
 چو خورشید تابان ز گنبد<sup>۵</sup> بگشت  
 ۴۰۰ به شهر اندرون کوس با کره<sup>۶</sup> نای<sup>۷</sup>  
 برآمد<sup>۸</sup> سپه را به هامون کشید  
 سپاه اندر آورد<sup>۹</sup> پیش سپاه  
 خزیران<sup>۱۱</sup> دمان با عمود و سپر<sup>۱۳</sup>  
 عمودی بزد بر بر<sup>۱۵</sup> روشنش  
 ۴۰۵ چو شد تافته<sup>۱۷</sup> شاه زاولستان<sup>۱۸</sup>  
 یکی گبر<sup>۲</sup> پوشید زال دلیر  
 بدست اندرون داشت گرز پدر  
 بزد بر سرش گزهی گاورنگ

هرآنگه که آرم<sup>۲</sup> مرو را<sup>۳</sup> به چنگ<sup>۴</sup>  
 خروش تبیره برآمد ز دشت  
 خروشیدن زنگ و هندی درای<sup>۷</sup>  
 سراپرده و پیل بیرون کشید  
 شد از دور<sup>۱۱</sup> هامون چو کوهی<sup>۱۱</sup> سیاه  
 یکی تاختن کرد بر<sup>۱۴</sup> زال زر  
 گسته<sup>۱۶</sup> شد آن نامور جوشنش  
 برفتند گردان کاولستان<sup>۱۸</sup>  
 به جنگ اندر آمد بکردار شیر  
 سرش گشته پر خشم و پر خون جگر<sup>۲۱</sup>  
 زمین شد ز خون همچو<sup>۲۲</sup> پشت پلنگ

۱- آ: نه ۲- پ: آیم؛ لی (و نیز س): هم اکنون بیارم؛ (ل: بدانگه که آرم) ۳- ل- پ، آ، ب (و نیز ل، س): من اورا؛ متن= ف ۴- و (و نیز لن): که او را به مردی من آرم بچنگ؛ لی پس از این بیت افزوده است:

نمانم ورا زنده بر پشت زین همان نامداران ایبران زمین

برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر نبرد کردن زال با شماساس و خزیران و کشتن خزیران و کلبار را و هزیمت شدن ترکان؛ لن، ق: لی، پ: رزم (ق: جنگ) زال با شماساس و خروزان (ق: خروزان ترك؛ لی: خراوران؛ پ: خرووران)؛ آ: رزم کردن نوذر با شماساس؛ ل: جنگ خراوران با زال و رفتن از پیش وی؛ ب: رزم زال با خروزان ۵- ل، لن، ق، و، ل، آ، ب (و نیز ل، لن، س): بالا؛ متن= ف، س، ق، لی، پ؛ آ این بیت را ندارد ۶- ف، ل، پ: کر نای ۷- ل: بوق و زرین درای ۸- لن، پ، ب: بیامد؛ و: سپید؛ متن= هشت دستویس دیگر ۹- لن، پ، و، آ، ب: اندر آمد به؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۰- ف: آن رود (→ آن روی؟ یا: از دور؟ یا: از گرد؟)؛ س- پ، آ، ب (و نیز ل، س): از گرد؛ متن= و، ل (و نیز لن) ۱۱- س، ق، لی، و، آ، ب (و نیز لن، س): کوه؛ لن، پ (و نیز ل، آ): ابر؛ ق: گرد؛ ل: میغ؛ متن= ف: ل: چو هامون شد از گرد کوه سیاه ۱۲- ف (و نیز بنداری): خزیران؛ ل: خرووران؛ س: خرورا؛ لن، ق: (و نیز س): خرووران؛ ق، و، ب: خرووران؛ لی: خراوران؛ پ (و نیز لن): خروزان؛ آ: خروزان؛ ل: خرازان؛ (ل: خروزان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳- آ: تیر؛ ب: خرووران عمودش بدست و سپر ۱۴- ق: با ۱۵- ب: سر ۱۶- لن، پ، آ، ب: شکسته؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۷- ل: تاخته ۱۸- ف، ل، لن، آ، ب (و نیز ل، لن، س): زابلستان؛ س، ل: کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- ف، ل، لن، آ، ب (و نیز ل، لن، س): کابلستان؛ س: زابلستان؛ ل: زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: فتقدمت الفرسان الزاولیه ۲۰- ل، ق، لی، پ (و نیز س): درخ؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، لن)؛ پ پس از این بیت دوبت افزوده است (← پ ۲۱) ۲۱- ل: و کین در جگر؛ ق: سرش گشت پر خشم و دل بر حذر (!)؛ ل پس از این بیت چهار بیت، ل: تنها دو بیت نخستین را، ق: تنها سه بیت نخستین را پس از بیت سپین، پ: دو بیت نخستین را پس از بیت سپین و بیت های سوم و چهارم را پس از بیت پیشین افزوده اند:

خروشان (ق: خرووران؛ پ: خروزان؛ ل: خراوران) بیامد همان کینه خواه

جو شیری (پ، ل: شیر) خروشان به پیش سپه  
 به جنگ اندرون همچونان شرزه شیر  
 هم آنگه برآمد خرووران بگرد (پ: خروزابگرد؛ ل: خراوران چوگرد)  
 که بشکست آن کوه آهن تنش

هم آنگه برون رفت زال دلیر  
 چو دستان برانگیخت گرد نبرد  
 یکی گرز زد زال بر گردنش

ق بجای بیت چهارم و ب بجای این چهار بیت افزوده اند:

به گرد اندرون (ب: دمنده چنان) در خرووران رسید  
 ۲۲- لن، لی، پ، و: ز خروش چو؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ ق، پ پس از این بیت هالی افزوده اند (← پ ۲۱)؛ و پس از این بیت افزوده است:

خرووران شد از کینه و جنگ سیر هم آنگه برانگیخت زال دلیر

ز پیش سپاه اندرآمد به دشت  
 نیامد برون، کهش نجوشید خون  
 به گردن برآورده<sup>۵</sup> پولاد<sup>۶</sup> را  
 همی کرد ازو<sup>۷</sup> خویشتن ناپدید  
 خدنگی بدوی<sup>۸</sup> اندرون راند خوار<sup>۹</sup>  
 بران<sup>۱۰</sup> بند<sup>۱۱</sup> زنجیر پولاد<sup>۱۲</sup> بر  
 سپه را به گلبادبر<sup>۱۳</sup> دل بسوخت  
 شماساس<sup>۱۴</sup> شد بی<sup>۱۵</sup> دل و روی زرد  
 پراگنده از رزم گشتند باز<sup>۱۶</sup>  
 برفتند با شاه کاولستان<sup>۱۷</sup>  
 که گفستی<sup>۱۸</sup> جهان تنگ شد بر سپاه  
 گشاده<sup>۱۹</sup> سلیح<sup>۲۰</sup> و گسسته کمر<sup>۲۱</sup>  
 ز ره قارن کاوه آمد پدید  
 به خواری<sup>۲۲</sup> گرامیش را کشته بود  
 شماساس<sup>۲۳</sup> با قارن کینه خواه  
 ز زاولستان<sup>۲۴</sup> تافته<sup>۲۵</sup> بر چینه<sup>۲۶</sup>

ببفگند و بسپرد وزودرگذشت<sup>۱</sup>  
 ۴۱۰ شماساس را خواست<sup>۲</sup> کاید برون  
 به گرد<sup>۳</sup> اندرون یافت<sup>۴</sup> گلباد را  
 چو شمشیرزن گرز<sup>۵</sup> دستان بدید  
 کمان را به زه کرد زال سوار<sup>۶</sup>  
 بزد بر کمریند<sup>۷</sup> گلباد بر<sup>۸</sup>  
 ۴۱۵ میانش ابا<sup>۹</sup> کوهی زین بدوخت  
 چو این<sup>۱۰</sup> دو سرافگنده شد در نبرد  
 شماساس<sup>۱۱</sup> و آن<sup>۱۲</sup> لشکر رزم ساز  
 پس اندر دلیران زاولستان<sup>۱۳</sup>  
 چنان شد<sup>۱۴</sup> ز بس کشته آوردگاه<sup>۱۵</sup>  
 ۴۲۰ سوی شاه ترکان نهادند سر<sup>۱۶</sup>  
 شماساس<sup>۱۷</sup> چون در بیابان رسید  
 که از لشکر ویمه برگشته بود  
 [بهم بازخوردند هر دو<sup>۱۸</sup> سپاه  
 بدانست قارن که ایشان کیند<sup>۱۹</sup>

۱- ب: برگذشت ۲- لن، لی، پ: شماساس میخواست؛ ل<sup>۲</sup>: شماسای برخواند ۳- لی: بجنگ ۴- س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: دید؛ ل<sup>۲</sup>: رفت؛ متن=ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۵- لی، پ، و: برآورد ۶- ف: کویال (پساوند ندارد)؛ لن: فولاد؛ ب: بگرد اندرون دید کلباد (!)؛ ب پس از این بیت افزوده است:

بگردن برآورد آن گرز را  
 همی تا زند بر تن برز را  
 ۷- س، ق، آ، و، آ: گرد؛ لن، پ: چوآن گرز و شمشیر؛ متن=ف، ل، ق، لی، ل<sup>۲</sup>، ب ۸- لن: مر؛ آ: از؛ و: همی خواست کزوی؛ متن=نه دستویس دیگر؛ ل، پ، ل<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده اند:

بیامد برش گرد کلباد زود  
 همی خویشتن را به مردی ستود  
 لن، ق، آ، ب (و نیز س<sup>۲</sup>) بجای بیت بالا و پ پس از بیت ۴۱۶ افزوده اند:

گریزان شماساس و گردان همه  
 پراکنده چون روز باران (آ: روزبانسان) رم  
 این بیت هادر ف، س، ق، لی، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) نیت ۹- لی: دلیر ۱۰- ل: برو؛ س- آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بدو؛ متن=ف ۱۱- لی:  
 حر (نقطه ندارد)؛ ل<sup>۲</sup>: خدنگی براند اندران نابکار؛ ب در اینجا سرنویس دارد: رزم زال با کلباد ۱۲- س، ق، آ، ب: کمرگاه؛ متن=نه دستویس دیگر  
 ۱۳- ل<sup>۲</sup>: را ۱۴- ف، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): بدان؛ متن=ده دستویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۵- س- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): بندو؛ متن=ف، ل (و نیز  
 س<sup>۲</sup>) ۱۶- لن، لی: فولاد ۱۷- پ، ل<sup>۲</sup>: را (پ ساوند ندارد) ۱۸- ق، آ: ابر؛ ل: میان رانش با؛ و: کمرگاه با؛ ق این بیت را ندارد؛ متن=هشت  
 دستویس دیگر ۱۹- ل<sup>۲</sup>: را ۲۰- آ: آن ۲۱- ل<sup>۲</sup>: شماسای ۲۲- ل، ق، و: بد؛ ب این بیت را ندارد؛ متن=هشت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>،  
 س<sup>۲</sup>): پ پس از این بیت يك بیت افزوده است (← ۴۱۲ پ) ۲۳- ل<sup>۲</sup>: شماسای ۲۴- ف: این؛ متن=ل- ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۵- ل<sup>۲</sup>: پراکنده  
 گشتند و گشتند باز ۲۶- ف، س- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): زابلستان؛ متن=ل ۲۷- ف- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی  
 است ۲۸- لن: <شد> (وزن ندارد) ۲۹- ل: در رزمگاه؛ ق: آن رزمگاه؛ متن=ده دستویس دیگر ۳۰- لی: گیتی ۳۱- لن: روی ۳۲-  
 ق: فکنده ۳۳- س، پ، آ: سلاح؛ متن=نه دستویس دیگر ۳۴- لن: گلوی ۳۵- ل<sup>۲</sup>: شماسای؛ لن این بیت را ندارد ۳۶- ق، آ: بزاری  
 ۳۷- لن، ق، آ، لی، آ، ل<sup>۲</sup>: ب: باز خورد آن (ل<sup>۲</sup>: این) دوباره؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): باز خورد این دو جنگی؛ متن=ل، ق، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۸- ل<sup>۲</sup>:  
 شماسای؛ ف، س این بیت را ندارند؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳۹- س، ق، آ، لی، پ، و، آ: که اند؛ متن=ف، ل، لن، ق،  
 ل<sup>۲</sup>، ب ۴۰- ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): زابلستان؛ متن=ل، ق، و (و نیز س<sup>۲</sup>، بنداری) ۴۱- ل، لی، و: ساخته؛ س، لن،  
 ق، آ، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): ناخته؛ پ (و نیز س<sup>۲</sup>): ناختن؛ متن=ف ۴۲- س، ق، آ، لی، پ، و، آ، ل<sup>۲</sup>: جهاند؛ متن=ف، ل، لن، ق، ب؛ بنداری؛  
 فرفهم و علم انهم منزه من زاولستان؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است

۴۲۵ بزد نای روین و بگرفت راه  
بدین<sup>۲</sup> لشکر خسته و بسته<sup>۳</sup> خورد<sup>۴</sup>  
گریزان شماساس با چند مرد

سوی شاه ترکان<sup>۷</sup> رسید آگهی  
دلش گشت پر آتش از<sup>۱</sup> درد و غم  
۴۳۰ برآسفت و<sup>۱۲</sup> گفتا که نوذر کجاست  
سپهدار<sup>۱۵</sup> نوذر چو آگاه شد  
سپاهی پر از غلغل و گفت و گوی<sup>۱۶</sup>  
گرفتند<sup>۱۷</sup> بازوش با بند و تنگ<sup>۱۸</sup>

به پیش سپاه اندرآمد سپاه  
به خورشید تابان برآورد گرد  
برفتند<sup>۵</sup> از آن تیره گرد نبرد<sup>۶</sup>

کز آن<sup>۸</sup> نامداران جهان<sup>۹</sup> شد تهی  
دو رخ را به<sup>۱۱</sup> خون جگر داد نم  
کز ویسه خواهد همی<sup>۱۳</sup> کینه خواست<sup>۱۴</sup>  
بدانست کهش روز کوتاه شد  
سوی شاه نوذر نهادند روی  
کشیدندش از جای<sup>۱۹</sup> پیش نهنگ<sup>۲۰</sup>

۱- آ: سپاه اندرآمد به پیش سپاه ۲- ل: از آن؛ س، لی، و: برین؛ لن، پ: بدان؛ ق، ل: ازین؛ ق، آ، ب: بران؛ متن = ف ۳- س، و، ل: بسته و خسته؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بسته خسته؛ ق: خسته بسته؛ متن = ف، ل ۴- ل، ق، ل: مرد؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س)؛ ف، و (و نیز لن) پس از این بیت افزوده‌اند:

بسی را بیست و بسی را بخت بسی را به گرز گران کرد پست

۵- ل: بجستند ۶- و: همی تاخت دلخسته برسان گرد ۷- لی: توران ۸- لن، پ، ل: که از ۹- و: زمین؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند: ف: گفتار اندر آگه شدن افراسیاب از شکستن لشکر بزاول و کشتن شاه نوذر را و اسیران را؛ ق: گفتار در کشتن نوذر بحکم افراسیاب؛ لی، و، آ: کشته شدن نوذر (و: شاه نوذر) بر (آ: از) دست افراسیاب؛ پ: آگاه شدن افراسیاب از کار لشکر؛ ب: کشتن افراسیاب نوذر را ۱۰- س، و، آ، ب: و؛ لن، ق، آ، لی، پ، ل: آ: < از >؛ متن = ف، ل، ق ۱۱- ب: ز؛ لن، ق، آ، پ، آ، ب: پس از این بیت افزوده‌اند (پ بیت سوم را ندارد):

چنین گفت کین (لن: پس) نوذر ناج دار  
به زندان و بازار من کشته زار (ق: آ: خوار)  
آ: بریدش بزاری سوی کشته زار

چه چاره است جز خون او ریختن  
اگر چرخ گردان کشد زین نور  
یکمی کینه از (آ، ب: کینه) نوبرانگیختن  
سرانجام خشمست بالین تو (= ۴۴۲)

۱۲- ق، لی: < و > ۱۳- پ: < همی > (وزن ندارد) ۱۴- و: عذر خواست؛ س: کز و کینه خواهد همی و سه خواست؛ ل، لی، و، ل: پس از این بیت دو بیت و پ تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

چه چاره است جز خون او ریختن  
به دژخیم فرمود کورا (لی: که او را) کشان (لی: ل: آ: بیار)

لی، ل: آ: بدان تا بیاموزدش کارزار

ف، س، ق این بیت ها و بیت های پ ۱۱ را ندارند، ولی در ل، لن، آ، س نیز آمده‌اند و بنداری نیز بیت نخستین پ ۱۱ را داشته است: و قال: کیف أبقی نوذر حیا و قد قتل أعیان أمرائی و وجوه قوادى؟ ۱۵- آ: شهنشاه؛ ق این بیت را ندارد ۱۶- ل، ب: گفت گوی ۱۷- ل، لی (و نیز س): بیستند؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۱۸- ل، س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل): با بند تنگ؛ لی (و نیز س): برسان سنگ؛ و (و نیز لن): بازور تنگ؛ ل: را بسته تنگ؛ متن = ف؛ پ: گرفتندش بازوی همچون پلنگ (وزن نادرست است) ۱۹- آ: از پای؛ ل: از جا به ۲۰- لن: همچون نهنگ؛ پ: با بند تنگ؛ ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، س): پس از این بیت و لن، ب پیش از این بیت افزوده‌اند:

بدشت آوریدندش از خیمه خوار (آ: زار؛ لی: آسیمه وار؛ ل: آسیمه خوار)

برهنه سرو پای و برگشته کار

ف، س، و (و نیز لن) این بیت را ندارند، ولی گویا بنداری آنرا داشته است: فبادر جماعة الى الخیمة التي كان فيها محبوسا و أخرجوا ذلك الملك المتوج حاسرا یرسف فی أصفاده و قیوده؛ لی، ل: پس از بیت بالا يك بیت دیگر هم افزوده‌اند:

بسر شاه نوذر رد افراسیاب برافکننده دیده دلی پر شتاب

برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، پ: کشتن افراسیاب نوذر را؛ ق: کشته شدن نوذر و پادشاهی افراسیاب دوازده سال بود؛ ل: کشته شدن نوذر بر دست افراسیاب

ز کین نیاکان همی کرد یاد  
بگفت و برآشفت و شمشیر خواست<sup>۵</sup>  
تش را به خاک اندرافگند خوار  
تهی ماند ایران و تخت و کلاه

همه چادر<sup>۱۱</sup> آزمندی<sup>۱۲</sup> مپوش  
چنین<sup>۱۳</sup> داستان چند خواهی شنید<sup>۱۴</sup>  
سرآمد<sup>۱۵</sup> کزو آرزو یافتی  
که هم باز گرداندت<sup>۱۸</sup> مستمند  
سرانجام خشتست<sup>۲۰</sup> بالین تو

به جان خواستند آنگهی<sup>۲۳</sup> زینهار<sup>۲۲</sup>  
بیاراست<sup>۲۸</sup> با نامور داوری<sup>۲۹</sup>  
نه با ترگ<sup>۳۳</sup> و جوشن، نه در<sup>۳۴</sup> کارزار  
نشیبست<sup>۳۶</sup> جای که بالا بود

چو از دور دیدش زبان برگشاد  
۴۳۵ بدو<sup>۲</sup> - گفت - هر بد که آید<sup>۳</sup> سزاست<sup>۴</sup>  
بزد گردن نوذر<sup>۶</sup> تاجدار<sup>۷</sup>  
پس از<sup>۸</sup> یادگار منوچهر شاه

ایا<sup>۱۱</sup> دانشی مرد بسیار هوش  
که تخت و کله چون تو بسیار دید  
۴۴۰ رسیدی به جایی که بشتافتی  
چه خواهی<sup>۱۶</sup> ازین<sup>۱۷</sup> تیره خاک نژند  
اگر<sup>۱۹</sup> چرخ گردان کشد زین تو

پس آن بستگان<sup>۲۱</sup> را کشیدند خوار<sup>۲۲</sup>  
پس<sup>۲۵</sup> اغریرت<sup>۲۶</sup> آمد<sup>۲۷</sup> به خواهشگری  
۴۴۵ که چندین<sup>۳۰</sup> سرافراز و<sup>۳۱</sup> گرد و<sup>۳۲</sup> سوار  
گرفتار<sup>۳۵</sup> کشتن نه والا بود

۱- ل، لن، ق، ق، آ، پ- ب (و نیز ل، ل، لن، آ، س) پس از این بیت افزوده اند:

ز تور و ز سلم (لن، پ، آ، ب: زسلم و زتور) اندرآمد نخست  
ف، س، لی این بیت را ندارند، و در ترجمه بنداری هم چیزی از آن نیست ۲- ف، ق، آ: بتو؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، لن، آ، س) ۳- ب:  
یابد ۴- لن، پ، آ، ل، ب: روست؛ متن = هفت دستویس دیگر ۵- ب ل ت دوم این بیت را انداخته است ۶- ل، و، ل، آ: خسرو؛ متن = نه دستویس  
دیگر ۷- لن، پ: شهریار؛ ق، آ، ب: نامدار؛ متن = هفت دستویس دیگر ۸- ل- ب (و نیز ل، ل، لن، آ، س): شدان؛ متن = ف ۹- ل، س، ق، آ، پ،  
و، آ، ل (و نیز ل، ل، لن، آ): ز؛ ب: تهی ماند از ایران و؛ متن = ف، ق، لی (و نیز س) ۱۰- و: توای؛ ل، آ: ابا ۱۱- ب: جامه ۱۲- پ: ارجمندی  
۱۳- و: ازین ۱۴- س، لی: نخواهد همی با کسی آرید؛ درل این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۱۵- ق، آ: برآمد؛ درل این بیت با  
بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۶- ل، س، ق، لی، پ، و، ب: چه جویی؛ ل، آ: چه گویی؛ متن = ف، لن، ق، آ، ۱۷- ق: درین ۱۸- لن: باز  
گردد ترا ۱۹- ل: که گر ۲۰- ل: خاکست؛ در س، لن، ق، آ، ب این بیت پس از بیت ۴۲۹ آمده است؛ در ویت های ۴۳۹ تا ۴۴۲ درهم ریخته اند:  
۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۰، ۴۳۹؛ ف در اینجا سرنویس دارد: آغاز داستان؛ ف، و (و نیز لن) پس از بیت ۴۴۲ افزوده اند:

بکس (و، لن، آ: کسان) کز ایران اسیران بدند همه پهلوانان و میران بدند  
۲۱- ل، لن: کشتگان؛ ل، آ: بندیان ۲۲- لن: برفند خوار؛ و: کشیدندشان بسته و خوارزار ۲۳- س، ق، لی، آ، ل، ب: بک بیک؛ لن، پ: هریکی؛  
متن = ف، ل ۲۴- ق، آ: نه با ترگ و جوشن نه با کارزار (= ۴۴۵ ب)؛ و: همی خواست هربک بجان زینهار؛ ل، ق، آ پس از این بیت دوبت و ق تنهائیت  
یکم را افزوده اند:

چو اغریرت (ق، آ: اغریرت) پرهنر آن بدید

دل او بر در چو آتش دمید (ق: دل او چو آتش بهم بردمید؛ ق: دل او برش چون کیوترطید)

همی (ق، آ: کنون) گفت چندین سربی گناه ز تن دور مانند (ق، آ: مانده) به فرمان شاه  
۲۵- س، لن، لی، پ، آ، ب: چو؛ متن = ف، و، ل، آ ۲۶- لی، و، آ، ل (و نیز لن، آ، بنداری): اغریرت؛ متن = ف، س، لن، پ، ب (و نیز س) ۲۷-  
ل، ق، ق، آ (و نیز ل، آ): بیامد خروشان ۲۸- آ: برآست ۲۹- ق، آ: مهتری ۳۰- س، لی: که این صد ۳۱- ل، پ، ل، ب (و نیز ل، آ): < و >  
؛ آسرا نراز؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ، س) ۳۲- لی، ل، آ: < و > ۳۳- ف: خود؛ متن = ل- ب (و نیز ل، ل، لن، آ، س) ۳۴- ل، ق، آ، ل (و نیز ل، آ):  
با؛ و: و با جوشن؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز س)؛ و پس از این بیت افزوده است:

نم یافته نه ستمکاره اند همه بیگناهان و بیچاره اند

۳۵- ل، آ: اسیرند و ۳۶- لی: نشست

سَزْد گر نباشد<sup>۱</sup> به جانشان گزند  
 بریشان<sup>۳</sup> یکی غار<sup>۴</sup> زندان<sup>۵</sup> کنم  
 به ساری به زاری<sup>۷</sup> برآزند هوش  
 سپاری همیدون به منشان<sup>۲</sup> به بند  
 نگه‌دارشان<sup>۶</sup> هوشمندان کنم  
 تو از خون بکش دست و چندین مکوش<sup>۸</sup>  
 بیخشید جانشان<sup>۹</sup> به گفتار<sup>۱۰</sup> اوی<sup>۱۱</sup>  
 به غل<sup>۱۲</sup> و به مسمار و زاری<sup>۱۵</sup> برند

### گفتار اندر پادشاهی افراسیاب اندر ایران زمین<sup>۱۶</sup>

ز پیش دهستان سوی ری کشید  
 کلاه کیانی به سر برنهاد  
 به گستم<sup>۲۳</sup> و طوس آمد این آگهی  
 به شمشیر تیز آن سر تاجدار<sup>۲۴</sup>  
 ۴۵۰  
 بکنند موی<sup>۲۸</sup> و شخوندند<sup>۲۹</sup> روی<sup>۳۰</sup>  
 سر سرکشان گشت پر درد و<sup>۳۴</sup> خاک  
 ز<sup>۱۷</sup> اسپان<sup>۱۸</sup> به رنج و به تگ<sup>۱۹</sup> خوی کشید  
 به دینار<sup>۲۰</sup> دادن در<sup>۲۱</sup> اندرگشاد<sup>۲۲</sup>  
 که شد تیره<sup>۲۴</sup> دیهیم<sup>۲۵</sup> شاهنشهی  
 به زاری بریدند و برگشت کار<sup>۲۷</sup>  
 از<sup>۳۱</sup> ایران<sup>۳۲</sup> برآمد یکی هوی هوی<sup>۳۳</sup>  
 همه دیده خون و<sup>۳۵</sup> همه جامه چاک<sup>۳۶</sup>

۱- ل. ق. ق. لی، آ، ل. نیاید؛ لن، پ. و (و نیز ل. لن. آ): نیاری؛ متن = ف، س، ب ۲- ق. بهم شان؛ و: بمنشان سپاری همیدون؛ ل. سپاری  
 بمنشان همیدون ۳- ق. زایشان؛ لی: بدیشان ۴- و: خانه ۵- آ: دندان ۶- و، ل. نگهبانشان ۷- ل. ق. پ. و (و نیز لن. آ): بمان تا به زاری؛  
 ل. بخواری و زاری؛ متن = هفت دستویس دیگر (و نیز ل. س. آ)؛ بنداری؛ و آنفد هم الی مدینه ساری ۸- ق. ا. و بدرا مکوش؛ ل. تو بر خونشان  
 نیز چندین مکوش ۹- لن، ق. لی، پ (و نیز لن. آ): بیخشودشان جان؛ و، آ: بیخشیدشان جان؛ متن = ل. ق. ل. ب (و نیز ل. س. آ) ۱۰- و: زکردار  
 ۱۱- ل. ق. ل. ب. ا. و؛ متن = لن، لی، پ. و، آ (و نیز ل. لن. آ، س. آ) ۱۲- لن، ق. لی، پ، آ، ب: زاری و؛ متن = ل. ق. و، ل. (و نیز ل. لن. آ،  
 س. آ) ۱۳- ق. بازار؛ و: گفتار؛ ف، س این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: فوب لآغریرث دماء هم، و حفظ علیهم ذماء هم ۱۴-  
 لن: بزاری ۱۵- ل. پ، و، آ: خواری؛ لن: بند و در شهر ساری (وزن ندارد)؛ ل. آ: بغل و عماری و خواری؛ متن = ف، س، ق. ق. لی، ب: ل (و نیز  
 ل. آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

وزان پس سپهدار ترکان چین سپه را پراکند بر دشت کین  
 لن، ق. لی، پ، آ، ب (و نیز س. آ) بجای بیت بالا افزوده‌اند:

چو این کرده شد ساز رفتن گرفت زمین زیر (لسی: زمین را به) اسبان نهفتن گرفت

۱۶- ف (پس از بیت ۴۳۶): گفتار اندر پادشاهی افراسیاب اندر ایران زمین دوازده سال و هفت ماه و بیست روز بود؛ ل (پس از بیت ۴۳۶): پادشاهی  
 افراسیاب به ایران دوازده سال؛ لن: پادشاهی افراسیاب به ایران؛ لی، پ: پادشاهی افراسیاب در (پ: به) ایران دوازده سال بود؛ و: پادشاهی نشستن  
 افراسیاب در ایران زمین؛ ل. آگاهی یافتن طوس و گزدهم از مرگ پدر؛ بنداری: ذکر سلطنة افراسیاب فی ممالک ایران و ماجری فی نوبه؛ متن = آغاز  
 ف ۱۷- س، لن، لی، و، آ، ب: از؛ متن = ف، ل. ق. ق. ل. پ، ل. ۱۸- س، و، ب: ایشان؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۹- ب: به رنج اندرون ۲۰-  
 و: بیدار ۲۱- ق. ل. ب. سر ۲۲- پ: ز نورسم و آیین دیگر نهاد؛ ل. آ: به دینار داد آنگهی در گشاد ۲۳- آ: به گودرز (!) ۲۴- ل: که تیره شد  
 ۲۵- ل. ق. پ. آن فر؛ متن = نه دستویس دیگر ۲۶- س، لن، ق. لی، ب: نامدار؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۷- س: خوار ۲۸- س: روی  
 ۲۹- لن، پ: خیلند ۳۰- س: موی ۳۱- ف، ب: ز ۳۲- ف: ایوان؛ متن = ل. س، لن، ق. لی، پ، و، آ، ب (و نیز لن. آ) ۳۳- ل. لن، ق. و (و  
 نیز لن. آ): های هوی؛ س، لی، پ، آ، ب: های و هوی؛ متن = ف، و؛ ق. ل. آ: زبان شاه گوی و روان شاه جوی (= ۴۵۸ ب)؛ در ق. آ پس از این بیت  
 ۴۵۹ آمده است ۳۴- ل. س، ق. ق. ل. ب، و (و نیز لن. آ، س. آ): گرد و؛ لی: خون و؛ آ: اندر آمده؛ متن = ف، لن، ل. آ، ب ۳۵- ل. ق. لی: همه دیده  
 بر خون؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۶- لی: و دل چاک چاک؛ ل. آ: همه دیده چاک

زبان شاه‌گوی و روان شاه‌جوی<sup>۱</sup>  
رخان<sup>۵</sup> پر ز خون و سران<sup>۶</sup> پر ز گرد  
گوا!<sup>۸</sup> تاج دارا! مها! داورا!<sup>۹</sup>  
سر تاجداران<sup>۱۱</sup> و شاه جهان<sup>۱۲</sup>  
زمین خون شاهان بیوید<sup>۱۳</sup> همی  
نگون دارد از شرم خورشید سر  
به خون پدر سوگواری<sup>۱۸</sup> کنیم<sup>۱۷</sup>  
زمین نعل<sup>۲۱</sup> اسپ<sup>۲۲</sup> ورا<sup>۲۳</sup> بنده بود  
بریندند با<sup>۲۵</sup> نامدار انجمن  
به کین جستن آید<sup>۲۸</sup> و دشمن کشید<sup>۲۹</sup>  
ز دیده فروباردی<sup>۳۳</sup> خون مهر<sup>۳۴</sup>  
ز تن<sup>۳۵</sup> جامه‌ی ناز بیرون کنید  
نباشد پر از آب<sup>۳۸</sup> و دل پر ز خشم

چو بر آتش تیز بریان شدند  
نبیند نیام مرا تیغ تیز  
سنان دار<sup>۴۴</sup> نیزه، درخت من ست  
یکی ترگ تیره سرم را کلاه

سوی زاولستان<sup>۱</sup> نهادند روی  
سوی<sup>۳</sup> زال رفتند با سوگ و درد<sup>۴</sup>  
۴۶۰ که زارا<sup>۶</sup> ! دلیرا! شها! نوذرا!  
نگهدار ایران و پشت مهان<sup>۱۱</sup>  
سرت افسر از خاک جوید همی  
گیاهی که روید بدان<sup>۱۴</sup> بوم و بر  
همی<sup>۱۵</sup> داد خواهیم<sup>۱۶</sup> و زاری کنیم<sup>۱۷</sup>  
۴۶۵ نژاد<sup>۱۹</sup> فریدون بدو<sup>۲۰</sup> زنده بود  
به زاری و خواری<sup>۲۳</sup> سرش<sup>۲۴</sup> را ز تن  
همه<sup>۲۶</sup> تیغ زهرآگون برکشید<sup>۲۷</sup>  
همانا بدین<sup>۳۰</sup> سوگ<sup>۳۱</sup> ما بر<sup>۳۲</sup>، سپهر  
شما نیز دیده پر از خون کنید  
۴۷۰ که<sup>۳۶</sup> با کین شاهان نشاید<sup>۳۷</sup> که چشم

همه انجمن زار و گریان شدند  
زبان داد<sup>۳۹</sup> دستان که تا رستخیز<sup>۴۰</sup>  
چمان<sup>۴۱</sup> چرمه<sup>۴۲</sup> در زیر<sup>۴۳</sup>، تخت من ست  
رکابست<sup>۴۵</sup> پای مرا جایگاه

۱- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: زابلستان؛ متن = ف، ق، و (و نیز بنداری) ۲- ق، آ، ب: از ایران برآمد یکی های وهوی (ب: شاه جوی = ۴۵۶ ب)؛  
و، آ (و نیز لن)؛ جهانی (آ: زکینه) بدستان نهادند روی ۳- لن، پ، آ، ل، ب: بر؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و ۴- ل، ق: یارنج و درد؛ ق: به زابل  
رسیدند با مرگ و درد ۵- ق، آ: لبان ۶- ق: روان؛ لی: لبان؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت پس از بیت ۴۵۶ آمده است ۷- لن: که زالا؛ لی: که رادا؛ پ: که  
زار؛ متن = نه دستویس دیگر ۸- و: بلا ۹- ل، لی، ب: مهتر؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۰- ل، ق: نگهبان ایران و شاه جهان؛ لن، آ، ب: سر  
سرفرازان و پشت مهان؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۱- ق، و: نامداران ۱۲- ل، ق، ل، آ: پشت مهان (ل: پساوند ندارد)؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت پس از  
بیت ۴۶۶ آمده است ۱۳- آ، ب: بیوید ۱۴- ل، و، ل (و نیز لن، آ، س)؛ بران؛ س، لن، ق، لی، پ، ب: از آن؛ آ: ازین؛ متن = ف، ق (و نیز ل)؛  
۱۵- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: همه؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۱۶- ف: دادخواهی؛ ق: زارنالم؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س)؛  
۱۷- ف: کم؛ متن = ل- ب (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۸- پ: همه جامه ناز بیرون (= ۴۶۹ ب) ۱۹- ل- ق، آ، ب، و، آ، ب (و نیز ل، لن، آ): نشان؛  
متن = ف، لی، ل ۲۰- و: بتو ۲۱- ق، آ: سم ۲۲- و: ترا ۲۳- لن، ق، آ، ب: به خواری و زاری؛ پ: بخواری و خواری؛ متن = هفت دستویس  
دیگر ۲۴- و: سرت ۲۵- ق: آن؛ ل: بدیدند ابا (!)؛ در ق<sup>۲</sup> پس از این بیت ۴۶۱ آمده است و پس از آن بیت ۴۷۱ ۲۶- ل: همی؛ متن =  
ف، س- ب ۲۷- ل: برکشیم ۲۸- ل: آیم ۲۹- ل: کشیم؛ لن، ق، لی، پ، آ، ب: پس از این بیت افزوده‌اند:

پوشید جوشن همه کینه را (آ: خواست) کجا (ق، آ، ب: کنون) تازه شد کین دیرینه را (آ: راست)

۳۰- ل، ق: کزین؛ س، و: برین؛ لی: بدان؛ پ، ب: درین؛ متن = ف، لن، ق، آ، ل ۳۱- ق: سوز؛ ل: خون ۳۲- لن، ق، لی، پ، آ، ب:  
باما؛ ق: برما؛ و: ما از؛ متن = ف، ل، س، ل ۳۳- و: ز دیده بیارده می ۳۴- لن، لی، ب: خون بمهر؛ ق: خون زمهر؛ ق: آب مهر؛ پ: خومهر؛  
متن = ف، ل، س، و، آ، ل ۳۵- ل- آ، ب (و نیز لن، آ، س)؛ همه؛ متن = ف، ل ۳۶- لن، ق، آ، ب، آ، ب: ابا؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستویس  
دیگر ۳۷- س، لن، ق، لی، و، آ: نباید؛ ب: بیاید؛ متن = ف، ل، پ، ل ۳۸- ل: خون ۳۹- لی، پ، آ، ل: چنین گفت؛ متن = هشت دستویس  
دیگر ۴۰- آ: پس زال تا رستخیز ۴۱- لن، ق، ق، آ، ب: همان؛ لی، ل: جهان؛ پ: چنان؛ متن = ف، ل، س، و، آ ۴۲- لن: جامه ۴۳- ق: >  
درک زین؛ آ: > درک زیر؛ ل: و دیده ۴۴- ق: > دار < ۴۵- لن، لی، و، ل، ب: رکیست؛ متن = هفت دستویس دیگر

- ۴۷۵ برین<sup>۱</sup> کینه آرامش و خواب نیست  
روان چنان شهریار جهان<sup>۲</sup>  
شما را به داد جهان آفرین<sup>۳</sup>  
ز مادر همه مرگ را زاده‌یم
- همانند اشکم<sup>۴</sup> به جوی آب نیست  
درخشنده بادا میان مهان  
دل آرمیده<sup>۵</sup> باد اندر آرام و دین<sup>۶</sup>  
بر آنیم<sup>۷</sup> و گردن ورا<sup>۸</sup> داده‌یم
- چو گردان سوی کینه بشتافتند  
ازیشان بشد خورد و آرام و خواب  
ازیشان<sup>۱۲</sup> به اغریرت<sup>۱۳</sup> آمد پیام<sup>۱۴</sup>  
به گیتی ز<sup>۱۷</sup> گفتار تو زنده‌یم  
تودانی که دستان به<sup>۱۹</sup> زاولستان<sup>۲۰</sup>
- ۴۸۰ چو برزین و چون<sup>۲۲</sup> قارن رزم زن  
یلانند<sup>۲۴</sup> با چنگ‌های دراز  
چو تابند گردان<sup>۲۷</sup> ازین سو عنان  
ازان تیز گردد رد<sup>۲۸</sup> افراسیاب  
سر یک رمه مردم<sup>۳۱</sup> بی‌گناه  
اگر بیند اغریرت<sup>۳۲</sup> هوشمند
- چو خرداد<sup>۳۳</sup> و کشواد لشکرشکن  
ندارند از ایران<sup>۳۵</sup> چنین دست<sup>۳۶</sup> باز  
به چشم اندرآرند نوک سنان  
دلش گردد از بستگان<sup>۳۹</sup> پرشتاب<sup>۴۰</sup>  
به خاک اندرآرد ز بهر کلاه  
مرین بستگان<sup>۳۳</sup> را گشاید ز بند<sup>۳۴</sup>

۱- لی، و؛ بدین ۲- ل: همی چون دو چشم؛ س- ب (و نیز ل، لن، س، آ): همانند (ل: بمانند) چشم؛ متن = ف ۳- ل: جوان ۴- ف: دادار (یا: از) جهان آفرین؛ متن = ل- ب (و نیز ل، لن، س، آ) ۵- ف: ارمیده؛ س، لی (و نیز ل، آ): آرام؛ ق: آسوده؛ آ: آرمیده؛ ل: آمده؛ (لن، آ: امید)؛ متن = ل، و (و در بالا افزوده است: آرام) ۶- ل، ق: بادا به آیین و دین؛ س، لی: ده باد ابا رام و دین؛ ل: باد و در آرام و دین؛ آ: بارام دین؛ (ل: بادا همی گاه کین)؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ): لن، پ، ب: روانان بارام بادا و دین؛ ق: روانان بارام و بادا و دین ۷- ل، پ، و، آ: برینم؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، لی، ب ۸- ف: بدین؛ لن: برو؛ و، آ (و نیز ل، لن، آ): بدو؛ متن = ل، س، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز س، آ): همه یک بیک تن ورا؛ ف پس از این بیت افزوده است:

وزان پس همه کینه را ساختند  
فراز آوریدند بی مر سپاه  
سپه را همه یکسر آباد کرد  
ز هر سوی بودش فیله یله  
۵ سلیح و درم دادن آغاز کرد  
هیونی ز هر سو برون تاخند  
ز شادی بریدند و ز بزمگاه  
دل سرفرازان بدان شاد کرد  
به شهر اندرآورد یکسر گله  
جهانی ز گردان پرآواز کرد

این بیت هادر هیچک از دستنویس‌های دیگر و نیز در ترجمه بنداری نیست ۹- ق: بران؛ و در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر تدبیر کردن ایرانیان در کار خویش ۱۰- ل، ق: بیم؛ لی: درد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- لی: ز ۱۲- ل، س (و نیز ل، آ): ازان پس؛ لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب (و نیز س، آ): وزان پس؛ متن = ف، و، آ (و نیز لن، آ: وزیشان) ۱۳- س: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، و، آ، ل (و نیز لن، آ): اغریرت؛ متن = ف، ل، ق، لی، پ، ب (و نیز ل، س، آ) ۱۴- لن، پ: نیک نام ۱۵- ف، آ، ب (و نیز ل، لن، آ): پرمش ۱۶- لن، پ: ازان پرمش (پ: پرمش) مهتران شد پیام؛ ل: > مهتر< نیک نام (وزن ندارد) ۱۷- ل، س، لی، آ، ب: به؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۸- پ: که ما؛ در پ ل ت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ پ پس از این بیت سرنویس دارد: پیغام کردن بزرگان ایران ۱۹- ل، ق: > به< ۲۰- س- ب (و نیز ل، لن، س، آ): زابلستان؛ متن = ف، ل، بنداری ۲۱- ف- ب (و نیز ل، لن، س، آ): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- آ: ویا ۲۳- لی: بهزاد ۲۴- لی: یلانند و ۲۵- لن، پ: ازیشان؛ آ: ازاین (وزن ندارد) ۲۶- س، لن، لی، پ، آ، ب (و نیز س، آ): جنگ؛ متن = ف، ق، آ، و، ل (و نیز ل، لن، آ)؛ ل این بیت را ندارد؛ در لی پس از این بیت های ۲۹۱ تا ۳۰۶ دوباره آمده‌اند ۲۷- ل: جمله؛ ل این بیت را ندارد ۲۸- ق: تیز گردد؛ ل: تیره گردد ز ۲۹- ل: کشتگان؛ ق، آ، لی، پ، ب: کین ما؛ متن = ف، س، لن، ق، و، ل ۳۰- آ: سربک رمه مردم آرد بخواب (= ۱۴۸۸) ۳۱- ل: پس آنگه سربک رمه؛ ق: پس این یک رمه مردم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲- ق، و، آ، ل: اغریرت؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۳- آ: مرین خستگانرا؛ ل: زین تشنگان را ۳۴- ق: گشاید مرابین بستگانرا ز بند



زبان برگشایم پیش<sup>۱</sup> مهان  
همان<sup>۲</sup> پیش یزدان<sup>۳</sup> نیایش کنیم  
کزین گونه چاره نه اندر خورد  
بجوشد سر مرد آهرمنی<sup>۴</sup>  
که با من نگردد برادر<sup>۵</sup> به کین  
یکی لشکر آرد بر<sup>۶</sup> ما به جنگ  
بدیشان سپارم شما را همه  
سر نامدار<sup>۷</sup> اندر آرم به ننگ

به روی زمین برنهادند<sup>۸</sup> روی<sup>۹</sup>  
نوندی ز ساری<sup>۱۰</sup> برون تاختند  
بیاورد از آن<sup>۱۱</sup> نامداران پیام<sup>۱۲</sup>  
شد اغریرت<sup>۱۳</sup> پرخرد<sup>۱۴</sup> یار ما  
بران برنهادیم با او<sup>۱۵</sup> سخن  
بباید، نجویند با او<sup>۱۶</sup> نبرد  
ز آمل گذارد سپه را به ری<sup>۱۷</sup>  
تن<sup>۱۸</sup> يك جهان مردم آید ره<sup>۱۹</sup>

۴۹۰ پراگنده گردیم گرد جهان  
به پیش بزرگان ستایش کنیم  
چنین گفت اغریرت<sup>۱</sup> پرخرد  
ز من<sup>۲</sup> آشکارا شود<sup>۳</sup> دشمنی  
یکی چاره سازم دگرگونه زین<sup>۴</sup>  
۴۹۵ گر ایدونك<sup>۱</sup> دستان<sup>۲</sup> شود تیزچنگ  
چو آرد<sup>۳</sup> بنزدیک ساری رمه<sup>۴</sup>  
پردازم آمل نیایم<sup>۵</sup> به جنگ

بزرگان ایران ز<sup>۱۸</sup> گفتار او<sup>۱۹</sup>  
چو از آفرینش برداختند  
۵۰۰ پیوید نزدیک<sup>۲۳</sup> دستان سام  
که بخشود<sup>۲۴</sup> بر ما جهاندار ما  
یکی سخت پیمان فگندیم بُن  
کز ایران اگر- داستان را- دو مرد<sup>۲۵</sup>  
گرانمایه اغریرت<sup>۲۶</sup> نیک بی  
۵۰۵ مگر زنده از چنگ<sup>۳۴</sup> این<sup>۳۵</sup> آزدها

۱- س: گرد؛ ق: نزد ۲- لی، پ، ب: همه؛ متن ← ۳- ق، آ، ل: جهان آفرین را؛ متن = ف، ل، س، لن، ق، و ۴- ق، لی، و، آ، ل: بنداری: اغریرت؛ متن = هفت دستویس دیگر (ونیز ل، آ، لن، آ، س) ۵- ل: کزین گونه گفتار کی در خورد؛ متن = ف، س- ب (ونیز ل، آ، لن، آ، س) ۶- و: زما ۷- پ: کند ۸- لی، و: اهریمنی ۹- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب (ونیز ل، آ، س): دگرگون ازین؛ متن = ف، ل، ق، و، ل (ونیز لن، آ) ۱۰- س، لن، ق، لی، پ، و، ب (ونیز ل، آ، لن، آ): که با من برادر نگردد؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل (ونیز س، آ) ۱۱- لی، ل: ایدونکه ۱۲- لن: ایران ۱۳- س: آیدسوی؛ لن، پ: آیدبر؛ لی، و: آردسوی؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل، ب ۱۴- لن، پ: آید؛ آ: آمد ۱۵- ل: دمه ۱۶- ق: بنام ۱۷- ل، س، ق، ق، لی، و، آ، ل، ب (ونیز لن، آ، س): سرم راز (ل: به) نام؛ لن، پ: سر نام را؛ (ل: سرمرزبان)؛ متن = ف ۱۸- آ: به ۱۹- ل، ق، لی: او؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۰- لی: درنهادند؛ آ: همه برنهادند برخاک ۲۱- ق، لی، و: رو ۲۲- ب: سارا؛ ل: نویدی زشادی ۲۳- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: بیامد بنزدیک؛ و: شتابان بنزدیک؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲۴- ل: از <آن>؛ س، لی: ازین ۲۵- لن: سلام؛ ق: چنین داشت از نامداران پیام؛ و: که ای نامور پهلوشادکام ۲۶- لی: که بخشید؛ و: بخشود ۲۷- س، ل: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، آ، لی، و، آ (ونیز لن، آ): اغریرت؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، ب (ونیز ل، آ، س) ۲۸- ق، ق، آ، ل، آ، ب: هنر؛ ل: پس از این سرنویس دارد: پیغام گردان ایران نزدستان سام ۲۹- ل، لن، ق، لی، پ، و، آ: یکسر؛ ق: باوی؛ متن = ف، س، ل، آ، ب ۳۰- ف: کز ایران اگر زال آزاد مرد؛ ل، ق، ل (ونیز ل، آ): کز ایران (ل: کز آنجا) چو دستان آزاد مرد؛ لن، لی، پ: کز ایران اگر زال زر با دو مرد؛ آ، ب: کز ایران اگر داستان ها (ب: باستان ها) دو مرد؛ (ل، آ): کز ایران اگر پهلوانرا دو مرد)؛ متن = س، ق، و (ونیز س، آ، ق: از) ۳۱- ق، لی: باوی؛ ل، ق، و، ب (ونیز لن، آ): بیابند و جویند با او (ل: وی؛ ق: ما)؛ لن، پ: بیاید نجوید ابا او؛ آ: بیابند و سازند با ما؛ ل: باید که با او بجوید؛ متن = ف، س (ونیز س، آ) ۳۲- س: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، و، آ (ونیز لن، آ): اغریرت؛ متن = هشت دستویس دیگر (ونیز ل، آ، س) ۳۳- س، لن، ق، لی، پ، آ: سپه را گذارد ز (س، لی: از) آمل به ری؛ ل: از آمل سپه را گذارد به ری؛ ب: سپه را ز آمل گذارد به ری؛ متن = ف، ل، ق، و (ونیز ل، آ، لن، آ) ۳۴- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: دست؛ ل: جان؛ متن = ف، ل، ق، و ۳۵- لن: آن ۳۶- ق، لی، آ: سر ۳۷- لی: سربك رمه مرد گرددرها

چو پوینده در<sup>۱</sup> زاولستان<sup>۲</sup> رسید<sup>۳</sup>  
 بزرگان و جنگ آوران را بخواند<sup>۴</sup>  
 وزان<sup>۵</sup> پس چنین گفت کای سروران<sup>۶</sup>  
 کدامست<sup>۷</sup> گردی<sup>۸</sup> کنارنگ دل<sup>۹</sup>  
 ۵۱۰ خریدار این جنگ و این تاختن  
 به بر زد برین<sup>۱۰</sup> کار کشواد دست<sup>۱۱</sup>  
 برو<sup>۱۲</sup> آفرین کرد فرخنده زال  
 سپاهی ز گردان پرخاشجوی  
 چن از زاولستان<sup>۱۳</sup> برون شد سپاه<sup>۱۴</sup>  
 ۵۱۵ همه بستگان<sup>۱۵</sup> را به ساری<sup>۱۶</sup> بماند  
 چو کشواد فرخ به ساری رسید  
 یکی اسپ مر هر یکی را بساخت  
 چو آمد به دستان سام آگهی  
 یکی گنج ویژه به درویش داد

سراینده<sup>۱۷</sup> در پیش<sup>۱۸</sup> دستان رسید<sup>۱۹</sup>  
 پیام یلان پیش ایشان براند<sup>۲۰</sup>  
 پلنگان<sup>۲۱</sup> جنگی و نام آوران<sup>۲۲</sup>  
 به مردی<sup>۲۳</sup> سیه کرده در جنگ دل  
 به خورشید گردن برافراختن  
 منم گفت یازان بدین<sup>۲۴</sup> کار<sup>۲۵</sup> شست<sup>۲۶</sup>  
 که خرم بدی<sup>۲۷</sup> تا بود ماه و سال  
 ز زاول<sup>۲۸</sup> به آمل نهادند روی<sup>۲۹</sup>  
 خبر شد به اغریث<sup>۳۰</sup> نیک خواه  
 بزد نای روین و لشکر براند  
 پدید آمد آن بندها را کلید<sup>۳۱</sup>  
 ز<sup>۳۲</sup> آمل<sup>۳۳</sup> سوی زاولستان<sup>۳۴</sup> بتاخت<sup>۳۵</sup>  
 که برگشت کشواد<sup>۳۶</sup> با فرهی  
 سراینده را جامه<sup>۳۷</sup>ی خویش داد

۱- لن، پ: بر ۲- ل، س، لن، ق: ب (و نیز ل، لن): زابلستان؛ متن= ف، ق (و نیز س) ۳- س، لی: کشید؛ متن= ده دستویس دیگر ۴- ف: سرابده؛ متن= ل- ب (و نیز ل، لن، س) ۵- لن، پ: نزدیک؛ ق: بر روی؛ متن= نه دستویس دیگر ۶- لن، س: بنداری؛ فلما وصل الرسول أمر بإحضار الأمراء والقواد، وأخبرهم بالحال (= ۵۰۶ و ۵۰۷) ۷- ل: بیدید ۸- ل: پیام یلان بستگان برگرید (!) ۹- ف، ل (و نیز ل): ازان؛ متن= س- ب (و نیز لن، س) ۱۰- س، لی، آل: (و نیز ل، س): با یاوران؛ ق: ناموران؛ (و نیز لن): باسورران؛ ب: با بارمان؛ متن= ف، ل، لن، ق، پ ۱۱- ق: بزرگان؛ و: سواران ۱۲- لی: کنداوران؛ ق: که ای نامداران و کنداوران ۱۳- س: که تاکیت ۱۴- ل، ق، ل: مردی؛ پ: مرد؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۵- و: ابا سنگ دل؛ ل: که نارنگ در → کنارنگ دل) ۱۶- و: دلیری ۱۷- ل، ق، و: بران؛ ق: بدین؛ لی: درین؛ ل: بزد برین (وزن ندارد)؛ متن= ف، س، لن، پ، آ، ب ۱۸- آ: جنگ ۱۹- پ، و: برین ۲۰- ف: باد؛ لن، لی، پ (و نیز ل): داد (ل: نخست کار داشته است)؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز لن، س) ۲۱- ف، ل، لن، ق، ق، پ، و، ل، ب (و نیز ل، لن): دست (ل، ق، ق، و، ل، ب، لن: پساوند ندارند)؛ لی: جت؛ آ: تنگ؛ متن= س (و نیز س)؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

بگفتش بدان نامبردار گو بدین کار و نیکی منم پیشرو

۲۲- لن، لی: بدو ۲۳- ف: بوی؛ س- ب (و نیز ل، لن، س): بزی؛ متن= ل: ف، پ در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر جوانمردی کردن اغریث با ایرانیان و کشته شدن او بر دست برادرش افراسیاب؛ پ: آمدن کشواد و رهانیدن ایرانیان از بند ۲۴- ل- پ، آ، ب (و نیز ل، لن): زابل؛ متن= ف، و (و نیز س) ۲۵- دل: این بیت چنین آمده است:

سپاهی به آمل نهادند روی همه نامبردار و پرخاشجوی

۲۶- ل، ق: جزا پیش دستان؛ متن= ۲۷- س، ق، آ، ب (و نیز س): گرازه (س: گرازان؛ س: طلایه) برون شد ز (س: به) پیش سپاه؛ لن، پ: کنارنگ بیرون ز (پ: پرور) پیش سپاه؛ لی، ل: چو منزل یکی دو برون شد براه؛ و (و نیز ل، لن): ز پیش گرازه (لن: کراده) برون شد سپاه؛ متن= ف ۲۸- ق، لی، و، آ (و نیز لن، بنداری): اغریث؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل، س) ۲۹- ق: بندگان ۳۰- ل: به آمل ۳۱- و پس از این بیت افزوده است:

همه بند از پایشان برگشود ز ساری بیارود و برگشت زود

۳۲- لن، ق، لی، پ، آل، ل: ب: از؛ متن= ف، ل، س، ق، و ۳۳- ل، ق: ساری؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۳۴- ل، س، لن، ق، لی، پ، آل، ل، ب (و نیز ل، لن): زابلستان؛ متن= ف، ق، و (و نیز س، بنداری) ۳۵- ل: شتافت ۳۶- س، لی: که کشواد برگشت؛ متن= ده دستویس دیگر ۳۷- لن، پ: خلعت؛ ق: این بیت را ندارد

۵۲۰ چو کشواد نزدیک زاول<sup>۱</sup> رسید  
 بران<sup>۲</sup> بستگان زار بگریست دیر  
 پس از نامور نوذر شهریار<sup>۳</sup>  
 به شهر اندرآوردشان ارجمند  
 چنان هم که هنگام نوذر بُدند  
 ۵۲۵ بیاراست<sup>۱۱</sup> دستان همان<sup>۱۲</sup> دستگاه

چو اغریرت<sup>۱۳</sup> آمد ز آمل به ری  
 بدو گفت کین<sup>۱۵</sup> چیست کانگیختی  
 بفرمودمت<sup>۱۶</sup> کین بدان را<sup>۱۷</sup> بکش  
 به دانش نباشد سر<sup>۱۹</sup> جنگ جوی  
 ۵۳۰ سر مرد جنگی خرد نسپرد  
 چُنین داد پاسخ به<sup>۲۳</sup> افراسیاب  
 هرآنکه کهت آید<sup>۲۶</sup> به بد دست رس  
 که تاج و کمر چون تو بیند بسی<sup>۲۷</sup>  
 یکی پر ز دانش<sup>۲۸</sup> یکی بی<sup>۲۹</sup> خرد

ز کردار او<sup>۱۴</sup> آگهی یافت کی  
 که با شهد حنظل برآمیختی  
 که جای خرد نیست و<sup>۱۸</sup> هنگام هُش  
 نباید<sup>۲۰</sup> به جنگ اندرون آب روی<sup>۲۱</sup>  
 که هرگز نیامیخت<sup>۲۲</sup> کین با خرد  
 که لختی بیاید<sup>۲۴</sup> همان<sup>۲۵</sup> شرم و آب  
 ز یزدان بترس و مکن بد به کس  
 نخواهد شدن رام با هرکسی  
 خرد را<sup>۳۰</sup> سر دیو کی درخورد<sup>۳۱</sup>

۱- ل، س، لن، لی، پ، آل، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): زابل؛ و (و نیز ل<sup>۳</sup>): کابل؛ متن=ف، ق (و نیز س<sup>۴</sup>) ۲- آل، ل، ب: بدید؛ ق<sup>۵</sup> این بیت را ندارد ۳- لی، ب: بدان ۴- ل، ل، ل: مانده؛ س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب (و نیز لن<sup>۶</sup>، س<sup>۷</sup>): بسته؛ ق<sup>۸</sup> این بیت را ندارد؛ متن=ف ۵- ل: بر؛ س، لن، ق، لی- ب (و نیز لن<sup>۹</sup>، س<sup>۱۰</sup>): در؛ متن=ف ۶- س: چرم؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز لن<sup>۱۱</sup>، س<sup>۱۲</sup>) ۷- لن، پ، آ: نامدار؛ متن= نه دستویس دیگر ۸- لی: < و >؛ ق<sup>۹</sup> پس از این بیت افزوده است:

به شهر اندرآوردشان چون سزید به کاخ و به ایوان فرود آورید

۹- ل- پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۱۰</sup>، س<sup>۱۱</sup>): تاج؛ متن=ف، و، ل (و نیز لن<sup>۱۲</sup>) ۱۰- ل: بخت ۱۱- لی: یاورد ۱۲- ل، س، و: همه؛ لن، ق، پ، آ، ب: چنان؛ متن=ف، ق، لی، ل ۱۳- ق، لی، و، آ (و نیز لن<sup>۱۴</sup>، بندگان): اغریرت؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۱۵</sup>، س<sup>۱۶</sup>) ۱۴- ل، ق، و، ل (و نیز ل<sup>۱۷</sup>، لن<sup>۱۸</sup>): وزان کارها؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: آزان (س، لی): وزان کار او؛ متن=ف ۱۵- و: این ۱۶- ل: فرمودمت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ب: فرمودمت؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۱۹</sup>، لن<sup>۲۰</sup>، س<sup>۲۱</sup>) ۱۷- ل (و نیز ل<sup>۲۲</sup>): کای برادر؛ متن=ف، س- ب (و نیز لن<sup>۲۳</sup>، س<sup>۲۴</sup>): ق، ب: کان ۱۸- ل، ق، لی (و نیز ل<sup>۲۵</sup>، س<sup>۲۶</sup>): < و >؛ متن= نه دستویس دیگر (و نیز لن<sup>۲۷</sup>): برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، پ: کشتن افراسیاب برادر خود را اغریرت (پ: < اغریرت >) و: گفتار اندر کشتن افراسیاب اغریرت را؛ ب: کشتن افراسیاب برادر خود ۱۹- ف، ل (و نیز س<sup>۲۰</sup>): برآتش نباشد (ل: نیامد) سر (ل، س<sup>۲۱</sup>: دل)؛ ل، لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲۲</sup>): به دانش نباید (لی، ب، ل: نیابد) سر (درل واژه سوم نقطه ندارد)؛ و (و نیز لن<sup>۲۳</sup>): پر از خشم باید دل؛ ق این بیت را ندارد؛ متن=س ۲۰- لی، ل، آ، ب: نیابد ۲۱- لن، ق، آ: آب جوی؛ لی: آب و روی؛ آ: آب و رو ۲۲- ل: نامخت ۲۳- ل: پاسخش ۲۴- ق، ق، آ: نیابد؛ پ: بشاید؛ و: بیاید ۲۵- ل، و: همی؛ س، لن، لی، پ، آ، ب: هم از؛ ق<sup>۲۶</sup>: پس از؛ متن=ف، ق، ل ۲۶- و، ل: که یابی ۲۷- ق: دید چون تویی؛ ل، ق پس از این بیت افزوده است:

درازست دست فلک بر بدی همه نیکویی کن اگر بخردی

چو نیکی کنی نیکی آید برت بدی را بدی باشد اندر خورت

۲۸- آ، ب (و نیز ل<sup>۲۹</sup>): آتش ۲۹- ل، س، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۳۰</sup>): بر؛ متن=ف، لن، لی (و نیز س<sup>۳۱</sup>)؛ و، ل (و نیز لن<sup>۳۲</sup>): دلی (ل: سری) بر از دانش سری پر ۳۰- ل، س، لن، ق، لی، و، آل، ب (و نیز ل<sup>۳۳</sup>، لن<sup>۳۴</sup>، س<sup>۳۵</sup>): با؛ متن=ف، پ ۳۱- لی: برخوردار؛ ق این بیت را ندارد؛ لی در اینجا سرنویس دارد: کشته شدن اغریرت بر دست افراسیاب

- ۵۳۵ سَهبِد برآشفت چون پیل مست  
میان برادر بدو نیم کرد
- ۵۴۰ چُن<sup>۳</sup> از کار اغریرت<sup>۴</sup> نامدار  
چُنین گفت کاکنون سربخت<sup>۵</sup> اوی<sup>۶</sup>  
بزد نای روین و بر بست کوس  
سَهبِد<sup>۱</sup> سُوئی پارس<sup>۱۱</sup> بنهاد روی  
ز دریا به دریا همی<sup>۱۲</sup> مرد بود  
چو بشنید افراسیاب این<sup>۱۴</sup> سَخُن  
بیاورد لَشکر سُوئی خوار ری<sup>۱۵</sup>  
طلایه شب و روز در جنگ بود  
مبارز همی<sup>۱۹</sup> کشته شد بر<sup>۲۰</sup> دوروی  
۵۴۵ شبی زال بنشست<sup>۲۱</sup> هنگام خواب<sup>۲۲</sup>  
هم از<sup>۲۴</sup> رزم زن نامداران خویش  
همی گفت: هر چند کز<sup>۲۷</sup> پهلوان  
بباید یکی شاه خسرو<sup>۲۹</sup> نژاد  
۵۵۰ بگردار کشتی ست کار سپاه
- به پاسخ به شمشیر یازید دست  
چنان بی وفا<sup>۱</sup> ناهشیوار مرد<sup>۲</sup>  
خبر شد سُوئی سام زال سُواری<sup>۳</sup>  
شود تار و بیران شود<sup>۵</sup> تخت<sup>۶</sup> اوی<sup>۷</sup>  
بیاراست لَشکر چو چشم خروس  
همی رفت پر خشم و دل کینه جوی  
رخ<sup>۱۳</sup> ماه و خورشید پر گرد بود  
که داستان جنگی چه افگند بُن  
بیاراست جنگ و بیفشارد<sup>۱۶</sup> پی<sup>۱۷</sup>  
تو گفتی که گیتی برو تنگ<sup>۱۸</sup> بود  
همه نامداران پرخاشجوی
- سَخُن گفت بسیار از افراسیاب<sup>۲۳</sup>  
و زان<sup>۲۵</sup> پهلوانان و یاران<sup>۲۶</sup> خویش  
بود بخت بیدار و روشن<sup>۲۸</sup> روان  
که دارد گذشته سَخُن ها<sup>۳۰</sup> بیاد  
همش باد و هم بادبان تخت<sup>۳۱</sup> شاه

۱- ل، پ، ل، نیک دل؛ و (و نیز لن<sup>۱</sup>): نیز سر؛ (ل، س، س، فن، س، لن، ق، ل، لی، آ، ب: ناسزاوار مرد؛ پ: ناهشیوار مرد) حرف یکم نقطه ندارد؛ متن= ف، و، ل، ا، و (نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س، ا، س): ق: سپه را از ودل پر از بیم کرد ۳- ل-ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س، ا): چو؛ متن= ف ۴- ق، ل، لی، و، ا، و (و نیز لن<sup>۱</sup>): اغریرت؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۵- ل، ق: خبر شد بزید زال سوار؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س، ا) ۶- ف، ل، و، ل، ا، ب: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ: تخت؛ متن= ق، ق، ا، ا، و (نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س، ا) ۷- ل، ق، ق، ل، پ، آ، ل، ا، ب: او؛ متن= ف، و، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س، ا) ۸- ل، ق، ق، ل، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س، ا): شود تار (ل: بار؛ ق: باد، ق: آ: بار؛ ل: باز) (و: ل) (و: و) ویران شود (ق، پ: همه)؛ متن= ف (حرف یکم تار و حرف یکم و دوم بیران نقطه ندارند) ۹- ف، پ، ل، ا، ب: بخت؛ ل، و: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= ق، ق، ا، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س، ا): س، لن، لی این بیت را ندارند ۱۰- و: شتابان ۱۱- آ: فارس؛ ل: جنگ ۱۲- س، ق، ق، ا، ب: همه؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۳- و: برخ؛ در ب این بیت پس از بیت ۵۴۳ آمده است ۱۴- س، ل، ا، آن؛ پ، ل در اینجا سرنویس دارند، پ: لشکر کشیدن زال برزم افراسیاب؛ ل: آگاهی یافتن زال از کشته شدن اغریرت ۱۵- ق، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س، ا): خوار وری؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، بنداری: خوارالی) ۱۶- ق، ل، لی، و، ل، ا، ب: بیفشرد؛ متن= ف، ل، س، لن، ق، آ ۱۷- پ: بشد کوه لرزنده چون بید و نی؛ در ب پس از این بیت ۵۴۱ آمده است ۱۸- لی: بدو تنگ؛ پ: یک رنگ ۱۹- ل: بسی؛ س: همه؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۰- ل: هر؛ و: از؛ متن= نه دستویس دیگر؛ لن، ق، ل، پ، آ (و نیز س، ا) پس از این بیت افزوده اند:

برآمد دو هفته (س): دو هفته برآمد برین روزگار پیاده بمانده ز کار (آ: کار) سوار (س): سوار و پیاده بمانده ز کار  
بنداری نیز گویا این بیت را داشته بوده است: یجری بینهما سحابه کل یوم مقدار اسیوعین ۲۱- لی: بگرفت ۲۲- ل: ز افراسیاب ۲۳- ل، ق: ز افراسیاب؛ لی: با افراسیاب (وزن ندارد)؛ ل: هنگام خواب؛ ب: سخن رفت چندی ز افراسیاب؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۴- پ: همان؛ آ: وزان؛ ب: بدان؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۵- س، لن، لی، پ: هم از؛ ل: همان؛ ب: از آن؛ متن= ف، ل، ق، ق، و، آ ۲۶- ب: شاهان ۲۷- و: اگر؛ ل: کز بر (وزن ندارد) ۲۸- ل: دولت ۲۹- آ: فرخ ۳۰- ق: سخنها گذشته ۳۱- ب: بخت؛ در این بیت بابت سپین پس و پیش شده است

سپاهست و<sup>۱</sup> گردان بسیار مر  
بیاید یکی شاه بیدار<sup>۲</sup> بخت  
بتابد ز دیهیم او<sup>۳</sup> بخردی

یکی شاه، زیبای تخت بلند  
که تاج فریدون بدو گشت نو<sup>۴</sup>  
سپاهی ز بامین<sup>۵</sup> و ز گرزبان<sup>۶</sup>  
که تاج فریدون به تو گشت نو<sup>۷</sup>  
ترا خواستند ای<sup>۸</sup> سزاوار گاه<sup>۹</sup>  
بیامد نشست از بر گاه نو<sup>۱۰</sup>

اگر داری طوس و گتھم فر  
نزید بریشان<sup>۱</sup> همی تاج و تخت  
که باشد برو<sup>۲</sup> فر<sup>۳</sup> ایزدی

ز تخم فریدون بجستند چند  
۵۵۵ ندیدند جز پور طهماسب: زو<sup>۴</sup>  
شد قارن و<sup>۵</sup> موبد و مرزبان  
یکی مژده بردند نزدیک زو<sup>۶</sup>  
سپهدار<sup>۷</sup> دستان و یکسر<sup>۸</sup> سپاه  
پذیرفت<sup>۹</sup> شاهی و برخاست زو<sup>۱۰</sup>

۱- ق: < و > ؛ ل: سپه هت و؛ در این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۲- لی، ل: بدیشان ۳- پ، ب: پیروز ۴- ل، ل، ق: آ، لی، پ: بدو؛ متن = ف، س، و، آ، ل: ب ۵- س: بتابد ازو فرّه؛ ل، ق: آ، پ: بیاید (پ: بتابد) ز گفتار او؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، لی، و، آ، ل: ب ۶- ل، ل، ق: آ، پ، آ: که زور کیان داشت و فرهنگ گو: س، لی، و، ل: ب (و نیز ل، آ، س): که فر کیان داشت (س: بود) و (لی: < و >) فرهنگ گو (ل، ب، س: آ: نو)؛ متن = ف (و نیز ل: آ)؛ بنداری: رکان ذافدر و جلالة و شهامة و صرامة ۷- ل: آ: < و > ؛ ل: بشدرای زن ۸- ق: آ: بامی؛ ل: ب: نامین ۹- ل، س، ل: کرزبان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل: کربزان؛ ق: و گرزگران؛ پ، آ، ب: و از کرزبان: (ل: و از کردنان)؛ متن = ف، ق (و نیز س: آ)؛ لی: سپاهی زبان دان روشن روان؛ و (و نیز ل، آ): گروهی هنرگتر خوش زبان؛ در پ این بیت پس از بیت ۵۵۸ آمده است ۱۰- س، ق: آ، لی: سرافراز؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۱- آ: دیگر ۱۲- س، ق: آ: خواستندی؛ ب: خواست بکسر؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، آ، س: آ) ۱۳- ق، ق: آ، پ، و، آ، ل: ب (و نیز ل، آ، ل، آ، س): شاه؛ متن = ف، ل، س، ل، لی؛ در پ پس از این بیت بیت ۵۵۶ آمده است؛ ل، ق پس از این بیت سه بیت و ق: آ، آنها بیت سوم را افزوده اند:

چو بشنید زو گفته مرزبان (ق: موبدان) همان گفته قارن و بخردان  
بیامد به نزدیک ایران سپاه بر بر نهاده (ق: بر نهاده آن) کیانی کلاه  
سرآمد همه کار نوذر چو بود کنون کار زو را بیاید شنود (ل: ستود؛ آ: سرود)  
۱۴- ل، پ، ل: پذیرفت؛ متن = ف، ق: س، لی، ل، ق: آ، و، آ، ب (و نیز ل، آ، ل، آ، س) این بیت را ندارند؛ ب بجای این بیت افزوده است:  
چو بشنید ازین گونه پیغام زو بیامد یکی کار بر ساخت نو



زَوَّطَهُمَا سِپ





## پادشاهی زو طهماسب پنج سال بود<sup>۱</sup>

به روز همایون زو نیک بخت  
 به شاهی برو آفرین خواند<sup>۲</sup> زال  
 کهن بود<sup>۳</sup> بر<sup>۴</sup> سال<sup>۵</sup> هشتاد<sup>۶</sup>، مرد  
 سپه را ز کلر بدی بازداشت  
 ۵ گرفتن<sup>۷</sup> نیارست<sup>۸</sup> و<sup>۹</sup> کشتن<sup>۱۰</sup> کسی  
 همان بد که تنگی<sup>۱۱</sup> بد اندر جهان  
 نیامد همی ز آسمان باد و نم<sup>۱۲</sup>  
 دو لشکر<sup>۱۳</sup> بران گونه<sup>۱۴</sup> بد<sup>۱۵</sup> هشت<sup>۱۶</sup> ماه  
 نکردند<sup>۱۷</sup> یک روز جنگی<sup>۱۸</sup> گران

بیامد برآمد بر افراز<sup>۱۹</sup> تخت  
 نشست از بر تخت زر<sup>۲۰</sup> پنج سال  
 به داد و به خوبی جهان تازه کرد<sup>۲۱</sup>  
 که با پاک یزدان یکی<sup>۲۲</sup> راز داشت<sup>۲۳</sup>  
 و<sup>۲۴</sup> زان<sup>۲۵</sup> پس ندیدند<sup>۲۶</sup> کشته<sup>۲۷</sup> بسی<sup>۲۸</sup>  
 شده خشک خاک<sup>۲۹</sup> و گیا را دهان<sup>۳۰</sup>  
 همی برکشیدند نان با دم  
 به روی اندر آورده<sup>۳۱</sup> روی سپاه  
 نه<sup>۳۲</sup> روز یلان<sup>۳۳</sup> بود و رزم<sup>۳۴</sup> سران

- ۱- ف: گفتار اندر پادشاهی زو طهماسب پنج سال بود و جنگ او با افراسیاب و شکست افراسیاب؛ ل، پ: پادشاهی زو (پ: رد) طهماسب پنج سال؛ س: پادشاهی طهماسب زو به ایران پنج سال بود؛ لی: پادشاهی طهماسب زو پنج سال بود؛ ب: پادشاهی طهماسب پنج سال؛ بنداری: ذکر نوبه زو بن طهماسب و ماجری فی عهده؛ متن= لن، ق، آ، و، آل؛ در س از بیت ۷۳ تا پایان داستان افتاده است؛ درب از بیت ۱۰۰ تا ۱۵۴ افتاده است ۲- ل: بافراز؛ ل، س، ق (و نیز ل) این بیت را ندارند؛ لن، ق، آ، ب، آ (و نیز س) پس از این بیت افزوده اند:
- به شاهی (پ، س): بزرگان) بر او آفرین خواندند      تشارشهی بروی افشاندند (پ، س): ورا پادشاه (س): شهریار) زمین خواندند)
- ۳- لی: بدو ۴- لن، پ، ب: کرد ۵- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ (و نیز ل، س): زو؛ متن= ف، س، و، ل، آ، ب (و نیز لن) ۶- ق، آ، و: بودو ۷- ف، لی: در ۸- ف: سال و؛ ب: زال ۹- ف، ب (و نیز ل): هتیار؛ متن= ل- ل (و نیز لن، س): بنداری: وکان کبیر السن قد أناف علی ثمانین سنة ۱۰- س، لی: جهان را به داد و دهش تازه کرد؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۱- و: همی ۱۲- ل: دلش با همه نیکی انباز داشت ۱۳- ف: گرفته؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز لن، س) ۱۴- ف، لی: < و ۱۵- ل، لی، پ: بتن؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز لن، س) ۱۶- ب: آزان ۱۷- ل: بدیدند ۱۸- ل: کشتن؛ پ: خستن؛ ب: انده؛ متن= هشت دستویس دیگر (و نیز س) ۱۹- پ، آ: کسی ۲۰- س: خشکی؛ لن، ق، آ: نیکی؛ متن= نه دستویس دیگر ۲۱- و، ل: شده خاک خشک؛ پ: شده خشک مهر ۲۲- ل: گیاهانها؛ ب: گیاهان ۲۳- ل، ق، پ، و (و نیز لن): هیچ نم؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: آب و نم؛ ل: نا و نم؛ متن= ف (و نیز ل، س) ۲۴- و (و نیز لن): دو خسرو ۲۵- لن، پ، ب: برین گونه؛ ق، لی: بدان گونه؛ متن= هفت دستویس دیگر ۲۶- ل، ق، لی، ل (و نیز ل، س): نا؛ س، لن، ق، آ، پ، و، آ، ب (و نیز لن): بر؛ متن= ف ۲۷- س، لن، ق، آ، پ، آ: پنج؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، لن، س): بنداری: ثمانیة أشهر ۲۸- ف: اندر آورد؛ متن= ل- ب (و نیز ل، لن، س) ۲۹- ف، س- آ، ب (و نیز ل، لن، س): بکردند؛ ل: بکردند (حرف بکم نقطه ندارد)؛ متن= ل ۳۰- س: روزی دو جنگ؛ لن، ق، آ، پ، آ: هر روز جنگی؛ لی: تدبیر جنگ؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، آ، ب (و نیز لن، س): جنگ ۳۱- ف، س- آ، ب (و نیز ل، لن، س): که؛ متن= ف، ل ۳۲- ق: بلی ۳۳- ل، لی، آ، ب: جنگ؛ بنداری: و بقیع عساکر الفریقین ثمانیة أشهر متقاتلین و متقابلین علی حالة واحدة

۱۰ ز تنگی چنان شد که چاره نماند  
 سَخُن رفتشان يك بيك هم زبان  
 ز هر دو سپه خاست فریاد<sup>۷</sup> و عَنُو  
 كجا<sup>۱۱</sup> بهره‌مان<sup>۱۱</sup> زین سرای سپنج<sup>۱۲</sup>  
 بیا تا بیخشم روی زمین  
 ۱۵ سر نامداران تهی شد ز جنگ  
 برآن<sup>۱۷</sup> برنهادند هر دو<sup>۱۸</sup> سَخُن  
 بیخشنند<sup>۱۹</sup> گیتی به رسم و به داد  
 ز رودابد و شیر<sup>۲۲</sup> تا مرز تور<sup>۲۳</sup>  
 روارو چنین تا به چین و ختن<sup>۲۶</sup>  
 ۲۰ ز مرزی كجا رسم<sup>۲۸</sup> خرگاه بود  
 و زین روی<sup>۳۰</sup> ترکان نجویند<sup>۳۱</sup> راه  
 سُوی پارس<sup>۳۲</sup> لشکر برون راند زو<sup>۳۳</sup>  
 سُوی زاولستان<sup>۳۵</sup> بشد زال زر  
 پر از غلغل و<sup>۳۷</sup> رعد شد کوهسار

ز لشکر همی<sup>۱</sup> بود<sup>۱</sup> تاره نماند<sup>۲</sup>  
 که از ماست بر ما بد آسمان<sup>۵</sup>  
 فرستاده آمد بنزدیک<sup>۹</sup> زو  
 نیاید<sup>۱۳</sup> بجز<sup>۱۴</sup> درد و اندوه و رنج<sup>۱۵</sup>  
 سراییم يك بادگر<sup>۱۶</sup> آفرین  
 ز تنگی بُد روزگار درنگ  
 که در دل ندارند کین کهن  
 ز کار<sup>۲۱</sup> گذشته نیارند<sup>۲۱</sup> یاد  
 از آن بخش<sup>۲۲</sup> گیتی بنزدیک و دور<sup>۲۵</sup>  
 سپردند شاهی بدان<sup>۲۷</sup> انجمن  
 زو<sup>۲۹</sup> و زال را دست کوتاه بود  
 چنین بخش کردند تخت و کلاه  
 کهن بود، لیکن جهان کرد<sup>۳۴</sup> نو  
 جهانی گرفتند هر یک<sup>۳۶</sup> به‌بر  
 زمین شد پر از رنگ و بوی<sup>۳۸</sup> و نگار

۱- ب: ز دولشکران ۲- س: < و > ۳- ق: سه را همی قوت و باره نماند؛ و: ز لشکر همی نان و باره نماند ۴- ل، ن، پ: هم نشان؛ (ل: ۲: بر زبان)؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، س) ۵- س، ل: که بر ما بد آمد هم از (لی: همی ز) آسمان؛ ل، ن، ق: که بر ما بد آمد بد (ق: ۲: سر آمد س) آسمان؛ آ: که بر ما پر آمد بدید آسمان؛ متن= ل، ق، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، س) ۶- ق: ز مردو ۷- ق: < و >؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، آ: آواز؛ متن= ل، ف، ل، پ، و، ل، آ، ب ۸- ق، ل، آ، ب: غو ۹- ب: به درگاه ۱۰- ل، س، ل، ن، ق، لی، پ، و، آ (و نیز ل، ن، آ): که گر؛ ق، ل، آ (و نیز ل، ن، س)؛ که از؛ متن= ل، ف، ب ۱۱- ل: بهرمان؛ س- ب (و نیز ل، ن، آ، س)؛ بهرما؛ متن= ل، ف ۱۲- ق: زین سپنجی سرای ۱۳- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س)؛ نیامد؛ ل، س: نیامد (یا: نیاید)؛ متن= ل، ف، ق، ل ۱۴- س، لی: جزا ۱۵- ق: رای؛ و: نخواهد بدن جز غم و درد و رنج ۱۶- ل، ن، پ، و، آ، ل (و نیز ل، ن، آ): بر یکدگر؛ ق، پ (و نیز س، آ): یک بردگر؛ ق: با یکدگر؛ متن= ل، س، لی (و نیز ل، ن، آ): ۱۷- ل، ن: بدان؛ ق، ل، آ، ب: برین؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۸- ل، پ، و، ل، آ، ب: یکسر؛ پ در اینجا سرنویس دارد: بخش کردن زوطهما سب ممالک را ۱۹- ق، ل، آ، ب: بیخشد؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۰- ق: زرد؛ آ: که کار ۲۱- ل، ن، ق، آ، ب: ندارند؛ ل: ندارند؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۲- ل: ز دریای یکنند؛ س، آ: ز رودابد شهر؛ ل، لی، پ (و نیز ل، ن، آ): ز رود ابل (ل، ن: امل) شهر؛ و: پس از رود جیحون؛ ب: ز دروازه شهر؛ (ل: ۲: درآورد در شهر)؛ متن= ل، ف ۲۳- ل، ن، لی، پ (و نیز ل، ن، آ): روم؛ متن= ل، ف، ل، س، و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): ز کوراب را تا باموی و تور؛ (س: ۲: ز رودابه روتا سرمرز نور) ۲۴- و: روی ۲۵- ل، و، آ: ز نزدیک و دور؛ ل، لی، پ: گیتی و آباد بوم؛ متن= ل، ف، س، ل، آ، ب؛ ق، آ: این بیت را ندارند ۲۶- ف: تا به مرز ختن؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س)؛ بنداری (۱۸- ۲۱): فاستفرت الحال علی آن یكون من حد زو زابد و شیر الی منتهی أقصى الصين و الختن لأفراسیاب و التورانیة، و من هذا الجانب لزو و الایرانیة ۲۷- ل، ن، پ: بران؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۸- س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، و (و نیز ل، ن، آ): مرز؛ متن= ل، ف، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س) ۲۹- ل، س، ل، ن، ق، لی، پ، و (و نیز ل، ن، آ، س): ازو؛ ق: زو؛ ب: از آن؛ متن= ل، ف، ل، آ، ب؛ ق، آ: این بیت را ندارند ۳۰- و: مرز ۳۱- پ: نجستند؛ ق این بیت را ندارد ۳۲- آ: فارس ۳۳- ب: گو ۳۴- س: بود؛ پ، ل: این بیت را ندارند و پ بجای آن افزوده است:

چو بنشست بر نخت و گاه پدر جهان را همی داشت با زیب و فر

۳۵- ل- پ، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): زابلستان؛ متن= ل، ف، و (و نیز س، آ، بنداری) ۳۶- پ: یکسر؛ ل: این بیت را ندارد ۳۷- س، ل، ن، ق، آ، لی، و، آ، ب: < و >؛ متن= ل، ف، ل، ق، پ، ل ۳۸- ل: رنگ بوی؛ ق: رنگ و بو؛ آ: بوی و رنگ؛ متن= نه دستویس دیگر؛ در آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

۲۵ جهان چون عروسی رسیده جوان  
 چو مردم ندارد نهاد پلنگ  
 مهان<sup>۸</sup> را همه انجمن کرد زو<sup>۵</sup>  
 فراخی که آمد ز تنگی<sup>۹</sup> پدید  
 بهرسویکی جشنگه ساختند  
 چن<sup>۳۰</sup> تا برآمد برین<sup>۱۱</sup> پنج سال<sup>۱۰</sup>  
 زمانه همانا شد از داد سیر  
 چو سال اندرآمد<sup>۱۵</sup> به هشتاد<sup>۱۶</sup> و شش  
 بُد بخت<sup>۱۷</sup> ایرانیان کُندرو<sup>۱۸</sup>  
 پر از چشمه و باغ و آب روان  
 نگردد زمانه<sup>۱</sup> برو<sup>۲</sup> تار و تنگ  
 به دادار بر<sup>۳</sup> آفرین خواند<sup>۴</sup> ثر<sup>۵</sup>  
 جهان آفرین داشت آنرا کلید  
 دل از کین و نفرین پرداختند  
 نبودند آگه ز رنج همال<sup>۶</sup>  
 جهان<sup>۱۴</sup> خواست کاید به چنگال شیر  
 پشمرد سالار خورشیدفش  
 شد آن دادگستر بی آزار<sup>۱۹</sup> زو<sup>۲۰</sup>

### گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از مرگ زوطهماسپ<sup>۲۱</sup>

چُن آمد ز<sup>۲۲</sup> خوار ری افراسیاب  
 ۳۵ نیورد<sup>۲۳</sup> يك تن درود<sup>۲۴</sup> پشنگ<sup>۲۵</sup>  
 بیخشید گیتی و بگذاشت آب<sup>۲۶</sup>  
 دلش<sup>۲۷</sup> پر ز کین بود و سر<sup>۲۸</sup> پر ز جنگ<sup>۲۹</sup>

۱- لی: شده نوجوان؛ و: شد از سر جوان؛ در این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۲- ل: بگردد زمانه؛ ق: زمانه نگردد ۳- لن: بدو ۴- ق، پ، ل: جهان ۵- و: نو (پسوند ندارد) ۶- ل: <بر> (وزن ندارد) ۷- ل، لی، ب: کرد؛ س، ق: ساخت؛ من: فن، لن، ق، پ، و، آ، ل: ۸- ب: گو ۹- لن، ق، پ، آ: فراخی که از تنگی آمد؛ من: هشت دستویس دیگر ۱۰- س: چنان ۱۱- لی: بدین ۱۲- ف، ل، لن، ق، ل: ب (و نیز س): سال پنج؛ من: س، ق، ل، پ، و (و نیز ل، لن) ۱۳- ف، ل، ب: ز درد و زرنج؛ ل، ق (و نیز س): کس از درد و رنج؛ لن: کسی را زرنج؛ پ: زرنج و وبال؛ و (و نیز لن): نگشتند بایکدیگر بدسگال؛ (ل: کس از رنج و هال)؛ من: س، ق، ل: آ این بیت را ندارد ۱۴- لن، ق، پ، آ، ب: همی؛ من: فن، ل، س، ق، لی، و، ل: در ل پس از این بیت نخستین پ ۲۰ دوباره آمده است؛ در لن این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- ب: چو سالش برآمد ۱۶- آ: هفتاد؛ ل این بیت را ندارد؛ در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در ل پس از این بیت های ۴۲ و ۴۳ آمده اند ۱۷- ف، لن (و نیز لن): تخت؛ ل، س، ق، ق، و، آ: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل این بیت را ندارد؛ من: لی، پ، ب (و نیز س): ۱۸- س: تیزرو ۱۹- س، لن، ق، لی، پ، آ: جهاندار؛ من: فن، ل، ق، و، ب، ۲۰- ق، ق، لی، آ: نو؛ من: فن، ل، س، لن، پ، و، ب؛ در س پس از این بیت ۴۳ آمده است؛ ل، لن، آ، ب (و نیز ل، لن، س) پس از این بیت افزوده اند:

#### پادشاهی کرشاسب زونه سال بود

پسر بد مرورا (ل، ق: بود زورا؛ آ، ب: بود ویرا) یکی خویش کام  
 پسر کرده بودیش کرشاسب (لن: کرشاسف) نام  
 بیامد نشت از بر تخت و گاه (و، ب: تختگاه)  
 بزر بر نهاد آن کیانی (ق، آ: گرمی) کلاه  
 چونشست بر تخت (ق، ق، و، ب: < > گاه پدر (لی: کرشاسب زو)  
 جهان راهمی داشت بازیب و فر (لی: از ایران یکی آفرین خاستن)  
 این سه بیت و سرنویس آن در ف، س، ل<sup>۲</sup> و نیز در ترجمه بغدادی نیست؛ در ل، ق پس از سه بیت بالا بیت های ۴۲ و ۴۳، و در لن، ق<sup>۲</sup> ب (و نیز ل<sup>۲</sup> لن، س) پس از سه بیت بالا بیت ۴۳ آمده است و لی پیش از آن بیت زیر را افزوده است:  
 وزان پس خبر شد به افراسیاب که بیدار بخت اندر آمد بخواب  
 ۲۱- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از مرگ زوطهماسپ و آمدن او بار دوم به ایران به جنگ؛ ل: پادشاهی کرشاسب؛ لن، ق، ل، لی، پ، و، آ، ب: پادشاهی کرشاسب (لن: کرشاسف) زو (آ: زو کرشاسب) نه سال بود (پ، ب: < بود >)؛ ل: آگاهی یافتن از مرگ زو افراسیاب را؛ من: آغاز ف ۲۲- ل، لن، لی، پ، ب: بیامد به؛ س: بیامد ز؛ ق، ق، و، ل: چو آمد؛ آ: چو آمد به؛ من: فن ۲۳- لن، ق، لی: بگذشت از آب؛ من: نه دستویس دیگر ۲۴- آ، ب: بیامد؛ لی: درود از پشنگ؛ ل: درودش پشنگ ۲۶- ل، لن، ق، پ، ل، آ، ب: سرش؛ ق: برش؛ من: فن، س، لی ۲۷- ل، لن، ق، پ، ل: دل؛ ق: تن؛ ب: سرش پر ز کین و دلی؛ من: فن، س، لی ۲۸- و: شد آن تیغ تیزش همه تیره رنگ (= ۳۷ ب)؛ آ: شد آن تیغ روشن پر از تیره رنگ (= ۳۷ ب)

فرستاده‌می رفت نزدیک اوی<sup>۱</sup>  
بدو روی نمود هرگز پشنگ  
دلش خود ز تخت و کله نفته<sup>۴</sup> بود  
همی گفت: اگر<sup>۸</sup> بخت<sup>۹</sup> را سر<sup>۱۰</sup> بدی  
۴۰ تو خون برادر بریزی همی<sup>۱۵</sup>  
مرا با تو تا جاودان کار نیست

چنین تا برآمد برین روزگار  
به ترکان خبر شد<sup>۱۹</sup> که زو درگذشت  
پر آواز شد گوش ازین آگهی  
۴۵ پیامی بیامد<sup>۲۲</sup> بکردار سنگ<sup>۲۴</sup>  
که بگذار<sup>۲۶</sup> جیحون و برکش سپاه  
ترا سوی دشمن فرستم به جنگ  
یکی لشکری ساخت افراسیاب

به سال و به مه بُد که نمود روی<sup>۲</sup>  
شد آن تیغ روشن پر از تیره زنگ<sup>۳</sup>  
زه تیمار اغریرت<sup>۵</sup> آشفته<sup>۷</sup> بود  
چُن<sup>۱۱</sup> اغریرتش<sup>۱۲</sup> یار<sup>۱۳</sup> درخور بدی<sup>۱۴</sup>  
ز پرورده مرغی گریزی همی<sup>۱۶</sup>  
بنزد منت راه دیدار نیست<sup>۱۷</sup>

درخت بلا حنظل آورد بار<sup>۱۸</sup>  
بران سان<sup>۲۰</sup> که بُد تخت بی شاه<sup>۲۱</sup> گشت  
که بی کار<sup>۲۲</sup> شد تخت شاهنشهی  
به افراسیاب از دلاور پشنگ<sup>۲۵</sup>  
ممان تا کسی برنشیند به گاه  
همی بر برادر کنی روز<sup>۲۷</sup> تنگ  
ز دشت<sup>۲۸</sup> سپیجاب<sup>۲۹</sup> تا رود آب

۱- آ: شد بزديك اوی؛ ل، ق، و، ل، آ، ب: فرستاده رفتی بزديك (ق: ز نزدیک) اوی؛ متن = ف، ل، ن، ق، پ ۲- و، ب (و نیز س): هیچ نمود روی؛ ل: هیچ نمود از اوی؛ ل، ق: بدو سال و مه هیچ نمود روی؛ ل، ن، ق، آ، پ، آ (و نیز ل ن): ز پیش (ق: آ: ز نزد) پشنگ آن شه نامجوی؛ متن = ف (و نیز ل): س، لی این بیت را ندارند؛ در ل، ن، ق، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب (و نیز در ل، ل، ن، س): این بیت بابت ۳۸ پس و پیش شده اند ۳- ل: آ: کینه زنگ؛ س، لی: همی بود همچون دلاور نهنگ؛ و: که از کار او بود بر دوده ننگ؛ متن = ف، ل، ن، ق، ق، آ، پ، ب (ف، ل، ن، ق: رنگ)؛ آ این بیت را ندارد؛ در س، لی این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۴- ل- ل، پ، ل، آ، ب (و نیز ل): گشته؛ و: خفته؛ متن = ف (و نیز ل، آ، س): ۵- ل، س، ل، ن، ق، ق، آ، پ، ب: به؛ متن = ف، ل، و، ل، آ، ب: اغریرت؛ متن = ف- ق، ل، پ، ل، آ، ب ۷- ل، ل، آ (و نیز ل): آغشته؛ س: کته؛ ل: کشته؛ ق، آ، پ: آکشته؛ متن = ف، ق، ل، و، ب (و نیز ل، آ، س): آ این بیت را ندارد؛ در ل، ن، ق، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، س): این بیت بابت ۳۶ و در س، لی بابت پیشین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های متن = ف ۸- ل: گر ۹- و: تخت ۱۰- ق: رهبر ۱۱- ل- ل، پ، آ، ب: چو؛ ل: جز؛ متن = ف ۱۲- ل، ن، پ: اغریرت؛ ق، آ، آ: اغریرتش؛ ل: اغریرتش (حرف ششم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، س، ق، ل، و، ل، آ، ب ۱۳- ف: شاه؛ ل: یارو؛ ل، ن، ق، آ: بار؛ ل: نار (نقطه ندارد)؛ (س: آ: باد)؛ متن = س، ق، ل، پ، آ، ب (و نیز ل): ۱۴- و (و نیز ل): ورا رای اغریرت افر بدی ۱۵- ل: چو خون برادر بریزد کسی ۱۶- ل: بی ۱۷- بنداری (بیت ۳۴- ۴۱): و کان افراسیاب لما ارتحل من خوارالری و غیر جیحون قسم الممالک. و کان أبوه بشك متغیرا علیه و مغناظا عن جهة اقدمه علی قتل أخیه اغریرت. و کان لایجیب عن کتبه الیه، و لایمکن رسله من الدخول علیه. و کانت رسله بنقی علی بابه سنة كاملة لایسمع لهم کلاما، و لایرفع بهم رأسا. و کان یقول علی سبیل التعنیف مخاطبا لابنه فی غیته: لو کان الحد لك معاضدا و مساعدا لبقی لك أخوك عضدا و ساعدا. أفرریب طیرثم تحی علی أخیک بكل ضیر؟ فمن الآن لاسبیل لك الی الحضور بین بدی، و لا طریق الی أن أنظر الیک أو تنظر الی ۱۸- س، لی این بیت را ندارند؛ در ب این بیت پس از بیت ۴۴ آمده است؛ ← پ ۲۱- ۱۹- ل، ن، ق، آ، پ، و، آ، ب: خبر شد به ترکان؛ متن = ف، ل، س، ق، ل، آ، ب: ۲۰- س، ل، ن، ق، ل، پ، و، ل، آ، ب: بدان سان؛ متن = ف، ل، ق، آ، آ ۲۱- ل، ق، ل، و، ل، آ، ب: بی کار؛ ل: بیدار؛ متن = هشت دستویس دیگر؛ در س، ل، ن، ق، آ، ب (و نیز در ل، ل، ن، آ، س): این بیت، و در ل، ق این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۳۳ آمده است؛ در ل این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۳۲ نیز آمده اند؛ پایی بیت های متن = ف، بنداری؛ فمضی علی ذلك مدة من الزمان و تهای الخیر بموت زوالی بشك ۲۲- ل: بی شاه؛ در ب پس از این بیت بیت ۴۲ آمده است؛ و پس از این بیت افزوده است:

بدان سال کرشاسب زو درگذشت ز گیتی همان بد چو او درگذشت

۲۳- آ: برآمد ۲۴- ف، و (و نیز ل): ز نزد پشنگ؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز س) ۲۵- ف، س، ل، و، ب (و نیز ل): آن دلاور نهنگ (ف: پلنگ)؛ ق: از هوای پشنگ؛ متن = ل، ن، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز س) ۲۶- ل، ن، ل، پ: که بگذرز ۲۷- ق، آ، آ: کار؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = نه دستویس دیگر؛ ق در اینجا سرنویس دارد: آمدن افراسیاب دوم نوبت به ایران ۲۸- س، ل، و، ل: مرز ۲۹- ف، س: سجناب (حرف دوم و سوم نقطه ندارد)؛ ل، ق، آ: سجناب (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل، ن، ق، ل، پ، و، آ (و نیز ل): سجناب؛ پ، و، آ (و نیز س): سجناب؛ ل: سقلاب (وزن ندارد)؛ (ل: سجنان)؛ متن تصحیح قیاسی است

که گفتی زمین شد سپهر روان  
 ۵۰ یکایک به ایران<sup>۱</sup> رسید آگهی  
 سوی زاولستان<sup>۲</sup> نهادند روی  
 بگفتند با زال چندی درشت  
 پس از<sup>۳</sup> سام تا تو شدی پهلوان  
 سپاهی ز جیحون بدین<sup>۴</sup> سوکشید  
 ۵۵ اگر چاره داری مرین را<sup>۱</sup> بساز  
 چنین گفت با مهتران<sup>۱۱</sup> زال زر  
 سواری چو من پای در<sup>۱۴</sup> زین نگاشت<sup>۱۵</sup>  
 [به دریا نهنگ و به گه در<sup>۱۷</sup> پلنگ  
 به جایی که من پای بفشاردم  
 ۶۰ شب و روز در جنگ یکسان بدم  
 همی بارد از تیغ هندی روان  
 که آمد خریدار تخت مهی  
 جهان شد سراسر<sup>۴</sup> پر از گفت و گوی<sup>۵</sup>  
 که گیتی بس آسان گرفتی<sup>۶</sup> به مشت  
 نبودیم یک روز روشن روان  
 که شد<sup>۹</sup> آفتاب از جهان ناپدید  
 که آمد سپهد به تنگی<sup>۱۱</sup> فراز  
 که تا من به مردی بیستم کمر<sup>۱۳</sup>  
 کسی تیغ و گرز<sup>۱۶</sup> مرا برنداشت  
 ز بیم نهان گشت در آب و<sup>۱۸</sup> سنگ  
 عنان<sup>۱۹</sup> سواران<sup>۲</sup> شدی<sup>۱۱</sup> پاردم  
 ز پیری همه ساله ترسان بدم<sup>۲۲</sup>

۱- ف: گفتی روان؛ ق: چو اختر همی تافت نعل اندران؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل: لن، آ: س)؛ لن، ق: لی، پ: آ، ب (و نیز ل: لن، آ: س) پس از این بیت افزوده‌اند:

به نه (ب: سیوم) سال (آ: ماه) این (ق: آ: بدین گونه آن) لشکر نامدار  
 بیامد روارو (لن: ز توران؛ لی: بخواری؛ پ: ز خواری) سوی کارزار

ف، ل، س، ق، و، ل: این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۲- ق: بزابل به ایران؛ ل: به ایران و کابل؛ پ: ب در اینجا سرنویس دارند، پ: رفتن ایرانیان بنزد زال و یاری خواستن؛ ب: باز آمدن افراسیاب به ایران؛ لن، ق: لی، پ: آ، ب (و نیز ل: لن، آ: س) پس از بیت ۵۰ افزوده‌اند:  
 بدان سال کرشاسب زو درگذشت

ز گیتی همان (پ: هم) بدچو او درگذشت (آ: هوارا بکشت؛ ب: هویدا بگشت)

ق: ز گیتی درود و ببرد آنچه کشت

بید (ق: آ، ب: چو شد) تخت ایران ز شاهان تهی  
 ندیدند کس (لن، لی: ندیده کسی؛ پ: ندیدند خود) روزگار بهی

برآمد همه (لن، لی: همان) کوی و برزن بجوش  
 وز (ق: آ، ب: از) ایران سراسر برآمد (ق: آ: برآمد سراسر) خروش

ف، ل، س، ق، و، ل: این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۳- ل، س، لن، ق: لی، پ: آ، ب (و نیز ل: لن، آ: س)؛ زابلستان؛ متن= ف، ق، و، ل (و نیز س، آ، بنداری) ۴- ف: جهان سربرشد؛ ب: جهانی سراسر؛ متن= ل- ل (و نیز ل: لن، آ: س) ۵- ل، ق: گفت گوی؛ پ: گفت <و گوی>؛ متن= نه دستویس دیگر؛ در دولت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۶- ل، س، آ (و نیز ل: لن، آ: س)؛ تن آسان گرفتی؛ لن، پ: گرفتی بس آسان؛ ق: سراسر گرفتی؛ متن= ف، لی، و، ل، ب (و نیز لن، آ: س)؛ ق: این بیت را ندارد ۷- س، لی، آ: <از>؛ ق، پ: این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ لن، ق: لی، پ: آ، ب (و نیز ل: لن، آ: س) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو زو درگذشت و پسر شاه بود  
 بدان را ز بد دست کوتاه بود

کنون شد جهانجوی کرشاسب شاه  
 کنون گشت بی تاج وی سرباه (پ: بی شاه شهر و سپاه)

ف، ل، س، ق، و، ل: این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۸- س، لن، برین ۹- و: گشت؛ و در اینجا سرنویس دارد: باز آمدن افراسیاب به ایران زمین بار دیگر ۱۰- ق: لی، ب: اگر چاره دانی این را؛ آ: اگر چاره دانی اکنون؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۱- ل: بنیکی ۱۲- ل، ق: پس نامور؛ متن= ده دستویس دیگر ۱۳- ل- آ، ب (و نیز ل: لن، آ: س)؛ که تا من بیستم به مردی کمر؛ متن= ف، ل (و نیز س، آ) ۱۴- ل، لن، ق، لی، پ: آ، بر؛ متن= ف، س، ق: آ، و، ل، ب ۱۵- آ، ل: نداشت ۱۶- و، ل: گرز و تیغ ۱۷- و (و نیز لن، آ: س)؛ بر؛ متن= ف ۱۸- و (و نیز لن، آ: س)؛ <و>؛ متن= ف؛ ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل: لن، آ: س) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۱۹- لن: لگام ۲۰- ق: سواری؛ ل: دلیران ۲۱- لن، ق: لی، پ: آ، ل: بدی؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ب ۲۲- لن، ل: این بیت را ندارند

نابم<sup>۱</sup> همی<sup>۲</sup> خنجر کاولی<sup>۳</sup>  
 نماندم<sup>۴</sup> جهان بی جهان پهلوان  
 بروبر<sup>۵</sup> برازد<sup>۶</sup> کلاه مهی  
 کزین<sup>۷</sup> تازی اسپان<sup>۸</sup> نشاید<sup>۹</sup> همی  
 بخوانم<sup>۱۰</sup> ز هر سو که هست<sup>۱۱</sup> انجمن  
 که هستی بدین کار<sup>۱۲</sup> همداستان؟  
 بیندی<sup>۱۳</sup> میان<sup>۱۴</sup> و نباشی<sup>۱۵</sup> دُرم؟

بیوندن شادان دل و تازه روی<sup>۱۶</sup>  
 سلیح<sup>۱۷</sup> سواران جنگی بساخت  
 به بالا سرت برتر از انجمن  
 کزو بگسلد<sup>۱۸</sup> خواب<sup>۱۹</sup> و آرام و ناز  
 چه سازم که هنگامه‌ی بزم نیست  
 دلت ناز و شادی<sup>۲۰</sup> بجوید همی  
 ترا پیش<sup>۲۱</sup> شیران<sup>۲۲</sup> پرکین و درد<sup>۲۳</sup>

کنون چنبری گشت پشت<sup>۱</sup> یلی  
 [من ار بازماندم ز تاب و توان  
 کنون گشت<sup>۲</sup> رستم چوسروسهی  
 یکی اسپ جنگیش باید همی  
 بجویم یکی<sup>۳</sup> باره‌ی پیلتن  
 بخوانم به رستم بر این<sup>۴</sup> داستان  
 که بر کینه‌ی تخمه‌ی زادشم<sup>۵</sup>

همه شهر ایران ز<sup>۶</sup> گفتار او<sup>۷</sup>  
 ز هر سو هیونی<sup>۸</sup> تگاور بتاخت  
 به رستم بگفت ای گو<sup>۹</sup> پیلتن  
 یکی کار پیش ست و رنجی<sup>۱۰</sup> دراز  
 ترا نوز<sup>۱۱</sup> پورا گه<sup>۱۲</sup> رزم نیست  
 هنوز از لب شیر بوید همی  
 چگونه فرستم به دشت نبرد

۱- ل، پ، آ: یال؛ متن= نه دستویس دیگر (و نزل<sup>۲</sup> لن<sup>۳</sup>، س<sup>۴</sup>) ۲- ل: نتابد؛ س، آ، ب (و نزل<sup>۲</sup> لن<sup>۳</sup>، س<sup>۴</sup>): نابم؛ و: بتابم؛ متن= فن، لن، ق، ق، آ، لی، پ، ل<sup>۲</sup> (و نزل<sup>۲</sup>) ۳- لن: بکف ۴- ف- ب (و نزل<sup>۲</sup> لن<sup>۳</sup>، س<sup>۴</sup>): کابلی؛ متن تصحیح فیاسی است؛ ف پس از این بیت افزوده است: سرآمد جوانی و پیری رسید

ق، و (و نزل<sup>۲</sup>) پس از بیت ۶۱ افزوده‌اند:

سپاسم گر این (و، لن<sup>۲</sup>: کزین) بیخ ست (لن<sup>۲</sup>: شت)

(و نزل<sup>۲</sup>) پس از بیت بالا یک بیت دیگر هم افزوده‌اند:

که از وی همی سر به گردون رسد

۵- (لن<sup>۲</sup>: نمانم)؛ متن= ف، و؛ ل- پ، آل، ب (و نزل<sup>۲</sup> لن<sup>۳</sup>، س<sup>۴</sup>) این بیت را ندرند و در ترجمه پنداری هم نیست ۶- لن: ولی گشت؛ (س<sup>۴</sup>: بیالید) ۷- ف، ل: بروبر فرزند؛ س: بتابد بروبر؛ لن، ق، آ، لی، آ: بزید بروبر؛ پ، ب: تزید بروبر؛ و (و نزل<sup>۲</sup>): که زید بروبر؛ ل: برآرد مرا (→ برازد... )؛ (ل<sup>۲</sup>: برازد بروبر؛ س<sup>۴</sup>: برازد بروبر)؛ متن= ق ۸- س: که زین؛ و: وزین؛ ل<sup>۲</sup>: ازین؛ متن= نه دستویس دیگر ۹- پ: اب اورا ۱۰- لی: نتابد؛ درق این بیت و بیت سپین پس از بیت ۶۷ آمده‌اند ۱۱- ف: همی؛ متن= ل- ب (و نزل<sup>۲</sup> لن<sup>۳</sup>، س<sup>۴</sup>) ۱۲- ل، س، لن، ب: بخوادم؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۳- ف: یکی؛ ل<sup>۲</sup>: که شد؛ متن= ل- آ، ب (و نزل<sup>۲</sup> لن<sup>۳</sup>، س<sup>۴</sup>) ۱۴- و: بخوانم بر رستم این؛ ل<sup>۲</sup>: برانم بر رستم بدین ۱۵- ل، لن، ق، پ، و، ل<sup>۲</sup>: برین کار؛ ق<sup>۲</sup>: که هست او بدین کار؛ لی: بینم که او هست؛ آ: که هست او برین کار؛ متن= ف، س؛ ب این بیت را ندرند؛ درق این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۱۶- ق: تخم آزادشم؛ آ: که بر تخمه کین نیاز داشتم (!) ۱۷- لی، آ، ب: ببندد ۱۸- ل: میان را ۱۹- و: دل نداری؛ آ، ب: و نباشد؛ درق این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است؛ درق پس از این بیت های ۶۴ و ۶۵ آمده‌اند ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب: به؛ متن= فن، ق، و؛ ۲۱- ق: آرو ۲۲- ق: آرو ۲۳- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: هیون؛ متن= ف، س، ق، و، ل<sup>۲</sup> ۲۴- س، ق، لی، آ: سلاح؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۵- ل، لن، آ، ب (و نزل<sup>۲</sup> لن<sup>۳</sup>، س<sup>۴</sup>): به رستم چنین گفت کای؛ متن= ف، س، ل<sup>۲</sup> (و نزل<sup>۲</sup>) ۲۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب: رنج؛ متن= فن، ق، و؛ ۲۷- ق: بگذرد ۲۸- س، ق، و: خورد؛ ل<sup>۲</sup>: پشت؛ متن= هشت دستویس دیگر ۲۹- لن، لی، پ، آ: نیز؛ متن= ۳۰- س: ترا گهی دانم از؛ متن= فن، ق، آ، و، ل<sup>۲</sup> ب ۳۱- لی: خوشی؛ ل<sup>۲</sup>: آرام؛ درس از این بیت تا پایان داستان افتاده است؛ ق<sup>۲</sup>: لی، پ، آ، ب در اینجا سرنویس دارند؛ پهلوانی دادن زال رستم را (ق<sup>۲</sup>)... و طلب کردن رخسار (ق<sup>۲</sup>)؛ ل<sup>۲</sup>: نزد؛ متن= فن، ق، لی، و، ل<sup>۲</sup> ۳۳- ل: ترکان؛ متن= فن، لن- ب (و نزل<sup>۲</sup> لن<sup>۳</sup>، س<sup>۴</sup>) ۳۴- لن، پ (و نزل<sup>۲</sup>): مردان مرد

۷۵ چه گویی چه سازم<sup>۱</sup>؟ چه پاسخ<sup>۲</sup> دهی؟  
 که جفت<sup>۳</sup> تو بادا مهی و بهی<sup>۴</sup>  
 چنین گفت رستم به داستان سام  
 چنین<sup>۵</sup> یال و این چنگ های<sup>۶</sup> دراز  
 اگر دشت کین آید و<sup>۷</sup> جنگ<sup>۸</sup> سخت  
 بینی که در جنگ من چون شوم  
 یکی ابر دارم به چنگ اندرون  
 همی آتش افروزد از گوهرش  
 هرآنکه که جوشن به بر<sup>۹</sup> درکشم

- ۱-لن، پ: چه سازی؛ و: چه سازم چه گویم ۲-ق: فرمان ۳-ف: گفت؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن=ل، لن، آ، ب (و نیز ل، لن، س، آ) ۴-ل، ق، آ، ب: بهی و مهی؛ متن=ف، لن، ق، آ، لی، پ، و؛ ق، آ (و نیز ل، آ) پس از این بیت ب پس از بیت ۷۶ و ل پس از بیت ۷۷ افزوده اند (در بیت ۱ پس از بیت ۱۴ آمده است):
- چنین پاسخ آورد رستم بدوی  
 همانا فراموش کردی ز من  
 ز کوه سپید (ب: سفید) و ز پیل زیان  
 کنون گر بر رسم ز پور پشنگ  
 5 کنون گاه رزمست و آویخن  
 ز (ب: از) افکندن شیر شیرست مرد  
 زنان را از آن نام نباید بلند  
 بدو گفت زال ای دلیر و (ق، ب: < و >) جوان  
 ز کوه سپند و ز پیل سپید  
 10 همانا که آن (ب: این) رزم (ل: رزمست؛ ق: رسم) آسان بدی  
 ولیکن ز کردار (ل: ترکان) افراسیاب  
 چگونه فرستم ترا پیش (ق: نزد) اوی  
 ترا گاه بزمست و آرام و (ل: آوای) رود  
 نه هنگام رزمست و ننگ (ب: جنگ) و نبرد
- ۵- در پ این بیت پس از بیت ۸۲ آمده است؛ در ب پس از این بیت بیت های افزوده است (← پ ۴) ۶- ب: مرین ۷- پ: لفجهای ۸- ل: زیبا؛ ق: نیکو؛ در ل روی بیت های ۷۶ و ۷۷ خط کشیده و پس از آن بیت های افزوده است (← پ ۴) و سپس بیت های ۷۶ و ۷۷ را از نو آورده است  
 ۹- لن، پ، ب: کینست اگر؛ ق: کینست ور؛ آ: کینست و گر؛ متن=ف، ل، ق، لی، و، ل ۱۰- ل، ق، آ: رزم؛ ب: چنگ؛ متن=ف، لن، ق، لی، و، آ، ل، آ، ب ۱۱- ق: مرا ۱۲- ل، لن، ق، آ: ب (و نیز لن، س، آ): < و >؛ متن=ف، ق (و نیز ل، آ) ۱۳- لی، آ: فیروز؛ در ق، آ، ب پس از این بیت  
 بیت ۸۲ آمده است ۱۴- ل: که با بور گل رخس در جوشم؛ ق، آ، ب: چو اندر صف ریزش خون شوم؛ و (و نیز لن، آ): چو با رخس گلگون به هامون شوم؛ ل: که با سینه (!) گلرنگ در خون شوم؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن=ف، لی (و نیز ل، س، آ، ب: که با... ۱۵- ق: < و >؛ لن، لی، پ این بیت را ندارند ۱۶- ل، آ، ب: همه ۱۷- ل، ق، آ، و، آ، ب (و نیز لن، آ): باید؛ لی: بگوید؛ (س: بسوزد)؛ متن=ف، ق (و نیز ل، آ): لن، پ این بیت را ندارند ۱۸- لن، ق، آ، ب، آ، ب (و نیز لن، آ): هرآنکه که چاچی بزه؛ متن=ف، ل، ق، لی، و، ل (و نیز ل، س، آ) ۱۹- آ، ب: ستاره فرویزد از ترکشم (آ: جوشم)؛ در پ لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در آ، ب این بیت پس از بیت ۸۸ نیز آمده است و در آنجا در آلت دوم و در ب لت یکم برابر متن است؛ در ق این بیت پس از بیت ۸۸ آمده است

پیند برو بازوی<sup>۱</sup> و یال من  
نگهبان نباید<sup>۲</sup> ورا<sup>۳</sup> جاثلیق  
بیرد ز خون دل پیل رنگ<sup>۴</sup>  
چنان چون من آرم به خم کمند  
شباش نیاید<sup>۵</sup> به روز درنگ<sup>۶</sup>  
چو پیش من آیند توران گروه<sup>۷</sup>  
ز خون رود رانم چو دریای نیل  
که خون بارد ابر اندر آوردگاه<sup>۸</sup>

که گفستی<sup>۱۸</sup> برافشاند خواهد روان  
بیاورد، لختی<sup>۱۹</sup> ز<sup>۲۰</sup> کاولستان<sup>۲۱</sup>

هرآن<sup>۱</sup> باره کو زخم گویال من  
نترسد ز عراده و منجنیق  
۸۵ چو من پیش دارم<sup>۵</sup> سنانم به چنگ<sup>۶</sup>  
یکی باره باید چو پیلی<sup>۷</sup> بلند  
که زور مرا پای دارد<sup>۸</sup> به جنگ  
یکی گرز خواهم<sup>۱۱</sup> چویک لخت کوه  
شکسته کنم من بدو<sup>۱۴</sup> پشت پیل  
۹۰ که روی زمین را کنم بی سپاه<sup>۱۵</sup>

چنان شد ز گفتار او پهلوان<sup>۱۷</sup>  
گله هرچه بودش به<sup>۱۹</sup> زاولستان<sup>۲۰</sup>

۱- ل: ۲. همان ۲- لن، ق، پ: بازو؛ متن=ف، ل، ق، ۲، لی، و، آل، ۲، ب؛ در پ پس از این بیت بیت ۷۶ آمده است ۳- ل، لن، پ: نباشد؛ ل: ۲؛ شاید؛ متن=ف، ق، ۲، لی، و، آ، ۴- آ: ترا؛ ب این بیت را ندارد ۵- و، آ، ب (و نیز لن، ۲، س): چو سریش دارد؛ ل: ۲؛ که تن پیش دارد ۶- لی: سریش دارد؛ عنام بجنگ ۷- ق، ۲، آ: بگیرد به (آ: ز خونش دل (آ: دل از) سنگ رنگ؛ لی: ستایش نیابد بر روز رنگ؛ و: بگیرد ز خون دلش نیل رنگ؛ ل: ۲؛ بر دز خون و دل یک ز رنگ (!)؛ ب: شتابش نباشد بر و بر درنگ (= ۸۷ ب)؛ (لن: ۲: بگیرد ز خونش دل نیل رنگ؛ س: بگیرد به خونش دل سنگ رنگ)؛ متن=ف، ل، لن، ق، پ این بیت را ندارند ۸- لن، ق، ۲، لی، آ، ب: کوهی؛ پ: کوه؛ ل: ۲؛ پیل؛ ل این بیت را ندارد؛ متن=ف، ق، و، ۹- لن، ق، ۲، لی، آ: تاب دارد؛ پ: تاب آرد؛ متن=ف، ق، و، ل، ۱۰- ق، ۲، آ: نباشد؛ ل: ۲؛ ستایش نیابد؛ متن ← ۱۱- لن، لی، پ: بگیرد (لی: نگوید) ز خونش دل سنگ رنگ (= ۸۵ ب)؛ متن=ف، و؛ ل، ق، ب این بیت را ندارند ۱۲- ل: ۲؛ باید ۱۳- ل، لن، پ، آل، ۲، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س): گر (لن، آ، ب، لن، ۲: که؛ ل: ۲؛ چو) آیند پشم (ق، لی، ل، آ، ب، س): آید به پشم) ز توران (آ: ترکان) گروه؛ و: که آید ز توران به پشم گروه؛ متن=ف، لن، پ پس از این بیت افزوده اند:

سرانشان بکوبم بدان (پ: بران) گرز بر نباید برم هیچ پرخاشخ

۱۴- ف: بدان؛ متن=ل، ق، پ، ل، لن، ق، ۲، لی، و، آ، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س): این بیت را ندارند ۱۵- لن، پ: گرابدونک رزمی بود بی سپاه؛ ق، ۲، لی، آل، ۲، ب (و نیز ل، ۲، س): گر (ق: ۲؛ چو) آیند (آ، ب: گر اینده) رزمی کنم بی (آ: با) سپاه؛ و (و نیز لن، ۲): یکی رزم سازم چنان بی سپاه؛ متن=ف، ل، لن، پ، ب: که خون ریزد (ب: بارد) از ابر آوردگاه؛ ق: ۲؛ که خون باز دارد بر آوردگاه؛ متن=ف، لن، لی، و، آل، ۲ (و نیز لن، ۲، س): ق این بیت را ندارد؛ ل، پ پس از این بیت و ق پس از بیت پیشین افزوده اند:

نباشد خدنگ مرا پایدار کجا زاهین کوه گیرد (ق: یابد؛ پ: کرده باشد) گذار

لن پس از بیت ۹۰ و پ پس از بیت بالا افزوده اند:

همه رسم و راه پلنگ آورم سر سرکشان زیر چنگ آورم

۱۷- ق: چنان شد ز شادی دل پهلوان ۱۸- لی: گویی؛ ق پس از این بیت و ب پس از بیت پیشین افزوده اند:

بپاسخ چنین گفت دستان سام بیارم برت گرز سام سوار  
فکنندی بدان گرز پیل زبان بفرمود تا گرز سام سوار (ب: بنام)  
۵ نهمتن چو گرز نیا را بدید  
یکی (ب: همی) آفرین خواند بر زال زر  
یکی اسب خواهم کجا گرز من  
سپهد ز گفتار او خیره ماند  
که ای سیرگشته (ب: ناگشته) ز آرام و جام  
که دارم ز وی (ب: از وی) در جهان یادگار  
که جاوید باشی و روشن روان (ب: بادی توای پهلوان)  
بیارند زی پهلوان نامدار (ب: شادکام)  
دو لب کرد خندان و شادی گزید  
که ای پهلوان جهان سربس  
کشد این چنین فرّه و بسرز من  
برو هر زمان نام یزدان بخواند

۱۹- لن، پ، ل: ۲؛ ز؛ متن=هشت دستویس دیگر ۲۰- ل، لن، ق، لی، پ، آل، ۲، ب: زابلستان؛ ق: ۲؛ کابلستان؛ متن=ف، و، ۲۱- لن، لی: چندی؛ ق، آ، ب: بهری؛ پ: و چندی؛ آ: و بهری؛ متن=ف، ل، ق، و، ل، ۲۲- ل، ب: به؛ متن=نه دستویس دیگر ۲۳- ف، ل، لن، ق، لی، ب: کابلستان؛ ق: ۲؛ زابلستان؛ متن تصحیح قبسی است



برو<sup>۱</sup> داغ شاهان<sup>۱</sup> همی خواندند  
 به پشتش بر افشاردی<sup>۴</sup> دست خویش  
 نهادی به روی زمین بر شکم  
 فسیله همی تاخت از رنگ رنگ  
 برش چون بر شیر و<sup>۸</sup> کوتاه‌لنگ  
 بر و یال فربی<sup>۱۱</sup>، میانش<sup>۱۲</sup> نزار  
 سرین<sup>۱۵</sup> و برش هم به پهنای اوی<sup>۱۴</sup>  
 سیه خایه و تند و پولادسُم<sup>۱۷</sup>  
 چو داغ گل سرخ بر زعفران<sup>۱۸</sup>  
 به رنگ آتشی و به خوی آتش ست<sup>۲۰</sup>  
 مران<sup>۲۱</sup> کره‌ی پلتن را بدید  
 که آن<sup>۲۲</sup> کره را باز گیرد ز رم<sup>۲۳</sup>  
 که ای مهتر<sup>۲۴</sup> اسپ کسان را مگیر  
 که از داغ دو روی رانش تهیست<sup>۲۶</sup>

همه پیش رستم همی راندند  
 هراسپی که رستم کشیدیش پیش<sup>۲</sup>  
 ز نیروی او پشت کردی به خم  
 چُنین تا ز<sup>۵</sup> کاول<sup>۶</sup> بیامد ز رنگ<sup>۷</sup>  
 یکی مادیان تیز بگذشت خنگ  
 دو گوشش چو دو خنجر آبدار<sup>۹</sup>  
 یکی کره از پس<sup>۱۳</sup> به بالای اوی<sup>۱۴</sup>  
 سیه چشم و افراشته<sup>۱۶</sup> گاودُم<sup>۱۰۰</sup>  
 تنش پر نگار از کران تا کران  
 همی رخس خوانیم و<sup>۱۹</sup> بورابرش ست  
 چو رستم بدان مادیان بنگرید  
 کمند کیانی همی داد خم  
 به رستم چُنین گفت چویان پیر  
 پرسید رستم که این<sup>۲۵</sup> اسپ کیست  
 ۹۵  
 ۱۰۵

۱- ق، لی، ب: بدو ۲- ب: شامی ۳- لن، لی، پ: کشیدی به پیش ۴- ل، لی: بیفشاردی؛ لن، پ، آ (و نیز لن): فشردی همی؛ ق، آ، ب: فشردی کف؛ متن = ف، ق، و، ل، آ (و نیز ل، س، آ) ۵- ق، آ: به ۶- ف، ل، لن- ب: کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- لن: بیورد زنگ؛ لی، آ: بیامد ز رنگ؛ پ، ب: بیورد درنگ؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل، ق، و: چنن تا بیامد ز کابل ز رنگ (و: کرنگ)؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، لن، لی، پ، و: رخس گرفتن رستم از رمه (و: گله) کابلستان (پ: کابل)؛ ل، آ: هزیمت آوردن رستم رخس را ۸- ل: < و > ۹- ق: تابدار ۱۰- ل، لن، ق، لی- ب (و نیز ل، لن): فریه؛ متن = ف، ق، آ (و نیز س، آ) ۱۱- آ: دورانش ۱۲- ل: نزار ۱۳- ق: دربی ۱۴- ل، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: او؛ متن = ف، لن، و ۱۵- ق: سرون؛ لی: سرش؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز س ۱۶- ل، لن، ق، پ (و نیز ل، لن): بورابرش و؛ ق، آ، آ: شرز برو؛ لی: لنگ افکن و؛ و: افراشته و؛ (س، آ: افراخته)؛ متن = ف، ل، آ ۱۷- لی: خم؛ در ب از این بیت تا بیت ۱۵۴ افتاده است؛ لن، لی، پ (و نیز لن): پس از این بیت افزوده‌اند:

سنان گوش و مهازش و چرخ گرد  
 زمین کوب (لی: کوش) و دریابر و رهنورد  
 گرازنده از پیش و ره بر ز پس  
 جهنده رهان و (لی: خمیده زهارو) گریزنده رس (!)  
 پ: چمنده‌رها و گرازنده رس (!)

از اندیشه دل سبک‌پوی تر  
 ز رای خردمند ره پوی (لی، پ: ره‌جوی) تر  
 چه بر آب بودی چه بر خشک راه  
 به روز از خور افزون شدی شب ز ماه

۱۸- ق، آ، آ: ارغوان؛ بنداری (بیت ۹۹-۱۰۱): و خلفها مهر جذع فی قذالأم، طامح الطرف، مطهم الخلق، مللم الکفل، صافی الذنب، صافی اللون، فی أوصاف کثیره ذکرها؛ لن، لی (و نیز لن): پس از بیت ۱۰۱ افزوده‌اند:

به شب مورچه بر (لی: ان) پلاس سباه  
 نمودی به گوش (پ: بدبدی به چشم) از دوفر سنگ راه  
 به نیروی پیل و به بالا هیون  
 به زهره چو شیر آن که بیستون

۱۹- ل: < و >؛ خوانند و ۲۰- ل، و، ل، آ (و نیز ل، س، آ): به خوی (ل، و: خو) آتشی و به رنگ آتش است؛ لن، ق، آ، پ، آ (و نیز لن): به خوبی جواب و به رنگ (پ: بتک) آتش است؛ لی: بتک بادبای و به رنگ آتش است؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد؛ در لن، لی، پ، آ (و نیز لن): این بیت پس از بیت ۱۰۷، در ل، آ (و نیز ل، آ) پس از بیت ۱۰۸ و در ق، آ (و نیز س، آ) پس از بیت ۱۰۹ آمده است؛ پایی بیت متن = ف، ل، و ۲۱- ق، لی: همان؛ ق، آ: میان ۲۲- آ: تا ۲۳- ق، آ: زدم؛ آ، ل، آ: بدم ۲۴- ل، آ: مرد؛ ل، آ در اینجا سرنویس دارد: مناظره چویان با رستم و گرفتن رخس ۲۵- ف، لن: > این < (وزن ندارد) ۲۶- ل: که دورانش از داغ آتش تهیست؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ (و نیز لن، س، آ): که از داغ روی دورانش نهیست؛ متن = ف، ق، و (و نیز ل): دوروه

کزین هست هرگونه‌یی گفت وگویی<sup>۱</sup>  
 همی رخس رستمش خوانیم و بس  
 به چشم<sup>۲</sup> بزرگان کزین<sup>۳</sup> آمده‌ست  
 چو شیر<sup>۴</sup> اندرآید کند کارزار  
 سر ابرش<sup>۵</sup> آورد ناگه به بند<sup>۶</sup>  
 همی خواست کندن به دندان سرش<sup>۷</sup>  
 از<sup>۸</sup> آواز او خیره شد مادیان  
 به سوی گله<sup>۹</sup> تیز<sup>۱۰</sup> بنهاد روی  
 برو<sup>۱۱</sup> تنگ‌تر<sup>۱۲</sup> کرد خم کمند  
 بیفشارد<sup>۱۳</sup> انگشت بر<sup>۱۴</sup> پشت بور  
 تو گفستی ندارد همی<sup>۱۵</sup> آگهی  
 کنون کار کردن بدست من ست  
 تن پیلوار و بر و<sup>۱۶</sup> یال من<sup>۱۷</sup>  
 به چندست و این را که داند<sup>۱۸</sup> بها  
 برو<sup>۱۹</sup> راست کن روی<sup>۲۰</sup> ایران زمی<sup>۲۱</sup>  
 برین بر تو<sup>۲۲</sup> خواهی جهان کرد راست<sup>۲۳</sup>  
 همی گفت<sup>۲۴</sup> : نیکی ز یزدان سزد<sup>۲۵</sup>

چنین<sup>۱</sup> داد پاسخ که داغش مجوی  
 خداوند این را<sup>۲</sup> ندانیم کس  
 سه<sup>۳</sup> سال ست تا این به زین<sup>۴</sup> آمده‌ست  
 ۱۱۰ چو مادرش بیند کمند<sup>۵</sup> سوار  
 بینداخت رستم کیانی کمند  
 بیامد چو شیر ژیان<sup>۶</sup> مادرش  
 بغرید رستم چو شیر ژیان  
 بیفتاد و برخاست<sup>۷</sup> و برگشت<sup>۸</sup> ازوی<sup>۹</sup>  
 ۱۱۵ بیفشارد<sup>۱۰</sup> ران رستم زورمند<sup>۱۱</sup>  
 بیازید چنگال گردان<sup>۱۲</sup> بزور  
 نکرد ایچ پشت از فشردن تهی  
 به دل گفت کین برنشست من ست  
 کشد جوشن و خود و گویال من<sup>۱۳</sup>  
 ۱۲۰ ز چویان پرسید کین ازدها  
 چنین داد پاسخ که گر رستمی  
 مرین را<sup>۱۴</sup> بروبوم ایران بهاست  
 لب رستم از خنده شد چون بسد<sup>۱۵</sup>

۱- لی: بدو ۲- ل، ق: گفت گوی؛ لی: همی رخس رستمش خوانیم و بس (= ۱۰۸ اب)؛ در لن، لی، پ، آ (ونیز لن) پس از این بیت بیت ۱۰۲ آمده است ۳- ف: اورا؛ من = ل، لن، ق، ق، آ، پ، و، آ، ل (ونیز ل، لن، آ، س) ۴- لن، ق، ق، آ، پ: < و >؛ من = ف، ل، لی، و، آ، ل؛ لی ۱۰۷ اب و ۱۰۸ آرا انداخته و از ۱۰۷ و ۱۰۸ اب يك بیت ساخته است؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ در ل (ونیز ل) پس از این بیت بیت ۱۰۲ آمده است ۵- ق: دو ۶- ل: بدید ۷- ف: بنزد؛ من = ل، لن، ل (ونیز ل، لن، آ، س) ۸- ل: گزید؛ در ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و پس از آن بیت ۱۰۲ آمده است ۹- آ: کمندو ۱۰- ل: به پیش ۱۱- ل: سر و پایش؛ ق: سر و پالش؛ من = ۱۲- و: سر و گردنش اندر آمد بیند؛ من = ف، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل ۱۳- آ: دمان ۱۴- ق: به دندان همی خواست کندن سرش ۱۵- ل: کز؛ ل، پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی مشت زد نیز بر گردنش (ل: بر سر و گردنش) کزان مشت برگشت لرزان تنش  
 ل: کزان درد او دردمند شد تنش

۱۶- پ: بینداخت و برجست ۱۷- و: بگذشت ۱۸- ق: ازو؛ لی: زوی ۱۹- ل، و: رمه؛ من = من = ف، لن، پ، آ، ل ۲۰- پ: زود ۲۱- لن، لی، پ، و، آ، ل: بیفشرد؛ من = ف، ل، ق، ق، آ، ل ۲۲- ل: بیفشرد رستم برو کرده بند ۲۳- لی: بدو ۲۴- ق: سخت تر ۲۵- لن- آ (ونیز ل، لن، آ): گردی؛ من = ف، ل (ونیز س) ۲۶- لن، پ: بیفشرد ۲۷- لن، ق، آ، پ، آ (ونیز لن): بک دست بر؛ لی: دستش ابر؛ من = ف، ل، ق، و (ونیز ل، س)؛ در ل این بیت چنین آمده است:

پس آنگه بیفشرد دستش به پشت که دست ویش هیچ نامد درشت

ف پس از بیت ۱۱۶ سرنویس دارد: گفتار اندر گرفتن رستم زال رخس را و رفتن به جنگ افراسیاب بالشکر ایران و کابلستان ۲۸- و: مگر ۲۹- ل، ق، ق، آ، ل (ونیز ل، آ): او؛ لن، پ (ونیز لن): را؛ و: اوی؛ من = ف، لی (ونیز س)؛ در ل- ب (ونیز ل، لن، آ، س) این بیت پس از بیت ۱۲۵ آمده است؛ پایی بیت من = ف ۳۰- ف، ق، ل: سرو؛ و: یلی؛ من = ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ (ونیز ل، لن، آ، س) ۳۱- ل، ق، لی: خواهد؛ من = ف، لن، ق، آ، پ، و، آ، ل ۳۲- لی: بدو ۳۳- ق، و: بوم ۳۴- و: زمین (ساوند ندارد) ۳۵- لی: که این را؛ آ: مرورا ۳۶- ل: بدین بر نو؛ و: بزیر نو؛ ل: بدین نو (وزن ندارد)؛ من = ف، لن، ق، ق، آ، لی، پ، و ۳۷- لن، ق، آ، پ، و، آ، ل: خواهد جهان گشت (آ: کرد) راست؛ من = ف، ل، ق، لی (ونیز ل، س) ۳۸- پ: بد ۳۹- لن، ق، آ، پ: چنین گفت؛ آ: بگفتا که؛ من = ف، ل، ق، لی، و، ل ۴۰- ل: رسد

به زین اندرآورد گلرنگ را  
 ۱۲۵ گشاده زنج کردش و تیزنگ  
 چنان گشت ابرش که هر شب سپند  
 چپ و راست گفستی که جادو شده است  
 سُرین گرد و کفک افکن و دست کش  
 دل زال زر شد چو خرم بهار  
 ۱۳۰ در گنج دینار بگشاد و داد  
 بزد مهره در جام بر پشت پیل  
 خروشیدن کوس با کره نای  
 برآمد ز زاولستان<sup>۱۹</sup> رستخیز  
 به پیش اندرون رستم پهلوان  
 ۱۳۵ چنان شد ز لشکر در و دشت و راغ  
 تبیره ز زندگی همی<sup>۳۳</sup> شست جای<sup>۳۴</sup>  
 به هنگام بشکوفه و<sup>۲۶</sup> گلستان  
 ز زال<sup>۲۹</sup> آگهی یافت افراسیاب  
 بیاورد لشکر سوی رود ری<sup>۳۲</sup>  
 سرش تیز شد کینه و جنگ را  
 بدیدش که دارد دل و تاو و رگ<sup>۲</sup>  
 همی سوختندی<sup>۴</sup> ز بهر<sup>۵</sup> گزند  
 به آورد تازنده<sup>۷</sup> آهو<sup>۶</sup> شده است  
 زنج گرد و بینادل و گام خوش<sup>۱</sup>  
 ز رخس نوآیین و فرخ<sup>۱۱</sup> سوار  
 بر<sup>۱۳</sup> امروز و فردا نیامدش یاد  
 و زو<sup>۱۴</sup> بر شد<sup>۱۵</sup> آواز تا<sup>۱۶</sup> چند میل  
 همان زنده پیلان و هندی<sup>۱۸</sup> درای  
 زمین خفته<sup>۲۰</sup> را بانگ برزد که خیز  
 پس پشت او سالخورده گوان<sup>۲۱</sup>  
 که بر سر نیارست پرید زاع<sup>۲۲</sup>  
 جهان<sup>۲۵</sup> را نه سر بود پیدا نه پای  
 بیاورد لشکر ز<sup>۲۷</sup> زاولستان<sup>۲۸</sup>  
 برآمد از<sup>۳۰</sup> آرام و ز<sup>۳۱</sup> خورد و خواب  
 بدان<sup>۳۳</sup> مرغزاری<sup>۳۴</sup> که بد<sup>۳۵</sup> آب و نی<sup>۳۶</sup>

۱- ق، آ: فروزنده آتش جنگ را ۲- ل: دیدش و؛ لی: بود و هم؛ متن= ف، لن، ق، ق، پ، و، آل (و نیز ل، لن، س، آ) ۳- ف، ل: ناورگ؛ لن، لی، پ (و نیز لن) زور ورگ؛ ق، آ: تار ورگ؛ متن= ق، و، ل (و نیز س)؛ درل، لن، ق، ق، پ، و، آل (و نیز ل، لن، س، آ) این بیت پس از بیت ۱۱۹ آمده است؛ درلی این بیت پس از بیت ۱۲۷ و سپس بیت ۱۱۹ آمده است ۴- ل، لن، ق، لی، پ، و، ل (و نیز ل، لن، س، آ): سوختندش؛ متن= ف، ق، آ، ۵- ل، ق، لی، و، ل (و نیز س): زبیم؛ متن= ف، لن، ق، پ، آ (و نیز ل، لن، آ) ۶- ق: آهو ۷- لن، ق: یازنده؛ لی: بازنده؛ ل: بازیده؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۸- ق: جانو ۹- ل: سرون نرم و شیر اوژن و دست کش؛ لن، ق، پ، آ (و نیز لن): زنج نرم و کفک (آ، لن: کف) افکن و دست کش؛ ق: سرین گرد و شیر افکن و دست کش؛ لی: سرش نرم و لنگ افکن و گام خوش؛ و: سرون پهن و دست افکن و پای کش؛ (ل: بتک گرم و دست افکن و بارکش؛ س: بزین نرم و دست افکن و پای کش)؛ متن= ف ۱۰- ل، لی، و (و نیز ل، س، آ): زنج گرد و کفک افکن و گام خوش (لی: بارکش؛ ل: گام کش)؛ لن، ق، پ، آ (و نیز لن): سرین نرم (ق: آ، گرد؛ پ، لن: پهن) و بینادل و گام خوش؛ ق: زنج نرم و کف افکن و گام خوش؛ متن= ف؛ ل: این بیت را ندارد؛ بنداری ترجمه بیشتر بیت های ۱۰۳ تا ۱۲۸ را ندارد: فرمی بالهوق فی عتقه و استجره الهه، و غمز ظهره بکفه، فبت ولم ینحرک. فسر بذلك و أسرجه و ألجمه و استرضاه لفسه مرکوبا. وکان یسمى رخشا (= ۱۱۱، ۱۱۶-۱۱۸) ۱۱- ل: خرم ۱۲- ل، ق، لی، و، آل (و نیز ل، س، آ): در گنج بگشاد و دینار داد؛ متن= ف، لن، ق، پ (و نیز لن) ۱۳- ل، و (و نیز لن): از؛ ق، لی: وز؛ متن= ف، لن، ق، پ، آل (و نیز ل، لن، آ) ۱۴- ل، ق: ازو ۱۵- لن، پ: رفت ۱۶- لی، آ: بر ۱۷- ف، ل: کرنای ۱۸- ل: روتین ۱۹- لن، پ، آ (و نیز ل، لن، آ): زابلستان؛ متن= ف، ل، و (و نیز س) ۲۰- آ: مرده؛ ل: این بیت را ندارد ۲۱- ل: مهان؛ درل: این بیت با بیت سپهین پس و پیش شده است ۲۲- ق: تو گفستی جهان گشت چون پَر زاع؛ درل: این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۳- لن، ق، پ، ل: همه؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، آ ۲۴- لن، پ، ل: شب بجای؛ ق: شب سه جای؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، آ (و نیز ل، لن، س، آ): شصت (شصت) ۲۵- ل: پیلان ۲۶- لی، ل: بشکوفه ۲۷- و: به ۲۸- ل، ق- ل (و نیز ل، آ، بنداری): زابلستان؛ متن= ف (و نیز لن، س، آ): لن این بیت را ندارد ۲۹- لی: جوزان؛ آ: آزان ۳۰- ل، ق، ق، و، آل: ز؛ متن= ف، لی، پ ۳۱- ق، لی، پ، آ: از؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، لن این بیت را ندارد ۳۲- ل، لی، ل (و نیز ل): خوارری؛ متن= ف، ق، ق، پ، و، آ (و نیز لن، س، آ) ۳۳- ل: بران؛ و: دران ۳۴- ل: مرغزاران ۳۵- لی: بود ۳۶- ف: آبهوی؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ل، ق- ل (و نیز ل، لن، س، آ): بنداری: و بلغ خبره افراسیاب فسار فی عساکره و ساقهم حتی وصل الی الری. فنزل فی مرج کثیر الماء و القصب

۱۴۰ وُزَا ایران بیامد دُمادُم سپاه  
 ز لَشکر به لَشکر دو فرسنگ ماند  
 بدیشان چُنین گفت کای بخردان  
 هم ایدر همین لَشکر آراستیم<sup>۷</sup>  
 پراگنده شد<sup>۱۲</sup> رای بی تخت شاه  
 ۱۴۵ چو بر تخت بنشست فرخنده زو<sup>۱۴</sup>  
 کسی<sup>۱۶</sup> باید اکنون<sup>۱۷</sup> ز تخم<sup>۱۸</sup> کیان  
 نشان داد موبد به ما فرخان<sup>۱۹</sup>  
 ز تخم فریلدون یل کیقباد  
 به رستم چُنین گفت<sup>۲۳</sup> فرخنده زال  
 ۱۵۰ برو تازنان<sup>۲۵</sup> تا به البرزکوه  
 ابر کیقباد آفرین کن یکی  
 به دو هفته باید که ایدر بوی<sup>۲۹</sup>

ز راه بیابان سوی رزمگاه  
 سپهد جهاندیدگان را بخواند<sup>۴</sup>  
 جهان دیده و کارکرده<sup>۶</sup> ردان  
 بسی برتری<sup>۹</sup> و مهی<sup>۱۱</sup> خواستیم<sup>۱۱</sup>  
 همه کار بی روی و بی بر سپاه<sup>۱۳</sup>  
 ز گیتی یکی آفرین خواست<sup>۱۵</sup> نو<sup>۱۵</sup>  
 به تخت کمی بر کمر بر میان<sup>۱۹</sup>  
 یکی شاه با فر و بخت جوان<sup>۲۱</sup>  
 که با فر و برزست و با رای<sup>۲۲</sup> و داد  
 که برگیر گویال<sup>۲۴</sup> و بفراز یال  
 گزین کن<sup>۲۶</sup> یکی لشکری هم گروه  
 مکن پیش<sup>۲۷</sup> او در<sup>۲۸</sup> درنگ اندکی  
 گه و بی گه<sup>۳۰</sup> از تاختن نغسوی<sup>۳۱</sup>

۱- ل: ز: ل: از ۲- ق: آ: دمام بیامد؛ ل: یامی یامد ۳- لی، و: به ۴- پ: جهان دیدگان را سپهد بخواند؛ لی پس از این بیت افزوده است:  
 بدیشان چُنین گفت کافراسیاب بیورد لشکر ازین روی آب  
 ۵- پ: <گفت> (وزن ندارد) ۶- پ: کار دیده؛ ق: آ: پس از این بیت افزوده اند:  
 چو بر کینه نوذر نامدار بیورد (آ: بیوردم) از زابلستان سوار  
 ابا نامور قارن رزم ن (آ: یلتنن) ساهی جهانگیر لشکرشکن  
 ۷- ل، و: هم ایدر من این؛ لن، لی، پ، آ (و نیز لن): هم ایدر بسی؛ ل: منم کایدار؛ (ل: من ایدون همی؛ س: من ایدر همی)؛ متن = ف، ق، ق: آ  
 ۸- ل، لن، ق: آ، لی، و، آ، ل (و نیز ل، لن، س): آراستم؛ پ: آراستد؛ متن = ف، ق ۹- ل، ق، ق: آ (و نیز س): سروری؛ لن، پ (و نیز لن):  
 نیکویی؛ ل: مهتری؛ (ل: سروران)؛ متن = ف، لی، و ۱۰- لن، ق، آ، پ، ل (و نیز لن): بهی؛ (ل: مهان)؛ متن = ف، ل، ق، لی، و (و نیز س):  
 آ: مهتر و سروری ۱۱- ل، لن، ق: آ، لی، و، آ، ل (و نیز ل، لن، س): خواستم؛ پ: خواستند؛ متن = ف، ق ۱۲- لن، ق: آ، آ: بد ۱۳- ل، ق: آ  
 (و نیز لن): بی مر سپاه؛ ق، پ، آ (و نیز ل، س): بی سر سپاه؛ متن = ف، لن، و، ل: همه کاری نورو بی فروجه ۱۴- لن: برما به ۱۵-  
 ف، ق: آ، پ، آ (و نیز ل): خواست؛ متن = ل، لن، ق، لی، ل (و نیز لن، س): و این بیت را ندارد؛ ل: پس از این بیت زیر را و پس از آن بیت  
 ۱۴۶ پ را افزوده است:

کنون زو نماندست پشت گوان ازان کین که شد باز دادش روان  
 ۱۶- ل، ق، پ: شهی؛ متن = ف، لن، ق: آ، لی، آ، ل ۱۷- و: یکی شاه باید ۱۸- ل: نل ۱۹- ل: یکی شاه با فر و بخت جوان (= ۱۴۶)؛  
 ل، ق (و نیز ل): پس از این بیت و ل: پس از بیت ۱۴۵ افزوده اند:  
 شهی کو به اورنگ (ل: یکی شاه باید که) دارد زمی که بی سر نباشد تن آدمی  
 ۲۰- لن، لی، پ (و نیز لن): نشان داد باید مرا در زمان؛ و: نشان داد موبد بر پهلوان؛ متن = ف، ل، ق، ق: آ (و نیز ل، س) ۲۱- ل: بخت و جوان؛  
 لن، پ: برز کیان؛ لی: بخت کیان؛ متن = ف، ق، ق: آ، و، آ، ل ۱۴۶ ب و ۱۴۷ آ را انداخته و از ۱۴۶ آ و ۱۴۷ ب يك بیت ساخته است ۲۲- لن،  
 ق: آ، لی، پ، آ: رسم؛ و: بخت؛ ل: خورد؛ متن = ف، ل، ق ۲۳- لن: <گفت> (وزن ندارد) ۲۴- ل: که کویال برگیر و ۲۵- پ: برو تازبان؛  
 و: شتابان برو ۲۶- ل: تو برکن؛ در ق: آ، آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۷- و: نزد ۲۸- ل، لن، ق: بر؛ ل: را؛ متن = ف، ق: آ، لی،  
 پ، و، آ: برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، پ: رفتن رستم بطلب کیقباد (لن: ... به البرز کوه)؛ ق: رفتن رستم به البرز کوه بطلب  
 کیقباد آوردن او را ۲۹- ف: که آبی تو باز؛ متن = ل، لن، ل (و نیز ل، لن، س) ۳۰- ق: آ، آ: شب و روز؛ و: چنان کن که؛ متن ← ۳۱- ف:  
 همی تازی اندر نشیب و فراز؛ متن = ل، لن، ق، لی، پ، ل (و نیز ل، لن، س)

بگویی<sup>۱</sup> که لشکر ترا خواستند<sup>۲</sup> همان<sup>۳</sup> تخت شاهی پیراستند<sup>۴</sup>  
 کمر بر میان بست رستم چو باد بیامد گرازان بر کیتباد<sup>۵</sup>

۱- ق، و: بگوش؛ متن=ف، ل، لن، ق، ل، پ، آ، ل<sup>۲</sup> ۲- و: خواستت ۳- ل، لن، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>): همی؛ و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>): سر؛ آ (و نیز س<sup>۲</sup>): همه؛ متن=ف ۴- ل، لن، ل، پ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): شاهی بیاراستند؛ ق<sup>۲</sup>: پیروزه آراستند؛ و: شاهی بیاراستت؛ متن=ف، ق، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>): ل، لن، ق، ق، ل، پ، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>): پس از بیت ۱۵۳ روایت: رفتن رستم به البرز کوه به طلب کیتباد را افزوده‌اند (در ل پس از بیت ۱۵۳ نخست بیت های ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶ آمده و سپس روی آنها را خط کشیده و در پایان روایت نامبرده ۱۵۵ و ۱۵۶ را از نو نوشته‌اند)؛ این روایت در ف، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>) نیست و در ترجمه بنداری هم نیامده است؛ س، پ در این بخش افتادگی دارند؛ همچنین دستنویس بی تاریخ انتنوی شرق شناسی کاما از سده هشتم هجری این روایت را ندارد؛ تصحیح این روایت تنها بر اساس ل، لن، ق انجام گرفت و از ثبت نسخه بدل های دستنویس های دیگر چشم پوشی شد:

نبینم ز شاهان (لن نبینم شاهاتو) فریاد رس  
 چو زال زر این داستانها بگفت  
 ل، ق: کمر بر میان بست و (ل: < و >) چون باد تفت  
 گرازان بیامد بر کیتباد (ل، ق ندارند)  
 رسید اندر ایشان یل صف پناه  
 لن: رسیدند در رستم کینه خواه

یکی گرزّه گاوپیکر به چنگ  
 سرانجام از رزم (ق: جنگ) بگریختند  
 همه دل پر از خون و دیده پر آب  
 سپید شد از کار ایشان دژم  
 ز ترکان دلیری گوی پرفزون  
 وز ایدر برو تا در کوهسار (لن: شهریار)  
 به پاس اندرون سخت (ل: نیز) بیدار باش  
 همی ناگهان بر طلابه زنند  
 به پیش اندرون مردم رهنمون  
 به مردان جنگی و پیلان مست  
 بپیمود زی شاه ایران زمین  
 یکی جایگه دید بس با شکوه (ل: برنا شکوه)  
 نشستن گه مردم نوجوان  
 برو ریخته مشک ناب و گلاب  
 نشسته بر آن تخت بر سایه گاه  
 به رسم بزرگان کمر بر میان ←

که در خورد تاج کیان جز تو (لن: نیست) کس  
 تهننن زمین را به مزگان برفت

به رخس اندر آمد هم آنگاه شاد  
 ز ترکان طلابه بسی بُد به راه

5 برآویخت با نامداران جنگ (لن: بجنگ)

دلیران نوران برآویختند  
 نهادند سر سوی افراسیاب  
 بگفتند وی (لن: او) را همه پیش و کم  
 بفرمود تا نزد او شد قلون

10 بدو گفت بگزین ز لشکر سوار

دلیر و خردمند و هشیار باش  
 که ایرانیان مردمی ریمنند  
 برون آمد از نزد خسرو قلون  
 سر راه بر نامداران بست

15 وزان روی رستم دلیر و گزین

یکی میل ره تا به البرز کوه  
 درختان بیار و آب روان  
 یکی تخت بنهاده نزدیک آب  
 جوانی بکردار تابنده ماه

20 رده برکشیده بسی پهلوان

۵- در ل روی این بیت را خط کشیده‌اند؛ لن- پ، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>) این بیت را در اینجا ندارند؛ متن=ف، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ ب پس از این بیت دوباره آغاز میگردد؛ ف، و پس از این بیت افزوده‌اند:

ز نزدیک زال آوریدش پیام  
 سپه جملگی مر ترا خواستند  
 بدو گفت کای خسرو نیک نام  
 به پیکار دل را بیاراستند

## ۱۵۵ به نزدیک زال آوریدش به شب به آمدشدا هیچ نگشاد لب

۱- ق (و نیز ل<sup>۲</sup>): بدان آمدن؛ ل<sup>۲</sup>: بامل شد و

- ← بیاراسنه مجلسی شاهوار  
چو دیدند مر پهلوان را به راه (ل: بگاه؛ لن: زراه)  
بگفتند کای پهلوی نامور  
که ما میزبانیم و مهمان ما  
بدان تا همه دست شادی بریم  
تہمتن بدیشان چنین گفت باز (ق: تہمتن چنین گفت بدیشان که باز)
- ۲۵
- ۳۰ مرا رفت باید به البرز کوه  
نباید به بالین سرو دست ناز (ق ندارد)  
سر تخت ایران ابی شہریار  
نشانی دہدیم سوی کیقباد  
سر آن (لن: یکی زان؛ ق: مه آن) دلیران زبان برگشاد  
گر آبی فرود و خوری نان ما  
بگویم بکسر (لن، ق: بگویم ترا من) نشان قباد  
تہمتن ز رخس اندرآمد چو باد  
یامد دمان تا لب رودبار  
جوان از بر تخت خود برنشت (لن: ز زمین نشت)  
بدست دگر جام پر باده کرد  
دگر جام بر دست رستم (لن، ق: باده برستم) سپرد  
بپرسیدی از من نشان قباد  
بدو گفت رستم که از (لن، ق: ای) پهلوان  
سر تخت ایران بیاراستند  
پدرم آن گزین یلان (لن: مہان) سربسر  
مرا گفت رو تا به البرز کوه  
به شامی برو آفرین کن یکی  
بگوش که گردان ترا خواستند  
نشان ار توانی و دانی مرا  
ز گفتار رستم دلیر و (ق: < و >) جوان  
ز تخم فریدون منم کیقباد  
چو بشنید رستم فرورد سر  
که ای خسرو خسروان جهان  
سر تخت ایران به کام تو باد  
نشست تو بر تخت شامنشہی  
درودی رسانم به شاه جهان  
اگر شاه فرمان دہد بندہ را  
قباد دلاور برآمد ز جای  
تہمتن ہم آنگہ زبان برگشاد  
سخن چون به گوش مہبید رسید  
بیازید جامی (ق: جام) لبالب نید (لن: بیازید پس گفت جام نید)  
تہمتن ہمیدون یکی جام می  
برآمد خروش از دل زیر و بم  
شہنشہ چنین (ق: شہ پر خرد) گفت با پهلوان  
کہ از سوی ایران دو باز سپید
- ۳۵
- ۴۰
- ۴۵
- ۵۰
- ۵۵
- ۶۰
- کہ ای نامداران گردن فراز (ق: بہ پیش است بسیار رنج دران)  
بہ کاری کہ بسیار دارد شکوہ (ق ندارد)  
کہ پیش است بسیار رنج دراز  
مرا باده خوردن نباید بکار  
کسی کز شما دارد او را بیاد  
کہ دارم نشانی من از کیقباد  
بفروزی از روی خود جان ما (لن ندارد)  
کہ او را چگونہ است رسم و نہاد  
چو بشنید ازوی (لن: ازینسان) نشان قباد  
نشستند در زیر آن سایہدار  
گرفته یکی دست رستم بدست  
وزو باد (ل: نام) مردان آزادہ کرد  
بدو گفت کای نامبردار و گرد  
نو این نام را از کہ داری بیاد  
پیام آوریدم بہ روشن روان  
بزرگان بشاهی ورا خواستند  
کہ خوانند (لن: خوانندش) او را ہمی زال زر  
قباد دلاور بین با (ق: بی) گروه  
نباید کہ سازی (لن: مکن پیش او) درنگ اندکی  
بہ شادی جهانی (لن: سر تخت شاهی) بیاراستند  
دہمی و بہ شاهی رسانی ورا  
بخندید و گفتش کہ ای پهلوان  
پدر بر پدر نام دارم بیاد  
بہ خدمت فرود آمد از تخت زر  
پناہ بزرگان و پشت مہان  
تن (ق: سر) زنہہ پیلان بہ دام تو باد  
ہمت سرکشی باد و ہم فرہی  
ز زال گزین آن بل (لن: گو) پهلوان  
گشاید ز بند این دو (لن: کہ بگشایم از بند) گونہہ را  
بہ (ل: ز) گفتار رستم دل و ہوش و رای  
پیام سہدار ایران بداد  
ز شادی دل اندر برش برطہید  
بیاد تہمتن بہ دم (لن: بہ لب) درکشید (ق: برکشید)  
بخورد آفرین کرد بر جان کی  
فراوان شدہ شادی، اندوہ کم  
کہ خوابی بدیدم بہ روشن روان  
یکی تاج، رخشان بکردار شید

نشستند يك هفته با رای زن شدند اندرآن موبدان انجمن

۱- بنداری (بیت ۱۲۷ - ۱۵۶) فأشار الموبد عليه بكیقاد. و كان متبا إلى شجرة أفریدون. فأنفذ زال ابنه رستم الى جبل البرز في جماعة من أعيان الأمراء و فرسان القواد. و سار و طوى تلك المنازل البعيدة، و المراحل المتقاذفة في أسبوعين حتى أتى كیقاد و بشره بالملك، و أقبل معه و دخل المعسكر ليلا. و مكثوا أسبوعا ینشاورون و یمخضون الأراء حتى ترتبت الأمور و انتظمت الأحوال

<p>← 65 نهادند آن تاج را بر سرم از آن تاج رخشان و باز سپید برینان (لن، ق: بدینان) که بینی بدین مرغزار (لن: جویبار) ز تاج بزرگان رسیدم نوید لن: رسیدم ز تاج دلیران نوید</p>	<p>خرامان و نازان شدندى (لن: رسیدی) برم چو بیدار گشتم شدم پرامید بیاراستم مجلسی شاهوار تهمتن مرا شد چو باز (ل: پیل) سپید</p>
<p>70 ز باز و ز تاج فروزان چو ماه نشان است خوابت ز پیغمبران بیاری بنزد دلیران شویم به بور نبرد اندرآورد پای بیامد گزازان پس (ق: ابا) کیقاد (= بیت ۱۵۴) چنین (ق: چنان) تا بنزد طلایه رسید چو آتش (لن: پذیره) بیامد سوی کارزار برابر همی خواست صف برکشید ترا رزم جستن نباید بکار همانا ندارند با من توان به زخمی (ل: بزخم) سواری همی کرد پخش بدمت اندرون گرز و بر زین کمند بزد نیزه و بند جوشن گشاد قلون از دلیریش مانده شگفت بغرید چون تندر از (ق: ابر در) کوهسار نهاد آن بن نیزه را بر زمین بدیدند لشکر همه تن به تن بیکبارگی بخت بد را زبون بیامد شتابان سوی کوهسار فرود آمد آنجایگه پهلوان تهمتن همی داد (لن: کرد) هرگونه ساز همان تاج (ق: تخت) و آن یاره خسروی برآراست با شاه ایران زمین (← بیت ۱۵۵)</p>	<p>70 تهمتن چو بشنید از خواب شاه چنین گفت با شاه کنداوران کنون خیز تا سوی (ق: خود به) ایران شویم قباد اندرآمد چو اینش ز جای کمر بر میان بست رستم چو باد شب و روز از تاختن نغنوید قلون دلاور شد آگه ز کار شهنشاه ایران چو زان گونه دید تهمتن بدو گفت کای شهریار من و رخس و کویال و برگستوان بگفت این وز (لن: از) جای برکرد رخس قلون دید دیوی بجسته ز بند برو حمله آورد مانند باد 80 تهمتن بزد دست و نیزه گرفت ستد نیزه از دست او نامدار بزد نیزه و برگرفتش (لن: بربرودش) ز زین قلون گشت چون مرغ بر باب زن هزیمت شد از وی سپاه قلون 85 تهمتن بکشت (لن: گذشت) از طلایه سوار کجا بد علفزار و آب روان چنین تا شب تیره آمد فراز از (لن: ز) آرایش جامه پهلوی چو (ل، ق: &lt; چو &gt;) شب تیره شد پهلوی پیش بین</p>





کیقباد



## پادشاهی کیقباد صد سال بود<sup>۱</sup>

به هشتم بیاراستند<sup>۲</sup> تخت عاج  
 به شاهی نشست از برش کیقباد  
 همه<sup>۳</sup> نامداران شدند انجمن  
 چو خرداد و کشواد و برزین گئو<sup>۴</sup>  
 ۵ قباد از بزرگان سخن بررسید<sup>۵</sup>  
 دگر روز برداشت لشکر ز جای  
 پوشید رستم سلیح<sup>۶</sup> نبرد  
 رده برکشیدند ایرانیان  
 به يك دست مهرباب کاول<sup>۷</sup> خدای  
 ۱۰ به قلب اندرون قارن رزم زن  
 بیاویختند<sup>۸</sup> از بر عاج تاج<sup>۹</sup>  
 همان تاج گوهر<sup>۱۰</sup> به سر بر نهاد<sup>۱۱</sup>  
 چو دستان و چون قارن رزم زن  
 فشانند<sup>۱۲</sup> گوهر بران<sup>۱۳</sup> تاج<sup>۱۴</sup> نو<sup>۱۵</sup>  
 ۱۳ افراسیاب و<sup>۱۴</sup> سپه را بدید<sup>۱۵</sup>  
 خروشیدن آمد ز پرده سرای  
 چو پیل زیان شد<sup>۱۶</sup> که<sup>۱۷</sup> برخاست گرد<sup>۱۸</sup>  
 بیستند خون ریختن را میان  
 دگر دست گزدهم جنگی<sup>۱۹</sup> پهای  
 ابا<sup>۲۰</sup> گرد کشواد<sup>۲۱</sup> لشکر شکن

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی کیقباد صد سال بود و رفتن او به جنگ افراسیاب و شکستن او را؛ پ: پادشاهی کیقباد صد سال؛ ق: سرنویس ندارد؛ متن = ل، لن، ق، لی، و، آل، ل، ب ۲- ل: بیاراست پس؛ لن، پ: بیاراسته؛ ق: برآراست آن؛ و: شد آراسته؛ متن = ف، ق، لی، آل، ل، ب ۳- ل، ق: برآویختند؛ لن، پ: بیاویخته؛ متن = ف، ق، لی، و، آل، ل، ب ۴- ق: تاج عاج (بساوند ندارد)؛ درس از آغاز تا بیت ۸ افتاده است ۵- ق، ل، آ: شاهی؛ و: کلاه بزرگی ۶- ق: گوهرش بر سر نهاد ۷- ق: همان ۸- ل، لن، ق، لی، پ: ب (و نیز لن، س، آ): چو کشواد و خرداد و (ل، پ، س، آ): (> و) (برزین (ق: برزین و) گئو؛ و: چو خرداد برزین و کشواد گئو؛ متن = ف، ل، آ (و نیز ل، آ): نشانند <ند> ۱۰- لن، ق، لی، ب: بدان؛ متن = ف، ل، ق، آ، پ، و، ل ۱۱- ل، لی، ل، آ: شاه؛ آ این بیت را ندارد ۱۲- ل: بشنوید؛ ل: نشنید؛ پ، و: سخنها شنید؛ متن = ف، لن، ق، ق، لی، آ، ب (و نیز ل، س، آ) ۱۳- ل، و: پس؛ لن، ق، آل، ل، ب: چو؛ لی، پ: از؛ متن = ف، ق (و نیز س، آ) ۱۴- لن، ق، آل، ب: آن؛ متن = ف، ل، ق، لی، پ، و، ل، آ (و نیز س، آ) ۱۵- لی: سپه ناپدید؛ بنداری: فسایلهم عن افراسیاب و حاله؛ ل، ق، پ: پس از این بیت افزوده اند: چو بشنید افراسیاب آگهی فرود آمد از تخت شاهنشهی ق: پس از بیت ۵ افزوده است:

قباد از بزرگان سخن برگشاد ز پیش و پس و بودنی داد داد  
 میان سخنها که گفت و شنید سواری دلاور بدانجا رسید  
 که افراسیاب اندرآمد ز راه ابا او ز ترکان فراوان سپاه

و پس از این بیت هاسرنویس دارد: رزم کیقباد با افراسیاب ۱۶- ق، لی، پ، آ: سلاح ۱۷- ق: زبانی؛ متن = ۱۸- و: چو؛ متن = ۱۹- ب: که برخاش کرد؛ پ: چون پیل دمنده برانگیخت گرد؛ ل: به پیل زیان اندرآمد چو گرد؛ متن = ف، ل، لن، ق، لی، آ (و نیز ل، لن، س، آ): بنداری: و ندجج رستم مظاهرا بین لبوس الحرب، و تصدی کاللیث الکاشر للطنن و الضرب ۲۰- ف- ب (و نیز ل، لن، س، آ): کابل؛ متن = تصحیح قیاسی است ۲۱- س، لن، ق، آ: ب (و نیز لن، س، آ): يك (و، لن، س، آ): دگس دست گتھم جنگی؛ ق: دگر دست گرد تھمن؛ متن = ف، ل، آ (و نیز ل، آ) ۲۲- و: همان ۲۳- ل: چنان شیردل گرد؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز لن، س، آ): پس از این بیت افزوده اند:

به پیش سپه (س، ق، آل، ب: اندرون) رستم پهلوان پس پشت او سرکشان و (س، ق، آل، ب: سالخورده) گوان

ف، ل، ق، و، ل، آ (و نیز ل، آ) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست (← ۱۲ پ)

پس پشْتشان زال با کیقباد  
 به پیش اندرون کاویانی درفش  
 چو کشتی شد ارمیده روی زمین<sup>۴</sup>  
 سپر در سپر<sup>۵</sup> ساخته دشت و راغ<sup>۶</sup>  
 ۱۵ جهان سربسر گشته<sup>۹</sup> دریای قار  
 ز نالیدن بوق و بانگ سپاه<sup>۲</sup>  
 بهر حمله‌یی قارن سرفراز<sup>۴</sup>  
 گهی سوی چپ تاخت گه<sup>۶</sup> سوی راست

به يك دست آتش به<sup>۱</sup> يك دست باد  
 جهان زو شده<sup>۲</sup> سرخ و زرد و بنفش<sup>۲</sup>  
 كجا موج خیزد ز دریای چین  
 درفشیدن<sup>۵</sup> تیغ ها چون چراغ  
 برافروخته شمع<sup>۱۱</sup> ازو<sup>۱۱</sup> صدهزار  
 تو گفتی که خورشید گم کرد راه<sup>۲</sup>  
 چنان چون بود مردم رزمساز<sup>۱۵</sup>  
 بران گونه از هر سوی<sup>۱۷</sup> کینه خواست

۱- ق: ز ۲- ب: < شده > ۳- و: جهان گشته سرخ و کبود و بنفش؛ بنداری (بیت ۹-۱۲): فوق مهربان فی أحد الجانبین، ووقف کزدم فی الجانب الآخر، ووقف قارن مع کثواذ فی القلب، ووقف وراءهم الملك کیقباد مع زال یخفق علی رأسه درفشه الیمون، ولواؤه المنصور ۴- ف: چو کشتی ز لشکر سراسرزمین؛ ل، ق: ز لشکر چو کشتی سراسر زمین؛ لن، لی، پ، آ (و نیز ل، لن، آ، س): چو کشتی شد از باد (لی، ل، آ، س): از مرد؛ آ: از مهد) روی زمین؛ ق، ل، آ: چو کشتی شده بهن (ل: جمله) روی زمین؛ متن= س، و، ب ۵- و، ل (و نیز لن): سه در سه؛ ب: سربرسر ۶- ل، س، لن، و: ماته (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): باقیه؛ متن= ف، ق ۷- ل: سه در سه دشت تا کوه و راغ ۸- پ، و، ل: درخشیدن؛ س در اینجا سرنویس دارد: جنگ کیقباد و رستم با افراسیاب و هزیمت شدن افراسیاب ۹- ل، ق: گشت؛ ب: < گشته >؛ متن= نه دستویس دیگر ۱۰- لی: تیغ ۱۱- ل، پ: از ۱۲- لن، پ: هندی درای؛ لی، و: گرد سپاه؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۳- لن، پ: جای؛ ل: گم شد ز راه؛ متن= نه دستویس دیگر؛ ل، ق، ق (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:

سك قارن رزم زن كان بدید  
 میان سپاه اندرآمد دلبر  
 چو رعد از میان (ق: آن زمان) نعره برکشید  
 سپهدار قارن بکردار شیر

۱۴- لی، ل، آ: رزم زن؛ (ل: رزمز)؛ ف: همه جمله بر قارن رزم ساز؛ و: جهان پهلوان قارن سرفراز؛ متن= س، لن، ق، آ، ب (و نیز لن) ۱۵- ف: مردم بی نیاز؛ ق: گرد کردن فراز؛ ب: مردم سرفراز (پساوند ندارد)؛ لی، ل: چنین شیردل گرد آن انجمن (ل: لشکرشکن)؛ و: بهر سو چو شیر زبان رزمساز؛ (س: بیفکنند صد گرد کردن فراز)؛ متن= س، لن، پ، آ (و نیز لن)؛ ل، ق: این بیت را ندارند؛ در ق این بیت پس از بیت های پ ۱۷ آمده است ۱۶- ل، ق، پ (و نیز س): چپ و گهی؛ س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز لن): چپ شد گهی؛ متن= ف ۱۷- س، لن، لی، پ، و، آ، ب (و نیز لن، آ، س): بگردید و از (لی، س: ز) هر کسی؛ متن= ف، ل، ق؛ در ق این بیت یکبار هم برابر س پس از بیت های پ ۱۷ آمده است؛ بنداری: فرکض قارن و برزمن الصف کالهبزبر الصائل، وجعل یحمل علی المیمه تاره و علی المبره آخری (= پ ۱۳، ۱۸)؛ ل، س، لن، ق، ق، آ، لی، پ، و، ب (و نیز ل، لن، آ) پس از بیت ۱۸ افزوده‌اند (ل، ق) بیت یکم را، ق بیت یکم و دوم را، س، لن، لی، پ، ب، لن، آ بیت سوم و چهارم را، و بیت دوم- پنجم، هشتم و نهم را ندارند):

میان سپاه اندرآمد دلبر  
 شماساس را دید مانند شیر (= ۱5)

به گرز و سه تیغ و سنان دراز  
 ز کشته زمین کرد مانند کوه  
 سپهدار قارن چو پیل (ل: باد) دمان  
 شماساس را دید گرد دلبر (س، ب: گرد دلبر؛ لن، لی، پ: مانند شیر؛ ق: مرد دلبر؛ ق: کوبود گرد دلبر)

۵ شماساس را دید گرد دلبر (س، ب: گرد دلبر؛ لن، لی، پ: مانند شیر؛ ق: مرد دلبر؛ ق: کوبود گرد دلبر)  
 که می برخوشید (ق: همی برخوشید؛ لی: که برمی خروشد) چون نره شیر (س، ب: مانند شیر؛ لن، لی، پ: گرد دلبر؛ ق: برسان شیر)  
 بیامد دمان تا بر او رسید  
 بزبدرش تیغ زهرآب دار (لن، لی، پ، و: برسر و ترگ آن نامدار)  
 سبک تیغ نیز از میان برکشید (در ق پس از 4)  
 بگفتا (ق: بگفتش) منم قارن نامدار (ق: کینه دار؛ ق: رزم دار)  
 لن، لی، پ، و: بخاک اندرآمدش سوگوار  
 چو دید او (ق، ق): دیدش) ز قارن چنان دست برد  
 س، لن، لی، پ: بیفتاد بر جای و آنگه ببرد  
 پ: بیفتاد آنگاه بر جای مرد

چنین است کردار گردون پیر  
 گهی چون کمانت و (لی: < و >) گاهی چو نیر  
 در ق پس از این بیت های ۱۷ و ۱۸ آمده‌اند؛ ف، آ، ل (و نیز س) این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست

چگونه بود ساز<sup>۲</sup> جنگ و<sup>۳</sup> نبرد  
 که با من جهان پهلوانا بگوی<sup>۴</sup>  
 کجا جای گیرد<sup>۵</sup> به روز<sup>۶</sup> نبرد؟  
 که پیداست تابان<sup>۷</sup> درفش بنفش  
 بگیم، کشانس بیارم<sup>۸</sup> بروی  
 يك امروز با خویشان هوش دار<sup>۹</sup>  
 دم آهنج<sup>۱۰</sup> و در کینه ابر بلاست  
 از<sup>۱۱</sup> آهنش ساعد<sup>۱۲</sup>، و ز آهن<sup>۱۳</sup> کلاه  
 درفش<sup>۱۴</sup> سیه بسته بر<sup>۱۵</sup> خود بر  
 که مردی دلیرست و<sup>۱۶</sup> پیروز<sup>۱۷</sup> بخت  
 تو از من مدار ایچ رنجه روان<sup>۱۸</sup>  
 دل و تیغ و بازو حصار من ست<sup>۱۹</sup>  
 برآمد خروشیدن گاودم<sup>۲۰</sup>  
 بماند اندران<sup>۲۱</sup> کودک نارسید  
 بدین گونه<sup>۲۲</sup> از بند گشته<sup>۲۳</sup> رها  
 یکی گفت کین پور دستان سام  
 جوان ست<sup>۲۴</sup> و<sup>۲۵</sup> جویای نام آمده ست  
 چو کشتی که موجش برآرد<sup>۲۶</sup> ز آب

چو رستم بدید آنک<sup>۱</sup> قارن چه کرد  
 ۲۰ به پیش پدر شد پرسید ازوی  
 که افراسیاب آن بداندیش مرد  
 چه پوشد؟ کجا<sup>۲</sup> بفرزاد درفش؟  
 من امروز بند کمرگاه اوی  
 بدو گفت زال: ای پسر گوش دار  
 که آن ترک در جنگ نراژدهاست<sup>۳</sup>  
 درفشش سیاهست و خفتان سیاه  
 همه روی آهن گرفته به زر  
 ازو خویشان را نگه دار سخت  
 بدو گفت رستم که ای پهلوان  
 ۳۰ جهان آفریننده یار من ست  
 برانگیخت پس<sup>۴</sup> رخس روینه سم<sup>۵</sup>  
 چو افراسیابش به هامون بدید  
 ز گردان<sup>۶</sup> پرسید کین ازدها  
 کدامست کین را<sup>۷</sup> ندانم به نام  
 ۳۵ نبینی که با گرز سام آمده ست  
 به<sup>۸</sup> پیش سپاه آمد افراسیاب

۱- پ، آ: آنکه ۲- و: کار؛ آ: ساز ۳- ل- ق، آ، پ، و، ب: ننگ و؛ لی: روز؛ ل (ونیز لن): دشت؛ متن= ف، آ (ونیز س): در ق چهار بیت سپین را انداخته ولی در کناره افزوده است؛ پ پس از این بیت افزوده است:

بپیچید و پس شد سوی زال زر که بنمایم افراسیاب ای پدر

۴- پ این بیت را ندارد ۵- لی: دارد ۶- لن، ق، ق، آ، لی، و، ب: به دشت؛ متن= ف، ل، س، آ، ل: پ این بیت را ندارد ۷- ق: چوهر کجا ۸- س، لن، ق، آ، پ، ب: با او؛ و: همانا که هست آن؛ متن= ف، ل، ق، ق، آ، ل ۹- س، لن، ق، آ، پ، ب: بیارم کشانس؛ متن= ف، ل، ق، ق، آ، لی، و، آ ۱۰- ل پس از این بیت افزوده است:

که آن ترک در جنگ آمرمنست تو گویی سراپایش از آهنست

۱۱- ل: یکی شیر جنگی و نراژدهاست ۱۲- ل: دژ آهنگ؛ متن= ف، س- ب (ونیز لن، س) ۱۳- ل، س، لن، ق، پ، و، ب: ز؛ متن= ف، ق، آ، لی، آ، ل ۱۴- ب: ز آهن دوساعد ۱۵- ل، لن، پ، و، ب: ز آهن؛ ق، آ، آ: ز آهن؛ ل: ز آهنش (وزن نادرست است)؛ متن= ف، س، ق، لی ۱۶- ل، ق: نشانی؛ لن، و، آ، ب: درفش؛ متن= ف، س، ق، آ، لی، پ، آ ۱۷- ل: در ۱۸- س، لن، ق، لی، و، ب: < و >؛ متن= ف، ل، پ، آ، ل ۱۹- و: بیدار؛ آ: فیروز؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- و، آ، ل: خسته روان؛ لن، پ: توازن من مرنج و مرنجان روان؛ متن= ف، ل، س، ق، ق، آ، لی، ب ۲۱- و: سراختر اندر کنار من است ۲۲- ل- لی، و، آ، ل، ب (ونیز ل، لن، س): آن؛ متن= ف، پ ۲۳- لی: خم ۲۴- س: شگفتی از آن؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب (ونیز لن): شکفتید از آن؛ آ (ونیز ل): عجب ماند از آن؛ متن= ف، ل، ق، و، ل (ونیز س): برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، ب: رزم رستم با افراسیاب؛ ق: دیدن افراسیاب اول کره رستم را و محاربت ایشان و هزیمت افراسیاب؛ لی: جنگ رستم با افراسیاب بار اول؛ پ: رزم رستم با افراسیاب و لشکر به انبوه؛ و: گفتار اندر رزم رستم با افراسیاب بار اول ۲۵- ل: ترکان ۲۶- ق، ق، آ، پ، و، آ، ل: برین گونه؛ لی: مرین دیو؛ متن= ف، ل، س، لن، ب ۲۷- ق: کرده ۲۸- ق: کورا؛ ل: آن را ۲۹- لی: دلیرست ۳۰- و: < و > ۳۱- ق، آ: ز ۳۲- ق: براند؛ ق: برآید؛ لی: برآمد؛ متن= نه دستویس دیگر

به گردن برآورد گرز گران  
 فروکرده گرز گران را به زین  
 جدا کردش از پشت زین پلنگ<sup>۷</sup>  
 دهد روز جنگ نخستینش داد<sup>۸</sup>  
 نیامد دوال کمر پایدار<sup>۹</sup>  
 سواران گرفتند گرد اندرش  
 بخایید رستم همی<sup>۱۰</sup> پشت دست  
 همی بر کمر ساختم بندوش<sup>۱۱</sup>؟

خروشیدن کوس<sup>۱۲</sup> بر<sup>۱۳</sup> چند میل  
 که رستم بدزید قلب سپاه  
 درفش سپهدار شد ناپدید<sup>۱۴</sup>  
 خروشی ز ترکان برآمد<sup>۱۵</sup> بزار  
 بجنبید<sup>۱۶</sup> لشکر چو دریا ز باد<sup>۱۷</sup>  
 درفشیدن<sup>۱۸</sup> خنجر و زخم<sup>۱۹</sup> چوب<sup>۲۰</sup>  
 غمی شد سر<sup>۲۱</sup> از چاک چاک تبر  
 ز شنگرف نیرنگ زد بر تونج<sup>۲۲</sup>

چو رستم ورا دید<sup>۱</sup> بفشارد<sup>۲</sup> ران  
 چو تنگ اندرآورد با<sup>۳</sup> وی<sup>۴</sup> زمین  
 به بند کمرش اندرآورد<sup>۵</sup> چنگ  
 ۴۰ همی خواست بردنش پیش<sup>۶</sup> قباد  
 ز سنگ<sup>۷</sup> سپهدار و هنگ<sup>۸</sup> سوار  
 گسست و<sup>۹</sup> به خاک اندرآمد سرش  
 سپهبد چو از چنگ رستم بجست  
 چرا؟- گفت- نگرفتمش زیر کش؟

۴۵ چو آوای<sup>۱</sup> زنگ آمد از پشت پیل  
 یکی مژده بردند نزدیک<sup>۲</sup> شاه  
 چو رستم بر شاه<sup>۳</sup> ترکان رسید  
 گرفتش کمربند و بفگند<sup>۴</sup> خوار  
 ز جای<sup>۵</sup> اندرآمد چن<sup>۶</sup> آتش قباد  
 ۵۰ برآمد خروشیدن دار و کوب<sup>۷</sup>  
 بران<sup>۸</sup> ترگ زرین و زرین سپر  
 تو گفتی که ابری برآمد ز کنج

۱- لی: بدیدش ۲- لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: بفشرد؛ متن= ف، ل، س، ق، و، آ ۳- آ: اندرآمد ابا ۴- ل- آ، ب (و نیز ل، آ، س): او؛ متن= ف، ل، آ ۵- و: فرورد ۶- س، ق، آ، ب: اندراویخت؛ متن= هفت دستویس دیگر ۷- لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س): خدنگ؛ متن= ف، ل، س، لی، و (و نیز ل) ۸- ف، ل، آ: بردنش سوی؛ لن، پ، ب (و نیز ل، آ): بردن به پیش؛ و: بردش به پیش؛ آ: بردنش پیش؛ لی: همی خواستش برنزد؛ متن= ل، س، ق، آ (و نیز ل) ۹- ق: باد؛ ق، آ، آ: یاد؛ پ: نخستین یاد ۱۰- ل، س، لن، ق، و، آ، ل، ب (و نیز ل، آ): هنگ؛ ق، آ: هند؛ لی: جنگ؛ (ل، آ): زور؛ متن= ف، پ ۱۱- ف، س، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، آ): جنگ؛ پ: جنگ؛ متن= ل (و نیز ل) ۱۲- و: استوار؛ ل، آ پس از این بیت افزوده است:

دوال کمر از قضا گشت چاک سر مرد جنگی درآمد بخاک  
 ۱۳- ل، آ: گسته ۱۴- س، لن، ق، آ، پ، ب: همه؛ متن= هفت دستویس دیگر ۱۵- ل: بند خوش؛ س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، آ): بند و کش؛ لی (و نیز س، آ): دست فش؛ و (و نیز ل، آ): دست خوش؛ ل، آ: بند کش؛ ق، آ: ساخت بند درفش؛ متن= ف، پ؛ س، لن، لی، پ، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

سپهدار ترکان بشد زیر دست یکی باره تیزتک (پ: زیرکش) برنشست  
 ۱۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: آواز؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، آ ۱۷- آ: جنگ ۱۸- س، لن، پ، و، آ، ب: از؛ متن= ف، ل، ق، آ، لی، ل، آ: خروش آمد از گوش تا ۱۹- ق، آ: تا پیش ۲۰- ل، ق (و نیز ل، آ): چنان تا بر شاه؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز ل، آ): بنزد سپهدار؛ متن= ف، لی، و، ل، آ (و نیز س، آ) ۲۱- لن، پ: ترکان بدید ۲۲- س، لن، ق، آ، ب: افکند؛ متن= ف، ل، ق، آ ۲۳- س، لن، ق، لی، ب: خروشی برآمد ز ترکان؛ متن= ف، ل، ق، آ ۲۴- و: زجا ۲۵- ل- ب (و نیز ل، آ، س، آ): چو؛ متن= ف ۲۶- ف: بجوشید؛ ق، آ: بخندید؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۲۷- ق، آ، آ: دریای باد ۲۸- س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ): دار و گیر؛ متن= ف، ل، ق، آ، پ، ل، آ (و نیز س، آ) ۲۹- ل، س، ق، لی- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): درخشیدن؛ متن= ف، ل ۳۰- لی: تیغ و ۳۱- س، لن، لی، و، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ): تیر؛ متن= ف، ل، ق، آ، پ، ل، آ (و نیز س، آ)؛ ق، آ: بیک زخم شد کشته چون تیره شیر (= ۵۳ ب)؛ در لن لت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۲- ق، آ: بدان ۳۳- ق، آ، لی، و، آ، دل؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ) پس از این بیت دو بیت و ل تنها بیت یکم را افزوده اند:

زسم ستوران (ل، ق): زگردسواران؛ لی: زسم سواران (در آن، ق، آ: بران) پهن دشت زمین شش شد و آسمان گشت هشت  
 فرورفت و بررفت روز نبرد به ماهی نم خون و بر ماه (ق: به خورشید) گرد  
 ل، آ: نم خون به ماهی ابر ماه گرد

ف، و، آ (و نیز س، آ) بیت یکم را و ف، ل، و، آ (و نیز س، آ) بیت دوم را ندادند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، لی پس از دو بیت بالا هریک بیتی افزوده اند:  
 ق: سر سرکشان زیر گرز گران چو سندان برو پتک آهنگران  
 لی: فرورد به ماهی و برزد به ماه بن نیزه و قبه بازارگاه

به يك زخم<sup>۲</sup> شد كشته چون نره<sup>۳</sup> شیر  
كشیدند لشکر سوی دامغان  
خلیده دل و با<sup>۵</sup> غم و گفت و گوی<sup>۶</sup>  
نه بوق و نه کوس و نه پای و نه پر

زبان پر ز گفتار و کوتاه چنگ<sup>۱</sup>  
ترا بود ازین<sup>۳</sup> کینه<sup>۱۳</sup> جستن گناه  
بزرگان پیشین<sup>۱۸</sup> ندیدند راه  
نه زهر گزاینده تریاک<sup>۱۹</sup> شد  
جهان<sup>۲۱</sup> را نمانند بی کدخدای<sup>۲۲</sup>  
به کینه یکی نو در اندرگشاد<sup>۲۳</sup>  
که دستانش رستم نهاده<sup>۲۴</sup> نام  
تو<sup>۲۶</sup> گفستی زمین را<sup>۲۷</sup> بسوزد به دم  
همی زد به گرز و به تیغ<sup>۲۸</sup> و رکیب<sup>۲۹</sup>  
نیرزید<sup>۳۲</sup> جانم<sup>۳۳</sup> به يك مشت خاک  
کس اندر جهان آن<sup>۳۵</sup> شگفتی ندید  
به زین اندرافگند<sup>۳۶</sup> گرز گران  
که گفستی ندارم<sup>۳۹</sup> به يك پشه سنگ<sup>۴۰</sup>

هزار و صد و شست<sup>۱</sup> گرد دلیر  
برفتند ترکان ز پیش مغان  
۵۵ و زانجا<sup>۲</sup> به جیحون نهادند روی  
شکسته سلیح<sup>۷</sup> و گسسته کمر<sup>۸</sup>

برفت از لب رود نزد<sup>۱۱</sup> پشنگ  
بدو گفت کای<sup>۱۲</sup> نامبردار شاه  
یکی<sup>۱۵</sup> آنک<sup>۱۶</sup> پیمان شکستن<sup>۱۷</sup> ز شاه  
۶۰ نه از تخم ایرج زمین<sup>۱۹</sup> پاک شد  
یکی کم شود<sup>۲۰</sup> دیگر آید بجای  
قباد آمد و تاج بر سر نهاد  
سواری پدید آمد از پشت<sup>۲۴</sup> سام  
بیامد بان نهنگ<sup>۲۵</sup> دژم  
۶۵ همی تاخت اندر فراز و نشیب  
ز گرزش<sup>۳۰</sup> هوا شد پر از<sup>۳۱</sup> چاک چاک  
همه لشکر ما بهم<sup>۳۲</sup> بردرید  
درفش مرا دید بر يك کران  
چنان برگرفتم<sup>۳۷</sup> ز زین پلنگ<sup>۳۸</sup>

۱- ف: صد و بیست؛ متن = ل- ب (و نیز ل، لن، س، شست)؛ بنداری: آلف و مائه و ستون ۲- لن، لی، پ، آ: حمله؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳- ف: چون شوزه؛ لن، لی، ل، آ: در جنگ؛ ق: ا: بر جنگ؛ پ: در جنگ؛ و: بردست؛ (لن: برشت)؛ متن = ل، س، ق، آ، ب (و نیز ل، س، آ)؛ پ، ب در اینجا سرنویس دارند، پ: هزیمت شدن افراسیاب از رستم؛ ب: هزیمت رفتن ترکان از ایران ۴- لن، پ، ب: از آنجا ۵- ق: بر ۶- ل، ق: گفت گوی ۷- س، ق، لی، آ: سلاح ۸- لی: سپر؛ ل: گسسته سلیح و شکست سپر ۹- ق: نه نای و نه بر؛ لی: نه تاج و کمر؛ و: نه پای و نه پر؛ ب: نه پای و نه سر؛ آ: نه بوق و نه پای و نه کوس و نه پر؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۰- ق: سوی؛ پ: به پیش پدر رفت پور؛ ب: برفتند از آب نزد؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر ۱۱- پ: و دل بر درنگ؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

به پیش پدر شد دلی پر ز درد نیایش کنان دل سیه روی زرد

۱۲- ل، ب: ای ۱۳- س، لن، لی: زین ۱۴- ق، آ، ب: جنگ؛ متن = ف- ق، ل، آ، و: دگر ۱۵- و: دگر ۱۶- پ، آ: آنکه ۱۷- ف، ق: شکستی؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۱۸- ل: یی؛ در و این بیت پس از بیت ۱۹- ل (و نیز ل، آ): جهان ۲۰- لی: یکی بگذرد؛ آ: یکی چون رود ۲۱- س، ق، آ، ب: زمین ۲۲- ل: نمانند گیتی ای کدخدای؛ ب: زمین را نماند ای کدخدای؛ در و پس از این بیت بیت ۵۸ آمده است ۲۳- ق: یکی درز کینه بنو برگشاد؛ و: در کینه نو در اندرگشاد ۲۴- ل، ق، لی، آ، ل (و نیز ل، لن، س، آ): تخم؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ، و، ب؛ در ق پس از این بیت بیت ۷۹ آمده است ۲۵- و، آ، ل، ب: نهنگی ۲۶- ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، س، آ): که؛ متن = ف، و ۲۷- ق: زبان را؛ پ: جهان را؛ و: که گیتی ۲۸- ل: به تیغ و به گرز؛ و: به گرز و به پای؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۹- س: رکاب ۳۰- آ: که گردش ۳۱- ل، آ: همی؛ لی: روان؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۲- لی: نه ارزید ۳۳- س، لن، ق، آ، ب: جانش؛ پ: جانی؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ل؛ در س، لن، ق، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، س، آ) لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ پایی لت ها = ف، ل، ق، پ ۳۴- آ، ب: زهم ۳۵- ل، لن، پ: این؛ متن = نه دستویس دیگر ۳۶- ل، ق، و: اندر آورد؛ متن = نه دستویس دیگر؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

بیامد بکردار غرنده شیر دلوار یکی بر سمند دلیر

چو تنگ اندر آورد با من زمین فرو کرد گرز گران را به زین

۳۷- س، ل، آ: برگرفش؛ ل: بربروم ۳۸- ل، س، ق، ق، آ، ل، آ: خدنگ؛ متن = ف، لن، لی، پ، و، ل (و نیز ل، لن، س، آ) ۳۹- ب: ندارد ۴۰- آ: که گفستی یکی پشه دارد به چنگ

۷۰ کمر بند بگسست و بند قبای  
بدان زور هرگز نباشد هزیر<sup>۳</sup>  
سواران جنگی همه هم گروه  
تو دانی که شاهی، دل و چنگ من  
به دست وی اندر<sup>۸</sup> یکی پشه‌ام  
۷۵ یکی پیلتن دیدم و<sup>۹</sup> شیرچنگ  
عنان را<sup>۱۲</sup> سپرده بدان<sup>۱۳</sup> کرگ<sup>۱۴</sup> مست  
همانا<sup>۱۶</sup> که گوپال، سیصد هزار<sup>۱۷</sup>  
تو گفستی که از آهنش کرده‌اند  
چه روباه پیشش<sup>۲۳</sup>، چه بیر بیان<sup>۲۴</sup>  
۸۰ همی تاخت یکسان چوروز<sup>۲۷</sup> شکار  
چنو<sup>۲۹</sup> گر<sup>۳۰</sup> بلی سام را دست برد  
جز از آشتی جستش<sup>۳۳</sup> رای نیست  
زمینی کجا آفریدون گرد  
به من<sup>۳۷</sup> داده بودند و بخشیده راست<sup>۳۸</sup>

ز چنگش<sup>۱</sup> فتادم نگون<sup>۲</sup> زیر پای  
دو پایش به خاک اندرون<sup>۴</sup>، سر به ابر  
کشیدندم از چنگ<sup>۵</sup> آن<sup>۶</sup> لخت کوه  
به جنگ اندرون زور و<sup>۷</sup> آهنگ من  
وزان آفرینش پُراندیشه‌ام  
نه هوش<sup>۱۰</sup> و نه دانش، نه رای و درنگ<sup>۱۱</sup>  
همش غار و هم کوه و هم راه پست<sup>۱۵</sup>  
زدندی<sup>۱۸</sup> بران<sup>۱۹</sup> تارگ گرزدار<sup>۲۰</sup>  
ز سنگ و ز رویش<sup>۲۱</sup> برآورده‌اند<sup>۲۲</sup>  
چه درنده<sup>۲۵</sup> شیر و چه پیل زیان<sup>۲۶</sup>  
به بازی همی آمدش<sup>۲۸</sup> کارزار  
ز ترکان<sup>۳۱</sup> نماندی سرافراز گرد<sup>۳۲</sup>  
که با او<sup>۳۴</sup> سپاه ترا<sup>۳۵</sup> پای نیست  
بدانگه به تور دلاور سپرد<sup>۳۶</sup>  
ترا کین پیشین<sup>۳۹</sup> نبایست خواست

۱- ق، ل: زدستش ۲- ق، پ: همی ۳- ل: ب: هزیر ۴- ل، و، ل: اندرو؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستوس دیگر؛ در ق، پس از این بیت های پنجم و هفتم ۸۶ ب آمده‌اند ۵- ل: پیش؛ پ: دست؛ متن = ده دستوس دیگر ۶- ل: این ۷- ل: گرزو؛ لن، پ: دلیری و کردارو؛ متن = نه دستوس دیگر ۸- و: نوگفتی بدستش؛ آ: بچنگ وی اندر ۹- لن، ق، ل: < و > (وزن نادرست است)؛ پ، و: دیدمش؛ متن = هفت دستوس دیگر ۱۰- س، ق: نه زور؛ آ: نه مهر؛ ب: نه روی؛ متن ← ۱۱- س، لن، ق، ل: ب، آ (و نیز ل، لن، س): نه سنگ؛ ق: نه هوش و نه رای و نه هنگ و درنگ؛ و: نه هوش و نه پرهیز و رای درنگ؛ ل: به هوش و به دانش به رای و به سنگ؛ متن = ف، ل ۱۲- س، لن، ق، پ، آ: ب: عنانش؛ متن = ف، ل، ق، ل: و، ل ۱۳- ل: بران ۱۴- ل، س، لن، ق، پ، آ: ب (و نیز ل، لن، س): پیل؛ و: دیو؛ متن = ف، ق، ل: ل (و نیز س) ۱۵- ل (و نیز ل): یکی گرزو گاو پیکر بدست؛ س، لن، ق، ل: و، ب (و نیز لن، س): همش کوه و هم غار و هم راه بست (س: بست)؛ پ: همش درد و هم غار و هم کوه پست؛ آ: ل: همش کوه و غار و همش راه (آ: راه و) بست؛ متن = ف (بست)؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۶- ل: همان بد ۱۷- لن، ل: پ: بیش از هزار؛ متن = نه دستوس دیگر ۱۸- ل- ب (و نیز ل، لن، س): زدندش؛ متن = ف ۱۹- ق، ل: ل: بدان ۲۰- س، لن، ق، ل: ب، آ: ب (و نیز لن، س): تارگ نامدار؛ پ: پیکر نامدار؛ و، ل (و نیز ل، س): تارگ ترگ دار؛ متن = ف، ل: ل، ق، پس از این بیت افزوده‌اند:

گر از جای جنبان شود کوه خار (ق: کوه‌خار) به زین در بنجید آن نامدار (ق: به زین بر ننجید آن بردبار)

۲۱- س، ق، و، آ، ل: ب: به روی و به سنگش؛ لن، پ: به سنگ و به رویش؛ ل: ز روی و ز سنگش؛ متن = ف، ل، ق ۲۲- س، آ: ب: پرورده‌اند ۲۳- ل- پ، آ: ب (و نیز ل، لن، س): چه دریا پیش و؛ ل: چه خفتان به پیش و؛ (س): چه دریا به پیش؛ متن = ف ۲۴- پ: چه کوش همان ۲۵- ق: غزنده ۲۶- ل: پ: دمان؛ و این بیت را ندارد؛ در ق این بیت پس از بیت ۶۳ آمده است ۲۷- و: چو شیر؛ ب: بروز ۲۸- ل: ب: آیدش ۲۹- ق: چو او؛ ل: ب: چنان ۳۰- ل: پ: کو ۳۱- ق: سواری ۳۲- س، ل: و، آ، ل: سرافراز و گرد؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، ب: ق: به گیتی نماندی بزرگ و نه خرد؛ و پس از این بیت افزوده است:

جهانجوی و روی سپاهت منم به دشواری اندر پناهت منم  
نماندست بسا او مرا تساو هیچ برو رای زن آشتی را بیج

۳۳- ل، س، لن، ل: و، آ: ب (و نیز لن): جنت؛ ل (و نیز ل، س): کردنت؛ ق، پ، این بیت را ندارند؛ متن = ف، ق ۳۴- ف، ل: وی؛ متن = هشت دستوس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۳۵- ق: مرا ۳۶- ق، آ: به تور و به سلم و به ابرج سپرد؛ ل: به تور و به سلم دلاور سپرد؛ ق، پ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستوس دیگر ۳۷- ق (و نیز س): مرا؛ آ: بما؛ (ل): بتن؛ متن ← ۳۸- ف: چو داده بدند و بیخشیده راست؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستوس دیگر (و نیز لن) ۳۹- پ: کین کشیدن



میان شنیدن همیشه<sup>۳</sup> تهی ست  
 ز بازی<sup>۴</sup> سپه را درازی نمود<sup>۵</sup>  
 همان<sup>۶</sup> ترگ زرین و زرین سپر  
 همان تیغ هندی به زرین نیام<sup>۷</sup>  
 قباد<sup>۱۳</sup> اندرآمد به خواری ببرد  
 شکستی که هرگز نشایدش بست  
 که<sup>۱۶</sup> اغریرت<sup>۱۷</sup> پرخرد<sup>۱۸</sup> کشته شد  
 و زامروز با دی گرفتن شمار<sup>۱۹</sup>  
 پس پشت هرکس<sup>۲۳</sup> درفشی کشان  
 دمان<sup>۲۵</sup> از پس و من دوان<sup>۲۶</sup> خوارخوار<sup>۲۷</sup>  
 سوی آشتی یاز با<sup>۳۱</sup> کیقباد  
 به گرد اندرآید سپه<sup>۳۴</sup> چارسوی  
 که رزم<sup>۳۷</sup> با او<sup>۳۸</sup> نتابد<sup>۳۹</sup> به زور<sup>۴۰</sup>

۸۵ تودانی که دیدن<sup>۱</sup> نه چون<sup>۲</sup> آگهی ست  
 ترا جنگ ایران چو بازی نمود  
 نگر تا چه مایه ستام به زر<sup>۶</sup>  
 همان تازی اسپان به<sup>۸</sup> زرین لگام<sup>۹</sup>  
 ازین<sup>۱۱</sup> بیشتر نامداران گرد<sup>۱۲</sup>  
 ۹۰ بترزین همه نام و ننگ و<sup>۱۴</sup> شکست  
 دگر آن کجا بخت برگشته شد<sup>۱۵</sup>  
 جوانی بُد و تنگی<sup>۱۹</sup> روزگار  
 به<sup>۲۱</sup> پیش آمدند همه<sup>۲۲</sup> سرکشان  
 بسی یاد دادندم از<sup>۲۴</sup> روزگار  
 ۹۵ کنون از گذشته<sup>۲۸</sup> مکن هیچ<sup>۲۹</sup> یاد  
 گرت<sup>۳۱</sup> دیگر آید<sup>۳۲</sup> یکی<sup>۳۳</sup> آرزوی  
 به<sup>۳۵</sup> يك دست رستم که<sup>۳۶</sup> تابنده هور

۱- ف: دیده؛ متن=ل-ب (و نیز ل، ن، آ، س) ۲- ب (و نیز ل، ن، آ، س): به از؛ متن=ف، ل، ق ۳- پ: سراسر؛ لی: همیشه میان شنیدن؛ درل پس از این بیت بیت پنجم ۸۶ پ و در ق پس از این بیت بیت های پنجم و هفتم ۸۶ پ آمده اند ۴- ل: زیاری ۵- ل، لی، آ (و نیز ل، آ، س): فرود؛ ق: سپاهی فرود؛ متن=ف، س، ل، ن، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): سپهد سپهدار زال فرود (!)؛ س، ل، ن، لی، پ، ب (و نیز ل، ن، آ) پس از این بیت و ل، ق، ق (و نیز ل، آ) پس از بیت ۸۹ بیت هایی افزوده اند (س، ل، ن، لی، پ، ب بیت دوم را، س، ل، ن بیت ششم را و ل بیت هفتم را ندارند؛ بیت پنجم درل پس از بیت ۸۵ و بیت های پنجم و هفتم در ق پس از بیت ۸۵ و در ق پس از بیت ۷۱ آمده اند):

چو کلباد و چون بارمان دلیر  
 چو کلباد و سه که قارن بکشت  
 خوروان (ل: خرزوان؛ ق: ب: خزروران؛ لی: خراوران؛ پ: خروزان) کجزال بشکست خرد  
 نمودش به گرزگران دست برد  
 5 شماساس کین توز (ق: آن شیر) لشکر پناه  
 از امروز کارت به فردا ممان  
 جزین نامداران کین (ق، ق: دگس) صدهزار  
 گلستان که امروز باشد به بسار  
 که بودی شکارش همه نره شیر  
 دل چرخ گردان بدو شد درشت  
 که (پ: چو) قارن بکشتش به آوردگاه  
 که داند که فردا چه گردد زمان (ب: جهان)  
 فزون کشته آمد که (ق: برین؛ ق: کشته گشته بدان) کارزار  
 نو (لی، پ: چو) فردا چنی گل نیاید بکار (ب: نیایی بیار)

این بیت هادر ف، و، آ، ل (و نیز س، آ) نیست ۶- پ: ستام و تیر ۷- ل: هم از ۸- ل: <به> ۹- ق: ستام ۱۰- ق: ستام ۱۱- ق: آ: ازان ۱۲- و: ازین نامداران و شیران گرد ۱۳- ف، ل، ن: چو باد؛ س، ق-ب (و نیز ل، ن، آ): که باد؛ متن=ل (و نیز ل، ن، آ، س): ل، ق، ق، آ پس از این بیت بیت هایی افزوده اند (← ۸۶ پ) ۱۴- س، ق، ب: <و>؛ ل، ن، لی، پ، آ: ننگت؛ و: ننگ و نام؛ متن=ف، ل، ق، آ، ل: درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- ل-آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س): گر از من سر نامور گشته شد؛ ل: دگر آن کجا سرم برگشته شد؛ متن=ف ۱۶- س، ل، ن، ق، آ، پ، ب: چو؛ متن=هفت دستویس دیگر ۱۷- ق، آ، لی، و، آ (و نیز ل، ن، آ): اغریرت؛ متن=هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۸- س، ق، آ، لی، ب: نامور؛ ل، ن، ق، پ، آ: بر هنر؛ متن=ف، ل، و، ل، آ: درل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- ق: تنگی از؛ ب: نیکی؛ لی: جزای بد و نیکی ۲۰- ل، ق، پ: من (پ: از) امروز را دی گرفتم شمار؛ س، ب (و نیز ل، ن، آ): ز نیک و ز بد برگرفتن شمار؛ ل، ن: دمان از پس من دنان زار و خوار (= ۹۴ ب)؛ ق، آ، لی، آ: وز امروز (آ: امروز) فردا گرفتم شمار؛ و: و زامروز دی برگرفتم شمار؛ (ل: آ: از امروز نادی گرفتم شمار)؛ متن=ف؛ ل این بیت را ندارد ۲۱- ل: که؛ ل، ن، ق، ل این بیت را ندارند؛ متن=هشت دستویس دیگر ۲۲- ل، آ: همان؛ متن=هفت دستویس دیگر ۲۳- ل، س، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): هر یک؛ متن=ف ۲۴- س، ق، آ، لی، و، آ، ب: آن؛ پ: دارند ازان؛ ف پاك شده است؛ ل، ن این بیت را ندارد؛ ق، ل این بیت را ندارند؛ متن=ل ۲۵- ق: زمان؛ و: دوان ۲۶- س، ق، آ، ب: دمان؛ ل، لی: دنان؛ پ: ازان؛ متن=ف، ل ۲۷- ل، س، ل، ن، لی، پ، آ، ب: زار و خوار؛ ق: خوار و زار؛ متن=ف، و؛ ل، ن، ۹۲، ۹۳ و آرا انداخته و از ۹۲ و ۹۴ يك بیت ساخته است ۲۸- س: گذشتن ۲۹- ل: ایچ ۳۰- ق: یا ۳۱- و: روت ۳۲- س، ل، ن: آمد ۳۳- و: همی ۳۴- ل، ن: اندر اندیشه؛ پ: اندر اندیشه را ۳۵- ق: ز ۳۶- ل، ن: چو ۳۷- ق: جنگ ۳۸- لی: وی ۳۹- آ: نیاید ۴۰- ل، ن، پ: ابا گرز و کویال و با فر و زور؛ ب: نتابد که رزم با او بزور

که چشمش ندیده‌ست هرگز شکن  
که آمد به آمل<sup>۲</sup> ببرد آن سپاه<sup>۱</sup>  
که سالار شاهست و<sup>۳</sup>، زاول خدای<sup>۴</sup>

شگفتی فرومانده ز<sup>۹</sup> افراسیاب  
فرستاد<sup>۱۱</sup> بایران چنان چون سزید<sup>۱۲</sup>  
به<sup>۱۵</sup> پیش آر قوطاس و مشک سیاه<sup>۱۴</sup>  
برو کرده صدگونه رنگ و نگار  
که او داد بر آفرین دستگاه  
کزو دارد این تخم ما<sup>۲۰</sup> تار و پود  
بد آمد پدید<sup>۲۲</sup> از پی تاج و تخت  
نباید که پرخاش<sup>۲۵</sup> ماند<sup>۲۴</sup> به<sup>۲۷</sup> بن  
منوچهر سرتاسر این<sup>۳۰</sup> کین کشید  
کجا<sup>۳۳</sup> راستی را به بخشش بجست<sup>۳۴</sup>

به روی<sup>۱</sup> دگر قارن رزم زن  
سدیگر<sup>۲</sup> چو کشواد ززین کلاه  
چهارم چو مهرباب کاو<sup>۵</sup>ل خدای<sup>۱۰۰</sup>

سپهدار ترکان<sup>۸</sup> دو دیده پرآب  
یکی مرد با هوش دل<sup>۱۰</sup> برگزید  
دبیر نبیننده<sup>۱۳</sup> را گفت شاه<sup>۱۴</sup>  
یکی نامه بنوشت<sup>۱۷</sup> ارتنگ وار<sup>۱۸</sup>  
به نام خداوند خورشید و ماه  
وزو<sup>۱۹</sup> بر روان فریدون درود  
گر از<sup>۲۱</sup> تور بر ایرج نیک بخت  
بران بر<sup>۲۳</sup> همی راند<sup>۲۴</sup> باید سخن  
گرین<sup>۲۸</sup> کینه از<sup>۲۹</sup> ایرج آمد پدید  
بران<sup>۳۱</sup> هم که کرد آفریدون<sup>۳۲</sup> نخست<sup>۱۱۰</sup>

۱- لن، ق، پ، آ: بدست؛ ق: ز روی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲- لی: به دیگر ۳- و: ز ساری؛ متن ← ۴- پ: فروزان سپاه؛ آ: بزد سپاه؛ ف: که بر چشم او خوار باشد سپاه؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۵- ف- ب (و نیز ل، ن، آ، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۶- ق: < و >؛ ل: که دستور شاهست و؛ و: که کابل خدایت و؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۷- ل، ق، لی، و، ل (و نیز س): زابل خدای؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز لن): با فر و رای؛ (ل: فرخنده رای)؛ متن = ف؛ بنداری بسیاری از بیت های ۵۷ تا ۱۰۰ را ترجمه نکرده است: ثم عبر و توجه نحو آیه بشك. فلما مثل بین یدبه سرد علیه جميع احوال الوقعة، و وصف قوة الايرانية وقلة ثبات التورانية بین ایدیهم. وقال: الصواب أن نغتم السلامة منهم، و نفذ الرسل إليهم جانحين الى السلم. ثم طفق يعتذر الى آیه من سبق السيف العذل في قتل اغریرث آخیه، و يسأله العفو والصفح ۸- س، لن، ق، آ، پ: توران؛ متن = هشت دستویس دیگر ۹- ل، س، لی، ق، لی، پ: ماند ز؛ و، ل، آ، ب: ماند از؛ متن = ف، ق، آ، پ: پس از این بیت افزوده اند:

که چندان (پ: چندین) سخنهای یاد آمدست سرش را کتون راه (پ: روانش همی سوی) داد آمدست

۱۰- لن، لی، پ: بیدار دل؛ متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۱- ل، ق، لی، و: فرست؛ ل: فرستید؛ متن ← ۱۲- ق: رسید؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: بایران فرستاد چون می (لن، ق، آ، پ: جوان) سزید؛ متن = ف؛ ل- ب در اینجا سرنویس دارند، ل: نامه نوشتن پشنگ بر کیباد؛ س، ق، آ، لی، پ، و، آ، ل، آ، ب: نامه پشنگ بزد (لی، پ: به؛ و، ل، آ، ب: نزد) کیباد (س: و پاسخ دادن کیباد پشنگ را؛ ق، آ، لی، آ: آشتی خواستن؛ و: آشتی جستن از؛ ل: جهت صلح)؛ لن: نامه افراسیاب به کیباد و آشتی کردن؛ ق: نامه پشنگ پدر افراسیاب به کیباد در التماس صلح ۱۳- ل، و، ل، آ، و نیز لن، آ، س): نویسنده؛ ق، پ: پسندیده؛ متن = ف ۱۴- ل، آ: پیش خواند ۱۵- ل، ق، پ (و نیز س): که؛ متن = ف، و (و نیز لن) ۱۶- ل، آ: ابا او همه راز دل برشانند؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز ل) این بیت را ندارند ۱۷- ق: بنویس ۱۸- ل: ازنگ وار (→ ارزنگ وار)؛ س، لی، ب: ازنگ و عار (→ ارتنگ وار)؛ ق، آ، ل، آ، و نیز ل، آ: ارزنگ وار؛ لن: فرهنگ وار؛ و، ل، آ (و نیز لن): فرزانه وار؛ متن = ف، پ (و نیز س) ۱۹- ق، آ: دگر ۲۰- پ: کزویست این تخم با ۲۱- ف، س، لن، لی، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): که از؛ متن = ل، ق، آ، پ، و (و نیز س) ۲۲- ق، آ: همی ۲۳- ف، ل: بران هم؛ لی: بدان هم؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۲۴- و: ماند ۲۵- ل، ل، آ (و نیز ل، آ): بیاید که پیوند؛ متن ← ۲۶- لن: باید؛ متن ← ۲۷- لی (و نیز س): کهن؛ ب: زین؛ و (و نیز لن): نکاوید (لن): نکارید) باید حدیث کهن؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، آ؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ و (و نیز لن) پس از این بیت افزوده اند:

نماندست آن کینه ناخواسته وزان خواسته کینه شد کاسته

۲۸- ف: که این؛ آ: گران؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۲۹- لن، پ: کز ۳۰- ق، آ، ب: آن؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ بنداری (۱۰۷- ۱۰۹): و ذکر فیه آن تور و إن کان ظلم ایرج فإن منوچهر انتقم له و أدرك ثاره؛ و پس از بیت ۱۰۹ افزوده است:

بماند این زمان بخش ایران و تور جهان قسم کردن ز نزدیک و دور

۳۱- ل، آ: بدان ۳۲- س، ب: بران هم که کرد آن فریدون؛ ق: همان آفریدون شاه از ۳۳- ق: همی؛ پ: که مر ۳۴- لی: درست؛ بنداری: و قد کان آفریدون قبل ذلك قد قسم الممالك قسمة عادلة؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ و پس از این بیت افزوده است:

نه کاهید کشور نه دردی فزود همه راستی جست و نیکی نمود

سزد گر بداریم<sup>۱</sup> دل هم<sup>۲</sup> بران  
 ز خرگاه<sup>۳</sup> تا ماورالنهر<sup>۴</sup> بر  
 بر و بوم ما بود هنگام شاه  
 همان بخش<sup>۱۱</sup> ایرج از<sup>۱۲</sup> ایران زمین  
 ۱۱۵ از آن گر بگردیم و<sup>۱۳</sup> جنگ آوریم  
 بود زخم شمشیر<sup>۱۵</sup> و خشم خدای  
 وگر<sup>۱۹</sup> همچنان چون فریدون گرد  
 بیخشم و زان<sup>۲۱</sup> پس نجویم کین  
 سر زنده از سال<sup>۲۲</sup> چون برف گشت  
 ۱۲۰ سرانجام هم جز<sup>۲۴</sup> به بالای خویش  
 بمانیم با آن رشی پنج خاک<sup>۲۷</sup>  
 در آزمندیست<sup>۲۹</sup> اندوه و رنج  
 مگر رام گردد بدین<sup>۳۱</sup> کیقباد  
 کس از ما نبینند<sup>۳۲</sup> جیحون به خواب،  
 ۱۲۵ مگر با درود و نوید و پیام<sup>۳۷</sup>،  
 چو نامه به مهر اندرآورد شاه  
 فرستاد نزدیک ایران سپاه<sup>۳۹</sup>

۱- ل- ق، آ، پ- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): برانیم؛ لی: بمانیم؛ متن= ف ۲- لی، و: مادل؛ ل: هم دل ۳- لن، پ: آهنگ ۴- ق: رای ۵- ل: مهان؛ در لی این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۶- ل، ق: ز جیحون و (ق: < و >)؛ (ل: ز چیست)؛ متن= ده دستویس دیگر (و نیز لن، آ، س، آ) ۷- س- و، ل، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ): در؛ متن= ف، ل، آ (و نیز ل، آ) ۸- س، لن، ق، آ، پ، و، ب (و نیز لن، آ، س، آ): میاننش؛ لی: میانست؛ ل: مباتریت (!)؛ متن= ف، ل، ق، آ (و نیز ل، آ) ۹- لی: برره گذر ۱۰- ل: نکردی بران؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: نکرد اندران؛ ق: نکردی برین؛ لی، و، ل، آ: نکرد اندرین؛ متن= ف ۱۱- و: مرز ۱۲- ل، ق: زا؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بد؛ و: که؛ متن= ف، ل، آ ۱۳- س، پ، ب: که از شه فریدون بدش آفرین؛ لن، ق، آ، لی، آ: که (لی: بد) از آفریدون برو (لن: بدش) آفرین؛ و: بدادش فریدون با داد و دین؛ ل: که دادش فریدون برو آفرین؛ متن= ف، ل، ق، آ ۱۴- ل: وگر زان نگردیم ۱۵- لن: خورشید ۱۶- س، لن، آ، ل: بیایم؛ متن= هشت دستویس دیگر ۱۷- ل، س، لن، لی، آ، ل، آ، ب: بهره؛ ق: بدیگر؛ متن= ف، ق، و ۱۸- پ: نیایم از بهره خویش جای ۱۹- لن: اگر ۲۰- ل- لی، آ، ل، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ): به تور و به سلم؛ متن= ف، و (و نیز ل، آ)؛ پ این بیت را ندارد ۲۱- س، لن، ق، آ، آ، ب: از آن؛ ق، لی، و، ل: وزین؛ متن= ف، ل، آ ۲۲- ل: بر؛ پ این بیت را ندارد ۲۳- ل، ق: سراننده از سال؛ س، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ): سرزنده زال؛ لن: سرزنده زال؛ متن= ف، و، ل، آ (و نیز ل، آ) ۲۴- س، لن، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ): بلان؛ متن= ف، ل، ق، آ، لی، و (و نیز لن، آ) ۲۵- ل: برف؛ پ این بیت را ندارد ۲۶- لن: سرانجام جز هم؛ آ: سرانجام همچون؛ پ این بیت را ندارد ۲۷- ف، ل، ق، پ: بمانیم روز پسین زیر خاک؛ لی: بمانیم باز اندران کنج خاک؛ ل: بمانیم باران رسی (→ با آن رشی) پنج خاک؛ (س، آ: بمانیم با آن وشي) (→ رشی) پنج خاک؛ متن= س، ق، آ، و، آ، ب (ق: آ: یا؛ آ: این) ۲۸- س، ق، آ، ب: سروپای؛ لن این بیت را ندارد ۲۹- ل، ل، آ (و نیز ل، آ): وگر آزمندیست و (ل: آ: < و >)؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ): دگر (آ: وگر) آرزویست؛ لی: دگر آزمندیست؛ متن= ف، و ۳۰- لن، لی، پ: زین؛ آ: بر؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستویس دیگر ۳۱- ل، ق، پ، ل: برین؛ متن= هشت دستویس دیگر ۳۲- س، پ: سخن نیز ازین گونه کردند یاد (= ۱۲۷ ب) ۳۳- لن: گر از ما ببیند ۳۴- ف، آ، ب: از ایران؛ متن= ل، ق، لی، پ، و، ل، آ ۳۵- و، ل: زین؛ لی: نیاید بدین؛ لن: ازین پس نیاید از آن؛ ق: نیابد ایران ازین ۳۶- ف، ق، پ: سوی؛ متن= ل، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ)؛ س این بیت را ندارد ۳۷- ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل، آ، لن، آ): سلام و پیام؛ لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: پیام و سلام؛ لی: یکی با نوید و درود و سلام؛ س این بیت را ندارد؛ متن= (س، آ) ۳۸- لن، ق، آ، لی، ب: بود؛ متن= هفت دستویس دیگر؛ بنداری ترجمه بیت های ۱۱۷- ۱۲۵ را ندارد ۳۹- س این بیت را ندارد

بر بردند نامه بر کیقباد  
 چنین داد پاسخ که دانی درست<sup>۱</sup>  
 ز تور اندر آمد نخستین ستم<sup>۲</sup>  
 بدین روزگار اندر<sup>۳</sup> افراسیاب<sup>۴</sup> ۱۳۰  
 شنیدی که با شاه نوذر چه کرد  
 ز کینه به اغریرت<sup>۵</sup> پر خرد  
 ز کردار بد گر پشیمان شدی<sup>۶</sup>  
 مرا نیست از کینه و آزار<sup>۷</sup> رنج<sup>۸</sup>  
 شما را سپردم<sup>۹</sup> از آن<sup>۱۰</sup> روی<sup>۱۱</sup> آب<sup>۱۲</sup> ۱۳۵  
 به نوی یکی باز پیمان نبشت<sup>۱۳</sup>  
 بدو گفت رستم که ای شهریار  
 نبود آشتی هیچ در خوردشان<sup>۱۴</sup>  
 به رستم چنین گفت پس کیقباد<sup>۱۵</sup>  
 به باغ بزرگی درختی بکشت  
 مجوی<sup>۱۶</sup> آشتی در گه کارزار  
 بدین روز گرز من آوردشان<sup>۱۷</sup>  
 که چیزی ندیدم نکوتر<sup>۱۸</sup> ز داد

۱- پ: سر مرد بخرد نگردد ز داد (= ۱۲۳ب)؛ ل: سخن نیز کردند ازین گونه یاد؛ س ۱۲۳ب، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷ آرا انداخته و از ۱۲۳ آ و ۱۲۷ ب يك بيت ساخته است؛ پ پس از این بیت سه بیت، ق تنها دو بیت نخستین و ق، آ تنها بیت سوم را افزوده‌اند (در پ بیت دوم و سوم پس و پیش شده‌اند):

بیامد فرستاده نزد قباد هم‌آنگاه پیغام و نامه بداد  
 چو بشنید ازین گونه آیین و راه زبان را به پاسخ بیاراست شاه  
 چو شاه جهاندار نامه بخواند به پاسخ سخنها فراوان (آ: فراوان سخنها) براند

۲- پ: ز افراسیاب آمد این کین درست؛ در پ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳- ق، ل: نخست این ستم ۴- پ: آمد ۵- ل، ق، و: بیامد  
 بتیزی و؛ پ: بدین سوی ایران؛ ل: بیامد برین روی؛ متن = ف، س، لن، ق، لی، آ، ب (و نیز لن، س) ۶- ق، لی، ل: بگذشت ز (ق: از) آب؛  
 متن = نه دستویس دیگر (و نیز ل، س) ۷- ق: دل داد و دین؛ لی: دل و جان ما ۸- ق، لی، و، آ (و نیز لن، ب، نداری): اغریرت؛ متن = هشت  
 دستویس دیگر (و نیز ل، س) ۹- ق: اندر خورد (وزن ندارد)؛ و: نه آن کردکان با خرد در خورد ۱۰- ل، و، ل (و نیز ل): شویید؛ س، لن، ق،  
 ق، لی، آ، ب (و نیز س): شوی؛ پ (و نیز لن): شود؛ متن = ف ۱۱- ل: آزار و رنج؛ لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، لن، س): آزار و رنج؛ س:  
 جز این است از کینه آزار و رنج؛ متن = ف، ل، ق، و ۱۲- ق: نجییده‌ام ۱۳- س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب (و نیز لن، س): سپارم؛ متن = ف، ل،  
 ق، ل ۱۴- لی: ازین ۱۵- ف، و (و نیز لن): سوی؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، س) ۱۶- ق، ل: آرام ۱۷- ل، لن، لی، پ، و:  
 نوشت؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ ل، ق، ق (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند (در ل در بیت چهارم لت ها پس و پیش شده‌اند):

فرستاده آمد بان پلنگ رسانید نامه بنزد پشنگ  
 بنه بر نهاد و سپه را براند همی گرد بر آسمان برفشانند  
 ز جیحون گذر کرد مانند باد وزان آگهی شد بر کیقباد  
 بدان (ق، ق: چنان) گشت شادان دل شهریار که دشمن شد از پیش بی کارزار

۱۸- ل، و: مجوی؛ ق: چرا؛ متن = نه دستویس دیگر ۱۹- ل، س، ق، ق، ل: بند پیشتر آشتی را نشان (ق: رایشان؛ در ل، س حرف یکم واژه پسین  
 نقطه ندارد)؛ لن، پ، ب (و نیز س): نبود (ب: بند) آشتی پیشتر زان (پ: زین؛ ب: را) نشان (س: رایشان)؛ لی: بند آشتی پیش ازین نزدشان؛ آ:  
 ازیشان نبود آشتی را نشان؛ (ل: نبود آشتی پیش از آوردشان)؛ متن = ف، و (و نیز لن) ۲۰- ب، نداری: هلاکان ذلك منهم قبل هذا الوقعة! والآن فالرأی  
 أن نجوس دبارهم، ونسبج أموالهم ودماءهم ۲۱- ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س): چنین گفت با (لی، ل، ل، ل: پس) نامور (س: پلتن) کیقباد؛  
 متن = ف، و (و نیز لن) ۲۲- لی: ندیدیم بهتر؛ و: در اینجا سرنویس دارد: گفتار اند رخلعت دادن کیقباد پهلوئانان را

به سیری<sup>۲</sup> همی سر بیچد<sup>۳</sup> ز جنگ  
 به<sup>۴</sup> کژی و ناراستی ننگرد<sup>۵</sup>  
 نبشتیم<sup>۶</sup> عهدی ترا بر پرند<sup>۷</sup>  
 بدار و همی باش<sup>۸</sup> گیتی فروز  
 سراسر سنان<sup>۹</sup> به زهر آب ده<sup>۱۰</sup>  
 وگر چند روی زمین تنگ نیست<sup>۱۱</sup>  
 همان گردگاهش به زرین کمر  
 بیوسید روی زمین<sup>۱۲</sup> مرد گرد  
 که بی زال تخت<sup>۱۳</sup> بزرگی مباد  
 که او ماندمان یادگار از مهان<sup>۱۴</sup>  
 ز یاقوت و پیروزه تاج و کمر  
 ز پیروزه، رخشان تر از آب نیل<sup>۱۵</sup>  
 یکی گنج کهش کس ندانست<sup>۱۶</sup> مر  
 که خلعت مرا زین فزون بود کام<sup>۱۷</sup>  
 ترا دارم اندر<sup>۱۸</sup> جهان بی نیاز  
 چو برزین و خراد و پولاد را<sup>۱۹</sup>

۱۴۰ نبیره فریدون و پور پشنگ  
 سزد گر هراکس که دارد خرد  
 ز زاولستان<sup>۱</sup> تا به دریای سند<sup>۲</sup>  
 تو شو تخت<sup>۳</sup> با افسر نیمروز  
 وزین<sup>۴</sup> روی کاول<sup>۵</sup> به مهراب ده<sup>۶</sup>  
 ۱۴۵ کجا پادشاهی ست<sup>۷</sup> بی جنگ نیست  
 سرش را بیاراست از<sup>۸</sup> تاج زر  
 ز يك روی گیتی مرو را سپرد  
 وزان<sup>۹</sup> پس چنین<sup>۱۰</sup> گفت فرخ قباد  
 به يك<sup>۱۱</sup> موی دستان نیرزد جهان  
 ۱۵۰ یکی جامه‌ی شهریاران<sup>۱۲</sup> به زر  
 نهادند مهد<sup>۱۳</sup> از بر پنج پیل  
 بگسترده زربفت بر مهد<sup>۱۴</sup> بر  
 فرستاد<sup>۱۵</sup> نزدیک<sup>۱۶</sup> دستان<sup>۱۷</sup> سام  
 اگر باشدم زندگانی دراز  
 ۱۵۵ همان قارن و نیز<sup>۱۸</sup> کشواد را

۱- س، لن، ق، ل، پ، و، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، س)؛ فریدون فرخ پشنگ؛ متن = ف، ل، ق، آ (ق) < و > ۲- ل، ی، بشری؛ ل، آ: بتزی ۳- س، لن، ق، و: بیچد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: نیچد؛ ف ناخواناست؛ متن = ل، ق، ل، ی، پ، آ، ب ۴- و: ز ۵- ل، ی: بنگرد؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ بنداری: فاذا طلب بشك مصالحتنا و موادعتنا فحقیق بنا أن نجیبه الی ما طلب ۶- س- ب (و نیز ل، ل، ن، آ، بنداری): زابلستان؛ متن = ف، ل (و نیز س) ۷- ق: هند ۸- ل، ق، ل، ی، پ، و: نوشتیم؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، آ، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۹- ق: سراسر پرند ۱۰- ل، ق: سر تخت؛ متن = ده دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س) ۱۱- س، لن، ق، آ، پ (و نیز لن)؛ همی دار و می باش؛ ل، ی: بداد و دهش باش؛ ب: همی باش و میدار؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل (و نیز ل، ل، ن، س)؛ پ در اینجا سرنویس دارد: عهد نوشتن کیقباد رستم را در پادشاهی ۱۲- س، لن، ق، پ، آ، ل، ب: وزان؛ متن = ف، ل، ق، ل، ی، و ۱۳- ف- ق، آ، پ- ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س، بنداری): کابل؛ ل، ی: کشور؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۴- ل، ی: داد ۱۵- ل، ی: سنانش؛ در قآلت های این بیت با یکدیگر و خود بیت با بیت سپین پس و پیش شده اند ۱۶- ل- ب: پادشاهیت؛ متن = ف ۱۷- ف: اگر جنگ جویی زین تنگ نیست؛ ل: وگر جنگ جویی زمین تنگ نیست؛ متن = س- ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س، و: اگر؛ ق: زمی)؛ در قآ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۸- ل، س، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س)؛ با؛ متن = ف، ق، آ، ل، ی، و ۱۹- ق: زمی؛ در س، لن، پ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۰- ل، س، و، ب: ازان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۲۱- ف: بلو؛ متن = ل- ب (و نیز لن، س) ۲۲- ل، ی: تاج؛ در س، لن، پ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۳- ل، آ: یکی ۲۴- ق، آ، پ، و، آ، ل، ب (و نیز س)؛ یادگار مهان؛ ل، ی: که او ماند از یادگار مهان، ق: که ماند بما یادگار از جهان؛ متن = ف، س، لن (و نیز لن)؛ بنداری: و ذکر دستان و آئنی علیه و قاذ إنه بقية الملوك الماضین ۲۵- ل- پ، آ، ب (و نیز لن، ل، س)؛ شهریاری؛ متن = ف، و، ل ۲۶- و: تخت ۲۷- ل، ق: رخشان بکردار نیل؛ ل، ی، و: رخشان تر از رود نیل؛ متن = هشت دستویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، س) ۲۸- ل، ی: زر؛ ل، آ: بگسترده زربفت رومی برز ۲۹- ل، ی: یکی گنج بدکش ندانست بر؛ در ل آ بیت های ۱۵۰ تا ۱۵۲ درهم ریخته اند: ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۰، ۱۵۱، ۳۰- ق: بیردند ۳۱- ف: دستام ۳۲- ل، ی: که خلعت ترا زین فزونست کام ۳۳- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: ترامن کنم در؛ ل، ی: ترا دادم اندر؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۳۴- ل، ق، و، ل، آ: قارن نیز و؛ س، پ: قارن گرد و؛ لن، ب (و نیز لن)؛ قارن و گرد؛ ق: قارن گرد؛ ل، ی، آ (و نیز س)؛ قارن پیرو؛ (ل، آ: قارن شیرو)؛ متن = ف ۳۵- خرداد و پولاد را؛ ل: خراد پولاد را؛ ل، آ: خراد و میلاد را؛ س، آ: چو برزین پولاد و خراد را؛ و (و نیز لن)؛ چو برزین و پولاد و خراد را؛ متن = ل، ق، آ، ل، ی، پ، ب (و نیز س)؛ بنداری: مثل قارن و کشواد و برزین و خراد بغفاس الخلع ...

برافگند<sup>۱</sup> خلعت چنان چون سزید  
 درم داد و<sup>۲</sup> دینار و تیغ و سپر  
 و زانجا سوی پارس<sup>۳</sup> اندرکشید  
 نشستن گه آنگاه<sup>۴</sup> اصطخر<sup>۵</sup> بود  
 ۱۶۰ جهانی سوی وی<sup>۶</sup> نهادند روی<sup>۷</sup>  
 به تخت کیان<sup>۸</sup> اندرآورد پای  
 چنین گفت با نامور مهتران<sup>۹</sup>  
 اگر پیل با پشه کین<sup>۱۰</sup> آورد  
 نخواهم<sup>۱۱</sup> به گیتی جزاز<sup>۱۲</sup> راستی<sup>۱۳</sup>  
 ۱۶۵ تن آسانی از درد و رنج تن ست<sup>۱۴</sup>  
 سپاهی و شهری مرا<sup>۱۵</sup> یکسرست<sup>۱۶</sup>  
 همه در پناه جهاندار بید  
 هرآنکس که دارد خورید و دهید  
 هرآنکس<sup>۱۷</sup> کجا<sup>۱۸</sup> بازماند ز خورد  
 ۱۷۰ چراگاهشان بارگاه<sup>۱۹</sup> من ست  
 و زان<sup>۲۰</sup> رفته نام آوران یاد کرد

کسی را که خلعت سزاوار دید  
 که را بود درخور<sup>۲</sup> : کلاه و کمر  
 که در پارس<sup>۳</sup> بُد گنج ها را کلید  
 کیان را بدانجا گه فخر بود  
 که او بود سالار<sup>۹</sup> دیهیم جوی  
 به داد<sup>۱۱</sup> و به آیین و<sup>۱۲</sup> فرخنده رای  
 که گیتی مرا از<sup>۱۳</sup> کران تا کران  
 همه<sup>۱۴</sup> رخنه در داد و دین<sup>۱۵</sup> آورد  
 که خشم خدای<sup>۱۶</sup> آورد کاستی<sup>۱۷</sup>  
 کجا خاک و آبست گنج من ست<sup>۱۸</sup>  
 همه پادشاهی مرا لشکرست<sup>۱۹</sup>  
 خردمند بید و<sup>۲۰</sup> بی آزار بید  
 سپاسی<sup>۲۱</sup> ز<sup>۲۲</sup> خوردن به من برنهد  
 نیابد<sup>۲۳</sup> همی<sup>۲۴</sup> توشه از<sup>۲۵</sup> کارکرد  
 هرآنکس که آید<sup>۲۶</sup> سپاه<sup>۲۷</sup> من ست  
 به داد و دهنش گیتی آباد باد

۱- ف: بفرمود؛ و: فرستاد؛ (لن: برآست)؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل، س، ۲- لن، ق، پ، آ، ب: زد دیاو؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ل<sup>۲</sup> (ونیز ل، لن<sup>۲</sup>) ۳- ل، و: که را درخور آمد؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل، لن، س، ۲)؛ لن، پ در اینجا سرنویس دارند: آمدن کیقباد به اصطخر فارس (پ: اصطخر پارس) ۴- آ: فارس ۵- ل- پ، آ، ب (ونیز ل، س، ۲)؛ آنگه به؛ ل: آنگه <به>؛ متن= ف، و (ونیز لن<sup>۲</sup>) ۶- ق، آ، پ: اصطخر ۷- ل، ق، لی (ونیز ل<sup>۲</sup>)؛ او؛ متن= ۸- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (ونیز لن، س، ۲)؛ جهانی نهادند رخ (س: سوی اوی (آ، ب، لن، س، ۲)؛ متن= ف، و، ل<sup>۲</sup> ۹- ل، س، و، آ: سالارو؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- آ: وزان پس به تخت ۱۱- و: برسم ۱۲- ل- ب (ونیز ل، لن، س، ۲)؛ < و >؛ متن= ف ۱۳- لن، لی، پ: بخردان؛ ق: پهلوان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۴- و: شد؛ آ: ز ۱۵- ق: جنگ ۱۶- س، لن، پ، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ وگر؛ ق، ق، لی، و، آ: همی؛ متن= ف، ل، ل<sup>۲</sup> (ونیز ل، س، ۲) ۱۷- ق: رنگ ۱۸- و: نجوم ۱۹- ق، آ، لی: بجز ۲۰- لی: داد و دین ۲۱- ف، ل، ق (ونیز ل، لن، س، ۲)؛ خدا؛ متن= س، لن، ق، آ، پ- ب ۲۲- لی: بسازیم بزم و نجوم کین ۲۳- ف، ق (ونیز ل، س، ۲)؛ منست؛ ل: از درد رنج منست؛ س، ب: از درد و از رنج نیست؛ ق، آ، لی، و (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ از داد و (و: < و >) رنج منست (لی: تنست)؛ آ: و داد رنج منست؛ ل<sup>۲</sup>: و درد رنج منست؛ لن: تن از داد و آزار بر رنج نیست؛ پ: تن از داد آزاد رنج منست؛ متن= ف، ق (ونیز ل، س، ۲) پس از تصحیح من به تن، و یا= لی پس از تصحیح داد به درد ۲۴- س، لن، ب: کجا آب و خاکست بی گنج (لن: جز رنج؛ ب: جز گنج) نیست؛ ق: جهان آب و خاکست و گنج منست؛ لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (ونیز ل، س، ۲)؛ کجا آب و خاکست گنج منست؛ متن= ف، ل، ق، و (ونیز لن<sup>۲</sup>) ۲۵- ل: همه ۲۶- ل، ق، ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>)؛ بکراند؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ همه پادشاهان مرا لشکرند؛ متن= ف، و (ونیز س، ۲) ۲۷- ل، ق، و، ل<sup>۲</sup> (ونیز س، ۲)؛ همه پادشاهی مرا لشکرند (و، س، ۲: لشکرست)؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ سپاهی و شهری مرا بکسند (ب: لشکرند)؛ متن= ف؛ لی این بیت را ندارد ۲۸- لی: خردمند و راد و ۲۹- ق: سپاس؛ ل<sup>۲</sup>: سپاهی؛ متن= ف، ل، ق، آ، لی، و، آ (ونیز ل، لن، س، ۲) ۳۰- ل: به؛ س، لن، پ، ب این بیت را ندارند ۳۱- س، لن، ق، آ، پ، ب: وزانکس؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۲- ق: که او ۳۳- ل، ق، لی، و، ل<sup>۲</sup>: ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۴- پ: همه ۳۵- ل (ونیز ل<sup>۲</sup>)؛ توشه؛ س، لن، پ (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ فوت از؛ و، ل: توشه در؛ متن= ف، ق، آ، لی، آ، ب (ونیز س، ۲)؛ ف: نوشته ۳۶- آ: پایگاه ۳۷- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (ونیز ل، لن، س، ۲)؛ اندر؛ متن= ف، لی، و، ل<sup>۲</sup> (ونیز س، ۲) ۳۸- س، ق: پناه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۳۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: آزان؛ متن= ف، ل، ق، ل<sup>۲</sup>؛ در ق این بیت پس از بیت ۱۷۹ آمده است

نگر تا چُنین در جهان<sup>۲</sup> شاه کیست  
 که بودند ازو در<sup>۵</sup> جهان یادگار  
 کی آرش<sup>۶</sup> دگر بُد<sup>۷</sup>، دگر<sup>۸</sup> کی پشین<sup>۹</sup>  
 سپردند گیتی به آرام و کام<sup>۱۱</sup>  
 سرانجام تاب اندر آمد به بخت<sup>۱۲</sup>  
 پز مرد خواهد همی سبز برگ<sup>۱۳</sup>  
 ز داد و دهش چند با او<sup>۱۴</sup> براند  
 تو بگذار<sup>۱۵</sup> تابوت و بردار تخت<sup>۱۸</sup>  
 پرستندهی او ندارد خرد<sup>۲۲</sup>  
 کنون آمدم شادمان بی گروه<sup>۲۴</sup>  
 به آیین پبایی به دیگر سرای<sup>۲۷</sup>  
 براری یکی تیره تیغ از نیام<sup>۲۸</sup>  
 گزین کرد صندوق بر جای کاخ<sup>۲۹</sup>

برین<sup>۱</sup> گونه صدسال آسان<sup>۱</sup> بزست  
 پسر بُد مرو را خردمند چار<sup>۲</sup>  
 نخستین چو کاوس با آفرین<sup>۳</sup>  
 چهارم کجا اشکش بود نام<sup>۴</sup> ۱۷۵  
 چو صدسال بگذشت<sup>۱۱</sup> با تاج و تخت  
 چو دانست کامد بنزدیک، مرگ  
 سر ماه<sup>۱۵</sup> کاوس کی را بخواند  
 بدو گفت: ما بر نهادیم رخت  
 چه<sup>۱۹</sup> تختی که<sup>۲۰</sup> بی آگهی بگذرد<sup>۲۱</sup> ۱۸۰  
 چنانم که گویی ز<sup>۲۳</sup> البرزکوه  
 تو گر دادگر<sup>۲۵</sup> باشی و پاک رای<sup>۲۶</sup>  
 وگر آز گیرد سرت را به دام  
 بگفت این و شد زین جهان فراخ

۱- لی: بدین ۲- ف، ل، ق، لی، و، ل (و نیز ل، ل، ن، س، آ، پ، آ، ب، ۳- لن، پ: نگر تا به کیهان چنین ۴- س: مر او را پسر بد خردمند چار؛ لن، پ: پسر بد خردمند او را چهار؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- ل: زود؛ لن، پ: اندر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۶- ق: که آرش ۷- ل: دوم؛ و: س- پ، آ، ب (و نیز لن، س، آ): دوم بد؛ و: دو دیگر؛ ل: یکی؛ متن= ف ۸- لن، لی، پ، و: سوم؛ ق: سوم؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- ق، لی، پ، ل (و نیز ل، ل، ن، س، آ): کی نشین؛ ل، س، لن، ق، و: کی نشین (حرف سوم نقطه ندارد)؛ متن= ف، آ، ب ۱۰- ل، ق، ل: چهارم کجا ارشش بود نام (وزن ندارد و یا: آرشش، ← بنداری)؛ س، ق، آ، ب: چهارم کیارش (ق: که آرش) کجا بود نام؛ لن: چهارم کجا کی سبب بود نام (حرف یکم واژه چهارم نقطه ندارد)؛ لی (و نیز س، آ): چهارم کی اشکش (لی: که اشکش) و رابود نام؛ پ: چهارم کجا سبب بودیش نام (۱)؛ و (و نیز لن، آ): چهارم که بود اردشیر او بنام؛ آ: چهارم کی ارمن کجا بد بنام؛ (ل: چهارم کی آفرش بود نام)؛ متن= ف؛ بنداری: و کان له اربع بنین کیکاوس و کی آرش و کی نشین و کی آرشش ۱۱- و: همه هر چهار از پدر شادکام ۱۲- پ: چو بگذشت صدسال ۱۳- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: سرانجام تاج اندر آمد ز بخت؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ل ۱۴- و: شاخ و برگ ۱۵- و: سرافراز؛ ل: همانگاه ۱۶- لی: وی ۱۷- ل، لن، و، ل (و نیز ل، ل، ن، س، آ): بسیار؛ متن= ف، س، آ، ب ۱۸- ف: بنشین به تخت؛ متن= ل- ب (و نیز ل، لن، س، آ)؛ در ق پس از این بیت بیت ۱۷۱ آمده است ۱۹- ل، س، ق، لی، و، آ، ب (و نیز س، آ): چو؛ ل: که؛ متن= ف، لن، پ (و نیز لن، آ) ۲۰- ل، س، لن، ق، آ، ل: بختی که (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی (و نیز س، آ): بر تخت؛ پ، آ: بختی که؛ و: عمری که؛ متن= ف، ب (و نیز لن، آ) ۲۱- لی: نگذرد ۲۲- لی: پرستنده او را نداند خرد؛ ق این بیت را ندارد؛ در ل، س، لن، ق، آ- ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۳- لن، لی: از؛ ل: کز؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۴- ل- ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ): با گروه؛ متن= ف؛ در ل، س، لن، ق، آ- ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ) این بیت با بیت پشین پس و پیش شده است؛ در ق این بیت پس از بیت های ۱۸۳ پ آمده است؛ بیایی بیت های متن= ف ۲۵- و: اگر نیک دل ۲۶- ل، ق: پاک دین؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- ل، ق: ز هر کس نیایی بجز (ق: جزا) آفرین؛ س، لن، ب، آ (و نیز لن، آ): ثوابش بیایی (آ: بیایی ثوابش) به دیگر سرای؛ لی، و، ل (و نیز ل، ل، ن، س، آ): بیایی برش را (ل: بر آن؛ ل: بر این) بدیگر (لی، س، آ: بهر دو) سرای؛ پ: همی مزد بیایی بدیگر سرای؛ متن= ف (حرف های دوم و چهارم واژه سوم نقطه ندارند: بیایی) ۲۸- ل، س، لن، ق، آ، ل، پ، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ): یکی تیغ نیز از نیام؛ و: نباشی بهردو جهان شادکام؛ متن= ف، ق، ل؛ پ در اینجا سرنویس دارد: تیره شدن روزگار کیقباد؛ ل، ق پس از بیت ۱۸۳ افزوده اند:

نگه دار تن باش و آن خرد خرد مرد را سر به گردون برد  
 ز داد و دهش هیچ ماسای نیز که از داد باشی به گیتی عزیز

در ق پس از این بیت ها بیت ۱۸۱ آمده است ۲۹- لن، پ: برگاه و کاخ؛ ق، آ: بر تخت و کاخ؛ ق: بر تخت و گاه (بیاوند ندارد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر

۱۸۵ [جهان را چنين ست ساز و نهاد  
برآرد ز خاک و دهدشان به باد<sup>۲</sup>]

۱-ل<sup>۲</sup>: برین گونه گیتی همی بگذرد ۲-س، ب: بیارد؛ متن ← ۳-لی: دهد سر بیاد؛ ل، ق: یکی نزد او نوزد و کیقباد؛ ل<sup>۲</sup>: یکی را برد دیگری آورد؛ (ل<sup>۲</sup>: برآرد ز خاک و فشاند بیاد)؛ متن = لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ ف، و (و نیز س<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ ل، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>) پیش از این بیت، و (و نیز س<sup>۲</sup>) بجای این بیت و س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

به سر شد کنون قصه کیقباد ز کاوس باید کنون (ل، ق، ل<sup>۲</sup>: سخن) کردیاد  
س، لن، پ، ل<sup>۲</sup>، ب: ز کاوس باید که گیریم (ل<sup>۲</sup>: کی بایدم کرد) یاد

ف این بیت را ندارد







فهرست ها



## فہرست نام کسان

- آبتین - ضحاک ۱۱۹، ۱۵۸،  
۳۴۱
- آذرگشسپ - منوچہر ۶۴۳،  
۱۰۹۳؛ نوذر ۲۰۱
- آرزوی - فریدون ۲۶۲
- آفریدون - ضحاک ۹۲، ۱۱۳،  
۱۵۳، ۱۸۵، ۲۳۴،  
۳۱۱، ۳۳۳، ۳۴۸
- ۴۲۷، ۴۹۶؛ فریدون ۶۳،  
۶۵، ۲۳۴، ۲۷۰، ۳۴۱
- ۵۳۲، ۶۲۶، ۶۴۹، ۶۶۱،  
۷۲۲، ۷۵۰، ۷۵۵، ۷۶۳
- ۸۷۹، ۱۰۳۸؛ نوذر ۵۳؛  
زوطھماسپ ۸۳؛ کیباد  
۱۱۰، ۱۱۴
- آوگان - فریدون ۶۱۰ پ،  
۷۴۵ پ
- آھرمن - گیومرت ۱۹، ۲۰، ۳۲
- ابلیس - جمشید ۸۸، ۹۹، ۱۰۸،  
۱۱۲، ۱۲۱، ۱۳۷، ۱۶۱
- ابوالقاسم - دیباچہ ۱۶۵
- آخواست - نوذر ۶۸ پ
- آخواست - نوذر ۶۸ پ
- آرتنگ - کیباد ۱۰۴
- آرجاسپ - نوذر ۶۸ پ
- آرژنگ - کیباد ۱۰۴ پ
- آرمانک - ضحاک ۱۶ پ
- آرمایل - ضحاک ۱۶
- آرنواز - ضحاک ۸، ۴۳، ۵۴،  
۵۹، ۳۴۷، ۳۷۲، ۴۰۵؛  
فریدون ۴۹
- آشکس - کیباد ۱۷۵
- آغریرت - نوذر ۸۹، ۱۵۳،  
۴۴۴، ۴۸۱، ۴۸۹، ۴۹۲،  
۵۰۱، ۵۰۴، ۵۱۴، ۵۲۶،  
۵۳۷؛ زوطھماسپ ۳۸، ۳۹؛  
کیباد ۹۱، ۱۳۲
- آغریرت ← آغریرت
- آفراسیاب - نوذر ۷۰، ۷۵،  
۸۲، ۸۸، ۹۸، ۱۲۳، ۱۲۸،  
۱۳۳، ۱۹۲، ۲۰۳، ۲۲۵،  
۲۳۰، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۸۲،  
۲۸۶، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۸،  
۳۵۵، ۳۷۱، ۴۸۰، ۴۸۷،  
۵۳۱، ۵۴۲، ۵۴۶؛ زوطھماسپ  
۳۴، ۴۵، ۴۸، ۱۳۸؛  
کیباد ۵، ۲۱، ۳۲، ۳۶،  
۱۰۱، ۱۳۰، ۱۳۵
- آندیان - فریدون ۶۱۰، ۷۴۵
- آھرمن - طھمورت ۲۷

- ایرج - فریدون ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۸، ۲۷۹، ۳۰۰، ۴۰۸، ۴۵۰، ۴۵۷، ۴۶۸، ۴۷۶، ۴۸۳، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۴۳، ۵۵۲، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۷، ۵۸۳، ۵۸۴، ۶۷۹، ۶۸۱، ۶۸۷، ۷۸۸، ۸۰۴، ۸۱۵، ۸۹۳؛ منوچهر ۱۵۹۲؛ نوذر ۲۱۲؛ کقباد ۶۰، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۹
- بارمان - نوذر ۶۸، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۲، ۳۰۷، ۳۰۹
- بتول - دیباچه ۹۵ پ  
 برزین - نوذر ۴۸۴؛ کقباد ۴، ۱۵۵  
 برمایه<sup>۱</sup> (برادر فریدون) - ضحاک ۲۷۲، ۲۵۴  
 برمایه<sup>۲</sup> (گاودایه) - ضحاک ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۳۲۳
- بلیمان ← تلیمان  
 بوبکر - دیباچه ۹۵ پ  
 بیوراسپ - جمشید ۸۴  
 پُرمایه (برادر فریدون) ← برمایه  
 پُرمایه (گاودایه) ← برمایه  
 پُشنگ<sup>۱</sup> (شوی ماه آفرید) - فریدون ۵۷۹
- پُشنگ<sup>۲</sup> (پدر افراسیاب) - نوذر ۶۴، ۶۹، ۸۲، ۸۵، ۸۸، ۱۳۴، ۲۱۵، ۲۳۴؛ زوطهماسپ ۳۵، ۳۷، ۴۵؛ کقباد ۵۷، ۱۴۰  
 پولاد - کقباد ۱۱۵  
 پیروز کرشاسپ - فریدون ۷۴۲  
 تلیمان - فریدون ۷۹۶؛ نوذر ۲۷۱  
 تور - فریدون ۲۵۴، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۷۵، ۲۷۶، ۳۰۵، ۳۰۶، ۴۶۵، ۴۷۸، ۴۸۳، ۴۹۳، ۶۱۲، ۷۱۳، ۷۵۳، ۷۹۸، ۸۰۲، ۸۵۲، ۸۷۲، ۹۱۴، ۹۲۵؛ منوچهر ۱۵۹۲؛ نوذر ۶۵، ۷۱، ۹۴، ۱۰۷؛ کقباد ۸۳، ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۲۹
- جم - ضحاک ۳۳۲، ۴۰۴  
 جمشید - جمشید ۳، ۵۲، ۱۷۱، ۱۷۸، ۱۷۹؛ ضحاک ۷، ۱۱۱  
 جمشید - جمشید ۱۶۸؛ ضحاک ۶؛ فریدون ۴۲۰، ۷۳۸  
 جندل - فریدون ۵۳، ۵۸، ۶۵، ۶۸، ۷۰، ۱۴۰، ۱۴۴
- حیدر - دیباچه ۱۰۴  
 خرداد (← خرداد) - کقباد ۱۵۵  
 خرداد (← خرداد) - نوذر ۴۸۴؛ کقباد ۴، ۱۵۵ پ  
 خزبران - نوذر ۱۲۴، ۳۵۸، ۳۸۶، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۳  
 خرزوان<sup>۱</sup> - گیومرت ۲۵ پ

،۳۷ ،۴۳ ،۴۶ ،۴۷ ،۶۳	خرزوان' ← خزبران
،۹۷ ،۱۳۷ ،۱۳۹	خرزوان' ← خزبران
رودابه- منوچهر ۲۲۸ ، ۳۳۰ ،	خزوران' - گیومرت ۲۵
،۳۴۶ ،۳۷۱ ،۳۸۶ ،۴۳۶	خزوران' ← خزبران
،۴۵۱ ،۴۷۹ ،۵۴۹ ،۷۰۳	خزیران ← خزبران
،۷۰۸ ،۷۲۰ ،۷۲۳ ،۷۲۸	
،۷۳۲ ،۷۳۹ ،۷۸۳ ،۷۸۸	دستان- منوچهر ۱۶۳ ، ۲۵۶
،۸۱۷ ،۸۲۲ ،۸۲۴ ،۸۲۹	،۲۷۴ ،۲۷۸ ،۲۹۷ ،۳۱۳
،۱۰۵۸ ،۱۰۷۷ ،۱۱۳۶ ،۱۱۴۷	،۴۰۷ ،۵۰۵ ،۵۰۸ ،۵۶۱
،۱۳۴۷ ،۱۳۵۷ ،۱۴۰۷ ،۱۴۴۲	،۶۵۲ ،۶۵۷ ،۷۰۲ ،۷۱۳
روداوه- منوچهر ۵۴۹ پ	،۷۴۳ ،۷۵۳ ،۸۱۳ ،۸۴۱
زادشم- نوذر ۶۵ ، ۷۸ ، ۹۵؛	،۹۲۸ ،۹۳۷ ،۹۳۸ ،۱۰۵۵
زوطهماسپ ۶۷	،۱۱۰۸ ،۱۱۳۶ ،۱۲۹۴ ،۱۳۳۳
زال- منوچهر ۱۷۶ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵	،۱۳۶۵ ،۱۳۸۳ ،۱۴۳۹ ،۱۴۴۱
،۱۸۷ ،۲۱۷ ،۲۳۳ ،۲۳۷	،۱۵۲۱ ،۱۵۲۵ ،۱۵۵۱ ،۱۵۶۱؛
،۲۵۳ ،۲۵۴ ،۲۶۲ ،۲۶۴	نوذر ۱۲۶ ، ۳۶۸ ، ۳۷۹
،۲۷۹ ،۲۸۴ ،۲۸۵ ،۲۹۴	،۳۸۳ ،۴۱۲ ،۴۷۲ ،۴۸۳
،۲۹۵ ،۲۹۹ ،۳۰۲ ،۳۱۱	،۴۹۵ ،۵۰۰ ،۵۰۶ ،۵۱۸
،۳۱۹ ،۳۲۳ ،۳۲۵ ،۳۳۸	،۵۲۵ ،۵۴۲ ،۵۵۸؛ زوطهماسپ
،۳۴۷ ،۳۷۶ ،۳۹۲ ،۳۹۷	،۷۶؛ کيقباد ۳ ، ۳۴ ، ۶۳
،۴۳۱ ،۴۳۶ ،۴۶۷ ،۴۷۵	،۱۴۹ ،۱۵۳
،۴۹۲ ،۵۲۵ ،۵۳۵ ،۵۳۸	ديوبند- جمشيد ۱
،۵۵۱ ،۵۵۶ ،۵۸۲ ،۶۵۱	رخش- زوطهماسپ ۱۰۸
،۶۷۷ ،۶۸۸ ،۶۹۷ ،۶۹۸	،۱۲۹؛ کيقباد ۳۱
،۷۴۷ ،۷۵۲ ،۷۶۱ ،۸۴۲	رستم- منوچهر ۱۴۸۳ ، ۱۴۹۰
،۸۴۶ ،۹۲۹ ،۹۴۰ ،۹۴۸	،۱۴۹۶ ،۱۵۱۵ ،۱۵۱۸ ،۱۵۴۰
،۹۴۹ ،۹۷۴ ،۱۰۴۱ ،۱۰۴۵	،۱۵۵۱ ،۱۵۵۳ ،۱۵۶۱ ،۱۵۶۴؛
،۱۱۰۶ ،۱۱۲۳ ،۱۱۴۷ ،۱۱۵۳	زوطهماسپ ۶۳ ، ۶۷ ، ۷۰
،۱۱۵۵ ،۱۱۷۷ ،۱۱۸۱ ،۱۱۹۵	،۷۶ ،۹۳ ،۹۴ ،۱۰۳ ،۱۰۵
،۱۲۱۷ ،۱۲۱۹ ،۱۲۲۰ ،۱۲۴۴	،۱۰۶ ،۱۰۸ ،۱۱۱ ،۱۱۳ ،۱۱۵
،۱۲۷۶ ،۱۲۸۳ ،۱۲۹۸ ،۱۳۰۵	،۱۲۱ ،۱۲۳ ،۱۳۴ ،۱۴۹
،۱۳۲۱ ،۱۳۲۳ ،۱۳۲۷ ،۱۳۴۴	،۱۵۴؛ کيقباد ۷ ، ۱۹ ، ۲۹

،۸۰۸ ،،۸۳۰ ،،۸۴۱ ،،۸۴۷  
 ،۸۵۵ ،،۸۵۸ ،،۸۵۹ ،،۸۶۱  
 ،۸۶۲ ،،۹۱۸ ،،۹۱۹ ،،۹۳۴  
 ،۹۳۷ ،،۹۴۷ ،،۹۴۸ ،،۹۵۰  
 ،۹۵۹ ،،۱۰۲۹ ،،۱۰۷۱ ،،۱۰۹۴  
 ،۱۰۹۸ ،،۱۱۰۲ ،،۱۱۰۹ ،،۱۱۲۲  
 ،۱۱۳۲ ،،۱۱۶۲ ،،۱۱۶۸ ،،۱۱۷۲  
 ،۱۱۷۴ ،،۱۱۹۲ ،،۱۱۹۸ ،،۱۲۰۸  
 ،۱۲۸۵ ،،۱۲۸۸ ،،۱۳۱۲ ،،۱۳۱۸  
 ،۱۳۲۳ ،،۱۳۲۸ ،،۱۳۶۹ ،،۱۳۷۱  
 ،۱۳۸۳ ،،۱۳۹۳ ،،۱۳۹۵ ،،۱۴۰۵  
 ،۱۴۰۷ ،،۱۴۰۹ ،،۱۴۱۱ ،،۱۴۲۱  
 ،۱۴۳۱ ،،۱۴۵۴ ،،۱۴۹۰ ،،۱۴۹۶  
 ،۱۴۹۷ ،،۱۵۲۰ ،،۱۵۲۱ ،،۱۵۲۳  
 ،۱۵۳۴ ،،۱۵۳۶ ،،۱۵۳۷ ،،۱۵۳۹  
 ،۱۵۴۲ ،،۱۵۵۲ ،،۱۵۶۳ ،،۱۵۶۶  
 ،۱۵۶۷ ؛ نوذر ۹ ،،۱۱ ،،۱۷  
 ،،۲۲ ،،۲۷ ،،۳۱ ،،۳۴ ،،۵۸  
 ،،۹۲ ،،۱۲۷ ،،۱۳۶ ،،۲۰۸ ،،۳۶۸  
 زوطهماسپ ۵۳ ؛ کعباد ۳۵ ،  
 ،،۶۳ ،،۸۱  
 سَرو- فریدون ۶۴ ،،۶۶ ،،۱۷۴  
 ،،۲۱۴ ،،۶۸۶ ،،۷۴۱ ،،۷۴۲  
 ،،۷۹۳ ،،۸۲۲ ؛ منوچهر ۸۱۳  
 سُروش- دیباچه ۲۶ ؛ گیومرت  
 ،،۴۴ ؛ ضحاک ۴۴۵ ،،۴۷۷  
 سَلم- فریدون ۲۵۰ ،،۲۶۲ ،،۲۶۶  
 ،،۲۷۲ ،،۲۸۸ ،،۳۲۰ ،،۳۹۶  
 ،،۴۶۱ ،،۴۶۵ ،،۶۱۲ ،،۶۵۸  
 ،،۷۱۳ ،،۷۵۳ ،،۷۹۸ ،،۸۵۲  
 ،،۸۹۴ ،،۹۰۲ ،،۹۰۵ ،،۹۵۵  
 ،،۹۹۸ ؛ منوچهر ۸۸۹ ،،۱۵۹۲ ؛

،،۱۳۶۶ ،،۱۳۶۸ ،،۱۳۷۱ ،،۱۳۸۰  
 ،،۱۳۸۴ ،،۱۳۸۷ ،،۱۳۹۵ ،،۱۳۹۷  
 ،،۱۴۲۲ ،،۱۴۳۱ ،،۱۴۴۲  
 ،،۱۴۴۷ ،،۱۴۴۸ ،،۱۴۶۹ ،،۱۵۰۳  
 ،،۱۵۱۲ ،،۱۵۲۶ ،،۱۵۳۲ ،،۱۵۳۵  
 ؛ ۱۵۶۸ ،،۱۵۶۶ ،،۱۵۶۳ ،،۱۵۵۵  
 نوذر ۱۲۷ ،،۱۳۷ ،،۳۶۰ ،،۳۷۸  
 ،،۳۹۴ ،،۳۹۶ ،،۴۰۳ ،،۴۰۶  
 ،،۴۱۳ ،،۵۱۲ ،،۵۲۰ ،،۵۳۷  
 ،،۵۴۶ ؛ زوطهماسپ ۲ ،،۲۰  
 ،،۲۳ ،،۵۲ ،،۵۶ ،،۱۲۹ ،،۱۳۸  
 ،،۱۴۹ ؛ کعباد ۱۱ ،،۲۴  
 ۱۴۸

زوطهماسپ- نوذر ۵۵۵ ،

،،۵۵۷ ،،۵۵۹ ؛ زوطهماسپ ۱ ،  
 ،،۱۲ ،،۲۰ ،،۲۲ ،،۲۷ ،،۳۳  
 ۱۴۵ ،،۴۳

زیرک- ضحاک ۸۵

سام- فریدون ۶۹۲ ،،۷۹۲ ،،۷۹۵ ؛

منوچهر ۳۰ ،،۴۲ ،،۴۳ ،،۴۸  
 ،،۵۰ ،،۵۲ ،،۵۶ ،،۹۱ ،،۹۴ ،،۱۰۸  
 ،،۱۱۵ ،،۱۲۱ ،،۱۳۰ ،،۱۳۱ ،،۱۵۰  
 ،،۱۵۳ ،،۱۵۸ ،،۱۶۰ ،،۱۶۵ ،،۱۶۶  
 ،،۱۶۷ ،،۱۶۸ ،،۱۷۱ ،،۱۷۲ ،،۱۷۵  
 ،،۱۷۹ ،،۱۸۳ ،،۲۰۵ ،،۲۱۵ ،،۲۱۸  
 ،،۲۳۳ ،،۲۳۷ ،،۲۶۴ ،،۲۸۲  
 ،،۳۰۸ ،،۳۳۵ ،،۳۵۴ ،،۳۷۶  
 ،،۴۰۷ ،،۴۲۲ ،،۴۴۸ ،،۴۶۴  
 ،،۴۸۰ ،،۵۴۳ ،،۵۴۷ ،،۵۸۲  
 ،،۵۸۸ ،،۶۱۰ ،،۶۱۲ ،،۶۱۶  
 ،،۶۲۶ ،،۶۴۳ ،،۶۵۵ ،،۶۷۶  
 ،،۷۴۷ ،،۷۸۳ ،،۸۰۰ ،،۸۰۳



- نوذر ۷۱، ۹۴؛ کيقباد ۱۱۸  
سهی - فریدون ۲۶۳  
سیامک - گیومرت ۱۵، ۲۲،  
۲۸، ۳۲، ۳۵، ۴۹، ۵۰  
سیمرغ - منوچهر ۶۸، ۷۵، ۸۰،  
۸۴، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۸۲،  
۱۸۵، ۲۲۸، ۶۲۳، ۱۴۴۳،  
۱۴۴۴، ۱۵۵۷  
سیندخت - منوچهر ۳۲۸، ۳۳۳،  
۵۸۸، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۲۲،  
۷۵۲، ۷۶۲، ۷۷۴، ۷۷۸،  
۷۸۹، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۱۶،  
۸۱۷، ۸۱۸، ۸۲۲، ۸۲۵، ۱۰۵۸،  
۱۰۶۲، ۱۰۷۰، ۱۰۷۶، ۱۰۹۹،  
۱۱۰۹، ۱۱۱۴، ۱۱۲۶، ۱۱۳۳،  
۱۱۵۹، ۱۱۶۲، ۱۱۶۷، ۱۱۷۶،  
۱۳۳۸، ۱۳۴۳، ۱۳۵۰، ۱۳۷۲،  
۱۳۷۳، ۱۴۰۳، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸،  
۱۴۰۹، ۱۴۲۴، ۱۴۴۰، ۱۴۴۳،  
۱۴۷۱، ۱۴۷۹  
شاپور - فریدون ۶۵۸، ۶۸۴،  
۷۴۶؛ نوذر ۲۷۱، ۲۷۶،  
۲۷۷  
شماساس - نوذر ۱۲۴، ۱۳۸،  
۳۵۷، ۳۶۲، ۳۹۵، ۴۱۰،  
۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۲۳،  
۴۲۷  
شماسای ← شماساس (ضبط  
ل' همه جای شماسای است)  
شهرسپ - طهمورت ۲۱  
شهرناز - ضحاک ۸، ۳۷۲،  
۴۰۵، ۴۳۶؛ فریدون ۴۹  
شهنواز ← شهرناز (ضبط ل'  
همه جا شهنواز است)  
شیر (= شیروی) - فریدون ۹۴۱  
شیروی - فریدون ۶۱۰، ۶۸۵،  
۷۴۶، ۹۱۹، ۹۲۳، ۹۳۸،  
۱۰۳۴، ۱۰۵۸؛ نوذر ۳۰۴  
ضحاک - جمشید ۸۳، ۹۸،  
۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۴۶، ۱۵۲،  
۱۶۱، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۵؛ ضحاک  
۱، ۹، ۳۸، ۴۷، ۵۱، ۵۴،  
۸۶، ۹۸، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۲۲،  
۱۳۵، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۶۲، ۱۷۷،  
۱۷۹، ۱۸۴، ۲۳۱، ۲۴۵، ۳۰۹،  
۳۲۳، ۳۲۷، ۳۴۱، ۳۴۲،  
۳۴۹، ۳۶۷، ۳۸۶، ۳۹۷، ۴۰۱،  
۴۰۸، ۴۱۶، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۳۰،  
۴۳۳، ۴۳۷، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۷۹،  
۴۹۲، ۴۹۶؛ فریدون ۱۴، ۱۷،  
۱۱۴، ۹۵۲؛ منوچهر ۵۹۴،  
۶۷۲، ۸۹۱، ۹۲۴، ۱۱۳۵،  
۱۵۶۵؛ نوذر ۳۶۵  
طوس - نوذر ۲۳۹، ۲۶۰، ۲۹۵،  
۴۵۴، ۵۵۱  
طهمورت - طهمورت ۱، ۳۱،  
۳۵؛ ضحاک ۱۶۰؛ فریدون ۷۳۹  
طهمورث ← طهمورت  
عثمان - دیباچه ۹۵ پ  
علی - دیباچه ۹۵ پ، ۹۶، ۱۰۱  
عمر - دیباچه ۹۵ پ

- فرانک - ضحاک ۱۲۴، ۱۳۳،  
 ۱۴۳، ۱۵۷؛ فریدون ۱۳  
 قَرّخان - زوطھماسپ ۱۴۷  
 فریدون - ضحاک ۱۰۶، ۱۰۹،  
 ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۵۱، ۱۷۳،  
 ۱۸۴، ۲۳۱، ۲۴۵، ۲۵۲، ۲۵۵،  
 ۲۵۹، ۲۶۸، ۲۸۰، ۲۹۸، ۳۰۱،  
 ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۴۰، ۳۵۳،  
 ۳۷۷، ۳۸۴، ۴۲۰، ۴۲۳،  
 ۴۳۶، ۴۴۳، ۴۴۸، ۴۶۰،  
 ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱؛ فریدون  
 ۱، ۴۰، ۵۲، ۷۲، ۷۳، ۹۵،  
 ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۴۲، ۱۸۲، ۱۸۴،  
 ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۷، ۲۸۵، ۳۲۲،  
 ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۹۵، ۵۲۰، ۵۲۹،  
 ۵۴۵، ۵۸۸، ۶۱۶، ۶۲۵، ۸۱۵،  
 ۸۸۲، ۸۹۶، ۹۰۱، ۹۹۱، ۱۰۲۹،  
 ۱۰۵۰، ۱۰۵۳، ۱۰۶۱؛ منوچہر  
 ۱۷، ۶۷۲، ۸۱۳، ۹۳۴، ۹۸۹،  
 ۱۵۹۱، ۱۵۹۷؛ نوذر ۱۱۶،  
 ۲۱۲، ۲۵۲، ۴۶۵، ۵۵۴،  
 ۵۵۵، ۵۵۷؛ زوطھماسپ ۱۵۸؛  
 کعباد ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۴۰
- قارن - فریدون ۶۱۰، ۶۸۴، ۷۴۱،  
 ۷۴۵، ۷۷۵، ۷۸۶، ۷۹۰، ۷۹۵،  
 ۸۲۲، ۸۶۲، ۹۰۵، ۹۳۵،  
 ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۵۹؛ منوچہر ۱۷۵؛  
 نوذر ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۵۶،  
 ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۱،  
 ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۲۹، ۲۷۰،  
 ۲۸۶، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۰۸، ۳۱۳،  
 ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۷
- ۳۵۲، ۳۵۴، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۴،  
 ۴۸۴، ۵۵۶؛ کعباد ۳، ۱۰،  
 ۱۷، ۱۹، ۹۸، ۱۵۵  
 قباد (پسر کاوہ) - فریدون ۷۹۲،  
 ۷۹۶، ۸۰۲، ۸۱۲؛ نوذر  
 ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸۵،  
 ۱۹۰، ۲۰۹  
 قباد ← کی قباد  
 قراخان - نوذر ۲۸۳، ۲۹۱،  
 قلون - زوطھماسپ ۱۵۳ پ  
 ۹، ۱۳، ۷۳، ۷۸، ۸۰،  
 ۸۳، ۸۴
- کاکوی - فریدون ۹۵۲، ۹۶۱،  
 ۹۶۳، ۹۷۰، ۹۷۹؛ منوچہر  
 ۸۹۰، ۸۹۷  
 کالوی ← کاکوی  
 کاوس - کعباد ۱۷۴، ۱۷۸  
 کاوس کی ← کاوس  
 کاوہ - ضحاک ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۱،  
 ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۲۹  
 کتایون - ضحاک ۲۵۴، ۲۷۲  
 کرشاسپ - فریدون ۷۹۲، ۹۱۶؛  
 نوذر ۷۸، ۹۳، ۱۰۹  
 کرشاسپ جم - فریدون ۶۹۲  
 کرشاسپ زو - زوطھماسپ ۳۳ پ،  
 ۴۴ پ، ۵۰ پ  
 کرشاسف - فریدون ۷۴۲ پ؛ زوطھماسپ  
 ۳۳ پ  
 کرسیوز - نوذر ۶۸، ۱۹۶  
 کرسیوز ← کرسیوز (ضبط)  
 و، لن همه جا کرسیوز است)  
 کرکوی ← کاکوی

کرمانک - ضحاک ۱۶ پ

کروخان ← قراخان

کشواد - نوذر ۳۰۴، ۴۸۴،

۵۱۱، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۰؛

کیباد ۴، ۱۰، ۹۹، ۱۵۵

کلباد ← گلباد

کندرو - ضحاک ۳۶۹، ۳۷۰،

۳۸۵، ۴۰۲

کہ شاہ - گیومرت ۲۳ پ

کی آرش - کیباد ۱۷۴

کی ارشش - کیباد ۱۷۵ پ

کی ارمین - کیباد ۱۷۵ پ

کی اشکش - کیباد ۱۷۵ پ

کیانوش ← کتابیون

کی پشین - کیباد ۱۷۴

کی شاہ - گیومرت ۲۳

کی قباد - زوطھماسپ ۱۴۸، ۱۵۱،

۱۵۴؛ کیباد ۲، ۵، ۱۱، ۶۲، ۸۹،

۹۵، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۸

کی کاوس ← کاوس

کی نشین - کیباد ۱۷۴ پ

کیومرت ← گیومرت

گرسبوز ← کرسبوز

گرشاسپ ← کرشاسپ

گرمایل - ضحاک ۱۶

گژدہم - نوذر ۳۰۶؛ کیباد ۹

گستہم - نوذر ۲۳۹، ۲۶۰،

۲۹۵، ۴۵۴، ۵۵۱

گشواد ← کشواد

گلباد - نوذر ۶۸، ۴۱۴، ۴۱۵

گیومرت - گیومرت ۵، ۱۵،

۲۵، ۶۰، ۶۷

ماہ آزادہ خوی - فریدون ۲۶۲

ماہ آفرید - فریدون ۵۷۱، ۵۷۵

محمد - دیباچہ ۱۰۱

محمود - دیباچہ ۱۸۲، ۱۸۴

مرداس - جمشید ۷۷

مرداسپ - جمشید ۷۷ پ

منوچہر - فریدون ۵۹۰، ۶۰۴،

۶۴۳، ۶۵۳، ۶۶۹، ۶۷۹

۶۸۱، ۷۱۰، ۷۲۳، ۷۳۹

۷۶۴، ۷۷۰، ۷۹۰، ۷۹۳

۸۰۳، ۸۱۳، ۸۳۸، ۸۴۹

۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۷۴

۹۰۱، ۹۱۱، ۹۲۸، ۹۴۸

۹۵۰، ۹۸۴، ۱۰۰۱، ۱۰۲۳،

۱۰۵۰، ۱۰۵۷، ۱۰۶۳؛ منوچہر

۱، ۲، ۲۶، ۱۵۹، ۱۷۱، ۱۷۴،

۲۰۱، ۵۴۲، ۵۸۹، ۶۱۰، ۸۰۰،

۸۶۴، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۷۶

۹۱۸، ۹۸۶، ۱۱۵۳، ۱۲۰۰،

۱۵۷۹؛ نوذر ۲، ۱۵، ۳۸،

۵۳، ۶۲، ۶۶، ۹۲، ۱۰۷،

۱۷۳، ۴۳۷؛ کیباد ۱۰۹

مہراب - منوچہر ۲۷۱، ۲۸۲،

۲۸۴، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۱۱،

۳۲۶، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۹۵،

۴۱۰، ۵۸۷، ۵۹۴، ۶۰۴،

۶۳۳، ۶۴۰، ۶۷۷، ۷۶۱،

۷۶۴، ۷۷۴، ۷۸۶، ۸۰۵،

۸۱۶، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۷،

۹۲۰، ۹۲۸، ۱۰۶۸، ۱۰۷۳،

۱۰۹۷، ۱۱۱۷، ۱۱۲۳، ۱۱۳۵،

، ۱۲۸۸ ، ۱۲۰۸ ، ۱۱۷۲ ، ۱۱۶۳  
 ، ۱۳۸۴ ، ۱۳۷۹ ، ۱۳۳۷ ، ۱۳۳۱  
 ، ۱۴۲۴ ، ۱۴۱۳ ، ۱۳۸۸ ، ۱۳۸۶  
 ، ۱۵۶۲ ، ۱۵۳۵ ، ۱۵۲۷ ، ۱۴۹۳  
 ، ۱۵۶۶ ؛ نوذر ، ۳۶۱ ، ۳۶۳  
 ، ۳۹۶ ، ۳۸۷ ، ۳۸۵ ، ۳۸۴  
 ، ۴۵۹ ؛ کقباد ، ۹ ، ۱۰۰ ، ۱۴۴

ناصر دین - دیباچہ ۲۰۳

نریمان - منوچہر ۱۵۷۸ پ ۵۳ ، ۱۴۷

نصر - دیباچہ ۲۰۲

نوذر - منوچہر ، ۱۶۰ ، ۱۶۵ ، ۱۶۷ ،

، ۱۵۸۷ ، ۸۶۲ ، ۸۶۱ ، ۸۵۴

، ۱۶۰۵ ؛ نوذر ، ۱ ، ۲۸ ، ۳۵ ،

، ۵۱ ، ۵۰ ، ۴۹ ، ۴۸ ، ۴۴

، ۶۳ ، ۶۱ ، ۵۸ ، ۵۵ ، ۵۲

، ۱۳۵ ، ۱۳۲ ، ۱۲۱ ، ۱۱۹ ، ۱۱۵

، ۲۳۷ ، ۲۳۱ ، ۲۰۷ ، ۲۰۶ ، ۱۴۵

، ۳۱۳ ، ۲۹۴ ، ۲۸۷ ، ۲۸۱ ، ۲۶۳

، ۴۳۲ ، ۴۳۱ ، ۴۳۰ ، ۳۲۰ ، ۳۱۹

؛ ۵۲۴ ، ۵۲۲ ، ۴۶۰ ، ۴۳۶

کقباد ۱۳۱

ویسہ - نوذر ، ۶۹ ، ۳۳۱ ،

، ۳۵۲ ، ۳۴۳ ، ۳۳۸ ، ۳۳۴

، ۴۲۲ ، ۳۵۵ ، ۳۵۴ ، ۳۵۳

۴۳۰

ہوشنگ - گیومرت ، ۵۱ ، ۵۴ ،

؛ ۶۴ ؛ ہوشنگ ، ۱ ، ۲۳ ؛ نوذر

۵۳

یاد خسرو - فریدون ۶۸۵

یاوگان - فریدون ۶۱۰ پ ، ۷۴۵ پ

## فهرست نام‌های

- آمل - فریدون ۴۴؛ منوچهر ۸۶۹،  
 ۱۰۴۷؛ نوذر ۱۰۵، ۴۹۷،  
 ۵۰۴، ۵۱۳، ۵۱۷، ۵۲۶؛  
 کعباد ۹۹
- ارمان - نوذر ۱۲۳، ۳۵۶  
 آروند (- رود) - ضحاک ۲۹۳،  
 ۲۹۴، ۲۹۶  
 اصطنخر - کعباد ۱۵۹  
 آلانان - فریدون ۸۰۱  
 آلانی دز - فریدون ۹۰۶  
 البرز (- کوه) - ضحاک ۱۴۰،  
 ۱۵۳، ۴۶۳؛ منوچهر ۸۱،  
 ۶۴۱؛ نوذر ۲۴۷؛ زوطهماسپ  
 ۱۵۰؛ کعباد ۱۸۱  
 اهواز - منوچهر ۸۰۸  
 ایران - دیباچه ۱۸۰، ۱۹۰؛  
 جمشید ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۷؛  
 ضحاک ۱۶۲، ۳۴۵؛ فریدون  
 ۷۲، ۲۷۹، ۲۸۰، ۳۰۰، ۴۶۹،  
 ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۸۸،  
 ۶۲۲، ۷۶۱، ۷۶۳؛ منوچهر  
 ۲۲، ۱۷۳، ۶۵۲، ۶۹۱، ۶۹۶،  
 ۸۴۵، ۸۵۰، ۱۰۶۱، ۱۲۱۵،  
 ۱۶۰۳؛ نوذر ۲۵، ۳۲، ۶۴،  
 ۷۷، ۷۹، ۸۵، ۹۲، ۱۰۸، ۲۳۵،  
 ۲۷۷، ۲۸۸، ۳۰۱، ۴۳۷، ۴۵۶،
- ۴۶۱، ۴۸۵، ۴۹۸، ۵۰۳؛  
 زوطهماسپ ۵۰، ۶۸، ۱۲۲،  
 ۱۴۰؛ کعباد ۸۶، ۱۰۲، ۱۲۴،  
 ۱۲۶، ۱۳۰
- ایران زمین - جمشید ۱۷۵، ۱۷۶؛  
 ضحاک ۱۴۳، ۱۵۸، ۳۴۱؛  
 فریدون ۲۷۱، ۳۰۱، ۸۹۷؛  
 منوچهر ۶۶، ۳۷۵؛ نوذر ۱۱۰،  
 ۲۴۲؛ زوطهماسپ ۱۲۱؛  
 کعباد ۱۱۴
- بامین - نوذر ۵۵۶  
 بست - منوچهر ۲۰۳؛ نوذر ۳۴۴  
 بغداد - ضحاک ۲۹۵  
 بیت المقدس - ضحاک ۳۰۷  
 بیشه‌ی نارون - فریدون ۷۹۰، ۸۰۹
- پارس - نوذر ۲۴۶، ۲۸۴، ۳۰۰،  
 ۳۱۲، ۳۴۰، ۵۴۰؛ زوطهماسپ  
 ۲۲؛ کعباد ۱۵۸
- تاتار - منوچهر ۸۰۸ پ  
 ترك - فریدون ۲۷۱، ۴۷۹؛ نوذر  
 ۲۴۲
- تمیشه - فریدون ۴۴، ۷۸۵، ۱۰۳۹  
 تور - زوطهماسپ ۱۸  
 توران - دیباچه ۱۸۰؛ نوذر ۶۲،  
 ۹۵، ۱۴۶، ۲۸۸، ۳۳۴،

کیقباد ۱۴۲	۳۳۶
دریای گیلان- فریدون ۱۰۴۴	توران زمین- فریدون ۲۷۵، ۸۸۵
دِزهوخت کنگ- ضحاک ۳۰۸؛	تعمیشه- فریدون ۴۴ پ، ۱۰۳۹ پ
فریدون ۹۵۵، ۹۶۳	جیحون- فریدون ۸۳۵؛ نوذر
دشت (سواران) نیزه‌وران (نیزه گزار)-	۱۱۶، ۳۵۷؛ زوطهماسپ ۴۶،
جمشید ۷۵؛ فریدون ۱۰۳، ۲۸۰	۵۴؛ کیقباد ۵۵، ۱۱۲، ۱۲۴
دشت قحطان- منوچهر ۸۳۶	چین- دیباچه ۱۸۳؛ فریدون ۲۷۱،
دشت گردان- فریدون ۲۷۱	۲۷۵، ۲۹۱، ۲۹۴، ۳۰۱، ۳۱۶،
دشت یلان- فریدون ۳۰۰	۳۳۷، ۴۳۳، ۴۸۵، ۵۱۹،
دماوند کوه- ضحاک ۵۰، ۴۷۸،	۷۵۸، ۸۰۹، ۸۲۷، ۸۹۷؛
۴۷۹	منوچهر ۳۶۱، ۳۷۵، ۴۵۷؛
دَنبَر- منوچهر ۲۰۲، ۲۶۷	نوذر ۱۱۴، ۲۴۲؛ زوطهماسپ
دَنبَل- منوچهر ۲۶۷ پ	۱۹
دَهستان- نوذر ۱۰۶، ۱۱۸،	چین دز- فریدون ۱۰۳۸
۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۴۲،	
۲۰۵، ۲۷۸، ۲۷۹، ۴۵۲	خانه‌ی پاک- ضحاک ۳۰۹
رابه کوه- نوذر ۲۴۷	خاور- فریدون ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳،
راوه کوه ← رابه کوه	۳۰۰، ۳۹۸، ۴۸۰، ۴۸۵،
رود آب (= رودابد)- زوطهماسپ	۶۱۹، ۶۲۲، ۷۱۵، ۷۵۸،
۴۸	۷۶۱، ۱۰۲۴؛ نوذر ۹۷، ۱۱۴
رودابد- زوطهماسپ ۱۸	ختن- زوطهماسپ ۱۹
رود ری- زوطهماسپ ۱۳۹	خرگاه- کیقباد ۱۱۲
روم- دیباچه ۱۷۹؛ فریدون ۲۷۱،	خوارری- نوذر ۵۴۳؛ زوطهماسپ
۲۷۲، ۳۰۰، ۳۱۶، ۳۳۸،	۳۴، ۱۳۹ پ
۵۱۹، ۸۲۷	
ری- نوذر ۴۵۲، ۵۰۴، ۵۲۶	دابه کوه ← رابه کوه
زابیل ← زاول	دامغان- کیقباد ۵۴
زابلستان ← زاولستان	دجله- ضحاک ۲۹۴، ۲۹۵
زاول- منوچهر ۲۷۰، ۴۷۵، ۵۱۳،	دریای بیکند- زوطهماسپ ۱۸ پ
۵۲۰	دریای چین- جمشید ۱۸۳؛
زاولستان- منوچهر ۱۶۴، ۲۰۳،	منوچهر ۲۰۲؛ کیقباد ۱۳
	دریای سند- منوچهر ۲۰۲

، ۱۱۴۶ ، ۱۱۴۲ ، ۱۱۱۸ ، ۱۰۷۵

، ۱۲۸۸ ، ۱۱۷۹ ، ۱۱۷۴ ، ۱۱۶۱

، ۱۳۷۳ ، ۱۳۶۲ ، ۱۳۳۴ ، ۱۳۳۱

؛ ۱۴۹۲ ، ۱۳۹۸ ؛ زوطهماسپ ۹۶؛

کیباد ۱۴۴

کاولستان- منوچهر ۳۹۶ ، ۴۳۹ ،

۱۱۰۸ ، ۱۰۴۹ ، ۹۳۱ ، ۸۲۰

، ۱۳۷۶ ، ۱۳۵۹ ، ۱۳۳۵ ، ۱۱۳۱

، ۱۳۹۵ ، ۱۴۹۱ ؛ نوذر ۳۴۴ ،

، ۴۰۵ ، ۴۱۸ ، ۴۸۳ ؛ زوطهماسپ

۹۲

کرجهان گوش- فریدون ۴۵

کَرساران ← کَرساران

کرمان- نوذر ۳۵۶ پ

کشمیر- دیباچه ۱۸۳

کنگ دزهوخت ← دزهوخت کنگ

کورابذ- منوچهر ۱۵۴۷ پ

کوه البرز ← البرز

کوه سِند- منوچهر ۱۵۷۸ پ

155 ، 131 ، 82 ، 69

گرزبان- نوذر ۵۵۶

گرگان- نوذر ۱۰۶

گرگسار- نوذر ۲۴

گرگساران- منوچهر ۲۲۴ ، ۶۴۲ ،

، ۱۰۳۶ ، ۹۷۰ ، ۸۷۸ پ ،

۱۴۲۸

گوراب- نوذر ۳۶۰ پ

گورابد- نوذر ۳۶۰

گورابه- منوچهر ۱۵۴۷ ؛ نوذر

پ ۳۶۰

مازندران- منوچهر ۲۲۴ ، ۶۸۱ ،

، ۱۰۳۶ ، ۹۹۶ ، ۹۷۰ ، ۸۷۸

، ۱۳۳۵ ، ۱۱۳۱ ، ۲۳۴ ، ۲۱۰

؛ ۱۵۲۵ ، ۱۴۹۴ ، ۱۴۹۱ ، ۱۳۷۶

نوذر ۱۲۶ ، ۳۶۷ ، ۳۵۶ ، ۳۴۴ ،

، ۴۰۵ ، ۴۱۸ ، ۴۲۴ ، ۴۸۳ ، ۵۰۶ ،

، ۵۱۴ ، ۵۱۷ ؛ زوطهماسپ ۲۳ ،

۵۱ ، ۹۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳۷ ، ۱۴۲

زاوه کوه ← رابه کوه

ساری- فریدون ۱۰۴۴ ؛ منوچهر

، ۴۷۹ ، ۴۵۱ ، نوذر ۸۶۹

، ۴۹۶ ، ۴۹۹ ، ۵۱۵ ، ۵۱۶

سینجاب ← سینجاب

سینجاب- زوطهماسپ ۴۸

سگسار- منوچهر ۶۸۱

سند- دیباچه ۱۷۹

سیستان- منوچهر ۲۱۲ ، ۱۴۲۱ ،

۱۴۲۴ ؛ نوذر ۳۵۷

شیر- زوطهماسپ ۱۸

شیرخوان- ضحاک ۴۷۳ ، ۴۷۵

طراز- منوچهر ۲۹۲ ، ۴۴۰ ، ۴۷۸

طوس- دیباچه ۲۰۴

قندهار- منوچهر ۸۰۸

قنوج- دیباچه ۱۷۹ ؛ منوچهر

، ۳۶۳ ؛ نوذر ۳۴۴

کابل ← کاول

کابلستان ← کاولستان

کاول- منوچهر ۲۰۲ ، ۲۶۷ ، ۲۷۰ ،

، ۲۷۴ ، ۴۷۵ ، ۶۴۳ ، ۷۴۳ ،

، ۷۵۶ ، ۸۰۱ ، ۹۲۰ ، ۹۲۹ ،

، ۹۶۸ ، ۹۷۳ ، ۱۰۴۷ ، ۱۰۵۷ ،

۱۴۳۰

ماورالنهر - کعباد ۱۱۲

مای - منوچهر ۲۰۲، ۲۶۷

مرغ - منوچهر ۲۶۷

نیمروز - منوچهر ۲۱۱، ۴۰۷، ۱۴۲۶؛

نوذر ۱۳۸، ۳۳۹؛ کعباد ۱۴۳

هند - دیباچه ۱۷۹؛ ضحاک ۳۵۶؛

منوچهر ۲۰۲، ۶۲۳

هندوستان - ضحاک ۱۳۹، ۳۵۶؛

منوچهر ۳۶۱، ۹۲۰

هیرمند - نوذر ۳۵۹، ۳۸۱

یمن - فریدون ۶۴، ۶۸، ۷۱،

۷۴، ۹۶، ۱۳۰، ۱۴۵، ۱۵۶،

۱۷۶، ۲۰۹، ۲۱۷، ۳۰۰، ۶۸۶،

۷۴۱، ۷۴۲، ۸۲۲؛ منوچهر ۸۱۳